سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

٥٤٣٩ [illegible]
٢٩٠٢ [illegible]
٢٤٨
٢٩
١٥/١/[illegible]
[illegible]

هو الله
رموز استخاره
از رخ علامت خوب
بیخ بسیار خوب
دید

عند في
الشروع في قراءة
قران اللهم بالحق انزلته
وبالحق نزل اللهم عظم رغبتي فيه
واجعله نوراً لبصري وشفاء لصدري
وذهاباً لهمي وحزني اللهم زين به لساني و
جمل به وجهي وقو به جسدي وثقل به ميزاني وارزقني
تلاوته على طاعتك آناء الليل واطراف النهار
واحشرني مع محمد صلى الله عليه
وآله الاخيار المنتجبين
الاطهار

بد
بسیار بد
وسط طلق وسط
بد طح وسط
خوب

هذا تجوید القرآن
من مؤلفات محمد بن علی بن محمد الحسینی اعلی الله مقامه

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی هدانا للایمان ورزقنا بمجاورة بیته وتلاوة القرآن والصلوة علی نبیه الذی ارسله بالدلائل والحجج وانزل علیه قرآنا عربیا غیر ذی عوج محمد خیر خلقه وخاتم النبیین واله واولاده الطاهرین **اما بعد** چنین گوید افقر العباد الی الله الغنی محمد بن علی بن محمد الحسینی که این رساله ایست مختصر در بیان تجوید قرآن وما یتعلق به ومرتب است بر مقدمه وشش باب وخاتمه **اما مقدمه** مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تفسیر الفاظ که محتاج الیه است بدانکه حرف آوازیست که بر مخرج تکیه کرده ومبداش از شش است **ومخرج** حرف موضعیست که آن حرف از آن موضع بیرون آید وطریق شناختن وی آنست که آن حرف را ساکن گردانند وهمزه بر سر وی افزایند وتلفظ کنند پس هر موضعیکه آن حرف بر آن موضع قرار گیرد آن موضع مخرج آن حرف باشد **وصفت** حرف عبارتست از عارضی که حرف بآن ممتاز شود از حرف دیگر اگرچه متحد باشد در مخرج مثل اطباق وانفتاح **وتجوید** در لغت خوب کردنست ودر اصطلاح اداء کردن هر حرفی از مخرج که مخصوص اوست باصفاتیکه مخصوصند بآن تا ممتاز شوند حروف متقاربه که نزدیکند باهم در مخرج مثل ت و ث وس وحروف متجانسه که متحدند در مخرج ومتغایرند در صفت مثل ت وط ودر **بحث دویم** در بیان آنکه واجبست خواندن قرآن بتجوید بدانکه نزد ارباب بصیرت ظاهر ومبرهن است که بعد از معرفت اصول دین واجب ترین فریضه‌ها نماز است وآن درست نمیشود مگر بخواندن قرآن بر وجهیکه خالی باشد از لحن وآن میسر نیست الا بعد از شناختن حروف تهجی ومخارج وصفات آن وامتیاز کردن حروف از یکدیگر و بدانکه لحن بر دو قسم است جلی وخفی اما لحن جلی آنستکه در کلمه یا در اعراب تغییر واقع شود واین همه کس را معلوم باشد خواه قاری باشد یا غیر قاری ولحن خفی آنستکه حرف از مخرج خود ادا نشود یا خللی در صفات وی حاصل شود واین معلوم نشود الا کسی را که فرا گرفته باشد قرآن را از استاد ماهر ومدت مدید تعب کشیده ودر ادای اشمام واظهار وتحقیق وتسهیل وادغام واخفاء واختلاس واشباع کوشیده ومخارج وصفات حروف دانسته ومحافظت حدود آن کرده وبسیار باشند که این معنی را ملاحظه کرده وقرآن را از استاد حاذق فرا نگرفته از جمله با تکبر یکه بآن مبتلا باشند قرآن خوانند بالحان وپندارند که طاعتی میکنند وحال آنکه معصیتی گرفتار باشند **ودر حدیث** است که خوانندهٔ قرآن بالحان وشنوندهٔ آن هر دو گناهکارند وقرآن ایشانرا لعنت کند **باب اول** مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در مخارج حروف بدانکه حروف تهجی که اصول کلام عربست بیست وهشت است وبعضی بیست ونه گفته اند والف را داخل داشته اند ومجموع این حروف از سه موضع بیرون آید **اول** حلق که عبارتست از قصبه شش که آنرا نای گویند **دویم** دهن **سیم** لب وبعضی مخارج حروف را سه گفته اند اما حلق را سه مخرج وحروف آن شش است بقول اول واصح است وهفت است بقول دویم مخرج اول ابتدای حلق است از جانب شش وآن مخرج همزه وهاست بقول اول والف نیز بقول دویم مخرج دویم میانه حلق است وآن مخرج عین وحا است بترتیب نیز مخرج سیم آخر حلق است وآن مخرج غین وخاست هم بترتیب نیز واین شش حرف را حلقی خوانند **واما دهن** را ده مخرج است وحروف وی هجده است واین مخرج دایر است بر چهار موضع از زبان وبن زبان ومیان زبان وکنار زبان وسر زبان با ملاحظهٔ دندان وکام **بدانکه** اکثر آدمیان را دندانها سی ودو باشد وبر چهار قسم است اول ثنایا که جمع ثنیه است وآن چهار دندان پیش است دو پائین دو بالا دویم رباعیات که جمع رباعیه است وآن نیز چهار است دو از زیر ودو از بالا پهلوی ثنایا از چهار جانب سیم انیاب که جمع ناب است وآنرا دندان نیش خوانند وآن نیز چهار است دو از زیر ودو از بالا پهلوی رباعیات چهارم اضراس که جمع

در بیان خواص وفواید ختوم وسور قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم در بیان ختوم متعلقه بآیات وسور وکلمات قرآنیست **ختم** ایة مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم برای هر مطلب که باشد هفتصد وهشتاد وشش بار این آیه را بخواند بعد از اتمام همین عدد صلوات بفرستد مجربست ودر بعضی نسخ دیده شد که یکصد وسی ودو مرتبه صلوات بفرستد **ایضا** جهة هر مطلبی دوازده هزار بار بخواند ودو رکعت نماز حاجت بر نیت بگذارد بعد از حمد هر سوره که خواسته باشد البته روزی کفایت خواهد شد **ایضا** از بزرگان ومشایخ منقول است که هر که در بلیته گرفتار شود وراه نجات برو مسدود گردد بعد از هر نماز نوزده مرتبه بگوید نجاة منک بآیتک الکریم نجنا وخلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم اگر در یک مجلس این کلمات را هفتصد وهشتاد وشش بار بخواند انجام آن تمام خواهد بود **بجهة** خلاصی از دست ظالم وحصول مهمات در خلوت هفتاد وسه مرتبه این کلمات را دو بعضی با طهارت بخواند وبعد از اتمام سه مرتبه صلوات بفرستد واز خدا حاجت خود را بخواهد انشاء الله برآورده است **بجهة** هلاکت ظالم هزار بار بسمله وهزار بار الحمد لله وهزار بار لا اله الا الله محمد رسول الله وهزار بار صلوات فرستد دفع ظالم شود والبته مجرب کرده وبمداومت باین امر موجب سعت روزی وصفای باطن است ختم مجرب ود. تا تحفة الکتاب کرم مرحوم مجلسی ره وبعضی دیگر از علماء متعرض شده اند ومجرب بود سبعه است که ابتداء ختم در روز جمعه بهترین اوقات بعد از نماز صبح است قبل از طلوع غسل کرده وبعد از نافله در فریضه صبح تسبیح فاطمه زهراء ع یکصد مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال وصد مرتبه صلوات بفرستد وبا کسی توجه ننماید

غوص است و این هر سه قسم است **اوّل** ضواحک که جمع ضاحك است و آن هم چهار دندانست دو در زیر و دو در بالا از چهار پهلوی انیاب **دوّم** طواحن که جمع طاحن است یعنی دندانهای آسیا و آن دوازده است از هر طرف شش سه از زیر و سه از بالا از چهار پهلوی ضواحک **سیم** نواجذ که جمع ناجذ است و آنرا دندان عقل گویند و نزدیک سی سالگی بیرون میاید و بعضی مردمان را اصلاً بیرون نیاید و آن چهار دندانست از هر طرف دو یکی زیر و یکی بالا از چهار پهلوی طواحن **مخرج چهارم** بن زبانست با انچه بالای اوست از کام و اوّل ملاذه بسوی حلق و آن مخرج قافست **مخرج پنجم** نیز بن زبانست اندکی از مخرج قاف زیرتر با انچه بالای اوست از کام و آخر ملاذه بسوی دهن و آن مخرج کافست و این دو حرف را لهوی گویند زیرا که از لهات خیزند و آن گوشت پارچه ایست آویزان محاذی حلق که بپارسی ملاذه گویند **مخرج ششم** میان زبانست با انچه بالای اوست از کام و آن مخرج جیم و شین و یا است بشرطیکه حرف مدّ نباشد بترتیب از جانب حلق و بعضی شین را مقدّم داشته اند و این سه حرف را شجری خوانند و شجر شکاف دهن را گویند که عبارت از میان دهن است **مخرج هفتم** کنارهٔ بن زبانست از هر طرف که باشد با انچه پهلوی وی است از دندانهای آسیا و آن مخرج ضاد است و آنرا ضرسی حافی خوانند زیرا که حافه کنارهٔ زبانست **مخرج هشتم** کنارهٔ زبانست از آخر مخرج ضاد تا سر زبان با کام چندانکه برابر ضاحك و ناب و ثنیه و رباعیه است از هر دو جانب و آن مخرج لام است **مخرج نهم** نیز کنارهٔ زبانست اندکی فروتر از مخرج لام با انکه نزدیک و پیشتر از کام بالا ترک از ثنایا و آن مخرج نون است **مخرج دهم** بعضی از سر زبانست با اندکی از بالای زبان و از کام اندک دیگر در برابر ثنایای بالا افتد و آن مخرج را است و بعضی گفته اند که این هر سه حرف از یك مخرج است و این هر سه حرف را ذلقی و ذولقی خوانند زیرا که لثه گوشت بن دندانست و ذلق کنارهٔ هر چیزیست **مخرج یازدهم** سر زبانست با بیخهای ثنایا چنانکه سر زبان اندکی بکام نزدیك شود و آن مخرج دال و طا و تا بود چنانکه مخرج تا اندکی بالاتر از مخرج دال بود و مخرج طا اندکی بالاتر از مخرج تا بقول بعضی و این حروف را نطعی نامند و نطع سقف دهن و شکنهای کام بالاست **مخرج دوازدهم** سر زبان و میان ثنایای زیرینست چنانکه اندکی گشادگی میان زبان و دندان نماید و آن مخرج زای و سین و صاد است و این حروف را اسلی خوانند و اسله باریکی سر زبانست **مخرج سیزدهم** تیزی سر زبانست با تیزی سر ثنایای بالا و آن مخرج ثا و ذال و ظا است و این حروف را لثوی و ذولقی نامند زیرا که لثه و ذولق تیزی سر زبانست **مخرج چهاردهم** اندرون لب زیرینست با سر ثنایای بالا و آن مخرج فاست **مخرج پانزدهم** میان دو لبست چنانکه بر هم نشیند و آن مخرج با و میم بود اما با از تری لب خیزد یعنی از کنار لب تا زاند دو لب و میم از بیرون پس اگر لب تر نشود با را نتوان درست گفت بلکه با بلفظ پا ز سبب گفته شود و اگر لبها بر هم نشیند مخرج واو نیست که حرف مدّ نباشد و این چهار حرف از لب حاصل شود و از این جهت ایشانرا شفوی گویند **مخرج شانزدهم** خیشوم است یعنی سوراخ بینی که غنه از آن بیرون میاید و آن مخرج میم ساکن و نون ساکن بود که از حروف فرعند و تنوین همان نون ساکن است الّا انکه او را در کتابت صورتی نیست و در وقف ساقط است و نباشد الّا در آخر کلمه و این حرف را غنوی گویند زیرا که غنه آوازیست که از خیشوم بیرون آید و این معنی ظاهر گردد در گفتن حروف مذکوره در حالت اخفا یا ادغام **مخرج هفدهم** جوف است که الف و واو ساکن ماقبل مضموم و یای ساکن ماقبل مکسور از آن بیرون آیند و از این جهت ایشانرا جوفیه گویند و حروف مدّ و لین هوائیه نیز باشند زیرا که آواز با ایشان کشیده میشود بی مشقتی ولیکن الف دیاو مذکور از هوای دهن بیرون آیند و از هوای لب وار تقاع صوت در الف بیشتر باشد پس معلوم شد که مخارج حروف هفده است و بعضی شانزده گفته اند و مخرج هفدهم را اعتبار نکرده اند

فصل دوّم در صفات حروف و مشتمل است بر سه بحث **بحث اوّل** در صفات لازمی مشهوره و حروف را آن نوزده است

اگرچه صاحب شاطبی شانزده گفته بنا بر انکه حروف مدّ و لین را یکی اعتبار کرده است و آن اینست جهر و همس شدّت و رخاوه میان شدّت و رخاوه اطباق انفتاح استعلا استفال مدّ لین اصلات اصمات تفشی انحراف تکریر استطاله قلقله و غنه **امّا جهر** بر داشتن آواز بود و حروف او هجده است بقول اوّل و نوزده است بقول دوّم و مجموع اینست ظلّ قو ربض اذ غزا جند مطیع و این حروف را مجهوره گویند زیرا که در تلفظ ایشان آواز بر داشته میشود بحدّ یکه نفس بسته میشود **و همس** بر داشتن آواز بود و حروف وی ده بود مجتمع در این قول حثه کسف شخصه و این حروف را مهموسه گویند جهت انکه در ادای ایشان آواز نرمی بیرون

بعد رسید که ابتداء از روز پنجشنبه نماید و در دعا اظهار مطلب نماید یکی در ایاك نعبد و ایاك نستعین و از بعضی مشایخ منقول است که بجهة خوف از سلطان یا از ظالمی یازده بار بگوید یا مالك یوم الدین و ایاك نستعین از آن شخص ضرر و آسیبی باو نرسد و اگر قاطع الطریق یا سبعی سر راه بر او بگیرد بعدد ملك

زحمن نگویند بجهة دولت واستدامت آن شروع نماید باین نحو که چهل و یکمرتبه سورهٔ حمد را بخواند بنحوی که غلط نشود بعد از اتمام بلا فاصله سیزده نوبت این دعا را بخواند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسّر یا مسهل سهّل یا مدبّر دبّر یا متمّم تمّم برحمتك یا ارحم الراحمین و در مدّت چهل و یکروز روزی چهل و یکنوبت در همان وقت و همان مکان بخواند البته هر گاه در وقت یا مکان یا عدد اختلافی هم رسد ختم را از سر گیرد و الّا بفضل تعالی در هفته اوّل اثرش ظاهر گردد و چون مطلب بعمل آمد هر چند که در تنظیم هم رسد با ید ختم را در چهل و یکروز تمام کند و بر نسخه بنظر رسید که باید بسم الله را بلام الحمد لله وصل نماید و در بعضی نسخ معتبره بعد شرایط مذکوره مسطور است باین نحو که مدّت چهل و چهار روز روزی چهل و یکمرتبه بعد از نماز صبح بخواند این دعا را نیز همان ترتیب بخواند خداوند او را غنی گرداند و قرض او را از خزانه کرم خود اداء فرماید

ایضاً بجهة برآمدن حاجات هرکه هر روز بگوید مرتبه فاتحه را باین نحو بخواند جمیع حوائج جزئی و کلّی او را خداوند روا فرماید بعد از نماز صبح بیست و یکمرتبه و بعد از نماز ظهر بیست و دو مرتبه و بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه و بعد از نماز مغرب بیست و چهار مرتبه و بعد از نماز عشاء ده مرتبه و اگر در هفته اوّل تاخیر واقع شود هفته دوّم بخواند که مجرّب مجاز بوده است و در [illegible] نسخ دیگر

میاید و بستگی در نفس پیدا نمیشود و همس و جهر ضد یکدیگرند **و شدت** عبارت است از قوة آواز و امتناع آن در جریان و حروف وی هشت است مجتمع در این قول اجدت کقطب و این حروف را شدید و مشدد گویند زیرا که در مخرج خود سخت شوند چنانکه در گفتن از غایت قوت آواز کشیده نمیشود تا بحدی که اگر ساکن باشند در مخرج مشدد میشوند مثل اجّ **و رخاوه** سستی است و جریان آواز در حرف او باسانی شود و حروف وی پانزده است بر قول اول و شانزده است بقول دویم مجتمع در این قول در اینکه وای اختلاف است حتی شخص هز فظ عض ثد و این حروف را رخوه و رخاوه گویند زیرا که در تلفظ با ایشان آواز بسستی بیرون آید و توان کشیدن و نفس تنگی نکند و میان شدت و رخاوه نه چنان قوی که شدید شود نه این چنین که رخوه گویند و این پنج حرف است مجتمع در این قول لن عمر **و اطباق** پوشیدنست و حروف وی چهار است مجتمع در این قول صض طظ و این حروف را مطبقه و منطبقه نیز خوانند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان چون طبقی شود و کام بالا که برابر اوست میپوشد **و انفتاح** گشاده شدنست ضد اطباق و حروف وی غیر حروف اطباق است و این حروف بیست و چهار است بقول اول و این حروف را منفتحه گویند زیرا که در تلفظ با ایشان زبان از کام گشاده میشود و کام بالا را نمیپوشاند **و استعلاء** طلب بلندی کردنست و حروف وی هفت است مجتمع در این قول قظ خص ضغط و این حروف را مستعلیه گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان میل ببالا میکند **و استفال** میل بپائین کردنست ضد استعلا و حروف وی غیر حروف مستعلا است و آن بیست و یکحرف است بقول اول و این حروف را مستفله گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان میل بپائین میکند و مد کشیدنست و حروف وی سه است واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور و الف مطلقا و ایشانرا حروف مد گویند زیرا که در تلفظ با ایشان کشیدن صوت لازم بود و لین نرمیست و حروف وی دو است واو و یاء که ساکن باشند و ما قبل مفتوح و این هر دو حرف را حروف لین گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان آواز بنرمی حاصل شود **و اعتلال** تغییر دادنست و تصرف کردن تا آنکه بدرجه صحت رسد و حروف وی مجتمعند در ترکیب آوی و این حروف را حروف علت گویند برای که در ایشان تصرف بسیار کرده تا بدرجه مقصود برسند مثل حذف و قلب و تسهیل چنانکه بیمار را معالجه گوناگون باید کرد تا صحت یابد **و صفیر** صدا کردنست یعنی وجود است و آن عبارت از صوتی بود که از میان دندان شنوده میشود و آن سه حرف است زای سین صاد و این حروف را صفیر از جهت آن گویند که از تلفظ با ایشان آوازی بیرون میاید از میان دندان و سر زبان **و تفشّی** از هم پاشیدن و پهن شدنست و حرف وی شین است و بعضی برآنند که حروف تفشی چهارند مجتمع در قول مشرف و شین را حرف تفشی خوانند از جهت آنکه در مخرج پراکنده و پهن میشود تا غایتی که بمخرج طا میرسد از جهت آنکه در تلفظ بان در میان کام و زبان بادی پراکنده میشود **و انحراف** میل کردنست و راء و لام حروف اوست و ایشانرا منحرف گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان بجانب درون کام میل میکند یا آنکه از مخرج خود میل بکناره زبان میکند و بعضی برآنند که لام منحرف است و بس **و تکریر** دوبار گفتنست و حرف وی راست و بس و انرا باین صفت خوانند از جهت آنکه در تلفظ دوبار گفته نشود **و استطالت** طلب درازی کردنست و کشیدن و حرف وی ضاد است و بس موصوفست باین صفت زیرا که بزودی تمام گفته نشود و تلفظ بان نتوان کرد الا بعد از مشقت بسیار و دیگر آنکه در مخرج دراز میشود تا غایتی که بمخرج لام میرسد یا آنکه در گفتن درازی دارد **و قلقله** جنبانیدنست و حروف وی پنج است مجتمع در این ترکیب قطب جد و این حروف را حروف قلقله از جهت آن گویند که در حال سکون در مخرج بجنبند تا ظاهر میگردد **و غنه** آوازیست که از خیشوم بیرون آید میم و نون ساکن را حروف غنه نامند چنانچه معلوم شد **بحث دوم** در صفات لازمی غیر مشهوره مثل ضغط که فشردنست و حروف قلقله را مضغوطه خوانند زیرا که در حالت وقف بر ایشان فشردن بر ایشان لازم بود چنانکه آوازی حاصل شود و غیر حروف مضغوطه را ساکنه گویند **و زلق** کناره هر چیزیست و حروف وی شش است ر ن ل ب ف م و ایشانرا مزلقه گویند که سه حرف اول از کناره زبان است و سه حرف آخر از کناره لب چنانچه معلوم شد و ضد مزلقه را مصمته گویند **و خفا** پوشیدنست و حروف وی چهار است ه و ای و ایشانرا خفیه از آن سبب گویند که از غایت سبکی وهم آن میشود که در وقت [illegible] پوشیده گردند و

بخواند خلاص شود بتجربه رسیده است بکرات و بعضت پیوسته **ختم** سوره مبارکه قل هو الله احد که از جمله ختوم مجربه معتبر است که سرآمد همه ختم ها است و از برای هر حاجت و مهمی مناسب است اینست که غسل کند و لباس پاکیزه بپوشد در مکان خلوت رو بقبله نشسته انگشتر عقیق سرخ یا فیروزج در دست نماید و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در بعد از حمد هر سوره که خواهد و بعد از نماز هفت بار سوره حمد را بخواند و صد بار صلوات بفرستد و صد بار سوره الم نشرح بخواند بعد از آن هزار و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و صد صلوات بفرستد و سوره حمد هفت مرتبه بخواند و سر بسجده بگذارد و مطلب خود را از خدا بخواهد که باجابت مقرونست و بعضی گفته اند در وقت خواندن بوی خوش بخور کند ابتدا از روز پنجشنبه نماید جمعه هم خوبست و پنجشنبه را روزه بدارد انسب و اولی است **و در** بعضی کتب وارد است این عمل در روز متبرکه بنماید انور باشد بجا بیاورد و هیچ شک در سرعت اجابت این دعوت نیست
ایضاً بجهت هر حاجت از مقاتل مرویست که مدت هفت روز بعد از نماز صبح هر روز یکصد بار سوره توحید را بخواند بدون تکلم با خضوع و خشوع هنوز هفته تمام نشده باشد که حاجتش برآورده شود -
ایضاً بتجربه رسیده که مدت چهل روز هر روزی سه مرتبه بخواند باین نحو که الله الصمد را هزار مرتبه تکرار نماید و هر روز بعد از اتمام عمل یکبار آیه نور و آخر سوره انا فتحنا که اوله ان اشداء علی الکفار است تا آخر بخواند در مکان خلوت با طهارت رو بقبله مراد حاصل گردد
ایضاً مرویست مدت چهل و یکروز هر روز چهل و یک مرتبه بخواند و بعد از آن دعای یا مفتح فتح تا آخر که در کیفیت ختم حمد مذکور شد بخواند حاجات دنیوی و آخروی او برآورده شود ان شاء الله تعالی عجیب و موثر است **ختم** آیة الکرسی در کتب معتبره از کتاب علماء شیعه بنظر حقیر رسیده که در تاثیر شریف آیة الکرسی ده وقف است هر که در وقت خواندن آن ده وقف را

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

زروی صطلاح اهل قرآن / بشنو ترتیل از لفظ پیمبر / دو چیز است آن یکی حفظ وقوفست
بود تجوید را تا دلیل برهان / حدیثی خوش معطر به ز عنبر / بدان دیگر که تبیین حروفست
اداکردن حروف از مخرج خویش / کر باشد راوی آن شاه مردان / بقاری هست واجب این رعایت / بجای خوش اداکاری تنزیل
باوصاف معین بی کم و بیش / علی مرتضی آن شیر یزدان / خوش آن حافظ که با این هدایت / زمن بشنو بیان حرف ترتیل

در بیان تعیین عدد تعداد مخارج

از این جهة ها را نصله خوانند حروف مدّ را بنیاد مدّ خوانند نزد همزه و سکون **ونفث** بیرون کردنست و ثا را منفوثه گویند زیراکه در گفتن ان بادی از مخرج ان بیرون میاید **وبحّة** فشردنست وحاء مهمله را مبحوحه میخوانند زیراکه در اداکردن فشردگی در حلق پیدا میشود که اگر فشردگی را بر دارند ها شود **وحزز** گرفتگی است وخاء معجمه را محروزه خوانند زیراکه در تلفظ بان مسموع میشود اوازی مثل اواز کسیکه حلقش گرفته باشد **ونفخ** دمیدنست وفا را منفوخه گویند زیراکه در وقت تلفظ بادی دمیده شود **ونبر** بلندیست وهمزه را منبوره گویند بنابر حدّ میکه دارد وازین جهة جماعتی او را تسهیل می کنند وبعضی برانند که نبر بلندیست وهمزه بلندترین حروفست ودر اداکردن قوت تمام باید کردن پس بجهة تخفیف تسهیل میکنند **وهوی** بمعنی صعود است یعنی برامدن بیالا والف را هاوی نامند بجهة انکه از تلفظ باو اواز بیالا بر میاید بیحرکت عضوی

بحث سیم در صفات عارضی مثل حرکات یعنی فتحه وضمه وکسره واشباع ووقف وروم واشمام واسکان وتخفیف وترقیق واختلاس واماله ومدّ وقصر وتوسط وتحقیق وتسهیل وابدال وحذف وادغام واظهار واخفاء وقلب **فصل سیم** در انکه هر حرف از حروف هجا چند صفت دارد از صفات لازمی مذکوره **بدانکه** همزه را هشت صفت است جهر شدّت انفتاح استفال اعتدال صمت سکون نبر **با را** هفت صفت است جهر شدّت انفتاح استفال قلقله ضغط زلق **تا را** شش صفت است همس شدّت انفتاح استفال صمت سکون **ثا را** هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صمت سکون نفث **جیم را** هفت صفت است جهر شدّت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **حا را** نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت بحه **خا را** نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استعلا سکون صمت حزز **دال** را نیز هفت صفت است جهر شدّت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **ذال** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال سکون صمت **را** را هشت صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال انحراف تکریر زلق سکون **زا** را هفت صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **س** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **ش** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال تفشی سکون صمت **صاد** را هفت صفت است همس رخاوه اطباق استعلا صفیر صمت سکون **ضاد** را هفت صفت است جهر اطباق رخاوه استعلاء استطالت سکون صمت **طا** را هفت صفت است جهر اطباق شدّت استعلاء قلقله ضغط صمت **ظا** را شش صفت است جهر رخاوه اطباق استعلا سکون صمت **عین** را شش صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال سکون صمت **غین** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استعلا سکون صمت **فا** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال نفخ سکون زلق **قاف** را هفت صفت است جهر شدّت انفتاح استعلا قلقله صمت ضغط **کاف** را هشت صفت است همس شدّت انفتاح استفال سکون صمت **لام** را هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال انحراف سکون زلق **میم** را نیز هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال غنه سکون زلق **نون** را نیز هفت صفت است بعینه **واو** را ده صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال مدّ لین اعتلال سکون صمت خفا **ها** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت خفا **یا** را ده صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صمت خفا مدّ لین اعتلال سکون **باب دوم** در بیان مدّ وقصر بدانکه مدّ در لغت کشیدنست وقصر ضدّ ان ودر اصطلاح کشیدن حروف مدّ ولین است زیادتر از کشیدنی که طبیعی ایشان است بنابر سببی وانرا مدّ فرعی وعارضی خوانند وقصر ترک ان اضافه زیادتیست که عبارتست از مدّ طبیعی وذاتی است وان بقدر یک الف باشد واین باب مشتمل است بر دو فصل **فصل اول** در بیان مدّ یکه در حرف مدّ واقع است بدانکه حرف مدّ سه است الف وواو ساکن ماقبل مضموم ویاء ساکن ماقبل مکسور چنانکه گذشت وسبب مدّ همزه است یا سکون که بعد از حروف مدّ واقع شود وهر یک بر دو قسم است زیراکه حروف مدّ وهمزه یا هر دو در یک کلمه اند یا انکه حرف مدّ در اخر کلمه اول است وهمزه در اول کلمه دویم ونیز سکون یا لازمیست یعنی ثابت در حالت وقف ووصل یا عارضی است که بسبب وقف یا ادغام عارضی شده است **اما** قسم اول که همزه ومدّ در یک کلمه باشند دو نوعند زیراکه همزه قبل از حرف

بعملی ورد بعد دعا کند دعای او مستجابست و قاعده ای او باین نحواست که ابتداء از انگشت کوچک نماید وبهر وقفی که میرسد انگشتی عقد نماید وختم بانگشت ابهام میکند ودر میان دو عین یشفع عنده هر حاجتی که خواهد از دعا وخیر طلب کند ودر میان دو میم یعلم ما بین ایدیهم از معقول دفع شر با شد طلب نماید وچون ده وقف تمام شود سه مرتبه سورهٔ الم نشرح وسه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند وسه مرتبه صلوات بفرستد وسر بسوی اسمان کند ودعا بخواهد وبعد ده مرتبه سورهٔ الحمد را بخواند وبعد از تمام هر چند یک انگشت از انگشتان معقوده بگشاید ودر وقت گشودن انگشتان ابتداء از انگشت ابهام دست چپ نماید تا انگشت خنصر دست راست که ابتدای عقد از او بوده وبعد از فتح همهٔ انگشتها باسمان نظر کند وبدمد وحاجت خود را بخواهد ودر بعضی نسخ وارد است که فتح اصابع بعد از خواندن سورها ودران نسخه متعرض نشده است که وقت گشودن اصابع فاتحه را بخواند واگر عامل بهر دو طریق عمل کند خوبست **ودر بعضی** کتابها طریق او را با چهل روز ذکر کرده اند وبجهة قضاء حاجات مختلف ده موضع ده وقف از این قرار است ۱ الله لا اله الا هو ۲ الحی القیوم ۳ لا تاخذه سنة ولا نوم ۴ له ما فی السموات وما فی الارض ۵ من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه ۶ یعلم ما بین ایدیهم ۷ وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء ۸ وسع کرسیه السموات والارض ۹ ولا یؤده ۱۰ وهو العلی

العظیم ودر بعضی نسخ عمل وقف ششم بعد از وما خلفهم بنظر رسیده مرویست که هر کرا مهمی پیش اید ودران عاجز ماند باید غسل کند بر نیت ان مهم آیة الکرسی بخواند بطریق ده وقف ودر میان دو عین یشفع عنده ان مهم را بخاطر بگذراند ان مهم بموجب مراد او بر اید وهر دعا یکه کند مستجاب واگر دشمن صعب داشته باشد بر نیت

سازمان اسناد

چو فهمیدی شوآمدم نغمه پرداز
بدان حرفست صوتی می‌شناس شش
اهمع حعخ قکض جشی لرن خان
زهر حرفی مخالف پرده‌ساز
بمخرج کرده یکجه ده دگر شش
طذت ظذث صزس موبون
چو عشاق از تو باشد نوائی
ولیکن حرف بیست و هشت میدان
بود مخرج ده و شش نزد اعراب
اول حلق و دوم اقصی اللسان است
بسازی راست آهنگ ادائی
ترتیب مخارج بشنو آن
شش اقسام هر دو فش یکی را
سوم حافر دیگر وسط لسان است

در بیان مخارج حروف به بیت هشت گانه

مدّ واقع شده است یا بعد از آن نوع اول را همه کس بقصر خوانده است مگر ازرق از ورش که بمدّ خوانده بر مثال اٰمن و ایمان و اٰتوا
و نوع دوم را همه کس بمدّ خوانده اما بتفاوت و از امدّ متصل و مدّ واجب نامند مثل جاۤءَ و جِیْۤءَ و سُوْۤءَ **امّا قسم** دوم که حرف
مدّ در آخر کلمه اول باشد و همزه در اول کلمه دوم مثل بِمَاۤ اُنْزِلَ و قَالُوْۤا اٰمَنَّا و فِیْۤ اَنْفُسِهِمْ و این قسم را مدّ منفصل و جایز خوانند بعضی
قرّاء بمدّ خوانند و بعضی بقصر **امّا** قسم سیم که سبب مدّ سکون لازمیست مدغم یا غیر مدغم مثل حَاۤقَّةُ و تُحَاۤجُّوْنِّیْ و قۤ و القُرْاٰن و همچنین
حرفیکه در اول سور واقع شده و در تلفظ بسه حرف ادا میشود و ما قبل حرف اخر حرف مدّ باشد و این قسم را مدّ لازم خوانند و جمیع بمدّ
خوانند بی تفاوت و امّا نزد بعضی در سکون مدغم زیادتر باید کشیدن **امّا** قسم چهارم که سبب مدّ سکون است بسبب وقف یا ادغام
عارض مثل الْاَلْبَابْ و یُؤْمِنُوْنْ و نَسْتَعِیْنْ و قَالَ لَّهُمْ و یَقُوْلُ رَّبَّنَا و فِیْهِ هُدًی بقراءت بعضی مثل ابو عمرو این قسم را مدّ عارضی نامند و در این وجه
سه قسم جایز باشد طول و توسط و قصر پس اگر حرف ساکن در اول مفتوح بوده باشد مثل یُؤْمِنُوْنَ در آن سه وجه بیشتر جایز نباشد و اگر
مکسور بوده باشد مثل یَوْمِ الدِّیْنِ چهار وجه جایز باشد سه مذکور و چهارم روم با قصر و در روم جایز نباشد الا قصر زیرا که وقف بروم
در حکم وصل است و اگر حرف ساکن در اول مضموم باشد مثل نَسْتَعِیْنُ در آن هفت وجه جایز باشد سه وجه سکون و یک وجه روم و سه
وجه اشمام در حکم سکون است چنانکه روم در حکم اعراب است **فصل دوم** در بیان مدّ یکه در حرف لین میباشد و آن واو ساکن
است یا یای ساکن که ما قبل ایشان مفتوح بوده باشد و سبب همزه است یا سکون چنانکه معلوم شد و همزه یا در میان کلمه است
یا آخر کلمه پس اگر همزه در میان کلمه باشد مثل سَوْءَةَ و کَهَیْئَةِ و اسْتَیْئَسَ و لَا یَیْئَسُ همه در اینجا بقصر خوانند مگر ازرق از ورش که
او بمدّ خوانده بطول و توسط الا در سَوْءَة که قصر نیز خوانند **و امّا** در مَوْئِلًا در کهف و الْمَوْءُدَةُ در تکویر نخواند الا بقصر مثل دیگران و
اگر همزه در آخر کلمه باشد مثل سَوْءٍ و شَیْءٍ ازرق از ورش دو وجه باشد طول و توسط وقفا و وصلا و غیر ازرق را سه وجه است
طول و توسط و قصر در حالت وقف بسکون یا باشمام امّا در حالت وصل یا وقف بروم جایز نباشد الا قصر و اگر سبب مدّ سکون باشد
عارضی یعنی سکون وقفی مثل خَوْفْ و بَیْنْ همه کس را سه وجه جایز باشد طول و توسط و قصر و اگر سبب مدّ سکون لازمی باشد مدغم
مثل هٰذَیْنِّ در قصص و اللَّذَیْنِّ در فصّلت بقراءت ابن کثیر یا غیر مدغم مثل عَیْنْ در کٓهٰیٰعٓصٓ و حٰمٓ عٓسٓقٓ دو وجه جایز باشد طول و توسط
نزد جمیع قرّاء و قصر نیز جایز باشد نزد بعضی **باب سیم** در بیان ادغام و اخفا و اظهار حروف و مشتمل است بر یک اصل و سه
فصل **اصل** در بیان معانی ایشان **بدانکه** ادغام در لغت فرو بردن است و در اصطلاح حرف اول را از جنس حرف دوم ساختن
اگر نباشد و ساکن گردانیدن اگر بوده باشد پس تلفظ کردن با هر دو حرف بر وجهیکه یک نوبت گفته شود مشدّد و غرض از ادغام
تخفیف است زیرا که زبان چون نطق بحرف نماید باز مراجعت بان محل باید کردن در مثلین و متجانسین یا نزدیک بان محل در متقاربین
تا نوبت دیگر نطق نماید و هم چنین کسیکه یک سخن را یکنوبت بگوید باز اعاده کند و این ثقیل مینماید پس از این جهة ادغام میکنند تا
زبان یک نوبت مرتفع نشود از جهة نطق دو حرف و اظهار ضدّ ادغام است و اخفاء میان ادغام و اظهار است یعنی پنهان
نه بحدّیکه از جنس آن دیگر شود و مشدّد گردد **فصل اوّل** در بیان ادغام و اظهار حروف متماثلین و متجانسین **بدانکه**
چون دو حرف متماثل یعنی متحد در مخرج و متغایر در صفات یا متجانس یعنی متحد در مخرج و متغایر در صفات متصل شوند با هم خواه
در یک کلمه و خواه در دو کلمه و حرف اول ساکن باشد و حرف مدّ نباشد ادغام حرف اول در حرف دوم واجب باشد نزد جمیع قرّاء
مثل یُوَجِّهْهُ و اللَّیْلِ نَحْصُدْتُمْ و مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَیْهِ و قَدْ دَخَلُوْا و قَدْ تَبَیَّنَ و قُلْتَ اَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا و اِذْ ظَلَمْتُمْ **امّا** در
مثل اَحَطْتُ و فَرَّطْتُ و بَسَطْتَ ادغام تام نباشد بلکه اطباق و جهر که از صفات طا اند باید گذاشتن بحال خود یعنی زبان را بکام
منطبق باید گردانید پس تا را تلفظ باید کردن **و امّا** در حرف مدّ مثل قَالُوْا وَ اَقْبَلُوْا و فِیْ یُوْسُفَ ادغام مطلق جایز نباشد زیرا که
مدّ بمنزله حرکت است **و امّا** اگر حرف در متماثلین و متجانسین مثل یُدْرِکْکُّمُ الْمَوْتُ و رَدَدْنٰهُمْ و قَالَ لَهُمْ و قَالَ رَبُّکُمْ غیر سوسی
از ابی عمرو و یعقوب بخلاف غنّه ادغام خوانند و باقی قرّاء باظهار لاجرم در ادای آن ملاحظه تمام باید کرد تا از یکدیگر ممتاز
شوند بتخصیص در حرف حلق و شفه و حروف علّه مثل لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا و مَنْ یَّبْتَغِ غَیْرَ و وَقَعَ عَلَیْهِمْ و زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ و نَعْلَمُ مَا یُسِرُّوْنَ
و اَعْلَمُ بِمَنْ فِیْهَا و قَذَفَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ و هُوَ وَجْهُهٗ و مِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ **فصل دوم** در بیان احکام نون ساکن و تنوین بدانکه

مغلوب شدن او شروع بکند ختم را بین تا چند روز که بتواند بخواند و در میان دو میم تعلیم قابینَ اَیدیهم دشمن با بنظر در آورد البتّه بی شک آن دشمن مغلوب گردد و گفته اند این عمل از جمله مجربات است **ایضا** بزرگان اکابر گفته اند که اگر کسی بعد نام خدا بخواند ابواب فتوحات بر روی او گشاده گردد و معاش با در دنیا و دو فقر و فاقه از او دور میگردد و اگر از نهایت عجیب شرعی بعد و اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثر عجیبی دارد **ایضا** مجرب ملاحظه شد که اگر کسیرا مهم باشد خواهد روی کفایت شود بصحرائی رود که در آن آدمی نباشد و خطی گرد خود بکشد و رو بقبله بتواضع بنشیند هفتاد بار آیة الکرسی تا و هو العلی العظیم بخواند بی شک در آن روز حاجت او بر آورده شود و در آن نسخه نوشته بود هذا مجرب لا شک و لا ریب فیه

ختم سوره مبارکه انعام مرحمت کرد هر که خواهد بروی فراخ گردد و حاجت روا شود شب پنجشنبه یا روز جمعه یا شب جمعه دو رکعت بقبله بنشیند اول سوره فاتحه را بخواند و شروع کند بخواندن سوره انعام تا ما اوتی رسل الله پس ملا فاصله برخیزد دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت آیة الکرسی و هفت بار سوره انا اعطینا را بخواند چون فارغ شود همان بخواند بقیه را از ابتداء الله اعلم حیث یجعل تا آخر سوره بخواند و بعد سر بسجده بگذارد و هفتاد بار بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله انگاه حاجت خود را بخواهد که انشاء الله بر آورده است **ختم** سوره مؤمنون هر کرا مهمی عظیم و مهلکه خصمی پیش آید که از علاج آن عاجز باشد مگسل حیله تا با این سوره را بسیل اتصال بخواند و بجز بجهة ضرورت تکلم ننماید و دعا از جای خود بر نخیزد از آن و ظهر خلاص شود و بعد

نخیزد از آن و ظهر خلاص شود و جمیع مکروهی از آن نمی‌رسد **ختم** سوره بنی اسرائیل بجهة هر امر عظیمی و مشکلی که از روی هدد و هر حاجتی و بلیه که داشته هفت سیر بلا فاصله تلاوت نماید البتّه مهمّ او کفایت شود **ختم** سوره طه هر که بخواند رزق او برسد از جائیکه گمان نداشته باشد و دلها از برای او نرم گردد و بر دشمنان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سه باشد مجهور حرف اول ستوده / در بیان حروف که از اقصای لسانست / نخست از طبقی از حلقه / در بیان مخرج خافیه	حروف حلق شش حرف تعداد / زان دو حرف مردو از دو دو	در بیان حروف حلق تجوید القرآن	ششم شعبی ای داعی سراز / بود از وسط غین و خا ز ادنی / چنانکه شد واردو ف تا قاف / دوام علی تیر از سوی زان دان	دو حرف لسان نجم نگو دار / آ از اقصای حلق و عین از وسط / از اقصای لسان و از کاف و قاف / اول از حلق از طبقی خوان

نون ساکن در وصل و وقف و در لفظ و خط ثابت است و در غیر آخر کلمه یافت شود چنانکه معلوم شد و ایشان را نزد حروف تهجی چهار حکم است اظهار و ادغام و اخفاء و قلب اما اظهار وقتی است که بعد از ایشان یکی از شش حرف حلق که همزه و ها و عین و حا و غین و خا واقع شود خواه در یک کلمه یا در دو کلمه و از برای هر حرفی سه مثال نموده میشود **مثال همزه** يَنْأَوْنَ مَنْ آمَنَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ **مثال ها** يَنْهَوْنَ إِنْ هُدَى قَوْمٍ هَادٍ **مثال عین** أَنْعَمْتَ مِنْ عَمَلٍ حَكِيمٌ عَلِيمٌ **مثال حاء** وَانْحَرْ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ **مثال غین** فَسَيُنْغِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ **مثال خاء** الْمُنْخَنِقَةُ مَنْ خَشِيَ نَفْسٍ خَالِدِينَ مگر ابو جعفر که در غین و خاء اخفا میکند الا در إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا در سورهٔ نساء فَسَيُنْغِضُونَ در بنی اسرائیل و الْمُنْخَنِقَةُ در مائده که در نزد او این کلمات اظهار میکند **اما** ادغام وقتی است که ایشان در آخر کلمه باشند و بعد از ایشان یکی از حروف یرملون واقع شود اما در راء و لام ادغام بلا غنه باشد و در باقی مع الغنه مگر خلف از حمزه که در واو و یاء نیز غنه نمیکند و بعضی نقل کرده اند که از ابی جعفر در راء و لام سه وجه ادغام بلا غنه و مع الغنه و اظهار و از برای هر یک از حروف سته دو مثال نموده میشود **یاء** وَمَنْ يَعْمَلْ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ **واو** مِنْ وَالٍ غَفُورًا رَحِيمًا **میم** مِنْ مَالِ اللَّهِ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً **لام** مِنْ لَدُنْهُ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ وَلَكِنْ لَا وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ **ن** مِنْ نَاصِرِينَ حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ **بدانکه** اگر نون در واو یا نون در یاء در کلمه واحد واقع شوند مثل صِنْوَانٌ وَقِنْوَانٌ وَالدُّنْيَا وَبُنْيَانٌ البته اظهار باید کردن تا مشتبه بمضاعف نشود مثل صوان و دیان **اما** قلب یعنی بدل کردن حرفی بحرف دیگر و آن وقتی است که بعد از ایشان باء واقع شود در یک کلمه یا دو کلمه که قلب بمیم باید کردن پس اخفاء مع الغنه مثل أَنْبِئْهُمْ وَمِنْ بَعْدِ صُمٌّ بُكْمٌ **و اما** اخفا وقتی است که یکی از پانزده حرف باقی بعد از ایشان واقع شود و اخفاء نباشد الا مع الغنه و از برای هر یک سه مثال نموده میشود **تا** أَنْتُمْ مَنْ تَابَ جَنَّاتٍ تَجْرِي **ثا** وَالْأُنْثَى مِنْ ثَمَرَةٍ جَمِيعًا ثُمَّ **جیم** يُنْجِي مَنْ جَاءَ غُثَاءً أَحْوَى **دال** أَنْدَادًا مِنْ دَافِقٍ كَأْسًا دِهَاقًا **ذال** وَأَنْذِرْهُمْ مِنْ ذَلِكَ حَكِيمٌ ذَلِكَ **زا** مُنْزَلًا مَنْ زَكَّاهَا مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ **سین** مِنْسَأَتَهُ مِنْ سَبَأٍ عَامِلًا صَالِحًا **شین** أَنْشَأْنَا مِنْ شَجَرَةٍ صَبَّارٍ شَكُورٍ **صاد** يَنْصُرُكُمْ مِنْ صَلْصَالٍ رِيحًا صَرْصَرًا **ضاد** مَنْضُودٍ مَنْ ضَلَّ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ **طا** الْمُقَنْطَرَةِ مِنْ طِينٍ صَعِيدًا طَيِّبًا **ظا** انْظُرْنَا مَنْ ظَلَمَ ظِلًّا ظَلِيلًا **فا** انْفِرُوا مِنْ فَضْلِهِ خَالِدًا فِيهَا **قاف** يَنْقَلِبُ مِنْ قَرَارٍ سَمِيعٌ قَرِيبٌ **کاف** مِنْكُمْ مِنْ كِتَابٍ كَرِيمٍ

فصل سیم در بیان احکام **بدانکه** میم ساکن را نزد حروف تهجی سه حکم است **اول** ادغام با غنه نزد میم خواه در یک کلمه یا در دو کلمه مثل ادغام نون ساکن در میم است مگر آنکه غنه در میم بیشتر است و در جمیع میمات مشدده این حکم جاری نیست مانند ثُمَّ و دَمَّرَ و صُمٌّ **و اما** چنانکه در میمات معلوم شد که ادغام مثلین **دوم** اخفاء با غنه نزد باء مثل وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ وَإِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ و اظهار نیز جاری است اما مختار وجه اول است نزد ابی عمرو و دانی و شاطبی **سیم** اظهار نزد باقی حروف خواه در یک کلمه یا دو کلمه مثل الْحَمْدُ لِلَّهِ أَنْعَمْتَ وَلَهُمْ عَذَابٌ مَعَكُمْ إِيمَانًا بخصوص نزد فا و واو که اظهار بیشتر باید کردن چون يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ وَعَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ اما ملاحظه نیز باید کردن تا متحرک نشود

باب چهارم در تفخیم و ترقیق و این مشتمل است بر یک اصل و سه فصل **اصل** در تعریف ایشان بدانکه ترقیق عبارت است از ضعیف گردانیدن حرف و تفخیم فربه گردانیدن حرف است یعنی آنکه روی زبان را بطرف کام بالا حرکت دهند در تلفظ براء یا لام چنانکه آواز بسبب او غلیظ شود لاجرم بنابراین گفته اند که تفخیم و تغلیظ هر دو بیک معنی اند مگر اینکه تفخیم را بیشتر در راء استعمال کنند و تغلیظ را در لام و اصل در راء تفخیم است و ترقیقش یا بسبب کسره است یا یاء ساکن بدلیل آنکه چون کسره زایل شود بسبب وقف بسکون ترقیق نیز زایل میشود مثل أَصْحَابُ النَّارِ که در وقف بسکون تفخیم باید کردن و اصل در لام ترقیق است و تفخیم بر یک نسق در الله ما قبل مفتوح یا مضموم واقع شود نزد جمیع قراء یا آنکه لام مفتوحه بعد از صاد یا طاء یا ظاء ساکنه یا مفتوحه واقع شود که از ورش تفخیم این لام کند چنانکه مذکور خواهد شد **فصل اول** در بیان تفخیم و ترقیق راست بدانکه هر رائی که هست یا متحرک است یا ساکن و متحرک یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور و ساکن ما قبلش یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور است یا ساکن پس اگر راء مکسور باشد یا ساکن ما قبل مکسور بکسره لازمی یا ساکنی که ما قبلش یاء ساکن باشد در این هر حال ترقیق باید کردن مثل ذِكْرٌ بِهِمْ و فِرْعَوْنَ و خَبِيرٌ در حالت وقف بسکون مگر آنکه راء ساکن ما قبل مکسور که بعد از او حروف استعلاء

باید وقت خواندن از طلوع صبح صادق است تا چاشت ختم سورهٔ ملک بنیت هر حاجتی که داشته باشد وضو بگیرد بنیت قضاء حاجت و استجابت دعا و تلاوت قرآن رو بقبله با حضور قلب صد مرتبه بخوانند و شروع در خواندن سوره نماید و حاجت خود را در سه جا بخاطر بگذراند و از خدا بخواهد حاجت خود را یکی بعد از امام مبین و یکی بعد از لعلهم یرجعون و یکی بعد از سلام قولا من رب رحیم و چون بان سلام برسد اول دو سه چهار و پنج تا هفتاد بار تا عشت بار مکرر کند و چون از سوره فارغ شود بگوید سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْغَافِرِ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ مَنْ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ پس بگوید اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَبْوَابَ خزائنك ... سورهٔ یس و بعضی گفته یا ارحم الراحمین صد نوبت بگوید یا مفرج الهم و بعضی گفته اند که در ... جمع لدنیا مقصود از هر حاجات را قاضی الحاجات عرض نماید ... حق را در اجابت ... نماید نوع دیگر یکه سوره را بخواند چون ... برسد هفتاد مرتبه تکرار نماید و مطلب را از خدا بخواهد که مجرب است طریقه دیگر آنکه از روز جمعه شروع کند تا روز پنجشنبه هر روز سه بار بخواند که در عرض یک هفته بیست و یکبار خوانده ... هر روز ...

دراغ دعای یا من تحل به عقد المکاره را در صحیفه سجادیه بخواند و اگر بخواند در یک مجلس ... و بگیرند سوره را بعدد برای هر مطلب مجرب است لکن بجهة وسعت رزق در روز پنجشنبه بخواند و بجهة دفع دشمن سه شنبه و بجهة دعوت و ترتیب روز یکشنبه بخواند **ایضا** طریقه دیگر از برای جمیع مطالب بجهة دنیوی در ختم سورهٔ یس در ش...

واقع

واقع شده باشد مثل قرطاس و مرصاد و فرق که تفخیم باید کردن جهة حرف استعلا و در فرق نیز ترقیق جایز است جهة انکه میان دو کسره واقع است و اگر راء ساکن ما قبل مکسور را کسرهٔ عارضی باشد تفخیم باید کرد مثل ارجعوا و رب ارجعون و اگر راء مفتوح یا مضموم یا ساکن ما قبل مفتوح یا ساکن ما قبل مفتوح یا مضموم مثل رَبَّنَا وَرَبُّ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ تفخیم باید کردن برای جمیع قراء مگر برای ازرق از ورش که ترقیق باید کردن و قتیکه ما قبل ان مکسور باشد بکسرهٔ لازمی و بعد از راء حرف استعلا باشد و در لفظ اعجمی نیز نباشد مثل آخره و بره اعم از انکه در میان کسره و راء حرف ساکن باشد یا نباشد مگر انکه حرف ساکن استعلا باشد غیر خا مثل مثل فطرا و فطرت الله و مصرا که در این صورتها نیز تفخیم کند اما اگر کسرهٔ لازمی نباشد مثل برسولهم و لربیتك یا انکه راء قبل از حرف استعلا باشد مثل فراق و الاشراق و الصراط و اعراضهم یا انکه راء مکرر باشد مثل ضرارا و فرارا و مدرارا یا انکه در لفظ اعجمی باشد مثل ابرهیم و اسرائیل و ارم علی الاصح ازرق تفخیم کند و نیز ازرق از ورش ترقیق کند در راء مذکور در وقتیکه ما قبل ان یاء ساکن باشد مثل الخیرات قدیرا و بصیرا مگر لفظ حیران در سورهٔ انعام که در ان ترقیق و تفخیم هر دو جایز باشد و در لفظ عشیرتکم در سورهٔ توبه که در ان نیز هر دو وجه جایز باشد بقول شیخ جزری **بدانکه** راویان ازرق در راء منون مفتوح که ما قبل ان مکسور باشد یا یاء ساکن هر دو زنی که باشد مثل شاکرا و مبصرا و مهاجرا و نفیرا و نصیرا و خبیرا در تفخیم و ترقیق اختلاف کرده اند بعضی مطلقا ترقیق کرده اند مثل ابی الحسن غلبون و بعضی مطلقا تفخیم کرده اند مثل ابی طاهر بن غلبون اما جمهور مثل ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبی تخصیص کرده اند تفخیم را بانکه فاصله باشد میانهٔ راء و کسره بحرف صحیح ساکن و این شش کلمه است ذکرا و سترا و وزرا و حجرا و امرا و صهرا **بدانکه** چون وقف کنند بسکون یا باشمام بر راییکه در اخر کلمه باشد اگر ما قبل ان مکسور باشد مثل الساحر و بعثر یا ساکن که بعد از مکسور باشد مثل السحر و بکر یا یاء ساکن باشد مثل قدیر و خبیر یا الف ممالة مثل النار و الابرار ترقیق باید کردن اگرچه در وصل مضموم یا مفتوح بوده باشد و اگر ما قبل آن یکی از اینها که ذکر شد نباشد تفخیم باید کردن اگرچه در وصل مکسور باشد و وقف بروم حکم وصل دارد نظر کنند هر جا که در وصل ترقیق میکرده اند در حالت روم نیز ترقیق کنند **فصل دویم** در بیان ترقیق و تغلیظ لام است بدانکه اصل در لام ترقیق است و تغلیظ بنا بر سببی است مثل مجاورهٔ حرف استعلا و لکن باید دانستن که مفخم تغلیظ لام نقل نکرده اند از ورش وقتیکه ما قبل لام یا بعد ان یا هر دو جانبش حرف استعلا باشد مثل لیتلطف و صلوة و خلطوا **اما** جمهور مثل ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبی مشدد یا غیر مشدد و ما قبل ان صاد یا طا یا ظاء مفتوحه یا ساکنه باشد مثل صاد مفتوحه الصلوة و صلوة و صلوته و ساکنه فصلی و یصلیها و اصلوها مثال طاء مفتوحه الطلاق و انطلق و بطل و مطلع الفجر مثال ظاء مفتوحه ظلموا و ظلمناهم و ظل و ساکنه و من اظلم و اذا اظلم و یظلمون و لکن در مثل یوصل و بطل و ظل که لام در طرف است در وقف دو وجه جایز است **اما** تغلیظ اولی است و در صلصال تغلیظ روایت کرده اند و لکن ترقیق اصح است چنانکه در شاطبیه مذکور است و هم چنین اگر در میان لام مفتوحه و حروف ص ط ظ مذکوره الف واقع شود ترقیق و تغلیظ هر دو جایز باشد در حالتین و لیکن تغلیظ اشهر است مثال فصالا در بقره و ان یصلحا در نساء و افطال در طه و طال در انبیاء و فصال در حدید و هم چنین در لا یصلی در قیمه و فصلی در سبح اسم ربك و اذا صلی در علق لا غیر که در اخر ایات اند در حالتین و در مصلی در بقره در حالت وقف و در یصلیها در اسری و و اللیل و یصلی در انشقاق و تصلی در غاشیه و سیصلی در تبت در حالتین دو وجه جایز داشته اند و لیکن در انسه کلمه که در اخر ایات اند ترقیق اولیست و در این شش کلمهٔ دیگر تغلیظ و در مصلی مذ وقف کرده شده زیراکه در وقف تغلیظ فقط باشد و می باید دانست که در ذوات ان تغلیظ لام با فتح ان باشد و ترقیق با امالة بین بین **مسئله** بدانکه جمیع ائمه قراء اتفاق کرده اند بر تغلیظ لام الله وقتیکه ما قبل ان مفتوح باشد یا مضموم مثل قال الله و رسول الله و اگر ما قبلش مکسور باشد باتفاق ترقیق کنند مثل الحمد لله و بسم الله **فصل سیم** در بیان تفخیم و ترقیق الف است **بدانکه** اصل در الف ترقیق است و تفخیم از عارض میشود بنا بر انکه بعد از حروف استعلا واقع شود و بر تبعیت حرف استعلا از تفخیم کنند و مراد از تفخیم اینجا تمام گفتن است باشباع فتحهٔ ما قبل مثل قال و ظالم و خالق و صالحا و ضامرا و الغارمین و طال تا اگر ما قبلش حرفی از حروف مستفله باشد البته ترقیق باید کردن مثل امن و ساء و

جا وقف کند در هر جا از انها حاجتی که دارند از امور دنیا و اخرت استدعا نماید که بعون الله قریب اجابت خواهد شد آورده کلمهٔ دیگر دویم در مستغفر لها تم ذکر من مرقدنا ۴ در کلمهٔ سلام قه و آن نبا ذلیء ء در کل یکرر و در هر وقف ابن دعا بخواند اللهم انت الاول فلیس قبلك شیء و انت الاخر فلیس بعدك شیء و انت الظاهر فلیس فوقك شیء و انت الباطن فلیس دونك شیء و انت الله العزیز الحکیم و در کل الباطل در تامل و هم فاصله عقب این دعا را بخواند اللهم انی اخذت علی کل نعمة و استغفرك من کل ذنب و اسئلك من کل خیر و استعذ بك من کل بلاء فانه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در فاصله عقب این دعا را بخواند اللهم صل علی روح محمد و آل محمد فی الارواح و صل علی جسد محمد و آل محمد فی الاجساد و صل علی قبر محمد و آل محمد فی القبور و صلی الله علی محمد و آل محمد اجمعین بگوید و در جواب ان کریمه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا اخر دعا این عبارت اللهم صل علی محمد فی الاولین اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الملاء الاعلی اللهم صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین اللهم اعط محمدا الوسیلة و الشرف و الفضیلة و الدرجة الکبیرة کما امنت بمحمد و لم اره فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من حوضه مشربا رویا سائغا هنیئا لا ظماء بعده ابدا اللهم کما امنت بمحمد و لم اره فعرفنی فی الجنان وجهه و بلغ روحه عنی تحیة کثیرة و سلاما اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتك و بارك علیهم بافضل برکاتك و الصلوة و السلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته

ختم سورهٔ حم دخان از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر که این سوره را بهر کفایت مهمات هفت بار بخواند جمیع مهمات او بر وجه کفایت شود و اگر این سوره را با خود دارد از شر دیو و پری ایمن باشد و در نظر مردم با هیبت بود و مردم او را دوست دارند **ختم سورهٔ احقاف** در کتاب خمات قرآن وارد است که هر که در مهلکه

فراداز کام اینجا این قدر دان | که در باید زبانت چار دندان

در بیان مخرج نون و واو

بود راس لسان و پشت دندان | تو در پشته باز انون بیدان
دگر نه حرف از طرف زبانست | و دیگر بر سه حرف نزد مکانست

یکی دندان ضاحک دانکه باب | رباعیه ثنایه تو دریاب
دگر بشنو مکان نون و بارا | از این بیچاره محزون یارا

بیان حروف طرف اللسان

بدان طا و دال و تا راس اللسان | بکامست سه طهی زرکت

جاءولَهٗ وَ بَاؤُا وغیره ذلک ومراد از ترقیق درا ینجا عدم اشباع فتحه ما قبل است یعنی قریب با ما له بین بین چنانچه از عربان شنوده میشود وحق اینست که تفخیم و ترقیق هر دو الف را عارض میشوند تفخیم بتبعیت حرکت استعلا و ترقیق بتبعیت حرف استفال و بی ذاته از هر دو مبراست **باب پنجم** در بیان هاء کنایه است و احکام وی **بدانکه** هاء کنایه هاء ضمیر است کنایه از واحد مذکر یا مضموم یا مکسور مع الاشباع مثل بهٖ و بلا اشباع مثل عَلَیْهِ و مراد از اشباع سیر گردانیدن حرکت است چنانکه در ضمه واو گفته شود و در کسره یا و اشباع تعبیر بصله نیز کنند و عدم اشباع را باختلاس یعنی سبک کردن بر حرکت بحیثیتی که چیزی از او کم شود اما در اینجا ضد اشباع است اما مضموم مع الاشباع وقتی است که ما قبل او مفتوح باشد یا مضموم و ما بعدش متحرک باشد مثل مَالَهٗ وَ وَلَدُهٗ و اِنَّهٗ حَکِیْمٌ و مکسور مع الاشباع وقتی است که ما قبل او مکسور باشد و ما بعد او متحرک مثل عَلٰی سَمْعِهٖ وَ بَصَرِهٖ و مضموم بلا اشباع بر دو قسم است متفق علیه و مختلف فیه متفق علیه اینست که بعد از هاء ضمیر حرف ساکن واقع شود خواه ما قبلش متحرک باشد یا ساکن مثل بِهِ اللّٰهُ و عَلَیْهُ اللّٰهَ و مختلف فیه اینست که ما قبل هاء ضمیر ساکن باشد و ما بعد آن متحرک مثل فَسَبِّحْهُ وَ اَدْبَارَ السُّجُوْدِ و اٰتَیْنَاهُ حُکْمًا و خُذُوْهُ فَغُلُّوْهُ زیرا که جمیع قراء بضمه مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بضمه مشبعه خواند یعنی بواو و مکسور بلا اشباع نیز بر دو قسم است متفق علیه و مختلف فیه متفق علیه اینست که بعد از هاء کنایه ساکن واقع شود و ما قبلش هر چه باشد مثل بِهِ الدِّیْنَ و عَلَیْهِ اللّٰهَ و مختلف فیه اینست که ما قبل آن یاء ساکن باشد و ما بعد آن متحرک مثل فِیْهِ هُدًی که جمیع قراء بکسره مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بکسره مشبعه خواند یعنی بیاء اما در فِیْهِ مُهَانًا که در قرآن حفص نیز بصله خواند یعنی بیا بدانکه بعضی احکام مذکوره در بعضی الفاظ مخصوصه جاری نخواهد بود مثل یَرْضَهُ و اَرْجِهْ و یَتَّقْهِ چنانکه در کتب قرائت مذکور است **باب ششم** در بیان وقف و این باب مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در بیان وقف بر اواخر کلمات **بدانکه** وقف در لغت بند کردن است و بریدن است و در اصطلاح بریدن کلمه است از ما بعد وی بآنکه ساکن گردانند یا روم کنند یا اشمام و روم در لغت جستن است و در اصطلاح ضعیف گردانیدن اعراب است بر وجهیکه شنونده نزدیک دریابد بشنود و اشمام در لغت بویانیدن است و در اصطلاح جمع کردن دو لب است بعد از اسکان حرف چنانکه بیننده دریابد و اشمام بسمع در نیاید نشود چنانکه روم ببصر و لیکن اصل در وقف سکون است زیرا که اخف است و صریح معنی اصل و در حرکات ثلث جاری است و روم جایز نباشد مگر در ضم و رفع و کسر و جر مثل اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و مِنْ قَبْلُ و مَالِكِ وَ هُوَ لَاهٍ و در فتح و نصب و جر جایز نباشد اصلا مگر نزد نحویان که جایز است و بعضی جهله قراء و در فتح و نصب مشدد جایز داشته اند و لیکن خطا کرده اند و اشمام جایز نباشد مگر در ضم و رفع و فایده وقف بروم و اشمام اینست که سامع از روم و ناظر از اشمام معلوم کنند که حرکت کلمه که وقف بر آن کلمه کرده شده است چه بوده است و باید دانست که روم و اشمام جایز نیست در سه چیز باتفاق **اول** در تاء تانیث زیرا که وقفش بهاست و اعرابش عارض تاء است جائیکه بتاء دراز نویسند که وقف برسم کنند یعنی بتا روم و اشمام نزد انکس جایز خواهد بود **دویم** در حرکت عارضی مثل قُلِ ادْعُوا وَ قُمِ الَّیْلَ و قُلِ ادْعُوا وَ انْحَرْ اِنَّ شَانِئَکَ زیرا که در اصل ساکنند و بسبب التقاء ساکنین در وصل اول و بسبب ثقل در دویم آخر حرکت عارض شود **سیم** میم جمع مثل عَلَیْهِمْ و بِهِمْ زیرا که اصل در میم جمع سکون است و ضمه عارض او میشود در حین صله بواو بقرائت بعضی در وصل اگر چنانچه بعد از وی ساکن بیاید که اگر ساکن بیاید باتفاق متحرک خواهد شد بحرکت عارض بجهت دفع التقاء ساکنین اما در هاء ضمیر مثل اِنَّهٗ وَ بِهٖ و اِنَّهٗ و عَلَیْهِ خلاف کرده اند مثل ابی عمرو و دانی که در هاء ضمیر روم و اشمام نزد او مطلقا جایز است و بعضی گفته اند که مطلقا جایز نیست و بعضی تفصیل کرده اند بآنکه در هاء مضموم که ما قبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یَعْلَمُهُ و اَتَوْهُ و نَصَرُوْهُ و در هاء مکسوره که ما قبلش مکسور باشد یا یاء ساکن مثل بِهٖ و فِیْهِ و عَلَیْهِ روم و اشمام هر دو جایز نباشد و در غیر اینها جایز باشد و بعضی مثل سبط خیاط تفصیل کرده اند بآنکه اگر ما قبل هاء ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز است مثل مِنْهُ نَعْقِلُهُ و اِلَیْهِ و اگر متحرک است جایز نیست مثل اَنَّهٗ و بِهٖ و صاحب شاطبی قول اول و سیم او زده **فصل دویم** در بیان وقف برسم خط بدانکه چون قاری خواهد که وقف کند بر کلمه از کلمات قرآن جهت استراحت نفس یا اختبار و اطلاع بر قواعد خط قرآنی اگر چه بر آن کلمه وقف نباشد باید که برسم مصحف

گرفتار شود این سوره را سه مرتبه بخواند خلاصی یابد ان شاء الله **ختم** سوره والنجم از اعظم ختوم است که هر که این سوره را بجهت برآمدن حاجات بیست و یکبار بخواند حاجت او بزودی برآید و روا میشود **ختم** سوره الذاریات و طلاق و مزمل و الم نشرح از برای زیادتی معیشت و وسعت رزق فال و منال مرزوق بودن مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ بنوعیکه عقول را و افکار از کیفیت آن عاجز باشند مداومت کردن باین چهار سوره است هر روزه بر سبیل استمرار و اگر یک روز فوت شود قضا نماید و این عمل مجرب و موثر است و علیک بالتجربه چنانچه مداومت کردن سوره والذاریات در همه اوقات رزق موجب دولت و ثروت میشود **ختم** سوره ق اگر کسی خواهد که در دولت و نعمت بر وی گشاده گردد و ابواب خیر بر او مفتوح گردد باید هر روزی سه مرتبه با وضو رو بقبله با ترتیل متصل بهم بخواند و از خداوند بخواهد مرتفع خواهد شد **ختم** سوره اذا وقعت از برای وسعت رزق و توسعه در امر معیشت تاثیر غریب دارد و از جمله مجربات است که تخلف ندارد باید ابتدا از شب شنبه بکند و هر شب سه مرتبه بخواند و شب جمعه هشت بار بخواند تا مدت پنج هفته همین نحو معمول دارد و قبل از شروع در سوره در هر شب این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَیِّبًا مِنْ غَیْرِ کَدٍّ وَ اسْتَجِبْ دَعْوَتِیْ مِنْ غَیْرِ رَدٍّ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ فَضِیْحَتِی الْفَقْرِ وَ الدَّیْنِ وَ ادْفَعْ عَنِّیْ هٰذَیْنِ بِحَقِّ الْاِمَامَیْنِ السِّبْطَیْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ ع **ایضا** طریقه دیگر باید از شب جمعه ابتدا نماید و هر شب پنج مرتبه بخواند که مجموع چهل و یک مرتبه باشد و در هر مرتبه که سوره ... یکمرتبه نیز

این دعا را بخواند هر که این ختم را بجا آورد توانگر گردد دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ رِزْقِیْ فِی السَّمَاۤءِ فَاَنْزِلْهُ وَ اِنْ کَانَ فِی الْاَرْضِ فَاَخْرِجْهُ وَ اِنْ کَانَ بَعِیْدًا فَقَرِّبْهُ وَ اِنْ کَانَ قَرِیْبًا فَیَسِّرْهُ وَ اِنْ کَانَ قَلِیْلًا فَکَثِّرْهُ وَ بَارِکْ لَنَا فِیْهِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **ایضا** طریقه دیگر مرحوم مجلسی ره از حضرت سید الساجدین علیه السلام

چه باسته بعع نزد اهل قرآن / ولیکن گر زبان بیرون کنی زان
سه دیگر زا و سین و صاد باشد / نزد تحسان کهین راه پوینه
شکم کام ولای دو دندان / شود معلوم آندم مخرج آن
مراز استاد این اسناد باشد / بنام این هر سه را صفیر خوانند
دگر ظا و ذال و ثا دان کز شامت / بدان کانها که قرآن کلامند
ز بار یکی زبان هیاز ملفوظ / کاندم میشوند از جمله ملفوظ
ثنایا تیزی دندان با دوست / حروف ز لقی و ذو لقش خوانند

بیان حروف مثنوی

وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابی عمرو و کسائی و یعقوب که وقف ایشان بر رسم نیست پس لاجرم باید دانستن رسم مصحف را از تاء و تانیث و مقطوع و موصول و این فصل مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تاء و تانیث بدانکه ائمانی که در ایشان در مصحف بتاء دراز نوشته است بقیت و پنج لفظ است یکی رحمت در هفت موضع یرجون رحمت الله در بقره و ان رحمت الله قریب در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم الی آثار رحمت الله در روم و هم یقسمون رحمت ربک خیر هر دو در زخرف **دوم** نعمت در یازده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در آل عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله لا تحصوها هر دو در ابرهیم و بنعمت الله هم یکفرون یعرفون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در نحل و فی البحر بنعمت الله در لقمن و اذکروا نعمت الله علیکم و بنعمت ربک در طور **سیم** امرأت در هر جا که مضاف بشوهر شود و آن هفت موضع است امرأت عمران در آل عمران و امرأت العزیز تراود و امرأت العزیز الآن هر دو در یوسف و امرأت فرعون در قصص و امرأت نوح و امرأت لوط و امرأت فرعون هر سه در تحریم **چهارم** کلمت در پنج موضع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت کلمت ربک الحسنی در اعراف و کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لا یؤمنون هر دو در یونس و حقت کلمت در غافر لیکن در دوم یونس و در غافر اختلاف کرده اند **پنجم** سنت در پنج موضع سنت الاولین در انفال الا سنت الاولین و لسنت الله تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در فاطر و سنت الله التی در غافر **ششم** لعنت در دو موضع لعنت الله علی الکاذبین در آل عمران و ان لعنت الله در نور **هفتم** معصیت نیز در دو موضع معصیت الرسول و اذا تناجوا و معصیت الرسول و تناجوا هر دو در قد سمع الله **هشتم** بقیت الله در یک موضع بقیت الله خیر لکم در هود **نهم** قرت نیز در یک موضع قرت عین در قصص **دهم** فطرت نیز در یک موضع فطرت الله در روم **یازدهم** شجرت نیز در یک موضع شجرت الزقوم در دخان **دوازدهم** جنت نیز در یک موضع جنت نعیم در واقعه است **سیزدهم** ابنت در یک موضع ابنت عمران در تحریم **چهاردهم** آیات در دو موضع آیات للسائلین در یوسف آیات من ربه در عنکبوت **پانزدهم** یا ابت در هر جا که واقع شود **شانزدهم** ذات در هر جا که واقع شود **هفدهم** بینت در یک موضع فهم علی بینت منه در فاطر **هیجدهم** غرفت در یک موضع فی الغرفات آمنون در سبا **نوزدهم** ثمرت در یک موضع من ثمرت من اکمامها در فصلت **بیستم** جمالت نیز در یک موضع جمالت صفر در والمرسلات **بیست و یکم** اللات در یک موضع افرأیتم اللات و العزی در والنجم **بیست و دوم** هیهات در دو موضع هیهات هیهات لما توعدون در مؤمنون **بیست و سیم** غیابت در دو موضع و القوه فی غیابت الجب و ان یجعلوه فی غیابت الجب هر دو در یوسف **بیست و چهارم** لات در یک موضع لات حین مناص در ص **بیست و پنجم** مرضات در چهار موضع نفسه ابتغاء مرضات الله و اموالهم ابتغاء مرضات الله هر دو در بقره و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله در نساء و تبتغی مرضات ازواجک در تحریم **بحث دوم** در مقطوع و موصول بدانکه هر کلمه که دو حرف یا بیشتر بود اصل آنستکه منفصل بود از کلمه که بعد از آنست خواه آن کلمه حرف بود یا اسم یا فعل مگر الف و لام تعریف و یاء ندا و هاء تنبیه و ضمیر منفصل و حروف مقطعات مثل الارض و یا آدم و هؤلاء و ضربنا و الم مگر چیزیکه در مصحف امام نوشته اند که در این شش قسم موصول نویسند مگر بسببی و از مقطوعات آنچه ذکر کرده اند هیجده است **اول** این ما هر جا که واقع شود مقطوع است مگر اینما تولوا فثم وجه الله در بقره و اینما یوجهه در نحل که این هر دو باتفاق موصولند و اما در اینما تکونوا یدرککم الموت و اینما کنتم تعبدون در شعراء و اینما ثقفوا در احزاب خلاف کرده اند لکن در نساء در بیشتر مصاحف مقطوع است **دوم** حیث ما هر جا که واقع شود مقطوع است باتفاق **سیم** لبئس ما مقطوع است در پنج موضع لبئس ما شروا در بقره و لبئس ما کانوا یعملون و لبئس ما کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا یفعلون و لبئس ما قدمت هر چهار در مائده **چهارم** بئس ما هر جا که واقع شود موصول است مگر قل بئس ما یأمرکم در بقره که در اکثر مصاحف مقطوع است **پنجم** فبئس ما مقطوع است در یک موضع فبئس ما یشترون در آل عمران مگر بقول ضعیف **ششم** کل ما مقطوع است در پنج موضع کل ما سألتموه در ابرهیم و کل ما ردوا در نساء و کلما دخلت در اعراف و کل ما جاء امة در مؤمنون و کلما القی در ملک ولیکن در سوره ابرهیم بلا خلاف

نقل کرده اند که ان اول شهر یوم الاثنین فابتدأ بقراءته اذا وقفت الی یوم الرابع عشر کل یوم علی عدد الایام بحیث یقرء یوم الرابع عشر اربعة عشر مرة و فی کل ختم اقرء الدعاء الاتی مرة و هذا العمل المجرب لوسعة الرزق و تسهیل الامور المشکلة و الدیون مجرب عجیب و ان لکم من المحال ان لا تنهم البتة و لا تخفی قدره و لا تبذل بسهرها و لله هذا یا واحد یا احد یا ماجد یا جواد یا حلیم یا حنان یا منان یا کریم اسئلک نفحة من نفحاتک تلم بها شعثی و تغنی بها دینی و تصلح بها شأنی برحمتک یا سیدی اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه و ان کان بعیدا فقربه و ان کان قریبا فیسره و ان کان قلیلا فکثره و ان کان کثیرا فبارک لی فیه ما رزقته علی ایدی خیار خلقک لا تحوجنی الی شرار خلقک و ان لم یکن فکونه بکینونتک و وحدانیتک اللهم انقلنی الی عزک انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و تمم علینا نعمتک و هنئنا کرامتک و البسنا عافیتک

ایضا یا چهل و دو روز اول وقت و مزمل و الم نشرح هر یکبار یا من یزید بخواند بعده اول دین و دفع فقر و وسعت رزق تجربت و از مودمانست و بعد از خواندن چهار سوره در هر روز این دعا بخواند یا رازق المساکین یا ولی المؤمنین یا غیاث المستغیثین یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکفنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک یا اله العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین **ختم** سوره انا فتحنا هم مجرب است و بسیار

اربعین عمل بسیار بطلب سده اند ابتداء کند از روز شنبه روزی پنج مرتبه بخواند در روز جمعه یازده مرتبه بخواند بعد از هر مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بخواند چون چهل و یکم تمام شود یازده مرتبه بخواند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین

در باقی مع خلاف امّا مشهور در جمیع وصل است **هفتم** اِنَّ مَا بهمزه مکسوره و نون مشدّده مقطوع است در دو موضع
اِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ در انعام و اِنَّ مَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَیْرٌ در نحل در بعضی مصاحف موصول است **هشتم** اَنَّ مَا بهمزه مفتوحه
و نون مشدّده مقطوع است در دو موضع اَنَّ مَا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ در حج و لقمان وَاَنَّ مَا غَنِمْتُمْ در انفال در اکثر مصاحف
موصول است **نهم** اِنْ مَا بهمزه مکسوره و نون ساکنه مکتوب است در جمیع قرآن بغیر نون مگر در یک موضع که اِنْ مَا نُرِیَنَّكَ در
رعد مکتوب است بنون **دهم** اَمْ مَنْ در چهار موضع مقطوع است اَمْ مَنْ یَکُونُ عَلَیْهِمْ در نساء و اَمْ مَنْ اَسَّسَ در توبه و اَمْ مَنْ خَلَقْنَا
در والصافات و اَمْ مَنْ یَاْتِی آمِنًا در فصلت **یازدهم** فی ما در یازده موضع مقطوع است فی ما فعلن فی انفسهن در بقره بلا خلاف
و در ده باقی مع خلاف مکی و جمهور نیز بر قطع اند و آن ده بیت فی ما فَعَلْنَ فِی اَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ در بقره و لِیَبْلُوَکُمْ فِی مَا
آتٰیکُمْ در مائده و فی ما اوحی در انعام و فی ما [illegible] هر دو در [illegible] و فی ما اشتهت در انبیاء و فی ما افضتم در نور و فی ما رزقناکم در روم
و فی ما هم فیه در زمر و فی ما کانوا فیه هر دو در زمر و فی ما لا تعلمون در واقعه **دوازدهم** مِنْ مَا مقطوع است در سه موضع مِنْ مَا
مَلَکَتْ در نساء و مِنْ مَا مَلَکَتْ در روم و مِنْ مَا رَزَقْنَاهُمْ در منافقون و لکن در منافقون خلاف است **سیزدهم** عَنْ مَا در یک
موضع مقطوع است عَنْ مَا نُهُوا در اعراف **چهاردهم** عَنْ مَنْ در دو موضع مقطوع است عَنْ مَنْ یَشَاءُ در نور و عَنْ مَنْ تَوَلّٰی در نجم
پانزدهم اَنْ لَا بهمزه مفتوحه و نون ساکنه در یازده موضع مقطوع است حَقِیقٌ عَلٰی اَنْ لَا اَقُولَ و اَنْ لَا یَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ
هر دو در اعراف و اَنْ لَا مَلْجَاَ در توبه و اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ و اَنْ لَا تَعْبُدُوا اِلَّا اللّٰهَ اِنِّی اَخَافُ هر دو در هود و اَنْ لَا تُشْرِکْ بِی شَیْئًا
در حج و اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطٰنَ در یس و اَنْ لَا تَعْلُوا عَلَی اللّٰهِ در دخان و اَنْ لَا یُشْرِکْنَ بِاللّٰهِ در ممتحنه و اَنْ لَا یَدْخُلَنَّهَا الْیَوْمَ عَلَیْکُمْ در
نون و اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ در انبیاء و لکن در انبیاء خلاف است امّا در اکثر مصاحف مقطوع است **شانزدهم** اَنْ لَنْ در جمیع
قرآن بنون مکتوب است مگر در اَلَّنْ نَجْعَلَ لَکُمْ مَوْعِدًا در کهف و اَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ در قیمه که این هر دو بی نون مکتوب است باتفاق
هفدهم اِنْ لَمْ بهمزه مکسوره در جمیع قرآن بنون مکتوب است مگر فَاِلَّمْ یَسْتَجِیبُوا لَکُمْ در هود که بلا نون مکتوب است باتفاق و فَاِنْ لَمْ
یَسْتَجِیبُوا در قصص و لکن در اکثر مصاحف بنون مکتوب است **هیجدهم** اَنْ لَمْ بهمزه مفتوحه در جمیع قرآن بنون مکتوب است مثل
اَنْ لَمْ یَکُنْ اَنْ لَمْ یَرَهُ **نوزدهم** لِکَیْ لَا در جمیع قرآن مقطوع است مگر در چهار موضع که موصول است لِکَیْلَا تَحْزَنُوا عَلٰی مَا فَاتَکُمْ
در آل عمران و لِکَیْلَا یَعْلَمَ در حج و لِکَیْلَا یَکُونَ عَلَیْکَ حَرَجٌ در احزاب و لِکَیْلَا تَاْسَوْا در حدید و لکن در آل عمران در بعضی مصاحف
بقطع نوشته اند **بیستم** یَوْمَ هُمْ در جمیع قرآن موصول است مگر در دو موضع که مقطوع است یَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ در غافر یَوْمَ هُمْ
عَلَی النَّارِ یُفْتَنُونَ در والذاریات **بیست و یکم** ابْنَ اُمَّ فی قوله قال ابن امّ در اعراف مقطوع است و در طه موصول یعنی بیاء ندا و
همزه امّ بصورت واو است یَبْنَؤُمَّ **بیست و دوم** مال بدانکه لام جاره [illegible] در چهار موضع مقطوع است فَمَالِ هٰؤُلَاءِ
الْقَوْمِ در نساء و مَالِ هٰذَا الْکِتٰبِ در کهف و مَالِ هٰذَا الرَّسُولِ در فرقان فَمَالِ الَّذِینَ کَفَرُوا در معارج و در باقی موصول **بیست**
و سیم وَلَاتَ حِینَ مَنَاصٍ در ص در اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی موصول یعنی تاء لات بحاء حین متصل است و
فایده در دانستن مقطوع و موصول آنست که در مقطوع در وقف نمودن در آخر هر کلمه وقف [illegible] و در موصول بگوید در آخر کلمه
دوم بدانکه غیر [illegible] مذکور [illegible] است [illegible] موصول نوشته [illegible] مِمَّ و عَمَّ و وَیْکَاَنَّ گرچه کسائی وقف بر یا میکند و ابو عمرو بر کاف
وَاَلَّا یَسْجُدُوا در نمل اگرچه کسائی وقف بیاء میکند و ابتدا باسجدوا و نیز که باء حرف نداست **فصل سیم** در بیان احکام
وقف است بدانکه چون قاری قادر نباشد که قصه تمام شود یا سوره را بیکنفس تواند خواند لاجرم او را اختیار وقف باید کردن
از برای تنفس و استراحت و بقصد حسن ابتداء بعد از آن تا معانی و اعجاز قرآن از خلل و نقصان محفوظ باشند و خواننده و شنونده
از آن محظوظ گردند و ائمه اهل وقف بسیار اند [illegible] شیخ جزری [illegible] که وقف بر دو قسم است اختیاری و اضطراری [illegible]
در حال وقف کلام تمام است یا ناقص **اوّل** اختیاری **دوم** اضطراری امّا اختیاری آنکه کلام تمام باشد خالی نیست
که تعلق با ما بعد دارد از جهة لفظ و معنی یا ندارد پس اگر اصلاً تعلق بما بعد ندارد وقف را تام گویند زیرا که سخن در وی تمام
شده است و این وقف در رؤس آی میباشد مثل وقف بر مالک یوم الدین و ابتداء از ایاک نعبد و وقف بر اولئک هم المفلحون

[illegible] **ختم سوره** [illegible]
[illegible] ایضا
[illegible] سوره مبارکه را بخواند [illegible]
[illegible] سوره مبارکه [illegible] بترتیب بخواند [illegible]
[illegible] مهربان شوند [illegible]

کنند و یکبار سوره مبارکه را با آب بخوانند هر [illegible] آن آب بخورند [illegible] حاصل شود و کسی که قرض دار باشد سوره مبارکه را مداومت نماید [illegible]
مکتوب [illegible] سوره مبارکه [illegible] مریض [illegible] صحت یابد [illegible]

نمائی گر تو ترک خویشتن بینی | بجوم تا تو بات دُ انف بنی
فائدهٔ کلیه
مخارج گرچه کردم جمله تبیین | سود دارز بان مرقوم سازم
دگر اسهل بیان حسن زیب | حروفانش تر معلوم سازم
بدان آواز منی عنه باشد | سود ز بجاعار (۱۲) باشد

وابتداء از ان الذین کفروا وکذا هست که دو میان آیه هم میباشد مثل وقف بر لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وابتداء از وکان الشیطان خذولا واگر کلام تعلق بما بعد دارد از جهه معنی انرا وقف کافی خوانند زیرا که وقف در وی پسندست وابتداء از مابعد وی جایز است واین وقف نیز در رؤس آیه میباشد وغیر ان مثل وقف بر مما رزقنهم ینفقون وابتدا از والذین یؤمنون و وقف بر من قبلک وابتداء از وبالاخرة هم یوقنون واگر تعلق بما بعد دارد کلام از جهه لفظ انرا وقف حسن گویند زیرا که در نفس الامر وقف در ان حسن و مفید است اما در ان جایز نیست ابتداء از مابعد ان مثل وقف بر الحمد لله وابتداء از رب العالمین مگر انکه سر آیه باشد زیرا که اگرچه کلام ربط بما بعد دارد لیکن اهل اداء اختیار وقف کرده اند بلکه وقف بر رؤس آیه مطلقا سنت سید المرسلین است از ام سلمه منقول است که حضرت رسالت در قراءت قطع آیه میکرد و میگفت بسم الله الرحمن الرحیم و وقف میکرد بر وی وابتداء از الحمد لله رب العالمین میکرد و وقف مینمود و بر این قیاس تا آخر سوره **واما وقف** اضطراری را وقف قبیح گویند جهه عدم فائده واین وقف جایز نباشد مگر بضرورت قطع نفس با اختیار مثل وقف بر الحمد و وقف بر یوم در یوم هم بارزون در غافر و یوم هم علی النار در والذاریات و وقف بر من در من قاموا در اعراف اما ایجه شیخ عبد الله السجاوندی در باب وقف از رموز وضع کرده شش است م ط ج ز ص لا **اما م** علامت وقف لازم است یعنی اگر وقف بر وی نکند و بوصل خواند وهم انکه در معنی تغیر واقع شود چون وصل انهم اصحاب النار الذین یحملون العرش **واما ط** علامت وقف مطلق است دو وقف بر وی وابتداء از مابعد وی محکم خوب است نزد جمیع ائمه مثل وقف بر کلمه یوقنون وابتداء از اولئک **واما ج** علامت وقف جایز است مثل وقف وهم دو وصل بر وی روا بود وابتداء از مابعد وی جایز ولیکن وقف بهتر است مثل وقف بر لا ریب فیه وابتداء از هدی للمتقین **واما ز** علامت وقف مجوز است یعنی اصل در وی وصل است ولیکن وقف بر وی جایز است ابتداء از مابعد وی مثل وقف اشتروا الحیوة الدنیا بالاخرة وابتداء از فلا یخفف **واما ص** علامت وقف مرخص است یعنی در وقف رخصتی هست بضرورت طول کلام مثل وقف بر من کل دابة که در قرآن و خلق السموات والارض واقع است **واما لا** علامت انست که وقف بر وی جایز نیست چون وقف میان مبتدا و خبر مثل وقف بر والذین آووا ونصروا وابتداء از اولئک و وقف در میان مستثنی و مستثنی منه مثل وقف بر فسجد الملئکة کلهم اجمعون وابتداء از کلمه الا ابلیس و علی هذا القیاس مگر در رؤس آیه چنانکه گذشت **واما** متاخرین ... رموز مذکوره هشت رمز دیگر زیاد کرده اند و در مصاحف نوشته اند وانها اینست قف قفه س ق قلا صل صلے ک ... حکم ط دارد واما قفه و س هر دو علامت سکته اند بر وی اندک توقف باید کرد با قطع اعراب بی قطع نفس واما ق علامت قیل است یعنی وقف جایز است بقول ضعیف واما قلا عبارت است از قیل لا یعنی وقف جایز نیست بقول ضعیف واما صل ضد وقف است یعنی وقف جایز نیست واما صلے علامت الوصل اولی است واما ک بمعنی کذلک است یعنی هر حکم که رمز ما قبل است اینرا نیز چنانست **بدانکه** ائمه شش رمز دیگر وضع کرده اند جهه بیان عشرها و خمسها و ایمای اختلاف وانها اینست م ع خب حب تب لب چون کوفی و بصری در خمس اتفاق نمایند م رمز ایشانست و چون اختلاف کنند رمز کوفی خب و رمز بصری حب و چون کوفی و بصری در عشر اتفاق نمایند ع رمز ایشانست و در اختلاف رمز کوفی همان ع است و بصری عب و چون در کوفی و بصری میان ... واقع شود تب علامت ایه بصری است و لب علامت ایه کوفی پس بنابراین رمزیکه در مصاحف مینویسند بعد بیست یا شش

علامات سجاوندیکه بر کلام الله مطابق با قراءتهای قدیم تجوید سنه ۱۳۰۳ طبع مصر از رموزیکه بر این قرآن مطابق نزیل الکم

م علامة الوقف اللازم نحو: انما یستجیب الذین یسمعون والموتی یبعثهم الله **لا** علامة الوقف الممنوع نحو: الذین تتوفهم الملئکة طیبین لا یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنة. **ج** علامة الوقف الجائز جواز امستوی الطرفین نحو: نحن نقص علیک نبأهم بالحق انهم فتیة امنوا بربهم **صلے** علامة الوقف الجائز مع کون الوصل اولی نحو: وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر **قلے** علامة الوقف الجائز مع کون الوقف اولی نحو: قل ربی اعلم بعدتهم ما یعلمهم الا قلیل فلا تمار فیهم

روزی یکبار بخواند دست پیدا شود واگر کسیرا سحر کرده باشند روز یکشنبه بنویسد سوره را و سحر بخورد که دفع شود **ایضا** جهه فتح مهمات یازده روز روزی یازده بار بعد از نماز بامداد بخواند هنوز روز یازدهم تمام نشده باشد که مراد حاصل گردد و در هر روز یازده بار اینها را بخواند یا مسبب سبب یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مدبر دبر یا مسهل سهل یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین شیخ بهاء الدین ملتان گوید که از برای هر مطلب که شروع نمودم و بدین طریق خواندم همان روز مطلب حاصل شد **ایضا از خواص** مجربه قرآن جهه قضاء حاجات و علو درجات و عطاء اهل علم و فساد بعضی سوره را در ایام هفته باین ترتیب بخواند هر یکرا هر روز چهارده مرتبه بدین کم و شنبه سوره انا فتحنا یکشنبه یس دوشنبه و قعت سه شنبه الرحمن چهارشنبه قل اوحی پنجشنبه تبارک الذی بیده الملک جمعه الم سجده انتم مطلب روا شدنست **ختم سوره مبارکه** حمد را باین روایت تا ده روز هر روز یازده مرتبه بخواند که مجموع صد و ده مرتبه شود از برای هر مطلبی کلی و جزئی و هر حاجت که داشته باشد بخواند مجربست بزودی دمع رو شتت ما جابت ایضا اول این ثم انزل علیکم من بعد الغم تا والله علیم بذات الصدور از سوره ال عمران و ایضا دو تمام این است از سوره انا فتحنا محمد رسول الله تا آخر سوره و بعد گوید

رب سهل ولا تعسر علینا یا رب **ختم** سوره مبارکه عم هر که در مدت یکسال هر روزی یکبار مداومت نماید سال دیگر زیارت خانه خدا مرزوق شود و تجربه کرده اند **ختم** سوره واللیل تا چهل شب هر شب چهل دفعه بخواند هر وقت تا نبرد و ما لاحد عنده من نعمة تجزی بر سلامی ابر داسه مرتبه تکرار کند از برای فتوحات الی غیر النهایة و کثرت مال شیء عجیب نفع عزیزی دار که عقول در کیفیت ان عاجز است و دو کار بر ختم مراعات تقوی و احتراز از مناهی بلکه شبهات شرط است **ایضا**

صفت حرفها از تخ گستر … [illegible]

[illegible]

در بیان نعابر بکلام مجید بحروف تهجی … [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین **و بعد** چون … [illegible] … در شرح صحاب … [illegible]

فی الامر … [illegible] … احادیث شریفه … [illegible]

اهتمام نمود … [illegible] … در کتب اخبار و احادیث ائمه اطهار … [illegible]

[illegible] … افضل الصلوة … [illegible]

عبد الرزاق … [illegible] … از استخاره و استشاره و کیفیت و آداب

و آداب … [illegible] … ترتیب ضبط نمود تا عموم خلائق بسهولت و

آسانی … [illegible] … و چون زمان تالیف مقارن بود با عدد

… [illegible] … **دوائر الغیب** … [illegible] … مشتمل بر شش جدول و خاتمه

جدول اول در فضیلت استشاره و آداب و کیفیت آن جدول دوم در فضیلت استخاره و آداب و کیفیت آن

بدانکه … [illegible] … در زبان … [illegible] … چنانچه … [illegible] … فی الامر … [illegible] … و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که … [illegible] … علیه السلام منقول است که … [illegible] … و از حضرت صادق … [illegible] … **اول** آنکه … [illegible] … که عاقل بوده باشد … [illegible] … **دویم** آنکه آزاد و دین دار و صالح بوده باشد … [illegible] … **سیم** آنکه دوست و برادر مؤمن تو بوده باشد **چهارم** آنکه … [illegible] … **و حضرت صادق** فرمود که … [illegible] … مشورت کردن … [illegible]

تدبیر … [illegible] … شد

مقصد … [illegible] … احادیث … [illegible] … **از حضرت صادق** … [illegible] … که هر که … [illegible] … **و ایضا** فرمود که … [illegible] … **سیم** … [illegible] … از حضرت صادق … [illegible] … روایت کرده که میگفت هرگاه … [illegible] … **و ایضا** از امام محمد باقر … [illegible] … و حضرت صادق … [illegible] … فرمود که هرگاه امری اراده کنی … [illegible] … مشورت … [illegible] … با خدا مشورت کند … [illegible] … صد مرتبه بگوید … [illegible]

[illegible] … وقت طلوع آفتاب … [illegible] … مرتبه سوره … [illegible] … حاجت خود را … [illegible]

[illegible] … از روز چهارشنبه … [illegible] … قبل از غروب … [illegible] … مجرب

است … [illegible] … سوره الم نشرح … [illegible]

[illegible] … ختم سورة … [illegible] … ختم سورة والضحی … [illegible] … ختم سورة … [illegible] … ختم سورة والشمس … [illegible]

در بیان استخاره است

صفات حا بو دستن این نامل / زخامیست استعلاء / بود ز آل انفتاح و جهر دیگر / میان رخوه و شده و تکریر

تمام انفتاح هفت سفل / سکون انفتاح اگر رخاوه / تسفل با سکون در خوه بشمر / سکون اگر انش بشمر گیر

سکون همس رخوه بیستار / زجنس انفتاح و شده و جهر / بود و آرا صفت هفت ای برادر / صفات ذال بدان شش چیز باشد

سشم جمع دو بیکو محمد دار / تسفل قلقله دانش بود بر / تسفل انفتاح و جهر بشمر / تسفل کو تو را تمییز باشد

ول دنیا غنی و توانگر گردد **ختم** الم نشرح بجهة هر مطلبی در سه روز اول سوره فاتحه را هفت بار بخواند و هفتصد بار صلوات بفرستد و هشتاد بار الم نشرح بخواند و بعد از آن هزار و یکبار سوره توحید را بعد از آن هفت بار فاتحه را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد مخاص که سه روز نکند ذکر مراد حاصل گردد و بجهة وسعت رزق چهل و یکبار سوره الم نشرح را بخواند مراد حاصل انشاء الله **ختم سوره** قل یا ایها الکافرون در کتاب عدة الداعی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست هر کس بامداد بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده بار این سوره را بخواند و صد بار صلوات فرستد باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم هر مرادی که داشته باشد بی شک برآورده خواهد شد راوی گوید من این را تجربه کردم **ختم سوره** انا انزلناه بجهة وسعت رزق هر روز یکصد مرتبه بعد از نماز صبح بخواند و غفرت حق را مشاهده نماید و از جمله مجربات است **ختم** بعضی از علما و اهل دل عالم گفته اند که اگر کسی سوره را از برای هر حاجتی و مطلبی سیصد و شصت بار بخواند آن حاجت برآورده میشود چنین عملی از برای دفع مرض و دفع زوال حضرت و احتیاج و از برای غنی و ثروت و توانگری وارد و این از مجربات است و از حضرت صادق علیه السلام حکایت وارد است که هر که مداومت کند باین سوره روزی او از جائی رسد که گمان نداشته باشد و بعضی گفته اند که عدد ختم آن سیصد و چهل است **ختم** سوره انعام از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که این سوره را مداومت کند در هر کاری و حاجتی که در ماند هفتاد بار بخواند نجات یابد و اگر جهت محبوس یا اسیر بخواند خلاصی یابد و اگر آیه فاخرجنا برکتنا لکریم را از این سوره بر پوست صبی بنویسد با خود دارد روزی او فراخ گردد و در معاملات منفعت نماید بشرطیکه وقتی نماز

جدول سیم در آداب استخاره و استشاره و بیان ساعات آن تا آمیزه و مواضع آن

جدول چهارم در معرفت استخاره پنج نوع است اول از برای رقاع متنوع است دوم انواع آن پنج نوع است

اول استخاره

اولاً استخاره نکرده است در واجبات و منهیات الهی بلکه استخاره کرده است در مباحات و توجه مستحب بمستحب دیگر که با هم جمع نشود مثل زیارت امامی دون امامی و وصلتی دون وصلتی و کذلک و در اثنای استخاره تکلم نکند لقول الجواد علیه السلام و توجه داشتن بطلب بسوی خدا را اگر عقیق در دست داشتن که نام محمد و علی بران نقش باشد و تعظیم و تمجید الهی و استغفر الله گفتن در امور سهله هفت مرتبه و در دیگر امور صد مرتبه و نماز استخاره کردن دو رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد بخواند و در قنوت هر دعا که خواهد بخواند پس چون سلام دهد حمد و ثنای او کرده صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده بگوید

[illegible]

دوم استخاره رقعه که منقول است از حضرت صادق

[illegible]

سیم

[illegible]

چهارم

از حضرت صادق مرویست که چون اراده کنی کاری را پس بنویس در شش پارچه کاغذ بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه افعل و در سه دیگر بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه لا تفعل و بجای لفلان بن فلانه در همه رقاع اسم خود و مادر خود را بنویس پس بگذار آن شش رقعه را زیر سجاده خود پس دو رکعت نماز بگذار و چون فارغ شوی سجده کن و صد مرتبه در سجده بگو اللهم خر لی برحمتک خیرة فی عافیة فی جمیع اموری پس راست بنشین و بگو اللهم خر لی و اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس دست برده رقعه ها را در زیر سجاده بهم زن و یکی یکی بیرون آور اگر سه تا پی در پی افعل بیرون آید بکن آن کار را و اگر سه تا پی در پی لا تفعل بیرون آید نکن آن کار را و اگر بیرون آید بعضی افعل و بعضی لا تفعل پس پنج رقعه بیرون آور و نگاه کن به بیشتر پس عمل کن بانچه بیشتر است از افعل و لا تفعل و بگذار رقعه ششم را که احتیاج برو ندارد

پنجم

[illegible]

از خود دور کند **ختم** سوره تکویر از حضرت مرویست که بجهت خلاصی از بلیات بخواند بیکبار بخواند نافع است **وایضا** این سوره را در وقت مدن بار صد بار بخواند و از خدا بیماری حاجت بخواهد البته روا شود و اگر این سوره را بر گلاب بخواند و بعد از آن در چشم کشند درد ساکن شود و اگر این سوره را بر چشمی خوانند که درد داشته باشد

سکون و انفتاح و جمجمه در خوه
بدان شین است چو سین و سیف او یکی
رخاوه دان صفیر انگاه ای دل
بدان جباق و استعلاست از طار

صفیر است ارکی بروی تو یکی
صفیر از سین تمشی شین ای دل
تتفش گر کس گرای نوه ...
چو جیم و مقفه سنده ذکر ...

کبریا استخاره است

۱۰٫۴٫۱٫۲٫۵٫۱

... صفت جمع ...
صفات ... استعلا ... جباق
... جباق ... استعلا ... رخاوه
... جباق ... کو ...

... ان ... کای جیم و ...
سکون همس ... مشهور ...
سکون جیم ... حاف
رخاوه جیم و استعلا سکون

جدول بعمل در معرفت دفعه ساعات بس ... ابتدای استخاره بتب است بر نوع اول

جدول دوم در معرفت ساعات بسیط است بر نوع	جدول سیم در معرفت ساعات ... بر نوع
[illegible]	[illegible]

نوع دوم استخاره بنده مشهور به سبحه

نوع سیم استخاره به تسبیح ...	نوع ... استخاره ...
[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بعضی کتب مسطور است که هر که در شب سه شنبه یا جمعه ... این سوره را بخواند ... هر که ... این سوره ... دشمن ... هلاک
شود و این سوره ... ذکر بعضی ... سوره کلام الله است ... مصباح نقل ... از سیف ... است

یا مرض دیگر شفا یابد
لیله ختم سوره
تکاثر از برای هر مطلبی از
حضرت صادق منقول است
که در دفن و بیست و یک
بار بخواند در جای خلوت
و بعد خوش نماید و بعد
از آن هزار مرتبه صلوات
بفرستد که انشاء الله
برآورده است ختم
سوره ... جهت ...
کردن ... سه ...
بخواند ... دیگر
دشمن ... مقهور گردد
... خواند ...
... واگر ...
... سوره ...
... حضرت ...
... اگر ...
... بیاید ...
باشد ختم سوره
ماعون اگر کسی بخواهد
... و یقین از خواندن
... شود ...
... بخواند ...
... گردد و خواند
...
باشد تا ... دیگر ختم
سوره القارعه بجهت
برآمدن هر مطلبی
یکصد و هشتاد بار بخواند
... اگر ...
... باشد ...
... روزی او
... گردد ختم سوره
... اگر این سوره را
... بخواند ...
... گردد ...
... بجهت ...
شود و اگر بعد ... مبارک
علی بخواند که این سوره دو
شأن ... است
روزی او برسد ...
... از جائیکه گمان
نداشته باشد ختم
سوره ماعون بجهت توقعات
عظیم از شب دوشنبه تا
یازده شب ...
این سوره را بخواند در هر
مرتبه بعد از اتمام سوره
این آیه را بخواند یا ایها
الذین آمنوا ارکعوا و
اسجدوا و اعبدوا ربکم
و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون
و یازده بار صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و بعد
... حاجت خود را بخواهد
... روا است
ختم سوره ...

دُرِّ يتيم

المواضع			الامثلة	المعاني	رموز
			الامثلة	المعاني	
از چهار جانب ثنا یا دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و دیگری از بالا			مالِكِ يومِ الدين	المتعلق بما بعده مطلقا	
از چهار جانب رباعیات دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و دیگری از بالا			ومما رزقناهم ينفقون	المتعلق بما بعده معنىً	
از چهار جانب انیاب دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و یکی از بالا			الحمد لله رب العالمين	المتعلق بما بعده لفظا	
از چهار جانب ضواحک دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و یکی از بالا			بسم الله	ما لا يفهم المعنى منه	

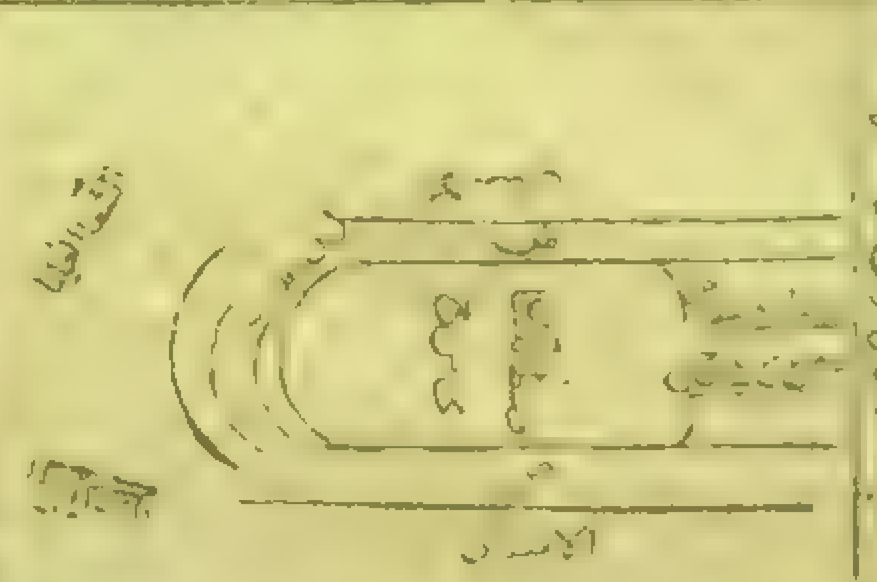

الامثلة	رموز	المعاني	
سكتة يسكت بلا نفس	س	لا يوقف عليه	
قيل عليه الوقف سكوت بلا نفس	قف		م
قيل عليه الوقف سكتة	قط		ط
قيل وقف فيه لا	قل		ج
الوصل اولى	صلى	[illegible]	ز
الوصل اولى	صل		ص
[illegible]	ك		ق

البقرة

آل عمران

النساء

المائدة

الانعام

الاعراف

الانفال

التوبة

يونس

هود

يوسف

الرعد

بدان بعد است صدف واو ان پنج
چو باشد ساکن ما قبل مضموم
دراو ثقل است چون حرکت درست
ثقل بار خاوه پنج بشمار

لسفل انفتاح مجمع بر پنج
بدبت ... ن و ... مومسوم
بدان این نکته ها که ...
ششم لین ... ششم

زحاوه با سکون انگاه دانست
وگر ما قبل او مفتوح باشد
... خفیف خفت است اگر ان
... خفیف شد است ای راد

بهغرس مراد ... عدد بست
اگر لینش بخوانی واو شاید
شمارم انفتاح و همس و سکون
زشوق و بود خوشدل بر آذر

تعبیرنامه دربیان احکام تعبیر خواب

از ائمه معصومین صلوات الله علیهم منقول است که هر کس خوابی ببیند وتعبیرش را خواهد که بداند ببیند که از ماه چند شب گذشته است بعوض هر شب یک سوره از سوره های قرآنی شماره کند بعد از آن در آن سوره نیز بعدد هر شبی که گذشته باشد یک آیه بشمارد در آیه آخر تعبیر خواب خواهد بود مثلا اگر از ماه ده روز گذشته باشد ده سوره از اول قرآن بشمارد که سوره دهم آیه دهم همان سوره تعبیر خواب خواهد بود **اگر در شب اول ماه** دیده شود سوره اول قرآن فاتحة الکتاب است و آیه اول بسم الله الرحمن الرحیم است این آیه اشاره است بر کسیکه در شب اول ماه واقعه که دیده باشد از معنی این چنان مستفاد میشود که مکتوبی یا حکمی از بزرگی باو برسد که سبب خوشحالی او بوده باشد و بنابر قول جمعی که آیه اول الحمد لله رب العالمین را میدانند از معنی این چنان مستفاد میشود که نعمتی که قبل از این بوده باو برسد و آن کس شکران نعمت را بگوید **واگر در شب دوم** ماه دیده شود سوره بقره است بنابر خلاف مفسرین از معنی این حروف آلم و بقول آیه دوم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین از آن چنان مستفاد میشود که خواب بیند بر امری مطلع شود که در خاطر نگذشته باشد از ذلک الکتاب چنان مستفاد میشود که حکمی یا مکتوبی باو برسد که سبب خوشحالی و منزلت و جاه او باشد **واگر شب سیم ماه** دیده شود سوره آل عمران است و آیه سیم این است نزل علیک الکتاب تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که سه چیز متعاقب سه آیه دلالت بر رسیدن سه چیز دارد **واگر در شب چهارم** دیده شود سوره نسا است و آیه چهارم و آتوا النساء صدقاتهن نحلة تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که زنی بعقد یا مال عظیم بخانه خواب بیننده برسد یا از خانه چیزی و هدیه بهم باو برسد **واگر در شب پنجم** ماه دیده شود سوره مائده است و آیه پنجم الیوم احل لکم الطیبات الذین کفروا من دینکم تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که از اهل کتاب مثل نصاری و یهود نفعی بخواب بیننده برسد یا شاید بنوع دیگر بخوشحالی مبدل شود **واگر در شب ششم** ماه دیده شود سوره ششم سوره انعام است و آیه ششم الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن مکناهم فی الارض تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که خبری ناخوش بصاحب خواب برسد که صاحب دولت از عظمت افتاده باشد نفعی یا بماند از زودگذر **اگر در شب هفتم** ماه دیده شود سوره هفتم سوره اعراف است و آیه هفتم والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون از معنی این چنان مستفاد میشود که کار که از کارها خود را بجمعی فرماید بعضی از ایشان سعی کنند باعث صفا ایشان باشد و بعضی دیگر تقصیر کنند که از نظر خواب بیننده بیفتند **واگر در شب هشتم** ماه دیده شود سوره هشتم سوره انفال است و آیه هشتم لیحق الحق ویبطل الباطل ولو کره المجرمون از معنی این چنان مستفاد میشود که میان خواب بیننده و شخصی دیگر که در آن ماده دعوی بوده باشد فتح و امثال این طایفه عرض شود چنین معلوم شود که بطریق خواب بیننده است **واگر در شب نهم** ماه دیده شود سوره نهم سوره توبه است و آیه نهم کیف وان یظهروا علیکم لا یرقبوا فیکم تا اخر آیه از معنی این چنین مستفاد میشود که دو نفر بجهة قطع معادله نزد خواب بیننده برسند **واگر در شب دهم** ماه دیده شود سوره دهم است سوره یونس است و آیه دهم دعواهم فیها سبحانک اللهم وتحیتهم تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که از خواب بیننده خیری و عمل صالحی در وجود آید که در دنیا و آخرت نفعی باو برسد **واگر در شب یازدهم** ماه دیده شود سوره یازدهم است و سوره یازدهم سوره هود است و آیه یازدهم الا الذین صبروا وعملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة واجر کبیر از معنی این چنان مستفاد میشود که کاری مشکل پیش خواب بیننده آید که در نظر خلق باشد چون صبر کند موجب نیکنامی و راحت تمام عمر او باشد **اگر در شب دوازدهم** ماه دیده شود سوره یوسف است و آیه دوازدهم قال انی لیحزننی ان تذهبوا به تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که هر چیزی مثل فرزند و امثال آن دور افتد عاقبت آن دور افتاده بخیر باشد و خواب بیننده از آن کدورتی هم برسد عاقبت انبیا بخیر باشد **واگر در شب سیزدهم** ماه دیده شود سوره رعد است و آیه سیزدهم ویسبح الرعد بحمده والملائکة تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که چیزیکه باعث ملال خاطر خواب بیننده باشد بخواب بیننده برسد فیها القیس **واگر در شب چهاردهم** ماه دیده شود سوره ابراهیم است و آیه چهاردهم این است ولنسکننکم الارض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامی وخاف وعید از معنی این چنان مستفاد میشود که کسیکه دوست یا دشمن خواب بیننده باشد باو برسد **واگر در شب پانزدهم** ماه دیده شود سوره حجر است آیه پانزدهم لقالوا انما سکرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون از معنی این چنان مستفاد میشود که شخصی با خواب بیننده بسبب گفتگوی باطل کند که بجای نرسد و کار خواب بیننده خوب شود **واگر در شب شانزدهم** ماه دیده شود سوره نحل است و آیه شانزدهم وعلامات وبالنجم هم یهتدون از معنی این چنان مستفاد میشود که خواب بیننده رفع الم از خیالات و ترکی داشت از جانب شخص خیری بزرگی و عظمت هم رسد در هر باب **اگر در شب هفدهم** ماه دیده شود سوره بنی اسرائیل است و آیه هفدهم وکم اهلکنا من القرون تا اخر آیه از معنی این چنان مستفاد میشود که امری که موجب ملال خاطر خواب بیننده باشد و حزن و اندوه او باشد ظاهر شود و عاقبت بخیر باشد و خیرات و تصدق نماید که رفع بلا کند **واگر در شب هجدهم** ماه دیده شود سوره هجدهم است سوره هجدهم سوره کهف است و آیه هجدهم

من فی منزله من الدین والفقر **مریم** من جعلها فی اناء زجاج نظیف فی منزله کثر خیره ومنع منه طوارق السوء ومن شربها دهر ... امنا من **طه** من جعلها ... ومضی الی قوم یرید التزویج ... تزوجوه وان ... الاصلاح بین المتناقضین ... وان مشی ... بین عسکرین افترقوا ومن کتبها وشربها ودخل علی سلطان امن ... **الانبیاء** ... کتب ... من ... **الحج** من کتبها فی رق غزال جعلها فی جسم کبد ... لم یسلم ومن کتبها ودفنها فی موضع وال ... لم ینتقش ... الا ان یخرج منه **المؤمنون** من کتبها ... جعلها فی خرقة حمرا خضرا وعلقها ... لم یشرب الخمر **النور** من جعلها فی فراشه الذی ینام فیه لم یحتلم ومن کتبها فی طشت نحاس ومحاها وسقاها الدابة المریضة ویرش علیها من الماء برئت **الفرقان** من کتبها ودخل علی قوم بینهم بیع او شرا وتفرقوا ولم یقرب موضع شیء من الهوام **الشعراء** من علقها علی دیک ابیض افرق ثم اطلقه فاینما مشی ... وقف ... و ... کنز **النمل** من ... لا یخرج ... **القصص** من کتبها وعلقها علی عبد ... من الزنا والهرب ... وکذا اذا علقت علی وجع الکبد والبطن والمطحول ومن شربها بماء المطر نفعه من جمیع الاسقام **العنکبوت** من کتبها وشربها زالت عنه حمی الربع والاوجاع **الروم** من جعلها فی اناء ... **لقمان** یکتب لمن فیه نزف الدم والاوجاع **السجدة** من جعلها فی منزل ... علیها علیه امن من الحمی ... **الاحزاب** من کتبها فی رق ظبی وجعلها فی حق فی منزله ... **سبا** من کتبها ... جعلها ... ومن ... مواة ومن

العقوبة والسیل والحجارة والحدید **فاطر** من کتب منها ... الذین یتلون کتاب الله الاینسین فی ربع حرز فی قطن جدید طاهر وجعلها ... **یس** من سمعها لامراة کثر لبنها ... من جعلها ... **الصافات** من اغتسلت بماءها ... **ص** قوله تعالی ارکض برجلک هذا مغتسل بارد وشراب من اکثر من تلاوة هذه الایة ... **الزمر** من جعلها علی عضده کان محبوبا فی اعین الناس ... **غافر** من کتبها الیه وجعلها فی دکان کثر ... بوله ...

تفاوت این چنین فرمود دانا	صفات یا بود چون واو جانا	زخاوه باسکون تین بود آدان	تنقل تفاح محمره ده خون
بوصف لین بود موصوف یارا	بود مفتوح اگر ما قبل یارا	مدت بود آن نکاه مشهور	چو یا ساکن بود ما قبل مکسور
بوصفی باز از این اوصاف مذکور	بدان کین حرفها هستند مشهور		
خردان این چنین دانا بما خواند	مشبع طلق قوم ربعی از جسد		

در بیان حروفات مذکوره با وصاف

بگویم گر بمی بشنوی نه زده حرف	بود مجهور زبیستان و نه زده حرف

وَتَحْسَبُهُمْ اَیْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ تا اخر آیه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که منزلی بجلی یا ملکی مجاده در تصرف خواب ببیند در اید یا ما قبل از آن خبر غلطی مادر سد و در اخر ظاهر شود که آن خبر غلط است **واگر در شب نوزدهم** ماه دید شود سوره نوزدهم سوره مریم است ایه نوزدهم قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِاَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا از معنی ایه چنان مستفاد میشود که رسولی از جانب بزرگی نزد خواب بیننده اید خبرهای دلپسند خاطرخواه باو برسد **واگر شب بیستم** ماه باشد دیده شود سوره بیستم سوره طه است ایه بیستم فَاَلْقٰهَا فَاِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعٰى از معنی ایه چنان مستفاد میشود که حجه و برهان قوی مثل عصای موسی و ید بیضا در تحت تصرف خواب بیننده در اید بطریق واقعه جود را تیار نماید **واگر در شب بیست و یکم** ماه دید شود سوره بیست و یکم سوره انبیا است ایه بیست و یکم اَمِ اتَّخَذُوا اٰلِهَةً مِّنَ الْاَرْضِ هُمْ يُنْشِرُوْنَ از معنی ایه چنان مستفاد میشود که کسی که خواب بیند ذخیره برطرف کند بدین نوع مطلب خود را تیار نماید **واگر در شب بیست و دوم** ماه دیده شود سوره بیست و دوم است و سوره بیست و دوم سوره حج است و ایه بیست و دوم کُلَّمَا اَرَادُوْا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَا تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده از قصه رو دهد که موجب ملال خاطر او باشد و هر چند کند از خلاص نشود **اگر در شب بیست و سیم** ماه دیده شود سوره مؤمنون است و ایه بیست و سیم وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَقَالَ يٰقَوْمِ تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را خبر خوبی از جانب بزرگی بدو برسد که او باور نکند الا که عنقریب یکی کند و او کر باور نکند **واگر در شب بیست و چهارم** ماه دیده شود سوره بیست و چهارم سوره نور است و ایه بیست و چهارم يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده با شخصی جولی یا خصومتی پیش اید که خصم او با و غالب اید یا خواب بیننده بد حجه آرد و غالب گردد **واگر در شب بیست و پنجم** ماه دیده شود سوره فرقان است و ایه بیست و پنجم وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَآءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِيْلًا از معنی ایه چنان مستفاد میشود که مصیبتی عظیم و امر ناخوش و خصومت که یکی نا شایسته ببیند **واگر در شب بیست و ششم** ماه دیده شود بیست و ششم سوره شعرا است و ایه بیست و ششم قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ از معنی ایه مستفاد میشود که شخص ذی شان معقولی در مقام نصیحت و موعظه شخص در اید تا خواب بیننده بزرگی شان عظیم خود ایشان را کرده دست گردد **واگر در شب بیست و هفتم** ماه دیده شود سوره نمل است و ایه بیست و هفتم قَالَ سَنَنْظُرُ اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ از معنی ایه چنان مستفاد میشود که جایی که راستی و ناراستی در صدق خبر شود که راست شود **واگر در شب بیست و هشتم** ماه دیده شود سوره قصص است و ایه بیست و هشتم قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که مهمی پیش خواب بیننده اید که از شخص محترم باشد در اذا امر تقدیر او حکمی بباشد هر چند کلام بلبز کند سعی کسی قبول نیفتد **واگر در شب بیست و نهم** ماه دیده شود سوره عنکبوت است و ایه بیست و نهم این است قَالَ رَبِّ انْصُرْنِيْ عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِيْنَ از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده مامور میشود با صلاح جمعی اگر با ایشان جنگ کند ظفر یابد و همه احوالات شایسته شود **واگر در شب سیم** دیده شود سوره روم است و ایه سی ام این است فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا فِطْرَتَ تا اخر ایه از معنی ایه چنان مستفاد میشود که خواب بیننده را امر پیش اید که جماعتی خواهند که او را از آن امر بر گردانند و سخن ایشان را گوش نکند و سخن گوش کردن او صواب باشد انشاء الله

در خواب دیدن در هر ماه

منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که خواب دیدن در اول ماه تا ثلث روز دوم و سیم بر عکس بود چهارم و پنجم بالخیر انشاء الله ششم و هفتم و هشتم و نهم اینها را ببیند آنچه بوده دهم و یازدهم و دوازدهم تا خیر باشد **سیزدهم** و چهاردهم و پانزدهم نه خیر باشد و نه شر با ظلمت ساقط و هفده با خیر باشد **هیجدهم** و نوزدهم و بیستم باشد بیست و یکم در غم باشد بیست و دوم و بیست و سیم فرح و شادی باشد **بیست و چهارم** و بیست و پنجم بر عکس باشد بیست و ششم و بیست و هفتم نیز بر عکس باشد بیست و هشتم درست تا بیست و نهم و سی ام راست باشد و در روایت سلمان فارسی رضی الله عنه خوابی که در روز ششم بیند بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود و در روز نهم خوابیکه دیده شود در همان روز اثرش ظاهر شود و در روز دهم خوابیکه دیده شود بعد از بیست روز تعبیرش ظاهر شود و در روز یازدهم تعبیرش بعد از بیست روز بظهور اید و در روز سیزدهم خوابی که دیده شود بعد از نه روز تعبیرش ظاهر شود و در روز چهاردهم بعد از بیست و شش روز بعمل اید و در روز پانزدهم بعد از سه روز اثرش ظاهر شود و در بیست و هشتم در همان روز اثرش ظاهر شود و در بیست و نهم در همان روز اثرش و تعبیرش ظاهر شود

در نحوست ایام ماه منقول از چهل فصل علامه مجلسی

بیك روایت روز سیم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم نحس است و این ها عبد مختار ما شرع و منجمان است **و روز عاشورا** از همه روزها نحس تر است و همچنین روزهای که همه محرم باشند و این روز نیز نحس است و بعضی هشتم محرم را نیز نحس با اسد و بیست و هشتم ماه صفر و بیست و یکم ماه مبارک رمضان و از ایام هفته روز دو شنبه و چهارشنبه و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بیست و چهار روز نحس است در هر سال که در هر ماهی دو روز باشد و گر کسی در آن سفر کند بمیرد و اگر کسی بستر افتد بیمار گردد و اگر بجنگد رود

بستان کثر تمر و ان حملها دو قدح او دمل برئ باذنه **فصلت** من کتبها بماء المطر و محاها و سحق بها نجف کحلا و اکتحل به نفع من الرمد والبیاض و اوجاع العین **الشوری** من کتبها و شربها فی خرقه قلّ عطشه و ان رش هذا الماء علی مصروع احترق شیطانه ولم یعد **الزخرف** من سقیها من المخالفة اطاعه و ناطقها ینفع المعصوص البطن و یسهل المخرج و من حملها امن من شر تروان و ضعت تحت مایه لم یرق نومه الاخرابه **الدخان** من حملها کان مهابا محبوبا مناما من شر کل ملک و من شربها امن من کل نمام وان علقت علی طفل حین ظهوره امن من کل جن و المراة **الجاثیة** من حملها امن من کل نمام و رو من جماع تحت راسه کفی شر **الاحقاف** من کتبها فی صحیفة و غسلها بماء زمزم و شربها کان وجیها محبوبا حافظا **محمد** من علقها علیه فی القتال نصر و من شرب ماءها ذهب عنه الرعب لا یزجر و من قراها فی البحر امن **الفتح** من علقها علیه امن من السلطان و ان عقد علیه او نبت لم یقربه وان شربت ماءها زاد لبنها **الحجرات** اذا علقت فی مکان لم یقربه شیطان و ان علقت علی متوع لم یعد لیه شیطانه **ق** من کتبها فی صحیفة و محاها بماء المطر و شربها لم تخف الوقفة والساکن بطنه و نمه زال المرض و ان بلّ ماؤها فم الطفل الصغیر جریت اسنانه بغیر الم **الذاریات** اذا علقت علی مطلقه و ضعت سریعا **الطور** اذا ادمن قراتها المسجون خرج و المسافر امن حرس **النجم** قوله تعالی فمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون و لا تبکون و انتم سامدون یکتب و یعلق لبکاء الاطفال **القمر** من کتبها یوم الجمعة وقت الظهر و حملها تحت عمامته کان محبوبا مقبولا **الرحمن** یشرب للطحال و وجع الفواد و تعلق علی الرمد و المصروع یکتب علی حائط البیت یذهب هوامه **الواقعة** تسهل الولادة تعلیقا **الحدید** من علقها علیه امن من الحدید فی الحرب و ان قرئت علی الحدید خرج من غیر الم یفصل الجرح و الجرح و الجرح و القرح بما فیه برء باذن الله تعالی و من جعلها تحت راسه **المجادلة** لا تقرء عند مریض بکی و علی مجزن عفظ و اذا طرحت فی حبوب لم تفسد و من قرءها حفظ من کل سوء **الحشر** من کتبها فی اناء زجاج و غسلها بماء المطر و شربها رزق حفظ و الفطنه **الممتحنة** تکتب ثلثه ایام متوالیة و تسقی للطحال یزول الم **الصف** یزاد من قراءتها فی سفر حفظ له الی ان یرجع **الجمعة** من قراها لیلا و نهارا صباحا و مساء امن من وسوسه الشیطان **المنافقون** تقرء علی الدمل یبری باذنه تعالی **التغابن** من قراها

ده دیگر از ان مهره سیدار
بر خوش تزده میدان مختار
میان وخوه دسته بود پنج
حروف منطبقه چارست ای یار

فحه شخص سنگ حمله وبشمار
بخوانم برتو ی همه بسم
تعرن عمرن بشنو
تو صاد وضاد وطا وظا

سنده بدست سدان ای برادر
دردها بیت سیف خط صغر
چو شکل تعد فتن منفعد است
تمام راه سان

صیاد ۱۲
تمام ماه

حد فقد بکت خوانی برادر
روانی بادگر این مصرع نفس
چو استعلا بدان کز حرف هفت است
حروف منع هفده شش می دان

کشته شود واگر فرزندی متولد شود نماند بدین دستور ۱۲ زهری هیچ کار خوب نیست والله اعلم **محرم** یازدهم وچهاردهم **صفر** یکم و هشتم **ربیع الاول** یکم و بیستم **ربیع الثانی** یازدهم و بیستم **جمادی الاولی** دهم و پانزدهم **جمادی الثانیه** دهم و چهارم **رجب** یازدهم و سیزدهم **شعبان** سیم و چهارم **رمضان** سیم و بیستم **شوال** ششم و بیستم **ذی قعده** دهم و بیستم **ذی حجه** ششم و هشتم و از برای مسافرت قمر در عقرب و قمر در راسند خوب نیست و از برای نکاح کردن قمر در عقرب بد است

ایضاً در معرفت خلاصه اختیارات از قول حضرت امام جعفر

الصادق علیه السلام منقولست که در هر ماهی کدام روز برای کارها خیریت دارد **اول ماه** نیکست برای بیع و شری و سفر کردن **دوم ماه** مبارکست تجارت و طلب حاجت **سیم ماه** بد است برای جمله مهمات خاصه بدیدن ملوک و سفر کردن **چهارم ماه** نیکست برای جمله حاجات الا سفر کردن **پنجم ماه** بد است جمله امور خاصه دیدار ملوک واکابر **ششم ماه** نیکست سفر خیر کردن و بنا نهادن را **هفتم ماه** نیک است مناکحه و بناو حرکت را **هشتم ماه** نیکست همه امور الا سفر کردن **نهم ماه** نیکست همه امور الا دیدن عمال **دهم ماه** نیکست طلب حاجات را **یازدهم** نیکست دیدن ملوک و سفر و حاجات را دوازدهم نیکست همه کارها خصوصاً حاجت سیزدهم توقف در مهمات اولیست **چهاردهم ماه** نیکست دیدار اکابر و ملوک و علماء اشراف را پانزدهم مختار است طلب حاجت و سفر کردن **شانزدهم** نیکست کارها و صحبت علما کردن **هفدهم** نیکست طلب حاجات و نقل کردن را **هجدهم ماه** مختار است سفر و تزویج و ابتدای کارها را **نوزدهم** نیکست دیدن ملوک و سفر کردن **بیستم** بد است جمله کارها را و خلوت اولیست **بیست و یکم ماه** مختار است سفر و تزویج و دعا کردن را **بیست و دوم** نیکست دیدار ملوک و مناکحه کردن **بیست و سیم** بد است جمله کارها خاصه سفر کردن **بیست و چهارم** حذر از سفر کردن بسیار اولی است **بیست و پنجم** مبارکست همه امور را الا تزویج کردن **بیست و ششم** نیکست خاصه حرکت و سفر کردن را و تجارت **بیست و هفتم** نیکست طلب حاجات و نقل و حرکت نمودن **بیست و هشتم** مبارکست سفر کردن و طلب گمشده و چیزهای پنهان نمودن **بیست و نهم** مبارکست سفر و طلب گمشده **روز سی ام** نیکست همه حاجات خاصه حرکت را

در احکام روز نوروز عجم منقول از جمیل فصل علامه

مجلسی علیه الرحمه هرگاه که نوروز عجم یعنی اول تحویل آفتاب در حمل که برج حمل اول بهار است و ابتدای خوشی و احادیث در فضیلت و بزرگواری این روز بسیار واقع شده اما اگر نوروز در روز **یکشنبه** باشد صاحب سال آفتاب بود حال بزرگان و ملوک میانه بود و طرب و نکاح بسیار بود و نعمت فراوان بود و نرخها ارزان باشد و پنبه و نخود کند و کشته ها را آفت رسد و برف و سرما کم بود و مرض بسیار بود و جو و گندم ارزان بود و نکو و نیکو بود در فصل بهار باران بسیار بود چنانچه مردم بلند بلند و مرض بسیار بود و تابستان گرم بود اما زمستان میانه بود و اگر نوروز در روز **دوشنبه** بود صاحب سال قمر بود و حال پادشاه نیک بود و با قوت و حشمت باشند و دیگر مردم را کار میانه بود و نعمت فراوان بود و نرخهام ارزان و غله نیک بود و حال بازرگانان و ملاحان خوب و با منفعت باشند و تابستان گرم باشد و زراعت گندم و پنبه و فالیز نیکو بود و زمستان سرما سخت باشد و سیلها فراوان و فتنه و حرب کم باشد و سرما بوقت در آید و بیماری بسیار بود و بود و مگر کم بود و مار و عقرب بسیار بود و اگر نوروز در روز **سه شنبه** بود صاحب سال مریخ است حال بزرگان و سلاطین نیکو بود اما کار مردم دیگر بسته بود و دلهای مردم پر غم باشد و بود و کار تجار بسته بود و نرخها گران بود و آشوب و حرب و اراجیف بسیار و گزندگان و حشرات بسیار باشند و در زمین شام آفت و بیماری بود و خلایق تباه شوند و در بعضی زراعت آفت رسد و قحط و تنگی پدید آید و ویران شود بعد از آن در آخر میوه ها بسیار باشد و در تابستان گرما و خشکی بسیار بود و بیشتر درختها از بلا بود و دود و دخانات در میان مردم بسیار و کهتران بر مهتران پیروز آیند و زنان با شوهران خصومت کنند و طلاق خواهند و در میان شرکا مخالفت پدید آید و یکی از بزرگان هلاک شود از جانب مشرق بزرگی بمیرد و باران بسیار بود تا بوقت و بیمانه بود و زمستان بغایت سرد و بعضی از میوه ها را آفت رسد و کرم پیله و ابریشم بسیار بود اما گران بود و جراحت و دمل بسیار و کار دهقانان خوب و اگر نوروز در روز **چهارشنبه** باشد صاحب سال عطارد بود لیکن دلالت کند در آن سال فتنه و تشویش و حرب و فساد و جنگ بسیار بود و نرخها گران و بیماری مرتبه بیشتر گرمی و خشکی بود و درد گلو نیز بسیار بود و در حد گیلان و طبرستان و جرجان شغلی و تنگی و قحطی بود و کار مردم بسته شود و تجار زیان رسد و انصاف از میان مردم برخیزد اما مردم عامه را از نیک بود و علما و اهل صلاح را نیک بود و ایشان از غم و کدورت بود و بیگدیگر کینه و حسد برند و فوت یکی از مشاهیر ایشان بود و باران بی هنگام بارد و سیلها بسیار بود و احوال سلاطین متغیر بود و گاه گاه بدی رسد و دعا یا بر سلاطین عاصی شوند کهتران بر مهتران کینه پیدا کنند و بعضی میوه ها را آفت رسد و در تابستان سموم و بادهای مخالف بسیار بود و بیمنه و دفالیز و گندم و جو نیک بود و در آن سال خشکی و کم آب بود و در آخر از سرما و برف زمستان گرفته شود و اگر که نوروز در روز **پنجشنبه** باشد صاحب سال مشتری بود و احوال ملوک و سلاطین و وقت نیکو بود و مرادهای ایشان بر آید و حال دوریشان نیک بود و نباتات خوب و پنبه و گندم نیز باشد و در بهار نیکو بود در کرم پیله و ابریشم را نیز بود و چهار پایان بسیار باشند و حال زنان و کسانیکه با ایشان کار دارند مثل عطار و گوهر فروش و صباغ و زرگر و شعرباف و پیله در میانه بود و رونق داد و ستد مردم

و دخل علی حاکم کفاه الطلاق
اذا کتب علی سقف بیته وجفت
و رمیت فی بیت او درش ماؤها
فی موضع لم یسکن و ان رش فی
موضع مسکون اذهب القتال و
البغضاء و ربما کان الفراق
التحریم علی المریض المصروع
المطبوع و علی السهران دازجنا
بذهب ما به من ادمن قرائتها
اعتق علیه **الملک** یحفظ
المیت و بنجیه من عذاب القبر
القلم اذا علقت علی من به وجع
الضرس او الصداع سکن
الحاقة بحفظ الحبلی تعلیقا
من کل اذی و اذا سقی الجنین منها
ساعة وضعه ذکاء و حفظ من
الهوام و الشیطان **المعارج**
من قراها امن من الاحلام
الفزعة و حفظ الی ان یصبح
من ادمن قراءتها للاولاد
فی حاجة قضیت **الجن**
من شربها و هی کل شی بسمه و علیه
من بنا ظره و هی حرزا لجن فی
المواضع التی تلی فیه و من
قراها و دخل علی حاکم امن او
علی مجرم حفظ و اسیر فک او دین
قضی **المزمل** من ادمن قرائتها
رای النبی ص فی نومه **المدثر**
من ادمن قراءتها و سال الله
فی آخرها حاجة قضیت او
حفظ القرآن حفظه **القیمه**
قرائتها یقوی القلب و شربها ماؤها
یقوی الضعف **المرسلات** من
قراها فی خصومة خصمه و یزیل
الدمل تعلیقا **النباء** من کتبها
فی رق ظبی بزعفران و ما در دو
حملها قل نومه و سهر و حفظ
قمله و ان علقت علی ذراع کان
فیه قوة عظیمة و شرب ماؤها
یزیل مرض البطن **النازعات**
من قراها و اجهها العدو او
سلطان امنها **عبس** من حملها
اصاب الخیر فی طریقه و کفی ما
اهمه و من قراها علی عین فقد
غضب ثلثة ایام کل یوم سبعا
تزول و من قراها علی ندوف
تدخل عنه ان شاء الله تعالی
التکویر من قراها علی العین
یقوی بصرها و تزیل المدة و
الغشاوة **الانفطار** قراها
یخرج المسجون و نقل الناسور
و من الخائف **التطفیف** قراها
علی المخزن یحفظ **الانشقاق**
تسهل الولادة تعلیقا فاذا وضعت
فلتنزعه عنها سریعا و قراها علی
الدواب و منعها عن النفخة
سکنها و اذا ... علی خیط

منزل ذهب سوء **البروج** من قراها فی فراشه حفظ او علی منزله ... من فی البیت من الاشیاء ... و من قرءه من وقع فی قوله قال اصحاب فی شتر
الزنابیر **الطارق** من غسل بمائها الجراح سکنه لم یتبع و من قراها علی ای مشروب کان امن عنه من القی **الاعلی** تقرء علی الاذن لدوده و علی البواسیر دعا الموضع لمنفع بزد
ذلک **الغاشیه** اذا قرات علی ما یوکل امن ضرر من اکله و علی ما یولد بسلمه الله **الفجر** من قراها احد عشر مرة علی ذکره ثم جامع رزق ولد یعینه **البلد** بعد من ما فی خیاله

حروف مذبذب خود فرض کن تب
حروف قطب و جد را قلقله دان
حروف غنه میم و نون و تنوین
چو دانستی تو حال حرف و اوصاف

تو ده تش معتدل دان ای نکو تب
و صد قلقله را سکته خوان
بدن وز عرض من خویش ملت
ز هر حرفی شنو معنی دو

صفیره دان که زا و سین و صاد است
حروف است بستعلا و منحرف لام

سبب تسعین سه دان کو سه دب
مکرر را الف هاوی بود نام

زبیان معانی اوصاف مذکوره

شناخ و معنی آن | نمایم با تو یکتا دان و هان دان

مردم کم باشد و دزد بر دزد و خان مرده باد از بلا بر شود و خد و تخالم مستبری
همه حال دزدانیک بود و اگر نوروز در روز **جمعه** بود خداوند سال زهره
است حال غله و قران خراسان و زاهدان و عابدان نیک بود و حال حیوانات
نیک بود و حال ملوک و سلاطین نیک بود اما گاه گاه مشغول خود باشند بیکی
کهنار شود و بتجملی کنند و مردم لهو و طرب و شادی بسیار بود و نکاح بسیار شود
اگر بکار نه ضایع شود و هر چند پر تر بکار نه بهتر بود و در بابل بیماری و حادثه
بسیار بود و در واقع ماثر از هندوانه رسند و در دریا شورش و اضطراب باشد و
تمام خراب شود در زمین و در بنادر مردم کم باشد اما املاکان و کشتیها
در خور باشد و تابستان گرم و بیماری بسیار شود و خداوند بوستان را حال نیک بود
و حال مرغ و در بزر باشد و اگر نوروز در روز **شنبه** باشد خداوند
سال زحل است دلیل است بر رنج و غم و الم خلایق و گفتگو و میان سلاطین در آن وقت
منازعه پیدا شود و در اینسال گندم و جو نیکو بود و لیز نیکو بود و انجیر و آفت رسد
دیگران و سیل بسیار بود و سلطان را بیماری سخت پیدا شود و هندوستان را آفت
رسد و بیماری باشد و مار و ملخ و دزد بسیار بود و کیک و کژدم بسیار بود و بزرگان را
سکته بود و در زمین طبرستان فتنه و آشوب و مخالفت پدید آید و در عمل امیر ما شود و
درد سینه و بیماری و مرگ زنان و کودکان بسیار بود و عسل کم بود بجهد و دم
گوسفند را آفت رسد و در آخر سال از خمار بهار شود و میان زنان و مردان پیکار بود
و در اینسال موش بسیار بود و پنبه کم باشد و لیز کجند و غیر آن نیکو بود و خداوند
اینسال را همه نیکو گردد **احکام محرم منقول از چهل فصل علامه**

مجلسی بدانکه محرم ابتدای سال نزد عرب و سایر مسلمانانست بغیر از شیعیان
عجم که نوروز ابتدای سال است ابن جعد را از شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی روایت کرده است
که او سند را متصل کرده است بحضرت مبین الحقایق امام جعفر بن محمد الصادق
صلوات الله علیهما و آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که در کتاب دانیال پیغمبر صلی الله
علیه نوشته است که هرگاه غره محرم در روز **شنبه** باشد در آن سال زمستان
بسیار سرد باشد و بسیار باد و فرزان باشد و گندم گران و طاعون و مرگ کودکان
بسیار و تب بسیار هم رسد و بلاد بسیار باشد و زراعتها از آفت هم بسلامت ماند
و بعضی از درختان میوه و انگور آفت رسد و در روم حرب باشد و عرب با ایشان حرب
کند و بسیار غنیمت از ایشان بیابند و عرب هدایت و پادشاه را در جمیع امور
نصرت باشد بعنایت حق تعالی و بروایت دیگر مرض در میان چهارپایان هم رسد و اسباب
زاتو تنگ عارض شود و در میان مردمان درد گلو و زکام و ورمها و دردها بسیار باشد
خصوصا در عراق و بغداد و اطراف آن و در ضم مرگ هم بسیار باشد و میان عرب
و روم که زاد و بنده عرب بر روم غالب آید بیشت و امنیت در بابل بسیار باشد و در
عرب و عجم از اختلاف بسیار در میان مردم پدید آید و غط و علاء در میان
انسان هم رسد از عرب ترسان باشند و تمام اهل بیان تعدی کنند و گاه در
عرب دست باشد و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و بر ایشان غالب

باید و در اینسال درد ملها و آبله در کودکی هم بسیار باشد و مرغان بسیار باشند و درد
دگوشت و عسل و کتان گران و خرما در درخت هم فاسد شود و انگور و میوه‌ها
در بلاد هند و فارس نیکو باشد و بر درختان بلا بهم رسد و در روم و اطراف آن آفت رسد
و میوه در اکثر بلاد گران و کنجد بسیار باشد و در زمستان باران بسیار باشد و زحمت
بسیار باشد و اندک آفتی بانها برسد و مرغوب من و ستاییان و بتیم و سوگران و
مرغ خانگی کم باشد و مرغان شکاری بسیار بمیرد و در بلاد یمن اختلاف
عظیم ظاهر گردد و بسبب غارت منتهی شود و شاید یکی از آفتاب و ماه منخسف
گردد و شهب بسیار باشد و در بکاه اینسال خون بسیار بریزد و شود و گویند چنین
سال بحس است تا بیلها بیلها از چنین سالی گذشت و عزت بنگست و هر سال نیکی
در اول محرم روز **یکشنبه** باشد زمستان نیکو گذرد و باران بسیار بارد
و بعضی از درختان و زراعتها آفت رسد و دردهای مختلف و مرگهای صعب شایع
گردد و عسل کم بعمل آید و در هوا اثر طاعون و وبا هم رسد و در آخر سال پادشاه
غلبه کند و ظفر یابد و بیرون آید دیگر در اینسال زمستان سرد باشد و تابستان معتدل گذرد و
میوه و حبوبات در اکثر بلاد عراق نیکو باشد و آفتی بمیوه‌های بحرین و عمان و فلسطین
و حوالی آن ها برسد و در بلاد مشرق و بلاد جبل از ری گوسفند و شیر بسیار گیا
صحراها فراوان باشد و در شتران دیوانگی و مستی هم رسد و آبله کودکان بسیار
و در اینسال زنان و شوهر بسیار و درد گلو و ماهها هم رسد و بکاه در سر بسیار مردم را
عارض شود و در آخر سال گرانی هم رسد بسبب اختلاف بسیار در عین بلاد یمن
و بعضی بلاد هند اطفال بسیار بمیرند و جو و روغن بسیار باشد و اختلاف و جنگها
در میان خاص و عامه ایشان باشد کار زار در میان مردم مغرب و عجم واقع شود و میان
عامه مردم و خویشان ایشان فتنه ها حادث شود و در شام حرب و فتنه ها پدید آید
و حاکم بعضی از اهل مصر را قتل رساند و در زمین جبل که همدان و نواحی آنست باشد
کشش بسیار واقع شود و مردی جلیل القدر از ایشان کشته شود و پادشاه بابل
مردم مستولی شود و از بعضی وزراء و ملوک اختلاف ظاهر شود و بر پادشاه
بشورند و بکرم دیگر کشته شود و کردی بر پادشاه طغیان کند و مغلوب گردد
و کوکبی از آسمان ظاهر گردد در ناحیه مشرق که دنباله داشته باشد و باین سبب
قتل حادث شود و گرانی و غارت و باین سبب جلای و زیک باد و صاعقه سخت و دور
امراض بسیار دزدان در صحرا و دریا گردد و عسل گران و حاجیان را غارت
کنند و تمام ماه یا بعضی از ماه منخسف گردد و در هر سالی که در دو اول محرم در
روز **دوشنبه** باشد زمستان نیکو بود و تابستان بسیار
گرم و باران کم و تتش بسیار باشد و گاو و گوسفند نجیب بود و جو بسیار شود
و عسل بسیار باشد و نرخ خود نهادر بلاد جبل یعنی در شهرهاییکه در میان
آذربایجان و عراق عرب و خوزستان هست و بعضی گویند در همدان
و حوالی آن ارزان باشد و میوه بسیار و زنان ... در آخر سال کسی بر
پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق ... و ... لشکری بر دم

الحمد و اذا علقت علی المصر
اول ما یولد امن من النقص **الشمس** الرحمن فالملکن
الرحمن **الرحمن** **اللیل** تقرأ فی
اذن المصروع یفیق **الضحی**
یقرأ علی الشی المنسی یذکره **الانشراح** یشرب فانه
یفتت الحصاة و ینفع المثانة و
ینفع من البرودة و اذا قرأ علی الفواد یسکن المها **التین**
من قرأها علی طعام جعل فیه الشفاء **العلق** من قرأها فی
البحر سلم منه **القدر** من قرأها علی ما یدخر حفظ و من شرب من
مائها ذهب الله له النور فی بصره و الیقین فی قلبه و رزق الحکمة
و ان قرأها مهموم او مریض او مسافر او مسجون نال مطلبه و
ان قرأت علی زرع بورک فیه و اذا قرأت علی درهم و زرد و شاع
بلبن امرأة و سعت منه صاحب البلغم نفعه و اذا جلست مرتد
حد به حلتا سدید و کتب القدر علی المرأة بزعفران ثم یدخل من به
اللوقة بابنا مظلمنا و تنحرف المرأة مرارا بر عزم باذن الله من
من قرأها عند زوال الشمس رأی النبی صلی الله علیه و آله فی
نومه و ان کتبت فی فنجان حدید و غسلت بماء المطر و جعل به
شیء من سکر و شرب من به وجع الکبد بریء باذن الله تعالی و من
قرأها کل لیلة جمعة عدد ... الهدا او من ... الجمع ...
حد بد ... یا خذ قدح ماء و یقرأ
خمس مائة مرة و یرشه علیه ثم
یصلی اربع رکعات بتسعین
مرة فیفیق ماشاء ثم یسیل المحموم **البینة** ... اذا سرقت من ... و تعلق علی
صاحب الیرقان و علی صاحب بیاض
العین بعد ان یبرأ من ...
و تدفع قراءتها شر الطعام
المسموم و اذا اخذت کف تراب
من مفرق اربع طرق و اقرأ علیه
السورة و رمیته بین المجتمعین
القتلاء ... تفرقوا و ذا
کتبت علی جمیع الاورام زالت
الزلزلة تؤمن ما بها من
السلطان ... قراءته
تخلص ... و البرهان الجایع
و العطشان و المدیون ... بهم
القارعة تعلق علی من ... عنه
رزقه **التکاثر** یاخذ بعضه
اذا قرأت عند العصر علی
المحزون ... و من کتبها لیلة الجمعة بعد العشاء
الامر ... یادخل علی ... من
فیه **العصر** یقرأ علی العین الموجعة یبری العبد منه قراءته فی حربه ... فقل و ذا قرئت بین عسکرین انهزم الباغی فیهما و اذا علقت علی زجاج التی نصادم کسرت ما صدمه قرائتین من قرأها
علی طعام امن من ضره و من قرأها یوما قبل طلوع الشمس سهل الله من یضعه الذی من قرأها بعد صلوة لیلة جمعة کان فی حفظ الله **الکوثر** و اذا علقت لدابة فاقرأها فی ذم الیمنی ثلاثا و فی
الیسری ثلاثا ثم امرها و جنبها ... من قرأها عند طلوع الشمس عشرا تتعذر عنها ما اراد ... من قرأها فی صلوة سبعا تلت و جنبا یقع ... اللیلة فی او قاتها

نسقل چو باشد منقش ابت | ادا کردن حروف زکام ز بر بن | بلند آواز کردن جهر باشد | گردانی ز علمش همره باشد
چو باسه نش کردن لسپ آرد ز | بجان و دل کهند رسد ای براز | ... وسکو بر نجام | طبق سان برزبن پوشیدن کام
بود معنی تحه نسشو از ان | شکسته گفتن و در بجت تر | استعلا دان فن | ز حرف کام بالا حرف گفتن
رخاوه سست گفتن سده سخت ست | بجزد باد آن کو سیاک | ... بجنبد قلقله خوان | وگر سان کی بود اند سکون آن

بحرنامه واحکام آن

رسد و درکام در بلاد جبل و اطراف دنیا نیز باشد بروایت دیگر درآن سال فراوانی باشد و شیر حیوانات بسیار باشد و باران ببارد و حبوب بسیار باشد خصوصا عدس و ماش و باقلا و برنج ارزان باشد و عسل فراوان باشد خصوصا در فارس و همدان و ری و در هندوستان بسیار زرد آلو و سیب و امرود در بلاد فارس و بصره بسیار نیکو عمل آید و خربزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو و خرما و میوه‌ها و گوشت و روغن فراوان باشد و لیکن زرد در میان مردم کم باشد و در بلاد مشرق و اسکندریه و اطراف مصر زلزله بسیار باشد و مرض سودا و دیوانگی بسیار و در زمستان زنان ترویج زنان بسیار شود و دریا طغیان کند و بعضی از بلاد را غرق کند و آب فرات و نیل کم شود و باین سبب مدت دو ماه در مصر قحط عظیم پدید آید و مواشی و چهارپایان در صحرا هم نیک باشد و حبوب و میوه‌ها در مکه معظمه بسیار ارزان باشد و بلیه و آزادی در آن بلده طیبه برسد و در میان عرب فتنه حادث شود و علمه در اطراف مشرق یا جنوب از تصرف اصحابش بیرون رود و محملست که یکی از انبیاء ماهها منخسف شود و خوارجی از نوحی مشرق بیرون آید و در بلاد فارس بیم و هراس عظیم از بعضی سلاطین حادث شود و در مردم اضطراب هم رسد و نان کم و در مشرق باشد و بر پادشاه مشرق کسی خروج کند و حاجیان بسلامت بروند و در سبی دزدی بایشان برسد و آسیبی از او نیابند و هر سال که اول محرم روز **سه شنبه** بود زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار در بلاد جبل و در ناحیه مشرق کوسفند و عسل بسیار باشد و بعضی از درختان و انگور آفت رسد و در ناحیه مشرق و شام حادثه در آسمان ظاهر شود که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاهان خروج قوی خروج کند و پادشاه براو غالب آید و در زمین فارس بعضی از غله‌ها آفت رسد و در آخر سال بزهها گران شود و بروایت دیگر زراعت بسیار عمل آید باران بسیار ببارد و فصل پاییز نیکو گذرد و میوه‌ها در بلاد جبل و تب بسیار و گندم و جو و عدس فراوان باشد و آب فرات طغیان کند شاید در تابستان باران ببارد و در بصره وبا بسیار و ماش و باقلا ارزان باشد و خرما کم عمل آید و مقدار زیانی هم رسد در بلاد هندوستان و بدخشان و بلاد روم و شام آفتی برسد از سرما و در بلاد فارس ملخ بزراعت افتد و میوه در اینسال بسیار و زکوه بوده باشد و گردکان و مویز و بادام بسیار و نرخها در اول سال در جمیع بلاد ارزان و پنبه گران و گاه هم ارزان و عسل فراوان و خربزه و خیار آفتی رسد شکار در دنیا بسیار و از گرما و سرما آفتی بغلات مغرب برسد و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و در پادشاه عجم و ترک اضطراب هم رسد و در میان عرب و مواشی ایشان در آخر سال مرگی هم رسد و در آسمان ستاره دم داری پدید آید که علامت جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیم ظاهر شود که علامت هلاک بعضی از وزراء باشد و در مصر و شام و مقابله فتنه هم رسد و سالیکه اول محرم در روز **چهارشنبه** باشد زمستان و سرما و در بهار باران نیز ببارد و غلات و میوه‌ها در بلاد جبل و مشرق بسیار و تمام در آن بسیار نیز باشد و در خراسان و روم و زابل و بلاد جبل آفتی بمردم رسد و نرخهای بستان ارزان و پادشاه بر دشمنان غالب آید و بروایت دیگر عسل بسیار باشد و آب دجله طغیان کند و در برنج و مسافرت بسیار و اکثر اطفال بمیرند و ملخ در زراعت اهل شام را تلف کند و در سال قحطی در میان ایشان هم رسد و باران بسیار ببارد و بسیاری از خانه‌ها و عمارتها منهدم شود و در خانها ضایع شود و در بدن عظیم ظاهر شود و بادهای تند و زد و بیماری بسیار باشد و زنان آبستن بمیرند و در آخر سال در ناحیه روم خون بسیار و خشیان صحرا و مرغان شکار بسیار بود و گاو بسیار و سیخ نرخ و معاملات بسیار واقع شود و شتران گری بهم رسد و شاید مرگی در چهارپایان آید و در فصل پاییز بیماری بسیار و در اطراف ماه جنگ عظیم روی دهد و متاع و غله بمیرند و بلاد یمن از خوف قتل و غارت خراب بازهم معمور شود و در میان عرب‌ها دیه کشش بسیار شود و بلاد شام دزد و متاع‌ها و پنبه گران و کتان ارزان باشد و ابریشم و حریر ارزان نیکو باشد و در میان عرب و عجم جنگها روی دهد و عرب غالب آید و پادشاه روم بمیرد و بزرگی از عرب بمیرد و مردم دیالمه نیز بسیار بمیرند و در فصل پاییز مرض و جرب بسیار باشد و اختلاف در میان سلاطین هند هم رسد و فتنه‌ها در بحره و ولایت فارس حادث شود و هر سال که اول محرم در روز **پنجشنبه** باشد زمستان ملایم و در نواحی مشرق گندم و میوه‌ها و عسل بسیار شود و در آن بلاد و در آخر سال تب بسیار حادث شود و در آن سال نان غله هم رسد پس عرب بر اعراب غالب شوند و در زمین سند محاربات واقع شود و پادشاه عرب مظفر باشد بروایت دیگر در اول سال لرزش و سرما کم شود و ابر و دربی باران نیز باشد و غلات و میوه‌ها در همه بلاد جبل ارزان و فراوان و سفر دریا نیکو باشد شکار ماهی بسیار و در زنان گرانی شود و باب لجه باران کند و بر مسلمانان غلبه نمایند و مسلمانان بر ایشان غالب شوند و در بلاد جنگ و کشش بسیار شود و شاید یکی از مشایخ ایشان کشته شود و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و منهزم شود و کار دزدان در اکثر بلاد خصوصا در فارس بسیار شود و زنان و دزدان دست برآورند و حکام بر رعایا ستم کنند و بادهای تند وزد که درختان را بکند و در لحسا و قطیف و نواحی آن فتنه میان عربان و پادشاه ایشان حادث شود و پادشاه غالب گردد و در بلاد حبشه و اطراف آن کار زار بسیار شود و در بلاد فارس در آخر سال میان سه طایفه فتنه حادث شود و فتنه بسیار در آن بلاد باین سبب ظاهر گردد و در ناحیه دریا فتنه‌ها حادث شود و در اینسال مرض در میان گاو بسیار باشد و لیکن گوسفند فراوان گردد و شلیکه نماه منخسف شود بروایت دیگر حاکم قسطنطنیه که مراد از آن پادشاه استنبول است او را بکشند یا بگریزد و مفقود شود یا او را خلع نمایند و در ولایت عجم خرابی راه یابد از راه ظلم پادشاه و نایبان او و در مصر مرده که ...

تبت بتراء طلا لادخاع والامراض تشخ ادنا و الله لا خلاص تتراء علی العبد ازبدة تتری ... من قبر ... من الجن والوسوسة ومن حلقها علی طفل او من بن الجن والهوام ام تم

از حضرت عبادت ...

... فرمود که عجب دارم از کسیکه از چیزی ترسد چرا پناه نبرد بگفته خدای عز و جل حسبنا الله و نعم الوکیل ... بعد از آن فرموده فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء و عجب دارم از کسیکه غمگین باشد و متوسل نشود باین کریمه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین بتحقیق شنیده خدای تعالی در عقب آن فرموده فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین و عجب دارم از کسی که حیله در حق او شده باشد و متوسل نشود بقول خدای عز و جل و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد ... بعد از آن فرموده فوقیه الله سیئات ما مکروا ... و عجب دارم از کسیکه ... دوست دارد دنیا را و متوسل نشود باین ... ما شاء الله لا قوة الا بالله ... بتحقیق که حق تعالی در عقب آن فرموده عسی ربی ان یؤتین خیرا من جنتک ... که حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه ... محمد باقر ... تعلیم فرموده که در حال اضطرار و امور مهمه بعد از ... بخواند که انشاء الله اجابت مقرون میگردد

بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحق محمد رسولک و علی وصی رسولک و فاطمة بنت رسولک والحسن والحسین ابنی رسولک و بعزة جلال ... اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد و ان تجعل لی مما انا فیه فرجا و مخرجا ... الا بصنع من ...

فی السموات ولا فی الارض تصابع نفرح ... دعای صاحب ... لدفع الظالم الذی ... قال هذا عذرت ملک ضعیف وخلقته و جعلته قویا و جعلتنی ضعیفا ثم سلطه علی فلا انت منعته ظلمی ولا انت جعلنی قویا فامتنع من ظلمه فاسئلک بالذی خلقتنی وخلقت و جعلتنی ضعیفا ان تجعله عبرة لخلقک قال فاخذت السن الاکلة فی یده الیمنی التی اخذ بها ... فقطعها فصعدت الی عضو الاخر فاراد ان یقطعه فخرج هاربا فرای ما رای ... اعضاء ...

کم بابو بیان استنکاف / بودلین نرم کردن مد کشیدن / نفشی باشد ای پیوند جانم / از این بابم چو شد حاصل فراغت

معنی ست مرکور ستة حالت / بعنی مخ باستة دو دم / جدا ادا کردن دو حرف / ک یہ ... [illegible]

طلب کردن بندی بر کسی سم / ... درمیان فم نوادان

ک بیدن در آواز بی عنسم / سبک ... معنی ای گران جان

خسوف و کسوف احکام

بیان اداب قراءت قران واستعاذت

نوع اندر قراءت | دعاهای اول استعاذت

از تنگی معاش نقصان اید و دیگر در بلاد خلایق بر طرف شود و عرب و عجم زیادتی کنند و خلق بسیار کشته بکشند و ولایت بسیار خراب کند و عربان بر روم بیرون تازند و بعضی از اماکن از تصرف ولایت روم بدر رود و پادشاه عجم در کرمان مغلوب شود و بلاد آن گروه سعادت در آن کند بیفاید و در علو و بر کسی بود باشد از جهه طرف پادشاه خروج کند و بسر نابینا خصوصا بهر ترکان خوارزم و از سمت قطب شمالی حرکت کند و بحوالی در بار شد و خرابی بسیار بهر رسد و مانند ترکان با عجم در او بر ولایت غالب شوند خلقی بسیار از فقر و غیبت مار گشته شوند و احتمال دارد که ابتدا در ماه سال ... پادشاه عجم در سمت مشرق حرکت کند با ... و بدیلی بادر او بسیار و در راه حادثه او را عارض شود که مدتی توقف کند و امرای خراسان و سکون بلاد ... باشند و احتمال دارد که لشکری عجم در حضرت ... جمع شوند و در سوال ولایت کمر بجانب پادشاه ایند و در اول سال گندگران و نان عزیز شود و فتنه ظاهر شود و اضطراب عظیم باهل عمان راه یابد و اکثر ولایت در خراب شود و قتل و غارت و کشتها در بعضی اماکن بلد والیان افتد و در نهایت بند و عدالت در پادشاه باشد و غلبه طالب خروج باشد و اهل جبیل القدر کشته شود و قوم ... شود و در ... انقطاع حسد و نزاع بسیار شود و گرانی بکوه نیز در بعضی اماکن از تصرف ... اسلام بدر رود و هر سال که اول محرم در روز **جمعه** باشد در ان سال زمستان ... کم باشد و اب دخانها کم بوده باشد و در بلاد جبل صد فرسخ ... مدد ... کم باشد و در آن سال در بیشتر مردم ... باشد و در ناحیه مغرب گرانی ... و در بعضی ... سد و در روم ... غلبه عظیم بهر رسد و روایت دیگر غلات در مصر و حبشه و شام کم حاصل اید گرانی در بلاد مغرب بلاد ... اطراف ... حادث شود و ارزانی ... بلاد و ... غارت بصره و عراق نیکو شود و لکن از جهت ... و در ... جبل ... نیکو شود ... و انگور ... کند در دهر ... که در بصره کشته شود و ... کرده بسیار ... و میوه نیکو شود و اب خانه ... کنند که بغداد ... عزت گرد ... پادشاه ... و ... در ماه ربیع الاخر تا جمادی الثانی در ... بسیار مردم ... و ... و در ... شکم و کلف و ... بسیار ... زنان ...

از ... که بر مردم ... شود ... لن بنا ... الله و آنکه ... زبلاد غالب گردد و اگر که ستاره دنبه دار ... شود فتنه های عظیم از ان ... خروج کند و ... دیگر ... و اضطراب ... شود ... و ... عظیم بهم رسد ... خسوف و کسوف منظر ... جلد ... تمت ... رضی الله عنه ...

که در کتاب ... پیغمبر صلی الله علیه نوشته است در طلب گرفتن افتاب و ماه شهرهای عشره ... هر که **محرم** افتاب بگیرد در ان سال ارزانی باشد و ... سال در دهی ... در مردم عادت شود و پادشاه بزرگ ... ظفر یابد و ... حادث شود و بعد از ان سلامت باشد و هر سالیکه در ماه **صفر** ما بگیرد در ناحیه مغرب ... گرسنگی مردم زرد ... و جنگ و کشتن در مغرب ... ماه ربیع الاول صلح ... خلاف کم بهر رسد و پادشاه مغرب ظفر یابد ... و در اخر ... باد بسیار ... و هر سال که در ماه **ربیع الاول** افتاب بگیرد در ... باد ... و خلق ... بلیم ... و کسی بر پادشاه خروج کند ... و کشتن ... باشد و هر سال که در ماه **ربیع الثانی** افتاب بگیرد پادشاه بار عیت خود معامله شفقت ... بسیار نماید و با خاطر ایشان ... مردم فراخ باشند و هر سال که در ماه **جمادی الاولی** افتاب بگیرد در ناحیه مغرب پادشاه با رعیت خود در مقام شفقت باشد و ... و فراوانی بسیار باشد و هر سال که در ماه **جمادی الثانیة** افتاب بگیرد در بلاد مصر جنگهای عظیم واقع شود و کشتن بسیار شود و در مغرب در اخر سال گرانی بهم رسد و هر سال که در ماه **رجب المرجب** افتاب بگیرد زمین باران شود و در کوهستانها و ناحیه های مشرق باران بسیار اید و در ناحیه ... ملخ ... پدید اید ... و هر سال که در ماه **شعبان المعظم** افتاب بگیرد همگی مردم از ... پادشاه ایمن باشند و پادشاه در مغرب ... ظفر یابد و در بلاد جبل در اخر سال مرگ ... مردم بسیار ... و هر سال که در ماه **رمضان المبارک** افتاب بگیرد مردم همگی پادشاه را ... الطاعت کنند و مردم را ... غلبه عظیم بهم رسد ... غالب شوند غنیمت بسیار از ایشان بگیرد و هر سال که در ماه **شوال المکرم** افتاب بگیرد در بلاد هند ... کشتن بسیار واقع شود و گیاه زمین در ... شهرها ... بسیار باشد و هر سال که در ماه **ذی القعدة** افتاب بگیرد باران بسیار ... و در ... و هر سال که در ماه **ذی الحجة الحرام** افتاب بگیرد ... در ... مغرب خرابی بسیار ... کشتن ... پادشاه ... بسیار ... **اما اثار گرفتن ماه** ... هر سال که در ماه **محرم** ماه بگیرد در مغرب ... و در بلاد جبل ... باشد ... و هر سال که در ماه **صفر** ماه بگیرد ... در ... و هر سال که در ماه **ربیع الاول** بگیرد در بلاد مغرب ...

... **المکرم** ماه بگیرد ... پادشاه ... بسیار باشد و هر سال که در ماه **ذی القعدة** ... شهرهای عظیم ... و هر سال که در ماه **ذی الحجة الحرام** ماه بگیرد ... مغرب ...

دعوی پادشاهی کند ... تمت احوال الکسوف والخسوف

برد ز گل عسر عنبر بر خوان
بجز از آنکه خوانی جهر اولیست
چو گفتی استعاذت ای جوانمرد
بغیر از سورهٔ توبه که آنجا

که خوانی فاستعذ با تیر در آن
ولیکن در نماز است جهر اخفاست
پس بسم الله باید ابتدا
نباید گفت بسم الله

تلاوت گر کنی سنه آن بجو
بخوان هر سورهٔ از دوازده بر عشم

در بیان بسمله

عنبری دگر عربی دگر جزو
نقل است بهر این هستا در قرآن
بخوانی و بدان این نکته را هم و
که در اثنای سوره جایز است آن

در رؤیت هلال منقول از چهل فصل علامه مجلسی

در روایات معتبره وارد شده است که ماه رجب المرجب را بقرآن
باید دید ماه شعبان المعظم را بروی بزرگان و صلحاء و علماء
رؤیت باید کرد ماه رمضان المبارک را بروی اهل و عیال خود
باید دید ماه شوال المکرم را بر فیروزه و آب روان باید دید
ماه ذیقعدة الحرام را بر روی آئینه و پشمینه و شمشیر باید دید
ماه ذی حجة الحرام را بروی طفل یا قفل باید دیدن ماه
محرم الحرام را در ابدوان و فیروزه باید دیدن ماه صفر
المظفر را در روی کودک با کف سنخود باید دید ماه ربیع
الاول را در لب ایستاده میباید دیدن ماه ربیع الثانی
در لب روان باید دید ماه جمادی الاولی را در خو ماه نگرند
ماه جمادی الثانیه را در تمام دز هین نگرند و بروایت دیگر
هرگاه محرم در حمل نو شود در آتش افروخته ببیند یا در لوح سرخ و شمشیر
بهتر و این ماه را بقصد میمنت نباید دید و نباید بر خو مبارک گرداند
و این ماه را شوم دانند و حذر کنند از دیدن مردان بد و زنان فاحشه
و مطلقا در این ماه عشرت ننمایند و تماشا و خنده را بر طرف کنند و
مبالغت نکنند و نروند و ماه صفر را هرگاه بدانند که در ثور نو
شود در روی صاحبدلان و جواهرات و عقیق یمنی و جوانان رؤیت
کنند و حذر کنند از دیدن سباع ضاره ماه ربیع الاول هرگاه
در جوزا نو شود در روی عالم و زاهد نگرند یا در آب روان یا در جواهر
مثل مروارید و مرجان ببینند و حذر کنند از دیدن مجوس و نابینا و دیگر
العاهات و کوران ماه ربیع الثانی هرگاه در سرطان نو شود در
لب روان صاف نگرند یا در سبزه یا در جواهر و عقیق یمنی و حذر کنند از
مردم شهره و غماز ماه جمادی الاولی هرگاه در اسد باشد در
آسمان نگرند یا در زر یا در آتش و سه نوبت بگویند لاحول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و حذر کنند از دیدن تارک الصلوة و جنب و مخالف
مذهب ماه جمادی الثانیه هرگاه در سنبله نو شود بروی
دختران باکره و خوشروی و محرم خود نگرند یا در سبزه و عقیق یمنی و در
نجف و یا در فیروزه و حذر کنند از دیدن چیزهای سیاه و دود و
خاکستر و دیدن مجوس ماه رجب المرجب هرگاه در میزان

نو شود در آئینه صاف نگرد و سه مرتبه فاتحة الکتاب بخواند
و حذر کند از دیدن نجاسات و مکروهات و کثافات و سگ
سیاه ماه شعبان المعظم هرگاه در عقرب نو شود در روی
مردم خوب صالح خوش گفتار یا در مصحف مجید یا در روی بزرگان
و اهل صلاح نگاه نکند و حذر کند از مردم بد نفس و بدین و عوام
و اجلاف و سنخری ماه رمضان المبارک هرگاه که در قوس نو
شود در روی علماء و سادات و نقره و سیم و جواهر ابیض نگاه کند و حذر
کند از مردم ظالم و دیگر ملازم و حکام و بدذات و موذی و منافق و
شریر و بدکار ماه شوال المکرم هرگاه در جدی نو شود در روی سبزه
نگاه کند و سه مرتبه بگوید وحده لا شریک له و حذر کند از دیدن
زنان سلیطه و فاحشه و فاجره ماه ذی القعده هرگاه در دلو
نو شود در مسجد جامع و عمارتهای عالی نگاه کند و سه مرتبه انا انزلناه
بخواند و بر خود بدمد و حذر کند از دیدن مردم بدکار و از هر چیز مکروه
ماه ذی الحجة الحرام هرگاه در حوت نو شود در قرآن مجید نگاه کند یا در
روی علماء و یا در لعل و فیروزه و زبرجد و مروارید و جواهر ابیض
و حذر کند از دیدن جراحتها بدانکه هرگاه هر ماه از این ماهها
دوازده گانه باید که در روی غلامان و صالحان و مؤمنان نگاه کند
و نباید در روی یمنی که حبیب الله کنده باشد و شکل هلال و بوته
گلی داشته بر ببیند و یا در فیروزه و دعای صحیفه حضرت سید
الساجدین صلوات الله علیه را باید بخواند و خواندن الحمد هفت
مرتبه که دیدن ماه نیز امانست از درد چشم و چون ماه را دید باید که رو
در قبله بایستد و دعا بخواند بطریقه اهل نجوم محرم را در روی
سلاح مصقول نگاه کند صفر را در گیاه و مروارید نگاه کند ربیع
الاول را در روی اهل علم نگاه کند ربیع الثانی در سبزه و
جواهر نگاه کند جمادی الاولی در روی نقش کاران نگاه کند
جمادی الثانیه بسلاح و عرهین نگاه کند رجب المرجب بقرآن نگاه کند
شعبان المعظم در روی مشایخ نگاه کند رمضان المبارک در روی
دهقانان نگاه کند شوال المکرم در سبزه و آب روان ذی
القعدة الحرام بروی اطفال خود و بهان ذی الحجة
الحرام در روی قرآن مجید نگاه کند

بیان واجب گشتن مد و تعداد آن

وبا تشدید یا ساکن شد بلی	زبعد واو چون همزه بیابی
بحد خود کشش چون تیغ برا	بود مد آن نزد زیرک قرار

مد تمکین

(۲۴)

هو الله تعالی شانه العزیز

ولیکن این سخن نقل ضعیف است	اگرچه نقل این بس شریف است
بیا بشنو ز من تعریف مد آت	شنیدی نکته باید ای نکو ذات
بگویم تا بدانی مد آ احد	بدیگفتن ولیکن مد سه ند
سخن نیز با خیشوم آواز	کمن تکرار در مد ای سه فراز

رساله کلمات مشکله سور قرآنیه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله علی نواله والصلوة والسلام علی رسوله وآله **اما بعد** چنین گوید خادم شرع انور محمد جعفر که این رساله ایست در اصلاح کلما

قرآنیه که بعضی بر بعضی مشتبه میشود باحتمال اشتباه میرود بترتیب سور قرآنیه از جهت حل اشکال ایراد شد **سوره حمد** مالک یوم الدین الف مالک را حذف

ماله مکرده است **سوره بقره** ده اند و هجده کلمه است مثلا نا بعوضة ما ابتدا وصل باید کرد معبوثنا الثانی ابنیونی همزه اش قطع است ساقط نشود

نعمت یاتی ذکر العجل همزه اش وصل است الرابع بئسما بتشدید التاء الخامس قل اتخذتم بسکون اللام و فتح همزه که از برای استفهام است همزه باب

افتعال السادس بیان یکسره اخیر و فتح لام السابع لن یاشربه بفتح لام و میم لن الثامن یوم لا اعرفی بفتح تاء مکرر کرد لن تسمع ثم اضطره بفتح همزه مضموم

و ضم راء صیغه متکلم وحده است از مضارع العاشر درو و بفتح زای و تشدید واو مفتوح **الحادی عشر** لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم بضم عین بی نقطه

و فتح الف بیان الثانی عشر علی مولود له ورزقهن که از اتصال مولود ماینده بر رزقهن هم چنین است در ولا مولود له الثالث عشر کمثل جنة در اول بجاء و باء

و در ثانی بجیم و نون است الرابع عشر فان اکلها همزه اش همزه باب افعالست همزه فاء الفعل که ثلاثی مجرد باشد الخامس عشر واتوا الزکوة بفتح تاء و ضم

واو جمع مذکر غایب از فعل ماضی مرکب بواسطه اتصال ضمیر او مثل السادس عشر فنظرة بفتح نون و کسر ظاء السابع عشر ان تصدقوا بفتح همزه و با الثامن

و تشدید و تقیید و قطع همزه التاسع عشر او اخفاها بقطع همزه بعد از ذال و فتح آن **سوره آل عمران** بها اربع کلمات الاولی ثم یقول للناس بفتح لام

یقول که عطف بر نوبه که منصوب است الثانیة لما آتیتکم بفتح لام لما نیز لام ابتداء و ما موصول الثالثة و من یتبع بفتح یاء و بعد از آن باء موحده

ساکنه و پس از آن تاء فوقانیه و بعد عین مهمله از ابتغاء بمعنی خواستن نه اتباع بمعنی متابعت الرابعة او یکبتهم بعد از کاف تاء یک نقطه است و بعد از باء تاء دو

نقطه است بمعنی نگونسار کردنست **سوره النساء** بها خمس کلمات الاولی حصد قاتهن بضم الدال الثانیة وقال لاتخذن بفتح لام و همزه قطع

دو الثالثة فلیبتکن بعد از باء دو نقطه باء موحده بعد تاء و مشدده فوقانیه الرابعة وان تلوا بفتح تاء و سکون لام و ضم واو و اشباع که بدو واو خوانده

شود زیرا که در اصل تلوون مضارع لوی بمعنی پیچیدن باشد از شهادت حق یحکم حق بنا بقراءت مشهوره و از بعضی قراء تلوا بضم لام و سکون واو حکایت شده که

جمع تلی بمعنی متعرض شدن شهادت حق و ادای حق است الخامس فی الدرک الاسفل بفتح دال و سکون راء نیز قراءت شده و لیکن مشهور نیست

سوره مائده و فیها ست کلمات الاولی لا اثم بکسر لام و قطع همزه الثانیة نبأ ابنی آدم بسکون باء و فتح نون و سکون یاء ابنی بمعنی خبر دو پسر آدم

الثالثة اوفوا بالعقود بفتح همزه و قطع الرابعة ما انی داتمک مکون بکسر همزه و فتح در هر دو جا و فتح نون تکون الخامسة فاواری بفتح یا السادس

بالیما الذین امنوا علیکم انفسکم بفتح سین انفسکم منصول علیکم بوده باشد که اسم فعل است بمعنی الزموا **سوره انعام** و فیها ثمانی کلمات الاولی

انباء ما کانوا به یستهزؤن علی انباء بمعنی خبرها نه چنانچه در ابناء که بمعنی پسرهاست الثانیة انظر کیف کذبوا بتخفیف ذال الثالثة ولا نکذب

بفتح باء الخامسة الرابعة نجوی بتشدید جیم و نون هر دو با مد باشد الخامسة انما توعدون بفتح عین السادسة من المعز اثنین بعد از میم

عین بی نقطه و زای نقطه دار السابعة قل ءالذکرین با همزه استفهام و مد و همچنین در ثانی الثامنة دینا قیما بکسر قاف **سوره اعراف** و فیها

احد عشر کلمة الاولی رب ارنی انظر الیک بفتح همزه و ضم ظاء و سکون راء الثانیة ما وری باشباع ضمه واو الثالثة سوآتکم بفتح سین و سکون

واو و فتح همزه و سکون الف بعد از همزه و کسر تاء الرابعة سأریکم بضم همزه بدون مد و الخامسة تذروها ما کل بسکون لام تاکل السادسة انهولاء

متبر بتشدید باء و تخفیف تاء السابعة بکل صراط توعدون بکسر عین بی نقطه الثامنة و بجست بتقدیم نون بر باء و موحده و تقدیم باء بر جیم

لن سعه ربی کذبه بفتح همزه و قطع العاشرة دعوا الله ربهما بفتح هاء الله و باء رب الحادی عشر ان ولیی الله بکسر یاء ثانیه **سوره التوبه**

و فیها سبع کلمات الاولی واتوا الزکوة بفتح تاء و ضم و وبا اشباع الثانیة یضل بیاء مضمومه و ضاد مفتوحه الثالثة لا یسوق بیاء مفتوحه و اشباع واو الرابعة قاتلوا الذین یلونکم بضم لام و سکون واو بمعنی نزدیک بکه لام ساکن و واو ضمه دهند با اشباع که بمعنی بچسبند و بچسبانند چنانچه در یلوون السنتهم چنین است الخامسة فی سبیل الله اثاقلتم بتشدید ثاء مثلثه مضمومه و فتح قاف السادسة و ما نقموا الا ان اغنیهم الله بفتح همزه و عین و نون با الف السابعة و سرخوا همزه نعمه مفتوحه **سوره یونس** و فیها اربع کلمات الاولی امن لا یهدی بفتح یاء و کسر فی و تشدید دال مکسوره که در اصل یهتدی بود الثانیة ولا تتبعان بتشدید نون الثالثة الآن همزه مفتوحه والف مد چه باشد دره لکم سابق که در این سوره مرجعیست الرابعة الله اذن لکم همزه مفتوحه دال که مد باشد **سوره هود** و فیها ست کلمات الاولی التنور بتشدید نون الثانی انی سر نتیم تبیعه بضم میم و الف بعد از راء و در بعضی قراءت بضم میم و کسر راء خوانده شده لکن مشهور قراءت الثالث دری بخری بو مثل بکسر میم و در قراءت مشهور الرابع بنا لک بعده بتاء و نون الخامسة لا تکلم بفتح تاء و کاف و لام و ضم میم که در اصل لا تتکلم بوده یک تاء حذف السادسة نعقه بضم قاف بدون اشباع زیرا که ها ضمیر نیست بلکه جزء کلمه است **سوره یوسف** و فیها ان ... جزاؤه بضم همزه بلا واو ... هر چند ... شود ... **سوره بنی**

اسرائیل و فیها خمس کلمات الاولی دعوکم علی مولد بفتح کاف ثانیة لاحتنکن بفتح لام و همزه و سکون حاء بی نقطه و فتح تاء و کسر نون الثالثة واجلب علیهم بفتح همزه قطع

و سکون جیم ... لام و سکون باء الرابعة رکن بفتح تاء و سکون راء و ضم کاف و فتح نون الخامسة لیسوء بضم همزه با اشباع که در جمع ظاهر شود **سوره کهف** و فیها اربع

کلمات ... لکنا بفتح نون بدون الف هر چند بصورت الف داخل نوشته شود زیرا که اصل آن لکن انا بود همزه انا را از جهت تخفیف حذف کردند نون در نون ادغام کردند

زد دانست اوّل مد متصل
بود معنی متّصل جای در دل
نشان دو مد بشنو متّصل
کشیدن مد بحرج بسته دست
مد بین
چو بینه مد دو مو سوم از نشست
گر نشناسد محدوده دع نشست

بود مد وسط کلمه چون قف لی
حد او چار الف با سه الف دان
بدان مد دوم را جنبه خونش
بود در آخر کلمه چو آیا

مد لازم باد ملک قل قال
بحرف کلمه خوانی دو الف دان
حدش چون مد مباین هم پرسد
دگر باز ندا از با بتا ء

لکنّا شد وچون انا بصورت الف دار نوشته میشود لهذا بعد از حذف همزه وادغام نون نیز چنان مشدود گشت الثانیة تذروه بفتح تاء وسکون ذال معجمه که از
ذرو ناقص واوی است نه مثال الثالثة ولا نعد بسکون عین نه عکس الرابعة بقوّة الخامسة اجعل بقطع همزه اجعل زیرا که همزه مکسور است **سورة مریم** وفیها
سبع کلمات الاولی قال کذلک قال ربّک بفتح کاف فیهما الثانیة قال انما انا رسول ربک بکسر کاف ربّک ولک وکذلک وقال ربّک الثالثة
فاما ترینّ بفتح تاء وکسر راء وتشدید نون که در اصل ترءیین بود چون تعین بعد از دخول نون ثقیله وحذف نون وباء در ترئیه بجهة التقاء ساکنین
وهمزه ونقل حرکت او بما قبل آن که راء باشد وحذف ان ترینّ شد الرابعة تَتّ بفتح همزه بدون الف ثلاثی مجرد است الخامسة اعزّنکم نفتح همزه و
قطع ان السادسة وادعوا ربی بفتح همزه قطع السابعة اطّلع الغیب بفتح همزه قطع زیرا که همزه استفهام است **سورة طه** وفیها ثمان کلمات
الاولی فلما اتیها بدون الف مجرد است الثانیة ان اقذفیه بفتح همزه وکسر نون وسکون قاف وکسر ذال وفاء وسکون یاء اقذفیه بل کلمه است مفرد
مؤنث امر حاضر است الثالثة اعطی کل شیء خلقه بسکون لام وفتح قاف الرابعة تلقف بسکون فاء للجزم الخامسة انّما صنعوا ان واحد زیرا
که ما موصوله است واسم ان نه کافه السادسة بملکنا بفتح میم وسکون لام وکسر کاف السابعة وبصرت بضم الصاد الثامنة من اصحاب بفتح
همزه **سورة الانبیاء** وفیها ست عشر کلمات الاولی من لا یفترون بفتح الیاء وسکون الفاء وضم التاء که از فتر بمعنی سستی است نه فتح تاء که از فتره
باشد الثانیة وذکر من قبلی بفتح میم من نه کسر الثالثة رتقا بسکون تاء الرابعة یسبحون بفتح یاء وسکون سین وفتح باء مع التخفیف بمعنی شناوری
کردن الخامسة یکلؤکم بهمزه مضموم بلا ثلاث واشباع السادسة وکنا به عالمین بکسر لام السابعة یصحبون بضم یاء وسکون صاد وفتح حاء وضم باء انا منه
ولئن مستهم نفحة با حاء بی نقطه است بمعنی دزدیدن نه با نقطه بمعنی دمیدن التاسعة وذکری للمتقین براء مهمله بدون الف مقصور چون ذکری العاشرة و
اقام الصلوة بکسر همزه مصدر است الحادیة عشر ان نقدر بعد از فاء شین است نه ثاء الثانیة عشر یسبحن بضم یاء وفتح سین وکسر باء مشدده وسکون حاء
بمعنی تسبیح الثالثة عشر صنعة لبوس بفتح لام بمعنی لباس جنگ یعنی زره الرابعة عشر وکنا بکل شیء عالمین بکسر لام عالمین الخامسة عشر یغوصون بغین با
نقطه وصاد بی نقطه السادسة عشر غفلة بفتح غین با نقطه **سورة الحج** وفیها تسع کلمات الاولی ثانی عطفه بکسر عین بی نقطه الثانیة یدعو
لمن ضره بفتح لام ومیم لمن الثالثة ان لا تشرک بسکون کاف الرابعة ثم لیقضوا تفثهم با تاء دو نقطه وفاء وثاء سه نقطه الخامسة فتخطفه بتاء
مفتوحه وخاء ساکنه وطاء مخففه مفتوحه السادسة معطلة بکسر طاء السابعة وبیع بکسر باء وفتح یاء دو نقطه جمع بیعه معبد نصاری الثامنة
الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة واتوا الزکوة بفتح تاء بعد از همزه والف وضم واو وفتح تاء چنانکه در آخر مذکور است **سورة المؤمنون**
وفیها ثمانی عشر کلمه الاولی الذین هم علی صلواتهم بفتح صاد ولام وواو بعد از واو الف وتاء جمع صلوة است وفی صلواتهم مفرد است الثانیة تنبت
بفتح سین الثالثة وصبغ بکسر صاد الرابعة جنة بکسر جیم الخامسة بما کذبون بکسر نون السادسة ووحینا بفتح الواو وسکون الحاء وکسر الیاء السابعة
من کل زوجین بکسر لام با تنوین الثامنة غثاء بضم غین با نقطه وثاء مثلثه التاسعة تتری بفتح واو وسکون ثانی وفتح راء بعد از واو الف العاشرة
ربوة بکسر جیم الحادیة عشر فانی تسحرون بضم تاء وسکون سین وفتح حاء بی نقطه الثانیة عشر ما اتوا بهمزه والف وفتح تاء قبل از واو الثالثة عشر ربّ
اما ترینّی بضم تاء وکسر راء وفتح یاء وکسر نون مشدده ویاء متکلم الرابعة عشر ان یحضرون بفتح یاء وضم ضاد وکسر نون الخامسة عشر تهجرون
بفتح تاء وسکون جیم وفتح همزه وضم راء السادسة عشر سخریا بکسر سین السابعة عشر انسوکم بفتح همزه وسکون نون وفتح سین الثامنة عشر العادّین
بتشدید دال **سورة النور** وفیها تسعة کلمات الاولی یدرؤ بضم همزه بدون اشباع وواو الثانیة ولا یأتل بفتح تاء وکسر لام الثالثة
کسراب بقیعة بکسر باء جاره وقاف در بقیعة زیرا که باء حرف جر وقیعه کلمه علیحده است یعنی بیابان وزمین هموار است الرابعة الظمآن فی
وسکون میم وفتح همزه با الف ونون چون عطشان لفظا ومعنی الخامسة لجّی بضم لام وتشدید جیم مکسوره وتشدید یاء مکسوره السادسة من برد بفتح
باء وراء السابعة ان یحیف الله علیهم بحاء بی نقطه الثامنة یتقه بفتح یاء وتاء مشدده وسکون قاف وکسر هاء بدون اشباع التاسعة لیستاذنکم
بسکون نون **سورة فرقان** وفیها ست کلمات الاولی ما لهذا الرسول بما استفهامیه ولام جاره که لهذا ربط داده نه بما چنانچه
جدا نوشته شود الثانیة ولا یاتونک بمثل بفتح میم وثاء سه نقطه الثالثة ویخلد فیه مهانا بکسر هاء فیه با اشباع که در قراءت حفص بیاء
خوانده شود الرابعة ویلقون بضم یاء وفتح لام وفتح قاف مشدده الخامسة یعبؤا بضم همزه بدون اشباع السادسة دعاؤکم بضم همزه
بدون اشباع **سورة شعراء** وفیه ثلث عشر کلمه الاولی فسیاتیهم انباء بعد میم نون بر یاء وضم همزه بدون اشباع الثانیة فعلتک
بفتح فاء وسکون عین وفتح لام وتاء الثالثة تمنها بفتح تاء وضم میم وتشدید نون الرابعة وازلفنا ثم الاخرین بفتح تاء ثمّ

الخامسة واطیعون بکسر نون السادسة تذکر بما تعلمون بتشدید لام بر میم السابعة ان هذا الا خلق الاولین بضم خاء معجمه ولام الثامنة فارهین بکسر لام وفتح عین و میم التاسعة من المسحرین با خاء مهمله مع التشدید العاشرة کسفا بفتح همزه قطع وکسر قاف نازی عشر یوم الظلة بضم ظاء الثانی عشر علموا بضم همزه بدون اشباع الثالث عشر قرآن بفتح تاء ونون وضم لام **سورة النمل** وفیها خمسة عشر کلمة الاولی لیاتینی بفتح لام اول وضم تاء وفتح لام دوم وقاف مشدده بی نون الثانیة ادخل بفتح همزه قطع وسکون دال وکسر خاء وسکون لام الثالثة و تحسبها بتقدیم جیم بر خاء الرابعة ان اعمل بفتح همزه قطع وفتح میم ولام الخامسة ادخلنی بفتح همزه قطع السادسة مالی بفتح یاء السابعة سبا بفتح سین وکسر همزه منونه الثامنة الخبء بفتح خاء وسکون باء وفتح همزه التاسعة فالقه بفتح همزه قطع العاشرة تشهدون بکسر نون الحادیة عشر الیک بکسر کاف الثانی عشر اتمدونن بضم تاء وکسر میم وضم دال مشدده وفتح نون اول وکسر تاء الثالث عشر قبل بکسر قاف وفتح باء الرابع عشر قرنک بفتح تاء وسکون راء وضم تاء الخامس عشر ننظر بسکون الراء الثالث عشر عرشها بکسر کاف السابع عشر قالوا اطیرنا بتشدید طاء ویاء الثامن عشر الله خیر بفتح همزه استفهام داخل بر الله

ثاب شد التاسع عشر بل ادارک بتشدید دال وسقوط همزه وصل العشرون یعلمون بفتح تاء اول وآخر وسکون نون وکسر باء العشرون بل ادارک تشدید دال وسقوط همزه وصل الحادی والعشرون بضم کاف و
وکسر کاف وضم نون مشدده الثانی والعشرون واتوه بفتح همزه بدون الف وفتح تاء وسکون واو الثالث والعشرون مکبت بضم کاف وفتح تاء موحده مشدده الرابع
والعشرون هذه البلدة بفتح تاء وسکون لام بلدة الخامس والعشرون وان اتلو بفتح همزه قطع وسکون تاء وضم لام وفتح واو **سورة القصص** وفیها سبع وعشرون

هذا الکتاب المسمی بشجرة طیبة فی تجوید القران

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی جعل النبیین لسان الصدق فی الاخرین وصیر ائمة المعصومین تذکرة للمتقین والصلوة والسلام علی محمد اشرف المرسلین واله خیر الوصیین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین **وبعد** چنین گوید خادم خدام شرع مبین زین العابدین ابن مرحوم مغفور مبرور میرزا میرزا محمد علی من احفاد علامه سبزواری اعلی الله مقامهما که چون در سوابق زمان رسائل متعدده در علم قرائت نوشته بودم بمذهب عاصم واز انجمله رساله ایست که موسوم نمودم انرا بشجرهٔ طیبه چون ابواب وفصول ان بصورت اشجار مثمره موسوم گشته وبلسان عرب نوشته شده واز این جهة فیض ان عاید عوام نمیگردید لهذا درین اوان حسب الحکم مطاع لازم الاتباع سرکار شریعتمدار خلایق الافتخار حجة الاسلام والمسلمین ومقتدی الفقهاء والمجتهدین وقدوة المحققین وزبدة المدققین وشمس الملة والدین مروج شریعة جد المرسلین ومصباح الحق والیقین اعلم العلماء العاملین وافضل الفضلاء الراشدین وازهد الزهاد والاتقیاء والصالحین سید الاجل وشیخنا النبیل الساللک فی سبیل الله فخر الحاج مولانا الحاج سید اسد الله وفقه الله در صدد ان برامدم که رساله مزبوره را بزبان فارسی ایراد نمایم که جمهور خلق منفعت وفائده تام ازان ببینند امید از فضل حضرت سبحان جل عزه وجلاله که منظور نظر کیمیا اثر قدسی منظران فرخنده اولاد سید البشر گردد وها انا اشرع فی المرام وابتدأ بحسن الکلام واستعین بالله الکریم واقول بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لمن توحد بالعزة والبقاء وتفرد بالحمد والثناء والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء محمد واله الانقیاء وسمیتها بشجرهٔ طیبة ورتبتها علی اثنی عشر بابا وخاتمة هدیة الثانی که قاریان ایات وسور کلام سبحانی در مجامع قلوب بزم ایمان ومحافل ضمایر اهل معرفت وایقان تلاوت توانند نمود وحروف شریف مألوف انرا از مخارج لسان شکرگذاری باداء خفای نعم متواتره بصفای قلب بحوافظها وادغام در بیان زبان توانند گشود حمد حضرت ذو الجلال جل شانه که ایات مجید قرانی وسورهٔ مبارکه فرقانی را بجهة هدایت بندگان از فرط رأفت بی پایان بصحابت مرحمت وامر وحی فلاحت ارسال برسول امین وابلاغ بحضرت سید المرسلین فرمود وثواب عظیم از کرم عمیم در قرائت وتلاوت ایات وسور با برکات کثیر بحیز مقرر داشته ومصداق ورتل القران ترتیلا امر بتجوید کلمات وتحسین ایات وفقرات ان نموده وقراء سعادت نشان را نیز از قاری وموقنین مرکز ضفر که بجهة تجوید فرقان برسالکان راه هدایت گماشته ودر عزود صلوات وتحفه تحیات وتسلیما نثار باد حضرت رسالتمدار ... سر بر نبوت باد که نجات در این بجهة شفاعت او برقرار است وسرافراز نشانین بولایة ومحبت اهل بیت طاهرین او اسکنهم صلوات الله علیهم ... سلام الله فانح عنهم واحضرت الفقراء من ذوج در ...

کلمه الاولی ابناؤهم بتقدیم نون بر باء الثانیة ابناءهم بتقدیم باء بر نون الثالثة ... ان اخیه بفتح همزه ... الرابعة حفیت بکسر فاء ... فانقبه بفتح ... السابعة ... بفتح لام وسکون تاء ... ولا تحزن بضم نون ... بفتح سین ... عشر ... بضم ... عشر ... بضم همزه ... عشر انبهما بفتح همزه بدون الف ... عشر ... بفتح همزه ... بکسر ... الحادیة عشر ان تقتلون بکسر نون ... عشر ... بکسر ذال ... بسکون ذال وفتح همزه ... السابعة عشر ... الثامنة عشر ... بفتح همزه بی الف التاسعة عشر ... بفتح عین العشرون ... بفتح نون ... والعشرون ... بضم باء ... والعشرون ... الاثنان ... والعشرون ... بفتح لام ... **الخامسة والعشرون** ... بسکون تاء وفتح باء ... والعشرون ... مبادر ...

سورهٔ عنکبوت

وفیها ... کلمات الاولی لنعم ... بفتح لام ... النعم ... بفتح ... بضم ... بکسر ... وسکون ... بفتح همزه ... حیوان

سورهٔ روم

وفیها ... الاولی ... والارض بفتح همزه ... بدون مد الثالثة السوءی بضم سین وسکون واو ... بفتح همزه ... الرابعة ... فی ذلک لایات للعالمین بکسر لام ... جمع عالم بکسر لام ... بفتح لام ... الثامنة من ضعف بضم ضاد ... التاسعة من کل مثل بفتح میم وثاء ...

باب اول در بیان اقسام و انواع مدّها است

۲۲

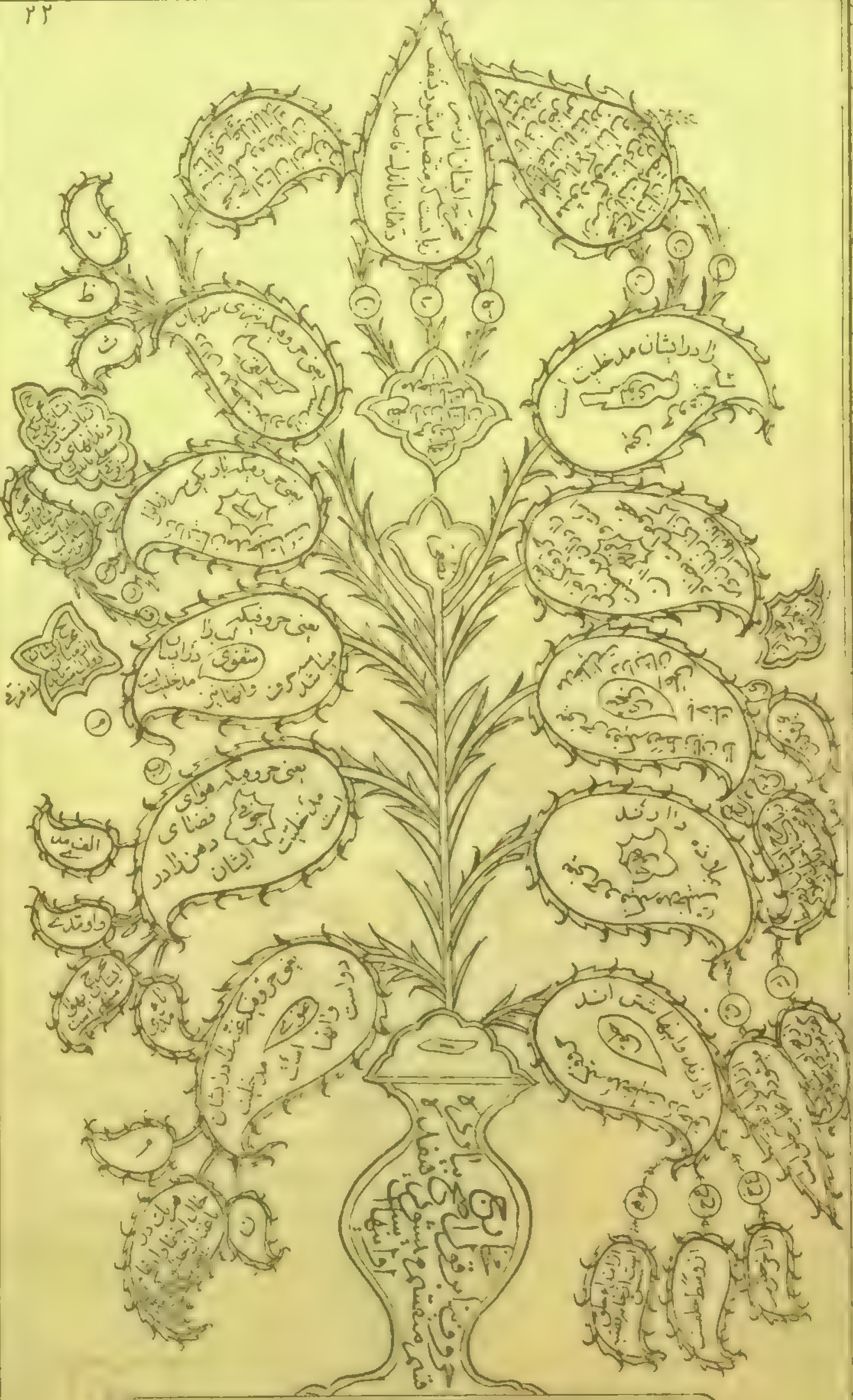

باب دویم در مخارج حروفاست

باب سیم در صفات حروف است

باب چهارم در معرفت القاب قراء و رموز ایشان

ماقى
مانند كلاه ودرماى
نمودن نون ساكنه وتنوين
الف را لكن اينجمله نباملا دكلام الله
مجيد بلكه عرب ازجهة انكه التقاء ساكنين على غير
حده لازم ميايد واين جائز نيست چنانچه علماء صرف
تصريح نان نموده اند بلكه انجه اتفاق ميفتد اينرا مكسور
خواهد شد ازجهة رفع التقاء ساكنين مثل مِنَ الكذّاب الاشِر
ومن الصالحين ومن الذى وامثال اينها واصل درتحريك ساكن كسر
است لكن استثنا شده است من جاره كه مفتوح ميگردد از
جهة انكه كثير الاستعمال است پس هرگاه كسره ميدهند
اورا لازم ميايد استعمال
كسره درجميكه كثير
است
باب نجم در احكام نون ساكنه و تنوين است نزد حروف هجا

باب ششم در احکام میم ساکنه است نزد حروف هجا

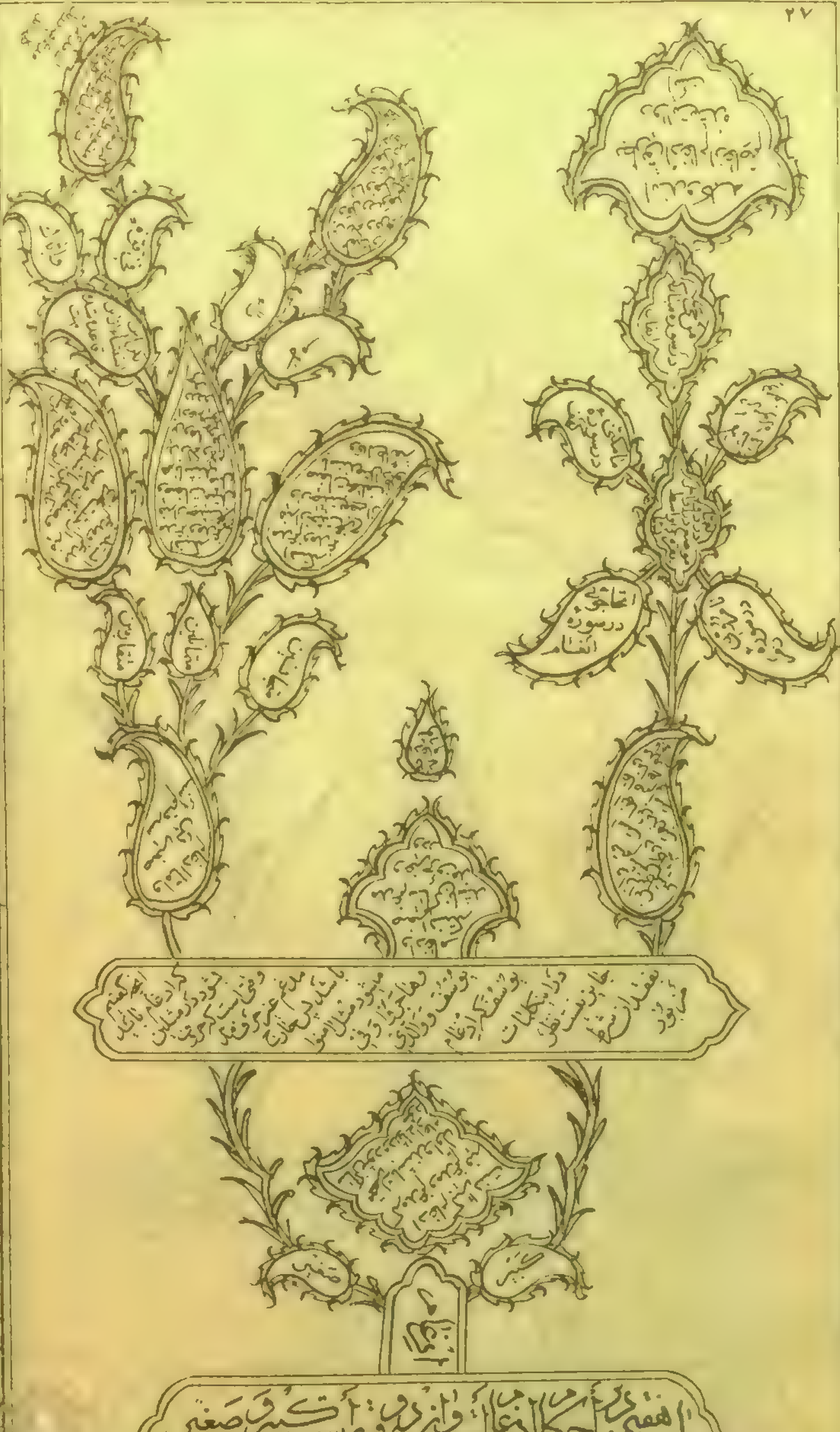

باب هفتم در احکام ادغام است و از دو قسم است کبیر و صغیر

باب هشتم در بیان ادغام لام تعریف و اظهار او است نزد حروف هجا

باب نهم در بیان احکام هاء ضمیر است

٣٠

باب بيست هم در بيان احكام مدّ و قصر است

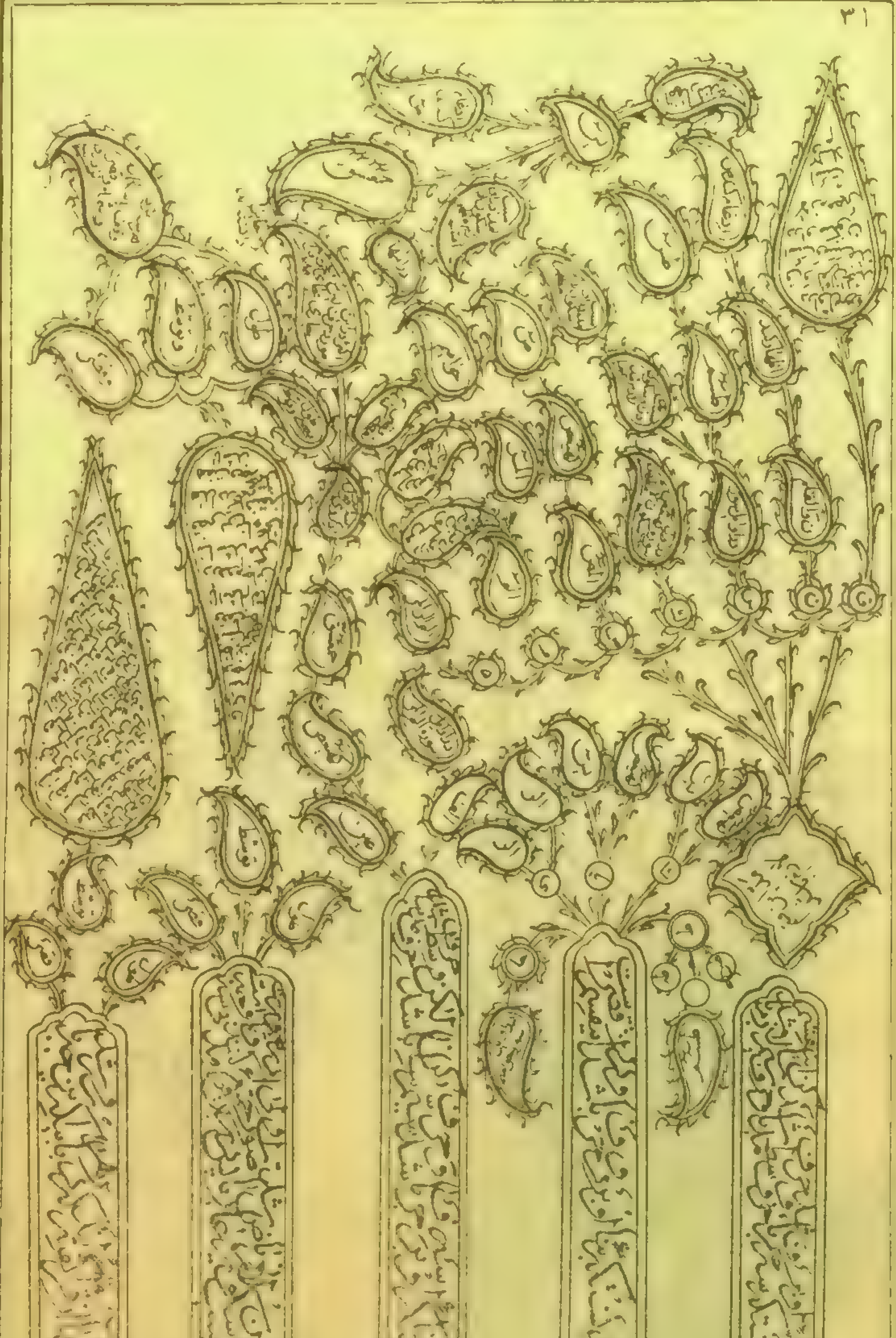

فصل در بیان اقسام حروف مقطعه ست انها سه میباشند

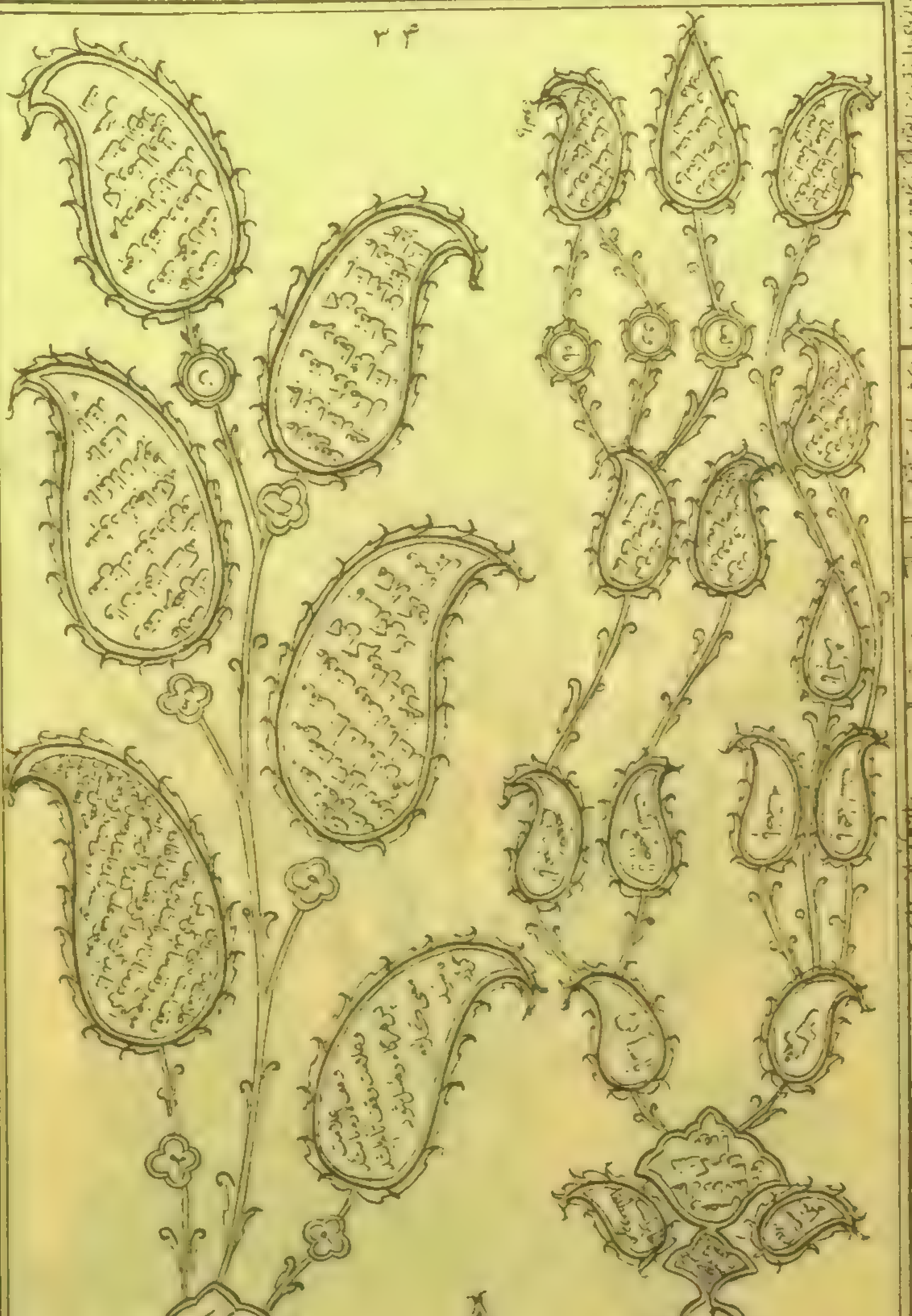
وقفت و رموز
فصل در بیان
رموز
فصل در بیان

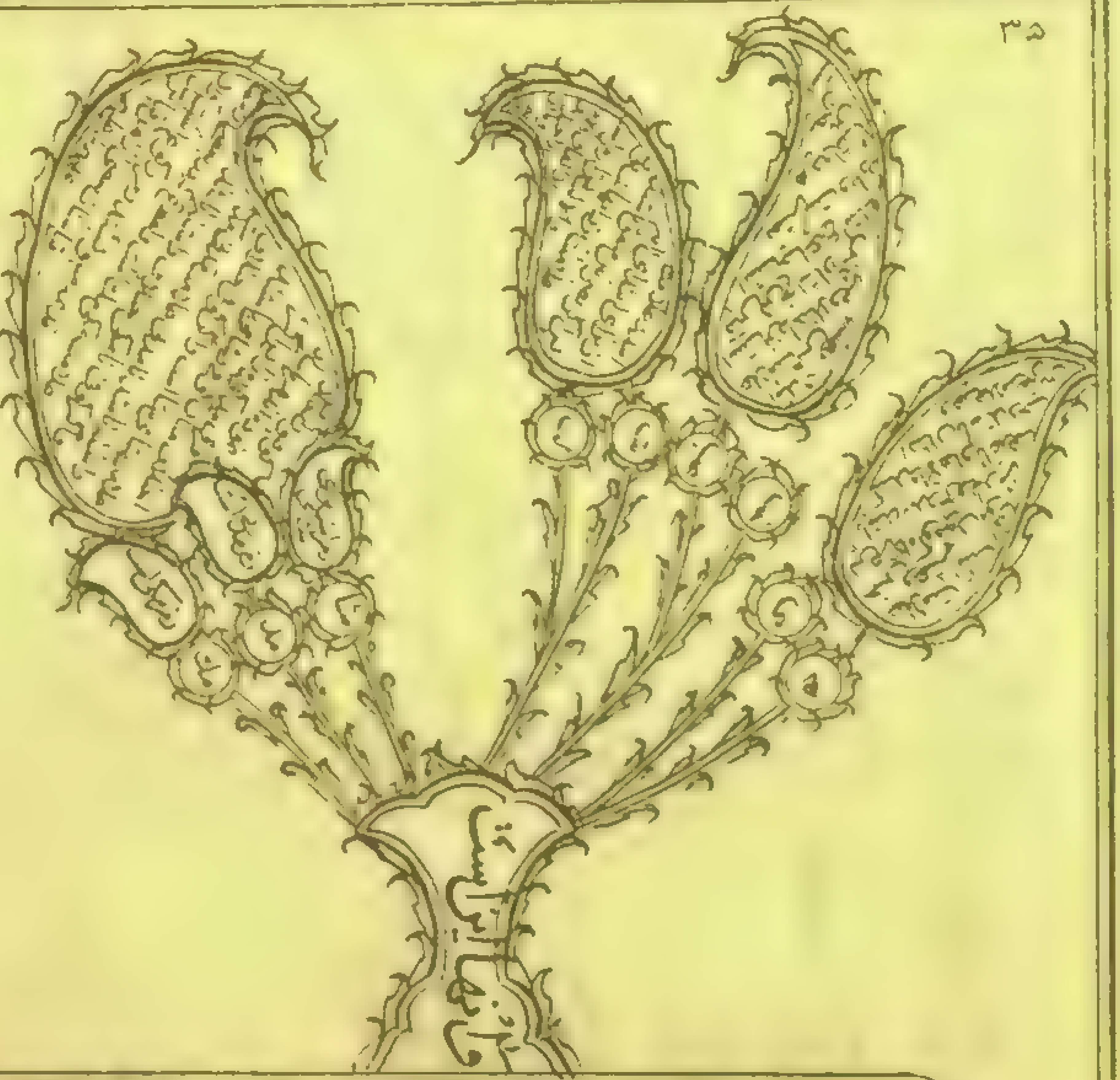

فصل در بیان مؤنثیکه دلالت بر خمس و عشر کند

فصل در بیان موری است که ذکر کرده اند بهلمنا خروف

باب دوم در صیغه و حکم استعاذه و صور بسمله است

سه بود اظهار یا ادغام با قلب | دبا اخفا از من تعلیم کن طلب | در بیان اظهار که مخصوص بحرف حلق است | چو بین همزه با عین یا خا | نما اظهار نزد عین و هم خا

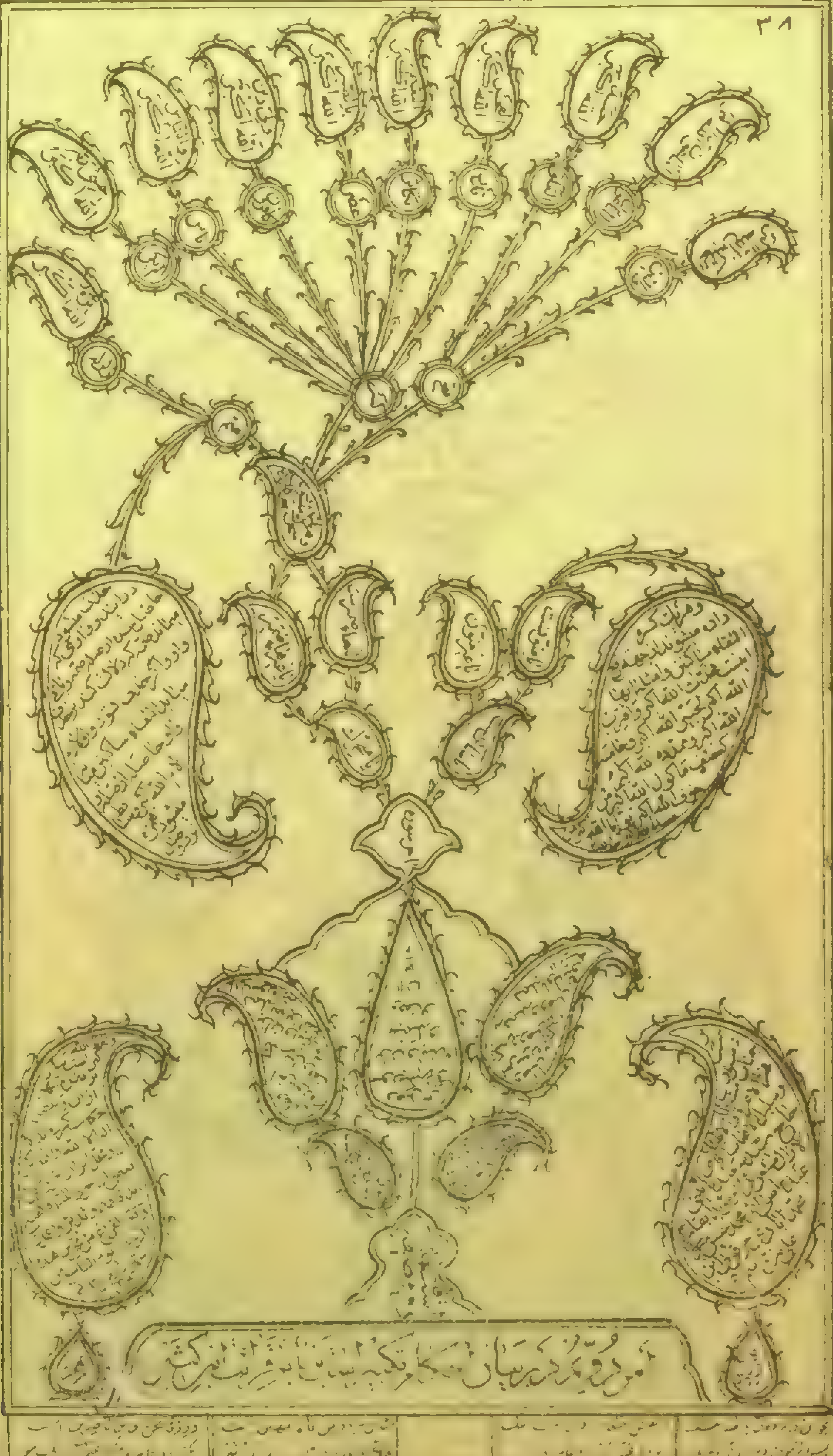

مثال زد کریم بشنو از ما / مثال برد و دیگر جیت آرم

قد فور راسیات وان دیگر طنا / ز بعد اد و وصد بحر تب ارم

تجوید القرآن

بیان تو این اند واو و دو راست / مهاد اد اختال ان وجدنا

و مثیل زدد گر غنه اولی است / جو اضلا خاموقن ان یوبل

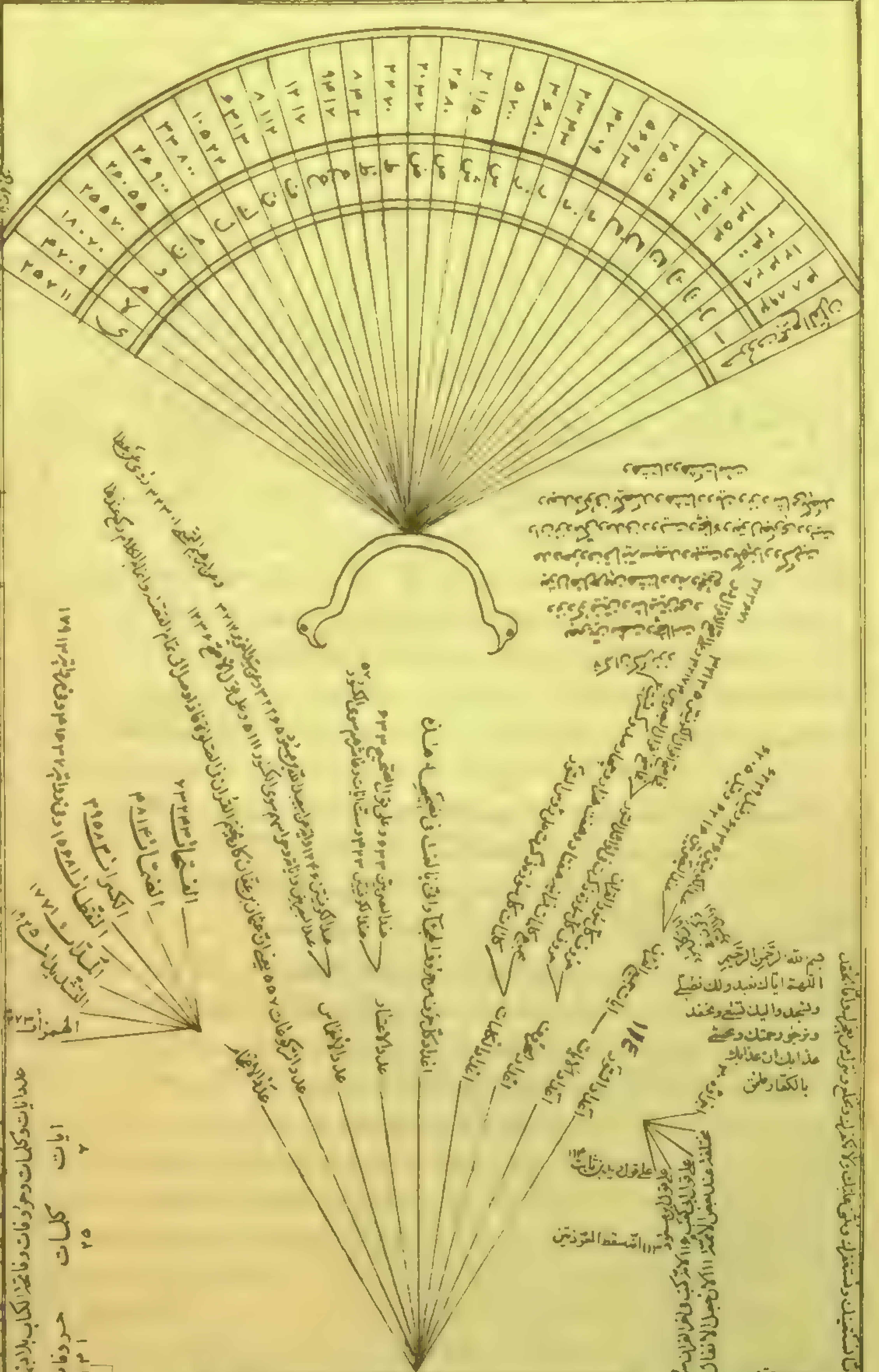

هذا بیان اعداد التی تعلقت بالقرآن المجید

سه اول تا ثا و جیم و دال و واستین | دگر ذال سه وضا وظا و عا سه | دگر فا تا قاف و کاف سه دن | تو در این حرفها اخفا همی خوان

هذا کتاب
حجة البالغة فی غنیة
النعمة السابغة للعالمین
الکامل المحقق المدقق جامع
المعقول و المنقول حجة الاسلام
الغریق فی بحار رحمة الرحمانی مولانا
الاقا حاجی میرزا محمد حسین
الشهرستانی مدظله

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بی قیاس ملک العرش را رواست و از الطاف بی منتهایش تاج عزت بر فرق انسان نهاده و بخطاب مستطاب لقد کرمنا بنی آدم او را از سائر خلایق امتیاز داده و ملائکه مقربین را نگاهبان او نموده سخر له ما فی البر و البحر و اسبغ علیه نعمه ظاهرة و باطنة از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید و درود نامعدود بر صاحب مقام محمود و آل طاهرین و اصحاب منتجبین او الی یوم الورود **و بعد** واقفان اسرار حقیقت و سالکان مسالک طریقت مخفی و مستور نماند که بمقتضای مضمون بلاغت مشحون و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون بر تمام ثقلین عبادت خالق بیچون متحتم و لازم است و عبادت عبارتست از امتثال اوامر و نواهی و اطاعت نمودن تکلیف الهیه و ان فرع معرفت احکام است کما هی و چون که لا یکلف الله نفسا الا ما اتیها پس در حصول غرض از خلقت لازم شد ارسال شخص کاملیکه تبلیغ نماید احکام الهی را بسوی عباد و ان شخص عبارتست از پیغمبر و نبی و رسول و حکیم و خبیر در این مقام حجتی از برای عباد باقی نگذاشته مبعث و پیغمبران را با بیان فرستاده و بمقتضای اختلاف اهل هر عصری زمان بحسب مصلحت و مفسده شریعتی مخصوص از برای ایشان مقرر نموده لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا و مقدار ذره الطاف خود را با ایشان دریغ نداشته و زمان نابوده بر این حالت مستمر بوده تا انکه نوبت رسالت بر خاتم انبیاء و سید المرسلین صلی الله علیه و آله قرار گرفت انجناب بقدر طاقت در تبلیغ رسالت کوشید تا انکه احکام خداوندی را میان مردم منتشر گردانید و بعد از انکه دست قضا خاک مذلت بر فرق امت پاشید و انجناب از میانه بیرون کشید اختلاف عظیم در میان ایشان پدید گردید چنانکه پیغمبر محمود بان خبر داده بود که ستفترق امتی علی ثلث و سبعین کلها فی النار الا واحدة حق و باطل مخلوط و سنت و بدعت بهم مربوط گردید هر که را بینی مدعی انستکه واحد اوست و کل یدعی وصلا للیلی • و لیلی لا تقر لهم بذاکا • اذا انبجست دموع فی خدود • تبین من بکی ممن تباکی • پس بر هر عاقلی لازم که کوشش و جهد تمام نماید ... ندهد و عقل کامل را که چراغ عالم حقیقت است حاکم نموده شاید واصل راه نجات گردد که و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و این ذره ناچیز محمد حسین الموسوی الحسینی الشهرستانی ... در این رساله در تعیین فرقه واحده تحریر نمود و غرض در اینرساله متعلق بان نباشد بلکه مقصود در اینجا ایراد برهانست بر وجود حجت خدا در میان مردم و هکذا امکان ... زمان از ان در چون جماعتی را اعتقاد چنانست که انجناب الحال موجود نیست و بعد از ان متولد خواهد گردید بجهة دفع اشتباه بر خود لازم دانسته بوضع این مختصر پرداخت و او را بر مقدمه و پنج باب و خاتمه مرتب ساخت و بحجة بالغه و نعمة سابغه مسمی گردانید امید از ناظرین در ان چنان است که اندکی جهت عصبیت را کنار گذارده بدیده بصیرت بدان نظر نمایند و بالله استعین انه خیر معین **المقدمة** در تعیین محل نزاع و کیفیت استدلال دانسته که غرض از وضع این مختصر اثبات وجود حجت منتظر است در این زمان پس مقصود بخطاب جماعتی هستند که معتقد باصل وجود انجناب باشند در در اینزمان بلکه این نحو که بعد از این متولد خواهد شد و اما انکه اصل وجود او را منکرند پس مقصود بکلام در اینرساله نیستند بلکه فی نفسه قابل خطاب نیستند بجهت تواتر اخبار از طرق شیعه و سنی بر این مضمون که اگر از دنیا روزی نماند هر اینه خدا شخصی از آل پیغمبر را مبعوث خواهد نمود که دنیا را پر از عدل نماید بعد از انکه ظلم او را گرفته باشد و کسیکه اندک تتبعی در اخبار نموده باشد بر او پوشیده نباشد پس محل نزاع انستکه حجة بن الحسن العسکری الحال موجود است و خواهد بود تا زمانیکه خداوند جل شانه مصلحت در ظهور انجناب داند طریق اثبات این مطلب منحصر است در عقل و نقل و در حجیت و اعتبار عقل قاطع کلامی نیست و اما نقل پس حجت معتبر از ان وجه است بر خصم نقلی است که طرفین بر صحت ان گواهی دهند تا اینکه مدعی بر صحت ان قراین معتبره اقامه نماید و از برای خصم معارضی نبوده باشد پس او را نمیرسد انکار ان تا اینکه این نقل در نزد ما ثابت نیست چنانکه بعد از تواتر صدور معجزات از خاتم انبیاء در بنای اسلام یهود را نمیرسد انکار ان باینکه احدی از یهود نقل معجزات ان سرور را نموده و حال اینکه معارض معتبری در مقابل ندارند تا

فطرت سلیم بران شهادت میدهند که هرگاه شخص ثقه بلکه مجهول الحال الخبر بامری نماید و قراین صحت صدق مقترن بآن باشد هر ذی شعوری اذعان بر تصدیق او مینماید ملاً بلکه معاذ نداشته باشد خصوصاً هرگاه خوفان باشد که بر ان خبر ضرری بر جان ناقل یا ناقل او مترتب شود چه در این مقام احدی را شبهه در صدق خبر ... نماید پس مع ذلک هرگاه جماعتی دیگر هم موافق همان مطلب خبر دهند از کسانیکه مخالف العصر و البلد بلکه بعضی از اخبار لفا و در مذهب و طریقت و همیشه طالب کذابی باشند دیگر اگر کسی احتمال خلاف دران خبر دهد از دیوانه ... مناقضه خواهد بود ... از اینکه هرگاه عقل قاطع ... صدق او در نقل مذکور گردد ... بالجمله هرگاه مدعی بر اثبات دعوی چنین نقل اقامه کند با شرایط مذکوره خصم منصف البته قبول خواهد نمود ما در اینرساله ابتدا ادله عقلیه بر وجود امام در هر زمان اقامه نموده بعد از ان ماده تقلیه بر این مطلب اجمالاً و تفصیلاً پس از ان بدفع شبهات میپردازیم و بعد از همه قراین امارات شاهده بر مقصود را اشاره مینمائیم امید از لطف عمیم رب رحیم چنانست که ناظرین از تعصب و حمیت دادن رساله هدایت بجسر مستقیم نموده از عذاب جحیم نجات دهد

باب اول در ادله عقلیه بر لزوم حجت در هر زمان و از ابو ... بنا میتوان نمود و اخصر طرق انچنانست که نصب امامان برای انام لطف و لطف بر خداوند جلت حکمته من باب حکمت لازم است اما مقدمه اولی پس ظاهر است زیرا که لطف عبارتست از چیزیکه نزدیک سازد مکلف را بطاعت و دور نماید او را از معصیت بدون اینکه بحد جبر رساند او را و شکی نیست در اینکه بر وجود امام ... مترتب است زیرا که وظیفه امام نیست که نشر احکام و تعلیم حلال و حرام و اقامه حدود و دولتخواهی مظالم و سد ثغور و امر بمعروف و نهی از منکر و امثال اینها بنحویکه یا از ... بعث حضرت سید المرسلین ... نگاه ... و حفظ و حفاظ ... کموجب تغییر حکم الهی و ظلم بر صاحب خود شود ... و ... نکرده و هر اینه وجود چنین شخصی موجب نزدیکی مردم بطاعت و دوری

ثالثش خاسرین و صاد مین است / وگر واقع شود قبل از الف را
ثالثش ترآن بود بگر بجاده / ثال بن طلب از الجهادا

دگر چون ضاحکاه ین لماشر / و یا بعد از الف بعنوان الف
بگر تمام بود بسیح جاره / بدن سؤال بعنوان الغشاد

دو دیگر ظالمین و غافلین دان / بتماه و بزیر و نشش از عقبه
دگر بعد از الف را ضمه و ارد / دی گر با الف آن ترها فست

ثال اخرینش قاسین ان / بشرد آنکه ترا مفتوح باشد
با تماسش بخوان تا ضعف بدن / بجز با یک الف خواندن وجهیست

ایشان از معصیت خواهد بود بالبدیهة هرگاه یکی از آن دو صفت معدوم شود صدق و نیز ... نیست و بایز تقریر وجه لزوم عصمت پیغمبر و امام ظاهر گردید و امّا اینکه فعل لطف من باب حکمت بر خداوند تعالی لازم است پس بدو وجه بیان میشود اوّل آنکه خود در کلام حکیم و فرقان عظیم خود در چند موضع بآن اخبار نموده که وَاللهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ و غیر ذلک و خلف در اخبار خداوند تعالی شانه محال است پس عمل بمقتضای اخبار لازم است دویم اینکه بالضروره خلق انسان بجهة غرضی است که ایصال او بمنافع دنیویه و اخرویه باشد و اینکه اشاعره گویند که افعال الهی معلّل باغراض نیست باید مراد غیر از اینگونه اغراض باشد بنصّ صریح وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ و نیز وافی هدایة أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا و چونکه بمقتضای آیات متکثره غرض از خلقت اطاعت و بندگی است که سرمایه سعادات و موجب بلندی درجات و مانع از بعوه درکات است پس هرچه موجب حصول این غرض و نزدیک او و مانع از حصول دست من باب حکمت لازم است چون ترک او مستلزم نقض غرض خواهد بود و شکی نیست در اینکه لطف داخل است در عنوان مذکور پس من باب حکمت لازم خواهد بود و هو المراد آیا نمی بینی که خداوند عظیم کلیم خود را امر میفرماید که چون با برادرت هارون بنزد فرعون رفتید فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ یا از جهت نرمی سخن گویید شاید که هدایت یابد چونکه نرمی سخن گفتن موجب نزدیک شدن بطاعت ای برادر منصف بدیده حق بین بگشا و در مالک ملکوت آسمان و زمین تابنده باغی طاغی خود ملاحظه نما که چگونه طالب هدایت نموده و بچه نحو تکلیم خود را تعلیم میکند که در حکایت او کوشد شعر دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری و در اینمقام ذکر ترجمه حدیثی است که شیخ طبرسی اعلی الله مقامه در احتجاج ایراد نموده و مضمون بلاغت مشحون آن بدین عبارت است که روزی ماه برج اصطفا و گوهر درج صدق و صفا امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق زینت بخش مجلس همایون بودند و اصحاب آنجناب مانند ستارگان بگرد آن ماه تابان نشسته آنحضرت در میان ایشان هشام بن حکم را مخاطب فرموده که یا هشام عرض کرد لبیک یابن رسول الله فرمودند مرا خبر ده که با عمرو بن عبید چگونه رفتار نمودی و از وی چگونه سؤال کردی عرض کرد فدایت شوم در حضور شما یارای تقریر نیست اگر چه فرمانی بجا است آنجناب بخطاب عتاب آمیز فرمودند که هرگاه شما را بچیزی امر نمودم البته باید اطاعت کنید هشام عرض کرد که تفصیل واقعه بدین عبارت است که مرا خبر دادند که عمرو بن عبید در مسجد بصره مجلسی جمع آورده مشغول تدریس و افاده است این امر بر من گران آمد عزم بصره را جزم نموده روانه راه شدم روز جمعه بود که وارد بصره گردیدم و بلا تأمل روانه مسجد شدم عمرو بن عبید را دیدم که ردای خزی و ازاری از پشم سیاه پوشیده مردم بدو ورود حلقه زده از او استفتا مینمودند مردم را شکافتم و در آخر حلقه بر زانو نشستم و گفتم ایها العالم من شخصی غریبم هستم اگر اذن میدهی که تو را از مسئله سؤال نمایم گفت بپرس گفتم آیا چشم داری گفت این چه سؤال است گفتم سؤال من اینست گفت بپرس اگر چه سؤال احمقانه باشد باز همان سؤال را اعاده نمودم که آلک عین گفت بلی گفتم بآن چه میکنی گفت می بینم بآن الوان و اشخاص را گفتم آیا بینی داری گفت بلی گفتم بآن چه میکنی گفت عطرها را بآن بو میکنم گفتم آیا زبان داری گفت بلی گفتم فایده آن چه چیز است گفت بآن سخن میگویم گفتم گوش داری گفت بلی گفتم آن بچه کار آید گفت بآن اصوات را میشنوم گفتم آیا دو دست داری گفت بلی گفتم با اینها چه میکنی گفت بحوائج خود قیام مینمایم و نرم و خشن را بآن می شناسم گفتم آیا دو پا داری گفت بلی گفتم نفع اینها چه چیز است گفت با اینها از جائی بجائی میروم گفتم آیا دهان داری گفت بلی گفتم بآن چه میکنی گفت طعم ماکولات را بآن میشناسم گفتم آیا قلب داری گفت آری گفتم فایده او چه چیز است گفت بآن تمیز میدهم هرچه بر این جوارح وارد میشود گفتم آیا این جوارح کفایت از قلب نمیکند و حال اینکه همه صحیح و سالمند گفت ای پسر هرگاه این جوارح در امری شک کنند از مشمومات یا مبصرات یا مذوقات رجوع بقلب نمایند پس یقین از برای ایشان حاصل شود گفتم پس خداوند قلب را اقامه نموده بجهة رفع شک این جوارح و لابد است از قلب و بدون او امر جوارح مختل خواهد بود گفت بلی گفتم یا ابا مروان با خداوند از برای جوارح تو امامی قرار میدهد که هنگام شک باو رجوع نمایند و بسبب او از حیرت خلاص شوند و این همه خلایق را میگذارد که در حیرت و شک و اختلاف بمانند و از برای ایشان امامی قرار نمیدهد که هرگاه باو رجوع کنند از شک و حیرت خلاص شوند پس ساکت شد و جوابی نداد و تا در مجلس او بودم دیگر تکلم ننمود والحاصل اینکه نتیجه کلمات سابقه اینستکه بمقتضای حکمت نصب امام بر خالق امام لازم است و چونکه در معنی لطف ما خود داشت که بحدّ الجاء نرسد پس بر او لازم نیست که اکراه نماید خلق را بر اطاعت او و انفاذ اوامر و نواهی و تصرفات او بلکه این باختیار عباد است اگر اطاعت نمودند أَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ و اگر بنای مخالفت نهادند در میان ایشان راه میرود و دیر صدد ارشاد ایشانست ما دامیکه خوف بر جان خود یا بعضی از شیعیان خود نداشته باشد و الا از ایشان مستور میشود ما دامیکه خداوند عزّ و جلّ صلاح در ظهور او بیند دوستان او دانند چنانچه شأن سایر انبیا و مرسلین پیشین بوده و کسی را نمیرسد که بگوید هرگاه مردم اورا

اطاعت نمایند وجود او لطف نخواهد بود بلکه نفعی در آن متصور نیست زیرا که دانستی که اصل وجود او لطف است و تصرف او لطف دیگر است و مانع از آن خود مردمند باختیار خود تا نوح پیغمبر بود که بنص قرآن قصد و پنجاه سال در میان قوم خود دعوت میفرمود اطاعت ننمودند مگر قلیلی تا آنکه هلاک قوم خود را از خدا سؤال نمود سُنَّةَ اللهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيلًا و شاید این بعکس توضیح این مطلب بر وجه اتمّ ذکر شود و در این مقام از برای خصم کلامی نیست مگر اینکه مقتضای این کلمات لزوم وجود امام است در میان مردم امّا خصوص امامیه مستفاد میشود پس شاید که امام سلطان زمان باشد که موجب انتظام امور مسلمانان است و دفع این کلام خود ظاهر است بعد از آنچه بیان شد که بمقتضای حکم عقل باید آن امام معصوم از خطا و عالم باحکام شرعیه و سیاسات مدنیه و منزه از معاصی و عالم بر رعیت باشد و شبهه در این نیست که سلاطین عصر این دو صفت متصف نیستند بلکه ضد اینها از برای ایشان محقق است علاوه بر آن بدیهی است که سلطان متعدد است و امامت هر دو صنف میشود و ترجیح احدهما بر دیگری خالی از مرجح است و بر فرض امکان جواب اینستکه بعد از تسلیم وجوب نصب امام در هر زمان لازم است تسلیم غیبت امام زیرا که در میان امت خیر الانام قول بتفصیل نیست پس اول ثالث نیم اقوال جمع امت خواهد بود وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ و چونکه مقصود ما بالذات در این مختصر ذکر وجوه نقلیه است در این باب بآنچه ذکر شد اکتفا میشود والله ولی التوفیق **باب دویم** در ادلّه نقلیه که دلالت دارد بر وجود امام اجمالاً یا تفصیلاً و در این باب روایات از طرق موافق و مخالف مستفیض بلکه متواتر است و این مختصر گنجایش ذکر اغلب آنها ندارد لهذا بچند خبر که مقبول طرفین است اکتفا مینمائیم اوّل روایتی است که حمیدی که از

صاحب الزمان بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر

علی د ...
احمد ...
اسحق ...

پسر بوده و سه دختر اما پسران او ... امام موسی کاظم ... اسمعیل که ... زا ... او را اسمعیل میگفتند و ... حسن و جمال و کمال ... و معنوی ... مرده در زمان ... و کمان امامت ... در حین حیات آنحضرت فوت شد و آن حضرت در ... مکرر ... تابوت او ... نعش او را ... تا مردم ... که او مرده است و گمان نکنند او غایب ... و مع ذلک گروهی از اسمعیلیه او را امام ... دانستند ... و ... او ... از ... بعد ... فرزندان ... اولاد او ... تا آخر الزمان ... قطع ... انکه سبب ... انقطاع ... این بود که جمیع اولاد ...

[illegible]

... الله جزایری در کتاب انوار نقل نموده که روزی فاضل دوانی در بین مذاکره احادیث این حدیث شریف رسید بلا امیل خود گفت که مراد از امام زمان کیست و شیعه میگویند که مراد مهدی صاحب الزمان است شاه ... مکرر میشنید گفتند مراد سلطان زمان و حاکم عصر است که اولو الامر عبارت از ایشانست و سلطان زمان شاه اسمعیل ... صفوی ... که ... شده ... داشت ... گفت ... مطاوعت و معرفت این سلطان ... لازم گردانید ... از دین ... شیعه ... شوم

کن تجمیم دت ود بما سم
بما تجمیم چون مرجان و قربان
نقع و شم تحرک بی تکلف
چو الف تجرد لتلا العدد

رسانده چون رسیده بدنبال
دگر ترجیع و ترجح بچون خوش
بکن تجسم در دف نوقف
چو خضر و حر حتی مطلع مجر

دگر اس کن و ما قبل ان را
دگر ب کن بود ما قبل را باز
اگر جزا بود در جسیل تکسیر
دگر با ... ساز جو ...

بود مفتوح با مضموم ...
بود ما قبل آن اصحاب ...
چنین در نحو ... مسطر
مرقوق خوان ...

دیگر کما متابعت ... بود نعت اولاد ... خواهد بود پس بوده، و مجلس ... خاست و ختم ... بود که دیگر ... مشغول نگردد ... باقی عمر ... حکمت ضایع گردد ... پس معلوم گردید که باید مراد با تمام ... جهان باشد همچنین منکر است چون دانستی که بعد از تسلیم وجود امام ... در هر زمان ... ثالث در میان امت ... نیست و مرجع ان ... مبدع خواهد بود دوتم روایتی است که بخاری و مسلم در صحیح خود ذکر نموده از طرق شیعه ... بابویه روایت نموده جمعا از جابر بن سمره بدین مضمون که جابر گوید وقتی با پدر بزرگوار خود خدمت پیغمبر ... مشرف شدیم پس شنیدم انحضرت که میفرمود این امر یعنی اسلام و شریعت ... منقضی نخواهد شد و برپا و عزیز خواهد بود تا جاری که دوازده خلیفه در میان مردم بگذرد که همه آن خلفاء از قریش باشند ... در این حدیث که مراد بخلفائی که اسلام با آنها برپا و عزیز ... و خلفای جور و ظلم نباشند زیرا که ... او از بنی امیه و بنی عباس نخواهد بود تا آنکه از ... بیشتر بودند احتمال دیگر نیست مگر آنکه مراد ائمه اثنی عشر علیهم السلام باشند و الحال بحمد الله دین اسلام برپا و عزیز است پس معلوم میشود که هنوز زمان خلفای اثنی عشر منقضی نشده و چون که معهود حدیث ...

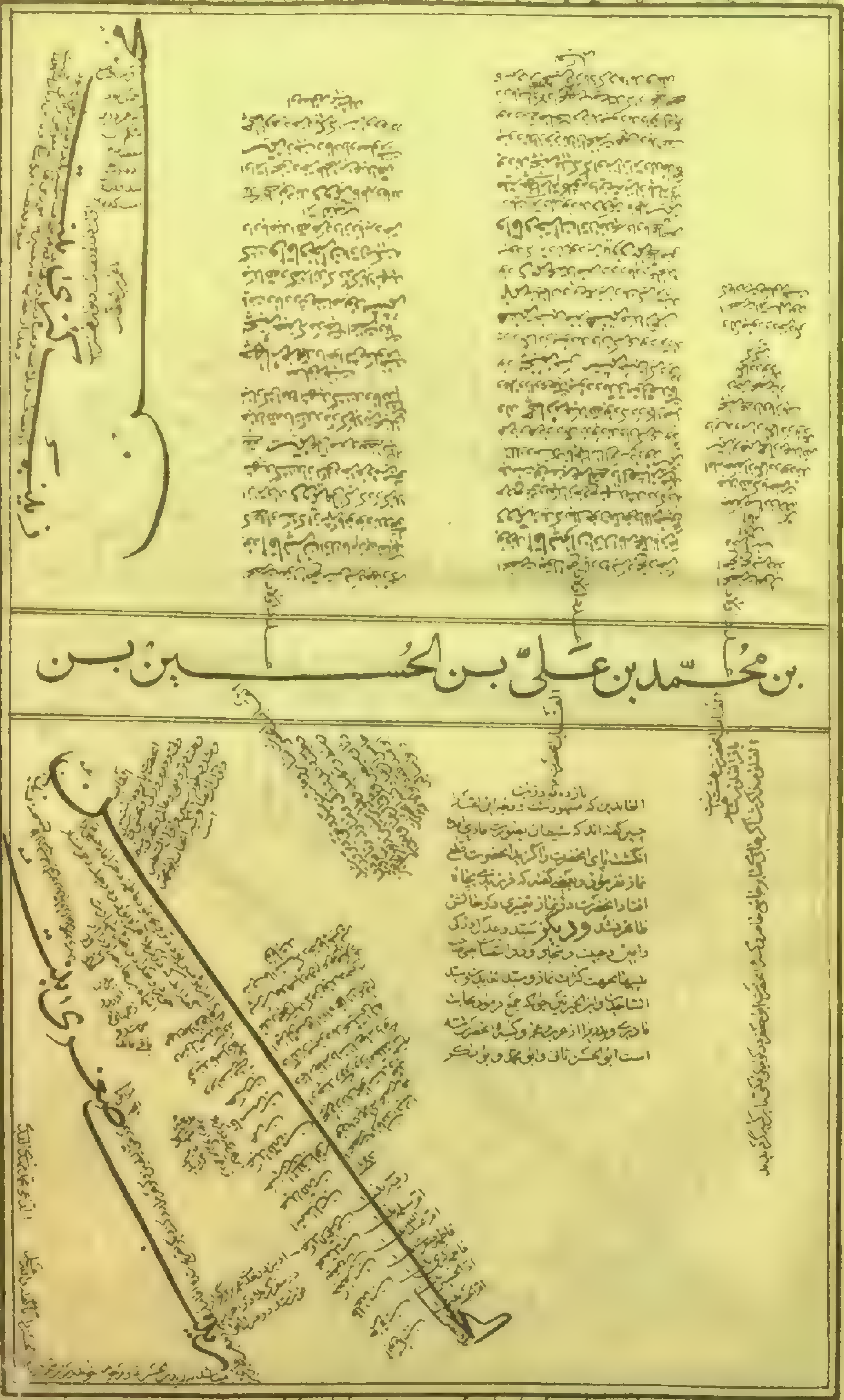

... است که بعد از انقضای خلفای دین اسلام قائم نخواهد بود و حال آنکه چون دین اسلام تا قیامت برپا است پس بالضروره باید انقضای خلفاء مقارن با قیام قیامت ... بعد از آنکه در خلیفه عصمت معتبر است در این زمان احتمال اینکه احدی از سلاطین از جمله آن خلفا باشند مرتفع است بعده وجود ملکه عصمت در ایشان بلکه ... در حجت منتظر عجل الله فرجه و هو المراد غیبت و عدم تصرف انحضرت منافات با خلافت ندارد زیرا که نیست خلافت عبارت از ریاست عامه در امور ... رعیت ...

در آخر چون بصیرا یا بصیرا چو را مشهور باشد مستتر تیق وگر راست کن ... مکسور [illegible]	بدین فن چون خبیرا یا خبیرا ادای وجه آن از روی تحقیق بود آن را بخوان از شیخ فرزور [illegible] صاحب مسا	همانا ذات آن مرقد و مفخم **القاب و اولاد** **امیر المؤمنین**	دگر شو ادای رای مکسور [illegible] ابجد تجری [illegible] [illegible]	با قوال صحیح بی رای مکسور [illegible] [illegible] [illegible]

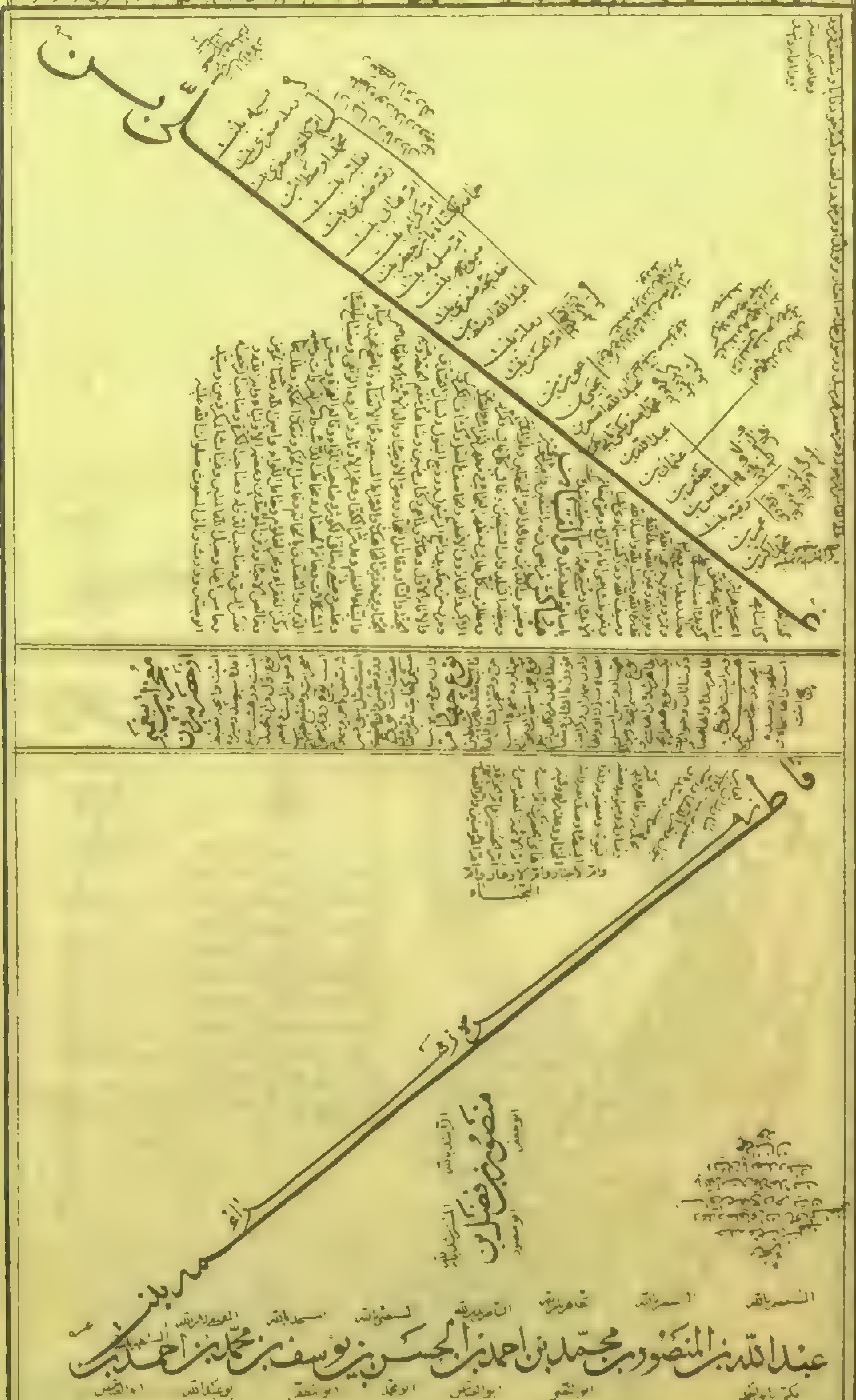

واطاعت و انقیاد نمایند مسلّم بوده اعضر بخواهد رسید خدایجه عا بنی اسرائیل زهرند ضرور که خلاف اجماع ازسانید بمقتضای نص صریح با هر دو اختلفی فی هوی و حجیحی مخالفت قوم نوح وعدم اعتداد مکر مذلت مصلو بجا مسائل تقدم در صورت ایجاب خلافت او از جانب لاابل نداشت ودیگر دیده بصیرت کجاست سیر روایتی است که بجانب در صحیح خوارزمی حضرت رسول در روایتی مدین مضمون که این امر یعنی خلافت در قریش خواهد بود که دو ضرر از انجاست باقی باشد ودراین زمان زیاده از صد هزار نفر قرشی موجود بی خلافند کرایشان امت ودیگر که قابل خلافت باشد الان از قریش چه منظر است برای که غیر او یا از قریش نیست یا صفات در او مفقود است یا اتفاق بر خلافت او نیست خلافت را داشته چهارم آنکه شیخ مفید خود ما دعا بند [illegible] نموده که شخصی از سؤال نمود از عدد خلفاء بعد از جناب خاتم انبیاء گفت پیغمبر را خبر داده که بعد از آن سر و ده خلیفه خواهند بود و اسمهای اهل او [illegible] و الان نوشته اهل در نود بین است سائل التماس نمود که بیاز طول نمود به خبر احمد حنبل که رئیس مذهب است در نزد اهل سنت در مسند خود نقل نموده که از عبد بن مسعود سؤال نمودم که آیا پیغمبر شما را خبر داده از عدد خلفا که بعد از خود گفت بلی بجابه نموده که عدد ایشان عدد نقباء بنی اسرائیل [illegible] بمقتضای نقل هم [illegible] اثنی عشر نقیبا ششم جعفر بن محمد [illegible] در کتاب خود از ابن عباس روایت نموده که [illegible] جناب نبوی سؤال نمودم که [illegible] آن حضرت [illegible] کتاب [illegible] اعوذ بالله [illegible] نبوی [illegible] علی بن ابیطالب [illegible] حق است و حق با او است بعد از او یازده نفر امام خواهند بود که طاعت ایشان مثل طاعت او بر همه لازم باشد هفتم شیخ مفید بسند خود از عباس بن عبد المطلب روایت نموده که پیغمبر خدا گفت یا عم

اگر واقع شود ما بعد این کار ولی از فرقه تا فرقه بود فرق اگر کرد ...

یکی از حروف استیلا ... بود روشن چو شمس ... ازین دو در ...

در بیان وقف کردن ...

جزو (٥١) ...
القاب و اولاد
چهارده سوم

بکن تعمیم چون ... در فرقه بود ... ولی چون ...

دگر فرقه در فرق باز از ... تا اسلام دلیل بر ... بجا کرده در فرقه تحقیق ...

دوازده نفر از اولاد من مالالارض ... شد عدلا موعود است که حجه بحق واقع گرد د پس مهدی بیرون آید از اولاد من و کار او در دست شود زمین پر از عدل و داد همچنانکه پر از جور ... و بعد دجال بیرون آید هشتم ابو المؤید موفق بن احمد که از اعیان اهل سنت است در کتاب فضایل ... نموده بسند خود از سلم بن قیس هلالی از سلمان محمدی که گفت روزی بخدمت پیغمبر مشرف شدم دیدم ... بر دامن خود حسین ... و چشم ... مبارکش ... تو سید پسر سیدی ... سید تو ای امام پسر امام برادر امام ... حجت پسر حجت برادر حجت ... نه حجت که از صلب ... نهم ایشان قائم ایشان ... همد ابراهیم بن محمد حموینی از اعیان اهل سنت در کتاب فرائد السمطین بسند خود از جابر بن عبد الله روایت نموده که گفت روزی بخدمت فاطمه زهراء سلام الله علیها مشرف شدم لوحی خدمت آنحضرت بود ... او دیدم ... خیره میشود در ... اسم ... دیدم ... پس گفتم که این اسما ... از کیست فرمودند او صیااست که اول ایشان ... دوازده نفر از اولاد من که آخر ایشان قائم است جابر گوید که دیدم در آن محمد محمد در سه موضع و علی علی علی در چهار موضع دیگر ایضا حموینی بسند خود روایت نموده از سعید بن جبیر از عبد الله بن عباس ...

ابو ... ولید بن یزید بن ولید بن عبد الملک بن مروان الحکم

ابن حجر ... ملعونین خلفا بنی امیه است که اول ایشان معاویه ...

عبد الله بن علی

محمد بن علی

ابراهیم بن محمد

عبد الله بن محمد

محمد بن علی بن عبد الله بن عباس

المستعصم بالله ... عبد الله بن المستنصر ... احمد بن ابی اسحق بن جعفر بن احمد بن طلحة بن

عبد الله بن الزخیره بن عبد الله احمد بن الامیر اسحق بن جعفر بن احمد بن طلحه بن

ابو الفضل ... ابو العباس ... ابو جعفر ... ابو القاسم

پناه صلی الله علیه و آله که فرمودند خلفا و اوصیا من و حجتهای خداوند بر عباد بعد از من دوازده نفرند اول ایشان برادر من است و آخر ایشان پسر من است گفتند یا رسول الله
کیست برادر و پسر تو فرمود برادر من علی بن ابیطالب است و پسر من مهدی است که زمین را پر کند از عدل چنانکه پر از ظلم بوده و قسم بخداوندیکه مرا براستی فرستاده اگر از دنیا باقی
نگردد مگر یکروز هر اینه خداوند آنرا بلند و طولانی گرداند تا پسر من مهدی خروج کند پس روح الله عیسی بن مریم نازل شود و در عقب آنحضرت نماز کند و زمین از نور آنجناب درخشان گردد و سلطنت ...

نظر در حرکت ما قبل او کن / دگر ساکن بود ما قبل آن را / اگر مفتوح باشد پاکه مضموم / شاکن شکسره بیرون [illegible]

بان حرکت ادای آن نکو کن / دگر ما قبل آن مکسور آنرا / بود تفخیم مضموم [illegible] / [illegible]

اگر ما قبل را مفتوح باشد / بکن ترقیق چون [illegible] ای یار / دگر [illegible] یای کسره [illegible] / [illegible]

بکن تفخیم ورنه دل فراشد / بفهم این نکته و [illegible] / بود [illegible] آخر [illegible] فهم / [illegible]

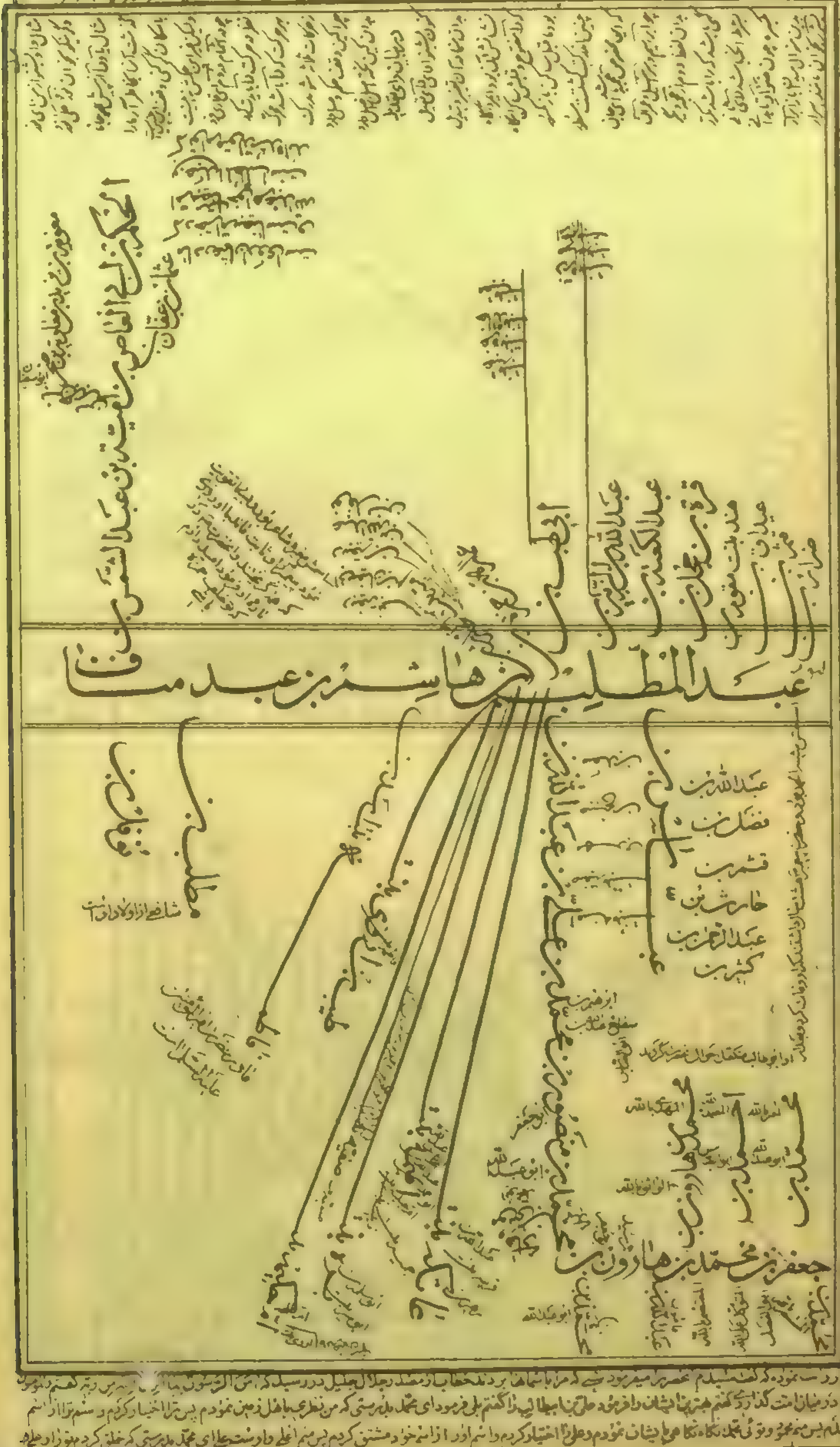

مشرق و مغرب [illegible]
بگیرد یا از [illegible]
شیخ حموئی از اعاظم
اهل سنت بسند خود
از عبد الله بن عباس
روایت نموده از رسول
خدا که فرمودند منم
سید انبیاء و علی
سید اوصیاء و بدرستیکه
اوصیای من دوازده
نفرند اول ایشان علی
بن ابیطالب و آخر
ایشان مهدی ع
روایت دهم
ایضا شیخ حموئی در
فرائد السمطین بسند
خود روایت نموده از
علی بن الحسین زین
العابدین بن علی ع
که فرمودند مائیم
ائمه مسلمین و حجتهای
خدا بر خلایق [illegible]
ایشان و مائیم [illegible]
زمین همچنانکه [illegible]
امانند برای اهل
[illegible]
آسمان برپاست
بجهة ما باران میبارد
و رحمت نازل میشود
و زمین برکات خود را
ظاهر میکند و هرگاه
از ما بر روی زمین
[illegible] باشد هر آینه زمین
اهل خود را فرو
خواهد برد [illegible]
که زمین خالی نبوده
از وقتیکه خدا حضرت
آدم را آفریده از حجتی
که ظاهر بوده است
و مشهور و یا در [illegible]
یا غائب و مستور
[illegible] ایشان و خالی
نخواهد بود از حجت
[illegible]
چنین نباشد کسی
عبادت خدا [illegible]
[illegible] سلیمان بن مهران
که از جمله رواة است
گوید پرسیدم از حضرت
صادق ع که مردم
[illegible] غایب باشد
[illegible] چگونه
منتفع میگردند فرمود
همچنانکه منتفع
[illegible]
[illegible]
نموده است
[illegible] دهم
[illegible]
[illegible]
[illegible] اعاظم
اهل سنت بسند
[illegible] سلمان

[illegible] رسول خدا [illegible] بود [illegible] بسند رجال الجلیل [illegible] قال رسول الله [illegible]
[illegible] گفتم [illegible] فرمود ای محمد بدرستی که من نظری باهل زمین نمودم پس ترا اختیار کردم و اسم ترا از اسم
خود مشتق گردانیدم [illegible] و تو [illegible] نمودم و علی را اختیار کردم و اسم او را از اسم خود مشتق کردم پس منم اعلی و او است علی ای محمد بدرستی که خلق کردم تو را و علی

سعد بن ابی وقاص بن مالک بن اهیب بن عبد مناف بن زهرة بن

عبد الرحمن بن عوف بن عبد عوف بن عبد الحارث

آمنه بنت وهب بن عبد مناف بن

مادر حضرت رسول صلعم

میباشد که در سال ششم یا چهارم از ولادت آنحضرت او وفات یافت **و مادر رضاعی** آنحضرت یکی ثوبیه که دختر حلیمه بنت ابی ذویب عبد الله بن الحارث بن شجنة بن جابر بن رزام مقتبه و او کنیز آزاد کرده ابو لهب بود و همشیره آنحضرت از او میرزح بعضی گفته اند که پیشتر او آنحضرت را شیر داده بود و دیگر ثوبیه شیر داد حمزه عم پیغمبر را و دیگر شیر داد ابو سلمه بن عبد الاسد المخزومی که شوهر ام سلمه ام المؤمنین بود و ابو سلمه و حمزه با هم از ثوبیه شیر خورده اند چنانکه پیغمبر صلعم و مرزح و دیگر دایه آنحضرت حلیمه سعدیه بنت ابی ذویب عبد الله که مادر ثوبیه بود و شوهرش حارث بن عبد العزی بود کنایتکه از او شیر خورده اند انیسه و عبد الله و حذامه بودند پس ابو لهب و حارث پدر رضاعی آنحضرت بودند و حلیمه و ثوبیه مادر رضاعی مرزحه و حمزه و ابو سلمه و عبد الله و حذامه و انیسه برادران و خواهران رضاعی و عبد الله برادر ثم خالوی حقیقی آنحضرت صلعم بود و اسود بن عبد یغوث که مقداد بن اسود منسوب باو است و لیکن پیر او نیست او هم خالوی آنحضرت مبود

بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن

نام جان دقت سخت کار / اگر چه در کنوز این نکته هاست / دگر خواهی که تفصیلش بدانی

حکایت بر تو دستش ای یگانه / بتفصیل تو لیکن ضرورت / روانی چون کنوزم را نشانه

سخنش با اضافه پس اتم است / با جمالی در کتاب منتخب جمع / طلب کن پس بخوان از کرانج

دگر از رسائل و تفسیر و تاریخ / شمائلی چند پس روشن از شمع / نکاتش راز اول تا بسابع

شجاعت بعد هر که / کسی را که بخواهد / پانزدهم / برادر هم موفق بسند / خود از ابن عباس / روایت نموده که گفت / روزی یهودی نعثل / حضرت رسالت آمد / که او را نعثل میگفتند / پس گفت یا محمد سوال / میکنم از امور یکه بسینه / من محفوظ نموده از زمان / قدیم اگر مرا جواب / گوئی اسلام اختیار / بکنم فرمود سوال کن / پس سوالی چند نمود تا / اینکه گفت یا محمد خبر / مرا که وصی تو کیست / زیرا که هیچ پیغمبری / نیست مگر اینکه از / برای او وصی است / چنانچه وصی نبی ما / موسی بن عمران یوشع بن / نون است فرمود که / بدرستیکه وصی من و / خلیفه بعد از من علی / بن ابیطالب است و بعد / از او دو سبط من حسن / و حسین اند و بعد از / حسین نه نفر از صلب / حسین که همه ابرارند / گفت اسم ایشان را بگو فرمود / که چون حسین از دنیا / برود پسر او علی است / چون علی برود پسر او / محمد است و چون محمد / برود پسر او جعفر است / چون جعفر برود پسر او / موسی است و چون موسی / برود پسر او علی است / چون علی برود پسر او محمد / است و بعد پسر او علی / است و بعد پسر او حسن / است و بعد حجة بن / الحسن است دوازده / امام بعدد نقباء بنی / اسرائیل گفت کجا ست / جای ایشان در بهشت / فرمود با من در درجه / گفت اشهد ان لا اله / الا الله و انک رسول / الله و اشهد انهم / الاوصیاء بعدک / چنین یافتم در کتب / متقدمه و در عهدیکه / بما وصیت نموده بود / که در آخر الزمان پیغمبری / باشد اسم او احمد که / خاتم پیغمبران است و بعد / از او پیغمبری نخواهد بود

یربوع بن غنط بن مرة بن عوف بن سعد بن ذبیان بن بغیض بن ریث بن غطفان بن سعد بن قیس عیلان بن

ربیعة الفرس برادر مضر است و جد قبیله چنین گفته اند که از میراث پدر که نزار بوده باشد اسب او را دادند و برادرش را که مضر بوده باشد طلا و لهذا او را مضر الحمراء گفته اند

بعضی الیاس را / قیس عیلان / دانسته اند / و گفته اند

در عرب قیس عیلان بجز او نمی باشد و این اسم در اصل الیاس است و بعضی گفته اند که او لقب مضر است چونکه گفته میشود قیس بن عیلان و پدر قیس را عیلان گفته اند و از آن ایشانست هوازن که پدر قبیله ایست و آن هوازن بن منصور بن عکرمة بن خصفة بن قیس عیلان و از هوازن است ثقیف

هذیل بن

قبیله اسد بازمیرسد

عمرو بن

عبد مناة بن

بنو فراس

عامر بن

بقول اصح از قریش است و قبائل قریش بیست و پنج قبیله میباشند و ایشان را بطون قریش گویند

مالک بن نضر بن کنانة بن خزیمة بن مدرکة بن الیاس بن مضر بن

او رضی الله عنه تا چند باشند بعد از اسباط حضرت موسی فرمود ای یا عماره آیا میشناسی اسباط را گفت بلی یا رسول الله ایشان دوازده نفر بودند اول ایشان لاوی بن برخیا بود و او غایب شد در بنی اسرائیل بعد از مدتی ظاهر شد و شریعت را ظاهر ساخت بعد از آنکه مندرس شده بود و با قرسطیای ملک مقاتله کرد او را کشت حضرت فرمود که در امت من واقع شود هر چه در بنی اسرائیل بود حذو النعل بالنعل و بدرستیکه دوازدهم از اولاد من غایب شود بحدیکه دیده نشود و زمانی بر امت من بیاید که باقی نماند از اسلام مگر

زمان ولادت و عمر و وفات ائمه

مع القصه بدن حال و وفات ... [illegible]

علی الاجمال ازین مصرع ... [illegible]

مقتضی ... اول وقت ... [illegible]

شود واقع ... [illegible]

اسمی ... [illegible]

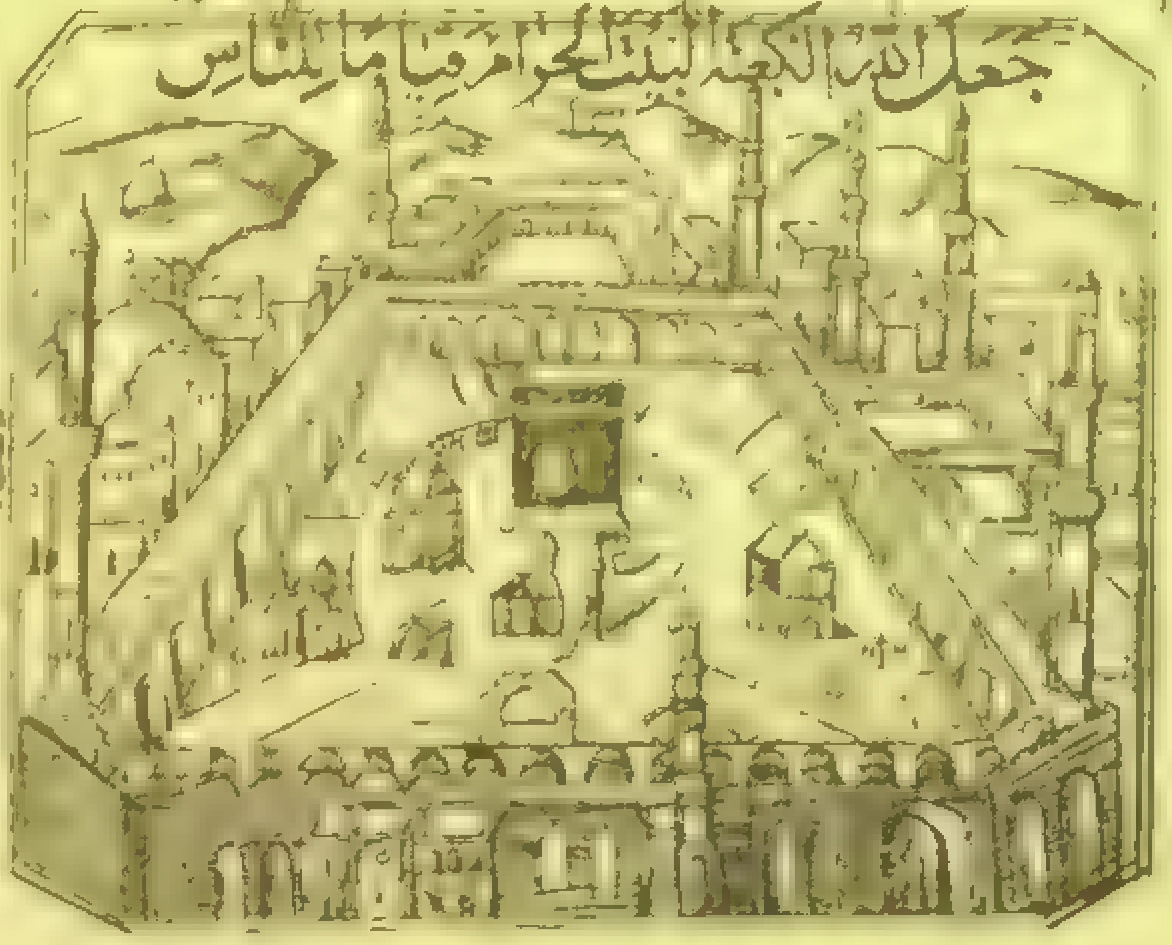

نزار بن معد بن عدنان بن اد بن اد بن الیسع بن الهمیسع بن نبت بن سلامان بن حمل بن قیذار بن

جدول چهارده معصوم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

... [illegible] ... امامان ... باشند باران ... نمایند و بلا امت را
... و در این زمان باران و بلا مدفوع است ... صلوات الله علیه ... پس باید آنحضرت موجود باشد
المراد ... در کتاب ... روایت نموده ... که فرمود ... نمایند ... آنحضرت رجوع نمایند ... ایشان

(٥٦) من خلفای بنی عباس و مدت خلافت انها

بصورت جوانان است این بلیه عظیم است که صاحبان ایشان بصورت جوان خروج کند و حال آنکه پیر باشد

دشوار و سپیدا و ظلوبا سال علیه چون الا تقولوا پنجم وقف فقیر و اختلاف است شش باشد بوقف مشهور

چو اتی و چو اعظم و کشتی دگر لا تقدلوا الا تقولوا سیاوه هم چو بر ضرب اس است مددش در عارض کشت

زحرف علم بجو و تو بدان مشتق دان ز تنوین و بناء چو ذی القول و چو مثال الکیل به نهم هست وقف همزه ای یار

مثال لشتی نایم با تو تبیین چو ماء و دیگر لیتو سواء محدث چون آحدای باز غیر با انواع است بشناس و نهید

طلب کن از الفهای منون مثالش ای دان مواد بود اسکان بکلی قطع اعراب

هم از غیر منون ای مرد من چو شکل تخریج الحنا سواء تامل کن در این معنی تو در باب

در بیان انواع وقف

اگر باشد الف ممدود و مقصور دان انواع وقف ای نیکو خواه بدان این نکته باز ای مختفی قوم

در آنحالت بود اسکان از او دور یکی اسکان و دیگر روم و اشمام که هست ایمای حرکت معنی روم

اسامی خلفاء	القاب	ابتدای خلافت	مدت خلافت	وفات
[illegible]	سفاح	سنه ١٣٢	٤ سال و ٩ ماه	سنه ١٣٦
[illegible]	منصور	سنه ١٣٦	٢١ سال و ٢ ماه	سنه ١٥٨
[illegible]	مهدی	سنه ١٥٨	١٠ سال	سنه ١٦٩
[illegible]	هادی	سنه ١٦٩	١ سال و ٢ ماه	سنه ١٧٠
[illegible]	رشید	سنه ١٧٠	٢٣ سال	سنه ١٩٣
[illegible]	امین	سنه ١٩٣	٤ سال و ٦ ماه	سنه ١٩٨
[illegible]	مأمون	سنه ١٩٨	٢٠ سال و ٥ ماه	سنه ٢١٨
[illegible]	معتصم بالله	سنه ٢١٨	٨ سال و ٨ ماه	سنه ٢٢٧
[illegible]	واثق بالله	سنه ٢٢٧	٥ سال	سنه ٢٣٢
[illegible]	متوکل علی الله	سنه ٢٣٢	١٤ سال و ١٠ ماه	سنه ٢٤٧
[illegible]	منتصر بالله	سنه ٢٤٧	٦ ماه	سنه ٢٤٨
[illegible]	مستعین بالله	سنه ٢٤٨	٣ سال و ٩ ماه	سنه ٢٥٢
[illegible]	المعتز بالله	سنه ٢٥٢	٣ سال و ٦ ماه	سنه ٢٥٥
[illegible]	المهتدی بالله	سنه ٢٥٥	١١ ماه	سنه ٢٥٦
[illegible]	المعتمد علی الله	سنه ٢٥٦	٢٣ سال	سنه ٢٧٩
[illegible]	المعتضد بالله	سنه ٢٧٩	٩ سال و ٩ ماه	سنه ٢٨٩
[illegible]	المکتفی بالله	سنه ٢٨٩	[illegible]	سنه ٢٩٥

اسمعیل بن ابرهیم خلیل الله بن تارخ بن ناحور بن شاروغ بن ارغو بن فالغ بن عابر بن شالح بن ارفخشد بن

و قحطان که جد یمن است با فالغ که جد قیس است برادر بودند و هرد و پسران عابر که هود باشند و قبایل یمن حمیر است و طی و سنبس و ثعلبه و لخم و جذام و همدان و مذحج و قضاعه و خزاعه و حکم و عامله و خولان و معافر و بنی جفنه و کلب و جهینه و عک و غیر ایشان از بطون یمن

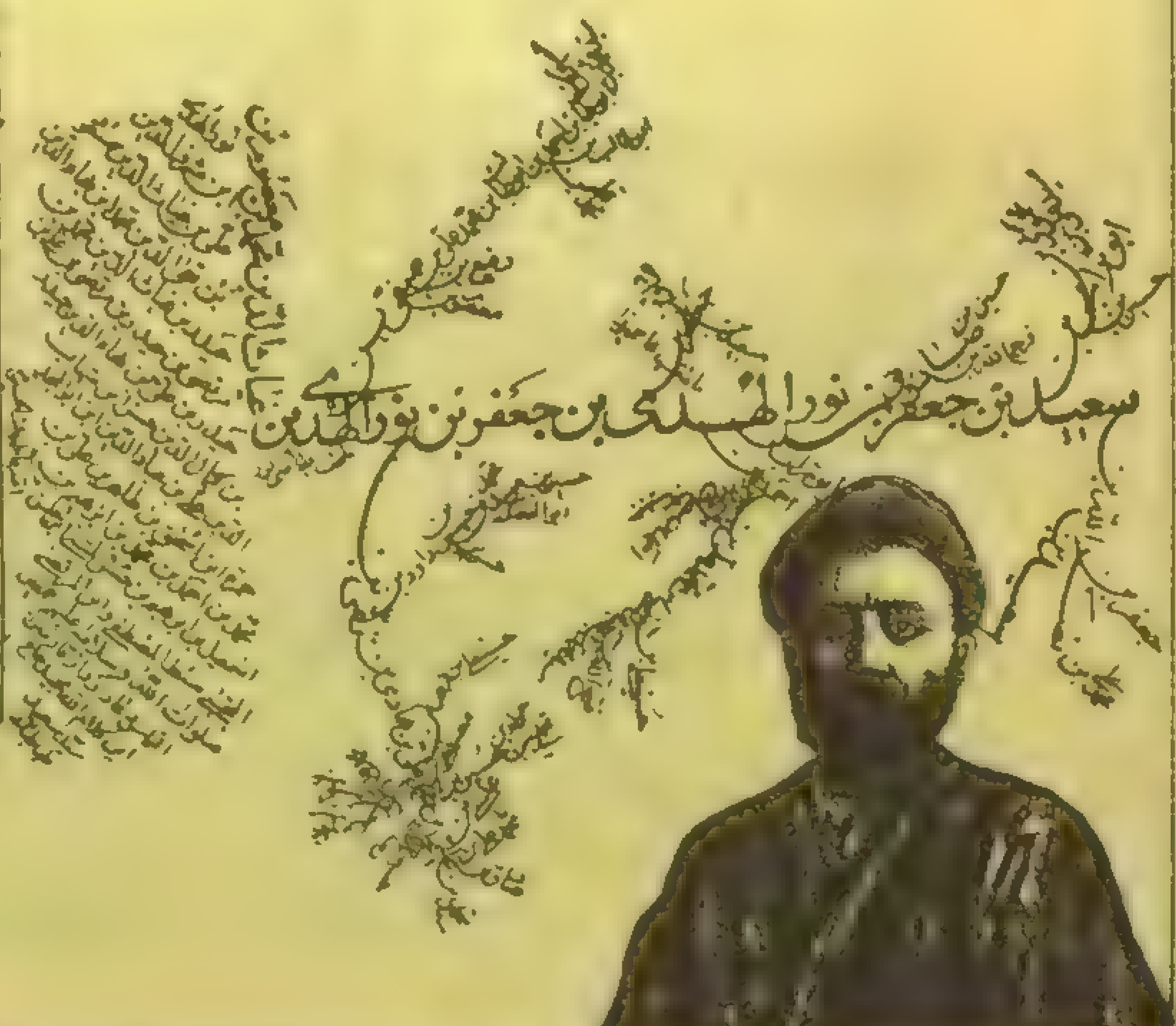

مهدی علیه السلام حضرت صاحب الزمان ... حوبی بسند خود از دعبل بن علی خزاعی روایت نموده که گفت روزی قصیده مدارس آیات را از برای حضرت رضا خواندم چون بابن بیت رسیدم امام لا محالة خارج یقوم علی اسم الله والبرکات یمیز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء و النقمات حضرت گریستند گریستن شدید پس سر بلند کرد بلند نمود و فرمود ای خزاعی روح القدس بزبان تو متکلم نموده این دو بیت را آیا میدانی کیست این امام و کی قیام میکند عرض کردم نمیدانم ای مولای من ولیکن شنیده ام که امامی از شما بیرون خواهد آمد که زمین را پاک کند از فساد و از پر کند از عدل و داد فرمود ای دعبل امام بعد از من محمد پسر من است و بعد از محمد پسر او علی و بعد از علی پسر او حسن و بعد از حسن پسر او الحجة القائم که منتظر است در ایام غیبتش و مطاع است هنگام ظهورش اگر از دنیا نماند مگر یک روز هر آینه خداوند دراز گرداند آنروز را تا آنحضرت بیرون آید پس پر نماید زمین را از عدل همچنانکه پر گشته است از جور و لیکن تعیین زمان ظهور اخبار است از غیب زیرا که روایت فرموده اند پدرم از جدم از پدرش علی اینکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی پرسید که کی خروج خواهد نمود قائم از ذریه تو فرمود مثل او مثل ساعت است که نمی آید مگر بغتة و ... نزد خدا و خدا ست ... نوشته است حموینی بسند خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت نموده که گفت جناب رسول خدا فرمود مهدی از اولاد من است و اسم او اسم من کنیه او کنیه من شبیه ترین مردمان است بمن در خلق و خلق و از برای او غیبتی است که مردم در حیرت بمانند و بسیاری گمراه شوند و لیکن بجانب مثل شهاب ثاقب بغتة ظاهر شود و پر نماید زمین را از عدل

بود اهتمام آن ایجان جانان	که لهجا باهم آری بعد اسکان	(۵۷) خلفای بنی عباس و ملک خلاف الها	چنان لحن خفی باشد نمایان
دو باشد لحن ای قاری قرآن	یکی لحن جلی ثانی خفی دان		که باید مستمع تا بشنود آن
بشنو لحن جلی با این زبان چه	بود تبدیل حرف و حرکت هم		ولی ادراک زوم اخفی و بیان
چو ادراک خفی امریست مشکل	نه ادغام نه تکرار نه اسکان		که باید مستمع تا بشنود آن

ده پنهان وصل و وقف در بسم الله اوایل سوره

بیا در وقف بسم الله با وصل بدان القارعه و التکاثر بسم	با اول سوره بشنو باز یک فصل دگر آن سوره باشد وقف بی عیب دگر در ما بقی هر شش مختار	[illegible]	سه نوعست آن یکی وصلست دیگر محمد بینه المکم و لا رمز این نکته ها بسیار ای یار	قم باز ابجد زحرف دیگر نزد دو و تل دقلب یا زای [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

سام بن نوح بن لمک بن متوشلح بن اخنوخ بن یارد بن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث بن آدم علیه السلام

اهل هند
و سند
و نوبه و زنج و حبش و قبطی از نسل حام پسر نوح اند و ترکان و ماوراء النهر
و صقالبه و اهل چین و فرس قدیم که قوم خزر اند که ایشان را روس گویند
از اولاد یافث اند و گروه های مختلف و صاحبان اشکال عجیبه همه
از صلب تا وبن بن یافث اند و یاجوج و ماجوج و آنچه شبیه ایشان هستند
در آن نواحی از نسل منسک بن یافث می باشند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول خلفاء بنی امیه بروایات شیعه پس شکی در صحت آن نخواهد بود و اخباری که اهل سنت اختصاص بنقل آنها دارند مثل عصا... و مثل حدائق دریای... و اما اگر معارضه با این اخبار را قابل نیست چنانکه ظاهر و هویداست پس من باب تایید ذکر شطری از اخبار مروی از طرق شیعه لازم که بدو الا ذکر آنها حاجت برخصم نیست و از برای شیعه فایده بر آن مترتب نیست زیرا که وجود و غیبت آنحضرت از ضروریات مذهب ایشانست و در این مقام اخبار متواتر

نماید چنانچه از ظلم پر کرده باشند ملبسم ایضا حموینی در فرائد السمطین بسند خود از ابن عباس روایت نموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با علی بن ابیطالب فرمود یا علی منم مدینه حکمت و تو در آن و کسی داخل مدینه نشود مگر از در آن هر آینه دروغ گفته کسیکه گمان کند که مرا دوست دارد و حال آنکه تو را دشمن دارد زیرا که تو از منی و من از توام گوشت تو گوشت منست و خون تو از خون منست و روح تو از روح منست و سر تو سر منست و علانیه تو علانیه منست و تو امام امت منی و خلیفه من بر آنها بعد از من رستگار است کسیکه اطاعت کند ترا و شقی کسی است که معصیت تو نماید و رابح است کسیکه دوست تو دارد و زیانکار است کسیکه دشمنی تو ورزد فائز کسی است که ملازم درگاه تو مقیم گردد و هالک کسیکه از تو مفارقت نماید مثل تو و امامان از اولاد تو بعد تو مثل کشتی نوح است هر که در آن نشست از طوفان حوادث نجات یافت و هر که تخلف نمود در دریای ضلالت غرق گردید و مثل شما مثل ستارگان است هر وقت که ستاره ای غروب نماید دیگری طلوع کند تا روز قیامت

تتمه

در این مقام از اخبار مذکوره است و نمایانست که رواة اهل سنت با سانید معتبره خود روایت نموده اند چون مؤیداتست

بیان در موذات قاریان سبعه در اوزان ایشان

بیاای قاری ارس شنو اینم | ده موذه رهبر دراول اسم
الف از هم ب و زه قالون | ن ورش بدان هم انکو نا
ابو عمرو ست حا ا از ره دوری | علامت طا کا اشاره سوسی

از بیگزر سوالات فراوان | بود بسیار در آیات قرآن
بدان هر حرف زهار برادر از دوست | بگو بر نامشان چو رمز تن حبیب
بود این هر یک ستی ذال ای کار | ذکر ها بزی و ذال ار فر حمل
بود کاف ابن عامر و شام لام | ذکر میم ابن ذکوان ای دلارام

تمثال بی مثال حضرت اسد الله الغالب امیر المؤمنین

علی بن ابی طالب و فرزندش حسنین علیهم السلام

١٣٥٣

بر دو دست ولیکن گنها سینمایم بعضی از نصوص که از اباء طاهرین انجاب وارد گردیده و در کیف ائمه معصود است اول ابن عباس گوید که شنیدم رسول خدا را که میفرمود منم سید النبیین و علی است سید الوصیین و بدرستیکه اوصیای بعد از من دوازده فرزند اول ایشان علی ابن ابیطالب و آخر ایشان مهدی است دوم روایت نموده از حضرت رضا از اباء عظام خود که علی بن ابیطالب فرمود که نهم از اولاد تو قائم بحق و مظهر دین و جزا کننده عدل است عرضکرد که آیا این از امور حتمیه است که البته خواهد شد فرمود ملی و الله و لیکن بعد از غیبت و حیرتی که کسی بر دین او نماند مگر بیگانه مخلص خدا که مباشر روح یقین اند آنانکه خدا از ایشان پیمان گرفت بولایت ما را کرده در ایمان زاد در دل ایشان ثابت فرموده بروح حق ایشان را تایید نموده سیم جابر بن عبد الله گوید روزی بخدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها مشرف شدم لوح در خدمت آنحضرت دیدم که در آن نبشت بود نامها اوصیا از اولاد آنحضرت پس شمردم دوازده بودند و آخر ایشان قائم بود و سه کس از ایشان محمد و چهار علی چهارم از حسن بن علی روایت نموده حدیثی را در خبری که فرموده با اصحاب خود در مقام اعتذار از صلح با معاویه آیا ندانسته اید که هیچ یک از ما نیست مگر آنکه بیعت کرده از متولی زمان بر گردن او خواهد بود مگر قائمی که روح الله در عقب او نماز می نماید و خدا تعالی ولادت آنحضرت را مخفی کرده و شخص او را غایب نموده تا آنکه در گردن او بیعت کسی نباشد هنگام خروج و او ست نهم از اولاد برادرم حسین پسر بهترین کنیزان خداوند طول عمر او را در زمان غیبتش و بعد ظاهر گرداند او را بصورت جوانی که کمتر از چهل سال باشد تا بدانند که خداوند بر همه چیز قادر است پنجم از حسین بن علی روایت نموده که در قائم ما سنتی است از سنن انبیا از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد ص از نوح درازی عمر و از ابراهیم پنهانی زمان ولادت و گوشه گیری از مردم و از موسی ترس و غایب شدن از مردم و از عیسی آنکه مردم در او اختلاف نمایند و از ایوب فرج بعد از

نمره ... اداره ... کتب ... لاهور

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از حمد مجید و صلوات تحیین گوید احقر بندگان درگاه احدی و افقر نیازمندان
بارگاه صمدی ابن میر مهدی خان نور الله مضجعه بالرحمة والغفران ابو المفاخر نظام الدین
محمد صادق الملقب بشاه میرزا الخاطب بمیرزا مهدیخان صفوی روح الله روح اسلافه
و طول الله عمر اخلافه که در اکثر نسخ و مجامع از حضرت ائمه طاهرین سلام الله علیهم
و علماء و مشایخ کرام رضی الله عنهم صورت مهر نبوت حضرت سید المرسلین و خاتم
النبیین صلوات الله علیه و آله اجمعین و بعضی از نقوش و اشکال ذوی الاوفاق
و مکررات حروف و کلمه و سور قرآن عظیم و آیات فرقان کریم مذکور و ثواب و خواص دیدن آن
و دیدن و نظر کردن آنها در هر روز و بعد از هر نماز مسطور است بنا براین مضمون هذا
مقرون بلاغ مضمون حدیث مشهور من سمع شیئا من الثواب علی شیء فصنعه کان له اجره
وان لم یکن علی ما بلغه صور مهر نبوت و آنچه از اشکال ذوی الاوفاق و مکررات
قرآنی و آیات فرقانی که دیدن و نظر کردن بر آنها ماثور است و بنظر احقر عباد رسیده
بود جمع نمود و چون از دیدن این ارقام مجسمه انجام و حروف و اسمای عظام فرخنده
فرجام بالخاصیة چشمهای صغیر و کبیر و برنا و پیر روشن و منور گردد و نظر کردن باین
آیات بینات کلام معجز نظام حضرت ملک علام جهت عیون ناظرین نور و روشنائی
ضوء و ضیای بخشد بضیاء العیون موسوم ساخته بر قاعده و دستور مرتب گردانید
بتوفیق الله الملک المجید **فاتحه** در بیان صورت مهر نبوت سید انبیاء و
سرور اصفیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله التحیة و الثناء و شمایل آنحضرت که
هر روز بعد از ادای صلوة فرایض یومیه نگاه به آن انداز را با انوار آن منور ساخت روایت
است از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام که هر که مهر
نبوت نبی کرم را بعد از نماز صبح ببیند چنان باشد که پنجاه حج مثل حج حضرت آدم
علی نبینا و آله و علیه السلام کرده باشد و اگر بعد از نماز ظهر ببیند چنانست که دو صد
حج مثل حج حضرت ابراهیم گذارده باشد و اگر بعد از نماز عصر ببیند چنان است
که پانصد حج مثل حج حضرت موسی بجا آورده باشد و اگر بعد از نماز مغرب ببیند
چنان باشد که هفتصد حج مثل حج حضرت عیسی کرده باشد و اگر بعد از نماز عشا ببیند
چنان باشد که هزار حج مثل حج حضرت رسول کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده و
ده هزار گرسنه را سیر کرده باشد و هزار برهنه را پوشانیده باشد و مهر نبوت حضرت خاتم [illegible]

هذا ضیاء عیون الناظرین و به نستعین

و در بعضی نسخ مهر نبوت چنین مکتوب است

و در بعضی نسخ مسطور است که مهر نبوت در میان دو شانه آنحضرت [illegible]

ناصر بوشا ن سید بجا بود خود جعفر یحیی زذهب تا د	زحمره فا و ف از رحلف	نفس د فت ز خلا د بی گم	بدان راست رمزی ز ک	تو آفت بود چین از روزی
در بیان رموز الشان علی سبیل الاجماع	وگر از حرف شش بی	ن ر تمره نامه باک	جوابی شده مرقوم جانی	بو دار عاصم وحمزه ک

در دیدن این نقش گویند بعد از فرایض جمعه بو قیر ثواب بسیار و خواص بیشمار نقل شده از جمله آنکه ناظر این از جمیع آفات و بلیات در حمایت حق تعالی باشد و نزد سلاطین و اکابر معزز و مقبول القول باشد و از سحر ساحران و مکر مکاران در امان بوده ... خصومت نماید مغلوب گردد ... در ... جمعه ... خود ... و ... مظفر و منصور گردد

عمر و	الله	رحیم
...	...	...

اب ح ع د ب

صمر سال

این نقش مبارک از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است و آنجناب از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه واله نقل فرموده اند و ثواب بسیار و فوائد بیشمار در دیدن این نقش مبارک بعد از هر فریضه جمعه لیل و نهار ذکر فرموده اند

م	م	د	الله	ن	ا	
رحیم	و	و	هو	ط	ع	ص

	م
	ص ط سمد
ص ط ک	

منقولست که هر که بعد از هر فریضه جمعه یو میه این نقش معظم را ببیند خدای تعالی برکت و حرمت ان مطاع جرایم او را عفو فرماید و بکرم خود اقلها مغفور ابرانست

باالله بهج	باالله بهج
باالله بهج	بهج

فواید و ثواب بسیار در دیدن این نقش اعظم نقل شده از جمله آنکه چهار چیز خدای تعالی به ناظر این نقش عطا میفرماید اول بینائی و روشنائی چشم دوم وسعت رزق سیم آتش دوزخ بروی حرام کند چهارم او را بیامرزد

رص	سـ	سلام
مرد	الف	ودی
حرمت	مرد	س ن

منقولست که هر که مکتر حرفی سوره ... را در مربع دوازده در دوازده ... ببیند ... هر روز از او ببیند خدای تعالی از وی ... نگاه دارد ... از دنیا برود ... حرام گردد ... بهشتی ...

[illegible]	[illegible]

منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب که رسول خدا صلی الله علیه واله در مسجد مدینه نشسته بود که جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله خدای تو را سلام میرساند و میفرماید که هر که از امت تو مکتر حرفی آیة الکرسی را در مربع ... نویسد و با خود دارد و هر روز ببیند از جمیع بلیات در کنف امن و امان ایشو باشد و ... آنرا ... عالم ... گرداند ...

[illegible]	[illegible]

در قسم دیگر مکتر ... مذکوره ... در بیست ... و شرح آن هم ... حضرت ماخوذ و ... از زیاده ... مذکور است

[illegible]	[illegible]

مروی است از حضرت رسول ... که هر که ... مکتر حرفی ... در مربع بیست ... ببیند ...

[illegible]	[illegible]

منقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام که هر کس این نقش مکرم را به یکبار ببیند گناهان هفتاد ساله او آمرزیده شود و اگر دو بار ببیند خداوند کریم عفو جرایم پدر او فرماید و پدر و مادر خود بیامرزد و کسیکه سه بار ببیند از برکت این نقش غفار بی نیاز همه امت حضرت رسالت پناه را بیامرزد

م مام	دو	ر و	د	ں	دم
ں	دو	ط	ع		ص

مرویست که هر که این نقش معظم مکرم را به بیند اگر همه یکبار باشد پیر این نقش خدا همه گناهان او را بیامرزد و برحمت خود عفو فرماید

دو	دب	۳	منقولست که هر صباح دیدن این شکل باعث ازدیاد رزق و غنا و ثروت است
ں	سال	داله	
ود	سال	کمو لامو	

۴	۱۴	۱۵	۱	مرویست که هر که هر صباح این نقش مبارک را ببیند از جمیع آفات و بلیات در حفظ و حمایت قادر متعال بوده باشد
۹	۷	۶	۲	
۵	۱۱	۱۰	۸	
۱۶	۲	۳	۱۳	

شیخ محمد بن احمد مغربی در کتاب موسوم بفتح المتعال فی مدح النعال که قریب دو هزار بیت و مشتمل بر فواید و قصاید مدح مثال نعل مبارک حضرت سید المرسلین است جمعی موثق باختلاف روایات مثال نعل مبارک نوشته و خواص بسیار ذکر نموده که ایراد تتمه از آن درین اوراق موجب تطویل و اطناب است از جمله کسیکه نگاه دارد این مثال مبارک را و تعویذ کند از شر اعدا و شیاطین و سحر ساحرین و مکر ماکرین و چشم حاسدین ببرکت حضرت سید المرسلین مصون و مامون بوده باشد و این مثال مبارک او را حرز بوده باشد از جمیع آفات و بلیات و چنانچه همیشه با خود دارد محبوب القلوب معظم المرام گردد و ببعاد زیارت بجناب فایز گردد و کسیکه در علتی باشد چون مثال مبارک را بران موضع موجع بگذارد و توسل با نحضرت جسته استشفا خواهد الله تعالی شفای عاجل کرامت فرماید و در خانه که این مثال مبارک باشد از سوختن و افتادن محفوظ بوده باشد و همچنین اگر در کشتی باشد از غرق و حرق ایمن بوده باشد و در متاعی و قافله مگر اینکه محفوظ ماند و در لشکریکه این مثال مبارک باشد هزیمت نیابد و بمیمن برکت بجناب فتح و ظفر قرین حال جان نشان باشد و صورت هفت گونه مثال نعل مبارک این است

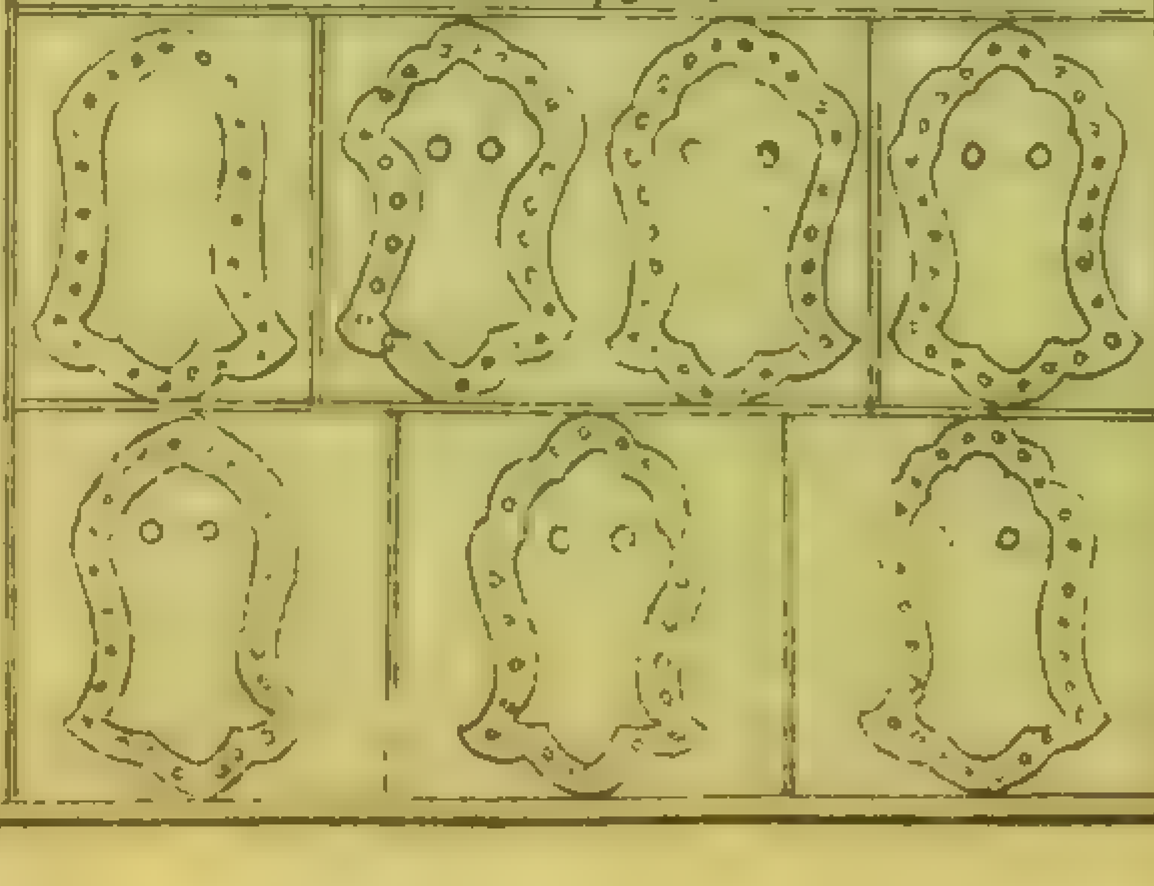

در بعضی نسخ مذکور است که این نقش حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام است و هر روز دیدن این مهر مبارک فوائد کلیه و آثار عظیمه دارد

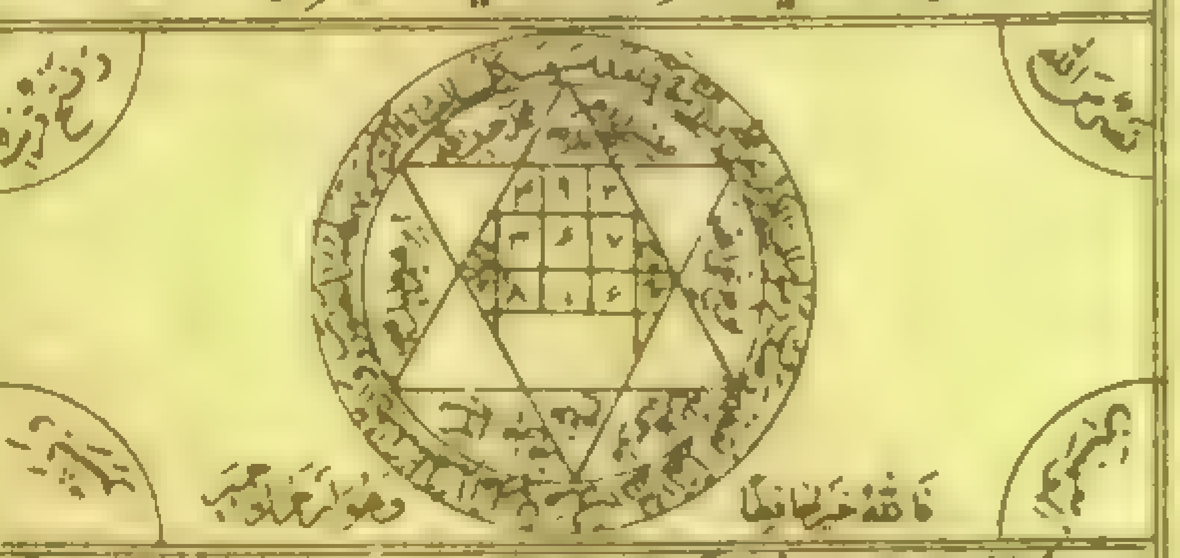

این شکل مبارک موسوم بکرسی علی آثار بسیار از نظر یاران نقل شده

مذکور است که هر که هر روز بر این صورت مبارک که شبیه است بمثال نعل مبارک رسول الله صلّی الله علیه و آله یکبار نظر کند چنان باشد که هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار درم در راه خدا صدقه داده و هزار حج کرده باشد این است

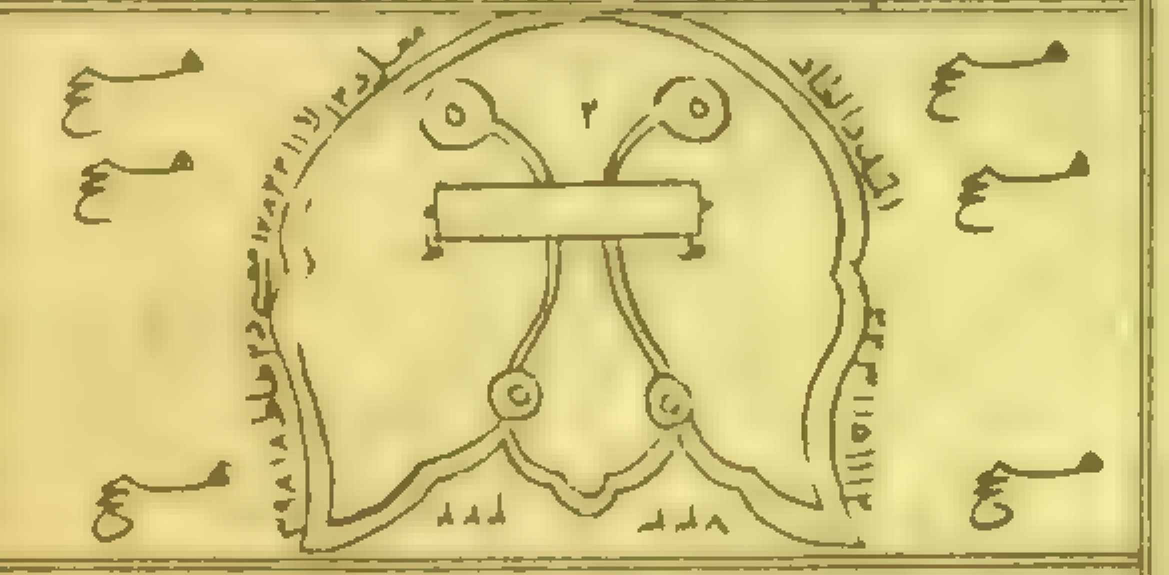

این شکل که موسوم بکنفس و خواص بسیار و فوائد بیشمار در نظر بوده برای مذکور است

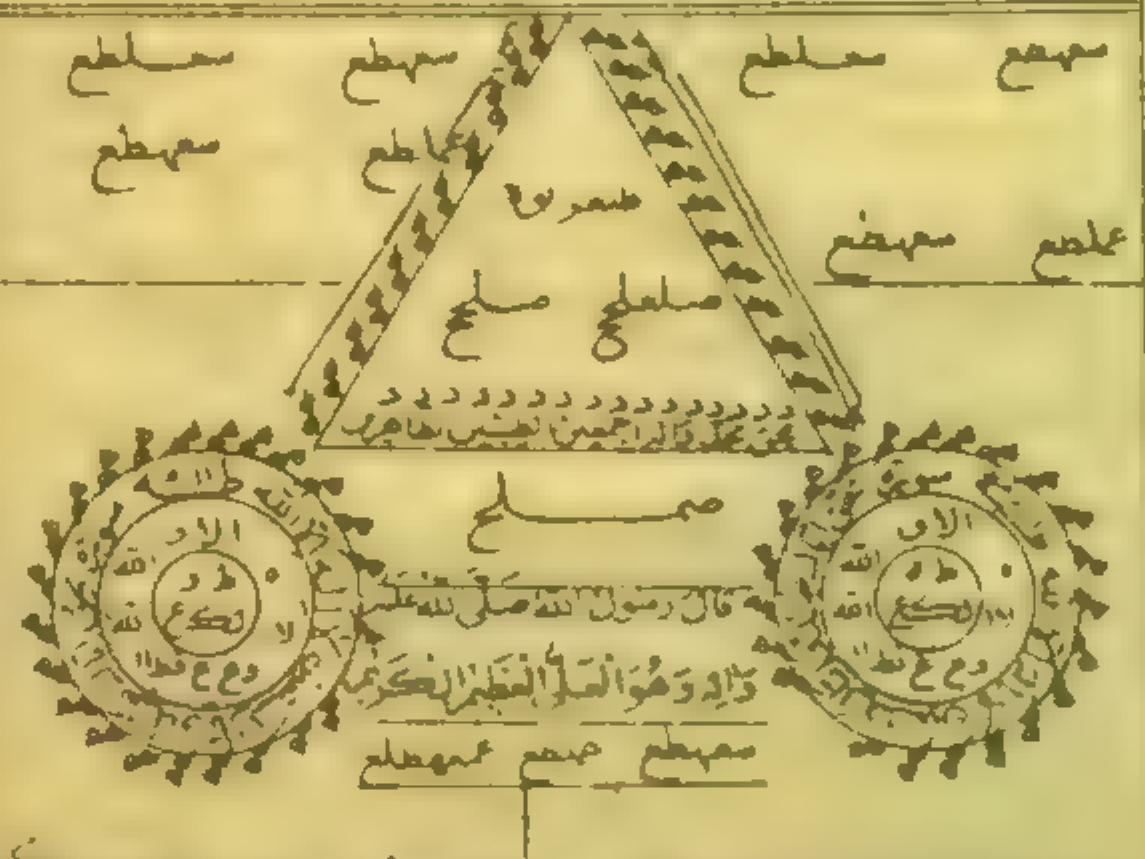

نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب منقولست از مولانا که هر که این شکل نظر نماید ...

کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی ... مذکور است که هر که ... ...

از حضرت امیر مؤمنین ... مرویست که هر که هر صباح این نقش مذکور را ببیند ... جمیع آفات در حفظ حضرت حفیظ باشد ... ... مکاره ... ... باحمد ... ... بهجت ... توسل و استشفاء ... این نقش معظم ... ...

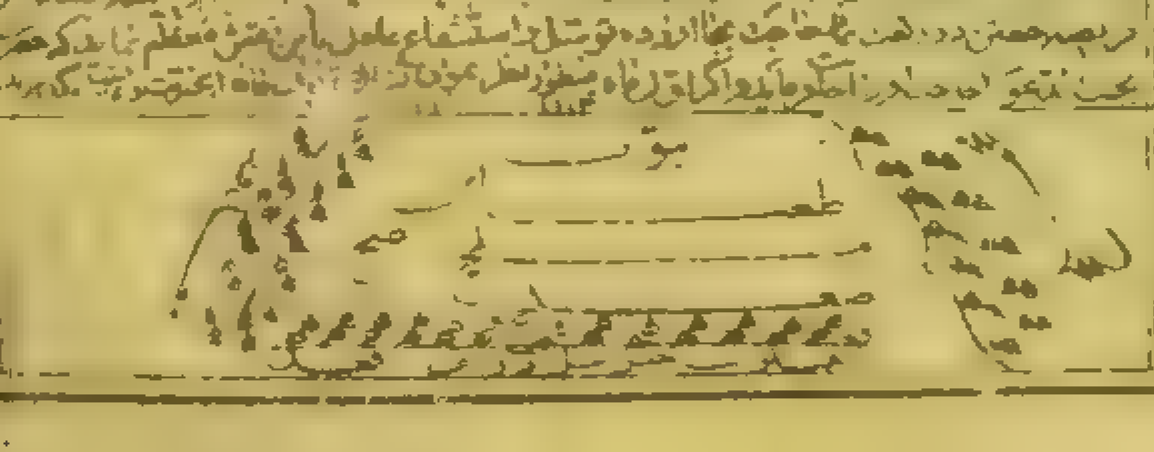

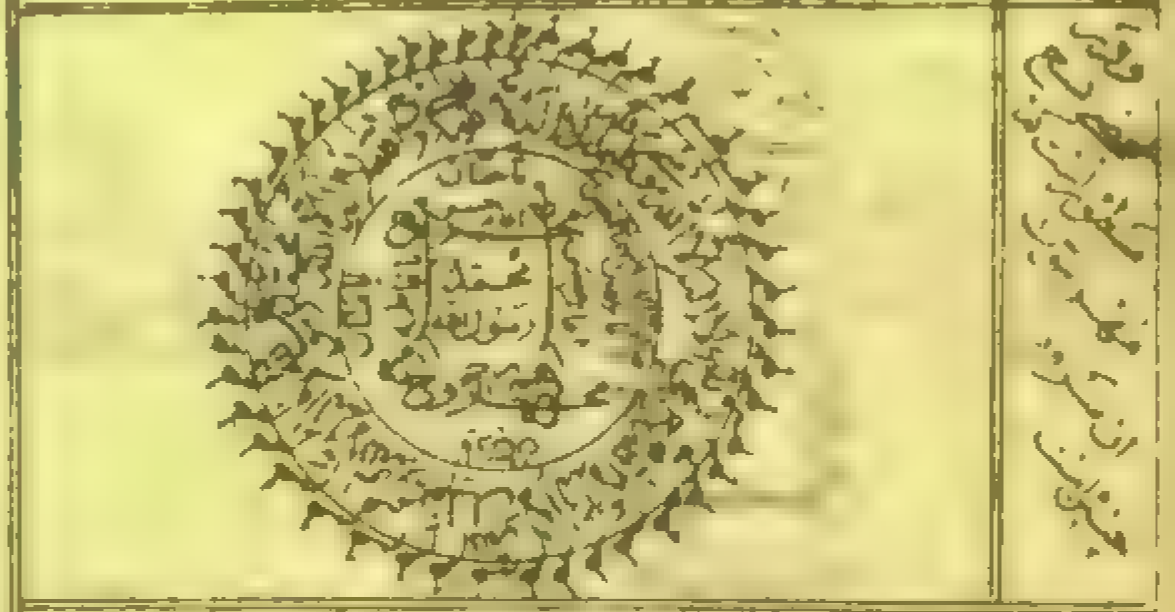

منقولست که در ان روزیکه حضرت رسول علیه السلام ... از دنیا بدار بقا رحلت میفرمود حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام بگریستند و میگفتند یا رسول الله ما بعد خود شربت شما چون خواهیم دیدن حضرت فرمودند این خط بنویسید و با خود نگاه دارید اگر هر که با خود نگاه دارد در دو سرای از جمیع بلیات و افات مصون و محفوظ باشد ... نزد ملوک و اکابر شرف و عزت و مکرمت گردد و چنان باشد که مرا دیده باشد هر که بیند و با خود نگاه دارد یا علی یا امت من برسانید

ایضاً در نسخه دیگر صورت مهر نبوت چنین است

بسم الله الرحمن الرحیم

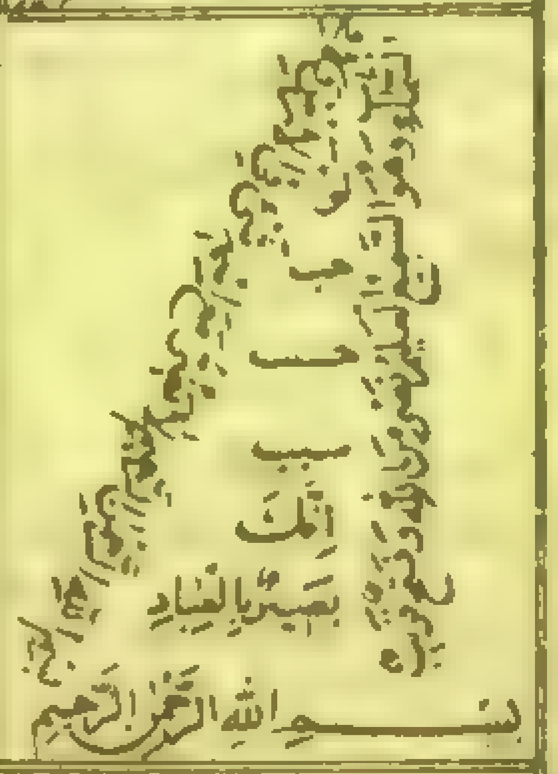

ایضاً در نسخه دیگر صورت مهر نبوت چنین است

بسم الله الرحمن الرحیم

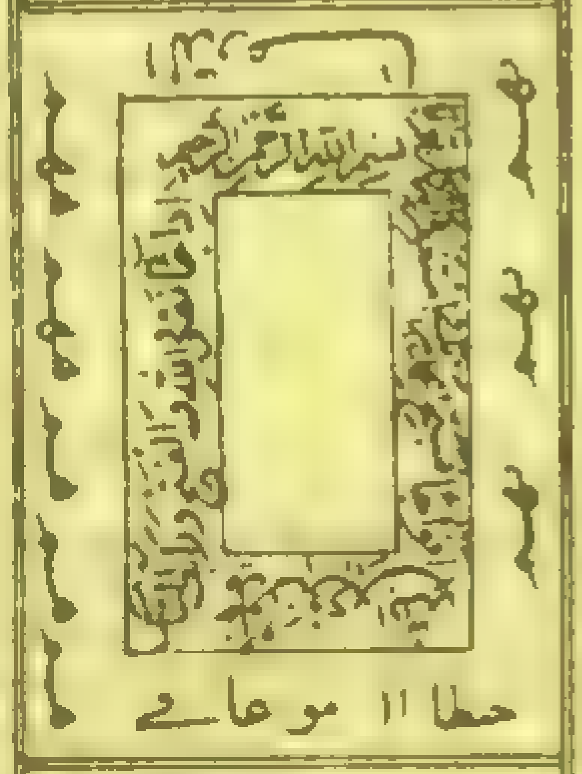

ایضاً در نسخه دیگر چنین است

ایضاً در نسخه دیگر چنین است

منظر اول در مکرمات بعضی از سور و آیات قران مجید و فرقان حمید و اشکال مکرمه و نقوش معظمه که باید هر روز یکبار و برخی را بتکرار بعد از فرایض لیکن هر بار بنظر آورده چشم جان و دیده ایقان را منور گردانند و خوشنود استفاضه‌ان بسعادت ابدی و دولت سرمدی رسید منقولست از حضرت امیرالمؤمنین که روزی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه نشسته بودند جبرئیل علیه السلام از نزد رب جلیل در رسید و گفت یا رسول الله خدای تعالی ترا سلام رسانیده و برای تو و امت تو هدیه فرستاده که هیچ پیغمبری نفرستاده هر که از امت تو سوره فاتحه را بکسر حرفی نموده در مربع پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد هر روز بنده حق تعالی بر عمر وی بیفزاید و او را از جمیع آفات و بلیات در امان خود دارد و اگر کسی در وقت دیدن ماه نو بر مکتوب حروف فاتحه الکتاب نظر کند الله تعالی تمام آن ماه او را و فرزندان و خویشان و همسایگان او را در حفظ خود دارد و آتش دوزخ بر وی حرام گرداند و در هر خانه که این مکتوب باشد انشاء الله تعالی از بلیات و طاعون ایمن باشند و آفت بان خانه نرسد

چونافع متفق با کوفیان شده ابوعمر لیث بصری و ابن عاصم	هانی حفص حمزه مید ان رمزان شده شده ارشاد میزان سیم ظاهر	بیان مد لد قراء سبعه بتجوید منظومه	مدیه مولد نافع مکی دست زکو ذ عاصم و حمزه کسائی	بود ابن کثیر از کوای جان بدان و رخوان ایشان کن گدائی

مذکور است که هر که مکثر حرفی سوره قدر را در مربع پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد هر روز او را ببیند چنان است که گویا شب قدر را یعنی ثواب او را دریافت کرده و آتش دوزخ بر او حرام گردد و هرگز محتاج نشود و همیشه با عزت و حرمت باشد و هر که او را ببیند بر او مهربان شود و در هر خانه که این مکثر در آن باشد آفت آتش بر آن خانه نرسد انشاء الله

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مذکور است که هر که مکثر حرف سوره کوثر را در مربع هفت در هفت بنویسد و با خود دارد و هر روز او را ببیند حق تعالی او را از جام ساقی کوثر سیراب گرداند و در نظر مردم عزیز باشد و روزی او فراخ گردد و هرگز محتاج این خلق روزگار نگردد و در خانه که باشد تنگی نه بینند از آب و نان و از آفت محفوظ باشد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مذکور است که هر که مکثر حرفی سوره جحد را در مربع پانزده در پانزده نوشته با خود دارد و هر روز او را ببیند ثواب جهاد با کفار و مرتبه شهید دارد و ایمانش از دست دزد شیطان محفوظ ماند و دلش قوی گردد و دشمنانش مقهور شوند و در نظر مردم با هیبت نماید و هر حاجت که از خدا بخواهد بی‌شک برآید

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

معلوم است از ائمه معصومین علیهم السلام که هر که مکثر حرفی سوره نصر در مربع دوازده در دوازده نوشته با خود دارد و هر روز او را ببیند روشنی چشمش بیفزاید و هر علت که در جسم او باشد دفع شود و آتش دوزخ بر او حرام گردد و در نظر پادشاه و حکام و امرا و اکابر عزیز و محترم باشد و هر معرکه که رود فتح و نصرت یابد و هر که او را ببیند با او مهربان شود و دشمن دوست گردد و هر که با او بدی کند با دبر گردد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

منظر دوم در نقش متبرکی که در ایام هفته باید دید و ذو الکتابه مخصوص هر روز اما نقش معظم این است که از حضرت رسول مروی است که هر که روز شنبه نظر نماید رحمت الهی شامل حال او گردد و روز یکشنبه غنی و بی نیاز گردد و روز دوشنبه ناظرش عمرش زیاد شود و روز سه شنبه دیدنش موجب زیادتی مال گردد و روز چهارشنبه فلان فلان سیئات نظر کننده را از نامه عملش محو فرماید روز پنجشنبه نظر کننده از مکروهات خلاصی یابد و مسرت و کامرانی بگذراند و هر که روز جمعه ببیند به سعادت ملاقات فایز گردد ان شاء الله تعالی و آن این است

لا اله الا الله محمد رسول الله

یا محمد ان الرسول لله علیه

منک الرسول وامالاه ما ماع •

یا ودود	یا مبدع	مجیب	الرقیب	یا رفیع	سوره الاحد
۵۳۷	۵۹۳	۱۰۹	۴۳	۱۰۸	مذکور است که هر که این مربع را در روز یکشنبه ببیند جمیع امورات و ضروریات او حاصل شود
۳۲	۱۰۴	۵۳۰	۵۹۲	۱۱۱	در میان خلق با هیبت و صلابت باشد و تمام هفته در امان خدا باشد و همه
۵۹۵	۱۶۹	۲۵	۱۰۲	۵۲۸	دشمنان او مقهور شوند و در نزد خلایق و سلاطین
۱۰۵	۵۹۴	۵۹۳	۰۷۲	۴۸	معزز باشد و هر که او را ببیند مطیع او شود و شر

دهر توکل	یا الله حسب ما	رب زدنی	تمم وشا	شکر نشاط	نوع دوم سبز
۳۰۰	۴۹۹	۶۰۳	۹۳۲	۳۳۸	منقول است که هر که این مربع را در روز دوشنبه
۹۴۹	۳۳۰	۱۰۷	۳۹۲	۸۰۱	ببیند در آن روز از انواع مصائب و مکروهات در
۵۰۰	۹۰۵	۱۹۳۵	۲۳۲	۱۰۵	امان باشد و حاجات او مقرون به اجابت گردد
۲۳۲	۶۰۳	۴۹۸	۶۰۸	۹۴۳	و در نزد همه خلایق مکرم باشد

[illegible]	[illegible]	مجموعهٔ منقوش	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که دارد مردود ... علامت ولایه کرکرده مشکلات ...	بود ... جون ...	مجموعهٔ منقوش	... زمین ... خاطر پریشان	... پریشان	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مدنوراست ده هرکه ملتزم ... در مربع ده ... بنویسد و با خود دارد ... اگر بتواند ... الی یکبار و اگر ... عمر یکبار ... چهار چیز از او کرامت ... جهانه نیارت ... این تکبیر ... مردم عزیز ...

... گردد

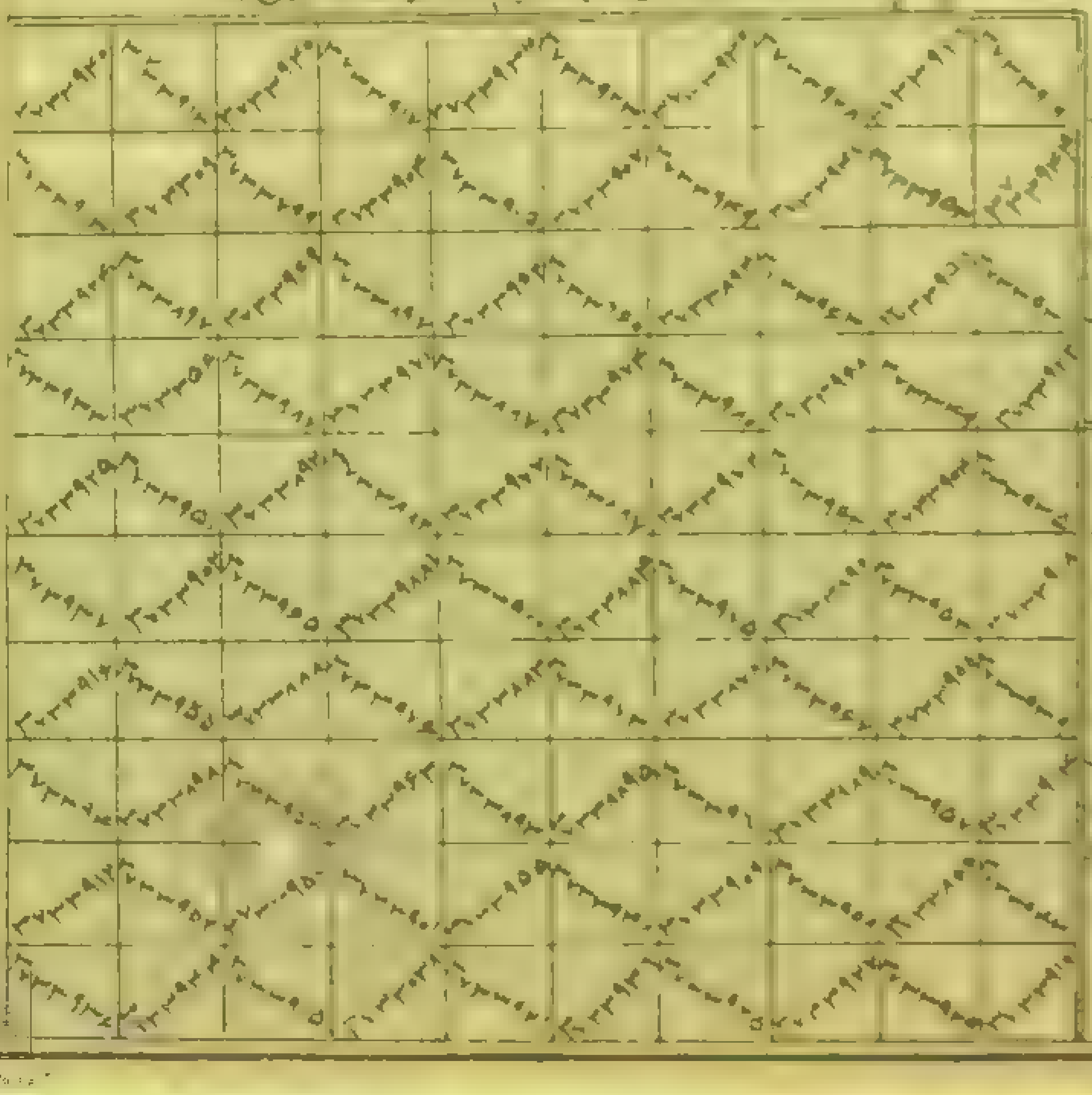

امن مربع را بر جیدا و جمیع مکاره در امان باشد و هر کا ... صغیره و کبیره ... همه کرده باشد خداوند کریم بکرم خود عفو فرماید ... در درگاه احد ... مستجاب شود ... خاطر او ... شود ... نقل

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٥٣٣	٣٥٩	٢٨٠	٠	٥٨٢
١٠١٣	٥٠٨	٤٣٤	٢٥٧	٣٠٠
٢٦٠	٣٨٨٠	١٠١٩	٥٨٠	٥٣٢
٥٨٥	٥٣٠	٢٥٨	٢٩١	١٠١٥

منقولست که هر که این مربع را که روز چهارشنبه بر بندد در آن روز از جمیع مصائب عظیمه و ... محفوظ محروس باشد ... عزیز و محترم گردد و محبوب القلوب و مقبول القول گردد

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٣٨٢	٦٩	٣٧	٢	٣٠٠
١٥	٦٩	٣٨٠	٦٧	١٣٠
٣٠	١٢٨	٨	٣٠٧	٣٨٩
٣١٥	٣٨٦	٦٨	١٣١	١١

[illegible]

یوم خمیس

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٨	٦٩	١٢	٣٥٥	٢١٩
٩٨	٢٨٧	٣١	٨٢	٣
٣٠	٩	٢٠١	٣٨٥	١٩
٣٨٨	١٧	٦٩	٢٢	٥٠

[illegible]

یوم جمعه

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٢٩	٢١٣	١٥٠	٤٧٢	٣٠
٤١٢	٥٠٣	١١٢	٣٣	١٨٢
٣٠٥	١٨٠	٣٧٥	٩١٠	٣٠
٩٩٣	٧٨	٢١٣	٨٣	٤٧٢

[illegible]

یوم شنبه

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٢٤٩	٨٩٦	٣١٠	١٥	١١٠
١٠٣	١٥٨	٣٥٠	٨٩٣	٣٠
٨٩٧	٤٠	١١٦	٥٠	٢٥٠
١٤٥	٢٤٨	٣٠٥	١٤	١

نقل است از خاتم المجتهدین جناب شیخ الفاضل شیخ بهاء الدین علیه رضوان الله علیه که هر که در عمر خود یکبار این شکل نظر کند آتش دوزخ بر او حرام گردد و گفته یکبار به باید محبت خلق شود

مـلـح	مـلـح
هـلـح	هـلـح

منقول است که هر که بعد از نماز پنج نوبت ... در این شکل نظر کند ... عطا شود ... صد ...

	مـلـح	

نقل است از شیخ بهاء الدین که هر که در عمر خود یکبار بدین شکل نظر کند آتش دوزخ بر وی حرام گردد اگر هر روز یکبار نظر کند محتاج خلق نشود و در ... در اول ماه نو بدین شکل مبارک منظور نظر ... همه آن ماه را از ... رو ... گذران کند ان شاء الله تعالی

مـلـح	مـلـح	مـلـح	
مـلـح	مـلـح	مـلـح	
	ااام	۱۱۱۱ هو	

... شیخ بهاء الدین ... منقول است که هر که در تمام عمر خود یکبار بدین شکل مبارک نظر کند خدا تعالی آتش دوزخ را بر وی حرام کند و در روز ... نامه عملش ... دست راست ... محتاج نشود ان شاء الله

مسح	مسح	مسح	مسح	مسح	مسح
مسح	مسح	مسح	مسح	مسح	مسح

وع الا ااام ۱۱۱۸ و ۹ هیے هده لاه لاو

مروی است که هر که این مربع را هر بامداد نگاه کند از جمیع بلیات ایمن شود و بر هر که جنگ نماید مظفر گردد و اگر کسی در مدت عمر خود یکبار این مربع را ببیند آتش دوزخ بر وی حرام گردد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و حضرت امیر المؤمنین را در خواب ببیند و کامیاب گردد

ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ف	ح
ظ	ی	ح	ف
ف	ح	ظ	ی

مروی است که هر که یکبار نظر در این شکل نماید برکت آن آتش دوزخ را نبیند و اگر در اول روز نگاه کند از حوادث ... در امان ماند و در ... اول ماه خوش است

ملح	ملح	ملح	ملح
ملح	ملح	ملح	ملح

منقول است که هر که هر صباح این شکل مبارک را نظر کند خداوند کریم او را از همه خلق غنی و بی نیاز گرداند

ملح	ملح

از حضرت ... مروی است که هر که این نقش را ببیند اگرچه در تمام عمر خود یکبار باشد بحرمت ... جمع کاملعا را ... شود و هر که نوشته با خود ... نزد اکابر و سلاطین معتبر باشد و اگر روز جمعه ببیند قاضی الحاجات قضای حوائج او را نماید والسلام

مسح مسح مسح مسح	مسح مسح مسح مسح مسح
نصر من الله و فتح قریب	یا حسن ... صره

منقول است که هر که بعد از فریضه صبح در این شکل نظر کند برکت نظر نمودن این شکل خداوند تبارک و تعالی جرایم او را عفو فرماید

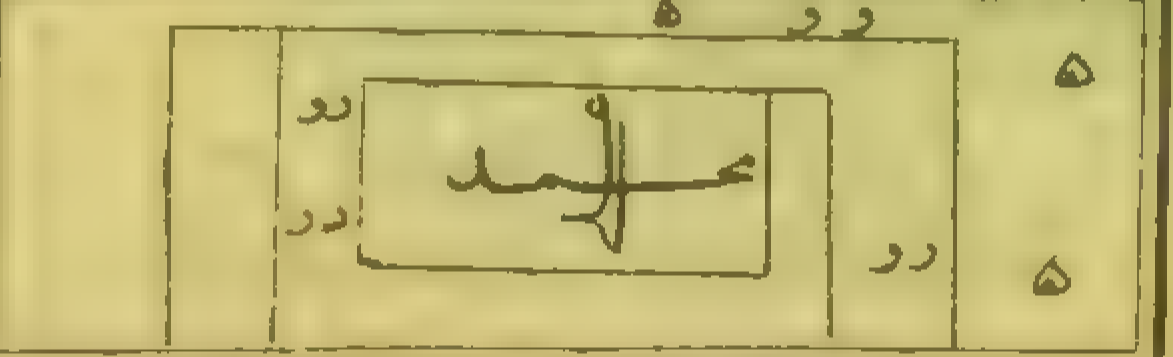

منقول است که هر که این نقش مکرم را بعد از هر فریضه صبح منظور نظر خود سازد چنان است که ... حضرت ... و اگر بعد از فریضه ظهر ببیند ... و بعد از فریضه عصر ... و علیهم ... و بعد از فریضه مغرب نظر کند ... حضرت پیغمبر ... صلی الله علیه و ... و دیگر ... بعد از فریضه عشاء ... هزار ... باشد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند

	ای ح در ... مدسل	

یا الله یا الله	یا رحمن
لا اله الا الله	علی ولی الله
محمد رسول الله	علیه صلی الله علیه

	النبی ... هرسان	

منقول است که هر روز این نقش را ببیند فوائد کلیه دارد و عظیم عاید شود

س	م	د
بهسرم		ر
مرع ط	ب	ک

از دیدن این نقش در هر روز فوائد کلیه و آثار عظیمه نقل شده

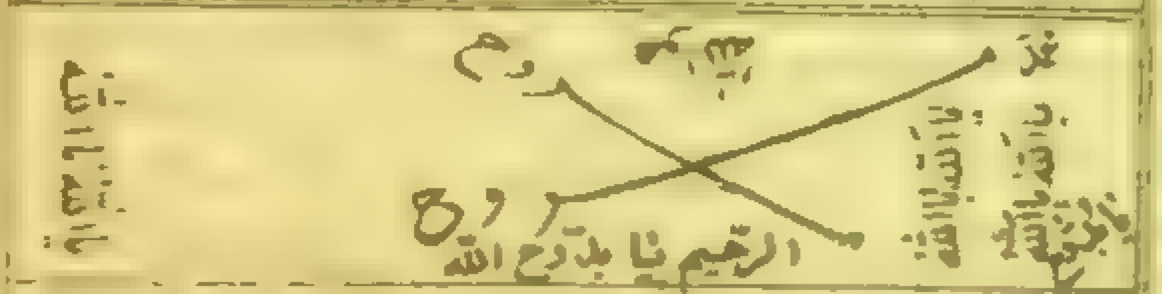

منقول است که هر که هر روز این نقش را ببیند فوائد کلیه و آثار عظیمه دارد

حر	ح		
			حد سهد و
مر	حر	ب	دم

دلا دلا دم	حدع ط	دم

ا ب ط ع	یا الله
ا ط ع	
ص ع ط ف ک	یا محمد
بسم الله الرحمن الرحیم	
الرصعد	الرحمد	یا محمد یا علی

مروی است که هر که این نقش را ببیند اگر در همه عمر یکبار باشد به برکات خدا او را بیامرزد و طول عمر و وسعت رزق کرامت فرماید اگر ... نظر نماید

لا اله	الا	الله	محمد	رسول	الله
۱۸	۱۸	۱۲	۲۲	۲۲۰۲۲	۱۱
۸۲	۸۷	۸۷	۸۷	۲۲۳	۳
۸۲	۸	۷۷	۷۷	۷	۳۷۰

لا اله	الا الله محمد رسول الله علی ولی الله	یا الله
یا فتاح	مر	یا فتاح
یا الله	بسم الله الرحمن الرحیم	یا الله
یا کریم	۱۱ ۱۱ ص ع داد فه دز	یا کریم
یا الله	مر ۱۱ دا مح و و دع مداع	یا صبور
یا غفور	یا غفور یا غفور یا غفور یا ستار	یا الله

بجوان واتل علیهم نبا بجی بکا بکمال اد گریم جوزع آت	شواهد مائده سرست آن کی رمز و رش از بحی بشت فرسنت	المر ترالی الذین قیل ات ز سورهٔ سجاده ذی زمن باشد	مجوید منظوم (ع ج ح)	سوم از ذرلسا هم زین سبیل (در بیان رمز مذکور تمام دیوانه) بیان بشنو و گرای محرم راز	لقد سمع الله از ال عمران زناد هر عقرب ادسلم بماند	دوم آیه جان ای جان جانان کسی کو درشبی اجابت خواند

از بعضی مشایخ کرام منقولست که هرکه هر صباح در این شکل نظر کند محبوب القلوب همه خلایق گردد و مرادات او بسهولت میسر گردد و هر که با او عداوت نماید منکوب و مخذول گردد انشاء الله تعالی

١٢٠٩١	١٢٠٩٤	٢٠٩٧	١٣٠٨٤
١٢٠٩٤	١٢٠٨٥	١٢٠٩٠	١٢٠٩٥
١٢٠٨٦	١٢٠٩٩	١٢٠٩٢	١٢٠٨٩
١٢٠٩٨	١٢٠٨٨	١٢٠٨٧	١٢٠٩٣

[illegible]		[illegible]
٢		٩
[illegible]		زحل

از حضرت امیرالمؤمنین علیه صلوات الله علیه مرویست که هرکه در عمر خود یکبار باین نقش معظم نظر کند برکت ان غفار رحیم اورا بیامرزد و هرکه سه نوبت به بیند خداوند کریم بشفاعت او جرایم امت محمد صلی الله علیه واله وسلم را عفو فرماید و گر بر کفن میت بنویسند ایمنست از عذاب

الی	ور	سلام
مرسا	الف	هسح
مامری	مهاده	ماسهه

قبر ایمن شود انشاء الله تعالی والسلام علی من اتبع الهدی کتبه فقه ... رازی

مذکوراست که هرکه هر روز این نقش معظم را به بیند خدا همه گناهان صغیره و کبیرهٔ اورا بیامرزد و چنان باشد که حضرت رسول را دیده باشد و اگر هر روز نتواند در هر هفته یکبار به بیند و اگر نتواند در ماهی یکبار و اگر نتواند در سالی یکبار و اگر نتواند در عمر خود یکبار به بیند و اگر بیمار به بیند شفا یابد بقدرت کاملهٔ خدای تعالی انشاء الله تعالی

١٨١١٣	١٣٢١	١٣٠م	٤٨١	٢١١٨
٢١٢١	٤٨١م	١٢٢٢	م١١٠٠	ع٢١ل
ع١٩		١١ص	٩١١	٢٧١١
١١١٩	٨١١٣	و	ولا	٩١١٩
[illegible]	و١٣	ع١١ا	١١١ ١١١	٢١٠ص
[illegible]	١١ع	٩٩٢١	١١٢	٢١٣١

مرویست از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه که هرکه این نقش را یکبار به بیند گناهان هفتاد سالهٔ اورا آمرزیده شود و اگر دو مرتبه به بیند پدر و مادر او آمرزیده شود والله اعلم

در	رب	سوب
وا	ماب	ارهه
مرب	ماد	لاهر

مذکوراست که دو وقت بامداد نگاه کردن باین شکل باعث حصول ثواب دوازده حسنات است

٨ ٨ ٨		٧	٥ ٣	هـ
١١١ ١١١ ١١١		١٥١	٥ ٢	ا ا
٧١	٧	٩٩	٨ ٧	ع ا ٥
٧١	٧١	٩٤	١٦٢	١٨ ١ ٥ ٥

علع ا ٧ كرلم ١١ ا ا طع

شیخ اسد الملة والدین رحمة الله نقل نموده که هرکه هر صباح در این چهار کلمه نظر کند محبوب القلوب و مقبول القول گردد و بر جمیع مرادات فایز گردد انشاء الله تعالی

وطوطس	مهــــــولس
سرورعمالط	ســــوما سوس

منقولست که نظر کردن در این رقام هر روز بعد از نماز صبح کفارهٔ سیئات است

ف ک ع ص

ر	٥ ٩
ے	٩١

در دیدن این نقش مکرم بعد از نمازهای یومیه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله منقولست و ثواب بسیار دران ذکر شده است

مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام و حاصل انست که هرکه با طهارت این شکل را منظور نظر خود سازد الله تعالی اورا از جمیع بلیات مثل مفاجات و طاعون محفوظ دارد و نعمت و عافیت کرامت فرماید و بر دشمنان مظفر و منصور گرداند

٤	جو	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

یا رحمن

یا الله

نقل است که هرکه مکتوب آیهٔ ثم انزل علیکم ... بنویسد و هر بعد دران نظر کند یا با خود دارد همه مقاصد دنیوی و اخروی او برآورده شود و در نزد مردم محترم باشد

٥٠٣٩	٥٠٤٣	٥٠٢٦	٥٠٣٢
٥٠٣٠	٥٠٣٣	٥٠٣٨	٥٠٣٤
٥٠٣٤	٥٠٣٨	٥٠٤١	٥٠٣٧
٥٠٤٢	٥٠٣٦	٥٠٣٥	٥٠٤١

منقولست که هرکه مکتوب دعای سیفی را بنویسد و با خود دارد و هر روز به بیند هیچ حربه بروی کارگر نگردد و همیشه در معرکه مظفر و منصور گردد و آثار عظمت و انوار حشمت او بر صفحات ایام ظاهر گردد

١٩١٣٨٣	١٩١٣٨١	١٩١٣٨٩	١٩١٣٧٢
١٩١٣٨٨	١٩١٣٧٧	١٩١٣٨٢	١٩١٣٨٧
١٩١٣٧٨	١٩١٣٩١	١٩١٣٨٤	١٩١٣٨١
١٩١٣٨٥	١٩١٣٨٥	١٩١٣٧٩	١٩١٣٩٠

این نقش مبارک منسوب است بحضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و مذکوراست که هرکه یکمرتبه به بیند برکت ان صغایر گناهان او عفو شود و گویا جمال مبارک حضرت رسالت را دیده باشد و اگر مریض باشد شفای عاجل یابد و صحت کرامت فرماید

این نقش معظم منسوب بحضرت رسول است و نقل شده که هرکه در عمر خود یکبار به بیند برکت ان همه گناهان عفو کرده شود و اگر هر روز ببیند هر حاجتی که از حضرت قاضی الحاجات داشته باشد حاجات مقرون گردد

٢١٢٢	١٨١١٣	٣٢	٤٨١	٣١٢١	٢١١٨
٩١١	٣٧١١	١٣٢١	ع٢٠م	١٢٢٢	م٢١
[illegible]	[illegible]	٩/و	١٩٤	٩٢٤	١١٣١
٩١٣٩	[illegible]	١١١١١	٣٣١٠	١١١٩	[illegible]
[illegible]	١١ع	١١٣١	١١٢١	٢١٣	[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین	
دو یا الله	امرمر
حدسرطاودد یا محمد	
دو	احمممه م
حدسرطاودد یا علی	

منقولست که هرکه در تمام عمر خود یکبار این نقش معظم را نظر کند گناهان او از نامهٔ اعمالش محو گردد و اگر هر روز یکبار به بیند هر مطلب و مقصدی که داشته باشد از جناب القوات طلب کند البته حاصل شود و مهم او کفایت گردد

بســــــم الله الرحمن الرحیم

هو لا لا س ٥ ١١١

الله	الله	الله	الله	الله	
الله	الله	الله	الله	الله	
الله	الله	الله	الله	الله	
الله	الله	الله	الله	الله	
الله	الله	الله	الله	الله	

اول بسم و دیگر طا جیم بازا ؛ بهر جا طا به بینی بشنو از من	دیگر صاست و علوم کافنه ؛ باید مطلق انجا وقف کردن	بدان میم است لازم طا و مطلق ؛ ز جیم ار بگذری جایز بود لیک	تجوید مختصر	غرض از جیم جایز باشد ای ؛ گر انجا وقف نمایی بود نیکو	ز وقف گر لا بود آن ای کریم ؛ جز آن دیگر نمای ای برادر	یقین گر لا بدی از میم ای ؛ زدی ار بگذری ز وقف صاحب	

منقولست که هر که هر صبح شاره دراین نقش نظر کند مدت حال در حفظ الهی باشد واگر هیچ صباح او را ببیند عجایب وغرایب بسیار مشاهده نماید والسلام خرخام

ع	ل	ی	م
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی
ی	م	ع	ل

این شکل مبارک موسومست بعین علی و فوائد کلیه واثار عظیمه از دیدن آن ذکر شده است

طمسم طمسم طمسم طمسم
طمسم طمسم طمسم طمسم طمسم
شطبع النور

لا	اله	الا	الله	محمد
رسول	الله	علی	ولی	الله
۹۸	۹	۳۶۲	۱۱۳	۳۴
۸۸	۹۲	۷۶۷	۲۲۲	۶۲
۲۲۷	سی	۱۹۱	۱۱۱	۱۲۱۲۱
۷	۱۲	۵۱	۴	والله

در بعضی نسخ خواص بسیار وفوائد بیشمار از برای دیدن این نقش مبارک نقل شده است والسلم

بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من

مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم که هر که بعد از نماز صبح باین نقش مبارک نظر کند چنانست که پنجاه حج کرده باشد مانند حج حضرت ادم ع و هر که بعد از نماز صبح ببیند چنانست که سیصد حج مثل حج حضرت ابرهیم ع کرده باشد و هر که بعد از نماز عصر ببیند چنانست که هشتصد حج مثل حج حضرت یونس کرده باشد و هر که بعد از نماز مغرب ببیند چنانست که هزار حج مثل حج حضرت موسی ع کرده باشد و هر که بعد از نماز عشا ببیند چنان باشد که هزار حج حضرت محمد صلعم بجا اورده باشد والسلم خرخام

وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط

یا حی	یا قیوم	یا ذالجلال	والاکرام	۱۱۲۴

یا الله یا الله لا اله الا الله محمد رسول الله ۴ ۱۹ الحمد ج ع در محرم ماه یا الله

منقولست که هر که مکتوب سوره اخلاص را که مرتع ده در ده بنویسد با خود دارد هر روز ببیند چنانست که ختم قرآن کرده باشد واز وسواس شیطانی محفوظ ماند ودلش قوی گردد وچشمش روشن گردد واعدا او مقهور گردند ودر نظر خلایق با هیبت وشکوه نماید وحاجتهایش بر مراد او ساخته گردد ومکرر ازمودست ۱۲

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در کتاب طلسم المصنون ولؤلؤ المکنون مذکورست هر که روزی هفتاد مرتبه که عدد عین است براین دایره نظر کند در وقت نظر کردن ایة الکرسی بخواند خدا او را میان کافه انام معزز ومکرم گرداند واو را محتاج خلق نسازد واگر کسی این دایره را نوشته با خود دارد با سایش خاطر در رفاهیت حال زندگانی کند وخداوند او را از شر ظالمین ومعاندین وساحرین وجمیع الام واسقام ومکر مکاران وفتنه دور زمان در پناه خود دارد انشاء الله تعالی

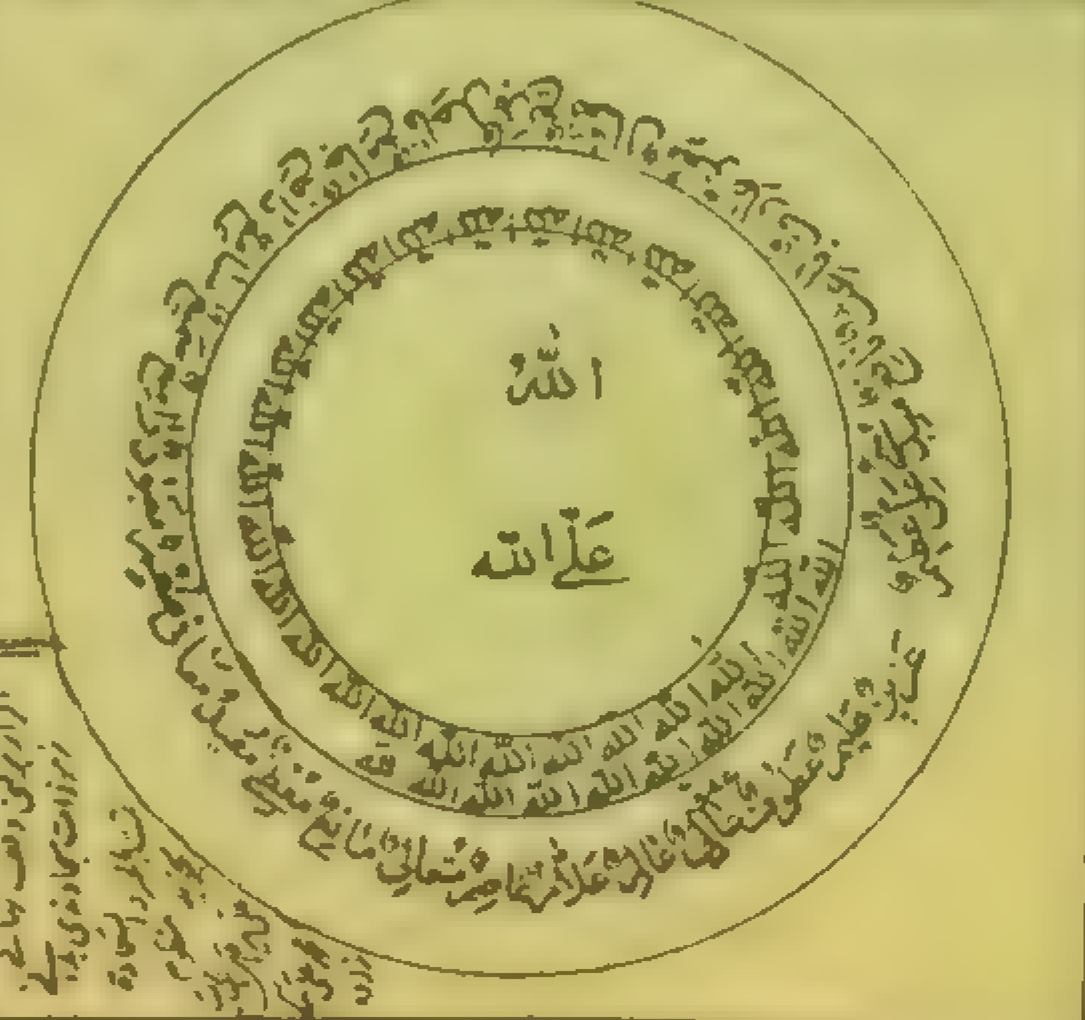

[illegible]

فهرست اسماء سوره‌های قرآن بترتیب است

۱	سورة فاتحة الکتاب	۲	سورة البقرة	۳	سورة آل عمران	۴	سورة النساء	۵	سورة المائدة
۶	سورة الانعام	۷	سورة الاعراف	۸	سورة الانفال	۹	سورة التوبة	۱۰	سورة یونس
۱۱	سورة هود	۱۲	سورة یوسف	۱۳	سورة الرعد	۱۴	سورة ابراهیم	۱۵	سورة الحجر
۱۶	سورة النحل	۱۷	سورة بنی اسرائیل	۱۸	سورة الکهف	۱۹	سورة مریم	۲۰	سورة طه
۲۱	سورة الانبیاء	۲۲	سورة الحج	۲۳	سورة المؤمنون	۲۴	سورة النور	۲۵	سورة الفرقان
۲۶	سورة الشعراء	۲۷	سورة النمل	۲۸	سورة القصص	۲۹	سورة العنکبوت	۳۰	سورة الروم
۳۱	سورة لقمان	۳۲	سورة السجدة	۳۳	سورة الاحزاب	۳۴	سورة السبا	۳۵	سورة الملائکة
۳۶	سورة یس	۳۷	سورة الصافات	۳۸	سورة ص	۳۹	سورة الزمر	۴۰	سورة المؤمن
۴۱	سورة فصلت	۴۲	سورة الشوری	۴۳	سورة الزخرف	۴۴	سورة الدخان	۴۵	سورة الجاثیة
۴۶	سورة الاحقاف	۴۷	سورة محمد	۴۸	سورة الفتح	۴۹	سورة الحجرات	۵۰	سورة ق
۵۱	سورة الذاریات	۵۲	سورة الطور	۵۳	سورة النجم	۵۴	سورة القمر	۵۵	سورة الرحمن

٥٦	سورة الواقعة	٥٧	سورة الحديد	٥٨	سورة المجادلة	٥٩	سورة الحشر	٦٠	سورة الممتحنة
٦١	سورة الصف	٦٢	سورة الجمعة	٦٣	سورة المنافقون	٦٤	سورة التغابن	٦٥	سورة الطلاق
٦٦	سورة التحريم	٦٧	سورة الملك	٦٨	سورة القلم	٦٩	سورة الحاقة	٧٠	سورة المعارج
٧١	سورة نوح	٧٢	سورة الجن	٧٣	سورة المزمل	٧٤	سورة المدثر	٧٥	سورة القيامة
٧٦	سورة الدهر	٧٧	سورة المرسلات	٧٨	سورة النبأ	٧٩	سورة النازعات	٨٠	سورة عبس
٨١	سورة التكوير	٨٢	سورة الانفطار	٨٣	سورة المطففين	٨٤	سورة الانشقاق	٨٥	سورة البروج
٨٦	سورة الطارق	٨٧	سورة الأعلى	٨٨	سورة الغاشية	٨٩	سورة الفجر	٩٠	سورة البلد
٩١	سورة الشمس	٩٢	سورة الليل	٩٣	سورة الضحى	٩٤	سورة الانشراح	٩٥	سورة التين
٩٦	سورة العلق	٩٧	سورة القدر	٩٨	سورة البينة	٩٩	سورة الزلزال	١٠٠	سورة العاديات
١٠١	سورة القارعة	١٠٢	سورة التكاثر	١٠٣	سورة العصر	١٠٤	سورة الهمزة	١٠٥	سورة الفيل
١٠٦	سورة القريش	١٠٧	سورة الماعون	١٠٨	سورة الكوثر	١٠٩	سورة الكافرون	١١٠	سورة النصر
١١١	سورة اللهب	١١٢	سورة الإخلاص	١١٣	سورة الفلق	١١٤	سورة الناس		فهرست السور

سورة فاتحة الكتاب سبع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله رب العالمين ٢ الرحمن الرحيم ٣

ستایش مر خدای پروردگار جهانیان است خداوند بخشنده مهربان

مالك يوم الدين ٤ اياك نعبد و

پادشاه روز جزا ترا می‌پرستیم

اياك نستعين ٥ اهدنا الصراط

از تو یاری می‌طلبیم هدایت کن ما را براه

المستقيم صراط الذين انعمت عليهم

راست راه آنانیکه انعام کردی بر ایشان

غير المغضوب عليهم ولا الضالين ٧

نه غضب شده بر ایشان و نه گمراهان

انه لقرآن كريم في كتاب مكنون

سورة البقرة مائتان وست وثمانون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدًى

ستایش کتابیکه وعده داد خدا نیست شکی در آن راه نماینده

للمتقين ٢ الذين يؤمنون بالغيب و

است مر پرهیزگاران را آنانکه میگروند بغیب و

يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ٣

بر پا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند

والذين يؤمنون بما انزل اليك وما

و آنانکه میگروند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه

انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون ٤

فرو فرستاده شد پیش از تو و بآخرت ایشانند یقین دارندگان

لا يمسه الا المطهرون تنزيل من رب العالمين

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۵ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

آنها بر هدایت اند از پروردگار ایشان و آنها ایشانند رستگاران بدرستیکه آنانکه کافر شدند

سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۶ خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ

یکسانست برایشان خواه بیم داده باشی ایشان را و خواه بیم نداده باشی ایمان نمی آرند مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان

وَعَلٰى سَمْعِهِمْ وَعَلٰٓى اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۷ وَمِنَ النَّاسِ

و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پرده ایست و مرایشان راست عذاب بزرگ و از مردم

مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ ۸ يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ

کسانیکه میگویند گرویدیم بخدا و بروز آخرت و نیستند آنها گروندگان فریب میدهند خدا

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَمَا يَخْدَعُوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ۹ فِيْ قُلُوْبِهِمْ

و آنانکه گرویدند فریب نمیدهند مگر خودشان را و نمیدانند در دلهای ایشان

مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ بِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ۱۰

مرضی است پس افزود ایشان را خدا مرض و از برای ایشانست عذاب پردرد بسبب بودنشان که دروغ میگفتند

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوْا فِى الْاَرْضِ قَالُوْٓا اِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُوْنَ ۱۱ اَلَآ اِنَّهُمْ

و چون گفته شود مر ایشان را که فساد مکنید در زمین گویند جز این نیست که ما اصلاح آورندگانیم آگاه باشید

هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ۱۲ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا كَمَآ اٰمَنَ النَّاسُ

بدرستیکه ایشانند فساد کنندگان ولیکن نمیدانند و چون گفته شود مر ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند

قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ كَمَآ اٰمَنَ السُّفَهَآءُ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَآءُ وَلٰكِنْ لَّا يَعْلَمُوْنَ ۱۳

مردمان گفتند آیا ایمان آوریم چنانکه ایمان آوردند بیخردان آگاه باشید که ایشانند بیخردان ولیکن نمیدانند

وَاِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَوْا اِلٰى شَيٰطِيْنِهِمْ قَالُوْٓا اِنَّا

و چون ملاقات کنند کسانی را که ایمان آوردند گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند با شیطانهای ایشان گویند که ما

مَعَكُمْ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ ۱۴ اَللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِيْ طُغْيَانِهِمْ

با شمائیم جز این نیست که ما استهزا کنندگانیم خدا استهزا میکند با ایشان و وا میگذارد ایشان را در زیادتی

يَعْمَهُوْنَ ۱۵ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى فَمَا رَبِحَتْ

رو ایشان که حیران باشند آنها کسانیند که خریدند گمراهی را بهدایت پس سود نکرد

تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ ۱۶ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِى اسْتَوْقَدَ نَارًا

تجارت ایشان و نبودند راه یافتگان مثل ایشان مانند کسی است که برافروخت آتش را

فَلَمَّآ اَضَآءَتْ مَا حَوْلَهٗ ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِيْ ظُلُمٰتٍ لَّا

پس چون روشن کرد آنچه پیرامنش بود برد خدا روشنائی ایشان را و بگذاشت ایشان را در تاریکیها که نه

يُبْصِرُوْنَ ۱۷ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ۱۸ اَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ

می بینند کرانند گنگانند کورانند پس ایشان برنمیگردند یا چون بارانی ریزان از آسمان

فِيْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّبَرْقٌ يَجْعَلُوْنَ اَصَابِعَهُمْ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ

که در آنست تاریکیها و رعد و برق میکردانند انگشتان را در گوشهای ایشان از نهیب صاعقه ها

[Margin notes:]

دیگر آورده اند که هر کس بخواند سوره بقره را ثواب ... او بوده باشد و ثواب ... که در راه خدا شهید شده باشد والسلام

و از لطایف ...

آمده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده ...

... بزعفران بنویسد و آنرا از آب چاهی که شیرین شده بشوید

... آن آب چاه بخورد و در روزه ... روز پنجشنبه روزه بدارد ... کند حفظ او زیاده شود

حذر الموت والله محيط بالكافرين ١٩ يكاد البرق يخطف ابصارهم كلما
از بیم مرگ و خدا احاطه کننده است کافران را نزدیک باشد که برق برباید چشمهای ایشان را هرگاه
اضاء لهم مشوا فيه واذا اظلم عليهم قاموا ولو شاء الله لذهب بسمعهم
روشن کند برای ایشان روند در آن و چون تاریک کند بر ایشان بایستند و اگر خواستی خدا هر آینه ببردی شنوایی ایشان را
وابصارهم ان الله على كل شيء قدير ٢٠ يا ايها الناس اعبدوا ربكم
و بینایی ایشان را هر آینه خدا بر هر چیز توانا است ای مردمان بپرستید پروردگار خود را
الذي خلقكم والذين من قبلكم لعلكم تتقون ٢١ الذي جعل لكم
که آفرید شما را و آنان را که بودند پیش از شما باشد که شما پرهیزگار شوید آنکه گردانید برای شما
الارض فراشا والسماء بناء وانزل من السماء ماء فاخرج به من
زمین را بساطی و آسمان را بنایی و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بسبب آن از
الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون ٢٢ وان كنتم
میوه ها روزی برای شما پس مگردانید برای خدا همتایان و شما میدانید و اگر بوده باشید
في ريب مما نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم
در شک از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود پس بیارید سوره ای مانند آن و بخوانید حاضران خود را
من دون الله ان كنتم صادقين ٢٣ فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا
از جز خدا اگر هستید راستگویان پس اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد پس بترسید
النار التي وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرين ٢٤ وبشر الذين
از آن آتش که آتش انگیز آن مردمان و سنگها آماده شد برای کافران و مژده ده آنان را که
امنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار كلما
گرویدند و کردند کارهای شایسته هر آینه ایشان راست بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها هرگاه
رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل واتوا به متشابها
که روزی داده شوند از آنها از میوه روزی گویند این آنست که روزی داده شدیم از پیش و بیارند آنرا مانند یکدیگر
ولهم فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون ٢٥ ان الله لا يستحيي
و مر ایشان راست در آن زنان پاکیزه و ایشان همیشه در آن باشند هر آینه خدا شرم نکند
ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها فاما الذين امنوا فيعلمون انه الحق
آنکه بزند داستانی که باشد پشه پس آنچه برتر از آنست پس اما آنان که گرویدند پس میدانند که آن راست است
من ربهم واما الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا
از پروردگار ایشان و اما آنانکه کافر شدند پس میگویند چه چیز خواسته خدا باین داستان را
يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به الا الفاسقين ٢٦ الذين
گمراه کند بآن بسیاری را و راه نماید بآن بسیاری را و گمراه نکند بآن مگر بدکاران را آنانکه
ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل
میشکنند پیمان خدا را از بعد پیمان بستن و میبرند آنچه امر کرد خدا بآن که پیوسته

مثلاً ما بعوضة ما را وصل نباید کرد به بعوضة بلکه بمثلاً وصل باید کرد

ويفسدون

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٢٧ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ
و فساد میکنند در زمین آنها ایشانند زیانکاران چگونه کافر میشوید بخدا و حال آنکه بودید

أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٨ هُوَ الَّذِي
مرده پس زنده کرد شمارا پس میراند شمارا پس زنده میکند شمارا پس بسوی او برمیگردید او ست آنکه

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
آفرید برای شما آنچه در زمینست همه پس استوی شد بسوی آسمان پس راست کرد هفت آسمان را

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٢٩ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
و او بهر چیز داناست و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستیکه پدید آورنده ام در زمین خلیفه

قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ
گفتند آیا میگردانی در زمین کسی را که فساد کند در آن و بریزد خونها را و ما پاکی میگوییم بستایش تو و

نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٣٠ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ
تنزیه میکنیم مر ترا گفت بدرستیکه من داناترم آنچه را نمیدانید و آموخت آدم را نامها همه آنرا پس

عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٣١
عرض کرد آنها را بر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این مسمیات اگر هستید راستگویان

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ٣٢
گفتند پاکی تو نیست دانشی مارا مگر آنچه آموختی بدرستیکه توئی دانای درست کار

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي
گفت ای آدم خبر ده ایشانرا بنامهای ایشان پس چون آگاه گردانید ایشانرا بنامهای ایشان گفت آیا نگفتم برای شما بدرستیکه من

أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ٣٣
داناترم نهانی آسمانها و زمین را و داناترم آنچه آشکار میکنید و آنچه شما پنهان کنید

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ
و چون گفتیم مر فرشتگانرا سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان که ابا کرد و سرکشی کرد

وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ٣٤ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا
و بود از کافران و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و زنت در بهشت و بخورید

مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ٣٥
از آن تمام هرچه که خواهید و نزدیک نشوید این درخت را پس باشید از ستمکاران

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ
پس فریفت آنها را شیطان از آن درخت پس بیرون کرد آنها را از آنچه بودند در آن و گفتیم فرود آیید برخی شما

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ٣٦ فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ
مر برخی را دشمن و مر شمار است در زمین آرامگاه و برخورداری تا وقت پس رسید آدم را از

رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٣٧ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا
پروردگارش کلمات پس پذیرفت براو بدرستیکه اوست توبه پذیر مهربان گفتیم فرود آیید از آن

جَمِيعًا فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِنِّىْ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
همه پس اما اگر آید شما را از من هدایتی پس کسی که پیروی کرد هدایت مرا پس نیست ترسی بر ایشان و نه
هُمْ يَحْزَنُوْنَ ٣٨ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ
ایشان اندوهناک شوند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند نشانهای ما را آنها یاران آتش اند ایشان
فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ٣٩ يٰبَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِىَ الَّتِىْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ
در آن همیشه اند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و
اَوْفُوْا بِعَهْدِىْٓ اُوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَاِيَّاىَ فَارْهَبُوْنِ ٤٠ وَاٰمِنُوْا بِمَآ اَنْزَلْتُ
وفا کنید بعهدم تا وفا کنم بعهد شما و از من پس بترسید و بگروید بآنچه فرو فرستادم
مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُوْنُوْٓا اَوَّلَ كَافِرٍۢ بِهٖ وَلَا تَشْتَرُوْا بِاٰيٰتِىْ ثَمَنًا
تصدیق کننده بدانچه با شماست و نباشید اول کافر آن و مخرید بآیت مرا بهای
قَلِيْلًا وَّاِيَّاىَ فَاتَّقُوْنِ ٤١ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ
اندک و از من پس پرهیز کنید و نپوشید حق را بباطل و پنهان کنید حق را
وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ٤٢ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ
و شما میدانید و بپا دارید نماز را و بدهید زکات را و رکوع کنید با
الرّٰكِعِيْنَ ٤٣ اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ
رکوع کنندگان آیا امر میکنید مردم را بنیکی و فراموش میسازید خود را و شما میخوانید
الْكِتٰبَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ٤٤ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ
کتاب را پس آیا در نمی یابید بعقل و یاری جوئید بصبر و نماز و بدرستیکه آن هر آینه
اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ ٤٥ الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ
بزرگ است مگر بر صاحب تضرع آنانکه گمان کنند که ایشان ملاقات کننده پروردگار خود اند و ایشان بسوی
رٰجِعُوْنَ ٤٦ يٰبَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِىَ الَّتِىْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّىْ
او برمیگردند ای پسران یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستیکه
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ٤٧ وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِىْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْئًا وَّ
من افزونی دادم شما را بر جهانیان و بپرهیزید روزی را که جزا داده نشود یعنی بدل از نفسی چیزی را
لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ٤٨ وَ
و قبول کرده نشود از او شفاعتی و گرفته نشود از آن عوضی و نه ایشان یاری کرده شوند و
اِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُوْنَ
چون رها نیدیم شما را از آل فرعون که شکنجه میکردند شما را بد شکنجه میکشتند
اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ وَفِىْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ٤٩ وَاِذْ فَرَقْنَا
پسران شما را و زنده میگذاشتند زنان شما را و در این مر شما را ابتلا سبب از پروردگار شما بزرگ و چون جدا کردیم
بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنٰكُمْ وَاَغْرَقْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ٥٠ وَاِذْ
برای شما دریا را پس نجات دادیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و شما نگاه میکردید و چون

ربع

ولقد علمتم ... یا بنی اسرائیل اذکروا الی قوله تعلمون ... از جامه ... نوشیده ... جماعت ... از ایشان زنی ... واقع شده باشد
١٢

اتأمرون الناس بالبر ... نزول آیه در شان علمای یهود است که یهودان که مسلمان گرفته بودند ایشان را ... که بر رسالت محمد و دین او ثابت باشید ... ایمان نمی آوردند با وجودیکه اوصاف ... محمد را در توریت خوانده بودند
١٤

وٰعَدْنَا مُوْسٰى اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ۵۱

وعده دادیم موسی را چهل شب پس گرفتید گوساله را از بعد وی و شما ستمکار اید

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۵۲ وَاِذْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى

پس عفو کردیم از شما از بعد آن تا شاید شما شکر کنید و چون دادیم موسی را

الْكِتٰبَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ۵۳ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ

کتاب و فرقان تا شاید شما راه یابید و چون گفت موسی مر قوم خود را ای قوم

اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوْبُوْٓا اِلٰى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ

بدرستیکه شما ستم کردید بر خود از سبب گرفتن شما گوساله را پس باز گردید بسوی پروردگار پس بکشید خود را

ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ۵۴

این بهتر است برای شما نزد پروردگار پس توبه پذیرفت بر شما بدرستیکه او توبه پذیر مهربان است

وَاِذْ قُلْتُمْ يٰمُوْسٰى لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ

و چون گفتید ای موسی هرگز ایمان نیاریم ترا تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شما را صاعقه

وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ۵۵ ثُمَّ بَعَثْنٰكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۵۶

و شما می‌نگریستید پس برانگیختیم شما را از بعد مردن تا شاید شما شکر کنید

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ

و سایبان کردیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم بر شما من و سلوی را بخورید از پاکیزه‌ها

مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۵۷ وَاِذْ قُلْنَا

آنچه روزی دادیم شما را و ستم نکردند ما را و لیکن بودند که بر جانهای خود ستم کردند و چون گفتیم

ادْخُلُوْا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوْا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَّادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

در آیید این ده را پس بخورید از آن هرجا که خواهید تمام و در آیید در را سجده کنان

وَّقُوْلُوْا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطٰيٰكُمْ وَسَنَزِيْدُ الْمُحْسِنِيْنَ ۵۸ فَبَدَّلَ الَّذِيْنَ

و گویید حطه بیامرزیم برای شما گناهان شما را و زود افزاییم نیکوکاران را پس بدل کردند آنانکه

ظَلَمُوْا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِيْ قِيْلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ

ستم کردند سخنی را بجز آنکه گفته شد بر ایشان پس فرو فرستادیم بر آنانکه ستم کردند عذاب از آسمان

بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ۵۹ وَاِذِ اسْتَسْقٰى مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِّ

بسبب آنچه بودند که فسق میکردند و چون آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن

عَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ

بعصای خود سنگ را پس جاری شد از آن دوازده چشمه بتحقیق دانستند همه مردم آبخور خود را

كُلُوْا وَاشْرَبُوْا مِنْ رِّزْقِ اللّٰهِ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ۶۰ وَاِذْ قُلْتُمْ

بخورید و بیاشامید از روزی خدا و تباهی مکنید در زمین فساد کنندگان و چون گفتید

يٰمُوْسٰى لَنْ نَّصْبِرَ عَلٰى طَعَامٍ وَّاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْۢبِتُ

ای موسی هرگز صبر نکنیم بر طعام یک پس بخوان برای ما پروردگار خود را تا بیرون آرد برای ما از آنچه میرویاند

قوله تعالی ... باتخاذکم العجل ... قوله تعالی واذ استسقی موسی ... ان شاء الله تعالی

الارض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها وبصلها قال اتستبدلون
زمین از سبزیش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش گفت آیا بدل میکنید

الذی هو ادنی بالذی هو خیر اهبطوا مصرا فان لکم ما سألتم وضربت
آنچه او فروتر است بآنچه او بهتر است فرود آئید در شهری پس بدرستیکه برای شماست آنچه خواستید و زده شد

علیهم الذلة والمسکنة وباءو بغضب من الله ذلک بانهم کانوا
بر آنها خواری و بیچارگی و برگشتند بغضبی از خدا این بسبب آنست که بودند

یکفرون بایات الله ویقتلون النبیین بغیر الحق ذلک بما عصوا وکانوا
کافر شدند بآیات خدا و میکشتند پیغمبران را ناحق این بسبب آنچه نافرمانی کردند و بودند

یعتدون ۱ع ان الذین امنوا والذین هادوا والنصاری والصابئین
که تجاوز میکردند بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و ترسایان و ستاره پرستان

من امن بالله والیوم الاخر وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا
هرکه گروید بخدا و روز آخرت و کردار شایسته کرد پس مر ایشانراست مزدشان نزد پروردگارشان

خوف علیهم ولا هم یحزنون ۲ع واذ اخذنا میثاقکم ورفعنا فوقکم
و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و چون گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما

الطور خذوا ما اتیناکم بقوة واذکروا ما فیه لعلکم تتقون ۳ع
طور را فرو گیرید آنچه دادیم شما را بتوانائی و یاد کنید آنچه در آنست تا باشد که شما بپرهیزید

ثم تولیتم من بعد ذلک فلولا فضل الله علیکم ورحمته لکنتم من
پس برگشتید از بعد این پس اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او هر آینه بودید از

الخاسرین ۴ع ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم
زیانکاران و هر آینه بتحقیق دانستید آنانکه تعدی کردند از شما در شنبه پس گفتیم مر ایشانرا

کونوا قردة خاسئین ۵ع فجعلناها نکالا لما بین یدیها وما خلفها
که بشوید بوزینه رانده شده پس گردانیدیم آنرا عبرتی برای آنانکه میان دستش و آنچه پس باشد

وموعظة للمتقین ۶ع واذ قال موسی لقومه ان الله یأمرکم ان
و موعظه مر پرهیزگاران را و چون گفت موسی مر قومش را بدرستیکه خدا امر میکند شما را

تذبحوا بقرة قالوا اتتخذنا هزوا قال اعوذ بالله ان اکون من الجاهلین ۷ع
آنکه بکشید گاوی را گفتند آیا میگیری ما را باستهزا گفت پناه میبرم بخدا که باشم از نادانان

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی قال انه یقول انها بقرة لا فارض ولا
گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما چیست آنچه او میگوید آن گاویست نه پیر و نه

بکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون ۸ع قالوا ادع لنا ربک یبین لنا
جوان متوسط میان این پس بکنید آنچه مأمور میشوید گفتند بخوان برای ما پروردگارت را تا بیان کند برای ما

ما لونها قال انه یقول انها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرین ۹ع
رنگ آن گفت بدرستیکه او میگوید بدرستیکه آن گاویست زرد خالص که رنگ آن مسرور میسازد بینندگان را

قثائها بتشدید ثاء

قوله تعالی و اذ استسقی موسی لقومه الی و لا تعثوا فی الارض مفسدین ... در صفحه از سفال سبزی نوشته و آب باران ... و آن آب از ... کرده خواب بوده ... بیدار نشوند ... باشند در خواب ... خبردار نشوند

قوله تعالی قالوا ادع لنا ربک الی و انا ان شاء الله لمهتدون چون کسی ... خبری از خزیداری نماید ... در آن نقصان نشود ... و عیسی باشد در وقت ... بگوید ما بحیل ... ذلیل ... بجمع ... گفته ... از آن ... خواندند آنوقت ... شود مطلوب حاصل گردد.

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي ان البقر تشابه علينا وانا ان شاء الله

گفتند بخوان برای ما پروردگار تراتا بیان کند برای ما که چیست آن بدرستیکه گاو مشتبه است بر ما و بدرستیکه ما اگر خواهد

لمهتدون ٧٠ قال انه يقول انها بقرة لا ذلول تثير الارض ولا تسقي

خدا هر آینه از راه یافت شدگانیم گفت بدرستیکه او میگوید که آن گاویست آرام که شیار کند زمین را و نه آب دهد

الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا الآن جئت بالحق فذبحوها وما كادوا

کشت را بی عیب که نباشد رنگ دران گفتند الحال آوردی براستی پس کشتند آنرا و نبود نزدیک

يفعلون ٧١ واذ قتلتم نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم

که بجا آرند و چون کشتید نفسی را پس مرافعه کردید در آن و خدا بیرون آورنده بود آنچه بودید

تكتمون ٧٢ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته

پنهان میکردید پس گفتیم بزنید او را بپاره آن گاو همچنان زنده میکند خدا مردگان را و مینماید شما را آیتهای خود

لعلكم تعقلون ٧٣ ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد

تا شاید شما دریابید بعقل پس سخت شد دلهای شما از بعد این پس آنها بودند چون سنگها یا سخت تر

قسوة وان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج

در شدت و بدرستیکه از سنگها هر آینه آنچه جاری میشود از آن نهرها و بدرستیکه از آن هر آینه آنچه شکافته میشود پس

منه الماء وان منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما

بیرون میآید از آن آب و بدرستیکه از آن هر آینه فرود میآید از ترس خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه

تعملون ٧٤ افتطمعون ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم يسمعون

میکنید آیا پس طمع دارید که بگروند برای شما و بتحقیق بودند پاره از ایشان که میشنیدند

كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه وهم يعلمون ٧٥ واذا لقوا الذين

کلام خدا را پس تغییر میدادند از بعد آنچه دریافته بودند آنرا و ایشان میدانستند و چون ملاقات کردند

آمنوا قالوا آمنا واذا خلا بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله

آنانکه گرویدند گفتند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند بعض ایشان بسوی بعضی گفتند آیا خبر میدهید ایشانرا بآنچه گشاد خدا

عليكم ليحاجوكم به عند ربكم افلا تعقلون ٧٦ اولا يعلمون ان الله

بر شما تا حجت آورند شما را بآن نزد پروردگار شما آیا پس در نمی یابید آیا و نمیدانند که خدا

يعلم ما يسرون وما يعلنون ٧٧ ومنهم اميون لا يعلمون الكتاب الا اماني

میداند آنچه پنهان میدارند و آنچه آشکار میکنند و از آنها بیسوادانند که نمیدانند کتاب را مگر آرزوها

وان هم الا يظنون ٧٨ فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم ثم يقولون

و نیستند ایشان مگر گمان میبرند پس وای آنانرا که مینویسند کتاب را بدستهاشان پس میگویند

هذا من عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم و

این از نزد خداست تا بخرند بآن بهای اندک را پس وای مر ایشانرا از آنچه نوشت دستهاشان و

ويل لهم مما يكسبون ٧٩ وقالوا لن تمسنا النار الا اياما معدودة

وای برای ایشان از آنچه کسب مینمایند و گفتند هرگز نمیرسد ما را آتش مگر روزهای شمرده شده

قُلْ اَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللّٰهِ عَهْدًا فَلَنْ يُّخْلِفَ اللّٰهُ عَهْدَهٗٓ اَمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ

بگو آیا گرفتید نزد خدا پیمان را پس هرگز خلاف نکند خدا پیمانش را اما میگوئید بر خدا

مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۸۰ بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِيْٓـئَتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ

آنچه نمیدانید آری آنکه کسب کند بدی را و احاطه کند با آن گناهش پس آنها یند

اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۸۱ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

یاران آتش آنها در آن همیشه اند و آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته

اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۸۲ وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِيْٓ

آنها یند اهل بهشت ایشان در آن همیشه اند و چون گرفتیم پیمان را از پسران

اِسْرَآئِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِي الْقُرْبٰى وَ

یعقوب که نپرستید مگر خدا را و به پدر و مادر نیکی کنید و صاحب قرابت و

الْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ

یتیمان و بیچارگان و بگوئید برای مردم خوب را و بپا دارید نماز را و بدهید زکات را

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ۸۳ وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ

پس برگشتید مگر اندکی از شما و شما رو برگردانید گانید و چون گرفتیم پیمان از شما

لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُوْنَ اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ

که مریزید خونهای خود را و بیرون مکنید خودهاتان را از خانهاتان پس

اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ۸۴ ثُمَّ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَ

اقرار کردید و شما گواهی میدهید پس شما آنهایید که میکشید خودها را و

تُخْرِجُوْنَ فَرِيْقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظٰهَرُوْنَ عَلَيْهِمْ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

و بیرون میکنید پاره را از شما از خانهاشان از هم پشت میشوید بر ایشان بگناه و بیداد

وَاِنْ يَّاْتُوْكُمْ اُسٰرٰى تُفٰدُوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ اَفَتُؤْمِنُوْنَ

و اگر آورند پیش شما اسیران فدیه میدهید آنها را و او حرام است بر شما اخراج ایشان آیا پس میگروید

بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَآءُ مَنْ يَّفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا

ببعض کتاب و کافر میشوید ببعضی پس چیست پاداش آنکه میکند این را از شما مگر

خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلٰٓى اَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا

خواری در زندگی دنیا و روز رستخیز برگردانیده شوند بسوی سخت ترین شکنجه و نیست

اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ۸۵ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

خدا بیخبر از آنچه میکنید آنها آنانند که خریدند زندگی دنیا را

بِالْاٰخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۸۶ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا

بآخرت پس تخفیف داده نشود از ایشان شکنجه و نه ایشان یاری کرده شوند و هر آینه بتحقیق دادیم

مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ

موسی را کتاب و برابر هم فرستادیم از بعد او پیغمبران و دادیم عیسی پسر مریم را

قل اتخذتم بسکون لام و فتح همزه که از برای استفهام است نه همزه باب افتعال

و در کلی ثانیه البزز و اذ اخذنا میثاقکم الی قوله تعالی ... و چون گرفتیم ... داشته ... این آیت ... نازل شد ... ۱۲

الْبَیِّنٰتِ وَاَیَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى

حجتها و تایید کردیم او را بروح پاکی ایا پس هرگاه آمد شما را رسولی بآنچه نمیخواهد

اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِیْقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِیْقًا تَقْتُلُوْنَ ۸۷ وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا

تنهای شما سرکشی کردید پس پاره را تکذیب کردید و پاره را میکشتید و گفتند دلهای ما

غُلْفٌ بَلْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِیْلًا مَّا یُؤْمِنُوْنَ ۸۸ وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتٰبٌ

غلاف دار است بلکه لعن کرد ایشان را خدا بسبب کفرشان پس اندکی ایمان میآوردند و چون آمد ایشان را نامه

مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوْا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُوْنَ عَلَى الَّذِیْنَ كَفَرُوْا

از نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه را با ایشانست و بودند از پیش که طلب فتح میکردند بر آنانکه کافر شدند

فَلَمَّا جَآءَهُمْ مَّا عَرَفُوْا كَفَرُوْا بِهٖ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِیْنَ ۸۹ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا

پس چون آمد ایشان را آنچه شناخته بودند کافر شدند بآن پس لعنت خدای بر کافران بد است آنچه فروختند

بِهٖٓ اَنْفُسَهُمْ اَنْ یَّكْفُرُوْا بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بَغْیًا اَنْ یُّنَزِّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ عَلٰى مَنْ

بآن خودشان را که کافر شوند بآنچه فرو فرستاده خدا از راه حسد اینکه فرو میفرستد خدا از فضلش بر هر که

یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ فَبَآءُوْ بِغَضَبٍ عَلٰى غَضَبٍ وَلِلْكٰفِرِیْنَ عَذَابٌ مُّهِیْنٌ ۹۰

میخواهد از بندگانش پس باز گشت کردند بخشمی بر خشمی و برای کافرانست عذابی خوار کننده

وَاِذَا قِیْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا نُؤْمِنُ بِمَآ اُنْزِلَ عَلَیْنَا وَیَكْفُرُوْنَ

و چون گفته شد مر ایشان را که بگروید بآنچه فرو فرستاده خدا گویند میگرویم بآنچه فرستاده شد بر ما و کافر شوند

بِمَا وَرَآءَهٗ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُوْنَ اَنْۢبِیَآءَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلُ

بآنچه سوای آنست و آن حق است تصدیق کننده مر آنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتید پیغمبران را از پیش

اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ۹۱ وَلَقَدْ جَآءَكُمْ مُّوْسٰى بِالْبَیِّنٰتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْۢ

اگر هستید گروندگان و هر آینه بحقیقت آمد شما را موسی با حجتها پس گرفتید گوساله را از

بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ۹۲ وَاِذْ اَخَذْنَا مِیْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَ

بعد آن و شما بودید ستمکاران و هنگامیکه گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بر زبر شما طور را

خُذُوْا مَآ اٰتَیْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاسْمَعُوْا قَالُوْا سَمِعْنَا وَعَصَیْنَا وَاُشْرِبُوْا فِیْ

بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته کرده شد

قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا یَاْمُرُكُمْ بِهٖٓ اِیْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ۹۳

در دلهاشان دوستی گوساله بسبب کفرشان بگو بد است آنچه امر میکند شما را بآن ایمان شما اگر هستید گروندگان

قُلْ اِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا

بگو اگر باشد برای شما سرای آخرت نزد خدا خاصه از غیر مردمان پس آرزو کنید

الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۹۴ وَلَنْ یَّتَمَنَّوْهُ اَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِیْهِمْ وَاللّٰهُ

مرگ را اگر هستید راستگویان و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه پیش فرستاد دستهاشان و خدا

عَلِیْمٌۢ بِالظّٰلِمِیْنَ ۹۵ وَلَتَجِدَنَّهُمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَیٰوةٍ وَمِنَ الَّذِیْنَ اَشْرَكُوْا

داناست بستمکاران و هر آینه مییابی ایشان را حریص ترین مردمان بر زندگی و از آنانکه شرک آوردند

قوله تعالی ... [illegible]

يَوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُعَمَّرَ

دوست میدارد هر یک از ایشان که عمر داده شود هزار سال و نیست دور کننده او را از عذاب اینکه عمر داده شود

وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۹۶ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَاِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ

و خدا بیناست بآنچه میکنند   بگو هر کسی که باشد دشمن جبرئیل را پس بدرستیکه او فرود آورد آنرا بر دل تو

بِاِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ ۹۷ مَنْ كَانَ

بفرمان خدا تصدیق کننده مر آنچه را باشد پیش او و هدایت و مژده مر گروندگانرا   کسیکه باشد

عَدُوًّا لِلّٰهِ وَمَلٰئِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَاِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ۹۸

دشمن مر خدا و فرشتگان او و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل را پس بدرستیکه خدا دشمنست مر کافرانرا

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ اٰيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا اِلَّا الْفَاسِقُونَ ۹۹ اَوَكُلَّمَا

و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم بسوی تو آیتهای روشن و کافر نمیشوند بآنها مگر فاسقان آیا و هر گاه

عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۰۰ وَلَمَّا جَاءَهُمْ

پیمان بستند عهد را انداختند آنرا گروهی از ایشان بلکه بیشترینها نمیگروند   و چون آمد ایشانرا

رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ

رسولی از نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه را با ایشانست انداختند گروهی از آنانکه داده شدند کتاب

كِتَابَ اللّٰهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَاَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۰۱ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ

کتاب خدا پس پشتهاشان گویا ایشان نمیدانند   و پیروی کردند آنچه را میخواندند دیوان

عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ

بر ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان ولیکن شیاطین کافر شدند می آموختند

النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ

مردم را جادو و آنچه فرستاده شد بر دو فرشته ببابل هاروت و ماروت و نمی آموختند

مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُولَا اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ

از احدی تا آنکه میگفتند که جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشو پس می آموختند از آنها آنچه جدایی می افکندند بآن

بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُونَ

میان مرد و جفتش و نبودند ایشان ضرر رسانندگان بآن هیچ احدی را مگر بفرمان خدا و می آموختند

مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرٰاهُ مَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ

آنچه ضرر میرسانید ایشانرا و سود نمیکرد ایشانرا و بتحقیق دانستند اگر خرید آنرا نیست مر او را در آخرت هیچ بهره

وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۰۲ وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوا وَاتَّقَوْا

و هر آینه بد است آنچه فروختند بآن خودشانرا اگر بودند که میدانستند   و اگر آنکه ایشان گرویدند و پرهیزکاری کردند

لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۰۳ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَقُولُوا

هر آینه ثواب از نزد خدا بهتر بود اگر بودند که میدانستند   ای آنکه گرویدید مگویید

رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۱۰۴ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ

راعنا و بگویید انظرنا و بشنوید و مر کافرانرا عذابیست دردناک   دوست نمیدارند آنانکه

كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ اَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ

کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرو فرستاده شد بر شما هیچ خیری از پروردگار شما

وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ١٠٥ مَا نَنْسَخْ مِنْ

و خدا مختص میسازد برحمت خود هر که را میخواهد و خداست صاحب فضل بزرگ آنچه منسوخ کنیم از

اٰيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا اَوْ مِثْلِهَا اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

آیتی یا ترک کنیم از او بیاوریم بهتر از آن یا مانند آن آیا ندانستی که خدا بر همه چیز

قَدِيرٌ ١٠٦ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ

تواناست آیا ندانستی که خدا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست مر شما را از غیر

اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ اَمْ تُرِيدُونَ اَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ

خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده آیا میخواهید که سؤال کنید پیغمبر اتان را چنانکه سؤال کرده شد

مُوسٰى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْاِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ١٠٨

موسی از پیش و اگر بگزینند کفر را بایمان پس بتحقیق گمشته از میان راه

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ اِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ

دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کاشکی برگردانیدند از پس ایمانتان کافران از روی حسد از نزد

اَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ اِنَّ

خودهاشان از بعد آنکه ظاهر شد مر ایشان را حق پس عفو کنید و درگذرانید تا بیاورد خدا امر خود را

اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٩ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَمَا تُقَدِّمُوا

بدرستیکه خدا بر هر چیزی تواناست و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه پیش میفرستید

لِاَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٠ وَقَالُوا لَنْ

برای خودهاتان از خوبی می یابید او را نزد خدا بدرستیکه خدا بآنچه میکنید بیناست و گفتند داخل

يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا اَوْ نَصَارٰى تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ

نمیشود هرگز بهشت را مگر آنکه باشد از یهودان یا ترسایان اینست آرزوهاشان بگو بیاورید حجت خود را

اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١١١ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ

اگر هستید راستگویان آری اگر خالص کرد خویش را برای خدا و او نیکوکار است پس مر او راست مزد او

رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١١٢ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارٰى

نزد پروردگارش و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و گفتند یهودان نیستند ترسایان

عَلٰى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارٰى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلٰى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ

بر چیزی و گفتند ترسایان نیستند یهودان بر چیزی و آنها میخوانند کتاب را

كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

همچنین گفتند آنانکه نمیدانند مانند قول ایشان پس خدا حکم میکند میان ایشان روز رستخیز

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١١٣ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُذْكَرَ

در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آنکس که منع کرد مسجدهای خدا را که یاد کرده شود

وجه الله

وجه خداست یعنی صفت خدا را حقیقت آن ...
است که نه از تو جز بیان حضرت
حق این رحمت و دلالت هر
دین ابجاب است اشاره در وجود
آینه و نشسته را بر خوان
هم وجه الله است ...
یعنی آنکه روی قصد کنی
حق بند گیش بجز ری
وجه حق کان اوست مقیت او
باشد وین همه بر روی او کن بود
هیچ جای نکرد بستش
پس بود عین حق همه
عارف حق شناس باید
که هر سو که دیده بگشاید
بیند ... جمال حق پیدا
نکند از جمال حق قفا

فِيهَا اسْمُهُ وَسَعٰى فِي خَرَابِهَا اُولٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَدْخُلُوهَا اِلَّا خَائِفِينَ
در آنها نامش و کوشند در خرابی آنها آنان نباشد برای ایشان که داخل شوند مگر ترسناکان
لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۱۴ وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَ
مر ایشان راست در دنیا خواری و مر ایشان راست در آخرت عذاب بزرگ و مر خدا راست مشرق و
الْمَغْرِبُ فَاَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۱۱۵ وَقَالُوا اتَّخَذَ
مغرب پس هر کجا رو آرید پس آنجا روی خداست بدرستیکه خدا گشاینده داناست و گفتند فرا گرفت
اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۱۱۶ بَدِيعُ
خدا فرزند منزه است او بلکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمین است همه مر او را فرمان بردارانند بدید آرنده
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۱۷ وَقَالَ
آسمانها و زمین و چون اراده کند کاری را پس میگوید مر او را که بشو پس میشود و گفتند
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَأْتِينَا اٰيَةٌ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ
آنانکه نمیدانند چرا سخن نمیگوید خدا با ما یا نمی آورد ما را آیتی همچنین گفتند آنانکه از
قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۱۱۸
پیش ایشان مانند سخن ایشان شباهت داشته بهم دلهاشان بحقیقت بیان کردیم آیتها را برای جمعیکه یقین میکنند
اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۱۱۹ وَلَنْ
بدرستیکه ما فرستادیم ترا براستی بشارت دهنده و ترساننده و پرسیده نمیشوی از اهل دوزخ و نه
تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ
خوشنود شوند از تو هرگز یهودان و نه ترسایان تا اینکه پیروی کنی آیین ایشان را بگو بدرستیکه هدایت خدا
هُوَ الْهُدٰى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ
اوست هدایت و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را بعد از آنکه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا از
اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۲۰ اَلَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ
خدا هیچ دوست و نه یاری کننده آنانکه دادیمشان کتاب میخوانند آنرا حق خواندنش
اُولٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۲۱ يَا بَنِي
آنها ایمان دارند باو و هر که کافر شد باو پس آنها ایشانند زیانکاران ای بنی
اِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۲۲
اسرائیل یاد کنید نعمتم را که انعام کردم بر شما و بدرستیکه فزونی دادم شما را بر جهانیان
وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا
و بپرهیزید از روزیکه کفایت نکند تنی از تنی چیزی را و قبول نشود از آن فدائی و
تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۱۲۳ وَاِذِ ابْتَلٰى اِبْرٰهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ
سود ندهد او را شفاعتی و نه ایشان یاری کرده شوند و هنگامیکه آزمود ابراهیم را پروردگارش بسخنان
فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ
پس تمام کرد آنها را گفت من گرداننده توام برای مردمان امام گفت و از ذریه من گفت نمیرسد

یوماً لا تجزی
بفتح تا و کسرها

عَهْدِي الظَّالِمِينَ ١٢٤ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا
پیمان من ستمکاران را وهنگامیکه گردانیدیم خانه را جای بازگشتن برای مردم و امن و بگیرید

مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ
از مقام ابراهیم جایگاه نماز و پیمان بستیم با ابراهیم و اسمعیل اینکه پاک کنند خانه مرا

لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ١٢٥ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ
برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنان ساجدان وهنگامیکه گفت ابراهیم ای پروردگار بگردان

هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
این شهر را امن و روزی ده اهلش را از میوه‌ها هر که گرود از ایشان بخدا و روز آخرت

قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٢٦
گفت و هر که کافر شد پس برخوردار کنم او را اندکی پس ملجی سازم او را بعذاب آتش و بد بازگشتیست

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
و چون بلند کرد ابراهیم پایه‌ها را از خانه و اسمعیل پروردگارا بپذیر از ما بدرستیکه توئی شنونده

الْعَلِيمُ ١٢٧ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا
دانا پروردگارا و بگردان ما را دو منقاد برای خود و از فرزندان ما گروه منقاد مر ترا و بنما ما را

مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٢٨ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا
مناسک ما را و بپذیر بر ما بدرستیکه تو توبه پذیر مهربانی پروردگارا و برانگیز در آنها فرستاده

مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
از ایشان که بخواند بر ایشان آیات ترا و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک کند ایشانرا بدرستیکه توئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١٢٩ وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ
غالب درست کردار وکیست که برگردد از کیش ابراهیم مگر آنکه خوار کرده باشد خودش را و

لَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ١٣٠ إِذْ قَالَ لَهُ
بتحقیق برگزیدیم او را در دنیا و بدرستیکه او در آخرت از شایستگانست چون گفت مر او را

رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ١٣١ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ
پروردگارش گردن بنه گفت فرمان بردم مر پروردگار جهانیان را و وصیت کرد بدان ابراهیم پسرانش و یعقوب

يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ١٣٢ أَمْ كُنْتُمْ
ای پسران من بدرستیکه خدا برگزید برای شما دین پس نمیرید البته مگر آنکه باشید مسلمانان آیا بودید

شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا
گواهان چون رسید یعقوب را مرگ هنگامیکه گفت مر پسرانش را چه میپرستید از بعد من گفتند

نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
میپرستیم خدای ترا و خدای پدران تو ابراهیم و اسمعیل و اسحق خدائی یگانه و ما مر او را

مُسْلِمُونَ ١٣٣ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ
منقادانیم آنها گروهی هستند که گذشتند مر ایشان راست آنچه کسب کردند و برای شما آنچه کسب کردید و پرسیده نشوید

قوله تعالی واذ جعلنا البیت ... این آیت دلالت ... سوره البقره ... منسوب او ... ساخته ... گرده

اضطرّه: یعنی هم ضطرّه و ضمه را صیغه متکلم وحده است از مضارع

قوله تعالی واذ یرفع ابراهیم القواعد ... الی السمیع العلیم ...

١٢

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٣٤ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ

از آنچه بودند که میکردند و گفتند باشید یهودان یا ترسایان تا راه یابید بگو بلکه کیش

إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٣٥ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا

ابراهیم است حق گرای و نبود از شرک آرندگان بگویید گرویدیم بخدا و آنچه فرستاده شد بسوی ما

وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ

و آنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه داده شد

مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ

بموسی و عیسی و آنچه داده شد پیغمبران از پروردگار ایشان جدائی نمیکنیم میان یکی از ایشان و ما

لَهُ مُسْلِمُونَ ١٣٦ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا

مر او را گردن نهندگان پس اگر گروید مانند آنچه ایمان آوردید بآن پس بتحقیق هدایت یافتند و اگر روگردانند

هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١٣٧ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ

پس جز این نیست که ایشان در مخالفتند پس زود باز دارد ایشان را از تو خدا و او شنونده داناست رنگ کرد خداست

أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ١٣٨ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ

بهتر از خدا در رنگ و ما او را پرستندگانیم بگو آیا دشمنی میکنید با ما در خدا و او است

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ١٣٩ أَمْ

پروردگار ما و شما و برای ماست کردار ما و برای شماست کردار شما و ما ایم مر او را مخلصان آیا

تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا

میگوئید بدرستیکه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و سبطها بودند یهود

أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ

یا ترسایان بگو آیا شما داناترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه پنهان کرد گواهی نزد او از خدا

مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٤٠ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ

و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید ایشان امتی هستند بتحقیق که درگذشتند مر ایشان راست آنچه کسب کردند

وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٤١ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ

و پرسیده نشوید از آنچه بودند که میکردند زود باشد که بگویند بیخردان از مردمان کردانید ایشان را

عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ

از قبله ایشان که بودند بر آن بگو مر خدا راست مشرق و مغرب راه مینماید هر که را خواهد بسوی

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٤٢ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

راه راست و همچنین گردانیدیم شما را امتی میانه تا بوده باشید گواهان بر مردم

وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ

و بوده باشد فرستاده بر شما گواه و نگردانیدیم آن قبله را که بودی بر آن مگر که بدانیم

مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى

کسی را که پیروی کند رسول را از آنکه برگردد بر پشت پاشنه خویش و اگر بوده باشد هر آینه بزرگ مگر بر

الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ

آنانکه هدایت کرد خدا و نیست خدا ضایع کند ایمان شما را بدرستیکه خدا بمردمان هر آینه رؤف

رَحِيمٌ ١٤٣ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا

مهربانست بتحقیق می بینیم گردیدن روی ترا در آسمان پس هر آینه رو گردانیدیم ترا البته قبله که خوش آید ترا

فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ

پس بگردان روی ترا بجانب مسجد الحرام و هر جا که بوده باشید پس بگردانید روی خود را بجانب او

وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ

و بدرستیکه آنانکه داده شدند کتاب را هر آینه میدانند که او حق است از پروردگار ایشان و نیست خدا بیخبر

عَمَّا يَعْمَلُونَ ١٤٤ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا

از آنچه میکنند و هرگاه بیاری تو آنانرا که داده شدند کتاب را بهمه آیتی نشوند پیرو

قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ

قبله ترا و نیستی تو پیرو قبله ایشان و نیستند بعض ایشان که پیرو باشند قبله بعضی را و اگر پیروی کنی

أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ١٤٥ الَّذِينَ

خواهشهای ایشان را از بعد آنچه آمد ترا از دانش بدرستیکه تو در این هنگام از ستمکارانی آنانکه

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ

دادیم ایشان را کتاب میشناسند او را چنانکه میشناسند پسران را و بدرستیکه پاره از ایشان هر آینه میپوشند

الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ١٤٦ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ١٤٧

حق را و آنها میدانند راستی از پروردگار تست پس مباش البته از شک کنندگان

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّٰهُ

و برای هر یک جائیست که او رو آورنده آنست پس پیشی گیرید خیرات را هر جا که بوده باشید میآورد شما را

جَمِيعًا إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٤٨ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ

همه را بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست و از جائیکه بیرون رفتی پس بگردان روی ترا

شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٤٩

جانب مسجد الحرام و بدرستیکه او هر آینه حق است از پروردگارت و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ

و از هر جا که بیرون رفتی پس بگردان روی را بجانب مسجد الحرام و هر جا که باشید

فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ

پس بگردانید روهای تانرا بجانبش تا نباشد برای مردم بر شما برهانی مگر آنانکه

ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ

ستم کردند از ایشان پس مترسید از آنها و بترسید مرا و تا تمام کنم نعمتم را بر شما و شاید شما

تَهْتَدُونَ ١٥٠ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا

راه یابید چنانکه فرستادیم در شما پیغمبری از شما که بخواند بر شما آیات ما را

ولکل وجهة الی شیء
این آیت بر قطعه کاغذ نوشته و این قطعه را
بسبب آنکه کنند
... از انجا چیزی
باشند ...
... باشد آن ...
و ...
انشاء الله
١٢

وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ١٥١

و پاک کند شما را و بیاموزد شما را کتاب و حکمت و بیاموزد شما را آنچه را که نبودید که بدانید

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ١٥٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و شکر کنید مرا و ناسپاسی مکنید ای آنانکه گرویدید

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ١٥٣ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ

یاری جویید بصبر و نماز بدرستیکه خدا با صبر کنندگانست و مگویید مر آنکه

يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ١٥٤ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

کشته شود در راه خدا مردگانند بلکه زندگانند ولیکن نمیدانید و هر آینه میازماییم

بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

بچیزی از ترس و گرسنگی و کمی از مالها و نفسها و میوه‌ها و مژده ده

الصَّابِرِينَ ١٥٥ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ١٥٦

صبر کنندگان را آنانکه چون رسد ایشان را مصیبتی گویند که ما از خداییم و ما بسوی او باز گشت کننده‌ایم

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ١٥٧

آنها بر ایشانست رحمتها از پروردگار ایشان و رحمت و آنها ایشانند راه یافتگان

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ

بدرستیکه صفا و مروه از نشانه‌های خداست پس کسی که قصد کرد خانه را یا عمره کرد پس نیست باکی

عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ١٥٨

براو اینکه دور بزند بآن دو و کسی که رغبت کند نیکی را پس بدرستیکه خدا شکر کننده داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا

بدرستیکه آنانکه پنهان میدارند آنچه فرو فرستادیم از معجزات و هدایت از بعد آنچه

بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ١٥٩

بیان کردیم آنرا برای مردم در کتاب آنها لعن میکند ایشانرا خدا و لعن میکنند ایشانرا لعن کنندگان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ

مگر آنانکه توبه کردند و بسامان آوردند و بیان کردند پس آنها را توبه میپذیرم بر ایشان و منم توبه پذیر

الرَّحِيمُ ١٦٠ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ

مهربان بدرستیکه آنانکه کافر شدند و مردند و آنها کافر بودند آنها بند که بر ایشانست لعنت

اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٦١ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ

خدا و فرشتگان و مردم همه جاویدانند در آن و سبک نشود از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ١٦٢ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا

شکنجه و نه آنها مهلت داده شدگانند و خدای شما خداییست یگانه و نیست خدایی مگر

هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ١٦٣ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ

او بخشنده مهربان بدرستیکه در آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف

قوله تعالی والهکم اله واحد الی الرحیم این آیت را ... در بیرج ... باشد انگشتر ... نقش کند و با خود ... هیچ کس را ... از دست ... و از ... که باری ... نخواهد رسید باذن الله تعالی ١٢

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
شب و روز و کشتی که میرود در دریا بآنچه سود دهد مردم را و آنچه فرو فرستاد
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ
از آسمان از آب پس زنده کرد بآن زمین را پس از مردنش و پراکنده کرد در آن از همه
دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ
جنبنده و گردانیدن بادها و ابر مسخر میانه آسمان و زمین هر آینه نشانهاست
لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٦٤ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ
مر گروهی را که درمی‌یابند و از مردم آنکه فرا گیرد از غیر خدا همتایانی دوست دارد
كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ
مانند دوست داشتن خدا و آنانکه گرویدند سخت دوستی برای خدا و اگر ببینند آنانکه ستم کردند چون ببینند
الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ١٦٥ إِذْ تَبَرَّأَ
شکنجه را بدرستیکه قوت برای خداست همه و بدرستیکه خدا سخت شکنجه است و هنگامیکه بیزاری جستند
الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ١٦٦
آنانکه پیروی شدند از آنانکه پیرو شدند و دیدند شکنجه را و بریده شود با ایشان سببها
وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ
و گفتند آنانکه پیرو شدند کاش بود برای ما بازگشتی پس بیزاری جستیم از ایشان چنانکه بیزاری جستند از ما همچنین
يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ١٦٧
بنماید ایشان را خدا کردارشان را حسرتها برایشان و نیستند ایشان بیرون روندگان از آتش
يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ
ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه و پیروی نکنید گامهای
الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ١٦٨ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ
شیطان را بدرستیکه او مر شما را دشمن آشکار جز این نیست امر میکند شما را به بدی
وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ١٦٩ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
و زشتی و اینکه گوئید بر خدا آنچه که نمیدانید و چون گفته شود مر ایشان را
اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ
که پیروی کنید آنچه را فرو فرستاده خدا گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدرانمان را اگرچه باشند
آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ١٧٠ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
پدرانشان نمی‌فهمند چیزی را و نه راه یابند و مثل آنانکه کافر شدند
كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ
مانند مثل آنکست که بانگ زند بآنچه نمیشنود مگر خواندن و ندائی کرانند گنگانند کورانند پس آنها
لَا يَعْقِلُونَ ١٧١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
درنمی‌یابند ای آنانکه گرویدید بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را

يعقلون
خسرو ... [illegible] ... موجودات ... گفته ... ایم که ... این به معبودان ... ساخت و محمد بگوید ... اگر بدین ... راستی او ... این آیه مذکوره نازل کردید که ... از آیات قدرت الهی ... [illegible]

وَاشْكُرُوا لِلّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۱۷۲ اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَ
و شکر کنید بر خدا اگر هستید او را می‌پرستید جز این نیست که حرام کرد بر شما مرده و خون

لَحْمَ الْخِنْزِيْرِ وَمَا اُهِلَّ بِهٖ لِغَيْرِ اللّٰهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ
و گوشت خوک و آنچه صدا کنند بآن برای غیر خدا پس کسیکه بیچاره شد غیر خروج کننده و نه تجاوز کننده پس نیست گناه

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۱۷۳ اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُوْنَ
که خدا آمرزنده مهربان است بدرستیکه آنکه پنهان میکنند آنچه فرو فرستاده خدا از کتاب و میخرند

بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا اُولٰٓئِكَ مَا يَاْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ
بآن بهای اندکی آنجماعت نمیخورند در شکمهای شان مگر آتش و سخن نکند ایشان را خدا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۱۷۴ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ
روز رستخیز و پاک نکند ایشان را و مر ایشانراست شکنجه درد آنها آنانند که خریدند گمراهی

بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَآ اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۱۷۵ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ
بهدایت و شکنجه را بآمرزش پس چه شکیبا کرد ایشان را بر آتش این بسبب آنست که خدا

نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِي الْكِتٰبِ لَفِيْ شِقَاقٍ بَعِيْدٍ ۱۷۶
فرو فرستاد کتاب را براستی و بدرستیکه آنانکه اختلاف کردند در کتاب هر آینه در گمراهی بعیدند

لَيْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ
نیست نیکو اینکه بگردانید روهای تان بطرف مشرق و مغرب و لیکن نیکو کسیست که گروید

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ
بخدا و بروز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران و دادن مال را بر دوستی او

ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ
بصاحبان قرابت و یتیمان و بیچارگان و پسر راه و سؤال کنندگان و در گردنها

وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا وَالصّٰبِرِيْنَ
و بر پا داشت نماز را و داد زکات را و وفا کنندگان بعهد شان چون عهد بستند و صبر کنندگان

فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ
در سختی و زیانها و هنگام کارزار آنها آنانند که راستی آوردند و آنها

هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ۱۷۷ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى
ایشانند پرهیزگاران ای آنانکه گرویدید نوشته شد بر شما قصاص در کشتها

اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ
آزاد بآزاد بنده ببنده و مؤنث بمؤنث پس آنکه عفو کرده شد مر او را از برادرش

شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ۱۷۴ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ
چیزی پس پیروی کننده است خوب را و ادا میشت بوی بنیکی این سبکی است از

رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۱۷۸ وَلَكُمْ فِي
پروردگار تان و رحمتی پس آنکه تجاوز کند بعد این پس مر او راست شکنجه پر درد و مر او راست

الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَّاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ١٧٩ كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا
قصاص زندگانیست ای صاحبان عقل‌ها شاید که شما پرهیزید نوشته شد بر شما چون
حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرًا ۨالْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ
حاضر شود یکی از شما را مرگ اگر واگذارد مال نیک را وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکی
حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ١٨٠ فَمَنْۢ بَدَّلَهٗ بَعْدَمَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى
سزاوار بودن بر پرهیزکاران پس آنکه بدل کند او را بعد از آنکه شنید او را پس جز این نیست گناه او بر
الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ١٨١ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ
آنانکه بدل کنند او را بدرستیکه خدا شنونده داناست پس آنکه بترسد از وصیت کننده میلی یا
اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٨٢ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
گناهی پس اصلاح کرد در میان ایشان پس نیست گناهی بر او بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه
اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
گرویدید نوشته شده بر شما روزه چنانکه نوشته شد بر آنانکه بودند پیش از شما شاید شما
تَتَّقُوْنَ ١٨٣ اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
پرهیز کنید روزهای شمرده شده پس اگر باشد از شما بیمار یا بر سفر پس مدت شمرده شده
مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ وَعَلَى الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِيْنٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا
از روزهای دیگر و بر آنانکه طاقت دارند فدا بدهند طعام بیچاره را پس هر که رغبت کرد نیکی را
فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ١٨٤ شَهْرُ رَمَضَانَ
پس او بهتر است برایش و اگر روزه بگیرید بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید ماه رمضان
الَّذِيْٓ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ
که فرو فرستاده شد در او قرآن هدایت برای مردم و معجزه‌ها از هدایت و فرقان
فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ
پس اگر که حاضر است از شما ماه را پس باید روزه بگیرد آنرا و اگر باشد بیمار یا بر سفر پس مدت شمرده شده از
اَيَّامٍ اُخَرَ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا
روزهای دیگر اراده کرد خدا بشما آسانیرا و اراده نکرد بشما دشوار را و برای آنکه تمام کنید
الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ١٨٥ وَاِذَا
شماره را و تا به بزرگی یاد کنید خدا را بر آنچه هدایت کرد شما را و شاید شما شکر کنید و چون
سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ
پرسند ترا بندگانم از من پس من نزدیک پذیرنده‌ام خواندن خواننده را چون بخواند مرا
فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ ١٨٦ اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ
پس بپذیرند مرا و بمن ایمان آورند شاید ایشان ارشاد شوند حلال شد برای شما شب
الصِّيَامِ الرَّفَثُ اِلٰى نِسَآىِٕكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ
روزه جماع با زنان شما ایشان جامه برای شما و شما جامه‌اید ایشان را

نمی اعتدی
گفته اند مراد از من قاتل است ... یا متوسل باولی دم و اتباع بمعروف ... عاقل است که در گرفتن دیه عنف نورزد و ادا باحسان ... روایت از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام

هو الله تعالی شأنه
... عبادی ... هر کس این آیه را بسیار بخواند ... کار بسته او ... خدا تعالی

مذکور است ... قصاص ... ساقط ...

عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ
میداند خدا بدرستیکه شما بودید که خیانت میکردید خود اهرا پس توبه پذیرفت بر شما وعفو کرد از شما
فَالْاٰنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتّٰى يَتَبَيَّنَ
پس الآن مباشرت کنید آنها را و بجوئید آنچه نوشت خدا برایتان و بخورید و بیاشامید تا آشکار شود
لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيَامَ
از برای شما نخ سفید از نخ سیاه از فجر پس تمام کنید روزه را
اِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَاَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ
تا شب و مباشرت مکنید ایشان را و شما معتکف باشید در مساجد اینست دستورالعملهای خدا
فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ١٨٧ وَلَا
پس نزدیک نشوید آنرا همچنان روشن میکند خدا آیاتش را از برای مردم شاید آنها پرهیزند و نه
تَاْكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوا
خورید اموالتان را میانتان بنا سزا و بیندازید بآن بسوی حکم کنندگان تا بخورید
فَرِيقًا مِنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١٨٨ يَسْاَلُونَكَ عَنِ
پاره از مالهای مردم بگناه و شما میدانید میپرسندت از
الْاَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ
ماهها بگو آن وقتهاست از برای مردم و حج و نیست نیکو باینکه در آئید خانه هاتان از
ظُهُورِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى وَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ
پشت آن ولیکن نیکو از پرهیزکارست و درآئید خانهها را از درهایش و بپرهیزید خدا را
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ١٨٩ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا
شاید شما رستگار شوید و کارزار کنید در راه خدا آنکه کارزار میکنند شما را و
تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ١٩٠ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ
تجاوز مکنید بدرستیکه خدا دوست نمیدارد تجاوز کنندگان را و بکشید آنها را از زمانیکه یافتید ایشان را و
اَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ
بیرون کنید آنها را از جائیکه بیرون کردند شما را و فتنه سخت تر است از کشتن و کارزار مکنید آنها را
عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَاِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذٰلِكَ
نزد مسجد الحرام تا کارزار کنند شما را در آن پس اگر کارزار کردند شما را پس بکشید آنها را همچنین است که
جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ١٩١ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٩٢ وَقَاتِلُوهُمْ
پاداش کافران پس اگر باز ایستند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و کارزار کنید آنها را
حَتّٰى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى
تا نباشد فتنه و میباشد دین برای خدا پس اگر باز ایستند پس نیست دشمنی مگر بر
الظَّالِمِينَ ١٩٣ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ
ستمگاران این ماه حرام بماه حرام و حرامها قصاصی است پس آنکه

قوله تعالی لیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها الی آخر الآیة از حضرت باقر روایت شده که چون مردم محرم میشدند از در خانه خود داخل نمیشدند بلکه نقبی در خارج خانه درست مینمودند از آن نقب داخل و خارج میشدند پس خداوند نهی فرمود از این عمل و فرمود این نیکو نیست بلکه نیکوئی کسی است که داخل خانهها شود از درها تا آنکه خانه را مهیا شده حضرت باقر فرموده یعنی ایشان که در ظهر امری از امور اراده آن و از این حدیث مستفاد میشود که آمدن احکام دین باید از امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین او بوده زیرا که ایشان ابواب علم تمام مسلمین میباشند چنانچه رسول خدا فرموده انا مدینة العلم و علی بابها و لا یؤتی المدینة الا من بابها حضرت امام فرموده خداوند از برای علم اهلی قرار داده و واجب فرموده بر عباد اطاعت ایشان را بقول خود که و اتوا البیوت من ابوابها و بیوت بیوت علمی است که در علم گذاشته آنرا نزد انبیاء و ابواب آنرا اوصیا ایشان قرار داده ایضا آنجناب فرموده ما هستیم آن بیوتی که خداوند واجب فرموده داخل شدن بیوت را از ابواب آن و ما هستیم باب خداوند و بیوت خداوند که باید داخل آن بیوت از باب آن شد و هر کس تابع شد و اقرار بولایت ما نمود پس داخل آن بیوت از در آن شده و هر کس مخالفت ما نمود و دیگری را ترجیح داد پس داخل بیوت شده از پشت آن ۱۲

اعتدی

اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوْا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
تجاوز کند برشما پس تجاوز کنید براو بمثل آنچه تجاوز کرد برشما و بپرهیزید خدا را

وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ١٩٤ وَاَنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا تُلْقُوْا بِاَيْدِيْكُمْ
و بدانید بدرستیکه خدا با پرهیزگارانست و بدهید در راه خدا و میندازید بدستهای خود

اِلَى التَّهْلُكَةِ وَاَحْسِنُوْا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ١٩٥ وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَ
خود را بهلاکت و نیکی کنید بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکاران را و تمام کنید حج را و

الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوْا رُءُوْسَكُمْ
عمره را برای خدا پس اگر باز داشته شوید پس آنچه میسر گردد از هدیه و نتراشید سرهاتان را

حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهٗ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ بِهٖ اَذًى مِّنْ رَّاْسِهٖ
تا برسد هدیه بجایش پس اگر باشد از شما بیمار یا باو آزاری از سرش

فَفِدْيَةٌ مِّنْ صِيَامٍ اَوْ صَدَقَةٍ اَوْ نُسُكٍ فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ
پس فدا دهد از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس هر که برخورداری کرد بعمره

اِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
بسوی حج پس آنچه میسر گردد از هدیه پس اگر نیافت پس روزهٔ سه روز در حج

وَسَبْعَةٍ اِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ اَهْلُهٗ حَاضِرِي
و هفت روز چون برگشتید اینست ده تای تمام این برای کسیست که نباشد اهل او حاضر

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ١٩٦ اَلْحَجُّ
مسجد الحرام و بپرهیزید خدا را و بدانید بدرستیکه خدا سخت عقوبت است حج

اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمٰتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَا جِدَالَ
ماههای معلوم شده پس اگر واجب شد در آنها حج پس نیست جماع و نه کار بد و نه جنگی

فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى
در حج و آنچه میکنید از خیر میداند او را خدا و توشه برگیرید پس بدرستیکه بهتر توشه پرهیزاست

وَاتَّقُوْنِ يٰۤاُولِي الْاَلْبَابِ ١٩٧ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوْا فَضْلًا
و بپرهیزید مرا ای صاحبان خردها نیست بر شما باکی آنکه بجوئید زیادتی

مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفٰتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ
از پروردگارتان پس چون برگشتید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد مشعر

الْحَرَامِ وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدٰىكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الضَّآلِّيْنَ ١٩٨
الحرام و یاد کنید آنرا چنانچه هدایت کرد شما را و اگر بودید از پیش آن هر آینه از گمراهان

ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٩٩
پس راه فضه برید از جائیکه راه فضه برند مردم و طلب آمرزش کنید خدا را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اٰبَآءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ
پس چونکه گزاردید مناسک خود را پس یاد کنید خدا را مانند یاد کردن پدرانتان یا سخت‌تر

تو در شرح عالی شأنه العزیز واتموا الحج والعمرة لله ظاهرآیه وجوب اتمام حج و عمره بجهة خداوند است و امام باقر علیه السلام فرموده مراد حج و عمره است ... حضرت امام علیه السلام فرموده هر وقت حج نموده یکی از شما ختم آن حج نماید باید با زیارت ... در این زمان عنایت زیارت ... علیهم السلام زیارت ایشان است ... هم مستحب و مشروع ... والسلام ١٢

وتزوّدوا بفتح زای و تشدید واو مفتوحه

قوله تعالی ومن الناس من یشری نفسه الخ یعنی بعضی از مردم کسیکه میفروشد جان خود را بجهة طلب خوشنودی خدا

ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

ذکری پس از مردم آنانند که میگویند پروردگارا بده مارا در دنیا و آنکه مر اوراست در آخرت از

خَلَاقٍ ٢٠٠ وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

بهره و از ایشانند کسانیکه میگویند پروردگارا بده مارا در دنیا نیکو و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ٢٠١ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ

نیکو و نگهدار مارا از شکنجه آتش آنها مرایشانراست بهره از آنچه کسب کردند و خدا زود

الْحِسَابِ ٢٠٢ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا

حسابست و یاد کنید خدارا در روزهای شمرده شده پس آنکه شتاب کرد در دو روز پس نیست

إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

گناهی براو و اگر تاخیر انداخت پس نیست گناهی براو مرآنرا که پرهیزد و بپرهیزید خدارا و بدانید که شما

إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٢٠٣ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ

بسوی او انگیخته میشوید و از مردم کسی است که بعجب دارد گفتارش در زندگی دنیا و شهادت

اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ٢٠٤ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ

خدا برآنچه در دل اوست و او شدید العداوتست و چون پشت کنی جهد کند در زمین

لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ٢٠٥ وَإِذَا

تا فساد کند در آن و هلاک کند کشت و نسل را و خدا دوست نمیدارد فسادرا و چون

قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ٢٠٦

گفته شود مراورا بپرهیز خدارا گرفت اورا عزت بگناه پس کفایت اوراجهنم و هرآینه بد آرامگاه است

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ٢٠٧

و از مردم کسی است که بفروشد نفس خود را طلب خوشنودی خدا و خدا مهربانست ببندگان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

ای آنانکه گرویدید درآیید در سلامتی همه و پیروی نشوید گامهای

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ٢٠٨ فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ

شیطانرا بدرستیکه او مر شمارا دشمنی است آشکارا پس اگر لغزیدید از بعد آنچه آمد شمارا

الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٠٩ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا

معجزات پس بدانید که خدا غالب درستکار است آیا نگاه میکنند مگر

أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ

که آرد ایشانرا خدا در سایه از ابر و فرشتگان و برآورده شد کار و بسوی خدا

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٢١٠ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَن يُبَدِّلْ

برمیگردد کارها بپرس پسران یعقوب را چه دادیم ایشانرا از معجزه روشن و آنکه بدل کند

نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٢١١ زُيِّنَ لِلَّذِينَ

نعمت خدارا از بعد آنچه آمد اورا پس بدرستیکه خدا سخت عقوبت است زینت داده شد مرآنانرا

كَفَرُوا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ
کافر شدند زندگی دنیا را واستهزا میکنند از انکه گرویدند و آنانکه پرهیزگارند بالای ایشانید

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَاۤءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۰۹ كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً
روز رستخیز و خدا روزی میدهد آنرا که بخواهد بغیر حساب باشند مردم یک گروه تنها

فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيّٖنَ مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ
پس برانگیخت خدا پیغمبرانرا مژده دهندگان و بیم کنندگان و فرو فرستاد با ایشان کتاب را بدرستی

لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيْمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ ؕ وَمَا اخْتَلَفَ فِيْهِ اِلَّا الَّذِيْنَ
تا حکم فرماید شمارا میانه مردم در انچه اختلاف میکردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنانکه

اُوْتُوْهُ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۤءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ ۚ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ
داده شدند آنرا از بعد انچه ایشانرا آمد از معجزات سرکشی میان ایشان پس هدایت کرد خدا آنانکه

اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ ؕ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَاۤءُ اِلٰى صِرَاطٍ
گرویدند از انچه اختلاف کردند در آن از راستی باذن او و خدا هدایت میکند آنرا که بخواهد بسوی راه

مُّسْتَقِيْمٍ ۲۱۰ اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ
راست آیا پنداشتید که در میآیید بهشت را و چون آمد شمارا مثل آنانکه

خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ؕ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَاۤءُ وَالضَّرَّاۤءُ وَزُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ
گذشتند پیش از شما مس کرد ایشانرا سختیها و زیانها و زلزله شود تا اینکه بگوید

الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ؕ اَلَاۤ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ۲۱۱
پیغمبر و آنانکه گرویدند با او کی باشد نصر خدا آگاه باشید بدرستیکه نصر خدا نزدیکست

يَسْئَلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ؕ قُلْ مَاۤ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ
میپرسند ترا که چه چیز انفاق کنند بگو انچه کنند از خیر پس بدر ایستید پدر و مادر و نزدیکان

وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ
و یتیمان و بیچارگان و پسر راه و انچه بکنید از خیر پس بدرستیکه خدا بآن

عَلِيْمٌ ۲۱۲ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۚ ۲۱۳ وَعَسٰۤى اَنْ تَكْرَهُوْا
داناست نوشته شد بر شما کارزار و او کراهت دار برای شما و لیکن که مکروه میدارید

شَيْئًا وَّهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰۤى اَنْ تُحِبُّوْا شَيْئًا وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ
چیزیرا و او خیر است برای شما و لیکن دوست میدارید چیزیرا و او شر است برای شما و خدا

يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۲۱۴ يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ ؕ قُلْ
میداند و شما نمیدانید میپرسند ترا از ماه حرام کارزار در آن بگو

قِتَالٌ فِيْهِ كَبِيْرٌ ؕ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌۢ بِهٖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاِخْرَاجُ
کارزار در آن بزرگست و باز داشتن از راه خدا و کافر شدن بآن و مسجد الحرام و بیرون

اَهْلِهٖ مِنْهُ اَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ اَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ؕ وَلَا يَزَالُوْنَ
کردن اهلش را از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر از قتل است و زایل نشوند

اُوْتُوْهُ بضم همزه و سکون واو اولی
والضراء بیماری و تنگی و گرسنگی نقل است که بیان کرده طایفه بعضی از کسانی که در حدیث آمده که بهشت زرین بر دل ما کرد به ما برده و تخمها و رنج ایشان ... این قول است زمانی که ... پس ... بعث کنانده شده انتهی ۱۲

يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن
کارزار سما را تا اینکه بگردانند شما را از دینتان اگر بتوانند و آنکه باز گردد از شما از
دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ
دینش پس بمیرد و او کافر است پس آنها نابود شود کردارشان در دنیا و آخرت و
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢١٥ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
و آنهایند یاران آتش ایشانند در آن همیشه بدرستیکه آنان که گرویدند و آنانکه
هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ
هجرت کردند و جهد کردند در راه خدا آنها امیدوارند برحمت خدا و خدا
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٢١٦ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ
آمرزنده مهربانست میپرسند ترا از شراب و قمار بگو در آنها گناهیست بزرگ
مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ ٢١٧
و سودها برای مردم و گناه آنها بزرگتر است از سود آنها و میپرسند ترا که چه چیز انفاق میکنند
قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٨
بگو عفو همچنان بیان میکند خدا برای شما آیاتش را شاید شما فکر کنید
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ٢١٩
در دین و آخرت و میپرسند ترا از یتیمان بگو اصلاح مرآنها را بهتر است
وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ
و اگر آمیزش کنید ایشان را پس برادرانتان اند و خدا میداند مفسد را از مصلح و اگر بخواهد
اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٢٠ وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ
خدا هر آینه در زحمت افکند شما را بدرستیکه خدا غالب درست کردار است و نکاح مکنید زنهای مشرکه را تا
يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ
اینکه بگروند و کنیز مؤمنه بهتر است از زن مشرکه و اگرچه بعجب دارند شما را و نکاح نشوید مردان مشرک را
حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ٢٢١ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ
تا اینکه ایمان آورند و هر آینه بنده مؤمن بهتر است از مشرک و اگرچه بعجب دارند شما را آنها میخوانند
إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ
بسوی آتش و خدا میخواند بسوی بهشت و آمرزش باذن او و بیان میکند آیاتش را برای مردم
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٢٢٢ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى
شاید آنها پند گیرند و میپرسند ترا از حیض بگو او رنج است
فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ
پس ترک کنید زنها را در هنگام حیض و نزدیک نشوید آنها را تا آنکه پاک شوند پس چون پاک شوند
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ٢٢٣
پس بیائید آنها را از جائیکه امر فرموده شما را خدا بدرستیکه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاکان را

(١) وإثمهما أكبر
بدانکه با جماع امامیه همه جمیع شرابها حرام بوده و در هیچ شریعتی مباح نبوده و همچنین جمیع مسکرات و اخبار متواتره در این باب از ائمه منقول است ١٢

عن المحيض
از حیض زنان یهود در زمان حیض از ایشان دوری کرده و چشم بروی آنها نمی افکندند و خوردن طعام و گفتن کلام را با ایشان حرام دانسته اند و نصاری بر عکس آن در اختلاط با ایشان مبالغه و مواکله میکردند بلکه بوقت و مباشرت می افزودند ثابت بن دحداح گفت یا رسول الله با زنان در حالت حیض بگو سلوک کنیم جواب که بخوبی معیشت و حسن معاشرت و آنچه از علم دین بکار آید بزن آموختن ١٢

نساؤكم حرث لكم فأتوا حرثكم أنى شئتم وقدموا لأنفسكم واتقوا
الله واعلموا أنكم ملاقوه وبشر المؤمنين ۲۲۴ ولا تجعلوا الله عرضة
لأيمانكم أن تبروا وتتقوا وتصلحوا بين الناس والله سميع
عليم ۲۲۵ لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم ولكن يؤاخذكم بما
كسبت قلوبكم والله غفور حليم ۲۲۶ للذين يؤلون من نسائهم تربص
أربعة أشهر فإن فاءوا فإن الله غفور رحيم ۲۲۷ وإن عزموا الطلاق
فإن الله سميع عليم ۲۲۸ والمطلقات يتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء
ولا يحل لهن أن يكتمن ما خلق الله في أرحامهن إن كن يؤمن بالله
واليوم الآخر وبعولتهن أحق بردهن في ذلك إن أرادوا إصلاحا
ولهن مثل الذي عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجة والله
عزيز حكيم ۲۲۹ الطلاق مرتان فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان
ولا يحل لكم أن تأخذوا مما آتيتموهن شيئا إلا أن يخافا ألا يقيما
حدود الله فإن خفتم ألا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما فيما
افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله فأولئك
هم الظالمون ۲۳۰ فإن طلقها فلا تحل له من بعد حتى تنكح زوجا غيره
فإن طلقها فلا جناح عليهما أن يتراجعا إن ظنا أن يقيما حدود

اللهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۲۳۱ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ

فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا

تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا

تَتَّخِذُوا اٰيَاتِ اللهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَمَا اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ

مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمٌ ۲۳۲ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

اَنْ يَنْكِحْنَ اَزْوَاجَهُنَّ اِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطْهَرُ

وَاللهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۲۳۳ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ

حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ

رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ

وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ فَاِنْ

اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَاِنْ

اَرَدْتُمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَا

اٰتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۲۳۴

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ اَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ

وعلى المولود له رزقهن

اشهر

أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ
ماه و ده روز پس چون رسیدند مدتشان را پس باکی نیست بر شما در آنچه کردند در خودهاشان

بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۲۳۵ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ
بنیکی و خدا بآنچه میکنید آگاه است و نیست باکی بر شما در آنچه بکنایه خبر دادید

بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
بآن از خواستگاری از زنان یا پنهان داشتید در خودها دانسته خدا که شما زود باشد یاد کنید آنها را

وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۲۳۶ وَلَا
و لیکن وعده مدهید ایشان را پنهانی مگر آنکه بگوئید گفتن خوب و قصد

تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
مکنید بستن نکاح را تا برسد کتاب مدت او و بدانید که خدا میداند

مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۲۳۷ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
آنچه در خودهاست پس بترسید او را و بدانید که خدا آمرزنده بردبار است نیست باکی بر شما

إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى
اگر طلاق دهید زنان را مادامیکه مس نکرده اید آنها را یا مقرر کرده باشید مر ایشان را مهری و برخورداری بر

الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ۲۳۸
هر که توانگر است اندازه اش و بر هر که تنگدست تر است اندازه اش برخورداری خوب حق را بر نیکوکاران

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ
و اگر طلاق دادید آنها را پیش از آنکه مس کنید آنها را و بتحقیق واجب کردید مر ایشان را مهری پس نصف

مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ
آنچه معین کردید مگر آنکه بخشند یا بخشد آنکه بدست اوست بستن نکاح و اگر

تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ
بخشید نزدیکتر است مر پرهیزگاری را و فراموش مکنید احسان را میان خود بدرستیکه خدا بآنچه میکنید

بَصِيرٌ ۲۳۹ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ
بیناست نگاهداری کنید بر نمازها و نماز میانه و بپا دارید برای خدا

قَانِتِينَ ۲۴۰ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا
دعا خوانان را پس اگر بترسید پس پیادگان یا سواران پس هرگاه ایمن شدید پس یاد کنید خدا را همچنانکه

عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۲۴۱ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ
آموخت شما را آنچه را که نبودید که بدانید و آنانکه وفات میکنند از شما و میگذارند

أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا
جفتها را وصیتی مر جفتهاشان را بهره تا سال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۴۲ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ
نیست باکی بر شما در آنچه کردند در خودهاشان از خوب و خدا غالب درستکار است و مر طلاق داده شدگان را

و از تعالی سابقه المعزز حافظوا علی الصلوات اختلاف کرده اند علما در نماز وسطی بر شش قول اول آنکه نماز ظهر است چه وقت ادای آن میان وسط النهار است و قت زوال شمس است که در آن وقت جهنم را بتسبیح میکنند و درهای آسمان گشاده میشود و اول نمازی که گزارده شد نماز ظهر بود دوم آنکه مراد نماز عصر است از آنکه او اوسط است مابین دو نماز نهار که نماز صبح و ظهر باشد و دو نماز شب که نماز مغرب و عشا باشد سیم آنکه مراد نماز مغرب است از جهة آنکه وسط نماز طول و قصر است که نماز طول چهار رکعت است و نماز قصر دو رکعت است مابین چهار و دو سه که نماز مغرب مشتمل بر آن است چهارم آنکه مراد نماز عشا است از جهة آنکه اوسط مابین دو نمازی است که قصر نمیشود که نماز مغرب است و نماز صبح پنجم آنکه نماز صبح است از جهة آنکه اوسط است مابین دو نماز روز که ظهر و عصر باشد و دو نماز شب که مغرب و عشا باشد یا از جهة آنکه گزارده میشود مابین سواد لیل و بیاض نهار یا از جهة آنکه هر دو طرف آن نماز که قصر کرده میشود که ظهر و عشا باشد یا از جهة آنست که ادای آن در وقتی است که هم ملائکه شب و هم ملائکه روز حاضر میباشند که وقت مابین سواد لیل و بیاض نهار است ششم آنکه یکی از نمازهای پنجگانه است و خدا تعالی

این پنج نماز مخفی داشته است تا بنده کوشش محافظت بر جمیع نمازها خود داشته باشد مثل مخفی داشتن شب قدر در شبهای ماه رمضان و اسم خود در جمیع اسماء و ساعت اجابت را در تمام ساعات روز جمعه

متاع بالمعروف حقا على المتقين ۲۴۳ كذلك يبين الله لكم اياته
بهره بخوبی براستی بر پرهیزگاران همچنان بیان میکند خدا برایشما آیاتش را
لعلكم تعقلون ۲۴۴ الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر
شاید شما دریابید آیا ندیدی بسوی آنانکه بیرون رفتند از خانهاشان وایشان هزاران بودند از ترس
الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل على الناس و
مرگ پس گفت برایشان خدا که بمیرید پس زنده کرد ایشانرا بدرستیکه خدا صاحب فضلست بر مردم
لكن اكثر الناس لا يشكرون ۲۴۵ وقاتلوا في سبيل الله واعلموا ان
ولیکن بیشتر مردم شکر نمیکنند وکارزار کنید در راه خدا وبدانید که
الله سميع عليم ۲۴۶ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له
خدا شنونده داناست کیست آنکه قرض بدهد خدارا قرض نیکو پس زیاده کند مر اورا
اضعافا كثيرة والله يقبض ويبسط واليه ترجعون ۲۴۷ الم تر الى الملا
دو چندان بسیار و خدا میگیرد ومیگشاید وبسوی او برمیگردید آیا ندیدی بسوی گروه
من بني اسرائيل من بعد موسى اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل
از بنی اسرائیل از بعد موسی چون گفتند مر پیغمبری مرایشانرا که برانگیز برای ما فرشته را که کارزار کنیم
في سبيل الله قال هل عسيتم ان كتب عليكم القتال الا تقاتلوا قالوا
در راه خدا گفت آیا باشید شما که اگر نوشته شود برشما کارزار اینکه کارزار نکنید گفتند
وما لنا الا نقاتل في سبيل الله وقد اخرجنا من ديارنا وابنائنا فلما
و نیست برای ما که کارزار نکنیم در راه خدا و بتحقیق که بیرون شدیم از خانهامان و فرزندامان پس چون
كتب عليهم القتال تولوا الا قليلا منهم والله عليم بالظالمين ۲۴۸
نوشته شد برایشان کارزار پشت کردند مگر اندکی از آنها و خدا داناست بستمکاران
وقال لهم نبيهم ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا قالوا انى يكون
وگفت مر ایشانرا پیغمبرشان بدرستیکه خدا بتحقیق برانگیخت برایشما طالوت را پادشاه گفتند چگونه باشد
له الملك علينا ونحن احق بالملك منه ولم يؤت سعة من المال قال
مر او را پادشاهی برما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از او وداده نشد فراخی از مال گفت
ان الله اصطفيه عليكم وزاده بسطة في العلم والجسم والله يؤتي ملكه
بدرستیکه خدا برگزید او را برشما وافزود او را گشادی در دانش و بدن و خدا میدهد پادشاهیرا
من يشاء والله واسع عليم ۲۴۹ وقال لهم نبيهم ان اية ملكه ان
بانکه بخواهد و خدا فراخ داناست وگفت مر آنهارا پیغمبرشان بدرستیکه نشان پادشاهی است
ياتيكم التابوت فيه سكينة من ربكم وبقية مما ترك ال موسى وال هرو
که بیاید شمارا تابوت که در او سکینه از پروردگارتان و باقی مانده از آنچه واگذاشت آل موسی و آل هرون
تحمله الملئكة ان في ذلك لاية لكم ان كنتم مؤمنين ۲۵۰ فلما فصل
بر میدارند آنرا فرشتها بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست برای شما اگر هستید گروندگان پس چون جدا شد

وله تعالى
الم تر الى الذين الى
ويشكرون اين آيه را اگر
سیاهی برقطعی نوشته
وبعصاره برگ زیتون
آنرا بشویند وخانه که مار
داشته کژدم وهمه حشرات
موذیه باشند باشند
تمام بپاشند اگر همچنین
بر چهار برگ از درخت
زیتون بنویسند و در چهار
رکن خانه دفن کنند همه
پشه وسایر حشرات
از آنخانه فرار
نمایند
قوله تعالى
در قرآن الم تر الى
الملا الی علیم بالظالمین
در قرآن چند آیت
است و چهار سجده
ملكا
نقاتل بسكون
لام امت
جاهد که در آن دو قاف
است یکی قرائت است
اول این آیه است
الا
نقاتل بفتح لام
امنت
دوم در سوره آل عمران است
لقد سمع الله الى عذاب
حریق آیه سوم در سوره
نساء الم تر الى الذين
قيل الى فتيلا و آیه چهارم
در سوره مائده واتل عليهم
نبا ابني الى المتقين اگر
این چهار آیه را بر علمی نویسند
در میان لشکری که میان ایشان
باشد منهزم نشوند بلکه
نصرت وظفر ایشانرا باشد
واگر بر دیف آنرا نویسند در
تاج یا عمامه نگاه دارند
جاه وامراء ووزرا ورا
دوست دارند واز عزت
نگاه داشته شده
نظرشان
باشند
ونتسوم

طالوت بالجنود قال ان الله مبتليكم بنهر فمن شرب منه فليس مني ومن
طالوت با لشکر پیش گفت بدرستیکه خدا آزماینده است شما را بجوی آب پس هر که آشامید از آن پس نیست از من و آنکه
لم يطعمه فانه مني الا من اغترف غرفة بيده فشربوا منه الا قليلا منهم
نچشید او را پس او از منست مگر آنکه بردارد کفی بدستش پس نوشیدند از آن مگر اندکی از ایشان
فلما جاوزه هو والذين امنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت و
پس چون گذشت او و آنانکه گرویدند با او گفتند نیست طاقتی برای ما امروز بجالوت و
جنوده قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت
لشکرش گفتند آنانکه پنداشتند که ایشان ملاقات کرده خدا را بسا از گروه اندک که غالب شدند
فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين ٢٥١ ولما برزوا لجالوت و
گروه بسیار باذن خدا و خدا با صبر کننده کانست و چون برابر شدند جالوت را و
جنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم
لشکرش را گفتند پروردگارا فرو ریز بر ما صبر را و برجا دار قدمهای ما را و نصرت ده ما را بر گروه
الكافرين ٢٥٢ فهزموهم باذن الله وقتل داود جالوت واتاه الله
کافران پس فراری نمودند ایشان باذن خدا و کشت داود جالوت را و داد او را خدا
الملك والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض
پادشاهی و حکمت و آموخت او را از آنچه میخواهد و اگر نبود دفع خدا مردمان را بعضی ایشان را ببرخی
لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين ٢٥٣ تلك ايات الله
هر آینه فاسد میشد زمین ولیکن خدا صاحب فضلست بر جهانیان اینست آیات خدا
نتلوها عليك بالحق وانك لمن المرسلين ٢٥٤ تلك الرسل فضلنا بعضهم
خوانیم آنرا بر تو براستی و بدرستیکه تو هر آینه از فرستاده شدگانی این فرستاده شدگان زیادتی دادیم بعضی
على بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات واتينا عيسى ابن مريم
بر بعضی از ایشان کسیست که سخن کرد با او خدا و بلند کرد برخی از ایشان مرتبها و دادیم عیسی پسر مریم را
البينات وايدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من
معجزها و قوت دادیم او را بروح القدس و اگر میخواست خدا کارزار نمیکردند آنانکه بودند از
بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من امن ومنهم
بعد ایشان از بعد آنچه آمد ایشان را معجزات ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسیست که گروید و از ایشان
من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد ٢٥٥ يا ايها
کسیکه کافر شد و اگر خواهد خدا کارزار نمیکردند ولیکن خدا میکند آنچه اراده میکند ای
الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة
آنانکه گرویدند انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که نه بیعی در آن و نه دوستی
ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون ٢٥٦ الله لا اله الا هو الحي القيوم
و نه شفاعتی و کافران ایشانند ستمکاران خدا نیست خدائی مگر او زنده است ایستاده

قوله تعالی ولما برزوا لجالوت الی علی القوم الکافرین این آیه را بر سفالی نوشته ... دشمنان ... باذن الله تعالی

داود بانبیاء داد

منزل

قوله تعالی ورفع بعضهم درجات ...

قوله الله لا اله الا هو ...

لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي

نگیرد ویش پینکی و نه خوابی مراوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کیست که

يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

شفاعت کند نزد او مگر بفرمان او میداند آنچه میان دستهای ایشانست و آنچه از پس ایشانست و احاطه نکنند

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ

بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواهد گنجایش یافته کرسی او آسمانها و زمین را و گران نیست او را

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۲۵۷ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

نگاهداری ایشان و او بلند مرتبه بزرگ است نیست اکراهی در دین بتحقیق ظاهر است راستروی

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ

از گمراهی پس آنکه کافر شد به بت و گروید بخدا پس بتحقیق که چنگ زده بدستهٔ

الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۲۵۸ اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ

محکم که پاره شدنی نباشد مر آنرا و خدا شنوا و داناست خدا دوست کسانیست که گرویدند بیرون میبرد ایشان را

مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۲۵۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ

از تاریکیها بسوی روشنی و آنانکه کافر شدند دوستان ایشان بتهاست بیرون میبرند ایشان را

مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۲۶۰ أَلَمْ تَرَ إِلَى

از روشنی بسوی تاریکیها ایشان یاران آتشند در آن جاویدانند آیا نگاه نکردی

الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي

بسوی آنکه جدل کرد با ابراهیم در پروردگارش که داده بود آنرا خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم پروردگار من آنکه زنده میکند

وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللّٰهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ

و میمیراند گفت من زنده میکنم و میمیرانم گفت ابراهیم پس بدرستیکه خدا میآورد آفتاب را از مشرق پس بیاور

بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۲۶۱ أَوْ

بآن از مغرب پس مبهوت شد آنکه کافر شد و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را یا

كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هٰذِهِ اللّٰهُ

مثل آنکه گذشت بقریه و آن افتاده بود بر سقفها یش گفت چگونه زنده میکند این را خدا

بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ

بعد مردنش پس میراند خدا او را صد سال پس برانگیخت گفت چقدر درنگ کردی گفت درنگ کردم روزی یا

بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ

پاره روزی گفت بلکه درنگ کردی صد سال پس نظر کن بطعامت و شرابت که فاسد نشده

انْظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا

و نظر کن بخرت تا بگردانیم ترا نشانه مر مردم را و نظر کن باستخوان چگونه بر هم نهیم آنرا پس میپوشانیم

لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۲۶۲ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

گوشت پس چون ظاهر شد مر او را گفت دانستم که خدا بر همه چیز تواناست و چون گفت ابراهیم پروردگارا

أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ
بنما مرا که چگونه زنده میکنی مردگانرا گفت آیا ایمان نیاوردی گفت آری ولیکن برای آنکه برارامد دل من گفت پس بگیر
أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ
چهار را از پرنده پس پاره پاره کن بسوی تو پس قرار ده بر هر کوهی از انها جزئیرا پس بخوان انهارا
يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۶۳ مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
بیایند ترا شتابان و بدان که خدا غالب درست کردار است مثل آنانکه انفاق کردند مالهای شانرا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ
در راه خدا مانند مثل دانه ایست که برویاند هفت خوشه در هر خوشه صد دانه و خدا
يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۲۶۴ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي
دو چندان میکند از برای آنکه میخواهد و خدا گشاینده داناست آنانکه انفاق میکنند مالهای شانرا در
سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا
در راه خدا پس پیروی نمیکنند آنچه انفاق کردند منتی و نه آزاری را برای ایشانست مزدشان نزد پروردگارشان و نیست
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲۶۵ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ
ترسی برایشان و نه ایشان غمناک میشوند گفتار خوب و آمرزش بهتر است از صدقه
يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۲۶۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم
که از پی در اید آنرا آزاری و خدا بی نیاز بردبار است ای آنانکه گرویدید باطل مکنید صدقه های تانرا
بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
بمنت و آزار مانند آنکه انفاق میکند مالش را برای دیدار مردم و نمیگرود بخدا و روز
الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ
آخرت پس مثل او مثل سنگ همواریست بران خاکی پس برسد او را باران بزرگ دانه پس واگذارد او را ساده نمیتوانند
عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۲۶۷ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ
بر چیزی از آنچه کسب کردند و خدا هدایت نمیکند گروه کافرانرا و مثل آنانکه انفاق میکنند
أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا
مالهای شانرا که بجویند خوشنودیهای خدارا و ثابت کردنی از خودهاشان مانند مثل بوستانیست بر بلندی که برسد آنرا
وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
باران دانه بزرگ پس بدهد میوه خود را دو چندان پس اگر نرسد او را باران پس باران خورد و خدا بانچه میکنید
بَصِيرٌ ۲۶۸ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن
بیناست آیا دوست میدارد یکی از شما که باشد مراو را بوستانی از خرما و انگورها که برود از
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ
زیرش نهرها مراو راست دران از همه میوه ها و برسد او را پیری و مراو راست اولاد ناتوان
فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ
پس برسد او را گردبادی که باشد دران آتشی پس بسوزد همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتهارا

کمثل حبة در اول بحا و باء امت و در دو تا نیست

فاتت اکلها همزه باب افعال است نه همزه فاء الفعل که ثلاثی مجرد باشد

لعلکم

لعلكم تتفكرون ۲۶۹ يا ايها الذين امنوا انفقوا من طيبات ما كسبتم ومما
شاید شما اندیشه کنید ای آنانکه گرویده اید انفاق کنید از پاکیزه ها آنچه کسب کردید و از آنچه

اخرجنا لكم من الارض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون ۲۷۰ ولستم
بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید بد را که از آن انفاق کنید و نیستید

بآخذيه الا ان تغمضوا فيه واعلموا ان الله غني حميد ۲۷۱ الشيطان
گیرنده آنرا مگر آنکه چشم بپوشید در آن و بدانید که خدای بی نیاز ستوده است شیطان

يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء والله يعدكم مغفرة منه وفضلا و
وعده میدهد شما را بدرویشی و امر میکند شما را بزشتی ها و خدا وعده میدهد شما را آمرزش از او و زیادتی را و

الله واسع عليم ۲۷۲ يؤتي الحكمة من يشاء ومن يؤت الحكمة فقد
خدا گشاینده داناست میدهد حکمت آنرا که میخواهد و آنکه داده شد حکمت پس بتحقیق

اوتي خيرا كثيرا وما يذكر الا اولوا الالباب ۲۷۳ وما انفقتم من نفقة
داده شود خیر زیاد و پند نمیگیرند مگر صاحبان خردها و آنچه را انفاق کردید از نفقه

او نذرتم من نذر فان الله يعلمه وما للظالمين من انصار ان تبدوا
یا لازم کردید از نذری پس بدرستیکه خدا میداند آنرا و نیست مر ستمکاران را یاوری اگر ظاهر کنید

الصدقات فنعما هي وان تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم ويكفر
صدقه ها را پس خوبست آن و اگر پنهان کنید آنرا و دهید آنرا بفقرا پس او بهتر است از برای شما و دور گرداند

عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير ۲۷۴ ليس عليك هديهم ولكن الله
از شما بدیهای شما را و خدا بآنچه میکنید آگاهست نیست بر تو هدایت ایشان ولیکن خدا

يهدي من يشاء وما تنفقوا من خير فلانفسكم وما تنفقون الا ابتغاء وجه
هدایت میکند آنرا که میخواهد و آنچه انفاق میکنید از خیر پس برای خودتانست و انفاق نمیکنید مگر جستن رضای

الله وما تنفقوا من خير يوف اليكم وانتم لا تظلمون للفقراء الذين احصروا
خدا و آنچه انفاق میکنید از خیر میرساند بشما و شما ستم کرده نشوید مر درویشان آنکه باز داشته شدند در

في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء
در راه خدا نمیتوانند سیر کردنرا در زمین پندارند ایشانرا نادان که توانگرانند

من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس الحافا وما تنفقوا من خير
از عفت گزینی میشناسی ایشانرا بسیمای ایشان نپرسند مردمرا بابرام و آنچه انفاق کنید از خیر

فان الله به عليم ۲۷۵ الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا و
پس بدرستیکه خدا بآن داناست آنانکه انفاق میکنند مالهاشانرا بشب و روز نهان

علانية فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۲۷۶ الذين
و آشکارا پس برای ایشانست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی بر آنها و نه ایشان اندوه خورند آنانکه

يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس
میخورند ربا را بر نمیخیزند مگر چنانچه بر میخیزد آنکه دیوانه میکند او را شیطان از مس

ذلك

قوله تعالى
او كالذي مر على
قرية الى شيء قدير هر
کس اینرا بر پوست آهو
نویسد در ساعت جمع
از روز یکشنبه از دو ای که
دیگری از آن کی بت
بکرده باشند با دو شود
بر پیچ پس شسته زاهد
خرقه پاکی تهیه مر او
یا بستانی خراب یا جوی
معطل یافته معطل
کنند انعام متعمد شود
باذن الله و اگر این آیه
در ظرفی پاک نوشته آن
را آب باران نشویند
نه بت خشین کنند پس

ادنى
بالاشباع
ان آب زر در حق در زمین
باران درخت باد شود
و اگر در ظرف پاک نویسند
و با آب چاه بشویند و
قدری شکر طبرزد در آن
اضافه نماید هفت روز
این آب را بمریض دهد
از مرض عافیت یابد
و اگر این آیه نویسد
در روغن زیت بشوید
در روز جمعه آنرا در غرفه
بالد سه روز جمعه
عمل نماید موی که ریخته باشد
براید و اگر این آیه
نویسد از چوب آسیا
چوب زیتون و با آب باران
بشوید هر کسی از آن بخورد
سختی او آسان گردد هرچه
شنود یاد گیرد حافظه اش
زیاد شود باذن الله تعالى

۱۲

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبٰوا وَأَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا فَمَنْ — الرّبوا در دو موضع بکسر راء بی واو

این بسبب آنست که گفتند که بیع مانند رباست و حلال کرد خدا بیع را و حرام کرد ربا را پس اگر

جَآءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ فَانْتَهٰى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللّٰهِ ۖ وَمَنْ عَادَ

آمد او را پندی از پروردگارش پس باز ایستاد پس مر او راست آنچه گذشته و کارش با خداست و آنکه برگشت

فَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ٢٧٧ يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي — الرّبوا بکسر راء بی واو

پس آنها یاران آتش اند ایشان در آن همیشه اند بی برکت کرد خدا ربا را و افزونی داد

الصَّدَقٰتِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ إِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ — ع

صدقها را و خدا دوست نمیدارد هر ناسپاس گناهکار را بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ — وَاٰتَوُا الزَّکٰوۃ بصیغہ ماضی یعنی بفتح تا و ضمہ واو است

و بر پا داشتند نماز را و دادند زکات را مر ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگارشان و نه ترسی است بر ایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٢٧٨ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ

و نه ایشان اندوه میخورند ای آنانکه گرویدید بپرهیزید خدا را و بگذارید آنچه باقی ماند از

الرِّبٰوٓا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٧٩ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهٖ — الرّبوا بکسر راء بی واو

ربا را اگر هستید گروندگان پس اگر نکنید پس اعلام کنید بجنگ از خدا و رسولش

وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ٢٨٠ وَإِنْ كَانَ

و اگر توبه کردید پس مر شماراست سرهای مالهای تان ستم نکنید و ستم کرده نشوید و اگر باشد

ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلٰى مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٨١ — نَظِرَۃٌ بفتح نون و کسر ظاء است

صاحب سختی پس مهلت دادنی تا وقت آسودگی و اینکه صدقه بدهید بهتر است مر شما را اگر باشید که بدانید

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللّٰهِ ۖ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا

و بترسید روزی را که بر گردانیده شوید بسوی خدا پس تمام داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده و ایشان نشوند

يُظْلَمُونَ ٢٨٢ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلٰٓى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ

ستم کرده ای آنانکه گرویدید اگر معامله کنید بوامی تا مدت نام برده شده پس بنویسید آنرا

وَلْيَكْتُبْ بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَّكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ

و باید بنویسد میانه شما نویسنده بعدل و اِبا نکند نویسنده اینکه بنویسد چنانچه آموخت او را خدا

فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا ۚ

پس باید بنویسد و املا کند آنکه بر اوست حق راستی و باید بترسد از خدا پروردگارش و کم نکند از او چیزی را

فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُّمِلَّ هُوَ

پس اگر باشد آنکه بر اوست راستی بیخردی یا ناتوانی یا نمیتواند اینکه املا کند او

فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهٗ بِالْعَدْلِ ۚ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ ۚ فَإِنْ لَّمْ يَكُونَا

پس املا کند دوست او بعدل و گواه بگیرید دو گواه از مردانتان پس اگر نبوده باشند

رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَّامْرَأَتٰنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدٰىهُمَا

دو مرد پس یک مرد و دو زن از آنکه راضی باشند از گواهان تا اگر گمراه کند یکی از آن دو را

فَتُذَكِّرَ اِحْدٰىهُمَا الْاُخْرٰى وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَآءُ اِذَا مَا دُعُوْا وَلَا تَسْئَمُوْٓا
پس یاد آورد یکی از آن دو دیگری را و باید که اِبا نکنند شاهدان چون خوانده شوند و ملول نشوید
اَنْ تَكْتُبُوْهُ صَغِيْرًا اَوْ كَبِيْرًا اِلٰٓى اَجَلِهٖ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ
اینکه بنویسید او را کوچک یا بزرگ تا مدتش آنست شما را با عدالت تر نزد خدا و ثابت تر برای گواهی
وَاَدْنٰٓى اَلَّا تَرْتَابُوْٓا اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيْرُوْنَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ
و نزدیکتر که شک نکنید مگر اینکه بباشند سودائی حاضر که گردانیده باشد آنرا میان شما پس نیست
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا تَكْتُبُوْهَا وَاَشْهِدُوْٓا اِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَّ
بر شما باکی مگر اینکه ننویسید آنرا و گواه بگیرید چون مبایعه کنید و ضرر رسانیده نشود نویسنده و
لَا شَهِيْدٌ وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهٗ فُسُوْقٌۢ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ
نه گواه و اگر بکنید پس بدرستیکه او نافرمانیست شما را و بپرهیزید خدا را و میاموزد شما را خدا و خدا
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ٢٨٣ وَاِنْ كُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ
بهر چیز داناست و اگر باشید در سفر و نیابید نویسنده پس گرو باید گرفته شود
فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا
پس اگر ایمن داند برخی از شما برخی را پس باید ادا کند آنکه امین است امانتش را و باید بترسد خدا پروردگارش را و
تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهٗٓ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ٢٨٤
پنهان نکنید گواهی را و هر که بپوشد آنرا پس او گناهکار است دل او و خدا بآنچه میکنید داناست
لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِيْٓ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ يُحَاسِبْكُمْ
مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اگر ظاهر کنید آنچه در نفسهای شماست یا نهان کنید حساب
بِهِ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ٢٨٥ اٰمَنَ الرَّسُوْلُ
میکند شما را بآن خدا پس میامرزد آنرا که میخواهد و شکنجه میکند آنرا که میخواهد و خدا بر هر چیز تواناست بگروید فرستاده
بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلٌّ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ
بآنچه فرو فرستاده شد بسویش از پروردگارش و گروندگان همه گرویدند بخدا و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش
لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ
تفرقه نمیکنیم میان یکی از رسولانش و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم آمرزشت را پروردگارا و بتوست
الْمَصِيْرُ ٢٨٦ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ
بازگشت تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر باندازه آن مر او راست آنچه کسب کرده و بر اوست آنچه اکتساب کرده
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ اِنْ نَّسِيْنَآ اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهٗ
پروردگارا مگیر ما را اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم پروردگارا و بار مکن بر ما بار گرانی را چنانکه بار کردی آنرا
عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَاعْفُ عَنَّا
بر آنانکه بودند پیش از ما پروردگارا و بار مکن ما را آنچه طاقت نیست ما را بآن و بگذر از ما
وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰىنَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ
و بیامرز ما را و رحم کن ما را توئی آقای ما پس یاری ده ما را بر گروه کافران

این دو آیه را در شب بخواندن باشد که تمام آن شب را قیام کرده باشند بنماز و طاعت و نقل کرده اند که حضرت رسالت پناهی داده اند که هیچ کس پیش از وی باین ساعت نداده اند اول آنچه تحریر شد

واَشهِدُوا
بفتح همزه که همزه باب افعال باشد

بعد از آنکه اقرار کردیم دو دیگر آنکه گفت ایمان است او را تمام میسازد اگر شک کند در او باشند سوم آنکه این دو آیه را با و دست داده اند و از معضلات منقول است که هر که در شب و روز مداومت نماید بر خواندن این دو آیه خدا بهمه کار انهار آزاد تکلیف کند و در قرض و صادقان ادا دادن نامدیکیه و دشمن را از دفع نماید و بقرآن اگر امانت فرماید و نیز گفته اند که اگر تسبیحی بر ظرف پاکی بنویسند و باب چاهی که شیرین بوده باشد بشویند پس این آب را به اشتها بخورد قوه حافظه او زیاد گردد انشاالله
۱۲

اَو اَخطَأنا
بقطع همزه که همزه باب افعال بوده باشد

سورة آل عمران مائتان آيات وهي مدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ١
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمّٓ ١ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ٢ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا
خدا که نیست خدا مگر او زنده پاینده فرو فرستاد بر تو کتاب را براستی باور کننده

لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ
مر آنچه پیش ازو است و فرو فرستاد توریت و انجیل را از پیش هدایت مر مردم را و فرو فرستاد

الْفُرْقَانَ ٣ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ
فرقان را بدرستیکه آنانکه کافر شدند بآیات خدا مر ایشانراست شکنجه سخت و خدا غالب

ذُو انْتِقَامٍ ٤ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ هُوَ الَّذِيْ
صاحب انتقام است بدرستیکه خدا که پنهان نگردد بر او چیزی در زمین و نه در آسمان او است آنکه

يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ٥ هُوَ
صورت میبندد شما را در رحمها طوری که میخواهد نیست خدائی مگر او غالب درست کردار است او است

الَّذِيْٓ اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ مِنْهُ اٰيٰتٌ مُّحْكَمٰتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتٰبِ وَاُخَرُ
آنکه فرو فرستاد بر تو کتاب را که از آنست آیات که محکم است ایشانند اصل کتاب و دیگر

مُتَشٰبِهٰتٌ فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُوْنَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ
متشابهات پس اما آنانکه در دلهاشان انحراف است پس پیروی میکنند آنچه متشابه است از آن بجهت طلب

الْفِتْنَةِ وَابْتِغَآءَ تَاْوِيْلِهٖ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيْلَهٗٓ اِلَّا اللّٰهُ وَالرّٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ
فتنه و طلب تاویلش و نمیدانند تاویل او را مگر خدا و فرو روندگان در دانش

يَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِهٖ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ٦
میگویند گرویدیم بآن همه از نزد پروردگار ماست و پند نمیگیرد مگر صاحبان خردها

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
پروردگارا کج مکن دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو ئی

الْوَهَّابُ ٧ رَبَّنَآ اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ
بخشنده پروردگارا بدرستیکه تو جمع کننده مردمانی روزی که شکی نیست در آن بدرستیکه خدا خلاف نکند

الْمِيْعَادَ ٨ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ
وعده را بدرستی آنکه کافر شدند هرگز دفع نمیشود از ایشان مالهاشان و نه فرزندانشان

مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا وَاُولٰٓئِكَ هُمْ وَقُوْدُ النَّارِ ٩ كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِيْنَ
از خدا چیزی را و آنگروه ایشانند هیزم آتش چون عادت آل فرعون و آنانکه

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ١٠
پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را پس گرفت خدا ایشان را بگناهانشان و خدا سخت عقوبت است

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که هر که سورهٔ آل عمران بخواند در روز جمعه ... خدای تعالی و ملائکه بر او درود فرستند تا بوقت غروب آفتاب. و هر که این سوره را بنویسد و بر درختی بیاویزد ... و اگر بر درخت بار دار ببندد میوه آن ساقط نشود. و منقول است که خواندن این سوره بر پل صراط ایمن باشد. و از حضرت صادق مرویست که بنوشتن آن بزعفران ... زنی که آبستن نشود بنویسد ... با خود دارد ... حملش آسان گردد ... و دوش اگر ... با خود دارد ... فراخ و توانگر گردد. و چون این سوره را بنویسد بزعفران و ... با خود نگاه دارد ... کار او آسان گردد.

الٓمّٓ الله ... وقضا النبی صلی الله علیه و آله

و اگر آنرا بر درختی بیاویزد ... بار آورد ... ان شاء الله تعالی

الٓمّٓ الله الی و انزل الفرقان ... بنویسد با زعفران ... بخورد از طلوع آفتاب ... گرداند ... محفوظ ...

بجهت ایمنی از شر دیو و پری و جن و مرض ام الصبیان و اگر آنرا بر پوست آهو بقلم بارک در ساعت دوم روز پنجشنبه در زیر خاتم بنهند تا آنکه آنرا در انگشت کنند بشرطی با وضو باشد از شر اعدا محفوظ ماند و جاه و دولت او بیفزاید و مقبول و محبوب القلوب گرداند انشاء الله قل الذین

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ١١ قَدْ كَانَ
بگو مرآنانرا که کافر شدند زود مغلوب شوند و برانگیخته شوند بسوی جهنم و بد آرامگاهیست بتحقیق بود
لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم
برای شما نشانه در هر دو گروه که بهم رسیدند گروهی کارزار کردند در راه خدا و دیگری کافر بود که میدیدند ایشانرا
مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً
مانند آنها بدیدن چشم و خدا قوت میدهد بنصرتش آنرا که میخواهد بدرستیکه در آن هر آینه عبرتیست
لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ١٢ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَ
مر صاحبان چشمها را زینت داده شد برای مردم دوستی خواهشها از زنان و پسران و
الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ
و مالهای بسیار که تحصیل شده از طلا و نقره و اسبان نشان دار و چارپایان
وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ١٣ قُلْ
و زراعت اینست بهره زندگی دنیا و خدا نزد اوست نیکی بازگشت بگو
أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْ ۚ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن
خبر دادم شما را بخیر از آن شما مرآنانکه ترسیدند نزد پروردگارشان بهشتها که میرود از
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ
زیرش جویها همیشه اند در آن و جفتهای پاکیزه و خوشنودی از خدا و خدا
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ١٤ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا
بیناست ببندگانش آنانکه میگویند پروردگارا بدرستیکه ما گرویدیم پس بیامرز برای ما گناهان ما را و نگهدار
عَذَابَ النَّارِ ١٥ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ
ما را از شکنجه آتش صبر کنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و طلب آمرزش کنندگان
بِالْأَسْحَارِ ١٦ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا
بسحرها گواهی داد خدا که او نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش ایستاده اند
بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١٧ إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا
براستی نیست خدائی مگر او غالب درست کردار بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است و آنچه
اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَن يَكْفُرْ
و اختلاف نکردند آنانکه داده شدند کتاب را مگر از بعد آنچه آمد ایشانرا دانش بجهة گمراهی میان ایشان و آنکه کافر شد
بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ١٨ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ
بآیات خدا پس بدرستیکه خدا زود حساب است پس اگر محاجه کنند ترا پس بگو خالص گردانیدم رویم برای خدا
وَمَنِ اتَّبَعَنِ ١٩ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا
و آنکه پیرو شد مرا و بگو مرآنانکه داده شدند کتاب را و ناخوانندگان آیا مسلم شدید پس اگر اسلام آوردند
فَقَدِ اهْتَدَوا ۖ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ٢٠ إِنَّ
پس بتحقیق هدایت یافتند و اگر پشت کردند پس جز این نیست بر تست رسانیدن و خدا بیناست ببندگان بدرستیکه

خواص آیات: حدیث الله تعالی شیخ ابوالعباس سبتی بونی آورده که اگر کسی اول سوره آل عمران را تا آنجا که الا هو العزیز الحکیم نویسد و آنرا زنی که فرزندش نشود با خود دارد اولاد بهم رساند. قوله تعالی الصابرین الی سریع الحساب این آیات را بر شکر سفید نوشته آنرا بکسی که برگ در خت بار برگ رزی که افتاده باشد.

نصف حزب اول

طی کند چهار روز متوالی هر روز از آن کمی مثل بخورد خدا در آن روز ذکر نفس خود نگاه دارد و شوق و فکرهای بیهوده از او زائل گردد و جمله برآو آسان شود. قوله تعالی شهد الله از ابن عباس منقول است که هر که این آیه را که شهد الله را بخواند و بعد از آن بگوید و انا اشهد بما شهد الله به و استودع الله هذه الشهادة و هی عند الله ودیعة حقتعالی بفرماید که این بنده را نزد من عهدیست و من بعهد خود وفا میکنم بنده مرا ببرید به بهشت و هم از ابن عباس منقول است که چون کسی کاغذی بر آن نوشته آیه شهد الله تا ان الدین عند الله الاسلام تمام نماید خلاص گردد انشاء الله تعالی

۱۲

الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ
آنانکه کافر میشوند بآیات خدا ومیکشند پیغمبرانرا بناحق ومیکشند آنانکه
يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ
امر میکنند براستی از مردم پس مژده ده ایشانرا بعذاب دردناک ایشانند آنانکه نابود شد
أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ٢٢ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا
کردارشان در دنیا وآخرت ونیست مر ایشانرا هیچ یاری آیا ندیدی بآنانکه داده شدند
نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ
بهره از کتاب خوانده میشوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان پس بر میگردند پاره از ایشان
وَهُمْ مُعْرِضُونَ ٢٣ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
وایشان روگردانندگانند این بسبب آنست که گفتند هرگز نمیرسد مارا آتش مگر در روزهای شمرده شده
وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٤ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ
وفریفت ایشانرا در دینشان آنچه بودند افترا میبستند پس چگونه باشد چون گرد آوریم ایشانرا برای روزیکه نیست
فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٢٥ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ
شکی در آن وتمام داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده وایشان ستم کرده نشوند بگو خداوندا ای صاحب پادشاهی
تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ
میدهی پادشاهی آنرا که میخواهی ومیگیری پادشاهیرا از آنکه میخواهی وعزت میدهی آنرا که میخواهی وذلت میدهی آنرا
تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٦ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ
که میخواهی بدست تست خیر بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی میآوری شب را در روز ومیآوری
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ
روز را در شب وبیرون میآوری زنده را از مرده وبیرون میآوری مرده را از زنده وروزی میدهی آنرا
تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ٢٧ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
که میخواهی بغیر حساب باید نگیرند مؤمنان کافرانرا دوستان از غیر مؤمنان
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ
وآنکه بکند این را پس نیست از خدا در چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیز کردنی وبیم میدهد شمارا
اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ
خدا از خودش وبسوی خداست بازگشت بگو اگر پنهان دارید آنچه در سینههای شماست یا آشکار سازید
يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٨
میداند آنرا خدا ومیداند آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است وخدا بر همه چیز تواناست
يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا
روزیکه مییابد هر نفسی آنچه کرده است از خیر حاضر کرده وآنچه کرده از بدی دوست میدارد که باشد میان
وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ٢٩ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ
ومیانه مسافتی دور وبیم میدهد شمارا خدا از خودش وخدا مهربانست ببندگان بگو اگر باشید

١٢

تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم قل

دوست میدارد خدا پس پیروی کنید مرا دوست دارد خدا شما را بیامرزد برای شما گناهان شما را و خدا آمرزنده مهربانست بگو

اطیعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا یحب الکافرین ۳۰ ان الله

فرمانبری کنید خدا و رسول را پس اگر پشت کنید پس بدرستیکه خدا دوست نمیدارد کافران را بدرستیکه خدا

اصطفی آدم ونوحا وآل ابرهیم وآل عمران علی العالمین ذریة

برگزید آدم و نوح و آل ابراهیم را و آل عمران را بر جهانیان فرزندان

بعضها من بعض والله سمیع علیم ۳۱ اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت

که برخی از ایشان هستند از برخی و خدا شنوا و داناست چون گفت زن عمران پروردگارا بدرستیکه من نذر کردم

لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم فلما وضعتها قالت

مر ترا آنچه در شکم منست آزاد پس قبول کن از من بدرستیکه تو شنونده دانائی پس چون نهاد آنرا گفت

رب انی وضعتها انثی والله اعلم بما وضعت ولیس الذکر کالانثی وانی

پروردگارا من نهادم آنرا زن و خدا میداند بآنچه بنهادم و نیست مذکر مانند مؤنث و بدرستیکه من

سمیتها مریم وانی اعیذها بک وذریتها من الشیطان الرجیم ۳۲ فتقبلها

نامیدم آنرا مریم و من پناه میدهم تو و فرزندانش را از شیطان رانده شده پس بپذیرفت آنرا

ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وکفلها زکریا کلما دخل علیها

پروردگارش پذیرفتن خوب و رویانید آنرا رویانیدن خوب و کفیل شد او را زکریا هر وقت درآمد بر او

زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو

زکریا در محراب یافت نزد او روزی گفت ای مریم از کجاست این مر ترا گفت آن

من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب ۳۳ هنالک دعا زکریا

از نزد خداست بدرستیکه خدا روزی میدهد آنرا که میخواهد بغیر حساب در آنجا خواند زکریا

ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء فنادته

پروردگارش گفت پروردگارا ببخش برایم از نزد خود فرزند پاکیزه بدرستیکه تو شنونده دعائی پس ندا کردند

الملائکة وهو قائم یصلی فی المحراب ۳۴ ان الله یبشرک بیحیی مصدقا

فرشتگان و او ایستاده نماز میکند در محراب که خدا مژده میدهد ترا بیحیی باور کننده

بکلمة من الله وسیدا وحصورا ونبیا من الصالحین ۳۵ قال رب انی

بسخن از خدا و بزرگ و بازدارنده و پیغمبر از شایستگان گفت پروردگارا از کجا

یکون لی غلام وقد بلغنی الکبر وامرأتی عاقر قال کذلک الله

میشود مرا پسر و بتحقیق رسید مرا پیری و زنم نزاست گفت همچنین خدا

یفعل ما یشاء ۳۶ قال رب اجعل لی آیة قال آیتک الا تکلم الناس ثلثة

میکند آنچه میخواهد گفت پروردگارا بگردان برایم نشانه گفت نشانه تو آنکه سخن نتوانی کرد سه

ایام الا رمزا واذکر ربک کثیرا وسبح بالعشی والابکار ۳۷ واذ قالت

روز مگر باشاره و یاد کن پروردگارت را بسیار و تسبیح کن شبانگاه و بامداد و چون گفت

شلبی سلمه الله تعالی

و در قنوت این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی دنیوی برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از فراغ از نماز آیه قل اللهم تا بغیر حساب چهل و یکبار بخوانند و در هر مرتبه سه بار بگویند لا اله الا انت وحدک لا شریک لک تحبس ان تکون لک انشاء الله مراد و مقصود حاصل گردد

قوله تعالی هنالک دعا زکریا الی تفسیر باشد این آیهها نافع است برای هر مرد و زنیکه ایشان را فرزند نشود باید که این آیهها را بنویسند بر دو قطعه از زر و حریر سفید بمشک و زعفران و گلاب در ساعت هفتم روز جمعه در شرفی که نویسنده با طهارت باشد و همین آیهها را در جامی انگبینه بنویسند یا پاره انگبینه محکم بنویسند و بشویند از آب شیرین سه روز آن را مرد و زن بخورند و آن دو نوشته حریر را اول بابریشم سبز ببندند بر گردن خود بندند و دیگر از زن چون بستر خواب خواهند آن نوشتهها را از خود باز کنند و صحبت دارند و غسل کنند و جامها

الکبر بکسر کاف و فتح با و ضمه را زانک نوشتند و دعا رو نمودند حقیقی ایشان را فرزندی رسید کرامت فرماید انشاء الله

۱۲

الملئكة يا مريم ان الله اصطفك وطهرك واصطفك على نساء العالمين ٣٨
فرشتگان ای مریم بدرستیکه خدا برگزیده ترا و پاکیزه کرد ترا و برگزید ترا بر زنان جهانیان
يا مريم اقنتي لربك واسجدي واركعي مع الراكعين ٣٩ ذلك من انباء
ای مریم نیکی کن مر پروردگار ترا و سجده کن مرا و رکوع کن مرا با رکوع کنندگان این از خبرهای
الغيب نوحيه اليك وما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم
پنهانست که وحی میکنیم بسوی تو و نبودی تو نزد ایشان چون انداختند قلمهای شان را که کدام کفیل شوند مریم را
وما كنت لديهم اذ يختصمون ٤٠ اذ قالت الملئكة يا مريم ان الله يبشرك
و نبودی نزد ایشان چون نزاع میکردند چون گفتند فرشتگان ای مریم بدرستیکه خدا مژده میدهد ترا
بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم وجيها في الدنيا والاخرة ومن
بسخنی از او نامش مسیح عیسی پسر مریم است صاحب جاهست در دنیا و آخرت و از
المقربين ٤١ ويكلم الناس في المهد وكهلا ومن الصالحين ٤٢ قالت رب
نزدیکانست و سخن میگوید مردمرا در گهواره و کهولت و از شایستگانست گفت پروردگارا
انى يكون لي ولد ولم يمسسني بشر قال كذلك الله يخلق ما يشاء اذا قضى
از کجا میشود برای من فرزندی و مس نکرده مرا انسانی گفت همچنان میکند خدا میافریند آنچه را میخواهد چون حکم میکند
امرا فانما يقول له كن فيكون ٤٣ ويعلمه الكتاب والحكمة والتورية
کاری را پس جز این نیست میگوید مر او را باش پس میباشد و میاموزد آنرا کتاب و حکمت و تورات
والانجيل ورسولا الى بني اسرائيل اني قد جئتكم باية من ربكم اني اخلق
و انجیل را و پیغمبری بسوی بنی اسرائیل که من بتحقیق آمدم شما را بنشانه از پروردگار شما که من می‌آفرینم
لكم من الطين كهيئة الطير فانفخ فيه فيكون طيرا باذن الله وابرئ الاكمه
برای شما از گل مانند هیئت پرنده پس بدمم در آن پس میشود مرغی باذن خدا و بسازم کور را
والابرص واحي الموتى باذن الله وانبئكم بما تاكلون وما تدخرون في
و پیس را و زنده کنم مردگان را باذن خدا و خبر دهم شما را بآنچه میخورید و آنچه ذخیره میکنید در
بيوتكم ان في ذلك لاية لكم ان كنتم مؤمنين ٤٤ ومصدقا لما بين يدي
خانه های تان بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست اگر بوده باشید گروندگان و تصدیق کننده آنچه پیش من هست
من التورية ولاحل لكم بعض الذي حرم عليكم وجئتكم باية من ربكم
از تورات و تا حلال کنم برای شما بعض آنچه حرام شده بر شما و آمدم شما را بنشانه از پروردگار شما
فاتقوا الله واطيعون ان الله ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم ٤٥
پس بپرهیزید خدا را و فرمان برید مرا بدرستیکه خدا پروردگار من و شماست پس بپرستید او را این است راه راست
فلما احس عيسى منهم الكفر قال من انصاري الى الله قال الحواريون نحن انصار
پس چون احساس کرد عیسی از ایشان کفر گفت کیست یاران من بسوی خدا گفتند حواریون ما هستیم یاران
الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون ٤٦ ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول
خدا گرویدیم بخدا و شهادت ده بانیکه ما مسلمانیم پروردگارا گرویدیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم پیغمبر را

نصف

فاكتبنا مع الشاهدين ٤٧ ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين ٤٨ اذ

قال الله يا عيسى انى متوفيك ورافعك الى ومطهرك من الذين كفروا

وجاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة ثم الى مرجعكم

فاحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون ٤٩ فاما الذين كفروا فاعذبهم

عذابا شديدا فى الدنيا والاخرة وما لهم من ناصرين ٥٠ واما الذين

امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم اجورهم والله لا يحب الظالمين ٥١ ذلك

نتلوه عليك من الايات والذكر الحكيم ٥٢ ان مثل عيسى عند الله كمثل

ادم خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون ٥٣ الحق من ربك فلا تكن من

الممترين ٥٤ فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع

ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل

لعنة الله على الكاذبين ٥٥ ان هذا لهو القصص الحق وما من اله الا

الله وان الله لهو العزيز الحكيم ٥٦ فان تولوا فان الله عليم بالمفسدين ٥٧

قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله و

لا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا

اشهدوا بانا مسلمون ٥٨ يا اهل الكتاب لم تحاجون فى ابرهيم وما انزلت

التورية والانجيل الا من بعده افلا تعقلون ٥٩ ها انتم هؤلاء حاججتم فيما لكم

بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٦٠

بآن دانشی پس چرا مجادله میکنید در آنچه نیست برای شما بآن دانشی وخدا میداند وشما نمیدانید

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ

نبود ابراهیم یهودی ونه نصرانی ولیکن بود حق گرای منقاد ونبود

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ

از مشرکان بدرستیکه نزدیکتر مردم بابراهیم مرآنانند که پیروی کردند اورا واین پیغمبر

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ٢ وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

وآنانکه گرویدند وخدا دوست گروندگانست دوست داشته طایفه از اهل کتاب

لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٣ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

گمراه کنند شما را وگمراه نمیکنند مگر نفسهاشان را ونمیدانند ای اهل کتاب

لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ٤ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ

چرا کافر شوید بآیات خدا وشما گواهانید ای اهل کتاب چرا میپوشید

الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ٥ وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ

حق را بباطل وپنهان میکنید حق را وشما میدانید وگفتند طایفهٔ از اهل

الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ

کتاب بگروید بآنچه فرو فرستاده شد برآنانکه گرویدند اول روز وکافر شوید آخر روز

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٦ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى اللَّهِ

شاید ایشان برگردند ونگروید مگر برای آنکه پیروی شد دین شما را بگو بدرستیکه هدایت هدایت خداست

أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ

اینکه داده میشود یکی مانند آنچه آورده شدید یا حجت آورند شما را نزد پروردگار شما بگو بدرستیکه فضل بدست خداست میدهد

مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٧ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٨

آنکه را میخواهد وخدا گشاینده داناست مخصوص کرد برحمت خود آنرا که میخواهد وخدا صاحب فضل بزرگست

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ

واز اهل کتاب کسی باشد که اگر امین سازی اورا بمال بسیار برسانند بتو واز ایشانست کسی که اگر امین سازی اورا

بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ٩ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ

بدینار نرساند آنرا بتو مگر وقتی که بوده باشد براو ایستاده این بسبب آنست که ایشان گفتند نیست

عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٧٠ بَلَىٰ

بر ما در ناخواندگی راهی ومیگویند بر خدا دروغ وایشان میدانند آری

مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٧١ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ

آنکه وفا کرد بپیمان خویش وپرهیزکرد پس بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزگارانرا بدرستیکه آنانکه میخرند بعهد

اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ

خدا وقسمهای ایشان بهای اندک آنگروه نیست بهرهٔ مرایشانرا در آخرت وسخن نگوید بایشان خدا ونگاه نکند

وارد است
قل ان الفضل بید الله
الی ذوالفضل العظیم این آیه را
در روز پنجشنبه در ساعت
مشتری یا در ساعت زهره
بر پوست آهو نویسند بشرط
آنکه بطهارت باشد ونشسته
در خرقه پیچیده از برای کسی
که نکبت وصاحب دولت بود
هر کس که او را با خود نگاه دارد
حق سبحانه وتعالی او را توفیق توبه
دهد واگر او را در دکان بدارد
کار دکانداری آویزد خیر و
برکت بسیار بظهور آید وآبرو
رزق بر او گشاده گردد واگر
کسی در کاری معطل شده
او را با خود نگاه دارد او را
کاری پیدا شود واگر
زنی که او را با خود دارد
مطلوب ومقصودش
حاصل گردد
انشاء الله

اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم ٧٢ وان منهم لفريقا يلون

بسوی ایشان روز رستخیز و پاک نکند ایشانرا و مر ایشانراست شکنجهٔ دردناک و بدرستیکه از ایشان گروهیست بپیچند

السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب وما هو من الكتاب ويقولون

زبانهاشان بکتاب تا پندارند او را از کتاب و نیست او از کتاب و میگویند

هو من عند الله وما هو من عند الله ويقولون على الله الكذب وهم

او از نزد خداست و نیست او از نزد خدا و میگویند بر خدا دروغ و ایشان

يعلمون ٧٣ ما كان لبشر ان يؤتيه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم

میدانند نباشد برای انسان که بدهد او را خدا کتاب و حکم و پیغمبری پس

يقول للناس كونوا عبادا لي من دون الله ولكن كونوا ربانيين بما كنتم

بگوید مر مردم باشید بندگان برای من از جز خدا ولیکن باشید ربانیان بآنچه بودید

تعلمون الكتاب وبما كنتم تدرسون ٧٤ ولا يامركم ان تتخذوا الملئكة و

که بیاموزانید کتاب را و آنچه بودید که میخواندید و نمیفرماید شما را که بگیرید فرشتگان را و

النبيين اربابا ايامركم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون ٧٥ واذ اخذ الله ميثاق

پیغمبران را پروردگاران آیا امر میکند شما را بکفر بعد از آنکه شما مسلمانید و چون گرفت خدا پیمان

النبيين لما اتيتكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن

پیغمبرانرا چون آمد شما را از کتاب و حکمت پس آمد شما را رسولی تصدیق کننده مرآنچه با شماست بگروند

به ولتنصرنه قال ءاقررتم واخذتم على ذلكم اصري قالوا اقررنا قال

بآن و یاری کنند او را گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آن شما پیمانم را گفتند اقرار کردیم گفت

فاشهدوا وانا معكم من الشاهدين ٧٦ فمن تولى بعد ذلك فاولئك هم

پس گواه باشید و من با شمایم از گواهان پس آنکه پشت کرد بعد از این پس آنها ایشانند

الفاسقون ٧٧ افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعا

نافرمانبرداران آیا پس غیر دین خدا را میجویند و مر او راست اسلام آورد آنکه در آسمانها و زمینست از رغبت

وكرها واليه يرجعون ٧٨ قل امنا بالله وما انزل علينا وما انزل على ابرهيم و

و کراهت و بسوی او باز میگردند بگو گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد بر ابراهیم

اسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى والنبيون من ربهم

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و سبطها و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران از پروردگارشان

لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ٧٩ ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن

و فرق نگذاشتیم میانهٔ یکی از ایشان و ما مر او را منقادانیم و آنکه بجوید غیر اسلام دینرا پس هرگز

يقبل منه وهو في الاخرة من الخاسرين ٨٠ كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم

پذیرد از او و او در آخرت از زیانکارانست چگونه هدایت میکند خدا گروهی را که کافر شدند بعد از ایمانشان

وشهدوا ان الرسول حق وجاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين ٨١

و گواهی دادند که فرستاده حق است و آمد ایشانرا معجزات و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکارانرا

يلون: بفتح یا و سکون لام و ضم واو که اشباع بوده باشد

ثم يقول للناس: بفتح لام يقول که عطفست بر لفظ يؤتيه کنه منصوبست بدان

لما اتيتكم: بفتح لام لما و تخفيف ميم که مشدد نشود و ما موصوله

ومن يبتغ: بفتح یا و بعد از آن باء موحده ساکنه و تاء فوقانیه و بعد غین معجمه از ابتغا بمعنی خواستن نه اتباع بمعنی متابعت

أُولٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللّٰهِ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ٨٢ خَالِدِينَ
آنها اند که جزای ایشان است اینکه برایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه همیشه اند
فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ٨٣ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ
در آن سبک نمیشود از آنها شکنجه و آنها نگاه میکنند مگر آنانکه توبه کردند از
بَعْدِ ذٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٨٤ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ
بعد این و نیکوئی آورند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست بدرستیکه آنانکه کافر شدند بعد از ایمانشان
ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ٨٥ إِنَّ الَّذِينَ
پس افزودند کفر را هرگز پذیرفته نشود توبه آنها و آنها ایشانند آن گمراهان بدرستیکه آنانکه
كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ
کافر شدند و مردند و آنها کافر بودند هرگز پذیرفته نشود از یکی از آنها پر کردن زمین از طلا و اگر
افْتَدَىٰ بِهِ أُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ٨٦ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ
فدا بدهد با آن آنها مر ایشانراست شکنجه پر درد و نیست مر ایشانرا از یاری کنندگان هرگز نیابید نیکی را
حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللّٰهَ بِهِ عَلِيمٌ ٨٧ كُلُّ الطَّعَامِ
تا آنکه انفاق کنید از آنچه دوست میدارید و انفاق میکنید از چیزی پس بدرستیکه خدا بآن داناست همه طعام
كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ
بود باشد حلال مر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام کرد یعقوب بر خودش از پیش آنکه فرو فرستید توراة
قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٨٨ فَمَنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ
بگو پس بیارید توریت پس بخوانید آنرا اگر هستید راستگویان پس آنکه افترا بست بر خدا دروغ را
مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٨٩ قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
از بعد این پس آنها ایشانند ستمکاران بگو راست گفت خدا پس پیروی کنید کیش ابراهیم را
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٩٠ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ
حق گرا را و نبا شد از مشرکان بدرستیکه اول خانه که بنا نهاده برای مردم هر آینه که در مکه است
مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ٩١ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ
خجسته و هدایت مر جهانیانرا در آن آیتهای روشنست مقام ابراهیم و هر که در آمد او را
كَانَ آمِنًا وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ٩٢ وَمَنْ كَفَرَ
باشد ایمن و مر خدا راست بر مردم قصد خانه را هر که توانائی دارد بسویش راهی و اگر کافر شد
فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ٩٣ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ
پس بدرستیکه خدا بی نیاز است از جهانیان بگو ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیتهای خدا
وَاللّٰهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ٩٤ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ
و خدا گواهست بر آنچه میکنید بگو ای اهل کتاب چرا باز میدارید از راه خدا
مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ٩٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
کسی را که ایمان آورد میجوئید از آن کجی و شما گواهانید و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید ای آنانکه

قوله تعالى
لن تنالوا البر الى
علیم این آیه را بنظر پاک
نویسند و بآب جاری بشویند
و بروز اول زنی که آزار
رومی دارد دعای درخت
تاک ریزند سود میوه بسیار
دهد و باخیر و برکت باشد
و اگر این آیه را بر جامه

ربع

مردی ممسک یا بخیلی
بنویسند بگلاب و مشک
بشویند و آن آب را بدو دهند
بنوشد حق سبحانه و تعالی بخل
را از او بردارد و اگر این
آیه را بشیر و خرما بشویند
او را با خود نگاه دارد محب
شود و همه کارهای
خزینه را بوقت ادا نماید
ان شاء الله

آمنوا ان تطیعوا فریقا من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین ۹۶

ای آنانکه ایمان آوردید اگر فرمان برید گروهی را از آنانکه داده شدند کتاب بر گردانند شما را بعد از ایمان تان کافران

وکیف تکفرون وانتم تتلی علیکم آیات الله وفیکم رسوله ومن یعتصم بالله

و چگونه کافر میشوید و شما خوانده میشود بر شما آیتهای خدا و درمیان شماست فرستاده او و هر که چنگ زند بخدا

فقد هدی الی صراط مستقیم ۹۷ یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق

پس بتحقیق هدایت یافته شد بسوی راه راست ای آنانکه گرویدید بپرهیزید خدا را حق

تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون ۹۸ واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا

پرهیزگاری و نمیرید مگر و شما مسلمانید و چنگ زنید بریسمان خدا همه و نه

تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم

متفرق شوید و یاد کنید نعمت خدا بر شما چون بودید دشمنان پس الفت داد میان دلهای شما

فاصبحتم بنعمته اخوانا ۹۹ وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها

پس گردیدید بنعمت او برادران و بودید بر کنار مغاک از آتش پس رهانید شما را از آن

کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون ۱۰۰ ولتکن منکم امة یدعون

همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات خود را شاید که راه یابید و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند

الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئک هم المفلحون ۱۰۱

بسوی خیر و امر کنند بنیکی و نهی کنند از زشتی و آنگروه ایشانند رستگاران

ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البینات واولئک

و نباشید مانند آنانکه متفرق شدند و اختلاف کردند بعد از آنکه آمد ایشان را معجزات و ایشان

لهم عذاب عظیم ۱۰۲ یوم تبیض وجوه وتسود وجوه فاما الذین اسودت

مر ایشانراست عذاب بزرگ روزیکه سفید شود رویها و سیاه شود رویها پس اما آنانکه سیاه گردد

وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون ۱۰۳ و

رویهای ایشان آیا کافر شدید بعد از ایمان تان پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید که کافر میشدید و

اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون ۱۰۴ تلک

اما آنانکه سفید گردد رویهای ایشان پس در رحمت خدا ایشان در آن جاوید باشند اینست

آیات الله نتلوها علیک بالحق وما الله یرید ظلما للعالمین ۱۰۵ ولله ما فی

آیتهای خدا که میخوانیم آنرا بر تو براستی و نیست خدا که اراده کند ستم را بر جهانیان و مر خدا راست آنچه

السموات وما فی الارض والی الله ترجع الامور ۱۰۶ کنتم خیر امة اخرجت

در آسمانها و آنچه در زمینست و بسوی خدا بر میگردد کارها هستید بهترین گروهی که بیرون کرده شد

للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله ولو

از برای مردم امر میکنید بنیکی و باز میدارید از زشتی و میگروید بخدا و اگر

آمن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون واکثرهم الفاسقون ۱۰۷

ایمان آوردند اهل کتاب هر آینه باشد بهتر برای ایشان از ایشان گروندگان و بیشترین ایشان نافرمانبردارانند

قوله تعالی واعتصموا الی آخر ... ۱۲

قوله تعالی کنتم خیر امة اخرجت ... که شیعیان ... ۱۲

لَنْ يَضُرُّوكُمْ اِلَّا اَذًى وَاِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ١٠٨
هرگز ضرر نمیرسانند شما را مگر اندکی و اگر کارزار کنند شما را میگردانند پشتها شما را پس یاری کرده نشوند

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَمَا ثُقِفُوا اِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاؤُ
زده شد برانها خواری هر کجا یافت شوند مگر بتمسکی از خدا و تمسکی از مردم و باز گشتند

بِغَضَبٍ مِنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاٰيَاتِ
بخشم از خدا و زده شد برانها بیچارگی این بسبب آنست که انها بودند که کافر میشدند بآیات

اللّٰهِ وَيَقْتُلُونَ الْاَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ١٠٩ لَيْسُوا
خدا و میکشتند پیغمبرانرا بناحق این بسبب آنست که نافرمانی کردند و بودند تجاوز کننده گان نیستند

سَوَاءً مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ اٰيَاتِ اللّٰهِ اٰنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ
یکسان از اهل کتاب گروهی ایستاده که میخوانند آیات خدا را اطراف شب و انها

يَسْجُدُونَ ١١٠ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
سجده میکنند میگروند بخدا و روز آخرت و امر میکنند بخوبی و باز میدارند

عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَاُولٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ١١١ وَمَا يَفْعَلُوا
از زشتی و میشتابند در خیرات و انها از شایستگانند و آنچه میکنند

مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ١١٢ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ
از خیر پس هرگز ناسپاسی نکنند و خدا داناست بپرهیزگاران بدرستیکه آنانکه کافر شدند هرگز کفایت نکند

عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَاُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
از آنها مالهاشان و نه فرزندانشان از خدا چیزیرا و آنها یاران آتش آنها در ان

خَالِدُونَ ١١٣ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هٰذِهِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ
همیشه اند مثل آنچه انفاق میکنند در این زندگی دنیا مانند مثل بادیست که باشد در ان سرما

اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَاَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ
سخت که برسد بکشت زار گروهی که ستم کردند خود بشانرا پس هلاک کردم او را و ستم نکرد انها را خدا و لیکن

اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١١٤ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا
خود بشانرا ستم میکردند ای آنانکه گرویدید مگیرید همراز از غیر خودتان

يَاْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي
نمیکنند کوتاهی شما را فساد دوست داشتند آنچه شما را برنجیت از همه شد دشمنی از دهنهاشان و آنچه پنهان شد

صُدُورُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيَاتِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ١١٥ هَا اَنْتُمْ اُولَاءِ
سینهاشان بزرگتر بتحقیق بیان کردیم برایتان آیات را اگر باشید که دریابید آگاه باشید آنها یند

تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَاِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا اٰمَنَّا وَاِذَا
دوست دارید انها را و دوست نمیدارند شما را و میگروید بکتاب همه اش و چون ملاقات کردند شما را گفتند گرویدیم و چون

خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْاَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ
خلوت کردند گزیدند بر شما سر انگشتانرا از خشم بگو بمیرید بخشم خودتان بدرستیکه خدا داناست

وَتَعَالىٰ لَنْ يَضُرُّوكُمْ اِلَّا اَذًى ... يَعْتَدُونَ این آیت را در ساعت ششم از روز دوشنبه نقش کند بر شمشیر یا شبه نیزه یا بر خودی که بر سر نهند یا بر سپر یا بر سر چوب یا چیزی از آلات حرب بشرطی که شخص روزه دار بوده و با طهارت بوده هر کس این سلاح با او بود بر دشمن ظفر یابد و او را بهزیمت اندازد و از مکر و کید دشمن ایمن بود انشاء الله

اُولَاءِ یا اشباع یعنی اشباع نشود

بذات

بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۱۶ اِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا
بحقیقت سینها اگر برسد شمارا نیکی بد بیاید آنهارا واگر برسد شما را بدی شاد میشوند

وَاِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۱۱۷
بآن واگر صبر کنید و پرهیزید ضرر نرساند مکرشان شمارا اگرچه چیزی بدرستیکه خدا بآنچه میکنند احاطه کننده است

وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ
و چون بیرون رفتی از اهل خود آماده ساختی گروندگان را در نشیمنها برای کارزار و خدا شنونده

عَلِيمٌ ۱۱۸ اِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
داناست چون قصد کردند دو طایفه از شما اگر بددلی کنند و خدا دوست ایشان است و بر خدا پس توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ ۱۱۹ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ
گروندگان و هرآینه بحقیقت یاری کرد شما را خدا ببدر و شما بودید خواران پس بپرهیزید خدارا شاید شما

تَشْكُرُونَ ۱۲۰ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ
شکر کنید چون گفت مر گروندگان را آیا کفایت نکند شمارا اینکه امداد کند شمارا پروردگار شما بسه

اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُنْزَلِينَ ۱۲۱ بَلٰى اِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَاْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ
هزار از فرشتگان مقرب آری اگر صبر کنید و پرهیزید و بیایند شمارا از فورشان

هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُسَوِّمِينَ ۱۲۲ وَمَا جَعَلَهُ
اینجا امداد میکند شمارا پروردگار شما بپنج هزار از فرشتگان نشان کننده و نگردانید آنرا

اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ
خدا مگر مژده برای شما و تا آرام گیرد دلهای شما بآن و نیست نصرت مگر از نزد خدا غالب

الْحَكِيمِ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ۱۲۳
درست کردار تا جدا کند پاره از آنکه کافر شدند یا نگون کند آنها را پس برگردند ناامیدان

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ۱۲۴
نیست مر ترا از کار چیزی یا در پذیرد بر ایشان یا شکنجه کند آنها را پس بدرستیکه آنها ستمکاراند

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ
و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین می آمرزد آنرا که میخواهد و شکنجه میکند آنرا که میخواهد و خدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۲۵ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوا الرِّبٰوا اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ
آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید نخورید ربا را بزیادتیهای افزوده شده

اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۲۶ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي اُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَ
و پرهیزید خدارا شاید شما رستگار شوید و پرهیزید آتش را که مهیا شد مر کافران را و

اَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۲۷ وَسَارِعُوا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ
فرمانبرید خدا و رسول را شاید شما رحم کرده شوید و بشتابید بسوی آمرزش از پروردگارتان

وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۱۲۸ اَلَّذِينَ يُنْفِقُونَ
و بهشتی که پهنایش آسمانها و زمینست آماده شد مر پرهیزگاران را آنانکه انفاق میکنند

تَسُوْهُمْ بضم سین و سکون همزه

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا سبب نزولش آن بود که جمعی از صحابه با یهود دوستی داشتند بعد از اسلام نیز بعهد قدیم رسم آشنائی را فراموش نمیکردند خدای تعالی ایشانرا نهی فرمود از آمیزش و آشنائی وآیه وافی هدایت در این باب نازل شد

قوله تعالی اذ همت الی قوله الحکیم این آیت را در بعد نماز جمعه نویسد ... باشد و چون نماز صبح ... رسیده ... ذکر و تسبیح و تهلیل مشغول باشد و چون آفتاب ...

اَوْ يَكْبِتَهُمْ بعد از کاف با یک نقطه است و بعد از تا دو نقطه است بمعنی نگون ساز کردنست

الرِّبٰوا بکسر را بعد سکون با

خواص

... دو رکعت نماز گزارد و در رکعت اول فاتحه و آیه الکرسی یکبار بخواند و در رکعت دوم فاتحه و آمن الرسول بخواند تا آخر سوره و چون سلام دهد هفت بار استغفار کند و هفت بار ... حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم

في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس والله يحب

المحسنين ١٢٩ والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله

فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب إلا الله ولم يصروا على ما فعلوا

وهم يعلمون ١٣٠ أولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها

الأنهار خالدين فيها ونعم أجر العاملين ١٣١ قد خلت من قبلكم سنن

فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين ١٣٢ هذا بيان

للناس وهدى وموعظة للمتقين ١٣٣ ولا تهنوا ولا تحزنوا وأنتم

الأعلون إن كنتم مؤمنين ١٣٤ إن يمسسكم قرح فقد مس القوم قرح

مثله وتلك الأيام نداولها بين الناس وليعلم الله الذين آمنوا ويتخذ

منكم شهداء والله لا يحب الظالمين ١٣٥ وليمحص الله الذين آمنوا ويمحق

الكافرين ١٣٦ أم حسبتم أن تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا

منكم ويعلم الصابرين ١٣٧ ولقد كنتم تمنون الموت من قبل أن تلقوه فقد

رأيتموه وأنتم تنظرون ١٣٨ وما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل

أفإن مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر

الله شيئا وسيجزي الله الشاكرين ١٣٩ وما كان لنفس أن تموت إلا بإذن

الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها ومن يرد ثواب الآخرة

ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ۱۴۵ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ

دهیمش از آن و زود جزا دهیم شکرگزاران را و بسا از پیغمبری که کارزار کرد با او سپاهیان بسیار

فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ

پس سستی نکردند مر آنچه رسید ایشان را در راه خدا و ضعیف نشدند و فروتنی نکردند و خدا

يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۱۴۶ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ

دوست میدارد صابران را و نبود گفتار ایشان مگر آنکه گفتند پروردگارا بیامرز برای ما گناهان ما را و

إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ

از حد گذراندن ما را در کار ما و پایدار کن قدمهای ما را و نصرت ده ما را بر گروه کافران پس داد ایشان را خدا

ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۴۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ثواب دنیا و نیکوئی ثواب آخرت و خدا دوست میدارد نیکوکاران را ای آنان که گرویدید

آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۱۴۸

گرویدید اگر فرمان برید آنان را که کافر شدند باز میگردانند بر پاشنهها تان پس برمیگردید زیانکاران

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ۱۴۹ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه خدا یاور شماست و او بهترین یاری کنندگانست زود میاندازیم در دلهای آنان که کافر شدند

الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ

ترس را بآنچه شریک آوردند بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن برهانی و جای ایشان آتش است و بد است آرامگاه

مَثْوَى الظَّالِمِينَ ۱۵۰ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى

آرامگاه ستمکاران و هر آینه بتحقیق که راست گردانید وعده اش چون هلاک میکردید ایشان را باذن او تا

إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ ۱۵۱ مِنكُم

وقتیکه بددلی کردید و منازعه نمودید در کار و نافرمانی کردید از بعد آنچه نمود شما را آنچه دوست میداشتید از شما

مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا

هر که میخواهد دنیا را و از شما هست که میخواهد آخرت را پس گردانید شما را از ایشان تا بیازماید شما را و هر آینه بتحقیق در گذشت

عَنكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۱۵۲ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ

از شما و خدا صاحب فضلست بر گروندگان چون دور میرفتید و نمی ایستادید برای احدی

وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا

و فرستاده میخواند شما را در عقب شما پس جزا داد شما را اندوهی باندوهی تا اندوهگین نشوید بر آنچه گذشت شما را و

أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۵۳ ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا

رسید شما را و خدا آگاهست بآنچه میکنید پس فرود فرستاد بر شما از بعد اندوه ایمنی پینکی

يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ

میگرفت طایفه را از شما و طایفه که بتحقیق بغم انداخته ایشان را نفسهای ایشان گمان میبردند بخدا بدون حق گمان جاهلیت

يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم

میگفتند آیا باشد ما را از کار هیچ چیز بگو بدرستیکه کار همه اش برای خداست پنهان دارند در خود آن

تلوون بفتح تا و فوقانیه و سکون لام و ضمه واو یعنی التفات و توقف

مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ
آنچه آشکار نمیکنند برایت میگویند اگر بود برای ما از کار چیزی کشته نمیشدیم در اینجا بگو اگر
كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ
بودید در خانهای تان هر آینه بیرون میآمدند آنانکه نوشته شد برایشان کارزار بخوابگاهشان و تا بیازماید خدا
مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ١٤٩ إِنَّ
آنچه در سینهای شماست و تا خالص کند آنچه در دلهای شماست و خدا داناست بحقیقت سینهها بدرستیکه
الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا
آنانکه پشت گردانیدند از شما روزیکه روبرو شدند دو گروه جز این نیست که لغزانید ایشانرا شیطان ببرخی آنچه
كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ١٥٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
کسب کردند و هر آینه بتحقیق درگذشت خدا از ایشان بدرستیکه خدا آمرزنده بردبار است ای آنانکه گرویدید
لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا
نباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند مر برادرانشان را چون سفر میکردند در زمین یا بودند
غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ
جنگ کنندگان اگر بوده باشند نزد ما نمیمردند و کشته نمیشدند تا بگرداند خدا آنرا حسرت در دلهایشان
وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١٥١ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
و خدا زنده میکند و میمیراند و خدا بآنچه میکنید بیناست و هر آینه اگر کشته شدید در راه خدا
أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ١٥٢ وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى
یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و رحمتی است بهتر از آنچه جمع میکنند و هر آینه اگر مردید یا کشته شدید هر آینه
اللَّهِ تُحْشَرُونَ ١٥٣ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
بسوی خدا حشر کرده شوید پس برحمتی از خدا نرمی کردی برایشان و اگر بودی بدخوی سخت دل
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا
هر آینه پراکنده شدند از حوالی تو پس درگذر از ایشان و آمرزش بخواه برایشان و مشورت کن ایشانرا در کار پس چون
عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ١٥٤ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ
عزم کردی پس توکل کن بر خدا بدرستیکه خدا دوست میدارد توکل کنندگانرا اگر یاری دهد شما را خدا پس نیست غالب
لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١٥٥ وَمَا
برای شما و اگر واگذارد دست شما را پس کیست آنکه یاری کند شما را از بعدش و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان و نسزد
كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
مر پیغمبر را اینکه خیانت کند و آنکه خیانت کند بیاید بآنچه خیانت کرده روز رستخیز پس داده شود بر هر نفسی آنچه کسب کرده
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٥٦ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ
و آنها ستم کرده نشوند آیا پس آنکه پیروی شد خشنودی خدا را مانند آنست که بازگشت بخشمی از خدا و جایش جهنم است
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٥٧ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٥٨ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ
و بد بازگشتنی است ایشان را مرتبه هاست نزد خدا و خدا بیناست بآنچه میکنند هر آینه بتحقیق که منت نهاد

قوله تعالی وما کان لنبی ان یغل منقول است که [illegible] ١٢

علي

علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم ایاته ویزکیهم
بر گروندگان چون برانگیخت در ایشان پیغمبری از خود ایشان میخواند بر ایشان آیتهای او را و پاک کرد ایشان را
ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین ۱۵۹
و آموزد ایشان را کتاب و حکمت و اگرچه بودند از پیش هرآینه در گمراهی آشکار
اولما اصابتکم مصیبة قد اصبتم مثلیها قلتم انی هذا قل هو من عند
آیا چون رسید شما را مصیبتی بتحقیق که رسانیده بودید شما دو چندان گفتید از کجا بود این بگو او از نزد
انفسکم ان الله علی کل شیء قدیر ۱۶۰ وما اصابکم یوم التقی الجمعان
خود هاتان بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست و آنچه رسید شما را روزیکه روبرو شدند دو گروه
فباذن الله ولیعلم المؤمنین ولیعلم الذین نافقوا وقیل لهم تعالوا قاتلوا
پس باذن خدا و تا بداند گروندگان را و تا بداند آنانکه نفاق کردند و گفته شد مر ایشانرا که بیائید کارزار کنید
فی سبیل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناکم هم للکفر یومئذ
در راه خدا یا دفع کنید گفتند اگر بدانستیم کارزار را هر آینه پیروی میکردیم شما را ایشان مر کفر را آن روز
اقرب منهم للایمان ۱۶۱ یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم والله اعلم
نزدیکترند از ایشان برای ایمان میگویند بدهانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان و خدا داناتر است
بما یکتمون ۱۶۲ الذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل
بآنچه پنهان میکنند آنانکه گفتند مر برادران را و نشستند اگر فرمان برده بودند ما را کشته نمیشدند بگو
فادرءوا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین ۱۶۳ ولا تحسبن الذین قتلوا فی
پس دور کنید از خود هاتان مرگ را اگر هستید راستگویان و مپندار البته آنانرا که کشته شدند در
سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون ۱۶۴ فرحین بما اتاهم الله من
راه خدا مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگار ایشان روزی داده میشوند شادمانند بآنچه داد آنها را خدا از
فضله ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم
فضلش و شادمانی میکنند بآنانکه ملحق نشده اند بایشان از پس ایشان نیست ترسی بر ایشان و نیست ایشان
یحزنون ۱۶۵ یستبشرون بنعمة من الله وفضل وان الله لا یضیع اجر المؤمنین ۱۶۶
اندوهگین شوند شادمانی میکنند بنعمت از خدا و افزونی و بدرستیکه خدا ضایع نمیکند مزد گروندگان را
الذین استجابوا لله والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذین احسنوا منهم
آنانکه اجابت کردند مر خدا را و رسول را از بعد آنچه رسید ایشانرا جراحت مر آنانرا که نیکی کردند از ایشان
واتقوا اجر عظیم ۱۶۷ الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم
و ترسیدند مزد بزرگ است آنانکه گفت مر ایشانرا مردم بدرستیکه مردم بتحقیق گرد آمدند برای شما پس بترسید از ایشان
فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل ۱۶۸ فانقلبوا بنعمة من الله وفضل
پس افزود ایشانرا ایمان و گفتند کفایت میکند ما را خدا و نیکو وکیلست پس برگردیدند بنعمتی از خدا و فضلی
لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم ۱۶۹ انما ذلکم
که مس نکرد ایشانرا بدی و پیروی کردند خوشنودی خدا را و خدا صاحب فضل بزرگ است جز این نیست

قوله تعالی ثم ولا تحسبن الذین الی اخر المؤمنین این آیه را در شب نوروز سلطانی بر جزو صفحه از آهن بنویسند و بآب باران بشویند و آب را بعد از تحصیل بخورد بتحصیل صحت [illegible] و صلاح و ورع و تقوی او را حاصل و دلیر گردد والسلام ۱۲

فادرءوا بصیغه جمع یعنی بالاشباع

نصف من ربع

قوله تعالی الذین قال لهم الی عظیم این آیه را بر پوست آهو بنویسند و در زیر نگین خاتم نهند هر که انگشتر در انگشت کند یا با خود نگاه دارد چون بر پادشاهی یا حاکمی رود خدای تعالی صدمه ترس از دفع نماید و در نظر ایشان عزیز گردد والسلام

الشيطان يخوف اوليآءه فلا تخافوهم وخافون ان كنتم مؤمنين ١٧٠ و
شیطان میترساند دوستانش را پس مترسید از ایشان و بترسید مرا اگر هستید گروندگان
لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم لن يضروا الله شيئا يريد الله
محزون نکنند ترا آنانکه میشتابند در کفر بدرستیکه ایشان هرگز ضرر نرسانند خدا را چیزی میخواهد خدا
الا يجعل لهم حظا في الاخرة ولهم عذاب عظيم ١٧١ ان الذين اشتروا الكفر
اینکه نگرداند برای ایشان بهره در آخرت و مر ایشان راست عذاب بزرگ بدرستیکه آنانکه خریدند کفر را
بالايمان لن يضروا الله شيئا ولهم عذاب اليم ١٧٢ ولا يحسبن الذين كفروا
بایمان هرگز ضرر نرسانند خدا را چیزی و مر ایشان راست عذاب دردناک و نپندارند آنانکه کافر شدند
انما نملي لهم خير لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين ١٧٣
که مهلت دهیم ایشان را بهتر است برای خود باشد جز این نیست که مهلت دهیم ایشان را تا زیاد کنند گناه و مر ایشان راست عذاب خوار کننده
ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب ١٧٤
نمیباشد خدا که گذارد گروندگان را بر آنچه شما هستید بر آن تا جدا سازد پلید را از پاکیزه
وما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء فامنوا
و نیست خدا که آگاه کند شما را بر نهان ولیکن خدا برمیگزیند از پیغمبران او آنرا که بخواهد پس بگروید
بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم اجر عظيم ١٧٥ ولا يحسبن الذين
بخدا و فرستادگانش و اگر بگروید و بپرهیزید پس مر شما راست مزد بزرگ و نپندارند آنانکه
يبخلون بما اتيهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم ١٧٦ سيطوقون
بخل میکنند بآنچه داد آنها را خدا از فضلش او بهتر است برایشان بلکه او شر است برایشان زود طوق کرده شوند
ما بخلوا به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض والله بما تعملون
آنچه بخل کردند بآن روز رستخیز و برای خداست میراث آسمانها و زمین و خدا بآنچه میکنید
خبير ١٧٧ لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء سنكتب
آگاه است بدرستیکه شنید خدا گفتار آنانکه گفتند بدرستیکه خدا محتاج است و ما بی نیازانیم زود بنویسیم
ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ١٧٨ ذلك
آنچه گفتند و کشتن ایشان پیغمبران را بناحق و میگوئیم بچشید عذاب سوزان را این
بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد ١٧٩ الذين قالوا ان الله عهد
بسبب آنست که پیش داشت دستهاتان و آنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را آنانکه گفتند بدرستیکه خدا پیمان کرد
الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تاكله النار ١٨٠ قل قد جاءكم رسل
با ما که نگرویم مر رسولی را تا آورد برای ما قربانی که بخورد آنرا آتش بگو بتحقیق آمد شما را رسولان
من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين ١٨١ فان كذبوك
پیش از من با معجزات و بآنچه گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راستگویان پس اگر تکذیب کنند ترا
فقد كذب رسل من قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتاب المنير ١٨٢ كل نفس
پس بتحقیق تکذیب کرده شد رسولان پیش از تو آمدند با معجزات و زبورها و کتاب روشن همه نفسی

ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَاِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُوْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ

چشنده مرگ است و جز این نیست که داده شوید تمام مزدهاتان را روز رستخیز پس هر که دور کرده شد از آتش و

اُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْرِ ۱۸۳ لَتُبْلَوُنَّ فِيْٓ

در آورده شد بهشت را پس بتحقیق برسید و نیست زندگی دنیا مگر بهره فریب هر آینه آزموده شوید در

اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْٓا

مالهای تان و خودهاتان و تا بشنوید از آنانکه داده شدند کتاب را پیش از شما و از آنانکه شرک آوردند

اَذًى كَثِيْرًا وَاِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ۱۸۴ وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ

آزار بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزگاری کنید پس بدرستیکه این از عزم کارهاست و چون گرفت خدا

مِيْثَاقَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهٗ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُوْنَهٗ فَنَبَذُوْهُ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ

پیمان آنانرا که داده شدند کتاب را که البته بیان کنید او را برای مردم و نا پوشید او را پس انداختند او را پس پشتهاشان

وَاشْتَرَوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُوْنَ ۱۸۵ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ

و خریدند بآن بهای اندک پس بدست آنچه میخرند مپندارند آنانکه شاد میشوند

بِمَآ اَتَوْا وَّيُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ

بآنچه داده اند و دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه نکردند پس مپندار ایشانرا برستگاری از شکنجه

وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۱۸۶ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

و مر ایشانراست شکنجه پر درد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز

قَدِيْرٌ ۱۸۷ اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰيٰتٍ

تواناست بدرستیکه در آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز هر آینه آیتهاست

لِّاُولِي الْاَلْبَابِ ۱۸۸ الَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِهِمْ وَ

برای صاحب خردها آنانکه یاد میکنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهاشان و

يَتَفَكَّرُوْنَ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ

فکر میکنند در آفرینش آسمانها و زمین پروردگارا نیافریدی آنرا بیهوده پاکی تو

فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۱۸۹ رَبَّنَآ اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ

پس نگهدار مارا از شکنجه آتش پروردگارا بدرستیکه هر که را در میآوری در آتش پس بتحقیق رسوا کردی او را و نیست ستمکاران را

مِنْ اَنْصَارٍ ۱۹۰ رَبَّنَآ اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ

هیچ یاری کننده پروردگارا بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد برای ایمان اینکه بگروید بپروردگارتان

فَاٰمَنَّا ۱۹۱ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ ۱۹۲

پس گرویدیم پروردگارا پس بیامرز برای ما گناهان ما را و باز دار از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان

رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

پروردگارا و بده مارا آنچه وعده کردی مارا بر رسولانت و خوار مکن مارا روز رستخیز بدرستیکه تو خلاف نمیکنی

الْمِيْعَادَ ۱۹۳ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنِّيْ لَآ اُضِيْعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ

وعده را پس اجابت کرد مر ایشانرا پروردگارشان که من ضایع نگذارم کار کار کننده از شما از مردی

قوله تعالی ان فی خلق السموات الی المیعاد در ترغیب خواندن این آیات در مداومت نماز از علی قدس سره که هر که برای خواندن این آیات بیدار شد و از شر دنیا و آخرت ایمن گردد و اگر در ظرف چینی پاک بنویسد و باب زمزم بشوید و بخورد آنکه صاحب خیر تواند کردن چون از آن بخورد و سر وقت باشد تواند برخاست بوقت سحر

لِاُولِی بکسر لام و ضمه همزه بعد واو و کسر لام یا جزم

أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ ۱۹۴ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا
یا زنی برخی شما از برخی پس آنانکه هجرت کردند و بیرون رانده شدند از خانهاشان و رنجیده شدند
فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
در راه من و کارزار کردند و کشته شدند هر آینه میپوشم از ایشان بدیهاشانرا و هر آینه در آورم ایشانرا در بهشتها که میرود
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۱۹۵ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۱۹۶ لَا
از زیر آنها جویها پاداش از نزد خداست و خدا نزد اوست نیکی پاداش نه
يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ
فریبد ترا رفت و آمد آنانکه کافر شدند در شهرها بهره اندک پس جایشان جهنم است و بد
الْمِهَادُ ۱۹۷ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
بستریست لیکن آنانکه پرهیز کردند پروردگارشانرا ایشانراست بهشتها که میرود از زیر آنها جویها همیشه اند
فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ۱۹۸ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
در آن نزولی از نزد خدا و آنچه نزد خداست بهتر است برای خوبان و بدرستیکه از اهل کتاب
لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ
هر آینه کسیست که میگرود بخدا و آنچه فرو فرستاده شد و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ایشان خشوع کنندگان برای خدا نمیخرند بآیات
اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۱۹۹ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۲۰۰
خدا بهای اندک آنگروه مر ایشانراست مزدشان نزد پروردگارشان بدرستیکه خدا زود حسابست
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
ای آنانکه گرویدید صبر کنید و شکیبائی ورزید و آماده باشید و بپرهیزید خدا را شاید شما رستگار شوید

سورة النساء مائة وست وسبعون آية وهي مدنية

نزلت بعد الممتحنة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا
ای مردم بپرهیزید پروردگارتانرا که آفرید شما را از نفسی تنها و آفرید از آن
زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ
جفتش را و پراکنده کرد از آندو مردان بسیار را و زنان را و بپرهیزید خدا را که پرسیده میشود بآن
وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۲ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا
و رحمها بدرستیکه خدا باشد بر شما نگهبان و بدهید یتیمانرا مالهاشانرا و بدل مسازید
الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۳
پلید را بپاکیزه و مخورید مالهاشانرا با مالهای خودتان بدرستیکه آن باشد گناهی بزرگ
وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ
و اگر ترسیدید آنکه عدالت نورزید در یتیمان پس نکاح کنید آنچه پاکست برای شما از زنان دوتا و سه تا

[illegible]

خبر

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هر که سوره نساء را بخواند [illegible] از حضرت امام جعفر صادق روایت است [illegible] مقصود حاصل گردد

وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا
وچهار تا — پس اگر بترسید که عدالت نورزید پس یکی — یا آنچه را مالک شد دستهای شما آن نزدیکتر است که
تَعُولُوا ۳ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا
عیالبار نشوید — و بدهید زنان را مهرشانرا — واجب — پس اگر بخوشی گذشتند برای شما از چیزی از آن بخودی
فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا ۴ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
پس بخورید آنرا سازگار گوار — و ندهید بیخردانرا — مالهای آن را که گردانید خدا برای شما
قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۵ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ
مایه تعیش — و روزی دهید ایشانرا از آن و بپوشانید از آنها و گوئید برای ایشان گفتار خوب — و بیازمائید یتیمانرا
حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَ
تا چون برسند — بنکاح — پس اگر یافتید از آنها رشدی — پس تسلیم کنید بسوی آنها — مالهاشانرا و
لَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ
نخورید آنرا — از راه اسراف و پیشگیری — اینکه بزرگ شوند — و آنکه باشد بی‌نیاز — پس باید که اقناع کند
مَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۶ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا
و آنکه باشد محتاج — پس باید بخورد بخوبی — پس چون تسلیم کردید بآنها — مالهاشانرا پس گواه بگیرید
عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ۷ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ
برآنها — و بس است خدا محاسب — مر مردانرا بهره ایست از آنچه گذاشتند پدر و مادر و نزدیکان
وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا
و مر زنانرا — بهره ایست از آنچه گذاشتند پدر و مادر — و نزدیکان — از آنچه کم باشد از او یا بسیار بهره
مَّفْرُوضًا ۸ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ
فرض کرده شده — و چون حاضر آیند قسمت را — صاحبان قرابت و یتیمان — و بیچارگان
فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۹ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ
پس روزی دهید ایشانرا از آن — و بگوئید برایشان گفت خوب — و باید بترسند آنانکه اگر بگذارند از عقبشان
ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۱۰ إِنَّ
فرزندان عاجز — بیم دهنده اند برآنها — پس باید بپرهیزند خدارا و باید بگویند گفتار درست — بدرستیکه
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ
آنانکه میخورند — مالهای — یتیمانرا از راه ستم جز این که میخورند — در شکمهاشان آتش و
سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۱۱ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ
بزودی انداخته شوند در آتش افروخته — سفارش میکند شما را خدا در فرزندان شما برای مذکر باشد مانند بهره دو مونث
فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
پس اگر باشند زنان بالای دو تا — پس برای ایشانست ثلث آنچه گذاشته شد — و اگر باشد یکی پس برای اوست
النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ
نصف — و مر والدین میت را برای هر یک — از آن دو شش یک — از آنچه گذاشت اگر باشد برایش فرزندی

صدقاتهن بضمه دال

قوله تعالی ان الذین یاکلون سبب نزول آن بود که حکم خوردن مال یتیم مطلقا که از این مفهوم میشود مشابه آیه که بالا گذشت از آن مستفاد میشود ولی مراد آنکه سبب نزولش آنست که کسی مال بسیاری یتیمی که کسی در دست اوست فرزند یتیم او بعدری تعدی میکرد در این باب آیه نازل شد والسلام

قوله تعالی یوصیکم الله الی واسع علیم حکیم سبب نزولش این بود که عتبة بن حصین فزاری بمیراث کودکان و زنان راضی نشد و گفت من میراث نمیدهم الا کسی که برپشت مرکب نشسته ... تا آنکه حق تعالی در این باب ملحو آیه نازل شد والسلام

فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ
پس اگر نباشد برای او فرزندی و میراث برند پدر و مادرش پس برای مادرش سه یک پس اگر باشد برای او برادران پس برای مادرش
السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ
شش یک بعد از وصیتی که وصیت کرده است یا قرض پدران شما و پسران شما نمی‌دانید
أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٣ وَلَكُمْ
کدام ایشان نزدیکتر است برای شما سود دادن فرض کرده شده از خدا بدرستیکه خدا باشد داننده درست کردار و برای شماست
نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ
نصف آنچه گذاشتند جفتهای شما اگر نباشد برای ایشان فرزندی پس اگر باشد برای ایشان فرزندی پس برای شماست
الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٤ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا
چهار یک از آنچه گذاشتند از بعد وصیتی که وصیت کرده باشند یا قرض و برای ایشان است چهار یک آنچه
تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ
گذاشتید اگر نباشد برای شما فرزندی پس اگر باشد برای شما فرزندی پس برای ایشان است هشت یک از آنچه گذاشتید از بعد
وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٥ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ
وصیتی که وصیت کرده‌اید بآن یا قرض و اگر باشد مردی که میراث برده شود بی پدر و مادر یا زنی
وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ
و مر او راست برادر یا خواهر پس برای هر یک از ایشان است شش یک پس اگر باشند بیشتر از این
فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٦ غَيْرَ مُضَارٍّ
پس ایشان شریکانند در سه یک از بعد وصیتی که وصیت کرده شد یا قرض نه ضرر رساننده
وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ١٧ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَ
وصیتی از خدا و خدا داننده بردبار است اینست حدهای خدا و هر که فرمان برد خدا را و
رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ
رسولش را درآید او را بهشتها که میرود از زیر آن جویها همیشه‌اند در آن و آن
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٨ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا
رستگاری بزرگ است و کسی که نافرمانی کند خدا و رسولش را و بگذرد از حدهای او درآید او را در آتش همیشه است
فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ١٩ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا
در آن و مر او راست شکنجه خوار کننده و زنانیکه بجا آرند بکار زشت از زنان شما پس گواه خواهید
عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ
بر ایشان چهار را از شما پس اگر گواهی دهند پس نگاه دارید ایشان را در خانه‌ها تا آنکه دریابد ایشان را مرگ
أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ٢٠ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَ
یا بگرداند خدا برای ایشان راهی و آنکه از مرد و زن بجا آرند آن را از شما پس آزار کنید ایشان را پس اگر توبه کنند
أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ٢١ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ
و بسازند پس اعراض کنید از آنها بدرستیکه خدا باشد پذیرنده مهربان جز این نیست که پذیرفتن توبه است مرانانکه

يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فأولئك يتوب الله عليهم و

كان الله عليما حكيما ٢٢ وليست التوبة للذين يعملون السيئات حتى إذا

حضر أحدهم الموت قال إني تبت الآن ولا الذين يموتون وهم كفار أولئك

أعتدنا لهم عذابا أليما ٢٣ يا أيها الذين آمنوا لا يحل لكم أن ترثوا النساء

كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن إلا أن يأتين بفاحشة

مبينة وعاشروهن بالمعروف فإن كرهتموهن فعسى أن تكرهوا شيئا و

يجعل الله فيه خيرا كثيرا ٢٤ وإن أردتم استبدال زوج مكان زوج و

آتيتم إحداهن قنطارا فلا تأخذوا منه شيئا أتأخذونه بهتانا وإثما مبينا ٢٥

وكيف تأخذونه وقد أفضى بعضكم إلى بعض وأخذن منكم ميثاقا

غليظا ٢٦ ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء إلا ما قد سلف إنه كان

فاحشة ومقتا وساء سبيلا ٢٧ حرمت عليكم أمهاتكم وبناتكم وأخواتكم

وعماتكم وخالاتكم وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتكم اللاتي

أرضعنكم وأخواتكم من الرضاعة وأمهات نسائكم وربائبكم اللاتي في

حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فإن لم تكونوا دخلتم بهن فلا جناح

عليكم وحلائل أبنائكم الذين من أصلابكم وأن تجمعوا بين الأختين إلا ما قد

سلف إن الله كان غفورا رحيما ٢٨ والمحصنات من النساء إلا ما ملكت أيمانكم

كتاب الله عليكم واحل لكم ما وراء ذلكم ان تبتغوا باموالكم محصنين غير
نوشت خدا بر شما و حلال شد برای شما آنچه غیر اینهاست برای آنکه بخواهید بمالهای شما نگاه دارندگان جز
مسافحين فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فريضة ولا جناح
زناکنندگان پس آنچه بهره بردید شما بآن از ایشان پس بدهید ایشانرا مهرهای ایشانرا از راه وجوب و نیست باکی
عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة ان الله كان عليما حكيما ٢٩ ومن
بر شما در آنچه خوشنود گردید بآن از بعد وجوب بدرستیکه خدا باشد داننده درست کار و آنکه
لم يستطع منكم طولا ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم من
نتواند از شما که بخواهد نکاح کند زنان آزاده مؤمنه باشند پس از آنچه مالک شد دستهای شما از
فتياتكم المؤمنات والله اعلم بايمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن باذن
زنان بنده شما اگر گروندگان باشند و خدا داناتر است بایمان شما برخی شما از برخی پس نکاح کنید ایشانرا باذن
اهلهن واتوهن اجورهن بالمعروف محصنات غير مسافحات ولا متخذات
اهل ایشان و بدهید ایشانرا مهرهای ایشانرا بخوبی که باعفت باشند و زناکننده نباشند و نه گیرنده
اخدان ٣٠ فاذا احصن فان اتين بفاحشة فعليهن نصف ما على المحصنات
دوست پنهانی پس هرگاه بعفت درآیند پس اگر آیند زشتی را پس بر ایشانست نیمه آنچه بر زنان آزاده است
من العذاب ذلك لمن خشي العنت منكم وان تصبروا خير لكم والله غفور
از شکنجه این برای کسی است که بترسد زنا کردن را از شما و اگر صبر کنید بهتر است برای شما و خدا آمرزنده
رحيم ٣١ يريد الله ليبين لكم ويهديكم سنن الذين من قبلكم ويتوب عليكم
مهربانست میخواهد خدا که بیان کند برای شما و هدایت کند شما را طریقهای آنانکه پیش از شما بودند و توبه پذیرد بر شما
والله عليم حكيم ٣٢ والله يريد ان يتوب عليكم ويريد الذين يتبعون
و خدا دانای درست کردار است و خدا میخواهد توبه پذیرد بر شما و میخواهند آنانکه پیروی کردند
الشهوات ان تميلوا ميلا عظيما يريد الله ان يخفف عنكم وخلق الانسان
خواهشها را آنکه میل کنید میلی بزرگ میخواهد خدا آنکه سبک کرده شود از شما و آفریده شد آدمی
ضعيفا ٣٣ يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان
ناتوان ای آنانکه گرویدید نخورید مالهای شما را میانه خود تان بیهوده مگر آنکه
تكون تجارة عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان الله كان بكم رحيما ٣٤
بوده باشد خرید و فروش از خوشنودی از شما و نکشید خودهای تانرا بدرستیکه خدا باشد بشما مهربان
ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما فسوف نصليه نارا وكان ذلك على الله
و آنکه میکند آنرا از دشمنی و ستم پس زود اندازیم او را در آتش و باشد آن بر خدا
يسيرا ٣٥ ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا
آسان اگر دوری کنید گناهان بزرگ آنچه نهی کرده میشوید از آن میپوشیم از شما بدیهای شما را و درآوریم شما را درآوردنی
كريما ٣٦ ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما
خوب و آرزو مکنید آنچه افزونی داد خدا بآن برخی شما را بر برخی مردانرا نصیبی است از آنچه

اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن واسئلوا الله من فضله ان الله كان

کسب کردند و برای زنان نصیب است از آنچه کسب کردند و بپرسید خدا را از فضلش بدرستیکه خدا باشد

بكل شيء عليما ٣٧ ولكل جعلنا موالي مما ترك الوالدان والاقربون و

بهر چیز دانا و برای همه گردانیدیم میراث خوران از آنچه گذاشته‌اند پدر و مادر و نزدیکان و

الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيدا ٣٨

آنانکه بسته است سوگندهای شما پس بدهید ایشان را بهره ایشان بدرستیکه خدا باشد بر هر چیز گواه

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا

مردان ایستادگانند بر زنان بسبب آنچه افزونی داد خدا بعضی را بر بعضی و بسبب آنچه انفاق کردند

من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون

از مالهای ایشان پس زنان نیکوکار فرمانبرداران نگاهبانند در نهانی بآنچه نگاهداشت خدا و زنانیکه میترسید

نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا

نافرمانی آنها را پس پند دهید آنها را و کناره گیرید از ایشان در خوابگاه و بزنید آنها را پس اگر فرمانبردار شما شدند پس

تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا ٣٩ وان خفتم شقاق بينهما فابعثوا

مجوئید بر آنها راهی بدرستیکه خدا باشد بلند بزرگ و اگر بترسید از خلاف میان ایشان پس بفرستید

حكما من اهله وحكما من اهلها ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان

میانجی از اهل مرد و میانجی از اهل زن اگر خواهند اصلاح را توفیق دهد خدا میان ایشان بدرستیکه خدا باشد

عليما خبيرا ٤٠ واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا وبذي

داننده آگاه و بپرستید خدا را و شریک مسازید بآن چیزی را و بپدر و مادر نیکی کنید و بصاحبان

القربى واليتامى والمساكين والجار ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب

خویشی و یتیمان و بیچارگان و همسایه صاحب قرابت و همسایه بیگانه و رفیق همنشین

وابن السبيل وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا ٤١ الذين

و رهگذر و آنچه مالک شد دستهای شما بدرستیکه خدا دوست نمیدارد کسی را که باشد خرامنده متکبر آنانکه

يبخلون ويأمرون الناس بالبخل ويكتمون ما آتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين

بخل میکنند و امر مینمایند مردم را ببخل و میپوشند آنچه داد ایشان را خدا از فضل خود و مهیا کردیم مر کافران را

عذابا مهينا ٤٢ والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا باليوم

شکنجه خوارکننده و آنانکه انفاق میکنند مالهای شان را برای مردم و ایمان نمیآورند بخدا و نه بروز

الآخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا ٤٣ وماذا عليهم لو آمنوا بالله

آخرت و آنکه باشد شیطان مر او را همنشین پس بد همنشینی است و چه زیان بود بر آنها اگر میگرویدند بخدا

واليوم الآخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما ٤٤ ان الله لا يظلم

و روز آخرت و انفاق میکردند از آنچه روزی داد ایشان را خدا و باشد خدا بایشان دانا بدرستیکه خدا ستم

مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا عظيما ٤٥ فكيف

میکند بقدر ذره و اگر باشد نیکی میافزاید آنرا و میدهد از نزد خود مزد بزرگ پس چگونه

قوله تعالی الذین یبخلون الخ سبب نزولش آن بود که جمعی از یهود انصار را از روی شفقت میگفتند که مال خود را این قدر در راه خدا صرف نکنید که با شما زمانی فقیر شوید و محتاج شوید (؟) معلوم نیست که کجا خواهد خیر بعید

اِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ بِشَهِيْدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلٰى هٰؤُلَاۤءِ شَهِيْدًا يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِيْنَ

چون بیاریم از هر گروهی گواهی و بیاریم ترا بر ایشان گواه آن روز دوست دارند آنانکه

كَفَرُوْا وَعَصَوُا الرَّسُوْلَ لَوْ تُسَوّٰى بِهِمُ الْاَرْضُ وَلَا يَكْتُمُوْنَ اللّٰهَ حَدِيْثًا ۴

کافر شدند و نافرمانی کردند پیغمبر را که کاشکی برابر کرده شود بایشان زمین و نپوشانند خدا سخنی را

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُكٰرٰى حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ

ای آنانکه گرویده اید نزدیک مشوید نماز را و شما مستان باشید تا آنکه بدانید که چه میگوئید

وَلَا جُنُبًا اِلَّا عَابِرِيْ سَبِيْلٍ حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰۤى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَاۤءَ

و نه جنب مگر راهگذار باشید تا آنکه غسل کنید و اگر باشید بیمار یا در سفر یا بیاید

اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَاۤئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاۤءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاۤءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا

یکی از شما از جای ... یا مباشرت کرده باشید با زنان پس نیابید آب پس تیمم کنید خاک پاک

فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُوْرًا ۴۳ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ

پس مسح کنید رویهای خود و دستهای خود بدرستیکه خدا باشد درگذرنده آمرزنده آیا ندیدی بآنانکه

اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يَشْتَرُوْنَ الضَّلٰلَةَ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ تَضِلُّوا السَّبِيْلَ

داده شدند بهره از کتاب که میخرند گمراهی و میخواهند که گم کنید راه را

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَاۤئِكُمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَّكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيْرًا ۴۵ مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا

و خدا داناتر است بدشمنان شما و بس است خدا دوست و بس است خدا یاری دهنده از آنانکه یهودی شدند

يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ

میگردانند کلمه را از جایهای آن و میگویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو نه شنوانیده

وَّرَاعِنَا لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّيْنِ ۴۶ وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَ

و مهلت ده ما را پیچیدنی بزبانهای شان و طعنه زدنی در دین و اگر ایشان گفتندی شنیدیم و فرمان بردیم

اسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَقْوَمَ وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ

و بشنو و بنگر ما را هر آینه بودی بهتر مر ایشان را و درست تر و لیکن لعنت کرد ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نیارند

اِلَّا قَلِيْلًا ۵ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ

مگر کمی ای آنانکه داده شدید کتاب را بگروید بآنچه فرو فرستادیم باور کننده مر آنچه با شما است

مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰۤى اَدْبَارِهَاۤ اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّاۤ اَصْحٰبَ السَّبْتِ

از پیش آنکه محو کنیم رویها را پس بگردانیم آنرا بر پشتها یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم یاران شنبه را

وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ

و باشد امر خدا کرده شده بدرستیکه خدا نمی آمرزد آنکه شرک آورده شود باو و می آمرزد آنچه جز آنست مر هر کرا

يَّشَاۤءُ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰۤى اِثْمًا عَظِيْمًا ۴۸ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ

میخواهد و آنکه شرک آرد بخدا پس بحقیقت افترا بست گناهی بزرگ را آیا ندیدی بآنانکه پاک میدانند

اَنْفُسَهُمْ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَاۤءُ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ۴۹ اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ

خویشتن را بلکه خدا پاک میکند آنرا که میخواهد و ستم کرده نمیشوند بقدر فتیلی ببین چگونه افترا میبندند بر خدا

اوتوا بفتح همزه و سکون واو

الْكَذِبَ وَكَفٰى بِهٖٓ اِثْمًا مُّبِيْنًا ۵۴ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ

دروغ را و بست بآن گناهی آشکارا آیا ندیدی بآنکه داده شدند بهره از کتاب

يُؤْمِنُوْنَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰٓؤُلَآءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ

میگروند بجبت و طاغوت و میگویند مر آنانرا که کافر شدند اینها راه نماترند از آنکه

اٰمَنُوْا سَبِيْلًا ۵۵ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَمَنْ يَّلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ نَصِيْرًا ۵۶

گرویدند راه را آنها آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا و آنرا که لعنت میکند خدا پس هرگز نیابی برای وی یاری

اَمْ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَاِذًا لَّا يُؤْتُوْنَ النَّاسَ نَقِيْرًا ۵۷ اَمْ يَحْسُدُوْنَ

آیا مر ایشانرا بهره ایست از پادشاهی پس آنگاه نمیدهند مردم را مقداری آیا حسد میبرند

النَّاسَ عَلٰى مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ

مردم را بر آنچه داد ایشانرا خدا از فضل خود پس بتحقیق دادیم آل ابراهیم را کتاب و حکمت

وَاٰتَيْنٰهُمْ مُّلْكًا عَظِيْمًا ۵۸ فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ

و دادیم ایشانرا پادشاهی بزرگ پس برخی از ایشان آنکه گروید بآن و برخی از ایشان آنکه باز داشت از آن و بس است جهنم

سَعِيْرًا ۵۹ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُوْدُهُمْ

آتش افروخته بدرستیکه آنانکه کافر شدند بآیات ما زود در آوریم ایشانرا در آتش هرگاه پخته شود پوستهای ایشان

بَدَّلْنٰهُمْ جُلُوْدًا غَيْرَهَا لِيَذُوْقُوا الْعَذَابَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ۶۰ وَ

بدل کنیم ایشانرا پوستها غیر آنرا تا بچشند شکنجه را بدرستیکه خدا باشد غالب درست کار و

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ

آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته زود در آوریم ایشانرا در بهشتها که میرود از زیر آن جویها

خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا لَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَّنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيْلًا ۶۱ اِنَّ اللّٰهَ

همیشه اند در آن جاویدان مر ایشانرا جفتهای پاکیزه و در آوریم ایشانرا در سایه پاینده بدرستیکه خدا

يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ

امر میکند شما را اینکه برسانید امانتها را باهلش و چون حکم کنید میان مردم که حکم کنید بعدالت

اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهٖ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ۶۲ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَطِيْعُوا اللّٰهَ

بدرستیکه خدا خوب پند میدهد شما را بآن بدرستیکه خدا باشد شنوای بینا ای آنانکه گرویدید فرمانبرید خدا را

واولی بفتح همزه بعد واو و کسر لام

وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِى الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ وَ

و فرمانبرید رسول را و صاحبان امر از شما پس اگر خلاف کنید در چیزی پس بگردانید او را بسوی خدا

الرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ۶۳

و رسول اگر هستید که بگروید بخدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر بمآل اندیشی

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يَزْعُمُوْنَ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيْدُوْنَ

آیا ندیدی بآنکه پنداشتند که ایشان گرویدند بآنچه فرو فرستادیم بسوی تو و آنچه فرو فرستاده شد پیش از تو میخواهند

اَنْ يَّتَحَاكَمُوْٓا اِلَى الطَّاغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْٓا اَنْ يَّكْفُرُوْا بِهٖ وَيُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّضِلَّهُمْ

آنکه حکم کنند بطاغوت و بتحقیق که امر کرده شدند آنکه کافر شوند بآن و میخواهد شیطان آنکه گمراه کند ایشانرا

ضلالا بعيدا ٦٤ وإذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله وإلى الرسول رأيت

گمراهی دور وچون گفته شود مر ایشانرا بیایید بسوی آنچه فرو فرستاد خدا وبسوی پیغمبر بینی

المنافقين يصدون عنك صدودا ٦٥ فكيف إذا أصابتهم مصيبة بما

منافقان را که باز میدارند از تو باز داشتنی پس چگونه باشد چون رسید ایشانرا مصیبتی بآنچه

قدمت أيديهم ثم جاءوك يحلفون بالله إن أردنا إلا إحسانا وتوفيقا ٦٦

پیش داشته دستهاشان پس آمدند ترا سوگند میخورند بخدا که نخواستیم مگر نیکی وموافقت

أولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فأعرض عنهم وعظهم وقل لهم في

ایشانند آنانکه میداند خدا آنچه در دلهای ایشانست پس روی بگردان از ایشان وپند ده ایشانرا وبگو مر ایشانرا در

أنفسهم قولا بليغا ٦٧ وما أرسلنا من رسول إلا ليطاع بإذن الله ولو أنهم

خودشان گفتاری اثر کننده ونفرستادیم از پیغمبری مگر تا اطاعت کرده شود باذن خدا واگر آنها

إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله

چون ستم کردند خودشان آمدندی ترا پس آمرزش خواستندی از خدا وآمرزش خواستی برایشان پیغمبر هر آینه یافتندی خدا را

توابا رحيما ٦٨ فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا

توبه پذیر مهربان پس نه بحقیقت پروردگارت که مؤمن نشوند تا حکم کنند ترا در آنچه خلاف بود میان ایشان پس نیابند

في أنفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما ٦٩ ولو أنا كتبنا عليهم أن اقتلوا

در خودشان ناخوشنودی از آنچه حکم کردی وتسلیم کنند تسلیم کردنی را واگر آنکه ما نوشته بودیم بر آنها که بکشید

أنفسكم أو اخرجوا من دياركم ما فعلوه إلا قليل منهم ولو أنهم فعلوا ما يوعظون

خودتانرا یا بیرون روید از خانهاتان نمیکردند مگر اندکی از ایشان واگر آنها میکردند آنچه پند داده میشوند

به لكان خيرا لهم وأشد تثبيتا ٧٠ وإذا لآتيناهم من لدنا أجرا عظيما و

بآن هر آینه بود بهتر برایشان وسخت تر بود در ثبوت وآنهنگام هر آینه میدادیم ایشانرا از نزد خود مزدی عظیم

لهديناهم صراطا مستقيما ٧١ ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين

وهر آینه راه نمودیم ایشانرا راه راست وهر که فرمان برد خدا را ورسول را پس ایشانند با آنانکه

أنعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك

انعام کرد خدا برایشان از پیغمبران وراستگویان وگواهان وشایستگان وخوبند آنها

رفيقا ٧٢ ذلك الفضل من الله وكفى بالله عليما ٧٣ يا أيها الذين آمنوا خذوا

از راه رفاقت آن فضلست از خدا وبس است خدا دانا ای آنانکه گرویدید بگیرید

حذركم فانفروا ثبات أو انفروا جميعا ٧٤ وإن منكم لمن ليبطئن فإن أصابتكم

سلاحتانرا پس بیرون روید فوج فوج یا بیرون روید باهم وبدرستیکه از شما هر آینه کسیست که آرام گیرد پس اگر رسید شما را

مصيبة قال قد أنعم الله علي إذ لم أكن معهم شهيدا ٧٥ ولئن أصابكم فضل من الله

مصیبتی گفت بتحقیق نعمت کرد خدا بر من بسبب آنکه نبودم با ایشان حاضر واگر برسد شما را فضلی از خدا

ليقولن كأن لم تكن بينكم وبينه مودة يا ليتني كنت معهم فأفوز فوزا عظيما ٧٦

هر آینه میگوید گویا نبوده میان شما ومیان او دوستی ای کاش بودم من با ایشان پس کامیاب شدمی کامیابی بزرگ

جاؤك بضم همزه و سكون واو جمع امت

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي
پس کارزار کنند در راه خدا آنانکه خرند زندگی دنیا را بآخرت و آنکه کارزار کند در
سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۷۷ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي
راه خدا پس کشته شود یا غالب شود پس زود میدهیم او را مزد بزرگ و چیست برای شما که کارزار نکنید در
سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا
راه خدا و ناتوانان از مردان و زنان و فرزندان آنانکه میگویند پروردگارا
أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ
بیرون کن ما را ازین ده ستمکار اهل آن و بگردان برای ما از نزد خود دوستی و بگردان
لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۷۸ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
برای ما از نزد خود یاورے آنانکه گرویدند کارزار میکنند در راه خدا و آنانکه کافر شدند
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ
کارزار میکنند در راه طاغوت پس کارزار کنید دوستان شیطان را بدرستیکه مکر شیطان را
كَانَ ضَعِيفًا ۷۹ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا
باشد سست آیا ندیدی بآنانکه گفته شد مرایشان را که باز دارید دستهای خود را و برپا دارید نماز را و بدهید
الزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ
زکات را پس چون نوشته شد بر ایشان کارزار آنگاه گروهی از ایشان میترسند مردم را مانند ترسیدن از خدا
أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ
یا سخت تر ترسیدنی و گفتند پروردگارا چرا نوشتی بر ما کارزار را چرا تاخیر نینداختی تا مدت نزدیک
قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۸۰ أَيْنَمَا تَكُونُوا
بگو بهره دنیا اندکست و آخرت بهتر است برای آنکه پرهیزگار و ستم کرده نشوید فتیلی هر جا باشید
يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ ۗ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ
در یابد شما را مرگ و اگرچه باشید در برجهای سخت و اگر برسد ایشان را خوبی میگویند این
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ
از نزد خداست و اگر برسد ایشان را بدی میگویند این از نزد تست بگو همه از نزد خداست
فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۸۱ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ
پس چیست این قوم را که نزدیک باشد که بفهمند سخنی را آنچه میرسد ترا از حسنه پس از
اللَّهِ ۖ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ۚ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
خداست و آنچه میرسد ترا از بدی پس از تست و فرستادیم ترا برای مردم پیغمبر و بس است خدا
شَهِيدًا ۸۲ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۖ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ
گواه آنکه فرمان برد رسول را پس بتحقیق که فرمان برد خدا را و آنکه روگردانید پس نفرستادیم ترا بر ایشان
حَفِيظًا ۸۳ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ
نگهبان و میگویند فرمان برداریست پس چون بیرون میروند از نزد تو تدبیر میکنند قومی از ایشان

وقولہ تعالی
الم تر الی الذین الی آخر
سبب نزولش این بود که
چون حضرت رسول صلی الله
علیه و آله عزم جنگ بدر نمود
نیز ابن مسعود مردمان را از
لشکر ابو سفیان بترسانید
و بعضی از صحابه در فرستادن کاهلی
نمودند آنحضرت فرمود
که اگر من تنها باشم
بجنگ خواهم رفت
و در شان ایشان آیه رسید
و این آیه مبارکه نازل گردید
۱۲

غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ
جز آنچه میگوئی و خدا می‌نویسد آنچه تدبیر میکنند پس روبگردان از ایشان و توکل کن بر خدا و
كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ٨٤ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا
بسست خدا وکیل آیا پس تأمل نمیکنند قرآن را واگر باشد از نزد غیر خدا هرآینه می‌یافتند
فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ٨٥ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ
در آن اختلاف بسیار و هرگاه آمد ایشان را امری از ایمنی یا ترس افشا میکنند آن را واگر
رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا
برگردانند آن را بسوی فرستاده و بسوی صاحب امر از ایشان هرآینه میدانند آن را آنانکه استنباط میکنند آن را از ایشان واگر نه
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ٨٦ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فضل خدا بر شما و رحمت او هرآینه پیروی میکردید شیطان را مگر کمی پس کارزار کن در راه خدا
لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ
و تکلیف کرده نشود مگر خودت و ترغیب کن مؤمنان را شاید خدا آنکه باز دارد آسیب آنانکه کافر شدند
اللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ٨٧ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا
خدا سخت تر است در آسیب و سخت تر در عقوبت آنکه درخواست کند درخواست خوبی می‌باشد مراو را بهره از آن
وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا ٨٨
و هرکه درخواست کند درخواست بدی باشد مراو را دو بهره از آن و باشد خدا بر هر چیز نگهبان
وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
و چون تحیت داده شوید بتحیتی پس تحیت گوئید بهتر از آن یا رد کنید آن را بدرستیکه خدا باشد بر همه چیز
حَسِيبًا ٨٩ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ
نگاهدارنده خدا نیست خدائی مگر او هرآینه جمع خواهد کرد شما را تا روز رستخیز نیست شکی در آن و کیست راستگوتر
مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ٩٠ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ
از خدا سخن را پس چیست برای شما در دو رویان دو گروه و خدا برگردانید آنها را بآنچه کسب کردند آیا خواهید
أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ٩١ وَدُّوا لَوْ
آنکه هدایت نمائید کسی را که گمراه کند خدا و آنکه گمراه کند خدا پس هرگز نیابی برای او راهی دوست داشتند
تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا
که کافر شوید چنانکه کافر شدند پس باشید یکسان پس نگیرید از آنها دوستان تا هجرت کنند
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ
در راه خدا پس اگر رو گردانند پس بگیرید آنها را و بکشید ایشان را هر جا که بیابید ایشان را و نگیرید از آنها
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٩٢ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ
دوستی و نه یاوری مگر آنانکه پیوندند بسوی گروهی که میان شما و میان ایشان پیمانی یا
جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
آیند شما را تنگ شده سینهاشان که کارزار کنند با شما یا کارزار کنند گروه خود را و اگر خواهد خدا

و در بعض نسخ من یشفع الی حد شما چون کسی خواهد دختر کسی زنی کند باید که در روز جمعه وقت طلوع آفتاب این آیه را بر صحیفه چینی نویسد و از تا به دختر که عروس شده باشد داده باشد آن قطعه را با خود نگاه دارد مقصود حاصل گردد و سخن او اجابت کنند و مواصلت فیمابین بنودی خاتمه یابد ان شاء الله

نصف [illegible]

اوجاؤکم بضم همزه و سکون واو صیغه جمع است

لسلطهم عليكم فلقٰتلوكم فان اعتزلوكم فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم

فما جعل الله لكم عليهم سبيلا ۹۳ ستجدون اٰخرين يريدون ان

يامنوكم ويامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها فان لم يعتزلوكم

ويلقوا اليكم السلم ويكفوا ايديهم فخذوهم واقتلوهم حيث ثقفتموهم

واولٰئكم جعلنا لكم عليهم سلطٰنا مبينا ۹۴ وما كان لمؤمن ان يقتل

مؤمنا الا خطأ ومن قتل مؤمنا خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى

اهله الا ان يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم وهو مؤمن فتحرير رقبة

مؤمنة وان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله و

تحرير رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله و

كان الله عليما حكيما ۹۵ ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا

فيها وغضب الله عليه ولعنه واعد له عذابا عظيما ۹۶ يٰايها الذين

اٰمنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا ولا تقولوا لمن القٰى اليكم السلٰم

لست مؤمنا تبتغون عرض الحيٰوة الدنيا فعند الله مغانم كثيرة كذٰلك كنتم

من قبل فمن الله عليكم فتبينوا ان الله كان بما تعملون خبيرا ۹۷ لا يستوي

القٰعدون من المؤمنين غير اولي الضرر والمجٰهدون في سبيل الله باموالهم و

انفسهم فضل الله المجٰهدين باموالهم وانفسهم على القٰعدين درجة وكلا وعد

اولئكم بضم همزه بی اشباع

فجزاؤه بضم همزه بی اشباع

اولی بضم همزه بی اشباع

اللهُ الْحُسْنٰى وَفَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ٩٨ دَرَجَاتٍ
خدا خوبی و فزونی داد خدا جهاد کنندگان را بر نشستگان مزد بزرگی مرتبه‌ها

مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٩٩ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰئِكَةُ
از آن و آمرزش و رحمت و باشد خدا آمرزنده مهربان به تحقیق آنکه میمیرانند ایشان را فرشتگان

ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ
ستمگاران خودشان را گفتند در چه بودید گفتند بودیم ناتوانان در زمین گفتند آیا نباشد

أَرْضُ اللهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولٰئِكَ مَأْوٰهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ١٠٠
زمین خدا گشاده پس هجرت کنید در آن پس آنها جای ایشان جهنم است و بد بازگشتی است

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا
مگر ناتوانان از مردان و زنان و فرزندان که نمیتوانند چاره را و نه

يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ١٠١ فَأُولٰئِكَ عَسَى اللهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللهُ عَفُوًّا غَفُورًا
یابند راه بسیار پس آنها شاید که خدا درگذرد از ایشان و باشد خدا درگذرنده آمرزنده

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ
و آنکه هجرت کند در راه خدا یابد در زمین جایهای بسیار و گشاد و آنکه بیرون رود

مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللهِ
از خانه خود هجرت کننده بسوی خدا و پیغمبرش پس دریابد او را مرگ پس بتحقیق که واجب شد مزد او بر خدا

وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا ١٠٢ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
و باشد خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کردید در زمین پس نیست بر شما باکی آنکه

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا
کوتاه کنید از نماز اگر ترسید آنکه مفتون سازند شما را آنانکه کافر شدند به تحقیق که کافران میباشند

لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ١٠٣ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ
مر شما را دشمنی ظاهر و چون باشی در آنها پس بر پا دار بر ایشان نماز را پس باید بایستند طایفه از ایشان

مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ
با تو و باید بگیرند اسباب جنگ را پس چون سجده کنند پس باید باشند از پشت سر شما و باید بیایند گروه

أُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ
دیگر که نماز نکرده باشند پس کار گزارند با تو و باید بگیرند بترس خود را و سلاح خود را دوست داشتند آنکه

كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً
کافر شدند که غافل میشدند از سلاحهاتان و متاعهایتان پس حمله میبردند بر شما یک حمله

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضٰى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ
و نیست بدی بر شما اگر باشد بشما آزاری از باران یا باشید بیماران اینکه بگذارید اسلحه خود را

وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ١٠٤ فَإِذَا قَضَيْتُمُ
و بگیرید بترس خود را بدرستیکه خدا مهیا کرده مر کافران را شکنجه خوار کننده پس چون گزاردید

روز تعالی دل بیابو ای چیه هر کس آیه را بر دست راست خود بنویسد و آنرا بلیسد هفت روز یک نوبت در اول روز پیش از آنکه چیزی بخورد چنین کند بشرطی که به دست راست باشد تا زنده است سحر بر او کارگر نیست و اگر کسی آن آیه را بر کف دست راست بنویسد و با روغن گاو دست را بر شده مالیده شود و دیگر دست چپ نویسد و بجان خود عمل کند و بعد از هفت نوبت این آیه را بر آن روغن بماله هر کس که کرده بشند باطل گردد و دیگر سحر کار بکند باذن خدای تعالی

الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيَامًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِكُمْ ۚ فَاِذَا اطْمَاْنَنْتُمْ فَاَقِيْمُوا

نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان پس چون آرمیدید پس برپا دارید

الصَّلٰوةَ ۚ اِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا ١٠٣ وَلَا تَهِنُوْا فِى ابْتِغَآءِ

نماز را هر آینه نماز باشد بر مؤمنان نوشته شده معین وقت و سستی مکنید در جستن

الْقَوْمِ ۭ اِنْ تَكُوْنُوْا تَاْلَمُوْنَ فَاِنَّهُمْ يَاْلَمُوْنَ كَمَا تَاْلَمُوْنَ ۚ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ ۭ

قوم اگر باشید که درد کشید پس هر آینه ایشان درد میکشند چنانکه درد میکشید و امید دارید از خدا آنچه را که امید ندارند

وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ١٠٤ اِنَّآ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ

و باشد خدا داننده درست کردار هر آینه ما فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی تا حکم کنی میان

النَّاسِ بِمَآ اَرٰىكَ اللّٰهُ ۭ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَآئِنِيْنَ خَصِيْمًا ۙ وَّاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ

مردم بآنچه نمود ترا خدا و مباش مر خیانت کاران را دشمن و آمرزش خواه از خدا هر آینه خدا باشد

غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ١٠٦ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ

آمرزنده مهربان و مجادله مکن از آنانکه خیانت کردند خودشان را هر آینه خدا دوست نمیدارد

كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا ١٠٧ يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

کسی را باشد خیانت کننده گناهکار شرم میدارند از مردم و شرم نمیدارند از خدا و او با ایشان است

اِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ١٠٨ هٰٓاَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ

چون تدبیر کنند آنچه خوشنود نیست از گفتار و باشد خدا بآنچه میکنند احاطه کننده آگاه باشید شما آنانید

جٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۣ فَمَنْ يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ

جدال کردید از ایشان در زندگی دنیا پس کیست که جدال کند خدا را از ایشان روز رستخیز یا آنکه باشد

عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا ١٠٩ وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْٓءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُوْرًا

برایشان وکیل و آنکه بکند بدی یا ستم کند خود را پس آمرزش خواهد از خدا یابد خدا را آمرزنده

رَّحِيْمًا ١١٠ وَمَنْ يَّكْسِبْ اِثْمًا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰى نَفْسِهٖ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ١١١

مهربان و آنکه کسب کند گناه پس جز این نیست که کسب میکند بر ضرر خودش و باشد خدا داننده درست کردار

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْٓئَةً اَوْ اِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْٓئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ١١٢

و آنکه کسب کند خطائی را یا گناهی پس بیندازد بدان بیگناهی را پس بتحقیق که برداشت افترائی را و گناهی ظاهر

یرم بفتح یا و سکون را و کسر میم

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ اَنْ يُّضِلُّوْكَ ۭ وَمَا يُضِلُّوْنَ

و اگر نبود فضل خدا بر تو و رحمت او هر آینه قصد کرده بودند گروهی از ایشان که گمراه کنند ترا و گمراه نمیکنند

اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ شَيْءٍ ۭ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

مگر خودهاشان را و زیان نرسانند ترا از چیزی و فرو فرستاد خدا بر تو کتاب و حکمت را و آموخت ترا

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ۭ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيْمًا ١١٣ لَا خَيْرَ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنْ نَّجْوٰىھُمْ اِلَّا

آنچه نبودی که بدانی و باشد فضل خدا بر تو بزرگ نیست خیر در بسیاری از راز گفتنشان مگر

مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوْفٍ اَوْ اِصْلَاحٍۢ بَيْنَ النَّاسِ ۭ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَآءَ

آنکه امر میکند بصدقه یا نیکی یا اصلاح میان مردم و آنکه بکند این را طلب

نصف

مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ۱۱۵ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا
خوشنودی خدا پس زود بدهیم او را مزد بزرگ وا کہ مخالفت کند پیغمبر را از بعد آنکه

تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلّٰى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ
ظاهر شد برایش هدایت و پیروی کند غیر راه گروندگان پشت میکنیم چنانکه پشت گردد در آوریم او را جهنم

سَاءَتْ مَصِيرًا ۱۱۶ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ
و بد بازگشتی است بدرستیکه خدا نمی آمرزد آنکه شریک آورده با آن و می آمرزد غیر آنرا مر آنرا که میخواهد و

مَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۱۱۷ اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ اِلَّا اِنَاثًا وَ
آنکه شریک آورد بخدا پس بحقیق گمراه شد گمراه شدن دور نمیخوانند از غیر او مگر مؤنثها و

اِنْ يَدْعُونَ اِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ۱۱۸ لَعَنَهُ اللّٰهُ وَقَالَ لَاَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا
نمیخوانند مگر شیطان رد کرده شده لعنت کرد خدا و گفت هر آینه گیرم از بندگان تو بهره

مَفْرُوضًا وَلَاُضِلَّنَّهُمْ وَلَاُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ اٰذَانَ الْاَنْعَامِ وَ
واجب و هر آینه گمراه کنم ایشانرا و بآرزو اندازم ایشانرا و هر آینه میفرمایم ایشانرا پس باید ببرند گوشهای چارپایانرا

لَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ
و فرمایم ایشانرا پس هر آینه تغییر میدهند آفرینش خدا را و آنکه بگیرد شیطانرا دوست از غیر خدا پس بحقیق زیان کرد

خُسْرَانًا مُبِينًا ۱۱۹ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ اِلَّا غُرُورًا ۱۲۰ اُولٰئِكَ
زیانکردنی آشکارا وعده میدهد ایشانرا و بآرزو اندازد ایشانرا و وعده نمیدهد ایشانرا شیطان مگر فریب آنها

مَاْوٰهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ۱۲۱ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ
جایگاه ایشان جهنم است و نمییابند از آن گریزگاهی را و آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته

سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِينَ فِيهَا اَبَدًا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا
زود در آوریم ایشانرا در بهشتها که میرود از زیر آن جویها جاوید اند در آن همیشه وعده خدا درست است

وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيلًا ۱۲۲ لَيْسَ بِاَمَانِيِّكُمْ وَلَا اَمَانِيِّ اَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ
و کیست راستگوتر از خدا بگفتار نیست آرزوی شما و نه آرزوی اهل کتاب از

يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۱۲۳ وَمَنْ يَعْمَلْ
آنکه عمل کند بدی را جزا داده شود بآن و نمییابد برای خویش از غیر خدا دوستی و نه یاوری و آنکه عمل کند

مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا
از شایستهها از مذکر یا مؤنث و او گرونده است پس آنها در آیند بهشت را و نه

يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ۱۲۴ وَمَنْ اَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ
ستم کرده شوند بقدر نقیری و آنکه بهتر است در دین از آنکه خالص کند رویش را برای خدا و نیکوکار است و پیروی کند

مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلًا ۱۲۵ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
دین ابراهیم حق گرا را و گرفت خدا ابراهیم را دوست و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در

الْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ۱۲۶ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ
زمین است و باشد خدا بهر چیزی احاطه کننده و طلب فتوی میکنند ترا در زنها بگو خدا فتوی میدهد در آنها

لَاَتَّخِذَنَّ بفتح لام و فتح همزه ... قطع ... وَ اِنْ يَدْعُونَ اِلَّا اِنَاثًا الی ... سبب نزول این آن بود که ... اینکه ... راسخ ... شد ... ۱۲

وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ
و آنچه خوانده شود بر شما در کتاب در یتیمان زنهایی که نمیدهید ایشانرا آنچه نوشته شد مرایشان را

تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ
و رغبت میکنید آنکه نکاح میکنید آنها را و ناتوانان از فرزندان و اینکه کارگذار کنید مر یتیمان را

بِالْقِسْطِ ۚ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۱۲۷ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ
بعدلت و آنچه میکنید از نیکی پس بدرستیکه خدا باشد بآن دانا و اگر زنی دانند بترسد

مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ۚ وَ
از شوهرش بجهه سر بززدن یا روگردانیدن پس نیست باکی بر آن دو اینکه اصلاح کنند میان آن دو

الصُّلْحُ خَيْرٌ ۗ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا
صلح بهتر است و حاضر کرده شد نفسها بخل و اگر نیکی کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه خدا باشد بآنچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱۲۸ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۖ فَلَا تَمِيلُوا
میکنید آگاه. و هرگز نتوانید که عدالت کنید میانه زنان و هر چند بسیار خواهش شدید پس

كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۲۹
تمام میل پس واگذارید او را مانند آویخته و اگر اصلاح کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه خدا باشد آمرزنده مهربان

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۱۳۰ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
و اگر جدا شوند بی نیاز میکند خدا همه را از گشایش خود و باشد خدا وسعت دهنده درست کردار و مر خدا راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ
و آنچه در زمینست و هر آینه بتحقیق وصیت کردیم آنانرا که داده شدند کتاب را از پیش شما و شما را اگر

اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ
بپرهیزید خدا را و اگر کافر شوید پس بدرستیکه مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و باشد خدا

غَنِيًّا حَمِيدًا ۱۳۱ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۱۳۲
بی نیاز ستوده و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و بسست خدا وکیل

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ۱۳۳
اگر بخواهد میبرد شما را ای مردم و میآورد دیگرانرا و باشد خدا براین توانا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ
آنکه باشد بخواهد ثواب دنیا را پس نزد خداست ثواب دنیا و آخرت و باشد خدا

سَمِيعًا بَصِيرًا ۱۳۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ
شنونده بینا ای آنانکه گرویدید باشید ایستاده بعدل حاضران خدا را و اگر

عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا
برخودهاتان یا پدر و مادر و نزدیکان اگر باشد بی نیاز یا محتاج پس خدا اولیست بآنها پس پیروی نشوید

الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱۳۵
خواهش را اگر عدالت بورزید و اگر پشت کنید یا روگردانید پس بدرستیکه خدا باشد بآنچه میکنید آگاه

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ
ای آنانکه گرویده‌اید بگروید بخدا و پیغمبرش و کتابیکه فرو فرستاده بر پیغمبرش
الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ
و کتابیکه فرو فرستاده شد از پیش و آنکه کافر شد بخدا و فرشتگانش و کتابهایش و پیغمبرانش و روز
الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ١٣٦ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
آخر پس بتحقیق گمراه شد گمراه شدن دور بدرستیکه آنانکه گرویدند پس کافر شدند پس گرویدند پس کافر شدند
ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ١٣٧ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ
پس افزودند کفر را نمی‌باشد خدا که بیامرزد مر ایشانرا و نه هدایت کند ایشانرا راهی مژده ده منافقانرا
بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ١٣٨ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
بآنکه مر ایشانراست شکنجه پر درد آنانکه میگیرند کافرانرا دوستان از غیر گروندگان
أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ١٣٩ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ
آیا میجویند نزد ایشان عزت را پس عزت مر خدا راست همه و بتحقیق فرو فرستاد بر شما در کتاب
أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا
اینکه چون بشنوید آیات خدا را کافر شوند بآنها و استهزا کنند بآنها پس منشینید با ایشان تا خوض کنند
فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ
در حدیث غیر او بدرستیکه شما در آنهنگام مانند ایشانید بدرستیکه خدا فراهم آرنده منافقان و کافرانست در جهنم
جَمِيعًا ١٤٠ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ
همه را آنانکه انتظار میبرند بشما پس اگر باشد برای شما فتح از خدا گویند آیا نبودیم با شما
وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ
و اگر باشد مر کافرانرا بهره گویند آیا غلبه نکردیم بر شما و منع نکردیم شما را از
الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
گروندگان پس خدا حکم میکند میان شما روز رستخیز و نگرداند خدا برای کافران بر مؤمنان
سَبِيلًا ١٤١ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى
راهی بدرستیکه منافقان فریب میدهند خدا را و او فریب دهنده ایشانست و چون ایستند
الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ١٤٢ مُذَبْذَبِينَ
بنماز ایستند با کسالت می‌بینند مردم را و ذکر نمیکنند خدا را مگر اندکی دو دل شده
بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ
میان این نه بسوی اینها و نه بسوی اینها و آنرا که گمراه کند خدا پس هرگز نیابی برایش
سَبِيلًا ١٤٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
راهی ای آنانکه گرویدید مگیرید کافرانرا دوستان از غیر
الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ١٤٤ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ
گروندگان آیا میخواهید که بگردانید برای خدا بر شما تسلطی آشکارا بدرستیکه منافقان

فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ١٤٥ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا

در درک پست تر از آتش و هرگز نیابی مرایشانرا یاوری مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح کردند

وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ

و چنگ زدند بخدا و خالص کردند دینشانرا برای خدا پس آنجماعت با گروندگانند و زود بدهد

اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ١٤٦ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَ

خدا گروندگانرا مزد بزرگ چکند خدا عذاب شمارا اگر شکر کنید و بگروید و

كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ١٤٧ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ وَ

باشد خدا شکر کننده دانا دوست ندارد خدا آشکارا کردن بدیرا از گفتار مگر آنکه ستم کرده شد و

كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ١٤٨ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ

باشد خدا شنونده دانا اگر ظاهر کنید خوبی را یا پنهان دارید آنرا یا درگذرید از بدی پس بدرستیکه خدا

كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ١٤٩ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا

باشد درگذرنده توانا بدرستیکه آنانکه کافر شدند بخدا و پیغمبرانش و میخواهند که جدائی اندازند

بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا

میانه خدا و پیغمبرانش و میگویند گرویدیم ببرخی و کافر شدیم ببرخی و میخواهند که بگیرند

بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ١٥٠ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

میانه این راهیرا آنجماعت ایشانند کافران درست و مهیا کردیم مرکافرانرا شکنجه

مُهِينًا ١٥١ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ

خوار کننده و آنانکه گرویدند بخدا و پیغمبرانش و جدائی نینداختند میانه یکی از ایشان آنها

سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ١٥٢ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ

زود بدهد ایشانرا مزدهاشانرا و باشد خدا آمرزنده مهربان میپرسد ترا اهل کتاب

أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا

که فرو فرستادی برایشان کتابی را از آسمان پس بتحقیق پرسیدند موسی را بزرگتر ازین پس گفتند بنما بما

اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ

خدارا آشکار پس گرفت آنهارا صاعقه بسبب ستمشان پس گرفتند گوساله را از بعد آنچه آمد آنهارا

الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَٰلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُبِينًا ١٥٣ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ

معجزات پس درگذشتیم ازاین و دادیم موسی را تسلط ظاهر و بلند کردیم بالا ایشان

الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ

طور را بسبب پیمانشان و گفتیم مرآنهارا درآیید در را سجده کننده و گفتیم مرآنهارا تجاوز مکنید در شنبه

وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ١٥٤ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ

و گرفتیم از آنها پیمانی سخت پس بسبب شکستن آنها پیمانشانرا و کفرشان بآیات خدا و

قَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا

کشتنشان پیغمبرانرا بناحق و گفتنشان دلهای ما غلافهاست بلکه مهر نهاد خدا برآنها بسبب کفرشان پس

في الدرك بفتح دال و سكون را

يؤمنون

يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۱۵۵ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ۱۵۶ وَقَوْلِهِمْ
نمیگروند مگر کمی و بکفرشان و گفتارشان بر مریم بهتانی بزرگ و گفتارشان
إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ
که ما کشتیم مسیح عیسی پسر مریم را پیغمبر خدا و نکشتند او را و بدار نکشیدند او را ولیکن
شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ
شبیه کرده شد مر ایشان را و بدرستیکه آنانکه اختلاف کردند در آن هر آینه در شکند از آن نیست مر ایشان را بآن از دانش مگر پیروی
الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۵۷ وَإِنْ
گمان را و نکشتند او را بیقین بلکه بلند کرد او را خدا بسوی او و باشد خدا غالب درست کردار و نیست
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
از اهل کتاب مگر که بگروند بآن پیش از مردنش و روز رستخیز میباشد بر ایشان گواه
فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ
پس بستم از آنانکه یهودی شدند حرام کردیم بر ایشان پاکیزه‌ها که حلال شده بر ایشان و ببازداشتن ایشان از راه
اللَّهِ كَثِيرًا ۱۵۹ وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ
خدا بسیاری را و گرفتنشان ربا را و بتحقیق بازداشته شدند از آن و خوردنشان مالهای مردم را
بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۶۰ لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ
بیهوده و مهیا کردیم برای کافران از ایشان عذابی دردناک ولیکن راسخ گشتگان در دانش
مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ
از ایشان و گروندگان که میگروند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه فرو فرستاده شد از پیش تو و بپا دارندگان
الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ
نماز را و دهندگان زکات و گروندگان بخدا و روز آخرت آنها زود میدهیم ایشانرا
أَجْرًا عَظِيمًا ۱۶۱ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ
مزد بزرگ و بدرستیکه ما وحی کردیم بسوی تو چنانکه وحی کردیم بنوح و پیغمبرانیکه بودند از بعد او و
أَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ
وحی کردیم بابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و سبطها و عیسی و ایوب
وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۱۶۲ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ
و یونس و هرون و سلیمان و دادیم داود را زبور و پیغمبرانیکه خواندیم بتحقیق القصه را
عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ۱۶۳
بر تو از پیش و پیغمبرانیکه نخواندیم آنها را بر تو و سخن گفت خدا موسی را سخن گفتنی
رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ
پیغمبران مژده دهنده و بیم کننده تا نباشد مر مردم را بر خدا حجتی بعد پیغمبران
كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۶۴ لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ
و باشد خدا غالب درست کردار ولیکن خدا گواهی میدهد بآنچه فرو فرستاد بسوی تو فرستاد آنرا بدانش خود

داوٗد اشباع می‌شود یعنی بدو واو خوانده شود

وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا ١٦٥ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ
و فرشتگان گواهی میدهند و بس است خدا گواه بدرستیکه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از

سَبِيلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ١٦٦ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ
راه خدا بتحقیق گمراه شدند گمراهی دور بدرستیکه آنانکه کافر شدند و ستم کردند نمی باشد خدا

لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ١٦٧ اِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا
که بیامرزد مر آنها را و نه که راه نماید ایشان را راهی مگر راه جهنم جاوید باشند در آن همیشه

وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ١٦٨ يَا اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ
و باشد این بر خدا آسان ای مردم بتحقیق آمد شما را فرستاده براستی از

رَبِّكُمْ فَاٰمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَاِنْ تَكْفُرُوا فَاِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
پروردگارتان پس بگروید بهتر است برای شما و اگر کافر شوید پس بدرستیکه مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است

وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٦٩ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا
و باشد خدا داننده درست کار ای اهل کتاب غلو مکنید در دینتان و مگوئید

عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ اِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهُ اَلْقَاهَا
بر خدا مگر حق را جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست و کلمه او که انداخت آن را

اِلٰى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ اِنْتَهُوا خَيْرًا
بسوی مریم و روحی بود از او پس بگروید بخدا و پیغمبرانش و مگوئید سه اند خدا باز ایستید که بهتر است

لَكُمْ اِنَّمَا اللّٰهُ اِلٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ اَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا
برای شما جز این نیست خدا خدائیست یگانه منزه است از آنکه باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه

فِي الْاَرْضِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا ١٧٠ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ اَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ
در زمین است و بس است خدا وکیل هرگز ننگ نمیدارد مسیح که باشد بنده خدا

وَلَا الْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ١٧١ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ
و نه فرشتگان نزدیک کردگان و آنکه ننگ دارد از پرستش و سرکشی میکند

فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيعًا ١٧٢ فَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ
پس حشر میکند ایشان را بسوی او همه را پس اما آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته پس تمام میدهد آنها را

اُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ
مزدشان را و زیاده دهد ایشان را از فضلش و اما آنانکه ننگ داشتند و سرکشی کردند پس شکنجه میکند آنها را

عَذَابًا اَلِيمًا ١٧٣ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ١٧٤ يَا اَيُّهَا
شکنجه پر درد و نمییابند مر ایشان را از غیر خدا دوستی و نه یاوری ای

النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا فَاَمَّا الَّذِينَ
مردم بتحقیق آمد شما را حجتی از پروردگارتان و فرو فرستادیم بسوی شما نوری آشکار پس اما آنانکه

اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ
گرویدند بخدا و چنگ زدند باو پس زود درآورد آنها را در رحمت از خود و فضلی و راه نماید آنها را

إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ١٧٥ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ
بسویش راهی راست فتوی میطلبند تو را بگو خدا فتوی میدهد شما را در کلاله اگر مردی
هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا
هلاک شود که نباشد او را فرزندی و باشد مر او را خواهری پس مر او راست نیمهٔ آنچه گذاشت و آن مرد میراث میبرد از او اگر نباشد مر او را
وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا
فرزندی پس اگر باشند دو خواهر پس مر آنها راست دو ثلث از آنچه گذاشته و اگر باشند برادران و خواهران مردها
وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
و زنان پس برای مذکر است مانند بهرهٔ دو مؤنث بیان میکند خدا برای شما اگر مبادا گمراه شوید و خدا بهر چیز داناست

سُورَةُ الْمَائِدَةِ مِائَةٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ

الا اليوم اكملت لكم دينكم نزلت بعرفة وآياتها ١٢٠ نزلت بعد الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى
ای آنانکه گرویدید وفا کنید بعهدها حلال شد برای شما بچهٔ چهارپایان مگر آنچه خوانده میشود
عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
بر شما غیر حلال دانندگان صید و شما محرم باشید بدرستیکه خدا حکم میکند آنچه میخواهد ای آنانکه گرویدید
لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ
حلال مدارید مناسک خدا را و نه ماه حرام را و نه قربانی را و نه قلاده بارا و نه متوجهان
الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ٢ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا
خانهٔ محترم را بجویند افزونی از پروردگارشان و خوشنودی و چون محل شوید پس صید کنید
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ
و بباید وادارد شما را دشمنی قومیکه باز داشتند شما را از مسجد الحرام که تعدی کنید و
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
معاونت همه کنید بر خوبی و پرهیزکاری و معاونت مکنید بر گناه و تعدی کردن و بپرهیزید خدا را
إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٣ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ
بدرستیکه خدا سخت عقوبت است حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بانگ زده باشند
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا
مر غیر خدا را بآن و خفه کرده و بزدن مرده و از افتادن مرده و بضرب شاخ مرده و آنچه خورد درنده مگر
مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ
آنچه را ذبح کردید و آنچه ذبح شد بنام بتان و اینکه طلب قسمت کنید بتیرها آن فسق است
الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ٥ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
امروز نومید شدند آنانکه کافر شدند از دین شما پس مترسید از آنها و بترسید مرا امروز کامل کردم

ورعت لی ... ١٢

اوفوا بالعقود ...

ورعت لی حرمت علیکم المیتة ...

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ
برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت را و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس اگر مضطر شد
فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۚ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ
در گرسنگی غیر مایل بگناه پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست میپرسند ترا چه چیز حلال گردیده شد
لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۙ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا
برای ایشان بگو حلال کرده شد برای شما پاکیزه ها و شکار آنچه آموزانیدید از شکار گیرندگان که شکار کنند و تعلیم میدهید
عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۖ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ
آموخت شما را خدا پس بخورید از آنچه نگاه داشتند بر شما و یاد کنید اسم خدا را بر او و بپرهیزید خدا را
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٧ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا
بدرستیکه خدا زود حساب است امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزه ها و طعام آنانکه داده شدند
الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ
کتاب را حلال است برای شما و طعام شما حلال است مر ایشان را و زنان عفیفه از مؤمنان و عفیفه های از
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ
آنانکه داده شدند کتاب را از پیش شما چون بدهید ایشان را مهرهایشان را نکاح کنندگان بحلال غیر زناکنندگان
وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
و نه گیرندگان یاران و اگر انکار میورزد بایمان پس بتحقیق نابود شد کارش و او در آخرت
مِنَ الْخَاسِرِينَ ٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُ
از زیانکاران است ای آنانکه گرویدید چون برخیزید بنماز پس بشوئید
جُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ٩
رویهایتان را و دستهایتان را تا مرفقها و مسح کنید بسرهایتان و پاهایتان تا دو کعب
وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ۚ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ
و اگر باشید جنب پس پاک شوید و اگر باشید بیماران یا بر سفر یا آمد یکی از شما از
الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا
غایط یا مباشرت کردید زنها را پس نیابید آب پس تیمم کنید بزمینی پاک پس پاک کنید
بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۚ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ
برویهایتان و دستهایتان از آن نمیخواهد خدا که بگرداند بر شما از تنگی ولیکن میخواهد
لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٠ وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
تا پاک کند شما را و تا تمام نماید نعمتش را بر شما شاید شما شکر کنید و یاد کنید نعمت خدا را برخودتان
وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
و عهدش را که بست با شما بآن چون گفتید شنیدیم و فرمان بردیم و بپرهیزید خدا را بدرستیکه خدا داناست
بِذَاتِ الصُّدُورِ ١١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ
بسرایر سینها ای آنانکه گرویدید باشید ایستاده مر خدا را حاضران بعدالت و نباید وادار شما را

لاثم بکسر لام و کسر همزه همزه اسکن جزء کلمه است بمعنی اعتد

و نزلت فی شأنه
الیوم اکملت الی حیث
عمل شیعه و سنی متفقند
که این آیه در شان امیر
المؤمنین علیه السلام بعد
نزول ... رسول صلی الله علیه و آله
در روز غدیر خم ...
مولای او پس علی مولای اوست
در این باب این آیه
نازل شد
١٢

شنآن

شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَنْ لَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ
دشمنی قومی بر آنکه عدالت نکنید عدالت ورزید که آن نزدیکتر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا هر آئینه خدا
خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ١٢ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ
آگاه است بآنچه میکنید وعده داد خدا آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشانرا است آمرزش و مزد
عَظِيْمٌ ١٣ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ١٤ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
بزرگ و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند بآیات ما ایشان اند یاران جهنم ای آنانکه
اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ اَيْدِيَهُمْ
گرویدید یاد کنید نعمت خدا را بر خود آنگاه که قصد کردند قومی که بگشایند بسوی شما دستهای خود پس باز داشت دستهای ایشانرا
عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ١٥ وَلَقَدْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ بَنِيْٓ
از شما و بترسید از خدا و بر خدا پس توکل کنند گروندگان و هر آئینه بتحقیق گرفت خدا پیمان پسران
اِسْرَآءِيْلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيْبًا وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مَعَكُمْ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتُمُ
یعقوب را و برانگیختیم از ایشان دوازده نقیب و گفت خدا بدرستیکه من با شمایم اگر بر پا داشتید نماز را و دادید
الزَّكٰوةَ وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِيْ وَعَزَّرْتُمُوْهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ
زکات را و ایمان آوردید برسولان من و عزیز داشتید ایشانرا و وام دادید خدا را وام نیکو هر آئینه دور کنم از شما
سَيِّاٰتِكُمْ وَلَاُدْخِلَنَّكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ مِنْكُمْ
بدیهای شما را و هر آئینه درآورم شما را به بهشتها که میرود از زیر آن جویها پس آنکه کافر شد بعد از این از شما
فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ١٦ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيْثَاقَهُمْ لَعَنّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوْبَهُمْ قٰسِيَةً
پس بتحقیق گم کرد میان راه پس بشکستن ایشان عهد شان را لعنت کردیم ایشانرا و گردانیدیم دلهای ایشان سخت
يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ وَنَسُوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلٰى
میگردانند سخنان را از جایهای آن و فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بآن و همیشه مطلع میشوی بر
خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ١٧ وَمِنَ
خیانتی از ایشان مگر اندکی از ایشان پس در گذر از ایشان و درگذار بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکاران را و از
الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّا نَصٰرٰٓى اَخَذْنَا مِيْثَاقَهُمْ فَنَسُوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ فَاَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ
آنانکه گفتند که ما ایم ترسا گرفتیم پیمان شان را پس فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شده بآن پس افگندیم میان ایشان
الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللّٰهُ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ ١٨
دشمنی و کینه را تا روز رستخیز و زود خبر دهد ایشانرا خدا بآنچه بودند که میکردند
يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيْرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُوْنَ مِنَ الْكِتٰبِ
ای اهل کتاب بتحقیق آمد شما را رسول ما بیان میکند برای شما بسیاری از آنچه بودید که پنهان میداشتید از کتاب
وَيَعْفُوْا عَنْ كَثِيْرٍ قَدْ جَآءَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ نُوْرٌ وَّكِتٰبٌ مُّبِيْنٌ يَّهْدِيْ بِهِ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ
و در گذرد از بسیاری بتحقیق آمد شما را از خدا نوری و کتاب روشن راه مینماید بآن خدا آنرا که پیروی کند
رِضْوَانَهٗ سُبُلَ السَّلٰمِ وَيُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ بِاِذْنِهٖ وَيَهْدِيْهِمْ
خوشنودی او را راههای خوب و بیرون آورد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی بدستوری او و هدایت میکند ایشانرا

و از خواص [illegible] آیت الذین [illegible] هر که این آیه را [illegible] و اذکروا نعمت الله [illegible] [illegible] باشد ۱۲

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٩ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ
براه راست براینه بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا است مسیح پسر مریم بگو پس کیست
يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
که مالک شود از خدا چیزیرا اگر بخواهد که هلاک کند مسیح پسر مریم و مادرش و آنکه در زمینست
جَمِيعًا ٢٠ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ
همه و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست میآفریند آنچه خواهد و خدا
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢١ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ
بر همه چیز تواناست و گفتند یهود و ترسا ما پسران خدا و دوستانش
قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
بگو پس چرا عذاب میکند شما را بگناهان شما بلکه شما انسانید از آنکه آفرید میآمرزد آنرا که میخواهد و عذاب میکند هر که را
يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٢٢ يَا أَهْلَ
میخواهد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی اوست بازگشت ای اهل
الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا
کتاب بتحقیق که آمد شما را فرستاده ما بیان میکند برای شما بر [illegible] از رسولان مبادا که بگوئید نیامد ما را
مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٣ وَإِذْ
هیچ مژده دهنده و نه بیم کننده پس بتحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم کننده و خدا بر همه چیز تواناست و چون
قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ
گفت موسی مر قومش را ای قوم یاد کنید نعمت خدا را بر شما هنگامیکه گردانید در میان شما پیغمبران و گردانید
مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ٢٤ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
شما را پادشاهان و داد شما را آنچه نداد باحدی از جهانیان ای قوم داخل شوید زمین پاک را
الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ٢٥ قَالُوا يَا مُوسَىٰ
که نوشت خدا برای شما و بازمگردید بر پشتهاتان پس بگردید زیانکاران گفتند ای موسی
إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا
بدرستیکه در آنجا گروهی جبارانند و بدرستیکه ما داخل نمیشویم در آن تا بیرون روند از آن پس اگر بیرون روند از آن
فَإِنَّا دَاخِلُونَ ٢٦ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا
پس ما داخل شوندگانیم گفتند دو مرد از آنانکه میترسیدند انعام کرده بود خدا بر آن دو مرد داخل شوید
عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ
بر ایشان از آن در پس چون داخل شدید آنرا پس بدرستیکه شما غالبانید و بر خدا پس توکل کنید اگر هستید
مُؤْمِنِينَ ٢٧ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ
گروندگان گفتند ای موسی بدرستیکه ما داخل نمیشویم آنرا هرگز مادام که باشند در آن پس برو تو و
رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ٢٨ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ
پروردگارت پس کارزار کنید بدرستیکه ما اینجا نشستگانیم گفت پروردگارا بدرستیکه من مالک نیستم مگر خود و برادرم پس جدائی انداز

بيننا

قصة ابنی آدم

بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢٩ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ
میان ما و میان گروه فاسقان گفت پس بدرستیکه آن ناشایسته است بر ایشان چهل سال سرگردان

فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٣٠ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ
میگردند در زمین پس منه اندوه بر گروه فاسقان و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم را

بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ
براستی چون نزدیک کردند قربانی پس پذیرفته شد از یکی از آن دو و پذیرفته نشد از دیگری گفت هر آینه بکشمت البته

قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٣١ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ
گفت جز این نیست که قبول میکند خدا از پرهیزگاران اگر دراز کنی بسوی من دست خود را تا بکشی مرا نیستم دراز کننده

يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ٣٢ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي
دست خود را بسوی تو تا بکشمت بدرستیکه من میترسم خدا پروردگار جهانیان را بدرستیکه من میخواهم که برگردی بگناه من

وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ٣٣ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ
و بگناه خود پس باشی از یاران آتش و اینست مزد ستمگاران پس آسان کرد او را نفس او

قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٣٤ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ
کشتن برادر خود را پس کشت او را پس صباح کرد از زیانکاران پس برانگیخت خدا کلاغی را که میکاوید در زمین

لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا
تا بنماید او را چگونه پوشد تن برادرش را گفت وای مرا عاجز شدم که باشم مانند این

الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ٣٥ مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا
کلاغ پس بپوشانم عورت برادرم پس صباح کرد از پشیمانان از برای این نوشتیم

عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
بر پسران یعقوب که هر که کشت تنی را بغیر تنی یا تباهی در زمین پس گویا که کشت

النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ٣ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا
مردم را همه و هر که زنده کرد آنرا پس گویا زنده کرد مردم را همه را و هر آینه بتحقیق آمد ایشانرا رسولان ما

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ٣٧ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ
بمعجزات پس بدرستیکه بسیاری از ایشان بعد این در زمین هر آینه گزاف کارانند جز این نیست مزد آنانکه

يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ
جنگ کردند خدا و پیغمبرش را و شتافتند در زمین بتباهی اینکه کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا

تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا
بریده شود دستهای ایشان و پایهای ایشان از خلاف یا دور رانده شوند از زمین این مر ایشانراست خواری در دنیا

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٣٨ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ
و مر ایشانراست در آخرت عذابی بزرگ مگر آنانکه توبه کردند از پیش از آنکه قادر شوید بر ایشان

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٣٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا
پس بدانید بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدند بترسید از خدا و بجوئید

نبا ابنی بسکون با و فتح نون و سکون یاء ابنی بمعنی خبر دو پسر آدم است

باثمی واثمک فتکون بکسر همزه اثمی کسر همزه اثمک و فتح نون تکون

فاواری بفتح یا

إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۳۵ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بسوی وی وسیله و جهد کنید در راه وی شاید شما رستگار شوید بدرستیکه آنانکه کافر شدند
لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
اگر آنکه باشد مرایشان را آنچه در زمین است همه و مثل آن با او تا فدا دهند آن از شکنجه روز رستخیز
مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۳۶ يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ
پذیرفته نشود از ایشان و مرایشان راست شکنجه پر درد میخواهند که بیرون روند از آتش و نباشند ایشان بیرون روندگان
مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۳۷ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا
از آن و مرایشان راست شکنجه برقرار و مرد دزد و زن دزد پس ببرید دستهای ایشان را جزای آنچه
كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۳۸ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ
کسب کردند عقوبتی از خدا و خدا غالب درست کردار پس آنکه توبه کرد از بعد ستم خود و بصلاح آمد
فَإِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۳۹ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
پس بدرستیکه خدا می پذیرد توبه او بدرستیکه خدا آمرزنده مهربان است آیا نمیدانی که خدا مراو راست پادشاهی آسمانها
وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۴۰ يَا أَيُّهَا
و زمین شکنجه میکند آنرا که میخواهد و می آمرزد مر آنرا که میخواهد و خدا بر همه چیز توانا است ای
الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ
پیغمبر اندوهگین نکنند ترا آنانکه میشتابند در کفر از آنانکه گفتند گرویدیم بدهنهای شان
وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ
و نگروید دلهای ایشان و از آنانکه یهود شدند شنونده اند مر دروغ را شنوندگانند مر گروهی
آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ
دیگر نیامده اند ترا تحریف میکنند سخن را از بعد جایهایش میگویند اگر داده شوید
هٰذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ
این را پس بگیرید او را و اگر داده نشدید او را پس حذر کنید و هر که میخواهد خدا فتنه او را پس هرگز مالک نشوی
لَهُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي
او را از خدا چیزی ایشان اند آنانکه نخواسته خدا که پاک گرداند دلهای ایشان مرایشان راست در
الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۴۱ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ
دنیا خواری و مرایشان راست در آخرت شکنجه بزرگ شنونده اند مر دروغ را خورنده اند
لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ
مر حرام را پس اگر آمدند ترا پس حکم کن میان ایشان یا روگردان از ایشان و اگر روگردانی از ایشان پس هرگز
يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ
ضرر نمیرسانند ترا چیزی و اگر حکم کردی پس حکم کن میان ایشان بعدالت بدرستیکه خدا دوست میدارد
الْمُقْسِطِينَ ۴۲ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ
عادلان را و چگونه حکم کنند ترا و نزد ایشان است توریت که در آنجاست حکم خدا پس برمیگردند

جاؤك باشباع صیغه جمع است

من بعد

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ

بگو ای اہل کتاب آیا خوش میدارید از ما مگر اینکه گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ما و آنچه فرو فرستاده شد

مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ٦٥ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ

از پیش و بدرستیکه بیشتر شما فاسقانند بگو آیا خبر دهم شما را به بدتر از آن در جزا نزد

اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ

خدا آنرا که لعنت کرد خدا و خشم کرد براو و گردانید از ایشان بوزینگان و خوکها و بندگی کرد

الطَّاغُوتَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ وَإِذَا جَاءُوكُمْ

طاغوت را ایشان بدترند بجا و گم گشته ترند از میان راه و چون آیند پیش شما

قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ٦٧

گفتند گرویدیم و بتحقیق درآمدند بکفر و ایشان بتحقیق بیرون رفتند با آن و خدا داناتر است بآنچه بودند پنهان میداشتند

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ

و بینی بسیاری از ایشان میشتابند در گناه و ستم و خوردن شان حرام را هر آینه بد است

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٦٨ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ

آنچه بودند میکردند چرا نهی نمیکنند ایشان را خداپرستان و دانایان از گفتن شان بد را و

أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ٦٩ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ

و خوردن شان حرام را هر آینه بد است آنچه بودند میکردند و گفتند یهود دست خدا بسته است

غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ

بسته باد دستهای شان و لعنت کرده شدند بآنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است انفاق میکند چنانچه میخواهد و هر آینه زیاده کند

كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ

بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت سرکشی و کفر را و انداختیم میان ایشان دشمنی

وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ

و کینه تا روز رستخیز هرگاه برافروختند آتش را برای کارزار خاموش کرد آنرا خدا

يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ٧٠ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ

و میشتابند در زمین فساد را و خدا دوست نمیدارد مفسدان را و اگر که اہل کتاب

آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَلَوْ أَنَّهُمْ

گرویدند و پرهیزگار بودند هر آینه دور میکردیم از ایشان بدیهای شان را و هر آینه درمیآوردیم ایشان را در بهشتهای بانعمت و اگر که ایشان

أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ

برپای داشته بودند توریة و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ایشان از پروردگار شان هر آینه میخوردند از بالای ایشان

مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ٧١ يَا أَيُّهَا

از زیر پاهای شان از ایشان جمعی باشند میانه رو و بسیاری از ایشان بد است آنچه میکنند ای

الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ

رسول برسان آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت و اگر نکرده باشی پس نرسانیده باشی رسالت او را و خدا

قوله تعالی قل یا اہل الکتاب الی سواء السبیل این آیه بجهة رفع بلای دشمن ... روز پنجشنبه روزه دارد ... شام و خفتن بگوید ... از ل و لم یزل ... خائفاً لا جین ...

جاؤکم بالاشباع صیغه جمع امت

... چون آیات را ... ماحق جیران ... ۱۲

قوله تعالی و قالت الیهود الی المفسدین چون قومی را اتفاق جمع شده ... ۱۲

قوله تعالی یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ...

... از حضرت امام محمد باقر علیه السلام ... رسول خدا صلی الله علیه وآله از مدینه منوره ... بیت الله الحرام ...

یعصمك

يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٧٢ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ
نگاه میدارد ترا از مردمان بدرستیکه خدا راه نمی نماید گروه کافرانرا بگو ای اهل کتاب
لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ
نیستید شما بر چیزی تا آنکه برپای دارید تورات و انجیل را و آنچه فرود فرستاده شد بسوی شما از پروردگار شما
لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ
هرآینه میفزاید بسیاری از ایشان آنچه را فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت از راه طغیان و کفر پس اندوه مخور بر گروه
الْكَافِرِينَ ٧٣ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ
کافران بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و گروه ستاره پرستان و ترسایان هرکه ایمان
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٧٤ لَقَدْ
بخدا و روز آخر و کردار شایسته پس نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند بتحقیق
أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا
گرفتیم ما پیمان از بنی اسرائیل و فرستادیم بسوی ایشان فرستادگان هرگاه آمد ایشانرا فرستاده با آنچه
لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ٧٥ وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ
نمیخواهد نفسهای ایشان پاره را تکذیب کردند و پاره را میکشند و پنداشتند که نمیباشد بلائی
فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
پس کور و کر شدند پس توبه پذیرفت خدا برایشان پس کور و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست بآنچه
يَعْمَلُونَ ٧٦ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي
میکنند بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا اوست مسیح پسر مریم و گفت مسیح ای پسران
إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ
یعقوب بپرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما بدرستیکه هرکه شرک میآورد بخدا پس بتحقیق حرام کرده خدا براو
الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ٧٧ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ
بهشت را و آرامگاه اوست آتش و نیست ستمکارانرا هیچ یاری کننده هرآینه بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه
اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ
خدا سوم سه تاست و نیست هیچ خدائی مگر خدای یگانه و اگر باز نایستند از آنچه میگویند هرآینه میرسد
الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٨ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ
آنانکه کافر شدند از ایشان عذاب دردناک آیا پس بازگشت نمیکنند بسوی خدا و آمرزش نمیخواهند از و و خدا
غَفُورٌ رَحِيمٌ ٧٩ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ
آمرزنده مهربان نیست مسیح پسر مریم مگر فرستاده بتحقیق گذشتند از پیش او رسولان و مادرش
صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّىٰ
بود بسیار راستگو بودند که میخوردند طعام را بنگر چگونه بیان میکنیم برای ایشان آیات را پس بنگر چگونه
يُؤْفَكُونَ ٨٠ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا
برگردانیده میشوند بگو آیا میپرستید از غیر خدا آنچه را که مالک نیست برای شما ضرری و نه

والصابئون
بکسر با و ضم همزه و سکون واو

فعموا
در هر دو موضع بتخفیف میم است

نفعا

نَفْعًا وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۸۱ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ
سود را و خدا اوست شنوای دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دینتان بنا
الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ
حق و پیروی مکنید خواهشهای گروهی را که بتحقیق گمراه شدند از پیش و گمراه کردند بسیاری را و گمراه شدند از
سَوَاءِ السَّبِيلِ ۸۲ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى
میان راه لعنت کرده شدند آنانکه کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی
ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ
پسر مریم این بسبب آنچه نافرمانی کردند و بودند که تعدی میکردند بودند که نهی نمیکردند از منکری
فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۸۳ تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
که میکردند آنرا هر آینه بد است آنچه بودند که میکردند می بینی بسیاری از ایشان را که دوستی میکنند آنانکه کافر شدند
لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ۸۴
هر آینه بد است آنچه پیش فرستاد برای ایشان نفسهای ایشان آنکه خشم کرد خدا بر ایشان و در شکنجه ایشان جاویدانند
وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ
و اگر بودند که میگرویدند بخدا و پیغمبر و آنچه فرو فرستاده شد بسوی او نمیگرفتند ایشانرا دوستان
لَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۸۵ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا
ولیکن بیشتر از ایشان فاسقانند هر آینه خواهی یافت سخت ترین مردم را دشمنی برای آنانکه گرویدند
الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا
یهود را و آنانکه شرک آوردند و هر آینه خواهی یافت نزدیکترین ایشانرا در دوستی آنها گرویدند آنانکه گفتند
إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۸۶
بدرستیکه ما ترسائیم این بآن سبب است که از ایشان کشیشان و صومعه نشینان و آنکه ایشان سرکشی نمیکردند
وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا
و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شد بسوی پیغمبر می بینی چشمهای ایشانرا که فرو میریزد از اشک از آنچه شناختند
مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۸۷ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
از حق میگویند پروردگارا گرویدیم پس بنویس مارا با حاضران و چیست مر مارا که نمیگرویم بخدا
وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ۸۸
و آنچه آمد مارا از حق و طمع داریم که درآرد مارا پروردگار ما با گروه شایستگان
فَأَثَابَهُمُ اللّٰهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ
پس جزا داد ایشانرا خدا بآنچه گفتند بهشتها که میرود از زیر آن نهرها جاویدانند در آن و اینست
جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۸۹
مزد نیکوکاران و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند بآیتهای ما ایشانند یاران جهنم
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللّٰهَ
ای آنانکه گرویدید حرام مکنید پاکیزه های آنچه حلال کرد خدا برای شما و از حد مگذرید بدرستیکه خدا

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝٩٠ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

دوست نمیدارد از حد گذرندگانرا و بخورید از آنچه روزی داد شمارا خدا حلال پاکیزه و پرهیزید خدایرا که

أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝٩١ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا

شما باو گرونده اید مؤاخذه نمیکند شمارا خدا بلغو در سوگندهای شما و لیکن مؤاخذه میکند شمارا

عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ

ببستید شما سوگندهارا پس کفاره آن طعام دادن ده مسکین است از اوسط آنچه طعام میکنید

أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ

اهالی شمارا یا لباس ایشانرا یا آزاد کردن گردنی پس آنکه نیافت پس روزه سه روز این کفاره

أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

قسمهای شماست چون قسم خوردید و نگهدارید قسمهای خودرا همچنان بیان میکند خدا برای شما آیاتش را شاید شما

تَشْكُرُونَ ۝٩٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

شکر کنید ای آنانکه گرویدید جز این نیست که شراب و قمار و بتان و ازلام

رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝٩٣ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

پلید است از کار شیطان است پس دوری کنید از آن شاید شما رستگار شوید جز این نیست میخواهد شیطان

أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

که بیندازد میان شما دشمنی و کینه در شراب و قمار و باز دارد شمارا از یاد خدا

وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا

و از نماز پس آیا هستید شما باز ایستادگان و فرمانبرید خدارا و فرمانبرید پیغمبررا و حذر کنید

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝٩٤ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ

پس اگر اعراض کنید پس بدانید جز این نیست که بر پیغمبر ما رسانیدن آشکار نیست برآنانکه گرویدند

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا

و کردند کار شایسته باکی در آنچه خوردند چون پرهیز کردند و گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝٩٥ يَا أَيُّهَا

کار شایسته پس پرهیز کردند و گرویدند پس پرهیز کردند و نیکوئی کردند و خدا دوست میدارد نیکوکارانرا ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ

آنانکه گرویدید هرآینه بیازماید شمارا خدا بچیزی از شکار که میرسد بآن دستهای شما و نیزه‌های شما تا بداند خدا آنرا

يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝٩٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

که میترسد از او پنهانی پس اگر از حد درگذشت بعد از این پس مراورا است شکنجه دردناک ای آنانکه گرویدید

لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ ۚ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ

مکشید شکاررا و شما محرم باشید و آنکه کشت اورا از شما عمدا پس پاداش مانند آنچه کشت از چهارپایان

يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ

حکم کند بآن دو صاحب عدل از شما قربانی رسنده بکعبه یا کفاره ایست طعام دادن مسکینها یا برابر آن

قوله تعالی شانه العزیز
یا ایها الذین آمنوا
الی مبین چون کسی خمر
خورد و دعت بیرون کرده
باشد و خواهد که این صفت
از وی زایل گردد این آیت
را قسمی که ذکر شد بنویسد
در روز جمعه بامرودی
بنویسد و در صباح شنبه
پیش از آنکه چیزی خورده
باشد بخورد و شما بار
تا شنبه این دستور عمل کنند
این صفت از وی زایل گردد
باذن الله تعالی

قوله تعالی شانه
یا ایها الذین آمنوا الی
عذاب الیم این آیات
بجهة صید گرفتن مناسب
در روز دوشنبه بگیرد لوحی
از چوب زیتون و لوحی از
مس و لوحی از استخوان
اشتر پس وضو سازد این
آیت را که یا ایها الذین
آمنوا الی عذاب الیم است
نقش کند در لوح زیتون
والطیر محشورة کل له اواب
و در لوح مس بگیرد وی
این آیت را نقش کند در
روی دیگر احل لکم الی الیه
تحشرون و در لوح استخوان
دیگر فان مع العسر یسرا
هفت بار بجهة مرغان لوح
زیتون در گردن خود دارد
و بجهة صید بگیرد لوح مس را
دارد و بجهة ماهی
میکند بجهت صید حوت
استخوان ازاد ... تصید
میکند ...

صیاما

صياماً ليذوق وبال امره عفا الله عما سلف ومن عاد فينتقم الله منه
روزه تا بچشد عقوبت کار خود را عفو کرد خدا از آنچه گذشت و آنکه بازگشت انتقام میکشد خدا از او
والله عزيز ذو انتقام ٩٧ احل لكم صيد البحر وطعامه متاعاً لكم و
و خدا غالب صاحب انتقام است حلال شد مر شما را شکار دریا و طعام آن مایه تعیش است مر شما را
للسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم حرماً واتقوا الله الذي اليه تحشرون
برای کاروانیان و حرام شد بر شما شکار دشت مادامیکه باشید محرم و بپرهیزید از خدائی که بسوی او حشر کرده میشوید
جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس والشهر الحرام والهدى والقلائد
گردانید خدا کعبه خانه حرام جهة قوام برای مردم و ماه حرام و قربانی و قلاده‌ها را
ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموات وما في الارض وان الله بكل شيء
این برای آنکه بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنکه خدا بهر چیز
عليم اعلموا ان الله شديد العقاب وان الله غفور رحيم ٩٩ ما على الرسول
داناست بدانید که خدا سخت عقوبت است و آنکه خدا آمرزنده مهربانست نیست بر پیغمبر
الا البلاغ والله يعلم ما تبدون وما تكتمون ١٠٠ قل لا يستوي الخبيث والطيب
مگر رسانیدن و خدا میداند آنچه ظاهر میکنید و آنچه را پنهان میدارید بگو یکسان نیست پلید و پاکیزه
ولو اعجبك كثرة الخبيث فاتقوا الله يا اولي الالباب لعلكم تفلحون ١٠١
و گرچه بعجب درآورد ترا بسیاری پلید پس بپرهیزید از خدا ای صاحبان عقلها شاید شما رستگار شوید
يا ايها الذين امنوا لا تسئلوا عن اشياء ان تبد لكم تسؤكم وان تسئلوا
ای آنانکه گرویدید مپرسید از چیزهایی اگر ظاهر کرده شود برای شما بد شمارید و اگر بپرسید
عنها حين ينزل القران تبد لكم عفا الله عنها والله غفور حليم قد سئلها
از آن هنگامیکه فرستاده میشود قرآن اظهار کرده شود برای شما عفو کرد خدا از آن و خدا آمرزنده بردبار است بتحقیق پرسیدند
قوم من قبلكم ثم اصبحوا بها كافرين ١٠٢ ما جعل الله من بحيرة ولا سائبة و
گروهی بودند پیش از شما پس گردیدند بآن کافران نگردانید هیچ خدا از بحیره و نه سائبه و
لا وصيلة ولا حام ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب واكثرهم
نه وصیله و نه حامی و لیکن آنانکه کافر شدند می‌بندند بر خدا دروغ را و بیشترشان
لا يعقلون ١٠٣ واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول قالوا حسبنا
در نمی‌یابند و چون گفته شود برایشان که بیائید بسوی آنچه فرو فرستاده خدا و بسوی پیغمبر گویند بس است ما را
ما وجدنا عليه اباءنا اولو كان اباؤهم لا يعلمون شيئاً ولا يهتدون ١٠٤
آنچه یافته‌ایم برآن پدران خود را آیا و اگرچه باشند پدران ایشان که نمیدانند چیزی را و هدایت نیافته باشند
يا ايها الذين امنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم الى الله مرجعكم
ای آنانکه گرویدید بر شماست نفسهای شما زیان نرساند شما را کسی که گمراه شد چون هدایت یافتید بسوی خداست بازگشت شما
جميعاً فينبئكم بما كنتم تعملون ١٠٥ يا ايها الذين امنوا شهادة بينكم اذا حضر
همه پس خبر دهد شما را بآنچه بودید میکردید ای آنانکه گرویدید گواهی میان شما چون حاضر آید

تسؤكم بضم سين و سكون همزه

اباؤهم بضم همزه بدون اشباع

انفسكم بفتح سين تا مفعول عليكم بوده باشد كه اسم فعل است بمعنى الزموا

احدكم

اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِيْنَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ اَوْ اٰخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ اِنْ
یکی از شما را مرگ هنگام وصیت دو تن صاحبان عدل از شما یا دو تای دیگر از غیر شما اگر
اَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَاَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُوْنَهُمَا مِنْۢ بَعْدِ الصَّلٰوةِ
شما سیر کردید در زمین پس رسید شما را مصیبت مرگ نگاه دارید هر دو را از بعد نماز
فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ اِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِيْ بِهٖ ثَمَنًا وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ
پس سوگند بخورند بخدا اگر شک کردید نمیخریم بآن بهائی را اگرچه باشد صاحب قرابت و پنهان نمیکنیم شهادت
اللّٰهِ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الْاٰثِمِيْنَ ١٠٦ فَاِنْ عُثِرَ عَلٰٓى اَنَّهُمَا اسْتَحَقَّآ اِثْمًا فَاٰخَرٰنِ يَقُوْمٰنِ
خدا را بدرستیکه ما آنگاه هر آینه از گناهکارانیم پس اگر دریافته شد برانیکه آن دو سزاوار بودند گناه را پس دیگران می ایستند
مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِيْنَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْاَوْلَيٰنِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَآ اَحَقُّ
مکان ایشان از آنانکه سزاوار است برایشان اولیان پس قسم بخورند بخدا هر آینه شهادت ما سزاوارتر
مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَآ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ١٠٧ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا
است از شهادت ایشان و تعدی نکرده ایم ما بدرستیکه ما آنگاه از ستمکارانیم این نزدیکتر است آنکه بیارند
بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِهَآ اَوْ يَخَافُوْٓا اَنْ تُرَدَّ اَيْمَانٌۢ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
شهادت را بر وجهش یا بترسند که رد کرده شود سوگندها بعد از سوگندهای ایشان و بپرهیزید خدا را و
وَاسْمَعُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ١٠٨ يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُوْلُ
و بشنوید و خدا راه ننماید گروه نافرمانان را روزیکه جمع کند خدا رسولان را پس میگوید
مَاذَآ اُجِبْتُمْ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ١٠٩ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى
چه چیز اجابت کرده شدید گویند نیست دانشی مر ما را بدرستیکه توئی داننده غیبها چون گفت خدا ای عیسی
ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ اِذْ اَيَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ
پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر خودت و بر مادرت وقتیکه مدد کردم ترا بروح پاکی سخن میکردی
النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ١١٠ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ
مردمان را در گهواره و در موی (حتی) و هنگامیکه تعلیم دادم ترا کتاب و حکمت و توراة و انجیل
وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِيْ فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًاۢ بِاِذْنِيْ وَ
و هنگامیکه میساختی از گل مانند شکل مرغ باذن من پس میدمیدی در آن پس میشد مرغی بفرمان من و
تُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ
به میکردانیدی کور مادرزاد و پیس را بفرمان من و هنگامیکه بیرون می آوردی مردگان را بفرمان من و هنگامیکه باز داشتم بنی اسرائیل
عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ١١١
را از تو وقتیکه آمدی ایشانرا با معجزات پس گفتند آنانکه کافر شدند از ایشان نیست این مگر جادوئی آشکار
وَاِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيّٖنَ اَنْ اٰمِنُوْا بِيْ وَبِرَسُوْلِيْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ ١١٢
و هنگامیکه وحی فرستادم بسوی حواریان که بگروید بمن و برسول من گفتند گرویدیم ما و گواه باش بآنکه مائیم منقادان
اِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيْعُ رَبُّكَ اَنْ يُّنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً
چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند پروردگارت که فرو فرستد بر ما خوان طعام آراسته

و او را از شر مرده جن و اغوای انس او را محفوظ دارد و از شر ذی شر او را امین گرداند و دارنده این آیه را هیچ آزاری نرسد انشاء الله ۱۲

و ذکر بعضی مشایخ اذ قال الحواریون الی آخر الرازقین این آیات را بنویسند بر طبقی پاک بشرطی با وضو باشند روز جمعه پیش از طلوع آفتاب اگر آنرا در منزل خود در زیر خمیر برکت در منزل پیدا شود و اگر روزی بر روی گندم گردد و اگر در کشت بپاشند محصول بسیار حاصل شود اگر در شب جمعه متعاقب هم از آن بخور از امراض دروی محفوظ ماند و برکت داشته باشد تمام او در حاصل آید انشاء الله تعالی ۱۲

الحواريين در دو موضع بتخفيف واو بدون تشديد واو

رمن

مِنَ السَّمَآءِ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١١٣ قَالُوا نُرِيدُ اَنْ نَاْكُلَ مِنْهَا وَ
از آسمان گفت بپرهیزید از خدا اگر هستید گروندگان گفتند میخواهیم که بخوریم از آن و

تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ١١٤ قَالَ
بیارامد دلهای ما و بدانیم که بتحقیق راست گفتی بما و باشیم بر آن از شاهدان گفت

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا
عیسی پسر مریم بار خدایا پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی طعام از آسمان که باشد ما را عیدی

لِاَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ١١٥ قَالَ اللّٰهُ اِنِّي
از برای اول ما و آخر ما و معجزه از تو و روزی ده ما را و توئی بهترین روزی دهندگان گفت خدا بدرستیکه من

مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّي اُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا اُعَذِّبُهُ اَحَدًا مِنَ
فرو فرستنده ام آنرا بر شما پس هر که کافر میشود بعد از شما پس من عذاب میکنم او را عذابی که نکرده باشم آنرا باحدی از

الْعَالَمِينَ ١١٦ وَاِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي
جهانیان و چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفتی مر مردمان را که فرا گیرید من

وَاُمِّيَ اِلٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي اَنْ اَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ
و مادرم دو خدا از غیر خدا گفت منزهی تو نسزد مر مرا که بگویم آنچه را نیست از برای من بحق

اِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا اَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ اِنَّكَ اَنْتَ
اگر بوده ام که گفته ام آنرا پس بتحقیق دانسته آنرا میدانی آنچه را در نفس منست و نمیدانم آنچه را در ذات تست که تو

عَلَّامُ الْغُيُوبِ ١١٧ مَا قُلْتُ لَهُمْ اِلَّا مَا اَمَرْتَنِي بِهِ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ
دانندهٔ غیبها نگفتم مر ایشانرا مگر آنچه فرمان دادی مرا بآن که بپرستید خدا پروردگار من و پروردگار شما

وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَاَنْتَ
و بودم بر ایشان گواه مادامیکه بودم در ایشان پس چون برداشتی مرا بودی تو نگهبان بر ایشان و تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ١١٨ اِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَاِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَاِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَاِنَّكَ اَنْتَ
بر هر چیزی گواه اگر عذاب کنی آنها را پس ایشانند بندگان تو و اگر بیامرزی مر آنها را پس بدرستیکه توئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١١٩ قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
غالب درست کردار گفت خدا اینست روزیکه سود دارد راستگویان را راستی آنها مر ایشان راست بهشتهائیکه رو

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ
روانست از زیر آنها نهرها جاویدانند در آن همیشه خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند از خدا اینست کامیابی

الْعَظِيمُ ١٢٠ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بزرگ مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و اوست بر هر چیزی توانا

سُورَةُ الْاَنْعَامِ مِائَةٌ وَخَمْسٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا الآيات ۲۰ - ۲۳ - ۹۱ - ۹۳ - ۱۱۴ - ۱۴۱ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ فمدنیة نزلت بعد الحجرة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

حضرت رسالت پناه صلعم فرموده که هر که سورهٔ انعام را بخواند در بیان خواندن ... قبل از شروع ... [illegible]

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين

ستایش مر خدای راست که آفرید آسمانها و زمین را و پدید آورد تاریکیها و روشنی را پس آنانکه

كفروا بربهم يعدلون ٢ هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا و

کافر شدند به پروردگار خود شریک میآورند اوست که آفرید شما را از گل پس تقدیر کرد اجلی را و

اجل مسمى عنده ثم انتم تمترون ٣ وهو الله في السموات وفي الارض

و اجلیست نام برده شده نزد وی پس شما شک می آرید و اوست خدا در آسمانها و در زمین

يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ٤ وما تاتيهم من اية من ايات

میداند پنهان شما و آشکار شما را و میداند آنچه کسب میکنید و نمی آید ایشان را از هیچ آیتی از آیات

ربهم الا كانوا عنها معرضين ٥ فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف

پروردگار ایشان مگر بودند از او روگردانندگان پس بتحقیق تکذیب کردند حق را چون آمد ایشان را پس زود باشد

ياتيهم انباء ما كانوا به يستهزءون ٦ الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من

که آید ایشان را خبرهای آنچه بودند که بآن استهزا میکردند آیا ندیدند که چند هلاک کردیم از پیش از آنها از

قرن مكنهم في الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا السماء عليهم مدرارا

قرنی صاحب قدرت کردیم ایشان را در زمین آنچه قدرت نکردیم شما را و فرستادیم آسمان بر ایشان باران ریزنده

وجعلنا الانهار تجري من تحتهم فاهلكناهم بذنوبهم وانشانا من بعدهم

و گردانیدیم نهرها که میرفتند در زیر ایشان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان و آفریدیم ما بعد از ایشان

قرنا اخرين ٧ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بايديهم لقال

قرنی دیگر و اگر فرو فرستاده بودیم بر تو کتابی در کاغذی پس بسودندی آنرا بدستهای ایشان هرآینه میگفتند

الذين كفروا ان هذا الا سحر مبين ٨ وقالوا لولا انزل عليه ملك و

آنانکه کافر شدند نیست این مگر جادوی آشکارا و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او فرشته

لو انزلنا ملكا لقضي الامر ثم لا ينظرون ٩ ولو جعلناه ملكا

و اگر میفرستادیم فرشته را هرآینه تمام کرده میشد امر پس مهلت داده نشوند و اگر میگردانیدیم او را فرشته

لجعلناه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون ١٠ ولقد استهزئ برسل من

هرآینه میگردانیدیم او را مردی و هرآینه مشتبه میکردیم برایشان آنچه را مشتبه میکنند و هرآینه بتحقیق استهزا کرده شد برسولان از

قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ١١ قل سيروا في

پیش از تو پس رسید بآنها که استهزا کردند از ایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند بگو سیر کنید در

الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ١٢ قل لمن ما في السموات

زمین پس بنگرید چگونه بود انجام تکذیب کنندگان بگو مر کراست آنچه در آسمانها

والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب

و زمین است بگو مر خدا راست نوشته بر خود رحمت هرآینه جمع خواهد کرد شما را تا روز رستخیز نیست شکی

فيه الذين خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون ١٣ وله ما سكن في الليل

در آن آنانکه زیان کردند بخود شان پس ایشان نمیگروند و مر او راست آنچه آرامید در شب

وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١٤ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ
و روز و وی شنونده داناست بگو آیا جز خدا را گیرم دوستی پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا
زمین و او میخوراند و خورانیده نشود بگو بدرستیکه من مامور شده ام که باشم اول کسیکه گردن نهاد و نه

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٥ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٦
باش از شرک آرندگان بگو که من میترسم اگر نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ١٧ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ
کسی که گردانیده شود از او در آنروز پس بتحقیق رحمت کرد او را و اینست کامیابی آشکار و اگر برساند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٨ وَهُوَ
زیانی پس نیست دفع کننده مر او را بجز او و اگر برساند ترا خیری پس او بر هر چیزی تواناست و اوست

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ١٩ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ
غالب فوق بندگانش و اوست درست کردار دانا بگو چه چیز است بزرگتر در شهادت بگو خدا

شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ
گواه است میان من و میان شما و وحی شد این قرآن بمن تا بیم دهم شما را بآن و آنرا که برسد آیا شما

لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ
هر آینه گواهی میدهید که با خدا معبودان دیگر بگو گواهی نمیدهم بگو بجز این نیست که او خدای یگانه

وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ٢٠ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ
و بدرستیکه من بیزارم از آنچه شرک میآورید آنانکه دادیمشان کتاب می شناسند او را چنانکه میشناسند

أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٢١ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ
پسرانشان را آنانکه زیان رسانیدند بخود پس ایشان ایمان نمیآرند و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ٢٢ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
بر خدا دروغ را یا تکذیب کرد آیتهای او را بدرستیکه رستگار نشوند ستمکاران و روزیکه حشرشان کنیم

جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ٢٣ ثُمَّ
تمامی پس میگوییم مر آنانرا که شرک آوردند کجا اند انبازان شما آنانکه بودید که می پنداشتید پس

لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ٢٤ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا
نبوده باشد فتنه ایشان مگر آنکه گویند بخدا که پروردگار ماست نبودیم شرک آرندگان ببینگر چگونه تکذیب

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٥ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ
کردند بر خود و گمراه شد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند و از ایشان کسی است که گوش میدارد بتو و

جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ
قرار دادیم بر دلهای ایشان پردهها مبادا که بفهمند و در گوشهای شان گرانی و اگر ببینند هر علامتی

لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا
نمیگروند بآن تا هنگامیکه میآیند ترا مجادله کنند باتو میگویند آنانکه کافر شدند نیست این

شرکاؤکم بعد اشباع همزه صیغه مفرد است

کذبوا بتخفیف ذال

جاؤک بضم همزه و سکون واو اشباع شود صیغه جمع است

إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٢٦ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ

بجز افسانهای پیشینیان و ایشان باز میدارند از او و خود دوری میکنند از وی و هلاک نمیکنند

إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٢٧ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا

مگر خودشان را و نمیدانند و اگر ببینی هنگامی که باز داشته شده بر آتش پس گویند ای کاش

نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٨ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا

برگردانیده میشدیم و تکذیب نمیکردیم آیات پروردگار را و میبودیم از گروندگان بلکه آشکار شد ایشان را آنچه بودند

يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ٢٩ وَ

پنهان میداشتند از پیش و اگر برگردانیده میشدند باز میگشتند بآنچه نهی کرده شدند از آن و بدرستیکه ایشان دروغگویانند و

قَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ٣٠ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ

گفتند نیست آن مگر زندگی ما در دنیا و نیستیم ما برانگیخته شدگان و اگر ببینی هنگامیکه باز داشته شدند بر

رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

پروردگارشان گوید آیا نیست این بحق گفتند آری بحق پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید

تَكْفُرُونَ ٣١ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

کافر شده میدید بتحقیق زیان کردند آنان که تکذیب کردند لقای خدا را تا آمد ایشان را قیامت ناگاه

قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا

گفتند ای حسرت ما را برآنچه تقصیر کردیم در آن و ایشان برمیدارند بارهای خود را بر پشتهاشان آگاه باش

سَاءَ مَا يَزِرُونَ ٣٢ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ

بد است آنچه برمیدارند و نیست زندگی دنیا مگر بازی و بیهوده و هر آینه سرای آخرت

خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٣٣ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ

بهتر است مر آنانرا که پرهیزند آیا پس در نمییابید بعقل بتحقیق که میدانیم بدرستیکه هر آینه اندوهگین میسازد ترا آنچه میگویند

فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ٣٤ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ

پس بدرستیکه ایشان تکذیب نمیکنند ترا ولیکن ستمکاران بآیات خدا انکار میورزند و هر آینه بتحقیق تکذیب کرده شدند

مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ

رسولان پیش از تو پس صبر کردند برآنچه تکذیب کرده شدند و رنجانیده شدند تا آمد ایشانرا نصرت ما و نیست بدل کننده مر کلمات

اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ ٣٥ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ

خدا را و هر آینه بتحقیق آمد ترا از خبرهای فرستاده شدگان و اگر چه بزرگ آمد بر تو اعراض ایشان

فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ

پس اگر توانائی بجوئی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان پس بیاوری بایشان نشانی و اگر

شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ٣٦ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ

خواهد خدا هر آینه جمع کند ایشانرا بر هدایت پس نباشید از جاهلان جز این نیست که اجابت میکنند

يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ٣٧ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ

آنانکه میشنوند و مردگان را برمیانگیزاند ایشانرا خدا پس بسوی او برمیگردند و گفتند چرا فرو فرستاده نشد براو

ابة

آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّٰهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۳۸

آيتی از پروردگارش بگو بدرستیکه خدا تواناست بر آنکه فرو فرستد آیتی ولیکن بیشترشان نمیدانند

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا

و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه پرنده که میپرد بدو بالش مگر امتهائی که مانند شمایند تقصیر نکردیم

فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ۳۹ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ

در کتاب از چیزی پس بسوی پروردگارشان حشر کرده میشوند و آنانکه تکذیب کردند بآیات ما کرانند و گنگانند

فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللّٰهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۴۰ قُلْ

در تاریکیها آنرا که میخواهد خدا گمراه میکند او را و آنرا که میخواهد میگرداند او را بر راه راست بگو

أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللّٰهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ

خبر دهید که اگر آید شما را عذاب خدا یا آید شما را قیامت آیا جز خدا را میخوانید اگر هستید

صَادِقِينَ ۴۱ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ

راستگویان بلکه او را میخوانید پس میبرد آنچه میخوانید بسوی او اگر خواهد و فراموش میکنید

مَا تُشْرِكُونَ ۴۲ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ

آنچه شریک میسازید و هر آینه بتحقیق فرستادیم بسوی امتانی پیش از تو پس گرفتیم ایشانرا بسختی و رنجوری

لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ۴۳ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ

تا شاید ایشان زاری کنند پس چرا [illegible] زاری نکردند ولیکن سخت شد دلهای ایشان

وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۴۴ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا

و بیاراست [illegible] شیطان آنچه بودند میکردند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند گشودیم

عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ۴۵

[illegible] درهای هر چیزی را [illegible] آنچه داده شدند گرفتیم ایشانرا ناگاه پس ایشان [illegible]

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۴۶ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ

[illegible] ستم کردند و ستایش خدا پروردگار جهانیانرا بگو خبر دهید اگر گرفت

اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ

خدا گوشهای و چشمهای شما را و مهر نهاد بر دلهای شما [illegible] جز خدا که بدهد شما را آن بنگر چگونه

نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ۴۷ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ بَغْتَةً أَوْ

میگردانیم آیتها را پس ایشان اعراض میکنند بگو خبر دهید اگر آید شما را عذاب خدا ناگاه یا

جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۴۸ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ

آشکارا [illegible] هلاک میکنند مگر گروه ستمکاران و نمیفرستیم رسولانرا مگر مژده دهندگان

وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۴۹ وَالَّذِينَ

و بیم کنندگان پس هر که گروید و [illegible] پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند و آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۵۰ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ

تکذیب کردند آیتهای ما را میرسد ایشانرا عذاب بسبب آنچه بودند فسق میکردند بگو نمیگویم شما را

اوتوا
بضم همزه وسکون
و داو [illegible]
شود

عِندِی خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَآ اَعلَمُ الغَیبَ وَلَآ اَقُولُ لَکُم اِنِّی مَلَکٌ اِن اَتَّبِعُ اِلَّا
نزد منست خزینهای خدا و نه میدانم غیب را و میگویم مر شما را بدرستیکه من فرشته ام پیروی نمیکنم مگر
مَا یُوحٰی اِلَیَّ قُل هَل یَستَوِی الاَعمٰی وَالبَصِیرُ اَفَلَا تَتَفَکَّرُونَ ۵۰ وَاَنذِر بِهِ
آنچه وحی میشود بسوی من بگو آیا یکسانست کور و بینا آیا پس فکر نمیکنید و بیم ده بآن
الَّذِینَ یَخَافُونَ اَن یُحشَرُوا اِلٰی رَبِّهِم لَیسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِیٌّ وَلَا شَفِیعٌ
آنانرا که میترسند که حشر کرده شوند بسوی پروردگار ایشان نیست مر ایشانرا از غیر او دوستی و نه شفاعت کننده
لَعَلَّهُم یَتَّقُونَ ۵۱ وَلَا تَطرُدِ الَّذِینَ یَدعُونَ رَبَّهُم بِالغَدٰوةِ وَالعَشِیِّ یُرِیدُونَ
شاید که ایشان بپرهیزند و مران آنانرا که میخوانند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند
وَجهَهُ مَا عَلَیکَ مِن حِسَابِهِم مِن شَیءٍ وَمَا مِن حِسَابِکَ عَلَیهِم مِن شَیءٍ فَتَطرُدَهُم
وجهش را نیست بر تو از حسابشان هیچ چیز و نیست از حساب تو بر ایشان هیچ چیز پس میرانی ایشانرا
فَتَکُونَ مِنَ الظَّالِمِینَ ۵۲ وَکَذٰلِکَ فَتَنَّا بَعضَهُم بِبَعضٍ لِیَقُولُوا اَهٰؤُلَآءِ مَنَّ
پس باشی از ستمکاران و همچنین امتحان کردیم برخی ایشانرا ببرخی تا گویند آیا اینهایند که منت نهاد
اللّٰهُ عَلَیهِم مِن بَینِنَا اَلَیسَ اللّٰهُ بِاَعلَمَ بِالشّٰکِرِینَ ۵۳ وَاِذَا جَآءَکَ الَّذِینَ
خدا بر ایشان از میان ما آیا نیست خدا داناتر بشاکران و چون آیند ترا آنانکه
یُؤمِنُونَ بِاٰیٰتِنَا فَقُل سَلٰمٌ عَلَیکُم کَتَبَ رَبُّکُم عَلٰی نَفسِهِ الرَّحمَةَ اَنَّهُ مَن عَمِلَ
گرویدند بآیتهای ما پس بگو سلام بر شما نوشت پروردگار شما بر خود رحمت را بدرستیکه هر که کرد
مِنکُم سُوٓءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعدِهِ وَاَصلَحَ فَاَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ ۵۴ وَکَذٰلِکَ
از شما بدیرا بنادانی پس توبه کرد از بعد آن و شایسته شد پس بدرستیکه او آمرزنده مهربانست و همچنان
نُفَصِّلُ الاٰیٰتِ وَلِتَستَبِینَ سَبِیلُ المُجرِمِینَ ۵۵ قُل اِنِّی نُهِیتُ اَن اَعبُدَ الَّذِینَ
تفصیل میدهیم آیتها را و تا روشن شود راه گناهکاران بگو بدرستیکه من نهی کرده شده ام که پرستم آنانرا که
تَدعُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ قُل لَّآ اَتَّبِعُ اَهوَآءَکُم قَد ضَلَلتُ اِذًا وَّمَآ اَنَا مِنَ المُهتَدِینَ
میخوانند از غیر خدا بگو پیروی نمیکنم خواهشهای شما را بتحقیق گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان
قُل اِنِّی عَلٰی بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّی وَکَذَّبتُم بِهِ مَا عِندِی مَا تَستَعجِلُونَ بِهِ اِنِ الحُکمُ
بگو بدرستیکه من بر دلیل روشنم از پروردگارم و تکذیب کردید آنرا نیست نزد من آنچه را شتاب میکنید بآن نیست حکم
اِلَّا لِلّٰهِ یَقُصُّ الحَقَّ وَهُوَ خَیرُ الفٰصِلِینَ ۵۶ قُل لَّو اَنَّ عِندِی مَا تَستَعجِلُونَ
مگر برای خدا بیان میکند حق را و اوست بهترین حکم کنندگان بگو اگر آنکه نزد من بود آنچه را شتاب میکنید
بِهِ لَقُضِیَ الاَمرُ بَینِی وَبَینَکُم وَاللّٰهُ اَعلَمُ بِالظّٰلِمِینَ ۵۷ وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الغَیبِ
بآن هرآینه گذارده شده بود کار میان من و میان شما و خدا داناتر است بستمکاران و نزد اوست کلیدهای غیب
لَا یَعلَمُهَآ اِلَّا هُوَ وَیَعلَمُ مَا فِی البَرِّ وَالبَحرِ وَمَا تَسقُطُ مِن وَّرَقَةٍ اِلَّا یَعلَمُهَا
نمیداند آنرا مگر او و میداند آنچه در صحرا و دریاست و ساقط نشود هیچ برگی مگر که میداند آنرا
وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمٰتِ الاَرضِ وَلَا رَطبٍ وَّلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی کِتٰبٍ مُّبِینٍ ۵۸ وَهُوَ
و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی مگر در کتاب روشن و اوست

[illegible]
قوله تعالى
ولا تطرد الذين [illegible]

الذى يتوفكم بالليل ويعلم ما جرحتم بالنهار ثم يبعثكم فيه ليقضى اجل ٩

آنكه متوفى ميگرداند شمارا بشب وميداند آنچه كسب كرديد بروز پس برانگيزد شمارا در آن تا تمام كرده شود مدت

مسمى ثم اليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون ١ وهو القاهر فوق

نام برده شده پس بسوى او بازگشت شماست پس خبر ميدهد شمارا بآنچه شما ميكرديد واوست غالب بالاى

عباده ويرسل عليكم حفظة حتى اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا

بندگانش وميفرستد بر شما نگهبانان تا چون آيد يكى از شمارا مرگ بميراند اورا فرستادهاى ما

وهم لا يفرطون ٢ ثم ردوا الى الله مولهم الحق الا له الحكم وهو

وآنها تقصير نميكنند پس بازگردانيده شوند بسوى خدا خداوندشان حق است آگاه باش مر اوراست حكم و او

اسرع الحاسبين ٣ قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعا

سريعترين حساب كنندگان است بگو كيست نجات بدهد شمارا از تاريكيهاى صحرا و دريا ميخوانيد او را بزارى

وخفية لئن انجنا من هذه لنكونن من الشاكرين ٤ قل الله ينجيكم منها

ونهانى كه اگر برهاند مارا ازين تا باشيم البته از شاكران بگو خدا نجات ميدهد شمارا از آن

ومن كل كرب ثم انتم تشركون ٥ قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابا

واز هر اندوهى پس شما شرك مياوريد بگو اوست توانا بر آنكه برانگيزد بر شما شكنجه

من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعا ويذيق بعضكم بأس بعض انظر

از بالاى شما يا از زير پايتان يا بهم اندازد شما را فرقه فرقه وبچشاند برخى شمارا آسيب برخى بنگر

كيف نصرف الايات لعلهم يفقهون ٦ وكذب به قومك وهو الحق قل لست

چگونه ميگردانيم آيتهارا شايد آنها بفهمند وتكذيب كردند بآن قومت واوست حق بگو نيستم

عليكم بوكيل لكل نبا مستقر وسوف تعلمون ٧ واذا رايت الذين

بر شما وكيل براى هر خبرى وقتى است وزود باشد بدانيد وچون ديدى آنانكه

يخوضون فى اياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا فى حديث غيره واما ينسينك

گفتگو ميكنند در آيات ما پس اعراض كن از آنها تا گفتگو كنند درخبرى غير آن واگر فراموش گرداند

الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين ٨ وما على الذين

شيطان پس منشين بعد پند با گروه ستمگاران ونيست بر آنانكه

يتقون من حسابهم من شىء ولكن ذكرى لعلهم يتقون ٩ وذر الذين

پرهيزكارند از حسابشان از چيزى وليكن پند دادنيست شايد پرهيزند وواگذار آنانكه

اتخذوا دينهم لعبا ولهوا وغرتهم الحيوة الدنيا وذكر به ان تبسل نفس

گرفتند دينشانرا بازيچه وهزل وفريفته كرد آنهارا زندگى دنيا وپند ده بآن مبادا گير شود نفسى

بما كسبت ليس لها من دون الله ولى ولا شفيع وان تعدل كل عدل لا يؤخذ

بآنچه كسب كرد نيست برايش جز خدا دوستى ونه شفاعت خواهى واگر فدا دهد هر فدايى نميگيرند

منها اولئك الذين ابسلوا بما كسبوا لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا

از آن آنها آنانند گرفتار شدند بآنچه كسب كردند مر آنهاراست شراب از آب گرم وشكنجه دردناك بآنچه بودند

و لعت نيلى شاعز قل من ينجيكم الى تشركون كسى در كشتى ها فرض شود از خوف و طوفان اضطراب كرده ناشد اين آيه را بخواند حق تعالى او را از آن بلا خلاص سازد انشاء الله تعالى ١٢

يكفرون

يَكْفُرُونَ ۷۰ قُلْ أَنَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ

که فرمیشدند گو آیا میخوانیم از غیر خدا آنچه را سود نکند ما را و نه زیان رساند ما را و باز پس رویم

أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ

بر پاشنهامان پس آنکه راه نمود ما را خدا مانند کسی که از راه ببرد او را دیوان در زمین حیران

لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ

مر او را رفیقان باشند که میخوانند او را بسوی هدیت که بیا بجانب ما بگو بدرستیکه هدایت خدا آنست هدایت و

أُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۷۱ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي

فرموده شدیم که گردن نهیم مر پروردگار جهانیان را و آنکه بر پای دارید نماز را و بپرهیزید او را و اوست آنکه

إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۷۲ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ

بسوی او حشر کرده میشوید و اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را بحق و روزیکه میگوید

كُنْ فَيَكُونُ ۷۳ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ

باش پس میباشد گفتار او حق است و مر او راست پادشاهی روزیکه در صور دمیده شود داناى نهان

الشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۷۴ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا

آشکارا است و اوست درست کردار آگاه و هنگامیکه گفت ابراهیم پدر او را که آزر بود آیا میگیری بتها را

آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۷۵ وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ

خدایان بدرستیکه من می بینم ترا و قومت را در گمراهی آشکار و همچنان مینمودیم ابراهیم را ملک

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ۷۶ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ

آسمانها و زمین و تا باشد از یقین کنندگان پس چون تار شد بر او شب دید

كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ۷۷ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ

ستاره را گفت اینست پروردگارم پس چون غایب شد گفت دوست ندارم غایب شوندگان را پس چون دید ماه را

بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ

طالع گفت اینست پروردگارم پس چون غایب شد گفت هر آینه اگر هدایت نکند مرا پروردگارم هر آینه بودم از گروه

الضَّالِّينَ ۷۸ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ

گمراهان پس چون دید خورشید را طالع گفت اینست پروردگارم اینست بزرگتر پس چون غایب شد

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۷۹ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ

گفت ای قوم بدرستیکه من بیزارم از آنچه شریک میآورید بدرستیکه من متوجه گردانیدم وجهم را برای آنکه پدید کرد

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۸۰ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ

آسمانها و زمین را حق گرای و نیستم من از مشرکان و مجادله کردند او را قومش گفت

أَتُحَاجُّونِّي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي

آیا مجادله میکنید در خدا و بتحقیق هدایت کرد مرا و نمیترسم آنچه را شریک او آرید با آن مگر آنکه بخواهد پروردگارم

شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۸۱ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا

چیزی را کشاده کرده است پروردگارم هر چیز را از راه دانش آیا پس پند نمیگیرید و چگونه بترسم آنچه را شریک آوردید

قوله تعالی اتدعوا من دون الله الی رب العالمین بگرداند
در مشک آب و قطعه از
پوست کدوی خشک
و در آن چیزی بنده و در
اندازه این آیات را بنویسد
و در بیرون آیه را بنویسد
و ما در او بنویسد و آنرا در
موضعی دفن کنند که
بگذر نباشد آن دزد
و حیران بماند و مشوش
گردد و بمنزل خود معاودت
نماید باذن الله تعالی

قوله تعالی عالم الغیب الی الحکیم الخبیر
این آیه را بسوده غشینه
بر پوست خشک نویسد
که بدو نیم کرده باشند و
با خود حمایل نماید از شر جن و
انس ایمن گردد و اگر در
لوحی با خود نگاه دارد
دعای او مستجاب
گرداند و اندوه بشادی
مبدل کند
۱۲

اتحاجونی
بتشدید نون
هردو باید باشد

تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا فاى الفريقين احق
نمی‌ترسید و شما شریک گرفتید بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن بر شما حجتی پس کدامیست از دو گروه سزاوارتر
بالامن ان كنتم تعلمون ٨١ الذين آمنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك
بایمنی اگر هستید که بدانید آنانکه گرویدند و نیامیختند ایمان خود را بستم آنها
لهم الامن وهم مهتدون ٨٢ وتلك حجتنا آتيناها ابرهيم على قومه
مر ایشانراست ایمنی و ایشان راه یافتگانند و این بود دلیل ما که دادیم آنرا ابراهیم را بر قوم او
نرفع درجات من نشاء ان ربك حكيم عليم ٨٣ ووهبنا له اسحق ويعقوب
بلند میکنیم مرتبه‌های آنرا که بخواهیم بدرستیکه پروردگار تو درست کردار داناست و بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب
كلا هدينا ونوحا هدينا من قبل ومن ذريته داود وسليمان وايوب
همه را هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم از پیش و از فرزندانش داود و سلیمان و ایوب
ويوسف وموسى وهرون وكذلك نجزى المحسنين ٨٤ وزكريا ويحيى
و یوسف و موسی و هرون و همچنان جزا میدهیم نیکوکارانرا و زکریا و یحیی
وعيسى والياس كل من الصالحين ٨٥ واسمعيل واليسع ويونس و
و عیسی و الیاس همه بودند از شایستگان و اسمعیل و یسع و یونس
لوطا وكلا فضلنا على العالمين ٨٦ ومن آبائهم وذرياتهم واخوانهم
و لوط همه را افزونی دادیم بر جهانیان و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان
واجتبيناهم وهديناهم الى صراط مستقيم ٨٧ ذلك هدى الله يهدى
و برگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ایشانرا براه راست اینست هدایت خدا راه مینماید
به من يشاء من عباده ولو اشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون ٨٨ اولئك
آنرا که میخواهد از بندگانش و اگر شرک آورده بودند هرآینه نابود شده بود از آنها آنچه بودند میکردند آنهایند
الذين آتيناهم الكتاب والحكم والنبوة فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا
آنانکه دادیم آنهارا کتاب و حکم و پیغمبری پس اگر کافر شوند بآن اینها پس بتحقیق باز سپاریم
بها قوما ليسوا بها بكافرين ٨٩ اولئك الذين هدى الله فبهديهم اقتده
بآنها قومی را که نیستند بآن کافران آنهایند آنانکه هدایت کرد خدا پس بهدایتشان اقتدا کن
قل لا اسئلكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعالمين ٩٠ وما قدروا الله
بگو نمیخواهم از شما بر آن مزدی نیست او مگر پندی برای جهانیان و نشناختند خدا را
حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شىء قل من انزل الكتاب الذى
حق شناختنش چون گفتند فرو نفرستاده خدا بر انسانی هیچ چیز بگو که فرو فرستاد کتاب را که
جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون
آمد بآن موسی نوری و هدایتی برای مردم میگردانید آنرا کاغذها آشکار میکنید آنرا و پنهان مینمائید
كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم فى خوضهم يلعبون ٩١
بسیاری را و آموخته شدید آنچه را ندانستید شما و نه پدرانتان بگو خدا پس واگذار ایشانرا در باطلشان بازی میکنند

از صفحه طرز دوم قول ابراهیم الی ما تشركون
این آیه نقش کنند بر لوحی از آهن ... معنیات بر او منکشف گردد و بر اسرار مردم مطلع گردد ... و اگر آن را در آب ... شود ... و دست ده گردد و اگر کسی خواهد که راه راحت بیابد

داود
بضم واو کذ اشباع شود یعنی بدو واو خوانده شود

وهذا

وهذا كتاب انزلناه مبارك مصدق الذي بين يديه ولتنذر ام القرى ۹۳

واین کتابیست که فرو فرستادیم آنرا مبارک تصدیق کننده آنچه باشد میان دو دستش و تا بیم کنی مردم مکه را

ومن حولها والذين يؤمنون بالاخرة يؤمنون به وهم على صلوتهم يحافظون

و آنکه باشد در حوالیش و آنکه گروید به آخرت میگروند بآن و ایشان بر نماز شان نگاه میدارند

ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او قال اوحي الي ولم يوح اليه شيء و

وکیست ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را یا گفت وحی کرده شد بمن و وحی کرده نشد باو چیزی

من قال سانزل مثل ما انزل الله ولو ترى اذ الظالمون في غمرات الموت

و آنکه گفت زود فرو فرستم مانند آنچه فرو فرستاده خدا و اگر بینی آنگاه ستمگاران را در سکرات مرگ

والملئكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

و فرشتگان گشاده اند دستهاشان را که بیرون کنید جانهاتان را امروز جزا داده خواهید شد عذاب خواری

بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن اياته تستكبرون ۹۴ ولقد

بسبب آنچه بودید میگفتید بر خدا بنا حق و بودید از آیاتش سرکشی میکردید و هر آینه بتحقیق

جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة وتركتم ما خولناكم وراء ظهوركم

آمدید بما تنها چنانکه آفریدیم شمارا اول مرتبه و واگذاشتید آنچه دادیم شمارا پس پشتهاتان

وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم انهم فيكم شركاء لقد تقطع

و نمی بینیم با شما شفیعان شمارا آنانکه گمان بردید که ایشان در شما شریکانند هر آینه بریده شد

بينكم وضل عنكم ما كنتم تزعمون ۹۵ ان الله فالق الحب والنوى يخرج

میان شما و گم شد از شما آنچه بودید گمان میبردید بدرستیکه خدا شکافنده دانه و هسته است بیرون می آرد

الحي من الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فانى تؤفكون ۹۶ فالق الاصباح

زنده را از مرده و بیرون آرنده است مرده را از زنده آنست خدا پس کجا برگردانیده میشوید شکافنده صبح

وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم ۹۷

و گردانید شب را آرامگاه و خورشید و ماه را شمرده این است تقدیر غالب دانا

وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا

و اوست که گردانید برای شما ستاره‌ها را تا راه یابید بآنها در تاریکیهای صحرا و دریا بتحقیق تفصیل دادیم

الايات لقوم يعلمون ۹۸ وهو الذي انشاكم من نفس واحدة فمستقر و

آیتها را برای قومیکه میدانند و اوست که پیدا آورد شمارا از نفس واحد پس قرارگاهی

مستودع قد فصلنا الايات لقوم يفقهون ۹۹ وهو الذي انزل

و امانتگاهیست بتحقیق تفصیل دادیم آیتها را برای قومیکه میفهمند و اوست آنکه فرو فرستاد

من السماء ماء فاخرجنا به نبات كل شيء فاخرجنا منه خضرا نخرج

از آسمان آبرا پس بیرون آوردیم بآن رستنی همه چیز پس بیرون آوردیم از آن سبزه که بیرون آوریم

منه حبا متراكبا ومن النخل من طلعها قنوان دانية وجنات من اعناب

از آن دانه برکدیگر سوار و از خرما از شکوفه او خوشه‌ها نزدیک بهم و بوستانها از انگور

والزیتون

وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ اُنْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ

و زیتون و انار هم شبیه و بهم نا شبیه بنگرید بسوی میوهٔ آن چون میوه آورد و رسیدنش

إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ١٠٠ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ

بدرستیکه در این شما را هر آینه آیتهاست برای گروهی که میگروند و قرار دادند برای خدا شریکان جن و آفرید ایشانرا

وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ١٠١ بَدِيعُ

و بر بافتند برای او پسران و دختران بغیر دانش منزه است او و برتر است از آنچه نسبت میدهند

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ

آفرینندهٔ آسمانها و زمین است کی باشد مر او را فرزندی و نباشد مر او را زنی و آفرید همه

شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٠٢ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ

چیز را و اوست بهر چیزی دانا اوست این شما را خدا پروردگار شما نیست خدائی بجز او آفرینندهٔ هر

شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ١٠٣ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ

چیزی پس بپرستید او را و اوست بر هر چیزی وکیل در نیابد او را دیدها و او در مییابد

الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ١٠٤ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ

دیدها را و اوست باریک بین آگاه بتحقیق آمد شما را نشانهای بینش از پروردگار شما پس کسیکه بینا شد

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ١٠٥ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ

پس مر خود را است و هر که کور ماند پس بر اوست و نیستم بر شما نگهبان و همچنان مکرر میآوریم آیتها را

وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١٠٦ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ

و تا بگویند درس خواندهٔ و تا بیان نمائیم برای گروهی که میدانند پیروی کن آنچه وحی شد بسوی تو از

رَبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ١٠٧ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا

پروردگارت نیست خدائی بجز او و روی بگردان از مشرکان و اگر خواسته بود خدا شرک نمی آوردند

وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ١٠٨ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ

و نگردانیدیم ترا بر ایشان نگهبان و نیستی تو بر ایشان وکیل و دشنام ندهید آنانکه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ

میخوانند از جز خدا پس دشنام دهند خدا را از دشمنی بدون دانشی همچنین آراستیم از برای هر گروهی

عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٠٩ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ

کردار ایشانرا پس بسوی پروردگار ایشان بازگشت ایشان پس آگاه کند ایشانرا بآنچه بودند که میکردند و سوگند خوردند بخدا

جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا

کوشش سوگند ایشان که اگر آید ایشانرا آیتی هر آینه بگروند بآن بگو جز این نیست که آیات نزد خداست و چه چیز

يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ١١٠ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ

میداناند شما را که آن چون آید نمیگروند و برمیگردانیم دلهای ایشان و دیدهای ایشانرا چنانکه نه

يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ١١١ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ

گرویدند بآن نخست بار و وا گذاریم ایشانرا در سرکشی ایشان سرگشته شوند و اگر که فرو فرستادیم بسوی ایشان

الملک

الملٰئكة وكلّمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا الا
فرشتگان را و سخن گفتندی با ایشان مردگان و گرد آوردیم بر ایشان همه چیز را رو برو نباشند که ایمان آورند مگر
ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون ١١٢ وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا
آنکه خواهد خدا ولیکن بیشتر ایشان نادانند و همچنین گردانیدیم مر هر پیغمبری را دشمن
شياطين الانس والجن يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولو
از دیوان انس و جن وحی کنند برخی ازانها به برخی آرایش گفتاری بفریب دادن و اگر
شاء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون ١١٣ ولتصغى اليه افئدة الذين
خواستی پروردگارت نکردندی آنرا پس واگذار ایشانرا و آنچه را میبافند و تا گوش دارد بسوی او دلهای آنانکه
لا يؤمنون بالاخرة وليرضوه وليقترفوا ما هم مقترفون ١١٤ افغير الله ابتغي
ایمان نمی‌آورند به آخرت و تا پسندند آنرا و تا ورزند آنچه ایشان ورزندگانند آیا پس جز خدا بجویم
حكما وهو الذي انزل اليكم الكتاب مفصلا والذين اتيناهم الكتاب
حاکمی و اوست آنکه فرستاد بسوی شما کتاب را جدا کرده و آنانکه دادیم ایشانرا کتاب
يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترين ١١٥ وتمت
میدانند که آن فرستاده شده از پروردگارت بحق پس مباش البته از شک برندگان و تمام شد
كلمت ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلمٰته وهو السميع العليم ١١٦
سخن پروردگارت براستی و داد نیست بدل کننده مر سخنان او را و او شنونده داناست
وان تطع اكثر من في الارض يضلوك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن
و اگر فرمانبری بیشتر آنکه در زمین است گمراه کنند ترا از راه خدا پیروی نمیکنند مگر گمان
وان هم الا يخرصون ١١٧ ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم
و نیستند ایشان مگر که دروغ گویند هر آینه پروردگار تو اوست داناتر کسیکه گم میشود از راه او و اوست داناتر
بالمهتدين ١١٨ فكلوا مما ذكر اسم الله عليه ان كنتم بايٰته مؤمنين ١١٩
براه یافتگان پس بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر او اگر باشید بآیات او گروندگان
وما لكم الا تاكلوا مما ذكر اسم الله عليه وقد فصل لكم ما حرم عليكم
و چیست مر شما را که نخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر او و بتحقیق جدا کرد برای شما آنچه حرام کرد بر شما
الا ما اضطررتم اليه وان كثيرا ليضلون باهوائهم بغير علم ان ربك
مگر آنچه را ناچار شدید بآن و هر آینه بسیاری هر آینه گمراه میکنند بخواهشهای خود بدون دانش هر آینه پروردگار تو
هو اعلم بالمعتدين ١٢٠ وذروا ظاهر الاثم وباطنه ان الذين يكسبون
اوست داناتر بتعدی کنندگان و واگذارید بیرون گناه و درونش را هر آینه آنانکه کسب میکنند
الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ١٢١ ولا تاكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه
گناه را زود جزا داده شوند بآنچه بودند کسب میکردند و نخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر او
وانه لفسق وان الشياطين ليوحون الى اوليائهم ليجادلوكم وان اطعتموهم
و هر آینه فسق است و هر آینه شیاطین هر آینه وحی میکنند بسوی دوستان خود تا مجادله کنند با شما و اگر فرمان برید ایشان را

انكم لمشركون ۱۲۲ اومن كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في
الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين للكافرين
ما كانوا يعملون ۱۲۳ وكذلك جعلنا في كل قرية اكابر مجرميها ليمكروا
فيها وما يمكرون الا بانفسهم وما يشعرون ۱۲۴ واذا جاءتهم اية قالوا
لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما اوتي رسل الله الله اعلم حيث يجعل رسالته
سيصيب الذين اجرموا صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون ۱۲۵
فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للاسلام ومن يرد ان يضله يجعل
صدره ضيقا حرجا كانما يصعد في السماء كذلك يجعل الله الرجس على
الذين لا يؤمنون ۱۲۶ وهذا صراط ربك مستقيما قد فصلنا الايات
لقوم يذكرون ۱۲۷ لهم دار السلام عند ربهم وهو وليهم بما كانوا
يعملون ۱۲۸ ويوم يحشرهم جميعا يا معشر الجن قد استكثرتم من الانس وقال
اولياؤهم من الانس ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا اجلنا الذي اجلت
لنا قال النار مثواكم خالدين فيها الا ما شاء الله ان ربك حكيم عليم ۱۲۹
وكذلك نولي بعض الظالمين بعضا بما كانوا يكسبون ۱۳۰ يا معشر الجن و
الانس الم ياتكم رسل منكم يقصون عليكم اياتي وينذرونكم لقاء يومكم
هذا قالوا شهدنا على انفسنا وغرتهم الحيوة الدنيا وشهدوا على انفسهم

انهم كانوا كافرين ١٣١ ذلك ان لم يكن ربك مهلك القرى بظلم واهلها
غافلون ١٣٢ ولكل درجات مما عملوا وما ربك بغافل عما يعملون ١٣٣ و
ربك الغني ذو الرحمة ان يشأ يذهبكم ويستخلف من بعدكم ما يشاء كما انشأكم
من ذرية قوم اخرين ١٣٤ ان ما توعدون لآت وما انتم بمعجزين ١٣٥ قل يا قوم
اعملوا على مكانتكم اني عامل فسوف تعلمون ١٣٦ من تكون له عاقبة
الدار انه لا يفلح الظالمون ١٣٧ وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث والانعام
نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشركائنا فما كان لشركائهم فلا
يصل الى الله وما كان لله فهو يصل الى شركائهم ساء ما يحكمون ١٣٨
وكذلك زين لكثير من المشركين قتل اولادهم شركاؤهم ليردوهم وليلبسوا
عليهم دينهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما يفترون ١٣٩ وقالوا
هذه انعام وحرث حجر لا يطعمها الا من نشاء بزعمهم وانعام حرمت
ظهورها وانعام لا يذكرون اسم الله عليها افتراء عليه سيجزيهم بما
كانوا يفترون ١٤٠ وقالوا ما في بطون هذه الانعام خالصة لذكورنا
ومحرم على ازواجنا وان يكن ميتة فهم فيه شركاء سيجزيهم وصفهم انه
حكيم عليم ١٤١ قد خسر الذين قتلوا اولادهم سفها بغير علم وحرموا ما رزقهم
الله افتراء على الله قد ضلوا وما كانوا مهتدين ١٤٢ وهو الذي انشأ

شركاؤهم بضم همزه بدون واو

جنات

جَنّٰتٍ مَّعْرُوشٰتٍ وَّغَيْرَ مَعْرُوشٰتٍ وَّالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا اُكُلُهٗ وَالزَّيْتُونَ
بوستانهای بدار بست انداخته و غیر بدار بست انداخته و خرما و کشت مختلف خوردنی آن و زیتون
وَالرُّمَّانَ مُتَشٰبِهًا وَّغَيْرَ مُتَشٰبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهٖۤ اِذَاۤ اَثْمَرَ وَاٰتُوا حَقَّهٗ يَوْمَ حَصَادِهٖ
و انار مشابه هم و غیر مشابه هم بخورید از میوه اش چون میوه دهد و بدهید حق او را روز درویدنش
وَلَا تُسْرِفُوا اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۱۴۳ وَمِنَ الْاَنْعَامِ حَمُولَةً وَّفَرْشًا كُلُوا مِمَّا
و اسراف مکنید بدرستیکه او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را و از چهارپایان باربردار و فرش را بخورید از آنچه
رَزَقَكُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۱۴۴ ثَمٰنِيَةَ
روزی داد شما را خدا و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستیکه او مر شما راست دشمنی آشکار هشت
اَزْوٰجٍ مِنَ الضَّاْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ ءٰۤالذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ
جفت از میش دو و از گوسفند بز دو بگو آیا آن دو نر را حرام کرد یا آن دو ماده را
اَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِيْ بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۱۴۵
یا آنچه را مشتمل است بر آن رحمهای آن دو ماده خبر دهید مرا بدانش اگر هستید از راستگویان
وَمِنَ الْاِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءٰۤالذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ اَمَّا
و از شتر دو و از گاو دو بگو آیا آن دو نر را حرام کرد یا آن دو ماده را یا
اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ وَصّٰكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ
آنچه را مشتمل است بر آنها رحمهای آن دو ماده را یا بودید حاضران چون وصیت کرد شما را خدا باین پس کیست
اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را تا گمراه کند مردم را بنادانی بدرستیکه خدا راه نمینماید گروه
الظّٰلِمِينَ ۱۴۶ قُلْ لَّاۤ اَجِدُ فِيْ مَاۤ اُوْحِيَ اِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَّطْعَمُهٗۤ اِلَّاۤ اَنْ
ستمکاران را بگو نمی‌یابم در آنچه وحی شده مرا حرام شده بر خورنده که میخورد آن را مگر آنکه
يَّكُوْنَ مَيْتَةً اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خِنْزِيْرٍ فَاِنَّهٗ رِجْسٌ اَوْ فِسْقًا اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ
باشد مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک پس بدرستیکه او پلید است یا فسقی که بانگ زده شد برای غیر خدا
بِهٖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۱۴۷ وَعَلَى الَّذِيْنَ
بآن پس آنکه بیچاره شد غیر باغی و نه تجاوز کننده پس بدرستیکه پروردگار تو آمرزنده مهربان است و بر آنکه
هَادُوْا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِيْ ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُوْمَهُمَاۤ اِلَّا
یهودی شدند حرام کردیم هر صاحب چنگالی و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر آنها پیه‌های آنها را مگر
مَا حَمَلَتْ ظُهُوْرُهُمَاۤ اَوِ الْحَوَايَاۤ اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا
آنچه برداشت پشتهاشان یا بچربی روده یا آنچه آمیخته شد باستخوان این جزا دادیم ایشان را بستمشان و ما
لَصٰدِقُوْنَ ۱۴۸ فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُوْ رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَاْسُهٗ عَنِ
راستگویانیم پس اگر تکذیب کردند ترا پس بگو پروردگار شما صاحب رحمت فراخ است و باز داشته نشود عذابش از
الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ ۱۴۹ سَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَاۤ اَشْرَكْنَا وَلَاۤ اٰبَآؤُنَا
از گروه گناهکاران زود میگویند آنکه شرک آوردند اگر خواستی خدا شرک نیاوردیم و نه پدرانمان

قوله تعالی: و هو الذی انشأ جنات معروشات
این آیه را بنویسند بر چوب زیتون و نقش کنند و بیاویزند از درخت در بستان و باغ میوه‌های بسیار شود و با خیر و برکت بود و اگر بر پوست ... بنویسند و در گردن یک گوسفند از گله بیاویزند

قل ءٰالذکرین
با همزهٔ استفهام و مدان و هکذا در ثمانیه

...

قوله تعالی شأنه العزیز: و من الابل اثنین ... این آیه را بزبان بنویسند ... بر لوح ... و با خود دارند ... ۱۲

ابآؤنا بضم همزه و بعدش واو

وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ

و نه حرام كرديم هيچ چيزرا همچنين تكذيب كردند آنانكه بودند از پيش ايشان تا آنكه چشيدند عذاب مارا بگو آيا نزد شماست

مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ١٥٠ قُلْ

از دانش پس بيرون آوردش بما پيروى نميكنيد مگر گمان را و نيستيد شما مگر دروغگويان بگو

فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ١٥١ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ

پس مر خدا راست سخن درست رساننده پس اگر خواستى هر آينه راه مينمود شمارا همه بگو فرا آريد گواهان تان را آنانكه

يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ

گواهى دهند كه خدا حرام كرد اين پس اگر گواهى دهند پس گواهى مده با ايشان و پيروى مشو خواهشهاى آنانكه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ١٥٢ قُلْ تَعَالَوْا

تكذيب كردند بآيتهاى ما و آنانكه نميگروند بآخرت و ايشان به پروردگار شان برابر ميكنند بگو بياييد

أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا

بخوانم آنچه را حرام كرد پروردگار تان بر شما كه شريك نياوريد با او چيزى را و به پدر و مادر نيكوئى كردن و مكشيد

أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

فرزندان تان را از درويشى ما روزى ميدهيم شمارا و ايشان را و نزديك مشويد بديها را آنچه پيدا شد از آن و آنچه

بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

پنهان باشد و مكشيد تنى را كه حرام كرد خدا مگر بدرستى آن شمارا اندرز كرد شمارا بآن شايد

تَعْقِلُونَ ١٥٣ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

دريابيد و نزديك مشويد مال يتيم را مگر بآنچه آن نيكوتر است تا برسد بغايت جوانيش

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ

و تمام دهيد پيمانه و ترازو را بعدل بر رنج نفرمائيم تنى را مگر اندازه آن و چون سخن گوييد

١٥٤ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

پس راستى كنيد و اگرچه باشد صاحب خويشى و به پيمان خدا وفا كنيد آنان اندرز شما بآن شايد شما پند گيريد

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

و آنكه اين راه منست راست پس پيروى كنيد آنرا و پيرو مشويد راهها را پس جدا شدن شما از راه او

ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١٥٥ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي

آنان اندرز شما بآن شايد پرهيزيد پس داديم موسى را كتاب تمام بر آنكه

أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ١٥٦

نيكوئى كرد و تفصيل مر هر چيزى را و هدايت و رحمت شايد ايشان بملاقات پروردگار شان بگروند

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ١٥٧ أَنْ

و اين كتابيست كه فرو فرستاديم فرخنده پس پيروى كنيد آنرا و بپرهيزيد شايد شما رحم كرده شويد كه

تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ

گوييد جز اين نيست كه فرو فرستاده شد كتاب بر دو گروه از پيش از ما و اگرچه بوديم از خواندن شان

أَتْلُ بفتح همزه و سكون تاء فوقانيه

و در نزد آيه وصيكم لعلكم تتقون دو مرتبه بگويد يا بديع السموات والارض يا رافع الدرجات يا مقيل العثرات يا محيي الاموات يا نور الارض والسموات يا غافر الذنب والخطيئات يا ساتر العورات اقض حاجتي پس اين آيه را بخواند انما يؤمن بآيتنا الذين اذا ذكروا بها خروا سجدا و سبحوا بحمد ربهم وهم لا يستكبرون ١٢

لغافلين ١٥٨ او تقولوا لو انا انزل علينا الكتاب لكنا اهدى منهم فقد

هر آينه بیخبران ... که اگر فرو فرستاده شده بود بر ما کتاب هر آینه بودیم راه راست تر از ایشان پس تحقیق

جاءكم بينة من ربكم وهدى ورحمة فمن اظلم ممن كذب بايات الله وصدف

آمده است شما را معجزه از پروردگار تان و رحمت پس کیست ستمگارتر از آنکه تکذیب کرد آیتهای خدا و برگشت

عنها سنجزي الذين يصدفون عن اياتنا سوء العذاب بما كانوا يصدفون ١٥٩

از آن زود جزا دهیم آنان را که بر میگردند از آیتهای ما بدی شکنجه را بانچه بودند برمیگشتند

هل ينظرون الا ان تاتيهم الملئكة او ياتي ربك او ياتي بعض ايات

آیا میبینند مگر که آید ایشان را فرشتگان یا آید خدای تو یا آید برخی آیتهای

ربك يوم ياتي بعض ايات ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من

پروردگار تو روزیکه آید برخی آیتهای خدایت سود نکند کسی را ایمان آوردنش که نبود که ایمان آورد از

قبل او كسبت في ايمانها خيرا قل انتظروا انا منتظرون ١٦٠ ان الذين

پیش یا کسب کرده باشد در ایمان خود خیری بگو منتظر باشید که ما منتظرانیم بدرستیکه آنانکه

فرقوا دينهم وكانوا شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى الله ثم ينبئهم

متفرق کردند دینشان را و بودند گروه گروه نیستی از ایشان در چیزی جز این نیست کار ایشان با خداست پس خبر دهد ایشان را

بما كانوا يفعلون ١٦١ من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء

بانچه بودند میکردند هر که آورد نیکی را پس مر اوراست ده تا مانندش و هر که آورد

بالسيئة فلا يجزى الا مثلها وهم لا يظلمون ١٦٢ قل انني هداني ربي الى

بدی را پس جزا داده نشود مگر مانندش و ایشان ستم کرده نشوند بگو بدرستیکه من هدایت کرد خدایم

صراط مستقيم دينا قيما ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ١٦٣

براه راست دینی درست کیش ابراهیم حق گرای و نبود از مشرکان

قل ان صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له

بگو بدرستیکه نمازم و عبادتم و زندگیم و مردنم مر خدا راست که پروردگار جهانیان است نیست شریکی مر او را

وبذلك امرت وانا اول المسلمين ١٦٤ قل اغير الله ابغي ربا وهو رب

و بدین مامور شدم و منم اول منقادان بگو آیا جز خدا را بجویم پروردگار و او است پروردگار

كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم

هر چیزی و کسب نمیکند هر تنی مگر بر او است و بر نمیدارد بردارنده بار گناه دیگری را پس

الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون ١٦٥ وهو الذي

بسوی پروردگار شماست بازگشت شما پس خبر میدهد شما را بانچه بودید در آن اختلاف میکردید و اوست آنکه

جعلكم خلائف الارض ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم

گردانید شما را جانشینهای زمین و بلند کرد برخی شما را بالای برخی بمراتب تا بیازماید شما را

فيما اتيكم ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم

در آنچه آمده است شما را بدرستیکه پروردگار تو زود عقوبت است و بدرستیکه او هر آینه آمرزنده مهربان است

قيماً بكسر قاف و فتح يا

سورة الأعراف مائتان وست آيات وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

المص كتاب أنزل إليك فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به وذكرى
للمؤمنين ٢ اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء
قليلا ما تذكرون ٣ وكم من قرية أهلكناها فجاءها بأسنا بياتا أو
هم قائلون ٤ فما كان دعواهم إذ جاءهم بأسنا إلا أن قالوا إنا كنا
ظالمين ٥ فلنسألن الذين أرسل إليهم ولنسألن المرسلين ٦ فلنقصن
عليهم بعلم وما كنا غائبين ٧ والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه
فأولئك هم المفلحون ٨ ومن خفت موازينه فأولئك الذين خسروا أنفسهم
بما كانوا بآياتنا يظلمون ٩ ولقد مكناكم في الأرض وجعلنا لكم فيها
معايش قليلا ما تشكرون ١٠ ولقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا
للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس لم يكن من الساجدين ١١ قال ما
منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال أنا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين ١٢
قال فاهبط منها فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج إنك من الصاغرين ١٣
قال أنظرني إلى يوم يبعثون ١٤ قال إنك من المنظرين ١٥ قال فبما أغويتني
لأقعدن لهم صراطك المستقيم ١٦ ثم لآتينهم من بين أيديهم ومن خلفهم

وعن ايمانهم وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم شاكرين ۱۷ قال اخرج منها
و از راستهاشان و از چپهاشان و نیابی بیشتر ایشان را شاکران گفت بیرون رو از آن
مذءوما مدحورا لمن تبعك منهم لاملأن جهنم منكم اجمعين ۱۸ ويا ادم اسكن
نکوهیده رانده شده هر آنکه پیروی کند ترا از ایشان هر آینه پر میکنم البته جهنم را از شما همه و ای آدم آرام گیر
انت وزوجك الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من
تو و زوجه ات بهشت را پس بخورید از هر جا که خواهید و نزدیک نشوید این درخت را پس باشید از
الظالمين ۱۹ فوسوس لهما الشيطان ليبدي لهما ما ووري عنهما من سوآتهما
از ستمگاران پس وسوسه کرد مر ایشان را شیطان تا ظاهر گرداند مر ایشان را آنچه پوشیده بود از ایشان از عورتشان
وقال ما نهاكما ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا
و گفت نهی نکرد شما را پروردگارتان از این درخت مگر آنکه باشید دو فرشته یا باشید
من الخالدين ۲۰ وقاسمهما اني لكما لمن الناصحين ۲۱ فدلاهما بغرور
از جاویدان و قسم خورد آنها را که من هر آینه شما را از نیکخواهانم پس فرود آورد آنها را بفریب
فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق
پس چون چشیدند آن درخت را پیدا شد برایشان عورتشان و شروع کردند چسبانیدن بر ایشان از برگ
الجنة وناداهما ربهما الم انهكما عن تلكما الشجرة واقل لكما ان الشيطان
بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگارشان آیا نهی نکردم شما را از این درخت و نگفتم مر شما را بدرستیکه شیطان
لكما عدو مبين ۲۲ قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا
مر شما را دشمنی است آشکار گفتند پروردگارا ستم کردیم ما خود را و اگر نیامرزی ما را و رحمت نکنی ما را
لنكونن من الخاسرين ۲۳ قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في
هر آینه باشیم از زیانکاران گفت فرو شوید برخی از شما مر برخی را دشمن و مر شما راست در
الارض مستقر ومتاع الى حين ۲۴ قال فيها تحيون وفيها تموتون
زمین آرامگاه و بهره تا وقتی گفت از آن زندگی میکنید و در آن میمیرید
ومنها تخرجون ۲۵ يا بني ادم قد انزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم
و از آن بیرون آورده میشوید ای پسران آدم بتحقیق فرو فرستادیم بر شما پوششی که بپوشد عورتهای شما را و
وريشا ولباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلهم يذكرون ۲۶
اسباب تجمل و لباس پرهیزگاری این بهتر است این از نشانهای قدرت خداست شاید ایشان پند گیرند
يا بني ادم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع
ای پسران آدم نباید بفریبد شما را شیطان چنانکه بیرون کرد والدین شما را از بهشت بر میکند
عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما انه يراكم هو وقبيله من حيث
از ایشان لباس ایشان را تا بنماید ایشان را عورتشان را بدرستیکه او می بیند شما را و فرزندانش از جائیکه
لا ترونهم انا جعلنا الشياطين اولياء للذين لا يؤمنون ۲۷
نمی بینید ایشان را بدرستیکه گردانیدیم شیطانها را دوستان برای آنانکه ایمان نمی آرند

از صنوطی نوداده پس این آیه مبارکه را در جامی از انگبینه بنویسند و آنرا بگلاب و زعفران بشویند و در روی خود بمالد پس این آیه مبارک را برگ زیتون نویسد و در جیب گریبان نهد خداوند حاجت او را روا کند انشاء الله ۱۲

ما وُرِیَ بضم واو و اشباع واو یعنی بدو واو خوانده شود

سوآتکم بفتح سین و سکون واو و فتح همزه و سکون الف بعد از همزه و کسر تا

واذا

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ

و چون کنند بدی را گویند یافته ایم بر آن پدران خود را و خدا امر کرده است ما را بآن بگو بدرستیکه خدا

لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢٨ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ

نمیفرماید به بدی آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو امر کرده پروردگار من بعدل و

أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

راست دارید روهای خود را نزد هر مسجد و بخوانید او را خالص گردانندگان برایش دین چنانکه آفرید شما را باز میگردید

فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ

گروهی را هدایت کرد و گروهیرا ثابت کرده بر ایشان گمراهی بدرستیکه آنها گرفتند شیطانها را دوستان

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ٢٩ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ

از غیر خدا و پندارند که آنها راه یافتگانند ای پسران آدم بگیرید آرایش خود را نزد

كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ٣٠ قُلْ مَنْ حَرَّمَ

هر مسجدی و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید بدرستیکه او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را بگو که حرام گردانید

زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي

زینت خدا را که بیرون آورد برای بندگانش و پاکیزه های از روزی بگو این برای آنانست که گرویدند در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٣١

زندگی دنیا خالص روز رستخیز همچنان تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که میدانند

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

بگو جز این نیست حرام کرده پروردگارم بدیها را آنچه باشد پیدا از آن و پنهان باشد و بد را و ستم بناحق را

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٣٢

و اگر شریک آورید بخدا آنچه فرو فرستاده نشد بآن حجتی و اگر گوئید بر خدا آنچه نمیدانید

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ٣٣

و مر هر گروهیرا مدتیست پس چون آید مدتشان باز پس نمیمانند ساعتی و نمیتوانند پیشی گرفت

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ

ای پسران آدم چون بیایند شما را رسولان از شما میخوانند بر شما آیتهایم را پس کسیکه پرهیز کرد و بسامان آمد

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٣٤ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا

پس نیست ترسی بر ایشان و نه آنها اندوهناک شوند و آنکه تکذیب کردند بآیتهای ما و سرکشی کردند

عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٣٥ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ

از آن آنها اند اهل آتش آنها در آن جاویدانند پس کیست ظالمتر از آنکه افترا بست

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ

بر خدا دروغ را یا تکذیب کرد بآیتش آنها میرسد آنها را بهره آنها از کتاب تا

إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا

چون آید آنها را رسولان ما که متوفی گردانند آنها را گویند کجا بودید که میخوانید از غیر خدا گویند

ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ٣٦ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ

گم شدند از ما و گواهی دادند بر خود هاشان که ایشان بودند کافران گفت در آیید در امتها بتحقیق

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ ۖ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا ۖ حَتَّىٰ

بتحقیق گذشتند از پیش شما از جن و انس در آتش هرگاه داخل شود امتی لعنت میکند خواهر خود را تا

إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ

چون ملحق میشوند بیکدیگر در آن همه گویند آخرشان برای اولشان پروردگارا اینها گمراه کردند ما را پس بده ایشان را

عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۖ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ٣٧ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ

شکنجه دوچندان از آتش گفت برای هر یک ضعفست ولیکن نمیدانید و گویند اولشان

لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ٣٨

آخرشان را پس نباشد مر شما را بر ما از فزونی پس بچشید شکنجه را بسبب آنچه بودید کسب کردید

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ

بدرستیکه تکذیب کردند بآیتهای ما و سرکشی کردند از آن باز نشود برایشان درهای آسمان

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ٣٩

و در نیایند بهشت را تا بیرون رود شتر از چشمه سوزن و چنین جزا میدهیم گناهکاران را

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٤٠ وَالَّذِينَ

مر ایشانراست از جهنم بستری و از بالای ایشان پوششها و همچنین جزا میدهیم ستمکاران را و آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ

گرویدند و کردند کارهای شایسته تکلیف نمیکنیم نفسی را مگر بقدر طاقتش آن گروه اهل بهشت

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٤١ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ

ایشان در آن جاویدانند و کندیم آنچه بود در سینه ایشان از کینه میرود از زیر ایشان

الْأَنْهَارُ ۖ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَن

نهرها و گویند ستایش مر خدایرا که هدایت کرد ما را برای این و نبودیم که راه یابیم اگر نه

هَدَانَا اللَّهُ ۖ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۖ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا

راه نمودی ما را خدا هر آینه بتحقیق آمدند رسولان پروردگار ما براستی و ندا کرده شدند که اینست آن بهشتی که میراث داده شدید

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٢ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا

بسبب آنچه بودید میکردید و ندا کردند اهل بهشت اهل آتش را که بتحقیق یافتیم

مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۖ قَالُوا نَعَمْ ۚ فَأَذَّنَ

آنچه وعده داد پروردگار ما راست پس آیا یافتید شما آنچه وعده داد پروردگار شما براستی گفتند آری پس ندا کرد

مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ٤٣ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

ندا کننده میان ایشان که لعنت خدا بر ستمکاران آنانکه باز میدارند از راه خدا

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ٤٤ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ ۚ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ

و میجویند آنرا کج و ایشان بآخرت کافرانند و میان آن دو پرده ایست و بر اعراف مردانند

لاولیهم بضم همزه و سکون واو بمعنی ضد اخری است

اولیهم بضم همزه و سکون واو

حاشیه

قوله تعالی شاه العزیز ونزعنا ما فی صدورهم الی یعملون چون ... یعنی که ... باشد ... نسبت کنند میان ... همه ... کنند ... ایشان ... هر یک از ایشان ... مقصود ... کرده و اگر ... ١٢

يعرفون كلاً بسيماهم ونادوا اصحاب الجنة ان سلام عليكم لم يدخلوها

می شناسند همه را بعلامتشان و ندا کردند اهل بهشت را که سلام برشما در نیامده بودند اگرچه

وهم يطمعون ٤٥ واذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

و ایشان طمع میداشتند و چون گردانیده شود چشمهایشان بجانب اهل آتش گفتند پروردگار

لا تجعلنا مع القوم الظالمين ٤٦ ونادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم

مگردان ما را با گروه ستمگاران و ندا کنند اهل اعراف مردان را که میشناسند ایشانرا

بسيماهم قالوا ما اغنى عنكم جمعكم وما كنتم تستكبرون ٤٧ اهؤلاء

بعلامتشان گویند کفایت نکرد از شما جمع شما و آنچه بودید که سرکشی میکردید آیا اینها

الذين اقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا

آنانند که قسم خوردید که نرسد ایشانرا خدا برحمتی در آیید بهشت را نیست ترسی برشما و نه

انتم تحزنون ٤٨ ونادى اصحاب النار اصحاب الجنة ان افيضوا علينا

شما اندوهناک شوید و ندا کنند اهل آتش اهل بهشت را که بریزید بر ما

من الماء او مما رزقكم الله قالوا ان الله حرمهما على الكافرين ٤٩ الذين

از آب یا از آنچه روزی داد شما را خدا گویند بدرستیکه خدا حرام گردانید ور ابر کافران آنانکه

اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحيوة الدنيا فاليوم ننسيهم كما نسوا

گرفتند دین خود را بهزل و بازیچه و فریب داد ایشانرا زندگی دنیا پس امروز فراموش میکنیم ایشانرا چنانکه فراموش

لقاء يومهم هذا وما كانوا بآياتنا يجحدون ٥٠ ولقد جئناهم بكتاب فصلناه

کردند ملاقات روز ایشان اینرا و آنچه بودند آیتهای ما را انکار میکردند و بتحقیق آوردیم ایشانرا کتابی که تفصیل دادیم

على علم هدى ورحمة لقوم يؤمنون ٥١ هل ينظرون الا تأويله يوم

بر دانش هدایت و رحمت مر گروهی را که میگروند آیا انتظار میبرند مگر تاویلش را روزیکه

يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل

بیاید تاویلش را میگویند آنانکه فراموش کردند آنرا پیش بتحقیق آمدند رسولان پروردگار ما بدرستی پس آیا

لنا من شفعاء فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل قد خسروا

هست برای ما از شفیعان پس شفاعت کنند ما را یا برگردیم پس بکنیم غیر آنچه بودیم میکردیم بتحقیق زیان کردند

انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ٥٢ ان ربكم الله الذي خلق

خودهاشان را و گم شد از ایشان آنچه بودند افترا میکردند بدرستیکه پروردگار شما خداست که آفرید

السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه

آسمانها و زمین را در شش روز پس استوی شد بر عرش میپوشاند در شب روز را که میجوید آنرا

حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك

شتابنده و خورشید و ماه و ستاره را رام شدگان بامرش آگاه باش مر او راست آفرینش و امر بزرگست

الله رب العالمين ٥٣ ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ٥٤

خدا پروردگار عالمیان بخوانید پروردگار تان را بزاری و پنهانی بدرستیکه او دوست ندارد از حد درگذرندگان

هذا الکشف من شانیز

و در بعضی از نسخ آمده دی العابدین هر کس این آیه بخواند در وقت جامه خواب خداوند ورا از شر انس و جن و ابلیس و اهرمن و از غم و دزد و از بلاها ایمن شود و اگر از اسب این آیه قریب من المحسنین بخواند در خدمتی طلب کند که خوب شود برادو قبله بکند و کمتر شود مطلوب و حاصل کرده بعد نیمه شب قادر شود اگر این آیه را با مشک و زعفران و گلاب نویسد و با خود دارد از درد دل و از دشمن و مار و کژدم ایمن گردد و اگر بر ورقی از پوست آهو نویسند که بسم الله الرحمن الرحیم و من اسلم وجهه الی الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون لا اله الا انت آمنت بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر ان رحمة الله قریب من المحسنین اللهم انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک و لا شافی سواک اللهم اشف شفاء لا یغادر سقما بالله الذی لا اله الا الله پس آن نوشته را در ظرف آب سازد و بریض دهد اگر ترسد اشتر نه شفا زایل شود با مر خدا تعالی

ان شاء الله

١٢

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ
و فساد مکنید در زمین پس از اصلاحش و بخوانید او را از روی بیم و امید بدرستیکه رحمت خدا
قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٥٥ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ
نزدیک است از نیکوکاران و اوست که میفرستد بادها را مژده دهنده میان دو دست رحمتش
حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ
تا چون بردارد ابر گران بار را برانیم آن را برای بلدی مرده پس فرو فرستیم بآن آب را پس بیرون آوردیم بآن
مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٥٧ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ
از همه میوه‌ها همچنین بیرون آوریم مردگان را شاید شما پند گیرید و بلد پاکیزه
يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ
بیرون میاید نباتش بفرمان پروردگارش و آنچه پلید باشد بیرون نیاید مگر اندک بیفایده همچنین میگردانیم
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ٥٨ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ
آیات را برای گروهی که شکر میکنند هر آینه بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم
اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٥٩
بپرستید خدا را نیست مر شما را بجز او هیچ خدائی بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روزی بزرگ
قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٦٠ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي
گفتند جمعی از قومش بدرستیکه ما می‌بینیم ترا در گمراهی آشکار گفت ای قوم نیست مرا
ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٦١ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ
گمراهی ولیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان میرسانم شما را رسالتهای پروردگارم و پند میدهم
لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٦٢ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ
مر شما را و میدانم از خدا آنچه را نمیدانید آیا عجب داشتید که آمد شما را پندی از پروردگارتان بر
رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٦٣ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ
بر مردی از شما تا بیم دهد شما را و تا بپرهیزید و شاید شما رحمت کرده شوید پس تکذیب کردند او را پس نجات دادیم او را
وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ٦٤
و آنان را که با او بودند در کشتی و غرق کردیم آنان را که تکذیب کردند آیات ما را بدرستیکه ایشان بودند گروه کوردلان
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٦٥
و بسوی عاد برادرشان هود را گفت ای قوم بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی بجز او آیا پس نمی‌پرهیزید
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ
گفتند جمعی از آنها که کافر شدند از قومش که ما هر آینه می‌بینیم ترا در کم خردی و بدرستیکه ما گمان میبریم ترا از
الْكَاذِبِينَ ٦٦ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٦٧
دروغگویان گفت ای قوم نیست مرا کم خردی ولیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان
أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ٦٨ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ
میرسانم شما را رسالتهای پروردگارم و من شما را خیرخواه امینم آیا عجب داشتید که آمد شما را یادگاری از پروردگارتان

روایت کرده اند که حضرت امام حسن علیه السلام نزد معاویه رفت لعنه الله ... بآنحضرت گفت که ... لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین ... چون محاسن شریف آن حضرت بسیار انبوه و با طراوت بود ... پس حضرت در جواب فرمود که ... البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا ...

۱۲

و در تفسیر ... وهو الذی یرسل الریاح ... یشکرون این آیه را ... بود با آب سیب و ... و آب انگور ... از آن ... درخت ... از آن ... برگ و میوه آن ... ایمن گردد

عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوْٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّ

بر مردی از شما تا بیم دهد شمارا و یاد کنید چون گردانید شمارا جانشینان از بعد قوم نوح

زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْۜطَةً فَاذْكُرُوْٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۶۸ قَالُوْٓا

و افزود شمارا در خلق زیادتی پس یاد کنید نعمتهای خدارا شاید شما رستگار شوید گفتند

اَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللّٰهَ وَحْدَهٗ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ

آیا آمدی مارا تا بپرستیم خدارا تنها و واگذاریم آنچه را که بودند میپرستیدند پدران ما پس بیاور مارا آنچه وعده میدهی مارا اگر

كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۶۹ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَّغَضَبٌ ؕ اَتُجَادِلُوْنَنِيْ

هستی از راستگویان گفت بتحقیق که واقع شد برشما از پروردگارتان بدی و خشم آیا مجادله میکنید مرا

فِيْٓ اَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ؕ

در نامهائیکه نامیده اید آنرا شما و پدرانتان فرونفرستاده خدا بآن از حجتی

فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۷۰ فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ

پس منتظر باشید بدرستیکه من باشما از منتظرانم پس رهانیدیم اورا و آنانکه بودند با او برحمتی از ما و

قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۷۱ وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ

بریدیم دنباله آنانکه تکذیب کردند بآیتهای ما و نبودند گروندگان و بسوی ثمود برادرشان

صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ

صالح گفت ای قوم بپرستید خدارا نیست برای شما هیچ الهی جز او بحقیق آمد شمارا معجزه از

رَّبِّكُمْ ؕ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا

پروردگارتان اینست ناقه خدا برای شما آیتی است پس واگذارید اورا که بخورد در زمین خدا و مس نکنید اورا

بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۷۲ وَاذْكُرُوْٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ عَادٍ وَّ

ببدی پس بگیرد شمارا شکنجه پردرد و یاد کنید چون گردانید شمارا جانشینان از بعد عاد و

بَوَّاَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْ سُهُوْلِهَا قُصُوْرًا وَّتَنْحِتُوْنَ الْجِبَالَ بُيُوْتًا ۚ

جای داد شمارا در زمین که میگیرید از جای نرمش قصرها و میتراشید از کوهها خانها

فَاذْكُرُوْٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ۷۳ قَالَ الْمَلَاُ الَّذِيْنَ

پس یاد کنید نعمتهای خدارا و فساد مکنید در زمین فساد کنندگان گفتند جمعی که

اسْتَكْبَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ لِلَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِمَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُوْنَ اَنَّ صٰلِحًا

سرکشی کردند از قومش مرآنانرا که ناتوان شمرده شدند برای آنکه گرویده از آنها آیا میدانید که صالح

مُّرْسَلٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ قَالُوْٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلَ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ ۷۴ قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا

فرستاده شده است از پروردگارش بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده است بآن گروندگانیم گفتند آنانکه سرکشی کردند بدرستیکه

بِالَّذِيْٓ اٰمَنْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ۷۵ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوْا يٰ

بآنچه گرویدید بآن کافرانیم پس پی کردند ناقه را و سر زدند از امر ربشان و گفتند ای

صٰلِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ۷۶ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا

صالح بیاور مارا آنچه وعده میدهی مارا اگر هستی از رسولان پس گرفت آنهارا آواز مهیب پس گشتند

اباؤنا: بفتح همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

اباؤکم: بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

فخذاهم

فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ٧٧ فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي
در سرای شان مردگان پس رو گردانید از ایشان و گفت ای قوم من هر آینه رسانیدم شما را رسالت پروردگار را

وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ٧٨ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
و پند دادم مر شما را ولیکن دوست نمیدارید پند دهندگان را و لوط چون گفت مر قوم خویش را

أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ٧٩ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ
آیا میکنید کار زشت پیشی نگرفته است بر شما بدان هیچکس از جهانیان بدرستیکه شما هر آینه می‌آیید

الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ٨٠ وَمَا كَانَ جَوَابَ
مردان را از روی شهوت از غیر زنان بلکه شما گروهی اسراف کننده‌اید و نبود جواب

قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ٨١ فَأَنجَيْنَاهُ
قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از قریه خود بدرستیکه ایشان مردمانی اند که پاکی میجویند پس نجات دادیم او را

وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ٨٢ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ
و کسان او را مگر زنش را که بود از باز ماندگان و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٨٣ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ
چگونه بود انجام گناهکاران و بسوی مدین برادرشان شعیب را گفت ای قوم

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ
بپرستید خدا را نیست برای شما هیچ خدای غیر او بتحقیق آمد شما را معجزه از پروردگارتان پس تمام کنید پیمانه

وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
و ترازو را و کم مکنید مردم را چیزهاشان را و فساد مکنید در زمین بعد از سامان دادنش

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ٨٤ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ
این بهتر است برای شما اگر هستید گروندگان و منشینید بر هر راهی که بیم دهید

تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ
باز دارید از راه خدا آنرا که گروید بآن و بجوئید آنرا کج و یاد کنید چون بودید

قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ٨٥ وَإِن كَانَ
کم پس بسیار کرد شما را و بنگرید چگونه بود سرانجام مفسدان و اگر باشد

طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ
طایفه از شما که گرویدند بآنچه که فرستاده شدم بآن و طایفه نگرویده باشند پس صبر کنید تا

يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ٨٦ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ
حکم کند خدا میانه ما و او بهترین حکم کنندگانست گفتند جمعی که سرکشی کردند از قومش

لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ
هر آینه بیرون کنیم البته ترا ای شعیب و آنانکه گرویدند با تو از قریه خود یا آنکه باز میگردید در کیش ما گفت

أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ٨٧ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُم بَعْدَ
آیا اگرچه باشیم ناخوش دارندگان بتحقیق بسته باشیم بر خدا دروغ را اگر برگردیم در کیش شما بعد

اذ نجّينا الله منها وما يكون لنا ان نعود فيها الّا ان يشآء الله ربّنا وسع
اگر هی پند ما را خدا از آن و نسزد ما را که برگردیم در آن مگر آنکه بخواهد خدا پروردگار ما فرا رسیده
ربّنا كلّ شيء علما على الله توكّلنا ربّنا افتح بيننا وبين قومنا بالحقّ وانت
پروردگار ما همه چیز را از علم بر خدا اعتماد کردیم خدایا حکم فرما میان ما و میان قوم ما بدرستی و تو
خير الفاتحين ٨٨ وقال الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتّبعتم شعيبا
بهترین حکم کنندگانی و گفتند جمعی که کافر شدند از قوم او اگر پیروی کردید شعیب را
انّكم اذا لخاسرون ٨٩ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين ٩٠
بدرستیکه شما آنهنگام هر آینه زیانکارانید پس گرفت ایشان را هیبت آوازی پس گشتند در خانهاشان مردگان
الذين كذّبوا شعيبا كان لم يغنوا فيها الذين كذّبوا شعيبا كانوا هم الخاسرين ٩١
آنانکه تکذیب کردند شعیب را گویا نبودند در آنجا آنانکه تکذیب کردند شعیب را بودند ایشان زیانکاران
فتولّى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالات ربّي ونصحت لكم فكيف
پس روگردانید از آنها و گفت ای قوم هر آینه رسانیدم شما را رسالتهای پروردگارم و پند دادم شما را پس چگونه
اسى على قوم كافرين ٩٢ وما ارسلنا في قرية من نبيّ الّا اخذنا اهلها
اندوه خورم بر گروه کافران و نفرستادیم در قریه از پیغمبری مگر گرفتیم کسانش را
بالبأساء والضرّاء لعلّهم يضّرّعون ٩٣ ثمّ بدّلنا مكان السيّئة الحسنة
بسختی و رنجوری شاید ایشان زاری کنند پس تبدیل کردیم بجای بدی خوبی را
حتّى عفوا وقالوا قد مسّ اباءنا الضرّاء والسرّاء فاخذناهم بغتة وهم
تا بسیار شدند و گفتند بتحقیق مس کرد پدران ما را رنجوری و خوشی پس گرفتیم ایشان را ناگاه و ایشان
لا يشعرون ٩٤ ولو انّ اهل القرى امنوا واتّقوا لفتحنا عليهم بركات من
نمیدانستند و اگر اهل قریه‌ها گرویده بودند و پرهیز کرده بودند هر آینه گشاده بودیم برایشان برکتها از
السماء والارض ولكن كذّبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون ٩٥ افامن
آسمان و زمین ولیکن تکذیب کردند پس گرفتیم ایشانرا بآنچه بودند که کسب کردند آیا ایمن شدند
اهل القرى ان ياتيهم باسنا بياتا وهم نائمون ٩٦ اوامن اهل القرى
اهل قریه‌ها اینکه بیاید آنها را عذاب ما شبانگاه و آنها باشند خفتگان آیا ایمن شدند اهل قریه‌ها
ان ياتيهم باسنا ضحى وهم يلعبون ٩٧ افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله
اینکه بیاید آنها را عذاب ما چاشتگاه و آنها بازی میکرده باشند آیا پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نشوند از مکر خدا
الّا القوم الخاسرون ٩٨ اولم يهد للذين يرثون الارض من بعد
مگر گروه زیانکاران آیا هدایت نکرد مر آنانرا که بمیراث میبرند زمین از بعد
اهلها ان لو نشاء اصبناهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم لا
اهل آنکه اگر میخواستیم میرسانیدیم آنها را بگناهان ایشان و مهر میزدیم بر دلهای ایشان پس آنها نه
يسمعون ٩٩ تلك القرى نقصّ عليك من انبائها ولقد جاءتهم
میشنیدند آن قریه‌ها میخوانیم بر تو از خبرهایش و هر آینه آمد آنها را

رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ

رسولانشان با معجزات پس نبودند که ایمان آورند بآنچه تکذیب کردند از پیش همچنین مهر میزند خدا

عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ۱۰۰ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ

بر دلهای کافران و نیافتیم ما برای بیشتری از ایشان هیچ عهدی و اگر چه یافتیم بیشترشان را

لَفَاسِقِينَ ۱۰۱ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا

براینه زشتکاران پس فرستادیم پس از ایشان موسی را با معجزات بسوی فرعون و گروه او پس ستم کردند

بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۱۰۲ وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي

با نها پس بنگر چگونه بود سرانجام تباه کاران و گفت موسی ای فرعون بدرستیکه من

رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۱۰۳ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ

فرستاده از پروردگار جهانیان سزاوار آنکه نگویم بر خدا بجز حق را بحقیقت

جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۱۰۴ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ

آمدم شما را با معجزه از پروردگارتان پس بفرست با من بنی اسرائیل را گفت اگر تو هستی که آوردی معجزه را پس بیاور

بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۱۰۵ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۱۰۶ وَ

آنرا اگر هستی از راستگویان پس افکند عصای خود را پس چون آورد او را اژدهای آشکار و

نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۱۰۷ قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ

بیرون آورد دستش را پس بماند آن نورانی برای نظرکنندگان گفتند جمعی از قوم فرعون را بدرستیکه

هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۱۰۸ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۱۰۹ قَالُوا

این آینه جادوگریست دانا میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما پس چه میفرمایید گفتند

أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۱۱۰ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۱۱۱

بتعویق انداز کار او و برادرش و بفرست در شهرها جمع کنندگان را که بیاورند بتو همه جادوگری دانا را

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۱۱۲ قَالَ

و آمدند جادوگران فرعون را گفتند بدرستیکه باشد برای ما مزدی اگر باشیم ما غالبان گفت

نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۱۱۳ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ

آری و بدرستیکه شما هر آینه از مقربان گفتند ای موسی یا این است که می اندازی و یا اینکه باشیم ما

الْمُلْقِينَ ۱۱۴ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا

اندازندگان گفت بیندازید پس چون انداختند جادو کردند چشمهای مردمان را و ترسانیدند ایشان را و آوردند

بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ۱۱۵ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۱۱۶

جادوی بزرگ و وحی کردیم بسوی موسی که بینداز عصای خود را پس بماند فرو میبرد آنچه بدروغ میبودند

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۱۷ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ ۱۱۸

پس ثابت شد حق و باطل شد آنچه بودند میکردند پس مغلوب شدند آنجا و برگشتند خوار شدگان

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۱۱۹ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۲۰ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ۱۲۱

و افکنده شدند جادوگران سجده کنندگان گفتند ایمان آوردیم بپروردگار عالمیان پروردگار موسی و هرون

واگر در حرب بعد از آنکه وضو ساخته باشد و روی بر زمین نهند و صد و یازده بار یا صمد گوید و بعضی آنرا در دل خود نقش کنند و بر آن مداومت نماید از اهل یقین گردد

المقتدر

هر کداین حروف را از این اسم نقش کند بر خاتمی از زر در ساعت پنج شنبه و با خود دارد از جمیع آفات ایمن گردد و در چشم مردمان عزیز و بزرگ باشد

النقش القادر

و این دو اسم را بر صفحه مس نقش کند و با خود دارد در روز پنجشنبه سعید نگرده و اگر این دو اسم را بر سبیل استشهاد بطریق قدح اول نقش کند بر موم مهر و بدهد تمام الفوز باشد و آن موم بخورد که دهد به این محموم تب او زایل گردد

از حضرت رضا علیه السلام مرویست که هر که در وقت وضو در وقت شستن هر عضوی سه بار بگوید یا قادر بر خصمان غالب آید

۱۲

قَالَ فِرْعَوْنُ اٰمَنْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ
گفت فرعون گرویدید آن پیش از آنکه دستوری دهم شما را بدرستیکه این حیله بود که حیله کردید آنرا در شهر
لِتُخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ١٢١ لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِنْ
تا بیرون کنید از آن اهلش را پس زود باشد که بدانید هر آینه ببرم البته دستهای شما و پاهای شما را از
خِلَافٍ ثُمَّ لَاُصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِينَ ١٢٢ قَالُوا اِنَّا اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ١٢٣ وَمَا تَنْقِمُ
خلاف پس بردار کنم هر آینه شما را همه گفتند بدرستیکه بسوی پروردگار ما بازگردندگانیم و بد نمیداری
مِنَّا اِلَّا اَنْ اٰمَنَّا بِاٰيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا
از ما مگر آنکه گرویدیم بآیتهای پروردگار ما چون آمد ما را پروردگارا بریز بر ما صبری و بمیران ما را
مُسْلِمِينَ ١٢٤ وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَذَرُ مُوسٰى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا
مسلمانان و گفتند گروهی از قوم فرعون آیا وامیگذاری موسی و قومش را تا فساد کنند
فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَاٰلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ اَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَاِنَّا
در زمین و واگذارد ترا و خدایان ترا گفت بزودی میکشیم پسرانشانرا و زنده میگذاریم زنانشانرا و بدرستیکه ما
فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ١٢٥ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوا اِنَّ
بالای ایشان غالبانیم گفت موسی مر قومش را یاری جوئید بخدا و صبر کنید بدرستیکه
الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ١٢٦ قَالُوا اُوذِينَا
زمین مر خداراست میراث میدهد آنرا کسیرا که میخواهد از بندگانش و سرانجام مر پرهیزکارانراست گفتند رنجانیده شدیم
مِنْ قَبْلِ اَنْ تَاْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ
پیش از آنکه بیائی ما را و از بعد آنکه آمدی ما را گفت شاید که پروردگار شما که هلاک کند دشمن شما را
وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ١٢٧ وَلَقَدْ اَخَذْنَا اٰلَ فِرْعَوْنَ
و جانشین گرداند شما را در زمین پس خواهد دید که چگونه میکنید و بتحقیق گرفتیم اهل فرعونرا
بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ١٢٨ فَاِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ
بقحط سالها و کمی از میوه‌ها شاید ایشان پند گیرند پس چون آمد ایشانرا خوبی
قَالُوا لَنَا هٰذِهٖ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسٰى وَمَنْ مَعَهُ اَلَا اِنَّمَا طَائِرُهُمْ
گفتند از برای ما باشد این و اگر برسد ایشانرا بدی شوم میگیرند بموسی و آنکه با اوست آگاه باش جز این نیست
عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ١٢٩ وَقَالُوا مَهْمَا تَاْتِنَا بِهٖ مِنْ
شومی ایشان نزد خداست و لیکن بیشترشان نمیدانند و گفتند هرگاه بیاری ما را بآن از
اٰيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ١٣٠ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ
آیتی تا سحر کنی ما را بآن پس نخواهیم بود مر ترا گروندگان پس فرستادیم بر ایشان طوفان
وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ اٰيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا
و ملخ و شپش و وزغها و خون آیتهای تفصیل داده‌ها پس سرکشی کردند
وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ١٣١ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسٰى
و بودند قومی گناهکاران و چون واقع شد بر ایشان عذاب گفتند ای موسی

والهتک بدون الف و کسر لام
ابناءهم بفتح همزه وسکون با
یطیروا بتشدید طا و تشدید یا

ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك و
برخوان برای ما پروردگارت را بآنچه عهد کرده نزد تو هر آینه اگر رفع کنی از ما عذاب را هر آینه میگرویم مر ترا و

لنرسلن معك بني اسرائيل فلما كشفنا عنهم الرجز الى اجل هم بالغوه
هر آینه فرستیم با تو پسران یعقوب را پس چون رفع کردیم از آنها عذاب را تا وقتیکه آنها رسیدند او را

اذا هم ينكثون ١٣٢ فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليم بانهم كذبوا باياتنا
ناگاه آنها پیمان میشکنند پس انتقام کشیدیم از آنها پس غرق کردیم آنها را در دریا بسبب آنکه ایشان تکذیب کردند آیات ما را

وكانوا عنها غافلين ١٣٣ واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق
و بودند از آن غافل بیخبران و میراث دادیم گروهی را که بودند ضعیف شمرده میشدند شرقها

الارض ومغاربها التي باركنا فيها وتمت كلمت ربك الحسنى على بني
زمین و مغربهایش که برکت داده ایم در آنها و تمام شد کلمه پروردگارت که خوبست بر پسران

اسرائيل بما صبروا ودمرنا ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا
یعقوب بسبب صبر کردنشان و ویران کردیم آنچه بود میساخت فرعون و قومش و آنچه بودند

يعرشون ١٣٤ وجاوزنا ببني اسرائيل البحر فاتوا على قوم يعكفون على
برپا میافراشتند و گذرانیدیم پسران یعقوب را از دریا پس گذشتند بر قومی که [illegible]

اصنام لهم قالوا يا موسى اجعل لنا الها كما لهم الهة قال انكم قوم
بتهای ایشان گفتند ای موسی بگردان برای ما خدائی چنانکه مر ایشان راست خدایان گفت بدرستیکه شما گروه

تجهلون ١٣٥ ان هؤلاء متبر ما هم فيه وباطل ما كانوا يعملون ١٣٦
نادانانید بدرستیکه اینها تباه است آنچه ایشانند در آن و باطلست آنچه بودند میکردند

قال اغير الله ابغيكم الها وهو فضلكم على العالمين ١٣٧ واذ انجيناكم
گفت آیا جز خدا بجویم برای شما خدائی و او افزونی داد شما را بر جهانیان و چون نجات دادیم شما را

من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب يقتلون ابناءكم ويستحيون
از آل فرعون که عذاب میکردند شما را بدی شکنجه میکشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند

نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم ١٣٨ وواعدنا موسى ثلثين ليلة
زنان شما را و در آن بلائی بود از پروردگارتان بزرگ و وعده دادیم موسی را سی شب

واتممناها بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة وقال موسى لاخيه هرون
و تمام کردیم آنرا بده پس تمام شد وقت مقرر پروردگارش چهل شب و گفت موسی مر برادرش هرون را

اخلفني في قومي واصلح ولا تتبع سبيل المفسدين ١٣٩ ولما جاء موسى
که جانشین من باش در میان قوم [illegible] راه مفسدان را و چون آمد موسی

لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني ولكن انظر
بوقت مقرر ما و سخن کرد با او پروردگارش گفت پروردگارا بنمای مرا که بنگرم بتو گفت هرگز نبینی مرا ولیکن بنگر

الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله
بسوی کوه پس اگر قرار گیرد در مکانش پس زود باشد که ببینی مرا پس چون تجلی کرد پروردگارش بکوه گردانید او را

الها بکسر همزه و فتح لام

الهة بدون الف کبیر

متبر بتشدید با و تخفیف را

الها بکسر همزه و فتح لام

ابناءکم بفتح همزه و تقیید با و نون

انظر بفتح همزه و سکون نون و ضم ظا و سکون را

دَكًّا وَخَرَّ مُوسٰى صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاَنَا

ریزه ریزه وافتاد موسی بیهوش پس چون بهوش آمد گفت تو منزهی توا از دیده شدن باز گردیدم بتو و من

اَوَّلُ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٤٣ قَالَ يٰمُوسٰٓى اِنِّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِىْ

اول گروندگانم گفت ای موسی بدرستیکه من برگزیدم ترا بر مردمان برسالتهایم

وَبِكَلَامِىْ ۖ فَخُذْ مَآ اٰتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ١٤٤ وَكَتَبْنَا لَهٗ فِى الْاَلْوَاحِ

وبکلامم پس بگیر آنچه آمدم ترا وباش از شکر کنندگان و نوشتیم برایش در لوحها

مِنْ كُلِّ شَىْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَىْءٍ ۚ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّاْمُرْ قَوْمَكَ يَاْخُذُوْا

از هر چیز پند وبیانی برای هر چیز پس بگیر آنرا بقوت وامر کن قوم ترا بگیرند

بِاَحْسَنِهَا ۚ سَاُورِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ ١٤٥ سَاَصْرِفُ عَنْ اٰيٰتِىَ الَّذِيْنَ يَتَكَبَّرُوْنَ

باحسنش زود بنمایم شما خانه فاسقان را بزودی میگردانم از آیاتم آنانکه تکبر میکنند

فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ وَاِنْ يَّرَوْا كُلَّ اٰيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوْا بِهَا ۚ وَاِنْ يَّرَوْا سَبِيْلَ الرُّشْدِ

در زمین بناحق واگر ببینند هر آیتی نمیگروند بآن واگر ببینند راه رشد را

لَا يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ۚ وَاِنْ يَّرَوْا سَبِيْلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ۚ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

نمیگیرند آنرا راهی واگر ببینند راه باطل را میگیرند آنرا راهی این بسبب آنکه آنها

كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوْا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ١٤٦ وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا

تکذیب کردند بآیات ما وبودند از آن بیخبران وآنانکه تکذیب کردند بآیات ما

وَلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ١٤٧

وملاقات آخرت نابود شد کردارشان آیا جزا داده میشوند مگر آنچه بودند میکردند

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسٰى مِنْۢ بَعْدِهٖ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ ۚ اَلَمْ يَرَوْا

وگرفتند قوم موسی از بعد او از زیورشان گوساله تنی را که بود مر او را آواز گاو آیا ندیدند

اَنَّهٗ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيْهِمْ سَبِيْلًا ۘ اِتَّخَذُوْهُ وَكَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ١٤٨

که او سخن نمیگوید با ایشان وهدایت نمیکند ایشان را راهی گرفتند او را وبودند ستمکاران

وَلَمَّا سُقِطَ فِىْٓ اَيْدِيْهِمْ وَرَاَوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوْا ۙ قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ

وچون افگنده شد در دستهایشان ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند هر آینه اگر رحمت نکند ما را پروردگار ما

يَغْفِرْ لَنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ١٤٩ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسٰىٓ اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ

ونیامرزد ما را هر آینه میباشیم از زیانکاران وچون برگشت موسی بسوی قومش خشمگین

اَسِفًا ۙ قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُوْنِىْ مِنْۢ بَعْدِىْ ۚ اَعَجِلْتُمْ اَمْرَ رَبِّكُمْ ۚ وَاَلْقَى الْاَلْوَاحَ

اندوهگین گفت بد جانشینی کردید مرا از بعد من آیا پیشی گرفتید امر پروردگارتان را وافگند لوحها را

وَاَخَذَ بِرَاْسِ اَخِيْهِ يَجُرُّهٗٓ اِلَيْهِ ۗ قَالَ ابْنَ اُمَّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُوْنِىْ وَ

وگرفت سر برادرش میکشید او را بسوی خود گفت ای پسر مادر بدرستیکه قوم ضعیف شمردند مرا و

كَادُوْا يَقْتُلُوْنَنِىْ ۖ فَلَا تُشْمِتْ بِىَ الْاَعْدَآءَ وَلَا تَجْعَلْنِىْ مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ١٥٠

نزدیک بود که بکشند مرا پس شاد مکن دشمنان را وقرار مده مرا با گروه ستمکاران

قال رب اغفر لى ولاخى وادخلنا فى رحمتك وانت ارحم الراحمين ۱۵۱

گفت پروردگارا بیامرز مرا و برادرم را و درآور مارا در رحمت خود و تو مهربانترین مهربانانی

ان الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم وذلة فى الحيوة الدنيا و

بدرستیکه آنانکه گرفتند گوساله را زود برسد ایشانرا خشم از پروردگارشان و خواری در زندگی دنیا و

كذلك نجزى المفترين ۱۵۲ والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها

همچنین جزا میدهیم افترا زنندگان را و آنانکه کردند بدیها را پس توبه کردند از بعد آن

وامنوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۱۵۳ ولما سكت عن موسى الغضب

و گرویدند بدرستیکه پروردگارت از بعد آن هر آینه آمرزنده مهربانست و چون فرو نشست از موسی خشم

اخذ الالواح وفى نسختها هدى ورحمة للذين هم لربهم يرهبون ۱۵۴

گرفت لوحها را و در نسخه آنها هدایت بود و رحمت مر آنانکه آنها از پروردگارشان میترسند

واختار موسى قومه سبعين رجلا لميقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال

و برگزید موسی از قوم خود هفتاد مرد برای میقات ما پس چون گرفت ایشانرا لرزه گفت

رب لو شئت اهلكتهم من قبل واياى اتهلكنا بما فعل السفهاء منا

پروردگارا اگر میخواستی هلاک میکردی ایشانرا از پیش و مرا آیا هلاک میکنی ما را بانچه کردند بیخردان از ما

ان هى الا فتنتك تضل بها من تشاء وتهدى من تشاء انت ولينا

نیست آن مگر فتنه تو گمراه میکنی بآن آنرا که بخواهی و هدایت میکنی آنرا که بخواهی توئی دوست ما

فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين ۱۵۵ واكتب لنا فى هذه الدنيا

پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو بهترین آمرزندگانی و بنویس برای ما در این دنیا

حسنة وفى الاخرة انا هدنا اليك قال عذابى اصيب به من اشاء

خوبی و در آخرت بدرستیکه ما هدایت شدیم بسوی تو گفت عذابم میرسانم آنرا بهرکه را بخواهم

ورحمتى وسعت كل شىء فساكتبها للذين يتقون ويؤتون الزكوة

و رحمتم فرا گرفته همه چیزرا پس زود بنویسم آنرا برای آنانکه میپرهیزند و میدهند زکات را

والذين هم باياتنا يؤمنون ۱۵۶ الذين يتبعون الرسول النبى الامى الذى

و آنانکه ایشان بآیتهای ما میگروند آنانکه پیروی میکنند فرستاده خبر آورنده نخوانده را که

يجدونه مكتوبا عندهم فى التورىة والانجيل يامرهم بالمعروف و

مییابند آنرا نوشته شده نزد ایشان در تورات و انجیل امر میکند ایشانرا بخوبی و

ينهيهم عن المنكر ويحل لهم الطيبت ويحرم عليهم الخبئث ويضع

نهی میکند ایشانرا از بدی و حلال میکند پاکیزه‌ها را و حرام میکند برایشان پلیدها را و میگذارد

عنهم اصرهم والاغلل التى كانت عليهم فالذين امنوا به وعزروه و

از آنها گرانی بارشان و غلها که بود بر ایشان پس آنانکه گرویدند باو و محترم داشتند و

نصروه واتبعوا النور الذى انزل معه اولئك هم المفلحون ۱۵۷ قل يايها

یاری کردند او را و پیروی کردند نوری را که فرو فرستاده شد با او آنها ایشانند رستگاران بگو ای

الناس

النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ١٥٨ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
مردمان بدرستیکه من رسول خدایم بسوی شما همه آنکه مراوراست پادشاهی آسمانها وزمین

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي
نیست خدائی مگر او زنده میکند ومیمیراند پس بگروید بخدا ورسولش پیغمبر ناخوانده که

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٥٩ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ
گرویده بخدا وکلماتش وپیروی کنید اورا شاید شما راه یابید واز قوم موسی

أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٦٠ وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا
باشند امتی که راه یافتند بحق وباو بازگشت میکنند وجدا ساختیم آنهارا دوازده سبط

أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ
امتها ووحی فرستادیم بسوی موسی چون خواست آب قومش را که بزن بعصایت سنگ را پس جاری شد

مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ
از آن دوازده چشمه بتحقیق دانست هر کس محل نوشیدن شانرا وسایه افکندیم بر ایشان ابر را

وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا
وفرو فرستادیم برایشان من وسلوی را بخورید از پاکیزها آنچه روزی دادیم شمارا وستم نکردند ما را

وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١٦١ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَ
ولیکن بودند خودهاشانرا ستم کردند وچون گفته شود برایشان که بیارامید این قریه را و

كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ
بخورید از آن هر جه بخواهید وبگوئید حطه ودرآئید درا سجده کنندگان وبیامرزیم مرشمارا

خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ١٦٢ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي
گناهان شمارا زود بیفزائیم نیکوکارانرا پس تبدیل کردند آنانکه ستم کردند از آنها گفتاری جز آنکه

قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ١٦٣ وَ
گفته شده مرایشانرا پس فرستادیم برآنها عذابی را از آسمان بسبب آنچه بودند ستم کردند و

اسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ
بپرسید ایشانرا از قریه که بود حاضر نزد دریا چون تجاوز کردند در روز شنبه چون

تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ
آمد ایشانرا ماهیهاشان روز شنبه ایشان [illegible] نبود شنبه شان نیامد ایشانرا همچنین

نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ١٦٤ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا
آزمودیم ایشانرا بسبب آنچه بودند فسق میکردند وچون گفتند امتی ازایشان چرا پند میدهید قومیرا

اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ
که خدا هلاک کننده آنهارا یا شکنجه کننده است آنهارا شکنجه سخت گفتند عذری است بسوی پروردگارشان و

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ١٦٥ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
شاید آنها بپرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن نجات دادیم آنهارا که نهی میکرد

عَنِ السُّوٓءِ وَاَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ١٦٥
از بدی و گرفتیم ما آنها را که ستم کردند بشکنجه بد بسبب آنچه بودند فسق میورزیدند
فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ١٦٦ وَاِذْ تَاَذَّنَ
پس چون سر باز زدند از آنچه نهی شدند از آن گفتیم مر ایشان را که بشوید بوزینگان راندگان و چون اعلام نمود
رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ اِنَّ رَبَّكَ
پروردگار تو مر برانگیخته میشود بر ایشان تا روز رستخیز که عذاب کند ایشان را بدی عذاب بدرستیکه پروردگار
لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَاِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ١٦٧ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْاَرْضِ اُمَمًا مِنْهُمُ
زود عقوبتست و بدرستیکه او هر آینه آمرزنده مهربانست و جدا جدا کردیم ایشان را در زمین امتها برخی از ایشان
الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذٰلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ
شایستگانند و برخی از ایشان جز آن و آزمودیم ایشان را بخوبیها و بدیها شاید ایشان
يَرْجِعُونَ ١٦٨ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَاْخُذُونَ عَرَضَ هٰذَا
باز گردند پس آمدند از بعد آنها ناخلفی که میراث میبردند کتاب را میگیرند متاع این
الْاَدْنٰى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَاِنْ يَاْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَاْخُذُوهُ اَلَمْ يُؤْخَذْ
دنیای فروتر را و میگویند زود بیامرزد ما را و اگر بیاید ایشان را متاعی مانند آن میگیرند آنرا آیا نگرفت
عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ اَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ
بر ایشان پیمان کتاب که نگویند بر خدا مگر حق و بخوانند آنچه در آنست و خانه
الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ١٦٩ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ
آخرت بهتر است مر آنان را که میپرهیزند آیا پس در نمییابید بعقل و آنانکه تمسک میجویند بکتاب
وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ١٧٠ وَاِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ
و بر پای میدارند نماز را بدرستیکه ما ضایع نمیگذاریم مزد شایستگان را و هنگامیکه بلند کردیم کوه را بالای ایشان
كَاَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا اَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا اٰتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
که گوییا آن سایبانی بود و پنداشتند که آن افتادنیست بایشان بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و یاد کنید آنچه در آنست
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١٧١ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ
شاید شما بپرهیزید و چون گرفت پروردگارت از پسران آدم از پشتهاشان فرزندانشان را و
اَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰى شَهِدْنَا اَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
گواه گرفت ایشان را بر خودهاشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواه شدیم اینکه بگویید روز رستخیز
اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غَافِلِينَ ١٧٢ اَوْ تَقُولُوا اِنَّمَا اَشْرَكَ اٰبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا
بدرستیکه ما بودیم ازین بیخبران یا بگویید جز این نیست شرک آوردند پدران ما از پیش و بودیم ما
ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ اَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ١٧٣ وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ
فرزندان از بعد ایشان آیا پس هلاک میکنی ما را بسبب آنچه کردند تباهکاران و همچنین تفصیل میدهیم آیتها را
وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ١٧٤ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ الَّذِي اٰتَيْنَاهُ اٰيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاَتْبَعَهُ
و شاید ایشان باز گردند و بخوان بر ایشان خبر آنکه دادیم او را آیتهای ما را پس بیرون آمد از آن پس از پی او افتاد

نصف ربع

اباؤنا بدون اشباع

الشیطان

الشيطان فكان من الغاوين ١٧٥ ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه اخلد الى
الارض واتبع هويه فمثله كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه
يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا باياتنا فاقصص القصص
لعلهم يتفكرون ١٧٦ ساء مثلا القوم الذين كذبوا باياتنا وانفسهم
كانوا يظلمون ١٧٧ من يهد الله فهو المهتدى ومن يضلل فاولئك
هم الخاسرون ١٧٨ ولقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن والانس لهم قلوب
لا يفقهون بها ولهم اعين لا يبصرون بها ولهم اذان لا يسمعون بها
اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون ١٧٩ ولله الاسماء
الحسنى فادعوه بها وذروا الذين يلحدون فى اسمائه سيجزون ما كانوا
يعملون ١٨٠ وممن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون ١٨١ والذين
كذبوا باياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ١٨٢ واملى لهم ان
كيدى متين ١٨٣ اولم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة ان هو الا نذير
مبين ١٨٤ اولم ينظروا فى ملكوت السموات والارض وما خلق الله
من شىء وان عسى ان يكون قد اقترب اجلهم فباى حديث بعده
يؤمنون ١٨٥ من يضلل الله فلا هادى له ويذرهم فى طغيانهم
يعمهون ١٨٦ يسئلونك عن الساعة ايان مرسيها قل انما علمها

عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ

نزد پروردگار من ظاهر نمیکند او را در وقتش مگر او گران آمد در آسمانها و زمین نیاید شما را

إِلَّا بَغْتَةً ١٨٧ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ

مگر ناگاه میپرسند ترا گویا تو دانائی از آن بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست و لیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ١٨٨ قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

بیشتر مردم نمیدانند بگو مالک نیستم برای خود سودی را و نه ضرری را مگر آنچه خواهد خدا

وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا

و اگر بودم دانا نهانی هر آینه بسیار گرداننده بودم از خیر و نمیرسید مرا بدی نیستم من مگر

نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ١٨٩ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ

ترساننده و مژده دهنده مر گروهی را که میگروند اوست آنکه آفرید شما را از یک نفس و گردانید

مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا

از آن جفتش را تا آرام گیرد با آن پس چون گرفت او را برداشت باری سبک پس مستمر بود با آن پس چون

أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ١٩٠ فَلَمَّا

گران شد خواندند خدا رب شانرا اگر بدهی ما را شایسته هر آینه باشیم از شکرگذاران پس چون

آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ١٩١

داد ایشانرا شایسته گردانیدند مر او را شریکان در آنچه داد ایشانرا پس برتر است خدا از آنچه شریک میآورند

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا

آیا شریک میآورند آنچه که نمیآفریند چیزی را و ایشان آفریده میشوند و نمیتوانند برای ایشان یاری کردن و نه

أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ١٩٢ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ

خودهاشانرا یاری میکنند و اگر بخوانید ایشانرا بسوی هدایت پیروی نمیکنند شما را یکسانست بر شما

أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ١٩٣ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ

بخوانید شان یا باشید خاموشان بدرستیکه آنانکه میخوانند از جز خدا بندگانی

أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ١٩٤ أَلَهُمْ

هستند مانند شما پس بخوانید ایشانرا پس باید اجابت کنند شما را اگر هستید راستگویان آیا مر ایشانراست

أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا

پاهائیکه راه میروند بانها یا مر ایشانراست دستهائیکه بگیرند بانها یا مر ایشانراست چشمهائیکه ببینند بانها

أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ١٩٥

یا مر ایشانراست گوشهائیکه بشنوند بانها بگو بخوانید شریکانتانرا پس مکر کنید بامن مهلت مدهید مرا

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ١٩٦ وَالَّذِينَ

بدرستیکه یار من خداست که فرو فرستاد کتاب را و اوست که یاری میکند شایستگانرا و آنانکه

تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ١٩٧ وَإِن

میخوانند از غیر او نمیتوانند یاری کردن شما را و نه خودهاشانرا یاری کنند و اگر

دعوا الله ربهما بفتح هاء الله و باء ربهما

تنظرون بکسر نون در وقف

ولیی الله بکسر یاء اول و فتح یاء دوم

تدعوهم

تدعوهم الى الهدى لا يسمعوا وتريهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون ١٩٨
بخوانید ایشانرا بسوی هدایت نمیشنوند و می بینی ایشانرا نگاه میکنند بسوی تو و ایشان نمی بینند

خذ العفو وأمر بالعرف واعرض عن الجاهلين ١٩٩ وامّا ينزغنّك من
بگیر عفو را و امر کن بعرف و روی بگردان از نادانان و اگر از جای در آورد ترا

الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم ٢٠٠ انّ الذين اتقوا اذا
شیطان از جای بردنی پس پناه گیر بخدا بدرستیکه او شنوا داناست بدرستیکه آنانکه پرهیزکار شدند چون

مسّهم طائف من الشيطان تذكّروا فاذا هم مبصرون ٢٠١ واخوانهم
مس کرد ایشانرا وسوسه از شیطان متذکر شوند پس آنگاه ایشان بینا باشند و برادرهای ایشان

يمدّونهم في الغيّ ثم لا يقصرون ٢٠٢ واذا لم تأتهم بآية قالوا لولا
میکشند ایشانرا در گمراهی پس کوتاهی نمیکنند و چون نیاوری ایشانرا آیتی گویند چرا

اجتبيتها قل انّما اتّبع ما يوحى الىّ من ربّى هذا بصائر من ربّكم وهدى
اختیار نکردی آنرا بگو جز این نیست پیروی میکنم آنچه وحی میشود بسوی من از پروردگارم این نشانهای بینش است از پروردگار شما و هدایت

ورحمة لقوم يؤمنون ٢٠٣ واذا قرئ القران فاستمعوا له وانصتوا
و رحمت مر گروهی را که میگروند و چون خوانده شود قرآن پس گوش کنید آنرا و خاموش باشید

لعلّكم ترحمون ٢٠٤ واذكر ربّك في نفسك تضرّعا وخيفة ودون
شاید شما رحمت کرده شوید و یاد کن پروردگارت را در نفس خود از روی زاری و ترس و جز

الجهر من القول بالغدوّ والاصال ولا تكن من الغافلين ٢٠٥ انّ
بلندی از گفتار بامداد و شبانگاه و مباش از بیخبران بدرستیکه

الذين عند ربّك لا يستكبرون عن عبادته ويسبّحونه وله يسجدون
آنانکه نزد پروردگارت سر نکشند از پرستش او و تسبیح میکنند مر اورا و سجده میکنند

سورة الانفال ست وسبعون آية وهي مدنية (٨)

الا از آیه ٣٠ الی آخر آیه ٣٦ که در مکه نازل شده بعد البقرة

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتّقوا الله واصلحوا
میپرسند ترا از انفال بگو انفال مر خداراست و رسول پس بپرهیزید خدارا و اصلاح کنید

ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان كنتم مؤمنين ٢ انّما المؤمنون الذين
حال میانتان و فرمان برید خدارا و رسول او را اگر هستید گروندگان جز این نیست گروندگان آنانند که

اذا ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا وعلى
چون یاد کرده شود خدا بترسد دلهاشان و چون خوانده شود بر ایشان آیاتش بیفزاید ایشانرا ایمان و بر

ربّهم يتوكّلون ٣ الذين يقيمون الصلوة وممّا رزقناهم ينفقون ٤
پروردگارشان توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند

اولئك

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٥

آنها ایشانند گروندگان حق مر ایشان راست مرتبه‌ها نزد پروردگارشان و آمرزش و روزی خوب

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِن بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ٦

چنانکه بیرون کرد ترا پروردگارت از خانه‌ات بحق و بدرستیکه پاره از گروندگان بودند کارهان

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ ٧

مجادله میکردند ترا در حق بعد آنچه ظاهر شد گویا رانده میشدند بسوی مرگ و آنها نگاه میکردند

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ

و چون وعده میداد شما را خدا یکی از دو طایفه که آنها مر شما راست و دوست میداشتید که غیر صاحب شوکت

تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ٨

باشند برای شما و میخواست خدا که ثابت گرداند حق را بکلماتش و ببرد دنباله کافران را

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ٩ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ

تا ثابت کند حق را و ناچیز کند باطل را اگرچه کاره بودند گنهکاران هنگامیکه استغاثه میکردید پروردگارتان را

فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ١٠ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ

پس اجابت کردم شما را که من مدد کننده‌ام بهزار از فرشتگان از پی هم آیندگان و نگردانید او را خدا

إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

مگر بشارت و تا بیارامد بآن دلهای شما و نیست نصرت مگر از نزد خدا بدرستیکه خدا غالب

حَكِيمٌ ١١ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم

درست کردار چون عارض شما را پینکی برای ایمنی از آن و فرو فرستاده میشود بر شما از آسمان آبی تا پاک نماید شما را

بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ١٢

بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و تا ببندد بر دلهای شما و ثابت گرداند بآن قدمها را

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي

چون وحی میفرستاد پروردگارت بفرشتگان که من با شمایم پس استوار دارید آنانرا که گرویدند زود بیندازم

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا

در دلهای آنانکه کافر شدند ترس را پس بزنید بالای گردنها را و بزنید

مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ١٣ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ

از ایشان همه انگشتان را این بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند خدا و رسولش را و آنکه مخالفت کند خدا

وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ١٤ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ

و رسولش را پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست آنست پس بچشید آنرا و آنکه مر کافرانست

عَذَابَ النَّارِ ١٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا

شکنجه آتش ای آنانکه گرویدید چون ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند انبوه

فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ١٦ وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ

پس مگردانید بآنها پشتها را و آنکه بگرداند بآنها در آن روز پشتش را مگر گردنده برای کارزار

هو اللطیف تعالی
این اسم فتح زده در هنگامیکه قمر در شرف باشد متصل بمشتری بنویسد بر صفحه حریر سفید [illegible] و با خود دارد در نزد همه کس محبوب و مقبول القول گردد و هر کس بر خواندن این اسم [illegible] مداومت نماید و بنویسد و با خود نگاه دارد [illegible] [illegible]

أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٧

یا رونده بسوی گروهی پس بتحقیق برگشت بخشمی از خدا و جایگاه او جهنم است و بد بازگشتی است

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ

پس نکشتید ایشانرا و لیکن خدا کشت ایشانرا و نینداختی چون انداختی ولیکن خدا انداخت و تا عطا کند

الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٨ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ

گروندگانرا از آن نعمتی خوب بدرستیکه خدا شنونده داناست آنان و خداست سست کننده مکر

الْكَافِرِينَ ١٩ إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ

کافرانست اگر فتح میخواستید پس بتحقیق آمد شما را فتح و اگر باز ایستید پس آن بهتر است مر شما را

إِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٠

و اگر عود نمایید بازگشت مینماییم و [illegible] از شما جماعت شما چیزی و اگر چه بسیار باشد و اینکه خدا با گروندگانست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ٢١

ای آنانکه گرویدید فرمانبرید خدا و رسولش را و برمگردید از او و شما می شنوید

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ٢٢ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ

و مباشید مانند آنانکه گفتند شنیدیم و ایشان نمیشنوند بدرستیکه بدترین جنبندگان

عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ٢٣ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ

نزد خدا کران گنگانند آنانکه درنمی‌یابند و اگر دانسته بود خدا در ایشان

خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ ٢٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

چیزی هر آینه شنوانیده بود ایشانرا و اگر شنوانیده بود ایشانرا روگردانیده بودند و ایشان اعراض کنندگان بودند ای آنانکه

آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

گرویدید اجابت کنید مر خدا و مر رسول را چون بخواند شما را بر آنچه زنده گرداند شما را و بدانید که خدا

يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٢٥ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ

حایل میشود میان مرد و دلش و اینکه او بسویش حشر کرده میشوید و بپرهیزید از فتنه که نرسد

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٢٦ وَاذْكُرُوا

آنانرا که ستم کردند از شما تنها و بدانید که خدا سخت عقوبتست و یاد کنید

إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ

چون شما کم بودید ناتوانان در زمین میترسیدید که بربایند شما را مردم پس جای داد شما را

وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٢٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و قوت داد شما را بنصرتش و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها شاید شما شکر کنید ای آنانکه

آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٨ وَ

گرویدید خیانت مکنید خدا و رسول را و خیانت مکنید امانتهای خود را و شما میدانید

اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٩ يَا أَيُّهَا

بدانید که مالهای شما و اولاد شما فتنه اند و آنکه خدا نزد او ست اجری بزرگ ای

الذين

الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سيئاتكم ويغفر
آنانکه گرویدند اگر بترسید خدا را میگرداند برای شما جدا کننده و بزداید از شما بدیهای شما را و بیامرزد
لكم والله ذو الفضل العظيم ٣٠ وإذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك
مر شما را و خدا صاحب فضل بزرگست و چون حیله میکنند بتو آنانکه کافر شدند تا که بازدارند ترا
أو يقتلوك أو يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله خير الماكرين ٣١
یا بکشندت یا بیرون کنند ترا و بدسگالند و بدسگالد خدا و خدا بهترین بدسگالانست
وإذا تتلى عليهم آياتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم اگر بخواهیم هر آینه بگوییم مانند این نیست این
إلا أساطير الأولين ٣٢ وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من
مگر افسانهٔ پیشینیان و چون گویند خداوندا اگر بوده باشد این او راست از
عندك فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم ٣٣ وما كان
نزد تو پس بباران بر ما سنگها را از آسمان یا بیاور ما را شکنجه پر درد و نباشد
الله ليعذبهم وأنت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون ٣٤ وما
خدا که شکنجه کند آنها را و تو باشی در ایشان و نباشد خدا شکنجه کننده آنها و آنها آمرزش طلبند و چیست
لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما كانوا أولياءه
مر آنها را که شکنجه نکند آنها را خدا و آنها باز میدارند مردم از مسجد الحرام و نبودند دوستان او
إن أولياؤه إلا المتقون ولكن أكثرهم لا يعلمون ٣٥ وما كان صلاتهم
نیستند دوستان او مگر پرهیزگاران ولیکن بیشتر آنها نمیدانند و نبود نماز شان
عند البيت إلا مكاء وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ٣٦ إن
نزد خانه مگر صفیر و دست زدنی پس بچشید شکنجه را بسبب آنچه بودید کافر شدید بدرستیکه
الذين كفروا ينفقون أموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم
آنانکه کافر شدند انفاق میکنند مالهای شان را تا باز دارند از راه خدا پس زود انفاق کنند آنرا پس
تكون عليهم حسرة ثم يغلبون ٣٧ والذين كفروا إلى جهنم يحشرون ٣٨
میباشد بر آنها پشیمانی پس مغلوب گردانیده شوند و آنانکه کافر شدند بسوی جهنم حشر کرده شوند
ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا
تا جدا کند خدا پلید را از پاکیزه و بگرداند پلید را پاره او را بر پاره پس برهم نشاند او را همه
فيجعله في جهنم أولئك هم الخاسرون ٣٩ قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر
پس میگرداند او را در جهنم آنها ایشانند زیانکاران بگو مر آنان را که کافر شدند اگر باز ایستند آمرزیده
لهم ما قد سلف وإن يعودوا فقد مضت سنت الأولين ٤٠ وقاتلوهم حتى
مر ایشان را آنچه بتحقیق گذشت و اگر باز گردند پس بتحقیق گذشت طریقه پیشینیان و کارزار کنید با ایشان تا آنکه
لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير ٤١ وإن
نباشد آزمایشی و باشد دین همه آن برای خدا پس اگر باز ایستند پس بدرستیکه خدا بآنچه کنند بیناست و اگر

تولوا فاعلموا ان الله مولكم نعم المولى ونعم النصير ٤٢ واعلموا انما
اعراض کنید پس بدانید که خدا یاری دهنده شماست خوب یاری است و خوب یاری کننده و بدانید هر آن چیزی که

غنمتم من شيء فان لله خمسه وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين
غنیمت گرفتید از چیزی پس درستیکه برای خداست پنج یک آن و برای پیغمبر و صاحب قرابت و یتیمان و بیچارگان

وابن السبيل ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى
و راه ماندگان اگر هستید که گرویده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود روز جدا کردن روزیکه

الجمعان والله على كل شيء قدير ٤٣ اذ انتم بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة
بهم رسیدند دو گروه و خدا بر همه چیز تواناست چون شما بودید بکنار وادی نزدیک و ایشان بکنار

القصوى والركب اسفل منكم ولو تواعدتم لاختلفتم في الميعاد ولكن
دورترند و سواران زیرترند از شما و اگر وعده کردید هر آینه اختلاف میکردید در وعده و لیکن

ليقضي الله امرا كان مفعولا ٤٤ ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من
تا حکم کند خدا امری را که باشد کرده شده تا هلاک کند آنرا که هلاک شود از حجت روشن و زنده گرداند

حي عن بينة وان الله لسميع عليم ٤٥ اذ يريكهم الله في منامك قليلا
که زنده شود از حجت روشن و درستیکه خدا شنوا داناست هنگامیکه مینمود شما را در خواب خود اندکی

ولو اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم في الامر ولكن الله سلم انه عليم
و اگر مینمود بتو ایشانرا بسیار هر آینه بد دل میشدید و هر آینه نزاع میکردید در کار و لیکن خدا سالم داشت که او داناست

بذات الصدور ٤٦ واذ يريكموهم اذ التقيتم في اعينكم قليلا و
بسرای سینها و چون مینمود ایشانرا چون ملاقات کردید در چشمهای شما اندکی و

يقللكم في اعينهم ليقضي الله امرا كان مفعولا والى الله ترجع الامور ٤٧
اندک کرد شما را در چشمهای ایشان تا حکم کند خدا امری را که باشد کرده شده و بسوی خدا برگردانیده شود کارها

يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله كثيرا لعلكم
ای آنانکه گرویدید چون ملاقات کنید گروهی را پس ثابت شوید و یاد کنید خدا را بسیار شاید شما

تفلحون ٤٨ واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب
رستگار شوید و فرمان برید خدا و پیغمبرش را و تنازع مکنید پس بد دل شوید و برود باد

ريحكم واصبروا ان الله مع الصابرين ٤٩ ولا تكونوا كالذين خرجوا
دولت شما و صبر کنید بدرستیکه خدا با صبر کنندگانست و مباشید مانند آنانکه بیرون رفتند

من ديارهم بطرا ورئاء الناس ويصدون عن سبيل الله والله بما يعملون
از خانه های ایشان بسرکشی و نمودن بمردم و باز میدارند از راه خدا و خدا بآنچه میکنند

محيط ٥٠ واذ زين لهم الشيطان اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من
احاطه کننده است و چون آراسته کرد برای ایشان شیطان کارهای ایشانرا و گفت نیست غلبه کننده برای شما امروز از

الناس واني جار لكم فلما تراءت الفئتان نكص على عقبيه وقال اني
مردم و بدرستیکه من همسایه ام شما را پس چونکه دیدند هر دو لشکر برگشت بر دو پاشنه و گفت بدرستیکه من

حضرت رضا علیه السلام فرمود که چون کسی را بسته باشند ... بنویسند ... این آیه را ... از ... بر پیشانی ... بستی ... سیاحی ... کسی راضی باشد ... منافقت ... پس ... بگوید ... ١٢

بَرِیۡٓءٌ مِّنۡکُمۡ اِنِّیۡۤ اَرٰی مَا لَا تَرَوۡنَ اِنِّیۡۤ اَخَافُ اللّٰهَ ؕ وَاللّٰهُ شَدِیۡدُ الۡعِقَابِ ۵

بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم آنچه را نمی بینید بدرستیکه من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبتست

اِذۡ یَقُوۡلُ الۡمُنٰفِقُوۡنَ وَالَّذِیۡنَ فِیۡ قُلُوۡبِهِمۡ مَّرَضٌ غَرَّ هٰۤؤُلَآءِ دِیۡنُهُمۡ ؕ وَمَنۡ

هنگامیکه میگویند منافقان و آنانکه در دلهای ایشان مرض است مغرور گردانید اینها را دین ایشان و کسی که

یَّتَوَکَّلۡ عَلَی اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِیۡزٌ حَکِیۡمٌ ۵ وَلَوۡ تَرٰۤی اِذۡ یَتَوَفَّی الَّذِیۡنَ کَفَرُوا ۙ

اعتماد میکند بر خدا پس بدرستیکه خدا غالب درست کردار است و اگر ببینی هنگامیکه میمیرانند آنانکه کافر شدند

الۡمَلٰٓئِکَةُ یَضۡرِبُوۡنَ وُجُوۡهَهُمۡ وَاَدۡبَارَهُمۡ ۚ وَذُوۡقُوۡا عَذَابَ الۡحَرِیۡقِ ۵ ذٰلِکَ

فرشتگان میزدند بر رویهای ایشان و پشتهای ایشان و بچشید شکنجه آتش سوزان این

بِمَا قَدَّمَتۡ اَیۡدِیۡکُمۡ وَاَنَّ اللّٰهَ لَیۡسَ بِظَلَّامٍ لِّلۡعَبِیۡدِ ۵ کَدَاۡبِ اٰلِ فِرۡعَوۡنَ ۙ وَ

بسبب آنچه پیش فرستاده شد دستهای شما و آنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را مانند شیوه آل فرعون و

الَّذِیۡنَ مِنۡ قَبۡلِهِمۡ ؕ کَفَرُوۡا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوۡبِهِمۡ ؕ اِنَّ اللّٰهَ قَوِیٌّ شَدِیۡدُ

آنانکه بودند از پیش ایشان کافر شدند بآیتهای خدا پس گرفت ایشان را بگناهان ایشان بدرستیکه خدا توانای سخت

الۡعِقَابِ ۵ ذٰلِکَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمۡ یَکُ مُغَیِّرًا نِّعۡمَةً اَنۡعَمَهَا عَلٰی قَوۡمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوۡا مَا

عقوبتست این بآنست که خدا نباشد تغییر دهنده نعمتی که انعام کرد او را بر قوم تا آنکه تغییر دهند آنچه

بِاَنۡفُسِهِمۡ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِیۡعٌ عَلِیۡمٌ ۵ کَدَاۡبِ اٰلِ فِرۡعَوۡنَ ۙ وَالَّذِیۡنَ مِنۡ قَبۡلِهِمۡ ؕ

در نفسهای ایشانست و آنکه خدا شنوای داناست مانند شیوه آل فرعون و آنانکه بودند از پیش ایشان

کَذَّبُوۡا بِاٰیٰتِ رَبِّهِمۡ فَاَهۡلَکۡنٰهُمۡ بِذُنُوۡبِهِمۡ وَاَغۡرَقۡنَاۤ اٰلَ فِرۡعَوۡنَ ۚ وَکُلٌّ کَانُوۡا

که تکذیب کردند بآیتهای پروردگار ایشان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق کردیم آل فرعون را و همه بودند

ظٰلِمِیۡنَ ۵۷ اِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِنۡدَ اللّٰهِ الَّذِیۡنَ کَفَرُوۡا فَهُمۡ لَا یُؤۡمِنُوۡنَ ۵۸

ستمگاران بدرستیکه بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس ایشان ایمان نمی آورند

الَّذِیۡنَ عٰهَدۡتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ یَنۡقُضُوۡنَ عَهۡدَهُمۡ فِیۡ کُلِّ مَرَّةٍ وَّهُمۡ لَا یَتَّقُوۡنَ ۵۹

آنانکه پیمان گرفتی از ایشان پس میشکنند پیمان خود را در هر بار و ایشان نمی پرهیزند

فَاِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِی الۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِمۡ مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ یَذَّکَّرُوۡنَ ۵ وَاِمَّا تَخَافَنَّ

پس اگر دریابی ایشان را در حرب پس پراکنده ساز بایشان کسانی را که از پس ایشانند تا ایشان پند گیرند و اگر بترسی

مِنۡ قَوۡمٍ خِیَانَةً فَانۡۢبِذۡ اِلَیۡهِمۡ عَلٰی سَوَآءٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الۡخَآئِنِیۡنَ ۵ وَلَا یَحۡسَبَنَّ

از قومی خیانت را پس بینداز بسوی ایشان برابری بدرستیکه خدا دوست نمیدارد خیانت کاران را و مپندارند

الَّذِیۡنَ کَفَرُوۡا سَبَقُوۡا ؕ اِنَّهُمۡ لَا یُعۡجِزُوۡنَ ۵ وَاَعِدُّوۡا لَهُمۡ مَّا اسۡتَطَعۡتُمۡ مِّنۡ

آنانکه کافر شدند پیشی گرفتند بدرستیکه ایشان عاجز نمیکنند و مهیا سازید برای ایشان آنچه بتوانید از

قُوَّةٍ وَّمِنۡ رِّبَاطِ الۡخَیۡلِ تُرۡهِبُوۡنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّکُمۡ وَاٰخَرِیۡنَ مِنۡ دُوۡنِهِمۡ ۚ

قوت و از بستن اسبها که بترسانید بآن دشمن خدا را و دشمن خود را و دیگران از غیر ایشان

لَا تَعۡلَمُوۡنَهُمۡ ۚ اَللّٰهُ یَعۡلَمُهُمۡ ؕ وَمَا تُنۡفِقُوۡا مِنۡ شَیۡءٍ فِیۡ سَبِیۡلِ اللّٰهِ یُوَفَّ اِلَیۡکُمۡ وَاَنۡتُمۡ لَا

نمیدانید ایشان را خدا میداند ایشان را و آنچه انفاق کنید از چیزی در راه خدا تمام داده شود بسوی شما و شما

تظلمون ۶۲ وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع

ستم کرده نشوند واگر میل کردند مر صلح را پس میل کن مرآنرا و توکل کن بر خدا هر آینه اوست شنونده وداناست

العليم ۶۳ وان يريدوا ان يخدعوك فان حسبك الله هو الذي ايدك بنصره

داناست واگر خواهند که مکر کنند با تو پس هر آینه بس است ترا خدا اوست آنکه قوت کرد ترا بیاری خود

وبالمؤمنين والف بين قلوبهم لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين

و گروندگان والفت داد میان دلهای شان اگر صرف کرده بودی آنچه در زمین است همه نمی افگندی الفت

قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم ۶۵ يا ايها النبي حسبك

میان دلهای شان ولیکن خدا الفت افگند میان ایشان هر آینه او غالب درست کردار است ای پیغمبر بس است ترا

الله ومن اتبعك من المؤمنين ۶۶ يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال

خدا و هر که پیروی کرد ترا از مؤمنین ای پیغمبر ترغیب کن گروندگان را بر کارزار

ان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين وان يكن منكم مائة

اگر باشند از شما بیست صبر کنندگان غالب میشوند بر دو بیست واگر باشند از شما صد

يغلبوا الفا من الذين كفروا بانهم قوم لا يفقهون ۶۷ الآن خفف الله

غالب میشوند بهزار از آنانکه کافر شدند بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند اکنون سبک کرد خدا

عنكم وعلم ان فيكم ضعفا فان يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين وان

از شما و دانست که در شما ناتوانی است پس اگر باشند از شما صد صبر کنندگان غالب شوند بر دو بیست واگر

يكن منكم الف يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين ۶۸ ما كان

واگر باشند از شما هزار غالب شوند بر دو هزار بفرمان خدا و خداست با صبر کنندگان نسزد

لنبي ان يكون له اسرى حتى يثخن في الارض تريدون عرض الدنيا

مر پیغمبری را که باشد مر او را اسیران تا آنکه کشش بسیار کند در زمین میخواهید متاع دنیا را

والله يريد الآخرة والله عزيز حكيم ۶۹ لولا كتاب من الله سبق

و خدا میخواهد آخرت را و خداست غالب درست کردار اگر نبودی نوشته از خدا که سبقت گرفته

لمسكم فيما اخذتم عذاب عظيم ۷۰ فكلوا مما غنمتم حلالا طيبا واتقوا

هر آینه میرسید شما را در آنچه گرفتید عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت یافتید حلال پاکیزه و بپرهیزید

الله ان الله غفور رحيم ۷۱ يا ايها النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى

خدا را هر آینه خدا آمرزنده مهربانست ای پیغمبر بگو مرآنرا که در دستهای شماست از اسیران

ان يعلم الله في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما اخذ منكم ويغفر لكم والله

اگر بداند خدا در دلهای شما خیری را آورد شما را خیری از آنچه گرفته شد از شما و می آمرزد مر شما را و خداست

غفور رحيم ۷۲ وان يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من قبل فامكن منهم

آمرزنده مهربان واگر اراده کنند خیانت با تو پس بتحقیق خیانت کردند خدا را از پیش پس توانایی داد از ایشان

والله عليم حكيم ۷۳ ان الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم

و خداست دانای درست کردار هر آینه آنانکه گرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند بمالهای شان

وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
خویشان در راه خدا و آنانکه جای دادند و یاری کردند آنها برخیشان دوستان برخی

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ
و آنانکه گرویدند و هجرت نکردند نیست امریشان از دستتان هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند و اگر

اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ
طلب یاری کنند از شما در دین پس بر شماست یاری مگر بر گروهی که میانه شما و میان ایشان پیمانی و

اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٧٢ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن
خدا بانچه میکنید بیناست و آنانکه کافر شدند برخیشان دوستان برخی اگر نکنید آنرا میباشد

فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ٧٣ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ
فتنه در زمین و فساد بزرگ و آنانکه گرویدند و هجرت کردند و جهد کردند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
خدا و آنانکه جای دادند و یاری کردند آنها ایشانند گروندگان سزاوارست مر آنها را آمرزش و روزی خوب

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ وَأُولُو
و آنانکه گرویدند از بعد و هجرت کردند و جهد کردند با شما پس آنها از شمایند و صاحبان

الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
رحمها برخیشان مقدم‌اند ببرخی در کتاب خدا بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست

سورة التوبة مائة وثلثون آية وهي مدنية (٩)

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ١ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ
بیزاریست از خدا و رسولش بسوی آنانکه پیمان بستید از مشرکان پس سیر کنید در زمین

أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ٢
چهار ماه و بدانید که شما غیر عاجز کنندهٔ خدااید و آنکه خدا خوار کنندهٔ کافرانست

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ
و اعلامیست از خدا و رسولش بسوی مردم روز حج بزرگتر اینکه خدا بیزارست از

الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ
مشرکین و رسولش هم بیزارست پس اگر توبه کردید پس آن بهتر است برای شما و اگر برگشتید پس بدانید که شما غیر

مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
عاجز کنندهٔ خدااید و مژده ده آنانرا که کافر شدند بشکنجه دردناک مگر آنانکه پیمان بستید از مشرکان

ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ
پس نقصان نرسانیدند شما را چیزی و هم پشت نشوند بر شما کسی را پس تمام کنید بسوی آنها پیمانشانرا

إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٤ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا
تا مدتشان بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکارانرا پس چون منقضی شد ماههای حرام پس بکشید

المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل مرصد
مشرکان را هر جا یافتید آنها را و بگیرید ایشان را و حبس کنید آنها را و بنشینید مر ایشان را هر راه گذری
فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم ۶
پس اگر توبه کردند و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را پس خالی کنید راه ایشان را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربان است
وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مامنه
و اگر یکی از مشرکان پناه خواهد پس پناه ده او را تا بشنود کلام خدا پس برسان او را بامنش
ذلك بانهم قوم لا يعلمون ۷ كيف يكون للمشركين عهد عند الله وعند
این بسبب آنست که آنها گروهی هستند که نمی دانند چگونه میباشد مر مشرکان را پیمانی نزد خدا و نزد
رسوله الا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم
رسولش مگر آنانکه پیمان بستید نزد مسجد الحرام پس مادامیکه استقامت ورزند برای شما
فاستقيموا لهم ان الله يحب المتقين ۸ كيف وان يظهروا عليكم لا يرقبوا
پس استقامت ورزید مر ایشان را بدرستیکه دوست میدارد خدا پرهیزکاران را چگونه و اگر ظاهر شوند بر شما نگاه نمیدارند
فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم وتابى قلوبهم واكثرهم فاسقون ۹
در شما سوگندی و نه عهدی خوشنود میکنند شما را بدهنهای شان و ابا دارد دلهای ایشان و بیشترشان فاسقانند
اشتروا بايات الله ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا
عوض میکنند بآیتهای خدا بهای کم پس باز میدارند از راهش بدرستیکه آنها بد است آنچه بودند
يعملون ۱۰ لا يرقبون في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون ۱۱ فان
میکردند نگاه نمیدارند در مؤمنی سوگندی و نه عهدی و آنها ایشانند تجاوز کنندگان پس اگر
تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل الايات
توبه کردند و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را پس برادران شمایند در دین و تفصیل میدهیم آیتها را
لقوم يعلمون ۱۲ وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم
برای گروهی که میدانند و اگر شکستند قسمهای ایشان را از بعد پیمانشان و طعنه زدند در دین شما
فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون ۱۳ الا تقاتلون
پس کارزار کنید پیشوایان کفر را بدرستیکه نیست قسمی برای ایشان شاید آنها باز ایستند آیا نمی کنید کارزار
قوما نكثوا ايمانهم وهموا باخراج الرسول وهم بدءوكم اول مرة
قومی را که شکستند قسمهای خود را و قصد کردند به بیرون کردن پیغمبر و آنها ابتدا کردند شما را اول بار
اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين ۱۴ قاتلوهم يعذبهم الله
آیا میترسید از آنها پس خدا سزاوارتر است که بترسید از او اگر باشید گروندگان کارزار کنید با آنها تا عذاب کند ایشان را خدا
بايديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين ۱۵
بدستهای شما و خوار میکند ایشان را و نصرت میدهد شما را بر ایشان و شفا میدهد سینهای گروه گروندگان را
ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم
و میبرد خشم دلهای ایشان را و می پذیرد خدا توبه آنکه میخواهد و خدا داناست

وآتوا الزكوة بفتح تاء و ضم واو صیغه جمع است از فعل ماضی

الا بی تنوین امت

الا بی تنوین امت

وآتوا الزكوة بفتح تاء و ضم واو صیغه جمع ماضی است

بدؤكم بضم همزه و سکون واو

حَكِيمٌ ١٥ اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا
درست کردار است آیا پنداشتید که واگذاشته میشوید و هنوز جدا نکرده خدا آنان را که جهاد کردند از شما و دیگر نگرفتند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٦
از غیر خدا و نه رسولش و نه گرویدگان دوست پنهانی و خدا آگاه است بانچه میکنید

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ اَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللّٰهِ شَاهِدِينَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ
نمیباشد مر مشرکان را که تعمیر کنند مسجدهای خدا را گواهی دهندگان بر خودشان بکفر

اُولٰئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ١٧ اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ
اینها نابود شد کردارشان و در آتش ایشانند جاویدان جز این نیست تعمیر میکند مسجدهای خدا را

مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ
کسی که گروید بخدا و روز آخرت و برپا داشت نماز را و داد زکات را و نترسد مگر از خدا

فَعَسٰى اُولٰئِكَ اَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ١٨ اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ
پس نزدیک است اینها اینکه باشند از راه یافتگان آیا گردانیدید آب دادن حاجیان و عمارت

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ
مسجد الحرام مانند کسی است که گروید بخدا و روز آخر و جهاد کرد در راه خدا یکسان نیست

عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ١٩ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَ
نزد خدا و خدا هدایت نمیکند گروه ستمگاران را آنانکه گرویدند و هجرت کردند و

جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَاُولٰئِكَ هُمُ
جهاد کردند در راه خدا بمالهاشان و خودهاشان بزرگتر است مرتبه ایشان نزد خدا و آنها ایشانند

الْفَائِزُونَ ٢٠ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ ٢١
کامیاب مژده میدهد آنها را پروردگارشان برحمتی از آن و خوشنودی و بهشتها مر ایشان راست در آن نعمت دائمی

خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٢ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
جاویدانند در آن همیشه بدرستیکه خدا نزد اوست اجر بزرگ ای آنانکه گرویدید نگیرید

اٰبَاءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَاءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ
پدرانتان را و برادرانتان را دوستان اگر دوست دارند کفر را بر ایمان و آنکه دوست دارد آنها را از شما

فَاُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٢٣ قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَ
پس آنها ایشانند ستمکاران بگو اگر باشد پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و زنهایتان و

عَشِيرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا اَحَبَّ
و خویشانتان و مالها که کسب کردهاید آنرا و تجارتیکه میترسید کسادیش را و مسکنهائیکه خوشنود بد از آنها دوسترند

اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي
بسوی شما از خدا و رسولش و جهاد در راهش پس منتظر باشید تا اینکه بیاید خدا بامرش و خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ٢٤ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ
گروه فاسقان را هر آینه بتحقیق نصرت داد شما را خدا در جاهای بسیار و روز حنین چون بعجب در آورد شما را

لَا يَسْتَوُونَ باشباع یعنی بدو واو خوانده شود

اٰبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ بضم همزه بدون واو خوانده شود

١٢

كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ
بسیاری شما پس ادفع نکرد از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با فراخی پس باز گشتید
مُدْبِرِينَ ٢٦ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ
گریختگان پس فرو فرستاد خدا آرامشش بر پیغمبرش و بر گروندگان و فرو فرستاد
جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ٢٧ ثُمَّ يَتُوبُ
لشکرها که ندیدید آنرا و شکنجه کرد آنانکه کافر شدند و اینست جزای کافران پس می پذیرد
اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٢٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
خدا از بعد این بر کسی که میخواهد و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید
إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ
جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیکی نکنند مسجد الحرام را بعد این سال یعنی سال نهم هجرت و اگر
خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٢٩
ترسید از درویشی پس زود باشد بی نیاز میکند شما را خدا از فضلش اگر بخواهد بدرستیکه خدا دانای درست کردارست
قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ
کارزار کنید آنانکه نگرویدند بخدا و نه بروز آخرت و حرام نمیدارند آنچه را حرام کرد
اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا
خدا و رسولش و نمی پذیرند دین حق را از آنانکه داده شدند کتاب را تا بدهند
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ٣٠ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ
جزیه از دست خود و آنها خوار شدگانند و گفتند یهود عزیر پسر خداست و گفتند
النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ
ترسایان عیسی پسر خداست اینست گفتشان بدهنهایشان مشابه میسازند گفتار آنانراکه
كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ٣١ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ
کافر شدند از پیش کارزار کند خدا با ایشان چگونه مصروفند از حق بباطل گرفتند یهود دانشمندان و زاهدانشانرا
أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ١
خدایان از جز خدا و عیسی پسر مریم است و امر کرده نشدند مگر آنکه پرستش کنند خدای یگانه را
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٣٢ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ
نیست خدائی مگر او پاکست از آنچه شریک میآورند میخواهند آنکه خاموش کنند نور خدارا بدهنهایشان
وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ٣٣ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
و اباء دارد خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را و اگرچه کراهت کنند کافران اوست آنکه فرستاد رسولش را
بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ٣٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
بهدایت و دین حق تا ظاهر کند او را بر دین همه آن و اگرچه کراهت کنند مشرکان ای آنانکه
آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ
گرویدید بدرستیکه بسیاری از دانشمندان و زاهدان هر آینه میخورند مالهای مردم را بباطل

سبحانه تعالی هذا لله برموز انما المشرکون این آیت را بر جام نویسد با زعفران و گلاب بنویسد و از بعود و عنبر بخور کند و بروغن یاسمین بشوید و بهم نگاه دارد چون خواهد کسی در پیش ارباب جاه رود ابروی خود مالد حرب کند قبل آنکه از آن جاه دید و اگر از آب بشوید و بر زعفران گلاب بنویسد و بوی خوش آرا بخور کند و بر بازو بندد بر آن مقصود حاصل گردد

قوله تعالی و یابی الله الا ان یتم نوره در تفسیر و کتب اخبار از معصومین علیهم السلام در حق امیر المؤمنین و اولاد معصومینش مذکور است از آنجمله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که این آیه اشاره است بظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام که در آن وقت احدی باقی نماند مگر اقرار به نبوت خاتم الانبیا نماید و السلام ۱۲

نصف الجزو

ويصدون

وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا
و باز میدارند از راه خدا و آنانکه دفینه میکنند طلا و نقره و انفاق نمیکنند آنرا

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣٥ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ
در راه خدا پس مژده ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم میشود برآن در آتش جهنم پس داغ کنند

بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا
بآن پیشانیهای ایشانرا و پهلوهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا اینست آنچه دفینه نهادید برای نفسهای خود پس بچشید آنچه

كُنتُمْ تَكْنِزُونَ ٣٦ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ
بودید که دفینه میکردید بدرستیکه حساب ماهها نزد خدا دوازده ماه است در کتاب

اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ
خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین از آن چهار حرام است اینست دین درست

فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ
پس ستم مکنید در این چهار ماه بنفسهای خود و کارزار کنید مشرکانرا همه را چنانکه کارزار میکنند شمارا همه و

اعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ٣٧ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ
بدانید بدرستیکه خدا با پرهیزگارانست جز این نیست تأخیر افزونی است در کفر گمراه میکنند بآن آنانرا که

كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ فَيُحِلُّوا
کافر شدند حلال میکنند آنرا سالی و حرام میکنند سالی تا موافق کنند شماره آنچه حرام کرده خدا پس حلال میکنند

مَا حَرَّمَ اللّٰهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٣٨ يَا أَيُّهَا
آنچه حرام کرده خدا آراسته شد مر ایشانرا بدی کردارشان و خدا هدایت نمیکند گروه کافرانرا ای

الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ
آنانکه گرویدند چیست مر شمارا چون گفته شد برای شما که بیرون روید در راه خدا گرانی کنید بسوی زمین

أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
آیا خرسند شدید بزندگانی دنیا از آخرت پس نیست بهره حیات دنیا در آخرت مگر

قَلِيلٌ ٣٩ إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ
اندک اگر بیرون نروید شکنجه میکند شمارا شکنجه دردناک و بدل میکند قومی را جز شما و زیان نتوانید رسانید

شَيْئًا وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٠ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
چیزیرا و خدا بر همه چیز تواناست اگر نصرت ندهید او را پس بتحقیق نصرت داد او را چون بیرون کرد او را آنانکه

ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللّٰهُ
کافر شدند در حالیکه دوم دو کس بود چون ایشان در غار بودند چون گفت مر یار خود را که اندوه مخور بدرستیکه خدا با ماست پس فرستاد خدا

سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ
آرامش را بر او و قوت داد او را بلشکرها که ندیدید آنرا و گردانید کلمه آنانکه کافر شدند فروتر و کلمه

اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٤١ انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ
خدا آن بالاتر و خدا غالب حکیم است بیرون روید در سبکباری و سنگینباری و جهد کنید بمالهایتان

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا ... این آیه در باب ... تبوک نازل شد ... [illegible]

یُضَلُّ
بیاء مضمومه و ضاد مفتوحه ...

اثّاقلتم
با ثاء سه نقطه و فتح قاف

وانفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون ٤٢ لو كان عرضا قريبا

وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة وسيحلفون بالله

لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون انفسهم والله يعلم انهم لكاذبون ٤٣

عفا الله عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين ٤٤

لا يستاذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الاخر ان يجاهدوا باموالهم

وانفسهم والله عليم بالمتقين ٤٥ انما يستاذنك الذين لا يؤمنون بالله

واليوم الاخر وارتابت قلوبهم فهم في ريبهم يترددون ٤٦ ولو ارادوا

الخروج لاعدوا له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم وقيل اقعدوا

مع القاعدين ٤٧ لو خرجوا فيكم ما زادوكم الا خبالا ولاوضعوا خلالكم

يبغونكم الفتنة وفيكم سماعون لهم والله عليم بالظالمين ٤٨ لقد ابتغوا

الفتنة من قبل وقلبوا لك الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم

كارهون ٤٩ ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا

وان جهنم لمحيطة بالكافرين ٥٠ ان تصبك حسنة تسؤهم وان تصبك

مصيبة يقولوا قد اخذنا امرنا من قبل ويتولوا وهم فرحون ٥١ قل لن

يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولانا وعلى الله فليتوكل المؤمنون ٥٢

قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنيين ونحن نتربص بكم ان يصيبكم

الله

اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهٖٓ اَوْ بِاَيْدِيْنَا فَتَرَبَّصُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُوْنَ ۵۳ قُلْ اَنْفِقُوْا
خدا بشکنجه از نزد او یا بدستهای ما پس منتظر باشید بدرستیکه ما باشما از منتظرانیم بگو انفاق کنید
طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَّنْ يُّتَقَبَّلَ مِنْكُمْ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِيْنَ ۵۴ وَمَا مَنَعَهُمْ
خواه بانا خواه هرگز پذیرفته نشود از شما بدرستیکه شما بودید گروه فاسقان و چه چیز باز داشت ایشان را
اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ اِلَّآ اَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَبِرَسُوْلِهٖ وَلَا يَاْتُوْنَ
اینکه پذیری از آنها نفقه های ایشان مگر آنکه کافر شدند آنها بخدا و برسولش و نمی آیند
الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُوْنَ اِلَّا وَهُمْ كٰرِهُوْنَ ۵۵ فَلَا تُعْجِبْكَ
نماز را مگر وایشان کسلند و انفاق نمیکنند مگر وآنها کراهت دارند پس بتعجب در نیاورد ترا
اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ
مالهای ایشان و نه اولاد ایشان جز این نیست میخواهد خدا تا شکنجه کند آنها را در زندگی دنیا و بیرون رود
اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ۵۶ وَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ
نفسهای ایشان را وآنها کافرانند و قسم میخورند بخدا بدرستیکه آنها از شمایند و نیستند آنها از شما ولیکن ایشان
قَوْمٌ يَّفْرَقُوْنَ ۵۷ لَوْ يَجِدُوْنَ مَلْجَاً اَوْ مَغٰرٰتٍ اَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا اِلَيْهِ وَ
گروهی که میترسند اگر بیابند پناهی یا غارها یا سوراخ جز بدلی هر آینه باز گشته بودند بسویش و
هُمْ يَجْمَحُوْنَ ۵۸ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّلْمِزُكَ فِى الصَّدَقٰتِ فَاِنْ اُعْطُوْا مِنْهَا رَضُوْا
آنها بشتاب میروند و از آنها بند کسی که عیب کند ترا در صدقه ها پس اگر داده شوند از آنها خوشنود شوند
وَاِنْ لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَآ اِذَا هُمْ يَسْخَطُوْنَ ۵۹ وَلَوْ اَنَّهُمْ رَضُوْا مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ وَ
و اگر داده نشوند از آنها آنگاه آنها خشمگین میشوند و اگر اینکه آنها خوشنود شوند با آنچه داد آنها را خدا و
رَسُوْلُهٗ وَقَالُوْا حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِيْنَا اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَرَسُوْلُهٗٓ اِنَّآ اِلَى اللّٰهِ
و پیغمبرش و گفتند بس است ما را خدا بزودی میدهد خدا از فضلش ما را و پیغمبرش بدرستیکه ما بسوی خدا
رٰغِبُوْنَ ۶۰ اِنَّمَا الصَّدَقٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَالْمَسٰكِيْنِ وَالْعٰمِلِيْنَ عَلَيْهَا وَ
رغبت کنندگانیم جز این نیست صدقه ها برای فقرا و بیچارگان و کارکنان بر آنها و
الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوْبُهُمْ وَفِى الرِّقَابِ وَالْغٰرِمِيْنَ وَفِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيْلِ
بدست آورده شده دلهای ایشان و در گردنها و قرض داران مفلس و در راه خدا و در ماندگان
فَرِيْضَةً مِّنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۶۱ وَمِنْهُمُ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ النَّبِىَّ وَيَقُوْلُوْنَ
واجبست از خدا و خدا دانای درست کردارست و از ایشانند آنها که میرنجانند پیغمبر را و میگویند
هُوَ اُذُنٌ قُلْ اُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ ۶۲ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِيْنَ
او شنوای سخنست بگو شنوای سخن بهتر است برای شما میگرود بخدا و میگرود مر گروندگان را و رحمت برای آنانست که
اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ رَسُوْلَ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۶۳ يَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ
گرویدند از شما و آنانکه میرنجانند پیغمبر خدا را مر آنها راست شکنجه دردناک قسم میخورند بخدا
لَكُمْ لِيُرْضُوْكُمْ وَاللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ اَحَقُّ اَنْ يُّرْضُوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۶۴ اَلَمْ
برای شما تا خوشنود کنند شما را و خدا و رسولش سزاوارتر است که خوشنود کنند او را اگر باشند گروندگان آیا

وازدعت ئى العزيز
ومنهم من يلمزك فى الصدقات يعنى در قسمت غنايم حنين اهل مكه را حضرت رسول بسیار داد از برای تالیف قلوب ایشان یکی از منافقان گفت عدالت کن یا رسول الله آنحضرت فرمودند که بر تو اگر بر تو من عدالت نکنم پس که خواهد کرد گویند آنکس پسر سگی خارج بود و آن بود که در دست مبارک امیر مؤمنان علیه السلام هلاک شد ۱۲

اومدّخلا بضم میم و تشدید دال مفتوحه و فتح خا

نصف

يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ
میدانید که او هر که مخالفت میکند خدا و رسولش را پس مراو راست آتش جهنم همیشه در آن آنست
الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ٦٥ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي
خواری بزرگ حذر میکنند منافقان که فرو فرستاده شود بر ایشان سوره خبر دهد ایشان را بآنچه بود در
قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ ٦٦ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ
دلهای شان بگو استهزا میکنید و بدرستیکه خدا ظاهر کننده است آنچه میترسید و هر آینه اگر بپرسید ترا هر آینه میگویند
إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ٦٧ لَا
جز این نیست صحبت میداشتیم و بازی میکردیم بگو خدا و آیاتش را و رسولش بودید استهزا میکردید
تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً
معذرت مخواهید بتحقیق کافر شدید بعد ایمانتان اگر درگذریم از طایفه از پیش شما عذاب میکنیم طایفه بسبب
بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ٦٨ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
آنکه بودند گنهکاران مردان منافق و زنان منافقه بعضیشان از بعضی امر میکنند
بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ
بمنکر و نهی میکنند از معروف و بهم میآورند دستهای شان فراموش کردند پس فراموش کرد ایشان را
الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٦٩ وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ
بدرستیکه منافقان آنهااند فاسقانند وعده داد خدا مردان منافق و زنان منافقه را و کافران را
نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٧٠
آتش جهنم همیشه اند در آن آن بس است آنها را و لعنت کرد آنها را خدا و مر آنها راست شکنجه
كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا
مانند آنانکه از پیش شما بودند سخت تر از شما بقوت و بیشتر بمالها و اولاد پس کام جستند
بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ
بنصیبشان پس کام جستید بنصیبتان چنانکه کام جستند آنانکه بودند پیش از شما بنصیبشان و صحبت داشتید
كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ
مانند آنکه صحبت داشتند آنها نابود شد کردارشان در دنیا و آخرت و آنها
هُمُ الْخَاسِرُونَ ٧١ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ
ایشانند زیانکاران آیا نیامد آنها را خبر آنانکه بودند از پیش آنها قوم نوح و عاد و ثمود
وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا
و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و دهای زیر و زبر شده آمد ایشان را رسولانشان با معجزات پس
كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٧٢ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
نبود خدا تا ستم کند آنها را و لیکن بودند که خود بخویشتن را ستم میکردند و مردان گرویده و زنان گرویده
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
بعضیشان دوستان بعضی امر میکنند بمعروف و نهی میکنند از منکر و بر پا میدارند

استهزئوا بضم همزه و سکون واو

الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَيُطِيعُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اُولٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ
نماز را و میدهند زکات را و فرمان میبرند خدا و رسولش را آنها زود رحم میکند ایشانرا خدا
اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٧٣ وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ
بدرستیکه خدا غالب درست کردار است وعده داده خدا مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بهشتها که میرود از
تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنّٰتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ
زیر آن جویها همیشه اند در آن و جایهای پاکیزه در بهشتهای ابد و خوشنودی
مِنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٧٤ يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ جٰهِدِ الْكُفَّارَ
از خدا بزرگ است اوست کامیابی بزرگ ای پیغمبر کارزار کن با کافران
وَالْمُنٰفِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ٧٥ يَحْلِفُونَ
و منافقان و سخت بگیر برایشان و جایگاه ایشان جهنم است و بد بازگشتی است قسم میخورند
بِاللّٰهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ اِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا
بخدا که نگفتند و هر آینه گفتند سخن کفر را و کافر شدند بعد اسلامشان و قصد کردند
بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا اِلَّا اَنْ اَغْنٰهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَاِنْ يَتُوبُوا
بآنچه نرسیدند و کینه نورزیدند مگر اینکه بی نیاز کرد ایشانرا خدا و رسولش از فضلش پس اگر برگردند
يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَاِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ عَذَابًا اَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمَا
میباشد بهتر برایشان و اگر پشت کنند شکنجه میکند خدا آنها را شکنجه پر درد در دنیا و آخرت و نیست
لَهُمْ فِي الْاَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٧٦ وَمِنْهُمْ مَنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰىنَا مِنْ فَضْلِهِ
مر آنها را در زمین هیچ دوستی و نه یاری کننده و از آنها کسیست که پیمان بست با خدا که اگر بدهد ما را از فضلش
لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصّٰلِحِينَ ٧٧ فَلَمَّا اٰتٰىهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ
هر آینه تصدق میکنیم و هر آینه میباشیم از شایستگان پس چون داد ایشانرا از فضلش بخل کردند بآن و
تَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ٧٨ فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ اِلٰى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا
پشت کردند و آنها روگردانندگان بودند پس از پی در آورد آنها را نفاق در دلهای ایشان تا روزیکه ملاقات میکنند او را بسبب آنچه
اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ٧٩ اَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ
خلاف کردند خدا را آنچه وعده کردند و بآنچه بودند دروغ میگفتند آیا نمیدانستند که خدا
يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوٰهُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ٨٠ اَلَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
میداند راز شانرا و نجواشانرا و اینکه خدا داننده غیبهاست آنانکه عیب میکنند رغبت کنندگانرا از
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقٰتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ اِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّٰهُ
گروندگان در صدقه ها و آنانکه نمییابند مگر طاقتشانرا پس استهزا میکنند بعضی از آنها استهزا
مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ٨١ اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ
کرد خدا از ایشان و مر ایشانراست شکنجه دردناک آمرزش طلب برای ایشان یا آمرزش نطلب برای ایشان اگر آمرزش طلبی برایشان هفتاد
مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي
بار پس هرگز نیامرزد خدا آنها را این بسبب آنست که کافر شدند بخدا و رسولش و خدا هدایت نمیکند

اغنیهم الله بفتح همزه و سکون غین و نون با الف ...
یلمزون المطوعین بضم و تشدید طاء ...

القوم الفاسقين ٨٢ فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله و
گروه فاسقان را شاد شدند بازماندگان به نشستن خود از پی پیغمبر خدا و

كرهوا ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله وقالوا لا تنفروا
کراهت داشتند که جهاد کنند با مالهای خود و جانهای خود در راه خدا و گفتند بیرون نروید

في الحر قل نار جهنم اشد حرا لو كانوا يفقهون ٨٣ فليضحكوا قليلا
در گرما بگو آتش جهنم سخت تر است در گرمی اگر باشند بفهمند پس باید بخندند اندک

وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون ٨٤ فان رجعك الله الى طائفة
و بگریند بسیار جزای به سبب آنچه بودند کسب میکردند پس اگر رجعت داد ترا خدا بسوی طایفه

منهم فاستاذنوك للخروج فقل لن تخرجوا معي ابدا ولن تقاتلوا معي
از ایشان پس دستوری خواهند از تو برای بیرون رفتن پس بگو بیرون نیایید با من هرگز و هرگز کارزار نکنید با من

عدوا انكم رضيتم بالقعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين ٨٥ ولا
دشمنی را بدرستیکه شما راضی شدید به نشستن اول بار پس بنشینید با خلاف کنندگان و

تصل على احد منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم كفروا بالله ورسوله
صلوات مفرست بر احدی از آنها مرده همیشه و بایست بر قبرش که آنها کافر شدند بخدا و رسولش

وماتوا وهم فاسقون ٨٦ ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان
و مردند و آنها فاسقانند و بعجب در نیاورد ترا مالهای ایشان و اولاد ایشان جز این نیست میخواهد خدا که

يعذبهم بها في الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ٨٧ واذا انزلت سورة
شکنجه کند آنها را بآن در دنیا و هلاک کند نفسهاشان را و آنها کافرانند و چون فرو فرستاده شود سوره

ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استاذنك اولوا الطول منهم وقالوا
که بگروید بخدا و جهاد کنید با پیغمبر او دستوری خواهند از تو صاحبان ثروت از ایشان و گویند

ذرنا نكن مع القاعدين ٨٨ رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع على
بگذار ما را که باشیم با نشستگان خوشنود شدند باینکه باشند با زنان و مهر نهاده شد بر

قلوبهم فهم لا يفقهون ٨٩ لكن الرسول والذين امنوا معه جاهدوا باموالهم
دلهاشان پس ایشان نمیفهمند ولیکن پیغمبر و آنانکه گرویدند با او جهاد میکنند بمالهاشان

وانفسهم واولئك لهم الخيرات واولئك هم المفلحون ٩٠ اعد الله لهم جنات
و جانهاشان و آنها مر ایشان راست خیرها و آنها ایشانند رستگاران مهیا کرد خدا برایشان بهشتها

تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ٩١ وجاء المعذرون
که میرود از زیر آنها جویها همیشه اند در آن آنست کامیابی بزرگ و آمدند عذر گویندگان

من الاعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله سيصيب
از اعراب تا دستوری داده شوند مر ایشان را و نشستند آنانکه دروغ بستند خدا و رسول او بزودی برسد

الذين كفروا منهم عذاب اليم ٩٢ ليس على الضعفاء ولا على المرضى ولا على
آنانرا که کافر شدند از آنها شکنجه پر درد نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر

الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ
آنانکه نمی یابند آنچه صرف میکنند گناهی چون خالص شدند خدا و پیغمبرش را نیست بر نیکوکاران

مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٩٣ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ
هیچ راهی و خدا آمرزنده مهربانست و نه بر آنانکه چون آمدند ترا که سوار کنی ایشان را

قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا
گفتی نمی یابم آنچه سوار کنم شما را بر او برگشتند و چشمهاشان میریخت از اشک در غم آنکه

يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ٩٤ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ
نمی یابند آنچه صرف کنند جز این نیست بر آنانکه دستوری میخواهند از تو و آنها توانگران

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٩٥
راضی شدند که بوده باشند با بازماندگان و مهر نهاد خدا بر دلهایشان پس ایشان نمیدانند

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا
عذر خواهی میآیند بسوی شما چون بازگشتید بسوی آنها بگو عذر مخواهید که هرگز باور نداریم برای شما بحقیقت آگاه کرد

اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ
خدا از خبرهای شما و بزودی خواهد دید خدا کردار شما را و رسولش پس بازگردانیده شوید بسوی دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٦ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ
نهانی و آشکار پس خبر میدهد شما را بآنچه بودید که میکردید بزودی قسم خورند بخدا برای شما

إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ
چون بازگردید با ایشان که درگذرانید از آنها پس اعراض کنید از آنها که آنها پلیدند و جایگاهشان

جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٩٧ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا
جهنم است جزای آنچه بودند که کسب میکردند قسم میخورند برای شما تا راضی شوید از آنها پس اگر راضی شوید

عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٩٨ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا
از آنها پس بدرستیکه خدا راضی نمیشود از گروه فاسقان عربها سخت ترند در کفر

وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
و نفاق و سزاوارترند که ندانند حدهای آنچه فرو فرستاد خدا بر پیغمبرش و خدا دانای

حَكِيمٌ ٩٩ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ
درست کارست و از عربان کسی است که میگیرد آنچه انفاق میکند جای تاوان و انتظار میبرد بشما گردشهای روزگار

عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٠ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
بر آنها گردش بد و خدا شنونده داناست و از عربان کسی است که میگرود بخدا

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا
و روز آخرت و میگیرد آنچه انفاق میکند نزدیکیها نزد خدا و دعاهای رسول را بدانید

إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٠١ وَالسَّابِقُونَ
آنها نزدیکی بخداست آنها را زود درآورد خدا آنها را در رحمتش بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و سبقت داران

وَدَعْ شما
و لا على الذين اذا ما اتوك
نقل است که این جماعت
هفت نفر بودند از اصحاب
اصحاب از جماعت بکریز
کعثه اند منقول است
که شش نفر از بنی نجار
عبد الرحمن بن کعب

عتبة بن زید و عمرو بن
عتبه و شش نفر از بنی عمرو
بن عوف سالم بن عمیر
و هرم بن عبد الله و کمی از
مزینه عبد الله بن معقل
که بخدمت حضرت رسول

فَأَعْرِضُوا
بفتح همزه و سکون
عین صیغه جمع
است از باب افعال
و همزه اش قطع
است

الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ

پیشینیان از مهاجرین و انصار و آنانکه پیروی کردند ایشان را بنیکی خوشنود شد خدا

عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

از ایشان و خوشنود شدند از او و مهیا کرد برای ایشان بهشتهائی که میرود از زیر آنها جویها همیشه اند در آن

أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٠٢ وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ

جاویدان آنست رستگاری بزرگ و از آنکه پیرامون شماست از اعراب منافقان و

مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ

از اهل مدینه ایستادند بر نفاق نمیدانی ایشان را ما میدانیم ایشان را زود شکنجه کنیم ایشان را

مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ ١٠٣ وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا

دو بار پس برگردیده شوند بسوی شکنجه بزرگ و دیگران که اقرار کردند بگناهان ایشان آمیختند

عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٠٤

کردار شایسته و دیگر بدی نزدیکست که خدا توبت پذیرد بر ایشان بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ

بگیر از مالهای ایشان صدقه پاک کن ایشان را و پاکیزه کن ایشان را بآن و صلوات بفرست بر ایشان که صلوات تو

سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٥ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ

مایه آرام است مر ایشان را و خدا شنونده داناست آیا نمیدانند که خدا اوست پذیرنده توبت

عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٠٦ وَقُلِ اعْمَلُوا

از بندگانش و میگیرد صدقها را و اینکه خدا اوست توبت پذیر مهربان و بگو بکنید

فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ

پس بزودی ببیند خدا کردار شما را و پیغمبرش و گروندگان و بزودی بازگردیده شوید بسوی داننده نهان و

الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٠٧ وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ

و آشکار پس خبر میدهد شما را بآنچه بودید میکنید و دیگران موقوفانند مر امر خدا را یا شکنجه میکند ایشان را

وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٠٨ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ

و یا می پذیرد بر ایشان و خدا دانای درستکردار است و آنانکه گرفتند مسجد را ضرر رسانیدن و

كُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ

کفر و جدائی میان گروندگان و انتظار برای آنکه محاربه کرد خدا و رسولش از پیش و

لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١٠٩ لَا تَقُمْ فِيهِ

و هر آینه قسم خواهند خورد که نخواستیم مگر خوبی و خدا شهادت میدهد که ایشان هر آینه دروغگویانند مایست در آن

أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ

هرگز هر آینه مسجدی بنا نهاده شده بر پرهیزگاری از اول روز که سزاوارتر است که بایستید در آن در آن مردانی که

يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ١١٠ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى

دوست میدارند اینکه پاک بشوند و خدا دوست میدارد پاکان را آیا پس آنکه بنا نهاد بنیانش بر پرهیزگاری

قوله تعالی شأنه العزیز لمسجد اسس على التقوى مسجد رسول الله صلى الله علیه وآله [illegible] چون منافقان برابر مسجد قبا مسجد ساخته بودند منقول است که [illegible] ابو عامر راهب [illegible] خدا شهید شد [illegible] ابو عامر راهب [illegible] مدینه [illegible] کردند
١٢

مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ اَسَّسَ بُنْيَانَهٗ عَلٰى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهٖ فِيْ

از خدا و خوشنودی بهتر است یا آنکه بنا نهاد بنیان خود را بر کنار کناره سیل زیر خالی شده شکست خورده پس فرو افتاد

نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ١١١ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِيْ بَنَوْا

در آتش جهنم و خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را همیشه باشد بنیان ایشان که بنا نهادند

رِيْبَةً فِيْ قُلُوْبِهِمْ اِلَّآ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ١١٢ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى

شک را در دلهای ایشان مگر آنکه پاره پاره شود دلهای ایشان و خدا داننده درست کردار است بدرستیکه خدا خرید

مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۗ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

از گروندگان تنهای ایشان و مالهای ایشان را بانکه مر ایشان راست بهشت کارزار میکنند در راه خدا

فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ ۗ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ ۗ وَ

پس میکشند و کشته میشوند وعده دادنی بر او حق در توریت و انجیل و قرآن و

مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِيْ بَايَعْتُمْ بِهٖ ۗ وَذٰلِكَ هُوَ

آنکه وفا کرد بعهد خود از خدا پس شاد شوید بفروختن آنچه که مبایعه کردید بآن و اینست آن

الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ١١٣ اَلتَّآئِبُوْنَ الْعٰبِدُوْنَ الْحٰمِدُوْنَ السَّآئِحُوْنَ الرّٰكِعُوْنَ

کامیابی بزرگ توبه کنندگان پرستندگان ستایش کنندگان روزه داران رکوع کنندگان

السّٰجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُوْنَ

سجده کنندگان امر کنندگان بنیکی و نهی کنندگان از بدی و حفظ کنندگان

لِحُدُوْدِ اللّٰهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ١١٤ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا

مر حدود خدا را و مژده ده گروندگان را نیست برای پیغمبر و آنانکه گرویدند اینکه طلب آمرزش کنند

لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْٓا اُولِيْ قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ١١٥

برای مشرکان و اگر چه باشند صاحبان خویشی از بعد آنچه ظاهر شد مر ایشان را که آنها اهل دوزخند

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَآ اِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗٓ

نبود آمرزش خواستن ابراهیم مر پدر خود را مگر از وعده که وعده داد او را پس چون ظاهر شد او را

اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ ۗ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ١١٦ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا

که او دشمن خداست بیزاری جست از او بدرستیکه ابراهیم هر آینه آه کننده بردبار بود و نباشد خدا که گمراه کند گروهی را

بَعْدَ اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ١١٧ اِنَّ

بعد از هدایت کردن ایشان تا آنکه ظاهر شود برای ایشان آنچه بپرهیزند بدرستیکه خدا بهر چیز داناست بدرستیکه

اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ

خدا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ

وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ١١٨ لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ الَّذِيْنَ

دوستی و نه یاری کننده بتحقیق پذیرفت خدا بر پیغمبر و هجرت کنندگان و انصار آنانکه

اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ

پیروی کردند او را در وقت تنگی از بعد آنچه نزدیک شد که برگردد دلهای پاره از ایشان پس پذیرفت بر ایشان

قوله تعالی فی ساعة العسرة در مجمع البیان روایت شده است که این آیه در حق ابو خیثمه ... و عبدالله بن خیثمه ... از سفر تخلف نمود چون دو روز از سفر آنحضرت گذشت روزی بخانه خود آمده ... و آب سرد ... گفت ... سوگند ... ۱۲

اولی بضم همزه بدو واو خوانده شود

... بخدمت آنحضرت ... عرض کرد آنحضرت ... دعا کرد و توبه او قبول نمود ... ١٢

إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ١١٩ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ

بدرستیکه او با ایشان رؤف مهربانست و برآن سه آدمی که گذاشته شدند تا چون تنگ شد برایشان

الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا

زمین باآنکه فراخی داشت و تنگ شد برایشان نفسهای شان و پنداشتند اینکه نیست پناهی از خدا مگر

إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٢٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بسوی او پس توبت پذیرفت برایشان تا توبت کنند بدرستیکه خدا اوست توبت پذیر مهربان ای آنانکه

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ١٢١ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ

گرویدید بپرهیزید خدا را و باشید با راستگویان نباشد مر اهل مدینه را و آنکه

حَوْلَهُم مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن

اطراف شان است از عربیان اینکه تخلف کنند از رسول خدا و آنکه بگذرند بنفسهای شان از

نَّفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

نفس او این بسبب آنست که اینها نمیرسد ایشانرا تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدا و نه

يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ

نوردند گامی که بخشم آورد کافرانرا و نمیرسند از دشمن رسیدنی مگر نوشته شد برایشان آن کردار

صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ١٢٢ وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً

شایسته بدرستیکه خدا ضایع نمیکند مزد نیکوکارانرا و انفاق نمیکنند نفقهٔ کوچک و نه بزرگ

وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٢٣

و قطع نمیکنند وادیرا مگر نوشته شد برایشان تا جزا دهد ایشانرا بهتر از آنکه بودند میکردند

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ

و نیستند گروندگان که بروند همه پس چرا نرفتند از هر گروهی از ایشان طایفه

لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ١٢٤

تا دانا شوند در دین و تا بیم دهند قوم خود را چون برگردند بسوی ایشان تا شاید ایشان بترسند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ

ای آنانکه گرویدید کارزار کنید آنانرا که نزدیک اند از کفار و تا بیابند در میان شما درشتی و

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ١٢٥ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ

بدانید که خدا با پرهیزگارانست و چون فرو فرستاده شد سورهٔ پس از ایشان کسی است که میگوید کیست

زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ١٢٦ وَأَمَّا

افزود او را این ایمان پس اما آنانکه گرویدند پس افزود ایشانرا ایمان و ایشان شادی میکردند و اما

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ١٢٧

آنانکه در دلهای شان مرضیست پس افزود ایشانرا پلیدی بر پلیدی و مردند و ایشان کافرانند

١٢٨ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

آیا نمی بینند که ایشان فتنه میکنند در هر سالی یکبار یا دو بار پس توبت نمیکنند و نه ایشان پند میگیرند

بلونکم: بضم لام و سکون واو بمعنی نزدیک اند ... و واو را ضمه دهند با اشباع که بمعنی پیچیدن ... است

وإذا

وإذا ما أنزلت سورة نظر بعضهم إلى بعض هل يراكم من أحد ثم انصرفوا
و چون فرو فرستاده شود سوره نگاه کنند بعضی ایشان بسوی برخی آیا دیده است شما را هیچ کس پس برگشتند

صرف الله قلوبهم بأنهم قوم لا يفقهون ۱۲۹ لقد جاءكم رسول من أنفسكم
برگردانید خدا دلهای ایشان را بسبب آنکه ایشان گروهی اند که نمیفهمند هر آینه آمد شما را رسولی از خود شما

عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم ۱۳۰ فإن تولوا
گرانست بر آن رنج کشیدن شما حریص است بر شما بگروندگان رؤف و مهربانست پس اگر برگشت کنند

فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
پس بگو بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ

سورة يونس عليه السلام مائة وتسع آيات وهي مكية (۱۰)

الآیات ... نزلت بعد الاسراء

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

الر تلك آيات الكتاب الحكيم ۲ أكان للناس عجبا أن أوحينا إلى رجل
اینست آیتهای کتاب حکیم آیا باشد برای مردم عجب اینکه وحی فرستادیم بسوی مردی

منهم أن أنذر الناس وبشر الذين آمنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم
از ایشان که بیم کند مردم را و مژده دهد آنانرا که گرویدند که مر ایشانراست قدم راستی نزد پروردگار ایشان

قال الكافرون إن هذا لساحر مبين ۳ إن ربكم الله الذي خلق
گفتند کافران بدرستیکه این هر آینه جادوئیست آشکار بدرستیکه پروردگار شما خداست که آفرید

السماوات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش يدبر الأمر ما من
آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش تدبیر میکند کار را نیست

شفيع إلا من بعد إذنه ذلكم الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون ۴ إليه
شفیعی مگر از بعد اذن او اینست خدا پروردگار شما پس پرستید او را آیا پس پند نمیگیرید بسوی او

مرجعكم جميعا وعد الله حقا إنه يبدأ الخلق ثم يعيده ليجزي الذين
بازگشت شما همه وعده داد خدا براستی بدرستیکه او پدید آورد خلق را پس برمیگرداند او را تا جزا دهد آنانرا که

آمنوا وعملوا الصالحات بالقسط والذين كفروا لهم شراب من حميم و
گرویدند و کارهای شایسته کردند بعدل و آنانکه کافر شدند مر ایشانراست شرابی از آب گرم و

عذاب أليم بما كانوا يكفرون ۵ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر
عذاب پر درد بانچه بودند که کافر میشدند اوست آنکه گردانید خورشید را روشنی و ماه را

نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب ما خلق الله ذلك
نوری و مقدر کرد او را منزلها تا بدانید شمار سالها و حساب را نیافرید خدا آنرا

إلا بالحق يفصل الآيات لقوم يعلمون ۶ إن في اختلاف الليل و
مگر بحق تفصیل میدهد آیتها را برای گروهی که میدانند بدرستیکه در اختلاف شب و

النَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۷ إِنَّ
روز وآنچه آفریده خدا در آسمانها و در زمین هر آینه نشانهاست برای گروهی که میپرهیزند بدرستیکه
الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ
آنانکه امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شدند بزندگی دنیا و مطمئن شدند بآن و آنانکه
عَنْ اٰيٰتِنَا غٰفِلُونَ ۸ أُولٰئِكَ مَأْوٰهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۹ إِنَّ
از آیتهای ما بیخبرانند ایشان جایگاه ایشان آتش است بآنچه بودند کسب میکردند بدرستیکه
الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمٰنِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ
آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته هدایت میکند ایشان را پروردگارشان بایمانشان که میرود از زیرشان
الْأَنْهٰرُ فِي جَنّٰتِ النَّعِيمِ ۱۰ دَعْوٰهُمْ فِيهَا سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا
نهرها در بهشتهای با نعمت خواندشان در آن سبحانک اللهم میباشد و درودشان در آن
سَلٰمٌ ۱۱ وَاٰخِرُ دَعْوٰهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ۱۲ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ
سلام است و آخر خواندشان اینست که ستایش مر خدا را پروردگار جهانیان و اگر شتاب میکرد خدا
لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجٰلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
برای مردم شر را شتابیشان بخیر هر آینه گذشته بود بسوی ایشان مدتشان پس میگذاریم آنهارا که امید ندارند
لِقَاءَنَا فِي طُغْيٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ۱۳ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسٰنَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ
ملاقات ما را در سرکشیشان بودند که حیران باشند و چون مس کند آدمی را ضرر خواند ما را بر پهلویش خوابیده یا
قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلٰى ضُرٍّ مَسَّهُ
نشسته یا ایستاده پس چون دور کردیم از آن ضررش گذشت که گویا نخوانده ما را بسوی ضرری که مس کرد او را
كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۴ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ
همچنین آراسته شد مر اسراف کنندگان را آنچه بودند میکردند و بتحقیق هلاک کردیم قرنها را از پیش شما
لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذٰلِكَ
چون که ستم کردند و آمد ایشان را رسولانشان بمعجزات و نبودند که بگروند همچنین
نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۱۵ ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ
جزا میدهیم گروه گناهکاران پس گردانیدیم شما را جانشینان در زمین از بعد ایشان تا ببینیم
كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۱۶ وَإِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا
چگونه میکنید و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما روشنها گویند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را
ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ
بیاور بقرآنی غیر این یا بدل کن مر او را بگو نمیباشد برای من اینکه بدل کنم او را از جانب خودم پیروی
أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحٰى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۷ قُلْ
پیروی نکنم مگر آنچه وحی میشود بسویم بدرستیکه من میترسم که عصیان کنم پروردگارم را شکنجه روز بزرگ بگو
لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرٰىكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ
اگر خواستی خدا نمیخواندم بر شما و دانا نمیکرد شما را بآن پس بتحقیق درنگ کردم در شما عمری از

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس سوره یونس را بجهة فتح و ظفر بر دشمن بنویسد و با خود دارد اگر بمشک و زعفران بر پوست آهو نویسد و با خود دارد و اگر دوو بری بنویسد بر حسنه که بروی ظاهر شوند و هم از آنحضرت علیه السلام منقول است بجهة پیدا کردن دزد این سوره را بر طشت مسین نویسد و با آب شسته و بنوشد قدری آب را با اسم جماعتی که متهم باشند از این آب بخور کنند و بر زند و آن آب را جماعت قطعه قطعه کنند و بدهند تا بخورند پس آنکس که دزد باشد آن لقمه در افسرده شود و برد باذن الله تعالی

قوله سبحانه و تعالی سبحانک اللهم در اخبار آمده است که آنچه را میخواهند همینکه این کلمه را گویند حاضر و مهیا میشوند یا خدام حاضر میسازند چون کامیاب شدند از آن الحمد لله رب العالمین میگویند و بعضی گفته‌اند هر چیزی که بخواهند مثل مرغ کباب حاضر زنده میشود چنانچه در مجمع البیان و روضه کافی و غیر هما مذکور است و مراد از تحیت بعضی بر بعضی است یا تحیت ملائکه ایشان را از جانب خود و از جانب خدا ۱۲

قوله تعالی شانه و اذا مس الانسان الی آخر چون این آیت بجهة درد پهلو و درد پا نافع است اگر آن را بکاسه نو پاک بنویسد

قِبَلِهِ

قَبْلِهٖ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ١٨ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِهٖ اِنَّهٗ

پیش او آیا پس در نمی‌یابید پس کیست ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را یا تکذیب کرد آیات او را بدرستیکه

لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُوْنَ ١٩ وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَ

رستگار نمی‌شوند گناهکاران و می‌پرستند از غیر خدا آنچه نه ضرر دارد ایشان را و نه نفع می‌دهد ایشان را و

يَقُوْلُوْنَ هٰٓؤُلَآءِ شُفَعَآؤُنَا عِنْدَ اللّٰهِ قُلْ اَتُنَبِّئُوْنَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى السَّمٰوٰتِ

و می‌گویند اینها شفیعان ما نزد خدا بگو آیا خبر میدهید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها

وَلَا فِى الْاَرْضِ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ٢٠ وَمَا كَانَ النَّاسُ اِلَّآ اُمَّةً

و نه در زمین منزه است او و برتر است از آنچه شریک میاورند و نباشد مردم مگر گروه

وَّاحِدَةً فَاخْتَلَفُوْا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيْمَا فِيْهِ

واحد پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که پیشی گرفت از پروردگارت هر آینه حکم شده میانشان در آنچه بودند در او

يَخْتَلِفُوْنَ ٢١ وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ

اختلاف میکردند و میگویند چرا فرو فرستاده نشد آیتی براو از پروردگارش پس بگو جز این نیست غیب برای خداست

فَانْتَظِرُوْا اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ٢٢ وَاِذَآ اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ

پس منتظر باشید بدرستیکه من با شما از منتظرانم و چون چشانیدیم مردم را رحمت از بعد

ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ اِذَا لَهُمْ مَّكْرٌ فِىْٓ اٰيَاتِنَا قُلِ اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُوْنَ

سختی که رسید ایشان را ناگهان مر ایشان راست مکر در آیات ما بگو خدا زودتر است مکر بدرستیکه رسولان ما می‌نویسند

مَا تَمْكُرُوْنَ ٢٣ هُوَ الَّذِىْ يُسَيِّرُكُمْ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتّٰٓى اِذَا كُنْتُمْ فِى الْفُلْكِ

آنچه مکر میکنید او است آنکه سیر داد شما را در دشت و دریا تا چون بودید در کشتی

وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيْحٍ طَيِّبَةٍ وَّفَرِحُوْا بِهَا جَآءَتْهَا رِيْحٌ عَاصِفٌ وَّجَآءَهُمُ الْمَوْجُ

و روان شوند با ایشان به بادی پاکیزه و خوشحال شدند بآن آمد آنرا بادی سخت و آمد ایشان را موج

مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ اُحِيْطَ بِهِمْ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ

از همه جا و پنداشتند که ایشان فروگرفته شده است بایشان میخوانند خدا را خالص کنندگان برایش دین را

لَئِنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهٖ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ٢٤ فَلَمَّآ اَنْجٰهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُوْنَ

هر آینه اگر نجات دادی ما را از این هر آینه میباشیم از شکرکنندگان پس چون داد ایشان را نجات آنگاه ایشان ستم میکنند

فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ مَّتَاعَ الْحَيٰوةِ

در زمین بغیر حق ای مردم جز این نیست ستم شما بر خودتان بهره زندگی

الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ٢٥ اِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ

دنیا پس بسوی ماست بازگشت شما پس خبر میدهیم شما را بآنچه بودید میکردید جز این نیست مثل زندگی

الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا يَاْكُلُ

دنیا مانند آبیست که فرو فرستادیم آنرا از آسمان پس آمیخت بآن رستنی زمین از آنچه میخورند

النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ حَتّٰٓى اِذَآ اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ اَهْلُهَآ

مردم و چهارپایان تا چون گرفت زمین پیرایش را و زینت یافت و پنداشتند اهلش

شُفَعَآؤُنَا بضم همزه بلکه واو خوانده شود
علامه مجلسی رحمه الله فضل بن یسار از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله نقل فرموده که هیچ چشم از خوف خدا گریان نشود بجز آنکه حق تعالی آنرا بر آتش دوزخ حرام گرداند و اگر از خوف الهی قطره اشک چشم او بر رخساره او جاری شود آنرا تیرگی نرسد و همیشه تازگی داشته باشد ١٢

نَبَاتُ بتقدیم نون بر با بمعنی گیاه زمین

أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ
گویا توانا اند بر آن آمد آنرا فرمان ما بشب یا بروز پس ساختیم آنرا درو کرده گویا
تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٢٦ وَاللَّهُ يَدْعُو
نرسته بود دیروز همچنین تفصیل میدهیم آیات را مر گروهی که فکر میکنند و خدا میخواند
إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٢٧ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
بسوی خانهٔ سلامت و هدایت میکند هر کرا خواهد بسوی راه راست مر آنانرا که نیکوئی کردند
الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
نیکوئی است و زیادتی و نپوشد روهای ایشانرا گردی و نه خواری آن گروه اهل بهشت
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٨ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ
ایشان در آن جاویدانند و آنانکه کسب کردند بدیها جزای بدی بمثل آن و بپوشد ایشانرا
ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا
خواری نیست مر ایشانرا از خدا هیچ نگهدارنده گویا فرو گرفته است روهای ایشانرا پاره از شب تیره
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٩ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ
آن گروه یاران آتش اند ایشان در آن جاویدانند و روزیکه حشر کنیم ایشانرا همه پس میگوئیم
لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا
مر آنانرا که شرک آوردند بجای خود شما و شریکان شما پس جدائی کنیم میان ایشان و گفتند شریکان ایشان
كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ٣٠ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
نبودید ما را پرستیدید پس بس است خدا گواه میان ما و میان شما اگر باشیم از پرستش شما
لَغَافِلِينَ ٣١ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ
هر آینه بیخبران اینجا بیازماید هر نفسی آنچه پیش فرستاد و برگردانیده میشوند بسوی خدا آقای ایشان
الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٣٢ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
حق و گمراه گردید از ایشان آنچه بودند افترا میبستند بگو کی روزی میدهد شما را از آسمان و زمین
أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
آیا کی مالک است گوشها و چشمها را و آنکه بیرون میآورد زنده را از مرده و بیرون میآورد مرده را از
الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣٣ فَذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ
زنده و کیست تدبیر میکند کارها را پس بزودی میگویند خدا پس بگو آیا پرهیز نمیکنید پس آنست خدا پروردگار شما
الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ٣٤ كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ
حق است پس چیست بعد حق مگر گمراهی پس بکجا برمیگردید همچنین حق است سخن
رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٣٥ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ
پروردگار تو بر آنانکه فسق کردند بر اینکه ایشان ایمان نمیآورند بگو آیا از شریکان شما کیست
يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ٣٦
که پدید میآورد خلق را پس اعادت میدهد او را بگو خدا پدید میآورد خلق را پس اعادت میدهد او را پس بکجا برگردانیده میشوید

نصف ربع

شركاؤكم و شركاؤهم در هر دو موضع بضم همزه بدون واو خوانده شود

١٢

قل هل

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي

بگو آیا از شریکان شما کسیست که هدایت میکند بسوی حق بگو خدا هدایت میکند مر حق را آیا پس آنکه هدایت میکند

إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ

بسوی حق سزاوارتر است پیروی شود یا آنکه هدایت نمییابد مگر آنکه هدایت شود پس چیست مر شمارا چگونه

تَحْكُمُونَ ٣٧ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ

حکم میکنید و پیروی نمیکنند بیشترشان مگر گمان را بدرستیکه گمان کفایت نمیکند از حق چیزی را بدرستیکه خدا

عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ٣٨ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ

داناست بآنچه میکنند و نمیباشد این قرآن که دروغ بسته شود از جز خدا و

لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ

لیکن تصدیق چیزیست که باشد میانه دو دستش و تفصیل دادن کتاب نیست شکی در آن از پروردگار

الْعَالَمِينَ ٣٩ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ

جهانیان آیا میگویند بدروغ بسته آنرا بگو بیاورید سوره مثلش و بخوانید هر کرا میتوانید

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٤٠ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ

از جز خدا اگر هستید از راستگویان بلکه تکذیب کردند بآنچه احاطه نکردند بدانشش و هنوز نیامده ایشانرا

تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ٤١

تأویلش همچنین تکذیب کردند آنانکه بودند از پیش ایشان پس بنگر چگونه باشد سرانجام ستمکاران

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ٤٢ وَإِنْ

و از ایشان کسی است که میگرود بآن و از ایشان کسیست که نمیگرود بآن و پروردگار تو داناتر است بمفسدان و اگر

كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ

تکذیب کردند ترا پس بگو برای منست کردار من و برای شماست کردار شما شما بیزارید از آنچه میکنم و من بیزارم

مِمَّا تَعْمَلُونَ ٤٣ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ

از آنچه میکنید و از ایشان کسی است که گوش میاندازد بسوی تو آیا پس تو میشنوانی کرانرا و اگرچه

كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ٤٤ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا

باشند که درنمییابند و از ایشان کسی است که نگاه میکند بسوی تو پس آیا هدایت کنی کورانرا و اگرچه باشند

لَا يُبْصِرُونَ ٤٥ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٤٦

که نمیبینند بدرستیکه خدا ظلم نمیکند مردم را چیزی و لیکن مردم خودهاشانرا ظلم میکنند

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ

و روزیکه حشر میکند ایشانرا گوئی که درنگ نکردند مگر ساعتی از روز شناخت یکدیگر دارند میانشان بتحقیق زیان کردند

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ٤٧ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ

آنانکه تکذیب کردند بملاقات خدا و نبودند هدایت شدگان و یا مینمائیم ترا برخی

الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ ٤٨

از آنچه وعده داده ایم ایشانرا یا میمیرانیم ترا پس بسوی ماست بازگشتشان پس خدا گواه است بر آنچه میکنند

امن لا یهدی بفتح یا و کسرها و تشدید دال کردد اصل یهتدی بود

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٤٩

و برای هر گروهی رسولیست پس چون آمد پیغمبر شان حکم کرده شود میان ایشان بعدل و ایشان ستم کرده نمیشوند

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ٥٠ قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي

و میگویند کی است این وعده اگر هستید راست گویان بگو مالک نمیشوم برای خود هیچ

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ

ضرری و نه نفعی مگر آنچه بخواهد خدا برای هر گروهی مدتیست چون آمد مدتشان پس واپس نمانند

سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ٥١ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا

ساعتی و پیش نمیروند بگو آیا خبر دهید اگر آید شما را عذابش شبی یا روزی چه چیز را

يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ٥٢ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِ

بشتاب خواهند گناهگاران آیا پس چون آنچه واقع شد گروید بآن الآن و بتحقیق بودید بآن

تَسْتَعْجِلُونَ ٥٣ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا

میشتابیدید پس گفته شد مر آنان را ستم کردند بچشید شکنجه جاوید آیا جزا داده میشوید مگر

بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ٥٤ وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا

بآنچه بودید کسب میکردید و خبر میپرسند ترا سزاوار است آن بگو آری قسم بپروردگارم که او حق است

أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ٥٥ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ

و نیستید شما عاجز کنندگان و اگر آنکه بود برای هر نفسی که ستم کرده میشود آنچه در زمینست هر آینه فدا دادی بآن و

أَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٥٦

و پوشیده داشتند پشیمانی چون دیدند شکنجه را و حکم شد میان ایشان بعدل و ایشان ستم کرده نشوند

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

بدانید بدرستیکه آنچه در آسمان و زمین است خدا راست بدانید بدرستیکه وعده خدا حق است و لیکن بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ٥٧ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٥٨ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ

نمیدانند او زنده میکند و میمیراند و بسوی او بر میگردید ای مردم بحقیقت

جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

آمد شما را پندی از پروردگار تان و شفائی مر آنچه را باشد در سینها و هدایت و رحمت

لِّلْمُؤْمِنِينَ ٥٩ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا

مر گروندگان را بگو بفضل خدا و برحمتش پس باین پس شاد میشوید او بهتر است از آنچه

يَجْمَعُونَ ٦٠ قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا

جمع میکنند بگو خبر دهید آنچه فرو فرستاده خدا مر شما را از روزی پس گردانیدید از آن حرام را و حلال را

قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ٦١ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ

بگو خدا دستوری داد برای شما یا بر خدا می بندید دروغ را و چیست گمان آنانکه افترا می بندند بر خدا

الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا

دروغ را روز رستخیز بدرستیکه خدا هر آینه صاحب فضلست بر مردم و لیکن بیشترشان

ءالآن بدو الف و سکون لام وقف

و از تصانیف شاه عبد العزیز یا ایها الناس ... [illegible] ... دل را بر آرد باذن الله تعالی

١٢

قل آالله بدو الف و سکون لام وقف

يَشْكُرُونَ ٦٢ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ
شکر نمیکنند و نمی‌باشی در کاری و نمیخوانید از آن از قرآن و نمیکنید
مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ
از کاری مگر باشیم بر شما حاضر چون شروع میکنید در آن و پنهان نماند از پروردگارت از
مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا
برابر ذره در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٦٣ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٦٤
در کتاب مبین بدانید بدرستیکه دوستان خدا نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند
الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ٦٥ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ
آنکه گرویدند و بودند پرهیز میکردند مر ایشان راست بشارت در زندگی دنیا و در آخرت
لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٦٦ وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ
نیست تبدیل برای کلمات خدا این است کامیابی بزرگ و اندوهگین نکند ترا گفتار ایشان بدرستیکه
الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦٧ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ
عزت برای خداست همه اوست شنوا دانا بدانید بدرستیکه برای خداست آنکه در آسمانها و آنکه
فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ
در زمین است و پیروی نمیکنند آنانکه میخوانند از جز خدا شریکان پیروی نمیکنند
إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ٦٨ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا
مگر گمان را و نیستند ایشان مگر دروغ میگویند اوست آنکه گردانید برای شما شب تا آرام گیرید
فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ٦٩ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ
در آن و روز را بینا کننده بدرستیکه در آن هر آینه آیتهاست برای گروهی که میشنوند گفتند گرفت خدا
وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ
فرزند را منزه است او اوست بی‌نیاز مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نیست نزد شما از
سُلْطَانٍ بِهَٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٧٠ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
حجتی باین آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو بدرستیکه آنانکه افترا بستند
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ٧١ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ
بر خدا دروغ را رستگار نمیشوند مایه تعیشی است در دنیا پس بسوی ماست بازگشت ایشان پس میچشانیم ایشان را
الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٧٢ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ
شکنجه سخت بآنچه بودند کافر شدند و بخوان بر ایشان خبر نوح را چون گفت
لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ
مر قومش را ای قوم اگر باشد بزرگ بر شما مقام من و یاد کردن من بآیات خدا پس بر خداست
تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ
اعتماد من پس جمع آورید کار خود را و شریکانتان را پس نباشد کار شما بر شما اندوه پس

یعزب بسکون عین بی نقطه و زاء با نقطه

[illegible]

من بعث را بآیات تغرا پس بر خدا توکل کردم ١٢

اقضوا الیّ ولا تنظرون ٧٣ فان تولیتم فما سألتکم من اجر ان اجری

گذارید و مهلت مدهید پس اگر پشت گردید پس نخواسته‌ام از شما هیچ مزدی نیست مزد من

الا علی الله وامرت ان اکون من المسلمین ٧٤ فکذبوه فنجیناه ومن معه

مگر بر خدا و امر کرده شده‌ام که باشم از منقادان پس تکذیب کردند او را پس نجات دادیم او را و آنانکه

فی الفلک وجعلناهم خلائف واغرقنا الذین کذبوا بایاتنا فانظر

در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشینان و غرق کردیم آنان را که تکذیب کردند به آیات ما پس بنگر

کیف کان عاقبة المنذرین ٧٥ ثم بعثنا من بعده رسلا الی قومهم

چگونه باشد سرانجام بیم داده شدگان پس برانگیختیم از بعد او رسولان بسوی قومشان

فجاؤهم بالبینات فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع

پس آمدند ایشان را با معجزات پس نبودند که بگروند بآنچه تکذیب کردند بآن از پیش همچنین مهر می نهیم

علی قلوب المعتدین ٧٦ ثم بعثنا من بعدهم موسی وهرون الی فرعون

بر دلهای تجاوزکنندگان پس برانگیختیم از بعد ایشان موسی و هرون را بسوی فرعون

وملائه بایاتنا فاستکبروا وکانوا قوما مجرمین ٧٧ فلما جاءهم الحق

و گروهش با آیتهای ما پس سرکشی کردند و بودند گروه گنهگاران پس چون آمد ایشان را حق

من عندنا قالوا ان هذا لسحر مبین ٧٨ قال موسی اتقولون للحق لما

از نزد ما گفتند بدرستیکه این هر آینه جادوئیست آشکار گفت موسی آیا میگوئید مر حق را چون

جاءکم اسحر هذا ولا یفلح الساحرون ٧٩ قالوا اجئتنا لتلفتنا عما وجدنا

آمد شما را آیا جادوست این و رستگار نشوند جادوان گفتند آیا آمدی ما را تا بگردانی ما را از آنچه یافتیم

علیه اباءنا وتکون لکما الکبریاء فی الارض وما نحن لکما بمؤمنین ٨٠

بر آن پدران خود را و باشد برای شما دو تا بزرگی در زمین و نیستیم ما مر شما را گروندگان

وقال فرعون ائتونی بکل ساحر علیم فلما جاء السحرة قال لهم موسی

و گفت فرعون بیاورید مرا هر جادوی دانا پس چون آمدند جادوها گفت مر ایشان را موسی

القوا ما انتم ملقون ٨١ فلما القوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله

بیندازید آنچه هستید اندازندگان پس چون انداختند گفت موسی آنچه آمدید بآن جادوست بدرستیکه خدا

سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین ٨٢ ویحق الله الحق بکلماته

زود باطل میکند آنرا بدرستیکه خدا اصلاح نمیکند کار مفسدان را و ثابت میکند خدا حق را بکلماتش

ولو کره المجرمون ٨٣ فما امن لموسی الا ذریة من قومه علی خوف

و اگرچه کراهت دارند گنهکاران پس نگرویدند مر موسی را مگر فرزندانی از قومش بر ترس

من فرعون وملائهم ان یفتنهم وان فرعون لعال فی الارض وانه

از فرعون و گروه ایشان اینکه بسیار آزار کند ایشان را و بدرستیکه فرعون هر آینه غالب بود در زمین و بدرستیکه او

لمن المسرفین ٨٤ وقال موسی یا قوم ان کنتم امنتم بالله فعلیه

هر آینه از اسراف کنندگانست و گفت موسی ای قوم اگر باشید گرویدید بخدا پس بر او

فجاؤهم بضم همزه و سکون واو، صیغه جمع است

قوله تعالی فلما جاء السحرة الی المفسدین این آیت بجهت ابطال سحر مناسبت بسیار است ... ١٢

توکلوا

توكلوا إن كنتم مسلمين ٨٥ فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا
توكل کنید اگر باشید انقیاد دارن پس گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا مگردان
فتنة للقوم الظالمين ٨٦ ونجنا برحمتك من القوم الكافرين ٨٧ وأوحينا
فتنه برای گروه ستمکاران و نجات ده مارا برحمت خود از گروه کافران و وحی فرستادیم
إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة
بسوی موسی و برادرش که جای باز گشت بگیرید برای قوم خود بمصر خانها و بگردانید خانهای خودرا قبله
وأقيموا الصلوة وبشر المؤمنين ٨٨ وقال موسى ربنا إنك آتيت فرعون
و بپا دارید نمازرا و مژده ده گروندگان را و گفت موسی پروردگارا بدرستیکه تو داده فرعون
وملأه زينة وأموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك
و گروه سرداران را زینت و مالها در زندگی دنیا پروردگارا تا گمراه کنند از راه تو
ربنا اطمس على أموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا
پروردگارا ناپدید کن بر مالهای ایشان و سخت کن بر دلهای ایشان پس نخواهند گروید تا آنکه ببینند
العذاب الأليم ٨٩ قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل
شکنجه دردناک گفت بتحقیق اجابت شد دعوت شما پس مستقیم باشید و پیروی مکنید راه
الذين لا يعلمون ٩٠ وجاوزنا ببني إسرائيل البحر فأتبعهم فرعون وجنوده
آنانکه نمیدانند و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی درآمد ایشانرا فرعون و لشکرهایش
بغيا وعدوا حتى إذا أدركه الغرق قال آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت
از سرکشی و تعدی تا آنکه دریافت اورا غرق گفت ایمان آوردم که نیست خدائی مگر آنکه ایمان آوردند
به بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين ٩١ آلآن وقد عصيت قبل وكنت من
باو بنی اسرائیل و من از منقادانم الآن و بتحقیق گناه کردی پیش و بودی از
المفسدين ٩٢ فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك آية وإن كثيرا
مفسدان پس امروز نجات دهیم ترا ببدنت تا باشی برای آنکه از پس تو نشانه و بدرستیکه بسیاری
من الناس عن آياتنا لغافلون ٩٣ ولقد بوأنا بني إسرائيل مبوأ صدق
از مردم از آیات ما بیخبرانند و بتحقیق فرود آوردیم بنی اسرائیل را در منزل راستی
ورزقناهم من الطيبات فما اختلفوا حتى جاءهم العلم إن ربك يقضي بينهم
و روزی دادیم ایشانرا از پاکیزها پس اختلاف نکردند تا آمد ایشانرا دانش بدرستیکه پروردگار تو حکم میکند میان ایشان
يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ٩٤ فإن كنت في شك مما أنزلنا
روز رستخیز در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند پس اگر باشی در شک از آنچه فرو فرستادیم
إليك فاسئل الذين يقرءون الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من
بسوی تو پس بپرس آنانکه میخوانند کتاب را از پیش تو هر آینه آمد ترا حق از
ربك فلا تكونن من الممترين ٩٥ ولا تكونن من الذين كذبوا بآيات الله
پروردگار تو پس از شک کنندگان مباش و مباش البته از آنانکه تکذیب کردند بآیات خدا

فتكون

بحول الله تعالی
و اوحینا الی موسی الی آخر این آیت تجنب از امراض مجرب است از بیرون لشکر و نیز ...
...
الآن و قد عصیت
...
تتبعان
بتشدید نون و مد
...
الآن
بدو الف و سکون لام و مد
...
والسلام
١٢

فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٩٦ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ٩٧

پس باشی از زیانکاران ‌ بدرستیکه آنانکه ثابت شد بر ایشان ‌ سخن پروردگارت ایمان نمیآورند

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٩٨ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ

واگر چه آید ایشانرا همه آیتی تا آنکه ببینند عذاب دردناک ‌ پس چرا نبود قریه که بگرود

فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي

پس سود بخشد آنرا گرویدنش مگر قوم یونس ‌ چونکه گرویدند برداشتیم از ایشان ‌ شکنجه خوار را در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ٩٩ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ

زندگی دنیا ‌ و بهره ور کردیم ایشانرا تا زمانی ‌ و اگر بخواهد پروردگارت هر آینه میگرود هر که در زمین

كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۚ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ١٠٠ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ

همه ایشان یکجا ‌ آیا پس کراهت داری مردمرا تا آنکه باشند گروندگان ‌ و نباشد برای نفسی

أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ١٠١ قُلِ انْظُرُوا

اینکه بگرود ‌ مگر بدستوری خدا ‌ و میگرداند پلیدی را بر آنانکه در نمییابند بعقل ‌ بگو بنگرید

مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ١٠٢

چه چیز است در آسمانها ‌ و زمین ‌ و کفایت نمیکند آیتها ‌ و بیم کنندگان از قومی که نمیگروند

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ

پس آیا منتظرند ‌ مگر مانند روزهای آنانکه ‌ گذشتند از پیش ایشان ‌ بگو پس منتظر باشید بدرستیکه من با شمایم

مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ١٠٣ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا ۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ

از منتظرانم ‌ پس نجات دادیم رسول خود را و آنانکه گرویدند ‌ همچنین ‌ ثابت بر ما که نجات دهیم

الْمُؤْمِنِينَ ١٠٤ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ

گروندگانرا ‌ بگو ‌ ای ‌ مردم ‌ اگر باشید در شک ‌ از دین من پس نمی پرستم آنانرا که

تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ

میپرستید ‌ از غیر ‌ خدا ‌ ولیکن میپرستم خدائیرا که ‌ میمیراند شما را و امر کرده شدم که باشم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٠٥ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٠٦

از گروندگان ‌ و اینکه برپا دار ذات را ‌ برای دین حق گرای ‌ و مباش البته از مشرکان

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ

و مخوان ‌ از جز ‌ خدا ‌ آنچه را که نه سود میدهد ترا و نه ضرر میرساند ترا پس اگر کردی پس بودر آنگاه باشی از

الظَّالِمِينَ ١٠٧ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ

ستمکاران ‌ و اگر مس کند ترا خدا بسختی ‌ پس نیست رفع کننده آن مگر او ‌ و اگر بخواهد ترا بخیری

فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۚ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ١٠٨ قُلْ يَا أَيُّهَا

پس نیست رد کننده مر فضلش را میرساند بآن آنرا که بخواهد از بندگانش ‌ و اوست آمرزنده مهربان ‌ بگو ای

النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ

مردم ‌ بتحقیق آمد شما را حق ‌ از پروردگارتان پس آنکه راه یافت پس جز این نیست راه یافت برای خودش

آیه ۹
در تفسیر
الآن وقد عصیت من قبل
ابراهیم تیمی خود آورده
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
روایت کرده بول حضرت
فرمود که جبرئیل همیشه اندوه
ناک و محزون نازل میشد
و چون مأمور برسانیدن
این آیه شد در غایت بشاشت
آمد گفتم ای جبرئیل سبب
چیست که همیشه اندوه
ناک میآمدی و امروز خندان
عرض کرد یا محمد چون خدا
فرعون را در دریا غرق
کرد فرعون گفت آمنت
انه لا اله الا الذی
آمنت به بنوا اسرائیل من
گلی از ته دریا برداشتم و
بر دهانش زدم گفتم الآن وقد
عصیت و از آنوقت
خائف بودم که مبادا سبب
ایمان رستگار شود و من
معاقب باشم امروز چون
بتبلیغ این آیه مأمور شدم
دانستم که خدا از قول من
راضی بود

وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ١٠٩ وَاتَّبِعْ مَا

و هر که گمراه شد پس جز این نیست گمراه میشود بر آن و نیستم من بر شما وکیل و پیروی کن آنچه

يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

وحی میشود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و او بهترین حکم کنندگانست

سورة هود عليه السلام مائة وثلث وعشرون آية وهي مكية (١١)

الا الآيات ١٢ و ١٧ و ١١٤ فمدنية نزلت بعد سورة يونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ٢ أَلَّا تَعْبُدُوا

کتابیست که محکم کرده شد آیاتش پس تفصیل داده شد از نزد حکیم آگاه که نپرستید

إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ٣ وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

مگر خدا را بدرستیکه من مر شما را از او بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام و اینکه آمرزش خواهید پروردگارتان را پس بازگشت کنید بسوی او

يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن

بهره‌مند سازد شما را بهره خوب تا مدتی نام برده شده و بدهد هر صاحب فضلی فضلش را و اگر

تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ٤ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ

پشت کنید پس بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روز بزرگ را بسوی خداست بازگشت شما و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥ أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ

هر چیز تواناست بدانید بدرستیکه ایشان می‌پیچند سینه‌هاشان را تا پنهان کنند از او بدانید زمانیکه

يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

فرو میگیرند جامه‌هاشان را میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکار میکنند بدرستیکه او داناست بسرّ سینه‌ها

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی آن و میداند قرارگاهش و امانتگاهش

كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ٩ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي

همه در کتابیست روشن و او آنکه آفرید آسمانها و زمین را در

سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ

شش روز و باشد عرش او بر آب تا بیازماید شما را که کدام یک از شما بهتر است در کردار و

لَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا

هر آینه اگر بگوئی بدرستیکه شما برانگیخته شدگانید از بعد مرگ هر آینه میگویند آنانکه کافر شدند نیست این

إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ١١ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ

مگر جادوئی آشکار و هر آینه اگر واپس اندازیم از ایشان عذاب را تا گروهی شمرده شده هر آینه گویند

مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا

چه بازداشته آنرا بدانید روزیکه بیاید ایشان را نیست گردانیده از ایشان و محیط شود بایشان آنچه بودند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره هود را بخواند ... از حضرت صادق علیه السلام منقولست ...

عشر و اثنان ...

بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ١٢ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ
بان استهزا میکردند و هر آینه اگر بچشانیم آدمی را از خود ما رحمت پس برکندیم آنرا از او بدرستیکه او
لَيَئُوسٌ كَفُورٌ ١٣ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
هر آینه نا امید ناسپاس است و اگر هر آینه بچشانیم او را نعمتی بعد سختی که رسیده او را هر آینه میگوید برد
السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ١٤ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
بدیها را از من بدرستیکه او هر آینه شادمان نازنده است مگر آنانکه صبر کردند و کردند کارهای شایسته
أُولَٰئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ١٥ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ
آنها مر ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ پس شاید تو ترک کننده برخی آنچه وحی کرده میشود بسوی تو و تنگ شونده
بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنتَ
بان سینه تو از اینکه میگویند چرا فرو فرستاده نشد بر او گنج یا آمد با او فرشته جز این نیست تو
نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ١٦ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ
بیم دهنده و خدا بر همه چیز نگهبان است آیا میگویند افترا بسته گو پس بیاورید ده سوره
مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ١٧
مانندش بربافته شده و بخوانید هر که را توانید از غیر خدا اگر باشید راستگویان
فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ
پس اگر اجابت نکردند مر شما را پس بدانید جز این نیست فرو فرستاده شده بعلم خدا و اینکه نیست خدائی مگر او پس آیا
أَنتُم مُّسْلِمُونَ ١٨ مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ
شمائید انقیاد داران آنکه باشد که خواهد زندگی دنیا و آرایش آنرا تمام میرسانیم بسوی ایشان کردارهای ایشانرا
فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ١٩ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ
در آن و ایشان در آن کم کرده نشوند آنها آنانند که نیست مر ایشانرا در آخرت مگر آتش
وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٢٠ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن
و نابود شد آنچه کردند در آن و باطلست آنچه بودند میکردند آیا پس آنکه باشد بر معجزه از
رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ
پروردگارش و از پی در آید آنرا گواهی از آن و از پیش او کتاب موسی پیشوا و رحمت آنها
يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ
میگروند بان و آنکه کافر شد بان از پاره های دشمن پس آتش وعده گاه اوست پس مباش در شک
مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ٢١ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ
از آن بدرستیکه او حقست از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردم نمیگروند و کیست ظالمتر از آنکه
افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ
افترا بست بر خدا دروغ را آنها عرضه کرده میشوند بر پروردگار ایشان و میگویند گواهان این
الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ٢٢ الَّذِينَ يَصُدُّونَ
آنانکه دروغ بستند بر پروردگار ایشان بدانید لعنت خدا بر ستمکاران آنانکه باز داشتند

در سینه وی دیدنی
الر الی کل شیء قدیر اگر
کسی این آیت بر سینه
بنویسد و بطلوع
صبح بمشک و زعفران
و گلاب بشوید این آیت را
از آب چاهی که از آن آب
خورده باشد پس آنرا بخورد
هر روز در صباح
شاد شود دل و منشرح شود
و بتعلیم علوم و حفظ قرآن
بر او آسان شود
والسلام مع الاکرام
١٤

عن سبيل

عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة هم كافرون اولئك لم يكونوا
معجزين في الارض وما كان لهم من دون الله من اولياء يضاعف لهم
العذاب ما كانوا يستطيعون السمع وما كانوا يبصرون ٢٣ اولئك
الذين خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ٢٤ لا جرم انهم
في الآخرة هم الاخسرون ٢٥ ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات واخبتوا
الى ربهم اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ٢٦ مثل الفريقين
كالاعمى والاصم والبصير والسميع هل يستويان مثلا افلا تذكرون ٢٧
ولقد ارسلنا نوحا الى قومه اني لكم نذير مبين ٢٨ ان لا تعبدوا الا
الله اني اخاف عليكم عذاب يوم اليم ٢٩ فقال الملأ الذين كفروا
من قومه ما نراك الا بشرا مثلنا وما نراك اتبعك الا الذين هم اراذلنا
بادي الرأي وما نرى لكم علينا من فضل بل نظنكم كاذبين ٣٠ قال يا
قوم ارأيتم ان كنت على بينة من ربي وآتاني رحمة من عنده فعميت
عليكم انلزمكموها وانتم لها كارهون ٣١ ويا قوم لا اسألكم عليه مالا
ان اجري الا على الله وما انا بطارد الذين آمنوا انهم ملاقوا ربهم و
لكني اريكم قوما تجهلون ٣٢ ويا قوم من ينصرني من الله ان طردتهم
افلا تذكرون ٣٣ ولا اقول لكم عندي خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول

إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ

بدرستیکه من فرشته ام و نمیگویم مر انرا که بخواری می بینند چشمهای شما نمیدهد خدا ایشانرا خیر خدا داناترست

بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ۳۱ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ

بانچه در نفسهای ایشانست بدرستیکه من آنگاه از ستمکارانم گفتند ای نوح بحقیقت جدال کردی با ما پس بسیار

جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۳۲ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ

کردی جدال با ما پس بیاور بانچه وعده دادی اگر هستی از راستگویان گفت جز این نیست میآورد شما را خدا

إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ۳۳ وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن

اگر بخواهد و نیستید شما عاجز کنندگان و سود نمیدهد شما را پند من اگر بخواهم نصیحت کنم شما را

كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۳۴ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

اگر باشد خدا که بخواهد که گمراه کند شما را او است پروردگار شما و بسوی او برمیگردید آیا میگویند بربافت آنرا

قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ۳۵ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ

بگو اگر بربافته ام آنرا پس بر منست جرم من و من فارغم از آنچه جرم میکنید و وحی شد بنوح که

لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۳۶ وَاصْنَعِ

هرگز ایمان نیاورند از قوم تو مگر آنکه بحقیق گرویده پس اندوهناک مباش بانچه بودند میکردند و بساز

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ۳۷

کشتی را بنگاهداشت ما و وحی ما و سخن مگو ما را درباره آنانکه ستم کردند که ایشان غرق شوندگانند

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا

و میساخت کشتی را و هرگاه میگذشت بر او گروهی از قوم او استهزا میکردند از او گفت اگر استهزا میکنید

مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ۳۸ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ

از ما پس بدرستیکه ما استهزا میکنیم از شما چنانکه استهزا میکنید پس زود باشد که بدانید آنرا که میرسد او را شکنجه که خوار کند او را

يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۳۹ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا

و فرود آورد بر او شکنجه پاینده تا چون آمد امر ما و جوش شد تنور گفتیم بردار در آن

مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ

از هر یک دو جفت دو تا است و کسانت را مگر آنکه پیشی گرفته بر او گفتار و آنکه گرویده و نگرویده

مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۴۰ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي

با او مگر اندکی و گفت سوار شوید در آن بنام خدا رفتنش و گاه ایستادنش بدرستیکه پروردگارم

لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ۴۱ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ

آمرزنده مهربانست و آن میبرد ایشانرا در موجی مانند کوهها و ندا کرد نوح پسرش را و بود در گوشه

يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ ۴۲ قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ

ای پسر من سوار شو با ما و مباش با کافران گفت بزودی جای میگیرم بکوهی که نگاه میدارد مرا از آب گفت نگاهدارنده نیست

الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ۴۳ وَقِيلَ

امروز از حکم خدا مگر آنکه رحم کرد و حایل شد میانشان موج پس بود از غرق شوندگان و گفته شد

التنور بتشدید النون

مجریها بضم میم و الف بعد از را و در بعض قرائت بفتح میم و کسر را خوانده شده و این مشهور قرائت

يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت

على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين ٤٧ ونادى نوح ربه فقال رب

ان ابني من اهلي وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين ٤٨ قال يا نوح انه

ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم اني اعظك ان

تكون من الجاهلين ٤٩ قال رب اني اعوذ بك ان اسئلك ما ليس لي به علم

والا تغفر لي وترحمني اكن من الخاسرين ٥٠ قيل يا نوح اهبط بسلام منا

وبركات عليك وعلى امم ممن معك وامم سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب

اليم ٥١ تلك من انباء الغيب نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت ولا قومك

من قبل هذا فاصبر ان العاقبة للمتقين ٥٢ والى عاد اخاهم هودا قال

يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون ٥٣ يا قوم

لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني افلا تعقلون ٥٤ و

يا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يرسل السماء عليكم مدرارا ويزدكم

قوة الى قوتكم ولا تتولوا مجرمين ٥٥ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة وما

نحن بتاركي الهتنا عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ٥٦ ان نقول الا

اعتريك بعض الهتنا بسوء قال اني اشهد الله واشهدوا اني بريء مما تشركون ٥٧

من دونه فكيدوني جميعا ثم لا تنظرون ٥٨ اني توكلت على الله ربي وربكم

مَا مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۵ فَاِنْ تَوَلَّوْا

نیست از جنبنده مگر او گیرنده است پیشانیش را بدرستیکه پروردگارم بر راه راست است پس اگر پشت کنید

فَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ مَّآ اُرْسِلْتُ بِهٖٓ اِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّيْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ

پس به تحقیق رسانیدم شمارا آنچه فرستاده شدم بآن بسوی شما و جانشین میکرداند پروردگارم گروهی را جز شما و ضرر نمیرسانید او را

شَيْـًٔا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ ۱ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوْدًا وَّالَّذِيْنَ

چیزی بدرستیکه پروردگارم بر همه چیز نگهبانست و چون آمد امر ما نجات دادیم هود را و آنانکه

اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ۲ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوْا

گرویدند با او برحمتی از ما و نجات دادیم ایشانرا از شکنجه سخت و اینست عاد که انکار کردند

بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ۳ وَاُتْبِعُوْا

آیتهای پروردگارشانرا و نافرمانی کردند رسولانشرا و پیروی کردند امر هر سرکش ستیزه‌گر را و پیرو شدند

فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا

در این دنیا لعنت را و در روز رستخیز بدانید که عاد کافر شدند پروردگارشرا بدانید که دوری

لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ۴ وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ

باد عادرا قوم هود را و بسوی ثمود برادرشان صالح را گفت ای قوم بپرستید خدارا

مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ

نیست برای شما هیچ خدائی غیر او او پدید آورد شمارا از زمین و عمر داد شمارا در آن پس آمرزش خواهید از او

ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ۵ قَالُوْا يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا

پس بازگردید بسوی او بدرستیکه پروردگارم نزدیک اجابت کننده است گفتند ای صالح بتحقیق بودی در ما امید داشته شده

قَبْلَ هٰذَآ اَتَنْهٰىنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ

پیش از این آیا نهی میکنی ما را که بپرستیم آنچه میپرستیدند پدرانمان و ما هر آینه در شکیم از آنچه میخوانی ما را

اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۶ قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ

بسوی او شک بگمان اندازنده گفت ای قوم خبر دهید که اگر باشم بر حجتی از پروردگارم و داده شده باشم از او

رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ ۷ وَيٰقَوْمِ

رحمتی را پس کیست که یاری میکند مرا از خدا اگر نافرمانی کنم او را پس نخواهید افزود مرا جز زیانکاری و ای قوم

هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ

این ناقه خداست برای شما آیتی است پس واگذارید او را که بچرد در زمین خدا و مس مکنید او را ببدی

فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ۸ فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ

پس بگیرد شمارا شکنجه نزدیک پس پی کردند او را پس گفت زیست کنید در خانهای خود سه روز

ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ ۹ فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

این وعده ایست غیر دروغ پس چون آمد امر ما نجات دادیم صالح را و آنانکه گرویدند

مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ۱۰ وَاَخَذَ الَّذِيْنَ

با او برحمتی از ما و از خواری آنروز بدرستیکه پروردگار تو اوست با قوت غالب و گرفت آنانرا که

قوله سبحانه تعالى ... چون کسی شدید ... و سد خواهد کار ... افتد این آیه را ... سعال ... نویسد ... سنب ... آن قطعه را ... آن نهان کند و باقی را ... گویند ... او باشند ... منزل او ... شود و او را ... نباشد و چون تعظیم آیات قرآنی واجب است ... اگر کسی ... نسبت ... و حسد ... آن را ... رسد والسلام والاکرام

۱۲

اٰبَآؤُنَا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

یَوْمِئِذٍ بکسر میم

ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ٧١ كَاَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا اَلَا

ستم کردند فریادی پس گشتند در خانهای ایشان بر روی افتادگان گویا اقامت نداشته بودند در آنجا آگاه باشید

اِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ ٧٢ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيمَ

بدرستیکه ثمود کافر شدند پروردگار خود را آگاه باشید هلاکت باد ثمود را و بتحقیق آمدند فرستادهای ما ابراهیم را

بِالْبُشْرٰى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ٧٣ فَلَمَّا

بمژده فرزند گفتند سلام گفت سلام پس درنگ نکرد که آورد گوساله بریان پس چون

رَاٰى اَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ اِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَاَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ اِنَّا

دید دستهای ایشان را که نمی‌رسد بسوی او ناخوش گرفت ایشان را و در دل خاطر از ایشان ترسی گفتند مترس بدرستیکه

اُرْسِلْنَا اِلٰى قَوْمِ لُوطٍ ٧٤ وَامْرَاَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاِسْحٰقَ وَ

ما فرستاده شدیم بسوی قوم لوط و زنش ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیم او را باسحق و

مِنْ وَرَاءِ اِسْحٰقَ يَعْقُوبَ ٧٥ قَالَتْ يَا وَيْلَتٰى ءَاَلِدُ وَاَنَا عَجُوزٌ وَهٰذَا بَعْلِي

و از پس اسحق یعقوب را گفت ای وای آیا بزایم و من پیرم و این شوهرم

شَيْخًا اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ٧٦ قَالُوا اَتَعْجَبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَتُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

پیرمرد است بدرستیکه این چیزیست عجب گفتند آیا عجب میکنی از امر خدا و رحمت خدا و برکتهایش

عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ٧٧ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ اِبْرٰهِيمَ الرَّوْعُ وَ

بر شما اهل بیت بدرستیکه او ستوده بزرگوار است پس چون رفت از ابراهیم ترس و

جَاءَتْهُ الْبُشْرٰى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ اَوَّاهٌ مُنِيبٌ ٧٨

آمد او را مژده فرزند سخن میکرد با ما در باره قوم لوط بدرستیکه ابراهیم بردبار نازک دل بازگردنده بود

يَا اِبْرٰهِيمُ اَعْرِضْ عَنْ هٰذَا اِنَّهُ قَدْ جَاءَ اَمْرُ رَبِّكَ وَاِنَّهُمْ اٰتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ

ای ابراهیم روبگردان از این بدرستیکه او بتحقیق آمد امر پروردگارت و بدرستیکه ایشان آینده است ایشان را عذابی غیر

مَرْدُودٍ ٧٩ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ

برگردد و چون آمد رسولان ما لوط را ترسید بایشان و تنگ شد بایشان در طاقت و گفت

هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ٨٠ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ اِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ

این روزیست سخت و آمدند او را قومش بشتاب میشدند بسوی او و از پیش بودند میکردند

السَّيِّاٰتِ قَالَ يَا قَوْمِ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ اَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُونِ

بدیها را گفت ای قوم اینها دختران ما ایشان پاکیزه‌ترند برای شما پس بترسید خدا را و رسوا مکنید

فِي ضَيْفِي اَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ٨١ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ

در مهمانم آیا نیست از شما مردی باصواب گفتند هر آینه بتحقیق دانسته که نیست مر ما را در دختران تو از

حَقٍّ وَاِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ٨٢ قَالَ لَوْ اَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً اَوْ اٰوِي اِلٰى رُكْنٍ

حقی و بدرستیکه تو هر آینه میدانی که چه میخواهیم گفت کاش بودی مرا بشما قوتی یا منزل کنم بسوی جای

شَدِيدٍ ٨٣ قَالُوا يَا لُوطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا اِلَيْكَ فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ

سخت گفتند ای لوط بدرستیکه ما فرستادگان پروردگار توایم هرگز نرسند بسوی تو پس ببر کسانت

بناتي بنها [illegible]

في بناتك بنها [illegible]

بقطع

بقطع من اللیل ولا یلتفت منکم احد الا امرأتک انه مصیبها ما اصابهم

بچاره از شب و نباید که در عقب نگرد از شما یکی مگر زن تو که رسنده است او را آنچه رسید

ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب ۸۴ فلما جاء امرنا جعلنا عالیها

بدرستیکه وعده گاه ایشان صبح است آیا نیست صبح نزدیک پس چون آمد امر ما گردانیدیم زبر آنرا

سافلها وامطرنا علیها حجارة من سجیل منضود مسومة عند ربک

زیر آن و باراندیم بر آنها سنگ از جنس سنگ گل بر هم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار

وما هی من الظالمین ببعید ۸۵ والی مدین اخاهم شعیبا قال یا قوم

و نیست از ستمگاران دور و بسوی مدین برادرشان شعیب گفت ای قوم

اعبدوا الله ما لکم من اله غیره ولا تنقصوا المکیال والمیزان انی اریکم

بپرستید خدارا نیست مر شما را از خدائی غیر او کم مکنید پیمانه و ترازو را که من می بینم شما را

بخیر وانی اخاف علیکم عذاب یوم محیط ۸۶ ویا قوم اوفوا المکیال و

بخیری و من میترسم بر شما از شکنجه روز احاطه کننده را وای قوم تمام دهید پیمانه و

المیزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین ۸۷

ترازو را بعدل و کم مکنید از مردم چیزهای ایشان را و تباهی مکنید در زمین فساد کنندگان

بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین ۸۸ وما انا علیکم بحفیظ ۸۹ قالوا

باقی گذاشته خدا بهتر است برای شما اگر باشید گرویده و نیستم من بر شما نگهبان گفتند

یا شعیب اصلوتک تأمرک ان نترک ما یعبد اباؤنا او ان نفعل فی اموالنا

ای شعیب آیا نماز تو امر فرموده ترا که ترک کنیم آنچه میپرستیدند پدران ما و اینکه کنیم در مالهای ما

ما نشاء انک لانت الحلیم الرشید ۹۰ قال یا قوم ارأیتم ان کنت علی بینة

آنچه خواهیم بدرستیکه هر آینه تو بردبار راه صواب یافته گفت ای قوم خبر دهید اگر باشم بر حجتی

من ربی ورزقنی منه رزقا حسنا وما ارید ان اخالفکم الی ما انهکم

از پروردگارم و روزی داده باشد مرا روزی نیکو و نمیخواهم خلاف کنم شما را در آنچه نهی میکنم شما را

عنه ان ارید الا الاصلاح ما استطعت وما توفیقی الا بالله علیه

از آن نخواستم مگر شایسته گردانیدن بقدر آنکه توانم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او

توکلت والیه انیب ۹۱ ویا قوم لا یجرمنکم شقاقی ان یصیبکم مثل ما

توکل کردم و بدو باز میگردم وای قوم برآن ندارد شما را خلاف با من اینکه برسد شما را مثل آنچه

اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صالح وما قوم لوط منکم ببعید ۹۲

رسید قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح و نیستند قوم لوط از شما دور

واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه ان ربی رحیم ودود ۹۳ قالوا یا شعیب

و طلب آمرزش کنید پروردگار را پس باز گردید بسوی او بدرستیکه پروردگار مهربان دوست گفتند ای شعیب

ما نفقه کثیرا مما تقول وانا لنریک فینا ضعیفا ولولا رهطک لرجمناک

نمی فهمیم بسیاری از آنچه میگوئی و بدرستیکه ما می بینیم در خود ما ناتوان و اگر نبود رهط تو هر آینه سنگسار کردیم

نصف الجزو

اباؤنا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

ما نفقه بضم ها بدون اشباع زیرا که هاء ضمیر نیست بلکه جزو است

وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ٩٤ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ
و نیستی تو بر ما غالب گفت ای قوم آیا گروه من عزیزترند بر شما از خدا و گرفتید او را

وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ٩٥ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ
پس پشت انداخته شده بدرستیکه پروردگار من بآنچه میکنید احاطه کننده است و ای قوم عمل کنید بر مکان خودتان

إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٩٦ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَ
بدرستیکه من عمل کننده ام زود باشد که بدانید هر که را بیاید بر او شکنجه که رسوا کند او را و کیست که او دروغگو باشد

ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ٩٧ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا
انتظار برید بدرستیکه من با شما منتظرم و هنگامیکه آمد امر ما نجات دادیم شعیب را و آنانکه گرویدند

مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ
با او برحمتی از ما و گرفت آنانرا که ستم کردند فریاد پس گشتند در خانهاشان

جَاثِمِينَ ٩٨ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ٩٩ وَلَقَدْ
بر رو در افتادگان گویا هرگز اقامت نکردند در آن بدانند که دوریست مراهل مدین را چنانکه دور است قوم ثمود را

أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا
فرستادیم موسی را بآیتهای خود و حجتی روشن بسوی فرعون و گروهش پس پیروی کردند

أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ١٠٠ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
امر فرعونرا و نیست امر فرعون از راه رشد پیش روی کند قومش را روز رستخیز

فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ١٠١ وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ
پس وارد کند ایشانرا در آتش و بد مکانیست در آمده شده در آن و از پی در آورده شدند در این دنیا لعنترا و روز

الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ١٠٢ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ
رستخیز بد عطائیست که داده شده این از خبرهای دهها است که میخوانیم آنرا بر تو

مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ١٠٣ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ
از آنها قائم است و خراب و ستم نکردیم ایشانرا ولیکن ستم کردند خود بایشان پس منع نکرد

عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا
از ایشان خدایان ایشان که میخواندند از جز خدا هیچ چیز هنگامیکه آمد امر پروردگارت و

زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ١٠٤ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ
زیاد نکردند ایشانرا جز هلاکت و همچنین گرفتن پروردگارت چون گرفت قریهها را و آنها ستمکار بودند بدرستیکه

أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ١٠٥ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ
گرفتن او دردناک سخت است بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست مر هر که بترسد شکنجه آخرت را این

يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ١٠٦ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ ١٠٧
روزیست که جمع کرده شده اند مر او را مردم و اینست روز مشهود و تاخیر نمیکنیم آنرا مگر برای مدت شمرده شده

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ١٠٨ فَأَمَّا الَّذِينَ
روزی که بیاید سخن نگوید نفسی مگر بدستوریش پس بعضی از ایشان بدبخت باشند و برخی نیکبخت پس اما آنانکه

شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ١٠٩ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ

بدبختند پس در آتش مر ایشانراست در آن ناله و فریاد همیشه در آن مادامیکه قایم باشد آسمانها

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ١١٠ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا

و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستیکه پروردگار تو کننده است مر آنچه خواهد و اما آنانکه نیکبخت شدند

فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ

پس در بهشت همیشه‌اند در آن مادامیکه قایم باشد آسمانها و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار

عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ١١١ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ

عطائی غیر منقطع پس مباش در شک از آنچه میپرستند اینها نمیپرستند

إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ١١٢ وَ

مگر همچنانکه میپرستیدند پدرانشان از پیش و بدرستیکه ما تمام رساننده‌ایم بهرهٔ ایشان غیر ناقص

لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

هر آینه بتحقیق دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بود پیش گرفته از پروردگارت

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ١١٣ وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ

هر آینه حکم شده میان ایشان و بدرستیکه ایشان در شکند از آن شک بزرگی و بدرستیکه همه را هر آینه تمام خواهد داد ایشانرا

رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ١١٤ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ

پروردگارت کردارشان را بدرستیکه او بآنچه میکنند آگاه است پس مستقیم باش چنانکه امر شدی و آنکه توبه کرد با تو

وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٥ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ

و از حد در مگذرید بدرستیکه او بآنچه میکنید بیناست و میل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شما را

النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ١١٦ وَأَقِمِ

آتش و نیست مر شما را از غیر خدا از دوستان پس یاری کرده نشوید و برپا دار

الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ

نماز را در دو طرف روز و در ساعتی از شب بدرستیکه خوبیها میبرد بدیها را

ذٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ ١١٧ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ١١٨

این پندیست مر یادکنندگان را و صبر کن پس بدرستیکه خدا ضایع نمیگذارد اجر نیکوکاران را

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

پس چرا نبودند از اهل قرنها از پیش شما صاحبان خرد باز میداشتند از فساد در زمین

إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ١١٩

مگر اندکی از آنچه نجات دادیم از ایشان و پیروی کردند آنانکه ستم کردند آنچه نعمت داده شدند در آن و بودند گناهکاران

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ١٢٠ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ

و نباشد پروردگارت که هلاک کند اهل قریه‌ها را بستم و کسان آن باشند مصلحان و اگر خواستی پروردگارت

لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذٰلِكَ

هر آینه میگردانید مردم را یک امت و همیشه باشند اختلاف کنندگان مگر آنرا که رحم کرد پروردگارت و برای آن

آبَاؤُهُمْ بفتح همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

طرفی بفتح ف و کسر یا

اولوا بضم همزه بدون واو

خلقهم

لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ

یوسف را در زمین و تا بیاموزیم او را از تاویل احادیث و خدای غالب است بر کار او

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٢٢ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ

ولیکن بیشتر مردم نمیدانند و چون که بقوت برسید دادیم او را حکمت و دانش و

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٢٣ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ

همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را و طلب مراد کرد او را آن زن که در خانهٔ او بود از نفس خود و ببست

الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ

درها را و گفت نزد من آی که من از توام گفت معاذ الله بدرستیکه پروردگار من نیکو ساخت جایگاه مرا بدرستیکه

لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ٢٤ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ

رستگار نمیشوند ستمگاران و بتحقیق قصد کرد بیوسف و قصد کرد بآن اگر ندیدی راه روشن پروردگار خود را

كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ٢٥ وَ

همچنین تا باز گردانیدیم از او بدی و زشتی را بدرستیکه او از بندگان خالص ما بود و

اسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ

پیشی گرفت در را و پاره کرد پیراهنش را از پشت سر و دریافتند عزیز را نزد در گفت زلیخا

مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢٦ قَالَ هِيَ

چیست جزای آنکه اراده باهل تو بدی را مگر آنکه بزندان شود و یا شکنجه پر درد گفت یوسف زنی

رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ

خواست مرا از نفس من و گواهی داد گواهی دهنده از کسان زلیخا اگر شد پیراهن یوسف دریده از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ٢٧ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ

پس راست گفت زلیخا و یوسف از دروغگویانست و اگر شد پیراهنش پاره از پشت سر پس دروغ گفت زلیخا

وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٢٨ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ

و یوسف از راستگویانست پس چون دید پیراهنش را پاره از پشت سر گفت بدرستیکه آن از مکر شما

إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ٢٩ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ

بدرستیکه مکر شما بزرگست ای یوسف اعراض کن از این و ای زلیخا طلب آمرزش کن مر گناه خود را

إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ٣٠ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ

که تو بودی از گناهکاران و گفت زنهای که بودند در مصر زن عزیز طلب کرد

فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٣١ فَلَمَّا سَمِعَتْ

غلام خود را از نفس او بتحقیق که شکافته دل او را از دوستی که ما می بینیم زلیخا را در گمراهی ظاهر پس چون شنید

بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ

زلیخا مکر ایشان را فرستاد بسوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان تکیه گاه و داد هر یک

مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ

از ایشان را کاردی و گفت بیوسف بیرون آی بر ایشان پس چون دیدند او را بزرگ آمد او را و ببریدند دستهای خود را و

قلن

لولا ان رای برهان ربه ... [illegible] ... والسلام ١٢

قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا اِنْ هٰذَآ اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ ٣٢ قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِيْ
گفتند زنان پاکی مر خدای را نیست این آدمی نیست این مگر فرشتهٔ گرامی گفت زلیخا پس این آنکه
لُمْتُنَّنِيْ فِيْهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُّهٗ عَنْ نَّفْسِهٖ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَآ اٰمُرُهٗ
سرزنش میکردید مرا در آن و بتحقیق خواستم اورا از نفس او پس نگاه داشت خودرا و هر گاه نکند آنچه امر میکنم
لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُوْنًا مِّنَ الصّٰغِرِيْنَ ٣٣ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا يَدْعُوْنَنِيْٓ
هر آئینه زندان میکنم و هر آئینه شود از خوار شدگان گفت یوسف پروردگارا زندان محبوب تراست از آنچه میخوانند
اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّيْ كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِّنَ الْجٰهِلِيْنَ ٣٤ فَاسْتَجَابَ
بسوی او و اگر نگردانی از من حیلهٔ این زنان را بسوی ایشان میل کنم و شوم از جاهلان پس اجابت کرد
لَهٗ رَبُّهٗ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ٣٥ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ
مر اورا پروردگار او پس گردانید از او حیلهٔ آن زنان را بدرستیکه او شنونده داناست پس ظاهر شد آنهارا
مِّنْۢ بَعْدِ مَا رَاَوُا الْاٰيٰتِ لَيَسْجُنُنَّهٗ حَتّٰى حِيْنٍ ٣٦ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيٰنِ
از بعد آنچه دیدند آیتها را هر آئینه در زندان کنند اورا تا وقتی و در آمد با یوسف در زندان دو جوان
قَالَ اَحَدُهُمَآ اِنِّيْٓ اَرٰىنِيْٓ اَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْاٰخَرُ اِنِّيْٓ اَرٰىنِيْٓ اَحْمِلُ فَوْقَ
گفت یکی از آنها بدرستیکه من دیدم که میفشردم شراب را و گفت دیگری بدرستیکه من دیدم که بر میداشتم بالای
رَاْسِيْ خُبْزًا تَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَاْوِيْلِهٖٓ اِنَّا نَرٰىكَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ٣٧ قَالَ
سرم نانرا میخوردند مرغان از آن خبرده مارا بتعبیرش بدرستیکه ما ترا از نیکوکاران گفت
لَا يَاْتِيْكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقٰنِهٖٓ اِلَّا نَبَّاْتُكُمَا بِتَاْوِيْلِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّاْتِيَكُمَا ذٰلِكُمَا
یوسف نیاید بشما خوردنی که روزی داده شوید مگر اینکه خبر دهم شمارا بتعبیرش پیش از آنکه بیاید بشما این
مِمَّا عَلَّمَنِيْ رَبِّيْ اِنِّيْ تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ
از آنچه آموخت مرا ربم بدرستیکه من واگذاشتم آئین گروهی را که نگرویدند بخدا و آنها بآخرت ایشان
كٰفِرُوْنَ ٣٨ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ اٰبَآءِيْٓ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ مَا كَانَ لَنَآ
کافرانند و پیروی کردم آئین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب را نیست مارا
اَنْ نُّشْرِكَ بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ
که شریک آوریم بخدا از چیزی این از فضل خداست بر ما و بر مردم ولیکن بیشتر
النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ٣٩ يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ
مردم شکر نمیکنند ای دو رفیق زندان آیا پرستندگان جدا جدا بهترند یا خدای
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٤٠ مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلَّآ اَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ
یگانه غالب نمیپرستید از جز او مگر نامهای چند که نام نهاده اید شما آنرا
وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ اَمَرَ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا
و پدرانتان فرو نفرستاده خدا بآن از حجتی نیست حکم مگر برای خدا امر کرده که نپرستید
اِلَّآ اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ٤١ يٰصَاحِبَيِ
مگر اورا اینست دین درست ولیکن بیشتر مردم نمیدانند ای دو رفیق

یا صاحبی بفتح یاء و کسر باء

یا صاحبی بفتح یاء و کسر باء

السجن اما احدكما فيسقي ربه خمرا واما الاخر فيصلب فتاكل الطير من
زندان اما يكى از شما پس شراب ميدهد پروردگار خود را و اما ديگرى پس آويخته شود پس بخورند مرغان از
راسه قضي الامر الذي فيه تستفتيان ۴۲ وقال للذي ظن انه ناج
سرش حكم كرده شد كارى كه دران تعبير ميپرسيد و گفت مر آنرا كه گمان داشت او نجات يابنده است
منهما اذكرني عند ربك فانسه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن
از آن دو ياد كن مرا نزد پروردگارت پس فراموش گردانيد شيطان ياد كردن پروردگار را پس درنگ كرد در زندان
بضع سنين ۴۳ وقال الملك اني ارى سبع بقرات سمان ياكلهن
هفت سال و گفت پادشاه بدرستيكه من ديدم هفت گاو فربه كه ميخورند آنرا
سبع عجاف وسبع سنبلات خضر واخر يابسات يا ايها الملا افتوني
هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت خشك اى گروه فتوى دهيد مرا
في رءياي ان كنتم للرءيا تعبرون ۴۴ قالوا اضغاث احلام وما
در خوابم اگر باشيد مر خواب را تعبير كنندگان گفتند اين خواب شوريده پريشان است
نحن بتاويل الاحلام بعالمين ۴۵ وقال الذي نجا منهما وادكر بعد
و نيستيم ما بتعبير خواب پريشان دانا و گفت آنكه نجات يافت از آندو و بياد آورد بعد
امة انا انبئكم بتاويله فارسلون ۴۶ يوسف ايها الصديق افتنا
هفت سال من خبر ميدهم شما را بتعبيرش پس بفرستيد يوسف اى راستگو فتوى ده مرا
في سبع بقرات سمان ياكلهن سبع عجاف وسبع سنبلات خضر واخر
در هفت گاو فربه ميخورند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت
يابسات لعلي ارجع الى الناس لعلهم يعلمون ۴۷ قال تزرعون سبع
خشك تا شايد كه برگردم بسوى مردم شايد ايشان بدانند گفت يوسف كه زراعت كنيد
سنين دابا فما حصدتم فذروه في سنبله الا قليلا مما تاكلون ۴۸ ثم
هفت سال بعادت مستمر پس آنچه بدرويد پس واگذاريد در خوشه آن مگر كمى از آنچه ميخوريد پس
ياتي من بعد ذلك سبع شداد ياكلن ما قدمتم لهن الا قليلا مما تحصنون ۴۹
بيايد از بعد اين هفت سال سخت كه بخورند آنچه پيش گذاشته براى آنها مگر اندكى از آنچه نگاه داريد
ثم ياتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون ۵۰ وقال
پس بيايد از بعد اين سالى كه در آن بفرياد رسيده شوند مردم و در آن بيفشرند انگور و گفت
الملك ائتوني به فلما جاءه الرسول قال ارجع الى ربك فسئله ما بال
پادشاه بياريد مرا يوسف را پس چون آمد او را فرستاده گفت برگرد بسوى پروردگارت پس بپرس او را چيست
النسوة الاتي قطعن ايديهن ان ربي بكيدهن عليم ۵۱ قال ما
حال زنانيكه بريدند دستهاى خود را بدرستيكه پروردگار من بمكرشان داناست گفت پادشاه
خطبكن اذ راودتن يوسف عن نفسه قلن حاش لله ما علمنا عليه من سوء
حال شما چون خواستيد يوسف را از نفس او گفتند دور است خدا از عيب نديديم بر او هيچ بدى

اضغاث احلام يعني خوابهاى پريشان كه قابل تعبير نيست ... ۱۲

... ۱۲

مقاصد و مطالب او بسهولت برآيد انشاء الله و السلام ۱۲

قالت

وما ابرئ الجزء الثالث عشر

قالت امرأت العزيز الئن حصحص الحق انا راودته عن نفسه وانه لمن
گفت زن عزیز حال ثابت شد حق من خواستم او را از نفس او و هر آینه او
الصادقين ٥٢ ذلك ليعلم اني لم اخنه بالغيب وان الله لا يهدي كيد
از راستگویانست این برای آنست که بداند عزیز که خیانت نکردم او را بپنهانی و اینکه خدا راه نمینماید مکر
الخائنين ٥٣ وما ابرئ نفسي ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي
خیانتکاران را و تبرئه نمیکنم نفس خود را بدرستیکه نفس هر آینه امر کننده است ببدی مگر آنچه رحم کرد پروردگارم
ان ربي غفور رحيم ٥٤ وقال الملك ائتوني به استخلصه لنفسي فلما
بدرستیکه پروردگارم آمرزنده مهربانست و گفت پادشاه بیاورید او را نزد من تا خالص کنم برای خود پس چون
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين ٥٥ قال اجعلني على خزائن
سخن گفت با او پادشاه گفت بدرستیکه تو امروز نزد ما با جاه امینی گفت یوسف بگردان مرا بر خزینهای
الارض اني حفيظ عليم ٥٦ وكذلك مكنا ليوسف في الارض يتبوأ
زمین که من نگهدارنده دانایم و همچنان جای دادیم یوسف را در زمین جای گیرد
منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر المحسنين ٥٧ و
از آن زمین هر جا که بخواهد میرسانیم رحمت ما را بهر که بخواهیم و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکاران را و
لاجر الاخرة خير للذين امنوا وكانوا يتقون ٥٨ وجاء اخوة يوسف فدخلوا
هر آینه مزد آخرت بهتر است مر آنانرا که گرویدند و بودند پرهیزگاران و آمدند برادران یوسف پس در آمدند
عليه فعرفهم وهم له منكرون ٥٩ ولما جهزهم بجهازهم قال ائتوني
بر آن پس شناخت ایشان را و ایشان او را ناشناسنده و چون بساخت کار ایشان را گفت یوسف بیاورید
باخ لكم من ابيكم الا ترون اني اوفي الكيل وانا خير المنزلين ٦٠ فان لم
برادرتان را از پدرتان آیا نمی بینید که من تمام میپیمایم کیل را و من بهترین فرود آرندگانم پس اگر
تأتوني به فلا كيل لكم عندي ولا تقربون ٦١ قالوا سنراود عنه اباه و
نیاورید مرا پس نیست پیمانه برای شما پیش من و نزدیک نشوید مرا گفتند زود خواهیم فریفت پدرش را و
انا لفاعلون ٦٢ وقال لفتيانه اجعلوا بضاعتهم في رحالهم لعلهم
ما هر آینه کنندگانیم و گفت مر غلامانش را بگردانید مال التجاره ایشانرا در بارهای ایشان شاید ایشان
يعرفونها اذا انقلبوا الى اهلهم لعلهم يرجعون ٦٣ فلما رجعوا الى
بشناسند آنرا چون برگردند بسوی کسان شان شاید ایشان برگردند پس چون برگشتند بسوی
ابيهم قالوا يا ابانا منع منا الكيل فارسل معنا اخانا نكتل وانا له لحافظون ٦٤
پدرشان گفتند ای پدر ما را منع کرده از ما پیمانه پس بفرست با ما برادر ما تا پیمانه کنیم و ما او را نگاهدارندگانیم
قال هل امنكم عليه الا كما امنتكم على اخيه من قبل فالله خير حافظا وهو
گفت آیا امین دارم شما را بر او مگر چنانکه امین کردم شما را بر برادرش از پیش پس خدا بهتر است نگهبان و او
ارحم الراحمين ٦٥ ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت اليهم
مهربانتران مهربانهاست و چون گشودند مال التجاره شانرا یافتند مال التجاره خود را که رد کرده شده بود بسوی ایشان

استخلصه بفتح همزه

تقربون بکسر نون

قالوا

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ
گفتند ای پدر ما چه میخواهیم این است مایه ما که باز پس داده شد بما و بیاوریم طعام برای کسان خود و نگاه میداریم
أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ٦٦ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى
برادر مارا و زیاده میگیریم پیمانه شتری این است پیمانه آسان گفت هرگز نفرستم او را باشما تا آنکه
تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ
بدهید مرا پیمانی از خدا که بیارید او را البته نزد من مگر آنکه احاطه کرده شود بشما پس چون دادند به او پیمان خود را
قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٦٧ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ — یا بنیّ بتقدیر یا بنیّ نوشت
گفت خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است و گفت ای پسران من در نیائید از در یک تنها
وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا
و در آئید از درهای متفرقه و کفایت نمیکنم از شما از خدا از چیزی نیست حکم مگر
لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ٦٨ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ
مر خدا را براو اعتماد میکنم و براو پس باید اعتماد کنند اعتماد کنندگان و چون در آمدند از جائیکه
أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ
امر کرد ایشان را پدر ایشان نبود که کفایت کند از ایشان از خدا هیچ چیز مگر حاجتی بود در نفس یعقوب
قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ وَلَمَّا دَخَلُوا
که بجا آورد آنرا و بدرستیکه او هر آینه صاحب علم است مر آنچه تعلیم دادیم او را و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون در آمدند
عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٧٠
بر یوسف جای داد بسوی او برادرش را گفت بدرستیکه من برادر توام پس محزون مباش بآنچه میکردند
فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا
پس چون بساخت ایشانرا زاد راه ایشان نهاد آبدستانه در بار برادرش پس ندا کرد ندا کننده ای
الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ٧١ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ٧٢ قَالُوا
کاروانیان بدرستیکه شما هر آینه دزدانید گفتند و حال آنکه روی آورده بودند بر ایشان که چه چیز گم شده گفتند
نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ٧٣ قَالُوا تَاللَّهِ
گم کرده ایم شربه پادشاه را و برای آنکه آورد او را بار یک شتر طعام است و من او را ضامنم گفتند قسم بخدا
لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ٧٤ قَالُوا فَمَا
هر آینه بتحقیق دانسته اید که نیامده ایم که فساد کنیم در زمین مصر و نبوده ایم ما دزدان گفتند پس چیست
جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ٧٥ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ — جزاؤه در همه موضع بضمه همزه بدون اشباع هرچند بصورت واو نوشته شده
جزای او اگر باشید دروغ گویان گفتند جزای یابنده شدن کسیست که یافته شود شربه در بار او پس او سزای اوست
كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٧٦ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا
همچنین جزا میدهیم ستمکاران را پس ابتدا کرد به بارهای ایشان پیش از بار برادرش پس بیرون آورد آنرا
مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ
از بار برادرش همچنین چاره کردیم برای یوسف نبود که بگیرد برادرش را در آئین پادشاه مصر

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۷۶ قَالُوا
مگر اینکه بخواهد خدا بلند میکنیم مرتبهای هر که را میخواهیم و بالای هر صاحب دانشی داناتری هست گفتند

إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا
اگر دزدی کرد پس بتحقیق دزدی کرده بود برادرش از پیش پس پنهان داشت آنرا یوسف در دل خود و اظهار نکرد آنرا

لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۷۸ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ
برایشان گفت شما بدترید در منزلت و خدا داناتر است بآنچه وصف میکنید گفتند ای عزیز

إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۷۹ قَالَ
بدرستیکه مر او راست پدری پیر بزرگی پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستیکه ما می بینیم ترا از نیکوکاران گفت

مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ۸۰ فَلَمَّا
معاذ الله اینکه بگیریم مگر آنرا که یافتیم متاع مارا نزد او بدرستیکه ما آنگاه ستمگارانیم پس چون

اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ
نومید شدند از او تنها شدند راز گویان گفت بزرگ ایشان آیا نمیدانید بدرستیکه پدرتان بتحقیق گرفت

عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ
بر شما پیمانی از خدا و از پیش آنچه تقصیر کرده بودید در یوسف پس من نروم زمین را

حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۸۱ ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ
تا آنکه اذن کند مرا پدرم یا حکم کند خدا برایم و او بهترین حکم کنندگانست برگردید بسوی پدرتان

فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ
پس گفتند ای پدر ما بدرستیکه پسرت دزدی کرد و گواهی ندهیم مگر بآنچه دانستیم و نیستیم ما مر نهان را

حَافِظِينَ ۸۲ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا
نگهبان و بپرس از اهل قریه که بودیم در آن و قافله که آمدیم در آن و بدرستیکه ما

لَصَادِقُونَ ۸۳ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ
هر آینه راستگوییم گفت بلکه خوب وانمود کرد برایتان نفسهاتان کاری را پس کار من صبر است نیک شاید خدا که

يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۸۴ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى
بیاورد ایشان را بمن همه بدرستیکه او داننده درست کردار است و رو بگردانید از ایشان و گفت ای اندوه

عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ۸۵ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَؤُ
بر یوسف و سفید شد دو چشمش از اندوه پس او بر خشم فرو برنده گفتند بخدا که همیشه باشی

تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ۸۶ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو
که یاد کنی یوسف را تا شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان گفت جز این نیست که شکایت میکنم

بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۸۷ يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا
پریشانی و اندوهم بسوی خدا و میدانم از خدا آنچه را نمیدانید ای پسران من بروید پس جستجو کنید

مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ
از یوسف و برادرش و نومید نشوید از فرج خدا بدرستیکه او نومید نمیشود از فرج خدا

افترتم
یعنی تقصیر کردید و در تعقیب وی بد کردید
۱۲

حاجت
یعنی آنچه برادرش کرد نسبت بمن کرد و دشمن بود با فراق یوسف
آن سخن ناخوش را در دل پنهان داشت و گفت
شما بدتر و لیکن برادری
و ریشه ذات ایشان او
از زاده همه بود
۱۲

الا

إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ۸۸ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ
مگر گروه کافران پس چون در آمدند بر او گفتند ای عزیز
مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ
مس کرده است ما را و کسان ما را بدی و آورده‌ایم بضاعت کم پس تمام ده مر ما را پیمانه و تصدق کن
عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ۸۹ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ
بر ما بدرستیکه خدا جزا میدهد صدقه دهندگان را گفت آیا دانستید آنچه کردید بیوسف و
أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۹۰ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ
برادرش چون بودید جاهلان گفتند آیا بدرستیکه تو هر آینه توئی یوسف گفت من یوسفم و
هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۹۱
این است برادر من بتحقیق منت گذاشت خدا بر ما بدرستیکه هر که بپرهیزد و صبر کند پس بدرستیکه خدا ضایع نمیکند اجر نیکوکاران را
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ۹۲ قَالَ لَا تَثْرِيبَ
گفتند بخدا هر آینه برگزید خدا ترا بر ما و اگرچه بودیم ما هر آینه خطاکاران گفت نیست سرزنشی
عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۹۳ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي
بر شما امروز بیامرزد خدا برای شما و او است مهربانترین مهربانان ببرید پیراهن مرا
هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ۹۴ وَلَمَّا
این پس بیندازید آنرا بر روی پدرم بیاید بینا و بیارید نزد من کسان شما را همه و چون
فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ۹۵
جدا شد از مصر قافله گفت پدرشان بدرستیکه من هر آینه میشنوم بوی یوسف را اگر نه افترا بسفه نسبت دهید مرا
قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ۹۶ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى
گفتند بخدا که تو باشی هر آینه در غلطی که در سابق بود پس چون که آمد مژده دهنده افکند آنرا بر
وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۹۷ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۹۸
رویش پس گردید بینا گفت آیا نگفتم برای شما بدرستیکه من میدانم از خدا آنچه را نمیدانید
قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ۹۹ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ
گفتند ای پدر ما آمرزش خواه برای ما گناهان ما را بدرستیکه ما بودیم خطاکاران گفت زود باشد که آمرزش طلبم
لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۱۰۰ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ
برای شما از پروردگارم بدرستیکه او آمرزنده مهربان است پس چون در آمدند بر یوسف جای داد بسوی خود
أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ۱۰۱ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ
والدینش و گفت در آیید در مصر اگر خواهد خدا ایمنان و بالا برد والدینش را بر تخت و
خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا
و افتادند مر او را سجده کنندگان و گفت ای پدر این است تعبیر خوابم از پیش بتحقیق گردانید آنرا پروردگارم حق
وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ
بتحقیق خوبی کرد بمن چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از بادیه و از بعد آنکه افساد کرد

ولاجد ریح یوسف
روایت است که یعقوب
بوی پیراهن را از هشتاد
فرسخ راه شنیده بود باد
صبا باذن خدا او را
بمشام یعقوب میرسانید

۱۲ آیه
قوله تعالی شانه
فلما دخلوا الی الحکیم
چون کسی آمده باشد محبوس
کرده باشند ناحق
این آیات را بنویسند
بر آب روی است ببندند
بعد از آن برخواندن
این آیات مداومت
نماید خلاص شود
انشاء الله
۱۲
ان تفندون
بکسر نون ثانی

استغفر
بفتح همزه

الشیطان بینی وبین اخوتی ان ربی لطیف لما یشاء انه هو العلیم
شیطان میان من و میان برادرانم بدرستیکه پروردگار من لطف کننده است مر آنرا که خواهد بدرستیکه او دانا
الحکیم ۱۰۰ رب قد اتیتنی من الملک وعلمتنی من تاویل الاحادیث
درست کردار است ای پروردگار بتحقیق دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از تعبیر حدیثها
فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا والاخرة توفنی مسلما
پدید آورنده آسمانها و زمین توئی یار من در دنیا و آخرت بمیران مرا منقاد
والحقنی بالصالحین ۱۰۱ ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک وما کنت
و در رسان مرا بشایستگان این از خبرهای نهفت میفرستیم آنرا بسوی تو و نبودی تو
لدیهم اذ اجمعوا امرهم وهم یمکرون وما اکثر الناس ولو حرصت
نزد آنها هنگامیکه اتفاق کردند کارشان را و آنها مکر میکردند و نباشد بیشتر مردم و اگر باشی تو حریص
بمؤمنین ۱۰۳ وما تسئلهم علیه من اجر ان هو الا ذکر للعالمین ۱۰۴
بگروندگان و نمیخواهی ایشان را برو هیچ مزدی نیست او مگر پندی مر جهانیان را
وکاین من ایة فی السموات والارض یمرون علیها وهم عنها معرضون ۱۰۵
و بسا از آیتها در آسمانها و زمین که میگذرند برآنها و ایشان از آنها روگردانندهاند
وما یؤمن اکثرهم بالله الا وهم مشرکون ۱۰۶ افامنوا ان تاتیهم غاشیة
و نگروید بیشترشان بخدا مگر و ایشان اشراک کنند آیا پس ایمن شدند از آنکه آید ایشانرا فرو گیرنده
من عذاب الله او تاتیهم الساعة بغتة وهم لا یشعرون ۱۰۷ قل هذه سبیلی
از شکنجه خدا یا آید ایشانرا رستخیز ناگاه و ایشان نمیدانند بگو این است طریقه من
ادعوا الی الله علی بصیرة انا ومن اتبعنی وسبحان الله وما انا من المشرکین ۱۰۸
که میخوانم بسوی خدا بر بینائی من و آنکه پیروی کرد مرا و منزه است خدا و نیستم من از مشرکان
وما ارسلنا من قبلک الا رجالا نوحی الیهم من اهل القری افلم یسیروا
و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانی که وحی میکردیم بایشان از اهل قریهها آیا پس سیر نکنند
فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم ولدار الاخرة
در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام آنانکه بودند پیش از ایشان و براینه سرای آخرت
خیر للذین اتقوا افلا تعقلون ۱۰۹ حتی اذا استیاس الرسل وظنوا انهم
بهتر است برای آنانکه پرهیزگاری کردند آیا پس نمییابید خرد تا وقتیکه نومید شدند رسولان و گمان بردند که ایشان
قد کذبوا جاءهم نصرنا فنجی من نشاء ولا یرد باسنا عن القوم المجرمین ۱۱۰
بتحقیق دروغگو شدهاند آمد ایشانرا یاری ما پس رهانیده شد آنکه ما خواستیم و برگردانیده نمیشود عذاب ما از گروه گنهکاران
لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری و
هر آینه بتحقیق بود در قصههای ایشان پندی مر صاحبان خردها را نبود سخنی که بدروغ بسته شود
لکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل کل شیء وهدی ورحمة لقوم یؤمنون
لیکن تصدیق آن چیزیست میان دو دستش و بیان همه چیز است و هدایت و رحمت است مر گروهی که میگروند

فنجّی بتشدید جیم

بسم الله

(١٣) سورة الرعد ثلث واربعون اية وهي مدنية
نزلت بعد سورة محمد

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند مهربان بخشنده

الٓمٓرٰ تلك ايات الكتاب والذي انزل اليك من ربك الحق ولكن اكثر
اينست آيتهاي كتاب وآنچه فرو فرستاده شد بسوي تو از پروردگارت حق است ولكن بيشتر
الناس لا يؤمنون ٢ الله الذي رفع السموات بغير عمد ترونها ثم استوى
مردمان نميگروند خداست آنكه برافراشت آسمانها را بدون ستونهائي كه ببينيد آنرا پس مستولي
على العرش وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى يدبر الامر يفصل
شد بر عرش ومسخر كرد آفتاب وماه را هر يك ميرود تا وقتي نام برده شده تدبير ميكند كار را بيان ميكند
الايات لعلكم بلقاء ربكم توقنون ٣ وهو الذي مد الارض وجعل
آيات را شايد شما بملاقات پروردگارتان يقين كنيد واوست كه وسعت داد زمين را وگردانيد
فيها رواسي وانهارا ومن كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين يغشي الليل
در آن كوههاي استوار ونهرها واز همه ميوهها گردانيد در آن دو صنف دوگانه ميپوشاند بشب
النهار ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون ٤ وفي الارض قطع متجاورات
روز را بدرستيكه در اين هر آينه آيتهاست براي گروهي كه فكر ميكنند ودر زمين قطعههاست نزديك بهم
وجنات من اعناب وزرع ونخيل صنوان وغير صنوان يسقى بماء واحد
وبوستانها از انگورها وكشت ودرختان خرما دو تا از يك اصل وغير آن سيراب كرده ميشود بيك آب
ونفضل بعضها على بعض في الاكل ان في ذلك لايات لقوم يعقلون ٥
وزيادتي ميدهيم برخي از آنها را بر برخي در ميوه بدرستيكه در اين هر آينه آيتهاست براي گروهي كه ميابند بعقل
وان تعجب فعجب قولهم ءاذا كنا ترابا ءانا لفي خلق جديد ٦ اولئك الذين
واگر عجب ميداري پس عجيبست گفتارشان كه آيا چون بوديم خاك آيا ما هر آينه خواهيم بود در آفرينش تازه اين گروه آنانند
كفروا بربهم واولئك الاغلال في اعناقهم واولئك اصحاب النار
كه كافر شدند بپروردگارشان واين گروه باشد غلها در گردنهاشان واينانند اهل آتش
هم فيها خالدون ٧ ويستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة وقد خلت من
ايشان در آن جاويدانند وبشتاب ميخواهند از تو بدي را پيش از خوبي وبتحقيق رفت
قبلهم المثلات وان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم وان ربك
پيش از ايشان عقوبتها وبدرستيكه پروردگارت هر آينه صاحب مغفرتست مر مردمان را بر ستمكاريشان وبدرستيكه پروردگار تو
لشديد العقاب ٨ ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه اية من ربه
هر آينه سخت عقوبتست وميگويند آنانكه كافر شدند چرا فرو فرستاده نشد براو آيتي از پروردگارش
انما انت منذر ولكل قوم هاد ٩ الله يعلم ما تحمل كل انثى وما
جز اين نيست تو بيم كننده وبراي هر گروهي راه نماينده خدا ميداند آنچه را بر ميدارد هر ماده وآنچه

سورة رعد... [illegible]
الٓمٓرٰ
لام وميم وصاد ميگويد...
كه بهر سوره خداي تعالي ياد كرده باشند واز حضرت صادق روايت شده كه هر كه سوره رعد را بخواند حق تعالي ... داخل بهشت گرداند ... وهم از آنحضرت منقول است كه ... سوره را بنويسد ... [illegible]
الٓمٓرٰ الي قوم يعقلون
... [illegible]

١٢

تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ١٠ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
کم میکند رحمها وآنچه زیاد میکند و هر چیزی نزد او باندازه است داننده نهان و آشکار است

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ١١ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ
بزرگ و برتر است یکسانست از شما آنکه پوشید گفتن را و هر که آشکار گردانید آنرا و هر که پنهان شونده است

بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ١٢ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
بشب و آشکار است بروز مراو راست از پی در آینده ها پیش دو دستش و از پشت آن

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ
نگاهداری میکنند آنرا از امر خدا بدرستیکه خدا تغییر نمیدهد آنچه باقومیست تا وقتیکه تغییر دهند آنچه بنفسهای ایشانست

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ١٣ هُوَ
چون خواهد خدا بگروهی بدی را پس برگردانیدن نباشد آنرا و نیست مر ایشانرا از غیر او هیچ والی اوست

الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ١٤ وَيُسَبِّحُ
آنکه مینماید شما را برق را از راه بیم و امید و پدید میآورد ابرهای گرانبار را و تسبیح میکند

الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ
رعد بستایش او و فرشتگان از بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد

وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ١٥ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ
وایشان مجادله میکنند در خدا و او سخت قوتست مراو راست دعوت حق و آنانکه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ
میخوانند از غیر او اجابت نمیکنند مر ایشانرا بچیزی مگر مانند دراز کشاینده دو دستش بسوی آب تا برساند

فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ١٦ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ
بدهنش و نیست آن رسنده بآن و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی و مر خدا را سجده میکند هر که

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ١٧
در آسمانها و زمینست خواه و ناخواه و سایه هاشان در بامداد و شبانگاه

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدای بگو آیا پس گرفتید از غیر او دوستان

لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ
مالک نمیباشند از برای خودهاشان سودی و نه زیانی بگو آیا یکسانست نابینا و بینا یا

هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ
آیا یکسانست تاریکیها و روشنی آیا قرار دادند برای خدا شریکان که آفریدند چون آفریدن او پس مشتبه شد

الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ١٨ أَنْزَلَ مِنَ
آفریده برایشان بگو خداست آفریننده هر چیز و اوست یکتای غالب فرو فرستاد از

السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا
آسمان آب پس روان شد رودخانه ها باندازه اش پس برداشت آب روان کفی را و از آنچه

قوله تعالی سابه [illegible]

شنیدن نعت حزن خواهد چیزی ببیند که سبز باشد بیشتر دختر خواهد که موضع خفتن معمور کند بداند که مرغی بهتر شود از اول انکه طهارت کند و بوی خوش بکار برد و در دو شنبه روزه دارد و شب در طهارت بخوابد و در صبح دو شنبه پیش از طلوع آفتاب این آیت را بر خرقه سبز بنویسد بگلاب و زعفران از آن بعد و عنبر بوی کند پس خرقه را در خرقه سبز بندد و پوشد چنانچه آفتاب و مهتاب نبیند پس شب چهارشنبه بخوابگاه خود آید و گوید عالم خفیات الامور یا من هو علی کل شیء قدیر طلبی کذا یا رب اینکه علی کل شیء قدیر بعد از آن ذکر میگوید و در ذکر گفتن بخواب رود پس آنچه مطلوب باشد بخواب ببیند اگر خدا خواست

(مجرب)

مطلوب و حاصل نشود روز پنجشنبه روزه دارد و شب همان دستور عمل کند البته در خواب مطلوب خود را ببیند والسلام والاکرام ان شاء الله ١٢

قل افاتخذتم بفتح فا بعد همزه و تشدید تا همزه دعیه همزه وصل است

يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية او متاع زبد مثله كذلك

می افروزند بر آن در آتش از برای طلب پیرایه یا بایستنی کفیست مانند آن همچنین

يضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فيذهب جفاء واما ما ينفع

میزند خدا حق و باطل را پس اما کف پس میرود و اندازه شده و اما آنچه سود میدهد

الناس فيمكث في الارض كذلك يضرب الله الامثال للذين استجابوا

مردمان را پس درمی‌ماند در زمین همچنین میزند خدا مثلها برای آنانکه اجابت کردند

لربهم الحسنى والذين لم يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض جميعا ومثله

پروردگار خود را نیکوئی و آنانکه اجابت نکردند مراورا اگر باشد مرایشان را آنچه در زمین است همه و مانند آن

معه لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب وماواهم جهنم وبئس المهاد ١٩

با او هر آینه فدا داده بودند آن را آنگروه مرایشان راست بدی حساب و جای ایشان دوزخ است و بد بستریست

افمن يعلم انما انزل اليك من ربك الحق كمن هو اعمى انما يتذكر اولوا

آیا پس آنکه میداند که آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت حق است چون کسیست که او کور است جز این نیست پند میگیرند صاحبان

الالباب ٢٠ الذين يوفون بعهد الله ولا ينقضون الميثاق ٢١ والذين

خردها آنانکه وفا میکنند بپیمان خدا و نمی‌شکنند پیمان را و آنانکه

يصلون ما امر الله به ان يوصل ويخشون ربهم ويخافون سوء الحساب ٢٢

وصل میکنند آنچه را امر کرد خدا به آن که پیوند کرده شود و میترسند پروردگار ایشان را و بیم دارند بدی حساب را

والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم

و آنانکه صبر کردند برای طلب وجه پروردگار ایشان و برپا داشتند نماز را و انفاق کردند از آنچه روزی دادیم ایشان را

سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة اولئك لهم عقبى الدار ٢٣

پنهان و آشکارا و دفع میکنند بنیکوئی بدی را آنگروه مرایشان راست عاقبت آن سرای

جنات عدن يدخلونها ومن صلح من اباىهم وازواجهم وذرياتهم

بهشتهای دائمی داخل شوند در آن و آنکه نیک شد از پدران ایشان و جفتهای ایشان و فرزندان ایشان

والملئكة يدخلون عليهم من كل باب ٢٤ سلام عليكم بما صبرتم فنعم

و فرشتگان داخل شوند بر ایشان از هر دری درود بر شما بانچه صبر کردید پس خوبست

عقبى الدار ٢٥ والذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون

انجام آن سرای و آنانکه میشکنند پیمان خدا را از بعد استواریش و میبرند

ما امر الله به ان يوصل ويفسدون في الارض اولئك لهم اللعنة ولهم

آنچه را امر کرد خدا به آن که پیوند کرده شود و فساد میکنند در زمین آنگروه مرایشان راست لعنت و مرایشان راست

سوء الدار ٢٦ الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر وفرحوا بالحيوة

بدی آن سرای خدا وسعت میدهد روزی را برای هر که بخواهد و تنگ میکند و شاد شدند بزندگی

الدنيا وما الحيوة الدنيا في الاخرة الا متاع ٢٧ ويقول الذين كفروا

این و نیست زندگی دنیا در آخرت جز متاعی و میگویند آنانکه کافر شدند

نصف

اولوا بضمه همزه بعد واو

لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْٓ اِلَيْهِ

چرا فرو فرستاده نشد براو آیتی از پروردگارش بگو بدرستیکه خدا گمراه کند هر کرا خواهد و راه نماید بسوی خود

مَنْ اَنَابَ ۲۸ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ

کسیرا که بازگشت کرد آنانکه گرویدند و می آرامد دلهاشان بذکر خدا آگاه باشید بذکر خدا می آرامد

الْقُلُوْبُ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ مَاٰبٍ ۲۹ كَذٰلِكَ

دلها آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته خوشی مر ایشانراست و نیکوئی بازگشت همچنان

اَرْسَلْنٰكَ فِيْٓ اُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَآ اُمَمٌ لِّتَتْلُوَا عَلَيْهِمُ الَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ

فرستادیم ترا در امتی که گذشته پیش از آن امتها تا بخوانی برایشان آنچه وحی کردیم بسوی تو

وَهُمْ يَكْفُرُوْنَ بِالرَّحْمٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ

و ایشان کافر میشوند برحمن بگو اوست پروردگارم نیست خدائی غیر او براو توکل کردم و بسوی اوست

مَتَابِ ۳۰ وَلَوْ اَنَّ قُرْاٰنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كُلِّمَ

بازگشت من و اگر آنکه میبود قرآنی که برکنده شده باشد بآن کوهها یا پاره شده باشد بآن زمین یا سخن گفته شود

بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِّلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِيْعًا اَفَلَمْ يَايْـَٔسِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ لَّوْ يَشَآءُ اللّٰهُ لَهَدَى

بآن مردگان بلکه مر خدا راست امر همگی آیا پس نا امید نشدند آنانکه ایمان آوردند که اگر میخواست هر آینه راه نمودی

النَّاسَ جَمِيْعًا ۳۱ وَلَا يَزَالُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا تُصِيْبُهُمْ بِمَا صَنَعُوْا قَارِعَةٌ اَوْ

مردمان را همه و همیشه آنانرا که کافر شدند میرسد مصیبتی بایشان بآنچه کردند سختی یا

تَحُلُّ قَرِيْبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتّٰى يَاْتِيَ وَعْدُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ۳۲ وَلَقَدِ

فرود میآید نزدیک از خانهاشان تا بیاید وعده خدا بدرستیکه خدا خلاف نکند وعده را و هر آینه تحقیق

اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَاَمْلَيْتُ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ

استهزا کرده شد برسولان پیش از تو پس مهلت دادم مرآنانرا که کافر شدند پس گرفتم ایشانرا پس چگونه باشد

عِقَابِ ۳۳ اَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلٰى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوْهُمْ

عقوبت کردن آیا پس آنکه او نگهبانست بر هر نفسی بآنچه کسب کرد و قرار دادند برای خدا شریکان بگو نام برید ایشانرا

اَمْ تُنَبِّئُوْنَهٗ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْاَرْضِ اَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا

بلکه خبر میدهید او را بآنچه نمیداند در زمین بلکه بظاهر از گفت بلکه آراسته شد برای آنانکه کافر شدند

مَكْرُهُمْ وَصُدُّوْا عَنِ السَّبِيْلِ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ۳۴ لَهُمْ

مکرشان و بازداشته شدند از راه و هر کرا اضلال کند خدا پس نیست مراو را هیچ راهنمائی مر ایشانراست

عَذَابٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ۳۵

عذابی در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت ترست و نیست مر ایشانرا از خدا هیچ نگهدارنده

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ اُكُلُهَا دَآئِمٌ وَّظِلُّهَا

صفت بهشتی که وعده داده شدند پرهیزگاران روانست از زیر آن نهرها میوه اش دائم است و سایه اش

تِلْكَ عُقْبَى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّعُقْبَى الْكٰفِرِيْنَ النَّارُ ۳۶ وَالَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ

اینست سرانجام آنانکه پرهیز کردند و عاقبت کافرانست آتش و آنانکه دادیم ایشانرا

الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا
کتاب شاد میشوند بآنچه فرو فرستاده شد بسوی تو و از طوایف دشمن کیست که انکار میکند برخی از آن را بگو جز این نیست
أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَآبِ ٣٧ وَكَذَٰلِكَ
فرموده شدم که بپرستم خدا را و شریک نیاورم با او بسوی او میخوانم و بسوی او بازگشت من و همچنین
أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ
فرو فرستادیم حکمی عربی و هر آینه اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان بعد از آنچه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا
مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ٣٨ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا
از خدا هیچ دوست و نگهدارنده و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم رسولانی پیش از تو و گردانیدیم
لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ
برای ایشان جفتها و فرزندان و نباشد مر رسولی را که بیاورد معجزه مگر باذن خدا از برای هر
أَجَلٍ كِتَابٌ ٣٩ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ٤٠ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ
اجلی نوشته است محو میکند خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد و نزد اوست اصل کتاب و اگر بنمائیم ترا
بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ٤١
برخی از آنچه وعده کرده ایم ایشان را یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست بر تست رسانیدن و بر ماست حساب
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ
آیا ندیدند که ما آمدیم فرمان خود از زمین را که کم میکنیم آنرا از اطراف آن و خدا حکم میکند نیست از پی در آینده حکمش را
وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٤٢ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ
و اوست زود حساب و بتحقیق مکر کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس مر خدا راست مکر تمامی میداند
مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ٤٣ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا
آنچه کسب میکند هر نفسی و زود باشد که بدانند کافران که برای کیست انجام آن سرای و میگویند آنانکه کافر شدند
لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ
که نیستی تو فرستاده شده بگو کافیست خدا گواه میان من و میان شما و آنکه نزد اوست ام الکتاب

(١٤) سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنَتَانِ وَخَمْسُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا آیتی ٣٣ - ٣٤ که نیز در زنت لعد ر ع ح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

الٓر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
این کتابیست که فرو فرستادیم آنرا بسوی تو تا بیرون آوری مردمان را از تاریکیها بسوی روشنی بدستوری پروردگارشان
إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ١ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
بسوی راه آن غالب ستوده خدائی که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در
الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ٢ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ
زمین است و وای برکافران از عذابی سخت آنانکه میگزینند زندگانی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون کسی گرسنه باشد سه نوبت سوره رعد را بخواند سیر شود و اگر از حرزه برکت و تجارت او ... ۱۲

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر کس تلاوت کند سوره ابراهیم حق تعالی بعدد ... ۱۲

الر لا امر حد صیغو احد

الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا اُولٰئِكَ
دنیا را بر آخرت و باز میدارند از راه خدا و میخواهند اورا کجی آن گروه

فِیْ ضَلٰلٍ بَعِيْدٍ ۳ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهٖ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ
در گمراهی دور از حق و نفرستادیم هیچ رسولی را مگر بزبان قوم خویش تا بیان کند مر ایشان را

فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِیْ مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۴ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا
پس اضلال کند خدا هر که را میخواهد و راه نماید هر که را میخواهد و اوست غالب درست کردار و هر آینه بتحقیق فرستادیم

مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَآ اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَذَكِّرْهُمْ بِاَيّٰمِ
موسی را با آیات ما که بیرون آور قوم خود را از تاریکیها بسوی روشنی و پند ده آنها را بروزهای

اللّٰهِ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ۵ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهِ
خدا بدرستیکه در این همه آینه علامتهاست برای هر صبر کننده شکر گزاری و چون گفت موسی مر قومش را

اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجٰىكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ
که یاد کنید نعمتهای خدا را بر شما را که چون رها نید شما را از آل فرعون که عذاب میکردند بدی عذاب

وَيُذَبِّحُوْنَ اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ وَفِیْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ۶
و می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند زنان شما را و در این شما را بود آزمایشی از پروردگار شما بزرگ

وَاِذْ تَاَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيْدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِیْ
و هنگامیکه اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کردید هر آینه زیاده میدهم شما را و اگر کفران کردید بدرستیکه عذاب من

لَشَدِيْدٌ ۷ وَقَالَ مُوْسٰۤى اِنْ تَكْفُرُوْۤا اَنْتُمْ وَمَنْ فِی الْاَرْضِ جَمِيْعًا فَاِنَّ اللّٰهَ
هر آینه سخت است و گفت موسی اگر کفران ورزید شما و هر که در زمین است همه پس بدرستیکه خدا

لَغَنِیٌّ حَمِيْدٌ ۸ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ ۹
هر آینه بی نیاز ستوده است آیا نیامد شما را خبر آنانکه بودند پیش از شما قوم نوح و عاد و ثمود

وَالَّذِيْنَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّوْۤا
و آنانکه بودند پس از ایشان نمیداند ایشان را مگر خدا آمدند ایشان را رسولان ایشان بمعجزات پس باز گردانیدند

اَيْدِيَهُمْ فِیْۤ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْۤا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَاۤ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ وَاِنَّا لَفِیْ شَكٍّ مِّمَّا
دستهای شان را در دهنهای شان و گفتند که ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید بآن و بدرستیکه ما هر آینه در شکیم از آنچه

تَدْعُوْنَنَاۤ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۱۰ قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِی اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَ
میخوانید ما را بسوی آن که بگمان اندازنده است گفتند رسولان شان آیا در خدا باشد شکی پدید آرنده آسمانها

الْاَرْضِ يَدْعُوْكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۱۱
و زمین است میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را از گناهان و با تاخیر اندازد شما را تا وقت معین

قَالُوْۤا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيْدُوْنَ اَنْ تَصُدُّوْنَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ
گفتند نیستید شما بجز آدمیزاده مانند ما میخواهید که باز دارید ما را از آنچه بود که میپرستیدند

اٰبَآؤُنَا فَاْتُوْنَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۱۲ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ اِنْ نَّحْنُ اِلَّا بَشَرٌ
پدران ما پس بیارید ما را حجتی آشکارا گفتند مر ایشان را رسولان شان نیستیم ما بجز انسانی

ولا يستحق لي اگر کتب الی الحمید این آیت را در رقعه بنویسند و بآب خالص بشویند این آبرا چهل بار بر آن آیت بخوانند و در شیشه نگاه دارند بیاشامند علوم برایشان کشاده گردد اگر این آیت را بر کاغذ بنویسند و از آب باران بشویند و چند دفعه بخورند شک و احمقی بدر از دل ایشان زایل گردد انشاء الله تعالی
۱۲

اٰبَآؤُنَا بضمه همزه بعد واو

مِّثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۭ وَمَا كَانَ لَنَآ اَنْ نَّاْتِيَكُمْ

مانند شما ولیکن خدا منت میگذارد بر هر که بخواهد از بندگانش و نبا شد برای ما که بیاوریم شما را

بِسُلْطٰنٍ ١٤ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۭ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ١٥ وَمَا لَنَآ

حجتی مگر بفرمان خدا و بر خدا پس توکل دارند گروندگان و چیست مر ما را

اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنَا سُبُلَنَا ۭ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلٰى مَآ اٰذَيْتُمُوْنَا ۭ وَعَلَى

که توکل نداشته باشیم بر خدا و بتحقیق که راه نمود ما را براه ما و هر آینه صبر خواهیم بر آنچه رنجانیدند ما را و بر

اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ١٦ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ

خدا پس باید توکل کنند توکل کننده گان و گفتند آنانکه کافر شدند مر رسولان شانرا البته بیرون سازیم شما را از

اَرْضِنَآ اَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِيْ مِلَّتِنَا ۭ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِيْنَ ١٧

زمین خود مان یا هر آینه بر میگردید در کیش ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگارشان هر آینه البته هلاک کنیم ستمکاران را

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۭ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِيْ وَخَافَ وَعِيْدِ ١٨

و هر آینه ساکن گردانیم شما را در زمین پس از ایشان این برای آنست که بترسید از مقام من و ترسید از وعده عذابم

وَاسْتَفْتَحُوْا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ١٩ مِّنْ وَّرَاۗىِٕهٖ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّاۗءٍ

و طلب فتح کردند و نومید شد هر سرکش حق ناپذیر از پس او دوزخ است و آب داده شوند از آب

صَدِيْدٍ ٢٠ يَّتَجَرَّعُهٗ وَلَا يَكَادُ يُسِيْغُهٗ وَيَاْتِيْهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّمَا

که چرک است جرعه جرعه آشامند و نزدیک نیست که فرو برد آنرا و بیاید او را مرگ از همه جا و نیست

هُوَ بِمَيِّتٍ ۭ وَمِنْ وَّرَاۗىِٕهٖ عَذَابٌ غَلِيْظٌ ٢١ مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ اَعْمَالُهُمْ

او مرده و از پس او عذابیست سخت مثل آنانکه کافر شدند بپروردگارشان کردارشان

كَرَمَادِ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ يَوْمٍ عَاصِفٍ ۭ لَا يَقْدِرُوْنَ مِمَّا كَسَبُوْا عَلٰي

چون خاکستریست که بوزد بر آن باد سخت در روز تند باد که قادر نباشند از آنچه کسب کردند بر

شَيْءٍ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ٢٢ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

چیزی اینست آن گمراهی دور از حق آیا نمی بینی بدرستیکه خدا آفرید آسمانها و زمین

بِالْحَقِّ ۭ اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ٢٣ وَّمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ ٢٤

براستی اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفرینش تازه و نباشد این بر خدا دشوار

وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ جَمِيْعًا فَقَالَ الضُّعَفٰۗؤُا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ

و ظاهر شدند خدا را همه پس گفتند ضعیفان مر آنانرا که طلب بزرگی میکردند بدرستیکه بودیم ما مر شما را پیروان پس آیا

اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ۭ ٢٥ قَالُوْا لَوْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَهَدَيْنٰكُمْ ۭ

شمائید کفایت کنندگان از ما از عذاب خدا از چیزی گفتند اگر راه نموده بود ما را خدا هر آینه هدایت میکردیم شما را

سَوَاۗءٌ عَلَيْنَآ اَجَزِعْنَآ اَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيْصٍ ٢٦ وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ

یکسانست بر ما خواه بیقراری کنیم یا صبر کنیم که نیست ما را هیچ گریزگاهی و گفت گمراه کننده ابلیس چون گذشته شد کار

الْاَمْرُ اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُّكُمْ فَاَخْلَفْتُكُمْ ۭ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ

کار بدرستیکه خدا وعده کرد شما را وعده راست و وعده کردم شما را پس خلاف کردم شما را و نبود مرا بر شما

لی بکسر لام و فتح یا

قوله تعالی شانه العزیز وقال الذین کفروا الی غلیظ این آیت را بنویسند ... از لوح خشت ... و آن را بروز چهار شنبه ... آفتاب ... زمین مزرع یا باغ ... وقت دفن کردن ... از کرم و موش محفوظ ماند والسلام ١٢

قوله تعالی شانه العزیز وقالت الرسل الی المتوکلون این آیت را بنویسد و با خود دارد ... و اگر کسی را بچشم زخم رسیده باشد ... آب کند و این آیه بر آن خواند ... و اگر این آیت بر قدح آب خواند ... اگر این آیت را شب بر نیت ... امین دشمنان اینها ١٢

مِنْ سُلْطَانٍ اِلَّآ اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِيْ فَلَا تَلُوْمُوْنِيْ وَلُوْمُوْٓا اَنْفُسَكُمْ مَآ

هیچ تسلطی بجز آنکه خواندم شما را پس اجابت کردید مرا پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید خودتان را

اَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ اِنِّيْ كَفَرْتُ بِمَآ اَشْرَكْتُمُوْنِ مِنْ قَبْلُ اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ

نیستم من فریادرس شما و نیستید شما فریادرس من بدرستیکه من کافر شدم بانچه شریک گردانیدید مرا از پیش بدرستیکه ستمکاران

لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ٢٨ وَاُدْخِلَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ

مر ایشان راست عذابیست دردناک و درآورده شوند آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهائی که میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ ٢٩ اَلَمْ

از زیر آنها نهرها جاوید باشند در آنها بفرمان پروردگار ایشان درآنها سلام است آیا

تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَّفَرْعُهَا

ندیدی چگونه زد خدا مثل را کلمهٔ پاکیزه چون درخت پاکیزه است که اصل آن ثابتست و فرع آن

فِي السَّمَآءِ ٣٠ تُؤْتِيْٓ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍۢ بِاِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ

در آسمان است داده شود میوه اش همه وقت بفرمان پروردگارش و میزند خدا مثلها

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ٣١ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيْثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيْثَةِ اجْتُثَّتْ مِنْ

برای مردمان شاید ایشان پند گیرند و مثل کلمهٔ خبیثه چون درخت پلیداست که ریشه کن باشد از

فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ٣٢ يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

بالای زمین که نباشد مر آنرا هیچ قراری ثابت میدارد آنانرا که ایمان آوردند بگفتار ثابت در

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ وَيُضِلُّ اللّٰهُ الظّٰلِمِيْنَ وَيَفْعَلُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ ٣٣

زندگانی دنیا و در آخرت و گمراه میگذارد خدا ستمگاران را و میکند خدا آنچه میخواهد

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَّلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَّاَحَلُّوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ٣٤ جَهَنَّمَ

آیا ندیدی بسوی آنانکه بدل کردند نعمت خدا را بکفر و فرود آوردند قوم خود را بسرای هلاکت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ٣٥ وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا لِّيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِهٖ قُلْ

درآیند آنرا و بداست آن قرارگاه و قرار دادند برای خدا مانندها تا گمراه کنند از راه او بگو

تَمَتَّعُوْا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ ٣٦ قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

تمتع گیرید پس بدرستیکه بازگشت شما باتش است بگو مر بندگان مرا آنانکه ایمان آوردند که برپا دارند نماز را

وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا

و انفاق کنند از آنچه روزی شان دادیم پنهان و آشکار از پیش آنکه بیاید روزیکه نیست بیعی در آن و نه

خِلٰلٌ ٣٧ اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجَ

دوستی خداست آنکه آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب پس بیرون آورد

بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ وَسَخَّرَ لَكُمُ

بان از میوه ها روزی برای شما و مسخر کرد برای شما کشتی را تا روان گردد در دریا بفرمان او و مسخر کرد برای شما

الْاَنْهٰرَ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَ

نهرها را و مسخر کرد برای شما آفتاب و ماه را گردنده دائم و مسخر کرد برای شما شب و روز را و

بمصرخيّ بتشدید یا و نصب یا

اتيكم من كل ما سألتموه وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان
بداد شما را از هر چه خواستید از او و اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کردش بدرستیکه انسان
لظلوم كفار ٣٨ واذ قال ابرهيم رب اجعل هذا البلد امنا واجنبني و
هر آینه ستمکار ناسپاس است و چون گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این شهر را ایمن و دور دار مرا و
بني ان نعبد الاصنام ٣٩ رب انهن اضللن كثيرا من الناس فمن تبعني فانه
و پسران مرا از آنکه پرستیم بت را پروردگارا بدرستیکه آنها گمراه کردند بسیاری از مردمان را پس آنکه پیروی کرد مرا پس او
مني ومن عصاني فانك غفور رحيم ٤٠ ربنا اني اسكنت من ذريتي بواد
از منست و آنکه نافرمانی کرد مرا پس بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی ای پروردگار ما بدرستیکه من ساکن کردم بعضی از نژادم را بوادی
غير ذي زرع عند بيتك المحرم ربنا ليقيموا الصلوة فاجعل افئدة من
غیر صاحب زراعت نزد خانه ات که حرام کرده شده پروردگار ما تا بر پای دارند نماز را پس بگردان دلها را از
الناس تهوي اليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرون ٤١ ربنا
مردم که خواهش کند بایشان و روزی ده ایشانرا از میوجات شاید ایشان شکر کنند پروردگارا
انك تعلم ما نخفي وما نعلن وما يخفى على الله من شيء في الارض ولا
بدرستیکه تو میدانی آنچه نهان داریم و آنچه را آشکار کنیم و مخفی نیست بر خدا هیچ چیز در زمین و نه
في السماء الحمد لله الذي وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان
در آسمان ستایش مر خدایرا که بخشید مرا در پیری اسمعیل و اسحق را بدرستیکه
ربي لسميع الدعاء ٤٢ رب اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا و
پروردگار من هر آینه شنونده دعاست پروردگارا بگردان مرا بر پا دارنده نماز و از فرزندانم ای پروردگار و
تقبل دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ٤٣
قبول فرما دعا پروردگار ما بیامرز مر مرا و مر والدین مرا و مر مؤمنین را روزیکه بر پا شود حساب
ولا تحسبن الله غافلا عما يعمل الظالمون انما يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار
و مپندار خدا را البته غافل از آنچه میکنند ستمکاران جز این نیست که پس میاندازد ایشانرا برای روزیکه باز ماند در آن چشمها ٤٤
مهطعين مقنعي رؤسهم لا يرتد اليهم طرفهم وافئدتهم هواء وانذر الناس
شتابندگان بالا دارندگان سرهاشان بر نمیگردد بسوی ایشان چشمهاشان و دلهاشان خالی باشد و بیم ده مردمان را
يوم يأتيهم العذاب ٤٥ فيقول الذين ظلموا ربنا اخرنا الى اجل قريب ٤٦
از روزیکه آید ایشانرا عذاب پس میگویند آنانکه ستم کردند پروردگار ما پس انداز ما را تا مدتی نزدیک
نجب دعوتك ونتبع الرسل اولم تكونوا اقسمتم من قبل ما لكم من زوال ٤٧
تا اجابت کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولانرا آیا نبودید که سوگند خوردید از پیش که نیست مر شما را هیچ زوالی
وسكنتم في مساكن الذين ظلموا انفسهم وتبين لكم كيف فعلنا بهم وضربنا
و ساکن شدید در مسکنهای آنانکه ستم کردند بخودشان و ظاهر شد مر شما را که چه کردیم با ایشان و زدیم
لكم الامثال وقد مكروا مكرهم وعند الله مكرهم وان كان مكرهم لتزول
برای شما مثلها و بحقیقت که مکر کردند مکرشان و نزد خداست مکرشان و اگر چه مکرشان برای آنکه زایل شود

قوله تعالی ربنا انی اسکنت من ذریتی ... حضرت ... روایت ... عن ... ابن عباس ... و بنی بفتح میم ... آنحضرت ... ابراهیم ...

قوله تعالی فاجعل افئدة من الناس یعنی بگردان دلهای بعضی مردم را ... بسوی ایشان ... مردم ... ایشان ... حضرت ابراهیم ... و الاسکنت ... و ذریت ... حضرت ابراهیم ... قوله تعالی ... تهوی الیهم ...

منه

مِنْهُ الْجِبَالُ ۴۸ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۴۹

از آن کوهها پس مپندار خدا را خلاف کننده وعده اش بر رسولانش بدرستیکه خدا غالب و صاحب انتقام است

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۵۰ وَتَرَى

روزیکه بدل شود زمین غیر زمین و آسمانها و ظاهر شوند برای خدای یگانه غالب و ببینی

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۵۱ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ

گناهکاران را در این روز قرین شدگان در زنجیرها پیراهنهاشان از قطران است و در پوشد رویهاشان

النَّارُ ۵۲ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۵۳ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ

آتش تا جزا دهد خدا هر نفسی آنچه کسب کرده بدرستیکه خدا زود حساب است این کفایتست مر مردمان را

وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

و تا ترسانیده شوند بآن و تا بدانند جز این نیست که اوست خدای یگانه و تا پند گیرند صاحبان خردها

سُورَةُ الْحِجْرِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الآیة ۸۷ مدنیت نزلت بعد سورة یوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۱ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا

اینست آیات کتاب و قرآن ظاهر الاعجاز بسا آرزو کنند آنانکه کافر شدند که کاش بودند

مُسْلِمِينَ ۲ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۳ وَمَا

مسلمانان واگذار ایشانرا که بخورند و کامرانی کنند و مشغول شان دارد آرزو و پس زود باشد که بدانند و

أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۴ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا

هلاک نکردیم هیچ قریه را مگر و بود مر او را نوشته معلوم پیشی نگیرد از اجلش هیچ امتی و

يَسْتَأْخِرُونَ ۵ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۶ لَوْ مَا

از پس نمانند و گفتند ای آنکه فرو فرستاده شد بر او قرآن بدرستیکه تو دیوانه چرا

تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۷ مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ

نمی آوری بما فرشتگان را اگر هستی تو از راستگویان فرو نمیفرستیم ما ملائکه را مگر بحق

وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ۸ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۹ وَلَقَدْ

و نبودند آنگاه از مهلت داده شدگان بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآن را و بدرستیکه ما آنرا نگاه دارندگانیم و بتحقیق

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ۱۰ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا

فرستادیم پیش از تو در طایفه پیشینیان و نیامد ایشانرا هیچ فرستاده مگر بودند که

بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۱۱ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۱۲ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ

بآن استهزا میکردند همچنین در میآوریم آنرا در دلهای گناهکاران ایمان نمی آورند بو

قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ۱۳ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا

بتحقیق گذشته است آئین پیشینیان و اگر میگشادیم برایشان دری از آسمان پس میبودند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را تلاوت کند حق تعالی بعدد مهاجر و انصار و بعدد استهزا کنندگان پیغمبر ده حسنه در نامه عملش ثبت فرماید ۱۲

فيه يعرجون ١٥ لقالوا انّما سكّرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون ١٦
در آن بالا میرفته باشند همانا گفتندی جز این نیست که بسته شد چشمهای ما بلکه ماییم گروه سحر کرده شدگان
ولقد جعلنا فى السّماء بروجا وزيّنّاها للنّاظرين ١٧ وحفظناها من كلّ
و هر آئینه بتحقیق که گردانیدیم در آسمان برجهائی وآراستیم آنرا برای نظر کنندگان ونگاه داشتیم آنرا از هر
شيطان رجيم ١٨ الّا من استرق السّمع فاتبعه شهاب مبين ١٩ والارض
شیطان رانده شده مگر آنکه بدزدیده گوش فرا داشت پس از پی رفت اورا پاره آتش روشن و زمین
مددناها والقينا فيها رواسى وانبتنا فيها من كلّ شئ موزون ٢٠ و
وسعت دادیم آنرا و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم در آن از همه چیزی سنجیده
جعلنا لكم فيها معايش ومن لستم له برازقين ٢١ وان من شئ الّا عندنا
و ساختیم برای شما در آن مایه تعیش و کسیرا که نیستید مر اورا روزی دهندگان و نیست هیچ چیزی مگر آنکه نزد ماست
خزائنه وما ننزّله الّا بقدر معلوم ٢٢ وارسلنا الرّياح لواقح فانزلنا
خزانهای آن و فرو نمیفرستیم آنرا مگر باندازهٔ معلوم و فرستادیم ما بادهارا آبستن کننده درختان پس فرو فرستادیم
من السّماء ماء فاسقيناكموه وما انتم له بخازنين ٢٣ وانّا لنحن نحيى و
از آسمان آب را پس نوشانیدیم بشما آنرا و نیستید شما مر اورا خزانه داران و بدرستیکه ما هر آینه زنده میسازیم و
نميت ونحن الوارثون ٢٤ ولقد علمنا المستقدمين منكم ولقد علمنا
میمیرانیم و ماییم وارثان و بتحقیق دانستیم ما پیش رفتگان از شما را و بتحقیق دانستیم
المستأخرين ٢٥ وانّ ربّك هو يحشرهم انّه حكيم عليم ٢٦ ولقد خلقنا
واپس ماندگان را و بدرستیکه پروردگار تو اوست که حشر میکند ایشانرا که اوست درست کردار دانا و بتحقیق
الانسان من صلصال من حمإ مسنون ٢٧ والجانّ خلقناه من قبل من
آفریدیم انسان را از گل خشک شده از لای ریخته شده و پدر پریان را آفریدیم از پیش از
نار السّموم ٢٨ واذ قال ربّك للملٰئكة انّى خالق بشرا من صلصال
آتش شعله دار و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگانرا بدرستیکه من آفریننده‌ام آدمیرا از گل خشک شده
من حمإ مسنون ٢٩ فاذا سوّيته ونفخت فيه من روحى فقعوا له ساجدين ٣٠
از لای ریخته شده پس چون راست گردانیدمش و دمیدم در او از روحم پس باید بیفتید مر اورا سجده کنندگان
فسجد الملٰئكة كلّهم اجمعون ٣١ الّا ابليس ابى ان يكون مع السّاجدين ٣٢
پس سجده کردند فرشتگان همه اتفاق بهمدیگر مگر ابلیس ابا کرد از اینکه باشد با سجده کنندگان
قال يا ابليس ما لك الّا تكون مع السّاجدين ٣٣ قال لم اكن لاسجد
گفت ای شیطان چیست ترا که نیستی با سجده کنندگان گفت نیستم من که سجده کنم
لبشر خلقته من صلصال من حمإ مسنون ٣٤ قال فاخرج منها فانّك رجيم ٣٥
مر انسانرا که آفریده‌ای اورا از گل خشک شده از لای ریخته شده گفت پس بیرون رو از آن پس بدرستیکه تو رانده شده
وانّ عليك اللّعنة الى يوم الدّين ٣٦ قال ربّ فانظرنى الى يوم يبعثون ٣٧
و بدرستیکه بر تست لعنت تا روز جزا گفت پروردگارا پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند

قوله تعالى شأنه العزيز
ولقد جعلنا فى السماء بروجا
چون این آیت را بر نگین خاتم
نقش کند و در انگشت کند
از جمیع خلائق با حرمت
باشد یا آنرا بر پوست
آهو نویسد و با خود دارد
قول او نزد مردم بدرجه
اعلی رسد و نزد حکام
و سلاطین اعتبار تمام
یابد والسلام
١٢

قوله تعالى شأنه العزيز
والارض مددناها الى آخر الآيتين
چون کسی این آیت را
بر لوحی نقش کند و بر در
خانه یا دکان مرتب
کند یا بر کاغذ
نویسد در میان متاع
خود نهد اسباب رزق
او بسهولت میسر شود
و منفع بسیار یابد
و اگر بر اشجار آویزان
کند میوه آن باغ زیاد
کند و اشجار آن از هر
آفت نرسد محفوظ ماند
والسلام
١٢

فانظرنى
بفتح همزه و سکون
نون و کسر را

قال

قال فانك من المنظرين ٣٨ الى يوم الوقت المعلوم ٣٩ قال رب بما اغويتنى
گفت پس بدرستیکه تو از مهلت دادگانی تا روز وقت معلوم گفت پروردگارا بسبب آنکه گمراه کردی
لازينن لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين ٤٠ الا عبادك منهم المخلصين ٤١
هر آینه آراسته میکنم مر ایشانرا در زمین و هر آینه گمراه میکنم همگی ایشانرا مگر بندگان تو از ایشان که از اهل اخلاص
قال هذا صراط على مستقيم ٤٢ ان عبادى ليس لك عليهم سلطان
گفت این راهیست بر من راست بدرستیکه بندگان من مر ترا نیست بر ایشان تسلط
الا من اتبعك من الغاوين ٤٣ وان جهنم لموعدهم اجمعين ٤٤ لها
مگر آنکه پیروی کرد ترا از گمراهان و بدرستیکه جهنم هر آینه وعده گاه ایشانست همه مر آنرا است
سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم ٤٥ ان المتقين في جنات و
هفت در از برای هر دری از ایشان پاره ایست قسمت شده بدرستیکه پرهیزکاران در بهشتها و
عيون ٤٦ ادخلوها بسلام امنين ٤٧ ونزعنا ما في صدورهم من غل
و چشمه سارها باشند درون آیید آنرا بسلامتی ایمنان و بیرون کشیدیم آنچه در سینههای ایشانست از کینه
اخوانا على سرر متقابلين ٤٨ لا يمسهم فيها نصب وما هم منها بمخرجين ٤٩
برادران بر سریرها روی بهم آرندگان نمیرسد ایشانرا در آن تعبی و نیستند ایشان از آن بیرون شدگان
نبئ عبادى انى انا الغفور الرحيم ٥٠ وان عذابى هو العذاب الاليم ٥١
خبر ده بندگانم که بدرستیکه منم آمرزنده مهربان و بدرستیکه عذاب من آنست عذاب دردناک
ونبئهم عن ضيف ابرهيم ٥٢ اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال انا منكم
و خبر ده ایشانرا از مهمانان ابراهیم چون داخل شدند بر او پس گفتند سلام گفت که ما از شمائیم
وجلون ٥٣ قالوا لا توجل انا نبشرك بغلام عليم ٥٤ قال ابشرتمونى
ترسندگان گفتند مترس بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا بپسری دانا گفت آیا مژده میدهید مرا
على ان مسنى الكبر فبم تبشرون ٥٥ قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من
بر آنکه مس کرده است مرا پیری پس بچه چیز بشارت میدهید مرا گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش از
القانطين ٥٦ قال ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ٥٧ قال فما
نا امیدان گفت و کیست نومید شود از رحمت پروردگار خویش بجز گمراهان گفت پس چیست
خطبكم ايها المرسلون ٥٨ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ٥٩ الا ال
کار شما ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بگروهی گناهکاران مگر آل
لوط انا لمنجوهم اجمعين ٦٠ الا امراته قدرنا انها لمن الغابرين ٦١ فلما
لوط که ما رهاننده ایشانیم همگی را مگر زنش که تقدیر کردیم که او هر آینه باشد از ماندگان پس چون
جاء ال لوط المرسلون ٦٢ قال انكم قوم منكرون ٦٣ قالوا بل جئناك
آمدند آل لوط را فرستادگان گفت که شما گروهی ناشناختهاید گفتند بلکه آمدیم ترا
بما كانوا فيه يمترون ٦٤ واتيناك بالحق وانا لصادقون ٦٥ فاسر
بآنچه بودند در آن شک میکردند و آوردیم ترا حق و بدرستیکه ما راستگویانیم پس بیرون بر

قوله تعالی قال هذا صراط علی [illegible] شیطان [illegible] بندگان [illegible] مخلصین باشند [illegible] علی [illegible] امیر المؤمنین است [illegible] حضرت صادق [illegible] امیر المؤمنین است

تبشرون بفتح نون

بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ وَامْضُوا
اهلت را در پاره از شب و برو از عقبهای ایشان و مباد التفات کند از شما احدی و بروید
حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ٦٦ وَقَضَيْنَا اِلَيْهِ ذٰلِكَ الْاَمْرَ اَنَّ دَابِرَ هٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ
جاییکه فرموده شده اید و گذارش کردیم بسوی او این امر را بدرستیکه دنبال آنها ست بریده شده
مُصْبِحِينَ ٦٧ وَجَاءَ اَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ٦٨ قَالَ اِنَّ هٰؤُلَاءِ ضَيْفِي
بامداد کنندگان و آمدند اهل شهر که شادی میکردند گفت بدرستیکه اینها مهمان منند
فَلَا تَفْضَحُونِ ٦٩ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُونِ ٧٠ قَالُوا اَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ٧١
پس رسوا مکنید مرا و بپرهیزید از خدا و خوار نسازید مرا گفتند آیا منع نکردیم ترا از جهانیان
قَالَ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ٧٢ لَعَمْرُكَ اِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ٧٣
گفت اینها دختران منند اگر هستید کارکنان بجان تو سوگند که ایشان هرآینه در مستیشان بودند که حیران میشدند
فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ٧٤ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ
پس گرفت ایشانرا صیحه داخل روز شدگان پس گردانیدیم زبر آنرا زیرش و بارانیدیم برایشان
حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ٧٥ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ٧٦ وَاِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ
سنگ از سنگهای گل بدرستیکه در این هرآینه آیتهاست مر فراست دریافتگان را و بدرستیکه آنها هرآینه در راه
مُقِيمٍ ٧٧ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ٧٨ وَاِنْ كَانَ اَصْحَابُ الْاَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ٧٩
ثابت بدرستیکه در این هرآینه نشانه ایست مر مؤمنان را و بدرستیکه بودند اصحاب ایکه هرآینه ستمکاران
فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَاِنَّهُمَا لَبِاِمَامٍ مُبِينٍ ٨٠ وَلَقَدْ كَذَّبَ اَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ٨١
پس انتقام کشیدیم از آنها و بدرستیکه آنها دو هرآینه براه روشنند و هرآینه بتحقیق تکذیب کردند اصحاب حجر رسولانرا
وَاٰتَيْنَاهُمْ اٰيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ٨٢ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ
و دادیمشان آیتهای خود پس بودند از آنها روگردانندگان و بودند میتراشیدند از کوهها
بُيُوتًا اٰمِنِينَ ٨٣ فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ٨٤ فَمَا اَغْنٰى عَنْهُمْ مَا كَانُوا
خانهها ایمنان پس گرفت ایشانرا صیحه بامداد کنندگان پس کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند
يَكْسِبُونَ ٨٥ وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ وَاِنَّ
که کسب میکردند و نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان آنها مگر براستی و بدرستیکه
السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ٨٦ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ٨٧ وَ
قیامت هرآینه آینده است پس درگذر درگذشتن خوب بدرستیکه پروردگار تست او آفریننده دانا و
لَقَدْ اٰتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِيمَ ٨٨ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى
هرآینه بتحقیق دادیم ترا هفت از مثانی و قرآن بزرگ را مگشای بخواهش البته دو چشمت را بسوی
مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ٨٩
آنچه کامیاب کردیم اصنافی را از ایشان و اندوه مخور برایشان و فرود آر بال خود را برای گروندگان
وَقُلْ اِنِّي اَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ٩٠ كَمَا اَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ٩١ الَّذِينَ جَعَلُوا
و بگو بدرستیکه من منم ترساننده آشکار همچنانکه فرو فرستادیم ما بر مقتسمین آنانکه گردانیدند

تفضحون
بکسر نون

تخزون
بکسر نون

بناتی
بتقدیم یا بر نون

وکتب فی شأن العزیز
ولقد آتیناک الی المبین
چون کسی در شب جمعه
صد بار یا هزار بار بنویسد
و خواب رود در سحر
و ضوب زده و گوید
یکبار و بعد از نماز بگوید
اعوذ بالله من شرها
نفس... این آیت را
در ظرف پاک نویسد
با آب پاک بشوید و آن
آب را بر بدن خود بریزد و
هفت روز متوالی بدین
طریق عمل کند ... است
و فروشی دل او پیدا
شود و غم او زائل
گردد و از معاصی اجتناب
کند و از اعمال نیکی دل
مسرور شود و ابواب
خیر و برکت باز گردد
انشاء الله تعالی
١٢

الْقُرْاٰنَ عِضِيْنَ ٩٢ فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ ٩٣ عَمَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ٩٤

قرآن را پاره ها پس قسم به پروردگارت که البته هر آینه بپرسیم از ایشان همه از آنچه بودند میکردند

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِيْنَ ٩٥ اِنَّا كَفَيْنٰكَ الْمُسْتَهْزِءِيْنَ ٩٦ الَّذِيْنَ يَجْعَلُوْنَ

پس آشکارا کن آنچه را مامور شده و روی بگردان از شرک آورندگان بدرستیکه ما بس کفایت کنیم ترا از استهزا کنندگان آنان که قرار میدهند

مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ٩٧ وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَنَّكَ يَضِيْقُ صَدْرُكَ بِمَا

با خدا خدای دیگر پس زود باشد که بدانند و هر آینه بتحقیق میدانیم بدرستیکه تو تنگ میشود سینه ات بآنچه

يَقُوْلُوْنَ ٩٨ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِّنَ السّٰجِدِيْنَ ٩٩ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتّٰى يَاْتِيَكَ الْيَقِيْنُ

میگویند پس تسبیح کن بستایش پروردگارت و باش از سجده کنندگان و پرستش کن پروردگارت را تا بیاید ترا مرگ

(١٦) سُوْرَةُ النَّحْلِ مِائَةٌ وَّثَمَانَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا الآيات الثلاث الآخرة فانها نزلت بعد الكهف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَتٰى اَمْرُ اللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوْهُ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ١ يُنَزِّلُ الْمَلٰٓئِكَةَ

آمد فرمان خدا پس شتاب مکنید بخواستن آن منزه است و برتر است از آنچه شرک می آورند فرو فرستاده میشود ملائکه

بِالرُّوْحِ مِنْ اَمْرِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖٓ اَنْ اَنْذِرُوْٓا اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاتَّقُوْنِ ٢

با روح از امرش بر هر که میخواهد از بندگانش که بیم کنید که او نیست خدائی بجز من پس بترسید از من

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ تَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ٣ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ

آفرید آسمان و زمین را براستی برتر است از آنچه شرک می آورند آفرید انسان را از

نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ٤ وَالْاَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيْهَا دِفْءٌ وَّمَنَافِعُ وَ

نطفه پس آنگاه او ست جدل کننده آشکار و ستوران و گاو و گوسفند آفرید آنها را برای شما در آنهاست گرمی و سودها و

مِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ٥ وَلَكُمْ فِيْهَا جَمَالٌ حِيْنَ تُرِيْحُوْنَ وَحِيْنَ تَسْرَحُوْنَ ٦ وَتَحْمِلُ

از آنها میخورید و مر شما راست در آنها تجملی در وقتیکه می آرید و در وقتیکه سر میدهید و بر میدارند

اَثْقَالَكُمْ اِلٰى بَلَدٍ لَّمْ تَكُوْنُوْا بٰلِغِيْهِ اِلَّا بِشِقِّ الْاَنْفُسِ اِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوْفٌ

برداشته میبرند بارهای گران شما را بشهری که نباشید رسنده بآن مگر برنج نفسها بدرستیکه پروردگار شما مهربان

رَّحِيْمٌ ٧ وَّالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيْرَ لِتَرْكَبُوْهَا وَزِيْنَةً وَّيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ٨

رحیم است و اسبان و استران و خران را تا سوار شوید آنها را و آرایشی باشد و می آفریند آنچه را که نمیدانید

وَعَلَى اللّٰهِ قَصْدُ السَّبِيْلِ وَمِنْهَا جَآئِرٌ وَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ٩

و بر خداست راستی راه و برخی از آن منحرف است و اگر خواهد هر آینه راه نمودی شما را همه

هُوَ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً لَّكُمْ مِّنْهُ شَرَابٌ وَّمِنْهُ شَجَرٌ فِيْهِ تُسِيْمُوْنَ ١٠

او ست که فرو فرستاد از آسمان آب را مر شما راست از آن نوشیدنی و از آنست درختی در آن میچرانید

يُنْۢبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُوْنَ وَالنَّخِيْلَ وَالْاَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ

میرویاند برای شما بآن کشت و زیتون و درختان خرما و انگورها و از همه میوه ها

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ
بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست مر گروهی را که فکر میکنند و رام کرد برای شما شب را و روز و شمس آفتاب
وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٣ وَمَا
و ماه و ستارگان رام شدگانند بامر او بدرستیکه در این هر آینه نشانه هاست برای گروهی که دریابند بخرد و آنچه
ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ١٤
آفرید برای شما در زمین که مختلف است رنگهایش بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست برای گروهی که پند گیرند
وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا
و اوست آنکه آرام کرد دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه را و بیرون آورید از آن پیرایه که میپوشید آنرا
وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٥ وَأَلْقَىٰ
و می بینی کشتی ها را شکافندهای آب در آن و تا بجوئید از کرم او و شاید شما شکرگزارید و افکند
فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٦ وَ
در زمین کوههای استوار را که تا میل کند بشما و نهرها و راهها شاید شما راه یابید و
عَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ١٧ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٨
نشانها و بستاره آنها راه یابند آیا پس آنکه آفرید مانند کسیست که آفرینش نمیکند آیا پس پند نمیگیرید
وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ١٩ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
و اگر خواهید بر شمرید نعمت خدا را در شمار نتوانید بدرستیکه خدا هر آینه آمرزنده مهربانست و خدا میداند آنچه
تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ٢٠ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ
پنهان دارید و آنچه آشکار دارید و آنانکه میخوانند غیر از خدا نمیآفرینند چیزی را و آنها
يُخْلَقُونَ ٢١ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ ٢٢ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ٢٣ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ
آفریده میشوند مردگانند نه زندگان و شعور ندارند که کی برانگیخته میشوند خدای شما خدای
وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ٢٤ لَا جَرَمَ أَنَّ
یگانه است پس آنانکه نمیگروند بآخرت دلهایشان ناشناسنده است و آنها سرکشانند ناچار بدرستیکه
اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٢٥ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ٢٦ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
خدا میداند آنچه را پنهان و آنچه را آشکار میدارید بدرستیکه او دوست نمیدارد سرکشان را و چون گفته شد ایشان را
مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٢٧ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ
چه چیز فرو فرستاده پروردگار شما گویند افسانه های پیشینیان تا بردارند بارهای گناه خود را تمام روز
الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ٢٨ قَدْ
قیامت و از بارهای گناه آنانکه گمراه میسازند ایشان را بدون دانش آگاه باشید بد است آنچه بر میدارند بتحقیق
مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ
مکر کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد خدا خانه ایشان را از بنیانها پس فرو افتاد بر ایشان بام از
فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ٢٩ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ
زبرشان و آمد ایشان را عذاب از آنجا که نمیدانستند پس روز رستخیز خوارشان میکند

و لکم منها ... تتفکرون
هو الذی الی قوم
این آیه را بجهة حفظ نوع
و هوا کشتی مناسبت
روز نوروز بجهة هواکشتی
پیش از طلوع آفتاب در
آب بگیر و از چوبی که نعل
باشد و در آن آب باران
با هم بیامیز و در آن
آیات را بنویسید بر
برگ درخت پس همین آب
را بر این مکتوب بسیار
با هفت بار بخوانید و بعد
آن آب را بر آن هوا کشتی
و بر علف ایشان بهفت
نوبت بدین طریق عمل کنند
ثمرات ایشان بسیار شود
و برکت بسیار ظهور رسد
و اما بجهة زرع و اشجار
بگیر و در آن آب اندر هفت
اشیاء و در هر آن رقعه که
این آیه را نوشته باشد
بیندازند پس هفت بار
این آیات را بخوانند
بهم بیامیزد و بزرع
و اصول اشجار بریزد برکت
بسیار مشاهده میکنند
و از همه آفات محفوظ
والسلام

وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ
و میگوید کجایند انبازان من آنانکه بودید مخالفت میورزیدید در ایشان گویند آنانکه داده شدند علم را بدرستیکه
الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ٣٠ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي
خواری امروز و بدی بر کافرانست آنانکه قبض روحشان میکنند فرشتگان ستمکاران
أَنفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ
بنفس خود ایشان پس انداختند صلح را که نبودیم که میکردیم هیچ بدی آری بدرستیکه خدا داناست بآنچه بودید
تَعْمَلُونَ ٣١ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ٣٢
که میکردید پس داخل شوید از درهای دوزخ جاوید ماندگان در آن پس بد است ماوای تکبرکنندگان
وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ
و گفته شد مر آنانرا که پرهیزگار شدند چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما گفتند خیر برای آنانست که نیکوئی کردند در این
الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ٣٣ جَنَّاتُ عَدْنٍ
دنیا نیکوئی و هر آینه سرای آخرت بهتر است و هر آینه خوبست سرای پرهیزگاران بهشتهای اقامت
يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ
در آن روند میرود از زیر آن نهرها مر ایشان راست در آن آنچه میخواهند همچنین پاداش میدهد خدا
الْمُتَّقِينَ ٣٤ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ
پرهیزگاران را آنانکه قبض روحشان میکنند ملائکه پاکیزگان میگویند سلام بر شما
ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٣٥ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ
در آیید بهشت را بسبب آنچه بودید که میکردید آیا انتظار میبرند مگر آنکه آید ایشانرا ملائکه
أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن
یا بیاید فرمان پروردگار تو همچنین کردند آنانکه بودند پیش از ایشان و ستم نکرد ایشانرا خدا ولیکن
كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٣٦ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا
بودند بنفسهای خود که ستم میکردند پس رسید ایشانرا بدیهای آنچه کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند
بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٣٧ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ
که بان استهزا میکردند و گفتند آنانکه شرک آوردند اگر خواستی خدا نپرستیدیم ما غیر از او
مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ
هیچ چیزی را ما و نه پدران ما و حرام نمیگردانیدیم ما غیر از حکم او هیچ چیز همچنین کردند آنانکه بودند
مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٣٨ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ
از پیش از ایشان پس آیا باشد بر رسولان ما مگر رسانیدن روشن و هر آینه بتحقیق برانگیختیم در هر گروهی
رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم
رسولی که بپرستید خدا را و دوری جوئید از طاغوت پس برخی از ایشان کسیست که راه نمود خدا و از ایشان
مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
کسی است که ثابت شد بر او گمراهی پس سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه بود سرانجام

ربع

قوله تعالی ولقد بعثنا فی کل امة رسولا الخ یعنی بتحقیق فرستادیم ما در هر امت رسولان را چنانچه بگوید در این امت فرستادیم و بگویند بپرستید خدا را و عبادت نمایید خدا را و دوری نمایید از طاغوت که منع میسازد مردم را از طاعت خدا پس بعضی از ایشان را هدایت داد و بعضی ایشان کسانی بودند که از روی جهد و انکار واجب شد

ما یشاءون بضم همزه و سکون واو

راه ایشان ضلالت و گمراهی عاشی از حضرت با قر علیه السلام روایت نموده که انجیات و مسعود خداوند مبعوث کرد پیغمبر اکبر بولایت و تبری از اعدا ما او وقت این آیه را خواند و فرمود واجب شد بر کسی ضلالت که تکذیب آل محمد صلوات الله و السلام

١٢

آباؤنا بضم همزه بدون واو

قوله تعالی

الْمُكَذِّبِينَ ٣٩ اِنْ تَحْرِصْ عَلٰى هُدٰهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى مَنْ يُضِلُّ وَمَا
تکذیب کنندگان اگر حرص ورزی بر هدایتشان پس بدرستیکه خدا هدایت نکند آنرا که اضلال میکند
لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ٤٠ وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَنْ يَمُوتُ
و نیست مر ایشانرا هیچ از یاری کنندگان و سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندهاشان که بر نمی انگیزد خدا آنکس را که بمیرد
بَلٰى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٤١ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِى
آری وعده دادنی است بر او حق ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند تا بیان کند برای ایشان آنچه
يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ٤٢ اِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَىْءٍ
اختلاف میکنند در آن و تا بدانند آنانکه کافر شدند که ایشان بودند دروغگویان بدرستیکه نیست گفتن ما چیزی را
اِذَا اَرَدْنَاهُ اَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٤٣ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِى اللّٰهِ مِنْ
چون خواهیم آنرا مگر آنکه گوییم مر آنرا باش پس میباشد و آنانکه هجرت کردند در خدا از
بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوا
بعد آنکه ظلم کرده شدند هر آینه جای دهیم البته ایشانرا در دنیا جای خوب و هر آینه مزد آخرت بزرگتر است اگر باشند
يَعْلَمُونَ ٤٤ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٤٥ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ
که بدانند آنانکه صبر کردند و بر پروردگارشان توکل میکنند و نفرستادیم ما پیش از تو
قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُوحِىٓ اِلَيْهِمْ فَسْئَلُوٓا اَهْلَ الذِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٤٦
پیش از تو مگر مردانی را که وحی کردیم بایشان پس بپرسید از اهل ذکر اگر باشید ندانید
بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَاَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ وَ
به بینات و کتابها و فرو فرستادیم بسوی تو ذکر را تا بیان کنی برای مردمان آنچه فرستاده شد بایشان
لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ٤٧ اَفَاَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئٰاتِ اَنْ يَخْسِفَ اللّٰهُ بِهِمُ
و شاید ایشان اندیشه کنند آیا پس ایمن شدند آنانکه مکر کردند بدیها را که فرو برد خدا بایشان
الْاَرْضَ اَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ٤٨ اَوْ يَأْخُذَهُمْ فِى تَقَلُّبِهِمْ
زمین را یا بیاید ایشانرا عذاب از جاییکه ندانسته باشند یا بگیرد ایشانرا در گردیدنشان
فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ٤٩ اَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلٰى تَخَوُّفٍ فَاِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ٥٠
پس نیستند ایشان عاجز کنندگان یا بگیرد ایشانرا بر ترسیدنی پس بدرستیکه پروردگار شما هر آینه مهربان رحیم است
اَوَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَىْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلٰلُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَآئِلِ
آیا ندیدند بسوی آنچه آفرید خدا از چیزی که میگردد سایه‌اش از راست و چپ
سُجَّدًا لِلّٰهِ وَهُمْ دٰخِرُونَ ٥١ وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ
سجده کننده مر خدا را و ایشان ذلیلانند و مر خدا را سجده میکنند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است
مِنْ دَآبَّةٍ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ٥٢ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ
از جنبنده و ملائکه و ایشان سرکشی نمیکنند میترسند از پروردگارشان از
فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ٥٣ وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوٓا اِلٰهَيْنِ اثْنَيْنِ
از بالای ایشان و میکنند آنچه مامور شدند و گفت خدا که مگیرید دو الهٰ را دو تا

یتفیؤ بضم همزه بلا الف

ایشان مبعوث شد و میرسد اسمعیل بعضی از شیعیان زنده شده باشد پس میگویند زنده شد فلان و فلان از قبور خود و ایشان با حضرت قائم میباشند و آنچه زنده شدن مردم
رسید بعضی از دشمنان آنحضرت میگویند ای گروه شیعیان چه قدر دروغگو هستید شما اینست دولت شما و هستید شما دروغ گویان قسم بخدا
زنده خواهند شد تا روز قیامت آنجناب فرمود خداوند در این آیه حکایت از قول این طایفه فرموده از قول مشرکین که قسم بخدا میخوردند

انما

فارهبونِ
بکسر نون

إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۵۴ وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
جز این نیست که او ست اله یگانه پس مرا پس بترسید و مر او راست آنچه در آسمانها و زمینست
وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ۵۵ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا
و مر او راست دین که دائمست آیا پس از غیر خدا می پرهیزید و آنچه با شماست از نعمت پس از خداست پس چون
مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ ۵۶ ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ
برسد شما را زیانی پس بسوی او زاری میکنید پس چون رفع گردد زیان از شما ناگاه پاره از شما
بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۵۷ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۵۸
به پروردگارشان شرک میآورند تا کفران ورزند بآنچه دادیم ایشان را پس برخوردید پس زود باشد که بدانید
وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ
و میگردانند برای آنچه نمیدانند بهره از آنچه روزی ایشان دادیم بخدا که پرسیده میشوید از آنچه هستید
تَفْتَرُونَ ۵۹ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ۶۰ وَإِذَا
افترا میبندید و قرار میدهند برای خدا دختران منزه است او و مر ایشان راست آنچه میخواهند و چون
بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۶۱ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ
مژده داده شود یکی از ایشان بمؤنث میگردد رویش سیاه و او گردد پر از خشم پنهان میشود از قوم
مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا
از بدی آنچه مژده داده شد بآن که آیا نگاه دارد او را بر خواری یا پنهان کند در خاک آگاه باش بد است آنچه
يَحْكُمُونَ ۶۲ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ
حکم میکنند از برای آنانکه نمیگروند بآخرت مثل بداست و مر خدا راست مثل برتر
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۶۳ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ
و اوست غالب درست کردار و اگر مؤاخذه میکرد خدا مردمان را بظلمشان وانگذاشته بود بر آن هیچ
دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
جنبنده را ولیکن پس انداختشان بسوی وقت نام برده شده پس چون آمد اجلشان پس نمیمانند ساعتی
وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۶۴ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ
و نه پیش می افتند و قرار میدهند برای خدا آنچه ناخوش دارند و وصف میکند زبانهاشان دروغ را
أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ۶۵ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا
که مر ایشان راست خوبی ناچار که مر ایشان راست آتش و اینکه ایشان پیش فرستادگان بخدا قسم هر آینه بتحقیق فرستادیم
إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ
بسوی امتهای پیش از تو پس آرایش داد برای ایشان شیطان کردارشان را پس اوست دوستشان امروز و مر ایشان راست
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۶۶ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ
عذابیست دردناک و فرو نفرستادیم بر تو کتاب مگر از برای آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه را اختلاف کردند در آن
وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۶۷ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ
و هدایت و رحمت برای گروهی که میگروند و خدا فرو فرستاد از آسمان آبی پس زنده کرد بآن زمین را

قوله تعالی شانه العزیز
والله انزل من السماء ماء
الخ تفسیر این آیه کریمه
کثرت محصولات است
بنویسید بذر دانه ورد
گلاب و زعفران ؟
بوسیدن کشمش را بالعود
همه بجوش کنند و در لوح
سفال نو نهند و این
دست و جب ... تسبیح
پس آنرا در وسط بستان
یا زرع دفن کنند خود
و حبوب آن بسیار شود
و از این عمل درخت
خرما بود آنکه در آن
مکان نهند
۱۲

بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۶۸ وَاِنَّ لَكُمْ فِي الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً
بعد از مردنش بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که میشنوند و بدرستیکه مر شما راست در چهارپایان هر آینه عبرتی

نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ۶۹
میآشامانیم شما را از آنچه در شکمهای آنهاست از میانه سرگین و خون شیری بیغش گوارا مر نوشندگان را

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْاَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا اِنَّ
و از میوه های درختان خرما و انگورها میگیرید از آن مستی و روزی خوب بدرستیکه

فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۷۰ وَاَوْحٰى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِي
در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که دریابند بعقل و وحی فرستاد پروردگارت بسوی زنبور عسل که بگیر

مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۷۱ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
از کوهها خانهها و از درخت و از آنچه بنا کنند چوب پس بخور از همه میوهها

فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهُ فِيهِ
پس راه برو براههای پروردگارت رام شده بیرون میآید از شکمهای آنها شرابی که مختلف است رنگهای آن در او

شِفَاءٌ لِلنَّاسِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۷۲ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ
شفائی است برای مردمان بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروهی را که تفکر میکنند و خدا آفرید شما را

ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ اِلٰى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا اِنَّ
پس میمیراند شما را و از شما کسیست که برگردانیده میشود بسوی فرومایهترین عمر تا آنکه نداند بعد از دانستن چیزی را بدرستیکه

اللّٰهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۷۳ وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا
خدا دانای تواناست و خدا افزونی داد برخی از شما را بر برخی در روزی پس

الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلٰى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ
نباشند آنانکه افزونی داده شدند برگردانندگان روزیشان بر آنچه مالک شد دستهایشان پس ایشان در آن یکسانند

اَفَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ ۷۴ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ
آیا پس بنعمت خدا انکار میکنند و خدا گردانید برای شما از خودتان جفتان و گردانید برای شما

مِنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ
از جفتانتان پسران و نوادگان و روزی داد شما را از پاکیزه چیزها آیا پس بباطل ایمان میآورند و

بِنِعْمَةِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ۷۵ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا
بنعمت خدا ایشان کافر میشوند و میپرستند از غیر خدا آنچه را که مالک نیست برای ایشان روزی

مِنَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۷۶ فَلَا تَضْرِبُوا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ
از آسمانها و زمین چیزی را و توانائی ندارند پس مزنید برای خدا مثلها

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۷۷ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا
بدرستیکه خدا میداند و شما نمیدانید زد خدا مثل بنده خریده شده را

يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ
که قادر نباشد بر چیزی و آنکه روزی دادیم او را از ما روزی خوب پس او انفاق میکند از آن نهان و

قوله تعالی
واوحی ربک الی النحل
[illegible]

یجحدون
[illegible]

۳۲

جهراً هل يستون الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ٧٨ وضرب الله مثلاً
آشکار آیا یکسانند ستایش مر خدا را بلکه بیشتر اهل مکه نمیدانند و زد خدا مثلی
رجلين احدهما ابكم لا يقدر على شيء وهو كلّ على موليه اينما
از دو مرد یکی از آن دو گنگ است که توانا نیست بر چیزی و او گرانست بر خواجه اش هر جا
يوجهه لا يأت بخير هل يستوي هو ومن يأمر بالعدل وهو على صراط
متوجه گرداند نمی آورد چیزی آیا یکسانست او و آنکه فرماید بعدالت و او است بر راه
مستقيم ٧٩ ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة الا كلمح
راست و مر خدا راست نهانی آسمانها و زمین و نیست امر قیامت مگر مانند لحظهٔ
البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير ٨٠ والله اخرجكم من بطون
از چشم یا او نزدیکتر است بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست و خدا بیرون آورد شما را از شکمهای
امهاتكم لا تعلمون شيئاً وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم
مادرانتان نمیدانستید چیزی و گردانید برای شما گوش و چشمها و دلها شاید شما
تشكرون ٨١ الم يروا الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن الا
شکرگزار شوید آیا نگاه نمیکنند بسوی پرندگان رام شدگان در میان آسمان نگاه نمیدارد ایشان را مگر
الله ان في ذلك لآيات لقوم يؤمنون ٨٢ والله جعل لكم من بيوتكم سكنا
خدا بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست مر گروهی را که میگروند و خدا گردانید مر شما را از خانهاتان آرامگاه
وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم
و گردانید برای شما از پوستهای حیوانات خانها که سبک بر میدارید آنها را روز کوچ کردنتان و روز ماندنتان
ومن اصوافها واوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الى حين ٨٣ والله
و از پشمهای آنها و کرکهای آنها و موهایشان فرش و پوشش و مایهٔ تجارت تا هنگامی و خدا
جعل لكم مما خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال اكنانا وجعل لكم سرابيل
گردانید برای شما از آنچه آفرید سایبانها و گردانید برای شما از کوهها جای پنهانی و گردانید برای شما پیراهنها
تقيكم الحر وسرابيل تقيكم بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم
که نگاه دارد شما را از گرما و پیراهنها که نگاه دارد شما را از آسیب شما همچنین تمام میکند نعمت خود را بر شما شاید شما
تسلمون ٨٤ فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين ٨٥ يعرفون نعمة
گردن نهید پس اگر رو گردانند پس جز این نیست که بر تست رسانیدن روشن میشناسند نعمت
الله ثم ينكرونها واكثرهم الكافرون ٨٦ ويوم نبعث من كل امة
خدا را پس انکار میکنند آنرا و بسیاری ایشان کافرانند و روزیکه برانگیزیم از هر امتی
شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ٨٧ واذا رأى الذين
شاهدی پس دستوری داده نشوند مر آنانکه کافر شدند و نه ایشان طلب رضا کرده شوند و چون ببینند آنانکه
ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم ينظرون ٨٨ واذا رأى
ستم کردند عذاب را پس تخفیف داده نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند و چون ببینند

هل يستون بدو واو خوانده شود
كلّ بفتح كاف
قوله تعالى شأنه العزيز يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها يعني که میشناسند نعمت خدا را پس انکار مینمایند آنرا و حال آنکه بیشتر ایشان کافرانند [illegible]
دلستلام ١٢

الَّذِينَ اَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا

آنانکه شرک آوردند این انبازان ایشانرا گفتند پروردگارا اینها انبازان مایند آنانکه بودیم که میخواندیم

مِنْ دُونِكَ فَاَلْقَوْا اِلَيْهِمُ الْقَوْلَ اِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ٨٩ وَاَلْقَوْا اِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذٍ

از جز تو پس بیفکندند بایشان گفتن را بدرستیکه شما هر آینه دروغگویانید و بیفکندند بسوی خدا آنروز

السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٩٠ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ

صلح را و گم گرد از ایشان آنچه بودند افترا میکردند آنانکه کافر شدند و بازداشتند از راه

اللّٰهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ٩١ وَيَوْمَ نَبْعَثُ

خدا افزودیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بانچه بودند فساد میکردند و روزیکه برانگیزیم

فِي كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلٰى هٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا

عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرٰى لِلْمُسْلِمِينَ ٩٢

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِيتَاءِ ذِي الْقُرْبٰى وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاءِ

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٩٣ وَاَوْفُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عَاهَدْتُمْ

وَلَا تَنْقُضُوا الْاَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللّٰهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا اِنَّ اللّٰهَ

يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ٩٤ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ اَنْكَاثًا

تَتَّخِذُونَ اَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ اَنْ تَكُونَ اُمَّةٌ هِيَ اَرْبٰى مِنْ اُمَّةٍ اِنَّمَا يَبْلُوكُمُ

اللّٰهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ٩٥ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ

لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْئَلُنَّ

عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٦ وَلَا تَتَّخِذُوا اَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ

ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ

عَظِيمٌ ٩٧ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ

تعلمون ٩٨ ما عندكم ينفد وما عند الله باق ولنجزين الذين صبروا اجرهم
که بدانید   آنچه نزد شماست سپری میشود و آنچه نزد خداست باقیست و جزا میدهیم آنانکه صبر کردند مزدشانرا
باحسن ما كانوا يعملون ٩٩ من عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن
بهتر از آنچه بودند که میکردند   هر که کرد کاری شایسته از مرد یا زن و او باشد مؤمن
فلنحيينه حيوة طيبة ولنجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا يعملون ١٠٠ فاذا
پس هر آینه زنده میداریم او را زندگی خوشی و هر آینه جزا میدهیم ایشانرا اجر ایشان بهتر از آنچه میکردند   پس چون
قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم ١٠١ انه ليس له سلطان
بخوانی قرآنرا پس پناه جوی بخدا از شیطان رانده شده   بدرستیکه نیست مر او را تسلطی
على الذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون ١٠٢ انما سلطانه على الذين
بر آنانکه گرویدند و بر پروردگار ایشان توکل میکنند   جز این نیست تسلط او بر آنانکه
يتولونه والذين هم به مشركون ١٠٣ واذا بدلنا آية مكان آية والله
دوست میدارندش و آنان که ایشان باو شرک آورندگانند   و چون تبدیل کنیم آیتی بجای آیتی و خدا
اعلم بما ينزل قالوا انما انت مفتر بل اكثرهم لا يعلمون ١٠٤ قل نزله
داناتر است بآنچه فرو فرستد گفتند جز این نیست که تو افترا کننده بلکه بیشتر ایشان نمیدانند   بگو فرو آورد آنرا
روح القدس من ربك بالحق ليثبت الذين آمنوا وهدى وبشرى
روح القدس از پروردگارت بحق تا ثابت دارد آنانرا که ایمان آوردند و هدایت و مژده است
للمسلمين ١٠٥ ولقد نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر لسان الذى
مر مسلمانرا   و هر آینه میدانیم که ایشان میگویند که جز این نیست که تعلیم میدهد او را بشری زبان آنکه
يلحدون اليه اعجمى وهذا لسان عربى مبين ١٠٦ ان الذين لا يؤمنون
روی میگردانند بسوی او عجمیست   و این زبان عربی روشنست   بدرستی آنانکه نمیگروند
بآيات الله لا يهديهم الله ولهم عذاب اليم ١٠٧ انما يفترى الكذب
بآیتهای خدا هدایت نمیکند ایشانرا خدا و ایشانراست عذاب دردناک   جز این نیست که میبندند دروغ را
الذين لا يؤمنون بآيات الله واولئك هم الكاذبون ١٠٨ من كفر بالله
آنانکه نمیگروند بآیتهای خدا   و این گروه ایشانند دروغگویان   هر که کافر شد بخدا
من بعد ايمانه الا من اكره وقلبه مطمئن بالايمان ولكن من شرح
از بعد ایمانش مگر آنکه جبر کرده شد و دل او آرمیده بود بایمان   ولیکن آنکه برگشاد
بالكفر صدرا فعليهم غضب من الله ولهم عذاب عظيم ١٠٩
بکفر سینه را پس بر ایشانست خشمی از خدا و مر ایشانراست عذاب بزرگ
ذلك بانهم استحبوا الحيوة الدنيا على الآخرة وان الله لا يهدى
این بسبب آنست که ایشان اختیار کردند زندگانی دنیا را بر آخرت   و بدرستیکه خدا هدایت نکند
القوم الكافرين ١١٠ اولئك الذين طبع الله على قلوبهم و
گروه کافرانرا   این گروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان

و در تعلیم شان
داد و نقضوا عهد الله اذا
عاهدتم الخ یعنی
عمل کنید بعهدیکه
با خدا کرده اید و مشکنید
قسمها که خورده اید بعد از
تاکید کردن آن قسمها
و حال آنکه گردانیده اید
خدا را بر خود گواه و نقل است
که بدرستیکه ندا میداد
آنحضرت ...
...
حضرت رسول فرمود که
سلام کنید بر علی بلفظ
امیر المؤمنین و بوده است
این فقره تاکید است خدا
...
سلام کنید
...
سنده والسلام
١٢

سمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون لا جرم انهم في الآخرة هم
گوشهاشان و چشمهاشان را واین گروه ایشان هستند بیخبران ناچار بدرستیکه ایشان در آخرت ایشانند
الخاسرون ١١١ ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا
زیانکاران اند پس بدرستیکه پروردگار تو از برای آنانکه هجرت کردند از بعد آنکه عذاب کرده شدند پس جهاد کردند
وصبروا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ١١٢ يوم تأتي كل نفس تجادل
و صبر کردند بدرستیکه پروردگار تو پس از آن آمرزنده مهربانست روزیکه آید همه نفسی مجادله کند
عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا يظلمون ١١٣ وضرب الله
از خودش و تمام داده شود همه تنی آنچه را کرده و ایشان ستم کرده نشوند و زد خدا
مثلا قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت
مثلی از قریه که بود ایمن آرمیده میآمد او را روزیش فراوان از همه جا پس کافر شدند
بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون ١١٤
بنعمتهای خدا پس چشانید از خدا پوشش گرسنگی و ترس بانچه بودند که میکردند
ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون ١١٥
و بتحقیق آمد ایشان را فرستاده از ایشان پس تکذیب کردند پس گرفت ایشان را عذاب و آنها بودند ستمکاران
فكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه
پس بخورید از آنچه روزی داد شما را حلال پاکیزه و شکر کنید نعمت خدا را اگر باشید که او را
تعبدون ١١٦ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل
میپرستید جز این نیست حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بانگ زده شد
لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور رحيم ١١٧ ولا تقولوا
برای غیر خدا پس کسیکه مضطر شد غیر باغی و نه عادی پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و مگوئید
لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا على الله
برای وصف کردن زبانهاتان دروغ که این حلالست و این حرام تا ببندید بر خدا
الكذب ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون ١١٨ متاع قليل
دروغ را بدرستیکه آنانکه می بندند بر خدا دروغ را رستگار نشوند مایه تعیش کمیست
ولهم عذاب اليم ١١٩ وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك
و مر ایشانراست عذابیست دردناک و بر آنانکه یهود شدند حرام کردیم آنچه را خواندیم بر تو
من قبل وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ١٢٠ ثم ان ربك للذين
از پیش و ستم نکردیم ایشان را و لیکن بودند که بخودشان ستم میکردند پس بدرستیکه پروردگار تو آنانرا
عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا ان ربك من
که کردند بدی بنادانی پس توبه کردند بعد از آن و اصلاح کردند بدرستیکه پروردگار تو از
بعدها لغفور رحيم ١٢١ ان ابراهيم كان امة قانتا لله حنيفا ولم يك
بعد آن هر آینه آمرزنده مهربانست بدرستیکه ابراهیم بود امتی مطیع مر خدا را حق گرای و نبود

قوله ثم اوحینا الیک ان اتبع ... [illegible]

رمی

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٢٢ شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٢٣
از شرک آورندگان شکر کننده مر نعمتهای او را برگزید او را و هدایت داد او را بسوی راه راست

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ١٢٤ ثُمَّ أَوْحَيْنَا
و دادیم او را در دنیا نیکوئی و بدرستیکه او در آخرت هر آینه از شایستگانست پس وحی کردیم

إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٢٥ إِنَّمَا جُعِلَ
بسوی تو که پیروی کن کیش ابراهیم را حق گرای و نبود از شرک آورندگان جز این نیست گردانیده شد

السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا
روز شنبه بر آنانکه اختلاف کردند در آن و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه

كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١٢٦ ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
بودند در آن اختلاف میکردند بخوان براه پروردگارت بحکمت و پند خوب

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ
و مناظره کن با ایشان بآنچه آن نیکوتر است بدرستیکه پروردگارت داناتر است بآنکه گم کرد از راه وی و او

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ١٢٧ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ
داناتر است بره یافتگان و اگر عقوبت کنید پس عقوبت کنید بمانند آنچه عقوبت کرده شدید بآن و اگر صبر کردید

لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ١٢٨ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا
هر آینه آن بهتر است برای صبر کنندگان و صبر کن و نیست صبر تو مگر بخدا و اندوه مخور بر ایشان و

تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ١٢٩ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ
مباش در تنگی از آنچه مکر میکنند بدرستیکه خدا با آنانست که پرهیز کردند و آنانکه ایشان نیکوکارانند

(۱۷) سورة بنی اسرائیل مائة و احدی عشر آیة و هی مکیة

الا الآیات ۲۸ - ۳۳ - ۳۶ - ۵۹ - ۷۵ الی آخر ۸۲ فمدنیة ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
دائم پاک بودن آنرا که برد بشب بنده اش را شبی از مسجد الحرام بسوی مسجد اقصی

الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٢ وَآتَيْنَا
که برکت دادیم ما پیرامونش تا بنمائیمش از آیتهامان بدرستیکه او خدا است شنوای بینا و دادیم ما

مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي
موسی را توراة و گردانیدیم او را هدایت برای بنی اسرائیل که مگیرید از غیر من

وَكِيلًا ٣ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ٤ وَقَضَيْنَا
کارگزاری فرزندان آنکه برداشتیم با نوح بدرستیکه او بود بنده شکرگزار و اعلام نمودیم ما

إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا
بنی اسرائیل در توراة که هر آینه افساد خواهید کرد در زمین دو بار و هر آینه سرکشی خواهید کرد سرکشی

نصف ... منزل [illegible] ۵

هو
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس سوره بنی اسرائیل را بخواند و دلش نرم شود نزد ذکر مادر و پدر است خدا تعالی او را در بهشت دو قنطار عنایت فرماید که هر قنطاری هزار و دویست اوقیه باشد و هر اوقیه بهتر باشد از دنیا و هر چه در اوست

کبیرا

كبيرا ٥ فاذا جاء وعد اولىهما بعثنا عليكم عبادا لنا اولي بأس شديد
بزرگی | پس چون آمد وعده | نخستین | از آن دو | فرستیم بر شما | بندگانی مر مارا | صاحبان قوت سخت

فجاسوا خلال الديار وكان وعدا مفعولا ٦ ثم رددنا لكم الكرة
پس رفتند بجستجو میان خانها | و باشد وعده کرده شده | پس | برگردانیدیم | برای شما نصرت را

عليهم وامددناكم باموال وبنين وجعلناكم اكثر نفيرا ٧ ان احسنتم
برایشان | و مدد کردیم شما را بمالها و پسران | و گردانیدیم شما را بسیارتر از روی نفر | اگر خوب کردید

احسنتم لانفسكم وان اساتم فلها فاذا جاء وعد الاخرة ليسوءوا وجوهكم
خوب کردید | برای خود | و اگر بد کردید پس مر آنرا است | پس چون آمد وعده دیگر | تا بد سازند روهای شما

وليدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة وليتبروا ما علوا تتبيرا ٨ عسى
و تا در آیند | در مسجد | همچنانکه در آمدند در آن اول بار | و تا تباه گردانند آنچه را غالب شدند غالب شدنی | شاید

ربكم ان يرحمكم وان عدتم عدنا وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا
پروردگار شما که ببخشد بر شما رحمت | و اگر عود کنید عود خواهیم کرد | و گردانیدیم ما دوزخ را برای کافران جای حبس

ان هذا القران يهدي للتي هي اقوم ويبشر المؤمنين ١٠ الذين يعملون
بدرستیکه این قرآن | هدایت میکند مر آنرا که آن درست تراست | و مژده میدهد گروندگان را آنانکه میکنند

الصالحات ان لهم اجرا كبيرا ١١ وان الذين لا يؤمنون بالاخرة اعتدنا
کارهای شایسته | بدرستیکه مر ایشانراست مزدی بزرگ | و بدرستیکه آنانکه ایمان نمی آورند | بآخرت مهیا کردیم

لهم عذابا اليما ١٢ ويدع الانسان بالشر دعاءه بالخير وكان الانسان
برای ایشان عذابی دردناک | و درخواست میکند انسان | شر را مانند | درخواست کردنش خیر را | و باشد انسان

عجولا ١٣ وجعلنا الليل والنهار ايتين فمحونا اية الليل وجعلنا اية
شتاب کننده | و گردانیدیم شب | و روز را دو | آیت پس محو کردیم آیت شب را | و گردانیدیم آیت

النهار مبصرة لتبتغوا فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين والحساب
روز را | نور دهنده چیزها تا بجوئید فضل را از پروردگار تان | و تا بدانید شمار سالها | و حساب را

وكل شيء فصلناه تفصيلا ١٤ وكل انسان الزمناه طائره في عنقه و
و هر چیز را تفصیل دادیم تفصیل دادنی | و هر انسانی | لازم او گردانیدیم عمل او را در گردنش و

نخرج له يوم القيمة كتابا يلقاه منشورا ١٥ اقرا كتابك كفى بنفسك
و بیرون آوریم برای او روز رستخیز نامه که خواهد دید آنرا باز کرده شده | بخوان نامهات را بس است بنفس تو

اليوم عليك حسيبا ١٦ من اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل
امروز | بر تو حساب کننده | هر که هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت یافت برای خودش | و هر که گمراه شد

فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث
پس جز این نیست گمراه میشود بر خود | و برندارد بردارنده بار گناه دیگری را | و نیستیم ما عذاب کننده تا بفرستیم

رسولا ١٧ واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ففسقوا فيها فحق
رسولی را | و چون خواهیم که هلاک کنیم قریه را | فرمان دهیم متنعمان آنرا پس نافرمانی کنند در آن پس ثابت شود

اولیهما: بضم همزه و سکون واو

اولی: بضم همزه بدون واو

لیسوءوا: بضم همزه و سکون واو کرده واو جمع ظاهر شود

آمرنا: بفتح میم و سکون را

عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ١٨ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ

بر آن حکم پس هلاک گردانیدیم او را هلاک گردانیدنی و بسیار هلاک کردیم از اهل زمانها از بعد

نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ١٩ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ

نوح و بس است پروردگار تو بگناهان بندگان خود آگاه بیننده هر که باشد که بخواهد دنیا را

عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا

تعجیل کنیم برای او در آن آنچه خواهیم برای هر که خواهیم پس بسازیم برای او جهنم را در آید در آن نکوهیده

مَدْحُورًا ٢٠ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ

رانده شده و هر که خواست آخرت را و سعی کرد برای آن کوشش آن و او باور دارنده است پس ایشان

سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ٢١ كُلًّا نُمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ

کوشش ایشان مقبول هر یک را مدد میکنیم از اینها و اینها هم شده از بخشش پروردگار تو و نیست

عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ٢٢ انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ

بخشش پروردگار تو باز داشته شده بنگر که چگونه زیادتی دادیم بعضی ایشان را بر بعضی و هر آینه آخرت

أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ٢٣ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا

بزرگتر است به مراتب و بزرگتر است از جهت افزونی قرار مده با خدا خدای دیگر را پس می نشینی نکوهیده کرده

مَخْذُولًا ٢٤ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا

واگذاشته شده و حکم کرد پروردگار تو که نپرستید مگر او را و بوالدین نیکی کردن اگر

يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا

برسند نزد تو به پیری یکی از ایشان یا هر دو پس مگوی مر آن دو را اف و زجر مکن ایشان را

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٥ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ

و بگو مر آن دو را گفتنی خوب و فرود آور برای آن دو بال تواضع از مهربانی و بگو

رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ٢٦ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا

ای رب رحمت کن آن دو را چنانچه پروریدند مرا در خردی پروردگار شما داناتر است بآنچه در نفسهای شماست اگر باشید

صَالِحِينَ ٢٧ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ٢٨ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ

شایستگان پس بدرستیکه او باشد مر بازگشت کنندگان را آمرزنده و بده صاحب قرابت حق او را و

الْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ٢٩ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ

مسکین و ابن السبیل را و مپاش پاشیدنی بی اسراف بدرستیکه پاشندگان باشند برادران

الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ٣٠ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ

شیطانان و باشد شیطان مر پروردگار خود را ناسپاس و اگر رو بگردانی از ایشان برای طلب

رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ٣١ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ

رحمت از پروردگار که امید داری آن را پس بگو بایشان گفتنی نرم و مگردان دست خود در بسته

عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا ٣٢ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ

بگردنت و مکشای آن را همه گشادن پس بنشینی ملامت کرده شده محروم بدرستیکه پروردگار تو میگشاید

و آت ذا القربی حقه — یعنی بده ای پیغمبر ... [illegible] ... ١٢

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ٣٠ وَلَا تَقْتُلُوا
روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میگرداند بدرستیکه او باشد ببندگان خبیر بینا و مکشید
أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا ٣١
فرزندان را از بیم تنگدستی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را بدرستیکه کشتن ایشان باشد گناهی بزرگ
وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ٣٢ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ
و نزدیک نشوید زنا را بدرستیکه آن باشد کار زشت و بد راهی است و مکشید نفسی را
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا
که حرام کرد خدا مگر بحق و هر که کشته شد مظلوم پس بتحقیق گردانیدیم برای وارثش تسلط
فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ٣٣ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا
پس نباید اسراف کند در کشتن بدرستیکه او باشد یاری کرده شده و پیرامون مگردید مال یتیم را مگر
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ
بطریقی که آن بهتر است تا آنکه برسد بکمال قوتش و وفا کنید بپیمان بدرستیکه پیمان باشد
مَسْئُولًا ٣٤ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ
پرسیده شده و تمام پیمائید کیل را چون پیمائید و وزن کنید بترازوی درست این بهتر است
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ٣٥ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
و نیکوتر بحسب عاقبت و پیرو مباش آنچه را نیست برای تو بآن دانش بدرستیکه گوش و چشم و دل
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ٣٦ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ
همه اینها باشد از آن پرسیده شده و راه مرو در زمین از کبر و ناز بدرستیکه تو هرگز رخنه نتوانی کرد
الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ٣٧ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ
زمین را و هرگز نتوانی رسید بکوهها بدرازی همه آن باشد بدیش نزد پروردگار تو
مَكْرُوهًا ٣٨ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
ناخوش داشته شده این از آن چیزیست که وحی کرد بسوی تو پروردگار تو از حکمت و مگردان با خدا الهی
آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ٣٩ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ
دیگر پس انداخته شوی در دوزخ ملامت شده رانده شده آیا پس برگزیده است شما را پروردگار شما به پسران و
اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ٤٠ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي
گرفت از فرشتگان دختران بدرستیکه شما هر آینه میگوئید سخن بزرگ و بتحقیق بیان کردیم در
هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ٤١ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ
این قرآن تا پند گیرند و نفزاید ایشان را مگر نفرت بگو اگر بودی با او الهها
كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ٤٢ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا
چنانکه میگویند آنگاه جسته بودند بسوی خداوند عرش راهی منزه است او و برتر است از آنچه
يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ٤٣ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ
میگویند برتری بزرگ تسبیح میکنند مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست

از حضرت علی بن الحسین در تفسیر علی ذکر شده که بمردی از اهل شام فرمودند قرآن میخوانی گفت بلی [illegible] فرمودند در سوره بنی اسرائیل این آیه را خواندهٔ و آت ذی القربی حقه جواب داد بلی آیا تو مائید اهل این قرابت که خدا امر [illegible]

تقف: بسکون قاف و ضم فا

عه فرموده است [illegible] ایشان [illegible] آری ما ئیم و مردم ما را نمی شناسند

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا
ونیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح میکند بحمد او ولیکن نیفهمید تسبیح ایشانرا هر آئینه او باشد بردبار

غَفُورًا ۴۷ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
آمرزنده وچون بخوانی قرآنرا میگردانیم میان تو و میان آنانکه نمیگروند

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ۴۸ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ
بآخرت پرده پوشیده وگردانیدیم بر دلهای ایشان حجابها که مبادا که بفهمند آنرا و

فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۴۹ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ
در گوشهای شان گرانی وچون ذکر کنی پروردگارت را در قرآن تنها برگردند بر

أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۵۰ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ
پشتهای شان نفرت کننده ما داناتریم بآنچه گوش میدارند بآن هنگامیکه گوش میدارند بتو و گاهی که

نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ۵۱ انْظُرْ كَيْفَ
راز گویانند چون میگویند ستمکاران پیروی نمیکنید مگر مردی سحر کرده شده را بنگر چگونه

ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۵۲ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا
زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نتوانند یافت راهی وگفتند آیا چون باشیم

عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۵۳ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا
استخوانها وریزه ریزه آیا ما هر آئینه برانگیخته شدگان خلقی تازه بگو باشید سنگ یا آهن

أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ
یا خلقی از آنچه بزرگ آید در سینهای تان پس بزودی گویند کیست که بازمی آورد ما را بگو آنکه پدید آورد شما را اول

مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ
بار پس بزودی میجنبانند بسوی تو سرهای شانرا و میگویند کی خواهد بود آن بگو شاید که باشد

قَرِيبًا ۵۴ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۵۵
نزدیک روزیکه بخواند شما را پس اجابت کنید بستایش او وگمان دارید که درنگ نکردید مگر اندکی

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ
و بگو مر بندگان مرا که بگویند آنچه آن خوبتر است هر آئینه شیطان فساد میکند میان ایشان هر آئینه شیطان

كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ۵۶ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ
باشد مر انسان را دشمنی آشکارا پروردگار شما داناتر است بشما اگر خواهد رحمت میکند بشما و اگر خواهد عذاب کند

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۵۷ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
و نفرستادیم ترا بر ایشان کارگزار و پروردگار تو داناتر است بآنکه در آسمانها و زمین است و

لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۵۸ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ
هر آئینه بتحقیق افزونی دادیم برخی پیغمبران را بر برخی و دادیم داود را زبور بگو بخوانید آنانرا که

زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۵۹ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
پنداشتید از غیر او پس مالک نباشند رفع ضرر را از شما و نه تغییر را ایشان آنانند که میخوانند

ربع

قوله تعالی شانه العزیز واذا قرأت القرآن الی نفورا چون کسی را خیالات فاسده تشویش دهد بر کسی پر او ظلمه کند از خیالات دور هم از او زایل شود و اگر آنرا قطعه بر صوف کبود با پاره ابر نوشته در بازوی کسی بندد که از دیو دور از زحمت رسیده تنبیه خلاص گردد انشاء الله تعالی

۱۲

داود بلفتح و ضم دال و واو تلفظ نشود

یبتغون

يبتغون الى ربهم الوسيلة ايهم اقرب ويرجون رحمته ويخافون عذابه
می جویند بسوی پروردگار ایشان وسیله کدام ایشان نزدیکتر است وامید دارند برحمت او ومی ترسند از عذاب او
ان عذاب ربك كان محذورا ٥٧ وان من قرية الا نحن مهلكوها قبل
بدرستیکه عذاب پروردگارت باشد حذر کرده شده ونیست هیچ قریه مگر آنکه ماییم هلاک کننده اش پیش
يوم القيمة او معذبوها عذابا شديدا كان ذلك في الكتاب مسطورا
از روز قیامت یا عذاب کننده ایم او را عذابی سخت باشد این در کتاب نوشته شده
وما منعنا ان نرسل بالايات الا ان كذب بها الاولون واتينا ثمود
وباز نداشت ما را فرستیم آیتها را مگر آنکه تکذیب کردند بآن پیشینیان ودادیم ما ثمود را
الناقة مبصرة فظلموا بها وما نرسل بالايات الا تخويفا ٥٩ واذ قلنا
ناقه حال آنکه بینش بخشنده بود پس ظلم کردند بآن ونمی فرستیم آیتها را مگر برای ترسانیدن وچون گفتیم
لك ان ربك احاط بالناس وما جعلنا الرءيا التي اريناك الا فتنة
مر ترا بدرستیکه پروردگارت احاطه کرده بمردمان ونگردانیدیم ما آن خوابی را که نمودیم بتو مگر ابتلای
للناس والشجرة الملعونة في القران ونخوفهم فما يزيدهم الا طغيانا
برای مردمان وآن درخت لعنت کرده شده در قرآن ومی ترسانیم ایشان را پس نمی افزاید ایشان را مگر زیاده روی
كبيرا ٦٠ واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس قال ءاسجد
بزرگ وچون گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس گفت آیا سجده کنم
لمن خلقت طينا ٦١ قال ارءيتك هذا الذي كرمت علي لئن اخرتن الى
مر آنرا که آفریدی از گل گفت خبر ده مرا تو این کسیکه زیادتی دادی بر من هرآینه اگر باز پس داری مرا تا
يوم القيمة لاحتنكن ذريته الا قليلا ٦٢ قال اذهب فمن تبعك منهم
روز قیامت هرآینه بیخ برکنم البته فرزندانش مگر اندکی گفت برو پس هر که پیروی کند ترا از ایشان
فان جهنم جزاؤكم جزاء موفورا ٦٣ واستفزز من استطعت منهم بصوتك
پس بدرستیکه دوزخ پاداش شما باشد پاداشی تمام واز جای ببر هرکرا توانی از ایشان بآوازت
واجلب عليهم بخيلك ورجلك وشاركهم في الاموال والاولاد وعدهم
وبران برایشان با سوارانت وپیادگانت وشریک شو ایشانرا در مالها وفرزندان ووعده ده ایشانرا
وما يعدهم الشيطن الا غرورا ٦٤ ان عبادي ليس لك عليهم سلطن
ووعده نمیدهد ایشانرا شیطان مگر بفریب بدرستیکه بندگان من نیست مرترا برایشان استیلا
وكفى بربك وكيلا ٦٥ ربكم الذي يزجي لكم الفلك في البحر لتبتغوا
وبس باشد پروردگارت وکیل پروردگار شما ست که میراند برای شما کشتی را در دریا تا بجویید
من فضله انه كان بكم رحيما ٦٦ واذا مسكم الضر في البحر ضل من
از فضل او بدرستیکه او باشد بشما مهربان وچون برسد شما را ضرری در دریا گم میشود آنرا
تدعون الا اياه فلما نجكم الى البر اعرضتم وكان الانسان كفورا ٦٧
که میخوانید بجز او پس چون رها کند شما را بسوی خشکی روگردان شدید وباشد انسان بسیار ناسپاس

لاحتنكن بفتح لام وهمزه وسکون حاء بی نقطه وفتح تا وکسر نون

واجلب بفتح همزه قطع وسکون جیم وکسر لام وسکون با

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ
آیا پس ایمن شدید که فرو برد با شما طرف بر را یا فرستد بر شما باران سنگ باز پس نیابید برای خود
وَكِيلًا ٧١ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ
وکیلی یا ایمن شدید که باز گرداند شما را در آن بار دیگر پس فرستد بر شما در هم شکننده از باد
فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ٧٢ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ
پس غرق کند شما را بسبب کفرتان پس نیابید برای خودتان بر ما از آن ازپی دارنده و هر آینه بتحقیق گرامی کردیم فرزندان
وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ
آدم را و برداشتیم ایشان را در بر و بحر و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه چیزها و افزونی دادیم ایشان را بر بسیاری
مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ٧٣ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
از آنچه آفریدیم افزونی دادنی روزی که میخوانیم همه مردمان را با پیشوایشان پس هرکه داده شد نامه او
بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ٧٤ وَمَنْ كَانَ فِي هَٰذِهِ
بدست راستش پس آنها میخوانند نامه خود را و ستم کرده نشوند مقدار رشتهٔ و هر که باشد در این دنیا
أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ٧٥ وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ
کور باطن پس او است در آخرت کور و گمراه تر است در راه و بدرستیکه نزدیک بود که گمراه کنند ترا از
الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ٧٦
آنچه وحی فرستادیم بسوی تو تا افترا کنی بر ما غیر آن را و آنگاه هر آینه بگیرند ترا دوستی
وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ٧٧ إِذًا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ
و اگر نه آن بودی که ثابت کردیم ترا هر آینه بتحقیق نزدیک بودی که میل کنی بسوی ایشان چیزی اندک در آن وقت میچشانیدیم ترا عذاب
الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ٧٨ وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ
زندگی و عذاب مرگ پس نمییافتی برای خود بر ما یاری کننده و بدرستیکه نزدیک بود که برکنده کنند ترا
مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ٧٩ سُنَّةَ مَنْ
از زمین تا بیرون کنند ترا از آن و آنگاه درنگ نمیکردند پس از تو مگر اندکی بدستور آنکه
قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ٨٠ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ
بحقیقت فرستادیم پیش از تو از رسولان ما و نیابی مر دستور ما را تغییری برپا دار نماز را نزد زوال
الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ٨١ وَمِنَ
آفتاب تا تاریکی شب و خواندن صبح بدرستیکه خواندن صبح باشد مشهود و از
اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ٨٢ وَقُلْ
شب پس بیدار شو با آن زیادتی مر ترا شاید جای دهد ترا پروردگارت بمکان پسندیده و بگو
رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
پروردگارا درآور مرا درآوردن راستی و بیرون آور مرا بیرون آوردن راستی و بگردان برای من از نزد خود
سُلْطَانًا نَصِيرًا ٨٣ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ٨٤
تسلط یاری کننده و بگو آمد حق و ناچیز شد باطل بدرستیکه باطل باشد ناچیز

و لدیت شاه عبد العزیز وقل رب ادخلنی الی زهوقا چون خواهند بسلاطین و اشراف روند اول غسل کنند و جامه پاک در پوشد دو رکعت نماز گزارد و بروی درآید این آیت را بخواند تا مستولی شد رسد اقبال و اکرام و تعظیم بسیار مشاهده کند ان شاء الله تعالی ۱۲

ترکن بفتح تا و سکون را و فتح کاف و ضم نون

ونزل

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا
و فرو میفرستیم از قرآن آنچه آن شفا و رحمت است مر گروندگان را و نمی افزاید ستمگاران را مگر
خَسَارًا ٨٥ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ
زیانی و چون انعام کنیم بر انسان روی بگرداند و دور شود بجانب خود و چون مس کند او را شر
كَانَ يَئُوسًا ٨٦ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى
باشد ناامید بگو همه کس عمل میکند بر مانند خویش پس پروردگار شما داناتر است بآنکه او درست تر است
سَبِيلًا ٨٧ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ
در راه و می پرسند ترا از روح بگو روح از فرمان پروردگار منست و داده نشدید از
الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ٨٨ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ
دانش مگر اندکی و هر آینه اگر خواهیم هر آینه ببریم آنچه را وحی کردیم بسوی تو پس نیابی
لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ٨٩ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ٩٠
برای خود بآن بر ما کارگزاری بجز رحمت از پروردگارت بدرستیکه باشد فضل او بر تو بزرگ
قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ
بگو هر آینه اگر جمع شوند انس و جن برآنکه بیاورند بمثل این قرآن نتوانند آورد
بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ٩١ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ
مانند آنرا و اگر باشند برخی از ایشان برای برخی همپشت و هر آینه بتحقیق گردانیدیم برای مردمان در این قرآن
مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ٩٢ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ
از همه مثلی پس سرباز زدند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی را و گفتند ایمان نمیگرویم هرگز بتو تا آنکه روان سازی
لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ٩٣ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ
برای ما از زمین چشمه یا باشد مر ترا بوستانی از خرما و انگور پس روان سازی نهرها
خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ٩٤ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ
در میان آن روان کردنی یا بیندازی آسمان را چنانکه ادعا کردی بر ما پاره پاره یا بیاری
بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ٩٥ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ
خدا و فرشتگان را روی باروی یا باشد مر ترا خانه از طلا یا بالا روی در آسمان
وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ
و باور نداریم هرگز بالا رفتن ترا تا آنکه فرود آوری کتابی را که بخوانیم آنرا بگو منزه است پروردگار من آیا
كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ٩٦ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى
هستم مگر انسانی فرستاده شده و منع نکرد مردمان را که ایمان آورند چون آمد ایشان را هدایت
إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ٩٧ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ
مگر آنکه گفتند آیا برانگیخت خدا انسانی را رسول بگو اگر بودندی در زمین
٩٨ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا
فرشتگان میرفتند آرمیدگان هر آینه میفرستادیم از آسمان فرشته را رسول

قوله سبحانه وتعالی وننزل من القرآن ما هو شفاء [illegible] ١٢

کسفا بکسر کاف وفتح سین

نقرؤه بضم همزه بدون واو صیغه متکلم است نه واو جمع

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۹۶ وَمَن
بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما بدرستیکه او باشد به بندگانش آگاه بینا و کسیرا که
يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ
هدایت کند خدا پس اوست راه یافته و کسیرا که گمراه نمود پس هرگز نیابی مر ایشانرا دوستان از جز او و حشر نمائیم
يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ
روز قیامت بر رویهاشان کوران و گنگان و کران جایشان دوزخ است هرگاه فرو نشیند زیاده کنیم
زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ۹۷ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا
بیفزائیم مر ایشانرا برافروختنش را این است پاداش ایشان که آنها کافر شدند بآیات ما و گفتند آیا چون باشیم
عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۹۸ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
استخوانها و ریزه ریزه‌ها آیا ما برانگیخته شوندگانیم بآفرینش تازه آیا و ندیدند که خدائیکه
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ
آفرید آسمانها و زمین را تواناست بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا و گردانید برای ایشان اجلی که نیست شکی
فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ۹۹ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا
در آن پس سر باز زدند ستمکاران مگر بجز ناسپاسی بگو اگر شما مالک بودید خزینهای رحمت پروردگار مرا آنگاه
لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنفَاقِ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا ۱۰۰ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ
هر آینه امساک میکردید از ترس صرف کردن و باشد انسان تنگ سازنده نفقه و بتحقیق دادیم موسی را نه
آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ
نشانهای روشن پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد ایشانرا پس گفت مر او را فرعون بدرستیکه من گمان میکنم
يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ۱۰۱ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ
ترا ای موسی سحر کرده شده گفت هر آینه بتحقیق دانستهٔ که نفرستید اینها را مگر پروردگار آسمانها
وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ۱۰۲ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم
و زمین دلیلهای روشن و بدرستیکه من میپندارم ترا ای فرعون هلاک کرده شده پس خواست که برکند ایشانرا
مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا ۱۰۳ وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ
از زمین پس غرق کردیم او را و هر که با او بود همه و گفتیم پس از آن مر بنی اسرائیل را
اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ۱۰۴ وَبِالْحَقِّ
که ساکن شوید آن زمین را پس چون آید وعدهٔ آخرت آریم شما را بهم آمیخته و بحق
أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۱۰۵ وَقُرْآنًا
فرو فرستادیم او را و بحق فرود آمد و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده و قرآنی که
فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ۱۰۶ قُلْ آمِنُوا بِهِ
جدا جدا کردیم او را تا بخوانی او را بر مردمان بر آرامی و فرو فرستادیم فرو فرستادنی بگو بگروید باو
أَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۚ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ
یا ایمان نیاورید بدرستیکه آنکه داده شدند علم را پیش از آن چون خوانده میشود بر ایشان بر رو می افتند

نصف

جزاؤهم بضم همزه بلا واو

قوله سبحانه و تعالی قل لو انتم تملکون ... خاصیت این آیه دفع غم و تنگدلی و خوابهای شوریده ... هر که از این عوارض ... دو روز روزه بدارد ... از کسب حلال ... و این آیه را بخواند و از آن آب بیاشامد ... انشاء الله تعالی

۱۲

منزل سجده

للاذقان سجدا ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ١٠٩

بر زنخهاشان سجده کنندگان و میگویند منزه است پروردگار ما بدرستیکه وعدهٔ پروردگار ما هر آینه باشد کرده شده

ويخرون للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا ١١٠ قل ادعوا الله او ادعوا

و بر رو افتند بر زنخ میگریند و زیاده میکند ایشان را فروتنی بگو بخوانید خدا را یا بخوانید

الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا

رحمن را همه کدام را که بخوانید پس مر او راست نامهای نیکو و بلند مکن نمازت را و

تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا ١١١ وقل الحمد لله الذي لم يتخذ و

آهسته مکن آنرا و بجوی میانه آن طریقی را و بگو ستایش مر خدا را که نگرفت فرزندی و

لدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

فرزندی و نمیباشد مر او را شریکی در پادشاهی و نبوده مر او را یاری از مذلت و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

(١٨) سورة الكهف مائة وعشر آية وهي مكية

الا آية واصبر نفسك الى آخر واية ويسئلونك عن ذي القرنين الى نهاية الذين كانت اعينهم فمدنية نزلت بعد الغاشية

٢٧ وآية ٨٣ الى ١٠١ مدنية نزلت بعد الغاشية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا ١ قيما

ستایش مر خدا را که فرو فرستاد بر بندهٔ خود کتاب را و نگردانید مر او را کجی راست گردانید

لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات

تا بیم دهد بعذابی سخت از نزد او و مژده دهد مؤمنان را که میکنند کارهای شایسته

ان لهم اجرا حسنا ٢ ماكثين فيه ابدا ٣ وينذر الذين قالوا اتخذ الله

که مر ایشان راست مزدی نیکو مکث کنندگان در آن همیشه و بیم دهد آنان را که گفتند فرا گرفته خدا

ولدا ٤ ما لهم به من علم ولا لابائهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان

فرزندی نیست مر ایشان را بآن هیچ دانشی و نه پدرانشان را عظیم آمد آن سخنی که بیرون آید از دهنهاشان نه

يقولون الا كذبا ٥ فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا

میگویند مگر دروغ پس شاید تو هلاک کننده نفس خود را بر اثرهای ایشان اگر ایمان نیاورند

بهذا الحديث اسفا ٦ انا جعلنا ما على الارض زينة لها لنبلوهم ايهم

باین کلام از غصه و اندوه بدرستیکه ما گردانیدیم آنچه بر زمین است زینتی مر آنرا تا بیازمائیم ایشان را که کدام

احسن عملا ٧ وانا لجاعلون ما عليها صعيدا جرزا ٨ ام حسبت ان اصحاب

نیکوتر کردار و بدرستیکه ما گرداننده ایم آنچه بر اوست زمینی ساده بلکه پنداشتی که اصحاب

الكهف والرقيم كانوا من آياتنا عجبا ٩ اذ اوى الفتية الى الكهف

کهف و رقیم بودند از آیتهای ما عجب چون جای گرفتند آن جوانان بسوی غار

فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من امرنا رشدا ١٠ فضربنا

پس گفتند ای پروردگار ما ده ما را از نزد خودت رحمتی و مهیا کن برای ما از کار ما راه رستگاری پس زدیم ما

عَلٰٓى اٰذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا ١١ ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَىُّ الْحِزْبَيْنِ

بر گوشهاشان در آن غار سالها بشماره پس برانگیختیم ایشانرا تا بدانیم که ایشان کدام دو گروه

اَحْصٰى لِمَا لَبِثُوْٓا اَمَدًا ١٢ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ اِنَّهُمْ فِتْيَةٌ اٰمَنُوْا

بشماره نگاه داشت مر آنچه ماندند از مدت ما میخوانیم بر تو خبر ایشانرا براستی بدرستیکه ایشان بودند جوانان که ایمان آوردند

بِرَبِّهِمْ وَزِدْنٰهُمْ هُدًى ١٣ وَّرَبَطْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا فَقَالُوْا رَبُّنَا

او آورند بپروردگار شان و افزودیم ایشانرا هدایت و بستیم بر دلهاشان چون برخاستند پس گفتند پروردگار ما

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَا۟ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ اِذًا شَطَطًا ١٤

پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم از غیر او خدایی را هر آینه بحقیق گفته باشیم آنگاه دور از صواب

هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً لَوْلَا يَاْتُوْنَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍۭ

اینها قوم ما گرفتند از غیر او خدایان چرا نمی آورند برایشان حجتی

بَيِّنٍ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ١٥ وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ

روشن پس کیست ستمگارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را و چون کناره گیرید از ایشان و آنچه میپرستند

اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗٓا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ

بجز خدا پس جای گیر شوید بآن غار تا بگسترانید برای شما پروردگار شما از رحمت خود و آماده کند برای شما از

اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ١٦ وَتَرَى الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ

کار شما مایه سودی را و می بینی آفتاب را چون طلوع کند منحرف میشود از غارشان بجانب راست

وَاِذَا غَرَبَتْ تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِىْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ

و چون غروب میکند قطع میکند بجانب چپ و بودند در فراخنای از آن این از آیتهای خداست

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ١٧

هر که را هدایت میکند خدا پس اوست راه یافته و هر که را گمراه میکند پس نیابی او را هرگز یاوری ارشاد دهنده

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَ

و پنداشتی ایشانرا بیداران و ایشان بودند خفتگان و میگردانیم ایشانرا بجانب راست و جانب چپ و

كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيْدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا

سگ شان گستراننده دو دستش را باستانه در غار اگر اطلاع داشتی بر ایشان پشت میگردی از ایشان بگریز

وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ١٨ وَكَذٰلِكَ بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوْا بَيْنَهُمْ قَالَ قَآئِلٌ

و پر کرده میشدی از ایشان از ترس و همچنین برانگیختیم ایشانرا تا پرسش کنند میانشان گفت گوینده

مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوْا رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ

از ایشان که چند درنگ کردید گفتند درنگ کردیم روزی یا برخی از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بآنچه درنگ کردید

فَابْعَثُوْٓا اَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖٓ اِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ اَيُّهَآ اَزْكٰى طَعَامًا

پس بفرستید یکی از شما را با درم تان این بشهر پس ببیند که کدام پاکیزه تر است در طعام

فَلْيَاْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ اَحَدًا ١٩ اِنَّهُمْ اِنْ يَّظْهَرُوْا

پس بیارد از او شما را روزی و باید تلطف کند و نباید آگاه گرداند بشما احدی را بدرستیکه ایشان اگر دست یابند

الها بکسر همزه

الهة بدو الف وکسر لام

فأوا بدو واو خوانده شود

بورقکم بفتح واو وکسر راء و قاف

عليكم

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ اَوْ يُعِيدُوكُمْ فِى مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوٓا اِذًا اَبَدًا ٢٠ وَكَذٰلِكَ
بر شما سنگسار کنند شما را یا برگردانند شما را در کیش خود شان و هرگز رستگار نشوید آنگاه جاویدان و همچنین
اَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوٓا اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا اِذْ يَتَنَازَعُونَ
واقف گردانیدیم بر ایشان تا بدانند که وعده خدا راست است و آنکه قیامت نیست شکی در آن در آن هنگام که نزاع
بَيْنَهُمْ اَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا
میکردند میان خود در کار ایشان پس گفتند بنا کنید بر ایشان بنائی پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنانکه غالب شدند
عَلٰٓى اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ٢١ سَيَقُولُونَ ثَلٰثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ
بر کار ایشان هر آئینه میسازیم بر ایشان مسجدی بزودی میگویند سه تا بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود و
يَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ
میگویند پنج تا بودند ششم ایشان سگ ایشان انداختنی بناپیدا و میگویند هفت تا بودند و هشتم ایشان
كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّىٓ اَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا قَلِيلٌ ٢٢ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ اِلَّا مِرَآءً
سگ ایشان بگو پروردگار من داناتر است بشمار ایشان نمیدانند ایشان را مگر اندکی پس جدال مکن در اصحاب کهف مگر جدالی
ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ اَحَدًا ٢٣ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىٍٔ اِنِّى فَاعِلٌ ذٰلِكَ
ظاهر و فتوی مجوی در ایشان از اهل کتاب احدی را و مگو البته مر چیزی را که من کننده ام آنرا
غَدًا اِلَّآ اَنْ يَشَآءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسٰٓى اَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّى
فردا مگر آنکه خواهد خدا و یاد کن پروردگارت را چون فراموش کنی و بگو شاید که راه نماید مرا پروردگار من
لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ٢٤ وَلَبِثُوا فِى كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ٢٥
برای نزدیکی از این راه هدایت و درنگ کردند در غار شان سیصد سال و زیاده ماندند نه سال
قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَبْصِرْ بِهِ وَاَسْمِعْ مَا لَهُمْ
بگو خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند مر او راست نهان آسمانها و زمین چه بیناست بآن و چه شنواست نیست ایشان را
مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِىٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِى حُكْمِهِ اَحَدًا ٢٦ وَاتْلُ مَآ اُوحِىَ اِلَيْكَ مِنْ
از غیر او هیچ یاوری و شریک نمیگرداند در حکم خود احدی را و بخوان آنچه وحی شد بسوی تو از
كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ٢٧ وَاصْبِرْ
کتاب پروردگارت نیست بدل کننده مر کلمات او را و هرگز نیابی از غیر او پناهی و صبر کن
نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ
نفس خود را با آنانکه میخوانند پروردگار شانرا بامداد و شبانگاه که میخواهند وجه او را و
لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ
نباید که درگذرد دو چشم تو از ایشان که میخواهی آرایش زندگانی دنیا و اطاعت مکن آنرا که غافل کردیم دلش را
عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ وَكَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا ٢٨ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَآءَ
از یاد خود و پیروی کرد آرزوی خود را و باشد کارش تباه و بگو حق از پروردگار شما پس هرکه خواهد
فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ اِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِينَ نَارًا اَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
پس ایمان آورد و هرکه خواهد پس کافر شود بدرستیکه ما آماده کردیم برای ستمگاران آتشی که احاطه کرده بایشان سراپرده اش

قوله تعالی العزیز قل ربی اعلم بعدتهم الی آخره مجمع البیان از ابن عباس و ابن مسعود که گفت منم قلیل از ایشان و هفت نفر بودند و هشتم ایشان کلب ایشان و ظاهر است که ابن عباس عارف شده است بعدد ایشان از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز از ابن عباس روایت شده که گفت اسمای اصحاب کهف هفت است مکسلمینا یملیخا مرطونس بینونس سارینونس ذونواس کفشطیطیونس و اسم هشتم سگ ایشان است که ایشان را همراه

تَسْتَفْتِ
بفتح تا تأنیث و سکون فا و کسر تا میم

تَعْدُ
بفتح تا و سکون عین و ضم دال

وَاِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ
و اگر فریاد رسی خواهند فریاد رسیده شوند بآبی چون فلز گداخته که بریان میکند روها را بد شرابیست و بد است
مُرْتَفَقًا ۲۹ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ
از جهت تکیه گاه بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته بدرستیکه ما ضایع نمیکنیم مزد آنکه نیکو کرد
عَمَلًا ۳۰ اُولٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا
کردارش این گروه مر ایشانراست بهشتهای اقامت که روانست از زیر ایشان نهرها زیور کرده میشوند در آنها
مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَاِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ
از دست برنجن از طلا و میپوشند جامههای سبز از دیبای نازک و دیبای سطبر تکیه کنندگان
فِيهَا عَلَى الْاَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۳۱ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا
در آن بر تختها خوبست آن ثواب و خوبست از جهت تکیه گاه و بزن برای ایشان مثلی
رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا
از دو مرد که گردانیدیم برای یکی از ایشان دو بوستان از انگورها و فرو گرفتیم اندورا بدرخت خرما و گردانیدیم
بَيْنَهُمَا زَرْعًا ۳۲ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا ۳۳ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا
میان آنها کشت زار هر دو بوستان آوردند ثمر خودرا و کم نکردند از آن چیزیرا و روان کردیم میان آنها
نَهَرًا ۳۳ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَاَعَزُّ
نهری را و بود مر آنرا ثمری پس گفت هم صحبت خودرا و او گفتگو میکرد که من بیشترم از تو بمال و افزونترم
نَفَرًا ۳۴ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا اَظُنُّ اَنْ تَبِيدَ هٰذِهِ اَبَدًا ۳۴
بمردم و داخل شد در بوستانش و او بود ظلم کننده مر نفس خودرا گفت گمان نمیبرم که نیست شود این هرگز ۳۵
وَمَا اَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ اِلٰى رَبِّي لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا
و گمان نمیبرم قیامت را قائم و اگر بر گردانیده شوم بسوی پروردگارم هر آینه بیابم بهتر از این جای بازگشتی
قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ
گفت مر اورا هم صحبت او و او گفتگو میکرد آیا کافر شدی بآنکه آفرید ترا از خاک پس از
نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰيكَ رَجُلًا ۳۶ لٰكِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّي وَلَا اُشْرِكُ بِرَبِّي اَحَدًا ۳۷
نطفه پس درست کرد ترا مردی ولیکن من میگویم اوست خدا پروردگارم و شریک نگردانم بپروردگارم احدی
وَلَوْلَا اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا
و چرا چون داخل شدی بوستانت را نگفتی آنچه خواست میشود خدا نیست قوتی مگر بخدا اگر بینی مرا کمترم
اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۳۸ فَعَسٰى رَبِّي اَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَ
کمترم از تو بمال و فرزند پس شاید پروردگارم که بدهد مرا بهتر از بوستان تو و
يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۳۹ اَوْ يُصْبِحَ
و فرستد بر آن صاعقهها از آسمان پس گردد زمینی ساده یا گردد
مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۴۰ وَاُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَاَصْبَحَ يُقَلِّبُ
آبش بزمین فرو رفته پس نتوانی هرگز مر آنرا جستن و احاطه کرده شد ثمرش پس گردید که میگردانید

ولقد تعالی شأنه العزیز واضرب لهم مثلا رجلین الاخر در جامع الآیات کرسی نجم نوادی است

از حضرت ابی عبد الله روایت شده که فرمود مراد از این دو رجل در این آیه امیر المؤمنین است و مردی دیگر و از این جهت معلوم میشود که مردی بجز ورهنما با آنحضرت واگذاشت دیگر نمود او مسند عهد آنحضرت است که شیطان این امت فرعون و سامری این امت است که دین کوسالهٔ او داد این امت سبب گذاردن و حقی هیچ تا بیتر انکردو بجز و نازش و بهوا گرفت خود و بملک و بسلطنت خود دنیا بود که جنت خود قرار داد ۱۲

لٰكِنَّا بفتح نون بعد از الف هرچند بصورت الف داده نوشته شود زیرا که اصل آن لکن انا بود همزهٔ انا را از جهت تخفیف حذف کردند و نون را در نون ادغام کردند لکنّا شد و چون انا بصورت الف در نوشته میشود لهذا بعد از حذف همزه و ادغام نون نیز چنانکه شود

مَاؤُهَا بهمزه بعد از واو

كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ

دو كف خود را بر آنچه صرف كرده بود در آن و آن افتاده بود بر سقفهای خویش و میگفت ای کاش که من شریک نمی‌دادم

بِرَبِّي أَحَدًا ٤٢ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ

به پروردگار خود هیچکس را و نبود مر او را گروهی که یاری کنند او را از جز خدا و نبود منع کننده

مُنْتَصِرًا ٤٣ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ٤٤ وَ

منع کننده در اینجا سلطنت مر خدا راست که حق است او بهتر است از راه ثواب و بهتر است از جهة عاقبت و

اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ

و بزن مر ایشان را مثل زندگانی دنیا چون آبی که فرو فرستادیم از آسمان پس آمیخته شد با آن رستنی

الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ٤٥

زمین پس گردید خشک در هم شکسته که پراکنده کند آن را بادها و باشد خدا بر هر چیز توانا

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ

مال و فرزندان است آرایش زندگانی دنیا و باقیهای شایسته بهتر است نزد پروردگار تو

ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ٤٦ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ

از راه ثواب و بهتر است از راه امید و روزی که روان گردانیم کوهها را و ببینی زمین را ظاهر و حشر کنیم ما ایشان را

فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ٤٧ وَعُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا

پس وانگذاریم از ایشان هیچکس را و عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف کشیده هر آینه بتحقیق آمدید ما را چنانکه

خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ٤٨ وَوُضِعَ الْكِتَابُ

آفریدیم شما را اول بار بلکه پنداشتید که هرگز نگردانیم برای شما وعده گاهی و گذاشته شود کتاب

فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا

پس بینی گناهکاران را ترسندگان از آنچه در آنست و میگویند ای وای بر ما چیست مر این نامه را که

يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا

وانگذاشته گناه خورد و نه گناه بزرگ را مگر آنکه در شمار آورده آن را و بیابند آنچه کرده اند حاضر و

يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ٤٩ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

ظلم نکند پروردگار تو احدی را و چون گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند جز ابلیس

كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ

بود از جن پس بیرون رفت از فرمان پروردگار خویش آیا پس میگیرید او و فرزندانش را دوستان از غیر من و

هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ٥٠ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَ

ایشان مر شما را دشمنند و بد است مر ستمکاران را بدل حاضر نکردیم ایشان را در آفرینش آسمانها و

الْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ٥١ وَيَوْمَ يَقُولُ

زمین و نه در آفرینش خودهاشان و نبودم گیرنده گمراه کنندگان را مددکار و روزی که گوید

نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ٥٢

ندا کنید شریکان مرا آنان که پنداشتید پس ندا کنند ایشان را پس جواب ندهند مر ایشان را و گردانیم میان ایشان جای هلاکی

سبحانه وتعالی صاحب کنز العرفان گفته که مروی است که هنالک الولایة لله الحق هو خیر ثوابا و خیر عقبا نازل شده در ولایت علی مرتضی است زیرا که حضرت ابو جعفر روایت کرده که گفت عرض کردم

تَذْرُوهُ بفتح تا و سکون ذال معجمه که از ذرو است

معنی هنالک الولایة الی آخره چنین است که بعنی عاقبت ولایت آنحضرت که از برای حق تعالی است بهترین عاقبت و ولایت او که صاحب جنت و حرام کردن حضرت آخرت ... رسول کرده شده ... معنی هنالک ولایة ... ولایت امیر المؤمنین ... و معنی ... از برای آنحضرت ... برای ... دعا ... است که من ولاکم ... ١٢

وَرَاَى الْمُجْرِمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْا اَنَّهُمْ مُّوَاقِعُوْهَا وَلَمْ يَجِدُوْا عَنْهَا مَصْرِفًا ٥٢
و دیدند گناهکاران آتش را پس دانستند که ایشان خواهند افتاد در آن و نیافتند از آن راه برگشتن

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ؕ وَكَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ
و هر آینه بتحقیق که مکرر آوردیم در این قرآن از برای مردم از همه مثلی و باشد انسان بیشتر

شَيْءٍ جَدَلًا ٥٣ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْا اِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا
چیزی از راه جدال و باز نداشت مردم را که ایمان آورند چون آمد ایشان را هدایت و آمرزش

رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ٥٤ وَمَا
خواهند از پروردگار ایشان مگر آنکه آید ایشان را عادت پیشینیان یا بیاید ایشان را عذاب روبرو و نمی

نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا
فرستیم فرستادگان را بجز مژده دهندگان و بیم کنندگان و جدل میکنند آنانکه کافر شدند

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ٥٥ وَ
بباطل تا زایل کنند بآن حق را و گرفتند آیتهای مرا و آنچه بیم کرده شدند باستهزا و

مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ؕ اِنَّا
و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شد بآیات پروردگارش پس روگردانید از آن و فراموش کرد آنچه را پیش فرستاد

جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ؕ وَاِنْ تَدْعُهُمْ
بدرستیکه ما گردانیدیم بر دلهاشان پوششها که مبادا بفهمند آنرا و در گوشهاشان گرانی و اگر بخوانی ایشانرا

اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ٥٧ وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ؕ لَوْ
بسوی هدایت پس هرگز راه نیابند آنگاه هرگز و پروردگار تو آمرزنده است صاحب رحمت اگر

يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ؕ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ
مواخذه میکرد ایشانرا بآنچه کسب کردند هر آینه تعجیل مینمود برای ایشان عذاب را بلکه مر ایشانراست وعده گاهی که هرگز نیابند جز آن

مَوْئِلًا ٥٨ وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا
پناهی و این قریه‌ها هلاک کردیم ایشانرا چون ستم کردند و گردانیدیم برای هلاکشان وعده

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ حَتّٰٓى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ٦٠
و چون گفت موسی مر جوانش را که پیوسته خواهم رفت تا برسم بمحل جمع شدن دو دریا یا بروم روزگاری دراز

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ٦١ فَلَمَّا
پس چون رسیدند بجای فراهم آمدن میان آن دو فراموش کردند ماهی خود را پس گرفت راهش در دریا بکنارگاهی پس چون

جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا ؗ لَقَدْ لَقِيْنَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ٦٢ قَالَ
گذشتند گفت مر جوانش را بیاور برای ما چاشت ما را بحقیقت دیدیم از سفرمان این تعبی را گفت

اَرَءَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّيْ نَسِيْتُ الْحُوْتَ ۫ وَمَآ اَنْسٰىنِيْهُ اِلَّا الشَّيْطٰنُ
آیا دیدی وقتیکه منزل کردیم بآن سنگ بزرگ پس بدرستیکه من فراموش کردم ماهی را و از یاد نبرد مرا آن مگر شیطان

اَنْ اَذْكُرَهٗ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِي الْبَحْرِ ۖ عَجَبًا ٦٣ قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا
که بیاد آورم آنرا و گرفت راهش را در دریا عجیب گفت اینست آنچه بودیم

تو در تعجب شد
و اذ قال موسی الخ
در مجمع البیان از حضرت رسول که روایت کرده که آنحضرت خطبه خواند ... [illegible]

نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰۤی اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ۶۴ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَاۤ اٰتَیْنٰهُ رَحْمَةً
جستیم پس برگشتند بر اثرهای شان پی جویان پس یافتند بندهٔ را از بندگان ما که داده بودیم او را رحمتی
مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا ۶۵ قَالَ لَهٗ مُوْسٰی هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰۤی اَنْ
از نزد خود و آموخته بودیم او را از نزد خود دانشی گفت مر او را موسی آیا پیروی کنم ترا برآنکه
تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۶۶ قَالَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِیْعَ مَعِیَ صَبْرًا ۶۷ وَكَیْفَ تَصْبِرُ
بیاموزی از آنچه آموخته شدی از صواب گفت بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را و چگونه صبر میکنی
عَلٰی مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا ۶۸ قَالَ سَتَجِدُنِیْۤ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ صَابِرًا وَّلَاۤ اَعْصِیْ لَكَ
بر آنچه احاطه نکرده بآن از راه دانش گفت زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد خدا صبر کننده و نه نافرمانی کنم ترا
اَمْرًا ۶۹ قَالَ فَاِنِ اتَّبَعْتَنِیْ فَلَا تَسْـَٔلْنِیْ عَنْ شَیْءٍ حَتّٰۤی اُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ۷۰
در کاری گفت پس اگر متابعت کنی مرا پس مپرس مرا از چیزی تا فرا دید آورم مر ترا از آن ذکری
فَانْطَلَقَا حَتّٰۤی اِذَا رَكِبَا فِی السَّفِیْنَةِ خَرَقَهَا قَالَ اَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ اَهْلَهَا
پس رفتند تا وقتیکه سوار شدند در کشتی سوراخ کرد آنرا گفت آیا سوراخ کردی تا غرق کنی اهلش
لَقَدْ جِئْتَ شَیْـًٔا اِمْرًا ۷۱ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِیْعَ مَعِیَ صَبْرًا ۷۲ قَالَ
بدرستیکه آوردی چیزی بزرگ را گفت آیا نگفتم بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را گفت
لَا تُؤَاخِذْنِیْ بِمَا نَسِیْتُ وَلَا تُرْهِقْنِیْ مِنْ اَمْرِیْ عُسْرًا ۷۳ فَانْطَلَقَا حَتّٰۤی
مؤاخذه مکن از من بآنچه فراموش کردم و تکلیف مکن از کار من دشواری پس رفتند تا
اِذَا لَقِیَا غُلٰمًا فَقَتَلَهٗ قَالَ اَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِیَّةًۢ بِغَیْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَیْـًٔا
آنگاه که دیدند پسری را پس کشت او را گفت آیا کشتی تنی پاک را بغیر قصاص تنی بتحقیق آوردی چیزی
نُّكْرًا ۷۴ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِیْعَ مَعِیَ صَبْرًا ۷۵ قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ
ناپسند را گفت آیا نگفتم مر ترا بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن را گفت اگر پرسیدم ترا
عَنْ شَیْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصٰحِبْنِیْ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَّدُنِّیْ عُذْرًا ۷۶ فَانْطَلَقَا حَتّٰۤی
از چیزی بعد از این پس رفاقت مکن با من بتحقیق که رسیده باشی از جانب من بعذری پس رفتند تا
اِذَاۤ اَتَیَاۤ اَهْلَ قَرْیَةِ ِۨاسْتَطْعَمَاۤ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ یُّضَیِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِیْهَا جِدَارًا
آنگاه که رسیدند باهل قریهٔ خواستند طعام از اهلش پس ابا کردند که مهمان کنند ایشان را پس یافتند در آن
یُّرِیْدُ اَنْ یَّنْقَضَّ فَاَقَامَهٗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَیْهِ اَجْرًا ۷۷ قَالَ
دیواری را که میخواست که بیفتد پس راست کرد آنرا گفت اگر میخواستی هر آینه میگرفتی بر آن مزدی گفت
هٰذَا فِرَاقُ بَیْنِیْ وَبَیْنِكَ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِیْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَیْهِ
اینست جدائی میان من و میان تو زود باشد که خبر دهم ترا بتاویل آنچه نتوانستی بر آن
صَبْرًا ۷۸ اَمَّا السَّفِیْنَةُ فَكَانَتْ لِمَسٰكِیْنَ یَعْمَلُوْنَ فِی الْبَحْرِ
صبر کردن را اما کشتی پس بود مال بیچارگانی که کار میکنند در دریا
فَاَرَدْتُّ اَنْ اَعِیْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ یَّاْخُذُ كُلَّ سَفِیْنَةٍ غَصْبًا ۷۹
پس خواستم که معیوب کنم اورا و بود در پیش راه ایشان پادشاهی که میگرفت هر کشتی را بغصب

اگرچه حضرت موسی پیغمبر و صاحب کتاب و اولو العزم بود اما مرتبهٔ خضر نبود حضرت علی او را موسی را عاداً خواستن و متابعت خضر نمود و تعلیم گرفتن علوم از او دیگر دگر بعث ارشاد او شود و حضرت خضر بر موسی بچ رتبه دست که از آن اشتیاق معلوم میگردد فوجدا عبدا الی آخر الآیه اولا اختصاص خضر بعبدیت خاصه که عبدنا فرموده مقام عبدیت خاصه فوق مرتبه نبوت نیامده استعمال خضر فوق بعلاوه حضرت حقتعالی سبحانه ملکه که آتیناه رحمة نشان خصوصیت دریافت رحمت خاصه از مقام عبدیت

الجزء السادس عشر ۱۶

که رحمة من عندنا نبوت شرف تعلم علوم از حضرت حقتعالی که معلم او نبود و حضرت خضر معرفت علم لدنی بلا واسطه حضرت حقتعالی سبحانه کسب فقط عنه والسلام ۱۲

فِراقُ بکسر فا

وَاَمَّا الْغُلٰمُ فَكَانَ اَبَوٰهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَا اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَّكُفْرًا ٨٠

و اما آن پسر پس بود پدر و مادرش مومن پس ترسیدیم که بپوشاند ایشان را سرکشی و کفر

فَاَرَدْنَا اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا ٨١ وَاَمَّا الْجِدَارُ

پس خواستیم که بدل دهد ایشان را پروردگار ایشان بهتر از وی در پاکی و نزدیکتر در مهربانی و اما دیوار

فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا

پس بود از دو پسر که بودند دو یتیم در مدینه و بود در زیر آن گنجی مر ایشان را و بودند والد ایشان

صَالِحًا فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَآ اَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ

نیکوکار پس خواست پروردگار تو که برسند بسن قوت خود و بیرون آرند گنج خود را برحمتی از پروردگار تو

وَمَا فَعَلْتُهٗ عَنْ اَمْرِيْ ذٰلِكَ تَاْوِيْلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا ٨٢ وَيَسْئَلُوْنَكَ

و نکردم آن را از امر خود اینست تاویل آنچه نتوانستی بر او صبر کردن و میپرسند ترا

عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَاَتْلُوْا عَلَيْكُمْ مِّنْهُ ذِكْرًا ٨٣ اِنَّا مَكَّنَّا لَهٗ فِي الْاَرْضِ

از ذو القرنین بگو زود باشد که خوانم بر شما از وی بیانی بدرستیکه ما تمکین دادیم او را در زمین

وَاٰتَيْنٰهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا فَاَتْبَعَ سَبَبًا ٨٤ حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَ

و دادیم او را از هر چیزی سببی پس از پی رفت سببی را تا آنگاه که رسید بجای غروب آفتاب

جَدَهَا تَغْرُبُ فِيْ عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَّوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ٨٥ قُلْنَا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ

یافت آن را که غروب میکند در چشمه لای داری و یافت نزد آن گروهی را گفتیم ای ذو القرنین

اِمَّآ اَنْ تُعَذِّبَ وَاِمَّآ اَنْ تَتَّخِذَ فِيْهِمْ حُسْنًا ٨٦ قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهٗ

یا آنکه عذاب کنی و یا آنکه فرا گیری در ایشان نیکی را گفت اما آنکه ستم کرد پس زود عذاب کنیم او را

ثُمَّ يُرَدُّ اِلٰى رَبِّهٖ فَيُعَذِّبُهٗ عَذَابًا نُّكْرًا ٨٧ وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

پس باز گردانیده شود بسوی پروردگارش پس عذاب کرده شود عذابی سخت و اما آنکه ایمان آورد و کرد کار شایسته

فَلَهٗ جَزَآءَ ۨالْحُسْنٰى وَسَنَقُوْلُ لَهٗ مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا ٨٨ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ٨٩ حَتّٰٓى

پس مر او راست مزد خوب و بزودی میگوییم مر او را از کار خود آسانی پس از پی رفت سببی تا

اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا ٩٠

چون رسید بجای برآمدن آفتاب یافت آنرا که طلوع میکند بر قومی که نکرده بودیم مر ایشان را پیش از آن پوششی

كَذٰلِكَ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ٩١ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ٩٢ حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ

همچنین و بتحقیق احاطه کردیم بآنچه بود نزد او از راه دانش پس از پی رفت سببی را تا چون رسید

بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ٩٣

میان دو سد یافت از پیش آن دو گروهی را که نبودند نزدیک که بفهمند سخنی را

قَالُوْا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَاْجُوْجَ وَمَاْجُوْجَ مُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ

گفتند ای ذو القرنین بدرستیکه یاجوج و ماجوج فساد کنندگانند در زمین پس آیا بگردانیم

لَكَ خَرْجًا عَلٰٓى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ٩٤ قَالَ مَا مَكَّنِّيْ فِيْهِ رَبِّيْ

برای تو خرجی بر آنکه بگردانی میانه ما و میان ایشان سدی گفت آنچه تمکن داده در آن پروردگار من

مُؤْمِنَيْن بفتح نون و سکون یا

تَغْرُب بفتح تاء و سکون غین معجمه

۱۲

خيرٌ فاعينوني بقوةٍ اجعل بينكم وبينهم ردماً ٩٥ اتوني زبر الحديد
بهتر است پس مدد کنید مرا بقوتی که بگردانم میان شما و میان ایشان سدی بیاورید بمن پاره های آهن
حتى اذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا حتى اذا جعله ناراً قال اتوني
تا آنکه برابر شود میان آن دو کوه گفت بدمید تا وقتیکه گردانید آنرا آتش گفت بیارید مرا
افرغ عليه قطراً ٩٦ فما اسطاعوا ان يظهروه وما استطاعوا له نقباً ٩٧
بریزم بر او مس گداخته پس نتوانستند که بالا بر شوند آنرا و نتوانستند مر او را سوراخ کردن
قال هذا رحمة من ربي ٩٨ فاذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد
گفت این رحمتی است از پروردگارم پس چون آید وعدهٔ پروردگارم میگرداند او را ریزه ریزه و باشد وعدهٔ
ربي حقاً ٩٩ وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم
پروردگارم راست و وامیگذاریم برخی از ایشان را آنروز که مضطرب شوند در برخی و دمیده شود در صور پس جمع کنیم ایشانرا
جمعاً ١٠٠ وعرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضاً ١٠١ الذين كانت اعينهم
جمع کردنی و نمودار کنیم دوزخ را آنروز برای کافران نمودار کردنی آنانکه بود چشمهاشان
في غطاء عن ذكري وكانوا لا يستطيعون سمعاً ١٠٢ افحسب الذين
در پرده از یاد من و بودند که نمیتوانستند شنیدن را آیا پس پنداشتند آنانکه
كفروا ان يتخذوا عبادي من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكافرين
کافر شدند که بگیرند بندگان مرا از غیر من دوستان بدرستیکه آماده کردیم دوزخ را برای کافران
نزلاً ١٠٣ قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالاً ١٠٤ الذين ضل سعيهم
منزل بگو آیا خبر دهیم شما را بزیانکارترین در کردار آنانکه نابود شد کوشش ایشان
في الحيوة الدنيا وهم يحسبون انهم يحسنون صنعاً ١٠٥ اولئك الذين
در زندگانی دنیا و ایشان میپندارند که ایشان خوب میکنند کار را آن گروه آنانکه
كفروا بايات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقيم لهم يوم القيمة
کافر شدند بآیات پروردگار خود و ملاقات او پس نابود شد کارهای ایشان پس برپا نمیکنیم برای ایشان روز رستخیز
وزناً ١٠٦ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا اياتي ورسلي هزواً ١٠٧
وزنی این است جزای ایشان دوزخ بآنچه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و رسولان مرا باستهزا
ان الذين امنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلاً ١٠٨
بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته باشد برای ایشان بهشتهای فردوس منزلی
خالدين فيها لا يبغون عنها حولاً ١٠٩ قل لو كان البحر مداداً لكلمات
همیشه اند در آن که نجویند از آن انتقالی بگو اگر باشد دریا مداد برای کلمات
ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مدداً ١١٠
پروردگارم هر آینه تمام شدی دریا پیش از آنکه تمام شود کلمات پروردگارم و اگرچه آوریم مثل آن مدد
قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان
بگو جز این نیست که من آدمی مانند شما وحی کرده میشود بمن که نیست الهٔ شما مگر الهٔ یگانه پس کسیکه باشد

بقوةٍ اجعل بقطع همزهٔ اجعل زیرا که همزه متکلم است

و در سنن ترمذی است که ان الذین آمنوا تا آخر سوره را چون کسی در شب از خواب برخیزد بر وقت که خواهد این آیات را در وقت خواب بخواند و بعد از آن بگوید اللهم ایقظنی فی وقت کذا و کذا وهی حسبی و واغفر لی انک علی کل شیء قدیر یعنی لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و نیز آورده اند که هر کس سورهٔ کهف را در وقت خواب بخواند در خواب نترسد و روایت کنند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله که هر کس ده سوره کهف بخواند ایمن شود از دجال لعین ، شد ١٢

جزاؤهم بضم همزه بعد واو

يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

کرامید دارد ملاقات پروردگارش پس باید بکند کار شایسته و شریک نشود در پرستش پروردگارش احدی

(۱۹) سُورَةُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ثَمَانٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

إلا آية ۵۹ ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

كهيعص ١ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ٢ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ٣

بیان رحمت کردن پروردگار است بنده خود زکریا را هنگامیکه خواند پروردگارش را خواندنی پنهان

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا ٤ وَلَمْ أَكُنْ

گفت پروردگارا بدرستیکه من سست شد استخوان از من و مشتعل شد سر از راه پیری و نبوده‌ام

بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ٥ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي

بخواندن تو ای پروردگارم بی‌بهره و بدرستیکه من میترسم از بنی اعمام از بعدم و باشد زن من

عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ٦ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ

نازاینده پس ببخش مرا از نزد خودت وارثی که میراث برد از من و میراث برد از آل یعقوب و بگردان اورا

رَبِّ رَضِيًّا ٧ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ

پروردگارا پسندیده ای زکریا بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا به پسری که نام اوست یحیی نگردانیده‌ایم مر او را از پیش

سَمِيًّا ٨ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ

همنامی گفت ای پروردگار من از کجا میشود مرا پسری و حال آنکه باشد زن من نازاینده و بتحقیق رسیده‌ام

مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ٩ قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ

از پیری بنهایت ناتوانی گفت همچنین گفت پروردگار تو که آن بر من آسانست و بتحقیق آفریدم ترا از

قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ١٠ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۚ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ

پیش و نبودی چیزی گفت ای پروردگار من بگردان برای من علامتی گفت علامت تو آنست که سخن نگوئی

ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ١١ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ

سه شبانه روز که صحیح باشد پس بیرون آمد بر قومش از محراب پس اشارت کرد بایشان که

سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ١٢ يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ۖ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ

تسبیح کنید بامداد و شبانگاه ای یحیی بگیر آن کتاب را بجد و جهد و دادیم او را حکم

صَبِيًّا ١٣ وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ١٤ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ

در کودکی و رحمتی از نزد ما و پاکیزگی و بود پرهیزگار و نیکی کننده بوالدینش و نبود

جَبَّارًا عَصِيًّا ١٥ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ١٦

سرکش نافرمان و درود براو روزیکه زاده شد و روزیکه میمیرد و روزیکه برانگیخته میشود زنده

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ١٧ فَاتَّخَذَتْ

و یاد کن در کتاب مریم را هنگامیکه کناره گزید از اهلش در جای شرقی از بیت المقدس پس گرفت

قال كذلك قال ربك بفتح الكاف فيهما

مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ١٨ قَالَتْ إِنِّي

از پیش ایشان پرده پس فرستادیم بسوی او روح خود را پس ممثل شد مر او را آدمی درست اندام گفت هر آینه من

أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ١٩ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ

پناه میبرم بخدای بخشنده از تو اگر بوده باشی پرهیزگار گفت جز این نیست من فرستادهٔ پروردگار توام تا ببخشم مر ترا

غُلَامًا زَكِيًّا ٢٠ قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ٢١

پسری پاکیزه گفت از کجا میشود مرا پسری و حال آنکه مس نکرده مرا انسانی و نبوده‌ام بدکار

قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا

گفت همچنین گفت پروردگار تو که آن بر من آسانست و تا گردانیم او را علامتی برای مردمان و رحمتی از ما

وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ٢٢ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ٢٣ فَأَجَاءَهَا

و بود امری قرار داده شده پس بار گرفت او را پس کناره گزید با او از جایی دور پس آورد او را

الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ٢٤

درد زاییدن بسوی تنهٔ درخت خرما گفت ای کاش که مرده بودم پیش ازین و بودم فراموش شده از یاد رفته

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ٢٥ وَهُزِّي إِلَيْكِ

پس ندا کرد او را از زیر او که اندوه مدار بتحقیق گردانید پروردگار تو در زیر تو نهری و بکش بسوی خود

بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ٢٦ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي

تنهٔ درخت خرما را که فرو میریزاند بر تو رطب تازه چیده پس بخور و بیاشام و بیارام

عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا ٢٧ فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ

از روی چشم پس اگر ببینی از انسان احدی را پس بگو که من نذر کرده‌ام برای خدا روزه را پس

أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ٢٨ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا

سخن نگویم امروز آدمی را پس آمد با او قوم خود را برداشته او را گفتند ای مریم هر آینه بتحقیق آوردی چیزی

فَرِيًّا ٢٩ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ٣٠

عجیب را ای خواهر هارون نبود پدرت مرد بدی و نبود مادرت بدکار

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ٣١ قَالَ

پس اشارت کرد بسوی او گفتند چگونه سخن گوییم با آنکه باشد در گهواره کودک گفت

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ٣٢ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ

بدرستیکه منم بندهٔ خدا داد مرا کتاب و گردانید مرا پیغمبر و گردانید مرا با برکت هر جا که باشم

وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ٣٣ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ

و وصیت کرد مرا بنماز و زکات تا هستم زنده و نیکوکار با مادرم و نه

يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ٣٤ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ

گردانید مرا سرکش بدبخت و سلام بر من روزیکه زاده شدم و روزیکه میمیرم و روزیکه برانگیخته شوم

حَيًّا ٣٥ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ٣٦ مَا كَانَ لِلَّهِ

زنده اینست عیسی پسر مریم بگفتن درست که در آن شک میآرند نبود مر خدا را

رَبُّكِ
بکسرهٔ ف[illegible] رَبُّكِ و ما [illegible] وَكَذَٰلِكِ و رَبُّكِ

قوله تعالی:
وَهُزِّي [illegible] چون خواهد که خرما [illegible] آورد وقت آن [illegible] بر برگ [illegible] مختلف الالوان [illegible] سرخ و سبز و بر هر برگی این آیت را
[illegible] بنویسد و بر هر برگی از آن [illegible] از خرما بند مطلوب

تَرَيِنَّ
بفتح تا و را و کسر یا و تشدید نون

[illegible] آید و اگر این آیت را بر پوست آهو بنویسد [illegible] شنجرف نویسد [illegible] خدای تعالی [illegible] برکت [illegible] نویسد و بشوید [illegible] از او زایل گردد ان شاء الله ١٢

أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٣٧ وَ
که بگیرد هیچ فرزندی منزه است او چون حکم کند چیزی را پس جز این نیست که میگوید مر او را که باش پس میباشد
إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٣٨ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ
بدرستیکه خدا پروردگار من و شما است پس بپرستید او را اینست راه راست | پس اختلاف کردند طایفها
مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٣٩ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ
از میان ایشان پس وای مر آنانرا که کافر شدند از حضور روزی عظیم چه شنوا باشند ایشان و چه بینا
يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَٰكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٤٠ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ
باشند روزیکه آیند ما را ولیکن ستمکاران باشند امروز در گمراهی روشن و بیم ده ایشانرا از روز حسرت
إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٤١ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَ
چون گذارده شد کار و ایشان در بیخبری اند و ایشان ایمان نمیآورند بدرستیکه ما میراث میبریم زمین را و
مَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ٤٢ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا
کسیکه بر آنست و بسوی ما باز گردانیده میشوند و یاد کن در کتاب ابراهیم را اگر او بود راستگوی
نَبِيًّا ٤٣ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي
پیغمبر چون گفت مر پدرش را ای پدر من چرا میپرستی آنچه را که نمیشنود و نمی بیند و کفایت نمیکند
عَنْكَ شَيْئًا ٤٤ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ
از تو چیزی را ای پدر من بدرستیکه آمد مرا از دانش آنچه نیامده ترا پس پیروی کن مرا که هدایت کنم
صِرَاطًا سَوِيًّا ٤٥ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ
براه درست ای پدر من مپرست شیطان را بدرستیکه شیطان باشد مر خدا را
عَصِيًّا ٤٦ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ
نافرمان ای پدر من بدرستیکه من میترسم که مس کند ترا عذابی از خدای بخشنده پس بوده باشی مر شیطان را
وَلِيًّا ٤٧ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ
قرین گفت آیا در گذرنده تو از خدایان من ای ابراهیم هر آینه اگر باز نایستی هر آینه سنگسار میکنم ترا
وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ٤٨ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ
و دور شو از من زمانی دراز گفت سلام بر تو بزودی آمرزش میخواهم برای تو از پروردگارم که او باشد
بِي حَفِيًّا ٤٩ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ
بمن مهربان و کناره میکنم از شما و آنچه میخوانید از غیر خدا و میخوانم پروردگارم را شاید
أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ٥٠ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
نبوده باشم بخواندن پروردگارم بدبخت پس چون کناره گرفت از ایشان و آنچه میپرستیدند از غیر خدا
وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ٥١ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ
بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب و همه را گردانیدیم پیغمبر و بخشیدیم مر ایشانرا از رحمت خود و
جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ٥٢ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا
قرار دادیم مر ایشانرا زبان راستی که بلند است و یاد کن در کتاب موسی را بدرستیکه او بود خالص شده

و له تعالی شانه العزیز واذکر فی الکتاب موسی الی نجیا در روز پنجشنبه که آفتاب در شرف باشد این آیات را در صفحه زر نقش کند و باید که نزد خود دارد و از حرکت عبادت کند و تقرب او بدرجه اعلا رسد و اگر در روز جمعه این آیه بر قطعه از کاغذ بنویسد و آنرا بخورد زیرکی او زیاد شود و حکمت در دل او جای شود والسلام ۱۲

واعتزلكم بفتح همزه وسكون عين و قطع همزه

وادعوا بفتح همزه قطع

وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ۝ وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝
و بود رسولی پیغمبر و ندا کردیم او را از جانب طور ایمن و نزدیک گردانیدیم او را راز گوینده
وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ
و بخشیدیم مر او را از رحمت خود برادر او هرون را پیغمبری و یاد کن در کتاب اسمعیل را که او
كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ
بود راست وعده و بود رسولی پیغمبر و بود که امر میکرد اهل خود را بنماز
وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ
و زکات و بود نزد پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب ادریس را که او بود
صِدِّيقًا نَّبِيًّا ۝ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم
راستگو پیغمبری و بالا بردیم او را بمکانی بلندی ایشان آنانند که نعمت داد خدا بر ایشان
مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ
از پیغمبران از فرزندان آدم و از آنکه در کشتی نشاندیم با نوح و از فرزندان ابراهیم و
إِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا
یعقوب و از آنانکه هدایت کردیم ما و برگزیدیم چون خوانده میشود بر ایشان آیتهای خدا در افتند
سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝ فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا
سجده کنان و گریان پس از ماندند از پس ایشان ناخلفی که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند
الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ
خواهشها را پس زود ببینند سزا را مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس ایشان
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ
داخل میشوند در بهشت و ستم کرده نمیشوند چیزی بهشتهای جای اقامت که وعده داد خدا
عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا
بندگان خود را بنادیده بدرستیکه او بود وعده او آورده شده نشنوند در آن لغوی مگر
سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ
سلام و ایشانرا رزق ایشان در آن بامداد و شبانگاه اینست بهشتی که میراث میدهیم
مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا ۝ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا
از بندگان ما هر کرا باشد پرهیزگار و فرود نمی آییم مگر بفرمان پروردگار تو مر او راست آنچه پیش دستهای ماست
وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ ۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۝ رَّبُّ السَّمَاوَاتِ
و آنچه پس ماست و آنچه میان آنست و نباشد پروردگار تو فراموش کار پروردگار آسمانها
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ۝
و زمین و آنچه میان آنهاست پس پرستش کن او را و صبر کن بر پرستش او آیا میدانی مر او را همنامی
وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ۝ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ
و میگوید آدمی آیا چون مردم بزودی بیرون آورده شوم زنده آیا یاد نمیکند انسان

و ارشتی سایه العزیز
واذکر فی الکتاب ادریس
الی عیب بن آیت را
برحریر زده و بر زعفران
عسل حل کرده باشند
موم و کنند با کسی که ارو
بخو کنند و از را با خود
نگاه دارد در وقت قصد
دعمر بت بت نعابت
رسد و نزد همه کس
مقبول آید و سلاطین
او را کرم دارند و سلام
١٢

اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ٦٩ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ
که ما آفریدیم او را از پیش و نبود چیزی پس به پروردگار تو که حشر میکنیم البته ایشانرا و دیوانرا
ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ٧٠ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ اَيُّهُمْ اَشَدُّ
پس هر آینه حاضر سازیم ایشانرا گرد دوزخ بزانو درآمدگان پس بیرون می‌آوریم از هر گروهی هر کدام ایشان سخت تر
عَلَى الرَّحْمٰنِ عِتِيًّا ٧١ ثُمَّ لَنَحْنُ اَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ اَوْلٰى بِهَا صِلِيًّا ٧٢ وَاِنْ
بر خدا از نافرمانی پس ما هستیم داناتر بآنانکه ایشان سزاوارترند بآن از راه درآمدن و نیست
مِنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ٧٣ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا
از شما مگر که وارد شونده اند آنرا باشد بر پروردگار تو واجب حکم کرده شده پس میرهانیم آنانرا که پرهیزکاری کرده اند
وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ٧٤ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ
و وا گذاریم ستمکارانرا در آن بزانو درآمده و چون خوانده شود برایشان آیات ما روشن گویند آنانکه
كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَاَحْسَنُ نَدِيًّا ٧٥ وَكَمْ اَهْلَكْنَا
کافر شدند مر آنانکه ایمان آوردند کدام یک از دو گروه بهترند از راه مقام و نیکوترند از راه مجلس و بسیار هلاک کردیم
قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَاثًا وَرِءْيًا ٧٦ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ
پیش از ایشان از جمعی که ایشان نیکوتر بودند در اثاث و هیئات بگو کسیکه باشد در گمراهی پس باید مهلت دهد
لَهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا ٧٧ حَتّٰى اِذَا رَاَوْا مَا يُوعَدُونَ اِمَّا الْعَذَابَ وَاِمَّا السَّاعَةَ
مر او را خدا مهلت دادنی تا چون ببینند آنچه را وعده داده میشوند یا عذاب یا قیامت را
فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَاَضْعَفُ جُنْدًا ٧٨ وَيَزِيدُ اللّٰهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا
پس بزودی بدانند کیست او بدتر است بمکان و ضعیف تر است از جهت لشکر و می افزاید خدا آنانکه هدایت یافتند
هُدًى ٧٩ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ٨٠
هدایتی و آن باقیمانده‌ای شایسته بهتر است نزد پروردگار تو بثواب و بهتر بازگشت
اَفَرَاَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِاٰيَاتِنَا وَقَالَ لَاُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ٨١ اَطَّلَعَ الْغَيْبَ
آیا دیدی آنرا که کافر شد بآیتهای ما و گفت داده خواهم شد مال و فرزند را آیا مطلع شد بغیب
اَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ٨٢ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ
یا فرا گرفت نزد خدا پیمانرا نه چنین است زود باشد بنویسیم آنچه گوید و طول دهیم او را از عذاب
مَدًّا ٨٣ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَاْتِينَا فَرْدًا ٨٤ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اٰلِهَةً
طول دادنی و وارث میشویم او را آنچه میگوید و بیاید بسوی ما تنها و فرا گرفتند از غیر خدا الهان
لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ٨٥ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا
تا باشد برای ایشان ارجمندی نه چنین است زود باشد انکار کنند پرستش ایشانرا و باشند بر ایشان ضدی
اَلَمْ تَرَ اَنَّا اَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ اَزًّا ٨٧ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ
آیا ندیدی که ما فرستادیم دیوانرا بر کافران که بجنبانند ایشانرا جنبانیدنی پس شتاب مکن بر ایشان
اِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ٨٨ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ٨٩ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ
که میشماریم مر ایشانرا شمردنی روزیکه حشر کنیم پرهیزکارانرا بسوی خدا سواران وارد شونده و میرانیم گناهکاران

و لتعبری فی العزیز قل من کان فی الضلالة تا آخر آیه واضعف جندا از حضرت صادق علیه السلام بروایت کافی مسئول شده از این آیه فرمود هر کسیکه امام نه از ولایت امیر المؤمنین و ولایت ما بوده در ضلالت و مضیعت خدا و ندا میدهد تا از ضلالت و طغیان تا هر وقت ببیند خدا مکان ایشانرا و حشند ایشان ضعیف ... عند ... وقت حضرت قائم است و از وقت ساعت ... بدانند ... شدند ... جانب خدا ... حضرت قائم ... قول خدا که فرموده من هو شر مکانا یعنی عند القائم و اضعف جندا ١٢

اَطَّلَعَ بفتح همزه قطع زیرا که همزه استفهام است

الی جهنم وردا ٨٦ لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ٨٧

بسوی جهنم تشنگان مالک نباشند شفاعت را مگر کسی که گرفت نزد خدای بخشنده پیمانی را

وقالوا اتخذ الرحمن ولدا ٨٨ لقد جئتم شیئا ادا ٨٩ تکاد السموات یتفطرن

و گفتند گرفت خدای فرزندی بتحقیق آورده اید چیزی زشت را نزدیک باشد که آسمانها چاک چاک شوند

منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ٩٠ ان دعوا للرحمن ولدا ٩١ وما

از آن و بشکافد زمین و فرو ریزد کوهها فرو ریختنی که خوانند برای خدا فرزندی و

ینبغی للرحمن ان یتخذ ولدا ٩٢ ان کل من فی السموات والارض الا

نسزد مر خدا را که بگیرد فرزندی نیست هر که در آسمانها و زمین است مگر

اتی الرحمن عبدا ٩٣ لقد احصیهم وعدهم عدا ٩٤ وکلهم اتیه یوم

که آینده اند خدا را بنده بتحقیق بضبط آورد ایشان و شمرد ایشان را شمردنی و همه ایشان آینده اند او را روز

القیمة فردا ٩٥ ان الذین امنوا وعملوا الصلحت سیجعل لهم الرحمن

قیامت تنها بدرستیکه آنانکه گرویدند و کار شایسته کردند زود است که گرداند برای ایشان خدا

ودا ٩٦ فانما یسرنه بلسانک لتبشر به المتقین وتنذر به قوما لدا ٩٧

دوستی پس جز این نیست آسان کردیم آنرا بزبان تو تا مژده دهی بآن پرهیزگاران را و بترسانی بآن گروهی سخت خصومت را

وکم اهلکنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم رکزا ٩٨

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل زمانها آیا میبابی از ایشان هیچ کس را یا میشنوی از ایشان آوازی آهسته

سورة طه مائة وخمس وثلثون آیة وهی مکیة (٢٠)

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

طه ١ ما انزلنا علیک القران لتشقی ٢ الا تذکرة لمن یخشی ٣ تنزیلا ممن

فرو نفرستادیم بر تو قرآن را که بتعب کشی مگر پندی مر آنکس را که بترسد فرو فرستادنی از آنکه

خلق الارض والسموات العلی ٤ الرحمن علی العرش استوی ٥ له

آفرید زمین و آسمانهای بلند خدای بخشنده بر عرش مستوی شد مر او راست

ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری ٦ وان

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه میان آن دو است و آنچه در زیر خاک است و اگر

تجهر بالقول فانه یعلم السر واخفی ٧ الله لا اله الا هو له الاسماء

بلند کنی گفتار را پس بدرستیکه او میداند نهان را و نهانتر را خدا نیست معبودی جز او مر او راست نامهای

الحسنی ٨ وهل اتک حدیث موسی ٩ اذ رای نارا فقال لاهله

نیکو و آیا آمد ترا حدیث موسی چون دید آتشی را پس گفت مر اهل خود را

امکثوا انی انست نارا لعلی اتیکم منها بقبس او اجد علی النار هدی ١٠

درنگ کنید که من دیدم آتشی را شاید که بیاورم شما را از آن آتش گیرانه شعله یا بیابم بر آتش راه نمایی

فلما اتىها نودي يا موسى ١٢ انى انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد
پس چون آمد آنرا ندا کرده شد ای موسی بدرستیکه منم پروردگار تو پس بیرون آر نعلینت را بدرستیکه تو ئی بوادی
المقدس طوى ١٣ وانا اخترتك فاستمع لما يوحى ١٤ انني انا الله لا اله
پاکیزه طوی نام و من برگزیدم ترا پس گوش باز دار مر آنچه را وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدائی
الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ١٥ ان الساعة اتية اكاد
مگر من پس بپرست مرا و برپای دار نماز را برای ذکر من بدرستیکه قیامت آینده است میخواهم
اخفيها ١٦ لتجزى كل نفس بما تسعى ١٧ فلا يصدنك عنها من لا يؤمن
که پنهان دارمش تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه میکوشد پس باز ندارد ترا از آن کسیکه ایمان نمی آورد
بها واتبع هوىه فتردى ١٨ وما تلك بيمينك يا موسى ١٩ قال هي عصاي
بآن و پیروی کند خواهش خود را پس هلاک شوی و چیست اینکه بدست راست تو است ای موسی گفت این عصای منست
اتوكؤا عليها واهش بها على غنمي ولي فيها مارب اخرى ٢٠ قال القها
تکیه میکنم بر آن و برگ درخت می ریزم بآن بر گوسفندم و مرمراست در آن مطالب دیگر گفت بینداز آنرا
يا موسى ٢١ فالقىها فاذا هي حية تسعى ٢٢ قال خذها ولا تخف سنعيدها
ای موسی پس انداخت آنرا پس آنگاه آن ماری بود که میشتافت گفت بگیر آنرا و مترس بزودی باز گردانیم آنرا
سيرتها الاولى ٢٣ واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء
بحالتش بطوریکه اول بود و بپیوسته کن دستت را ببالت که بیرون آید سفید نورانی از غیر بدی
اية اخرى ٢٤ لنريك من اياتنا الكبرى ٢٥ اذهب الى فرعون انه طغى ٢٦
که آیتی دیگر است تا بنمائیم ترا از آیتهای ما که بزرگ است برو بسوی فرعون که او زیادروی کرده
قال رب اشرح لي صدري ٢٧ ويسر لي امري ٢٨ واحلل عقدة من
گفت ای پروردگار من فراخ کن برای من سینه مرا و آسان کن برایم کارم را و بگشای گره را از
لساني ٢٩ يفقهوا قولي ٣٠ واجعل لي وزيرا من اهلي ٣١ هرون اخي ٣٢
از زبانم تا دریابند گفتارم را و بگردان برایم وزیری از اهل خودم هرون برادرم را
اشدد به ازري ٣٣ واشركه في امري ٣٤ كي نسبحك كثيرا ٣٥ ونذكرك
قوی گردان بآن پشتم را و انباز کن اورا در کارم تا تسبیح گوئیم ترا بسیار و یاد کنیم ترا
كثيرا انك كنت بنا بصيرا ٣٦ قال قد اوتيت سؤلك يا موسى ٣٧ و
بسیار بدرستیکه تو هستی بما بینا گفت بدرستیکه داده شدی خواسته ات را ای موسی و
لقد مننا عليك مرة اخرى ٣٨ اذ اوحينا الى امك ما يوحى ٣٩ ان
و هر آینه بتحقیق منت نهادیم بر تو بار دیگر هنگامیکه وحی کردیم بمادرت آنچه فرستاده میشود که
اقذفيه في التابوت فاقذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل ياخذه عدو
در اندازد اورا در تابوت پس بینداز آنرا در دریا پس باید اندازد آنرا دریا بکنار تا بگیرد اورا آنکه دشمن
لي وعدو له والقيت عليك محبة مني ٤٠ ولتصنع على عيني ٤١ اذ تمشي
مرمرا و دشمنست مر اورا و انداختم بر تو مهری از خود و تا تربیت کرده شوی بنگهداری من چون میرفت

آتیها بدون الف مجرد امده و درعت ... العزیز درصورت برابر و ما آن بک یا موسی این آیه را ... در جام بلور یا چینی بنگارد کافور و گلاب تر ... روغن آن را بشوید و چیزی ... از ... آن اضافه کند و بشانی و ابروی خود را ... چرب کند در ... بیفزاید و در بعضی کتابها آورده اند که از اول سوره طه تا الرحمن علی العرش استوی بگلاب و زعفران در ظرف ... بنویسد و ... آب بشوید و این آب را بکسی دهد که عسر البول داشته باشد شفا ... انشاء الله ... و ... ابوالعباس ... نقل شده که در روز جمعه ... که عدد ... است این سوره ... بنویسد و با خود نگاهدارد ... و ... حاصل آید

١٢

قوله تعالی ... العزیز رب اشرح لی صدری الی یفقهوا قولی اگر کسی ... این آیه را ... بر ... بخواند ... و ... شفا یابد انشاءالله

ان اقذفیه بفتح همزه و کسر ذال و سکون قاف و کسر ذال و فاء و سکون یاء اقذفیه ... امت ... امر حاضر ...

أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ
خواهرت پس میگفت آیا دلالت کنم شما را بر کسیکه کفایت کند او را پس برگردانیدیم ترا بمادرت تا بیاساید
عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۴۲ فَلَبِثْتَ
چشم او و اندوه نخورد و کشتی تنی را پس رهانیدیم ترا از غم و در آزمودیم ترا آزمودنی پس ماندی
سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ۴۳ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۴۴
سالها در اهل مدین پس آمدی بر قدری ای موسی و برگزیدم ترا برای خودم
اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۴۵ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
برو تو و برادرت با آیتهای من و سستی مکنید در ذکر من بروید بسوی فرعون
إِنَّهُ طَغَىٰ ۴۶ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۴۷ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا
که او زیاده روی کرد پس بگویید مر او را سخنی نرم شاید او پند گیرد یا بترسد گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه
نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَىٰ ۴۸ قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ
ما میترسیم که پیش دستی کند بر ما یا آنکه زیاده روی کند گفت مترسید من بدرستیکه همراه شمایم میشنوم و
أَرَىٰ ۴۹ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا
میبینم پس آیید او را پس بگویید که ما دو فرستاده پروردگار توییم پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و
تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۵۰ إِنَّا
عذاب مکن ایشان را بتحقیق آمدیم ترا با آیتی از پروردگار تو و سلام بر آنکه پیروی کرد هدایت را بدرستیکه
قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۵۱ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ۵۲
ما بتحقیق وحی کرده شد بما اینکه عذاب بر آنکس است که تکذیب کرد و رو گردانید گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی
قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۵۳ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ
گفت پروردگار ما آنکس است که عطا کرد هر چیزی را آفرینش آنرا پس هدایت کرد گفت پس چیست حال قرنهای
الْأُولَىٰ ۵۴ قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ۵۵
سابق گفت دانستن آن نزد پروردگار منست در کتابی خطا نمیکند پروردگار من و نه فراموش کند
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
آنکس که گردانید برای شما زمین را بستری و قرار داد برای شما در آن راهها و فرو فرستاد از آسمان
مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ۵۶ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي
آب را پس بیرون آوردیم بآن جفتها از رستنی جداگانه بخورید و بچرانید حیوانات خود را بدرستیکه در
ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ ۵۷ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ
در این هر آینه آیتهاست مر صاحبان خرد را از آن آفریدیم شما را و در آن باز میبریم شما را و از آن بیرون آریم شما را
تَارَةً أُخْرَىٰ ۵۸ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۵۹ قَالَ أَجِئْتَنَا
بار دیگر و بتحقیق نمودیم ما او را آیتهای خود همه را پس تکذیب کرد و ابا نمود گفت آیا آمده ما را
لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ ۶۰ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَ
که بیرون کنی ما را از زمین خودمان بجادوی خود ای موسی پس هر آینه میآوریم ترا جادویی مانند آن پس بگردان میانه ما

ان فی ذلک لایات لاولی النهی علی بن ابراهیم در تفسیر خود از حضرت ابو عبد الله روایت کرده در این آیه که فرمود ما ائمه هستیم اولو النهی ... حضرت رسول ... حضرت امیر المومنین ... ان فی ذلک لایات

خلقه بسکون لام ... اولی النهی ... النهی که منتهی ... ۱۲

بينك موعدا لا نخلفه نحن ولا انت مكانا سوى ١ء قال موعدكم يوم

الزينة وان يحشر الناس ضحى ٢ء فتولى فرعون فجمع كيده ثم اتى ٣ء قال

لهم موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذبا ٤ء فيسحتكم بعذاب وقد خاب

من افترى ٥ء فتنازعوا امرهم بينهم واسروا النجوى ٦ء قالوا ان هذان

لساحران يريدان ان يخرجاكم من ارضكم بسحرهما ويذهبا بطريقتكم

المثلى ٧ء فاجمعوا كيدكم ثم ائتوا صفا وقد افلح اليوم من استعلى ٨ء

قالوا يا موسى اما ان تلقى واما ان نكون اول من القى ٩ء قال بل

القوا فاذا حبالهم وعصيهم يخيل اليه من سحرهم انها تسعى ٧٠

فاوجس في نفسه خيفة موسى ٧١ قلنا لا تخف انك انت الاعلى ٧٢ و

الق ما في يمينك تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح

الساحر حيث اتى ٧٣ فالقى السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون و

موسى ٧٤ قال امنتم له قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم

السحر فلاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ولاصلبنكم في جذوع

النخل ولتعلمن اينا اشد عذابا وابقى ٧٥ قالوا لن نؤثرك على ما جاءنا

من البينات والذي فطرنا فاقض ما انت قاض انما تقضي هذه

الحيوة الدنيا انا امنا بربنا ليغفر لنا خطايانا وما اكرهتنا عليه

تلقف
تلكونفا للجزم

من

مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ٧٦ إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا
از سحر و خدا بهتر و پاینده تر است بدرستیکه هر که آید پروردگار خود را گنهکار پس مر او راست جهنم
يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ٧٧ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ
نه میرد در آن و نه زنده ماند و هر که آید باو ایمان آورده بحقیقت کرد کارهای شایسته پس اینها برای ایشانست
الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ٧٨ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
مراتب بلند بهشتهای باقامت که روانست از زیر آنها نهرها همیشه اند در آن
وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ ٧٩ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ
و اینست جزای هر که پاک باشد و بر آینه بتحقیق وحی کردیم بسوی موسی که بشب ببر بندگان مرا پس بزن
لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا ٨٠ لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ٨١ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ
مر ایشان را راه در دریا خشک نمی ترسی از دریافتن و نخواهی ترسید پس از پی ایشان رفت فرعون
بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ٨٢
با لشکرش پس فرو گرفت ایشان را از دریا آنچه فرو گرفت و گمراه کرد فرعون قوم خود را و نکرد راه نمائی
يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ
ای بنی اسرائیل بتحقیق رهانیدیم شما را از دشمن شما و وعده دادیم شما را جانب طور ایمن
وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ ٨٣ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا
و فرو فرستادیم بر شما من و سلوی را بخورید از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شما را و
تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ٨٤
از حد مگذرید در آن پس فرود آید بر شما سخط من و هر که فرود آید بر او سخط من پس بتحقیق هلاک شد
وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ٨٥ وَمَا أَعْجَلَكَ
و بدرستیکه من آمرزنده ام مر آنرا که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس هدایت یافت و چه چیز شتابانید ترا
عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ٨٦ قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ
از قوم تو ای موسی گفت ایشان اند بر اثر من و شتافتم بسوی تو پروردگارم
لِتَرْضَىٰ ٨٧ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ٨٨
تا خوشنود شوی گفت پس بدرستیکه ما آزمودیم قوم ترا بعد از تو و گمراه کرد ایشان را سامری
فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ٨٩ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ
پس بازآمد موسی بسوی قوم خود خشمناک غضب آلوده گفت ای قوم آیا وعده نداد شما را پروردگار شما
وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ
وعده نیکو آیا پس دراز گشت بر شما زمان یا خواستید که فرود آید بر شما سخطی از
رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ٩٠ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا
پروردگار شما پس خلاف کردید وعده مرا گفتند خلاف نکردیم وعده ترا باختیار خود و لیکن ما
حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ
بار کرده شدیم احمالی از زر آرایش قوم پس انداختیم آنرا پس همچنین انداخت سامری

خ ص

و در بعضی نسخ فاضرب لهم طریقا ... [illegible] ١٢

اولاء بلغتین

بملکنا بفتح میم و سکون لام و کسر کاف

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَٰذَا إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ۹۱
پس بیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی که او را بانگ بود پس گفتند این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۹۲ وَلَقَدْ
آیا پس نمی بینند که باز نمی گرداند بسوی ایشان سخنی را و مالک نیست برای ایشان ضرری را و نه سودی را و بتحقیق

قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَٰنُ فَاتَّبِعُونِي
گفت مر ایشان را هارون پیش از این ای قوم جز این نیست که امتحان کرده شدید بآن و بدرستیکه پروردگار شما بخشاینده است پس پیروی کنید مرا

وَأَطِيعُوا أَمْرِي ۹۳ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ۹۴
و فرمان برید امر مرا گفتند هرگز نمی گذریم بر او مقیمان تا آنکه باز آید بسوی ما موسی

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ۹۵ قَالَ
گفت ای هارون چه چیز باز داشت ترا چون دیدی ایشان را که گمراه شدند که پیروی نکردی مرا آیا پس نافرمانی کردی امر مرا گفت

يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي
ای پسر مادرم مگیر ریش مرا و نه موی سر مرا بدرستیکه من ترسیدم که بگوئی جدائی انداختی میان بنی

إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ۹۶ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا
اسرائیل و انتظار نبردی گفتار مرا گفت پس چیست مطلب تو ای سامری گفت دیدم آنچه را

لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ
که ندیدند بنی اسرائیل آنرا پس گرفتم کف خاکی از جای سم اسب جبرئیل پس انداختم آنرا و همچنین آراسته کرد

لِي نَفْسِي ۹۷ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ
برای من نفس من گفت پس برو پس بدرستیکه مر تراست در زندگی که بگوئی نیست مس من و بدرستیکه

لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلَٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا
مر تراست وعده‌گاهی که خلاف کرده نشوی آنرا و بنگر بسوی خدایت که گردیدی بر پرستش او مقیم

لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۹۸ إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا
هر آینه بسوزانیم او را پس پراکنده کنیم او را در دریا پراکنده کردنی جز این نیست خدای شما خدائیست که نیست خدائی مگر او

هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۹۹ كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَ
فرا گرفت هر چیز را بدانش همچنین حکایت میکنیم بر تو از خبرهای آنچه گذشته و

قَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ۱۰۰ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ۱۰۱
بتحقیق دادیم ترا از نزد خود قرآنی هر که روگردان شد از آن پس او خواهد برداشت روز قیامت بار گرانی

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۱۰۲ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ
جاوداناند در آن و بد است مر ایشان را روز قیامت آن بار روزیکه دمیده شود در صور و حشر کنیم

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۱۰۳ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۱۰۴ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا
گنهکاران را در آن روز کبود چشمان پنهان گویند میان خود که درنگ نکردید مگر ده روز ما داناتریم بآنچه

يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۱۰۵ وَيَسْأَلُونَكَ
میگویند هنگامیکه خواهد گفت خوبترشان در روش که درنگ نکردید مگر روزی و می پرسند ترا

الهک بکسر همزه

الهکم بکسر همزه

انباء بفتح همزه نون برنبا

عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا ١٠٥ فيذرها قاعا صفصفا لا ترى

از کوهها پس بگو برافشاند آنها را پروردگار من برافشاندنی پس واگذارد آنرا ساده هموار که نبینی

فيها عوجا ولا امتا ١٠٧ يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له وخشعت

در آن کجی و نه برآمدگی در این روز پیروی میکنند خواننده را که نیست کجی مر او را و پست شود

الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا ١٠٨ يومئذ لا تنفع الشفاعة الا من

آوازها برای خدای بخشنده پس نشنوی مگر آواز نرم روزی چنین سود ندهد خواهش گری

اذن له الرحمن ورضي له قولا ١٠٩ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا

دستوری داده او را خدا و رضا داده شود مر او را گفتار میداند آنچه را پیش دستهاشان و آنچه پشت ایشان و نه

يحيطون به علما ١١٠ وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما

احاطه کنند از دانش و خوار شد رویها برای خدای زنده پاینده و بتحقیق نومید شد کسی که برداشت ستم

ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ١١٢ و

و کسی که کرد از خوبیها و او است گرونده پس نترسد از رسیدن ستمی و نه کاهش ثوابی

كذلك انزلناه قرانا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون او يحدث

همچنین فرو فرستادیم آنرا قرآنی بزبان تازی و مکرر آوردیم در آن از وعید باشد ایشان بپرهیزند یا پدید آورد

لهم ذكرا ١١٣ فتعالى الله الملك الحق ولا تعجل بالقران من قبل ان يقضى

برای ایشان پندی پس برتر آمد خدا پادشاه حق و شتاب مکن بقرآن پیش از آنکه گذارش داده شود

اليك وحيه وقل رب زدني علما ١١٤ ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي

بتو وحیش و بگو پروردگار من بیفزای مرا دانش و همانا عهد کردیم با آدم از پیش پس فراموش کرد

ولم نجد له عزما ١١٥ واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس

و نیافتیم مر او را عزمی و هنگامیکه گفتیم مر فرشتگان را که سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس

ابى فقلنا يا ادم ان هذا عدو لك ولزوجك فلا يخرجنكما من الجنة

که ابا کرد پس گفتیم ای آدم بدرستیکه این دشمنیست مر ترا و مر جفت ترا پس بیرون نکند شما را از بهشت

فتشقى ١١٦ ان لك الا تجوع فيها ولا تعرى ١١٧ وانك لا تظمؤ فيها ولا

پس بدبخت شوی بدرستیکه مر تراست که گرسنه نشوی در آن و نه برهنه باشی و بدرستیکه تو تشنه نگردی در آن و نه

تضحى ١١٨ فوسوس اليه الشيطان قال يا ادم هل ادلك على شجرة الخلد

آفتاب زده شوی پس وسوسه کرد او را شیطان گفت ای آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت جاودانی

وملك لا يبلى ١١٩ فاكلا منها فبدت لهما سواتهما وطفقا يخصفان عليهما

و پادشاهی که کهنه نشود پس خوردند از آن پس ظاهر شد مر ایشان را عورتهاشان و شروع کردند که میچسبانیدند بر آن

من ورق الجنة وعصى ادم ربه فغوى ١٢٠ ثم اجتبه ربه فتاب عليه

از برگ بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگارش را پس بیراه شد پس برگزید او را پروردگارش پس توبه پذیرفت

وهدى ١٢١ قال اهبطا منها جميعا بعضكم لبعض عدو فاما ياتينكم

و راه نمود گفت فرود شوید از آن همه برخی از شما مر برخی را دشمن پس اگر آید شما را

لا تظمؤ

مِنِّیْ هُدًی ۱۲۲ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقٰی ۱۲۳ وَمَنْ اَعْرَضَ
از من هدایتی پس آنکه پیروی کند هدایت مرا پس گمراه نشود و در تعب نیفتد و آنکه روگردانید
عَنْ ذِکْرِیْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِیْشَةً ضَنْکًا ۱۲۴ وَنَحْشُرُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اَعْمٰی ۱۲۵
از یاد من پس بدرستیکه مر او راست زیستنی تنگ و حشر کنیم او را روز قیامت کور
قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِیْ اَعْمٰی وَقَدْ کُنْتُ بَصِیْرًا ۱۲۶ قَالَ کَذٰلِکَ اَتَتْکَ اٰیٰتُنَا
گوید ای پروردگار چرا حشر کردی مرا کور و بتحقیق که بودم بینا گفت همچنین آمد ترا آیتهای ما
فَنَسِیْتَهَا وَکَذٰلِکَ الْیَوْمَ تُنْسٰی ۱۲۷ وَکَذٰلِکَ نَجْزِیْ مَنْ اَسْرَفَ وَلَمْ یُؤْمِنْ بِاٰیٰتِ
پس فراموش کردی آنرا و همچنین امروز فراگذاشته شوی و همچنین جزا دهیم آنرا که اسراف کرد و ایمان نیاورد بآیتهای
رَبِّهٖ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَدُّ وَاَبْقٰی ۱۲۸ اَفَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ اَهْلَکْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ
پروردگارش و هر آینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است آیا راه ننمود ایشانرا که چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از
الْقُرُوْنِ یَمْشُوْنَ فِیْ مَسٰکِنِهِمْ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیٰتٍ لِّاُولِی النُّهٰی ۱۲۹ وَ
اهل زمانها را که میروند در مسکنهای ایشان بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست مر خداوندان خرد را و
لَوْلَا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّکَ لَکَانَ لِزَامًا وَّاَجَلٌ مُّسَمًّی ۱۳۰ فَاصْبِرْ عَلٰی مَا
و اگر نبودی سخنی که پیش رفته از پروردگارت هر آینه بودی لازم و مدتی نام برده شده پس صبر کن بر آنچه
یَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوْبِهَا وَمِنْ اٰنَآئِ الَّیْلِ
میگویند و تسبیح کن بحمد پروردگارت پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدنش و از ساعات شب
فَسَبِّحْ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضٰی ۱۳۱ وَلَا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ اِلٰی مَا مَتَّعْنَا
پس تسبیح کن و طرفهای روز شاید که پسندیده شوی و مگشای البته دو چشم خود را بسوی آنچه کام دادیم
بِهٖ اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا لِنَفْتِنَهُمْ فِیْهِ وَرِزْقُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَّ
بآن اصنافی را از ایشان خوشی زندگانی دنیا تا مفتون سازیم ایشانرا در آن و روزی پروردگارت بهتر و
اَبْقٰی ۱۳۲ وَاْمُرْ اَهْلَکَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا لَا نَسْئَلُکَ رِزْقًا نَحْنُ
پاینده تر است و امر کن اهلت را بنماز و صبر کن بر آن نمیخواهیم از تو روزی را ما
نَرْزُقُکَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰی ۱۳۳ وَقَالُوْا لَوْلَا یَاْتِیْنَا بِاٰیَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ اَوَلَمْ تَاْتِهِمْ
روزی میدهیم ترا و انجام برای پرهیزگاریست و گفتند چرا نمیآورد ما را آیتی از پروردگارش آیا و نیامد ایشانرا
بَیِّنَةُ مَا فِی الصُّحُفِ الْاُوْلٰی ۱۳۴ وَلَوْ اَنَّا اَهْلَکْنٰهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهٖ لَقَالُوْا
حجت آنچه بود در کتابهای نخست و اگر آنکه هلاک میکردیم ایشانرا بعذابی پیش از آن هر آینه میگفتند
رَبَّنَا لَوْلَا اَرْسَلْتَ اِلَیْنَا رَسُوْلًا فَنَتَّبِعَ اٰیٰتِکَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَّذِلَّ وَنَخْزٰی ۱۳۵ قُلْ
ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما رسولی پس پیروی میکردیم آیتهای ترا پیش از آنکه خوار شویم بگو
کُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوْا فَسَتَعْلَمُوْنَ مَنْ اَصْحٰبُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ وَمَنِ اهْتَدٰی
هر یک منتظر است پس انتظار بکشید پس زودی بدانید که کیست اهل راه راست و کیست که هدایت یافت

سورة الانبیاء علیهم السلام مائة و اثنی عشر و هی مکیة (۲۱)

قوله تعالی ... ولا تمدن عینیک الی ... اگر غیبت وطن باشد و اگر غریب باشد صاحب او را باید آید و اگر فراموش کار باشد حافظه او زیاد شود و اگر ... باشد شفا ... و اگر ... باشد ... گرداند انشاء الله ۱۲

قوله تعالی سبحانه قل کل متربص الی ... اگر کسی کار بر پریشان بود این آیه را بنام آن شخص نوشته و بگوید حال او نیک شود و از رنج و سرگردانی خلاص یابد و از غمها نجات یابد انشاء الله تعالی ۱۲

من اصحاب بفتح میم

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ۲ ما يأتيهم من ذكر
نزدیک رسید مر مردمان را حساب ایشان و ایشان در بیخبری روگردانندگانند نمی آید ایشان را از پندی

من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون ۳ لاهية قلوبهم واسروا
از پروردگارشان تازه آورده شده مگر که میشنیدند و ایشان بازی میکردند غفلت ورزنده دلهاشان و پنهان داشتند

النجوى الذين ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم افتأتون السحر وانتم
راز را آنانکه ستم کردند آیا نیست این مگر آدمی مانند شما آیا پس می آرید سحر را و شما

تبصرون ۴ قال ربي يعلم القول في السماء والارض وهو السميع العليم ۵
می بینید گفت پروردگار من میداند گفتار را در آسمان و زمین و او است شنونده دانا

بل قالوا اضغاث احلام بل افتريه بل هو شاعر فليأتنا بآية كما ارسل
بلکه گفتند [illegible] خوابها بلکه بر بافت آنرا بلکه او شاعر است پس باید بیارد بما آیتی چنانچه فرستاده شد

الاولون ۶ ما امنت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۷ و
پیشینیان را ایمان نیاورد پیش از ایشان از هیچ قریه که هلاک کردیم آنرا آیا پس ایشان ایمان می آورند و

ما ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم
نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی که وحی کردیم بایشان پس بپرسید از اهل ذکر اگر هستید

لا تعلمون ۸ وما جعلناهم جسدا لا يأكلون الطعام وما كانوا خالدين ۹
که نمیدانید و نگردانیدیم ایشانرا تنها که نخورند خوردنی را و نبودند جاویدان

ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم ومن نشاء واهلكنا المسرفين ۱۰
پس راست کردیم ایشانرا وعده پس رهانیدیم ایشانرا و آنکه میخواستیم و هلاک کردیم اسراف کنندگان را

لقد انزلنا اليكم كتابا فيه ذكركم افلا تعقلون ۱۱ وكم قصمنا من قرية
بتحقیق فرو فرستادیم بشما کتابی را که در آنست پند شما آیا پس در نمی یابید و بسیار در هم شکستیم از قریه

كانت ظالمة وانشأنا بعدها قوما اخرين ۱۲ فلما احسوا بأسنا اذا هم
که بودند ستمکار و پدید آوردیم بعد از آن گروهی دیگر را پس چون مشاهده کردند عذاب ما را ناگاه

منها يركضون ۱۳ لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه ومساكنكم
از آن میگریختند مگریزید و بازگردید بسوی آنچه متنعم شده بودید در آن و مسکنهاتان

لعلكم تسئلون ۱۴ قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين ۱۵ فما زالت تلك دعويهم
شاید شما پرسیده شوید گفتند ای وای بر ما بدرستیکه بودیم ستمکاران پس بود پیوسته این ندا ایشان

حتى جعلناهم حصيدا خامدين ۱۶ وما خلقنا السماء والارض وما
تا گردانیدیم ایشانرا درویده بمرگ افسردگان و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه

بينهما لاعبين ۱۷ لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان كنا فاعلين
میان آنهاست بازیگران اگر میخواستیم که بگیریم لهوی را هرآینه میگرفتیم آنرا از نزد خود اگر بودیم کنندگان

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بخواند سوره انبیاء را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند [illegible]

از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

۱۲

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا
بلکه میندازیم حق را بر باطل پس میشکند اورا پس آنگاه آن باشد ناچیز و مرشما راست وای از آنچه

تَصِفُونَ ١٩ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
وصف میکنید و مراو راست هر که در آسمانها و زمینست و آنکه نزد وست سرکشی نمیکنند

عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ٢٠ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ٢١ أَمِ
از پرستش او و مانده نمیشوند تسبیح میکنند شب و روز سست نمیشوند

اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ٢٢ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ
گرفتند خدایان از زمین که ایشان زنده میکنند اگر بودی در آن دو خدایان غیر از خدا

لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٢٣ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ
هر آینه تباه شدندی پس منزه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند پرسیده نشود از آنچه میکند

وَهُمْ يُسْأَلُونَ ٢٤ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هٰذَا ذِكْرُ
و ایشان پرسیده میشوند بلکه گرفتند از غیر او خدایان بگو بیارید حجت خود را این است ذکر

مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ٢٥ وَمَا
آنانکه با منند و ذکر آنانکه بودند پیش از من و لیکن بیشترشان نمیدانند حق را پس ایشان روی گردانندگانند و نه

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ٢٦
فرستادیم پیش از تو از هیچ رسولی مگر وحی کرده شده بسوی او که نیست خدائی بجز من پس پرستید مرا

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ٢٧ لَا يَسْبِقُونَهُ
و گفتند فرا گرفته است خدا فرزندی منزه است او بلکه بندگانی گرامی داشته شده گانند پیشی نمیکنند او را

بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ٢٨ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
بگفتار و ایشان بامر او کار میکنند میداند آنچه میان دستهاشان و آنچه پس سر ایشانست و نه

يَشْفَعُونَ ٢٩ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ٣٠ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ
شفاعت میکنند مگر آنرا که پسندد و آنها از بیمش خائف شوند و آنکه گوید از ایشان

إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٣١ أَوَلَمْ يَرَ
که من الهم از غیر او پس جزا دهیم او را جهنم همچنان جزا دهیم ستمگاران را آیا ندیدند

الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ
آنانکه کافر شدند که آسمانها و زمین بودند بسته پس برگشادیم ما آنها را و گردانیدیم ما از

الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ٣٢ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ
آب همه چیز را زنده آیا پس ایمان نمی‌آرند و قرار دادیم ما در زمین کوههای استوار که

تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ٣٣ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ
مبادا میل کند باشان و گردانیدیم ما در آن گریوه‌های وسیع براه باشد که ایشان راه یابند و گردانیدیم آسمان را

سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ٣٤ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
بامی محفوظ و ایشان از آیات آن روگردانندگانند و اوست آنکه آفرید شب و روز را

لایفترون بفتح الیاء وسکون الفاء وضم التاء

آلهة بمد الف وکسر لام

آلهة بمد الف وکسر لام

من قبلی بفتح میم

رتقا ففتقناهما باذن الله تعالی

والشمس

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ٣٥ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ

و آفتاب و ماه را کهر یک در گردون میروند و نگردانیدیم برای انسانی پیش از تو جاودان بودن

أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ٣٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ

آیا پس اگر میری پس ایشانند جاودانیان هر تنی چشنده مرگ است و بیازمائیم شما را بشر و

الْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ٣٧ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ

خیر از آزمودنی و بسوی ما بازگردانیده میشوید و چون می بینند ترا آنانکه کافر شدند نمیگیرند ترا

إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ ٣٨

مگر باستهزا آیا اینست آنکه بدی ذکر میکند خدایان شما را و ایشان بیاد خدای بخشنده ایشان کافرانند

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ٣٩ وَيَقُولُونَ مَتَى

آفریده شد آدمی از شتاب بزودی بنمایم بشما آیات خود پس شتاب مکنید با من و میگویند کی خواهد بود

هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٤٠ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ

این وعده اگر هستید راستگویان اگر بدانند آنانکه کافر شدند وقتیکه باز نتوانند داشت

عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ٤١ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

از روی هاشان آتش و نه از پشتهاشان و نه ایشان یاری کرده شوند بلکه بیاید ایشان را ناگاه

فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ٤٢ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ

پس متحیر گرداند ایشان را پس نتوانند برگردانیدن آنرا و نه آنها مهلت داده میشوند و بحقیقت استهزا کرده شد برسولانی

مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٤٣ قُلْ مَنْ

پیش از تو پس رسید آنانکه استهزا کردند از ایشان آنچه بودند بر آن که استهزا میکردند بگو که

يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ٤٤

نگاه میدارد شما را بشب و روز از خدای بخشنده بلکه ایشان از ذکر پروردگارشان روگردانندگانند

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا

بلکه مر ایشان راست خدایانی که منع کنند ایشان را از غیر ما نمیتوانند یاری کردن خودهاشان را و نه ایشان از ما

يُصْحَبُونَ ٤٥ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ

همسرای کرده میشوند بلکه کامیاب کردیم ما آنها را و پدرانشان را تا دراز شد بر ایشان مدت زندگی آیا پس نمی بینید

أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ٤٦ قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ

که ما میآئیم زمین را کم میکنیم آنرا از طرفهایش آیا پس ایشانند غالبان بگو جز این نیست که بیم میکنم شما را

بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ ٤٧ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ

بوحی و نمیشنوند کران خواندن را چون بیم کرده میشوند و اگر مس کند ایشان را وزیدن بوئی

مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ٤٨ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

از عذاب پروردگار تو هر آینه گویند وای بر ما بدرستیکه بودیم ستمکاران و میگذاریم ترازوهای عدالت را

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا

برای روز قیامت پس ستم کرده نشود نفسی چیزی را و اگرچه باشد مقدار دانه از خردل بیاوریم ما

يَسْبَحُونَ بفتح یا و سکون سین

آلِهَتَكُمْ بمد الف

تَسْتَعْجِلُونِ بکسر نون

يَكْلَؤُكُمْ بضم همزه بدون واو

آلِهَةٌ بمد الف و کسر لام

يُصْحَبُونَ بضم یا و سکون صاد و فتح حاء ضمها

نَفْحَةٌ با حاء بی نقطه بمعنی وزیدن بوی با نقطه بمعنی دمیدن

أَتَيْنَا بفتح همزه

بها

بها وكفى بنا حاسبين ٤٩ ولقد آتينا موسى وهرون الفرقان وضياء
آنرا وبس باشيم ما حساب كننده وبتحقيق داديم موسى و هرون را فرقان و روشنى
وذكرا للمتقين ٥٠ الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون ٥١
وپندى مر پرهيزگاران آنانكه مى ترسند از پروردگارشان در نهان و ايشان از قيامت ترسنده باشند
وهذا ذكر مبارك انزلناه افانتم له منكرون ٥٢ ولقد آتينا ابرهيم
و اين ذكريست با بركت كه فرو فرستاديم ما او را آيا پس شما از آن انكار كننده ايد وبتحقيق داديم ما ابراهيم را
رشده من قبل وكنا به عالمين ٥٣ اذ قال لابيه وقومه ما هذه
رشد او را از پيش و بوديم ما بآن داننده چون گفت مر پدرش را و قومش را چيست اين
التماثيل التي انتم لها عاكفون ٥٤ قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين
تمثالها كه شما يد مر آنها را مقيمان بر پرستش گفتند يافته ايم پدرانمان را مر آنها را پرستندگان
قال لقد كنتم انتم وآباؤكم في ضلال مبين ٥٥ قالوا اجئتنا بالحق
گفت هر آينه بتحقيق هستيد شما و پدرانتان در گمراهى آشكار گفتند آيا آمده تو مارا براستى
ام انت من اللاعبين ٥٧ قال بل ربكم رب السموات والارض
يا تو از بازى كنندگان گفت بلكه پروردگارشما است پروردگار آسمانها و زمين
الذي فطرهن وانا على ذلكم من الشاهدين ٥٨ وتالله لاكيدن
آنكه آفريد آنهارا و من بر آن شمارا از شاهدانم وقسم بخدا كه هر آينه چاره جو ميكرد
اصنامكم بعد ان تولوا مدبرين ٥٩ فجعلهم جذاذا الا كبيرا لهم لعلهم
بتان شمارا بعد از آن كه برويد پشت كنندگان پس گردانيد آنها را پاره پاره بجز بزرگ آنها را شايد آنها
اليه يرجعون ٦٠ قالوا من فعل هذا بالهتنا انه لمن الظالمين ٦١ قالوا سمعنا
بسوى او رجوع كنند گفتند كه كرد اين كار را بخدايان ما بدرستيكه او هر آينه از ظالمانست گفتند شنيديم
فتى يذكرهم يقال له ابرهيم ٦٢ قالوا فاتوا به على اعين الناس لعلهم
ما كه جوانى ياد كرده ايشانرا كه گفته ميشود مر او را ابراهيم گفتند پس بياوريد او را بر چشمهاى مردمان شايد آنها
يشهدون ٦٣ قالوا ءانت فعلت هذا بالهتنا يا ابرهيم ٦٤ قال بل فعله
گواهى دهند گفتند آيا تو كردى با خدايان ما اى ابراهيم گفت بلكه كرد آنرا بزرگ آنها
كبيرهم هذا فسئلوهم ان كانوا ينطقون ٦٥ فرجعوا الى انفسهم فقالوا
بزرگ آنها پس بپرسيد ايشانرا اگر هستند كه سخن گويند پس رجوع كردند بخود ايشان پس گفتند
انكم انتم الظالمون ٦٦ ثم نكسوا على رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون ٦٧
شمائيد ستمكاران پس نگون كرده شدند بر سرهاشان هر آينه ميدانى تو كه نه اينها سخن گويند
قال افتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم اف لكم ولما
گفت آيا پس ميپرستيد از غير خدا چيزيرا كه سود ندارد شمارا بچيزى و زيان نتواند رساند شمارا اف بر شما و مر آنچه
تعبدون من دون الله افلا تعقلون ٦٨ قالوا حرقوه وانصروا الهتكم
ميپرستيد از غير خدا آيا پس در نمى يابيد بعقل گفتند بسوزانيد او را و يارى كنيد خدايانتانرا

بالمبين بكسر لام

اباؤكم بضمه همزه بعد واو

بالهتنا بدو الف وكسر لام

الهتكم بدو الف كسر لام

إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ٦٩ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ٧٠ وَأَرَادُوا

بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ٧١ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ٧٢ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا

صَالِحِينَ ٧٣ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ

الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ٧٤ وَلُوطًا — وإقام بكسر همزه

آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا

قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ٧٥ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٧٦ وَنُوحًا

إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ٧٧ وَنَصَرْنَاهُ

مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ٧٨

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا — داود بفقط در هر دو موضع

لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ٧٩ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا

مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ٨٠ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ — يسبحن بضم يا و فتح سين و كسر باء مشدده و سكون حا بمعنى يسبح

لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ٨١ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً

تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ٨٢ وَمِنَ

الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ — يغوصون بغين معجمه

حَافِظِينَ ٨٣ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ٨٤

فنجينا

فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر وآتيناه اهله ومثلهم معهم رحمة

پس اجابت کردیم مراد او پس برداشتیم آنچه با او بود از آزار و دادیم باو اهلش را و مانند ایشان با ایشان رحمتی

من عندنا وذكرى للعابدين ٨٥ واسمعيل وادريس وذا الكفل كل

از نزد ما و پندی مر عابدان را و اسمعیل و ادریس و ذا الکفل همه

من الصابرين ٨٦ وادخلناهم في رحمتنا انهم من الصالحين ٨٧ وذا

بودند از صبر کنندگان و در آوردیم ایشان را در رحمت ما بدرستیکه ایشان از شایسته کاران اند و صاحب

النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

ماهی را یاد کن که رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نخواهیم گرفت بر او پس ندا کرد در تاریکیها

ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين ٨٨ فاستجبنا له و

که نیست خدائی بجز تو منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمگاران پس اجابت کردیم مراد او و

نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ٨٩ وزكريا اذ نادى ربه رب

نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم گروندگان را و زکریا را یاد کن آنگاه که ندا کرد پروردگار را ای پروردگار من

لا تذرني فردا وانت خير الوارثين ٩٠ فاستجبنا له ووهبنا له يحيى و

مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثان پس اجابت کردیم مراد او و بخشیدیم او را یحیی و

اصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون في الخيرات ويدعوننا رغبا

شایسته ساختیم برای او جفتش را بدرستیکه ایشان بودند که شتاب میکردند در خیرات و میخواندند ما را از راه امید

ورهبا وكانوا لنا خاشعين ٩١ والتي احصنت فرجها فنفخنا فيها من

و بیم و بودند مر ما را فروتنی کنندگان و آنکه نگاه داشت فرجش را پس دمیدیم در او از

روحنا وجعلناها وابنها آية للعالمين ٩٢ ان هذه امتكم امة واحدة

روح خود و گردانیدیم او و پسرش را نشانه برای جهانیان بدرستیکه این است ملت شما که دین واحد است

وانا ربكم فاعبدون ٩٣ وتقطعوا امرهم بينهم كل الينا راجعون ٩٤

و منم پروردگار شما پس پرستید مرا و پاره پاره گردند امر شان را میان شان همه بسوی ما بازگردانیده شدگانند

فمن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا كفران لسعيه وانا له كاتبون ٩٥

پس آنکه کند از کارهای شایسته و او مؤمن باشد پس نیست انکاری مر سعی او را و مائیم مر او را نویسندگان

وحرام على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون ٩٦ حتى اذا فتحت

و حرام است بر قریه که هلاک کردیم ما او را که ایشان باز نگردند تا چون گشاده شود

يأجوج ومأجوج وهم من كل حدب ينسلون ٩٧ واقترب الوعد الحق

راه یاجوج و ماجوج و ایشان از هر بلندی میشتابند و نزدیک شود وعده درست

فاذا هي شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا في غفلة من هذا

پس چون آن بازمانده باشد دیدهای آنانکه کافر شدند ای وای بر ما بتحقیق بودیم ما در غفلت از این

بل كنا ظالمين ٩٨ انكم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم

بلکه بودیم ستمکاران بدرستیکه شما و آنچه میپرستید از غیر خدا هیزم دوزخید شما

لها واردون ٩٩ لو كان هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون ١٠٠

لهم فيها زفير وهم فيها لا يسمعون ١٠١ إن الذين سبقت لهم منا الحسنى

أولئك عنها مبعدون ١٠٢ لا يسمعون حسيسها وهم في ما اشتهت

أنفسهم خالدون ١٠٣ لا يحزنهم الفزع الأكبر وتتلقاهم الملائكة هذا

يومكم الذي كنتم توعدون ١٠٤ يوم نطوي السماء كطي السجل للكتب

كما بدأنا أول خلق نعيده وعدا علينا إنا كنا فاعلين ١٠٥ ولقد كتبنا في

الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون ١٠٦ إن في

هذا لبلاغا لقوم عابدين ١٠٧ وما أرسلناك إلا رحمة للعالمين ١٠٨

قل إنما يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فهل أنتم مسلمون ١٠٩ فإن تولوا

فقل آذنتكم على سواء وإن أدري أقريب أم بعيد ما توعدون ١١٠ إنه

يعلم الجهر من القول ويعلم ما تكتمون ١١١ وإن أدري لعله فتنة لكم و

متاع إلى حين ١١٢ قال رب احكم بالحق وربنا الرحمن المستعان على ما تصفون

سورة الحج ثمانية وسبعون آية وهي مدنية (٢٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها الناس اتقوا ربكم ١ إن زلزلة الساعة شيء عظيم ٢ يوم ترونها تذهل

كل مرضعة عما أرضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى الناس

سُكَارٰى وَمَا هُمْ بِسُكَارٰى وَلٰكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيْدٌ ۳ وَمِنَ النَّاسِ
مستان و باشند ایشان مستان ولیکن عذاب خدا سخت است و از مردمان

مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيْدٍ ۴ كُتِبَ عَلَيْهِ اَنَّهٗ
کسیست که مجادله میکند در خدا بدون دانش و پیروی میکند هر شیطان سرکش را نوشته شده بر او که او را

مَنْ تَوَلَّاهُ فَاَنَّهٗ يُضِلُّهٗ وَيَهْدِيْهِ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ۵ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ
هر که دوست دارد پس او گمراهش کند و ره نماید او را بسوی عذاب آتش سوزنده ای مردمان اگر

كُنْتُمْ فِىْ رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ
هستید در شک از بعث پس بدرستیکه ما آفریدیم شما را از خاک پس از نطفه پس از خون بسته

ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَّغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِى الْاَرْحَامِ مَا نَشَآءُ
پس از پاره گوشت تمام خلقت و غیر تمام خلقت تا بیان کنیم برای شما و قرار میدهیم در رحمها آنچه میخواهیم

اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْۤا اَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى وَ
تا مدتی نام برده شده پس بیرون آوردیم شما را کودک پس تا برسید بکمال خودتان و از شما کسیکه متوفی میشود و

مِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰۤى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى
و از شما کسی هست که ردکرده شود بسوی فرو مایه ترین عمر تا آنکه نداند از بعد دانش چیزی را و می بینی

الْاَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَاۤ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَاَنْۢبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
زمین را خشک افسرده پس چون فرو فرستادیم بر آن آب را جنبید و افزونی طلبید و برویانید از هر صنفی

بَهِيْجٍ ۶ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهٗ يُحْىِ الْمَوْتٰى وَاَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ۷
که خوش نماست این بسبب آنست که اوست حق و آنکه اوست که زنده میکند مردگان را و آنکه اوست بر هر چیزی توانا

وَّاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُوْرِ ۸ وَمِنَ النَّاسِ
و آنکه قیامت آمدنیست نیست شکی در آن و آنکه خدا بر انگیزاند هر که را در قبرهاست و از مردمان

مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ۹ ثَانِىَ عِطْفِهٖ
کسیست که مجادله میکند در خدا بدون دانش و نه راه نمائی و نه کتابی نور بخشنده منحرف سازنده پهلوی خویش

لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَهٗ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ
تا گمراه کند از راه خدا مر او راست در دنیا خواری و بچشانیم او را روز قیامت عذاب

الْحَرِيْقِ ۱۰ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۱۱
آتش سوزنده این بآن چیزیست که مقدم داشته دو دست تو و آنکه خدا نیست ستمگار مر بندگانش را

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ ۚ فَاِنْ اَصَابَهٗ خَيْرُ اِۨطْمَاَنَّ بِهٖ ۚ وَ
و از مردمان هست کسیکه میپرستد خدا را بر کناره پس اگر رسید او را خیری آرمید بآن و

اِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةُ اِۨنْقَلَبَ عَلٰى وَجْهِهٖ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةَ ؕ ذٰلِكَ هُوَ
اگر رسید او را بلائی برگشت بر روی خویش زیان کرد در دنیا و آخرت اینست آن

الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ ۱۲ يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ؕ
زیانی آشکار میخواند از غیر خدا آنچه ضرر نرساند او را و آنچه سودی ندهد او را

قوله تعالی وتری الارض هامدة الی بهیج آن آیت را بزعفران که باب حل کرده باشند در طشت آهنین نویسند پس از جائی که منبع آب کاریز است سبو نو بگیرند در وقت سحر و آن طشت را با آب بشویند و مقدار آب رطل از بیست درپای هر درخت که بریزد میوه بسیار بار آورد و اگر در حجره زن خانه ما بسته خیر و برکت در آن خانه بسیار پدید شود و اگر کسی را فرزند نشود مرد و زن از این آب بخورند خدا تعالی فرزند کرامت فرماید انشاء الله تعالی ۱۲

عِطْفه بکسر عین بی نقطه

ذلك

ذلك هو الضلال البعيد ١٣ يدعو لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى

آنست آن گمراهی دور میخواند کسی را که زیانش نزدیکتر است از سودش هر آینه بد دوستی

ولبئس العشير ١٤ ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات

و هر آینه بد معاشریست بدرستیکه خدا در می آورد آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته در بهشتهائیکه

تجري من تحتها الانهار ان الله يفعل ما يريد ١٥ من كان يظن ان لن

روانست از زیر آنها نهرها بدرستیکه خدا میکند آنچه میخواهد کسیکه هست که گمان میکند که هرگز

ينصره الله في الدنيا والاخرة فليمدد بسبب الى السماء ثم ليقطع فلينظر

یاری نکند او را خدا در دنیا و آخرت پس باید دراز کند ریسمانی بسوی آسمان پس قطع کند پس نظر کند

هل يذهبن كيده ما يغيظ ١٦ وكذلك انزلناه ايات بينات وان الله

آیا میبرد حیله او را آنچه خشم میکند و همچنین فرو فرستادیم ما آنرا آیتهای روشن و آنکه خدا

يهدي من يريد ١٧ ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئين والنصارى

راه مینماید هر کرا میخواهد بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و صابیان و نصاری

والمجوس والذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على

و مجوس و آنانکه شرک آوردند بدرستیکه خدا حکم میکند میانشان روز رستخیز بدرستیکه خدا بر

كل شيء شهيد ١٨ الم تر ان الله يسجد له من في السموات ومن في الارض

هر چیزی گواه است آیا ندیدی که خدا را سجده میکنند هر که در آسمان و هر که در زمین است

والشمس والقمر والنجوم والجبال والشجر والدواب وكثير من الناس

و آفتاب و ماه و ستارهها و کوهها و درخت و جنبندهها و بسیاری از مردمان

وكثير حق عليه العذاب ١٩ ومن يهن الله فما له من مكرم ان الله يفعل

و بسیاری که ثابت شده بر او عذاب و هر کرا خوار کند خدا پس نیست مر او را هیچ گرامی دارنده بدرستیکه خدا میکند

ما يشاء ٢٠ هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين كفروا قطعت لهم

هرچه میخواهد این دو خصمند که خصومت کردند در پروردگارشان پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان

ثياب من نار يصب من فوق رؤسهم الحميم ٢١ يصهر به ما في بطونهم و

جامهها از آتش ریخته شود از بالای سرهاشان آب گرم گداخته میشود بآن آنچه در شکمهای ایشانست و

الجلود ولهم مقامع من حديد ٢٢ كلما ارادوا ان يخرجوا منها من

پوستها و مر ایشانراست گرزها از آهن هرچند که خواهند که بیرون آیند از آن از

غم اعيدوا فيها وذوقوا عذاب الحريق ٢٣ ان الله يدخل الذين امنوا

اندوهی باز گردانیده شوند در آن و بچشید عذاب آتش سوزنده را بدرستیکه خدا در آورد آنانکه گرویدند

وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار يحلون فيها من

و کردند کارهای شایسته در بهشتهائی که روانست از زیرش نهرها زیور کنند در آن از

اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ٢٤ وهدوا الى الطيب

دست برنجها از طلا و مروارید و پوشش ایشان در آن پرنیانست و راه یافته شدند بسوی پاکیزه

لمن ضره بفتح لام و میم لمن

قوله تعالی من کان یظن ان لن الخ در کنز الفوائد از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ماثور است که فرمود حدیث کرد مرا پدرم از حضرت ابو جعفر علیه السلام که حضرت رسول خدا روزی فرمود بدرستیکه پروردگار من وعده فرمود مرا نصرت خود و امداد کند مرا بملائکه خود و آنکه امداد کرد نصرت ایشان و بعلی مرتضی علیه السلام مخصوص است این امر من پس گران آمد بر قوم آنکه ... محمد

سجده

علی مرتضی است حضرت رسول خود و بعبط درآورد ایشان را این قول پس نازل کرد حق تعالی این آیه را که من کان یظن ان لن ینصره الله محمد بعلی فلیمدد بسبب من السماء ثم لیقطع فلینظر هل یذهبن کیده ما یغیظ حضرت فرمود بگذارد این شخص ریسمانی در گردن خود بسوی آسمان و علاقه بست خود را تا وقتیکه خفه و مخنق شود و بمیرد پس نظر کند که آیا میبرد حسد او و غیظ او را از کلام حضرت رسول خدا از حق حضرت علی مرتضی نصرت خدا

١٢

مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ٢٥ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ

از گفتار و هدایت کرده شدند بسوی راه ستوده بدرستی آنانکه کافر شدند و باز میدارند

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ

از راه خدا و مسجد الحرام که گردانیدیمش برای مردم یکسانست مقیم در آن

فِيهِ وَالْبَادِ ٢٦ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٧ وَإِذْ

در آن و وارد از خارج و هرکه اراده کند در آن بسبب عدول از حق بغیر حق بچشانیمش از عذاب پر درد و چون

بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ

تعیین کردیم برای ابراهیم مکان خانه را که شریک مدار بمن چیزی را و پاک دار خانه مرا از برای طواف کنندگان

(ان لا تشرك بسکون کاف)

وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ٢٨ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ

و ایستادگان و رکوع و سجود کنندگان و ندا در ده در مردمان بحج تا آیند ترا مردان پیاده و

عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ٢٩ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا

بر هر شتر لاغر که آیند از هر راه دوری تا حاضر شوند منافعی برای ایشانست و یاد کنند

اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا

نام خدا را در روزهای معلوم بر آنچه روزی کرد ایشان را از زبان بسته شتر و گاو و گوسفند پس بخورید

مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ٣٠ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ

از آن و بخورانید سختی کش درویش را پس باید ازاله نمایند کثافتشان را و باید وفا کنند نذرهای شان را

(تفثهم با تاء دو نقطه و فاء و ثاء سه نقطه)

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ٣١ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ

و باید طواف کنند خانه دیرینه را اینست و هرکه تعظیم کند حرمتهای خدا را پس آن بهتر است مر او را

عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ

نزد پروردگارش و حلال شد برای شما چهارپایان مگر آنچه خوانده میشود بر شما پس دوری کنید پلیدی را از

الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ٣٢ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ

بتان و دوری کنید از گفتار دروغ حق گرایان مر خدا را غیر شرک آرندگان بآن و هرکه شرک آورد

بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

بخدا پس گویا در افتاد از آسمان پس بربایدش پرنده یا فرود آورد او را باد در جای

(فتخطفه بتاء مفتوحه و خاء ساکنه و طاء مخففه مفتوحه)

سَحِيقٍ ٣٣ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ٣٤ لَكُمْ

دوری اینست و هرکه بزرگ بدارد علامات خدا را پس آن از پرهیزگاری دلهاست مر شما را

فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ٣٥ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا

در آن سودها تا مدتی نام برده شده پس محل آنها بسوی بیت عتیق است و برای هر امتی گردانیدیم

(محلّها بکسر حا)

مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ

قربانی را تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه روزی کرد ایشان را از چهارپایان شتر و گاو و گوسفند پس خدای شما خدائیست

وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ٣٦ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

یگانه پس مر او را منقاد شوید و مژده ده فروتنان را آنانکه هرگاه یاد کرده شود خدا بترسد دلهایشان

وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ٣٧

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّن شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا

صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ

كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٣٨ لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا

دِمَاؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ

عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ٣٩ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ

لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ٤٠ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ

عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ٤١ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا

رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ

وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٤٢ الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ

وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ٤٣

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ

قَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٤ فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ

خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ ٤٥ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

دِمَاؤُهَا بضم همزه بدل واو

١٢

وَاٰتَوُا بفتح واو و دو الف و فتح تا و ضم واو

الارض

الأرض فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو آذان يسمعون بها فإنها لا

زمین پس بوده باشد مرایشانرا دلهایی که دریابند بآن یا گوشهایی که بشنوند بآنها پس بدرستیکه نباشد

تعمى الأبصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور ۴۶ ويستعجلونك

کور دیدها ولیکن کور باشد آن دلهایی که در آن سینهاست و بشتاب میخواهند از تو

بالعذاب ولن يخلف الله وعده وإن يوما عند ربك كألف سنة مما

عذاب را و هرگز خلاف نکند خدا وعده اش را و بدرستیکه روزی نزد پروردگار تو هزار سال است از آنچه

تعدون ۴۷ وكأين من قرية أمليت لها وهي ظالمة ثم أخذتها و

میشمارند و چه بسیار از قریه که مهلت دادم من آنرا و آن بود ستمکار پس گرفتم آنرا

إلي المصير ۴۸ قل يا أيها الناس إنما أنا لكم نذير مبين ۴۹ فالذين آمنوا

بسوی منست بازگشت بگو که ای مردمان جز این نیست که منم شما را بیم دهنده آشکارا پس آنانکه گرویدند

وعملوا الصالحات لهم مغفرة ورزق كريم ۵۰ والذين سعوا في آياتنا

و کردند کارهای شایسته مرایشانراست آمرزش و روزی خوب و آنانکه سعی کردند در ابطال آیات ما

معاجزين أولئك أصحاب الجحيم ۵۱ وما أرسلنا من قبلك من رسول و

عاجز کنندهها را این گروه اهل دوزخند و نفرستادیم پیش از تو هیچ رسولی و

لا نبي إلا إذا تمنى ألقى الشيطان في أمنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان

پیغمبری را مگر آنکه چون تلاوت کرد انداخت شیطان در تلاوتش پس زایل کند خدا آنچه را می‌اندازد شیطان

ثم يحكم الله آياته والله عليم حكيم ۵۲ ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة

پس محکم میسازد خدا آیاتش را و خداست دانای درست کردار تا گرداند آنچه میاندازد شیطان بلائی

للذين في قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وإن الظالمين لفي شقاق

برای آنانکه در دلهاشان مرض است و سخت است دلهاشان و بدرستیکه ستمکاران هر آینه در خلافی

بعيد ۵۳ وليعلم الذين أوتوا العلم أنه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت له

دور از حقند و تا بدانند آنانکه داده شده علم را که آن حق است از پروردگارت پس بگروند بآن پس نرم شود برای او

قلوبهم وإن الله لهاد الذين آمنوا إلى صراط مستقيم ۵۴ ولا يزال الذين

دلهاشان و بدرستیکه خدا هر آینه راه نماست آنانرا که گرویدند بسوی راه راست و همیشه باشند آنانکه

كفروا في مرية منه حتى تأتيهم الساعة بغتة أو يأتيهم عذاب يوم عقيم ۵۵

کافر شدند در شکی از آن تا بیاید ایشانرا قیامت ناگاه یا آید ایشانرا عذاب روز بی نفع

الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين آمنوا وعملوا الصالحات في جنات

پادشاهی در این روز مر خدا راست حکم میکند میان ایشان پس آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در بهشتهای

النعيم ۵۶ والذين كفروا وكذبوا بآياتنا فأولئك لهم عذاب مهين ۵۷ و

پرنعمتند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را پس آن گروه مرایشانراست عذاب خوار کننده و

الذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا أو ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا

آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد خدا روزی خوب

وان الله لهو خير الرازقين ٥٨ ليدخلنهم مدخلا يرضونه وان الله
و بدرستیکه خدا هر آینه بهترین روزی دهندگان است هر آینه در آورد ایشان را در آوردنی که پسندند آنرا و بدرستیکه خدا
لعليم حليم ٥٩ ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه
هر آینه دانای بردبار است اینست و هر که عقوبت رساند بمانند آنچه عقوبت رسانیده شد بآن پس ستمکرده شد بروی هر آینه یاری دهد
الله ان الله لعفو غفور ٦٠ ذلك بان الله يولج الليل في النهار ويولج
خدا بدرستیکه خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است اینست بآنکه خدا در میآورد شب را در روز و در میآورد
النهار في الليل وان الله سميع بصير ٦١ ذلك بان الله هو الحق وان
روز را در شب و بدرستیکه خدا شنونده بیناست اینست بآنکه خدا اوست برحق و آنکه
ما يدعون من دونه هو الباطل وان الله هو العلي الكبير ٦٢ الم تر ان
آنچه را میخوانند از غیر او آن باطلست و آنکه خدا اوست برتر بزرگ آیا ندیدی که
الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطيف خبير ٦٣ له
خدا فرو فرستاد از آسمان آب را پس میگردد زمین سبز بدرستیکه خدا باریک کار آگاه است مراوراست
ما في السموات وما في الارض وان الله لهو الغني الحميد ٦٤ الم تر ان
آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بدرستیکه خدا هر آینه اوست بی نیاز ستوده آیا ندیدی که
الله سخر لكم ما في الارض والفلك تجري في البحر بامره ويمسك السماء
خدا رام گردانید برای شما آنچه در زمین است و کشتی که روانست در دریا بفرمان او و نگاه میدارد آسمانرا
ان تقع على الارض الا باذنه ان الله بالناس لرءوف رحيم ٦٥ وهو الذي
از اینکه بیفتد بر زمین مگر بدستوری او بدرستیکه خدا بمردمان هر آینه بخشاینده مهربانست و اوست آنکه
احياكم ثم يميتكم ثم يحييكم ان الانسان لكفور ٦٦ لكل امة جعلنا منسكا
زنده گردانید شما را پس میمیراند شما را پس زنده میگرداند شما را بدرستیکه آدمی هر آینه ناسپاس است برای هر امتی گردانیدیم طریقه
هم ناسكوه فلا ينازعنك في الامر وادع الى ربك انك لعلى هدى
که ایشان روندهٔ آنند پس نباید نزاع کنند با تو درکار و بخوان بسوی پروردگارت بدرستیکه تو هر آینه بر راه
مستقيم ٦٧ وان جادلوك فقل الله اعلم بما تعملون ٦٨ الله يحكم بينكم يوم
راستی و اگر مجادله کنند با تو پس بگو خدا داناتر است بآنچه میکنید خدا حکم میکند میان شما روز
القيمة فيما كنتم فيه تختلفون ٦٩ الم تعلم ان الله يعلم ما في السماء والارض
رستخیز در آنچه بودید در آن اختلاف میکردید آیا ندانستی که خدا میداند آنچه در آسمان و زمین است
ان ذلك في كتاب ان ذلك على الله يسير ٧٠ ويعبدون من دون الله
بدرستیکه این باشد در کتاب بدرستیکه این بر خدا آسانست و میپرستند از غیر خدا
ما لم ينزل به سلطانا وما ليس لهم به علم وما للظالمين من نصير ٧١ واذا
آنچه را فرو نفرستاده بآن حجتی و آنچه نیست مر ایشانرا بآن دانشی و نیست مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده و چون
تتلى عليهم اياتنا بينات تعرف في وجوه الذين كفروا المنكر يكادون
خوانده میشود بر ایشان آیتهای ما روشن میشناسی در رویهای آنانکه کافر شدند اثر انکار نزدیک باشند

يسطون بالذين يتلون عليهم اياتنا قل افانبئكم بشر من ذلكم النار و
عدها الله الذين كفروا وبئس المصير ٧٢ يا ايها الناس ضرب مثل
فاستمعوا له ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا ولو
اجتمعوا له وان يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب
والمطلوب ٧٣ ما قدروا الله حق قدره ان الله لقوي عزيز ٧٤ الله
يصطفي من الملئكة رسلا ومن الناس ان الله سميع بصير ٧٥
يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم والى الله ترجع الامور ٧٦ يا ايها
الذين امنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم
تفلحون ٧٧ وجاهدوا في الله حق جهاده هو اجتبكم وما جعل عليكم
في الدين من حرج ملة ابيكم ابرهيم هو سمكم المسلمين ٧٨ من قبل وفي
هذا ليكون الرسول شهيدا عليكم وتكونوا شهداء على الناس فاقيموا
الصلوة واتوا الزكوة واعتصموا بالله هو مولكم فنعم المولى ونعم النصير

سجدة

(٢٣) سورة المؤمنون مائة وثمان عشر اية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قد افلح المؤمنون ٢ الذينهم في صلوتهم خاشعون ٣ والذينهم عن
اللغو معرضون ٤ والذينهم للزكوة فاعلون ٥ والذينهم لفروجهم

حافظون ۶ الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین ۷

نگاه دارندگان مگر بر زنان خود یا آنچه مالک شده است دستهای ایشان پس بدرستیکه ایشان نیستند ملامت کرده شدگان

فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون ۸ والذین هم لاماناتهم

پس هر که بجوید سوای این پس آن گروه ایشانند تعدی کنندگان و آنانکه ایشان مر امانتهای خود را

وعهدهم راعون ۹ والذین هم علی صلواتهم یحافظون ۱۰ اولئک هم

و پیمان خود را رعایت کنندگان و آنانکه ایشان بر نمازهای خود محافظت میکنند آنها ایشانند

الوارثون ۱۱ الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ۱۲ ولقد خلقنا

وارثان آنانکه میراث میبرند بهشت را ایشانند در آن جاویدان و هر آینه بتحقیق آفریدیم

الانسان من سلالة من طین ۱۳ ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ۱۴ ثم

انسان را از صاف کشیده از گل پس گردانیدیم او را نطفه در آرامگاهی استوار پس

خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما

آفریدیم نطفه را پاره خونی بسته پس کردیم پاره خون بسته را پاره گوشتی پس کردیم پاره گوشت را استخوانها

فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین ۱۵

پس پوشانیدیم استخوانها را گوشتی پس شروع نمودیم او را آفرینش دیگری پس برتر آمد خدا که بهترین آفرینندگانست

ثم انکم بعد ذلک لمیتون ۱۶ ثم انکم یوم القیمة تبعثون ۱۷ ولقد خلقنا

پس بدرستیکه شما میشوید بعد از همه اینها مردگان پس بدرستیکه شما روز قیامت که برانگیخته میشوید و بتحقیق آفریدیم

فوقکم سبع طرائق وما کنا عن الخلق غافلین ۱۸ وانزلنا من السماء

زبر سر شما هفت طبقات بالای همه و نباشیم ما از خلق بیخبران و فرو فرستادیم از آسمان

ماء بقدر فاسکناه فی الارض وانا علی ذهاب به لقادرون ۱۹ فانشانا

آب را باندازه پس ساکن گردانیدیم آنرا در زمین و بدرستیکه ما بر بردن آن توانائیم پس آفریدیم

لکم به جنات من نخیل واعناب لکم فیها فواکه کثیرة ومنها تاکلون ۲۰

برای شما از آن بوستانها از درختان خرما و انگور مر شما راست در آن میوههای بسیار و از آن میخورید

وشجرة تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن وصبغ للآکلین ۲۱ وان

و درختی که بیرون میاید از طور سینا میروید با روغن و نان خورش برای خورندگان و بدرستیکه

لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها ولکم فیها منافع کثیرة

مر شما را در چهارپایان هر آینه عبرتی می آشامیم شما را از آنچه در شکمهای آنهاست و مر شما را در آن سودهای بسیار است

ومنها تاکلون ۲۲ وعلیها وعلی الفلک تحملون ۲۳ ولقد ارسلنا

و از آن میخورید و بر آن چهارپایان و بر کشتی بار کرده میشوید و بتحقیق فرستادیم

نوحا الی قومه فقال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون ۲۴

نوح را بسوی قومش پس گفت ای قوم بپرستید خدا را که نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او آیا پس نمی پرهیزید

فقال الملأ الذین کفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلکم یرید

پس گفت آن جمع که کافر شدند از قومش نیست این مگر بشری مانند شما میخواهد

و از تفسیر
قد افلح المؤمنون این که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که هر کس این ده آیه بجا آورد مصون آن عمل نماید البته بهشت رود و در بعضی روایات آمده است که اول این سوره و آخر این سوره از
صلواتهم
بفتح صاد و لام و واو بعد از واو الف و تا جمع صلوة است
از کتب بهشت است هر که عمل کند بده آیه از اول آن و بنده گیرد چند آیه از آخر آن است نجات یابد و رستگار شود انشاء الله

۱۲
و در تفسیر کبیر از تعلبی
ولقد خلقنا الانسان
الی فتبارک الله احسن الخالقین این آیه ابر عمر که کاتب وحی بود نوشید و در آن اثنا فتبارک الله احسن الخالقین بر زبان وی گذشت پیغمبر فرمود بنویس که همچنین نازل شد و او از آن شیر گشت و گفت اگر راست گوید پیغمبر پس بمن هم وحی آمد و مرتد گشت و بقتل رسید

سیناء بفتح سین
گذارده و زنان در زمان حمل مدتی نظر در مرد بسته و مقبول الهی گردید
۱۲

اَنْ يَّتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِىْٓ اٰبَآئِنَا
که افزونی جوید برشما و اگر خواهد خدا هر آینه فرو فرستد فرشتگان را نشنیده‌ایم این را در پدران
الْاَوَّلِيْنَ ۲۵ اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلٌۢ بِهٖ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوْا بِهٖ حَتّٰى حِيْنٍ ۲۶ قَالَ رَبِّ
پیشینیان ما نیست او مگر مردی که با او رسید جنونی پس انتظار برید او را تا هنگامی گفت پروردگار من
انْصُرْنِىْ بِمَا كَذَّبُوْنِ ۲۷ فَاَوْحَيْنَآ اِلَيْهِ اَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِاَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا
یاری ده مرا بآنچه تکذیب کردند مرا پس وحی کردیم بسوی او که بساز کشتی را بنگاه داشت ما و وحی کردن ما
فَاِذَا جَآءَ اَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّوْرُ ۲۸ فَاسْلُكْ فِيْهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَاَهْلَكَ
پس چون آمد فرمان ما و برجوشید تنور پس ببر در کشتی از هر جانوری نر و ماده دو و عیال خود
اِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۚ وَلَا تُخَاطِبْنِىْ فِى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ۚ اِنَّهُمْ مُّغْرَقُوْنَ ۲۹
مگر آنکه پیشی گرفته براو گفتار ما از ایشان و درخواست مکن مرا در آنانکه ستم کردند بدرستیکه ایشان غرق خواهند شد
فَاِذَا اسْتَوَيْتَ اَنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ نَجّٰىنَا مِنَ
پس چون بر آمدی تو و آنانکه با تواند بر کشتی پس بگو ستایش مر خدا راست که رهانید ما را از
الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ۳۰ وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِىْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ۳۱
گروه ستمگاران و بگو پروردگار من فرود آور مرا فرود آوردن برکت داده شده و تو بهترین فرود آورندگانی
اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ ۳۲ ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِيْنَ ۳۳
بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست و بدرستیکه بودیم آزمایندگان پس آفریدیم پس از ایشان گروهی دیگر را
فَاَرْسَلْنَا فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۚ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ۳۴
پس فرو فرستادیم در ایشان رسولی از ایشان که بپرستید خدا را که نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او آیا پس نمی‌پرهیزید
وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ وَاَتْرَفْنٰهُمْ
و گفتند جمعی از قومش آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند ملاقات آخرت را و نعمت پرورده کردیم ایشان را
فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۙ يَاْكُلُ مِمَّا تَاْكُلُوْنَ ۳۵ مِنْهُ وَ
در زندگانی دنیا نیست این مگر انسانی مانند شما میخورد از آنچه میخورید از آن و
يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ ۳۶ وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ۳۷
می‌آشامد از آنچه می‌آشامید و هر آینه اگر فرمان برید انسانی مانند خود را بدرستیکه شما آنگاه زیانکاران
اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَّعِظَامًا اَنَّكُمْ مُّخْرَجُوْنَ ۳۸ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ
آیا وعده میدهد شما را که شما چون مردید و شدید خاک و استخوانها که شما بیرون آورده‌شدگان دور است دور
لِمَا تُوْعَدُوْنَ ۳۹ اِنْ هِىَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوْثِيْنَ ۴۰
مر آنچه وعده داده میشوید نیست این مگر زندگانی دنیا میمیریم و زنده میشویم و نباشیم ما برانگیخته شدگان
اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلُ ۨافْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا وَّمَا نَحْنُ لَهٗ بِمُؤْمِنِيْنَ ۴۱ قَالَ رَبِّ
نیست او مگر مردی که میبندد بر خدا دروغی را و نباشیم ما او را گروندگان گفت ای پروردگار من
انْصُرْنِىْ بِمَا كَذَّبُوْنِ ۴۲ قَالَ عَمَّا قَلِيْلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نٰدِمِيْنَ ۴۳ فَاَخَذَتْهُمُ
یاری کن مرا بسبب آنچه تکذیب کردند گفت از آنچه گذشت اندکی هر آینه میگردند پشیمانان پس گرفت ایشان را

کذبون بکسر نون

کذبون بکسر نون

ربع
۱۲

الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۴۱ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ
فریادی مهلک بحق پس گردانیدیم ایشان را خاشاک سیل پس دوری از رحمت است مر گروه ستمگاران را پس آفریدیم ما از

بَعْدِهِمْ قُرُوناً آخَرِينَ ۴۲ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۴۳
بعد ایشان جماعتی دیگری را پیشی نگیرد هیچ امتی اجلش را و وا پس نمانند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ
پس فرستادیم رسولان خود را یکی بعد از دیگری هر گاه آمد امتی را رسولشان تکذیبش کردند پس از پی درآوردیم برخیشان

بَعْضاً وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْداً لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۴۴ ثُمَّ أَرْسَلْنَا
برخی و گردانیدیم ایشان را حکایت پس دوری از رحمت باد گروهی را که نمیگروند پس فرستادیم

مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۴۵ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ
موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار بسوی فرعون و جماعتش

فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْماً عَالِينَ ۴۶ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا
پس سرکشیدند و بودند گروهی برتری جویندگان پس گفتند آیا بگرویم دو انسان مانند خود را و قومشان

لَنَا عَابِدُونَ ۴۷ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ۴۸ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
مر ما را پرستاران پس تکذیب کردند آندو را پس بودند از هلاک شدگان و بدرستیکه دادیم ما موسی را

الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۴۹ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى
کتاب باشد که ایشان راه یابند و گردانیدیم پسر مریم و مادرش را آیتی و جا دادیم آندو را بجائی

رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ۵۰ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً
مرتفع صاحب قرار و آب جاری ای رسولان بخورید از پاکیزه‌ها و بکنید کار شایسته

إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۵۱ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ۵۲
که من بآنچه میکنید دانا و بدرستیکه امت شما امتی واحد است و منم پروردگار شما پس بپرهیزید مرا

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُراً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۵۳ فَذَرْهُمْ فِي
پس جدا جدا کردند امر دینشان را میان خود پاره پاره هر طایفه بآنچه باشد نزد ایشان شادمانند پس واگذار ایشان را در

غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ۵۴ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ ۵۵ نُسَارِعُ
غفلتشان تا وقتی آیا می پندارند که آنچه مدد میدهیم ایشان را بآن از مال و پسران میشتابیم

لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ۵۶ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۵۷
برای ایشان در خوبیها بلکه نمیدانند بدرستی آنانکه ایشان از ترس پروردگارشان خائفند

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۵۸ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ۵۹
و آنانکه ایشان بآیتهای پروردگارشان میگروند و آنانکه ایشان به پروردگارشان شرک نمیآورند

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ۶۰
و آنانکه میدهند آنچه را دادند و دلهاشان ترسناکست که ایشان بسوی پروردگارشان بازگردندگانند

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ۶۱ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْساً
آنها شتاب کنند در خوبیها و ایشانند مر آنها را پیشی گیرندگان و تکلیف نمیکنیم نفسی را

قوله تعالی
ان الذین هم من خشیة ربهم مشفقون الی قوله سابقون یعنی بدرستیکه آنکسانیکه از خوف عقاب پروردگار حذر میکنند و آنکسانیکه بآیات و حجتهای خداوندی ایمان دارند و آنکسانیکه به پروردگار شرک نمیآورند و آنکسانیکه عطا میکنند تصدقات آنچه عطا کرده شده‌اند در حالیکه دلهای ایشان خائف است که از ایشان قبول نشود اعمال بر وجهی که عمل بطاعات کرده باشند پس مؤاخذه کرده شوند بسبب آنکه ایشان بسوی خداوند خود راجع خواهند شد آنچه منقول است از ایشان و در کافی از حضرت صادق مرویست که سؤال کرده شد از این آیه فرمود مراد اشفاق در جای ایشانست و خوف از آنستکه برگردد بر ایشان اعمال ایشان اگر اطاعت حق نکنند و رجا بآن دارند که قبول شود از ایشان و ایشان مسارعت مینمایند در خیرات یعنی رغبت شدید دارند در طاعات و عبادات مینمایند بهمت و ایشان از برای طاعات سبقت گیرند و در تفسیر قمی روایت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که سبقت میگیرد او را احدی در این اعمال و در کنز الفواید از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام مرویست که این آیات نازل شده در شان حضرت امیر و ذریه طاهرین علیهم السلام ۱۲

قوله تعالى وانك لتدعوهم الى صراط مستقيم الى ناكبون يعني بدرستيكه تو هر آينه دعوت

نصف

ميكني وميخواني امت را بسوي صراط مستقيم كه ولايت حضرت امير المؤمنين عليه السلام است زيرا كه صراط مستقيم ولايت آنحضرت است بدرستيكه آنكسانيكه ايمان نياورده اند بآخرت از صراط كه امام عليه السلام است عدول كرده اند زيرا كه خوف از آخرت ونرسيدن است

جِنَّة بكسر جيم

اَتَيْنَاهُم بفتح همزه

دعا يعني بر طلب كردن حق وسلوك بر طريق آن وحق گويد مراد از اين آنحضرت امام عليه السلام است ودر صافي از كافي از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده كه گفت حضرت امير المؤمنين بدرستيكه خداي تبارك وتعالي اگر ميخواست هر آينه مي شناسانيد بندگان نفس خود را وليكن گردانيد ما را ابواب وصراط وسبيل خود ووجهي كه آمده ميشود از آن بسوي خدا پس كسيكه عدول نمايد از ولايت اهل البيت وتفضيل دهد غير ما را بر ما او از صراط كجنا كرده است

والسلام ١٢

اِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٦٢ بَلْ قُلُوبُهُمْ

مگر باندازه طاقتش ونزد ماست كتابي كه سخن ميگويد براستي وايشان ستم كرده نميشوند بلكه دلهاي ايشان

فِي غَمْرَةٍ مِنْ هٰذَا وَلَهُمْ اَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ٦٣ حَتّٰى

در غفلت است از اين ومر ايشانراست كارهاي از جز آن كه ايشان مر آنرا كننده گانند تا

اِذَا اَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ اِذَا هُمْ يَجْاَرُونَ ٦٤ لَا تَجْاَرُوا الْيَوْمَ اِنَّكُمْ

چون بگيريم نعمت پروردگان ايشانرا بعذاب آنگاه ايشان فرياد كنند فرياد مكنيد امروز بدرستيكه شما

مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ٦٥ قَدْ كَانَتْ اٰيَاتِي تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ ٦٦

از ما ياري كرده نخواهيد شد بتحقيق بود آيتهاي من كه خوانده ميشد بر شما پس بوديد بر پاشنهاي خود واپس ميگشتيد

مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ٦٧ اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ

تكبر كنندگان با آن افسانه گويان بشب هذيان ميگفتيد آيا پس تدبر نكردند در سخن يا آمد ايشانرا آنچه نه

يَاْتِ اٰبَاءَهُمُ الْاَوَّلِينَ ٦٨ اَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُونَ ٦٩

آمده بود پدران ايشانرا كه پيشينيانند يا نشناختند رسول ايشانرا پس ايشان مر او را انكار كنندگانند

اَمْ يَقُولُونَ بِهٖ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ٧٠ وَلَوِ اتَّبَعَ

يا ميگويند با او ديوانگيست بلكه آمد ايشانرا بحق وبيشتر ايشان مر حق را كراهت دارندگان واگر پيروي ميبود

الْحَقُّ اَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ اَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ

حق هواهاي ايشانرا هر آينه تباه شده بود آسمانها وزمين وهر كه در آنهاست بلكه داديم ايشانرا ذكرشانرا

فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ٧١ اَمْ تَسْاَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ

پس ايشان از ذكرشان روي گردانندگانند يا ميخواهي از ايشان مزدي پس مزد پروردگار تو بهتر است واو بهترين

الرَّازِقِينَ ٧٢ وَاِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٧٣ وَاِنَّ الَّذِينَ لَا

روزي دهندگان است وبدرستيكه تو هر آينه ميخواني ايشانرا بسوي راه راست وبدرستيكه آنانكه نه

يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ٧٤ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ

ميگروند بآخرت از راه راست هر آينه برگردندگانند واگر رحم ميكرديم ايشانرا وبرداريم آنچه با ايشانست

مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ٧٥ وَلَقَدْ اَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا

از ضرر هر آينه لجاج كنند در زياده روي شان حيرانند وبتحقيق گرفتيم ايشانرا بعذاب پس ذليل نشدند

لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦ حَتّٰى اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ اِذَا

مر پروردگارشانرا وفروتني وزاري نكردند تا هنگاميكه گشاديم بر ايشان دري صاحب عذاب شديدي آنگاه

هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ٧٧ وَهُوَ الَّذِي اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ

ايشان در آن نااميدان بودند واوست آنكه آفريد مر شما را گوش وچشم ودلها

قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ٧٨ وَهُوَ الَّذِي ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٧٩

اندك است آنچه شكر ميكنيد واوست آنكه آفريد شما را در زمين وبسوي او حشر كرده ميشويد

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ٨٠

واوست آنكه زنده ميكند وميميراند ومر او راست اختلاف شب وروز آيا پس درنمييابيد بعقل

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ٨١ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا
بلکه گفتند مانند آنچه گفتند پیشینیان گفتند آیا چون مردیم ما و شدیم ما خاک و استخوانها

أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ٨٢ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
آیا ما هر آینه برانگیخته شدگانیم هر آینه بتحقیق که وعده کرده شدیم ما و پدران ما این را از پیش نیست این مگر افسانه

الْأَوَّلِينَ ٨٣ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ
پیشینیان بگو مر کراست زمین و هر که در آنست اگر هستید که میدانید بزودی میگویند مر خدا راست

قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٨٦
بگو آیا پس پند نمیگیرید بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ
بزودی گویند مر خدا راست بگو آیا پس نمی‌پرهیزید بگو کیست که بدست اوست پادشاهی هر چیزی و او زینهار دهد

وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ ٨٩
و زینهار داده نمیشود بر او اگر هستید که دانید بزودی گویند مر خدا راست بگو پس از کجا فریب داده میشوید

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ٩٠ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ
بلکه دادیم ایشان را قرآن راست و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند فرا نگرفته خدا هیچ فرزندی و نباشد

مَعَهُ مِنْ إِلَٰهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ
با او هیچ خدائی آنوقت هر آینه بردی هر خدائی آنچه آفریده و هر آینه برتری جستند برخی از ایشان بر برخی منزه است

اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ٩١ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٩٢
خدا از آنچه میستایند داننده نهان و آشکار پس برتر است از آنچه شریک می‌آورند

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ٩٣ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٩٤
بگو پروردگارا اگر بنمائی مرا آنچه وعده کرده میشوند پروردگارا پس مگردان مرا در گروه ستمکاران

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ٩٥ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
و بدرستیکه ما بر آنکه بنمائیم ترا آنچه وعده میدهیم ایشان را هر آینه توانائیم دفع کن بآن خصلتیکه آن نیکوتر است

السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ٩٧
بدی را ما داناتریم بآنچه میستایند و بگو پروردگارا پناه میبرم بتو از وسوسه‌های دیوان سرکش

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ٩٨ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
و پناه میبرم بتو ای پروردگار من از آنکه حاضر شوند نزد من تا هنگامیکه آید یکی از ایشان را مرگ گفت پروردگار من

ارْجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ
بازگردانید مرا شاید بکنم کار شایسته در آنچه ترک کرده‌ام حاشا بدرستیکه آن سخنیست که او گوینده آنست

مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ١٠٠ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
و از پس ایشان حایلیست تا روزیکه برانگیخته میشوند پس چون دمیده شود در صور پس فایده ندارد نسبها میان ایشان

يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ١٠١ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٠٢
آنروز و نه پرسش کنند پس هر که گران باشد ترازوهای عمل او پس آنگروه ایشانند رستگاران

قوله تعالی

انهم یحضرون

ارجعون

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ١٠٤

و هر که سبک آمد ترازوهای طاعت او پس آنها آنانند که زیان کردند نفسهای خود را در جهنم جاویدانند

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ١٠٧ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُم

بسوزد رویهای ایشان را آتش و ایشان در آن ترش‌رویان باشند آیا نبود آیات من خوانده میشد بر شما پس بودید

بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٨ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ١٠٩

که آنرا تکذیب می‌کردید گفتند پروردگارا غالب شد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمراهان

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ١١٠ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١١١

پروردگارا بیرون آر ما را از آن پس اگر بازگردیم پس بدرستیکه ما ستمکاران باشیم گوید خدا دور شوید در آن و سخن مگوئید

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ

بدرستیکه بودند گروهی از بندگان من که میگفتند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو

خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ١١٢ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ

بهترین رحم‌کنندگانی پس گرفتید ایشان را باستهزاء تا فراموش گردانیدند شما را یاد کردن من و بودید که از ایشان

تَضْحَكُونَ ١١٣ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ١١٤ قَالَ كَمْ

میخندیدید بدرستیکه من جزا دادم ایشان را امروز بانچه صبر کردند که ایشانند رستگاران گوید خدا چند

لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٥ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ ١١٦

درنگ کردید در زمین بشمار سالها گویند درنگ کردیم روزی یا برخی از روز پس بپرس از شمارندگان

قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١١٧ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا

گوید خدا درنگ نکردید مگر اندکی اگر بودید شما که دانستید آیا پس پنداشتید که آفریدیم شما را بیهوده

وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

و آنکه شما بسوی ما بازگردانیده نمیشوید پس برتر است خدا پادشاه حق نیست خدائی مگر او پروردگار عرش

الْكَرِيمِ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ

بزرگ و آنکه میخواند با خدا الهی دیگر نیست حجتی مر او را بآن پس جز این نیست حسابش نزد پروردگار او

إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ١١٨ وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

بدرستیکه رستگار نشوند کافران بگو پروردگار من بیامرز و رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی

سُورَةُ النُّورِ أَرْبَعٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (٢٤) نزلت بعد الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ١

سوره ایست که فرو فرستادیم آنرا و فرض کردیم آنرا و فرو فرستادیم در آن آیتهای روشن باشد که شما پند گیرید

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم

زن زناکار و مرد زناکار پس بزنید هر یک از آن دو را صد تازیانه و نباید که فرا گیرد شما را

بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَلْيَشْهَدْ
بآن دو رافتی در دین خدا اگر هستید گرویدگان بخدا و روز دیگر و باید که حاضر شوند
عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٣ اَلزَّانِي لَا يَنْكِحُ اِلَّا زَانِيَةً اَوْ مُشْرِكَةً وَ
عذاب آن دو را گروهی از گروندگان مرد زناکار نکاح نمیکند بجز زن زناکار یا مشرکه را و
الزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا اِلَّا زَانٍ اَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ٤ وَالَّذِينَ
و زن زناکار نکاح نمیکند او را بجز مرد زناکار یا مشرک و حرام کرده شد این بر گروندگان و آنانکه
يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَاْتُوا بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ
نسبت زنا میدهند زنان با عفت را پس نیاورند چهار گواه پس بزنید ایشان را هشتاد تازیانه و
لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَدًا وَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٥ اِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ
قبول نکنید از ایشان گواهی را هرگز و آنها ایشانند بیرون شدگان از فرمان بجز آنانکه توبه کردند از
بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٦ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ اَزْوَاجَهُمْ
پس از آن و نیکوکاری کردند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و آنانکه نسبت زنا میدهند بزنان خود
وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ اِلَّا اَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ
و نباشد ایشان را گواهان مگر خود ایشان پس گواهی یکی از ایشان چهار گواهیست بخدا
اِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ٧ وَالْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ٨
که او هر آینه از راستگویانست و پنجم آنکه لعنت خداست بر او اگر باشد از دروغگویان
وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ٩
و دفع میکند از آن زن عقوبت را اگر گواهی دهد چهار گواهی بخدا بدرستیکه او هر آینه از دروغگویانست
وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَا اِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ١٠ وَلَوْلَا فَضْلُ
و پنجم آنکه خشم خدا بر آن زن اگر باشد از راستگویان و اگر نبودی کرم
اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ١١ اِنَّ الَّذِينَ جَاؤُا بِالْاِفْكِ
خدا بر شما و رحمتش و آنکه خدا توبه پذیر درست کردارست بدرستیکه آنانکه آوردند بهتان را
عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ
جماعتی هستند از شما مپندارید آن را بدی برای خود بلکه آن نیکی است برای شما برای هر مردی از ایشانست آنچه کسب کرد
مِنَ الْاِثْمِ وَالَّذِي تَوَلّٰى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٢ لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ
از گناه و آنکه متولی شده بزرگی آن از ایشان مر او راست عذابی بزرگ چرا نبود چون شنیدید آن را
ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هٰذَا اِفْكٌ مُبِينٌ ١٣ لَوْلَا
گمان مردان مؤمن و زنان مؤمنه بخود ایشان خوبی و نگفتند این بهتانیست آشکار چرا
جَاؤُا عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَاُولٰئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ
نیاوردند برآن چهار گواه پس وقتیکه نیاوردند گواهان را پس آنها نزد خدا
هُمُ الْكَاذِبُونَ ١٤ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
ایشانند دروغگویان و اگر نبودی کرم خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت

وَيَدْرَؤُا بضم همزه بدون اشباع

جآؤا بضم همزه و سکون واو یعنی بادو واو خوانده شود

جآؤا بضم همزه و سکون واو یعنی بادو واو خوانده شود

لمسكم فيما افضتم فيه عذاب عظيم ١٥ اذ تلقونه بالسنتكم وتقولون
هر آینه رسیدی شما را در آنچه فرو رفتید در آن عذاب بزرگ هنگامیکه فرا میگرفتید آنرا بزبان خود و میگفتید
بافواهكم ما ليس لكم به علم وتحسبونه هينا وهو عند الله عظيم ١٦ و
بدهان آنچه نیست مر شما را بآن دانشی و میپنداشتید آنرا آسان و آن نزد خدا بزرگ است و
لولا اذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا ان نتكلم بهذا سبحانك هذا بهتان
چرا وقتیکه شنیدید آنرا نگفتید نیست ما را که گفتگو کنیم باین منزهی تو این بهتان است
عظيم يعظكم الله ان تعودوا لمثله ابدا ان كنتم مؤمنين ١٧ ويبين
بزرگ پند میدهد خدا شما را که عود کنید بمانند آن همیشه اگر هستید گروندگان و بیان میکند
الله لكم الايات والله عليم حكيم ١٨ ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة
خدا برای شما آیات را و خداست دانای راستکردار بدرستیکه آنانکه دوست میدارند که شایع شود کار زشت
في الذين امنوا لهم عذاب اليم ١٩ في الدنيا والاخرة والله يعلم وانتم
در آنانکه گرویدند مر ایشانراست عذابی دردناک در دنیا و آخرت و خدا میداند و شما
لا تعلمون ٢٠ ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله رءوف رحيم ٢١
نمیدانید و اگر نبودی کرم خدا بر شما و رحمت او و بدرستیکه خدا مهربان و رحیمست
يا ايها الذين امنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن يتبع خطوات
ای آنانکه گرویدید پیروی مکنید گامهای شیطان را و هر که پیروی کند گامهای
الشيطان فانه يامر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل الله عليكم ورحمته
شیطان را پس بدرستیکه امر میکند بزشت و ناشایسته و اگر نبودی کرم خدا بر شما و رحمتش
ما زكى منكم من احد ابدا ولكن الله يزكي من يشاء والله سميع عليم ٢٢
پاک نمیشد از شما هیچ احدی هرگز ولیکن خدا پاک میکند هر کرا بخواهد و خدا شنونده داناست
ولا ياتل اولوا الفضل منكم والسعة ان يؤتوا اولي القربى والمساكين
و باید سوگند یاد نکنند خداوندان افزونی از شما و توانائی که ندهند صاحبان قرابت و درویشان
والمهاجرين في سبيل الله وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله
و هجرت کنندگان در راه خدا و باید درگذرند و عفو کنند آیا دوست ندارید که بیامرزد خدا
لكم والله غفور رحيم ٢٣ ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات
مر شما را و خدا آمرزنده مهربانست بدرستیکه آنانکه نسبت زنا میکنند بزنان عفیفه بیخبر از زنای با ایمان
لعنوا في الدنيا والاخرة ولهم عذاب عظيم ٢٤ يوم تشهد عليهم
لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و مر ایشانراست عذاب بزرگ روزیکه گواهی دهد بر ایشان
السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا يعملون ٢٥ يومئذ يوفيهم الله
زبانهاشان و دستهاشان و پاهاشان از آنچه بودند که میکردند روزی چنین تمام دهد ایشانرا خدا
دينهم الحق ويعلمون ان الله هو الحق المبين ٢٦ الخبيثات للخبيثين
جزاشان که حق است و میدانند که خدا اوست که حق است آشکار زنان پلید خاص مردان پلیدند

نصف [illegible]

اولی
بضم همزه بلکه واو

یاتل
بفتح تا و کسر لام

ولیعفوا ولیصفحوا
بسکون لام امر
هر دو موضع

والخبيثون

وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ
و مردان پلید مر زنان پلید را اند و زنان پاکیزه خو مر پاکانند و مردان پاکیزه خو مر زنان پاکیزه را اند ایشان

مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٢٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
منزه اند از آنچه میگویند مر ایشان راست آمرزش و روزی خوب ای کسانیکه گرویده اید داخل

تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ
داخل نشوید بخانه ها بجز خانه های خودتان تا اجازه دستوری طلبید و سلام کنید بر اهلش این بهتر است

لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٢٨ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ
برای شما شاید شما پند گیرید پس اگر نیابید در آن احدی را پس داخل نشوید آنرا تا

يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
اگر دستوری داده شود شما را و اگر گفته شود مر شما را که بازگردید پس بازگردید آن پاکیزه تر است برای شما و خدا بآنچه میکنید

عَلِيمٌ ٢٩ لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ
داناست نیست بر شما گناهی که داخل شوید در خانه های غیر مسکون که در آنها متاعی است مر شما را

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ٣٠ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
و خدا میداند آنچه را آشکار میکنید و آنچه پنهان میدارید بگو مر گروندگان را فروگیرند دیده هاشان را

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ٣١ وَقُل
و نگاه دارند عوراتشان را این پاکیزه تر است برای ایشان بدرستیکه خدا آگاه است بآنچه میکنند و بگو

لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ
مر زنان مومن را فروگیرند دیده های خودرا و نگاه داری کنند عوراتشان را و ظاهر نسازند پیرایه خودرا

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا
بجز آنچه آشکار است از آن و باید افکنند مقنعه های خود را بر گریبانهاشان و ظاهر نسازند پیرایه خود را مگر

لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ
برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان

أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنانشان یا آنچه مالک شد

أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ
یمینهاشان یا پیروان غیر صاحب حاجت از مردان یا کودکانیکه آنان

اولی بضم همزه بلا واو

لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ
نیب فرانرفته اند بر عورتهای زنان و نباید بزنند پاهاشان تا دانسته شود آنچه پنهان میدارند

مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٣٢ وَأَنكِحُوا
از پیرایه خودشان و بازگشت کنید بسوی خدا همه ای گروندگان شاید که شما رستگار شوید و تزویج نمائید

الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ
بی جفتان از شما و شایستگان از بندگان شما و کنیزکان شما اگر باشند درویشان

يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٣٣ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ
بی نیاز کند ایشان را خدا از کرم خود و خدا فراخ رحمت داناست و باید عفت ورزند آنانکه نمی‌یابند
نِكَاحًا حَتّٰى يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ
نکاح را تا بی‌نیاز کند ایشان را خدا از کرم خود و آنانکه طلب می‌کنند مکاتبه را از آنچه مالک شده
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللّٰهِ الَّذِي آتَاكُمْ
دستهای شما پس مکاتبه کنید ایشان را اگر دانستید در ایشان خیری و بدهید ایشان را از مال خدا آنکه داده است شما را
وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيٰوةِ
و بجبر مدارید کنیزان شما را بر زنا اگر اراده داشته باشند عفیف بودن را تا بجوئید متاع زندگانی
الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللّٰهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٣٤ وَلَقَدْ
دنیا را و هر که جبر نماید ایشان را پس بدرستیکه خدا از بعد اکراه نمودن ایشان آمرزنده مهربانست و بتحقیق
أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً
فرو فرستادیم بسوی شما آیات روشن و مثلی از آنانکه گذشته‌اند پیش از شما و پندی
لِلْمُتَّقِينَ ٣٥ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكٰوةٍ فِيهَا
مر پرهیزگاران را خدا نور آسمانها و زمین مثل نورش مانند چراغدانیست که در آن
مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ
چراغی آن چراغ باشد در آبگینه که آن آبگینه گویا باشد ستاره درخشنده که برافروخته شود از
شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ
شجره با برکت زیتون نه شرقیست و نه غربی نزدیک باشد روغنش که روشنی دهد اگرچه
تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى نُورٍ يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ
مس کرده او را آتشی نوریست بر نور هدایت کند خدا بر نورش هر که را خواهد و میزند خدا مثلها
لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٣٦ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا
برای مردمان و خدا بهر چیزی داناست در خانه‌هائیکه رخصت داد خدا که بلند کرده شود و یاد کرده شود در آن
اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ٣٧ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا
نامش تسبیح کنند مر او را در آن بامداد و شبانگاه مردانی که باز نمی‌دارد ایشان را خریدن و نه
بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ
فروختن از ذکر خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات میترسند از روزیکه میگردد در آن
الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ٣٨ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ
دلها و دیده‌ها تا جزا دهد ایشان را خدا بهتر از آنچه عمل کرده‌اند و زیاده کند ایشان را از کرم خود
وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ٣٩ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ
و خدا روزی دهد هر که را خواهد بی‌شمار و آنانکه کافر شدند کردارهاشان مانند سرابیست در زمین هموار که می‌پندارد تشنه
مَاءً حَتّٰى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللّٰهُ سَرِيعُ
آبی تا چون آمد نزد آن نیافت آنرا چیزی و یافت خدا را نزد خود پس تمام کرد او را حسابش و خدا زود

الظمآن بفتح ظا و سکون میم و فتح همزه بالف و نون بمعنی عطشان لفظا و معنی

الحساب

الحساب ٣٩ او كظلمات في بحر لجي يغشه موج من فوقه موج من فوقه
حساب است یا مانند تاریکیها در دریای عمیق است که فرو پوشد آنرا موجی از بالای آن موجی از بالایش
سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج يده لم يكد يراها ومن لم
ابری تاریکیها برخی از آنها بالای برخی چون بیرون آورد دستش را نزدیک نیست که ببیند او را و هر که نه
يجعل الله له نورا فما له من نور ٤٠ الم تر ان الله يسبح له من في السموات
گردانیده خدا برای او نوری پس نیست مراورا هیچ نوری آیا ندیدی که خدا تسبیح میکند مراورا هر که در آسمانها
والارض والطير صافات كل قد علم صلاته وتسبيحه والله عليم بما
و زمین است و پرنده بال گشادگان هر یکی بتحقیق دانسته است نماز او و تسبیح او را و خدا داناست بآنچه
يفعلون ٤١ ولله ملك السموات والارض والى الله المصير ٤٢ الم تر
میکنند و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آیا ندیدی
ان الله يزجي سحابا ثم يؤلف بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق يخرج
که خدا میراند ابر را آهسته پس فراهم آورد میان آن پس میسازد آنرا انبوه بالای هم پس می بینی باران را که بیرون آید
من خلاله وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء
از میانش و فرو میفرستد از آسمان از کوهها که در آنهاست از تگرگ پس میرساند آنرا بهر که میخواهد
ويصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالابصار ٤٣ يقلب الله
و میگرداند آنرا از هر که میخواهد نزدیک است که تابش برقش ببرد چشمها را میگرداند خدا
الليل والنهار ان في ذلك لعبرة لاولي الابصار ٤٤ والله خلق كل
شب را و روز را هر آینه در این هر آینه عبرتیست مر صاحبان دیدهها را و خدا آفرید هر
دابة من ماء فمنهم من يمشي على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم
جنبنده را از آب پس بعضی از ایشان آنست که راه میرود بر شکم و برخی از ایشان آنستکه راه میرود بر دو پا و برخی از ایشان
من يمشي على اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ٤٥ لقد انزلنا
آنستکه میرود بر چهار پا میآفریند خدا آنچه میخواهد هر آینه خدا بر همه چیز تواناست هر آینه فرو فرستادیم
آيات مبينات والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ٤٦ ويقولون
آیتهای روشن و خدا راه مینماید هر کرا میخواهد بسوی راه راست و میگویند
آمنا بالله وبالرسول واطعنا ثم يتولى فريق منهم من بعد ذلك وما
گرویدیم بخدا و برسول و فرمان بردیم پس برمیگردد پارهٔ از ایشان از بعد این و نیستند
اولئك بالمؤمنين ٤٧ واذا دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم اذا فريق
آنگروه گروندگان و چون خوانده شوند بسوی خدا و رسولش تا حکم کند میانشان آنگاه پارهٔ
منهم معرضون ٤٨ وان يكن لهم الحق يأتوا اليه مذعنين ٤٩ افي قلوبهم مرض
از ایشان روگردانانند و اگر باشد ایشانرا حق بیایند بسوی او منقادان آیا هست در دلهای ایشان بیماری
ام ارتابوا ام يخافون ان يحيف الله عليهم ورسوله بل اولئك هم الظالمون
یا شک کردند یا میترسند که ستم کند خدا بر ایشان و رسولش بلکه آن گروه ایشانند ستمکاران

لجي: بضم لام و تشدید جیم مکسوره و تشدید یاء مکسوره
من برد: بفتح با و را
لاولي: بضم همزه بدون واو
يحيف الله: ...

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا
جز این نباشد گفتار مؤمنان چون خوانده شوند بسوی خدا و رسولش تا حکم کند میان ایشان که بگویند
سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵۲ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ
شنیدیم ما و فرمان بردیم ما و آن گروه ایشانند رستگاران و هر که فرمان برد خدا و رسول او را و بترسد
اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۵۳ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ
از خدا و بپرهیزد از وی پس آن گروه ایشانند برادر رسیدگان و سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگند شان
لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
هر آینه اگر فرمائی ایشان را که بیرون روند بگو سوگند مخورید طاعت معروف بدرستیکه خدا آگاه است بآنچه کنید
قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ
بگو فرمان ببرید خدا را و فرمان ببرید رسول خدا را پس اگر رو بگردانند پس بر اوست آنچه بار کرده شد و بر شما
مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۵۴
آنچه بار کرده شدید و اگر اطاعت کنید او را راه یابید و نیست بر رسول بجز رسانیدن آشکارا
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
وعده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردند کارهای شایسته که هر آینه خلیفه خواهد کرد ایشان را در زمین
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ
چنانکه خلیفه گردانید آنانکه از پیش ایشان و محکم کرد مر ایشان را دین شان که پسندید برای ایشان و
لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ
بدل خواهد کرد ایشان را پس از ترسیدن شان ایمنی که بپرستند مرا شریک نسازند با من چیزی را و هر که
كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۵۵ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
کافر شد پس از این پس آن گروه ایشانند فاسقان و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۵۶ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي
و فرمان ببرید رسول را تا شاید شما رحمت کرده شوید مپندار آنان را که کافر شدند عاجز کنندگان در
الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۵۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ
زمین و جایگاه ایشان است آتش و هر آینه بد جای بازگشت است ای آنکه ایمان آوردید باید دستوری خواهند
الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ
آنانکه مالک شده دستهای شما و آنانکه نرسیده اند بحد بلوغ از شما سه بار از
قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ
پیش نماز صبح و وقتیکه مینهید جامه ها را از میان روز و از بعد نماز
الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ
خفتن سه عورت است برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان گناه بعد از آنها
طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ
برگردندگان باشند بر شما برخی شما بر برخی همچنین بیان میکند برای شما آیات را و خدا

وَيَتَّقْهِ بفتح یا و تاء مشدد و سکون قاف و کسر ها بدون اشباع

لیستاذنکم بسکون نون

علیم

عليمٌ حكيمٌ ٥٨ وإذا بلغ الأطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن
دانای درست کردار است و چون برسند کودکان از شما ببلوغ پس باید دستوری خواهند چنانکه دستوری خواستند
الذين من قبلهم كذلك يبين الله لكم آياته والله عليمٌ حكيمٌ ٥٩ والقواعد
آنانکه بودند پیش از ایشان همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات خود را و خدا دانای درست کردار است و نشستگان
من النساء اللاتي لا يرجون نكاحًا فليس عليهن جناحٌ أن يضعن ثيابهن
از زنان که امید ندارند تزویجی را پس نیست بر ایشان گناهی که بنهند جامه‌های خود را
غير متبرجات بزينةٍ وأن يستعففن خيرٌ لهن والله سميعٌ عليمٌ ٦٠ ليس على
غیر ظاهر سازندگان با آرایشی و اینکه عفت جویند بهتر است برای ایشان و خدا شنونده داناست نیست بر
الأعمى حرجٌ ولا على الأعرج حرجٌ ولا على المريض حرجٌ ولا على أنفسكم
نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی و نه بر خودهاتان
أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آبائكم أو بيوت أمهاتكم أو بيوت إخوانكم
که بخورید از خانه‌های خودتان یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان
أو بيوت أخواتكم أو بيوت أعمامكم أو بيوت عماتكم أو بيوت أخوالكم
یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهاتان یا خانه‌های عمه‌هاتان یا خانه‌های خالهاتان
أو بيوت خالاتكم أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم ليس عليكم جناحٌ
یا خانه‌های خاله‌هاتان یا آنچه را مالک شدید کلیدهای آنرا یا دوستانتان نیست بر شما گناهی
أن تأكلوا جميعًا أو أشتاتًا فإذا دخلتم بيوتًا فسلموا على أنفسكم تحيةً
که بخورید باهم یا جدا جدا پس چون داخل شدید در خانه‌ها پس سلام کنید بر خودتان سلامی
من عند الله مباركةً طيبةً كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تعقلون ٦١
از نزد خدا با برکت پاکیزه همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات را شاید شما دریابید بعقل
إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله وإذا كانوا معه على أمرٍ جامعٍ
جز این نیست گروندگان آنانند که ایمان آوردند بخدا و رسول او و چون باشند با او بر کاری جمع آورنده
لم يذهبوا حتى يستأذنوه إن الذين يستأذنونك أولئك الذين يؤمنون
نمیروند تا آنگاه دستوری خواهند از او بدرستیکه آنانکه دستوری میخواهند از تو آن گروه آنانند که میگروند
بالله ورسوله فإذا استأذنوك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم
بخدا و رسول او پس چون دستوری خواهند از تو برای برخی کارهاشان پس دستوری ده مر آنرا که خواهی از ایشان
واستغفر لهم الله إن الله غفورٌ رحيمٌ ٦٢ لا تجعلوا دعاء الرسول
و آمرزش خواه برای ایشان از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست مگردانید خواندن رسول را
بينكم كدعاء بعضكم بعضًا قد يعلم الله الذين يتسللون منكم
میان خودتان مانند خواندن برخی شما برخی را بتحقیق میداند خدا آنانکه بیرون میروند از شما
لواذًا فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنةٌ أو يصيبهم
پناه‌جویان پس باید بترسند آنانکه مخالفت میکنند از فرمان او که برسد ایشانرا آزمایشی یا برسد ایشانرا

قوله تعالی لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضًا ... فرمود حضرت فاطمه علیها السلام ... بگویم یا ابه ... رسول خدا ... حضرت صادق علیه السلام ... یا رسول الله ... از قریش که اصحاب جفا ...

عَذَابٌ اَلِيمٌ ٤ اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَآ اَنْتُمْ عَلَيْهِ
عذابی دردناک آگاه باشید که مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بتحقیق میداند آنچه شما بر آن هستید

وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ اِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
و روزیکه باز گردانیده شوند بسوی او پس خبر دهد ایشان را بآنچه کردند و خدا بهمه چیزی داناست

(٢٥) سُوْرَةُ الْفُرْقَانِ سَبْعٌ وَسَبْعُوْنَ اٰيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا آیات ٦٨ - ٦٩ - ٧٠ فنزلت بمدینه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبٰرَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰى عَبْدِهِ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِيْنَ نَذِيْرًا ١ الَّذِي
افزون آمد آنکه فرو فرستاد فرقان را بر بنده اش تا باشد برای جهانیان بیم دهنده آنکه

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِي
مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و فرا نگرفته فرزندی و نباشد مر او را شریکی در

الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهٗ تَقْدِيْرًا ٢ وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً لَّا
پادشاهی و آفرید همه چیز را پس باندازه کرد آنرا اندازه کردنی و گرفتند از غیر او خدایانی که

يَخْلُقُوْنَ شَيْـًٔا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ ٣ وَلَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّ
نتوانند آفرید چیزی را و ایشان آفریده میشوند و مالک نباشند برای خودهاشان نه زیانی و نه سودی را و

لَا يَمْلِكُوْنَ مَوْتًا وَّلَا حَيٰوةً وَّلَا نُشُوْرًا ٤ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِنْ هٰذَآ
مالک نباشند مرگی و نه زندگانی و نه حشری را و گفتند آنانکه کافر شدند نیست این

اِلَّآ اِفْكُ اِفْتَرٰىهُ وَاَعَانَهٗ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ فَقَدْ جَآءُوْ ظُلْمًا وَّزُوْرًا ٥ وَ
مگر دروغی که بربافته آنرا و یاری دادند او را بر آن جمعی دیگران پس بتحقیق آمدند بستمی و دروغی و

قَالُوْٓا اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ٦ قُلْ
گفتند افسانهای پیشینیانست که نویسید آنرا پس آن خوانده میشود بر او بامداد و شبانگاه بگو

اَنْزَلَهُ الَّذِيْ يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ٧
فرو فرستاد آنرا آنکه میداند نهانی در آسمانها و زمین بدرستیکه او باشد آمرزنده مهربان

وَقَالُوْا مَالِ هٰذَا الرَّسُوْلِ يَاْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِيْ فِي الْاَسْوَاقِ لَوْلَآ اُنْزِلَ
و گفتند چیست مر این رسول را که میخورد طعام را و راه میرود در بازارها اگر چرا فرو فرستاده نشد

اِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُوْنَ مَعَهٗ نَذِيْرًا ٨ اَوْ يُلْقٰٓى اِلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ تَكُوْنُ لَهٗ جَنَّةٌ يَّاْكُلُ
بسوی او فرشته پس باشد با او بیم کننده یا چرا انداخته نمیشود بسوی او گنج یا چرا نشد مر او را بستانی که بخورد

مِنْهَا وَقَالَ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ٩ اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوْا
از آن و گفتند ستمکاران که پیروی نمیکنید مگر مردی سحر آموخته شده را بنگر چگونه زدند

لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَبِيْلًا ١٠ تَبٰرَكَ الَّذِيْٓ اِنْ شَآءَ
برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نمیتوانند یافت راهی را افزون آمد آنکه اگر بخواهد

هو الاحد
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس این سوره را بخواند حق تعالی در روز قیامت او را برانگیزاند در حالتیکه مؤمن و موحد باشد و معذب نشود، و او را بی حساب
از حضرت بهشت برد
امام موسی کاظم علیه السلام روایت منقول است که هر کس بخواند در هر شب این سوره را خدا عذاب نکند او را حق تعالی هرگز و منزل او فردوس اعلی باشد
١٢
و از حضرت علی بن موسی مرویست هر کس این سوره را بخواند حق تعالی او را عذاب

الهة
بدو الف مکسر است نخستین و حساب الف آن در منزل او در فردوس اعلی باشد
١٢

ما لهذا
بنا و استفهامیست و لام جاره کهٰذا منفصل دارد
در بهر چند جا نوشته شود

جعل

جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الأنهار ويجعل لك
گرداند برای تو بهتر از آن بوستانها که روانست از زیرش نهرها و بگرداند برای تو
قصورا ١٢ بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا ١٣
قصرها بلکه تکذیب کردند قیامت را و آماده کردیم برای آنکه تکذیب کرد قیامت آتش سوزنده را
إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا وزفيرا ١٤ وإذا ألقوا منها
چون ببیند ایشانرا از جایگاه دور بشنوند مر او را جوشش خشم و خروش و چون در افکنده شوند از آن
مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا ١٥ لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا
در جایی تنگ قرین کرده شدگان بخواهند آنجا هلاکت را مخواهید امروز هلاکت واحد را
وادعوا ثبورا كثيرا ١٦ قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون
و بخواهید هلاکت بسیار را بگو آیا این بهتر است یا بوستان بهشت جاویدانیکه وعده داده شدند پرهیزگاران
كانت لهم جزاء ومصيرا ١٧ لهم فيها ما يشاؤون خالدين كان على ربك
باشد مر ایشان را پاداش و بازگشت مر ایشانراست در آن آنچه میخواهند جاویدان هست بر پروردگارت
وعدا مسئولا ١٨ ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول أأنتم
وعده خواسته شده و روزیکه حشر شان کند و آنچه میپرستند از غیر خدا پس میگوید آیا شما
أضللتم عبادي هؤلاء أم هم ضلوا السبيل ١٩ قالوا سبحانك ما كان
گمراه کردید بندگان مرا اینگروه یا ایشان گم کردند راه را گویند منزهی تو
ينبغي لنا أن نتخذ من دونك من أولياء ولكن متعتهم وآباءهم حتى نسوا الذكر
نسزد ما را که فرا گیریم غیر از تو از دوستان ولیکن کامیاب کردی ایشان و پدرانشان تا فراموش کردند
وكانوا قوما بورا ٢٠ فقد كذبوكم بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا
و بودند گروهی هلاک شدگان پس بتحقیق تکذیب کردند شما را بآنچه میگوئید پس نمیتوانید گردانیدن و نه
نصرا ٢١ ومن يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا ٢٢ وما أرسلنا قبلك من المرسلين
یاری کردن را و هر که ظلم کند از شما بچشانیم او را عذابی بزرگ و نفرستادیم پیش از تو از فرستادگان
إلا إنهم ليأكلون الطعام ويمشون في الأسواق وجعلنا بعضكم لبعض
مگر آنکه ایشان هر آینه میخوردند طعام را و راه میرفتند در بازارها و گردانیدیم برخی شما را برای برخی
فتنة أتصبرون وكان ربك بصيرا ٢٣ وقال الذين لا يرجون لقاءنا
آزمایش آیا صبر میکنید و باشد پروردگار تو بینا و گفتند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را
لولا أنزل علينا الملائكة أو نرى ربنا لقد استكبروا في أنفسهم وعتوا
چرا فرستاده نشد بر ما ملائکه یا نبینیم پروردگار ما را بتحقیق تکبر کردند در نفسهای شان و سرکشی کردند
عتوا كبيرا ٢٤ يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين ويقولون
سرکشی بزرگ روزیکه ببینند ملائکه را نیست بشارتی در این روز مر گنهکاران را و میگویند
حجرا محجورا ٢٥ وقدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا ٢٦
منعی ممنوع و متوجه شدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس کردیم آنرا ذره پراکنده

وجعلنا بعضکم لبعض فتنة الی آخره آورده اکثر اقوال از حضرت امام مولانا ابوالحسن موسی جعفر از پدر بزرگوار خود حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که جمع فرمود حضرت رسول خدا حضرت امیرالمومنین علی مرتضی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و بست در را بر ایشان پس فرمود ای حبیب ...

ما یشاؤن بضم همزه و سکون نون و واو

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ٢٧ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ
اهل بهشت آنروز بهترند از جهت جای و خوبترند از جهت جای آسایش روزیکه بشکافد آسمان

بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ٢٨ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ وَكَانَ يَوْمًا
با ابر و فرو فرستیم ملائکه را فرو فرستادنی پادشاهی آنروز حق است برای خدای بخشنده و هست روزی

عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ٢٩ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي
بر کافران دشوار و روزیکه بدندان گزد ستمکار دو دست خود را میگوید ای کاش

اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ٣٠ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ٣١ لَقَدْ
که فرا گرفته بودم با پیغمبر راهی را ای وای کاش نگرفته بودم فلانرا دوست هر آینه بتحقیق

أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ٣٢
گمراه کرد مرا از ذکر بعد از آنکه آمد مرا و باشد شیطان مر انسانرا فرو گذارنده

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ٣٣ وَكَذَٰلِكَ
و گفت پیغمبر ای پروردگار من بدرستیکه قوم من گرفتند این قرآنرا متروک و همچنین

جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ٣٤ وَقَالَ
گردانیدیم برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران و بس است پروردگار تو راهنما و یاور و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ
آنانکه کافر شدند چرا فرو فرستاده نشد قرآن جمله یکدفعه همچنین تا ثابت گردانیم بآن دل ترا

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ٣٥ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ٣٦
و خواندیم آنرا خواندنی و نیاورند ترا مثلی مگر آنکه آوردیم ترا بحق و بهترین بیانی

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ٣٧
آنانکه حشر کرده میشوند برو رو هاشان بسوی جهنم آنگروه بدترند از جای و گمراه‌ترند از راه

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ٣٨ فَقُلْنَا
و بتحقیق دادیم موسی را کتاب و گردانیدیم با او برادرش هرونرا وزیری پس گفتیم

اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ٣٩ وَقَوْمَ
بروید بسوی گروه آنانکه تکذیب کردند بآیات ما پس هلاک کردیم ایشانرا هلاک کردنی و گروه

نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا
نوح چون تکذیب کردند پیغمبرانرا غرق کردیم ایشانرا و گردانیدیم آنها را برای مردمان نشانه و آماده کردیم

لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ٤٠ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ
برای ستمکاران عذاب دردناک را و عادرا و ثمودرا و اهل رس را و قرنهای میان

ذَٰلِكَ كَثِيرًا ٤١ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ٤٢ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى
آنرا بسیار و همه را زدیم برایشان مثلها و همه را نیست گردیم نیست کردنی و بتحقیق گذشتند بر

الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ
قریه که بارده شد باران بد آیا پس نبودند که ببینند آنرا بلکه بودند که امید وار نبودند

نُشُورًا

قوله تعالی
وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا
منقول است از کافی از حضرت صادق علیه السلام که سئوال کرده شد از آن
آیه که بوده باشد اعمال ایشان
سفید تر از قباطی پس میگوید
خدای عز و جل
این اعمال را شیه هباء
و غبار در این سبب
آنستکه هر وقت عرض میشد
برایشان چیزی از حرام
میگرفتند آنرا و فیستکه
ذکر شده از برای ایشان
چیزی از فضائل حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود حضرت آنکه
آثرا هباء منثورا گردیدند
کرد سبیل آنرا آنستکه چون
میگرفت آنرا دست بر نمی
گرداند
بمثل
بفتح میم و ثاء
منقطه
در دست نسی بود در
بصائر الدرجات از حضرت
منقول است که سئوال
کرده شد که اینها
چه طایفه است که هباء
منثوری شوند گفت
اعمال ایشان از نسخعان
سئیعیان اهل البیت
علیهم السلام ١٢

نُشُورًا ۴۰ وَاِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا اَهٰذَا الَّذِیْ بَعَثَ اللّٰهُ
حشر را — و چون ببینند ترا — نگیرند ترا مگر باستهزا — آیا این است که برانگیخت خدا
رَسُوْلًا ۴۱ اِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا لَوْ لَاۤ اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ
برسالت — بدرستیکه نزدیک بود که گمراه کنند از خدایان ما اگر نه این بود که صبر کردیم بر آن و زود باشد که دانند
حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ۴۲ اَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ اَفَاَنْتَ
هنگامیکه ببینند عذاب را که کیست گمشده تر از راه — آیا دیدی پیرو دلخواه را که چگونه گرفته است خدای خود را پس آیا تو
تَكُوْنُ عَلَيْهِ وَكِيْلًا ۴۳ اَمْ تَحْسَبُ اَنَّ اَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُوْنَ اَوْ يَعْقِلُوْنَ اِنْ هُمْ
هستی بر او کارگزار — آیا میپنداری که اکثر ایشان — میشنوند یا در می‌یابند نیستند ایشان
اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ۴۴ اَلَمْ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ
مگر مانند چهارپایان بلکه ایشان گمراه ترند براه — آیا ندیدی به پروردگارت چگونه کشیده است سایه را و اگر
شَآءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيْلًا ۴۵ ثُمَّ قَبَضْنٰهُ اِلَيْنَا
خواستی هر آینه گردانیده بودی آنرا ساکن — پس گردانیدیم آفتاب را بر آن دلیل — پس از آن فراهم گرفتیم آنرا بسوی خود
قَبْضًا يَّسِيْرًا ۴۶ وَهُوَ الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِبَاسًا وَّالنَّوْمَ سُبَاتًا وَّجَعَلَ
فراهم گرفتنی آسان — و اوست آنکه گردانید برای شما شب را پوششی — و خواب را آسایشی — و گردانید
النَّهَارَ نُشُوْرًا ۴۷ وَهُوَ الَّذِیْۤ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَیْ رَحْمَتِهٖ وَ
روز را برانگیختن پراکنده — و اوست آنکه فرستاد بادها را — مژده دهنده میان دو دست رحمتش و
اَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً طَهُوْرًا ۴۸ لِّنُحْیِۦَ بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا وَّنُسْقِيَهٗ مِمَّا خَلَقْنَاۤ
فرو فرستادیم از آسمان آب پاک کننده — تا زنده گردانیم بآن بلده مرده را — و سیراب نمائیم آنرا از آنچه آفریدیم
اَنْعَامًا وَّاَنَاسِیَّ كَثِيْرًا ۴۹ وَلَقَدْ صَرَّفْنٰهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوْا فَاَبٰۤى اَكْثَرُ النَّاسِ
چهارپایان — و مردمان بسیار — و بتحقیق گردانیدیم میان ایشان — تا پند گیرند پس ابا کردند بیشتر مردمان
اِلَّا كُفُوْرًا ۵۰ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِیْ كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيْرًا ۵۱ فَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ
مگر ناسپاسی را — و اگر خواسته بودیم برانگیخته بودیم در هر قریه بیم کننده — پس اطاعت مکن کافران را و
جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا ۵۲ وَهُوَ الَّذِیْ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَّهٰذَا
مجاهده کن با ایشان بآن جهادی بزرگ — و اوست آنکه بهم آمیخت دو دریا را — این شیرین بسیار شیرین و آن یک
مِلْحٌ اُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَّحِجْرًا مَّحْجُوْرًا ۵۳ وَهُوَ الَّذِیْ خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ
شور تلخ — و گردانید میان ایشان حاجبی — و مانعی صاحب منع — و اوست که آفرید از آب
بَشَرًا فَجَعَلَهٗ نَسَبًا وَّصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيْرًا ۵۴ وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
انسانیرا پس گردانید نسبی نژادی و پیوندی — و باشد پروردگارت توانا — و میپرستند از غیر خدا
مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلٰى رَبِّهٖ ظَهِيْرًا ۵۵ وَمَاۤ اَرْسَلْنٰكَ
آنچه را نه سود دهد ایشانرا و نه زیان رساند ایشانرا و باشد کافر بر پروردگارش پشت داده — و نفرستادیم ترا
اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ۵۶ قُلْ مَاۤ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شَآءَ اَنْ يَّتَّخِذَ اِلٰى رَبِّهٖ
مگر بشارت کننده و بیم کننده — بگو نمیخواهم از شما بر آن — هیچ مزدی مگر آنکه خواهد فرا گیرد بسوی پروردگارش

عَنْ اٰلِهَتِنَا بعد الف و کسر لام
اِلٰهَهٗ بکسر همزه و لام بمعنی الٰهی

هوالذی مرج البحرین هذا عذب... الی آخر در تفسیر ... گذاشت ... خود ... شوند ... و دیگر شور ... حضرت صادق علیه السلام روایت کافی فرموده بدرستیکه خدا ... عرض ولایت نمود ... هر آبیکه قبول ولایت نمود شیرین ... گوارا شد و هر آبیکه انکار ولایت نمود ... تلخ و شور ... گردید

و در ... هوالذی خلق من الماء الی آخر ... ابن سیرین ... مجمع گفت نازل شد این آیه در حق نبی و علی بن ابیطالب زیرا ... فاطمه ... اوست ... اوست ... حضرت ... روایت نموده که ... فرموده ... بدرستیکه ... در قرآن ... از آنکه ... اسمها ... فرموده خدا هوالذی خلق من الماء بشرا

سَبِيلًا ۵۹ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ

راهی و توکل کن بر خدای زنده که نمیرد و تسبیح کن بستایش او و بس است او بگناهان

عِبَادِهِ خَبِيرًا الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

بندگانش آگاه آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز پس

اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ۶۱ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ

مستوی شد بر عرش خدای بخشنده پس بپرس از او آگاه را و چون گفته شد مر ایشان را که سجده کنید مر خدای

قَالُوا وَمَا الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۶۲ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ

گویند و چیست خدای بخشنده آیا سجده کنیم مر آنچه میفرمائی و افزود ایشان را رمیدنی افزون آمد آنکه قرار داد

فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۶۳ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ

در آسمان برجها و گردانید در آن چراغی و ماهی نور دهنده و او است آنکه گردانید شب

وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۶۴ وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ

و روز را از پی هم آینده برای آنکه خواست که پند گیرد و خواست شکر گزاری را و بندگان خدای بخشنده اند آنانکه

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۶۵ وَ

میروند بر زمین بآرام و چون خطاب کنند ایشان را جاهلان گویند سلامی و

الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ۶۶ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ

آنانکه شب بروز میکنند برای پروردگارشان سجده کنندگان و ایستادگان و آنانکه میگویند پروردگارا بگردان

عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۶۷ وَ

از ما عذاب دوزخ را بدرستیکه عذاب آن باشد لازم بدرستیکه بد است از راه قرارگاه و مقام و

الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ۶۸ وَالَّذِينَ

آنانند که چون انفاق کنند اسراف ننمایند و تنگ نگیرند و باشند میان آن و این باعتدال و آنانند که

لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا

نمیخوانند با خدا خدای دیگر را و نمیکشند نفسی را که حرام کرد خدا مگر بحق و نه

يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۶۹ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

زنا میکنند و هر که میکند آنرا میبیند عقوبت را دو برابر کرده میشود مر او را عذاب روز رستخیز

وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ۷۰ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ

و جاوید ماند در آن خوار مگر کسیکه توبه کرد و بگروید و کرد کار شایسته پس آنگروه بدل میکنند

اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۷۱ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا

خدا بدیهاشان را بنیکوئیها و باشد خدا آمرزنده مهربان و هر که توبه کرد و کرد کار شایسته

فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۷۲ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ

پس او بازگشت میکند بسوی خدا بازگشتنی و آنانکه حاضر نمیشوند باطل را و چون بگذرند به لغو

مَرُّوا كِرَامًا ۷۳ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ۷۴

بگذرند کریمانه و آنانکه چون پند داده شوند بآیات پروردگارشان بروی نیفتند کران و کوران

قوله تعالی تبارک الذی جعل فی السماء بروجا اخ حضرت صادق علیه السلام بروایت کافی و غیره فرمود مراد از بروج دوازده گانه هاشمیم مراد از سراج و قمر حضرت رسالت و امیر المؤمنین است ۱۲

سجده روایت دیگر مراد حضرت فاطمه علیها السلام است ۱۲

قوله تعالی الا من تاب و آمن اخ حضرت باقر علیه السلام در حدیثی طولانی نقل شده که در باب مؤمن ذکر فرموده بدرستیکه خدا از مؤمن در روز قیامت نیکوئی حسنات او را برای او و بیرون شیعیان ما دگر قرار میشود شیعیان پس حسنات میشود بر سیئات ما دو فرمود ۱۲

غراما بفتح غین بانقطه و راء بی نقطه است قول خدایتعالی فاولئک یبدل الله سیئاتهم حضرت باقر بروایت امالی فرمود بدرستیکه آورده میشود مؤمن گناهکار روز قیامت در موقف حساب پس خدا او بدین

ویخلد فیه بکسر هاء فیه با اشباع که در قرائت حفص بیا خوانده شود

او حساب او را میکند بدون آنکه احدی مطلع شود بر حساب او پس میشناساند گناهان او را بتکمیل قدر سیئات بیک یا خدا و میفرماید بملائکه تبدیل کنید سیئات او را حسنات

امالی الکبیر و الذی ۱۲

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ اَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

و آنانکه میگویند ای پروردگار ما ببخش مارا از جفتهای ما و فرزندان ما روشنی چشمها و بگردان

لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا ٧٥ اُولٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا

برای پرهیزگاران پیشوا آنها جزا داده میشوند درجه بلند را بسبب آنکه صبر کردند و رسانیده میشوند در آن

تَحِيَّةً وَسَلَامًا ٧٦ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ٧٧ قُلْ مَا

دعای خیر و سلام جاوید مانند در آن خوبست آن قرارگاه و مقام بگو چه کند

يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

کند بشما پروردگارم اگر نباشد دعای شما پس بتحقیق تکذیب کردید پس بزودی میشود لازم

(٢٦) سُورَةُ الشُّعَرَاءِ آيَاتُهَا مِائَتَانِ وَسَبْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا آیه ١٩٧ الی آیه ٢٢٤ که در مدینه نازل شده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

طٰسٓمٓ ١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ اَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ٣

اینست آیتهای کتاب واضح کننده شاید تو هلاک کننده باشی نفس خود را که نباشند گروندگان

اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ٤

اگر خواهیم فرو فرستیم برایشان از آسمان آیتی پس گردد گردنهاشان مرآنرا خضوع کنندگان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمٰنِ مُحْدَثٍ اِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ٥ فَقَدْ

و نمی آید ایشانرا هیچ ذکری از خدای بخشنده نو پدا آورده شده مگر باشند از و روی گردانندگان پس بتحقیق

كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ اَنْبَاؤُا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ ٦ اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الْاَرْضِ

تکذیب کردند پس زود باشد که آید ایشانرا خبرهای آنچه بودند بآن استهزا میکردند آیا و ندیدند بسوی زمین

كَمْ اَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ٧ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ

که چند آن رویانیدیم در آن از هر جفتی نیکو بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نباشند اکثر ایشان

مُؤْمِنِينَ ٨ وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٩ وَاِذْ نَادٰى رَبُّكَ مُوسٰى اَنِ

گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و هنگامیکه ندا کرد پروردگار تو موسی را که

ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ١٠ قَوْمَ فِرْعَوْنَ اَلَا يَتَّقُونَ ١١ قَالَ رَبِّ اِنِّي اَخَافُ اَنْ

برو بسوی گروه ستمگاران قوم فرعون آیا نمی ترسند گفت پروردگارا بدرستیکه من میترسم که

يُكَذِّبُونِ ١٢ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَاَرْسِلْ اِلٰى هٰرُونَ ١٣

تکذیب کنند مرا و تنگ میشود سینه ام و گشاده نمیشود زبانم پس بفرست بسوی هرون

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَاَخَافُ اَنْ يَقْتُلُونِ ١٤ قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا اِنَّا مَعَكُمْ

و مرایشانرا بر منست گناهی پس میترسم که بکشند مرا گفت نه چنین است پس بروید شما دو با آیات ما که ما با شمائیم

مُسْتَمِعُونَ ١٥ فَاْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا اِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦ اَنْ اَرْسِلْ مَعَنَا

شنوندگان پس آئید فرعون را پس گوئید که ما ایشم دو فرستاده پروردگار جهانیان که بفرست با ما

يُلَقَّوْنَ بضم یا و فتح لام و فتح قاف مشدده

يَعْبَؤُا بضم همزه بلا اشباع

دُعَاؤُكُمْ بضم همزه بلا اشباع

طٰسٓمٓ سین و میم مد میخواهد

اَنْبَاؤُا بتقدیر نون زبرا و ضم همزه بلا اشباع

اَنْ يُكَذِّبُونِ بکسر نون

اَنْ يَقْتُلُونِ بکسر نون

بَنِي إِسْرَائِيلَ ١٧ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ١٨

بنی اسرائیل را گفت آیا نپروردیم ترا در میان خود کودک و ماندی نزد ما از عمرت سالها

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ١٩ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا

و کردی کرده ات را که کردی و توئی از ناسپاسان گفت کردم او را آنگاه و من بودم

مِنَ الضَّالِّينَ ٢٠ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ

از گمراهان پس گریزان شدم از شما چون ترسیدم از شما پس بخشید مرا پروردگارم حکمی و گردانید مرا از

الْمُرْسَلِينَ ٢١ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ٢٢ قَالَ فِرْعَوْنُ

فرستادگان و اینست نعمتی که منت نهادی آنرا بر من که بنده کردی فرزندان یعقوب را گفت فرعون

وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ٢٣ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ

و چیست پروردگار جهانیان گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید

مُوقِنِينَ ٢٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ٢٥ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ٢٦

گروندگان گفت مر آنها که بودند پیرامونش آیا نمیشنوید گفت پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ٢٧ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

گفت بدرستیکه فرستاده شما که فرستاده شد بسوی شما هر آینه دیوانه است گفت پروردگار مشرق و مغرب

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ٢٨ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ

و آنچه میان آنهاست اگر هستید که میابید بعقل گفت هر آینه اگر فرا گرفتی خدائی غیر از من هر آینه خواهم کرد ترا

مِنَ الْمَسْجُونِينَ ٢٩ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ٣٠ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

از زندانیان گفت آیا و اگر چه بیاورم نزد تو چیزی روشن گفت پس بیاور آنرا اگر هستی از

الصَّادِقِينَ ٣١ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ٣٢ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا

راستگویان پس افکند عصایش را پس آنگاه شد آن اژدهائی روشن و برآورد دستش را پس آنگاه

هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ٣٣ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ٣٤

شد نورانی سفید مر نگاه کنندگان را گفت مر جماعت را که پیرامونش بودند این جادوگریست دانا

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ٣٥ قَالُوا أَرْجِهْ وَ

میخواهد که بیرون کند شما را از زمین خودتان بساحری خود پس چه میفرمائید گفتند بازدار او را و

أَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ٣٦ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ٣٧ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ

برادرش را و بفرست در شهرها جمع کنندگان که بیاورند ترا همه جادوگران دانا پس جمع آمدند ساحران

لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ٣٨ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ٣٩ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ

برای وعده گاهی روزی معلوم و گفته شد مردمان را آیا شما هستید اجتماع کنندگان باشد که ما پیروی کنیم

السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ٤٠ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ

ساحران را اگر باشند آنها غلبه کنندگان پس چون آمدند ساحران گفتند مر فرعون را آیا هست

لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ٤١ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ٤٢ قَالَ

ما را مزدی اگر باشیم ما غلبه کنندگان گفت آری و بدرستیکه شما آنوقت از مقربان گفت

قوله سبحانه
ان نشاء ننزل علیهم من السماء فظلت اعناقهم لها خاضعین یعنی ای پیغمبر اینقدر دلتنگ مباش ایمان

فعلتک
بفتح فا و سکون عین و فتح لام و تا

تمنها
بفتح تا و ضم میم و تشدید نون

بیاورد و مکلف و منافقین مباش اگر بخواهیم آیتی از آسمان نازل میکنیم که ایشان را ایمان پس گردنهای آنها از آن آیت مطیع و منقاد در آیت چنانکه در تفسیر اهل البیت آمده مناسب

الملائکه منهم
حق خواهد دانا خزالزمان از آسمان ندا آید که آگاه باشید که حق با علی و شیعه اوست و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نازل شد این آیت در حق حضرت قائم و آنحضرت قیام نماید بجز وقتیکه ندائی از آسمان بنام او و آن ندا را تمام اهل مشرق و مغرب بشنوند حتی مخدرات پس پرده همه بآنحضرت بروایتی فرمود جامع شد رقاب سبب امیریکه صیحه از آسمان آید صاحب الامر و بعد این تلاوت فرمود و حضرت باقر علیه السلام بروایت ارشاد مدین فرمود زود باشد که خدا بعجب بیاورد بندهای شدانشان گشته فرمود بخواهید شیعیان ایشان

علیهم السلام

لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون ٤٣ فألقوا حبالهم وعصيهم وقالوا بعزة

مر ایشان را موسی بیفکنید آنچه شما افکنندگانید پس انداختند ریسمانها و عصاهای شان را و گفتند بعزت

فرعون إنا لنحن الغالبون ٤٤ فألقى موسى عصاه فإذا هي تلقف ما يأفكون ٤٥

فرعون که ما ایم هر آینه غلبه کنندگان پس انداخت موسی عصای خود را پس آنگاه او فرو میبرد آنچه دروغ میبافتند

فألقي السحرة ساجدين ٤٦ قالوا آمنا برب العالمين ٤٧ رب موسى وهرون ٤٨

پس در افکنده شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمیان پروردگار موسی و هرون

قال آمنتم له قبل أن آذن لكم إنه لكبيركم الذي علمكم السحر فلسوف

گفت ایمان آوردید مر او را پیش از آنکه رخصت دهم شما را بدرستیکه او بزرگ شما است که آموخت شما را سحر پس زود باشد

تعلمون ٤٩ لأقطعن أيديكم وأرجلكم من خلاف ولأصلبنكم أجمعين ٥٠

که بدانید هر آینه خواهم برید دستهای شما و پاهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بر دار خواهم کشید شما را همه

قالوا لا ضير إنا إلى ربنا منقلبون ٥١ إنا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطايانا

گفتند هیچ باکی نیست بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود باز گردندگانیم بدرستیکه ما امید داریم که بیامرزد مر ما را پروردگار ما گناهان ما را

أن كنا أول المؤمنين ٥٢ وأوحينا إلى موسى أن أسر بعبادي إنكم متبعون ٥٣

که هستیم اول گروندگان و وحی کردیم بسوی موسی که بشب ببر بندگان مرا بدرستیکه شما از پی در آمدگانید

فأرسل فرعون في المدائن حاشرين ٥٤ إن هؤلاء لشرذمة قليلون ٥٥

پس فرستاد فرعون در شهرها جمع کنندگان بدرستیکه اینها هر آینه فرقه باشند اندک

وإنهم لنا لغائظون ٥٦ وإنا لجميع حاذرون ٥٧ فأخرجناهم من جنات و

و بدرستیکه اینها هر آینه ما را خشم آرندگانند و بدرستیکه ما همه آگاهیم پس بیرون کردیم ایشان را از بوستانها و

عيون ٥٨ وكنوز ومقام كريم ٥٩ كذلك وأورثناها بني إسرائيل ٦٠ فأتبعوهم

چشمها و گنجها و مقام خوب همچنین و بمیراث دادیم آنرا به بنی اسرائیل پس از پی رفتند

مشرقين ٦١ فلما تراءا الجمعان قال أصحاب موسى إنا لمدركون ٦٢ قال كلا

طلوع کنندگان پس چون دیدند یکدیگر را گفتند اصحاب موسی که ما هر آینه دریافته شدگانیم گفت حاشا

إن معي ربي سيهدين ٦٣ فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر

بدرستیکه با منست پروردگار من زود راه نماید مرا پس وحی کردیم بسوی موسی که بزن عصایت را بدریا

فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم ٦٤ وأزلفنا ثم الآخرين ٦٥ وأنجينا

پس شکافته شد پس بود هر پاره مانند کوه بزرگ و جمع کردیم آنجا دیگران را و نجات دادیم

موسى ومن معه أجمعين ٦٦ ثم أغرقنا الآخرين ٦٧ إن في ذلك لآية وما

موسی را و هر که با او بود همه را پس غرق کردیم دیگران را بدرستیکه در این آیتست و

كان أكثرهم مؤمنين ٦٨ وإن ربك لهو العزيز الرحيم ٦٩ واتل عليهم

نبودند بیشتر ایشان گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و بخوان بر ایشان

نبأ إبراهيم ٧٠ إذ قال لأبيه وقومه ما تعبدون ٧١ قالوا نعبد

خبر ابراهیم را وقتیکه گفت مر پدر خود را و قوم خود را چه چیز را می پرستید گفتند می پرستیم

قوله تعالى و اوحينا الى موسى ان اسر بعبادی انكم متبعون ... ثم الآخرين بفتح ثا ...

أصناما

اصناما فنظل لها عاكفين ۷۲ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ۷۳ او
بتها را پس میباشیم تمام روز مرانها را ایستادگان پرستش گفت آیا میشنوند از شما وقتیکه دعا میکنید

ينفعونكم او يضرون ۷۴ قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون ۷۵ قال
نفع میرسانند شما را یا آنکه زیان میرسانند گفتند بلکه یافتیم پدران ما را همچنین که میکردند گفت

افرايتم ما كنتم تعبدون ۷۶ انتم وآباؤكم الاقدمون ۷۷ فانهم عدو لي
آیا پس دیدید آنچه را که میپرستیدید شما و پدران شما که بودند پیشینیان پس ایشان دشمنند مرا

الا رب العالمين ۷۸ الذي خلقني فهو يهدين ۷۹ والذي هو يطعمني
بجز پروردگار جهانیان آنکه آفرید مرا پس او راه نماید مرا و آنکه او میخوراند مرا

ويسقين ۸۰ واذا مرضت فهو يشفين ۸۱ والذي يميتني ثم يحيين ۸۲ و
و مینوشاند مرا و چون بیمار میشوم پس او شفا میدهد مرا و آنکه میمیراند مرا پس زنده میکند مرا و

الذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين ۸۳ رب هب لي حكما والحقني
آنکه طمع دارم که بیامرزد مرا گناه مرا روز جزا پروردگارا ببخش مرا حکم و ملحق کن مرا

بالصالحين ۸۴ واجعل لي لسان صدق في الآخرين ۸۵ واجعلني من ورثة
بشایستگان و بگردان مرا زبان راستی در آخران و بگردان مرا از وارثان

جنة النعيم ۸۶ واغفر لابي انه كان من الضالين ۸۷ ولا تخزني يوم
بهشت با نازو نعمت و بیامرز پدرم را که او هست از گمراهان و رسوا مگردان مرا روزیکه

يبعثون ۸۸ يوم لا ينفع مال ولا بنون ۸۹ الا من اتى الله بقلب سليم ۹۰
برانگیخته میشوند روزیکه نفع ندهد مال و نه پسران مگر آنکه آید خدا را با دلی درست

وازلفت الجنة للمتقين ۹۱ وبرزت الجحيم للغاوين ۹۲ وقيل لهم اينما كنتم
و نزدیک شد بهشت برای پرهیزکاران و پیدا شد دوزخ برای گمراهان و گفته شد مرایشان را کجا است آنچه

تعبدون ۹۳ من دون الله هل ينصرونكم او ينتصرون ۹۴ فكبكبوا فيها
که میپرستید از غیر خدا آیا یاری توانند کرد شما را یا داد میستانند پس برو در افکنده شوند در آن

هم والغاوون ۹۵ وجنود ابليس اجمعون ۹۶ قالوا وهم فيها يختصمون ۹۷
ایشان و گمراهان و لشکرهای شیطان بتمامی گفتند و ایشان در آن خصومت میکردند

تالله ان كنا لفي ضلال مبين ۹۸ اذ نسويكم برب العالمين ۹۹ وما اضلنا
بخدا اگر بودیم ما در گمراهی آشکار هنگامیکه برابر میکردیم شما را به پروردگار جهانیان و گمراه نکردند ما را

الا المجرمون ۱۰۰ فما لنا من شافعين ۱۰۱ ولا صديق حميم ۱۰۲ فلو ان لنا كرة
بجز گنهکاران پس نیست ما را هیچ از شفاعت کنندگان و نه دوستی نزدیک پس کاش بودی ما را بازگشتی

فنكون من المؤمنين ۱۰۳ ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ۱۰۴ و
پس میشدیم از گروندگان بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نباشند بیشترشان گروندگان و

ان ربك لهو العزيز الرحيم ۱۰۵ كذبت قوم نوح المرسلين ۱۰۶ اذ قال لهم
بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم نوح فرستادگان را چون گفت مرایشان را

اخوهم

قوله سبحانه واجعل لی لسان صدق فی الآخرین ابراهیم علیه السلام دعا کرد خدایا قرار بده و از برای من زبان راستی در کسانی که بعد از من میآیند امنیت که دعای آنحضرت باجابت رسید و تمام

آباؤكم بضم همزه بدون واو

يهدين بكسر نون

يسقين بكسر نون

يشفين بكسر نون

يحيين بكسر نون

اهل ملت از یهود و نصاری و اهل اسلام او را نیکو و محبت دارند و آنکه گفته اند آنست که ظاهر کن برای من تجدید اصل دین من و توحید و ... در آخرین ... آنحضرت خاتمیت است حضرت صادق علیه السلام در روایت کافی فرمود قرار بده صاحبی از ذریت من که تجدید کند اصل دین من و بخواند مردم را بآنچه که میخواندم و آن محمد است علی و ائمه از ذریت آن

والغاوون خا و قالی اشباع شود یعنی بدو واو خوانده شود

اندوه بزرگوار و بروایت ... آن امیر المؤمنین است ۱۲

قوله تعالی الذی خلقنی فهو یهدین الی قوله فی الآخرین ... در وقت بیرون رفتن از ... صبح و شام این آیه ... نشنود کسی ... صدیق نیست ... روز قیامت ... ۱۲

اخوهم نوح الا تتقون ۱۰۷ انی لکم رسول امین ۱۰۸ فاتقوا الله واطیعون ۱۰۹
برادر شان نوح که آیا نمی پرهیزید بدرستیکه من مر شما را رسولی امانتم پس بپرهیزید خدا را و اطاعت کنید مرا
وما اسئلکم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین ۱۱۰ فاتقوا الله و
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان پس بپرهیزید از خدا و
اطیعون ۱۱۱ قالوا انؤمن لک واتبعک الارذلون ۱۱۲ قال وما علمی بما
و اطاعت کنید مرا گفتند آیا ایمان آوریم مر ترا و پیروی کردند ترا فرومایگان گفت و نیست دانش من بآنچه
کانوا یعملون ۱۱۳ ان حسابهم الا علی ربی لو تشعرون ۱۱۴ وما انا بطارد
بودند که میکردند نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر بدانید و نیستم من براننده
المؤمنین ۱۱۵ ان انا الا نذیر مبین ۱۱۶ قالوا لئن لم تنته یا نوح لتکونن من
گروندگان نیستم من مگر بیم کننده آشکارا گفتند هر آینه اگر باز نایستی ای نوح هر آینه خواهی شد از
المرجومین ۱۱۷ قال رب ان قومی کذبون ۱۱۸ فافتح بینی وبینهم فتحا ونجنی
سنگسار شدگان گفت پروردگار من بدرستیکه قوم من تکذیب کردند مرا پس حکم کن میان من و میان ایشان حکم کردنی و نجات ده مرا
ومن معی من المؤمنین ۱۱۹ فانجیناه ومن معه فی الفلک المشحون ۱۲۰ ثم
و هر که با منست از گروندگان پس نجات دادیم او را و هر که با او بود در کشتی پر کرده شده پس
اغرقنا بعد الباقین ۱۲۱ ان فی ذلک لایة وما کان اکثرهم مؤمنین ۱۲۲ و
غرق کردیم پس از آن باقی ماندگان را بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نبودند بیشتر ایشان گروندگان
ان ربک لهو العزیز الرحیم ۱۲۳ کذبت عاد المرسلین ۱۲۴ اذ قال لهم اخوهم
و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم هود مرسلان را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان
هود الا تتقون ۱۲۵ انی لکم رسول امین ۱۲۶ فاتقوا الله واطیعون ۱۲۷
هود آیا نمی پرهیزید بدرستیکه من مر شما را رسولی امانتم پس بپرهیزید و فرمان ببرید مرا
وما اسئلکم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین ۱۲۸ اتبنون بکل
و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا بنا میکنید به هر
ریع ایة تعبثون ۱۲۹ وتتخذون مصانع لعلکم تخلدون ۱۳۰ واذا بطشتم
جای بلندی نشانی را بازی میکنید و فرا میگیرید قصرها را شاید که شما جاوید مانید و چون حمله کنید
بطشتم جبارین ۱۳۱ فاتقوا الله واطیعون ۱۳۲ واتقوا الذی امدکم بما
حمله کنید ستمکاران پس بترسید از خدا و اطاعت کنید مرا و بپرهیزید از آنکه امداد کرد شما را بآنچه
تعلمون ۱۳۳ امدکم بانعام وبنین ۱۳۴ وجنات وعیون ۱۳۵ انی اخاف
میدانید امداد کرد شما را بچهارپایان و پسران و بوستانها و چشمه ها بدرستیکه من میترسم
علیکم عذاب یوم عظیم ۱۳۶ قالوا سواء علینا اوعظت ام لم تکن من الواعظین
بر شما از عذاب روزی بزرگ گفتند یکسانست بر ما خواه پند دهی یا نباشی از پند دهندگان
ان هذا الا خلق الاولین ۱۳۸ وما نحن بمعذبین ۱۳۹ فکذبوه فاهلکناهم ان
نیست این مگر عادت پیشینیان و نیستیم ما عذاب کرده شدگان پس تکذیب کردند او را پس هلاک کردیم ایشان را

واطیعون بکسر نون
واطیعون بکسر نون
نصف الحزب
کذبون بکسر نون
واطیعون بکسر نون
واطیعون بکسر نون
تعلمون بتقدیم لام بر میم
خلق بفتح خا و لام و سکون قاف

فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ١٤٠ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٤١
در این همه آینه نشانه ایست و نبودند بیشترینشان گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو او است غالب مهربان
كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ١٤٢ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٤٣ إِنِّي
تکذیب کردند ثمود مرسلان را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان صالح آیا نمی پرهیزید بدرستیکه
واطیعون بکسر نون — لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٤٤ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٤٥ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ
مر شما را رسولی امانتم پس بترسید از خدا و اطاعت کنید مرا و نمیخواهم از شما مزدی بر آن
إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٤٦ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ١٤٧ فِي جَنَّاتٍ
نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا واگذاشته میشوید در آنچه هست در اینجا ایمنان در بوستانها
وَعُيُونٍ ١٤٨ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ١٤٩ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا
و چشمه سارها و کشتزارها و خرماستان که شکوفه آن لطیف است و میتراشید از کوهها خانه ها
واطیعون بکسر نون — فَارِهِينَ ١٥٠ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٥١ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ١٥٢
ماهران پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و اطاعت مکنید امر اسراف کنندگان را
الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ١٥٣ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ١٥٤
آنانکه فساد میکنند در زمین و اصلاح نمیکنند گفتند جز این نیست که تو از جادو کردگانی
مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ١٥٥ قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ
نیستی تو مگر انسانی مانند ما پس بیاور آیتی اگر هستی از راستگویان گفت اینست ناقه
لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ١٥٦ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ
مر او راست آبخورشی و مر شما راست آبخورشی روز معلوم و مبسائید او را به بدی پس بگیرد شما را عذاب
يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٥٧ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ١٥٨ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي
روز بزرگ پس پی کردند آنرا پس گردیدند پشیمانان پس گرفت ایشان را عذاب بدرستیکه در
ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ١٥٩ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٦٠
این همه آینه نشانه ایست و نبودند بیشتر ایشان گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو همه آینه غالب مهربانست
كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ١٦١ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٦٢ إِنِّي
تکذیب کردند قوم لوط مرسلان را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان لوط آیا نمی پرهیزید بدرستیکه من
واطیعون بکسر نون — لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٦٣ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٦٤ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
مر شما را رسولی امانتم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما بران هیچ
أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦٥ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ١٦٦
مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا می آیید مذکرها را از جهانیان
وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ١٦٧ قَالُوا
و وامیگذارید آنچه را آفرید برای شما پروردگارتان از زنانتان بلکه شمائید گروهی از حد گذرنده گفتند
لعملکم بکسر لام و فتح عین و میم — لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ١٦٨ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ
هر آینه اگر باز نایستی ای لوط هر آینه خواهی شد از بیرون شدگان گفت بدرستیکه من هستم کردار شما را از دشمنان

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۱۷۰ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۱۷۱ إِلَّا عَجُوزًا فِي

پروردگارا من نجات ده مرا و اهل مرا از آنچه میکنند پس نجات دادیم او را و اهلش همه را بجز پیرزنی در

الْغَابِرِينَ ۱۷۲ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۱۷۳ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ

در بازماندگان بهلاکت پس هلاک کردیم دیگران را و باراندیم برایشان بارانی پس بد بود باران

الْمُنْذَرِينَ ۱۷۴ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۷۵ وَإِنَّ

بیم کرده شدگان بدرستیکه در این هر آینه آیتیست و نبودند بیشتر آنها گروندگان و بدرستیکه

رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۷۶ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ۱۷۷ إِذْ قَالَ

پروردگار تو او ست غالب مهربان تکذیب کردند اصحاب ایکه مرسلان را چون گفت

لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۷۸ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۷۹ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۸۰

مر ایشان را شعیب آیا نمی‌پرهیزید بدرستیکه من شما را رسولی با امانتم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۸۱ أَوْفُوا الْكَيْلَ

و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست مزد من بجز بر پروردگار جهانیان تمام کنید پیمانه را

وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ۱۸۲ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۱۸۳ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ

و نباشید از زیانکاران وزن کنید بترازوی راست و کم مکنید مردمان را

أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۱۸۴ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ

چیزهاشان را و تباهکاری مکنید در زمین فسادکنندگان و بپرهیزید از آنکه آفرید شما را و خلق

الْأَوَّلِينَ ۱۸۵ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۱۸۶ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ

پیشینیان را گفتند جز این نیست که تو از سحر کرده شدگانی و نیستی تو مگر انسانی مانند ما و بدرستیکه

نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۱۸۷ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

گمان داریم که تو هر آینه از دروغگویانی پس فرود آور بر ما پاره‌ها از آسمان اگر هستی از

الصَّادِقِينَ ۱۸۸ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۸۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ

راستگویان گفت پروردگار من داناتر است بآنچه میکنید پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب

يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۹۰ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ

روز سایبان بدرستیکه آن هست عذاب روز بزرگ بدرستیکه در این هر آینه آیتیست و نبودند

أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۹۱ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۹۲ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ

بیشتر ایشان گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو او ست غالب مهربان و بدرستیکه آن فرستاده پروردگار

الْعَالَمِينَ ۱۹۳ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ۱۹۴ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۱۹۵

جهانیانست فرود آورده است آن را جبرئیل با امانت بر دل تو تا بوده باشی از بیم کنندگان

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ۱۹۶ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۱۹۷ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ

بزبان عربی روشن و بدرستیکه آن هر آینه در کتابهای پیشینیان آیا نباشد ایشان را آیتی که بدانند آن را

عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۱۹۸ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۱۹۹ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ

دانایان بنی اسرائیل و اگر فرستاده بودیم آن را بر برخی از عجمیان پس خوانده بود آن را برایشان

المسحرين بالحاء المهملة مع التشديد

فاسقط بفتح همزه قطع و بکسر قاف

کسفا بکسر کاف و فتح سین

الظلة بضم الظاء

ماكانوا

مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ٢٠٠ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ٢٠١ لَا يُؤْمِنُونَ

نبودند بآن گروندگان همچنین سپردیم انکار را در دلهای گنهکاران ایمان نمی آورند

بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٢٠٢ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٠٣ فَيَقُولُوا

بآن تا ببینند عذاب دردناک را پس بیاید ایشانرا ناگاه و آنها ندانند پس گویند

هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ٢٠٤ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ٢٠٥ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ

آیا باشیم ما از مهلت داده شدگان آیا پس عذاب ما را بشتاب میخواهند آیا پس دیدی که کامیاب سازیم آنها را

سِنِينَ ٢٠٦ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ٢٠٧ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا

سالها پس آمد آنها را آنچه بودند که وعده داده میشدند کفایت نکند از ایشان آنچه بودند

يُمَتَّعُونَ ٢٠٨ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ٢٠٩ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا

کامیاب میشدند و هلاک نکردیم ما هیچ قریه را مگر آنکه بود مر آنها را بیم کنندگان پند دادنی و نبودیم

ظَالِمِينَ ٢١٠ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ٢١١ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ٢١٢

ستمگاران و فرود نیاوردند آنرا شیاطین و نسزد مر ایشانرا و نمیتوانند

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ٢١٣ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ

بدرستیکه ایشان از شنیدن هر آینه معزول شدگانند پس مخوان با خدا خدائی دیگر پس بوده باشی از

الْمُعَذَّبِينَ ٢١٤ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢١٥ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ

عذاب شدگان و بیم ده خویشانت را که نزدیک ترند و فرود آر بالت را برای هر کس که پیروی شد

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢١٦ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ٢١٧ وَتَوَكَّلْ عَلَى

از گروندگان پس اگر نافرمانی کردند ترا پس بگو بدرستیکه من بیزارم از آنچه میکنید و توکل کن بر خداوند

الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ٢١٨ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٩ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ٢٢٠

غالب مهربان آنکه می بیند ترا وقتیکه بر میخیزی و گردیدنت از حالی بحالی در سجده کنندگان

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٢٢١ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ٢٢٢ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ

بدرستیکه او ست شنونده دانا آیا خبر دهم شما را بر کسیکه فرود می آیند شیاطین فرود می آیند بر هر

أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٢٢٣ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ٢٢٤ وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ

کذاب گنهکار که میاندازند گوش را و بیشترشان دروغگویانند و شاعران پیروی میکنند

الْغَاوُونَ ٢٢٥ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ٢٢٦ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا

گمراهان ترا آیا ندیدی که ایشان در هر وادی سرگشته میروند و آنکه ایشان میگویند آنچه نه

يَفْعَلُونَ ٢٢٧ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ٢٢٨

میکنند بجز آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته و یاد کردند خدا را بسیار

وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

و انتقام کشیدند بعد از آنکه ستم کرده شدند و بزودی بدانند آنانکه ستم کردند که کدام جای بازگشت بازمیگردند

سورة النمل خمس وتسعون آية وهي مكية (٢٧)

يَرَوْا بفتح یا و واو و ضم راء

تَنَزَّلُ بفتح تاء و نون و زاء و ضم لام

الغاوون بلغوان یعنی اتباع شوند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ٢ هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ٣
اینست آیات قرآن و کتاب روشن هدایت و بشارتست برای گروندگان

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ٤
آنانکه برپا میدارند نماز را و میدهند زکات را وایشان بآخرتشان یقین دارند

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ٥ اُولٰٓئِكَ
بدرستیکه آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت آراسته کردیم برای ایشان کردارشانرا پس آنها حیران شدند این گروه

الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ٦ وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى
آنانکه مرایشانراست بدی عذاب وآنها در آخرتشان زیانکاراانند وبدرستیکه تو فراداده میشوی

الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ٧ اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّىْٓ اٰنَسْتُ نَارًا ۚ سَاٰتِيْكُمْ
قرآنرا از نزد درست کرداری دانا چون گفت موسی مراهلش را که من دیدم آتشی را بزودی بیاورم شمارا

مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ٨ فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِىَ اَنْ
از آن خبری یا بیاورم شمارا شعله گیرانیده باشد که شما گرم شوید پس چون آمد بجانب آن ندای کرده شد که

بُوْرِكَ مَنْ فِى النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ؕ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ٩ يٰمُوْسٰىٓ اِنَّهٗٓ
برکت داده شده که در آتش وآنکه پیرامون آنست ومنزه است خدا پروردگار جهانیان ای موسی بدرستیکه آن

اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ١٠ وَاَلْقِ عَصَاكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰى
منم خدای غالب درستکردار وبینداز عصایت را پس چون دیدش که بجنبید که گویا مار سیت برگشت

مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ؕ يٰمُوْسٰى لَا تَخَفْ اِنِّىْ لَا يَخَافُ لَدَىَّ الْمُرْسَلُوْنَ ١١ اِلَّا مَنْ ظَلَمَ
از پس رونده و رجوع نکرد ای موسی مترس بدرستیکه منم نترسند نزد من فرستادگان مگر کسیکه ستم کرد

ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوْٓءٍ فَاِنِّىْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٢ وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِىْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ
پس ابدل آورد نیکی را پس از بدی پس بدرستیکه منم آمرزندهٔ مهربان ودرآور دستت را در گریبانت که بیرون آید

بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ فِىْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا
نورانی از غیر بدی در نه گانه آیت بسوی فرعون وقومش که ایشان بودند گروهی

فٰسِقِيْنَ ١٣ فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ١٤ وَجَحَدُوْا
نافرمانبران پس چون آمد ایشانرا آیات ما که بینا کننده است گفتند اینست جادوئی آشکار وانکار کردند

بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ؕ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ١٥
آنرا ویقین داشت آنرا نفسهای آنها از راه ستم و تکبر پس بنگر چگونه باشد سرانجام تباه کاران

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا ۚ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ فَضَّلَنَا عَلٰى
وبتحقیق که دادیم ما داود و سلیمانرا دانش وگفتند ستایش مر خدائیرا که افزونی داد مارا بر

كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٦ وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ
بسیاری از بندگان گروندگانش ووارث شد سلیمان داودرا وگفت [illegible] ای مردمان

طٰسٓ
سین مدمیخواهد

لَتُلَقّٰى
بفتح لام اول وضم تا وفتح لام دوم وتشدید قاف مشدده

نمل

وَاَدْخِلْ
بفتح همزه قطع وسکون دال وکسر خا وسکون لام

وَجَحَدُوْا
بفتح جیم وحا

دَاوٗدَ
بدو واو خوانده شود یعنی باشباع

دَاوٗدَ
بدو واو خوانده شود

عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ١٧ وَحُشِرَ
آموخته شدیم نطق پرنده و داده شدیم از همه چیزی بدرستیکه این هر آینه مرتبه است آشکار و جمع کرده شد
لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ١٨ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا
برای سلیمان لشکرهایش از جنیان و آدمیان و پرنده پس ایشان باز داشته میشوند تا وقتیکه آمدند
عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ
بر وادی مور گفت مورچه ای موران داخل شوید در مسکنهاتان که درهم نشکند شمارا
سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٩ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ
سلیمان و لشکرهایش و ایشان ندانند پس تبسم کرد خندان از گفتار او و گفت
رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر گویم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر والدینم و آنکه بکنم کار
صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ٢٠ وَتَفَقَّدَ
شایسته که پسندی آنرا و داخل کن مرا برحمت خود در بندگان خود که شایسته کارانند و جویا شد
الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ٢١ لَأُعَذِّبَنَّهُ
پرنده را پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را یا باشد از غائبان هر آینه عذاب کنم اورا
عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ٢٢ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ
عذابی سخت یا بکشم اورا البته یا باید بیاورد مرا حجتی روشن پس درنگ کرد نه دور
فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ٢٣ إِنِّي وَجَدْتُ
پس گفت احاطه کردم بآنچه احاطه نکردی بآن و آوردم ترا از سبا خبری راست بدرستیکه من یافتم
امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ٢٤ وَجَدْتُهَا وَ
زنی که پادشاهی میکرد ایشانرا و داده شد از همه چیزی و مر او راست تختی بزرگ یافتم اورا و
قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
قومش را که سجده میکردند مر آفتاب را از غیر خدا و آراسته کرد برای ایشان شیطان کردارشانرا
فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ٢٥ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ
پس بازداشت ایشانرا از راه پس ایشان هدایت نمی یابند چرا سجده نمیکنند مر خدا ایرا که بیرون می آورد
الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ٢٦ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ
پنهان را در آسمانها و زمین و میداند آنچه پنهان دارید و آنچه آشکار میکنید خدائی که نیست خدائی
إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٢٧ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ٢٨
بجز او پروردگار عرش بزرگ است گفت بزودی نظر خواهیم کرد که آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان
اذْهَبْ بِكِتَابِي هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ٢٩
ببر نامه مرا این را پس بینداز بسوی ایشان پس روگردان باش از ایشان پس بنگر چه برمیگردانند
قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ٣٠ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ
گفت ای جماعت بدرستیکه من چنانم که افکنده شد بمن نامه نیکو بدرستیکه او از سلیمان است

وَاُوتِینَا بضم همزه و سکون واو

وَاَنْ اَعْمَلَ بفتح همزه و سکون عین و فتح لام

اَدْخِلْنِی بفتح همزه قطع

مالیَ بکسر لام

سَبَإٍ بفتح سین و باء کسره همزه منون

سجده

الخَبْأَ بفتح خاء و سکون باء و فتح همزه

فَاَلْقِه بفتح همزه مقطوع

وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ٣٠ اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ٣١ قَالَتْ

و بدرستیکه آنست بنام خداوند بخشنده مهربان که رفعت مجوئید بر من و بیائید مرا منقاد ان گفت

يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْ اَمْرِيْ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰى تَشْهَدُوْنِ ٣٢ قَالُوْا

ای جماعت فتوی دهید مرا در کارم نیستم من عزم جزم کننده کاری را تا آنکه حاضر شوید مرا گفتند

نَحْنُ اُولُوْا قُوَّةٍ وَّاُولُوْا بَاْسٍ شَدِيْدٍ وَّالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِيْ مَاذَا تَاْمُرِيْنَ ٣٣

ما ایشم صاحبان قوت و صاحبان کارزار سخت و کار با تواست پس بنگر که چه میفرمائی

قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا اَعِزَّةَ اَهْلِهَا اَذِلَّةً وَ

گفت بدرستیکه پادشاهان چون وارد شوند قریه را فاسد کنند آنرا و گردانند عزیزان اهل آنرا ذلیلان و

كَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ ٣٤ وَاِنِّيْ مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنٰظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُوْنَ ٣٥

همچنین میکنند و بدرستیکه من فرستنده ام بسوی ایشان هدیه را پس نگرنده ام که بچه باز میگردند فرستادگان

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيْمٰنَ قَالَ اَتُمِدُّوْنَنِ بِمَالٍ فَمَآ اٰتٰىنِۦَ اللّٰهُ خَيْرٌ مِّمَّآ اٰتٰىكُمْ بَلْ اَنْتُمْ

پس چون آمد سلیمانرا گفت آیا امداد میکنید مرا بمال پس آنچه داده است مرا خدا بهتر است از آنچه داده است شمارا بلکه شما

بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ ٣٦ اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُوْدٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ

بهدیه خودتان شاد مانید برگرد بسوی ایشان پس خواهیم آورد آنهارا لشکرها که طاقت نباشد ایشانرا در مقابل آنها و بیرون خواهیم کرد ایشانرا

مِّنْهَآ اَذِلَّةً وَّهُمْ صٰغِرُوْنَ ٣٧ قَالَ يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَاْتِيْنِيْ بِعَرْشِهَا قَبْلَ

از آن خوار شدگان و ایشان باشند خواران گفت ای گروه کدام شما بیاورد بمن تخت اورا پیش

اَنْ يَّاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ٣٨ قَالَ عِفْرِيْتٌ مِّنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ

از آنکه بیایند مرا منقادان گفت دیو بزرگی از جن من میآورم تو آنرا پیش از آنکه برخیزی از

مَّقَامِكَ وَاِنِّيْ عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِيْنٌ ٣٩ قَالَ الَّذِيْ عِنْدَهٗ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ

جایت و بدرستیکه من بر آن هر آینه قوی امینم گفت آنکه نزد او علمی بود از کتاب

اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّرْتَدَّ اِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهٗ قَالَ هٰذَا

من میآورم اورا بتو پیش از آنکه برگردد بسوی تو چشم تو پس چون آنرا قرار گرفته نزد خودش گفت این

مِنْ فَضْلِ رَبِّيْ لِيَبْلُوَنِيْٓ ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ وَ

از فضل پروردگار منست تا امتحان کند مرا که آیا شکر میکنم یا ناسپاسی میکنم پس هر آینه هر که شکر میکند برای خودش و

مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّيْ غَنِيٌّ كَرِيْمٌ ٤٠ قَالَ نَكِّرُوْا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِيْٓ اَمْ تَكُوْنُ

هر که ناسپاسی کرد پس بدرستیکه پروردگار من بی نیاز بخشنده است گفت ناشناس سازید برای او تختش را ببینیم آیا می یابد یا باشد

مِنَ الَّذِيْنَ لَا يَهْتَدُوْنَ ٤١ فَلَمَّا جَآءَتْ قِيْلَ اَهٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَاَنَّهٗ هُوَ

از آنانکه نمی یابند پس چون آمد گفته شد آیا چنین تخت تو گفت گویا که آنست

وَاُوْتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِيْنَ ٤٢ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَّعْبُدُ

و داده شدیم ما علم را از پیش آن و بودیم ما منقادان و باز داشته بود اورا آنچه بود که میپرستید

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كٰفِرِيْنَ ٤٣ قِيْلَ لَهَا ادْخُلِي

از غیر خدا بدرستیکه او بود از گروه کافران گفته شد مر اورا که داخل شو

تَشْهَدُوْنِ بکسر نون

اِلَيْكِ بکسر کاف

اُولُوْا بدون اشباع در هر دو موضع

اَتُمِدُّوْنَنِ بکسر نون دوم

قِبَلَ بکسر قاف و فتح با

طَرْفُكَ بفتح طا و سکون را و ضم فا

نَكِّرُوْا بتشدید کاف

نَنْظُرْ بسکون را

الصحیح

الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ

داخل شو بقصر پس چون آنرا دید پنداشتش آب بسیار و برزد از دو ساقش گفت بدرستیکه آن صحن است ساده

مِنْ قَوَارِيرَ ٤٥ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ

از آبگینها گفت پروردگارا من بدرستیکه من ستم کردم بر خود و اسلام آوردم با سلیمان برای پروردگار

الْعَالَمِينَ ٤٦ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ

جهانیان و هر آینه بتحقیق فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشانرا صالح را که بپرستید خدا را ناگاه ایشان

فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ٤٧ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ

دو فرقه شدند که نزاع میکردند گفت ای قوم من چرا بشتاب میخواهید بدی را پیش از خوبی

لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٤٨ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ

چرا آمرزش نمیخواهید خدا را شاید شما رحمت کرده شوید گفتند فال بد زدیم بتو و کسانیکه با تواند

اطّیّرنا بتشدید طا و یا

قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ٤٩ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ

گفت پرنده شما نزد خداست بلکه شما گروهی که آزموده میشوید و بودند در شهر نه

رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ٥٠ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ

قبیله که فساد میکردند در زمین و اصلاح نمیکردند گفتند سوگند خورید بخدا که شبیخون میزنیم او را

وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ٥١

و اهلش را پس هر آینه میگوئیم مر وارث او را که حاضر نبودیم در جای هلاک اهل او و بدرستیکه ما هر آینه راستگویانیم

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٢ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ

و مکر کردند مکر کردنی و مکر کردیم مکر کردنی و ایشان نمیدانند پس ببین چگونه باشد

عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ٥٣ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً

انجام مکر ایشان که ما هلاک کردیم ایشانرا و قومشانرا همه پس اینست خانهاشان فرو ریخته

بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٥٤ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا

بسبب آنچه ستم کردند بدرستیکه در این هر آینه آیتیست برای قومیکه میدانند و نجات دادیم آنانکه گرویدند و بودند

يَتَّقُونَ ٥٥ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ٥٦

پرهیز میکردند و لوط را چون گفت مر قومش را که آیا میائید آن کار زشت را و شما می بینید

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ٥٧

آیا شما میائید مردانرا از راه شهوت از غیر زنان بلکه شمائید گروهی که جهل میورزید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ

پس نبود جواب قومش بجز آنکه گفتند بیرون کنید آل لوط را از قریه خودتان بدرستیکه ایشان

أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ٥٨ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ

مردمانیکه پاک میشمارند خود را پس نجات دادیم او و اهلش را بجز زنش را که مقرر داشتیم او را از

الْغَابِرِينَ ٥٩ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ٦٠ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

باز ماندگان در هلاک و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بد است باران بیم داده شدگان بگو ستایش مر خدا را

وسلام

وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ٥٩ أَمَّنْ خَلَقَ
وسلام بر بندگانش آنانکه برگزید آیا خدا بهتر است یا آنکه شریک میدانند یا آنکه آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ
آسمانها وزمین را وفرو فرستاد برای شما از آسمان آب را پس رویانیدیم بآن باغهای صاحب

بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ٦٠
بهجت وسبز و برای شما که برویانید درخت آنرا آیا خدائی با خداست بلکه ایشان گروهی که عدول میکنند

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ
آیا آنکه گردانید زمین را قرارگاهی و پدید کرد میانش نهرها و گردانید برای آنها کوههای استوار و گردانید

بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٦١ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ
میان دو دریا حایلی آیا خدائی با خداست بلکه بیشترشان نمیدانند یا آنکه اجابت میکند درمانده را

إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ ۚ قَلِيلًا مَا
چون خواندش و دفع میکند بدی را و میگرداند شما را جانشینان در زمین آیا خدائی با خداست اندکی

تَذَكَّرُونَ ٦٢ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا
پند میگیرید یا آنکه راه مینماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و آنکه میفرستد بادها مژده دهنده

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ ۚ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٣ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ
میان دو دست رحمتش آیا خدائیست با خدا برتر است خدا از آنچه شریک میدارند یا آنکه نخست آفریدن خلق

ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ
پس اعاده میکندش و آنکه روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا خدائیست با خدا بگو بیارید دلیل خودتان را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٦٤ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ
اگر هستید از راستگویان بگو نمیدانند هر که در آسمانها و زمین است پنهان را بجز خدا

وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ٦٥ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ
و نمیدانند کی برانگیخته خواهند شد بلکه بکمال رسید علم ایشان در آخرت بلکه ایشان

فِي شَكٍّ مِنْهَا ۖ بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ٦٦ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا
در شکند از آن بلکه ایشان از آن کورانند و گفتند آنانکه کافر شدند آیا وقتیکه بشویم خاک و پدران ما

أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ٦٧ لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
آیا ما از قبر برآورده شدگانیم هر آینه بتحقیق وعده داده شده ایم این را ما و پدران ما از پیش نیست این مگر افسانه

الْأَوَّلِينَ ٦٨ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٦٩
پیشینیان بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه باشد سرانجام گناهکاران

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ٧٠ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ
و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه مکر میکنند و میگویند کی خواهد بود این وعده

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٧١ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ٧٢
اگر هستید از راستگویان بگو شاید که باشد که رسد در پی شما برخی از آنچه بشتاب میخواهید

وَإِنَّ

قوله سبحانه قل الحمد لله وسلام علی عباده الخ جامع قمی ره

آللّٰه بفتح همزه استفهام داخل شد بر الله وهمزه الله قلب شد

علیهما الرحمة از ائمه روایت نموده اند که مراد از آن عباد آل محمد است زیرا که اول ایشان سالم است از لوث علایق و مرایشان خالیست از شک خلایق در این سوره سلام بر ایشان شنوند و در آخرت بواسطه خواهند شنید که سلام قولا من رب رحیم ۱۲

قوله تعالی أمن یجیب المضطر اذا دعاه الخ یعنی آیا کسیکه اجابت کند بیچاره فرومانده را وقتیکه بخواند او را در وقت اضطرار که بسته شده باشد از برای او تنگ شده چون غرق دریا و حرق در نار و بیماری و سایر اصناف و شغل و برسد او را از آن مضطر

بل ادارک بتشدید دال و سقوط همزه وصل

آباؤنا بلفظ اشباع دوم در دو موضع

خلفاء یعنی میگرداند شما را جانشینان در زمین از پس گذشتگان او و بعضی را و انکه بسر رسید ادوار آنها و در کیف اجابت مضطر میکنند و نیز در بعد ستایش در برجانشین بودن ایشان از خدا و مکرر گشته یا آن خدای بر حق که تعیین او باشد منکر شد کی از شما باد خدا و عید او میباشد والسلام ۱۲

وَاِنَّ رَبَّكَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُوْنَ ٧٦ وَاِنَّ

و بدرستيكه پروردگار تو هر آينه صاحب رحمت است بر مردمان وليكن بيشترشان سپاس نميدارند و بدرستيكه

رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ٧٧ وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِي السَّمَآءِ وَ

پروردگار تو هر آينه ميداند آنچه پنهان دارد سينه‌هاشان و آنچه آشكار ميكنند و نيست هيچ پنهانی در آسمان و

الْاَرْضِ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ٧٨ اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَقُصُّ عَلٰى بَنِيْٓ اِسْرَآئِيْلَ

زمين مگر در كتابی روشن بدرستيكه اين قرآن ميخواند بر فرزندان يعقوب

اَكْثَرَ الَّذِيْ هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ٧٩ وَاِنَّهٗ لَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ٨٠ اِنَّ

بيشترين آنچه ايشان در آن اختلاف ميكنند و بدرستيكه آن هر آينه هدايت و رحمت است مر گروندگان را بدرستيكه

رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهٖ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ٨١ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّكَ عَلَى

پروردگار تو حكم ميكند ميانشان بفرمان خود و اوست غالب دانا پس توكل كن بر خدا بدرستيكه تو بر

الْحَقِّ الْمُبِيْنِ ٨٢ اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوْا

حق آشكار بدرستيكه تو نمی‌شنوانی مردگان را و نمی‌شنوانی كران را ندا چون برگردند

مُدْبِرِيْنَ ٨٣ وَمَآ اَنْتَ بِهٰدِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُّؤْمِنُ

پشت كنندگان و نيستی تو راه نماينده كوران از گمراهيشان نمی‌شنوانی مگر كسی را كه باور دارد

بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ٨٤ وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ

بآيات ما پس ايشان اند مسلمانان و چون واقع شود گفته بر ايشان بيرون آوريم برای ايشان جنبنده

الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا لَا يُوْقِنُوْنَ ٨٥ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ

زمين كه سخن كند با ايشان كه مردمان نباشند بآيات ما يقين ميكنند و روزيكه حشر نمائيم از هر گروهی

اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُّكَذِّبُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ٨٦ حَتّٰٓى اِذَا جَآءُوْ قَالَ اَكَذَّبْتُمْ

امتی دسته‌ای از آنانكه تكذيب كردند آيتهای ما را پس آنها بازداشته شوند تا وقتيكه آيند گويد آيا تكذيب كرديد

بِاٰيٰتِيْ وَلَمْ تُحِيْطُوْا بِهَا عِلْمًا اَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ٨٧ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

آيات مرا و احاطه نكرديد بآن از راه دانش آيا چه كاری بود كه ميكرديد و واقع آمد گفته بر ايشان

بِمَا ظَلَمُوْا فَهُمْ لَا يَنْطِقُوْنَ ٨٨ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا الَّيْلَ لِيَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ

بآنچه ستم كردند پس ايشان سخن نگويند آيا نديدند كه ما گردانيديم شب را تا آرام گيرند در آن و روز

مُبْصِرًا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ٨٩ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ فَفَزِعَ

بينش بخش بدرستيكه در اين هر آينه نشانه‌هاست برای گروهی كه ميگروند و روزيكه دميده ميشود در صور پس بترسد

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَآءَ اللّٰهُ وَكُلٌّ اَتَوْهُ دٰخِرِيْنَ ٩٠ وَ

هر كه در آسمانها و هر كه در زمين است بجز آنكه خواست خدا و همه آيند او را ذليلان و

تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَّهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِيْٓ اَتْقَنَ كُلَّ

ميبينی كوهها را كه ميپنداری آنها را ساكن و حال آنكه آنها ميروند گذشتن ابر كردار خدا كه درست كرد هر

شَيْءٍ اِنَّهٗ خَبِيْرٌ بِمَا تَفْعَلُوْنَ ٩١ مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ

چيزی را بدرستيكه او آگاه است بآنچه ميكنيد آنكه آورد خوبی را پس مر او راست بهتر از آن و ايشان از ترس

قوله سبحانه ... حضرت صادق عليه السلام ...

تُكِنُّ
بضم يا و كسر كاف و ضم نون مشدده

جَآءُوْ
بضم همزه و سكون واو

اَتَوْهُ
بفتح همزه بلا الف و فتح تا و سكون واو

يَوْمَئِذٍ

يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ٩٢ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ
روزی چنین ایمنانند وهر که آورد بدیرا پس نگونسار شد رویهای ایشان در آتش آیا جزا داده میشوید
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٣ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي
بجز آنچه هستید که میکنید جز این نیست فرموده نشدم مگر که بپرستم پروردگار این بلده را آنکه
حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ٩٤ وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ
حرام کرد مر اوراست همه چیزی وفرموده شدم که باشم از منقادان وانیکه میخوانم قرآنرا
فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ ٩٥
پس آنکه هدایت یافت پس جز این نیست که هدایت نخرد بجز برای خودش وهر که گمراه شد پس بگو جز این نیستم که من از بیم کنندگانم
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
وبگو ستایش خدارا بزودی بنماید بشما آیاتش پس بشناسید آنها ونیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید

سُورَةُ الْقَصَصِ ثَمَانٍ وَثَمَانُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٢٨)

الا الآيات ٥٢ الى ٥٥ فمدنية وآية ٨٥ بالجحفة اثناء الهجرة نزلت بعد النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

طسم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ
این است آیتهای کتاب روشن میخوانیم بر تو از خبر موسی وفرعون
بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٣ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا
براستی برای گروهی که میگروند بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین وگردانید اهل آنرا گروه گروه
يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ
ضعیف میداشت طایفه از ایشانرا میکشت پسرانشانرا وزنده میگذاشت زنانشانرا که او بود از
الْمُفْسِدِينَ ٤ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
فسادکنندگان ومیخواستیم که منت گذاریم بر آنانکه ضعیف داشته شدند در زمین وگردانیم ایشانرا
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ٥ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ
پیشوایان وگردانیم ایشانرا وارثان وتمکین گردانیم مر ایشانرا در زمین وبنمایانیم فرعون و
هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ٦ وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى
هامان ولشکرهای آندورا از ایشان آنچه بودند که بیم داشتند ووحی کردیم بسوی مادر موسی
أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي
که شیر ده اورا پس چون بترسی بر آن پس بیفکن اورا در دریا ومترس وغمناک مشو
إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ٧ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ
که بدرستیکه ما بازگرداننده ایم اورا بتو وگرداننده ایم اورا از فرستادگان برسالت پس برگرفتند اورا کسان فرعون
لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ٨
تا باشد مر ایشانرا دشمنی واندوهی بدرستیکه فرعون وهامان ولشکرهاشان بودند خطاکاران

فَكُبَّتْ: بضم کاف وفتح باء مشدده
الْبَلْدَةِ: بفتح با وسکون لام
أَتْلُوَ: بفتح همزه مقطوعه وسکون تا وضم لام وفتح واو
طسم: سین وميم مد میخواهد
أَبْنَاءَهُمْ: بتقديم با بر نون
أَرْضِعِيهِ: بفتح همزه مقطوعه
خِفْتِ: بکسر تا
فَأَلْقِيهِ: بفتح همزه مقطوعه
إِلَيْكِ: بکسر کاف

وقالت

وقالت امرأت فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى أن ينفعنا أو
وگفت زن فرعون آسایش چشمست مرا و ترا مکشید اورا بو که سود رساند ما را و
نتخذه ولدا وهم لا يشعرون ٩ وأصبح فؤاد أم موسى فارغا إن كادت
بگیریم اورا فرزندی وایشان نمیدانستند وگردید دل مادر موسی تهی چنانکه نزدیک بود
لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين ١٠ وقالت
که آشکارا کند آنرا اگر نه آنکه بستیم بر دلش تا باشد از مؤمنان وگفت
لأخته قصيه فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون ١١ وحرمنا عليه
مر خواهرشرا که از پی برو آنرا پس دیدش از دور وایشان نمیدانستند وحرام کردیم برو
المراضع من قبل فقالت هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم وهم
شیر دهنده را از پیش پس گفت آیا دلالت بکنم شمارا بر کسان خانه که تکفل او شوند برای شما وایشان
له ناصحون ١٢ فرددناه إلى أمه كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم أن
باشند برای اوی غمخواران پس برگردانیدیم اورا بمادرش تا آنکه بیاساید چشم او و اندوهگین نباشد وتا بداند که
وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون ١٣ ولما بلغ أشده واستوى
وعدهٔ خدا حق است ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند وچون رسید بکمال قوتش واعتدال یافت
آتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين ١٤ ودخل المدينة على
دادیم اورا حکم وعلم وهمچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا وداخل شد بشهر بر
حين غفلة من أهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته و
وقت غفلت از اهلش پس یافت درآن دو مرد را که مقاتله میکردند این یکی از شیعهٔ او بود و
هذا من عدوه فاستغاثه الذي من شيعته على الذي من عدوه فوكزه
آن یک از دشمن او پس یاری طلبید اورا آنکه او بود از شیعهٔ او برآنکه بود از دشمنش پس مشت زد
موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين ١٥
موسی پس کشت اورا گفت این از کردار دیو رجیم است بدرستیکه او دشمن گمراه کننده آشکار است
قال رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور الرحيم ١٦
گفت پروردگارا بدرستیکه من ستم کردم بنفس خود پس بیامرز مرا پس آمرزید مراورا بدرستیکه اوست آمرزنده مهربان
قال رب بما أنعمت علي فلن أكون ظهيرا للمجرمين ١٧ فأصبح في المدينة
گفت ای پروردگار من بسبب آنکه انعام کردی برمن پس هرگز نشوم پشت بانگ گنهگاران پس گشت در شهر
خائفا يترقب فإذا الذي استنصره بالأمس يستصرخه قال له موسى
ترسان منتظر بود پس آنگاه آنکه یاری خواسته بود دیروز فریادرسی طلبید اورا گفت مر اورا موسی
إنك لغوي مبين ١٨ فلما أن أراد أن يبطش بالذي هو عدو لهما
که تو هرآینه گمراه آشکاری پس چون خواست که حمله کند بآنکه او دشمن بوده آن دورا
قال يا موسى أتريد أن تقتلني كما قتلت نفسا بالأمس إن تريد إلا أن
گفت ای موسی میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی تنی را دیروز نمیخواهی مگر آنکه

لتبدي بفتح لام وسكون با
فبصرت بضم صاد
تحزن بفتح نون
غفلة بفتح غين

تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ١٩ وَجَاءَ

باشی ستمگار در زمین ونمیخواهی که باشی از اصلاح کنندگان وآمد

رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ

مردی از منتهای آن شهر که میشتافت گفت ای موسی بدرستیکه جماعت مشورت میکنند بابی

لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ٢٠ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ

که بکشند تورا پس بیرون رو بدرستیکه من تورا از نیکخواهانم پس بیرون رفت از آن شهر ترسان مترصد میبود

قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٢١ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى

گفت پروردگار من نجات ده مرا از گروه ستمگاران و چون متوجه شد بسمت مدین گفت شاید

رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ٢٢ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً

پروردگار من که راه نماید مرا میان راه و چون وارد شد باب مدین یافت بر آن گروهیرا

مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ ٢٣ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا

از مردمان که آب میدادند مواشی خودرا و یافت غیر از ایشان دو زن را که منع میکردند گفت چیست

خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ٢٤ فَسَقَى

کار شما گفتند آب نمیدهیم تا آنکه باز گردند شبانان و پدر ما پیری بزرگ پس آب داد

لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ٢٥ فَجَاءَتْهُ

مر آنها را پس برگشت بسوی سایه پس گفت پروردگار من بدرستیکه من بر آنچه فرو فرستادی بمن از خیر محتاجم پس آمد اورا

إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ

یکی از آن دو زن که راه میرفت بر آزرم گفت بدرستیکه پدرم میخواند تورا تا آنکه پاداش دهد تورا مزد آنچه آب دادی

لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

مر مارا پس چون آمد اورا و خواند بر او قصه‌ها را گفت مترس که نجات یافتی از گروه ستمگاران

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ٢٧

گفت یکی از آن دو زن ای پدر بمزدوری گیر اورا که بهتر کسیست که بمزدوری گرفتی توانا و امین است

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ

گفت که من میخواهم اینکه تزویج نمایم با تو یکی از دو دختر مرا این دو تا بر آنکه مزدور شوی مرا هشت سال

فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ

پس اگر تمام گردانی ده سال را از نزد تواست و نمیخواهم که رنج نهم بر تو بزودی خواهی یافت مرا اگر خواهد

اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٢٨ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ

خدا از شایستگان گفت اینست میان من و میان تو که هر کدام از دو مدت را بپایان رسانم

فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٢٩ فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ

پس زیادتی نباشد بر من و خدا بر آنچه میگوییم وکیل است پس چون بپایان رسانید موسی مدت را

وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي

و روان شد با اهلش دید از جانب طور آتشی را گفت مر اهلش را درنگ کنید که من دیدم آتشی را باشد

یصدر
بضم یا و کسر دال و فتح را

انکحک
بفتح همزه و کسر کاف اول و فتح کاف دوم

آتیکم

آتيكم منها بخبر او جذوة من النار لعلكم تصطلون ٢٩ فلما اتيها نودي
که آورم شما را از آن خبری یا گیرانیده شعلهٔ از آتش باشد که شما گرم شوید پس چون آمد او را ندا کرده شد

من شاطئ الواد الايمن في البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى اني
از کنار آن وادی طرف راست در قطعهٔ زمین برکت داده شده از درخت که ای موسی بدرستیکه من

انا الله رب العالمين ٣٠ وان الق عصاك فلما راها تهتز كانها جان
منم خدای پروردگار جهانیان و اینکه بینداز عصایت را پس چون دید آنرا که حرکت میکرد گویا آنمار بود

ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انك من الامنين ٣١ اسلك
برگشت بازپس رونده و رجوع نکرد یا موسی پیش آ و مترس بدرستیکه تو از ایمنانی درآور

يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء واضمم اليك جناحك من
دستت را در گریبانت بیرون آید نورانی از غیر بدی و فراهم آور بسوی خود بالت را از

الرهب فذانك برهانان من ربك الى فرعون وملائه انهم كانوا قوما
ترس پس این دو تا دو دلیلند از پروردگارت بسوی فرعون و جماعتش بدرستیکه بودند آنها گروهی

فاسقين ٣٢ قال رب اني قتلت منهم نفسا فاخاف ان يقتلون ٣٣ و
تباه کاران گفت پروردگارا بدرستیکه من کشتم از ایشان تنی پس میترسم که بکشند مرا و

اخي هرون هو افصح مني لسانا فارسله معي ردءا يصدقني اني اخاف
برادرم هرون او فصیح تر است از من بزبان پس بفرست او با من مددکار که تصدیق کند مرا که من میترسم

ان يكذبون ٣٤ قال سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا
که تکذیب کنند مرا گفت بزودی سخت گردانیم بازوی تو را ببرادرت و بگردانیم برای شما تسلطی پس

يصلون اليكما بآياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون ٣٥ فلما جاءهم موسى
نمیرسند بسوی شما بسبب آیتهای ما شما و آنکه پیروی کرد شما را غالبانید پس چون آمد ایشانرا موسی

بآياتنا بينات قالوا ما هذا الا سحر مفترى وما سمعنا بهذا في آبائنا
با آیتهای روشن ما گفتند نیست این بجز جادوئی بسته شده و نشنیدیم ما این را از پدران

الاولين ٣٦ وقال موسى ربي اعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن تكون
که پیشینیان اند و گفت موسی پروردگار من داناتر است بهر که آمد بهدایت از نزد او و کی که باشد

له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون ٣٧ وقال فرعون يا ايها الملا
مر او را انجام آن سرای بدرستیکه او رستگار نشوند ستمکاران و گفت فرعون ای جماعت

ما علمت لكم من اله غيري فاوقد لي يا هامان على الطين فاجعل لي
نمیدانم شما را هیچ خدائی جز من پس برافروز برای من ای هامان بر گل پس بساز برایم

صرحا لعلي اطلع الى اله موسى واني لاظنه من الكاذبين ٣٨ واستكبر
کوشکی باشد که من اطلاع پیدا کنم بخدای موسی و بدرستیکه من هر آینه گمان دارم او را از دروغگویان و بزرگی کرد

هو وجنوده في الارض بغير الحق وظنوا انهم الينا لا يرجعون ٣٩ فاخذناه
او و لشکرهایش در زمین بناحق و گمان بردند که ایشان بسوی ما باز نمیگردند پس گرفتیم او را

اتیها بفتح همزه بلا الف

اقبل بفتح همزه مقطوع وکسر باء موحده

ان یقتلون بکسر نون

ردءا بکسر راء وسکون دال وفتح همزه منونه

ان یکذبون بکسر نون

من اله بکسر همزه

اله بکسر همزه

وجنوده فنبذناهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين ٤٠ وجعلناهم
و لشکریانش را پس انداختیم آنهارا در دریا پس بنگر چگونه باشد انجام ستمگاران و گردانیدیم آنهارا

أئمة يدعون إلى النار ويوم القيامة لا ينصرون ٤١ وأتبعناهم في هذه
پیشوایان که میخوانند بسوی آتش و در روز قیامت یاری کرده نشوند و از پی گردانیدیم آنهارا در این

الدنيا لعنة ويوم القيامة هم من المقبوحين ٤٢ ولقد آتينا موسى الكتاب
دنیا لعنت را و روز قیامت ایشانند از زشت شدگان و بحقیقت دادیم موسی را کتاب

الأولى بضم همزه و سکون واو

من بعد ما أهلكنا القرون الأولى بصائر للناس وهدى ورحمة لعلهم
از بعد آنکه هلاک کردیم اهل قرنهای پیشینه را که مایه بینش است برای مردمان و هدایت و رحمت است باشد

يتذكرون ٤٣ وما كنت بجانب الغربي إذ قضينا إلى موسى الأمر وما
که ایشان پند گیرند و نبودی تو در جانب غربی آن هنگام که گزارش دادیم بسوی موسی امر را و نه

كنت من الشاهدين ٤٤ ولكنا أنشأنا قرونا فتطاول عليهم العمر
بودی تو از حاضران ولیکن ما آفریدیم قرنهارا پس دراز شد برایشان مدت زندگی

مرسلین بکسر سین

وما كنت ثاويا في أهل مدين تتلو عليهم آياتنا ولكنا كنا مرسلين ٤٥
و نبودی تو مقیم در اهل مدین که بخوانی برایشان آیات مارا ولیکن ما بودیم ما فرستنده

وما كنت بجانب الطور إذ نادينا ولكن رحمة من ربك لتنذر قوما ما
و نبودی تو بجانب طور وقتیکه ندا کردیم ولیکن رحمتی است از پروردگارت تا بیم دهی گروهی را که

أتیهم بفتح همزه بی الف

أتاهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون ٤٦ ولولا أن تصيبهم
نیامد ایشان را هیچ بیم کننده پیش از تو باشد که ایشان پند گیرند و اگر نه آنبود که برسد آنهارا

فنتبع بفتح عین

مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا فنتبع
مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای آنها پس میگفتند پروردگارا چرا نفرستادی بما فرستاده پس پیروی کردیمی

آياتك ونكون من المؤمنين ٤٧ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لولا
آیات ترا و بودیم از مؤمنان پس چون آمد ایشانرا حق از نزد ما گفتند چرا

أوتی بضم همزه و سکون واو در هر سه موضع

أوتي مثل ما أوتي موسى أولم يكفروا بما أوتي موسى من قبل قالوا سحران
داده نشد مانند آنچه داده شد موسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شد موسی از پیش گفتند دو ساحرند

تظاهرا وقالوا إنا بكل كافرون ٤٨ قل فأتوا بكتاب من عند الله هو
هم پشت شده‌اند و گفتند که ما بهمه کافرانیم بگو پس بیاورید کتابی را از نزد خدا که آن

أتبعه بفتح همزه مقطوعه

أهدى منهما أتبعه إن كنتم صادقين ٤٩ فإن لم يستجيبوا لك فاعلم
هدایت کننده تر باشد از آن دو تا پیروی کنم آنرا اگر هستید راستگویان پس اگر اجابت نکنند مر ترا پس بدان

أنما يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هواه بغير هدى من الله
که پیروی میکنند هوسهای خودرا و کیست گمراه تر از آنکه پیروی کرد خواهش خودرا بی هدایتی از خدا

إن الله لا يهدي القوم الظالمين ٥٠ ولقد وصلنا لهم القول
بدرستیکه خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را و بحقیقت پیوسته گردانیدیم برای ایشان گفتار را

نصف الجزو

لعلهم يتذكرون ٥٢ الذين اتيناهم الكتاب من قبله هم به يؤمنون ٥٣ و
باشد كه ايشان پند گيرند آنانكه داديم ايشانرا كتاب از پيش ايشان بآن ايمان مياورند و

اذا يتلى عليهم قالوا امنا به انه الحق من ربنا انا كنا من قبله مسلمين ٥٤
چون خوانده ميشود بر ايشان گويند گرويديم ما بآن بدرستيكه آن حق است از پروردگار ما كه بوديم ما پيش از آن منقادان

اولئك يؤتون اجرهم مرتين بما صبروا ويدرءون بالحسنة السيئة و
آن گروه داده ميشوند مزدشانرا دوبار بسبب آنچه بودند صبر كردند و دفع ميكنند بخوبي بديرا و

مما رزقناهم ينفقون ٥٥ واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه وقالوا لنا
از آنچه روزيشان داديم نفقه ميدهند و چون بشنوند لغورا روبگردانند از آن و گويند مر ماراست

اعمالنا ولكم اعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين ٥٦ انك لا تهدي
اعمال ما و مر شماراست اعمال شما سلام بر شما نميجوئيم نادانانرا بدرستيكه تو هدايت نكني

من احببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو اعلم بالمهتدين ٥٧ وقالوا
هر كرا دوست داري وليكن خدا هدايت كند هر كرا بخواهد و او داناتراست بهدايت شدگان و گفتند

ان نتبع الهدى معك نتخطف من ارضنا اولم نمكن لهم حرما امنا يجبى
اگر پيروي نمائيم هدايت را با تو ربوده شويم از زمين خود آيا جاي نداديم ايشانرا در حرمي ايمن كه برده ميشود

اليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم لا يعلمون ٥٨ وكم
بسوي آن ميوجات همه چيز روزي از نزد ما وليكن بيشتر ايشان نميدانند و چه بسيار

اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم
از قريه كه هلاك كرديم كه كفران نمايند معيشت آن پس اينست مسكنهاشان كه مسكون نشد بعد ايشان

الا قليلا وكنا نحن الوارثين ٥٩ وما كان ربك مهلك القرى حتى
مگر اندكي و هستيم ما وارثان و نباشد پروردگار تو هلاك كننده قريه ها تا

يبعث في امها رسولا يتلوا عليهم اياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها
آنكه برانگيزد در اصلش رسولي كه بخواند برايشان آيات مارا و نيستيم ما هلاك كننده قريه ها مگر واهل آنها

ظالمون ٦٠ وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند
باشند ستمگاران و آنچه داده شديد از چيزي پس مايه تعيش زندگاني دنيا و پيرايش و آنچه نزد

الله خير وابقى افلا تعقلون ٦١ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه
خداست بهتر و پاينده تراست آيا پس در نمي يابيد آيا آنكه وعده اش داديم وعده نيكو پس او دريابنده

كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة من المحضرين ٦٢ ويوم
آنست مانند كسيست كه داديم اورا مايه تعيش زندگاني دنيا پس او روز قيامت از حاضرشدگانست و روزيكه

يناديهم فيقول اين شركاءي الذين كنتم تزعمون ٦٣ قال الذين حق عليهم
ندا كند ايشانرا پس گويد كجايند انبازان من آنانكه بوديد گمان ميكرديد گفتند آنانكه لازم شد برايشان

القول ربنا هؤلاء الذين اغوينا اغويناهم كما غوينا تبرانا اليك
گفتار پروردگارا اين گروه آنانند كه گمراه كرديم گمراه كرديم ايشانرا چنانكه گمراه شديم بيزاري نموده بازگشتيم بسوي تو

نتخطف
بنكوشويم [illegible]

يجبى
بناء مضمومه جيم ساكنه وباء مفتوحه والف در آخر

مَا كَانُوٓا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ٦٤ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا

[illegible]

لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ٦٥ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ

[illegible]

أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ٦٦ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ ٦٧ فَأَمَّا

[illegible]

مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰٓ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ٦٨ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا

[illegible]

يَشَآءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٩ وَ

[illegible]

رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٠ وَهُوَ اللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

[illegible]

لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٧١ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ

[illegible]

جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ

[illegible]

بِضِيَآءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ٧٢ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ

[illegible]

يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ٧٣

[illegible]

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ

[illegible]

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٧٤ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ

[illegible]

تَزْعُمُونَ ٧٥ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوٓا

[illegible]

أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٧٦ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ

[illegible]

فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَٰهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوٓأُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ

[illegible]

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ٧٧ وَابْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ اللَّهُ

[illegible]

الدار الآخرة ولا تنس نصيبك من الدنيا وأحسن كما أحسن الله اليك
سرای آخرت را و فراموش مکن بهره خود را از دنیا و نیکی کن چنانچه نیکی کرد خدا بسوی تو
ولا تبغ الفساد في الأرض إن الله لا يحب المفسدين ۷۸ قال إنما أوتيته
و مجوی تباه کاری را در زمین بدرستیکه خدا دوست نمیدارد تباه کاران را گفت جز این نیست که داده شدم آنرا
على علم عندي أولم يعلم أن الله قد أهلك من قبله من القرون من هو
بر دانشی که نزد منست آیا ندانست که خدا بتحقیق هلاک گردانید پیش از او از اهل قرنها آنرا که او
أشد منه قوة وأكثر جمعا ولا يسأل عن ذنوبهم المجرمون ۷۹ فخرج
سخت تر بود از او بقوت و بیشتر بود از جمعیت و پرسیده نشوند از گناهان ایشان گناهکاران پس بیرون آمد
على قومه في زينته قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يا ليت لنا مثل
بر قومش در زینتش گفتند آنانکه میخواستند زندگانی دنیا را ای کاش بودی ما را مانند
ما أوتي قارون إنه لذو حظ عظيم ۸۰ وقال الذين أوتوا العلم
آنچه داده شد قارون بدرستیکه او هر آینه صاحب بهره بزرگ است و گفتند آنانکه داده شدند دانش را
ويلكم ثواب الله خير لمن آمن وعمل صالحا ولا يلقيها إلا الصابرون ۸۱
وای بر شما ثواب خدا بهتر است برای آنکه گروید و کرد کار شایسته و داده نشوند آنرا بجز شکیبایان
فخسفنا به وبداره الأرض فما كان له من فئة ينصرونه من دون
پس فرو بردیم او و خانه اش را بر زمین پس نبود مراو را هیچ گروهی که یاریش کنند غیر از
الله وما كان من المنتصرين ۸۲ وأصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس
خدا و نبود از یاری کرده شدگان و بامداد کردند آنانکه آرزو کردند مرتبه اش را دیروز
يقولون ويكأن الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر لولا أن
میگفتند وای ندانی که خدا گشاده میکند روزی را برای هر که میخواهد از بندگانش و تنگ میکند اگر نبودی
من الله علينا لخسف بنا ويكأنه لا يفلح الكافرون ۸۳ تلك
منت نهادن خدا بر ما هر آینه فرو برده بود ما را آیا نمیدانی که رستگار نشوند کافران آنست
الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الأرض ولا فسادا
سرای آخرت گردانیدیم آنرا برای آنانکه نمیخواهند برتری را در زمین و نه فساد را
والعاقبة للمتقين ۸۴ من جاء بالحسنة فله خير منها ومن جاء
و انجام نیک مر پرهیزگاران راست هر که آورد نیکی را پس مراوراست بهتر از آن و هر که آورد
بالسيئة فلا يجزى الذين عملوا السيئات إلا ما كانوا يعملون ۸۵
کار بد را پس جزا داده نشوند آنانکه کردند بدیها را بجز آنچه بودند میکردند
إن الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد قل ربي أعلم
بدرستیکه آنکه واجب ساخت بر تو قرآن را باز گرداننده است ترا بجای بازگشت بگو پروردگار من داناتر است
من جاء بالهدى ومن هو في ضلال مبين ۸۶ وما كنت ترجوا أن يلقى
بآنکه آورد هدایت را و آنکه اوست در گمراهی آشکار و نبودی تو که آرزو کنی که القا کرده شود

قوله سبحانه
ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد یعنی بدرستیکه کسی که فرض کرد بر تو قرآن را البته باز میگرداند ترا ای رسول بسوی معاد و حدیثی از حضرت سجاد روایت علیه السلام کرده که فرمود بدرستیکه رسول خدا بسوی شما بعد از حضرت ائمه هدی علیهم صلوات الله اجمعین از حضرت باقر علیه السلام مانورا است که ذکر شد در نزد او جابر فرمود خدا رحمت کند جابر را

ما اُوتی
بضم همزه و سکون واو

اُوتوا
بضم همزه و سکون واو

کار رسید از علم خود مرتبه که شناخت تاویل این آیه را یعنی رجعت ائمه علیهم السلام را و در کنز الفوائد از حضرت ابو عبدالله روایت کرده که فرمود والله منقضی نمیشود دنیا و منقرض نمیگردد تا آنکه اجتماع نمایند حضرت رسول خدا و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام و بنا گذارند در ثویه که موضعی است در کوفه مسجدی که از برای آن دوازده هزار باب است و آن از آیات دالّه بر رجعت حضرات ائمه معصومین و طهارت علیهم السلام است ۱۲

إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ٨٧ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ

بتو کتاب بجز رحمت از پروردگار تو پس مباش البته پشتیبان کافران را و باید که باز ندارند ترا از آیتهای

اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٨٨ وَلَا تَدْعُ مَعَ

خدا بعد از آنکه فرو فرستاده شد بتو و بخوان بسوی پروردگارت و مباش البته از شرک آورندگان و مخوان با

اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خدا خدائی دیگر را نیست خدائی جز او همه چیزی هلاک شونده است بجز ذات او مر او راست حکم و بسوی او باز گردانیده شوید

سورة العنكبوت تسع وستون آية وهي مكية (٢٩)

از اول سوره الی آخر آیه ولیعلمن الله الذین ... نزلت بعد الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الم ١ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ٢ وَلَقَدْ

آیا پنداشتند مردم که واگذاشته میشوند که بگویند ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند و بتحقیق

فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ٣

آزمودیم آنانرا که بودند پیش از ایشان پس هر آینه میداند خدا آنانرا که راست گفتند و هر آینه میداند البته دروغگویانرا

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ٤ مَنْ كَانَ

یا پنداشتند آنانکه میکنند کارهای بد که عاجز کنند ما را بد است آنچه حکم میکنند کسیکه باشد

يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا

که امیدوار باشد ملاقات خدا را پس هر آینه وقت مقدر خدا هر آینه آینده است و اوست شنوا دانا و هر که مجاهده کند پس

يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ٦ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مجاهده میکند مگر برای خودش بدرستیکه خدا بی نیاز است از جهانیان و آنانکه ایمان آوردند و کار شایسته کردند

لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٧ وَ

هر آینه محو میسازیم از ایشان گناهان ایشانرا و هر آینه جزا دهیم ایشانرا بهتر از آنچه بودند که میکردند و

وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ

وصیت کردیم انسانرا بوالدینش نیکوئی را و اگر جهد و تکلیف کنند ترا که شریک سازی بمن آنچه نیست

لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٨ وَالَّذِينَ

مر ترا بآن دانشی پس فرمان مبر آنها را بسوی منست بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه بودید که میکردید و آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ٩ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه درآوریم ایشانرا در زمره شایسته کاران و از مردمان کسیست که

يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ

میگوید گرویدیم بخدا پس چون آزار رسیده شود در راه خدا میگرداند بلای مردمان مانند عذاب خدا

وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا

و هر آینه اگر آید نصرتی از پروردگارت هر آینه میگویند البته بودیم با شما آیا نیست خدا داناتر بآنچه

في صدور العالمين ١٠ وليعلمن الله الذين آمنوا وليعلمن المنافقين ١١
در سینهای جهانیان و هر آینه البته بداند خدا آنانکه ایمان آوردند و هر آینه البته بداند منافقان را

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا ولنحمل خطاياكم وما هم
و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند متابعت کنید طریقه ما را و باید که برداریم گناهان شما را و نیستند ایشان

بحاملين من خطاياهم من شيء إنهم لكاذبون ١٢ وليحملن أثقالهم و
بردارنده از گناهان ایشان هیچ چیز را بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند و هر آینه البته بردارند بارهای خود را

أثقالا مع أثقالهم وليسألن يوم القيمة عما كانوا يفترون ١٣ ولقد
و بارهای دیگر با بارهای خود و هر آینه پرسیده شوند روز قیامت از آنچه بودند که افترا میبستند و هر آینه بتحقیق

أرسلنا نوحا إلى قومه فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاما فأخذهم
فرستادیم نوح را بسوی قومش پس بماند در ایشان هزار سال بغیر از پنجاه سال پس گرفت ایشانرا

الطوفان وهم ظالمون ١٤ فأنجيناه وأصحاب السفينة وجعلناها
طوفان و ایشان بودند ستمکاران پس نجات دادیم او را و اهل کشتی را و گردانیدیم آنرا

آية للعالمين ١٥ وإبراهيم إذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه ذلكم
نشانه برای جهانیان و ابراهیم را چون گفت مر قوم خود را که بپرستید خدا را و بترسید از او این

خير لكم إن كنتم تعلمون ١٦ إنما تعبدون من دون الله أوثانا و
بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید جز این نیست که میپرستید از غیر خدا بتان را و

تخلقون إفكا إن الذين تعبدون من دون الله لا يملكون لكم رزقا
می بندید دروغ را بدرستیکه آنانکه میپرستید از غیر خدا مالک نمیشوند برای شما روزی را

فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له إليه ترجعون ١٧
پس بجوئید نزد خدا روزی را و بپرستید مر او را و شکرگزاری کنید مر او را بسوی او باز میگردید

وإن تكذبوا فقد كذب أمم من قبلكم وما على الرسول إلا البلاغ المبين ١٨
و اگر تکذیب میکنید پس بتحقیق تکذیب کردند امتهای پیش از شما و نیست بر رسول مگر رسانیدن آشکار

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده إن ذلك على الله يسير ١٩
آیا ندیدند که چگونه نخست آفرید خدا خلق را پس اعاده میکند آنرا بدرستیکه این بر خدا آسانست

قل سيروا في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشأة
بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه آفرید خلق را پس خدا پدید آورد پدید آوردن

الآخرة إن الله على كل شيء قدير ٢٠ يعذب من يشاء ويرحم من يشاء
آخرت را بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست عذاب میکند هر کرا میخواهد و رحمت میکند هر کرا میخواهد

وإليه تقلبون ٢١ وما أنتم بمعجزين في الأرض ولا في السماء وما لكم
و بسوی او بر گردانیده میشوید و نیستید شما عاجز کنندگان در زمین و نه در آسمان و نیست مر شما را

من دون الله من ولي ولا نصير ٢٢ والذين كفروا بآيات الله ولقائه
از غیر خدا هیچ دوستی و نه یاوری و آنانکه کافر شدند بآیات خدا و ملاقاتش

أولئك

وليعلمن بفتح لام و ميم در هر دو موضع

وليحملن بضم لام و قصر

وليسئلن بضم لام و قصر

قوله تعالى [illegible]

أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۳ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ
آن گروه نومید شدند از رحمت من و آن گروه ایشان راست عذاب دردناک پس نبود جواب قومش

إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
بجز اینکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را پس نجات داد او را خدا از آتش بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۲۴ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ
مرگروهی را که میگروند و گفت جز این نیست که فرا گرفتید از غیر خدا بتان را از دوستی میان خودتان

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ
در زندگانی دنیا پس روز قیامت انکار خواهند کرد برخی از شما برخی را و لعنت کنند برخی از شما

بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۲۵ فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ
برخی را و جای شما است آتش و نیست مر شما را هیچ یاری کنندگان پس ایمان آورد مر او را لوط و گفت

إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲۶ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ
بدرستیکه من هجرت کننده‌ام بسوی پروردگارم بدرستیکه اوست غالب درستکردار و عطا کردیم مر او را اسحق و

يَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا
یعقوب و گردانیدیم در اولاد او پیغمبری را و کتاب را و دادیم باو اجر او را در دنیا

وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۲۷ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ
و بدرستیکه او در آخرت از شایسته کارانست و لوط را هنگامیکه گفت مر قومش را بدرستیکه شما مینمائید

الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۲۸ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
کار زشت را که پیشی نگرفت شما را بآن کار هیچکس از جهانیان آیا بدرستیکه هر آینه شما میآئید مردان را

وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا
و قطع میکنید راه را و میآئید در انجمنتان ناپسند را پس نبود جواب قومش مگر

أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۹ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي
اینکه گفتند بیاور بما عذاب خدا اگر هستی از راستگویان گفت ای پروردگار من یاری کن مرا

عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ۳۰ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا
بر گروه تباهکاران و چون آمدند فرستادگان ما ابراهیم را بمژده فرزند گفتند که ما

مُهْلِكُو أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ۳۱ قَالَ إِنَّ فِيهَا
هلاک کننده‌ایم اهل این قریه را بدرستیکه اهل آن هستند ستمکاران گفت بدرستیکه در آنست

لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ
لوط گفتند ما داناتریم بهر که در آنست هر آینه برهانیم او و اهلش را بجز زنش را که باشد از بازماندگان

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا
و چون که آمدند فرستادگان ما لوط را محزون شد بآنها و تنگ شد بآنها در طاقت و گفتند نه

تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۳۲
مترس و اندوه نخور که ما نجات دهنده‌ایم ترا و اهلت را بجز زنت را که باشد از بازماندگان

قوله تعالی
و فی روایت اسحق بن عمار ... الله الی قوله ما لکم من ناصرین در اصول کافی از حضرت صادق علیه السلام مرویست که کفر در این آیه بمعنی تبری است و در کتاب توحید از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که ماثور است همین معنی و ... ابراهیم ... ای کفرت ... من قبل و قول ابراهیم خلیل الرحمن کفرنا بکم یعنی تبری جستیم از شما و در ... از حضرت صادق علیه السلام مرویست که نیست ... در روز قیامت ... که لعن میکنند آن امام ایشان را و لعن میکنند ایشان امام خود را مگر شما و کسیکه بوده باشند بحال شما یعنی شیعیان حضرات ائمه از آل محمد علیهم السلام و در محاسن از آنحضرت مأثور است ... لعن کنند بعضی از ایشان مر بعضی را مگر شما شیعه ... شما پس ... مراد از ... حقوق آل محمد علیهم السلام است ۱۲

سیئ بهم
بکسر سین و ضمّ و بفتح همزه

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ٣٤

بدرستیکه ما فرستنده‌ایم بر اهل این قریه عذابی از آسمان بسبب آنچه بودند که فسق میکردند

وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٣٥ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ

وهر آینه واگذاشتیم از آن آیتی روشن برای گروهی که دریابند بعقل و بسوی مدین برادرشان

شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي

شعیب را پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را و امیدوار باشید روز بازپسین را و تباهکاری مکنید در

الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ٣٦ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ

زمین فساد کنندگان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا زلزله پس گردیدند در خانهاشان

جَاثِمِينَ ٣٧ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ

بر جا مردگان و عاد را و ثمود را و بتحقیق روشن گردید مر شما را از مسکنهاشان و آراست برایشان

الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ٣٨ وَقَارُونَ

دیو رجیم کردارشان را پس بازداشت ایشانرا از راه و بودند بینا شدگان و قارون

وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُم مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ

و فرعون و هامان را و هر آینه آمد ایشانرا موسی با معجزات پس سرکشی کردند در زمین

وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ٣٩ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

و نبودند پیشی گیرندگان پس هریک را گرفتیم بگناهش پس از آنها کسی بود که فرستادیم برو تندباد سنگبار

وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا

و از آنها کسی بود که گرفت او را فریاد مهلک و از آنها کسی بود که فرو بردیمش بزمین و از ایشان بود که غرق کردیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٤٠ مَثَلُ الَّذِينَ

و نباشد خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند آنها که بنفس خود ستم میکردند مثل کسانیکه

اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ

گرفتند از غیر خدا دوستان مثل عنکبوت که فرا گیرد خانه را و بدرستیکه

أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٤١ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا

سست ترین خانها هر آینه خانه عنکبوتست اگر باشند که بدانند بدرستیکه خدا میداند آنچه را

يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٤٢ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

میخوانند از غیر او از چیزی و او است غالب درست کردار و این مثلهاست که میزنیم آنها را

لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ٤٣ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

برای مردمان و درک نمیکنند آنها را جز دانشمندان آفرید خدا آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ٤٤ اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ

براستی بدرستیکه در این هر آینه آیتیست مر گروندگانرا بخوان آنچه وحی شده بتو از کتاب و

أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ

بر پا دار نماز را بدرستیکه نماز نهی میکند از کارهای زشت و ناپسند و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است و خدا

قوله تعالی وتلک الامثال نضربها للناس وما یعقلها الا العالمون فی روایه مراد از عالمون حضرت آل محمد علیهم السلام اند [illegible]

قوله سبحانه واقم الصلوة الخ [illegible]

يعلم ما تصنعون ٤٥ ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا
الذين ظلموا منهم وقولوا امنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم والهنا
والهكم واحد ونحن له مسلمون ٤٦ وكذلك انزلنا اليك الكتاب
فالذين اتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء من يؤمن به وما يجحد
باياتنا الا الكافرون ٤٧ وما كنت تتلوا من قبله من كتاب ولا تخطه
بيمينك اذا لارتاب المبطلون ٤٨ بل هو ايات بينات في صدور الذين
اوتوا العلم وما يجحد باياتنا الا الظالمون ٤٩ وقالوا لولا انزل عليه
ايات من ربه قل انما الايات عند الله وانما انا نذير مبين ٥٠ اولم
يكفهم انا انزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم ان في ذلك لرحمة و
ذكرى لقوم يؤمنون ٥١ قل كفى بالله بيني وبينكم شهيدا ٥٢ يعلم ما
في السموات والارض والذين امنوا بالباطل وكفروا بالله اولئك هم
الخاسرون ٥٣ ويستعجلونك بالعذاب ولولا اجل مسمى لجاءهم
العذاب وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون ٥٤ يستعجلونك بالعذاب
وان جهنم لمحيطة بالكافرين ٥٥ يوم يغشاهم العذاب من فوقهم ومن
تحت ارجلهم ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون ٥٥ يا عبادي الذين امنوا
ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون ٥٦ كل نفس ذائقة الموت ثم

إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ٥٨ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

بسوی ما باز میگردید و آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه جای دهیم ایشانرا از بهشت

غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ٥٩ الَّذِينَ

غرفه هائیکه روانست از زیر آنها نهرها جاوید باشند در آن خوبست پاداش عمل کنندگان آنانکه

صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٦٠ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ

صبر کردند و بر پروردگارشان توکل میکنند و بسا از جنبنده که بر نمیدارد روزیش را خدا

يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦١ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

روزی میدهد او را و شما را و او است شنونده دانا و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ٦٢ اللَّهُ يَبْسُطُ

و زمین را و مسخر کرد آفتاب و ماه را هر آینه میگویند البته که خدا پس چگونه برگردانیده میشوید خداست که میگسترد

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٦٣ وَلَئِنْ

روزی را برای هر که بخواهد از بندگانش و تنگ میکند برای آن بدرستیکه خدا بر همه چیزی داناست و هر آینه اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ

بپرسی از آنها کیست که فرو فرستاد از آسمان آب را پس زنده کرد زمین را بعد از مردنش هر آینه میگویند

اللَّهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ٦٤ وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا

خداست بگو ستایش مر خدا را بلکه بیشتر آنها ادراک نمی یابند و نیست این زندگانی دنیا مگر

لَهْوٌ وَلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٦٥ فَإِذَا رَكِبُوا

هزلی و بازیی و بدرستیکه سرای آخرت هر آینه آنست زندگانی جاوید اگر باشند که بدانند پس چون سوار شدند

فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

در کشتی برخوانند خدا را خالص کنندگان برای او دین را پس چون رهانید ایشانرا بسوی بیابان آنگاه ایشان شرک میآورند

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ٦٦ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا

تا کفران ورزند بآنچه دادیم ایشانرا و کامیاب شوند پس بزودی بدانند آیا ندیدند بدرستیکه گردانیدیم ما حرمی را

آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ٦٧

امن و ربوده میشوند مردمان از پیرامونشان آیا پس بباطل میگروند و بنعمت خدا کفران میورزند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

و کیست ستمکارتر از آنکه بست بر خدا دروغی را یا تکذیب کرد حق را چون آمد او را آیا نیست در دوزخ خوابگاه

لِلْكَافِرِينَ ٦٨ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ٦٩

مر کافرانرا و آنانکه مجاهده کردند در راه ما هر آینه هدایت ایشان نمائیم براههای خودمان و بدرستیکه خدا با نیکوکارانست

(٣٠) سُورَةُ الرُّومِ سِتُّونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الا آیه فسبحان الله حین تمسون الخ فانها نزلت بمدینة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قوله سبحانه

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم الی آخر یعنی آنانکه کوشش کردند در حق ما و اقامت دین ما برود اخلاص بالنفس اعم که جهاد اکبر است و یا بالکفار که جهاد اصغر است هر آینه نمائیم ایشانرا راههای حق و بدرستیکه خدا با نیکوکار است حضرت باقر بروایت قمی فرمودند این آیه از برای آل محمد و از برای شیعیان ایشانست و بها حضرت بروایت عیاشی از امیرالمؤمنین روایت نموده که آنجناب فرمودند ما باشیم بدرستیکه از برای

الحیوان

بفتح یا

من مخصوص است در قرآن استماع کنید ... آنکه خدا کنید بر آنها اگر بشوید در دین و بعد فرموده محسن و تلاوت فرموده ان الله لمع المحسنین والسلام

الم

الٓمٓ غُلِبَتِ الرُّومُ ۲ فِی أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۳
مغلوب شدند روم در نزدیکترین زمین وایشان از بعد مغلوب شدن ایشان بزودی غالب میشوند
فِی بِضْعِ سِنِينَ لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۴
در اندک سال مر خدا راست فرمان از پیش واز بعد ودراین روز شاد میشوند گروندگان
بِنَصْرِ اللّٰهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۵ وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ
بیاری خدا یاری میکند هر کرا میخواهد واوست غالب مهربان وعده خداست خلاف نمیکند خدا
وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۶ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا
وعده اش ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند میدانند ظاهری را از زندگانی دنیا
وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۷ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِی أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ
وایشان از آخرت ایشان بیخبرانند آیا واندیشه نمیکنند در خودشان که نیافریده خدا
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ
آسمانها وزمین را وآنچه میان آنهاست مگر بحق ومدت نام برده شده وبدرستیکه بسیاری از
النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۸ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ
مردمان بملاقات پروردگار ایشان هر آینه منکرانند آیا وسیر نمیکنند در زمین پس بنگرند که چگونه
كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَ
بود انجام آنانکه پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان بقوت وبرگردانیدند زمین را و
عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ
آباد کردند آنرا بیشتر از آنچه آباد کردند آنرا وآمد ایشانرا رسولان ایشان با معجزات پس نبود خدا
لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۹ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا
برآنکه ستم کند ایشانرا ولیکن بودند که بنفس خود ایشان ستم میکردند پس باشد انجام آنانکه بد کردند
السُّوأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ۱۰ اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ
بدتر که تکذیب کردند آیات خدا را وبودند که بآنها استهزا میکردند خدا میآفریند خلق را
ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۱۱ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۱۲ وَ
پس اعاده میکند آنرا پس بسوی او بازمیگردید وروزیکه برپا میشود رستخیز نومید شوند گنهکاران و
لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ۱۳ وَيَوْمَ
نباشد مر ایشانرا از انبازانشان شفیعان وباشند بانبازانشان منکران وروزیکه
تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ۱۴ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
برپا شود رستخیز در آنروز پراکنده میشوند پس اما آنانکه گرویدند وکردند کارهای شایسته
فَهُمْ فِی رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۱۵ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ
پس ایشان در بوستانی شادمان میباشند واما آنانکه کافر شدند وتکذیب کردند بآیات وملاقات
الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۱۶ فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ
آخرت را پس آنگروه در عذاب حاضر شوندگانند پس منزه است خدا بهر تنزیه شام میکنید

الٓمٓ
لام ومیم هر دو مد میخواهد
غَلَبِهِمْ
بفتح غین ولام

وَأَثَارُوا
بفتح همزه بلا مد

السُّوأَىٰ
بضم سین وسکون واو وفتح همزه پیش از الف

يُحْبَرُونَ
بضم یا وسکون حا وفتح باء موحده وضم را

وحين تصبحون ١٧ وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين
وو قتیکه بامداد میکنید و مراوراست ستایش در آسمانها و زمین و طرف آخر روز و هنگامیکه
تظهرون ١٨ يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحي الارض
ظهر میکنید بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را
بعد موتها وكذلك تخرجون ١٩ ومن اياته ان خلقكم من تراب ثم اذا
بعد از مردنش و همچنین بیرون آورده میشوید و از آیات اوست که آفرید شما را از خاک پس ناگاه
انتم بشر تنتشرون ٢٠ ومن اياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا
شما انسانید که پراکنده میشوید و از آیات اوست که آفرید برای شما از جنس شما جفتها تا آرام گیرید
اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون ٢١
با آنها و قرار داد میان شما دوستی و رحمت را بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای قومی که فکر میکنند
ومن اياته خلق السموات والارض واختلاف السنتكم والوانكم ان
و از آیات اوست که آفرید آسمانها و زمین را و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شما بدرستیکه
في ذلك لايات للعالمين ٢٢ ومن اياته منامكم بالليل والنهار و
در این هر آینه آیتهاست مر جهانیان را و از آیات اوست خواب شما در شب و روز و
ابتغاؤكم من فضله ان في ذلك لايات لقوم يسمعون ٢٣ ومن اياته
جستن شما از فضلش بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای گروهی که میشنوند و از آیات اوست
يريكم البرق خوفا وطمعا وينزل من السماء ماء فيحي به الارض بعد
مینماید بشما برق را از راه بیم و امید و فرو میفرستد از آسمان آب را پس زنده میکند بآن زمین را بعد
موتها ان في ذلك لايات لقوم يعقلون ٢٤ ومن اياته ان تقوم
از مردنش بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی که درمییابند بعقل و از نشانهای اوست که بپا باشد
السماء والارض بامره ثم اذا دعاكم دعوة من الارض اذا انتم
آسمان و زمین بامر او پس چون خواند شما را خواندنی از زمین آنگاه شما
تخرجون ٢٥ وله من في السموات والارض كل له قانتون ٢٦ وهو الذي
بیرون می آیید و مراوراست هر که در آسمان و زمین است همه مر او را فرمانبرانند و اوست آنکه
يبدؤا الخلق ثم يعيده وهو اهون عليه وله المثل الاعلى في السموات
می آفریند خلق را پس اعاده میکند آنرا و آن آسانتر است بر او و مر اوراست وصف برتری در آسمانها
والارض وهو العزيز الحكيم ٢٧ ضرب لكم مثلا من انفسكم هل لكم
و زمین و اوست غالب درست کردار زد برای شما مثلی از نفوس خودتان آیا مر شما راست
مما ملكت ايمانكم من شركاء في ما رزقناكم فانتم فيه سواء تخافونهم
از آنچه مالک شد دستهای شما از شریکان در آنچه روزی دادیم شما را در آن یکسانید میترسید از ایشان
كخيفتكم انفسكم كذلك نفصل الايات لقوم يعقلون ٢٨ بل
مانند ترسیدنتان از خودها این همچنین تفصیل میدهیم آیات را برای گروهی که درمییابند بلکه

للعالمين بکسر لام مرد عقیتر درهمه جا بفتح آمده الا در این موضع که بکسر است
وابتغاؤکم بفتح همزه و ضم بدون واو بعد بی اشباع

نصف

ابتع

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا

بلکه پیروی کردند آنانکه ستم کردند مرادهای خود را بدون دانشی پس که هدایت کند آنرا که گمراه گذاشت خدا و نیست

لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۲۹ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ

مر ایشانرا هیچ یاری کنندگان پس راست بدار رویت را برای دین حق گرای آفرینش خدای که آفرید

النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

مردمانرا بر آن نیست تبدیلی مر آفرینش خدا را آنست دین راست ولیکن بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۳۰ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

نمیدانند بازگردندگان بسوی او و بپرهیزید او را و بر پا دارید نماز را و نباشید از

الْمُشْرِكِينَ ۳۱ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۳۲

شرک آورندگان از آنانکه پاره پاره کردند دینشان را و بودند گروهها هر گروهی بآنچه نزد ایشانست شادمانند

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً

و چون رسید مردمانرا زیانی بخوانند پروردگارشانرا بازگردندگان بسوی او پس چون چشانید ایشانرا از او رحمتی

إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۳۳ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا

آنگاه گروهی از ایشان بپروردگارشان شرک میآورند تا کافر شوند بآنچه دادیمشان پس کامرانی کنید

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳۴ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ

پس بزودی بدانید یا فرو فرستادیم برایشان حجتی پس او تکلم میکند بآنچه بودند بآن

يُشْرِكُونَ ۳۵ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا

شرک میآوردند و چون بچشانیم مردمانرا رحمتی شاد شوند بآن و اگر برسد ایشانرا بدی بآنچه

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۳۶ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ

مقدم داشت دستهاشان آنگاه ایشان نومید شوند آیا ندیدند بدرستیکه خدا میگشاید روزیرا برای هر که خواهد

يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۳۷ فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ

تنگ میکند بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی که میگروند پس بده بصاحب قرابت حقش را و بیچاره

وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۳۸

و ابن السبیل را این بهتر است مر آنانرا که میخواهند رضای خدا را و آن گروه ایشانند رستگاران

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ

و آنچه میدهید از ربا تا افزاید در مالهای مردمان پس افزون نشود از نزد خدا و آنچه دادید از زکات

تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۳۹ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ

میخواهید رضای خدا را پس آن گروه ایشانند افزون کنندگان خداست که آفرید شما را پس روزی داد شما را

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَ

پس میمیراند شما را پس زنده میکند شما را آیا از شریکان شما کسی هست که کند از این هیچ چیز را منزه است او و

تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۴۰ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

برتر از آنچه شرک میآورند پیدا شد تباهی در دشت و دریا بسبب آنچه کسب کرد دستهای مردمان

قوله سبحانه فاقم وجهک للدین حنیفا الی آخر یعنی راست گردان روی خود را برای دین حق در حالیکه مایل باشی از همه ادیان باطله بدین اسلام و ظاهر خطاب بحضرت رسول است و مراد جمیع امت یعنی بر دین اسلام ثابت قدم باشید و بهیچ وجه بر نگردید از آن و ملازم شوید خلقت خدا را که دین اسلام باشد و بپیروی نمائید ملت آدم آنچنان ملتیکه آفرید مردمانرا بر آن فطرت و ملت اگر اضلال نکند ایشانرا و بحالت خود ایشان واگذارده شوند هر آینه ملازم شوند باین دین باین جهة فطرت نامیده شده و نسبت داده شده تغییر و تبدیل در خلق خدا چون نهی است بمعنی نفی و باین قسم معنی شد این دین خلقتی و مامور بودن مردم باستقامت بر آن کیش است درست و مستقیم است و هیچ کجی ندارد ولیکن بیشتر از مردمان نمیدانند استقامت آنرا بجهة عدم تدبر و تفکر در آن حضرت باقر برایت کافی

لیربو
بضم یا و فتح واو

فرموده مراد از این دین ولایت ائمه است و از حضرت رضا برایت قمی فرموده اند که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله است و حضرت صادق ع برروایت بصائر و توحید فرموده آن توحید است و محمد رسول الله و علی امیر المؤمنین و باین مضمون اخبار بسیار است آ

لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٤١ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

تا چشاند ایشانرا برخی از سزای آنچه کردند باشد که ایشان باز گشت نمایند بگو سیر کنید در زمین

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ ٤٢ فَأَقِمْ

پس بنگرید چگونه بود انجام آنانکه بودند از پیش که بودند بیشترشان مشرکان پس راست بدار

وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

روی ترا برای دین راست پیش از آنکه بیاید روزیکه نیست بازگردیدن مرآنرا از خدا چنین روز

يَصَّدَّعُونَ ٤٣ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ٤٤

جدا میشوند آنکس که کافر شد پس بر اوست کفر او و هر که کرد کار شایسته پس برای جانهاشان آماده میکنند

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ٤٥

تا جزا دهد آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از کرم خود بدرستیکه او دوست ندارد کافرانرا

وَمِنْ آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ

و از نشانهای اوست که میفرستد بادها را مژده دهندگان و تا چشاند شما را از رحمتش و تا روان گردد کشتی

بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٤٦ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ

بفرمانش و تا بخواهید از کرمش و باشد که شما شکر گزارید و بحقیقت فرستادیم پیش از تو

رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ

رسولانرا بسوی قومشان پس آمدند ایشان با حجتهای روشن پس انتقام کشیدیم از آنها که گناه کردند و باشد

حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ٤٧ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

ثابت بر ما یاری گروندگان خداست آنکه میفرستد بادها را پس بر انگیزد ابررا

فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

پس پهن کند آنرا در آسمان چنانکه میخواهد و میگرداند آنرا ابر هم نشسته پس می‌نگری باران که بیرون آید از

خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٤٨ وَإِن

رخنه هایش پس چون رساند بآن آنکه خواهد از بندگانش آنگاه ایشان شادی میکنند و اگر چه

كَانُوا مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ٤٩ فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ

بودند پیش از آنکه فرو فرستاده شود بر ایشان پیش از آن نومیدان پس بنگر بسوی اثرهای رحمت

اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

خدا چگونه زنده میکند زمین را بعد از مردنش بدرستیکه این همه نیز زنده کننده مردگانست و اوست بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥٠ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ٥١

چیزی توانا و هر آینه اگر فرستادیم بادیرا پس دیدند آنرا زرد شده هر آینه میگردیدند پس از آن کفران ورزنده

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ٥٢ وَمَا

پس تو نمیشنوانی مردگانرا و نمیشنوانی کرانرا بخواندن چون گردند پشت کنندگان و نیستی

أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ٥٣

تو راه نماینده کوران از گمراهیشان نمیشنوانی مگر کسیرا که ایمان آورد بآیات ما پس ایشان منقادانند

متعلق بصنیع بعد است قوله سبحانه فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنک الذین لا یوقنون یعنی صبر کن ای رسول بر جفاهای منافقان و مشرکان بدرستیکه وعده حق تعالی بنصرت تو بوجود حضرت قائم آل تو علیه السلام و اظهار دین تو بر جمیع ادیان حقست و از وقوع آن خبر کنند اینها ترا از خفت و سستی ... بسبب تکذیب کردن ایشان زیرا که ایشان اهل تشکیک و ضلالتند و یقین ندارند باقوال تو که از جانب حق تعالی است ... و نیز گویند حضرت امیر المؤمنین ...

فجاؤهم بضم همزه و سکون واو اشباع شده علیه السلام ... و ابن الکوا ...

کسفا بکسر کاف و فتح سین ... و آنرا میخواند ابن الکوا و لقد اوحی الیک و الی الذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین بعد ساکت گردید ... ابن الکوا ... تا آنکه سه دفعه ... آیه را در مرتبه سوم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فاصبر ان وعد الله حق و لا یستخفنک الذین لا یوقنون فی الاسلام

—١٢

اَللّٰهُ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ ضُعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضُعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
بَعْدِ قُوَّةٍ ضُعْفًا وَّشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْقَدِيْرُ ۵۴ وَيَوْمَ
تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُوْنَ ۵۵ مَا لَبِثُوْا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذٰلِكَ كَانُوْا
يُؤْفَكُوْنَ ۵۶ وَقَالَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْاِيْمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِىْ كِتٰبِ
اللّٰهِ اِلٰى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۵۷
فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنْفَعُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُوْنَ ۵۸ وَلَقَدْ
ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِىْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِاٰيَةٍ لَّيَقُوْلَنَّ الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُبْطِلُوْنَ ۵۹ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِ الَّذِيْنَ لَا
يَعْلَمُوْنَ ۶۰ فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِيْنَ لَا يُوْقِنُوْنَ

(۳۱) سورة لقمان اربع وثلثون آية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓمّٓ ۱ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ۲ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِيْنَ ۳ الَّذِيْنَ
يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ۴ اُولٰٓئِكَ
عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۵ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّشْتَرِىْ
لَهْوَ الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّخِذَهَا هُزُوًا اُولٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۶ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا وَلّٰى مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا

من ضعف ضعف و ضعفا بضم ضاد در هر سه موضع

اوتوا بضم همزه و سکون واو و اشباع شود

مثل بفتح میم و ثاء

كأن في أذنيه وقرا فبشره بعذاب أليم ٧ إن الذين آمنوا وعملوا

الصالحات لهم جنات النعيم ٨ خالدين فيها وعد الله حقا وهو العزيز

الحكيم ٩ خلق السموات بغير عمد ترونها وألقى في الأرض رواسي أن

تميد بكم وبث فيها من كل دابة وأنزلنا من السماء ماء فأنبتنا فيها

من كل زوج كريم ١٠ هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

بل الظالمون في ضلال مبين ١١ ولقد آتينا لقمان الحكمة أن اشكر

لله ومن يشكر فإنما يشكر لنفسه ومن كفر فإن الله غني حميد ١٢ وإذ

قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله إن الشرك لظلم عظيم ١٣

ووصينا الإنسان بوالديه حملته أمه وهنا على وهن وفصاله في

عامين أن اشكر لي ولوالديك إلي المصير ١٤ وإن جاهداك على أن

تشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا

واتبع سبيل من أناب إلي ثم إلي مرجعكم فأنبئكم بما كنتم تعملون ١٥ يا بني

إنها إن تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة أو في السموات أو في

الأرض يأت بها الله إن الله لطيف خبير ١٦ يا بني أقم الصلوة وأمر بالمعروف

وانه عن المنكر واصبر على ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور ١٧ ولا

تصعر خدك للناس ولا تمش في الأرض مرحا إن الله لا يحب كل مختال

فخور

فَخُورٍ ۱۸ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِكَ إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ

خود پسند را و میانه گزین در رفتن و بکاه از آواز بدرستیکه ناخوشترین آوازها آواز

الْحَمِيرِ ۱۹ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ

خران است آیا ندیدید که خدا رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و

أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ

و تمام کرد برای شما نعمتهای خود را ظاهر و باطن و از مردمان کسی هست که مجادله میکند در خدا بدون

عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ۲۰ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا

دانشی و نه هدایتی و نه کتابی روشن کننده و چون گفته شود مر ایشان را که پیروی کنید آنچه فرستاده خدا گفتند

بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ

بلکه پیروی میکنیم آنچه یافتیم بر آن پدران خود را آیا و اگرچه باشد دیو که میخواند ایشان را بسوی عذاب

السَّعِيرِ ۲۱ وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ

آتش افروخته و هر که خالص گرداند روی خود را بسوی خدا و او نیکوکار است پس بتحقیق چنگ زده بدستگیره

الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۲۲ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا

محکم و بسوی خداست عاقبت کارها و هر که کافر شد نباید محزون کند ترا کفرش بسوی ما

مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۲۳ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا

بازگشت ایشان پس خبر دهیم ایشان را بآنچه کردند بدرستیکه خدا داناست باسرار سینها کامیاب سازیم ایشان را اندکی

ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۲۴ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

پس مجبورشان سازیم بسوی عذاب سخت و هر آینه اگر پرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها و زمین را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۲۵ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ

هر آینه گویند خداست بگو ستایش مر خدای راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند مر خدا راست آنچه در آسمانها و

الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۲۶ وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ

زمین است بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده و اگر آنچه باشد که در زمین است از درخت قلمها

وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

و بحر مداد میسداد او را بعد از آن هفت دریا باخر نمیرسید کلمات خدا بدرستیکه خدا غالب

حَكِيمٌ ۲۷ مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۲۸

کردار است نیست آفرینش شما و نه برانگیختن شما مگر مانند یک تن بدرستیکه خدا شنوا و بیناست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ

آیا نبینی که خدا در می آورد شب را در روز و در می آورد روز را در شب و رام کرده آفتاب

وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۲۹ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ

و ماه را هر یک میروند تا مدتی نام برده شده و بدرستیکه خدا بآنچه میکنید آگاه است این بآنکه خدا

هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۳۰ أَلَمْ

اوست حق و آنکه آنچه را میخوانید از غیر خدا باطل است و بدرستیکه خدا اوست برتر بزرگ آیا

تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ اٰيَاتِهِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِكُلِّ
نديدي كه كشتي روانست در دريا بنعمت خدا تا بنمايد شما را از آياتش بدرستيكه در اين هر آينه نشانهاست براي هر
صَبَّارٍ شَكُورٍ ٣١ وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
صبر كننده شكر گزاري و چون فرو گيرد ايشان را موجي چون سايبانها بخوانند خدا را خالص كنندگان براي او دين را
فَلَمَّا نَجّٰيهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيَاتِنَا اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ٣٢ يَا اَيُّهَا
پس چون نجات داد ايشان را بسوي بيابان پس برخي از ايشان ميانه رو و انكار نكند بآيات ما مگر هر غدار ناسپاسي اي
النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ
مردمان بپرهيزيد پروردگار تان را و بترسيد از روزيكه كفايت نكند پدري از پسري و نه فرزندي او كفايت كننده است از
وَالِدِهِ شَيْئًا ٣٣ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ
پدرش چيزي را بدرستيكه وعده خدا حق است پس بايد نفريبد شما را زندگاني دنيا و بايد نفريبد شما را بخدا البته فريبنده
اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي
بدرستيكه خدا نزد اوست علم قيامت و فرو فرستد باران را و ميداند آنچه در رحمهاست و نميداند
نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ تَمُوتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
هيچكس كه چه كسب ميكند فردا و نميداند نفسي كه بكدام زمين ميميرد بدرستيكه خدا داناي آگاه است

سُورَةُ السَّجْدَةِ ثَلٰثُونَ اٰيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٣٢)

[illegible]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان
الٓمٓ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢ اَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰيهُ
فرو فرستادن كتاب نيست شكي در اين از پروردگار جهانيان آيا ميگويند بر بست بهم آنرا
بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اَتٰيهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
بلكه او براستي از پروردگار تست تا بيم كني گروهي را كه نيامد ايشان را هيچ بيم كننده پيش از تو شايد ايشان
يَهْتَدُونَ ٣ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ
راه يابند خدا است كه آفريد آسمانها و زمين و آنچه ميان آنهاست در شش روز
ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
پس مستولي بود بر عرش نباشد مر شما را جز او هيچ دوستي و نه شفيعي آيا پس پند نميگيريد
يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ
سامان ميدهد كار را از آسمان بسوي زمين پس عروج ميكند بسوي او در روزيكه باشد مقدارش
اَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ٥ ذٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦
هزار سال از آنچه ميشماريد آنست داناي نهان و آشكار غالب مهربان
اَلَّذِي اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ٧ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ
آنكه نيكو ساخت هر چيزي را كه آفريد آنرا و ابتدا كرد آفرينش آدمي را از گل پس گردانيد نسل او را

يجحد بتقديم جيم معجمه بر حاء مهمله

جاز بزاء با نقطه

الغرور بفتح غين معجمه

الٓمٓ لام و ميم هر دو مد ميخواهد

از حضرت رسول صلى الله عليه وآله روايت است كه هر كه سوره سجده را در شب جمعه بخواند خدا نامه عملش را بدست راستش دهد و حساب آنچه از او سر زده ببخشد و از رفيقان محمد و اهل بيت او باشد و در حديث ديگر است كه اين سوره خوانده شود شيطان ناسزا در آنخانه نشود

خلقه بفتح لام بدء خلق بسكون لام

مِنْ سُلٰلَةٍ مِنْ مَآءٍ مَهِيْنٍ ۸ ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ
از صاف کرده شده از آب خوار شده پس راست کرد و دمید در او از روح خود و گردانید برای شما

السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۹ وَقَالُوْٓا ءَاِذَا ضَلَلْنَا
گوش و چشمها و دلها اندکی است آنچه شکرگزار شوید و گفتند آیا چون گم شویم

فِى الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ۬ بَلْ هُمْ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ ۱۰ قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ
در زمین آیا باشیم هر آینه در آفرینش نوی بلکه ایشان اند بملاقات پروردگار ایشان منکران بگو میرانی میسازد شمارا

مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِيْ وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ۱۱ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الْمُجْرِمُوْ
فرشته مرگ آنکه موکل شده بشما پس بسوی پروردگار تان باز میگردید و اگر ببینی هنگامیکه گناهکاران

نَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا اِنَّا
بزیر افکننده گانند سرهای شان را نزد پروردگار شان گویند ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس باز گردان ما را تا بکنیم کار شایسته که ما

مُوْقِنُوْنَ ۱۲ وَلَوْ شِئْنَا لَاٰتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدٰىهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّيْ لَاَمْلَئَنَّ
یقین کننده گانیم و اگر خواسته بودیم ما داده بودیم بهر تنی هدایتش را ولیکن ثابت شده سخن از من که هر آینه پر سازم

جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ۱۳ فَذُوْقُوْا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا
دوزخ را از جن و انس بتمامی پس بچشید بسبب آنکه فراموش کردید ملاقات روز تان را که این است

اِنَّا نَسِيْنٰكُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۱۴ اِنَّمَا يُؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا
بدرستیکه ما واگذاشتیم شمارا و بچشید عذاب جاودانی را بسبب آنچه بودید میکردید جز این نیست که ایمان میاورند بآیتهای ما

الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِّرُوْا بِهَا خَرُّوْا سُجَّدًا وَّسَبَّحُوْا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ۱۵ ۩
آنانکه چون پند داده شوند بآن بر رو افتند سجده کنان و تسبیح کنند بستایش پروردگار شان و آنها سرکشی نمیکنند

تَتَجَافٰى جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَّطَمَعًا ۡ وَّمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ
برخیزد پهلوهای شان از خوابگاهشان میخوانند پروردگار شان را بترس و امید و از آنچه روزی دادیم ایشان را

يُنْفِقُوْنَ ۱۶ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ اُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ اَعْيُنٍ ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۱۷
انفاق میکنند پس نمیداند تنی آنچه پنهان کرده شده از برای ایشان از آسایش چشمها بپاداش آنچه بودند که میکردند

اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۭ لَا يَسْتَوٗنَ ۱۸ اَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا
آیا پس آنکه باشد مؤمن مانند آنکس است که باشد فاسق یکسان نباشند اما آنانکه ایمان آوردند و کردند

الصّٰلِحٰتِ فَلَهُمْ جَنّٰتُ الْمَاْوٰى ۡ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۱۹ وَاَمَّا الَّذِيْنَ
کارهای شایسته پس مر ایشانراست بهشتهای جای اقامت مهمانی بسبب آنچه بودند میکردند و اما آنانکه

فَسَقُوْا فَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ ۭ كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَآ اُعِيْدُوْا فِيْهَا وَقِيْلَ لَهُمْ
فاسق شدند پس جای ایشان است آتش هرگاه که خواهند بیرون آیند از آن باز گردانیده شوند در آن و گفته شود ایشانرا

ذُوْقُوْا عَذَابَ النَّارِ الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ۲۰ وَلَنُذِيْقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْاَدْنٰى
بچشید عذاب آتش را که بودید بآن تکذیب میکردید و هر آینه بچشانیم ایشان را از عذاب نزدیکتر

دُوْنَ الْعَذَابِ الْاَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ۲۱ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ ثُمَّ
غیر از عذاب بزرگتر باشد که ایشان باز گردند و کیست ستمگارتر از آنکه پند داده شد بآیتهای پروردگارش

قوله سبحانه الذی احسن الی اشکروا این آیات را در ترتیب فرزند ... بنویسند ... ۱۲

لایستوون بلعقاد ... یعنی مشابه شود

أَعْرِضْ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ٢٣ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا
روبگردانید ازآن بدرستیکه ما از گنهکاران انتقام کشندگانیم وهر آینه بتحقیق دادیم موسی را توراة پس
تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ٢٤ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ
مباش در شک از ملاقاتش وگردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل وگردانیدیم از ایشان
أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ٢٥ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
پیشوایانی که هدایت کنند بفرمان ما چون صبر کردند وبودند بآیات ما یقین میکردند بدرستیکه پروردگار تو او
يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٢٦ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ
که حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند آیا وهدایت نکرد ایشانرا
كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
که بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از قرنها که میرفتند در مسکنهاشان بدرستیکه در این نشانهاست
أَفَلَا يَسْمَعُونَ ٢٧ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
آیا پس نمیشنوند آیا وندیدند که ما میرانیم آب را بسوی زمین بی گیاه پس بیرون آریم بآن
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ٢٨ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا
زرعی را که میخورند از آن چهارپایان ایشان وخودهاشان آیا پس نمی‌بینند ومیگویند کی باشد این
الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٢٩ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ
فتح اگر هستید راستگویان بگو روز فتح سود نکند آنانرا که کافر شدند ایمانشان
وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ٣٠ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ
ونه ایشان را مهلت داده شوند پس روبگردان از ایشان وانتظار کش که ایشان منتظرانند

سُورَةُ الْأَحْزَابِ ثَلَاثٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (٣٣)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
ای پیغمبر بپرهیز از خدا واطاعت مکن کافران ومنافقانرا بدرستیکه خداهست دانای
حَكِيمًا ٢ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ٣
درست کردار وپیروی کن آنچه را وحی شده بسوی تو از پروردگارت بدرستیکه خداهست بآنچه میکنید آگاه
وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ٤ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي
وتوکل کن بر خدا وبس است خدا وکیل نگردانیده خدا برای مردی هیچ دو دل در
جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ
درونش ونگردانیده جفتهای شما را که ظهار میکنید از ایشان مادرانتانرا ونگردانیده
أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ
پسر خواندهای شما را پسران آن است گفت شما بدهنهاتان وخدا میگوید حق را واو

سجاد تعالی هذا الله تعالی
حضرت رسول فرموده هر که سوره احزاب را بخواند اهل و مملوک خود را تعلیم کند از عذاب قبر امان یابد
نیز فرموده که خواننده او در روز قیامت مشکور نام نهند در میان ملکوت
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که اگر در خانه خیری باشد که کسی ابداً او را خواستگاری نکند این سوره را بنویسد بر پوست آهو یا بز و در خانه آن دختر گذارند و آن دختر زیاد شود و السلام
١٢

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بسیار بخواند سوره احزاب را در روز قیامت در جوار سید ابرار و اولاد اطهار آنحضرت مقام او باشد

یهدی

يهدي السبيل ٤ ادعوهم لآبائهم هو اقسط عند الله فان لم تعلموا
هدایت میکند راه را بخوانید ایشانرا بپدرانشان که او درست‌تر است نزد خدا پس اگر ندانید
آباءهم فاخوانكم في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطأتم
پدرانشانرا پس برادران شما اند در دین و دوستان شما اند و نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید
به ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ٥ النبي اولى بالمؤمنين
بآن ولیکن آنچه را قصد کنند بآن دلهاتان و باشد خدا آمرزنده مهربان پیغمبر اولی است بمؤمنین
من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوا الارحام بعضهم اولى ببعض
از خودهاشان و زنان پیغمبر مادران ایشانند و صاحبان قرابت برخی از آنها اولی باشند از برخی
في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين الا ان تفعلوا الى اوليائكم
در کتاب خدا از مؤمنین و مهاجران مگر اینکه بکنید با دوستانتان
معروفا كان ذلك في الكتاب مسطورا ٧ واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم
خوبی را هست این در کتاب نوشته شده و هنگامیکه گرفتیم ما از پیغمبران پیمانشانرا
ومنك ومن نوح وابراهيم وموسى وعيسى ابن مريم واخذنا منهم
و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و گرفتیم ما از ایشان
ميثاقا غليظا ٨ ليسأل الصادقين عن صدقهم واعد للكافرين عذابا
پیمانی سخت تا بپرسد راستگویانرا از راستی آنها و مهیا کرده برای کافران عذاب
اليما ٩ يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم اذ جاءتكم جنود
دردناک را ای آنکه گرویدید نعمت خدا را یاد کنید بر خودتان چون آمدند شمارا لشکرها
فارسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ١٠
پس فرستادیم برایشان بادی و لشکرها که ندیدید آنهارا و باشد خدا بآنچه میکنید بینا
اذ جاؤكم من فوقكم ومن اسفل منكم واذ زاغت الابصار وبلغت القلوب
چون آمدند شمارا از بالای شما و از پایین‌تر شما و هنگامیکه حیران شد چشمها و رسید دلها
الحناجر وتظنون بالله الظنونا ١١ هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا
بحنجره‌ها و گمان میبرید بخدا گمانها آنجا امتحان کرده شدند گروندگان و لرزانیده شدند لرزشی
شديدا ١٢ واذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله
سخت و هنگامیکه میگفتند منافقان و آنانکه بود در دلشان مرضی وعده کرد مارا خدا
ورسوله الا غرورا ١٣ واذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام
و رسولش مگر فریب و هنگامیکه گفتند گروهی از ایشان که ای اهل یثرب نیست جای اقامت
لكم فارجعوا ويستأذن فريق منهم النبي يقولون ان بيوتنا عورة و
مر شمارا پس برگردید و دستوری میخواستند پاره از ایشان که میگفتند که خانه‌های ما نا امن است و
ما هي بعورة ان يريدون الا فرارا ١٤ ولو دخلت عليهم من اقطارها
و نه بود نا امن نمیخواستند مگر گریزرا و اگر در آمده بود برایشان از اطرافش

قوله تعالى
واذ اخذنا من النبيين ... کسی عهد کرده باشد سوگند خورد ... مشاهده کند ... اخطأتم بفتح همزه ... قطع ...

قوله تعالى
واذ قالت طائفة ... چون خواهند که دفع ... کنند ...
اذ جاؤكم بضم همزه و سکون واو ...

١٢

ثم سئلوا

ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ١٥ وَلَقَدْ كَانُوا
پس خواسته شده بودند فتنه را هر آینه بجا آوردندی آن را و درنگ نمیکردند در آن مگر اندکی و هر آینه بتحقیق بودند
عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ١٦ قُلْ
عهد کردند با خدا پیشتر که نگردانند پشتها را و باشد پیمان خدا پرسیده شده بگو
لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا
سود ندهد شما را گریختن اگر فرار کنید از مرگ یا کشتن و آنگاه کامرانی نشوید بجز
قَلِيلًا ١٧ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
اندکی بگو کیست آنکه نگاه دارد شما را از خدا اگر اراده کند بشما بدی را یا اراده کند بشما
رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ١٨ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ
رحمت را و نیابند برای خود بجز از خدا دوستی و یاری بحقیقت میداند خدا
الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا
باز دارندگان را از شما و گویندگان مر برادران خود را که بیائید بسوی ما و نمی آیند کارزار را مگر
قَلِيلًا ١٩ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ
اندکی بخیلان بر شما پس چون آید ترس بینی ایشان را که مینگرند بسوی تو میگردد
أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ
چشمهای ایشان مانند کسی که بیهوشی آورده میشود بر او از مرگ پس چون زائل شود ترس آزرده کنند شما را
بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ
بزبانهای تیز بخیلان بر خیر آنها ایمان نیاوردند پس ناچیز کرد خدا اعمال ایشان را
وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ٢٠ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ
و باشد این بر خدا آسان میپندارند طایفهای دشمن که نرفته اند و اگر آیند
الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ
طایفهای دشمن دوست دارند که ایشان بادیه نشینان بودندی در اعراب میپرسند از خبرهای شما و اگر
كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ٢١ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ
بودندی در میان شما کارزار نکردندی مگر اندکی بتحقیق بود مر شما را در رسول خدا اقتدای
حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ٢٢ وَلَمَّا رَأَى
خوب مر کسی را که میخواست لقاء خدا و روز بازپسین را و یاد کرد خدا را بسیار و چون دیدند
الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ
مؤمنان طوایف دشمن را گفتند این است آنچه وعده داد ما را خدا و رسول او و راست گفت خدا
وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ٢٣ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا
و رسول او و نیفزود ایشان را مگر ایمان و انقیاد از مؤمنان هستند مردانی که راست
مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا
گفتند آنچه را پیمان بسته بودند با خدا بر آن پس بعضی از ایشان کسیست که بسر آورد نذر خود را و بعضی از ایشان کسیست که انتظار میکشد و بدل نکردند

قوله تعالی
من المؤمنین رجال صدقوا الی قوله تبدیلا در کنز الفوائد از محمد بن حنفیه از حضرت مرتضی صلوات الله علیه آورده که من عهد کردم با خدا و حضرت رسالت و با عم خود حمزه و برادر خود جعفر و پسر عم خود عبیدة بن حارث را امری و در روایتی دیگر از عبد الله بن حسن از آبای خود علیهم السلام است که عهد کرد آنحضرت با عم و برادر خود که فرار از جنگ و قتال مشرکان نکنند و صبر کردند پس تمام کردند جمیع ایشان عهد خود را و حق تعالی نازل فرمود این آیه را فمنهم من قضی نحبه حمزه است که روز احد شهید شد و جعفر است که روز موته که غزوه ایست از جمله شهید شد و زید بن حارثه و عبیدة را و جماعت کثیر از صحابه در این غزوه بشهادت فائز شدند و منهم من ینتظر یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام و ما بدلوا تبدیلا

انباء کم
بفتح همزه و نون جمع نبا بمعنی اخبار

یعنی عهد کردند با خدا در سختی و در تنگی فرار نکنند و دست از اسلام ۱۲

نحبه
… نذر مبالغ صیغه متکلم است

بَيْنَهُمْ

تَبْدِيلًا ۲۴ لِيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِينَ إِنْ شَاءَ
تغییر دادنی تا جزا دهد راستگویانرا براستی ایشان و عذاب کند منافقانرا اگر خواهد
أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۲۵ وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
یا توبه در پذیرد ایشانرا بدرستیکه خداست آمرزنده مهربان و برگردانید خدا آنانکه کافر شدند
بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا
با خشم خود ایشان که نیابند خیررا و بس است خدا مؤمنانرا در کارزار و باشد خدا توانای
عَزِيزًا ۲۶ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظٰهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَ
غالب و فرود فرستاد آنانرا که همپشتی کردند ایشانرا از اهل کتاب از حصارهای ایشان و
قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا ۲۷ تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْرَثَكُمْ
انداخت در دلهای ایشان ترس را پاره را میکشید و اسیر میکردید پاره را و میراث داد شما را
أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوٰلَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
زمین ایشانرا و سراهای ایشان و مالهای ایشان و زمینیرا که نورد دیده بودند آنرا و باشد خدا بر همه چیز
قَدِيرًا ۲۸ يٰأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوٰجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَ
توانا ای پیغمبر بگو مر زنانت را اگر هستید که میخواهید زندگانی دنیا و
زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۲۹ وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ
آرایش آنرا پس بیائید تا سرمایه دهم شما را و رها کنم شما را رها کردنی خوب و اگر هستید که میخواهید
اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْاٰخِرَةَ فَإِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنٰتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا
خدا و رسول خدا و سرای آخرت را پس بدرستیکه خدا آماده کرده برای نیکوکاران از شما مزدی بزرگ را
يٰنِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفٰحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضٰعَفْ لَهَا الْعَذَابُ
ای زنان پیغمبر آنکه آورد از شما کاری بد آشکاری را افزوده شود مر او را عذاب
ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ۳۰ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ
دو چندان و باشد این بر خدا آسان و آنکه طاعت کند از شما خدا و رسولش را
وَتَعْمَلْ صٰلِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ۳۱ يٰنِسَاءَ
و بکند کار شایسته میدهیم باو اجرش را دو بار و آماده کرده ایم مر او را روزی نیکو را ای زنان
النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي
پیغمبر نیستید شما مانند یکی از زنان اگر پرهیزکاری میکنید پس نرمی مکنید بگفت پس طمع کند آنکه
فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۳۲ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
در دلش مرض است و بگوئید سخن پسندیده و قرار گیرید در خانه های خود و ظاهر مسازید زینت خود ظاهر
الْجٰهِلِيَّةِ الْأُولٰى وَأَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَاٰتِينَ الزَّكٰوةَ وَأَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
ساختن زمان جاهلیت پیشین و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمان برید خدا و رسولش را جز این نیست
يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۳۳ وَاذْكُرْنَ
میخواهد خدا که زایل کند از شما بدی را اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک گردانیدن و یاد کنید

لم تطؤها بضم همزه وسکون واو کذا و جمیع آید اشباع شود

الاولی بضم همزه وسکون واو کذا اشباع شود وقرن بکسر قاف واتین بکسر تا و یعن بکسر ها

ما يتلى في بيوتكن من آيات الله والحكمة إن الله كان لطيفا خبيرا ۳۴ إن
آنچه خوانده میشود در خانهای شما از آیات خدا و حکمت بدرستیکه خدا هست باریک بین آگاه بدرستیکه
المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات
مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان پرستار و زنان پرستنده
والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات والخاشعين و
و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صبر کننده و زنان صبر کننده و مردان با خشوع و
الخاشعات والمتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات و
زنان با خشوع و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و
الحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيرا والذاكرات أعد
و مردان نگهدارنده عورتشان را و زنان نگهدارنده و مردان ذکر کننده خدا را بسیار و زنان ذکر کننده آماده کرد
الله لهم مغفرة وأجرا عظيما ۳۵ وما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله
خدا برای ایشان آمرزش و اجر بزرگ را و نباشد مر مرد مؤمن و نه زن مؤمنه را چون گذارش نمود خدا
ورسوله أمرا أن يكون لهم الخيرة من أمرهم ومن يعص الله ورسوله
و رسولش امری که باشد برای ایشان اختیاری از امرشان و هر که نافرمانی کند خدا و رسولش را
فقد ضل ضلالا مبينا ۳۶ وإذ تقول للذي أنعم الله عليه وأنعمت
پس بحقیقت گمراه شد گمراهی آشکار و چون میگفتی مر کسیرا که نعمت داد خدا براو و انعام کردی
عليه أمسك عليك زوجك واتق الله وتخفي في نفسك ما الله مبديه
براو نگاهدار باخود جفت خود را و بپرهیز از خدا و پنهان میداشتی در ضمیرت آنچه را خدا ظاهر کننده
وتخشى الناس والله أحق أن تخشاه فلما قضى زيد منها وطرا زوجناكها
بود و بیم داشتی از مردمان و خدا سزاوارتر است که بترسی ازاو پس چون گذارد زید ازاو حاجت را تزویج کردیم تو را او را
لكي لا يكون على المؤمنين حرج في أزواج أدعيائهم إذا قضوا
تا نبوده باشد بر مؤمنان تنگی در زنان پسر خوانده هاشان چون بگذرند
منهن وطرا وكان أمر الله مفعولا ۳۷ ما كان على النبي من حرج فيما
ازایشان حاجت را و باشد امر خدا کرده شده نباشد بر پیغمبر هیچ تنگی در آنچه
فرض الله له سنة الله في الذين خلوا من قبل وكان أمر الله قدرا مقدورا
مقرر داشت خدا برای او دستور خداست در آنانکه گذشتند از پیش و باشد امر خدا فرمانی داده شده
الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون أحدا إلا الله وكفى
آنانکه میرسانند رسالتهای خدا را و میترسند ازاو و نمیترسند از احدی بجز خدا و بست
بالله حسيبا ۳۹ ما كان محمد أبا أحد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم
خدا حساب کننده نباشد محمد پدر احدی از مردان شما ولیکن فرستاده خدا و آخرین
النبيين وكان الله بكل شيء عليما ۴۰ يا أيها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا
پیغمبران است و هست خدا بهر چیزی دانا ای آنانکه ایمان آوردند یاد کنید خدا را یاد کردنی

قوله سبحانه
انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس الی آخر الآیة در صافی از حضرت باقر علیه السلام وارد است که نازل شد این آیه در شأن حضرت رسول خدا و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و نزول این آیه در بیت ام سلمه زوجه رسول خدا بود پس خواند رسول خدا حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بعد پوشاند کسای خیبری خود را بایشان و خود داخل شد با ایشان در کسا بعد گفت اللهم هؤلاء اهل بیتی

الخیرة
بکسر خاء و فتح یا

الذین وعدتنی فیهم اللهم اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا پس ام سلمه گفت من با ایشانم یا رسول الله فرمود بشارت باد تو را یا ام سلمه تو از نیکو خبرانی و از زید بن علی بن حسین وارد است آنکه جهال از مردمان میگویند حقیقتی اراده کرده بود زینب را حضرت رسول و حال آنکه بتحقیق دروغ گفته اند قسم بخدای

قدر بفتح دال
عزوجل اگر قصد کرده بود ازدواج حضرت رسول را

كَثِيرًا وَّسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَّأَصِيلًا ٤٢ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ
بسیار و تسبیح گوئید او را بامداد و شبانگاه　اوست آنکه صلوات میفرستد بر شما و فرشتگان او

لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ٤٣ تَحِيَّتُهُمْ
تا بیرون آورد شما را از تاریکیها بسوی روشنی و هست بمؤمنان مهربان　درود ایشان

يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ٤٤ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
روزیکه ملاقات کنند سلام است و آماده کرده برای ایشان مزدی خوب　ای پیغمبر بدرستیکه ما فرستادیم ترا

شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ٤٥ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ٤٦ وَ
گواه و مژده دهنده و بیم کننده　و خواننده بسوی خدا بفرمان او و چراغی روشن

بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ٤٧ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ
مژده ده مؤمنان را بآنکه مر ایشان راست از خدا بخشش بزرگ　و فرمان مبر کافران و منافقان را

وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ٤٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
و واگذار آزار ایشان را و توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیل　ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه

نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ
نکاح کردید زنان مؤمنه را پس طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه مس کنید ایشان را پس نیست مر شما را بر ایشان هیچ عده

تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ٤٩ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا
که بشمار در آرید آنرا پس بهره دهید ایشان را و رها کنید ایشان را رها کردن نیکو　ای پیغمبر بدرستیکه ما حلال کردیم

لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ
مر ترا جفتهایت را که دادی مهرهای ایشان را و آنچه را مالک شده دستت از آنچه غنیمت گردانید خدا

عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ
بر تو　و دختران عمت　و دختران عمه‌هایت　و دختران خالت و دختران خاله‌هایت

اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ
که هجرت کردند با تو　و زن با ایمان اگر بخشد نفس خود را مر نبی را اگر خواهد

النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ٥٠ قَدْ عَلِمْنَا مَا
نبی که نکاح کند او را　این حکم خاص است مر ترا غیر از مؤمنان　بتحقیق دانستیم ما آنچه

فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ
فرض کردیم برایشان در جفتهایشان　و آنچه مالک شده دستهایشان　تا نبوده باشد بر تو گناهی

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٥١ تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن
و هست خدا آمرزنده مهربان　باز پس میداری اگر آنرا که خواهی از ایشان و جای میدهی بسوی خود آنرا که خواهی

تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ
و هر که خواستی از آنکه معزول کردی پس نیست گناهی بر تو این نزدیکتر است که روشن گردد چشمهای ایشان

وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ
و اندوهگین نشوند و خوشنود شوند بآنچه دادی ایشان را همه ایشان و خدا میداند آنچه در دلهای شماست و باشد خدا

عَلِيمًا

قوله سبحانه یا ایها النبی الی وکیلا فایده منفعت این آیات بسیار است قدری مشک و زعفران با هم در کاسه سیمین حل کند و این آیات را با آن روغن بنویسد هفت روز هر روز بعد از نماز بامداد و آنرا در شیشه کند هر که آن را بر روی خود مالد محبوب گردد و هر کس آن را ببیند دوست دارد و همچنین اگر در نزد ملوک و حاکمان رود و حاجت طلب کند حاجت او روا گردد و بمطلب خود برسد و همچنین در حق صاحب او ظفر یابد بدانکه الله تعالی ۱۲

وَتُؤْوِي بضم تا و سکون واو و کسر واو

عَلِيمًا حَلِيمًا ٥٢ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ

دانای درست حکم حلال نیست مر تو را زنان از بعد نه زن و نه اینکه بدل نمائی با ایشان از

أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

جفتان دیگر و اگرچه بشگفت ندبیاورد تو را خوبی ایشان بجز آنچه را مالک شد دستت و باشد خدا بر همه چیزی

رَقِيبًا ٥٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

رقیب ای آنانکه ایمان آوردید داخل نشوید بخانهای پیغمبر بجز اگر رخصت دهند مر شما را

إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ

بسوی طعام غیر انتظار کشیدگان رسیدنش ولیکن چون خوانده شوید پس داخل شوید پس چون خوردید

فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي

پس پراکنده شوید و نه انس جویندگان بگفتگوئی بدرستیکه آن از شما هست که میرنجاند پیغمبر را پس شرم میکند

مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ

از شما و خدا شرم نمیکند از حق و چون خواهید از ایشان متاعی پس بخواهید از آنها از

وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا

پس پرده این شما را پاکیزه است برای دلهاتان و دلهای ایشان و سزاوار نباشد مر شما را که برنجانید

رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ

رسول خدا را و نه اینکه بنکاح آرید زنهای او را از بعد او هرگز بدرستیکه این کار شما هست نزد خدا

عَظِيمًا ٥٤ إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٥٥ لَا

بزرگ اگر آشکار کنید چیزی را یا پنهان دارید او را پس بدرستیکه خدا باشد بهر چیزی دانا نه

جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ

گناهیست بر ایشان در پدرانشان و نه پسرانشان و نه برادرانشان و نه پسران برادرانشان

وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ

و نه پسران خواهرانشان و نه زنان ایشان و نه آنچه مالک شد دستهاشان و بترسید از خدا بدرستیکه

اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ٥٦ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

خدا باشد بر همه چیزی گواه بدرستیکه خدا و فرشتگانش صلوات میفرستند بر پیغمبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ٥٧ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ

ای کسانیکه ایمان آوردید صلوات بفرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی بدرستیکه آنان که میرنجانند

اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ٥٨ وَالَّذِينَ

خدا و رسولش را لعنت کند خدا در دنیا و در آخرت و آماده کند برای ایشان عذابی خوار کننده و آنانکه

يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ٥٩

میرنجانند مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بدون آنچه کسب کردند بتحقیق که متحمل شده اند بهتان و گناه آشکار را

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ

ای پیغمبر بگو مر زنانت و دخترانت و زنان مؤمنان را که فرو پوشند بر خود

قوله تعالی ان الله و ملائکته یصلون علی النبی الی آخر الآیه در معانی از کتاب ثواب الاعمال از حضرت کاظم علیه السلام وارد است که سئوال کرده شد که چه چیز است معنی صلوات خدا و صلوات ملائکه و صلوات مؤمن آنحضرت فرمود صلوات حق تعالی رحمت است از او و صلوات ملائکه تزکیه است و منقبت از ایشان بالقاب داو صاف حسنه از آنحضرت و صلوات مؤمنین دعا است از ایشان از برای آنحضرت یعنی طلب رحمت و در عیون اخبار از حضرت رضا علیه السلام در مجلس آنحضرت با مأمون فرمود چون انشند معنا از امت آنگاه این نازل شده است عرض شد یا رسول الله بتحقیق شناختیم تسلیم بر تو را پس چگونه است صلوات بر تو فرمود اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید پس آیا میان شما معاشر ناس در این معنی خلاف گفته شد با مأمون گفت این جمله است که اهل خلاف در آن نیست و بر آن اجماع است پس آیا در نزد تو در آن چیزی هست واضح تر از این در قرآن آنحضرت فرمود بلی خبر دهید مرا از قول حق تعالی یس و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم پس چه قصد کرده است حق تعالی بقول خود یس اهل گفتند ... حضرت محمد و آل او ... خدا ... دران ... آنحضرت بدرستیکه ... حق تعالی ...

من جلابیبهن

مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۵۹
از چادرهاشان این نزدیکتر است باآنکه شناخته شوند پس رنجیده نشوند و باشد خدا آمرزنده مهربان
لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
همه اینه اگر بازنایستند منافقان و آنانکه در دلهاشان مرضست و اراجیف سازان در مدینه
لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۶۰ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا
هرآینه بگماریم ترا برایشان پس مجاور نشوند ترا در آن مگر اندکی لعنت کرده شدگان هر کجا یافته شوند
أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ۶۱ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ
گرفته شوند و کشته شوند کشته شدنی دستور خدا در آنکه گذشتند از پیش و هرگز نیابی
لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۶۲ يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ
مر دستور خدا را تغییری میپرسند از تو مردمان از قیامت بگو بدرستیکه علم آن نزد
اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۶۳ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ
خداست و چه چیز آگاه کند ترا شاید قیامت باشد نزدیک بدرستیکه خدا لعنت کرده کافران را و
أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۶۴ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۶۵ يَوْمَ
آماده کرده برای ایشان آتش سوزنده جاوید داشتند همیشه نمییابند دوستی و نه یاوری روزیکه
تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ۶۶
گردانیده شود روهاشان در آتش میگویند ای کاش فرمانبرده بودیم خدا و رسولش فرمانبرده بودیم
وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ۶۷ رَبَّنَا آتِهِمْ
و گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه ما فرمانبردیم سرکردهها و بزرگترانمان را پس گمراه کردند ما را از راه پروردگارا بده آنها را
ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ۶۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا
دو چندان از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت بزرگ ای کسانیکه گرویدید نباشید
كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۶۹ يَا أَيُّهَا
مانند آنانکه رنجانیدند موسی را پس بری نمود او را خدا از آنچه گفتند و بود نزد خدا گرامی ای
الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۷۰ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
کسانیکه گرویدید بپرهیزید از خدا و بگوئید گفتار صواب را که سازد نماید برای شما کردارهاتان را و بیامرزد برای شما
ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۷۱ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ
گناهانتان را و هر که فرمانبرد خدا و رسولش را پس بتحقیق کامیاب شد کامیابی بزرگ بدرستیکه عرضه نمودیم امانت را
عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
بر آسمانها و زمین و کوهها پس ابا نمودند که بردارند آنرا و ترسیدند از آن و برداشت آنرا
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۷۲ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَ
انسان بدرستیکه او بود ستمکار نادان تا عذاب کند خدا مردان منافق و زنان منافق را و
الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۷۳
مردان مشرک و زنان مشرک را و توبه پذیرد خدا از مردان گرونده و زنان گرونده و باشد خدا آمرزنده مهربان

خمس

قوله تعالی
لئن لم ینته المنافقون الی
الرسول این آیات بجهت حال
افساد ایشان است چون دشمنی
داشته باشی که عداوت او
بنهایت رسیده باشد کسی
نزد او فرست و از او بخواه
که از این کرده باز گردد الا
جائی تو خواهد رسید و سنه
نوشته باین طریق کس نزد او
فرستد و اگر بد رسید و
تو بخند جاهی معطر سید را
سازد و اگر نباشد صبری
کرباشد بخت صبری
جاه بر گردد و این آیت را
رقعه نویسد و بعد
و بعد از آن در آب چند
بشوید و در منزل آن شخص
ریزد حال و نفساد از آنجا
که دیگر نتواند ضرر با وی رساند

۳۲

سورة السبا اربع وخمسون آية وهي مكية (۳۴)

الآية ٦ مدنية نزلت بعد لقمان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله الذي له ما في السماوات وما في الأرض وله الحمد في الآخرة

ستایش مر خدایراست که مراوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مراوراست ستایش در آخرت

وهو الحكيم الخبير ۱ يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل

و او درست کار آگاه است میداند آنچه داخل میشود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود آید

من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور ۲ وقال الذين كفروا

از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و اوست مهربان آمرزنده و گفتند آنانکه کافر شدند

لا تأتينا الساعة قل بلى وربي لتأتينكم عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال

چرا نمی آید ما را قیامت بگو آری و پروردگار من هر آینه البته بیاید شما را دانای غیب است مستور نباشد از او مقدار

ذرة في السماوات ولا في الأرض ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في

ذره در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر در

كتاب مبين ۳ ليجزي الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك لهم مغفرة

کتابی روشن تا جزا دهد کسانیرا که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته آنگروه مرایشانراست آمرزش

ورزق كريم ۴ والذين سعوا في آياتنا معاجزين أولئك لهم عذاب

و روزی خوب و آنانکه سعایت کردند در آیات ما عاجز کنندگان آنگروه مرایشانراست عذاب

من رجز أليم ۵ ويرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك

از عقوبت دردناک و می بینند آنانکه داده شدند علم را آنچه فرو فرستاده شده بتو از پروردگارت

هو الحق ويهدي إلى صراط العزيز الحميد ۶ وقال الذين كفروا هل

که آن حق است و هدایت میکند بسوی راه خداوند غالب ستوده و گفتند آنانکه کافر شدند آیا

ندلكم على رجل ينبئكم إذا مزقتم كل ممزق إنكم لفي خلق جديد ۷ أفترى

دلالت کنیم شما را بر مردی که خبر دهد شما را چون پاره پاره شدید همه پاره کردنی بدرستیکه شما هر آینه در آفرینش تازه اید آیا بست

على الله كذبا أم به جنة بل الذين لا يؤمنون بالآخرة في العذاب و

بر خدا دروغ را یا بوی دیوانگی بلکه آنانکه ایمان نمی آورند بآخرت در عذاب و

الضلال البعيد ۸ أفلم يروا إلى ما بين أيديهم وما خلفهم من السماء

گمراهی دور آیا پس نمی نگرند بآنچه میان دستهاشان و آنچه باشد پس سرشان از آسمان

والأرض إن نشأ نخسف بهم الأرض أو نسقط عليهم كسفا من السماء إن

و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشانرا بزمین یا فرو اندازیم بر ایشان پاره ها از آسمان بدرستیکه

في ذلك لآية لكل عبد منيب ۹ ولقد آتينا داود منا فضلا يا جبال

در این هر آینه نشانه است برای هر بنده توبه کننده و بتحقیق دادیم داود را از خودمان مزیتی ای کوهها

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه روایت کرده که هر که بخواند حمدین را یعنی حمد سبا و حمد فاطر جمیعا در روز یا در شب حفظ در حراست خدای تعالی باشد و در آن روز و شب هیچ مکروهی نرسد و عطا کرده شود از خیر دنیا و آخرت آنچه بگذرد در خاطر او

لا یعزب بفتح یا و سکون عین مهمله و ضم زاء معجمه مضمومه

اوتوا بضم همزه و سکون واو اشباع شود

افتری بفتح همزه و سکون فا همزه استفهام است و ساقط نمی شود نمی خوانده شود

داود بدون واو خوانده شود

أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي
بتسبیح گو مرا با او و پرنده و نرم گردانیدیم برای او آهن را که بساز زره های رسا و اندازه نگاه دار در
السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا
بافتن و بکنید کارهای شایسته بدرستیکه منم بآنچه میکنید بینا و برای سلیمان باد را بامدادش
شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ
بود ماهی و شبانگاهش بود ماهی و روان کردیم برای چشمه از مس گداخته و از جن کسی که کار کرد میان دو دستش
بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ١٢ يَعْمَلُونَ
بدستوری پروردگار او و هر که سر بپیچد از فرمان ما میچشانیم او را از عذاب آتش سوزنده میساختند
لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ
برای او آنچه میخواست از عبادتگاهها و تمثالها و کاسه ها مانند حوضها و دیگهای ثابت
اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ١٣ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ
بکنید آل داود شکر را و اندکی از بندگان من شکرگزارند پس چون گذارش دادیم بر او
الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ
مرگ را دلالت نکرد ایشان را بر مردنش بجز جنبنده از زمین یعنی ارضه که میخورد عصایش را پس چون بروی در افتاد ظاهر شد
الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ١٤ لَقَدْ كَانَ
جن را که اگر بودند میدانستند غیب را درنگ نمیبودند در عذاب خوارکننده بتحقیق بود
لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ
سبا را در مسکنهاشان آیتی دو بستان از راست و چپ بخورید از روزی پروردگارتان و
اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ١٥ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
شکرگزارید مر او را بلدی پاکیزه و پروردگار آمرزنده پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان
سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ
سیل باران سخت و بدل دادیم ایشان را از دو باغشان دو باغ صاحب ثمری تلخ و شوره گز و چیزی از
سِدْرٍ قَلِيلٍ ١٦ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ١٧ وَ
کنار اندک این را جزا دادیم ایشان را بسبب کفرانشان آیا جزا میدهیم مگر ناسپاس را و
جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا
گردانیدیم میان ایشان و میان قریه هائیکه برکت دادیم در آنها قریه های ظاهر را و مقرر داشتیم در آنها
السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ١٨ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا
رفتن را سیر کنید در آنها شبها و روزها ایمنان پس گفتند پروردگارا دوری انداز میان سفرهای ما
وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
و ستم کردند بنفسهاشان پس گردانیدیم ایشان را حدیث و پراکنده گردانیدیم ایشان را هر پراکندنی بدرستیکه در این نشانها
لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ١٩ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا
است برای هر صبرکننده شکرگزاری و بتحقیق راست کرد بر ایشان ابلیس گمان خود را پس پیروی کردند او را مگر پاره

أَوِّبِي
بفتح همزه و کسر واو مشدده و کسر باء مخففه

وَأَلَنَّا
بفتح واو و همزه و لام و تشدید نون مفتوحه بسبب الف بعد از واو

دَاوُدَ
بدو واو خوانده شود

مِنْسَأَتَهُ
بکسر میم و سکون نون و فتح سین و همزه و تاء یک کلمه است بمعنی عصا

تَبَيَّنَتِ
بفتح تاء و باء و یاء مشدده و نون و کسر تاء اخیره بمعنی ندامت

الْعَرِمِ
بفتح عین و کسر راء

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۲۰ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ
از گروندگان و نبود مراو را بر ایشان ایچ تسلطی مگر برای اینکه پدا نیم کسی را که میگروید بآخرت
مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۲۱ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ
از کسیکه او از آن در شکست و پروردگارت بر همه چیز نگهبانست بگو بخوانید آنانکه خدایگان بردید
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا
از غیر خدا مالک نمیباشند مقدار ذره در آسمان و نه در زمین و نباشد
لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ۲۲ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا
مر ایشان را در آن دو هیچ شرکتی و نباشد مراو را از ایشان هیچ مددگاری و سود نمیدهد شفاعت نزد او مگر
لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَ
مر کسی را که دستوری دهد مراو را تا بر داشته شود از دلهاشان ترس گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق و
هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۲۳ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا
اوست برتر بزرگ بگو کیست که روزی میدهد شما را از آسمانها و زمین بگو خدا و بدرستیکه
أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۲۴ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا
ما یا شما هر آینه بر هدایتیم یا در گمراهی آشکار بگو پرسیده نشوید شما را از آنچه گناه کردیم و
وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۲۵ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ
و پرسیده نشویم از آنچه شما میکنید بگو جمع میکند میان ما پروردگار ما پس حکم میکند میان ما براستی و اوست حکم کننده
الْعَلِيمُ ۲۶ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ
دانا بگو بنمائید مرا آنانکه بر بستید باو انبازان نچنانست بلکه اوست خدای غالب
الْحَكِيمُ ۲۷ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ
درست کردار و نفرستادیم ترا بجز عموما برای مردمان مژده دهنده و بیم کننده ولیکن بیشتر
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۲۸ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۲۹ قُلْ
مردمان نمیدانند و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان بگو
لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ۳۰ وَقَالَ
مر شما را وعده بروزیست باز پس نمانید از آن یک ساعت و پیش نمی افتید و گفتند
الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ
آنانکه کافر شدند هرگز نمیگرویم باین قرآن و نه بآن که باشد میان دو دستش و اگر ببینی هنگامیکه
الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ
ستمکاران باز داشته شدگانند نزد پروردگارشان باز گرداند برخی از ایشان بسوی برخی سخن را میگوید
الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ۳۱ قَالَ الَّذِينَ
آنانکه ضعیف گرفته شدند مر آنانرا که بزرگی جستند اگر نبودید شما هر آینه بودیم گروندگان گفتند آنانکه
اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ
بزرگی جستند مر آنانکه ضعیف گرفته شدند آیا ما باز داشتیم شما را از هدایت پس از آنکه آمد شما را

قوله تعالی ولا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له [illegible]

نصف

[illegible]

بل كنتم مجرمين ٣٢ وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر

بلکه بودید گناهکاران وگفتند آنانکه ضعیف گرفته شده بودند مرآنانرا که بزرگی جستند بلکه حیله

الليل والنهار اذ تأمروننا ان نكفر بالله ونجعل له اندادا واسروا

شب و روز هنگامیکه میفرمودید ما را که کافر شویم بخدا و بگردانیم برای او همتایان و پنهان داشتند

الندامة لما راوا العذاب وجعلنا الاغلال في اعناق الذين كفروا

پشیمانی را چون دیدند عذاب را وگردانیدیم غلها را در گردنهای آنان که کافر شدند

هل يجزون الا ما كانوا يعملون ٣٣ وما ارسلنا في قرية من نذير الا

آیا جزا داده میشوند بجز آنچه بودند میکردند ونفرستادیم در قریه هیچ بیم کننده مگر

قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون ٣٤ وقالوا نحن اكثر اموالا

گفتند صاحبان نعمتهایش بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شدید بآن کافرانیم وگفتند ما بیشتریم در مالها

واولادا وما نحن بمعذبين ٣٥ قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء و

و فرزندان و نیستیم ما عذاب کرده شدگان بگو بدرستیکه پروردگار من فراخ میکند روزی را برای هر که خواهد و

يقدر ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٣٦ وما اموالكم ولا اولادكم

تنگ میکند ولیکن بسیاری مردمان نمیدانند ونیست مالهای شما و نه فرزندان شما

بالتي تقربكم عندنا زلفى الا من امن وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء

بچیزیکه نزدیک گرداند شما را نزد ما نزدیک کردنی مگر کسیکه ایمان آورد و کرد کار شایسته پس آنگروه که مر ایشانراست پاداش

الضعف بما عملوا وهم في الغرفات امنون ٣٧ والذين يسعون في اياتنا

دو چندانی بآنچه کردند و ایشان در غرفها ایمنان و کسانیکه میشتابند در آیات ما

معاجزين اولئك في العذاب محضرون ٣٨ قل ان ربي يبسط الرزق لمن

که عاجز کنند ما را آنها در عذاب حاضر شدگانند بگو بدرستیکه پروردگار من فراخ میکند روزی را برای کسیکه

يشاء من عباده ويقدر له وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير

بخواهد از بندگانش و تنگ میکند مر او را و آنچه انفاق کردید از چیزی پس او عوض میدهد او را و او بهترین

الرازقين ٣٩ ويوم يحشرهم جميعا ثم يقول للملئكة اهؤلاء اياكم كانوا

روزی دهندگان و روزیکه برانگیزد ایشان را همه پس میگوید مر فرشتگان را آیا اینها شما را بودند که

يعبدون ٤٠ قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون الجن اكثرهم

میپرستیدند گویند منزهی تو تویی صاحب ما از غیر ایشان بلکه بودند که میپرستیدند جن را بیشتر ایشان

بهم مؤمنون ٤١ فاليوم لا يملك بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين

بآنها گرویده بودند پس امروز مالک نباشند بعضی از شما برای بعضی سود و نه زیان و میگوییم مر آنانرا که

ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون ٤٢ واذا تتلى عليهم اياتنا

ستم کردند بچشید عذاب آتش را که بودید آنرا تکذیب میکردید و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما

بينات قالوا ما هذا الا رجل يريد ان يصدكم عما كان يعبد اباؤكم وقالوا

درخشنده گویند نیست این مگر مردی که میخواهد باز دارد شما را از آنچه بودند که میپرستیدند پدران شما و گویند

ما هذا الا افك مفترى وقال الذين كفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر
نیست این بجز دروغی بر بسته شده و گفتند آنانکه کافر شدند مر حق را چون آمد ایشان را نیست این مگر جادوی

مبين ٤٣ وما اتيناهم من كتب يدرسونها وما ارسلنا اليهم قبلك من
آشکارا و ندادیم ایشان را از کتابها که بدرس خوانده باشند آنرا و نفرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ

نذير ٤٤ وكذب الذين من قبلهم وما بلغوا معشار ما اتيناهم فكذبوا رسلي
بیم کننده و تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان و نرسیدند به دهیک آنچه دادیم ایشان را پس تکذیب کردند فرستادگان مرا

فكيف كان نكير ٤٥ قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى وفرادى
پس چگونه بود انکار من بگو جز این نیست که پند میدهم شما را بیک چیزی که برخیزید برای خدا دو دو و یک یک

ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة ان هو الا نذير لكم بين يدي عذاب
پس اندیشه کنید نیست صاحب شما را هیچ جنونی نیست او بجز بیم کننده مر شما را که میان دو دست عذابی

شديد ٤٦ قل ما سألتكم من اجر فهو لكم ان اجري الا على الله وهو على
سخت بگو آنچه خواستم از شما از هیچ مزدی پس آنست مر شما را نیست مزد من مگر بر خدا و او بر

كل شيء شهيد ٤٧ قل ان ربي يقذف بالحق علام الغيوب ٤٨ قل جاء الحق
همه چیزی گواه بگو بدرستیکه پروردگار من القا میکند بحق داننده عیبهاست بگو آمد حق

وما يبدئ الباطل وما يعيد ٤٩ قل ان ضللت فانما اضل على نفسي وان اهتديت
و نی آفریند باطل و اعاده میکند بگو اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه میشوم بر خود و اگر راه یافتم

فبما يوحي الي ربي انه سميع قريب ٥٠ ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا
پس بسبب آنچه وحی میکند بسوی من پروردگار من بدرستیکه او شنونده نزدیک است و اگر ببینی هنگامیکه بترسند پس نباشد فوتی و گرفته شوند

من مكان قريب ٥١ وقالوا امنا به وانى لهم التناوش من مكان بعيد ٥٢ و
از جای نزدیک و گویند گرویدیم بآن و از کجاست مر ایشان را تناوش از جای دور

قد كفروا به من قبل ويقذفون بالغيب من مكان بعيد ٥٣ وحيل بينهم وبين
بتحقیق کافر شدند بآن از پیش و میاندازند بناپیدائی از جای دور و جدائی افکنده شد میان ایشان

ما يشتهون ٥٣ كما فعل باشياعهم من قبل انهم كانوا في شك مريب
و میان آنچه میخواستند چنانچه کرده شد با امثال ایشان از پیش که آنها بودند در شکی به تهمت اندازنده

سورة الفاطر خمس و اربعون آية وهي مكية (٣٥)

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئكة رسلا اولي اجنحة
ستایش مر خدا را که نو آفریننده آسمانها و زمین است گرداننده است فرشتگان را فرستادگان صاحب بالها

مثنى وثلث وربع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ١
دو دو و سه سه و چهار چهار بر افزاید در آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس سوره سبا را بخواند هیچ پیغمبری نماند در روز قیامت الا آنکه با او مصافحه نماید و رفیق او باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است هر کس ...

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... منقول است که هر کس سوره الملائکه را بخواند ... روز قیامت ... داخل شود در بهشت از هر ... که خواهد

اولی بضم همزه بلا ... اتباع

مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ

آنچه را بگشاید خدا برای مردمان از رحمت پس نیست بازگیرنده مر آنرا و آنچه را بازگیرد پس نیست فرستنده مر آنرا

بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٢ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

بعد از آن و اوست غالب درست کردار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر خودتان آیا

خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ٤

هیچ آفریننده هست جز خدا که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی بجز او پس بکجا برگردانیده میشوید

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٥

و اگر تکذیب میکنند ترا بتحقیق تکذیب کرده شدند رسولان پیش از تو و بسوی خدا باز میگردد کارها

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ

ای مردمان بدرستیکه وعدهٔ خدا حق است پس نباید فریفته کند شما را دنیا و نباید که فریب دهد شما را بخدا

الْغَرُورُ ٦ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا

آن فریبنده بدرستیکه شیطان مر شما را دشمن است پس بگیرید او را دشمن جز این نیست که میخواند گروهش را تا بشوند

مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ٧ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ٨ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ

از اهل آتش سوزنده آنانکه کافر شدند مر ایشانراست عذاب سخت و آنانکه ایمان آوردند و

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ٩ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ

و کردند کارهای شایسته مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ آیا پس آنکه آراسته شد برای او بدی کردارش پس دید آنرا

حَسَنًا فَإِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ

خوب پس بدرستیکه خدا گمراه میگذارد هر کرا خواهد و راه مینماید هر کرا خواهد پس نباید که هلاک کنی نفست را

عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ١٠ وَاللّٰهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ

برای ایشان از راه حسرتها بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنند و خداست آنکه فرستاد بادها را

فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ

پس بر انگیخته ابر را پس راندیم آنرا بسوی بلد مرده پس زنده گردانیدیم بآن زمین را بعد از مردنش همچنین است

النُّشُورُ ١١ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ

حشر کردن هر کرا باشد که بخواهد عزت را پس مر خدا راست عزت همه بسوی او بالا رود سخن خوب پاکیزه

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ

و کردار شایسته که بالا میبرد او را و آنانکه می اندیشند حیلهٔ بدیها را مر ایشانراست عذاب سخت و

مَكْرُ أُولٰئِكَ هُوَ يَبُورُ ١٢ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ

حیلهٔ آنها آنست که ناچیز میشود و خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را

أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا

جفت جفت و بار بر نمیدارد هیچ مونثی و نمی نهد مگر بدانستن او و عمر داده نشود هیچ عمر داده شده و

يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ١٣ وَمَا يَسْتَوِي

کم کرده نشود از عمر او مگر که در کتابیست بدرستیکه این بر خدا آسانست و یکسان نیست

يُمْسِكْ بسکون کاف

قوله سبحانه إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام است حدیثی طولانی در صعود اعمال حسنه بسوی حق تعالی [illegible] است که حاصلش این است که وقتی بنده عمل میکند اعمال صالحه از قول توحید و اقرار بنبوت و نماز و روزه و حج و جهاد [illegible] حتی شهادت در راه [illegible]

الْغَرُورُ بفتح غین معجمه

[illegible]

الْبَحْرَانِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ
دو دریا این شیرین بسیار شیرین که گوارا است آشامیدنش و این شور است بسیار شور و از همه میخورید

لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا
گوشت تازه و بیرون می آرید پیرایه که میپوشید آنرا و می بینی کشتی را که در آن است شگافنده تا بجوئید

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۴ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي
از کرم او و باشد که شما شکرگزار شوید در آورد شب را در روز و در آورد روز را در شب در

اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ
شب و رام کرد آفتاب و ماه را همه میروند تا مدتی نام برده شده خدا است پروردگار شما او را

الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۱۵ إِنْ تَدْعُوهُمْ
پادشاهی و آنانکه میخوانند غیر از او را مالک نمیباشند از پوست استخوان خرما اگر بخوانید شان

لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُونَ
نشنوند خواندن شما را و اگر بشنوند اجابت نتوانند کرد مر شما را و روز قیامت انکار میکنند

بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ۱۶ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللّٰهِ
بشرک شما و خبر نمیدهد ترا مانند آگاهی ای مردمان شما یید محتاجان بسوی خدا

وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۱۷ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۱۸ وَمَا ذٰلِكَ
و خدا است که او است بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و بیاورد آفرینش تازه و نیست این

عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ ۱۹ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلٰى حِمْلِهَا
بر خدا دشوار و بر ندارد بردارنده بار گناه دیگری را و اگر بخواند گرانبار شده به برداشتن آن

لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
برداشته نشود از او چیزی و اگرچه باشد صاحب قرابت جز این نیست آنانکه بیم میکنی آنانرا که میترسند پروردگار خود را

بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَمَنْ تَزَكّٰى فَإِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۲۰
پنهانی و بر پا داشته اند نماز را و کسیکه پاکیزه شد جز این نیست پاکیزه برای خود شد و بسوی خدا است بازگشت

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمٰى وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَ
و یکسان نیست نابینا و بینا و نه تاریکی و نه روشنی و نه سایه و

لَا الْحَرُورُ ۲۱ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ
نه سموم و یکسان نیست زندگان و نه مردگان بدرستیکه خدا میشنواند آنرا

يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۲۲ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
که خواهد و نیستی تو شنواننده آنانکه در قبرها اند نیستی تو بجز بیم کننده بدرستیکه ما فرستادیم ترا

بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۲۳ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ
بحق مژده دهنده و ترساننده و نیست هیچ امتی مگر آنکه گذشت در آن بیم کننده و اگر تکذیب کردند ترا

فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَ
پس بتحقیق تکذیب کرده اند آنانکه بودند پیش از ایشان که آمد ایشانرا رسولان ایشان با برهانها و به صحیفها

بالبینات

قوله تعالی وما یستوی الاعمی والبصیر الخ مثلی است که زده شده بکافر و مؤمن یعنی کافر کور دل است و مؤمن بصیر القلب و ظلمات و نور یعنی باطل و حق مساوی نیستند و ظل و حرور مساوی نیستند یعنی ثواب و عقاب و بعضی گویند مراد از ظل بهشت و از حرور جهنم و مساوی نیستند احیاء و اموات این مثل دیگر است از برای مؤمنین و کافران

اول و بعضی گفته اند مثال است از برای علما و جهال زیرا که نور ایمان و علم و نور معارف حیات قلبی است و جهلا چون از نور حیات عاری اند باطنا از اموات اند و در کنز الفوائد از مرفوع از ابن عباس روایت است که مراد بالاعمی ابو جهل است و بالبصیر حضرت امیر المؤمنین و بالظلمات ابو جهل است و بالنور آنحضرت علیه السلام و بالظل آنحضرت است در بهشت و بالحرور یعنی جهنم از برای ابو جهل است و مراد بالاحیاء حضرت علی و حمزه و جعفر طیار و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه علیهم السلام و بالاموات کفار اند و السلام

خلا فیها
خلا کلمه جدا است
دفیها جدا

بالكتاب المنير ۲۴ ثم اخذت الذين كفروا فكيف كان نكير ۲۵ الم تر ان
باکتاب روشن پس گرفتم آنانکه کافر شدند پس چگونه باشد انکار من آیا ندید که

الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال
خدا فرو فرستاد از آسمان آب پس بیرون آوردیم میوه‌ها که مختلف است رنگهاشان و از کوهها

جدد بيض وحمر مختلف الوانها وغرابيب سود ومن الناس والدواب
راههاست سفید ها و سرخها که رنگهاشان مختلف است و سیاهی بسیار سیاه و از مردمان و چهارپایان

والانعام مختلف الوانه كذلك انما يخشى الله من عباده العلماء
و چرندگان که مختلفست رنگهایش همچنین است بدرستیکه میترسند از خدا از بندگانش دانایان

ان الله عزيز غفور ۲۶ ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا الصلوة
بدرستیکه خدا غالب آمرزنده است بدرستیکه آنانکه میخوانند کتاب خدارا و برپا داشته اند نمازرا

وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية يرجون تجارة لن تبور ۲۷ ليوفيهم
و انفاق کردند از آنچه روزیشان دادایم نهان و آشکار امید دارند تجارتیرا که هرگز تباه نشود تا تمام دهد ایشانرا

اجورهم ويزيدهم من فضله انه غفور شكور ۲۸ والذي اوحينا
مزدهاشانرا و زیاده دهد ایشانرا از کرم خود ایشانرا بدرستیکه او آمرزنده شکرپذیر است و آنچه را وحی کردیم ما

اليك من الكتاب هو الحق مصدقا لما بين يديه ان الله بعباده
بسوی تو از کتاب آن حق است تصدیق کننده مرآنچه را که باشد میان دو دستش بدرستیکه خدا به بندگانش

لخبير بصير ۲۹ ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم
هر آینه آگاه بیناست پس میراث دادیم کتاب آنانرا که برگزیدیم از بندگان خود پس از ایشان

ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك
ستمکار است بر خود و برخی از ایشان میانه روند و برخی از ایشان پیشی گیرنده بخیرات بفرمان خدا اینست

هو الفضل الكبير ۳۰ جنات عدن يدخلونها يحلون فيها من اساور
آن کرم بزرگ بهشتهای با اقامت که داخل میشوند بآنها زیور کنند درانجا از دستبرنجها

من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۳۱ وقالوا الحمد لله الذي اذهب
از طلا و مروارید و پوشش ایشان در آن پرنیانست و گویند ستایش مر خدا که زایل کرد

عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور ۳۲ الذي احلنا دار المقامة من فضله
از ما اندوه را بدرستیکه پروردگار ما هر آینه آمرزنده شکرپذیر است آنکه در آورده ما را بسرای اقامت از کرمش

لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ۳۳ والذين كفروا لهم نار
مس نمیکند ما را در آنجا سختی و مس نمیکند ما را در آنجا خستگی و آنانکه کافر شدند مر ایشانراست آتش

جهنم لا يقضى عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من عذابها كذلك نجزي
دوزخ حکم کرده نشود بر ایشان پس بمیرند و تخفیف داده نشود از ایشان از عذابش همچنین جزا میدهیم

كل كفور ۳۴ وهم يصطرخون فيها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذي كنا
همه ناسپاس را و ایشان فریاد میکنند در آن که پروردگارا بیرون آر ما را تا بکنیم کار نیکو غیر آنچه بودیم

نعمل

وحمر
بسکون میم

قوله سبحانه
ان الذين يتلون الآية
شكور خصيصت ایشان
برکت ربح و فایده تجارت
و افزوده است و تجارت
آمدانها بحسب قطعه
نشوند که از مینه ایشانه
من فضله و احسنه ملأانند
برکت خیره و فایده چند
انشاء الله ۱۲

قوله تعالى
ثم اورثنا الكتاب الخ
در معنی اخبار از آنحضرت
سؤال کرده شد از این آیه
فرمود نازل است در شأن
اهلبیت علیهم السلام
عرض کرده گشت ظالم لنفسه
فرمود کسیکه حسنات
و سیئات او را آمیخت
بسیار است ظالم لنفسه
عرض کرده گشت مقتصد از شما
فرمود عبادت کننده از
برای حق تعالی در دو حال
تا بیاید او را یقین یعنی
مرگ پس عرض شد که کیست
از شما سابق بخیرات
کسیکه بخواند بسوی
پروردگار خود و امر کند
بمعروف و نهی کند از منکر
و نبوده باشد از برای
ضلالت کنندگان همدست
و نه قوت باشد و نه از برای
خیانت کنندگان خصم
و راضی نباشد بحکم
فاسقین مگر کسیکه بترسد
بر نفس خود و دین خود
دنیا بدهد و السلام
۱۲

نعمل اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير ۳۵ فذوقوا فما
کار میکردیم آیا عمر ندادیم شما را آنقدر که پند گیرد در آن هر که پند گیرد و آمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست
للظالمين من نصير ۳۶ ان الله عالم غيب السموات والارض انه عليم بذات
مر ستمگاران را از یاری هیچ یاوری بدرستیکه خدا دانای نهان آسمانها و زمین بدرستیکه او دانا است باسرار
الصدور ۳۷ هو الذي جعلكم خلائف في الارض فمن كفر فعليه كفره
سینها او است آنکه گردانید شما را خلیفها در زمین پس هر که کافر شد پس بر او است کفرش
ولا يزيد الكافرين كفرهم عند ربهم الا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم
و نیفزاید کافران را کفرشان نزد پروردگارشان بجز دشمنی و نیفزاید کافران را کفرشان
الا خسارا ۳۸ قل ارايتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله اروني
بجز زیانکاری بگو آیا دیدید شریکانتان را آنانکه میخوانید از غیر خدا بنمائید مرا
ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ام اتيناهم كتابا فهم
که چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان را است شرکتی در آسمانها یا دادیم ایشان را کتابی پس ایشانند
على بينة منه بل ان يعد الظالمون بعضهم بعضا الا غرورا ۳۹ ان الله
بر بینه از آن بلکه وعده نمیدهند ستمکاران برخی ایشان برخی را بجز فریب بدرستیکه خدا
يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد
نگاه میدارد آسمانها را و زمین را از اینکه زایل شوند و هر آینه اگر زایل شوند نگاه نمیدارد آنها را هیچکس
من بعده انه كان حليما غفورا واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن
بعد از آن بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده و سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندهاشان که هر آینه اگر
جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فلما جاءهم نذير ما زادهم
آید ایشان را بیم کننده که باشند راه یافته تر از یکی امتها پس چون آمد ایشان را بیم کننده نفزود ایشانرا
الا نفورا ۴۱ استكبارا في الارض ومكر السيء ولا يحيق المكر السيء
بجز نفرت از راه سرکشی در زمین و اندیشیدن بدی و احاطه نکند اندیشیدن بدی
الا باهله فهل ينظرون الا سنة الاولين فلن تجد لسنة الله تبديلا
مگر باهلش پس آیا انتظار میبرند بجز دستور پیشینیان را پس هرگز نیابی برای دستور خدا تغییر دادنی
ولن تجد لسنة الله تحويلا ۴۲ اولم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان
و هرگز نیابی مر دستور خدا را از حالی بحالی آیا و سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه بود
عاقبة الذين من قبلهم وكانوا اشد منهم قوة وما كان الله ليعجزه من
انجام آنانکه بودند پیش از ایشان و بودند سخت تر از ایشان در توانائی و نباشد خدا که عاجز کند او را
شيء في السموات ولا في الارض انه كان عليما قديرا ۴۳ ولو يؤاخذ
هیچ چیز در آسمانها و نه در زمین بدرستیکه او هست دانای توانا و اگر مؤاخذه کند
الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى
خدا مردمان را بسبب آنچه کردند نگذارد بر پشتش هیچ جنبنده ولیکن تاخیر کند ایشان را تا

وقوله سبحانه ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا الخ [illegible]

اجل

أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ٤٥

مدتی نام برده شده پس چون آمد اجلشان پس بدرستیکه خدا باشد به بندگانش بینا

سورة يس صلى الله عليه وآله ثلث وثمانون آية وهي مكية (٣٦)

الا آیه ٤٥ فمدنیة نزلت بعد الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يس ١ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ٢ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ٣ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٤

قسم بآن قرآن باحکمت بدرستیکه تو هرآینه از فرستادگانی بر راهی راست

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ٥ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ٦

فرو فرستادن غالب مهربان تا بیم کنی گروهی را چنانکه بیم کرده شدند پدرانشان پس ایشان بیخبرانند

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٧ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ

هرآینه بتحقیق درست آمد گفتار بر بیشتر آنها پس ایشان نمیگروند بدرستیکه ما گردانیدیم در گردنهاشان

أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ٨ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

غلها پس آنها تا ذقنهاست پس ایشان سر افراشتگانند و گردانیدیم از میان دستهاشان

سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ٩ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

سدی و از پس سرشان سدی پس فرو گرفتیم ایشان را پس ایشان نمی بینند و یکسان است بر ایشان

أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ١٠ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ

خواه بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا ایمان نمیآورند بدرستیکه بیم میکنی کسی را که پیروی کند قرآن را و بترسد

الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ١١ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا

از خدای بخشنده بنهانی پس مژده ده او را بآمرزش و مزدی بزرگ بدرستیکه ما زنده کنیم مردگان را و مینویسیم آنچه را

قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ١٢ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا

پیش فرستادند و آثارشانرا و هر چیزی ضبط کردیم آنرا در پیشوائی روشن و بزن برای ایشان مثلی

أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ١٣ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ

از اصحاب قریه هنگامیکه آمدند آنها را فرستادگان وقتیکه فرستادیم بایشان دو کس را

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ١٤ قَالُوا مَا

پس تکذیب کردند آندو را پس قوی کردیم بسومی پس گفتند که ما بسوی شما فرستادگانیم گفتند که

أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ١٥ قَالُوا

نیستید شما مگر انسانی مانند ما و فرو نفرستاده خدا هیچ چیزی نیستید شما مگر دروغ میگوئید گفتند

رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ١٦ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ١٧ قَالُوا إِنَّا

ای پروردگار ما بدرستیکه ما بسوی شما فرستادگانیم و نیست بر ما مگر رسانیدن آشکار گفتند بدرستیکه

تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٨ قَالُوا

فال بد زدیم بشما هرآینه اگر باز نایستید هرآینه سنگسار نمائیم شما را و هرآینه برسد شما را از ما عذاب دردناک گفتند

يس: سين مد ميخواهد

آباؤهم: بضم همزه و بدون اشباع

هو

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند معتبر منقولست فرمودند که هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن یس است پس هرکه این سوره را در روز تلاوت کند در امان خدا باشد و فراخ روزی گردد و هرکه در شب تلاوت کند حقتعالی هزار فرشته بر او موکل فرماید که برای او استغفار نمایند و در مرگ بعد از آن جنازه اش را تشییع میکنند و با او نماز میگذارند و ... عبادت مشغول شوند تا روز قیامت و ثواب آن عبادت برای او باشد و قبر را برای او فراخ سازند بمقدار مد البصر و نوری از قبر او جهنده باشد تا وقت بعث و نشور و چون از قبر برخیزد آن فرشتگان همراه او سخن گویند و برای او بشارت آورند

١٤

طائركم معكم أئن ذكرتم بل أنتم قوم مسرفون ١٩ وجاء من أقصى

قال بد شمت با شما است آیا پند داده شدید بلکه شما یا گروه اسراف کنندگان وآمد از دورترین جای

المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين ٢٠ اتبعوا من لا يسئلكم

آن شهر مردی که میشتافت گفت ای قوم پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید آنرا که طلب نمیکند از شما

أجرا وهم مهتدون ٢١ وما لي لا أعبد الذي فطرني وإليه ترجعون ٢٢

مزدی و ایشان اند هدایت یافتگان و چیست مرا که نپرستم آنرا که آفریده مرا و بسوی او باز میگردید

ءأتخذ من دونه آلهة إن يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم شيئا و

آیا بگیرم از غیر او خدایان که اگر بخواهد بمن خدای بخشنده زیانی کفایت نکند از من شفاعت ایشان چیزی و

لا ينقذون ٢٣ إني إذا لفي ضلال مبين ٢٤ إني آمنت بربكم فاسمعون ٢٥

نه رها کنند مرا بدرستیکه من آنگاه هر آینه در گمراهی آشکارم بدرستیکه من گرویدم بپروردگار شما پس بشنوید مرا

قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون ٢٦ بما غفر لي ربي وجعلني

گفته شد داخل شو در بهشت گفت ای کاش قوم من میدانستند که بچه سبب آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا

من المكرمين ٢٧ وما أنزلنا على قومه من بعده من جند من السماء و

از گرامی شدگان و نفرستادیم بر قوم او از بعد او هیچ لشکری از آسمان و

ما كنا منزلين ٢٨ إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم خامدون ٢٩

و نبودیم ما فرو فرستندگان نبود جز فریادی واحد پس آنگاه ایشان افسردگان شدند

يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون ٣٠

ای دریغ بر بندگان که نمی آید ایشان را هیچ رسولی مگر بودند با او استهزا میکردند

ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون ٣١ أنهم إليهم لا يرجعون ٣٢

آیا ندیدند که چند هلاک کردیم پیش از ایشان از قرون که ایشان بسوی ایشان باز نمیگردند

وإن كل لما جميع لدينا محضرون ٣٣ وآية لهم الأرض الميتة أحييناها

و نیستند همه مگر جمع کردگان نزد ما حاضر شدگان و نشانه ایست مر ایشانرا زمین مرده که زنده اش کردیم

وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون ٣٤ وجعلنا فيها جنات من نخيل و

و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن که میخورند و گردانیدیم در آن بوستانها از درخت خرما و

أعناب وفجرنا فيها من العيون ٣٥ ليأكلوا من ثمره وما عملته أيديهم

و انگورها و روان نمودیم در آن چشمه سارها تا بخورند از میوه اش و آنچه ساخت آنرا دستهای شان

أفلا يشكرون ٣٦ سبحان الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الأرض و

آیا پس شکر نمیکنند منزه است آنکه آفرید اصناف را همه آنرا از آنچه میرویاند زمین و

من أنفسهم ومما لا يعلمون ٣٧ وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فإذا هم

از نفسهای شان و از آنچه نمیدانند و نشانه ایست مر ایشانرا شب که بیرون میکشیم از آن روز را پس آنگاه ایشان

مظلمون ٣٨ والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم ٣٩ والقمر

داخل شوند در تاریکی و آفتاب سیر میکند در قرارگاه خود که مراد است اینست قرار داده خدای غالب دانا و ماه

قدرناه

[margin notes:]

و از امام جعفر صادق منقول است که سوره مبارکه یس [illegible]

آلهتهم بلا عوالف و کسر ها

ينقذون بکسر نون

فاسمعون بکسر نون

[illegible]

والسلام

قَدَّرْنٰهُ مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ ٤٠ لَا الشَّمْسُ يَنْۢبَغِيْ لَهَاۤ اَنْ

قرار داد کردیم آنرا فرودگاهها تا عود نماید مانند عرجون قدیم نه آفتاب می‌سزد مر آنرا که

تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا الَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِيْ فَلَكٍ يَّسْبَحُوْنَ ٤١ وَاٰيَةٌ لَّهُمْ

دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده روز است و همه در گردون اندر رفت میکنند و نشانی است مر ایشان را

اَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ ٤٢ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِّنْ مِّثْلِهٖ مَا يَرْكَبُوْنَ ٤٣

که ما بار کردیم فرزندان ایشان را در کشتی پر کرده شده و آفریدیم برای ایشان از مانند آن آنچه سوار میشوند

وَاِنْ نَّشَاْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيْخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُوْنَ ٤٤ اِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَ

و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس نباشد مر ایشان را فریادرسی و نه ایشان رهانیده شوند مگر رحمتی از ما و

مَتَاعًا اِلٰى حِيْنٍ ٤٥ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّقُوْا مَا بَيْنَ اَيْدِيْكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ

بهره‌ای تا وقتی و چون گفته شود مر ایشان را که بپرهیزید از آنچه میان دستهای شما و آنچه پس پشت شماست شاید

تُرْحَمُوْنَ ٤٦ وَمَا تَاْتِيْهِمْ مِّنْ اٰيَةٍ مِّنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوْا عَنْهَا مُعْرِضِيْنَ ٤٧

رحم کرده شوید و نمی‌آید ایشان را هیچ آیتی از آیات پروردگار ایشان مگر آنکه بودند از آنها روی برگردانندگان

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنُطْعِمُ

و چون گفته شود مر ایشان را که انفاق کنید از آنچه روزی داده است شما را خدا گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند آیا طعام دهیم

مَنْ لَّوْ يَشَاۤءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهٗۤ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ٤٨ وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا

کسیرا اگر بخواهد خدا طعام میدهد او را نیستید شما مگر در گمراهی آشکار و میگویند کی باشد این

الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ٤٩ مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَاْخُذُهُمْ وَ

وعده اگر هستید راستگویان انتظار نمیبرند مگر فریاد واحد را که میگیرد ایشان را و

هُمْ يَخِصِّمُوْنَ ٥٠ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَاۤ اِلٰۤى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ٥١

ایشان خصومت کنند پس نتوانند وصیت کردن و نه بسوی کسان خود باز آیند

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُوْنَ ٥٢ قَالُوْا يٰوَيْلَنَا

و دمیده شود در صور پس آنگاه ایشان از گورها بسوی پروردگار ایشان میشتابند گویند ای وای بر ما

مَنْۢ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ٥٣ اِنْ

که برانگیخت ما را از خوابگاههای ما اینست آنچه وعده داد خدا و راست گفتند فرستادگان

كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ ٥٤ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

نباشد بجز فریادی واحد پس آنگاه ایشان همه نزد ما حاضر شدگان پس در این روز ستم کرده نشود

نَفْسٌ شَيْئًا وَّلَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ٥٥ اِنَّ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِيْ

نفسی چیزی را و جزا داده نشوید مگر آنچه را که بودید میکردید بدرستیکه اهل بهشت در این روز در

شُغُلٍ فٰكِهُوْنَ ٥٦ هُمْ وَاَزْوَاجُهُمْ فِيْ ظِلٰلٍ عَلَى الْاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوْنَ ٥٧

شغلی خرسندی کنندگان ایشان و جفتهای ایشان در سایه‌ها بر سریرها تکیه کنندگانند

لَهُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّلَهُمْ مَّا يَدَّعُوْنَ ٥٨ سَلٰمٌ قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِيْمٍ ٥٩ وَامْتَازُوا

مر ایشان راست در آنجا میوه و مر ایشان راست آنچه بخواهند سلام است گفتاری از پروردگار مهربان و جدا شوید

قوله یا ویلنا

یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا تا آخر در صافی از جوامع از حضرت علی مرتضی آورده است من بعثنا من عذاب(؟) است و بعثنا مصدر است و قمی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که بدرستیکه قوم میگفتند در قبور پس چون برانگیخته شوند گمان میکنند که در خواب بوده‌اند میگویند ای وای بر ما از بعث ما از مرقد و خوابگاه ما ملائکه میگویند این آنچیزیست که وعده کرده است رحمن و صادق گفتند حضرات فرستادگان از انبیاء روایت است علیهم السلام

انفقوا بفتح همزه قطع

اطعمه بفتح همزه قطع

از شیخ کلینی مروی از حسن بن شاذان روایت کرده که گفت نوشتم بسوی حضرت ابوالحسن الرضا علیه الصلوة والسلام و شکایت کردم از ... و ... حضرت در جواب توقیع فرمود بخط مبارک که خدای تعالی حقیقی گرفت میثاق ... در دولت ... از برای حکم پروردگار ... و اگر ... شود ... خلایق ...

فی ظلال بکسر ظا

من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون

٤٤

الیوم ایها المجرمون ۶۰ الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان
امروز ای گناهکاران آیا پیمان نفرستادم بسوی شما ای فرزندان آدم که نپرستید شیطان را

انه لکم عدو مبین ۶۱ وان اعبدونی هذا صراط مستقیم ۶۲ ولقد
بدرستیکه او مر شما را دشمنی است آشکار و اینکه بپرستید مرا اینست راه راست و هر آینه بتحقیق

اضل منکم جبلا کثیرا افلم تکونوا تعقلون ۶۳ هذه جهنم التی کنتم
گمراه کرد از شما خلقی بسیار آیا پس نبودید که دریابید بعقل اینست دوزخی که بودید

توعدون ۶۴ اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون ۶۵ الیوم نختم علی
وعده داده میشدید بچشید آنرا امروز بآنچه بودید کافر میشدید امروز مهر میگذاریم بر

افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ۶۶ ولو
دهنهای ایشان و سخن میگوید با ما دستهای ایشان و گواهی میدهد پاهای ایشان بآنچه بودند کسب میکردند و اگر

نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ۶۷ ولو نشاء
میخواستیم هر آینه محو کرده بودیم بر چشمهای ایشان پس پیشی گرفته بودند راه را پس کجا میدیدند و اگر میخواستیم

لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون ۶۸ ومن نعمره
هر آینه مسخ میکردیم ایشان را بر جای ایشان پس نتوانستند رفتن را و نه باز میگردیدند و کسیکه عمر دراز میدهیم او را

ننکسه فی الخلق افلا یعقلون ۶۹ وما علمناه الشعر وما ینبغی له ان هو
نگون میگردانیم در خلق آیا پس در نمی یابید بعقل و نیاموختیم او را شعر و نسزد او را نیست آن

الا ذکر وقرآن مبین ۷۰ لینذر من کان حیا ویحق القول علی الکافرین ۷۱
مگر پندی و قرآنی واضح تا بیم دهد آنرا که باشد زنده دل و ثابت شود سخن بر کافران

اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون ۷۲ و
آیا ندیدند که ما آفریدیم مر ایشانرا از آنچه ساخت دستهای ما ستورکان و گوسفندان پس ایشان مر آنها را مالکانند و

ذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون ۷۳ ولهم فیها منافع ومشارب
رام کردیم آنها را برای ایشان پس از آنها است سواری ایشان و از آنها میخورند و مر ایشانراست در آنها سودها و آشامیدنیها

افلا یشکرون ۷۴ واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ینصرون ۷۵
آیا پس شکر نمیگزارند و گرفتند از غیر خدا خدایانی شاید که ایشان یاری کرده شوند

لا یستطیعون نصرهم وهم لهم جند محضرون ۷۶ فلا یحزنک قولهم انا
نمیتوانند یاری کردن ایشانرا و ایشان مر آنها را لشکری حاضر شدگانند پس اندوهناک نکند ترا گفتار ایشان بدرستیکه ما

نعلم ما یسرون وما یعلنون ۷۷ اولم یر الانسان انا خلقناه من نطفة
میدانیم آنچه را نهان دارند و آنچه را آشکار کنند آیا ندید انسان که ما آفریدیم او را از منی

فاذا هو خصیم مبین ۷۸ وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی
پس آنگاه او دشمنی است ستیزنده آشکار و زد برای ما مثلی و فراموش کرد آفرینش خود را گفت کیست که زنده کند

العظام وهی رمیم ۷۹ قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق
استخوانها را و آنها پوسیده اند بگو زنده میکند آنها را آنکه آفرید ایشانرا اول مرتبه و او بهمه صنعی

قوله تعالی الم اعهد الیکم الی قوله صراط مستقیم یعنی عهد نکردم بسوی شما ای اولاد آدم که عبادت نکنید شیطان را بلسان انبیاء و رسل و اوصیاء علیهم السلام و بنی جبلا بکسر جیم و باء و تشدید لام ایشان نکنید زیرا که ابلیس از برای شما عدو ظاهر العداوه است و آنکه عبادت کنید مرا یعنی بلسان انبیا گفتم که عبادت کنید مرا که اطاعت من و عبادت انبیا و اولیای من صراط مستقیم است و در صافی از حضرت صادق علیه السلام که کسی اطاعت کند مردی را در معصیت حق تعالی پس بتحقیق عبادت کرده است او را و از حضرت امام ... فرزند رسول الله ... کسی گوش دهد بسوی ناطقی پس بتحقیق عبادت کرده است او را پس اگر ناطق روایت کند از حق تعالی پس بتحقیق او عبادت کرده خدای عز و جل را و اگر ناطق روایت کند از شیطان پس بتحقیق او عبادت کرده است شیطان را پس ... این کسیکه اطاعت حضرت رسول را و ائمه هدی علیهم السلام کند ... اطاعت و عبادت کرده است حق تعالی را و کسیکه اطاعت کند خلفای جور و ظلم را که ناطق از ایشانند از شیطان اطاعت کرده است شیطان را پس صراط مستقیم الهی اطاعت ایشان بزرگوار است و اطاعت غیر ... اطاعت شیطان است نعوذ بالله من الغوایه و نستعین من الله الهدایه

عَلِيمٌ ٨٠ اَلَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ٨١
دانا آنکه گردانید برای شما از درخت سبز آتش را پس آنگاه شما از آن بر می افروزید
أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ
آیا و نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا بر اینکه بیافریند مانند ایشان آری
وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ٨٢ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ
و اوست آفریدگار دانا جز این نیست فرمان او چون اراده چیزی کند آنکه میگوید مر آن را باش
فَيَكُونُ ٨٣ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
پس میباشد پس منزه است آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیزی و بسوی او باز میگردید

(٣٧) سورة الصافات مائة واثنتان وثمانون آية وهي مكية نزلت بعد الانعام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ١ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ٢ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ٣ إِنَّ إِلٰهَكُمْ
قسم بصف زدگان صف زدنی پس زجر کنندگان زجر کردنی پس قرائت کنندگان ذکری بدرستیکه خدای شما
لَوَاحِدٌ ٤ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا
هر آینه یکی است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقها بدرستیکه ما آراستیم
السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ٦ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ٧ لَا يَسَّمَّعُونَ
آسمان دنیا را بزینت ستارگان و نگهداشتنی از هر شیطان سرکشی گوش فرا نمیدهند
إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ٨ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ٩
بسوی جماعت بالاتر و انداخته میشوند از هر سوئی برای راندن و مر ایشان راست عذابی پیوسته
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ١٠ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ
جز آنکه دزدد ربودنی پس از پی در آید او را شعله فروزان پس طلب بیان کن از ایشان که آیا ایشان سخت ترند
خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ١١ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ١٢
از راه آفرینش یا آنکه آفریدیم ما بدرستیکه آفریدیم ما ایشان را از گل چسبنده بلکه تعجب میکنند و استهزا میکنند
وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ١٣ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ١٤ وَقَالُوا إِنْ هٰذَا
و چون پند داده شوند پند نگیرند و چون ببینند آیتی استهزا میکنند و گویند که نیست این
إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ١٥ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ١٦ أَوَآبَاؤُنَا
مگر جادوئی آشکار آیا چون مردیم ما و باشیم خاک و استخوانها آیا ما هر آینه برانگیخته شدگانیم آیا پدران ما
الْأَوَّلُونَ ١٧ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ١٨ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ
که پیشینانند بگو آری و شما باشید خواران پس نیست آن بجز فریادی یگانه پس ناگاه آنها
يَنْظُرُونَ ١٩ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ٢٠ هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي
بنگرند و گویند ای وای بر ما اینست روز جزا اینست روز فصل آنکه

الحکم بکسر همزه ... از حضرت صادق مرویست که هر کس این سوره را در روز جمعه قرائت نماید از جمیع آفات محفوظ باشد و هر بلا از او رفع شود ... و در دنیا ... و روزی او ... گردد ... و اگر در آن روز یا شب بمیرد شهید ... داخل بهشت گردد

آوآباؤنا بضم همزه بدون اشباع

كُنْتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۲۲ اُحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا
بوديد آنرا تكذيب ميكرديد | جمع آريد آنانرا كه ستم كردند | و جفتهاشانرا | و آنچه بودند كه

يَعْبُدُونَ ۲۳ مِنْ دُونِ اللهِ فَاهْدُوهُمْ اِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۲۴ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ
ميپرستيدند | از غير خدا | پس راه نمائيد ايشانرا بسوى راه دوزخ | و باز داريد ايشانرا كه ايشان

مَسْئُولُونَ ۲۵ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ۲۶ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ۲۷ وَاَقْبَلَ
پرسيده شوندگانند | چيست مرشما را كه يارى نميكنيد يكديگر را | بلكه ايشان در آنروز انقياد كنندگانند | و رو آورند

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۲۸ قَالُوا اِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَاْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ۲۹
برخى از ايشان بر برخى | ميپرسند از يكديگر | گويند كه شما بوديد كه مى آمديد ما را از راه قوت

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ
گويند بلكه نبوديد گروندگان | و نبود ما را بر شما | هيچ تسلطى | بلكه بوديد

قَوْمًا طَاغِينَ ۳۰ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا اِنَّا لَذَائِقُونَ ۳۱ فَاَغْوَيْنَاكُمْ اِنَّا
گروهى از راه روان | پس ثابت شد بر ما سخن پروردگار ما كه ما هر آينه چشندگانيم | پس گمراه كرديم شما را بدرستيكه

كُنَّا غَاوِينَ ۳۲ فَاِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۳۳ اِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ
بوديم ما گمراهان | پس بدرستيكه ايشانند در آنروز در عذاب شريكان | بدرستيكه ما چنين ميكنيم

بِالْمُجْرِمِينَ ۳۴ اِنَّهُمْ كَانُوا اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۳۵
بگناهكاران | كه ايشان بودند كه چون گفته ميشد مر ايشانرا كه نيست خدائى بجز خدا سركشى ميكردند

وَيَقُولُونَ اَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ۳۶ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ
و ميگفتند كه آيا ما هر آينه واگذارنده باشيم خدايان خود را براى شاعرى ديوانه | بلكه آمد براستى و راستگو

الْمُرْسَلِينَ ۳۷ اِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْاَلِيمِ ۳۸ وَمَا تُجْزَوْنَ
دانست مرسلانرا | بدرستيكه شما هر آينه چشندگان عذاب دردناكيد | و جزا داده نشويد

اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۳۹ اِلَّا عِبَادَ اللهِ الْمُخْلَصِينَ ۴۰ اُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ
مگر بآنچه بوديد | ميكرديد | بجز بندگان خدا كه خالص شده گانند | آنجماعت مر ايشانرا روزى

مَعْلُومٌ ۴۱ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ۴۲ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۴۳ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ
معلوم | از ميوه ها و ايشانند گرامى داشته گان | در بهشتهاى پر از نعمت | بر سريرها روى برابر هم

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ ۴۵ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ۴۶ لَا فِيهَا غَوْلٌ
بگرد ايشان دور آورده شود جامى از شراب روان | سفيد كه لذت است براى نوشندگان | نه در آنست فسادى

وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ۴۷ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ۴۸ كَاَنَّهُنَّ
و نه ايشانند از آن كه مست شوند | و نزد ايشانند زنان فرو هشته چشم فراخ حدقه | گويا ايشانند

بَيْضٌ مَكْنُونٌ ۴۹ فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۵۰ قَالَ قَائِلٌ
بيضه هائى در پناه نگاه داشته شده | پس رو آورند برخى از ايشان بر برخى | ميپرسند از يكديگر | گفت گوينده

مِنْهُمْ اِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ۵۱ يَقُولُ اَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ۵۲ اَئِذَا مِتْنَا
از ايشان كه مرا بود براى من همنشينى | ميگويد آيا هر آينه تو از تصديق كنندگانى | آيا چون بميريم

وقفوهم انّهم مسئولون
احشروا الذين ظلموا الى قوله مسئولون [illegible]
روز قيام كه حشر كنيد آنكسانيكه ظلم كردند حق آل محمد را با اشباه ايشان [illegible] اين ظلم و عدوان [illegible] پرستش ميكردند [illegible] ... از تحقيق ايشان سؤال كرده ميشوند از ولايت [illegible] امير المؤمنين عليه السلام ... الذين ظلموا آل محمد حقهم يعنى آنكسانيكه ظلم كردند

الهتنا
بمد الف و كسر لام

لذائقوا العذاب
بكسر باء العذاب

حضرات آل محمد عليهم السلام در حق آنكه ولايت [illegible] ... و قفوهم انّهم مسئولون عن ولاية امير المؤمنين يعنى حبس كنيد ايشانرا در موقف قيامت زيرا كه ايشان سؤال كرده ميشوند از ولايت على بن ابيطالب عليه السلام [illegible] اطاعت و تسليم [illegible] و دنيا و ميمون [illegible] حضرت رسول [illegible] ... بنده و آنكه سؤال كرده ميشود از چيزى ... جوابى كه در چيز ميشنيد [illegible]

[illegible]

وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ۵۳ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ۵۴ فَاطَّلَعَ

و باشیم خاک و استخوانها آیا مائیم هر آینه جزا داده شدگان گفت آیا شما فرا نگرندگانید پس فرا نگریست

فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۵۵ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ ۵۶ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي

پس دید او را در میانه جهنم گفت بخدا که نزدیک بود که هلاک کنی مرا و اگر نبود نعمت پروردگارم

لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۵۷ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ۵۸ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ

هر آینه بودم از حاضر شدگان آیا پس نباشیم ما مردگان بجز مردن نخست بار و نباشیم

بِمُعَذَّبِينَ ۵۹ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۶۰ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۶۱

عذاب شدگان بدرستیکه این هر آینه آن کامیابی بزرگ برای مانند این پس باید کار کنند کار کنندگان

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۶۲ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ۶۳ إِنَّهَا شَجَرَةٌ

آیا این بهتر است حضر یا درخت زقوم بدرستیکه ما گردانیدیم آنرا بلائی برای ستمگاران بدرستیکه آن درخت

تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۶۴ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ۶۵ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ

است بیرون آید در قعر دوزخ شکوفه آن گویا سرهای دیوانست پس ایشانند خورندگان

مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۶۶ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ۶۷ ثُمَّ إِنَّ

از آن پس پر کنندگانند از آن شکمها را پس بدرستیکه مر ایشانراست بر آن هر آینه آمیختنی از آب گرم پس بدرستیکه

مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ۶۸ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ۶۹ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ

بازگشت ایشان هر آینه بدوزخست که ایشان یافتند پدرانشان را گمراهان پس ایشان بر اثرهاشان بشتاب میروند

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۷۰ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ۷۱ فَانْظُرْ

و هر آینه گمراه شدند پیش از ایشان بیشتر از پیشینیان و هر آینه بتحقیق فرستادیم در ایشان بیم دهندگان پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۷۲ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۷۳ وَلَقَدْ نَادَانَا

چگونه بود انجام بیم کردگان بجز بندگان خدا که خالص شدگانند و هر آینه بتحقیق خواند ما را

نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ۷۴ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۷۵ وَجَعَلْنَا

نوح پس خوب اجابت کنندگان هستیم و رهانیدیم او و کسانش را از اندوه بزرگ و گردانیدیم ما

ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۷۶ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۷۷ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي

ذریه او را ایشان باقیماندگان و واگذاشتیم بر او در پسینیان سلام بر نوح در

الْعَالَمِينَ ۷۸ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۷۹ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۸۰ ثُمَّ

جهانیان بدرستیکه ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را بدرستیکه او بود از بندگان گروندگان پس

أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۸۱ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۸۲ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۸۳

غرق کردیم دیگران را و بدرستیکه از پیروان او است ابراهیم چون آمد پروردگارش را با دل آرام

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۸۴ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۸۵

و قتیکه گفت مر پدرش و قومش را که چه میپرستید آیا بدروغ خدایانی غیر خدا میخواهید

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۸۶ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۸۷ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۸۸ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ

پس چیست گمان شما به پروردگار جهانیان پس نگریست نگریستنی در ستارگان پس گفت بدرستیکه من بیمارم پس برگردیدند از او

فاطّلع بهمزه وصل

لتردین بکسر نون

الاُولی بضم همزه و سکون واو یعنی باشباع

الذّین قوله تعالی

الآلهة

مُدبرين ٨٩ فراغ الى الهتهم فقال الا تاكلون ٩٠ ما لكم لا تنطقون ٩١

فراغ عليهم ضربا باليمين ٩٢ فاقبلوا اليه يزفون ٩٣ قال اتعبدون

ما تنحتون ٩٤ والله خلقكم وما تعملون ٩٥ قالوا ابنوا له بنيانا فالقوه

في الجحيم ٩٦ فارادوا به كيدا فجعلناهم الاسفلين ٩٧ وقال اني ذاهب الى

ربي سيهدين ٩٨ رب هب لي من الصالحين ٩٩ فبشرناه بغلام حليم ١٠٠

فلما بلغ معه السعي ١٠١ قال يا بني اني ارى في المنام اني اذبحك فانظر

ماذا ترى ١٠٢ قال يا ابت افعل ما تؤمر ستجدني ان شاء الله من الصابرين ١٠٣

فلما اسلما وتله للجبين ١٠٤ وناديناه ان يا ابرهيم ١٠٥ قد صدقت الرؤيا

انا كذلك نجزي المحسنين ١٠٦ ان هذا لهو البلؤا المبين ١٠٧ وفديناه

بذبح عظيم ١٠٨ وتركنا عليه في الاخرين ١٠٩ سلم على ابرهيم ١١٠ كذلك

نجزي المحسنين ١١١ انه من عبادنا المؤمنين ١١٢ وبشرناه باسحق نبيا من

الصالحين ١١٣ وبركنا عليه وعلى اسحق ومن ذريتهما محسن وظالم

لنفسه مبين ١١٤ ولقد مننا على موسى وهرون ١١٥ ونجيناهما وقومهما

من الكرب العظيم ١١٦ ونصرناهم فكانوا هم الغلبين ١١٧ واتيناهما

الكتب المستبين ١١٨ وهديناهما الصراط المستقيم ١١٩ وتركنا عليهما

في الاخرين ١٢٠ سلم على موسى وهرون ١٢١ انا كذلك نجزي المحسنين ١٢٢

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ١٢٣ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٢٤ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
که آن دو از بندگان ما گروندگانند و بدرستیکه الیاس هر آینه بود از فرستادگان چون گفت مر گروه خود را

أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٥ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ١٢٦ اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ
که آیا نمی پرهیزید آیا میخوانید بعل را و وامیگذارید بهترین آفرینندگان را خدا است پروردگار شما و پروردگار

آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ١٢٧ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ١٢٨ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ١٢٩
پدرانتان که پیشینیانند پس تکذیب کردند او را پس ایشان حاضر شدگانند بجز بندگان خدا که با اخلاصند

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ١٣٠ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ١٣١ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي
و واگذاشتیم بر او در آخرین سلام بر الیاسین بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم

الْمُحْسِنِينَ ١٣٢ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ١٣٣ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٣٤
نیکوکاران را بدرستیکه او بود از بندگان گروندگان و بدرستیکه لوط هم هر آینه از فرستادگان

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ١٣٥ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ١٣٦ ثُمَّ دَمَّرْنَا
وقتیکه نجات دادیم او و کسانش همه را بجز پیره زالی در بازماندگان پس اهلاک کردیم

الْآخَرِينَ ١٣٧ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ١٣٨ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
دیگران را و بدرستیکه شما هر آینه میگذرید بر ایشان بامدادکنندگان و بشب آیا پس در نمی یابید بعقل

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٤٠ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ١٤١ فَسَاهَمَ فَكَانَ
و بدرستیکه یونس هم هر آینه بود از فرستادگان چون گریخت بسوی کشتی پر کرده شده پس قرعه زد پس شد

مِنَ الْمُدْحَضِينَ ١٤٢ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ١٤٣ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ
از مغلوبان بقرعه پس فرو برد او را ماهی و او بود ملامت کننده پس اگر نه آنکه او بود از

الْمُسَبِّحِينَ ١٤٤ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ١٤٥ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ
تسبیح کنندگان هر آینه درنگ میکرد در شکم او تا روزیکه برانگیخته میشوند پس انداختیم او را در جای بی گیاه و او

سَقِيمٌ ١٤٦ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ١٤٧ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ
بیمار بود و رویانیدیم بر او درختی از کدو و فرستادیم او را بسوی صد هزار

أَوْ يَزِيدُونَ ١٤٨ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ١٤٩ فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ
یا زیاده پس گرویدند پس کامیاب گردانیدیم ایشان را تا هنگامی پس بپرس از ایشان آیا پروردگار تراست دختران

وَلَهُمُ الْبَنُونَ ١٥٠ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ١٥١ أَلَا إِنَّهُمْ
و مر ایشانراست پسران یا آفریدیم فرشتگان را مؤنثها و ایشان بودند حاضران آگاه باش که ایشان

مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ١٥٢ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١٥٣ أَصْطَفَى
از دروغشان هر آینه میگویند فرزند آورد خدا و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند برگزید

الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ١٥٤ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ١٥٥ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٦ أَمْ
دختران را بر پسران چیست مر شما را چگونه حکم میکنید آیا پس پند نمیگیرید یا

لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ١٥٧ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٥٨ وَجَعَلُوا
شما راست تسلطی آشکارا پس بیارید کتابتان را اگر هستید راستگویان و گردانیدند

الله ربکم وربّ بفتح هاء و باء ربّ

الیاسین بکسر همزه و سکون لام در قرائت مشهور و بعضی آل یاسین با همزه و الف و لام خوانده اند

قوله تعالی سلام علی آل یاسین صافی از ... روایت کرده ...

نصف و منزل

آل یس پس گفت یس حضرت محمد است ...

اصطفی بفتح همزه استفهام

آل یاسین آل محمد اند علیهم السلام ... یس اسمیست از اسماء آنحضرت ...

بیتن

بینه وبین الجنّة نسبًا ولقد علمت الجنّة انّهم لمحضرون ۱۵۹ سبحان

میان او و میان جن نسبتی و هر آینه بحقیقت دانست جن که ایشان هر آینه حاضر کردگانند منزه است

الله عمّا یصفون ۱۶۰ الّا عباد الله المخلصین ۱۶۱ فانّکم وما تعبدون ۱۶۲

خدا از آنچه میستایند بجز بندگان خدا که از اهل اخلاصند پس بدرستیکه شما و آنچه میپرستید

ما انتم علیه بفاتنین ۱۶۳ الّا من هو صال الجحیم ۱۶۴ وما منّا الّا له

نیستید شما بر آن تباه کنندگان بجز آنرا که او است در آینده در جهنم و نیست از ما مگر او راست

مقام معلوم ۱۶۵ وانّا لنحن الصّافّون ۱۶۶ وانّا لنحن المسبّحون ۱۶۷

جایی معین و بدرستیکه مائیم صف زدگان و بدرستیکه مائیم تسبیح کنندگان

وان کانوا لیقولون ۱۶۸ لو انّ عندنا ذکرًا من الاوّلین ۱۶۹ لکنّا

و اگر چه بودند که میگفتند اگر آنکه بودی نزد ما ذکری از پیشینیان هر آینه بودیم

عباد الله المخلصین ۱۷۰ فکفروا به فسوف یعلمون ۱۷۱ ولقد سبقت

عباد خدا خالص شدگان پس کافر شدند بآن پس زود باشد که بدانند و بحقیقت پیشی گرفت هر آینه

کلمتنا لعبادنا المرسلین ۱۷۲ انّهم لهم المنصورون ۱۷۳ وانّ جندنا لهم الغالبون

کلمه ما مر بندگان ما را که مرسلانند بدرستیکه ایشانند یاری کرده شدگان و بدرستیکه لشکر ما برایشانند غالبان

فتولّ عنهم حتّی حین ۱۷۵ وابصرهم فسوف یبصرون ۱۷۶ افبعذابنا

پس رو بگردان از ایشان تا وقتی و ببین ایشان را پس زود باشد که ببینند آیا پس بطلب عذاب ما

یستعجلون ۱۷۷ فاذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرین ۱۷۸ وتولّ

شتاب میکنند پس چون فرود فرستاده شد بفضای ایشان پس بد است بامداد بیم کرده شدگان و رو بگردان

عنهم حتّی حین ۱۷۹ وابصر فسوف یبصرون ۱۸۰ سبحان ربّک ربّ العزّة

از ایشان تا وقتی و ببین پس زود باشد که ببینند منزه است پروردگار تو پروردگار عزت است

عمّا یصفون ۱۸۱ وسلام علی المرسلین ۱۸۲ والحمد لله ربّ العالمین

از آنچه وصف میکنند و سلام بر مرسلان و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست

سورة صٓ ثمانی وثمانون آیة وهی مکّیة (۳۸) نزلت بعد القمر

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

صٓ والقرآن ذی الذّکر ۱ بل الّذین کفروا فی عزّة وشقاق ۲ کم اهلکنا

قسم بقرآن صاحب ذکر بلکه آنانکه کافر شدند در سرکشی و مخالفتند چه بسیار

من قبلهم من قرن فنادوا ولات حین مناص ۳ وعجبوا ان جاءهم

هلاک کردیم از پیش ایشان از قرنی پس ندا کردند و نبود هنگام گریز و عجب داشتند که آمد ایشانرا

منذر منهم وقال الکافرون هذا ساحر کذّاب ۴ اجعل الالهة

بیم کننده از ایشان و گفتند کافران این جادوگریست دروغگو آیا گردانید الههرا

الجنّة بکسر جیم در همه قراءات بمعنی طائفه جن است

علمت الجنّة بکسر جیم

وابصر بفتح همزه قطع

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر کس در شب جمعه سوره ص قرائت کند [illegible] خیر دنیا و آخرت [illegible] دهند که بهیچکس نداده باشند مگر نبی مرسل و فرشته مقرب [illegible] بهشت [illegible] او باشند از اهل وحشتی خادمی که در دنیا [illegible] او قسم نموده است اگر چه ادا از اهل شفاعت نباشد والسلام

الالهة بدا الف وکسر لام

الهًا

اِلٰهًا وَّاحِدًا اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ٥ وَانْطَلَقَ الْمَلَاُ مِنْهُمْ اَنِ امْشُوْا وَ

الٰه واحد بدرستیکه این هر آینه چیزیست عجیب و در رفتند آن جمع از ایشان که بروید و

اصْبِرُوْا عَلٰى اٰلِهَتِكُمْ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ يُّرَادُ ٦ مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْاٰخِرَةِ

شکیبائی ورزید بر الهه تان بدرستیکه این هر آینه چیزیست که خواسته شده نشنیدیم این را در کیش آخرین

اِنْ هٰذَا اِلَّا اخْتِلَاقٌ ٧ ءَاُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِيْ شَكٍّ مِّنْ

نیست این بجز دروغ ساختنی آیا فرود فرستاده شد براو ذکر از میان ما بلکه ایشان در شکند از

ذِكْرِيْ بَلْ لَّمَّا يَذُوْقُوْا عَذَابِ ٨ اَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيْزِ

ذکر من بلکه هنوز نچشیده اند عذابرا یا نزد ایشانست خزانه های رحمت پروردگار تو که غالب

الْوَهَّابِ ٩ اَمْ لَهُمْ مُّلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوْا فِي

بخشنده است یا مر ایشانراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست پس بالا روند در

الْاَسْبَابِ ١٠ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُوْمٌ مِّنَ الْاَحْزَابِ ١١ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

سببها لشکریند در آنجا شکسته شده از طوایف دشمن تکذیب کردند پیش از ایشان

قَوْمُ نُوْحٍ وَّعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ ١٢ وَثَمُوْدُ وَقَوْمُ لُوْطٍ وَّاَصْحٰبُ

قوم نوح و عاد و فرعون صاحب میخها و ثمود و قوم لوط و اهل

الْاَيْكَةِ اُولٰٓئِكَ الْاَحْزَابُ ١٣ اِنْ كُلٌّ اِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ١٤

ایکه که بودند آنها طوایف دشمن نبودند همه بجز آنکه تکذیب نمودند رسولانرا پس لازم شد عقوبت من

وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ١٥ وَقَالُوْا رَبَّنَا

و انتظار نمیبرند این گروه بجز نعره یک بار واحده نیست مر آنرا هیچ گشتنی و گفتند پروردگارا

عَجِّلْ لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ١٦ اِصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا

زود بده ما را بهره ما پیش از روز حساب صبر کن بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما را

دَاوٗدَ ذَا الْاَيْدِ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ١٧ اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهٗ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ ١٨

داود را صاحب قوت که او بود رجوع کننده بدرستیکه ما رام کردیم کوهها را که با او تسبیح میگفتند در وقت شب و وقت طلوع آفتاب

وَالطَّيْرَ مَحْشُوْرَةً كُلٌّ لَّهٗٓ اَوَّابٌ ١٩ وَشَدَدْنَا مُلْكَهٗ وَاٰتَيْنٰهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ

و پرندگانرا جمع آورده شده همه بودند مر او را رجوع کننده و سخت گردانیدیم پادشاهیش را و دادیم او را حکمت و بریدن

الْخِطَابِ ٢٠ وَهَلْ اَتٰىكَ نَبَؤُا الْخَصْمِ اِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ٢١ اِذْ دَخَلُوْا

گفتار و آیا آمد ترا خبر منازعان هنگامیکه بالا رفتند بدیوار عبادتخانه چون داخل شدند

عَلٰى دَاوٗدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوْا لَا تَخَفْ خَصْمٰنِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ

بر داود پس ترسید از ایشان گفتند مترس که ما دو منازعیم که ستم کرده برخی از ما بر برخی پس حکم کن

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَآ اِلٰى سَوَآءِ الصِّرَاطِ ٢٢ اِنَّ هٰذَآ اَخِيْ لَهٗ

میان ما براستی و جور مکن و هدایت کن ما را بسوی میانه راه بدرستیکه این برادر منست مر او راست

تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَّلِيَ نَعْجَةٌ وَّاحِدَةٌ فَقَالَ اَكْفِلْنِيْهَا وَعَزَّنِيْ فِي الْخِطَابِ ٢٣

نود و نه میش و مر مراست میش واحد پس گفت واگذار آنرا و مغلوب کرد مرا در گفتار

اِلٰهًا بکسر همزه

اٰلِهَتِكُمْ بلا الف و کسر لام

اخْتِلَاقٌ بضم قاف

قوله سبحانه اصبر على ما يقولون الخ یعنی صبر کن بر آنچه کفار قریش میگویند و در کنز الفوائد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آیه ما نزول ولکن است که فرمود یعنی صبر کن بر آنچه میگویند بر تکذیب کردن ایشان ترا زیرا که من انتقام میکشم از ایشان بمردی از تو و او حضرت قائم است که مسلط میسازم او را در آخر اهل ظلم السلام

يُسَبِّحْنَ بیاء مضمومه و سین مفتوحه و باء مشدده مکسوره و حاء ساکنه

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي
گفت بتحقیق ستم کرده بتو بخواستن میش تو بمیشها و بدرستیکه بسیاری از شریکان هر اینه ستم
بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ
میکنند برخی از ایشان بر بعضی مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و اندک‌اند ایشان و دانست
سجده — داوُدُ بدو واو یعنی اشباع شود — دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۲۴ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَ
داود که امتحان کردیم او را پس آمرزش خواست از پروردگارش و بر رو افتاد رکوع کنان و بازگشت پس آمرزیدیم او را آن
یا داوُدُ بدو واو یعنی اشباع شود — إِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۲۵ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي
بدرستیکه مر او راست نزد ما هر اینه قرب و خوبی بازگشتن ای داود بدرستیکه ما گردانیدیم ترا خلیفه در
الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ
زمین پس حکم کن میان مردمان بحق و پیروی مکن خواهش نفس را پس گمراه کند ترا از راه
یَضِلُّونَ بفتح یا — اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ
خدا بدرستیکه آنانکه بیرون میروند از راه خدا مر ایشانراست عذاب سخت بسبب آنچه فراموش کردند روز
الْحِسَابِ ۲۶ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ
شمار و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه میان آنهاست بیهوده این
ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ۲۷ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ
گمان آنانست که کافر شدند پس وای مر آنانرا که کافر شدند از آتش آیا میگردانیم آنانرا که
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ
ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته مانند فساد کنندگان در زمین آیا میگردانیم پرهیزگاران را
اولوا بضم همزه بدون واو یعنی اشباع شود — كَالْفُجَّارِ ۲۸ كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو
مانند بدکاران کتابیست که فرو فرستادیم بسوی تو با برکت تا تامل کنند آیتهایش را و تا پند گیرند صاحبان
الْأَلْبَابِ ۲۹ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۳۰ إِذْ عُرِضَ
خردها و بخشیدیم مر داود را سلیمان خوب بنده بدرستیکه او بود رجوع کننده چون عرض کرده شد
لِداوُدَ بدو واو یعنی اشباع شود — عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۳۱ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ
براو در طرف عصر اسپان تمام سم نیک پس گفت بدرستیکه من دوست میدارم دوستی خیر از ذکر
رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۳۲ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
پروردگارم تا پنهان شد در حجاب برگردانید آنها را بمن پس شروع کرد مسح کردن بساقها و گردنها
وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۳۴ قَالَ
و بتحقیق آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او جسدی پس رجوع کرد گفت
رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِي إِنَّكَ أَنتَ
پروردگارا بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که سزاوار نباشد احدی را بعد از من بدرستیکه توئی تو
الْوَهَّابُ ۳۵ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۳۶
بخشنده پس رام گردانیدیم مر او را باد که میرفت بامرش هموار هر جا که اراده کرده بود

والشیاطین

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ۳۷ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۳۸

و دیوان را همه بنا کننده و بدریا فرو رونده و دیگران قرین کرده شده در زنجیرها

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۳۹ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ

اینست بخشش ما پس عطا کن یا نگاهدار بدون شمار و بدرستیکه مر او را نزد ما هر آینه قربت

حُسْنَ مَآبٍ ۴۰ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

خوبی بازگشت و یاد کن بنده ما ایوب را چون خواند پروردگارش را که مس کرد مرا شیطان

بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۴۱ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۴۲ وَ

برنج و عذاب بزن بزمین پایت را این جای غسل کردنست سرد و آشامیدنی و

وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۴۳

بخشیدیم مر او را اهلش و مثلشان را با ایشان رحمتی از ما و پندی مر صاحبان خردها را

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ۴۴ نِعْمَ

و بگیر بدستت دسته گیاه را پس بزن با او و خلاف سوگند مکن بدرستیکه یافتیم ما او را صبر کننده خوب

الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۴۵ وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي

بنده بود که او بود رجوع کننده و یاد کن بندگان ما ابراهیم را و اسحق و یعقوب صاحبان قوت

وَالْأَبْصَارِ ۴۶ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ۴۷ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا

و دیدها بدرستیکه ما خالص گردانیدیم ایشان را بخلوصی که ذکر آن سرای است و بدرستیکه ایشان نزد ما

لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ۴۸ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ

هر آینه از برگزیدگان نیکانند و یاد کن اسمعیل و الیسع و ذو الکفل و همه از

الْأَخْيَارِ ۴۹ هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ۵۰ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً

نیکانند این پندیست و بدرستیکه برای پرهیزگارانست هر آینه خوبی بازگشت بهشتهائی با اقامت گشاده شده

لَهُمُ الْأَبْوَابُ ۵۱ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ۵۲

برای ایشان درها تکیه زنندگانند در آن میخوانند در آنجا میوه های بسیار و آشامیدنی

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ۵۳ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۵۴

و نزد ایشانست زنان فرو هشته چشم همسران اینست آنچه وعده داده شدید برای روز شمار

إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ۵۵ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۵۶ جَهَنَّمَ

بدرستیکه این روزی ماست نیست مر آنرا آخر رسیدگی اینست و بدرستیکه برای طاغیانست هر آینه بدی بازگشت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۵۷ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۵۸ وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ

در آیند آنرا پس بد بستریست اینست پس باید بچشند آنرا آب جوشان و چرک جراحت و دیگری از مانند او

أَزْوَاجٌ ۵۹ هَٰذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ۶۰ قَالُوا بَلْ

گونه گونه است این جمعیت انبوه در آینده است با شما فراخ جایی مباد ایشان را بدرستیکه ایشان داخل شوندگانند آتش را گفتند بلکه

أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۶۱ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ

شما را فراخ جایی مباد شما را شما پیش فرستادید آنرا برای ما پس بد قرارگاهیست گفتند ای پروردگار ما هر که مقدم داشت

عطاؤنا بضم همزه بدون اشباع

بنصب بضم نون وسکون صاد

لاولی بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

اولی بضم همزه بدون واو یعنی اشباع نشود

لمن بفتح لام وکسر میم وفتح نون

لنا

لَنَا هٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ۶۲ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرٰى رِجَالًا كُنَّا
برای ما این را پس بیفزا او را عذابی دو چندان در آتش و گفتند چه شد ما را که نمی‌بینیم مردانی را که بودیم

نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۶۳ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ۶۴
می‌شمردیم ایشان را از اشرار گرفتیم ما ایشان را استهزاء یا کج گردید از ایشان دیده‌ها

إِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۶۵ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَمَا مِنْ إِلٰهٍ إِلَّا اللّٰهُ
بدرستیکه این هر آینه راست است که منازعه اهل آتش است بگو جز این نیست من بیم‌کننده‌ام و نیست هیچ الهی مگر خدای

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۶۶ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ
یگانه قهرکننده پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست غالب آمرزنده

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۶۸ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ۶۹ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ
بگو آن خبر بزرگی است شما از آن روگردانندگان نبود مرا هیچ علمی بجمع

الْأَعْلٰى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۷۰ إِنْ يُوحٰى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۷۱ إِذْ قَالَ
برتر چون مجادله میکردند وحی کرده نمیشود بمن مگر آنکه من بیم‌کننده آشکارم چون گفت

رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ۷۲ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ
پروردگارت مر فرشتگان را بدرستیکه من آفریننده‌ام آدمی را از گل پس چون درست ساختمش و دمیدم در آن از

رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۷۳ فَسَجَدَ الْمَلٰئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۷۴ إِلَّا
روح خود پس بیفتید مر او را سجده‌کنندگان پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان تمامی بجز

إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۷۵ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ
ابلیس که سرکشی کرد و بود از کافران گفت ای ابلیس چه چیز باز داشت ترا از آنکه سجده کنی

لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ۷۶ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ۷۷ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ
مر آنچه آفریدم بدست قدرت خود که سرکشی ورزیدی یا بودی از برتران گفت من بهترم از او

خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۷۸ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۷۹
آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل گفت پس بیرون رو از آن پس بدرستیکه تو رانده شده‌ای

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلٰى يَوْمِ الدِّينِ ۸۰ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۸۱
و بدرستیکه بر تست لعنت من تا روز جزا گفت پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۸۲ إِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۸۳ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ
گفت پس تو از مهلت‌یافتگانی تا روز وقت معلوم گفت پس بعزت تو هر آینه گمراه کنم ایشان را

أَجْمَعِينَ ۸۴ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۸۵ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ
ایشان را همه بجز بندگان تو از ایشان که خالص شدگانند گفت پس درست است و راست را میگویم هر آینه پر خواهم کرد

جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۸۶ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا
جهنم را از تو و از هر که پیروی کند ترا از ایشان همه بگو نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی و نیستم

أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۸۷ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۸۸ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ
من از خود بتکلف‌کنندگان نیست آن مگر پندی مر جهانیان را و هر آینه خواهید دانست خبر آن را بعد از زمانی

أَتَّخَذْنَاهُمْ بفتح همزه استفهام

سِخْرِيًّا بکسر سین

قوله تعالی قل هو نبأ عظیم انتم عنه معرضون یعنی بگو ای محمد که علی مرتضی خبر بزرگی است که شما از وی اعراض میکنید در معنی حضرت علی مرتضی امیر المؤمنین علیه السلام و در بصائر از حضرت باقر علیه السلام مرویست که فرمود والله نبأ عظیم حضرت امیر المؤمنین است ۱۲

أَسْتَكْبَرْتَ بفتح همزه استفهام

فَأَنْظِرْنِي بفتح همزه وکسر ظا

وَلَتَعْلَمُنَّ بضم میم

سورة

(۳۹) سورة الزمر خمس وسبعون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۲ انا انزلنا اليك الكتاب بالحق

فرو فرستادن این کتاب از خدای غالب درست کردار بدرستیکه ما فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی

فاعبد الله مخلصا له الدين ۳ الا لله الدين الخالص ۴ والذين اتخذوا

پس بپرست خدا را خالص کننده برای او دین را آگاه باشید مر خدا راست دین بیغش و آنانکه گرفتند

من دونه اولياء ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفى ان الله يحكم بينهم

از غیر او دوستان نمیپرستیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک گردانند ما را بخدا از نزدیک گردانیدن بدرستیکه خدا حکم میکند میان ایشان

فيما هم فيه يختلفون ۵ ان الله لا يهدي من هو كاذب كفار ۶ لو اراد

در آنچه ایشان در آن اختلاف میکنند بدرستیکه خدا هدایت نمیکند آنکه او دروغگوی ناسپاس است اگر خواستی

الله ان يتخذ ولدا لاصطفى مما يخلق ما يشاء سبحانه هو الله الواحد

خدا که بگیرد فرزندی هر آینه برگزیده بود از آنچه میآفریند آنچه میخواهد منزه است او او است خدای یکتای

القهار ۷ خلق السموات والارض بالحق يكور الليل على النهار ويكور

قهر کننده آفرید آسمانها و زمین را براستی میپوشاند شب را بر روز و درمیآورد

النهار على الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى الا هو

روز را بر شب و رام کرده است آفتاب و ماه را هر یک میروند برای وقتی نام برده شده بدانید او است

العزيز الغفار ۸ خلقكم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها وانزل

غالب آمرزنده آفرید شما را از یک تن پس گردانید از آن جفتش را و فرو فرستاد

لكم من الانعام ثمانية ازواج يخلقكم في بطون امهاتكم خلقا من بعد

برای شما از چهارپایان هشت صنف می‌آفریند شما را در شکمهای مادرانتان آفریدنی پس از

خلق في ظلمات ثلث ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى

آفریدنی در تاریکیهای سه گانه اینست خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست الهی مگر او پس کجا

تصرفون ۹ ان تكفروا فان الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر وان

برگردانیده میشوید اگر کافر شوید پس بدرستیکه خدا بی‌نیاز است از شما و نمی‌پسندد برای بندگانش کفر را و

تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم

اگر شکر کنید می‌پسندد آنرا برای شما و بر نمیدارد بردارنده بار گناه دیگری را پس بسوی پروردگارتان است بازگشت شما

فينبئكم بما كنتم تعملون ۱۰ انه عليم بذات الصدور ۱۱ واذا مس الانسان

پس خبر میدهد شما را بآنچه بودید میکردید بدرستیکه او دانا است بآنچه در سینه‌ها است و چون برسد آدمی را

ضر دعا ربه منيبا اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسي ما كان يدعوا اليه

ضرری میخواند پروردگارش را بازگشت کننده بسوی او پس چون ببخشد او را نعمتی از خود فراموش کند آنچه را بود میخواند بسوی آن

فاعبد الله
بكسر الدال وفتحها

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که سورة الزمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت را باو عطا فرماید و او را در میان مردمان غالب گرداند بجهتی که هر کس او را ببیند هیبت و سطوت او بر دل او نشیند اگر چه مال و عیال نداشته باشد و بدن او را آتش دوزخ بر او حرام میکند و هزار شهر در بهشت برای او بنا کنند که در هر شهری هزار قصر و در هر قصری هزار حور العین باشد
۱۲

یرضه
بضمها بلا اشباع
زیرا که در اصل یرضاه بود

مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلّٰهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۙ إِنَّكَ

از پیش و گردانید برای خدا همتایان تا گمراه کند از راه او بگو کامیاب شو بکفرت اندکی بدرستیکه تو

مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ٨ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ

از اهل آتش آیا کسیکه اوست عبادت کننده در اوقات شب سجده کننده و ایستاده میترسد از آخرت

وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

و امید دارد رحمت پروردگارش بگو آیا یکسانند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ٩ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ

جز این نیست که پند میگیرند صاحبان خردها بگو ای بندگان من آنانکه گرویدید بپرهیزید پروردگارتانرا

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى

برای آنانکه خوبی کردند در این دنیا خوبی کردنی و زمین خدا واسعت جز این نیست که تمام داده میشود

الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ١٠ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ

صابرانرا مزدشان بدون شماره بگو بدرستیکه من امر شده‌ام که پرستم خدارا خالص دارنده برایش دین را

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ١١ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ

و امر کرده شدم مر اینرا که باشم اول مسلمانان بگو بدرستیکه میترسم که نافرمانی کنم پروردگارم از عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٢ قُلِ اللّٰهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي ١٣ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِ

روزی بزرگ بگو خدارا میپرستم خالص کننده برایش دینم را پس بپرستید آنچه را میخواهید از غیر او

قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ

بگو بدرستیکه زیانکاران آنانند که زیان کردند بنفسهاشان و کسانشان روز رستخیز آگاه باش آنست

هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ١٤ لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ

آن زیانکاری آشکار مرایشانراست از زبرشان سایبانها از آتش و از زیرشان سایبانها

ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهِ عِبَادَهُ ۚ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ١٥ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ

آنست که میترساند خدا بآن بندگانش را ای بندگان من پس بپرهیزید مرا و آنانکه اجتناب کردند از طاغوت

أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ١٦ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ

که بپرستند آنرا و بازگشتند بسوی خدا مر ایشانراست مژده پس مژده بده بندگانمرا آنانکه میشنوند

الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللّٰهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو

گفت را پس پیروی میکنند بهترش را آنها آنانند که راه نمودشان خدا و آنها آنانند صاحبان

الْأَلْبَابِ ١٧ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي النَّارِ ١٨ لَٰكِنِ الَّذِينَ

خردها آیا پس اگر لازم شد براو سخن عذاب آیا پس تو میرهانی آنرا که در آتش است ولیکن آنانکه

اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَعْدَ

پرهیز کردند از پروردگارشان مرآنهاست غرفه‌ها که بالای آن غرفه‌ها بنا کرده شده روانست از زیرش نهرها وعده داد

اللّٰهِ ۖ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيعَادَ ١٩ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ

[illegible]

تمتّع بسکون عین

اُولوا بفتح همزه بلاون واو یعنی اشباع نشود

قل الله بفتح هما

فاتقونِ بکسر نون

اُولوا بفتح همزه بلاون واو یعنی اشباع نشود

مبنیّة بفتح میم و سکون با و کسر نون و فتح یاء مشدده بمعنی بنا کرده شده و در زبان [illegible]

يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا

چشمه‌ها در زمین پس بیرون آورد بآن کشتی که مختلف است رنگهایش پس خشک میشود پس میبینی آن را زرد

ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ٢٣ أَفَمَنْ شَرَحَ

پس میگرداند او را ریزه شکسته بدرستیکه در این هر آینه پند نیست برای صاحبان خردها آیا پس آنکه بر گشود

اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ

خدا سینه اش را برای اسلام پس او هست بر نوری از پروردگارش پس وای بر آنکه سخت است دلهاشان از

ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢٤ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا

ذکر خدا ایشانند در گمراهی آشکار خدا فرو فرستاد بهترین سخن را کتابی متشابه

مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ

دو دو تا که میلرزد از آن پوستهای آنانکه میترسند پروردگارشان را پس نرم میشود پوستهاشان و دلهاشان

إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا

بسوی ذکر خدا این است ارشاد خدا که هدایت میکند بآن هر کس را بخواهد و کسی را که گمراه گذارد خدا پس نیست

لَهُ مِنْ هَادٍ ٢٥ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ

مر او را هیچ راه نماینده آیا پس آنکه نگاهداری کند بروی خود بدی عذاب را روز رستخیز و گفته شود مر ستمگاران را

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ٢٦ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ

بچشید آنچه را کسب میکردید تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد ایشان را عذاب از جاییکه

لَا يَشْعُرُونَ ٢٧ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ

نمیدانستند پس چشانید ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت

أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٢٨ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

بزرگتر است اگر باشند که بدانند و هر آینه زدیم برای مردمان در این قرآن از هر مثلی

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٢٩ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٣٠

که باشد ایشان پند گیرند قرآن عربی است نه صاحب کجی باشد که ایشان پرهیز کنند

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ

زد خدا مثلی از مردی که در او انبازان مخالفان یکدیگر و مردی خالص مر مردی را آیا

يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣١ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ٣٢

یکسانند بمثل ستایش مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بدرستیکه تو میرنده و ایشانند میرندگان

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ٣٣ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ

پس بدرستیکه شما روز رستخیز نزد پروردگارتان با یکدیگر مجادله میکنید پس کیست ستمکارتر از کسیکه دروغ بست بر خدا

كَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ٣٤ وَالَّذِي جَاءَ

و تکذیب کرد راستی را هنگامیکه آمد او را آیا نیست در جهنم مقام مر کافران را و کسیکه آورد

بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ٣٥ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ

صدق را و تصدیق کرد بآن آنها ایشان که پرهیزکارانند مر ایشان راست آنچه خواهند نزد پروردگارشان این است

قوله تعالى أفمن شرح الله صدره للإسلام ...

مصفرًا بتشدید را

لأولي بضم همزه یعنی اشباع نشود

مثاني ...

فأتاهم بفتح همزه بدون الف

ربع

ممن كذب بدون تشدید ذال وكذّب بتشدید ذال

ما يشاءون بفتح همزه و سکون واو ...

جَزَآؤُا الْمُحْسِنِينَ ٣٦ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ

پاداش نیکوکاران تا محو کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و پاداش دهد مزدشان

بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٣٧ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ

بنیکوتر از آنچه بودند که میکردند آیا نیست خدا کافی بنده اش را و میترسانند ترا بآنانکه

مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ٣٨ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ

از غیر اویند و هر کرا گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده و هر کرا هدایت کند خدا پس نیست مر او را هیچ

أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ٣٩ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

گمراه کننده آیا نیست خدا غالب صاحب انتقام و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها و زمین را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ

هر آینه گویند خدا بگو آیا پس خبر دهید که آنچه میخوانید از غیر خدا اگر خواست مرا خدا ضرری آیا

هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ

ایشانند رفع کنندگان ضرر او یا اگر خواست برای من رحمتی آیا ایشانند بازدارندگان رحمت او بگو کافیست مرا خدا

عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ٤٠ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ

بر او توکل میکنند توکل کنندگان بگو ای قوم من کار کنید بر توانائیتان بدرستیکه منم کار کننده

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ٤١ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٤٢

پس زود باشد که بدانید کیست که آید او را عذابی که خوار گرداندش و وارد شود برای او عذابی پاینده

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ

بدرستیکه ما فرو فرستادیم بر تو کتاب را برای مردمان براستی پس هر که هدایت یافت پس برای خودش و هر که گمراه شد

فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ٤٣ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

پس گمراه نشود مگر بر او و نیستی تو بر ایشان نگهبان خدا قبض میکند روحها را وقت مردنش

وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ

و آنچه نمرده است در خوابش پس نگاه میدارد آنچه گذارش داد بر او مرگ را و میفرستد دیگری را

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٤٤ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

تا وقتی نام برده شده بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست برای گروهیکه فکر میکنند آیا فرا گرفتند از غیر

اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ٤٥ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ

خدا شفیعان بگو آیا اگر چه باشند که مالک نباشند چیزی را و در نیابند بعقل بگو مر خدا راست شفاعت

جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٤٦ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

همه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او باز میگردید و چون ذکر کرده شود خدا

وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ

یگانه است او در هم شود دلهای آنانکه ایمان نمی آورند بآخرت و چون ذکر کرده شود آنانکه از

دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٤٧ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ

غیر اویند آنگاه ایشان شاد میشوند بگو ای خدای من پدید آورنده آسمانها و زمین داننده

قوله تعالى واذا ذكر الله وحده اشمأزت قلوب يعني هرگاه ذكر شود خداي عز وجل منفردا بدون ذكر الهه قريش منقبض و متنفر ميشود دلهاي آنكسانيكه با سوي او نيند از اوثان و اصنام آنگاه مستبشر ميشوند بسبب فرط افتتان بآنها و نسيان حق تعالى در صافي از قمي روايت كرده كه نازل است اين آيت در شأن فلان و فلان يعني خلفاي ثلاثه خود در كافي از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه سئوال كرده شد از اين آيه فرمود وقتيكه ذكر شود حق تعالى منفرد بطاعت كسانيكه امر كرده است حق تعالى بطاعت ايشان از حضرات آل محمد عليهم السلام منقبض ميشود قلوب آنكسانيكه انكار نمود حق تعالى بطاعت ايشان آنگاه بشارت مي يابند و در كنز الفوائد از حضرت ابو جعفر عليه السلام مرويست كه سئوال كرده شد از اين آيه فرمود هرگاه ذكر بآنها و حاضر شود حق تعالى را و عيد كنند مرضاي ايشانرا پس وقتيكه مردند استغفار نخواهند براي ايشان زيرا كه ما اهل بيت عليهم السلام هر وقت ذكر ميشويم در نزد ايشان منقبض ميگردد قلوب ايشان و هرگاه ذكر شوند ايشان يعني اعادي ما مستبشر ميشوند والسلام ١٢

الغیب و الشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون ۴۸
نهان و آشکار تو حکم میکنی میان بندگانت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند
ولو ان للذین ظلموا ما فی الارض جمیعا و مثله معه لافتدوا به من
و اگر بودی مر آنانکه ستم کردند آنچه در زمینست تمام و مانند آن با آن هر آینه فدا میدادند آن را از
سوء العذاب یوم القیمة و بدا لهم من الله ما لم یکونوا یحتسبون ۴۹
بدی عذاب روز قیامت و ظاهر شد مر ایشان را از خدا آنچه نبودند گمان ایشان در آید
و بدا لهم سیئات ما کسبوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزؤن ۵۰ فاذا مس
و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و احاطه کرد بایشان آنچه بودند بآن استهزا میکردند پس چون مس کند
الانسان ضر دعانا ثم اذا خولناه نعمة منا قال انما اوتیته علی علم بل هی
انسان را ضرری بخواند ما را پس چون دادیم او را نعمتی از خود ما گوید جز این نیست که داده شدم آن را بر علمی بلکه آن
فتنة و لکن اکثرهم لا یعلمون ۵۱ قد قالها الذین من قبلهم فما اغنی
فتنه است و لیکن بسیاری از آنها نمیدانند بتحقیق گفتند آن را آنانکه بودند پیش از ایشان پس چون کفایت نکرد
عنهم ما کانوا یکسبون ۵۲ فاصابهم سیئات ما کسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء
از آنها آنچه بودند که کسب میکردند پس رسید ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و آنانکه ظلم کردند از اینها
سیصیبهم سیئات ما کسبوا و ما هم بمعجزین ۵۳ او لم یعلموا ان الله یبسط
زود باشد که برسد ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کننده آیا ندانستند که خدا گشاده میکند
الرزق لمن یشاء و یقدر ان فی ذلک لایات لقوم یؤمنون ۵۴ قل یا عبادی
روزی را برای هر که بخواهد و تنگ میکند بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که ایمان میآورند بگو ای بندگان من
الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب
آنانکه اسراف کردند بر خویشتن نومید نشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا می آمرزد گناهان را
جمیعا انه هو الغفور الرحیم ۵۵ و انیبوا الی ربکم و اسلموا له من قبل
تمام بدرستیکه اوست که او آمرزنده مهربانست و بازگشت کنید بسوی پروردگارتان و تسلیم شوید مر او را پیش از آنکه
ان یاتیکم العذاب ثم لا تنصرون ۵۶ و اتبعوا احسن ما انزل الیکم من
بیاید شما را عقوبت پس یاری کرده نشوید و پیروی کنید بهترین چیزی که فرو فرستاده شد بشما از
ربکم من قبل ان یاتیکم العذاب بغتة و انتم لا تشعرون ۵۷ ان تقول
پروردگارتان پیش از آنکه آید شما را عذاب ناگاه و شما ندانید آنکه گوید
نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله و ان کنت لمن الساخرین ۵۸
نفسی ای حسرتا بر آنچه تقصیر کردم در قرب خدا و بدرستیکه بودم هر آینه از استهزا کنندگان
او تقول لو ان الله هدانی لکنت من المتقین ۵۹ او تقول حین تری
یا گوید اگر آنکه خدا هدایت کرده بود مرا هر آینه بودم از پرهیزگاران یا گوید وقتیکه ببیند
العذاب لو ان لی کرة فاکون من المحسنین ۶۰ بلی قد جاءتک آیاتی
عذاب را اگر بودی مرا بازگشتی پس بودمی از نیکوکاران آری بتحقیق آمد ترا آیات من

قوله تعالی قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم الی آخر یعنی بگو ای محمد که ای بندگان من آنانکه اسراف کردند بر نفسهای خود [illegible]

اوتقول ۱۲ بفتح لام در هردو موضع که عطف بر تقول اولست

فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۵۹ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى
پس تکذیب کردی آنرا و سرکشی نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می‌بینی
الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللّٰهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ
آنانرا که دروغ بستند بر خدا رویهاشان سیاه شده آیا نیست در جهنم مقام مر تکبر کنندگانرا
وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۶۱
و نجات میدهد خدا آنانرا که پرهیزکار شدند بوسیله‌های رستگاریشان نرسد آنها را بدی و نه ایشان اندوهگین شوند
اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۶۲ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوَاتِ
خدا آفریننده هر چیزی است و اوست بر همه چیزی نگهبان مر او راست کلیدهای آسمانها
وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ أُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۶۳ قُلْ أَفَغَيْرَ
و زمین و آنانکه کافر شدند بآیات خدا آن گروه ایشانند از زیانکاران بگو آیا پس غیر
اللّٰهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ۶۴ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ
خدا را امر میکنید مرا که پرستم ای نادانان و بحقیقت وحی شد بسوی تو و آنانکه بودند
مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۶۵ بَلِ اللّٰهَ
پیش از تو هر آینه اگر شرک آوردی ناچیز خواهد شد عملت و هر آینه خواهی شد از زیانکاران بلکه خدا را
فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۶۶ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا
پس بپرست و باش از شکرکنندگان و نشناختند خدا را حق شناختنش و زمین همه
قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا
در قبضه قدرت او است روز قیامت و آسمانها پیچیده شده‌اند بدست او منزه است او و برتر است از آنچه
يُشْرِكُونَ ۶۷ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
شریک میآورند و دمیده شود در صور پس بیهوش شود هر که در آسمانها و هر که در زمین است بجز
مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۶۸ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ
آنکه خواست خدا پس دمیده شود در او بار دیگر پس آنگاه ایشان ایستاده مینگرند و روشن شود زمین
بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
بنور پروردگارش و آورده شود کتاب و آورده شوند پیغمبران و گواهان و حکم کرده شود میانشان
بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۶۹ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۷۰
بحق و ایشان ظلم کرده نشوند و تمام داده شود هر کسی آنچه کرده و او داناتر است بآنچه میکنند
وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ
و رانده شوند آنانکه کافر شدند بسوی جهنم گروه گروه تا چون آیند آنرا گشاده شود درهایش و گویند
لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ
مر ایشانرا خازنانش آیا نیامدند شما را رسولان از شما که خواندند بر شما آیات پروردگارتان را و بیم دادند شما را
لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا بَلَى وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۷۱
بملاقات روز تان که امروز است آن گویند بلی ولیکن ثابت شد سخن عذاب بر کافران

قوله تعالی لئن اشرکت لیحبطن عملک الآیه ...

کذبوا بتخفیف ذال

تأمرونی بتشدید نون وصل میواهلد

بل الله بفتح ها

جاؤها بضمه همزه ...

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۷۲ وَسِيقَ

گفته شود درآیید از درهای جهنم جاوید باشندگان در آن پس بد است مقام سرکشی کنندگان و رانده شوند

الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ

آنانکه ترسیدند از پروردگار شان بسوی بهشت گروه گروه تا چون آمدند آنرا و گشاده شد درهایش و گویند

لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ۷۳ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

مرایشان را خازنانش سلام بر شما خوش باد شما را پس درآئید در آن جاوید باشندگان و گویند ستایش مر خدا را

الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ

که راست نمود با ما وعده اش را و بمیراث داد ما را زمین بهشت مسکن میسازیم از بهشت هر جا که میخواهیم پس خوبست

أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۷۴ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ

مزد کار کنندگان و می‌بینی ملائکه را فرود آمدگان از حوالی عرش

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۷۵

تسبیح کنند به ستایش پروردگار شان و حکم کرده شود میان شان بحق و گفته شود ستایش مر پروردگار جهانیان را

سُورَةُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۴۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حم ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۲ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

فرو فرستادن کتاب است از خدای غالب دانا آمرزنده گناه و پذیرنده توبه

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۳ مَا يُجَادِلُ

سخت عقوبت صاحب نعمت نیست خدائی جز او بسوی اوست بازگشت مجادله نمیکنند

فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ۴ كَذَّبَتْ

در آیات خدا مگر آنانکه کافر شدند پس بفریبد ترا گردیدن شان در شهرها تکذیب کردند

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ

پیش از آنها قوم نوح و طوایف دشمن بعد از آنها و قصد کردند هر امتی بر رسول شان تا بگیرند او را

وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۵ وَ

و مجادله کردند بباطل تا دفع کنند بآن حق را پس گرفتم ایشان را پس چگونه باشد عقوبت من و

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ۶ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ

همچنین راست آمد سخن پروردگارت بر آنانکه کافر شدند که ایشان اهل آتش‌اند آنانکه برمیدارند

الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

عرش را و هر که پیرامون آنست تسبیح میکنند بستایش پروردگار شان و میگروند باو و طلب آمرزش میکنند آنانرا که

آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ

ایمان آوردند ای پروردگار ما گنجایش دادی همه چیز را از رحمت و دانش پس بیامرز مر آنانرا که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا

جاؤها بفتح همزه و سکون واو

صدقنا بدون تشدید دال

واورثنا بفتح دا ...

وسعت بفتح واو و کسر سین و سکون عین

وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ٨ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ
ونگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ ای پروردگار ما و در آر ایشان را در بهشتهای اقامت که وعده دادی ایشان را و آنکه شایسته شد
مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٩ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ
از پدران ایشان و جفتهای شان و فرزندان ایشان بدرستیکه تو هستی غالب درستکار و نگاه دار ایشان را از بدیها
وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٠ إِنَّ
و هر که نگاه داری از بدیها روزی چنین پس بتحقیق بخشیدی او را و این آن رستگاری بزرگ بدرستیکه
الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى
آنانکه کافر شدند ندا کرده میشوند که دشمنی کردن خدا بزرگتر است از دشمنی شما با خود اهلتان هنگامیکه خوانده میشدید
الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ١١ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا
ایمان پس کافر میشدید گویند پروردگار ما میرانیدی ما را دو بار و زنده کردی ما را دو بار پس اقرار کردیم ما
بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ١٢ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ
بگناهان پس آیا هست برای بیرون آمدن هیچ راهی این شما را بسبب آنست که چون خوانده شد خدا یگانه کافر شدید
وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ١٣ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ
و اگر شریک آورده میشد با او میگروید پس حکم و فرمان مر خداست بر تر و بزرگست اوست آنکه مینماید بشما
آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ١٤ فَادْعُوا اللَّهَ
آیاتش را و فرود فرستاده میشود مر شما را از آسمان روزی و پند نمیگیرد جز آنکه بازگشت نماید پس بخوانید خدا را
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ١٥ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ
خالص کنندگان برای او دین را و اگر ناخوش دارند کافران بلند مراتب صاحب عرش
يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ١٦ يَوْمَ هُمْ
می افکند روح را از امر خود بر هر که میخواهد از بندگانش تا بیم کند روز ملاقات را روزیکه ایشان
بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ١٧
ظاهر شوندگانند پنهان نیست بر خدا از ایشان چیزی مر کراست پادشاهی امروز مر خدای یگانه قهر کننده است
الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ١٨
امروز جزا داده شود هر تنی بآنچه کسب کرده نیست ستم امروز بدرستیکه خدا زود حسابست
وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ ١٩ مَا لِلظَّالِمِينَ
و بیم کن ایشان را از روز نزدیک وقتیکه دلهاست نزد حنجرها غصه فرو خورندگان نیست مر ظالمان را
مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ٢٠ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ٢١
هیچ خویشی و نه خواهنده که اطاعت کرده شود میداند خیانت چشمها را و آنچه را پنهان دارد سینها
وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ
و خدا حکم میکند بحق و آنانکه میخوانند از غیر او حکم نتوانند کرد بچیزی بدرستیکه خدا
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٢٢ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
اوست شنوا بینا آیا نرفتند در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام

الذين

قوله جل ذکره حٰمٓ تنزیل الکتاب الی المصیر آمده
وَأَدْخِلْهُمْ
بفتح همزه و سکون دال و کسر خا همزه اش قطعی است آنحضرت صلی الله علیه فرموده هر که این آیات را
رَحِمْتَهُ
بفتح را و کسر حا و سکون میم و فتح تا بخواند تا آیت الکرسی در بامداد تا وقت شام محفوظ باشد از همه آفات و اگر در شام
أَمَتَّنَا
بفتح همزه و میم و تاء مشدده
بخواند تا صبح محفوظ بود و هفتاد هزار ملک از جهت او استغفار نمایند ١٢
و باید بعد از آن گوید و با طهارت اعوذ بالله من الشیطان الرجیم یا سبحان یا غافر الذنب اغفرلی و یا قابل التوب اغفر توبتی و یا شدید العقاب اعف عنی و عافنی و یا ذا الطول تطول علی بخیر رفیع الدرجات ذو العرش یلقی الروح من امره علی من یشاء لینذر یوم التلاق یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء لمن الملک الیوم لله الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب
وَأَنْذِرْهُمْ
بفتح همزه قطعی و سکون ذال
الْآزِفَةِ
بالف بعد از همزه چون ضاربة
این آیات را بر پوست آهو بنویسند و شخصیکه بیمار باشد و در سینه کسی که در خواب باشد بنهند هر چه از آنچه در او گذشته باشد باز گوید و پوشیده باشد تا آنکه سر او را نگاه داشته باشد

الذين كانوا من قبلهم كانوا هم اشد منهم قوة واثارا في الارض فاخذهم

الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق ۲۳ ذلك بانهم كانت تأتيهم

رسلهم بالبينات فكفروا فاخذهم الله انه قوي شديد العقاب ۲۴

ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين ۲۵ الى فرعون وهامان

وقارون فقالوا ساحر كذاب ۲۶ فلما جاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا

ابناء الذين امنوا معه واستحيوا نساءهم وما كيد الكافرين الا في

ضلال ۲۷ وقال فرعون ذروني اقتل موسى وليدع ربه اني اخاف

ان يبدل دينكم او ان يظهر في الارض الفساد ۲۸ وقال موسى اني

عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب ۲۹ وقال رجل

مؤمن من ال فرعون يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول ربي الله و

قد جاءكم بالبينات من ربكم وان يك كاذبا فعليه كذبه وان يك

صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم ان الله لا يهدي من هو مسرف

كذاب ۳۰ يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الارض فمن ينصرنا من

باس الله ان جاءنا قال فرعون ما اريكم الا ما ارى وما اهديكم الا

سبيل الرشاد ۳۱ وقال الذي امن يا قوم اني اخاف عليكم مثل يوم

الاحزاب ۳۲ مثل داب قوم نوح وعاد وثمود ۳۳ والذين من بعدهم وما الله

ابناء: بتقديم با بر نون

اقتل: بفتح همزه قطع و سكون قاف و ضم تا و سكون لام

يظهر: بضم يا و سكون ظا و كسر ها و فتح را

كذبه: بفتح كاف و كسر ذال

يريد

يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ۳۱ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۳۲ يَوْمَ تُوَلُّونَ

نمیخواهد ستمی برای بندگانش وای قوم من بدرستیکه من میترسم بر شما روز ندا کردن یکدیگر را روزیکه برگردید

مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۳۳ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ

واپس روندگان نباشد مر شما را از خدا هیچ نگهدارنده و هر که را گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده و بتحقیق آمد شما را

يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ

یوسف از پیش با معجزات پس پیوسته بودید در شک از آنچه آمد شما را بآن تا چون هلاک شد

۳۴ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ

گفتید هرگز نبرانگیزد خدا از پس او رسولی را همچنین گمراه میگذارد خدا کسیرا که او اسراف کننده شک کننده است

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ

آنانکه مجادله میکنند در آیات خدا بدون حجتی که آمد ایشان را عظیم آمد از راه دشمنی نزد خدا و نزد

الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۳۵ وَقَالَ

آنانکه گرویدند همچنان مهر مینهد خدا بر همه دل تکبر کننده جفاکاری و گفت

فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ۳۶ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ

فرعون ای هامان بنا کن برایم بنای رفیع شاید که من برسم بوسیلهها وسیلههای آسمانها

فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ

پس آگاه شوم از خدای موسی و بدرستیکه من گمان دارم او را دروغگو و همچنین آراسته شد برای فرعون بدی

عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ۳۷ وَقَالَ الَّذِي

کردارش و باز داشته شد از راه و نبود چاره گری فرعون مگر در زیان و گفت آنکه

آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ۳۸ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ

ایمان آورده بود ای جماعت پیروی کنید مرا که راهنمائی کنم شما را براه راستی ای قوم من جز این نیست که این زندگانی

الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۳۹ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى

دنیا اندک تعیشی است و بدرستیکه آخرت آن سرای آرام است کسیکه کرد بدی را پس نخواهد جزا داده شد

إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ

مگر مانند آن و کسیکه کرد کار شایسته از مذکر یا مونث و او است مؤمن پس ایشان داخل میشوند

الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۴۰ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ

در بهشت روزی داده شوند در آن بی شمار وای قوم من چیست مرا که میخوانم شما را بسوی نجات

وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ۴۱ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ

و میخوانید مرا بسوی آتش میخوانید مرا که کافر شوم بخدا و شریک سازم با او آنچه نیست مرا بآن

عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ۴۲ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ

علمی و من میخوانم شما را بسوی خدای غالب آمرزنده ناچار جز این نیست که آنچه میخوانید مرا بسوی آن نیست

لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ

مر آنرا خواندنی در دنیا و نه در آخرت و آنکه بازگشت ما بسوی خدا است و آنکه اسراف کنندگان ایشانند اهل

قوله تعالی الذین یجادلون فی آیات الله بغیر سلطان الخ یعنی آنکسانیکه جدال میکنند در آیات و حجتهای خدا بدون حجتی که آمده باشد ایشان را بلکه بتقلید و شبهه واخذ باطل بزرگست جدال ایشان بحسب غضب در نزد حقتعالی و در نزد کسانیکه ایمان آورده اند یعنی حضرات اهل البیت علیهم السلام ... که فرمود ... آتش مگر برای ... برای ... مردی و برای ... که ایمان ... و از برای هر نصب کننده عداوت از برای حضرات آل محمد علیهم السلام ... سهل ... عذاب

فَأَطَّلِعَ بفتح همزه قطع و فتح طاء مشدده و کسر لام و فتح عین

أَهْدِكُمْ بفتح همزه قطع و سکون ها و کسر دال

نصف ...

در روز قیامت ... آتش ... کعب او باشد ... آتش باشد ... ازان ... چنانکه ... شد ... میدانم ... عذاب ... و حال آنکه ...

النار ٤٧ فستذكرون ما اقول لكم وافوض امري الى الله ان الله بصير
آتش پس بزودی یاد خواهید کرد آنچه را میگویم برای شما و وامیگذارم کارم بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست
بالعباد ٤٨ فوقه الله سيات ما مكروا وحاق بال فرعون سوء العذاب ٤٩
بنده‌گانش پس نگهداشت خدا بدیهای آنچه را اندیشیدند و احاطه کرد بکسان فرعون بدی عذاب
النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة ادخلوا ال
آتش عرضه کرده میشوند بر آن بامداد و شبانگاه و روزیکه برپا شود قیامت داخل کنید کسان
فرعون اشد العذاب ٥٠ واذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين
فرعون را سخت‌ترین عقوبت و هنگامیکه محاجه میکنند در آتش پس میگویند ضعیفان مر آنانرا که
استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل انتم مغنون عنا نصيبا من النار ٥١ قال الذين
سرکشی کردند بدرستیکه ما بودیم مر شما را پیرو پس آیا شما هستید کفایت کنندگان از ما بهره از آتش گفتند آنانکه
استكبروا انا كل فيها ان الله قد حكم بين العباد ٥٢ وقال الذين في النار
سرکشی کردند بدرستیکه ما همه در آنیم بدرستیکه خدا بتحقیق حکم نمود میان بندگانش و گفتند آنانکه در آتشند
لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوما من العذاب ٥٣ قالوا اولم تك
مر خازنان جهنم را بخوانید پروردگارتان را که تخفیف دهد از ما روزی از عذاب گویند آیا نبود
تاتيكم رسلكم بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعاء الكافرين الا
که می‌آمدند شما را رسولان شما با معجزات گویند آری گویند پس بخوانید و نیست خواندن کافران بجز
في ضلال ٥٤ انا لننصر رسلنا والذين امنوا في الحيوة الدنيا ويوم يقوم
در گمراهی بدرستیکه ما یاری میکنیم رسولانمان را و آنانکه گرویدند در زندگانی دنیا و روزیکه بایستند
الاشهاد ٥٥ يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء
گواهان روزیکه سود نبخشد ستمکاران را عذرشان و مر ایشان راست لعنت و مر ایشان راست بدی
الدار ٥٦ ولقد اتينا موسى الهدى واورثنا بني اسرائيل الكتاب هدى
سرای و بتحقیق دادیم موسی را هدایت و میراث دادیم بنی اسرائیل را کتاب هدایت
وذكرى لاولي الالباب ٥٧ فاصبر ان وعد الله حق واستغفر لذنبك
و پند مر صاحبان خردها را پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راست است و آمرزش خواه مر گناهت را
وسبح بحمد ربك بالعشي والابكار ٥٨ ان الذين يجادلون في ايات الله
و تسبیح گوی بستایش پروردگارت بشبانگاه و بامدادان بدرستیکه آنانکه مجادله میکنند در آیات خدا
بغير سلطان اتهم ان في صدورهم الا كبر ما هم ببالغيه فاستعذ
بدون حجتی که آمده باشد ایشان را نیست در سینه‌هاشان جز بزرگی که نباشند ایشان رسندگان بآن پس پناه بجو
بالله انه هو السميع البصير ٥٩ لخلق السموات والارض اكبر من خلق
بخدا بدرستیکه او است شنوای بینا هر آینه آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر است از آفرینش
الناس ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٦٠ وما يستوي الاعمى والبصير
مردمان و لیکن بیشتر از مردمان نمیدانند و یکسان نیستند نابینا و بینا

قوله سبحانه
فستذكرون الى بالعباد
این آیت را بر خاتم نگین آن نقش کند و خاتم را در انگشت خود کند مدد از لطف الطاف الهی شامل حال او
ادخلوا
بفتح همزه قطع و کسر خاء
بوده باشد اگر بر مرغان ... کار او کفایت شود و از آن خاتم ظلم باو نرسد
قوله تعالى
النار يعرضون عليها غدوا وعشيا يعنى آتش عرض کرده میشود آل فرعون بر آن صبح و شام میگویند که گفتند بحضرت صادق علیه السلام که درباره چه میگوئی فرمود مرده ها میگویند عرض شده که بگوئید این آیه منزل است و ایشان را ... اگر دمیشوند پس صبح پس ایشان را نعمت داده خواهند بود پس فرعون این آتش ... آنان را عذاب پس قول حق تعالی یوم تقوم الساعة ... است
لاولي
بفتح همزه بدل واو

قوله تعالى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ در احتجاج از حضرت صادق علیه السلام است که سؤال کرده شد که ما را حق تعالی فرموده ادعونی استجب لکم و حقیق می بینیم که دعا میکنند اجابت کرده نمیشود و مظلوم طلب نصرت میکند بر عدو خود پس نصرت نمیکند خدا او را حضرت فرمودند که دعا نمیکند احدی بجز آنکه مستجاب میشود از برای او اما ظالم پس دعای او مردود است تا وقتیکه

اسْتَجِبْ بفتح همزه قطع

يَجْحَدُونَ بتقدیم جیم بر حا توبه کند از ظلم و اما صاحب حق پس وقتیکه دعا کند مستجاب میشود از برای او و صرف میشود از او بلا از جهتی که نمیداند یا ذخیره میشود از برای او ثواب جزیلی از برای روز حاجت او و اگر نبوده باشد امریکه سؤال میکند عبد خیر از برای او آنکه عطا کند حق تعالی او را از آنکه سؤال میکند او و مؤمن عارف بحقیقت خدا هست که غیر از این را و آنکه دعا کند و خیری را نمیداند خدا با صواب است انتهی با خطاء والسلام ۱۲

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ ١ إِنَّ

و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و نه بدکار اندکی پند میگیرند بدرستیکه

السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ٢ وَقَالَ رَبُّكُمُ

قیامت هر آینه آمدنیست نیست در آن شکی و لیکن بسیاری مردمان نمیگروند و گفت پروردگار شما

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

بخوانید مرا که اجابت میکنم شما را بدرستیکه آنانکه سرکشی میکنند از پرستش من بزودی داخل میشوند

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٣ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ

در جهنم خوار شدگان خداست آنکه قرار داد برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را

مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ٤

بینش بخشنده بدرستیکه خدا هر آینه صاحب کرمست بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمیکنند

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ٥ كَذَٰلِكَ

اینست شما را خدا پروردگار شما آفریننده هر چیزی نیست خدائی جز او پس کجا برگردانیده میشوید همچنان

يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ٦ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

برگردانیده شوند آنانکه بودند که بآیتهای خدا انکار میکردند خداست آنکه گردانید برای شما زمین را

قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمُ

قرارگاه و آسمان را بنائی و پیکر داد شما را پس نیکو ساخت پیکرهای شما را و روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه اینست شما را

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٧ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ

خدا پروردگار شما پس برتر آمد خدا پروردگار جهانیان اوست زنده که نیست خدائی بجز او پس بخوانید او را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٨ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ

خالص کنندگان برای او دین را ستایش مخصوص خداست که پروردگار جهانیانست بگو بدرستیکه من نهی کرده شدم که پرستم

الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ

آنانکه میخوانید از غیر خدا چون آمد مرا حجتهای روشن از پروردگار من و امر کرده شدم که منقاد شوم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ٩ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

مر پروردگار جهانیان را اوست آنکه آفرید شما را از خاک پس از آب منی پس از خون بسته پس

يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ

بیرون آورد شما را کودکی پس تا برسید بکمال قوت پس تا بشوید پیران و از شما کسیکه بمیرد

مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٧٠ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ

از پیش و تا برسند بوقتی نام برده شده و شاید که شما بعقل اوست آنکه زنده کند و

يُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٧١ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

بمیراند پس چون قرار داد امری پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس میباشد آیا ندیدی بسوی آنانکه

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ٧٢ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا

مجادله میکنند در آیات خدا که کجا برگردانیده میشوند آنانکه تکذیب کردند کتاب را و بآنچه

ارسلنا به رسلنا فسوف يعلمون ۷۳ اذ الاغلال في اعناقهم والسلاسل
فرستادیم بآن رسولان را پس بزودی میدانند آنگاه که غلها ست در گردنهاشان و زنجیرها
يسحبون في الحميم ثم في النار يسجرون ۷۴ ثم قيل لهم اين ما كنتم تشركون
کشیده میشوند در آب جوشنده پس در آتش انداخته شوند پس گفته شد مر ایشانرا کجا است آنچه بودید شریک میساختید
من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن ندعوا من قبل شيئا كذلك يضل الله
از غیر خدا گویند گم شدند از ما بلکه نبودیم که بخوانیم از پیش چیزی را همچنان گمراه گذارد خدا
الكافرين ۷۵ ذلكم بما كنتم تفرحون في الارض بغير الحق وبما كنتم
کافرانرا این شمار بسبب آنچه بودید شادمانی میکردید در زمین بناحق و بسبب آنچه بودید
تمرحون ۷۶ ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ۷۷
میناز یدید داخل شوید درهای جهنم را جاویدان در آنجا پس بد است جایگاه تکبرکنندگان
فاصبر ان وعد الله حق فاما نرينك بعض الذي نعدهم او نتوفينك
پس صبر کن هر آینه وعده خدا راست است پس یا بنمائیم ترا برخی از آنچه وعده میدهیم ایشانرا یا بمیرانیم ترا
فالينا يرجعون ۷۸ ولقد ارسلنا رسلا من قبلك منهم من قصصنا
پس بسوی ما برگردانیده میشوند و بتحقیق فرستادیم ما رسولانی را پیش از تو از ایشان کسیست که خواندیم
عليك ومنهم من لم نقصص عليك وما كان لرسول ان ياتي باية
بر تو و از ایشان کسی است که نخواندیم بر تو و نسزد مر رسولی را که بیاورد آیتی
الا باذن الله فاذا جاء امر الله قضي بالحق وخسر هنالك المبطلون ۷۹
مگر بدستوری خدا پس چون آمد فرمان خدا حکم کرده شد بحق و زیان کنند در آنجا باطل گویان
الله الذي جعل لكم الانعام لتركبوا منها ومنها تاكلون ۸۰ ولكم
خداست آنکه گردانید برای شما چهارپایان را تا سوار شوید بعضی از آنها و از بعضی از آنها میخورید و مر شما راست
فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم وعليها وعلى الفلك
در آنها سودها و تا برسید بر آنها بحاجتی که در سینهای شماست و بر آنها و بر کشتیها
تحملون ۸۱ ويريكم اياته فاي ايات الله تنكرون ۸۲ افلم يسيروا في الارض
بار برده میشوید و مینماید شما را آیات خود پس کدام یک از آیات خدا را انکار میکنید آیا پس سیر نکنند در زمین
فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا اكثر منهم واشد قوة و
پس بنگرند چگونه بود انجام آنانکه بودند پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان و سخت تر بتوانائی و
اثارا في الارض فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۸۳ فلما جاءتهم رسلهم
اثرها در زمین پس کفایت نکرد از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند پس چون آمد ایشانرا رسولان ایشان
بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحاق بهم ما كانوا به يستهزؤن ۸۴
با حجتهای روشن شاد شدند بآنچه نزد ایشان بود از دانش و احاطه کرد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند
فلما راوا باسنا قالوا امنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين ۸۵ فلم
پس چون دیدند عذاب ما را گفتند گرویدیم بخدا تنها و کافر شدیم بآنچه بودیم بآن شریک سازندگان پس نه

یُسْحَبُونَ بضم یاء و سکون سین و فتح حا

یُسْجَرُونَ بضم یاء و سکون سین و فتح جیم

قوله تعالی
ویریکم آیاته فای آیات الله تنکرون یعنی و مینمود خدا بشما آیات خود را که دلیل کمال قدرت و فرد است اوست پس کدام یک از آیات خدا را انکار میکنید زیرا بسبب ظهور آیات قبول انکار نمیکنید

قوله تعالی
الذی جعل لکم ...

فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ

نبود که سود کند ایشان را ایمانشان چون دیدند عذاب ما را دستور خداست که بتحقیق گذشت در بندگانش و زیان برد

هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

در آنجا کافران

سورة فصلت اربع وخمسون آية وهي مكية (۴۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حم ۱ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۲ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ

فرو فرستادنیست از خدای بخشنده مهربان کتابیست تفصیل داده شد آیاتش قرآنیست عربی برای گروهی

يَعْلَمُونَ ۳ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۴ وَقَالُوا

که میدانند مژده دهنده و بیم کننده پس روی گردانید بیشتر ایشان پس ایشان نمیشنوند و گفتند

قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ

دلهای ما در حجابیست از آنچه میخوانید ما را بسوی آن و در گوشهای ما گرانیست و از میان ما و میان تو

حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ۵ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ

مانع است پس عمل کنید بدرستیکه ما عمل کنندگان بگو جز این نیست من هم انسانی مانند شما که وحی کرده میشود بمن که بدرستیکه معبود شما

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۶ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

خدای یگانه است پس روی آرید بسوی او و طلب آمرزش کنید از او و وای بر مشرکان آنانکه نمیدهند

الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

زکات را و ایشان بآخرت ایشان کافرانند بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۸ قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ

مر ایشان راست پاداش نامقطوع بگو آیا که شما هر آینه کافر میشوید بآنکس که آفرید زمین را در دو روز و

تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۹ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا

میگردانید از برای او همتایان آنست پروردگار جهانیان و قرار داد در آن کوههای استوار از بالای آن

وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ۱۰ ثُمَّ

و برکت داد در آن و تقدیر کرد در آن قوتهای آنرا در چهار روز برابر برای خواهندگان پس

اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

پرداخت بسوی آسمان و آن دودی بود پس گفت مر آنرا و زمین را بیائید خواه یا ناخواه

قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۱۱ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ

گفتند آمدیم فرمانبرداران پس فرو آفرید آنها را هفت آسمان در دو روز و وحی کردیم در هر

سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۚ وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

آسمانی کار آنرا و آرایش دادیم آسمان دنیا را بچراغها و نگاه داشتنی آنست تقدیر غالب

الْعَلِيمِ ۱۲ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ

دانا پس اگر روی گردانند پس بگو بیم دادم شما را بصاعقه مانند صاعقه عاد و ثمود

حم
مبتدا محل مبتدا آمد
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر کس سوره حم سجده را بخواند بعدد هر حرفی از آن ده حسنه در نامه عمل او حضرت حق سبحانه و تعالی ثبت فرماید ۱۲

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ
بکسر همزه در دو موضع
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ...

إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ
قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۱۴ فَأَمَّا عَادٌ
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۱۵ فَأَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ ۱۶ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ
فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ۱۷ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۱۸ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ
إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۱۹ حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ
أَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۰ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ
عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ۲۱ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا
جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ۲۲ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ
الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۲۳ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ
مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ۲۴ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا
لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ

قوله تعالی ویوم یحشر اعداء الله الی النار

یجحدون بتقدیم جیم بر حا

ما جاءوها بفتح همزه و سکون واو

مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ٢٥ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَسْمَعُوْا

لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَالْغَوْا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُوْنَ ٢٦ فَلَنُذِيْقَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَذَابًا

شَدِيْدًا ٢٧ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ٢٨ ذٰلِكَ جَزَآءُ اَعْدَآءِ

اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ فِيْهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَآءً بِمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ٢٩ وَقَالَ

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَبَّنَا اَرِنَا الَّذَيْنِ اَضَلّٰنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ

اَقْدَامِنَا لِيَكُوْنَا مِنَ الْاَسْفَلِيْنَ ٣٠ اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِيْ

كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ٣١ نَحْنُ اَوْلِيٰٓؤُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ وَلَكُمْ فِيْهَا

مَا تَشْتَهِيْٓ اَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَدَّعُوْنَ ٣٢ نُزُلًا مِّنْ غَفُوْرٍ رَّحِيْمٍ ٣٣ وَمَنْ

اَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَآ اِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَّقَالَ اِنَّنِيْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ٣٤ وَلَا

تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِيْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ

عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِيٌّ حَمِيْمٌ ٣٥ وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا

ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ٣٦ وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ

السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ٣٧ وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوْا

لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ٣٨

فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُوْنَ ٣٩

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ
و از آیات اوست که تو می بینی زمین را فرسوده افسرده پس چون فرو فرستادیم بر آن آب را بحرکت آید
وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۴۰ إِنَّ الَّذِينَ
و افزونی پذیرد هر آینه آنکه زنده ساخت زمین را زنده کننده مردگانست هر آینه او بر هر چیزی تواناست هر آینه آنانکه
يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي
نابکاری میکنند در آیات ما پنهان نیستند بر ما آیا پس آنکه افکنده شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید
آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۴۱ إِنَّ الَّذِينَ
ایمن روز قیامت بکنید آنچه خواهید هر آینه او بآنچه میکنید بیناست هر آینه آنانکه
كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ۴۲ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ
کافر شدند بقرآن چون آمد ایشان را و هر آینه آن کتابیست گرامی نیاید آنرا باطل از میان
يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ۴۳ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ
دو دستش و نه از پس پشتش فرو فرستادنیست از حکیم ستوده گفته نمیشود مر ترا بجز آنچه بتحقیق گفته شد
لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ۴۴ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ
مر رسولان را پیش از تو هر آینه پروردگار تو صاحب آمرزش و صاحب عقوبت دردناکست و اگر میکردیم آنرا
قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ
قرآنی عجمی هر آینه میگفتند چرا بیان کرده نشد آیاتش آیا عجمیست کتاب و رسول عربی بگو آن برای آنانکه
آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ
گرویدند هدایت و شفا و آنانکه نمیگروند در گوشهاشان گرانیست و آن برایشان
عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ۴۵ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
کوریست ایشان گویا ندا کرده میشوند از جای دور و هر آینه دادیم موسی را کتاب
فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي
پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود سخنی که پیش رفت از پروردگار تو هر آینه حکم کرده میشد میانشان و هر آینه ایشان در
شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۴۶ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا
شکند از آن که بگمان اندازنده اند هر که کرد کار شایسته پس برای خود کرد و هر که بد کرد پس بر اوست و نیست
رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۴۷ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ
پروردگار تو ستمکار مر بندگان را بسوی او برگردانیده میشود دانش قیامت و آنچه بیرون می آید از میوه جات
مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ
از غلافهایش و آنچه بار گیرد هیچ مونثی و بار نهد مگر بدانش او و روزیکه ندا کند ایشانرا گوید کجایند
شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ۴۸ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ
شریکان من گویند اعلام کردیم ترا که نیست از ما هیچ گواهی و گم شد از ایشان آنچه بودند که میخواندند
مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ۴۹ لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ
از پیش و گمان بردند که نیست ایشانرا هیچ گریزگاهی ملول نمیشود انسان از دعای خیر و اگر

مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ٤٩ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ

مس کند او را بدی پس نا امید است نا امید و هر آینه اگر بچشانیم او را رحمتی از خود از بعد زیانی که مس کرده او را

لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي

هر آینه گوید البته این مر راست و نمی پندارم قیامت را قایم و هر آینه اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگارم هر آینه مرا

عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ

نزد او همه آینه خوبست پس خبر دهیم البته آنانکه کافر شدند بآنچه کردند و هر آینه بچشانیم ایشان را از عذاب

غَلِيظٍ ٥٠ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ

سخت و چون احسان کنیم بر انسان رو بگرداند و دور کشد جانبش را و چون مس کند او را

الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ٥١ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ

شر پس صاحب دعا میشود پهن بگو آیا دیدید خبر دهید که اگر باشد از نزد خدا پس کافر شدید

بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ٥٢ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ

بآن کیست گمراه تر از کسیکه اوست در خلافی دور زود باشد بنماییم آیات خود در آفاق

فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

در خودهاشان تا آشکار گردد مر ایشان را که آنست حق آیا و کافی نیست پروردگارت که او بر همه چیز گواهست

شَهِيدٌ ٥٣ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ٥٤

گواه آگاه باشید که ایشانند در شکی از ملاقات پروردگارشان آگاه باشید که او است بهمه چیز احاطه کننده

سُورَةُ الشُّورَىٰ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٤٢)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حمٓ ١ عٓسٓقٓ كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٢

همچنین وحی میفرستد بتو و بسوی آنانکه بودند پیش از تو خداوند غالب درست کردار

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ٣ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ

مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و اوست برتر بزرگ نزدیک است آسمانها

يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ

چاک چاک شوند از بالاشان و فرشتگان تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و آمرزش میجویند

فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٤ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

در زمین است دانسته باشید که خداست او آمرزنده مهربان و آنانکه گرفتند از غیر او

أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ٥ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا

دوستان خدا نگهبانست برایشان و نیستی تو برایشان نگاهبان همچنان وحی کردیم

إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ

بسوی تو قرآنی عربی تا بیم کنی اهل مکه را و هر که پیرامون آنست و بیم کنی از روز جمعیت که نیست شکی

للحسنى: بفتح لام اول و سکون لام دوم

نأى: بفتح نون بعد از آن همزه و الف چون دعا

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت ...

حم عسق: میم و سین و قاف ...

فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
در آن پاره در بهشتند و فریق دیگر در آتش سوزنده واگر خواستی خدا هر آینه کردی ایشان را امت واحده

وَلَٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۷
ولیکن در آورد هر کرا بخواهد در رحمت خود و ستمگاران نیست مر ایشان را هیچ دوستی و نه یاوری

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۖ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ
یا گرفتند از غیر او دوستان پس خدا اوست دوست واو زنده کند مردگان را واو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۸ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي
هر چیزی تواناست وآنچه اختلاف کردید در آن از چیزی پس حکم آن با خداست این است خدا پروردگار

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۹ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ
بر او توکل میکنم وبسوی او بازگشت مینمایم پدید آورنده آسمانها و زمین که پدید آورد مر شما را از

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۖ يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَ
خودهاتان جفت و از چهارپایان جفت بسیار گرداند شما را در آن نیست مانند او چیزی و

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۱۰ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
اوست شنونده بینا مر او راست کلیدهای آسمانها و زمین برگشاید روزی را برای هر که

يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱۱ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا
بخواهد و تنگ میکند بدرستیکه او بهر چیزی داناست آیین کرد برای شما از دین آنچه وصیت کردیم نوح را بآن

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ۖ أَنْ أَقِيمُوا
و آنچه وحی کردیم بسوی تو و آنچه وصیت کردیم بآن ابراهیم و موسی و عیسی را که برپای دارید

الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ۱۲ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ اللَّهُ
دین را و جدا نشوید در آن عظیم آمد بر مشرکان آنچه میخوانی ایشانرا بسوی او خدا

يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ۱۳ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ
میگزیند بسوی آن هر کرا میخواهد و هدایت میکند بآن هر که بازگشت میکند و متفرق نشدند مگر از بعد

مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى
آنچه آمد ایشان را دانش از راه ستم میان ایشان واگر نبود سخنی که پیش رفته از پروردگارت بسوی مدتی نام برده شده

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۱۴
هر آینه حکم شدی میان ایشان و بدرستیکه آنانکه میراث داده شدند کتاب را از بعد ایشان هر آینه در شکند از آن بتهمت اندازنده

فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ ۖ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ
پس برای این پس بخوان و ثابت باش همچنانکه مأمور شده و پیروی مکن مرادهای ایشان را و بگو گرویدم بآنچه فرو فرستاد

اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۖ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ
خدا از کتاب و مأمور شدم که عدالت ورزم میان شما خداست پروردگار ما و پروردگار شما مر ماراست عملهای ما و مر شماراست

أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۱۵ وَالَّذِينَ
اعمال شما نیست حجتی میان ما و شما خدا جمع کند میان ما و بسوی اوست بازگشت و آنانکه

قوله تعالی صفحه سابق بدرست قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی بگو ای محمد سؤال نمیکنم بر تبلیغ نبوت خود اجری و اعطائی مگر آنکه عاید من شود بجز محبت و مودت قرابت من و در مجمع از حضرات سجاد و باقر و صادق صلوات الله علیهم روایتست که فرمود در الا المودة فی القربی مراد آنکه دوست دارید قرابت و عترت مرا و حفظ نمایید حرمت و حق مرا در شأن ایشان علیهم السلام و در صافی

یذرؤکم بضم همزه بلا واو از حضرت صادق روایتست که چون رجوع نمود حضرت رسول خدا از حجة الوداع و وارد مدینه گردید آمدند انصار بآنحضرت و گفتند یا رسول الله بدرستیکه خدای عز و جل احسان فرموده بسوی ما و مشرف ساخته ما را بوجود تو و نزول تو در میان ما طایفه ما پس تحقیق تعریف حقتعالی از صدیق ما و بر دراندازنت صدوما و گاهی میبینند دشمنان و ما نازل بسیار و نی ولی هر چه بخواهی ما بیاوریم پس شمات میکنند اعدا پس میدیریم دوست تحکم بکری ثلث اموال ما را تا وقتیکه وارد شوند بر تو نوازل و واردین اکر

لاعدل بکسر لام اولی و فتح همزه و سکون عین و کسر لام دوم و فتح لام اخیره

داشته باشی چیزیکه عطا کنی بایشان و ساده ۱۲

يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ
خصومت می‌کنند در خدا از بعد آنکه اجابت کرده شد مراورا حجتهای ایشان باطلست نزد پروردگار ایشان و
عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ١٦ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ
و بر ایشانست سخط و مر ایشانراست شکنجهٔ سخت خداست آنکه فرو فرستاد کتاب را بحق و
الْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ١٧ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
میزان و چه چیز دانا کرد ترا شاید که قیامت نزدیک باشد شتاب میخواهند از آن آنانکه نمی‌گروند
بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ
بآن و آنانکه گرویدند ترسندگانند از آن و میدانند که آن حق است آگاه باش بدرستیکه آنانکه
يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ١٨ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ
شک میکنند در قیامت هر آینه در گمراهیء دورند خدا صاحب لطفست به بندگانش روزی میدهد آنرا
يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ١٩ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ
خواهد و اوست توانای غالب کسیکه اراده میکند زراعت آخرت را زیاده میکنیم او را در زراعتش
وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ٢٠
و کسیکه اراده میکند زراعت دنیا را میدهیم او را از آن و نیست مر او را در آخرت هیچ بهره
أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ
بلکه مر ایشانراست شریکان که پدید آوردند برای ایشان از دین آنچه را دستوری نداده بآن خدا و اگر نبود سخن تقدیر
الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢١ تَرَى الظَّالِمِينَ
فاصله هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستیکه ستمکاران مر ایشانراست عذاب دردناک می‌بینی ستمکاران را
مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
در قیامت ترسندگان از آنچه کسب کردند و آن واقع است بایشان و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته
فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ
در چمنهای بهشتها مر ایشانراست آنچه میخواهند نزد پروردگار ایشان اینست آنکه
الْكَبِيرُ ٢٢ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
بزرگ اینست آنکه بشارت میدهد خدا بندگانش آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً
بگو نمیخواهم از شما برآن مزدی مگر دوستی در قرابت و هر که کسب کند نیکوئی را
نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ٢٣ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ
می افزائیم مر او را در آن خوبی بدرستیکه خدا آمرزنده شکرپذیر است یا میگویند بست بر خدا
كَذِبًا فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ
دروغی پس اگر خواهد خدا مهر می‌نهد بر دلت و محو میکند خدا باطل را و ثابت میکند حق را
بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٢٤ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ
بکلمات خود بدرستیکه او داناست بدرون سینها و اوست آنکه می‌پذیرد توبه را

قوله تعالی
قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی از حضرت رسالت خدا مرویست که خدا خلق کرد انبیا را از اشجار متفرقه و خلق شده‌ام من و علی از شجرهٔ واحد و من اصل آنم و علی فرع آن و فاطمه شاخهٔ بارور آنست و حسن و حسین ثمار آن درخت‌اند و اشیاع ما اوراق آن شجرند پس کسی که تعلق میگیرد به بعضی از اغصان این شجره نجات می‌یابد و کسیکه میل کند از آن فرو رود و اگر عبادت کند خدا را مدت هزار سال بعد هزار سال تا آنکه بگردد مثل مشک بالی خشک شده پس اگر دوست ندارد ما را برو در آتش خدا برو در روی سوراخ دماغ او بعد تلاوت فرمود قل لا اسئلکم الآیه و در کافی از حضرت

ما یشاءون
بضم همزه و سکون واو
باقر علیه السلام است که سؤال کرده شد از آیه فرمود ایشان حضرت ائمه علیهم السلام اند که در خصال از حضرت مرتضی علیه السلام مرویست که حضرت رسول خدا فرمود کسی که دوست دارد عترت مرا یکی از سه بهره
یختم بسکون میم
یامن قاف استغفار و دوست اواست که عالمه شده مادرش در حیض طهر حیض اسلام

عن عباده

عن عباده ويعفو عن السيئات ويعلم ما تفعلون ٢٥ ويستجيب الذين

آمنوا وعملوا الصالحات ويزيدهم من فضله والكافرون لهم عذاب

شديد ٢٦ ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الارض ولكن ينزل

بقدر ما يشاء انه بعباده خبير بصير ٢٧ وهو الذي ينزل الغيث من

بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ٢٨ ومن آياته خلق السموات

والارض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء قدير ٢٩

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم ويعفو عن كثير ٣٠ وما

انتم بمعجزين في الارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ٣١ و نصف

من آياته الجوار في البحر كالاعلام ان يشا يسكن الريح فيظللن رواكد

على ظهره ان في ذلك لآيات لكل صبار شكور ٣٢ او يوبقهن بما او يوبقهن بسكون قاف

كسبوا ويعف عن كثير ٣٣ ويعلم الذين يجادلون في آياتنا ما لهم من محيص

فما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وما عند الله خير وابقى للذين

آمنوا وعلى ربهم يتوكلون ٣٥ والذين يجتنبون كبائر الاثم والفواحش

واذا ما غضبوا هم يغفرون ٣٦ والذين استجابوا لربهم واقاموا الصلوة

وامرهم شورى بينهم ومما رزقناهم ينفقون ٣٧ والذين اذا اصابهم

البغي هم ينتصرون ٣٨ وجزاء سيئة سيئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره

عَلَى اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ٣٩ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ

بر خدا بدرستیکه او دوست نمیدارد ستمکارانرا و هر آینه آنکه انتقام کشید پس از ظلم او پس اینها نیست بر ایشان

مِّنْ سَبِيْلٍ ٤٠ اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَيَبْغُوْنَ فِى الْاَرْضِ

از راهی جز این نیست راه بر کسانیکه ستم میکنند مردم را و فساد میکنند در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ٤١ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ

بغیر حق اینها که ایشانراست عذابی دردناک و هر آینه هر که صبر کرد و عفو نمود بدرستیکه آن هر آینه از عزم

الْاُمُوْرِ ٤٢ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ وَّلِيٍّ مِّنْۢ بَعْدِهٖ وَتَرَى الظّٰلِمِيْنَ ٤٣

امور است و هر کرا گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ دوستی از بعد آن و می بینی ستمکارانرا

لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ يَقُوْلُوْنَ هَلْ اِلٰى مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيْلٍ ٤٤ وَتَرٰىهُمْ يُعْرَضُوْنَ

که چون ببینند عذاب را میگویند آیا هست بسوی بازگشتن بدنیا هیچ راهی و می بینی ایشانرا عرضه میشوند

عَلَيْهَا خٰشِعِيْنَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُوْنَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ

بر آتش خضوع کنندگان از خواری که مینگرند از چشمی پنهان و گفتند آنانکه گرویدند بدرستیکه

الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ

زیانکاران آنانند که زیان کردند بنفسهای خود و کسان خود روز قیامت آگاه باشید بدرستیکه

فِىْ عَذَابٍ مُّقِيْمٍ ٤٥ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ اَوْلِيَآءَ يَنْصُرُوْنَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَمَنْ

در عذابی پاینده اند و نباشد مر ایشانرا هیچ دوستانی که یاری کنند ایشانرا غیر از خدا و هر کرا

يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ سَبِيْلٍ ٤٦ اِسْتَجِيْبُوْا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ

گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راهی اجابت کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که نیست بازگشتنی

لَهٗ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَاٍ يَّوْمَئِذٍ وَّمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيْرٍ ٤٧ فَاِنْ اَعْرَضُوْا

مر او را از خدا نباشد مر شما را هیچ پناهی آنروز و نباشد مر شما را هیچ انکاری پس اگر اعراض کنند

فَمَآ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلٰغُ وَاِنَّآ اِذَآ اَذَقْنَا

پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر رسانیدن و بدرستیکه ما چون بچشانیم

الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ فَاِنَّ

انسانرا از خود رحمتی شاد شود بآن و اگر برسد ایشانرا بدی بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای ایشان پس بدرستیکه

الْاِنْسَانَ كَفُوْرٌ ٤٨ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ يَهَبُ لِمَنْ

انسان ناسپاس است مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین بیافریند هر چه خواهد می بخشد هر کرا

يَّشَآءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنْ يَّشَآءُ الذُّكُوْرَ ٤٩ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَّاِنَاثًا وَيَجْعَلُ

که خواهد دختران و می بخشد مر آنرا که میخواهد پسرانرا یا جفت میکند ایشانرا پسران و دختران و میگرداند

مَنْ يَّشَآءُ عَقِيْمًا اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ٥٠ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ

هر کرا خواهد نازاینده بدرستیکه او دانای تواناست و نسزد آدمیرا که سخن گوید با او خدا مگر بوحی یا از

وَّرَآئِ حِجَابٍ ٥١ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِىَ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَآءُ اِنَّهٗ عَلِىٌّ حَكِيْمٌ ٥٢

پس پرده یا بفرستد رسولی پس وحی کند باذن او آنچه خواهد بدرستیکه او است بلند حکیم

ولمن انتصر — بفتح لام و میم و کسر نون

ولمن — بفتح لام و میم و سکون نون

لمن عزم — بفتح لام و کسر میم و سکون نون

من طرف — بفتح طا و سکون را

او یرسل — بفتح لام؛ فیوحی — بفتح یا و حا

وَكَذٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ
و همچنین وحی کردیم بتو روحی را از امر خود نبودی که بدانی چیست کتاب و نه ایمان
وَلٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۵۲
ولیکن گردانیدیم او را نوری هدایت کنیم بآن هر که خواهیم از بندگان ما و بدرستیکه تو هر آینه هدایت مینمائی براه راست
صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ۵۳
راه خدا آنکه مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه باش که بسوی خدا باز میگردد کارها

(۴۳) سورة الزخرف تسع وثمانون آية وهي مكية
نزلت بعد الشورى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

حمٓ ۱ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۳ وَإِنَّهُ
بکتاب روشن که ما گردانیدیم آنرا قرآنی بلغت عرب شاید شما دریابید بتعقل و بدرستیکه آن
فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ۴ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ
در اصل کتاب نزد ماست هر آینه بلند مرتبه محکم آیا پس بگردانیم از شما ذکر را اعراض کردن ازین که بودید
قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۵ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ۶ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ
گروهی اسراف کنندگان و چه بسیار فرستادیم از پیغمبری در پیشینیان و نمی آمد ایشان را از پیغمبری
إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۷ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ۸
مگر بودند که باو استهزا میکردند پس هلاک کردیم سخت تر از ایشان از روی قوت و گذشت داستان پیشینیان
وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۹
و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید آسمانها و زمین هر آینه میگویند البته آفرید آنها را خدای غالب دانا
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۱۰
آنکه گردانید برای شما زمین را بستری و گردانید برای شما در آن راهها شاید شما راه یابید
وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذٰلِكَ
و آنکه فرود فرستاد از آسمان آبی را باندازه پس زنده کردیم بآن جای مرده را همچنین
تُخْرَجُونَ ۱۱ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ
بیرون آورده میشوید و آنکه آفرید اصناف را همه آنها را و گردانید برای شما از کشتی و چهارپایان
مَا تَرْكَبُونَ ۱۲ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ
آنچه سوار میشوید تا قرار گیرید بر پشتهای آن پس یاد کنید نعمت پروردگارتان را چون قرار گیرید
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۱۳ وَ
بر آن و گوئید پاکی آنرا که رام کرد برای ما این را و نبودیم مر او را طاقت دارندگان و
إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ۱۴ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۚ إِنَّ الْإِنسَانَ
بدرستیکه ما بسوی پروردگار ما هر آینه بازگشت کنندگانیم و گردانیدند مر او را از بندگانش جزوی بدرستیکه آدمی

حمٓ [illegible]

أن كنتم بفتح همزه

لِتَسْتَوُا بدعا و خوانده شود یعنی اشباع شود

لكفور مبين ١٥ ام اتخذ مما يخلق بنات واصفكم بالبنين ١٦ واذا بشر
هر آینه ناسپاس آشکار است آیا گرفت از آنچه آفرید دختران و اختصاص داد شما را به پسران و چون مژده داده
احدهم بما ضرب للرحمن مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم ١٧ اومن
یکی از ایشان بآنچه زد برای خدای بخشنده مثلی گردد رویش سیاه و او دستش مملو از خشم آیا و آنکه
ينشؤ فى الحلية وهو فى الخصام غير مبين ١٨ وجعلوا الملئكة الذين
تربیت یافته شود در زینت و او است در مخاصمه نا آشکار کننده و گردانیدند ملائکه را آنانکه
هم عباد الرحمن اناثا اشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم ويسئلون ١٩
ایشان بندگان خدای بخشنده دختران آیا حاضر بودند آفرینش ایشان را بزودی نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند

خلقهم بسکون لام

وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم ما لهم بذلك من علم ان هم الا
و گویند اگر خواستی خدای بخشاینده نپرستیدیم ما آنها را نیست مر ایشان را باین هیچ از دانشی نیستند ایشان مگر
يخرصون ٢٠ ام اتيناهم كتابا من قبله فهم به مستمسكون ٢١ بل قالوا
آنکه دروغ میگویند آیا دادیم ایشان را کتاب پیش از آن پس ایشان بآن چنگ در زنندگان اند بلکه گفتند
انا وجدنا اباءنا على امة وانا على اثارهم مهتدون ٢٢ وكذلك ما ارسلنا
که بدرستی یافتیم پدرانمان را بر طریقه و بدرستیکه ما بر اثرهای ایشان هدایت یافتگان و همچنان نفرستادیم
من قبلك فى قرية من نذير الا قال مترفوها انا وجدنا اباءنا على امة
پیش از تو در قریه هیچ بیم کننده مگر آنکه گفتند متنعمانش که یافتیم پدرانمان را بر طریقه

نصف الجزء

وانا على اثارهم مقتدون ٢٣ قال اولو جئتكم باهدى مما وجدتم
و ما هستیم بر اثرهای ایشان اقتدا کنندگان گفت آیا و اگر چه بیاوردم شما را راه نماینده تر از آنچه یافتید
عليه اباءكم قالوا انا بما ارسلتم به كافرون ٢٤ فانتقمنا منهم فانظر
بر آن پدرانتان را گفتند که ما بآنچه فرستاده شده بآن کافرانیم پس انتقام کشیدیم از ایشان پس بنگر
كيف كان عاقبة المكذبين ٢٥ واذ قال ابرهيم لابيه وقومه انني براء مما
چگونه بود انجام تکذیب کنندگان و هنگامیکه گفت ابراهیم مر پدرش و قومش را بدرستیکه من بیزارم از آنچه
تعبدون ٢٦ الا الذى فطرنى فانه سيهدين ٢٧ وجعلها كلمة باقية
میپرستید بجز آنکه پدید آورد مرا پس بدرستیکه او بزودی راه نماید مرا و گردانید او را کلمه باقی
فى عقبه لعلهم يرجعون ٢٨ بل متعت هؤلاء واباءهم حتى جاءهم الحق
در عقبش باشد که ایشان بازگشت نمایند بلکه کامرانی دادم اینها را و پدرانشان را تا آمد ایشان را حق
ورسول مبين ٢٩ ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر وانا به كافرون ٣٠
و فرستاده آشکار و چون آمد ایشان را حق گفتند این جادو است و بدرستیکه ما بآن کافرانیم
وقالوا لولا نزل هذا القران على رجل من القريتين عظيم ٣١ اهم يقسمون
و گفتند چرا فرو فرستاده نشد این قرآن بر مردی از آن دو قریه که بزرگ است آیا ایشان قسمت میکنند
رحمت ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم فى الحيوة الدنيا ورفعنا بعضهم
رحمت پروردگارت را ما قسمت کردیم میانشان وجه معاش ایشان را در زندگانی دنیا و بلند کردیم برخی ایشان را

فوق

فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا ورحمة ربک خیر مما

بالای برخی درجاتی تا بگیرند برخی ایشان برخی را بکار بازداشته شده و رحمت پروردگارت بهتر است از آنچه

یجمعون ٣٢ ولولا ان یکون الناس امة واحدة لجعلنا لمن یکفر بالرحمن

جمع میکنند و اگر نه آن بودی که مردمان جماعتی واحد اندی همه آیینه گردانیده بودیم برای آنکه کافر شد بخدای

لبیوتهم سقفا من فضة ومعارج علیها یظهرون ٣٣ ولبیوتهم ابوابا

برای خانه هاشان سقفی از نقره و نردبانها که بر آنها برآیند و برای خانه هاشان درها

وسررا علیها یتکئون ٣٤ وزخرفا وان کل ذلک لما متاع الحیوة الدنیا

و سریرها که بر آن تکیه کنند و زینتی و نباشند همه آن مگر مایه تعیش زندگانی دنیا

والاخرة عند ربک للمتقین ٣٥ ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطا

و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران و کسیکه اعراض کند از ذکر خدای بخشاینده برگماریم برای او شیطانی را

فهو له قرین ٣٦ وانهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون انهم مهتدون ٣٧

پس اوست مر او را رفیق و بدرستیکه ایشان هر آینه باز دارند ایشان را از راه و میپندارند که ایشان اند هدایت شدگان

حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین ٣٨

تا چون آمد ما را گفت ای کاشکی میانه من و میانه تو دوری مشرقین پس بد رفیقی بودی

ولن ینفعکم الیوم اذ ظلمتم انکم فی العذاب مشترکون ٣٩ افانت تسمع الصم

و سود ندهد شما را امروز چون ستم کردید اینکه شما در عذاب شریکان آیا پس تو میشنوانی کران را

او تهدی العمی ومن کان فی ضلال مبین ٤٠ فاما نذهبن بک فانا

یا راه مینمایی کوران را و هر که باشد در گمراهی آشکار پس اگر ببریم ما ترا پس بدرستیکه ما

منهم منتقمون ٤١ او نرینک الذی وعدناهم فانا علیهم مقتدرون ٤٢

از ایشان انتقام کشندگان یا بنماییم ترا آنچه وعده کردیم بایشان پس بدرستیکه بر ایشان انتقام کنندگان

فاستمسک بالذی اوحی الیک انک علی صراط مستقیم ٤٣ وانه لذکر

پس چنگ درزن بآنچه وحی شد بسوی تو بدرستیکه تو بر راه راستی و بدرستیکه آن ذکریست

لک ولقومک وسوف تسئلون ٤٤ واسئل من ارسلنا من قبلک من

برای تو و قومت و زود باشد پرسیده شوید و بپرس از آنانکه فرستادیم پیش از تو از

رسلنا اجعلنا من دون الرحمن الهة یعبدون ٤٥ ولقد ارسلنا موسی

رسولان ما که آیا گردانیدیم ما از غیر خداوند بخشاینده خدایانیکه پرستیده شوند و بتحقیق که فرستادیم ما موسی را

بایاتنا الی فرعون وملائه فقال انی رسول رب العالمین ٤٦ فلما جاءهم

با آیات ما بسوی فرعون و جماعتش پس گفت که منم فرستاده پروردگار جهانیان پس چون آمد ایشانرا

بایاتنا اذا هم منها یضحکون ٤٧ وما نریهم من ایة الا هی اکبر من اختها

با آیات ما آنگاه ایشان از آن خنده میکردند و نمینمودیم بایشان هیچ آیتی مگر که آن بزرگتر بود از مانندش

واخذناهم بالعذاب لعلهم یرجعون ٤٨ وقالوا یا ایه الساحر ادع لنا

و گرفتیم ما ایشانرا بعذاب تا ایشان بازگردند و گفتند ای جادوگر بخوان برای ما

بعد المشرقین بضم با و سکون عین و فتح دال

الهة بمد الف و کسر لام

دبلا

رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ اِنَّنَا لَمُهْتَدُوْنَ ٤٩ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ
پروردگارت با آنچه عهد کرد نزد تو که ما هر آینه راه یافتگانیم پس چون رفع کردیم از ایشان عذاب را آنگاه ایشان
يَنْكُثُوْنَ ٥٠ وَنَادٰى فِرْعَوْنُ فِيْ قَوْمِهٖ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَيْسَ لِيْ مُلْكُ مِصْرَ وَ
پیمان شکستند و ندا کرد فرعون در قومش گفت ای قوم من آیا نیست مرا پادشاهی ملک مصر و
هٰذِهِ الْاَنْهٰرُ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِيْ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ٥١ اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِيْ
این نهرها میرود از زیر قصر من آیا پس نمی بینید بلکه من بهترم از این آنکه
هُوَ مَهِيْنٌ ٥٢ وَلَا يَكَادُ يُبِيْنُ ٥٣ فَلَوْلَا اُلْقِيَ عَلَيْهِ اَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ
او خوار است و نزدیک نیست که بیان تواند کرد پس چرا افکنده نشد دست برنجنها از طلا
اَوْ جَآءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِيْنَ ٥٤ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهٗ فَاَطَاعُوْهُ اِنَّهُمْ
یا بیامدند با او ملائکه بهم پیوستگان پس از جای برداشت قومش را پس فرمان بردند او را بدرستیکه
كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ٥٥ فَلَمَّآ اٰسَفُوْنَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ٥٦
بودند گروهی زشتکاران پس چون بخشم در آوردند ما را انتقام کشیدیم از آنها پس غرق کردیم ایشان را همه
فَجَعَلْنٰهُمْ سَلَفًا وَّمَثَلًا لِّلْاٰخِرِيْنَ ٥٧ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ
پس گردانیدیم ایشان را سابقان و مثلی برای پسینیان و چون زده شد پسر مریم مثلی آنگاه قوم تو
مِنْهُ يَصِدُّوْنَ ٥٨ وَقَالُوْٓا ءَاٰلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوْهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ
از آن فریاد برمی آوردند و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا او نزدند آنرا برای تو مگر جدل بلکه ایشان
قَوْمٌ خَصِمُوْنَ ٥٩ اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ
گروهی خصومت کنندگان نیست او مگر بنده که انعام کردیم بر او و گردانیدیم او را مثلی برای بنی اسرائیل
وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِي الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ٦٠ وَاِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ
و اگر بخواهیم هر آینه میگردانیدیم بدل شما ملائکه را در زمین که جانشین باشند و بدرستیکه او علامتی است برای قیامت
فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُوْنِ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ٦١ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ
پس نباید که شک آورید بآن و پیروی کنید مرا اینست راه راست و نباید باز دارد شما را شیطان
اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ٦٢ وَلَمَّا جَآءَ عِيْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ
بدرستیکه او است شما را دشمنی آشکار و چون آمد عیسی با معجزات گفت بتحقیق آوردم شما را بحکمت
وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ تَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ٦٣
و تا بیان کنم برای شما برخی را از آنچه اختلاف میکنید در آن پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرداری کنید مرا
اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ٦٤ فَاخْتَلَفَ
بدرستیکه خدا اوست پروردگار من و پروردگار شما پس پرستید او را اینست راه راست پس اختلاف کردند
الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ اَلِيْمٍ ٦٥ هَلْ
طایفه ها از میان شان پس وای مر آنان را که ستم کردند از عذاب روز دردناک آیا
يَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ٦٦ اَلْاَخِلَّآءُ
انتظار میبرند بجز قیامت را که آید ایشان را ناگاه و ایشان ندانند دوستان

ءَاٰلِهَتُنَا بدو الف و کسر اء

وَاَطِيْعُوْنِ مکسر نون

يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ٦٨ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ

روز چنین برخی‌شان مر برخی را دشمنند بجز پرهیزگاران ای بندگان من نیست ترسی بر شما

الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ٦٩ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ٧٠ ادْخُلُوا

امروز و نه شما اندوهناک میشوید آنکسانیکه ایمان آوردند بآیات ما و بودند منقادان داخل شوید

الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ٧١ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ

بهشت را شما و جفت‌هاتان که از نشاط برافروخته باشید گردانیده شود بر ایشان کاسه‌ها از طلا و

أَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٧٢

کوزه‌ها و در آنجاست آنچه بخواهد آنرا نفسها و لذت برند چشمها و شما در آن جاویدانید

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٧٣ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ

و اینست بهشتیکه میراث داده شدید آنرا بسبب آنچه بودید که میکردید مر شما را در آن میوه‌های بسیار است

مِنْهَا تَأْكُلُونَ ٧٤ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ٧٥ لَا يُفَتَّرُ

که از آن میخورید بدرستیکه گنهکاران در عذاب دوزخ همیشه‌اند سبک نشود

عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ٧٦ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ٧٧

از ایشان و ایشان در آن ناامیدانند و ستم نکرده‌ایم ما ایشانرا و لیکن بودند ایشان ستمکاران

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ٧٨ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ

و ندا کردند ای مالک باید بمیراند ما را پروردگارت گفت بدرستیکه شما درنگ کنندگان هر آینه بتحقیق آوردیم شما را

بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ٧٩ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ٨٠ أَمْ

حق را ولیکن بیشترشان مر حق را ناخوش دارندگان بلکه محکم کردند کاری را پس بدرستیکه ما محکم کننده یا

يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ٨١ قُلْ

میپندارند که ما نمیشنویم پنهان ایشان و رازشان را آری و رسولان ما نزد ایشانند که مینویسند بگو

إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ٨٢ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ

اگر باشد مر خدای بخشاینده را فرزندی پس منم اولین پرستندگان منزه است پروردگار آسمانها و

الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٨٣ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى

زمین پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند پس واگذار ایشانرا که صحبت دارند و بازی کنند تا

يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ٨٤ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي

آنکه ملاقات کنند روزشانرا که وعده داده میشوند و اوست که در آسمان خداست و در

الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ٨٥ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ

زمین خداست و اوست کاردان داناست و افزون آمد آنکه مر اوراست پادشاهی آسمانها و

الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٨٦ وَلَا يَمْلِكُ

زمین و آنچه میان آن دو است و نزد اوست دانستن قیامت و بسوی او بازگردانیده میشوید و مالک نباشند

الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٨٧

آنانکه میخوانند از غیر او شفاعت را بجز کسیکه گواهی داد بحق و ایشان میدانند

تُحْبَرُونَ بضم تا و سکون حا و فتح با و ضم را

لَا يُفَتَّرُ بضم یا و فتح فا و تا مشدده

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ٨٨ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ

و اگر بپرسی از ایشان کیست که آفرید ایشانرا هر آینه میگویند خدا پس کجا برگردانیده میشوند و قول او ای پروردگار من بدرستیکه

هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ٨٩ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

اینها قومیند که نمیگروند پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام پس زود باشد که بدانند

سورة الدخان تسع وخمسون آية وهي مكية (٤٤) نزلت بعد الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣

بحق کتاب آشکار کننده بدرستیکه فرو فرستادیم آنرا در شب برکت داده شده بدرستیکه ما هستیم بیم دهندگان

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ٤ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ٥ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ

در آن جدا کرده میشود هر امر موافق حکمت امریست از نزد ما بدرستیکه ما هستیم فرستندگان رحمتی است از پروردگار

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم

که او ست شنونده دانا پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر باشید

مُّوقِنِينَ ٧ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ٨ بَلْ هُمْ

یقین کنندگان نیست خدائی بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان بلکه ایشان

فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ٩ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ١٠ يَغْشَى

در شک بازی میکنند پس چشم دار روزی را که میاورد آسمان دودی آشکار فرو میگیرد

النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١١ رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ١٢ أَنَّىٰ

مردمانرا این است عذابی دردناک پروردگارا دفع کن از ما عذاب را بدرستیکه مائیم مؤمنان چگونه باشد

لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ١٣ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ

مر ایشانرا پند گرفتن و بتحقیق که آمد ایشانرا رسولی آشکار کننده پس رو گردانیدند از او و گفتند آموخته است

مَّجْنُونٌ ١٤ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ١٥ يَوْمَ نَبْطِشُ

دیوانه بدرستیکه مائیم رفع کننده عذاب اندکی بدرستیکه شما بر گردندگان روزیکه سخت بگیریم

الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ١٦ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُم

سخت گرفتن عظیم را که مائیم انتقام کشندگان و هر آینه آزمودیم ما پیش از ایشان قوم فرعون را و آمد ایشانرا

رَسُولٌ كَرِيمٌ ١٧ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٨ وَأَن لَّا

فرستاده بزرگ که بسپارید بمن بندگان خدا را بدرستیکه من شما را رسولی امینم و آنکه

تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ١٩ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ

رفعت مجوئید بر خدا بدرستیکه من آورنده ام شما را حجت روشنی و بدرستیکه من پناه میبرم بپروردگار خود و پروردگار شما

أَن تَرْجُمُونِ ٢٠ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ٢١ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ

که سنگسار کنید مرا و اگر ایمان نیاورید بمن پس کناره گیرید از من پس خواند پروردگار خود را که بدرستیکه اینها

حم: میم مدّ میخواهد

یفرق: بفتح یا و سکون فا و فتح را و ضمه قاف

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر کس سوره حم دخان را در نوافل بخواند و این سوره را مداومت نماید خداوند او را از امنان بسازد و در سایه عرش جا دهد و سختی او را آسان نماید و نامه او را بدست راستش دهد و السلام

ان ترجمون: بکسر نون و همچنین فاعتزلون بکسر نون

قوم مجرم

قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۲۲ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ۲۳ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا

گروه گناهکارانند پس ببر بندگان مرا بشب که شما از پی ارفته شدگانید و واگذار دریا را آرمیده

إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ۲۴ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۲۵ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ

که ایشان لشکری غرق شدگان و بسا که واگذاشتند از بوستانها و چشمه سارها و کشتها و جاسی

كَرِيمٍ ۲۶ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ۲۷ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۲۸

خوب و نعمتی که بودند در آن متنعمان همچنان است و بمیراث دادیم آنرا گروهی دیگر

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۲۹ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي

پس نگریست بر ایشان آسمان و زمین و نشدند مهلت دادگان و هر آینه نجات دادیم پسران

إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۳۰ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۳۱

اسرائیل را از عذاب خوار کننده از فرعون بدرستیکه او بود متکبری از اسراف کنندگان

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۳۲ وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ

و هر آینه اختیار کردیم ایشانرا با دانش بر جهانیان و دادیم ایشانرا از آیتها آنچه در آن بود بلائی

مُبِينٌ ۳۳ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۳۴ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ

آشکار بدرستیکه اینها هر آینه میگویند نیست آن جز مردن ما نخستین و نیستیم ما

بِمُنْشَرِينَ ۳۵ فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۳۶ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۳۷

زنده کرده شدگان پس بیاورید پدران ما را اگر هستید راستگویان آیا ایشان بهترند یا گروه تبع

وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۳۸ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ

و آنانکه بودند پیش از ایشان هلاک کردیم ایشانرا که ایشان بودند گناهکاران و نیافریدیم آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ۳۹ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

و زمین و آنچه میان آنها بازی کنندگان نیافریدیم آن هر دو را مگر بحق و لیکن بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۴۰ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۴۱ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى

نمیدانند بدرستیکه روز تمیز است وعده گاه همه روزیکه کفایت نکند دوستی

عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۴۲ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۴۳

از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند مگر آنرا رحمت کرد خدا بدرستیکه او غالب مهربانست

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ۴۴ طَعَامُ الْأَثِيمِ ۴۵ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۴۶ كَغَلْيِ

بدرستیکه درخت زقوم خوراک گناهکارانست چون فلز گداخته میجوشد در شکمها مانند جوشیدن

الْحَمِيمِ ۴۷ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۴۸ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ

آب بسیار گرم بگیرید او را پس بکشید او را بعنف بمیان جهنم پس بریزید از بالای سرش از

عَذَابِ الْحَمِيمِ ۴۹ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ۵۰ إِنَّ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ

عذاب آب جوشان بچشید بدرستیکه تو غالب گرامی بدرستیکه اینست آنچه بودید بآن

تَمْتَرُونَ ۵۱ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۵۲ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۵۳ يَلْبَسُونَ

شک میکردید بدرستیکه پرهیزکاران در جای ایمنند در بهشتها و چشمه سارها میپوشند

مِنْ سُنْدُسٍ

قوله سبحانه يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله از حضرت صادق علیه السلام ماثور است که ... ونعمة بفتح نون ... اشارت شد بر آنحضرت این آیه ... علیهم السلام ... که رحمت میکند حقتعالی ... و هستیم الا ... الکنی که استثنا فرمود ... لیکن ... سکینه ... از ... و از آنحضرت علیه السلام ... است که فرمود ...

الاولی بضم همزه و سکون واو

... خدای ... از ... ایشان ... حضرت امیر المومنین علیه السلام و شیعیان او پس فرمود در کتاب خود و قول حق است یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الا من رحم الله ... باستثنا حضرت ... علیه السلام و شیعیان آنحضرت ... کسیکه موالات ... الله ... بعضی از ... استثنا فرمود ... که ... آل محمد علیهم السلام ... فرمود الا من رحم الله ... علیه السلام ... که فرمود ... حضرت ... آنکه ... استثنی ...

مِن سُندُسٍ وَاِستَبرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ٥٣ كَذٰلِكَ وَزَوَّجنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ٥٤

از دیبای نازک و دیبای ستبر برابر یکدیگر نشستگان همچنین و تزویج میکنیم ایشانرا با حوران فراخ چشم

يَدعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِينَ ٥٥ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا المَوتَ اِلَّا المَوتَةَ

بخوانند در آن هر میوه را ایمنان نچشند در آن مرگ را بجز مردن

الاُولٰى وَوَقٰيهُم عَذَابَ الجَحِيمِ ٥٦ فَضلًا مِن رَبِّكَ ذٰلِكَ هُوَ الفَوزُ العَظِيمُ ٥٧

نخست و نگاه داشت ایشانرا از عذاب دوزخ تفضلیست از پروردگارت این اوست کامیابی بزرگ

فَاِنَّمَا يَسَّرنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُم يَتَذَكَّرُونَ ٥٨ فَارتَقِب اِنَّهُم مُرتَقِبُونَ ٥٩

پس جز این نیست آسان گردیم آنرا بلغت تو شاید ایشان پند گیرند پس انتظار بکش که ایشانند منتظران

سُورَةُ الجَاثِيَةِ سِتٌّ وَثَلٰثُونَ اٰيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٤٥) نزلت بعد الدخان

الآیه ١٤ مدنیه

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ١ تَنزِيلُ الكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ العَزِيزِ الحَكِيمِ ٢ اِنَّ فِي السَّمٰوَاتِ وَالاَرضِ

فرو فرستادن کتابست از خدای غالب درست کردار بدرستیکه در آسمانها و زمین

لَاٰيَاتٍ لِلمُؤمِنِينَ ٣ وَفِي خَلقِكُم وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ اٰيَاتٌ لِقَومٍ يُوقِنُونَ ٤

هر آینه آیتهاست مر گروندگانرا و در آفرینش شما و آنچه پراکنده میسازد از جنبنده آیتهاست مر گروهیرا که یقین دارند

وَاختِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَمَا اَنزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِزقٍ فَاَحيَا بِهِ

و اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی پس زنده گردانید

الاَرضَ بَعدَ مَوتِهَا وَتَصرِيفِ الرِّيَاحِ اٰيَاتٌ لِقَومٍ يَعقِلُونَ ٥ تِلكَ

زمین را بعد از مردنش و گردانیدن بادها آیتهاست مر گروهیرا که دریابند بعقل اینست

اٰيَاتُ اللّٰهِ نَتلُوهَا عَلَيكَ بِالحَقِّ فَبِاَيِّ حَدِيثٍ بَعدَ اللّٰهِ وَاٰيَاتِهِ يُؤمِنُونَ ٦

آیتهای خدا میخوانیم بر تو براستی پس بکدام گفتار بعد از خدا و آیاتش میگروند

وَيلٌ لِكُلِّ اَفَّاكٍ اَثِيمٍ ٧ يَسمَعُ اٰيَاتِ اللّٰهِ تُتلٰى عَلَيهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُستَكبِرًا كَاَن

وای بر هر دروغگوی گناهکار میشنود آیات خدا را که خوانده میشود بر آن پس اصرار میکند سرکشی کنان چنانکه گویا

لَم يَسمَعهَا فَبَشِّرهُ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ٨ وَاِذَا عَلِمَ مِن اٰيَاتِنَا شَيئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا

نشنود آنرا پس مژده ده او را بعذابی دردناک و چون داند از آیات ما چیزیرا میگیرد آنرا باستهزا

اُولٰئِكَ لَهُم عَذَابٌ مُهِينٌ ٩ مِن وَرَائِهِم جَهَنَّمُ وَلَا يُغنِي عَنهُم مَا كَسَبُوا

اینها مر ایشانراست عذابی خوارکننده از پیش روی ایشان دوزخ است و کفایت نکند از ایشان آنچه کسب کردند

شَيئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللّٰهِ اَولِيَاءَ وَلَهُم عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هٰذَا هُدًى وَ

چیزیرا و نه آنچه را گرفتند از غیر خدا دوستان و مر ایشانراست عذابی بزرگ اینست هدایت و

الَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ رَبِّهِم لَهُم عَذَابٌ مِن رِجزٍ اَلِيمٍ ١١ اَللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ البَحرَ

آنانکه کافر شدند بآیت پروردگار ایشان مر ایشانراست عذابی از عقوبت دردناک خداست آنکه رام کرد برای شما دریارا

الاولی بفتح همزه و سکون واو اشباع شود

حٰمٓ هیچ معنی آن احد

از حضرت سید کائنات صلی الله علیه و آله الطاهرین منقولست که هر کس حٰمٓ جاثیه را تلاوت کند خداوند ستر عورت او کند در قیامت وقت حساب عورت و تشویش او را از ترس و هیبت قیامت و عذاب ایمن دارد و ...

لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٢ وَ
تا روان شود کشتیها در آن بامر او و تا طلب کنید از فضلش و شاید شما شکر کنید
سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را که از اوست بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٣ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ
مر گروهی را که اندیشه کنند بگو مر آنانکه ایمان آوردند عفو کنند مر آنانرا که امید ندارند روزهای خدا را
لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ١٤ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ
تا جزا دهد گروهی را بسبب آنچه بودند کسب میکردند هر که کرد کاری شایسته را پس برای خود اوست و هر که بد کرد
فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٥ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
پس بر اوست پس بسوی پروردگارتان باز گردانیده میشوید و هر آینه دادیم بنی اسرائیل را کتاب و حکومت
وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ١٦ وَآتَيْنَاهُمْ
و پیغمبری و روزی دادیم ایشانرا از پاکیزهها و افزونی دادیم ایشانرا بر جهانیان و دادیم ایشانرا
بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ
حجتهای از امر پس اختلاف نکردند مگر از بعد آنچه آمد ایشانرا دانش از راه ستم میانشان بدرستیکه
رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١٧ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ
پروردگار تو حکم کند میانه ایشان روز رستخیز در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند پس گردانیدیم ترا بر
شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ١٨ إِنَّهُمْ لَنْ
طریقه از امر پس پیروی کن آنرا و پیروی مکن خواهشهای آنان که نمیدانند بدرستیکه ایشان
يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ
کفایت نمیکنند ترا از خدا چیزی را و بدرستیکه ستمکاران برخیشان دوستانند برخی را و خدا یار
الْمُتَّقِينَ ١٩ هَٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ٢٠ أَمْ حَسِبَ
پرهیزکارانست این است دلایل بینش بخش برای مردمان و هدایت و رحمت مر گروهی را که یقین دارند آیا پنداشتند
الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
آنانکه کسب کردند بدیها را که بگردانیم ایشانرا مانند آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته
سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ٢١ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
یکسانست زندگیشان و مرگشان بدست آنچه حکم میکنند و آفرید خدا آسمانها و زمین را
بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٢٢ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ
بحق و تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه کسب کرد و ایشان ستم کرده نشوند آیا پس دیدی کسیرا که گرفت
إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ
خدای خویش را خواهش خود و اضلال کردش خدا بر دانش و مهر نهاد بر گوش او و دل او و گردانید بر
بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٣ وَقَالُوا مَا هِيَ
چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را بعد از خدا آیا پس پند نمیگیرید و گفتند نیست این

قوله تعالى ام حسب الذين اجترحوا الخ یعنی آیا گمان میکنند آنکه کسب کردند سیئات را آنکه بگردانیم ایشانرا مثل کسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند که مساوی باشد محیا و ممات ایشان چنانکه زعم کرده اند ... از ابن عباس روایت است که گفت این آیه الذین امنوا نازل است در علی بن ابیطالب و حمزه بن عبد المطلب و عبیدة بن حرث و الذین اجترحوا السیئات در عتبه و شیبه دو فرزند ربیعه

لن يغنوا بضم يا و نون ثانية

ربيعه و وليد بن عتبه ١٢

اجترحوا بجيم و حاء بی نقطه

الهه بکسر همزه

الا حيوتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا الا الدهر وما لهم

نيست جز زندگانی دنیای ما میمیریم و زنده میشویم و هلاک نمیسازد ما را بجز زمانه و نیست مر ایشان را

بذلك من علم ان هم الا يظنون ٢٤ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات

باین هیچ دانشی نیستند ایشان جز اینکه گمانی میکنند و چون خوانده میشود بر ایشان آیات روشن ما

ما كان حجتهم الا ان قالوا ائتوا باٰبائنا ان كنتم صادقين ٢٥ قل الله

نباشد دلیلشان مگر اینکه گویند بیاورید پدران ما را اگر هستید از راستگویان بگو خدا

يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ولكن اكثر

زنده کند شما را پس بمیراند پس جمع کند شما را تا روز قیامت که نیست شکی در آن ولیکن بسیاری

الناس لا يعلمون ٢٦ ولله ملك السموات والارض ويوم تقوم

از مردمان نمیدانند و مر خداراست پادشاهی آسمانها و زمین و در روزیکه برپا شود

الساعة يومئذ يخسر المبطلون ٢٧ وترى كل امة جاثية كل امة

قیامت در آن روز زیان کنند باطل کیشان و بینی همه امتی را بزانو در آمده هر امتی

تدعى الى كتابها اليوم تجزون ما كنتم تعملون ٢٨ هذا كتابنا ينطق

خوانده میشود بسوی کتابشان امروز جزا داده شوید آنچه را بودید که میکردید این است کتاب ما سخن گوید

عليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ٢٩ فاما الذين امنوا وعملوا

بر شما براستی بدرستیکه ما بودیم که می نوشتیم آنچه بودید که میکردید پس اما آنانکه ایمان آوردند و کردند

الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين ٣٠ واما

کارهای شایسته پس در آورد ایشان را پروردگارشان در رحمت خود اینست کامیابی آشکار و اما

الذين كفروا افلم تكن اياتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين ٣١

آنانکه کافر شدند آیا پس نبود که آیات من خوانده شود بر شما پس سرکشی کردید و بودید گروهی گناهکاران

واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب فيها قلتم ما ندري ما الساعة

و چون گفته شود بدرستیکه وعده خدا حق است و قیامت نیست شکی در آن گویید نمیدانیم چیست قیامت

ان نظن الا ظنا وما نحن بمستيقنين ٣٢ وبدا لهم سيئات ما عملوا وحاق

گمان نمیبریم بجز گمانی و نیستیم ما یقین دارندگان و ظاهر شد مر ایشان را بدیهای آنچه کردند و احاطه کرد

بهم ما كانوا به يستهزءون ٣٣ وقيل اليوم ننسىكم كما نسيتم لقاء يومكم

بایشان آنچه بودند بآن استهزا میکردند و گفته شد امروز فرو گذاریم شما را همچنانکه فراموش کردید ملاقات روز

هذا وماويكم النار وما لكم من ناصرين ٣٤ ذلكم بانكم اتخذتم

اینرا و جای شماست آتش و نیست مر شما را هیچ یاری کنندگان این شما را بسبب آنست که شما گرفتید

ايات الله هزوا وغرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها ولا هم

آیات خدا را بازیچه و فریب داد شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون آورده نشوند از آن و نه ایشان

يستعتبون ٣٥ فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين ٣٦

قبول کرده شود عذرشان پس مر خداراست ستایش پروردگار آسمانها و زمین پروردگار جهانیان

بسم الله الرحمن الرحیم

از حضرت سید کائنات صلی الله علیه و آله منقول است که هر کس حم جاثیه را تلاوت کند خداوند عیبهای او را بپوشاند و ترس او را در وقت حساب ساکن گرداند

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که حم جاثیه را بخواند ...

قوله تعالی

حم تنزیل الکتاب ...

سورة الاحقاف مكية

وله

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱
و مراوراست بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست غالب درستکردار

سُورَةُ الْأَحْقَافِ خَمْسٌ وَثَلٰثُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۴۶)

الا الآیات ۹ - ۱۴ - ۳۵ فمدنیه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

حٰمٓ تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ
فرو فرستادن کتابیست از خدای غالب درستکردار نیافریدیم ما آسمانها و
الْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا
زمین را و آنچه میان آنهاست بجز بحق و مدتی نام برده شده و آنانکه کافر شدند از آنچه بیم کرده شدند
مُعْرِضُونَ ۳ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا
روگردانندگانند بگو آیا دیدید آنچه میخوانید از غیر خدا بنمائید مرا که چه چیز آفریدند
مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ائْتُونِي بِكِتٰبٍ مِنْ قَبْلِ هٰذَا أَوْ أَثٰرَةٍ
از زمین یا مر ایشانراست شرکتی در آسمانها بیاورید کتابی از پیش این یا باز ماندهٔ
مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۴ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَنْ لَا
از دانشی اگر هستید از راستگویان و کیست گمراه تر از کسیکه میخواند از غیر خدا آنرا که نتواند
يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ دُعٰائِهِمْ غٰافِلُونَ ۵ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ
اجابت کرد مر او را تا روز قیامت و ایشان از خواندنشان بیخبرانند و چون حشر کرده شوند مردمان
كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ۶ وَإِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا
باشند مرایشانرا دشمنان و باشند بپرستش آنها کافران منکر و چون خوانده شود برایشان آیات ما
بَيِّنٰاتٍ قٰالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۷ أَمْ يَقُولُونَ
که روشن است گویند آنهائی که کافر شدند مر حق را چون آمد ایشانرا اینست جادوئی آشکار بلکه میگویند
افْتَرٰيهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ
بدروغ نسبت داد او را بگو اگر بدروغ نسبت دهم آنرا پس مالک نمیباشید برای من از خدا چیزیرا او داناتر است بآنچه سخن میگوئید
فِيهِ كَفٰى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۸ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ
در آن کافیست او گواه میان من و شما و اوست آمرزندهٔ مهربان بگو نیستم من نو در آمده از
الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحٰى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا
رسولان و ندانم که چه کرده شود با من و نه با شما پیروی نکنم بجز آنچه وحی کرده شود بمن و نیستم مگر
نَذِيرٌ مُبِينٌ ۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كٰانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شٰاهِدٌ مِنْ
بیم کنندهٔ آشکار بگو خبر دهید که اگر باشد از نزد خدا و کافر باشید بآن و گواهی دهد گواهی دهنده
بَنِي إِسْرٰائِيلَ عَلٰى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰالِمِينَ ۱۰
بنی اسرائیل بر مانند آن پس ایمان آورد و سرکشی کرده باشید بدرستیکه خدا هدایت نمیکند گروه ستمکاران را

حم میم مد میخواهد

آثارة بفتح همزه بدون الف

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا
و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که ایمان آوردند اگر بود خیر پیشی نمیگرفتند بآن و چون هدایت نیافتند
بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ١١ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَ
بآن پس زود باشد که گویند اینست دروغ کهنه و از پیش از آن است کتاب موسی امام و رحمت و
هَٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ١٢
و اینست کتابی تصدیق کننده بزبان عربی تا بیم کند آنانکه ستم کردند و مژده است مر نیکوکاران
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٣
بدرستیکه آنانکه گفتند پروردگار ما خدا است پس استقامت کردند پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٤ وَوَصَّيْنَا
آنها اهل بهشت جاودان باشند در آن بپاداش آنچه بودند که میکردند و وصیت کردیم
الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَ
آدمی را بوالدینش نیکوئی را برداشت او را مادرش بدشواری و نهاد او را بدشواری و برداشتن او
فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ
و جدا کردن او از شیر سی ماهست تا چون رسید توانائیش و رسید بچهل سال گفت ای پروردگار من
أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
الهام کن مرا که شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر والدینم و آنکه بکنم کار شایسته
تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ١٥ أُولَٰئِكَ
که پسندی آنرا و شایسته گردان مرا در اولادم بدرستیکه من بازگشتم بسوی تو و بدرستیکه من از تسلیم شدگانم آنها
الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ
آنانند که میپذیریم از ایشان بهترین آنچه کردند و درمیگذریم از کردارهای بدشان در اهل بهشت
وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ١٦ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا
بوعده راستی آنچه بودند که وعده داده میشدند و کسیکه گفت مر والدینش اف مر شما را
أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ
آیا وعده میدهید مرا که بیرون آورده شوم و بتحقیق گذشتند قرنها پیش از من و ایشان استغاثه میکردند بخدا وای بر تو ایمان بیاور
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ١٧ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
بدرستیکه وعده خدا راست است پس میگوید نیست این مگر افسانهای پیشینیان آنانند
حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا
که راست آمد بر ایشان وعده عذاب در امتهائیکه گذشتند از پیش از ایشان از جن و انس بدرستیکه ایشان بودند
خَاسِرِينَ ١٨ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٩
زیانکاران و برای هر یک مراتب است از آنچه کردند و تا تمام دهد ایشانرا کردارشان و ایشان ستم کرده نشوند
وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا
و روزیکه عرضه کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش برده اید پاکیزهای خود را در زندگانی دنیا

قوله تعالی ووصینا الانسان بوالدیه الی آخر الآیه ... کافی از حضرت صادق علیه السلام مرویست ... [illegible]

وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي

و کامرانی کردید بآن پس امروز جزا داده شوید شکنجه خواری را بآنچه بودید که استکبار میکردید در

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۲۰ وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ

زمین بناحق و بسبب آنچه بودید که فسق میکردید و یاد کن برادر عاد را چون بیم داد قوم خود را

بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا

در ریگستانها و بدرستیکه گذشتند بیم کنندگان از میان دو دستش و از پس پشتش که نپرستید بجز

اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۲۱ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا

خدا را بدرستیکه من میترسم بر شما شکنجه روزی بزرگ گفتند آیا آمدی ما را که برگردانی ما را

عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۲ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ

از خدایان ما پس بیاور ما را آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از راستگویان گفت جز این نیست آن دانستن

عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۲۳ فَلَمَّا

نزد خدا و میرسانم شما را آنچه فرستاده شدم بآن ولیکن من میبینم شما را گروهی نادانی میکنید پس چون

رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا

دیدند او را ابری متوجه شده بوادیهای ایشان گفتند اینست ابری بهم رسیده باراننده است ما را بلکه اینست

اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۴ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا

آنچه شتاب خواستید بآن بادیست در آن عذابی دردناک هلاک کند همه چیز را بامر پروردگارش پس گشتند

لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۲۵ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا

چنانکه دیده نمیشد بجز مسکنهای ایشان همچنین جزا میدهیم گروه گناهکاران را و هر آینه تمکین دادیم ایشان را در آنچه

إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ

نه تمکین دادیم شما را در آن و گردانیدیم ایشان را گوش و دیدها و دلها پس کفایت ننمود از ایشان

سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ

گوش ایشان و نه دیدهای ایشان و نه دلهای ایشان از چیزی چون بودند که انکار میکردند بآیات

اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۲۶ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ

خدا را و ثابت شد بآنها آنچه بودند که بآن استهزا میکردند و هر آینه هلاک کردیم آنچه بود حوالی شما از

الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۲۷ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا

قریه‌ها و مکرر آوردیم آیات را شاید که ایشان بازگشت کنند پس چرا یاری نکردند ایشان را آنانکه گرفتند

مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

از غیر خدا تقرب را الهه بلکه گم شدند از ایشان و اینست دروغ ایشان و آنچه بودند افترا میکردند

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا

و چون گردانیدیم بسوی تو جماعتی از جن را که میشنیدند قرآن را پس چون حاضر شدند آنرا گفتند خاموش باشید

فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ۲۹ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا

پس چون گذارده شد برگشتند بسوی قوم خود بیم دهندگان گفتند ای قوم ما بدرستیکه ما شنیدیم کتابی را

در منهج الصادقین قوله تعالی فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل [illegible] که حضرات انبیاء و رسل بعد از توحید خدا [illegible]

عن آلهتنا بدو الف و کسر لام

[illegible]

یجحدون بتقدیم جیم بر حا

[illegible]

الهة بدو الف و کسر لام

[illegible]

أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ
که فرو فرستاده شد از بعد موسی تصدیق کننده مر آنچه را میان دو دست اوست هدایت میکند بسوی حق و بسوی راه
مُسْتَقِيمٍ ٣٠ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ
راست ای قوم اجابت کنید خواننده خدا را و بگروید باو تا بیامرزد مر شما را از گناهانتان و پناه دهد
مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ٣١ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ
از شکنجهٔ دردناک و کسیکه اجابت نکرد خوانندهٔ خدا را پس نیست عاجز کنندهٔ در زمین و نیست
لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٣٢ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
مر او را از غیر او دوستان آنها در گمراهی آشکار آیا ندانستند که خدائی که
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ
آفرید آسمانها و زمین را و مانده نشد بآفرینش آنها تواناست بر اینکه زنده کند مردگان را
بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٣٣ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ
آری بدرستیکه او بر هر چیزی تواناست و روزیکه عرض کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش آیا نیست
هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٣٤ فَاصْبِرْ
این بحق گویند آری و پروردگار ماست گوید پس بچشید شکنجه را بآنچه بودید که کافر شدید پس صبر کن
كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ
همچنانکه صبر کردند خداوندان ثبات از رسولان و شتاب مخواه برای آنها گویا ایشان روزی می بینند آنچه وعده داده شدند
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ
درنگ نکنند بجز ساعتی از روز رسانیدن پس آیا هلاک کرده شود بجز گروه فاسقان

(٤٧) سورة محمد صلى الله عليه وآله وسلم اربعون وثمان آية وهي مدنية

الآية ١٤ نزلت في الطريق في اثناء الهجرة و آيتها ٣٨ نزلت بعد الحديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ٢ وَالَّذِينَ آمَنُوا
آنانکه کافر شدند و باز گشتند از راه خدا ضایع کرد کردارهای شان را و آنانکه گرویدند
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ
و کردند کارهای شایسته و گرویدند بآنچه فرود فرستاده شد بر محمد و آنست حق از پروردگارشان دور گرداند
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ٣ ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَ
از ایشان بدیهاشان را و باصلاح آورد حالشان را اینست بسبب اینکه آنانکه کافر شدند پیروی کردند باطل را و
أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ٤
بدرستیکه آنانکه گرویدند پیروی کردند حق را از پروردگارشان همچنین میزند خدا برای مردمان مثلهاشان را
فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا
پس چون ملاقات کنید آنان را که کافر شدند پس زدن گردنها تا آنگاه که بکشید آنها را بسیار سخت کنید

وَيُجِرْكُمْ بضمة يا و كسر جيم و سكون را

اُولُو بضمة همزه بدون واو

حزب

ثانی ٢٦ الله تعالى

از حضرت رسول صلى الله عليه و آله مرویست که هر کس این سوره را بخواند برخدای سبحانه و تعالی واجب شود که از نهرهای بهشتی او را سیراب فرماید

وَأَصْلَحَ بفتح همزه قطع

فَضَرْبَ بسکون راء اول

الوثاق ٥ فاما منا بعد واما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ذلك

ولو يشاء الله لانتصر منهم ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا

في سبيل الله فلن يضل اعمالهم ٦ سيهديهم ويصلح بالهم ٧ ويدخلهم

الجنة عرفها لهم ٨ يا ايها الذين امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت

اقدامكم ٩ والذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ١٠ ذلك بانهم

كرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم ١١ افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف

كان عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ١٢

ذلك بان الله مولى الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم ١٣ ان الله

يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار

والذين كفروا يتمتعون وياكلون كما تاكل الانعام والنار مثوى لهم ١٤

وكاين من قرية هي اشد قوة من قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا

ناصر لهم ١٥ افمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله و

اتبعوا اهواءهم ١٦ مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء

غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة للشاربين ١٧

وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل الثمرات ومغفرة من

ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ١٨

ومنهم

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
و از ایشان است کسیکه گوش میدارد بسوی تو تا چون بیرون روند از نزد تو گویند برای آنکه داده شده اند دانش را
مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ١٩
چه چیز گفت اینساعت آنگروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهاشان و پیروی کردند خواهشهای خود را
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ٢٠ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا
و آنانکه یافتند هدایت بیفزود ایشانرا هدایت و داد ایشانرا پرهیزگاری پس آیا انتظار میبرند مگر
السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ
قیامت را که بیاید ایشانرا ناگاه پس بتحقیق آمد علامتهایش پس از کجا باشد مر ایشانرا چون آید ایشانرا
ذِكْرَاهُمْ ٢١ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ
پند گرفتن ایشان پس بدان که او نیست خدائی بجز خدا و آمرزش بطلب برای گناه خود و مر مردان مؤمن
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ٢٢ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا
و زنان مؤمنه را و خدا میداند جای گردش شما و آرامگاه شما را و میگویند آنانکه گرویدند چرا
نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ
فرو فرستاده نشد سوره پس چون فرو فرستاده شد سوره محکم و ذکر کرده شد کارزار بینی آنانرا که
فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ
در دلهاشان مرضیست که مینگرند بسوی تو نگریستن طاری شده بیهوشی بر او از مردن پس اولیست ایشانرا
طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ ٢٣ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا
اطاعت و گفتن نیکو پس چون لازم شد امر پس اگر راستی نموده بودند با خدا هر آینه بهتر بود
لَّهُمْ فَهَلْ ٢٤ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ
مر ایشانرا پس آیا نزدیک شدید اگر والی شدید که فساد کنید در زمین و قطع کنید رحمهاتانرا
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ ٢٦ أَفَلَا
این گروه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا پس گردانید کر ایشانرا و کور گردانید چشمهاشانرا آیا پس
يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ٢٧ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ
اندیشه نمیکنند در قرآن یا بر دلها است قفلهاشان بدرستیکه آنانکه برگشتند
أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ
بر پشتهاشان از بعد آنچه ظاهر شد مر ایشانرا هدایت ابلیس که وا نمود و مهلت داد مر ایشانرا
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ
این بسبب آنست که ایشان گفتند مر آنانرا که ناخوش داشتند آنچه را فرستاد خدا اطاعت کنیم شما را در برخی از امر
وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ٢٩ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ
و خدا میداند رازهاشانرا پس چگونه وقتی که بمیرانند ایشانرا ملائکه میزده باشند
وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ٣٠ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَ
رویهاشانرا و پشتهاشانرا این بسبب آنست که ایشان پیروی کردند آنچه را بخشم آورد خدا را

كرهوا

كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۳۱ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

دنا خوشش داشتند خوشنودی او را پس ناچیز کرد کردارشان را بلکه پنداشتند آنانکه در دلهاشان مرض است

أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ۳۲ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ

که هرگز بیرون نیاورد خدا کینه‌های ایشان را و اگر میخواستیم هر آینه مینمودیم ایشان را بتو پس میشناختی بعلامتشان

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۳۳ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ

و شناخته بودی آنها را در روش گفتار و خدا میداند کردارهای شما را و هر آینه میآزمائیم شما را تا بدانیم

الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ۳۴ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا

جهاد کنندگان از شما و شکیبایان را و میآزمائیم خبرهای شما را بدرستیکه آنانکه کافر شدند و بازداشتند

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا

از راه خدا و مخالفت نمودند رسول خدا را از پس آنچه ظاهر شد مر ایشان را هدایت هرگز زیان نتوانند

اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ۳۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ

رسانید خدا را چیزی و بزودی ناچیز شود کردارشان ای آنکسانیکه گرویدید اطاعت کنید خدا را و

أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ۳۶ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ

و اطاعت کنید رسول را و باطل نسازید کردارتان را بدرستیکه آنانکه کافر شدند و

صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۳۷ فَلَا

بازداشتند از راه خدا پس مردند و ایشانند کافران پس هرگز نیامرزد خدا مر ایشان را پس

تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ

سستی نکنید و نخوانید بسوی صلح و شما برترانید و خدا با شما است و هرگز کم نکند

أَعْمَالَكُمْ ۳۸ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ

از شما کردارهاتان را جز این نیست که زندگانی دنیا بازی و مشغولی است و اگر بگروید و بپرهیزید بدهد شما را

أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ۳۹ إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَ

مزدهاتان را و نمیطلبد از شما مالهاتان را و اگر بطلبد از شما آنها را پس بجد گیرد از شما بخیلی کنید و

يُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ۴۰ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ

بیرون آورد کینه‌هاتان را آگاه باشید شما اینها خوانده میشوید که انفاق کنید در راه خدا پس از شما

مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ

کسی است که بخیلی میکند و هر که بخیلی میکند پس بحقیقت بخیلی میکند بجز با خود و خدای بی‌نیاز است و شمائید

الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

محتاجان و اگر رو بگردانید بدل شما آورد گروهی را غیر از شما پس نباشند آنها امثال شما

(۴۸) سُورَةُ الْفَتْحِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ

نزلت فی الطریق عند الانصراف من الحدیبیة نزلت جملة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا

في ثواب القرائة ... ثواب الاعمال ومجمع البيان بروايت از حضرت صادق عليه السلام مذكور است كه ... خواندن اتفاق ... مداومت خواننده ... را خاصيتی ... روز قيامت ... شنوند ... من عباد الله المخلصين

يتركم بفتح ياء وكسر تاء وفتح راء

ويخرج بضم ياء وسكون خاء وكسر راء وسكون جيم

الحمد لله رب العالمين ... اسكنه جنات النعيم ... برازخ ... ۱۴

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ١ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ

بدرستیکه ما گشودیم راه فیروزی را برای تو فیروزی روشن تا بیامرزد برای تو خدا آنچه پیش افتاد از گناه امت تو و آنچه پس افتاد و تمام کند

نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ٢ وَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا

نعمت خود را بر تو و هدایت کند ترا براه راست و یاری کند ترا خدا یاری کردن

عَزِيزًا ٣ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا

با عزت او است که فرو فرستاد آرامش در دلهای گروندگان تا افزایند ایمان را

مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٤

با ایمانشان و مر خدا راست لشکرهای آسمانها و زمین و باشد خدا دانای درست کردار

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

تا در آورد مردان گرونده و زنان گرونده را در بهشتها که روانست از زیر آنها نهرها جاودانند

فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ٥ وَيُعَذِّبَ

در آن و در پوشاند از ایشان گناهانشان را و باشد این نزد خدا کامیابی بزرگ و عذاب کند

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ

مردان منافق و زنان منافقه و مردان مشرک و زنان مشرکه گمان برندگان بخدا گمان

السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ

بد بر ایشانست گردش بد و خشم کرد خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده کرد برای ایشان

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

جهنم را و بد جای بازگشتی است و مر خدا راست لشکرهای آسمانها و زمین و باشد خدا

عَزِيزًا حَكِيمًا ٧ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ٨ لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

غالب درست کردار بدرستیکه ما فرستادیم ترا گواه و مژده دهنده و بیم کننده تا بگروید بخدا و رسولش

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ٩ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا

و تقویت کنید او را و تعظیم کنید او را و تسبیح کنید او را بامداد و شبانگاه بدرستیکه آنانکه بیعت کردند با تو جز این نیست

يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ

بیعت کردند با خدا دست خدا بالای دستهای آنها است پس هر که نقض عهد نمود پس نقض عهد نمود بر خود و هر که

أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ١٠ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ

وفا کرد بآنچه عهد کرد بر آن خدا پس زودی میدهد او را مزدی بزرگ زود باشد که گویند بتو بازماندگان

مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم

از بادیه نشینان که مشغول داشت ما را مالهای ما و کسان ما پس آمرزش خواه برای ما میگویند بزبانهاشان

مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ

آنچه نیست در دلهاشان بگو پس کیست که مالک است برای شما از خدا چیزی را اگر خواهد بشما زیانی یا خواهد

بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ١١ بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ

برای شما سودی بلکه باشد خدا بآنچه میکنید آگاه بلکه گمان کردید که هرگز باز نگردد رسول

لِيَغْفِرَ بفتح را

سورة الفتح

از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که فرمود نگاه دارید زنان را و آنچه دارید تصرف ایشانست در حصن الحسن بقرائت سوره الفتح و بدانید که هر که بر قرائت این سوره مداومت نماید منادی ندا کند در قیامت بآواز بلند که ای عوض صالح بشنوند کرای تو از جمله بندگان من پس بنوشته گان شود گرداو را در بهشت نعیم گردانید و از شراب طهور بچشانند ۱۲

عَلَيْهُ اللّٰه بضمّ هاء علیه و فتح هاء الله

وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ

و گروندگان بسوی کسان ایشان همرگز و آراسته شد در دلهای شما و گمان کردید گمان بدی

وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۱۲ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

و بودید گروهی هالکان و هر که نگرود بخدا و رسولش پس بدرستیکه ما مهیا کردیم برای کافران

سَعِيرًا ۱۳ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ

آتش سوزان و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر کرا بخواهد و عذاب کند هر کرا

يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۴ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ

بخواهد و باشد خدا آمرزنده مهربان زود باشد میگویند بجا گذاشتگان چون بروید بسوی

مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ

غنیمتها که بر گیرید آنرا بگذارید ما را که از پی درآئیم شما را میخواهند که تبدیل کنند سخن خدا را بگو هرگز

تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا

از پی نخواهید آمد ما را همچنان گفت خدا از پیش پس زود باشد که گویند بلکه حسد میبرید بما بلکه هستند

لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۱۵ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ

که نمیفهمند مگر اندکی بگو مر بجا گذاشتگان از بادیه نشینان زود باشد که خوانده شوید بسوی

قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ

گروهی صاحبان آسیب سخت که کارزار کنید با ایشان یا مسلمان شوند پس اگر فرمان برید میدهد شما را

اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۶

خدا مزدی خوب و اگر روی بگردانید چنانکه روگردان شدید از پیش عذاب کند شما را عذابی دردناک

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ

نیست بر کور گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ

و هر که فرمان برد خدا و فرستاده او را در آورد او را در بهشتها که روانست از زیر آنها نهرها و هر که

يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۷ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ

روی بگرداند عذاب کند عذابی دردناک هر آینه بتحقیق خوشنود شد خدا از گروندگان وقتیکه بیعت کردند

تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ

در زیر درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشان بود پس فرو فرستاد آرام بر ایشان و پاداش داد ایشانرا

فَتْحًا قَرِيبًا ۱۸ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۹ وَعَدَكُمُ

فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار که بر گیرند آنرا و باشد خدا غالب درست کردار وعده کرد شما را

اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ

خدا غنیمتهای بسیار که بر گیرید آنرا پس تعجیل داد مر شما را این و باز داشت دستهای مردمان را

عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۲۰ وَأُخْرَىٰ

از شما و تا باشد نشانه مر گروندگان را و هدایت کند شما را براه راست و دیگران

اولی
بضمه همزه بلدی
واو بمعنی اصحاب
نشود

نصف

لن تقدروا

لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ٢٢ وَ
که قادر نشدند برآن بتحقیق احاطه نموده خدا بآن و باشد خدا بر همه چیز توانا و

لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٢٣
اگر کارزار کردی با شما آنانکه کافر شدند هر آینه گردانیدندی پشتها را پس نیابندی دوستی و نه یاوری

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ٢٤ وَهُوَ
دستوری خداست که بتحقیق گذشت از پیش و هرگز نیابی مر دستوری خدا را تبدیلی و او است

الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ
آنکه بازداشت دستهای ایشانرا از شما و دستهای شما را از ایشان در وادی مکه از پس آن که غلبه داد شما را

عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ٢٥ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ
بر ایشان و باشد خدا بآنچه میکنید بینا ایشانند آنانکه کافر شدند و بازداشتند شما را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ
از مسجد الحرام و قربانی را باز داشته شده که برسد بجایگاه خویش و اگر نبودی مردان مؤمنان

وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ
و زنان مؤمنه که نمیدانستید ایشانرا که پایمال میکردید ایشانرا پس میرسید شما را از ایشان عاری بی دانش

لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
تا داخل گرداند خدا در رحمت خود هر که را بخواهد اگر جدا شده بودندی هر آینه عذاب میکردیم آنانرا که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا ٢٦ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ
شکنجه دردناک هنگامیکه گردانیدند آنانرا که کافر شدند در دلهای ایشان تعصب تعصب جاهلیة

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى
پس فرو فرستاد خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان و لازم گردانید ایشانرا کلمه تقوی

وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٢٧ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ
و بودند سزاوارتر بآن و اهل آن و باشد خدا بهمه چیز دانا هر آینه بتحقیق راست نمود خدا

رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ
پیغمبرش را خواب بحق که هر آینه داخل خواهید شد مسجد الحرام را اگر خواسته باشد خدا ایمنان سر تراشندگان

رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
سرهای خود را و کوتاه کنندگان که نترسید پس دانسته بود آنچه را ندانستید پس گردانید از پیش از آن

فَتْحًا قَرِيبًا ٢٨ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
فیروزی نزدیک او است آنکه فرستاد پیغمبرش را برهنمایی و دین حق تا غالب سازد آنرا بر

الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٢٩ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ
دین همه اش و کافیست خدا گواه محمد رسول خداست و آنانکه با او هستند سختانند

عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ
بر کافران مهربانانند میان خودشان می بینی ایشانرا رکوع کنندگان سجود کنندگان که میجویند کرمی از خدا و

رِضْوَانًا

قوله تعالی شانه العزیز
هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله یعنی خدا آن کسی است که فرستاد رسول خود را بهدایت بسوی ولایت و دین حق که اسلام است تا آنکه غالب سازد او را بر جمیع دین بالتمام پس نسخ کرد آنچه حق است و اظهار فساد آنچه باطل است بمسلط ساختن مسلمین بر اهل هر دین زیرا که نبود اهل دینی مگر آنکه مقهور گردید باسلام بازده و باشد که مقهور شود و در مبعوث این که یداد و امامی است که ظاهر سازد او در حقیقت الی کل ادیان پس پر سازد ارض را از قسط و عدل چنانکه پر ساخته شده است از ظلم و جور و گوید که این آیات احمد یا هست که گفتیم او در آن بعد از تنزیل آیت یعنی هنوز تاویل آن نیامده است زیرا که تاویل آن موقوفست بظهور حضرت قائم علیه [illegible]

لتدخلن
بفتح لام اول و ضم لام دوم
استلام و در کافی از حضرت کاظم روایت است که فرمود یعنی حقتعالی آن کسیست که امر فرمود حضرت رسول خود را بولایت از برای وصی خود و ولایت حق است تا آنکه ظاهر سازد او را بر جمیع ادیان در نزد قیام حضرت قائم و حقتعالی [illegible] ولایت غیر سلام [illegible] اسلام است اگر چه اکراه داشته باشند کافران بولایت علی مرتضی علیه السلام

رضواناً سيماهم في وجوههم من أثر السجود ذلك مثلهم في التوراة ومثلهم

خوشنودی علامتشان در رویهاشان است از اثر سجده این است صفت ایشان در تورات و صفت ایشان

في الإنجيل كزرع أخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب

در انجیل چون کشته باشد که بیرون آورد سبزه خود را پس قوی کرد آنرا پس سطبر شد پس ایستاد بر ساقهای خود شگفت آورد

الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات منهم

در آورندگان را تا بخشم آورد بایشان کافران را وعده داده است خدا آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته از ایشان

مغفرة و (٤٩) سورة الحجرات ثماني عشرة آية وهي مدنية أجراً عظيماً

آمرزش و مزدی بزرگ

نزلت بعد المجادلة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يا أيها الذين آمنوا لا تقدموا بين يدي الله ورسوله واتقوا الله إن الله

ای آنانکه ایمان آوردید پیشی مگیرید در میان دو دست خدا و پیغمبرش و بترسید از خدا بدرستیکه خدا

سميع عليم ٢ يا أيها الذين آمنوا لا ترفعوا أصواتكم فوق صوت النبي

شنونده داناست ای آنانکه ایمان آوردید بلند مسازید آوازهای تانرا بالای آواز پیغمبر

ولا تجهروا له بالقول كجهر بعضكم لبعض أن تحبط أعمالكم وأنتم

و بلند مکنید خطاب با او بگفتار مانند بلند گفتن بعضی از شما مر بعضی را مبادا ناچیز شود کردارهای شما و شما

لا تشعرون ٣ إن الذين يغضون أصواتهم عند رسول الله أولئك

ندانسته باشید بدرستیکه آنانکه پست میسازند آوازهای خود را نزد رسول خدا ایشان آنانند

الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة وأجر عظيم ٤ إن الذين

آنانند که آزمود خدا دلهای شانرا برای تقوی مر ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ بدرستیکه آنانکه

ينادونك من وراء الحجرات أكثرهم لا يعقلون ٥ ولو أنهم صبروا حتى

آواز میکنند ترا از پشت حجره‌ها بسیاری از ایشان درنمی‌یابند و اگر ایشان صبر کردندی تا

تخرج إليهم لكان خيراً لهم والله غفور رحيم ٦ يا أيها الذين آمنوا إن

بیرون آیی بایشان هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید اگر

جاءكم فاسق بنبإ فتبينوا أن تصيبوا قوماً بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم

آورد بشما فاسقی خبری پس تفحص کنید مبادا آسیب رسانید گروهی را بنادانی پس شوید بر آنچه کردید

نادمين ٧ واعلموا أن فيكم رسول الله لو يطيعكم في كثير من الأمر لعنتم

پشیمانان و بدانید که در میان شماست رسول خدا اگر اطاعت کند شما را در بسیاری از کار هر آینه برنج افتید

ولكن الله حبب إليكم الإيمان وزينه في قلوبكم وكره إليكم الكفر والفسوق

ولیکن خدا گردانید محبوب بسوی شما ایمانرا و آراسته داد آنرا در دلهای شما و ناخوش گردانید بسوی شما کفر را و فسق

والعصيان أولئك هم الراشدون ٨ فضلاً من الله ونعمة والله عليم حكيم

و نافرمانی را ایشانند راه صواب یافتگان بکرم است از خدا و نعمت و خدا داناست درست کردار

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا
و اگر دو گروه از مؤمنان کارزار کنند پس اصلاح کنید میان ایشان پس اگر ستم کند یکی از آنها
عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا
بر دیگری پس کارزار کنید با آنکه ستم کند تا رجوع نماید بسوی فرمان خدا پس اگر رجوع کرد پس اصلاح
بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ١٠ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
کنید میان آنها براستی و عدالت کنید بدرستیکه خدا دوست میدارد عدالت کنندگان را جز این نیست مؤمنان برادرانند
فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ١١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
پس اصلاح کنید میان برادرانتان و بپرهیزید خدا را شاید که شما رحم کرده شوید ای آنانکه گرویدید
يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ
نباید که استهزا کنند گروهی گروهی را شاید که باشند بهتر از ایشان و نه زنان از زنان شاید که
يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ
باشند بهتر از ایشان و عیب مکنید خودهاتان را و مخوانید بد بلقبها بدنامیست
الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ١٢ يَا أَيُّهَا
از ستمکاری بعد از ایمان و کسیکه توبه نکرد پس آنگروه ایشانند ستمکاران ای آن
الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا
کسانیکه گرویدید اجتناب کنید بسیاری از گمان بدرستیکه برخی از گمان گناه است و جویای عیب نباشید
يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ
و نباید غیبت کنند برخی از شما برخی را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مرده خود را پس ناخوش داشتید
اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ١٣ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ
و بپرهیزید خدا را بدرستیکه خدا توبه پذیر مهربانست ای گروه مردمان بدرستیکه ما آفریدیم شما را از مرد
وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
و زنی و گردانیدیم ما شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها تا بشناسید یکدیگر را بدرستیکه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ١٤ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِنْ قُولُوا
بدرستیکه خدا دانای آگاهست گفتند آن بادیه‌نشینان گرویدیم ما بگو ایمان نیاورده‌اید ولیکن بگوئید
أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا
اسلام آوردیم و هنوز داخل نشده ایمان در دلهای شما و اگر فرمانبردار شوید خدا و رسول او را
يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٥ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا
کم نگرداند شما را از کردارهاتان چیزی را بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست که مؤمنان کسانیکه گرویدند
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بخدا و رسولش پس شک نکردند و جهاد کردند با مالهاشان و نفسهاشان در راه خدا
أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ١٦ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي
این گروه ایشانند راستگویان بگو آیا آگاهی میدهید خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در

نقلها
وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا الخ الآیة در صافی از کافی و تهذیب و قمی روایت از حضرت صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام ماثور است که چون نازل شد این آیه فرمود حضرت رسول خدا بدرستیکه از جمله شما کسی است که مقاتله میکند بعد از من بر تاویل چنانکه مقاتله کردند بر تنزیل پس سوال شد که کیست او فرمود ...

بئس الاسم
بکسر لام الاسم و در اصل الاسم بود بهمزه الاسم قطع همزه نمودند بانطریق که حرکت همزه اسم را بلام دادند و همزه اول و دوم را بلفظ انداختند

کننده نعل در حجره یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در حجره وصله میکرد نعل حضرت رسول خدا پس گفتم ما با او در جنگ جمل مقاتله کردیم با این آیه با خبر ...

لا یلتکم
بفتح یا و کسر لام و سکون تا رسول خدا مو دفعه این دفعه و این چهارم است و اینه اگر بزنند ما را ... تا برسانند ما را ... از بصره ... الحق ... بر حق ... بر باطل ...

السموات وما في الارض والله بكل شيء عليم ١٧ يمنون عليك ان اسلموا
آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت مینهند بر تو که اسلام آوردند

قل لا تمنوا علي اسلامكم بل الله يمن عليكم ان هداكم للايمان ان كنتم
بگو منت منهید بر من از اسلام آوردن تان بلکه خدا منت میگذارد بر شما که هدایت کرد شما را برای ایمان اگر هستید

صادقين ١٨ ان الله يعلم غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون
راستگویان بدرستیکه خدا میداند پنهان آسمانها و زمین را و خدا بیناست بآنچه میکنید

سورة ق خمس واربعون اية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

ق والقرآن المجيد ٢ بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم فقال الكافرون
قسم بقرآن بزرگوار بلکه عجب داشتند که آمد ایشانرا بیم کننده از ایشان پس گفتند کافران

هذا شيء عجيب ٣ ءاذا متنا وكنا ترابا ذلك رجع بعيد ٤ قد علمنا ما
این چیزیست عجیب آیا چون بمیریم و بشویم خاک آنست باز گشتنی دور بتحقیق دانسته‌ایم آنچه را

تنقص الارض منهم وعندنا كتاب حفيظ ٥ بل كذبوا بالحق لما جاءهم
کم میکند زمین از ایشان و نزد ما است کتاب نگاه دارنده بلکه تکذیب کردند حق را چون آمد ایشانرا

فهم في امر مريج ٦ افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها
پس ایشانند در امری مضطرب آیا پس ننگریستند بسوی آسمان بر زبر ایشان چگونه بنا کردیم آنرا و آراستیم آنرا

وما لها من فروج ٧ والارض مددناها والقينا فيها رواسي وانبتنا
و نیست مر آنرا هیچ از شگافها و زمین را گسترانیدیم و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم

فيها من كل زوج بهيج ٨ تبصرة وذكرى لكل عبد منيب ٩ ونزلنا من
در آن از هر صنفی خوش آینده برای بینائی و پندی مر هر بنده باز گشت کننده و فرو فرستادیم از

السماء ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد ١٠ والنخل باسقات
آسمان آبی را با برکت پس برویانیدیم بآن بوستانها و دانه درو شونده و درختان خرما بلند

لها طلع نضيد ١١ رزقا للعباد واحيينا به بلدة ميتا كذلك الخروج ١٢
که مر آنراست شکوفه در هم رسته روزی برای بندگان و زنده کردیم بآن شهر مرده را همچنین است بیرون آمدن

كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس وثمود ١٣ وعاد وفرعون واخوان
تکذیب کرد پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و ثمود و عاد و فرعون و برادران

لوط واصحاب الايكة وقوم تبع كل كذب الرسل فحق وعيد ١٤ افعيينا
لوط و اصحاب ایکه و قوم تبع همه تکذیب کردند پیغمبرانرا پس لازم شد وعید آیا پس عاجز شدیم

بالخلق الاول بل هم في لبس من خلق جديد ١٥ ولقد خلقنا الانسان ونعلم
به آفرینش نخست بلکه ایشان در شک اند از آفرینش تازه و بتحقیق آفریدیم انسانرا و میدانیم

نزول نما
ق از جمله حروف مقطعه اسم اعظم است که خدا سوگند خورد به آن و آن علم اسلام والقرآن المجید قسم است یعنی قسم بقرآن مجید در معنی ق از حضرت ابن عباس رضی الله عنه ماثورست که ق اسم کوه قاف و آن جبلیست محیط بارض و خضرت آسمان از آنست و بآن نگاه میدارد حق سبحانه ارض را که حرکت دهد اهل خود را ولی ترکرد که ق قف جبلیست محیط بدنیا

ق ملیحواهد از عجائب حوج و ماجوج از عبد الله بن عباس مرویست که خدا از عجائب کوه قاف کوه بزرگی که هفت پاره دنیاست و بر آن ملائکه است و بر کمی علی دارد ... هر علی جبل و سنگ است ... اگر سو زنی در میان آن افتد بر زمین ... بر علی نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و چون شب جمعه آید همه فرشتگان پس بر آن کوه قاف شوند و همه شب [illegible] نمایند و گویند الهی امت حضرت محمد ... کن عذاب وقت ... برداری ... دوزخ ... صبح ... ایشان ...

تبع
بفتح تا و فتح باء مشدده

لبس
بفتح لام و سکون باء موحده

گرا مند ... اینست ... ایشان ... دستمال

مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ١٦ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ

آنچه را وسوسه کند باو نفسش و ما نزدیکتریم باو از رگ گردن چون فرا گیرند آنرا دو فرا گیرنده

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ١٧ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ

از راست و از چپ نشسته را نمیگوید بزبان هیچ سخنی را مگر نزد او است نگهبان

عَتِيدٌ ١٨ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ١٩ وَ

آماده و آمد بیهوشی مرگ بحق اینست آنچه بودی از آن در گریز بودی و

نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ٢٠ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ

دمیده شد در صور اینست روز وعید و آمد هر نفسی که با او است راننده و

شَهِيدٌ ٢١ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ

شاهدی هر آینه بتحقیق بودی در بیخبری ازین پس بر انداختیم از تو پرده‌ات را و پس چشم تو

الْيَوْمَ حَدِيدٌ ٢٢ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ

امروز تیز است و گفت رفیقش این است آنچه نزد من آماده است بیندازید در جهنم

كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ٢٤ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ٢٥ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

هر ناسپاس عناد کننده را که منع کننده است مر خیر را تعدی کننده شک آورنده آنکه گردانید با خدا خدائی را

آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ٢٦ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ

دیگر پس بیفکنید او را در شکنجهٔ سخت گوید رفیقش پروردگارا طاغی نکردم من او را و لیکن بود

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ٢٧ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ٢٨

در گمراهی دوری گفت نزاع مکنید نزد و بتحقیق پیش فرستادم بشما وعید را

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ٢٩ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ

تغییر داده نشود سخن نزد من و نیستم من ستمکار مر بندگان را روزیکه گوئیم مر دوزخ را آیا

امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ٣٠ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ٣١

پر شدی و گوید آیا هست هیچ زیادتی و نزدیک گردانیده شد بهشت مر پرهیزگاران را نه دور

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ٣٢ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ

اینست آنچه وعده داده میشدید برای هر بازگردندهٔ نگهبان آنکه ترسید از خدای بخشنده بنهانی

جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ٣٣ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ٣٤ لَهُمْ

آمد با دلی بازگشت نماینده داخل شوید آنرا بسلامت اینست روز جاویدانی مر ایشان را

مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ٣٥ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

آنچه بخواهند در آن و نزد ماست زیادتی و بسیار هلاک کردیم پیش از این قرنیکه ایشان

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ٣٦ إِنَّ فِي ذَلِكَ

سخت تر بودند از ایشان در قوت پس راه انداختند در بلدها آیا بود هیچ گریزگاهی بدرستیکه در اینست

لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ٣٧ وَلَقَدْ

هر آینه پندی برای آنکه باشد مر او را دلی یا انداخت گوش را و او باشد شاهد و هر آینه بتحقیق

خلقنا

قوله سبحانه وجاءت كل نفس معها سائق وشهيد يعني و میآید هر نفسی که با او راننده و شاهد است در منهج از نهج البلاغه مرویست که سائق میراند نفس را بسوی محشر او و شاهد شهادت میدهد بر نفس بعمل او و در کنز الفوائد از جابر بن یزید جعفی از حضرت ابو عبد الله علیه السلام روایت مرویست که فرمود سائق حضرت امیر المؤمنین است و شهید حضرت رسول خداست و ما ندیکه از آدمیان و تعالی القیا فی جهنم کل کفار عنید زیرا که خطاب القیا تثنیه است به شهید و فی معکوس القیا مخاطبه بحضرت

فالقیاه بفتح همزه وکسر قاف همزه قطع است نبی و علی علیهما السلام است قول حضرت صادق علیه السلام که فرمود علی علیه السلام قسیم جنت و نار است و در معانی از

امتلأت بکسر تاء و دعر حضرت سجاد از پدر بزرگوارش از جدش از حضرت امیر المؤمنین است که رسول خدا فرمود وعده عزوجل میفرماید من

ما یشاؤن بضمه همزه و سکون واو

فنقبوا بفتح نون و قاف مشدده و ضمه باء بی تشدید

محیص بصاد بی نقطه مدارس و حید بنایم یا می از زمین عرش پس میفرماید که جزیره

خلقنا السموات والارض وما بينهما في ستة ايام وما مسنا من لغوب ۳۸
آفریدیم آسمانها و زمین وآنچه میان آنهاست در شش روز و مس نکرد ما را هیچ تعبی

فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب ۳۹
پس شکیبا شو بر آنچه میگویند وتسبیح کن بستایش پروردگارت پیش از بر آمدن آفتاب وپیش از فرو رفتن

ومن الليل فسبحه وادبار السجود ۴۰ واستمع يوم يناد المناد من مكان
و از شب پس تسبیح کن او را و عقبهای سجده وبشنو روزیکه ندا کند ندا کننده از جایی

قريب ۴۱ يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج ۴۲ انا نحن نحيي ونميت
نزدیک روزیکه میشنوند آواز را براستی اینست روز بیرون آمدن بدرستیکه ما زنده میکنیم و میمیرانیم

والينا المصير ۴۳ يوم تشقق الارض عنهم سراعا ذلك حشر علينا يسير ۴۴
و بسوی ماست بازگشت روزیکه بشکافد زمین از ایشان شتابندگان اینست حشر بر ما آسان

نحن اعلم بما يقولون وما انت عليهم بجبار ۴۵ فذكر بالقران من يخاف وعيد
ما دانا تریم بآنچه میگویند و نیستی تو بر ایشان مسلط پس پند گوی بالقرآن کسیکه میترسد از وعید من

سورة الذاريات ستون آية وهي مكية (۵۱)

نزلت بعد الاحقاف

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

والذاريات ذروا ۱ فالحاملات وقرا ۲ فالجاريات يسرا ۳ فالمقسمات
بپراکنندگان پراکنده کردنی پس بر دارندگان بار را پس روندگان باسانی پس قسمت کنندگان

امرا ۴ انما توعدون لصادق ۵ وان الدين لواقع ۶ والسماء ذات الحبك ۷
امر را بدرستیکه آنچه وعده داده میشوید هر آینه راستست و بدرستیکه جزا بوقوع آینده است و آسمان صاحب راههای

انكم لفي قول مختلف ۸ يؤفك عنه من افك ۹ قتل الخراصون ۱۰ الذين
بدرستیکه شما هر آینه در قول مختلفید برگردانیده میشود از آن کسیکه برگردانیده شد کشته شدند دروغگویان آنانکه

هم في غمرة ساهون ۱۱ يسئلون ايان يوم الدين ۱۲ يوم هم على النار
ایشانند در فرو رفتگی جهل غافلان میپرسند که کی باشد روز جزا روزیکه ایشان بر آتش

يفتنون ۱۳ ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون ۱۴ ان المتقين
عذاب کرده شوند بچشید عذاب تان را اینست آنکه بودید بآن که شتاب میخواستید بدرستیکه پرهیزگاران

في جنات وعيون ۱۵ اخذين ما اتيهم ربهم انهم كانوا قبل ذلك
در بهشتها و چشمه سارهایند فرا گیرندگانند آنچه داد ایشان را پروردگارشان بدرستیکه آنها بودند پیش از این

محسنين ۱۶ كانوا قليلا من الليل ما يهجعون ۱۷ وبالاسحار هم يستغفرون ۱۸
نیکوکاران بودند که اندکی از شب خواب میکردند و در سحرها ایشان طلب آمرزش میکردند

وفي اموالهم حق للسائل والمحروم ۱۹ وفي الارض ايات للموقنين ۲۰ وفي
و در مالهای ایشان بهره بود برای سؤال کننده و محروم و در زمین نشانهاست برای یقین کنندگان و در

وادبار بفتح همزه بسوی جمع دبر ... الحبك بضم حاء و با ...

انفسكم افلا تبصرون ٢٢ وفي السماء رزقكم وما توعدون ٢٣ فورب

در خودهاتان آیا پس نمی‌بینید و در آسمان است روزی شما و آنچه وعده داده میشوید پس بپروردگار

السماء والارض انه لحق مثل ما انكم تنطقون ٢٤ هل اتيك حديث

آسمان و زمین بدرستیکه آن هر آینه راست است مثل آنچه شما سخن میگوئید آیا و در رسید آمد ترا حکایت

ضيف ابرهيم المكرمين ٢٥ اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال

مهمانان ابراهیم گرامی داشته شدگان هنگامیکه داخل شدند برا و پس گفتند سلام را گفت

سلام قوم منكرون ٢٦ فراغ الى اهله فجاء بعجل سمين ٢٧ فقربه

سلام گروهی بودند ناشناختگان پس نهانی رفت بسوی کسانش پس آورد گوساله فربه پس نزدیک آورد

اليهم قال الا تاكلون ٢٨ فاوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه

بایشان گفت آیا نمیخورید پس در خود یافت از آنها ترسی گفتند مترس و مژده او را دادند

بغلام عليم ٢٩ فاقبلت امراته في صرة فصكت وجهها وقالت عجوز

بپسری دانا پس پیش آمد زنش در فریاد پس زد بر رویش و گفت پیرزالی

عقيم ٣٠ قالوا كذلك قال ربك انه هو الحكيم العليم ٣١ قال فما

نازاینده ام گفتند همچنین گفت پروردگارت بدرستیکه او درست کار داناست گفت پس چیست

خطبكم ايها المرسلون ٣٢ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ٣٣ لنرسل

کار شما ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی گناهکاران تا فرو فرستیم

عليهم حجارة من طين ٣٤ مسومة عند ربك للمسرفين ٣٥ فاخرجنا

برایشان سنگ ریزه از گل نشان کرده شده نزد پروردگارت برای اسراف کاران پس بیرون آوردیم

من كان فيها من المؤمنين ٣٦ فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين ٣٧

کسیکه بود در آنجا از مؤمنان پس نیافتیم در آن غیر از خانه از مسلمانان

وتركنا فيها اية للذين يخافون العذاب الاليم ٣٨ وفي موسى اذ ارسلنا

و واگذاشتیم در آن نشانه مر آنانرا که میترسند از عذاب دردناک و در موسی هنگامیکه فرستادیم

الى فرعون بسلطان مبين ٣٩ فتولى بركنه وقال ساحر او مجنون ٤٠

بسوی فرعون با حجت آشکار پس گردید بیک سویش و گفت ساحر است یا دیوانه

فاخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم وهو مليم ٤١ وفي عاد اذ ارسلنا

پس گرفتیم او و لشکرش را پس فرو بردیم آنها را در دریا و او بود ملامت آورنده و در عاد هنگامیکه فرستادیم

عليهم الريح العقيم ٤٢ ما تذر من شيء اتت عليه الا جعلته كالرميم ٤٣

برایشان بادی بی سود را که نمیگذاشت هیچ چیزرا که میگذشت بر آن بجز میگردانید مانند استخوان پوسیده

وفي ثمود اذ قيل لهم تمتعوا حتى حين ٤٤ فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم

و در ثمود هنگامیکه گفته شد مر آنها را برخوردار شوید تا وقتی پس سرکشی نمودند از امر پروردگارشان پس گرفت ایشانرا

الصاعقة وهم ينظرون ٤٥ فما استطاعوا من قيام وما كانوا منتصرين

صاعقه و ایشان مینگریستند پس نتوانستند هیچ بر خاستن و نبودند انتقام کشندگان

قوله تعالی
وَرَبِّ السماءِ والارضِ انه لحق الی آخر الآیه یعنی قسم بپروردگار آسمان و زمین آنکه ظهور حضرت قائم علیه السلام حق و صدق است مثل آنکه نطق میکنید یعنی چنانکه شکی در سخن گفتن شما نیست اگر شک بکند در تحقیق حضرت قائم آل محمد علیهم السلام و ظهور او السبب

وَبَشَّرُوهُ
بفتح با و شین مشدّد

كَذَٰلِكَ وَرَبِّكَ
بکسر کاف و در هر دو موضع

انتقام کشیدن از اعدای حضرت آل محمد علیهم السلام در کنز الفواید از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام روایت است در آیه و رب السماء والارض انه لحق یعنی قیام حضرت قائم علیه السلام هر آینه حق است و در شان آنحضرت این آیه نازل است و این وعده الهیست جمعنا فی قوله وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا والسلام

وقوم

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۴۶ وَالسَّمَآءَ بَنَيْنَاهَا بِاَيْدٍ
و قوم نوح را از پیش بدرستیکه ایشان بودند گروهی فاسقان و آسمان را بنا کردیم آنرا بقوت
وَاِنَّا لَمُوسِعُونَ ۴۷ وَالْاَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۴۸ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ
و بدرستیکه ما توانائیم و زمین را گستردیم آنرا پس خوب گسترانندگانیم و از هر چیزی
خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۴۹ فَفِرُّوا اِلَى اللّٰهِ اِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ
آفریدیم دو صنف تا شاید شما پند گیرید پس بگریزید بسوی خدا بدرستیکه من شما را از وی بیم کننده آشکارم
وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ اِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۵۱ كَذٰلِكَ مَا اَتَى الَّذِينَ
و مگردانید با خدا خدای دیگر بدرستیکه من شما را از وی بیم کننده آشکارم همچنان نیامد آنها را که بودند
مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُونٌ ۵۲ اَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۵۳
پیش از ایشان هیچ رسولی مگر آنکه گفتند جادوگر است یا دیوانه آیا یکدیگر را وصیت کردند بدان بلکه ایشان گروهی سرکشانند
فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا اَنْتَ بِمَلُومٍ ۵۴ وَذَكِّرْ فَاِنَّ الذِّكْرٰى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۵۵ وَمَا خَلَقْتُ
پس اعراض کن از ایشان پس نیستی تو ملامت کرده شده و پند ده پس بدرستیکه پند سود میدهد مؤمنان را و نیافریدم
الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۵۶ مَا اُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا اُرِيدُ اَنْ يُطْعِمُونِ
جن و انس را مگر تا پرستش کنند مرا و نمیخواهم از ایشان هیچ روزیی و نمیخواهم که طعام کنند مرا
اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۵۸ فَاِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ
بدرستیکه خدا اوست روزی دهنده صاحب قوت قوی پس بدرستیکه مر آنانرا که ستم کردند نصیبیست مانند نصیب
اَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ۵۹ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۶۰
یاران ایشان پس شتاب مکنند پس وای مر آنانرا که کافر شدند از روز ایشان که وعده کرده شده‌اند

سورة الطور مكية وهي تسع واربعون آية

نزلت بعد السجدة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ۱ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ۲ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ۳ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۴ وَالسَّقْفِ
بطور و کتاب نوشته شده در ورقی گشاده شده و خانه معمور و سقف
الْمَرْفُوعِ ۵ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۶ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۷ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ۸ يَوْمَ
برافراشته و دریای پر بدرستیکه عذاب پروردگار تو هر آینه واقع شدنیست نیست مر آنرا هیچ دفع کننده روزی
تَمُورُ السَّمَآءُ مَوْرًا ۹ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۱۰ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۱۱
که بجنبد آسمان جنبیدنی و روان شود کوهها روان شدنی پس وای آن روز مر تکذیب کنندگان را
الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۱۲ يَوْمَ يُدَعُّونَ اِلٰى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ۱۳ هٰذِهِ
آنانکه ایشان در سخن باطل بازی میکنند روزیکه بزجر انداخته شوند بآتش دوزخ انداخته شدنی اینست
النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۱۴ اَفَسِحْرٌ هٰذَا اَمْ اَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۱۵ اِصْلَوْهَا
آن آتش که بودید آنرا دروغ میشمردید آیا جادوست این یا شما نمی‌بینید درآیید درآن

قوله تعالی فتول عنهم فما انت بملوم و ذکر فان الذکری ... از حضرت ... بدرستیکه مردم چون ... اعراض کردند حضرت ... پس ترسیدند ... ان یطعمون بکسر نون

ذنوبا بفتح ذال ذنوب بفتح ذال در دو موضع بمعنی نصیب

یستعجلون بکسر نون ... والسلام

فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٧ إِنَّ

پس صبر کنید یا صبر نکنید یکسانست بر شما جز این نیست که جزا داده میشوید آنچه بودید میکردید بدرستیکه

الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ١٨ فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ

پرهیزگاران اند در بهشتها و نعمتها شادکنندگان بآنچه داد ایشانرا پروردگار ایشان و نگاه داشت ایشانرا پروردگار ایشان

الْجَحِيمِ ١٩ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٢٠ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ

از عذاب جحیم بخورید و بیاشامید گوارا بآنچه بودید که میکردید تکیه کنندگان بر سریرها برابر یکدیگر نهاده

وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ٢١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا

و جفت گردانیم ایشانرا با زنان فراخ چشم و کسانیکه گرویدند و پیروی کرد ایشانرا اولاد ایشان بایمان لاحق سازیم

بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ٢٢

بایشان فرزندان ایشانرا و کم نکردانیم ایشانرا از کردار ایشان هیچ چیزی هر مردی بآنچه کرده در گروست

وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ٢٣ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا

و مدد و عطا فرمائیم ایشانرا میوه و گوشت از آنچه خواهش دارند میگیرند از یکدیگر در آن جامی

لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ٢٤ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ٢٥

که نه بیهوده است در آن و نه گناه و گرد میگردند بر ایشان پسران ساده که گوئیا ایشان مروارید اند در صدف پنهان

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٢٦ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ٢٧

و روی آورند برخی از ایشان بر برخی میپرسند از یکدیگر گفتند بدرستیکه ما بودیم پیشتر از این در کسان خود ترسندگان

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ٢٨ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ

پس منت نهاد خدا بر ما و نگاهداشت ما را از عذاب آتش نفوذ کننده بدرستیکه ما بودیم از پیش میخواندیم او را بدرستیکه او

الْبَرُّ الرَّحِيمُ ٢٩ فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ٣٠ أَمْ يَقُولُونَ

نیکوئی کننده مهربانست پس پند ده پس نیستی تو بسبب نعمت پروردگارت غیب گوی بی وحی و نه دیوانه یا میگویند

شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ٣١ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ٣٢

شاعریست که چشم داریم با او حوادث روزگار را بگو چشم دارید پس بدرستیکه من با شما از منتظرانم

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ٣٣ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ

یا امر میکند ایشانرا خردهای ایشان باین یا ایشان گروهی اند طاغیان یا میگویند بر بافته آنرا

بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ٣٤ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ٣٥ أَمْ

بلکه نمیگروند پس بیاورند حدیثی مانند آن اگر بودند راستگویان یا

خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ٣٦ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

آفریده شده اند از غیر چیزی یا ایشانند خلق کنندگان یا آفریده اند آسمانها و زمین

بَلْ لَا يُوقِنُونَ ٣٧ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ٣٨ أَمْ

بلکه یقین ندارند یا نزد ایشانست خزانهای پروردگارت یا ایشانند تسلط دارندگان

لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ٣٩ أَمْ لَهُ

مر ایشانراست نردبانی که گوش میکنند در آن پس باید آورد شنونده ایشان حجتی آشکار یا مر او را

البنات

قوله تعالی

وزوجناهم بحور عین ... در تفسیر ... علیه السلام ...

الّتناهم
بفتح همزه و لام
و سکون تا

قوله سبحانه

ویطوف علیهم غلمان لهم کأنهم لؤلؤ مکنون ...

ٱلْبَنَاتُ وَلَكُمُ ٱلْبَنُونَ ۳۹ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ۴۰ أَمْ عِندَهُمُ

دختران و مر شما راست پسران · یا میخواهی از ایشان مزد پس ایشان از التزام تاوان گرانبار شدگان یا نزد ایشانست

ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۴۱ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ ۴۲

علم غیب پس ایشان مینویسند · یا میخواهند مکر پس آنانکه کافر شدند ایشان اند مکر کرده شدگان

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۴۳ وَإِن يَرَوْا۟ كِسْفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ

یا مر ایشان راست خدائی بجز خدا منزه است خدا از آنچه شرک می آورند · و اگر ببینند پارهٔ از آسمان

سَاقِطًا يَقُولُوا۟ سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ۴۴ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى فِيهِ

فرود آینده میگویند ابریست برهم نشسته · پس واگذار ایشان را تا ملاقات کنند روز شان را که در آن

يُصْعَقُونَ ۴۵ يَوْمَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۴۶ وَإِنَّ لِلَّذِينَ

هلاک کرده شوند بصاعقه · روزیکه کفایت نکند از ایشان مکر شان چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند · و بدرستیکه مر آنان را

ظَلَمُوا۟ عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۴۷ وَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ

ستم کردند عذابیست غیر این · و لیکن بیشتر شان نمیدانند · و صبر کن مر حکم پروردگار ترا پس بدرستیکه تو

بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۴۸ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ۴۹

بنگاهداشت ماست · و تسبیح کن بستایش پروردگار خود هنگامیکه برمیخیزی · و از شب پس تسبیح کن او را و در پشت کردن ستارگان

سُورَةُ ٱلنَّجْمِ ثِنْتَانِ وَسِتُّونَ آيَةً وَهِىَ مَكِّيَّةٌ (۵۳)

و آن ۶۲ آیه ... است بعد الاخلاص

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَٱلنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۱ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۲ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰ ۳

بستاره چون فرو افتد · که گمراه نشد صاحب شما · و براه باطل نرفت · و سخن نگوید از خواهش

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَىٰ ۴ عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ ۵ ذُو مِرَّةٍ فَٱسْتَوَىٰ ۶ وَ

نیست آن سخن مگر وحیی که وحی کرده میشود · آموخت او را سخت قوتها · صاحب توانائی پس راست ایستاد

هُوَ بِٱلْأُفُقِ ٱلْأَعْلَىٰ ۷ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۸ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۹

و او بود بر افق اعلی · پس نزدیک آمد پس نزدیک شد · پس بود قدر دو کمان یا نزدیکتر

فَأَوْحَىٰٓ إِلَىٰ عَبْدِهِۦ مَآ أَوْحَىٰ ۱۰ مَا كَذَبَ ٱلْفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ۱۱ أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ

پس وحی کرد بسوی بندهٔ خود آنچه وحی کرد · کذب نکرد دل آنچه را دید · آیا پس مجادله میکنید او را بر

مَا يَرَىٰ ۱۲ وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۱۳ عِندَ سِدْرَةِ ٱلْمُنتَهَىٰ ۱۴ عِندَهَا

آنچه میبیند · و هر آینه بتحقیق دید اورا بار دیگر · نزد سدرة المنتهی · که نزد آنست

جَنَّةُ ٱلْمَأْوَىٰٓ ۱۵ إِذْ يَغْشَى ٱلسِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۱۶ مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۱۷

بهشت آرامگاه · هنگامیکه پوشید سدره را آنچه پوشید · نگردید چشم بجائی و تجاوز نکرد از حد

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلْكُبْرَىٰٓ ۱۸ أَفَرَءَيْتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلْعُزَّىٰ ۱۹ وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ

هر آینه دید از آیات پروردگار خویش که بود بزرگ · آیا پس خبر دهید از لات و عزی · و منات سوم

قوله سبحانه

والنجم اذا هوی ... ما ضل صاحبکم وما غوی ... از مجالس از ابن عباس مرویست که گفت نماز گزاردم عشاء آخره را یکشبی با حضرت رسول خدا پس چون سلام داد ... فرمود ... ستاره ... ساقط شود ... از آسمان ... ستاره ... او وصی و خلیفه من ... بعد از من است پس چون صبح نزدیک شد ... اصحاب

وادبار

بکسر همزه ... ستاره ... کوکب ... بود ... ابن عباس ... عبد المطلب ... ذو مرة بکسر میم

از حضرت رسول ... مسلم ... روایت ... از ... حضرت ... امام جعفر صادق ... گردد

الْأُخْرَىٰ ٢١ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ٢٢ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ٢٣ إِنْ هِيَ

دیگر — آیا مر شمارا است مذکر و مر او راست مؤنث — اینست آنگون بخش کردنست مخالف عدالت — نیست آن

إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ إِن

جز نامهائی که نام نهادید شما — و پدرانتان فرو نفرستاده خدا بآن هیچ حجتی — متابعت نمیکنند

يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَىٰ ٢٤

پیروی جز گمان را — و آنچه را خواهش دارد نفسها — و هر آینه بحقیقت آمد ایشان را از پروردگارشان هدایت

أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ٢٥ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ٢٦ وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ

یا مر انسان راست آنچه آرزو کند — پس برای خداست آنجهان و اینجهان — و بسیاری از فرشته در آسمانها

لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا ٢٧ إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ٢٨

که کفایت نمیکند شفاعتشان چیزی را — بجز از بعد — اینکه رخصت دهد خدا مر کسی را که میخواهد و خوشنود

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ ٢٩

بدرستی آنانکه نمیگروند — بآخرت — هر آینه مینامند ملائکه را — نام نهادنی مؤنث

وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ۖ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ

و نیست مر ایشان را بآن هیچ دانشی — پیروی نمیکنند مگر گمان را — و بدرستیکه گمان کفایت نمیکند از حق

شَيْئًا ٣٠ فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ٣١

چیزیرا — پس رو بگردان از کسیکه رو گردانید از یاد ما و نخواست — جز زندگانی دنیا

ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ

اینست منتهای رسیدنشان از دانش — بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بآنکه گمراه شد از راهش — و او داناتر است

بِمَنِ اهْتَدَىٰ ٣٢ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

بآنکه هدایت یافت — و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست تا جزا دهد آنانرا که

أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ٣٣ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ

بد کردند بآنچه کردند — و جزا دهد آنانرا که نیکو کردند بخوبی — آنانکه اجتناب نمودند

كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ

از کبیره‌های گناه و زشت کاریها مگر صغیره‌ها — بدرستیکه پروردگار تو فراخ آمرزش است — او داناتر است بشما

إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۖ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ ۖ

آنگاه پدید آورد شما را از زمین — و هنگامیکه بودید شما جنینها در شکمهای مادرانتان — پس پاک مسازید نفسهاتانرا

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ٣٤ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ ٣٥ وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ

او داناتر است بآنکه پرهیزگار شد — آیا پس دیدی آنکه رو گردان شد — و داد اندکی و امساک نمود

أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ ٣٧ أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ٣٨ وَ

آیا نزد اوست علم غیب پس او می‌بیند — آیا خبر داده نشد بآنچه در صحیفه‌های موسی

إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ٣٩ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ٤٠ وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ

ابراهیم آنکه تمام ادا کرد — که بر ندارد بردارنده‌ای بار گناه دیگری را — و اینکه نیست مر انسان را

در صفحهٔ مقابل قوله سبحانه اذ یغشی السدره ما یغشی — یعنی گوید چون می‌پوشید سدره را و احاطه میکرد حجاب جلال حق تعالی و میانه رسول خدا علیه السلام فرود

وَآبَاؤُكُمْ بضم همزه بدون اشباع

گرفت نور خداوندی سدره المنتهی را و زینت میداد

نصف

بصر رسول خدا آنچه لطیف‌تر و تجاوز نکرد از آن بلکه ثابت بداشت حقیقتی بصر آنحضرت را ثبوت صحیح — هر آینه بحقیقت دید از آیات پروردگار خود حضرت رسالت کبری را یعنی دید بزرگترین آیتهارا — و گفته‌اند از کتاب تفسیر آنحضرت امیرالمؤمنین مرویست که در این آیه شریفه مراد دیدن حضرت جبرئیل است در صورت خود دو مرتبه

أَسَاءُوا بضم همزه ثانیه با اشباع

انتهی یعنی دو مرتبه دیگر دید آنحضرت که خلقت جبرئیل عظیم است

أَجِنَّةٌ بفتح همزه و کسر جیم و فتح نون مشدده

پس او از دو حالتین الجنانی است که اول نمیشود صفت او و صفت ایشان مگر از برای حدوث پروردگار عالم — و بعضی گفته‌اند که در آنجا جبرئیل با صورت خود دید حضرت دو مرتبه که مرتبه در آسمان و یکمرتبه در زمین والسلام

١٢

الّا ما سعی ۴۱ وأنّ سعیه سوف یری ۴۲ ثمّ یجزیه الجزآء الأوفی ۴۳

بجز آنچه سعی کرد و آنکه سعیش بزودی دیده خواهد شد پس جزا داده شود او جزای تمامتر

وأنّ إلی ربّک المنتهی ۴۴ وأنّه هو أضحک وأبکی ۴۵ وأنّه هو أمات

و اینکه بسوی پروردگار تست منتهای کارها و اینکه او خندانید و گریانید و اینکه او بمیرانید

وأحیی ۴۶ وأنّه خلق الزّوجین الذّکر والأنثی ۴۷ من نطفة إذا تمنی ۴۸

و زنده کرد و اینکه او آفرید دو صنف مذکر و مؤنث را از نطفه چون ریخته شد

وأنّ علیه النّشأة الأخری ۴۹ وأنّه هو أغنی وأقنی ۵۰ وأنّه هو

و اینکه بر اوست نشأه دیگر بار و اینکه او غنی گردانید و سرمایه داد و اینکه او

ربّ الشّعری ۵۱ وأنّه أهلک عادا الأولی ۵۲ وثمود فما أبقی ۵۳ وقوم

پروردگار شعری است و اینکه او هلاک کرد عاد نخستین را و ثمود را پس باقی نگذاشت و قوم

نوح من قبل إنّهم کانوا هم أظلم وأطغی ۵۴ والمؤتفکة أهوی ۵۵ فغشّیها

نوح از پیش که ایشان بودند ستمکارتر و طاغی تر و آن زیر و زبر شده را فرو افکند پس پوشانید

ما غشّی ۵۶ فبأیّ آلاء ربّک تتماری ۵۷ هذا نذیر من النّذر الأولی ۵۸

آنچه پوشانید پس بکدام یک نعمتهای پروردگارت شک آوری این بیم دهنده است از جنس بیم دهندگان اول

أزفت الآزفة لیس لها من دون الله کاشفة ۵۹ أفمن هذا الحدیث تعجبون ۶۰

نزدیک شد نزدیک شونده نیست مر آن را از غیر خدا دفع کننده آیا پس از این سخن تعجب میکنید

وتضحکون ولا تبکون ۶۱ وأنتم سامدون ۶۲ فاسجدوا لله واعبدوا

و میخندید و نمیگریید و شما اید غافلان پس سجده کنید مر خدا را و بپرستید

سورة القمر خمس وخمسون آیة وهی مکیّة (۵۴)

الّا الآیات ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ فمدنیة نزلت بعد الطارق

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقتربت السّاعة وانشقّ القمر ۲ وإن یروا آیة یعرضوا ویقولوا سحر

نزدیک شد قیامت و بشکافت قمر و اگر ببینند آیتی روگردانند و گویند جادویی است

مستمرّ ۳ وکذّبوا واتّبعوا أهوآءهم وکلّ أمر مستقرّ ۴ ولقد جآءهم

همیشگی و تکذیب کردند و پیروی کردند خواهشهاشان را و هر امری قرارگیرنده است و هر آینه بتحقیق آمد ایشان را

من الأنبآء ما فیه مزدجر ۵ حکمة بالغة فما تغن النّذر ۶ فتولّ

از خبرها آنچه در آنست منزجر شدن حکمتی است کامل پس سود ندهد بیم دادن پس روی بگردان

عنهم یوم یدع الدّاع إلی شیء نکر ۷ خشّعا أبصارهم یخرجون من الأجداث

از ایشان روزی که بخواند خواننده بسوی چیزی ناخوش فرو رفته چشمهاشان بیرون آیند از قبرها

کأنّهم جراد منتشر ۸ مهطعین إلی الدّاع یقول الکافرون هذا یوم

گویا ایشان ملخ پراکنده شتابندگان بسوی خواننده گویند کافران که این روزیست

سنجر بن تبارک و تعالی / جل الله

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بجهت دفع ترس از دشمن هفت بار این سوره را بخواند و هم از آنحضرت منقول است که هر کس این سوره را بنویسد و در رو بجمعه از در وقت نماز جمعه ... در زیر بیاله خود بنهد نهان است نزد مردم و مکرم باشد و کارهای صعب بروی آسان گردد

الأولی بضم همزه با اشباع

الأولی بفتح همزه و سکون واو با اشباع

أزفت بفتح همزه و کسر زا و فتح فا و کسر تا

سجده واجب

جل جلاله

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر کس این سوره را بخواند وقت بیرون آمدن از قبر او را بر اهرام بهشتی سوار کنند و بهشت رسانند

الأنبآء بتقدیم نون بر با

عسر ٩ كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ١٠
دشوار تکذیب کردند پیش از آنها قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را و گفتند دیوانه است و زجر کرده شد
فدعا ربه أني مغلوب فانتصر ١١ ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر ١٢
پس خواند پروردگارش را بدرستیکه من مغلوبم پس انتقام بکش پس گشودیم درهای آسمانرا بآبی سخت ریزان
وفجرنا الأرض عيونا فالتقى الماء على أمر قد قدر ١٣ وحملناه على
و روان کردیم از زمین چشمه‌ها پس بهم پیوست آب برکاری که بتحقیق قرار داده شد و برداشتیم او را بر
ذات ألواح ودسر ١٤ تجري بأعيننا جزاء لمن كان كفر ١٥ ولقد
صاحب تختها و میخها میرفت بحفظهای ما پاداش برای کسیکه بود که انکار کرده شد و هر آینه بتحقیق
تركناها آية فهل من مدكر ١٦ فكيف كان عذابي ونذر ١٧ ولقد يسرنا
گذاشتیم آنرا آیتی پس آیا هست هیچ پندگیرنده پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم و بتحقیق آسان کردیم
القرآن للذكر فهل من مدكر ١٨ كذبت عاد فكيف كان عذابي ونذر ١٩
قرآنرا برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب کردند عاد پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم
إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا في يوم نحس مستمر ٢٠ تنزع الناس
بدرستیکه ما فرستادیم بر آنها بادی پر صرصر در روز نحس شوم استمرار دارنده بود میبرد مردم را
كأنهم أعجاز نخل منقعر ٢١ فكيف كان عذابي ونذر ٢٢ ولقد يسرنا
گویا ایشان بودند تنه‌های نخل از بیخ برکنده پس چگونه بود عذابم و بیم دادنم و بتحقیق آسان کردیم
القرآن للذكر فهل من مدكر ٢٣ كذبت ثمود بالنذر ٢٤ فقالوا أبشرا
قرآن را برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب نمودند ثمود بیم کنندگان را پس گفتند آیا انسانی
منا واحدا نتبعه إنا إذا لفي ضلال وسعر ٢٥ أألقي الذكر عليه من
که یکی از ماست پیروی‌اش بکنیم بدرستیکه ما اکنون هر آینه در گمراهی و دیوانگی باشیم آیا القا نموده شد ذکر بر او از
بيننا بل هو كذاب أشر ٢٦ سيعلمون غدا من الكذاب الأشر ٢٧ إنا
میان ما بلکه او هست دروغگوی خودپسند زود است خواهند دانست فردا که کیست دروغگو و بسیار خودپسند بدرستیکه
مرسلوا الناقة فتنة لهم فارتقبهم واصطبر ٢٨ ونبئهم أن الماء قسمة
فرستندگان ناقه‌ایم امتحانی مر ایشان را پس چشم دار ایشان را و صبر کن و خبر ده ایشان را که آب قسمت است
بينهم كل شرب محتضر ٢٩ فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ٣٠ فكيف كان
میان ایشان هر حصه آبی حاضر کرده شده پس خواندند یار ایشان را پس متحمل شد چیزی را پس پی کرد پس چگونه بود
عذابي ونذر ٣١ إنا أرسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر ٣٢
عذابم و بیم کردنم بدرستیکه ما فرستادیم بر آنها فریاد واحدی پس بودند چون درهم شکسته حظیره‌ساز
ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ٣٣ كذبت قوم لوط بالنذر ٣٤
و هر آینه آسان کردیم قرآنرا برای پند پس آیا هست هیچ پندگیرنده تکذیب کردند قوم لوط بیم کنندگان را
إنا أرسلنا عليهم حاصبا إلا آل لوط نجيناهم بسحر ٣٥ نعمة من عندنا
بدرستیکه ما فرستادیم برایشان تندبادی سنگریزه باشنده بجز آل لوط که نجاتشان دادیم در سحر نعمتی از نزد ما

در صفحهٔ مقابل قوله تعالی ... اقتربت الساعة وانشق القمر ... از حضرت ابو عبدالله علیه السلام روایت کرده که فرمود اجتماع کرده‌اند چهارده نفر از اصحاب عقبه در شب چهاردهم از ذی الحجه الحرام و گفتند از برای حضرت رسول خدا هیچ پیغمبری نبود مگر آنکه از برای او آیتی بود پس چیست آیت و معجزه تو در این شب آنحضرت فرمود چه معجزه قصد دارید عرض کردند اگر بوده باشد از برای تو نزد پروردگار تو قدری پس امر فرما قمر را که منقطع شود بدو قطعه پس نازل شد جبرئیل و گفت یا محمد خدای تعالی ترا سلام میرساند و میفرماید بدرستیکه من امر کردم هر چیزی را باطاعت تو پس آنحضرت سر بلند کرد و امر فرمود قمر را که منقطع شود بدو قطعه پس دو قطعه شد و سجده کرد حضرت رسول خدا بجهت شکر پروردگار

مَن بفتح میم و کسر نون

و سجده کردند شیعیان بعد حضرت رسول سر خود را بلند کردند شیعیان سرهای خود را و بعد فرمود که ... پس گفتند اصحاب عقبه یعنی منافقین امر قمر ... گردد ... آنحضرت فرمود ... سجده کردند شیعیان ... رسول الله ... از شام ... سؤال میکنند ...

کذبت

كَذٰلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ٣٥ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ٣٦
همچنين جزا دهيم هر كرا شكر گزاري كرد و هر آينه بحقيقت ترسانيد ايشان از گرفت ما پس مجادله نمودند در بيم دادن

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٧ وَ
و بحقيق جوياي كام شدند از مهمانان پس محو كرديم چشمهاشانرا پس بچشيد عذاب مرا و بيم دادنم را و

لَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ٣٨ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٩ وَلَقَدْ
هر آينه بحقيقت بامداد داد ايشانرا اول صبح عذابي برقرار پس بچشيد عذابم را و بيم دادنم و بحقيقت

يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ٤٠ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ٤١
آسان كرديم قرآنرا براي پند پس آيا هيچ پند گيرنده هست و بحقيقت آمد آل فرعونرا بيم كننده

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ٤٢ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ
تكذيب كردند بآيات ما همه آنرا پس گرفتيم ما ايشانرا گرفتن غالب توانا آيا كافران شما بهترند

مِنْ أُولٰئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ٤٣ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ٤٤
از ايشان يا مر شما راست امان نامه در كتابها يا ميگويند ما همه انتقام كشنده

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ٤٥ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ
بزودي هزيمت شوند همه و بر گردانيده شوند پشت بلكه قيامت وعده گاه ايشانست و قيامت سخت است

وَأَمَرُّ ٤٦ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ٤٧ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ
و تلخ تر بدرستيكه گناهكاران در گمراهي و آتش سوزاننده روزيكه كشيده ميشوند در آتش بر

وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ٤٨ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ٤٩ وَمَا أَمْرُنَا
رويهاشان بچشيد مس كردن دوزخرا بدرستيكه هر چيزيرا آفريديم اورا باندازه و نيست امر ما

إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ٥٠ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ٥١
مگر واحده مانند تند نگاه انداختن بچشم و بحقيقت هلاك كرديم امثال شمارا پس آيا هست پند گيرنده

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ٥٢ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ٥٣ إِنَّ الْمُتَّقِينَ
هر چيزيكه بعمل آوردند ازاند كتابهاست و همه صغيره و كبيره نوشته شده بدرستيكه پرهيزگاران

فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ٥٤ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ٥٥
در بهشتها و انهارند در مجلس پسنديده نزد پادشاهي توانا

(٥٥) سورة الرحمٰن ثمان وسبعون آية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاينده مهربان

الرَّحْمٰنُ ١ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ٢ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ٣ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ٤ الشَّمْسُ وَ
خداي بخشنده تعليم داد قرآنرا آفريد انسانرا آموخت اورا سخن آفتاب و

الْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ٥ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ٦ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ
و ماه بحسابانند و ستاره و درخت سجده ميكنند و آسمانرا افراشت و قرار داد

وَلَعتب لي
ان المتقين في جنات ونهر
در كنز الفوايد از شيخ ابو جعفر طوسي روايت جابر بن عبد الله انصاري از حضرت رسول خدا مرويست كه فرمود يا علي كسيكه دوست بدارد ترا و تولا كند بتو ساكن ميسازد او را حقتعالي با ما در جنت بعد تلاوت فرمود ان المتقين في جنات ونهر و فرمود اين آيه روايت كرده محمد بن عباس از رجال خود از عاصم بن حسنه كه گفت بودم

مِنْ أُولٰئِكُمْ
بضم همزه بلكن اشباع

من و جابر بن عبد الله انصاري در خدمت حضرت رسول در مسجد و بعضي از اصحاب آنحضرت ذكر كردند جنت را آنحضرت فرمود بدرستيكه اول اهل جنت بجنت دخول ده آن حضرت علي بن ابيطالب است پس ابو دجانه انصاري عرض كرد يا رسول الله خبر دادي تو مارا ١٢

فضيلت سوره

فضائل سوره في ثواب الاعمال
از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام منقولست كه هر كس سوره الرحمن را در شب بخواند و نزد تلاوت هر آيه بگويد لا بشيء من آلائك رب اكذب اگر در آن شب بميرد شهيد مرده باشد و اگر صبح بخواند همچنين تا شب نگاهبان او باشند و نگهبان او كنند ١٢

قوله تعالی
فبای آلاء ربکما تکذبان
می‌گوید در ظاهر …

الْمِيزَانَ ٧ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ٨ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا
ترازو را که تعدی مکنید در میزان و بپای دارید سنجیدن را بعدل و کم مکنید
الْمِيزَانَ ٩ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ١٠ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ١١
میزان را و زمین قرار داد آنرا برای مردمان در آنست میوه و درخت صاحب غلافهای خوشه
وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ١٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٣
و دانه صاحب برگ و رستنی خوشبو پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ١٤ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ
آفرید آدمیرا از گل خشکیده مانند سفال پخته و آفرید جن را از شعله‌ای دودی از
نَارٍ ١٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ ١٧ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ١٨
آتش پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٩ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ٢٠ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ
پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید سر داد دو دریا را که بهم میرسند میان ایشان حاجبیست
لَا يَبْغِيَانِ ٢١ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٢ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ
که زیادتی بهم نکنند پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید بیرون آورده از آن دو مروارید و
الْمَرْجَانُ ٢٣ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٤ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ
مرجان پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید و مراو راست کشتیها برافراشته
فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٢٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٦ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا
در دریا مانند کوهها پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید هر که بر آنست
فَانٍ ٢٧ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ٢٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ
فنا پذیر است و باقی ماند ذات پروردگارت که صاحب بزرگی و کرم است پس بکدام یک از نعمتهای
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٩ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
پروردگارتان تکذیب میکنید میخواهند از وی هر که در آسمانها و زمین است هر روزی
هُوَ فِي شَأْنٍ ٣٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣١ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ
او در کاریست پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید زود باشد بپردازیم برای شما ای
الثَّقَلَانِ ٣٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٣ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
دو گرانمایه پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید ای گروه جن و انس
إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا
اگر توانید که بگذرید بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین پس بیرون روید نه
تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ٣٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٥ يُرْسَلُ
توانید بیرون روید مگر بحجتی پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید فرستاده شود
عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ٣٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بر شما شعله‌ها از آتش و دودی پس دفع نتوانید کرد پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان

قوله تعالی
کل من علیها فان

تُكَذِّبَانِ ٣٧ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ٣٨ فَبِأَيِّ
تکذیب میکنید پس چون چاک چاک شود آسمان پس باشد گلگون چون پوست سرخ پس بکدام یک
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٩ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ٤٠
از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید پس امروز چنین پرسیده نشود از گناه خود انسانی و جنّی
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤١ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید شناخته شوند گنهگاران بعلامتشان پس گرفته شوند بموهای پیشانی
وَالْأَقْدَامِ ٤٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٣ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ
و قدمها پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید اینست دوزخ که تکذیب میکنند
بِهَا الْمُجْرِمُونَ ٤٤ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ٤٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بآن گنهگاران گردش کنند میان آن و میان آب سوزان بجوشش پس بکدام نعمتهای پروردگاران
تُكَذِّبَانِ ٤٦ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ٤٧ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تکذیب میکنید و برای آنکه ترسید از مقام پروردگارش دو بهشت است پس بکدام نعمتهای پروردگارتان
تُكَذِّبَانِ ٤٨ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ٤٩ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٠ فِيهِمَا
تکذیب میکنید صاحبان انواع پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست
عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ٥١ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٢ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ
دو چشمه که جاری شوند پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست از هر میوه
زَوْجَانِ ٥٣ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٤ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا
دو صنف پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید تکیه کنندگان بر فرشهائی که آسترهایش
مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ٥٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٦ فِيهِنَّ
از دیبای سطبر و چیده شود از دو بهشت نزدیکست پس بکدام یک از نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ٥٧ فَبِأَيِّ آلَاءِ
فرو بسته چشمان که مسّ نکرده آنهارا انسی پیش از ایشان و نه جنّی پس بکدام یک از نعمتهای
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٨ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ٥٩ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
پروردگارتان تکذیب میکنید گویا ایشان یاقوت و مرجانند پس بکدام نعمتهای پروردگاران
تُكَذِّبَانِ ٦٠ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ٦١ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تکذیب میکنید آیا باشد پاداش نیکوکاری بجز نیکوئی پس بکدام نعمتهای پروردگارتان
تُكَذِّبَانِ ٦٢ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ٦٣ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٤ مُدْهَامَّتَانِ
تکذیب میکنید و از غیر آن دو بهشت است پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید سبز تیره
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٥ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ٦٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ
پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست دو چشمه است هر دو بر جوشنده پس بکدام نعمتهای
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٧ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ٦٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٩
پروردگارتان تکذیب میکنید در آنهاست میوه و درخت خرما و انار پس بکدام نعمتهای پروردگارتان تکذیب میکنید

من استبرق بکسر همزه و سکون نون و کسر همزه که قطعی است

فیهن

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ۷۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۲ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ
در آنها زنان خوب ... پس بکدام نعمتهای ... تکذیب میکنید حوران پرده نشینان ۷۵

فِي الْخِيَامِ ۷۳ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۴ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ
در خیمه‌ها پس بکدام نعمتهای پروردگار تان تکذیب میکنید پس نگردد آنها را انس پیش از ایشان و نه جنی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۶ مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ۷۷
پس بکدام نعمتهای پروردگار تان تکذیب میکنید تکیه کنندگان بر بالشهای سبز و کار عبقر نیکو

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۷۸ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
پس بکدام نعمتهای پروردگار تان تکذیب میکنید افزون است نام پروردگارت که صاحب بزرگی و کرم است

(۵۶) سُورَةُ الْوَاقِعَةِ سِتٌّ وَتِسْعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

الآیتی ۸۰-۸۱ فمدنیان نزلت بمدینة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۲ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۳ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۴ إِذَا
وقتیکه بوقوع آید آن بوقوع آمدنی نیست مر وقوعش را دروغی پست کننده بلند کننده است چون

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ۵ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۶ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ۷ وَ
حرکت داده شود زمین حرکت دادنی و ریزه ریزه شود کوهها ریزه ریزه شدنی پس باشد ذره پراکنده و

كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۸ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۹ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۱۰ وَ
باشید اصناف سه گانه پس یاران جانب راست چه یاران جانب راست و

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۱۱ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۱۱
یاران جانب چپ چه یاران جانب چپ و پیشی گرفتگان پیشروانند

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۱۲ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۱۳ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۱۴ وَقَلِيلٌ
آنگروه اند نزدیک کردگان در بهشتهای پر نعمت گروهی از پیشینیان و اندکی

مِنَ الْآخِرِينَ ۱۵ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۱۶ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ۱۷
از پسینیان بر سریرهای از زر و جواهر بافته تکیه زنندگانند برانها روبروی یکدیگر

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۱۸ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ
میگردند برایشان پسران جاودانی با قدحها و ابریقها و جامی از

مَعِينٍ ۱۹ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ۲۰ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۲۱
شراب جاری سر بدرد آورده نشوند از آن و نه از خود روند و میوه از آنچه اختیار کنند

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۲۲ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۲۳
گوشت مرغ از آنچه میخواهند و حوران فراخ چشم چون امثال مروارید نهفته شده

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۲۵ إِلَّا
پاداش بسبب آنچه بودند که میکردند نمیشنوند در آنجا لغو سخن و نه اسناد بدکردنی مگر

قلیلا

در تفسیر ثعالبی ... والسابقون السابقون ... از کتب امالی از حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال کرده شد از این آیه پس فرمود که گفت جبرئیل از برای من که مراد از سابقون حضرت علی و شیعیان اویند که سبقت میگیرند بسوی بهشت و مقربند از حق تعالی بکرامت او و در خصال از حضرت علی مرتضی علیه السلام مرویست که فرمود السابقون السابقون اولئک المقربون در شان من نزول کرده

هو
از حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه وآله روایت است که هر که سورهٔ الواقعه را بخواند در دنیا ... او را از جمله غافلان ... و هر که هر شب این سوره را بخواند هرگز محتاج نشود ...

در اکمال از حضرت باقر علیه السلام ... که فرمود السابقون السابقون اولئک المقربون ... و در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود ... شیعه ... سابقون ... اخرون ... در دنیا ... ولایت ... سابقون ... جنت ... از حضرت باقر علیه السلام ... که فرمود سابقون ... آدم ... سابق امت موسی ... سابق امت عیسی ... حبیب نجار است

قيلا سلاما سلاما ٢٦ واصحاب اليمين ما اصحاب اليمين ٢٧ في سدر

گفتن سلامی سلامی و یاران جانب راست چه یاران راست در کنار

مخضود ٢٨ وطلح منضود ٢٩ وظل ممدود ٣٠ وماء مسكوب ٣١ و

بی خار و طلح بار برسر هم پیچیده و سایه پیوسته کشیده شده و آب بی ریزان شده و

فاكهة كثيرة ٣٢ لا مقطوعة ولا ممنوعة ٣٣ وفرش مرفوعة ٣٤ انا

میوه بسیار که گسسته نشونده است و نه منع کرده شده و فرشها بالا برده شده بدرستیکه ما

انشانهن انشاء ٣٥ فجعلناهن ابكارا ٣٦ عربا اترابا ٣٧ لاصحاب

آفریدیم آنها را آفریدنی پس گردانیدیم آنها را بکرها شیفته شوهر خود برای یاران

اليمين ٣٨ ثلة من الاولين ٣٩ وثلة من الاخرين ٤٠ واصحاب الشمال

دست راست گروهی از پیشینیان و گروهی از پسینیان و یاران جانب چپ

ما اصحاب الشمال ٤١ في سموم وحميم ٤٢ وظل من يحموم ٤٣ لا بارد

چه یاران جانب چپ در آتش نفوذ کننده اند و آب جوشنده و سایه از دود سیاه نه سرد

ولا كريم ٤٤ انهم كانوا قبل ذلك مترفين ٤٥ وكانوا يصرون على

و نه پسندیده بدرستیکه ایشان بودند پیش از این از متنعمان و بودند که اصرار مینمودند بر

الحنث العظيم ٤٦ وكانوا يقولون ٤٧ ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ءانا

گناه بزرگ و بودند که میگفتند آیا چون مردیم و باشیم خاک و استخوانها آیا ما

لمبعوثون ٤٨ اوآباؤنا الاولون ٤٩ قل ان الاولين والاخرين ٥٠

هر آینه برانگیخته شدگان یا پدران ما که پیشینیانند بگو بدرستیکه پیشینیان و پسینیان

لمجموعون الى ميقات يوم معلوم ٥١ ثم انكم ايها الضالون المكذبون ٥٢

هر آینه فراهم آورده شدگانند تا وقت مقرر روزی معلوم پس بدرستیکه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان

لاكلون من شجر من زقوم ٥٣ فمالئون منها البطون ٥٤ فشاربون

هر آینه خورندگانید از درخت از زقوم پس پرکنندگانید از آن شکمها را پس آشامندگانید

عليه من الحميم ٥٥ فشاربون شرب الهيم ٥٦ هذا نزلهم يوم الدين ٥٧

بر آن از آب جوشان پس آشامندگانید آشامیدن شتران تشنه اینست مهمانی ایشان روز جزا

نحن خلقناكم فلولا تصدقون ٥٨ افرايتم ما تمنون ٥٩ ءانتم تخلقونه

ما آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمیکنید آیا پس خبر دهید آنچه را میریزید آیا شما می آفرینید آنرا

ام نحن الخالقون ٦٠ نحن قدرنا بينكم الموت وما نحن بمسبوقين ٦١ على

یا مائیم آفرینندگان ما قسمت کردیم میان شما مرگ را و نیستیم ما مغلوب بر

ان نبدل امثالكم وننشئكم فيما لا تعلمون ٦٢ ولقد علمتم النشاة

آنکه بدل آوریم مانند شما و بیافرینیم شما را در آنچه نمیدانید و هر آینه بتحقیق دانستید آفرینش

الاولى فلولا تذكرون ٦٣ افرايتم ما تحرثون ٦٤ ءانتم تزرعونه

نخستین را پس چرا پند نمیگیرید آیا پس خبر دهید آنچه میکارید آیا شما میرویانید آنرا

قوله سبحانه فی سدر مخضود وطلح منضود ...

اوآباؤنا بضم همزه ثانیه بلکه اشباع

الاولى بضم همزه بلا اشباع

أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۶۵ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۶۶

یا ما هستیم رویانندگان اگر میخواستیم هر آینه میکردیم آنرا درهم شکسته پس گردید که تاسف خورید

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۶۷ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۶۸

که مائیم تاوان زدگان بلکه ما هستیم بی بهره شدگان آیا پس خبر دهید آبی که می آشامید

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۶۹ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

آیا شما فرو فرستادید آنرا از ابر سفید یا مائیم فرو فرستندگان اگر بخواهیم میگردانیم آنرا شور تلخ مزه

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۷۰ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۷۱ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا

پس چرا شکر نمیکنید آیا پس خبر دهید که آتشی را که بر می آرید آیا شما آفریدید درخشش را

أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۷۲ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ۷۳ فَسَبِّحْ

یا ما هستیم آفرینندگان ما گردانیدیم آنرا یاد آوری و مایه تعیش برای واردان پس تسبیح کن

بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۷۴ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۷۵ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ

بنام پروردگارت که بزرگ است پس سوگند یاد میکنم بمنازل ستارگان و بدرستیکه آن هر آینه سوگندیست اگر بدانید

عَظِيمٌ ۷۶ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۷۷ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ۷۸ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا

بزرگ که آن قرآنیست گرامی در کتاب مستور مس نکرده آنرا مگر

الْمُطَهَّرُونَ ۷۹ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸۰ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ۸۱

پاک شدگان فرو فرستادنی از پروردگار جهانیان آیا پس باین کلام شما مداهنه میکنید

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۸۲ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ ۸۳ وَأَنْتُمْ

و میگردانید روزی خود را اینکه شما تکذیب میکنید پس چرا چون برسد بحنجره و شما

حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۸۴ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۸۵ فَلَوْلَا

آن هنگام می نگرید و ما نزدیکتریم باو از شما و لیکن نمی بینید پس چرا

إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۸۶ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۸۷ فَأَمَّا إِنْ كَانَ

اگر هستید غیر جزا دهندگان بر نمیگردانیدش اگر هستید راستگویان پس اما اگر باشد

مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۸۸ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ ۸۹ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ

از نزدیک شدگان پس راحت و روزی و بهشت پر ناز و نعمت و اما اگر باشد از یاران

الْيَمِينِ ۹۰ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۹۱ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

جانب راست پس سلام مر ترا از یاران جانب راست و اما اگر باشد از

الْمُكَذِّبِينَ ۹۲ الضَّالِّينَ ۹۳ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ۹۴ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۹۵

تکذیب کنندگان گمراهان پس مایه مهمانیست از آب جوشان و در آوردن در دوزخ

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ۹۶ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

بدرستیکه این هر آینه آن حق یقین است پس تسبیح کن بنام پروردگارت که بزرگ است

سورة الحديد تسع وعشرون آية وهي مدنية (۵۷)

نزلت بعد الزلزلة

بسم الله

قوله تعالى لا يمسه الا المطهرون مه احتجاج از حضرت

خبر

امير المؤمنين مرویست که چون طلب خلافت کرد عمر سوال کرد از حضرت علی مرتضی علیه السلام که عطا کند با قسمی ازای اگه تحریف ننماید آنرا فیما بین خویش پس گفت یا ابا الحسن اگر بسیار دی قرآن را ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ
تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانها و زمینست و اوست غالب درستکردار مراورا است پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۲ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ
و زمین زنده کند و بمیراند و اوست بر همه چیز توانا اوست اول و آخر

الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۳ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ
و ظاهر و باطن و اوست بهر چیزی دانا اوست آنکه آفرید آسمانها و

الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ
زمین را در شش روز پس استیلا شد بر عرش میداند آنچه درمیرود در زمین

مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ
و آنچه بیرون میاید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و او با شماست هر جا که باشید

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۴ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ
و خدا بآنچه میکنید بیناست مراورا است پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا بازمیگردد

الْأُمُورُ ۵ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
کارها درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و اوست دانا بسرایر

الصُّدُورِ ۶ آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ
سینها بگروید بخدا و رسولش و انفاق کنید از آنچه گردانید شما را جانشینان در آن

فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ۷ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ
پس آنانکه گرویدند از شما و انفاق کردند مرایشانراست مزدی بزرگ و چیست مر شما را که نمیگروید بخدا

وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
و پیغمبر میخواند شما را که بگروید به پروردگارتان و بتحقیق گرفت پیمان شما را اگر هستید

مُؤْمِنِينَ ۸ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ
گروندگان اوست آنکه فرو میفرستد بر بنده اش آیات روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها

إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۹ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بسوی روشنی و بدرستیکه خدا بشما هر آینه مهربان رحیم است و چیست مر شما را که نفقه نمیکنید در راه خدا

وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ
و مر خدا راست میراث آسمانها و زمین یکسان نیستند از شما آنکه نفقه داد از پیش فتح

وَقَاتَلَ أُولٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا
و کارزار کرد آنها بزرگترند بمرتبه از آنانکه نفقه دادند از بعد و کارزار کردند و همه را

وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۰ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهَ
وعده کرد خدا خوبی و خدا بآنچه میکنید آگاهست کیست آنکه وام دهد خدا را

قرضاً

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که سوره الحدید را هر که بخواند در نامه عملش نوشته کنند که او کسی است که بخدا و رسولش ایمان آورده و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که سورة الحدید و مجادله را هر که در نماز واجب تلاوت کند خدای تعالی هرگز او را عذاب نکند و هرگز در مال و نفس او بدی نرسد و بدنش از هر آفت دور باشد و السلام

هو الاول
یعنی اوست پیش از جمیع موجودات و نهایت و بدایت ندارد ... قدیم ازلیت که اولیت او را بدایت نیست

والاخرة
و پس فانی ممکنات یعنی باقی ابدی که آخریت او را نهایت نیست دالست بر فنای جمیع اجسام و اعراض

والظاهر
آشکار است وجود او بکثرت دلایل

قرضا حسنا فيضاعفه له وله اجر كريم ١٢ يوم ترى المؤمنين و

وامی خوب پس دو برابر گرداند برایش و مر او راست مزدی سودمند روزیکه ببینی مردان مؤمن و

المؤمنات يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم بشريكم اليوم جنات تجرى

زنان مؤمنه را که میشتابد نورشان پیشاپیش دستهاشان و بجانب راستشان بشارت شما امروز بهشتهای

من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك هو الفوز العظيم ١٣ يوم يقول

از زیرش نهرها همیشه‌اند در آنها اینست آن کامیابی بزرگ روزیکه میگویند

المنافقون والمنافقات للذين امنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل

مردان منافق وزنان منافقه مر آنانرا که ایمان آوردند نظر کنید بما تا اقتباس نمائیم از نور شما گفته شود

ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه

بازگردید بعقبتان پس بجوئید نوری پس کشیده شد میانشان دیواری که مر آنراست دری باطنش در آن

الرحمة وظاهره من قبله العذاب ينادونهم الم نكن معكم قالوا بلى

است رحمت و ظاهرش از پیش آنست عذاب ندا کنند ایشانرا که آیا نبودیم با شما گویند آری

ولكنكم فتنتم انفسكم وتربصتم وارتبتم وغرتكم الامانى حتى جاء

ولیکن شما فریب دادید خودها تانرا و انتظار بردید و شک آوردید و بفریفت شما را آرزوها تا آمد

امر الله وغركم بالله الغرور ١٤ فاليوم لا يؤخذ منكم فدية ولا من

فرمان خدا و فریب داد شما را آن فریبنده پس امروز گرفته نشود از شما فدائی و نه از

الذين كفروا ماويكم النار هى موليكم وبئس المصير ١٥ الم يان للذين

آنانکه کافر شدند جای شماست آتش که آن اولیست بشما و بد بازگشتیست آیا نرسید وقت مر آنانرا

امنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا يكونوا كالذين

که گرویدند که نرم شود دلهاشان برای ذکر خدا و آنچه فرستاده از حق و نباشند مانند آنانکه

اوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الامد فقست قلوبهم وكثير منهم

داده شدند کتاب را از پیش پس دراز شد برایشان زمان پس سخت شد دلهاشان و بسیاری از ایشان

فاسقون ١٦ اعلموا ان الله يحى الارض بعد موتها قد بينا لكم

فاسق‌اند بدانید که خدا زنده کند زمین را بعد از مردنش بحقیقت بیان کردیم برای شما

الايات لعلكم تعقلون ١٧ ان المصدقين والمصدقات واقرضوا

آیات را شاید شما دریابید بعقل بدرستیکه مردان که صدقه دادند و زنان که صدقه دادند و وام دادند

الله قرضا حسنا يضاعف لهم ولهم اجر كريم ١٨ والذين امنوا

خدا را وامی خوب دو چندان شود برای آنها و مر ایشانراست مزدی سودمند و آنانکه گرویدند

بالله ورسله اولئك هم الصديقون والشهداء عند ربهم لهم

بخدا و رسولانش آنگروه ایشانند صدیقان و شهیدان نزد پروردگارشان ایشانراست

اجرهم ونورهم والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب

مزدشان و نورشان و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنها اهل

الجحيم

فوائد نعمانیه

یوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين ايديهم الخ در کنز الفوائد از حضرت ابوعبدالله علیه السلام مرویست که در این آیه فرمود یعنی نور حضرات ائمه مؤمنین در روز قیامت سعی و حرکت میکند پیش روی مؤمنین و بایمان ایشان تا آنکه نازل سازند ایشانرا در منازل ایشان در جنت و در مجمع شیخ صدوق دلهای حصیل از جابر بن عبدالله روایت کرده که گفت روزی

قبله

بکسر قاف و فتح با

بودم در نزد رسول خدا ناگاه اقبال فرمود وجه علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود آگاه باش بشارت میدهم ترا یا اباالحسن عرض کرد یا رسول الله فرمود اینست جبرئیل خبر میدهد مرا از جل جلاله آنکه عطا کرد شیعیان و محبان ترا هفت خصلت الی قوله نزد موت و انس در وحشت و نور در نزد ظلمت و امن نزد فزع و قسط و عدل در نزد میزان و گذشتن بر صراط و داخل شدن در جنت پیش از سایر الناس یسعی نورهم بین ایدیهم

المصدقين والمصدقات

بتشدید صاد و دال و هر دو

موضع

دو ما با هم وقتی ره گوید قسمت میشود نور در میان مردم روز قیامت بقدر ایمان ایشان و قسمت نموده شد منافقان در انگشت ابهام پا پس یک بار ایشان روشنی میدهد نور آن ١٢

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ
بدرستیکه آنانکه مخالفت میکنند خدا و پیغمبرش را نگونسار شوند چنانکه نگونسار شدند آنانکه پیش از ایشان بودند و بتحقیق
أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۷ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ
فرو فرستادیم آیات روشن و برای کافرانست عذابی خوار کننده روزیکه برانگیزد ایشان را خدا
جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
همگی پس خبر شان دهد باآنچه کردند که ضبط کرده خدا و فراموش کرده اند آنرا و خدا بر هر چیزی گواهست
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى
آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست نباشد هیچ راز
ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ
سه کس مگر که او چهارم ایشانست و نه پنج جز آنکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از آن
وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
و نه بیشتر مگر که او با ایشانست هر جا که باشند پس خبر شان دهد باآنچه کرده اند روز قیامت
إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۸ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ
بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست آیا ندیدی بآنهائیکه نهی کرده شدند از راز گفتن پس اعاده میکنند
لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَ
بآنچه نهی کرده شدند از آن و راز میگویند ببدی و دشمنی و نافرمانی رسول و
إِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا
و چون آیند ترا درود گویند ترا بآنچه درود نگفته است بآن خدا و میگویند در نفسهاشان چرا عذاب نمیکند ما را
اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
خدا بآنچه میگوئیم بس است ایشانرا دوزخ درمیآیند در آن پس بد است آنجای بازگشت ای آنانکه
آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ
گرویدند چون راز گوئید پس راز مگوئید ببدی و دشمنی و نافرمانی رسول
وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۱۱ إِنَّمَا
و راز گوئید بنیکی و پرهیزگاری و بپرهیزید از خدائیکه بسوی او حشر کرده میشوید بدرستیکه
النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ
راز آهسته گفتن از شیطانست تا اندوهناک سازد آنانرا که گرویدند و نیست ضرر رساننده بایشان چیزی مگر باذن
اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۱۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ
خدا و بر خدا پس توکل میکنند گروندگان ای آنانکه گرویدید چون گفته شود مر شما را
تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا
که جا واکنید در مجلس پس جا واکنید که جا میکند خدا برای شما و چون گفته شود که برخیزید پس برخیزید
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
تا بلند گرداند خدا آنانکه گرویدند از شما و آنانکه داده شدند علم را بمراتب و خدا بآنچه میکنید

کُبِتُوا و کُبِتَ بتقدیم با بر تا قوله تعالی ما یکون من نجوی ثلثة الآیة نزلت فی ربیعة و حبیب ابنی عمرو و صفوان بن امیة از کافی از حضرت صادق علیه السلام است که این نجوی نازل است در فلان و فلان و ابو عبیدة جراح و عبد الرحمن بن عوف و سالم مولی ابو حذیفه و مغیرة بن شعبه در وقتیکه جمع شده کردند و انوشته کعبه را و کتابت کردند کتب فیما بین خود و نوشته و میثاق کردند که اگر بمیرد محمد و کشته شود نگذارند خلافت را در بنی هاشم و نه نبوت را هرگز ۱۲

حَیّوکَ بضم همزه و سکون واو بالاشباع و قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا الی المؤمنون چون سخن بسیت و دشنام دادن بر کسی غالب باشد چون تو کرد از زوال شود و اول عمل کند و جامه پاک در تو و سه روز روزه بگیرد و از سر آیه را از جای از گیسنه بشوید و اهر سه روز از آن است افتتاح کند آن صفت از و زایل شود انشاء الله تعالی ۱۲

خبیر ۱۳ یا ایها الذین امنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی
آگاهست ای آنانکه گرویدید چون راز گوئید با رسول الله پس مقدم دارید میانه دو دست
نجویکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم ۱۴
راز تان را صدقه این بهتر است برای شما و پاکیزه تر پس اگر نیابید پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست
ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجویکم صدقات فاذ لم تفعلوا وتاب
آیا ترسیدید که مقدم دارید میانه دو دست راز گفتن شما صدقه ها پس چون نکردید و توبه پذیرفت
الله علیکم فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الله ورسوله والله
خدا بر شما پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید خدا و رسولش را و خدا
خبیر بما تعملون ۱۵ الم تر الی الذین تولوا قوما غضب الله علیهم ما هم
آگاهست بآنچه میکنید آیا ندیدی بسوی آنانکه دوست گرفتند گروهی را که خشم کرد خدا بر ایشان نیستند
منکم ولا منهم ویحلفون علی الکذب وهم یعلمون ۱۶ اعد الله لهم
از شما و نه از ایشان و سوگند میخورند بر دروغ و ایشان میدانند مهیا کرد خدا برای ایشان
عذابا شدیدا انهم ساء ما کانوا یعملون ۱۷ اتخذوا ایمانهم جنة
شکنجه سخت را که ایشان بد است آنچه بودند که میکردند گرفتند سوگندهاشان را سپر
فصدوا عن سبیل الله فلهم عذاب مهین ۱۸ لن تغنی عنهم اموالهم
پس باز داشتند از راه خدا پس مر ایشانراست عذابی خوار کننده هرگز کفایت نکند از ایشان مالهاشان
ولا اولادهم من الله شیئا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ۱۹
و نه اولادهاشان از خدا چیزی را ایشانند اهل آتش که ایشانند در آن همیشه
یوم یبعثهم الله جمیعا فیحلفون له کما یحلفون لکم ویحسبون انهم علی
روزیکه برانگیزد ایشانرا خدا همگی پس سوگند میخورند برای او چنانکه سوگند میخوردند برای شما و گمان میکنند ایشان اند بر
شیء الا انهم هم الکاذبون ۲۰ استحوذ علیهم الشیطان فانسهم
چیزی بدانید که ایشانند دروغگویان استیلا یافت بر ایشان شیطان پس از یاد ایشان برد
ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون
ذکر خدا را این گروهند سپاه شیطان آگاه باشید که سپاه شیطان ایشانند زیانکاران
ان الذین یحادون الله ورسوله اولئک فی الاذلین کتب الله
بدرستیکه آنانکه مخالفت میکنند با خدا و پیغمبرش آنانند در خوار شدگان نوشت خدا
لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ۲۲ لا تجد قوما یؤمنون بالله
که هر آینه غالب میشوم من و رسولانم بدرستیکه خدا توانای غالب است نیابی گروهی را که میگروند بخدا
والیوم الاخر یوادون من حاد الله ورسوله ولو کانوا اباءهم او
و روز بازپسین که دوست دارند آنرا که مخالفت نمود با خدا و رسولش و اگرچه باشند پدرانشان یا
ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان
پسرانشان یا برادرانشان یا خویشانشان ایشانند که نوشت در دلهاشان ایمان را

وایدهم

قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا الخ یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید هرگاه که میخواهید نجوی کنید با حضرت رسول خدا پس مقدم دارید پیش از نجوی کردن صدقه را یعنی تصدق دهید قبل از نجوی و در این آیه تعظیم حضرت رسول و نفع رسانیدن بفقرا و نهی کردن از افراط در سؤال و تمیز میان مخلص و منافق و محب آخرت و محب دنیاست و می آورند که چون کسیکه سؤال میکند حضرت رسول خدا از جانبی پس تصدق دهید مثل از اظهار حاجت خود تا بوده باشد بیشتر در قضای حوایج شما دیگر این عمل را مگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیش آنحضرت تصدق داده و سخن بسیار و نجوی کرد با رسول خدا و ده درهم تصدق دستاری داده از حضرت باقر سؤال شد از این پس فرمود مقدم داشت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیش از نجوی خود صدقه را بعد حقتعالی نسخ فرمود مذکوره را آیه ءاشفقتم ۱۲

لاغلبن بفتح لام و همزه قطع و کسر لام دوم و فتح با و نون مشدد

ابناءهم بتقدیم با بر نون

وَاَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
و نیرو داد ایشان را بروحی از خود و داخل کند ایشان را در بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها همیشه‌اند در آنها
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ اُولٰئِكَ حِزْبُ اللّٰهِ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
راضی شد خدا از ایشان و راضی شدند از او این گروه سپاه خدایند آگاه باشید بدرستیکه سپاه خدا ایشانند رستگاران

سُورَةُ الْحَشْرِ اَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ اٰيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (۵۹)

نزلت بعد البينة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱ هُوَ الَّذِي
تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب درست کردار اوست آنکه
اَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِاَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ
بیرون آورد آنان را که کافر شدند از خوانندگان کتاب از دیارشان از اول راندگان گمان نبردید
اَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا اَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللّٰهِ فَاَتٰيهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ
که بیرون روند و گمان برده بودند که ایشان باز دارنده ایشانند حصارهای ایشان از خدا پس آمد ایشان را از جائیکه
لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِاَيْدِيهِمْ وَ
گمان نبرده بودند و انداخت در دلهاشان ترس را خراب میکردند خانهاشان را بدستهاشان و
اَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا اُولِي الْاَبْصَارِ ۲ وَلَوْلَا اَنْ كَتَبَ اللّٰهُ
دستهای مؤمنان پس عبرت گیرید ای صاحبان دیدها و اگر نه آن بود که نوشته بود خدا
عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۳ ذٰلِكَ
برایشان جلای وطن را هر آینه عذابشان میکرد در دنیا و مر ایشان راست در آخرت عذاب آتش این
بِاَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۴
بسبب آنست که مخالفت کردند با خدا و رسولش و هر که مخالفت کند با خدا پس بدرستیکه خدا سخت عقوبت است
مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلٰى اُصُولِهَا فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ
آنچه بریدید از درخت خرما یا واگذاشتید آنرا ایستاده بر اصلهایش پس باذن خدا و تا رسوا کند
الْفَاسِقِينَ ۵ وَمَا اَفَاءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا اَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
فاسقان را و آنچه را باز گردانید خدا بر رسولش از ایشان پس نتاختید بر آن هیچ اسبی
وَلَا رِكَابٍ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۶
و نه شتری و لیکن خدا تسلط میدهد رسولانش را بر هر که بخواهد و خدا بر همه چیز تواناست
مَا اَفَاءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ مِنْ اَهْلِ الْقُرٰى فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبٰى
آنچه باز گردانید خدا بر رسولش از اهل قریه‌ها پس مر خدا راست و مر رسول را و مر خداوند قرابت
وَالْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ
و یتیمان و بیچارگان و ابن السبیل تا نبوده باشد دایر بنوبت در میان توانگران از شما

وفا

فضائل

سوره الحشر نقلست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که هر که سوره حشر را تلاوت نماید هیچ چیز نماند از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمانها و زمینها و هوا و باد و مرغان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه مگر آنکه بر او صلوات فرستند و برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا آن شب بمیرد شهید مرده باشد والله اعلم

مانِعَتُهُمْ بکسر نون و فتح عين

فَاَتٰهُمْ بفتح همزه بدون الف

يا اُولِي بضم همزه بلا اشباع

ويُؤْثِرُونَ در سبب نزول ذو حده سوره نقل شده که سه بریان از برای یکی از درویشان هدیه آوردند از او درویشی که از او محتاج تر بود فرستاد و او برای دیگری ایثار نمود و همچنین هر تن از آنها بر دیگری ایثار کردند و این آیه در شان توانگران نازل شد

وَمَآ اٰتٰىكُمُ الرَّسُوْلُ فَخُذُوْهُ وَمَا نَهٰىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوْا وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ

و آنچه داد شما را رسول پس فرا گیرید آنرا و آنچه را منع کرد شما را پس باز ایستید و بپرهیزید خدا را بدرستیکه

اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۸ لِلْفُقَرَآءِ الْمُهٰجِرِيْنَ الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ

خدا سخت عقوبت برای محتاجان مهاجران آنانکه بیرون کرده شدند از دیار شان

اَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَّيَنْصُرُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اُولٰٓئِكَ

و اموال شان میجویند فضلی از خدا و خوشنودی و یاری میکنند خدا و رسولش را آنها اند

هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ۹ وَالَّذِيْنَ تَبَوَّؤُ الدَّارَ وَالْاِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّوْنَ مَنْ

راستگویان و آنانکه جایگاه ساختند آن دار را و ایمان را از پیش از ایشان دوست میدارند

هَاجَرَ اِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُوْنَ فِيْ صُدُوْرِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ اُوْتُوْا وَيُؤْثِرُوْنَ عَلٰٓى

که هجرت کرد بسوی ایشان و نمی یابند در سینهاشان باعث خواهش از آنچه داده شدند و برگزینند بر

اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ

خود ها ایشان و اگرچه باشد بایشان احتیاج و آنکه نگهداشته شود از بخل نفسش پس آنانند که ایشان

الْمُفْلِحُوْنَ ۱۰ وَالَّذِيْنَ جَآءُوْ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا

رستگاران اند و آنانکه آمدند پس از ایشان میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را

الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِيْ قُلُوْبِنَا غِلًّا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَآ

آنانکه پیشی گرفتند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویدند پروردگارا

اِنَّكَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ۱۱ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نَافَقُوْا يَقُوْلُوْنَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِيْنَ

بدرستیکه تو بی مهربان رحیم آیا ندیدی بسوی آنکه نفاق ورزیدند میگویند مر برادران شان را آنانکه

كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَئِنْ اُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيْعُ فِيْكُمْ اَحَدًا

کافر شدند از اهل کتاب که اگر بیرون کرده شدید هر آینه بیرون رویم با شما و فرمان نبریم در شما احدی را

اَبَدًا وَّاِنْ قُوْتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ۱۲ لَئِنْ اُخْرِجُوْا

هرگز و اگر قتال کرده شوید هر آینه یاری کنیم شما را و خدا گواهی دهد که ایشان دروغگویان اند هر آینه اگر بیرون کرده

لَا يَخْرُجُوْنَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوْتِلُوْا لَا يَنْصُرُوْنَهُمْ وَلَئِنْ نَّصَرُوْهُمْ لَيُوَلُّنَّ

بیرون نخواهند رفت با آنها و اگر قتال کرده شوند یاری نکنند ایشان را و اگر یاری کنند ایشان را هر آینه بگردانند

الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُوْنَ ۱۳ لَاَنْتُمْ اَشَدُّ رَهْبَةً فِيْ صُدُوْرِهِمْ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ

پشتها را پس یاری کرده نشوند هر آینه شما سخت ترید از راه بیم در سینهای ایشان از خدا این

بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ۱۴ لَا يُقَاتِلُوْنَكُمْ جَمِيْعًا اِلَّا فِيْ قُرًى مُّحَصَّنَةٍ اَوْ مِنْ

بسبب آنست که ایشان گروهیند که نمی فهمند کارزار نکنند با شما همگی مگر در قریه های محکم کرده شده یا از

وَّرَآءِ جُدُرٍ بَاْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيْدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيْعًا وَّقُلُوْبُهُمْ شَتّٰى ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

پس دیوارها کارزار شان میان شان سخت است می پنداری ایشان را همه و دلهای شان پراگنده است این بسبب

قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُوْنَ ۱۵ كَمَثَلِ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيْبًا ذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ

گروهیند که در نمی یابند بعقل چون مثل آنانکه بودند پیش از ایشان نزدیک چشیدند تباهی کار شان را و مر ایشان راست

تبوّؤا بلا اشباع

دا و نو زدند بضم او سکون همزه کما بضورت وا او سود

اوتوا با اشباع ندهد

جاؤا بضم همزه و سکون واو با اشباع

عذاب اليم ١٦ كمثل الشيطان اذ قال للانسان اكفر فلما كفر قال انى برىء
عذاب دردناک چون مثل شیطان چو گفت مر انسان را که کافر شو پس چون کافر شد گفت من بیزارم

منك انى اخاف الله رب العالمين ١٧ فكان عاقبتهما انهما فى النار خالدين
از تو بدرستیکه من میترسم از خدا پروردگار جهانیان پس باشد انجام آنهردو که آندو در آتشند همیشه

فيها وذلك جزاء الظالمين ١٨ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس
در آتشند و اینست جزای ستمکاران ای آنکسانیکه گرویدید بپرهیزید از خدا و باید بنگرد شخص

ما قدمت لغد واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون ١٩ ولا تكونوا كالذين
که چه چیز پیش فرستاده برای فردا و بپرهیزید از خدا بدرستیکه خدا آگاه است بآنچه میکنید و نباشید مانند آنانکه

نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون ٢٠ لا يستوى اصحاب
فراموش کردند خدا را پس فراموش گردانید از ایشان نفسهای ایشان را این گروه ایشانند فاسقان یکسان نباشند اصحاب

النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون ٢١ لو انزلنا هذا
آتش و اصحاب بهشت اصحاب بهشت ایشانند کامیابان اگر فرو فرستاده بودیم این

القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
قرآن را بر کوه هر آینه دیده بودی آنرا فروتن شکافته شده از ترس خدا و این مثلها را

نضربها للناس لعلهم يتفكرون ٢٢ هو الله الذى لا اله الا هو
میزنیم برای مردمان شاید که ایشان اندیشه کنند اوست خدائیکه نیست خدائی جز او

عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ٢٣ هو الله الذى لا اله الا
دانای پنهان و آشکار است اوست بخشنده مهربان اوست خدائیکه نیست خدائی بجز

هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
او که پادشاه پاک بری از نقص امان دهنده نگهبان عزیز سلطه دارنده بزرگوار است

سبحان الله عما يشركون ٢٤ هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء
منزه است خدا از آنچه شریک میآورند اوست خدا آفریننده پدید آورنده صورت بخش مراو راست نامهای

الحسنى يسبح له ما فى السموات والارض وهو العزيز الحكيم
نیکو تسبیح میکند او را آنچه در آسمانها و زمینست و اوست غالب درست کردار

سورة الممتحنة ثلث عشر اية وهى مدنية (٦٠) نزلت بعد الاحزاب

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا عدوى وعدوكم اولياء تلقون اليهم
ای آنکسانیکه گرویدید مگیرید دشمن مرا و دشمن خود را دوستان میفرستید بسوی ایشان

بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول واياكم ان
دوستی و بتحقیق کافر شدند بآنچه آمد شما را از حق بیرون میکنند رسول را و شما را که

تؤمنوا

خالدين نفيح دال

فانسيهم انفسهم يعنى از غفلت بفکر رستکاری خود نيفتند تا از هول در روز قيامت ايمن از سيد صلى الله عليه وسلم حکايت کرده که هر که خاتم سوره حشر را در شب و روز بخواند و در آن روز بميرد شهيد مرده باشد و حق تعالى او را بهشت واجب گرداند و احاديث بسيار در بودن اسم اعظم ميان ايات وارد شده. صحيح

هو العزيز از حضرت سيد صلى الله عليه وسلم مرويست که هر که سوره ممتحنه را در نمازی واجب و سنتی بخواند دل او را ايمان امتحان فرمايد و دو مرتبه او را در نور دل و وجود وسعتی در بارش از دو اسبع و سعتر الله نسازند ١٢

تُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِيْ سَبِيْلِيْ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِيْ
ایمان آرید بخدا پروردگار خود اگر هستید که بیرون آمدید برای جهاد کردن در راه من و جستن رضای من
تُسِرُّوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَاَنَا اَعْلَمُ بِمَا اَخْفَيْتُمْ وَمَا اَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَّفْعَلْهُ مِنْكُمْ
پنهانی میفرستید بایشان دوستی را و من داناترم بآنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار ساختید و هر که بکند از شما
فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيْلِ ۲ اِنْ يَّثْقَفُوْكُمْ يَكُوْنُوْا لَكُمْ اَعْدَاءً وَّيَبْسُطُوْٓا
پس بتحقیق گم شده از میان راه اگر بیابند شما را باشند مر شما را دشمنان و گشاده کنند
اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ وَاَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوْٓءِ وَوَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ ۳ لَنْ تَنْفَعَكُمْ
بسوی شما دستهای شان را و زبانهای شان را به بدی و دوست دارند که کافر شوید هرگز سود نکند شما را
اَرْحَامُكُمْ وَلَآ اَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ
رحمهای شما و نه فرزندان شما روز قیامت جدائی اندازد میان شما و خدا بآنچه میکنید
بَصِيْرٌ ۴ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِيْٓ اِبْرٰهِيْمَ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ اِذْ قَالُوْا
بیناست بتحقیق باشد مر شما را اقتدای نیکو در ابراهیم و آنانکه بودند با او چون گفتند
لِقَوْمِهِمْ اِنَّا بُرَءٰٓؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا
مر قوم خود را که ما بیزاریم از شما و از آنچه میپرستید از غیر خدا کافر شدیم بشما و ظاهر شد میان ما
وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتّٰى تُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَحْدَهٗٓ اِلَّا قَوْلَ
و میان شما دشمنی و کینه ورزی همیشه تا که ایمان آرید بخدا تنها مگر قول
اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ لَاَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ اَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا
ابراهیم مر پدرش را که هر آینه آمرزش خواهم برای تو و مالک نیستم برای تو از خدا هیچ چیز را پروردگار ما
عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَيْكَ اَنَبْنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ۵ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ
بر تست که توکل کردیم و بسوی تو بازگشت نمودیم و بسوی تو بازگشت است ای پروردگار ما مگردان ما را فتنه مر آنانکه
كَفَرُوْا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۶ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيْهِمْ اُسْوَةٌ
کافر شدند و بیامرز مر ما را پروردگار ما بدرستیکه تو توئی غالب درست کردار هر آینه بتحقیق باشد مر شما را در ایشان اقتدای
حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَمَنْ يَّتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ
نیکو برای هر که باشد که امید دارد بخدا و روز بازپسین و هر که رو میگرداند پس بدرستیکه خدا اوست بی نیاز
الْحَمِيْدُ ۷ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً
ستوده شاید که بگرداند خدا میان شما و میان آنانکه دشمنی کردید از ایشان دوستی
وَاللّٰهُ قَدِيْرٌ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۸ لَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ
و خدا تواناست و خدا آمرزنده مهربانست نهی نمیکند شما را از آنانکه کارزار نکردند با شما
فِي الدِّيْنِ وَلَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْٓا اِلَيْهِمْ اِنَّ
در دین و بیرون نکردند از دیارتان که نیکوکاری کنید با ایشان و عدالت کنید بسوی ایشان بدرستیکه
اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۹ اِنَّمَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ قَاتَلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ
خدا دوست دارد عدالت گاران را جز این نیست که نهی میکند خدا از آنانکه کارزار کردند با شما در دین

وَاَخْرَجُوْكُمْ

بُرَآءُ بضم با و فتح را و همزه مفتوحه با الف ممدوده

لَاَسْتَغْفِرَنَّ بفتح لام و همزه قطع

وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ
و بیرون کردند شما را از دیارتان و همپشت شدند بر بیرون کردن شما که دوستی ورزید ایشان را و آنکه دوست
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ١٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ
دارد ایشان را پس آن گروه ایشانند ستمگاران ای آنکه گرویدید چون آیند شما را زنان با ایمان
مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ
هجرت کرده پس بیازمایید ایشان را خدا داناتر است بایمانشان پس اگر دانستید ایشان را با ایمان
فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ
پس باز مگردانید ایشان را بسوی کافران نه ایشان حلالند برای ایشان و نه ایشان حلال‌اند برای ایشان و
آتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
بدهید ایشان را آنچه انفاق کردند و نیست گناهی بر شما اینکه نکاح کنید ایشان را چون بدهید ایشان را مهرهاشان را
وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا
و نگاه مدارید عصمت زنان کافره و بخواهید آنچه را انفاق کردید و باید که بخواهند آنچه را انفاق کردند
ذَٰلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ
آن حکم خداست حکم میکند میان شما و خدا داننده درستکار است و اگر رفت از شما چیزی از
أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ
جفتهاتان بسوی کافران پس نوبت یافتید پس بدهید آنها را که رفتند جفتهاشان مانند
مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ١٢ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ
آنچه انفاق کردند و بترسید از خدا آنکه شما باو گروندگانید ای پیغمبر چون آیند ترا
الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا
زنان با ایمان که بیعت کنند ترا بر آنکه شریک نسازند بخدا چیزی را و نه دزدی کنند و نه
يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ
زنا کنند و نه کشند اولادشان را و نیارند دروغی را که بربندند آنرا میان دستهاشان
وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ
و پاهاشان و نه نافرمانی کنند ترا در خوبی پس بیعت کن با ایشان و آمرزش خواه برایشان از خدا
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ
بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویدید دوستی مکنید با گروهیکه خشم کرد
اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ
خدا برایشان بحقیقت نومید شدند از آخرت چنانکه نومید شدند کافران از اهل قبرها

سورة الصف اربع عشرة آية وهي مدنية (٦١)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

سبح

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۱ يٰاَيُّهَا
تسبیح کرد مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و اوست غالب درست کردار ای
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۲ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا
آنانکه بگرویدند چرا میگوئید آنچه را که نمیکنید بزرگ است از روی خشم نزد خدا که گوئید
مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۳ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ
آنچه را که نمیکنید بدرستیکه خدا دوست میدارد آنانرا که کارزار میکنند در راه او صف زده گویا ایشان
بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ۴ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِيْ وَقَدْ
بنائی استوار کرده شده و هنگامیکه گفت موسی مر قوم خود را ای قوم من چرا آزار میکنید مرا و بتحقیق
تَّعْلَمُوْنَ اَنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوْا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا
میدانید که من فرستاده خدایم بسوی شما پس چون کج شدند کج گردانید خدا دلهای ایشانرا و خدا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ۵ وَاِذْ قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِيْ اِسْرَآءِيْلَ اِنِّيْ
راه نمی‌نماید گروه فاسقانرا و هنگامیکه گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل بدرستیکه من
رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًاۢ بِرَسُوْلٍ
فرستاده خدایم بسوی شما تصدیق کننده مر آنچه را میان دو دست منست از تورات و بشارت دهنده برسولی
يَّاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِي اسْمُهٗٓ اَحْمَدُ فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۶
که میاید از بعد من که اسمش احمد است پس چون آمد ایشانرا با حجتها گفتند این سحریست روشن
وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰٓى اِلَى الْاِسْلَامِ وَ
و کیست ستمکارتر از آنکه افترا بست بر خدا دروغ را و او خوانده میشود بسوی اسلام و
اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۷ يُرِيْدُوْنَ لِيُطْفِـُٔوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ
خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکارانرا میخواهند که خاموش کنند نور خدا را بدهنهای ایشان
وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُوْرِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ۸ هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى
و خدا کامل کننده است نورش را و اگرچه خوش ندارند کافران اوست آنکه فرستاد رسولش را بهدایت
وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ۹ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ
و دین حق تا غالب سازد او را بر دین همه اش و اگرچه خوش ندارند مشرکان ای آنانکه
اٰمَنُوْا هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى تِجَارَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ۱۰ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ
گرویدید آیا دلالت کنم شما را بر سودائیکه نجات دهد شما را از عذاب دردناک گرویده باشید بخدا و رسولش
وَتُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
و جهاد میکرده باشید در راه خدا بمالهای شما و جانهای شما آن بهتر است برای شما اگر باشید
تَعْلَمُوْنَ ۱۱ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ
که بدانید بیامرزد برای شما گناهان شما را و درمیاورد شما را در بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها
وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۱۲ وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا
و مسکنهای پاکیزه در بهشتهای با اقامت آنست کامیابی بزرگ و دیگری که دوست میدارید

قوله تعالی هو الذی ارسل رسوله بالهدی ...

لیطفئوا بفتح همزه و سکون واو فها اشباع

نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا
نصرتی است از خدا و فتحی نزدیک و بشارت ده مؤمنان را ای آنکسانیکه ایمان آوردید باشید
أَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ
یاوران دین خدا همچنانکه گفت عیسی پسر مریم مر حواریان را که کیست انصار من بسوی خدا
قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللّٰهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
گفتند حواریان ما هستیم انصار خدا پس ایمان آوردند طایفهٔ از بنی اسرائیل و
كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ
و کافر شدند طایفهٔ پس قوت دادیم آنانرا که ایمان آوردند بر دشمنانشان پس گردیدند غالبان

سُورَةُ الْجُمُعَةِ إِحْدَىٰ عَشْرَةَ آيَةً وَهِيَ مَدَنِيَّةٌ (۶۲)

نزلت بعد الصف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۱
تسبیح میکنند مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست آن پادشاه پاک غالب درستکردار
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ
اوست آنکه برانگیخت در امیان رسولی از ایشان میخواند بر ایشان آیات او را و
يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۲
و پاک میسازد ایشان را و می‌آموزد ایشان کتاب و حکمت و اگرچه بودند از پیش هر آینه در گمراهی آشکار
وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ
و دیگران از ایشان که هنوز ملحق نشده‌اند بایشان و اوست غالب درستکردار اینست فضل خدا میدهد آنرا
مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۴ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ
بهر که میخواهد و خداست صاحب کرم بزرگ مثل آنانکه بار کرده شدند توراة را پس
يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ
بر نداشتند آنرا مانند مثل خریست که بر دارد کتابها را بدست مثل گروهی که آنان تکذیب کردند آیات
اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ
خدا و خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را بگو ای کسانیکه یهود شدید اگر
زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۶
ادعا دارید که شما هستید دوستان خدا غیر از مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان
وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۷ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ
و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه مقدم داشته دستهاشان و خدا داناست بستمکاران بگو بدرستیکه مرگی
الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
که میگریزید از آن پس بدرستیکه آن ملاقات کننده شماست پس بازگردانیده شوید بسوی دانای نهان و آشکار

سورهٔ صف

[Margin notes:]
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سوره جمعه بخواند او را مزد ده حسنه دهند بعدد هر کسی که بنماز جمعه حاضر شود و هر که حاضر نشود در شهرهای مسلمانان باشد ۱۲

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره جمعه موافق رنج ... باز آمده و هر که برفته است این سوره مداومت نماید از وسوسه شیطان ایمن گردد ۱۲

قوله تعالی ذلک فضل الله ... العظیم این آیه ... کند ... جمعه ... ۱۲

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِنْ يَوْمِ

پس خبر دهد شما را بآنچه بودید میکردید ای آنانکه گرویدید هنگامیکه ندا کرده شود برای نماز از روز

الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۰

جمعه پس بشتابید بسوی ذکر خدا و واگذارید بیع را این بهتر است مر شما را اگر هستید که بدانید

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا

پس هنگامیکه گزارده شد نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید از کرم خدا و یاد کنید

اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۱ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ

خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید و چون دیدند تجارة یا لهوی متفرق شده میروند بسوی آن

تَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و وامیگذارند ترا ایستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از لهو و از تجارت و خدا بهترین روزی دهندگانست

سورة المنافقون احدی عشرة آية وهي مدنية (۶۳) نزلت بعد الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ

چون آیند بسوی تو منافقان گویند گواهی میدهیم که توئی هر آینه فرستاده خدا و خدا میداند که توئی

لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۲ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ

هر آینه فرستاده او و خدا گواهی میدهد که منافقان هر آینه دروغگویانند گرفتند سوگندهاشانرا

جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۳ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

سپری پس باز داشتند از راه خدا بدرستیکه آنها بد است آنچه بودند که میکنند این بسبب آنستکه آنها

آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۴ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ

گرویدند پس کافر شدند پس مهر زده شد بر دلهاشان پس ایشان نمیفهمند و هنگامیکه می بینی خوش آیدت

أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ

جسمهاشان و چون سخن گویند بشنوی سخنشانرا گویا ایشانند چوبهای بدیوار تکیه داده شده میپندارند

كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۵

هر فریادی را بر ایشان که ایشانند دشمن پس حذر کن ایشانرا قتال کند خدا با ایشان چگونه برگردیده میشوند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ

و چون گفته شود مر ایشانرا بیائید تا آمرزش خواهد برای شما رسول خدا بپیچند سرهاشانرا و ببینی ایشانرا

يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۶ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ

که روی برمیتابند و ایشان اند تکبر کنندگان یکسانست برایشان استغفار کرده باشی برای ایشان

تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۷

استغفار نکرده باشی برای آنها هرگز نیامرزد ایشانرا خدا بدرستیکه خدا هدایت نکند گروه فاسق را

ثواب سوره منافقون از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مرویست هر که سوره منافقون بخواند از نفاق بری شود و از شک منافقان ایمن گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از شیعیان ماست ممدوح نیست که در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره جمعه و سبح اسم را نخواند و در نماز ظهر منافقون را که آن عمل را خدا ثواب آن بهشت اعلی باشد ۱۲

رُؤُسَهُم بفتح همزه و سکون واو با اشباع

أَسْتَغْفَرْتَ بفتح همزه قطع

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا ۗ وَ
ایشانند کسانیکه میگویند انفاق مکنید بر آنانکه نزد رسول خدا اند تا پراکنده شوند و
لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٨ يَقُولُونَ
مر خدا راست خزانهای آسمانها و زمین ولیکن منافقان نمیفهمند میگویند
لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ
هر آینه اگر باز گردیم بسوی مدینه هر آینه بیرون میکند البته عزیزتر از آن ذلیلتر را و مر خدا راست عزت و
لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
مر رسول او را و مر گروندگان را ولیکن منافقان نمیدانند ای کسانیکه
آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
گرویده اند نباید غفلت آرد شما را اموال شما و نه فرزندان شما از ذکر خدا و هر که بکند این را
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ١٠ وَأَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ
پس آنانند ایشان زیانکاران و انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را از پیش آنکه برسد یکی شما را
الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ
مرگ پس گوید ای پروردگار من چرا باز پس نینداختی مرا تا مدتی نزدیک پس صدقه دهم و بشوم از
الصَّالِحِينَ ١١ وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
شایستگان و هرگز باز پس نیندازد خدا نفسی را چون آید اجلش و خدا آگاه است بآنچه میکنید

سُورَةُ التَّغَابُنِ ثَمَانِ عَشْرَةَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٦٤) نزلت بعد التحريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ۖ وَهُوَ
تسبیح میکند مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش و او
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ ۚ وَاللَّهُ بِمَا
بر همه چیزی تواناست اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافرند و برخی از شما مؤمنند و خدا بآنچه
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٣ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
میکنید بیناست آفرید آسمانها و زمین را براستی و صورت داد شما را پس نیکو کرد
صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٤ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ
صورتهای شما را و بسوی اوست جای بازگشت میداند آنچه را در آسمانها و زمینست و میداند آنچه را نهان دارید
وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٥ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن
و آنچه را آشکار سازید و خدا داناست بما فی سینها آیا نیامد شما را خبر آنانکه کافر شدند از
قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم
پیش پس چشیدند شومی کار خود را و مر ایشانراست عذاب دردناک این بسبب آن بود که می آمد ایشانرا رسولان ایشان

وَأَنفِقُوا بفتح همزهٔ قطع
فَيَقُولَ بفتح لام
فَأَصَّدَّقَ بفتح همزهٔ قطع و تشدید صاد و دال مفتوح و جزم قاف

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سورهٔ التغابن بخواند از مفاجات ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هر که سورهٔ التغابن را در نماز واجبی بخواند در روز قیامت این سوره شاهد او شود و شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید و از او جدا نشود تا او را داخل بهشت گرداند

۱۲

بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ
با معجزات روشن پس گفتند آیا آدمی راه نماید ما را پس کافر شدند و روگردانیدند و بی‌نیاز است خدا و خدا
غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۷ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ
بی‌نیاز ستوده است پنداشتند آنانکه کافر شدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو آری قسم به پروردگارم که برانگیخته شوید
لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۸ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ
هرآینه خبر داده شوید به آنچه کرده‌اید و این بر خدا آسان است پس ایمان آرید به خدا و رسولش و آن نوری که
الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۹ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ
فرو فرستادیم و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است روزی که گرد آورد شما را برای روز جمع آنست
يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ
روز مغبون کردن یکدیگر و هرکه ایمان آورد به خدا و بکند کار شایسته درگذرد خدا از بدیهایش و درآورد او را
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۰
بهشتهایی که روانست از زیرش نهرها جاودانند در آن همیشه اینست کامیابی بزرگ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ
و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنهایند اصحاب آتش جاوید در آنند
بِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۱ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ
و بد است جای بازگشت نرسید هیچ حادثه مگر به اذن خدا و آنکه ایمان آورد به خدا هدایت
قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱۲ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ
می‌کند دل او را و خدا به همه چیز داناست و فرمان ببرید خدا را و فرمان ببرید رسولش را پس اگر روگردانید
فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۱۳ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
پس نیست بر رسول ما مگر رسانیدن آشکار خدا نیست خدائی جز او و بر خدا پس توکل کنند
الْمُؤْمِنُونَ ۱۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ
گروندگان ای آنانکه گرویدید بدرستیکه برخی از زنانتان و فرزندانتان دشمنند مر شما را
فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۵ إِنَّمَا
پس حذر کنید از آنها و اگر درگذرانید و عفو کنید و ببخشید پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست
أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۱۶ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ
که اموال شما و فرزندانتان بلااند و خدا نزد اوست مزدی بزرگ پس بپرهیزید از خدا آنچه توانید
وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ
و بشنوید و فرمان ببرید و انفاق کنید بهتر است مر نفسهای شما را و هرکه نگهداشته شود از بخل مر نفسش را
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۱۷ إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ
ایشانند رستگاران اگر وام دهید خدا را وامی نیکو دو برابر کند برای شما و
يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ۱۸ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
و بیامرزد مر شما را و خداست شکرپذیر بردبار دانای نهان و آشکار عزیز درستکار

التغابن بضمّ باء وکسر نون

وانفقوا بفتح همزه قطع

سورة الطلاق اثنتا عشرة آية وهي مكية (٦٥) نزلت بعد ...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

ای پیغمبر چون طلاق دهید زنان را پس طلاقشان دهید در وقت عدّه اشان و ضبط کنید عدّه را

وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ

و بترسید از خدا پروردگارتان بیرون مکنید ایشان را از خانه هاشان و نباید بیرون روند مگر آنکه بیایند

بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ

کار زشتی روشنی را و اینست حدهای خدا و هر که درگذرد از حدهای خدا پس بتحقیق ستم کرده

نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذٰلِكَ أَمْرًا ٢ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ

بر خود نمیدانی شاید که خدا پدید آورد پس از آن امری را پس چون رسیدند مدتشان

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ

پس نگاه دارید ایشان را بخوبی یا جدا کنید ایشان را بخوبی و گواه بگیرید دو صاحب عدل را

مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلّٰهِ ذٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ

که باشند از شما و برپای دارید گواهی را برای خدا اینست که پند داده میشود بآن هر که باشد که ایمان آورد بخدا و روز

الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ٣ وَمَنْ

بازپسین و هر که بپرهیزد خدا را میگرداند برای او بدر رفتنی و روزی میدهد او را از جائی که گمان نمیبرد و هر که

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ

توکل کند بر خدا پس اوست بس او را بدرستیکه خدا رساننده امرش بتحقیق خدا گردانیده برای هر چیزی

قَدْرًا ٤ وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ

اندازه و آن زنانیکه نومید شدند از حیض از زنان شما اگر شک داشته باشید پس عدّه شان

ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ

سه ماهست و آن زنانیکه حایض نشدند و صاحبان حمل مدتشان آنست که بنهند

حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ٥ ذٰلِكَ أَمْرُ اللّٰهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

حملشانرا و هر که بپرهیزد از خدا میگرداند برایش از امرش آسانی اینست امر خدا که فرستاد بسوی شما

وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ

و هر که بپرهیزد از خدا درپوشد خدا از او گناهانش را و بزرگ گرداند برای او مزد را ساکن سازید ایشان را از جائی

سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ

که ساکن شدید از وسعتتان و آزار نکنید ایشان را که تنگ گیرید بر ایشان و اگر باشند صاحبان

حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ

حمل پس انفاق کنید بر ایشان تا بگذارند حملشانرا پس اگر شیر دهند برای شما پس بدهید ایشان را

واحصوا بفتح همزه قطع

فامسکوهن بفتح همزه قطع

واشهدوا بفتح همزه قطع

واولات بضم همزه بدون واو

ویعظم بضم یا و سکون عین و کسر ظاء و سکون میم

من وجدکم بکسر واو

اولات بضم همزه بدون واو

أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ۷

مزدهاشان را و فرمان پذیر باشید با یکدیگر به نیکوئی و اگر مضایقه کنید با یکدیگر پس شیر خواهد داد مر او را زنی دیگر

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ

تا انفاق کند صاحب وسعت از وسعتش و هر که تنگ کرده شد بر او روزیش پس انفاق کند از آنچه داد او را

اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۸

خدا تکلیف نکند خدا نفسی را بجز آنچه داد او را زود باشد که بگرداند خدا پس از دشواری آسانی را

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا

و بسا از قریه که سرکشی کرد از فرمان پروردگارش و رسولان او پس حساب کردیم آنرا حسابی سخت

وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا ۹ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا

و عذاب کردیم آنرا عذابی ناپسند پس چشید بدی کارش را و باشد انجام کارش

خُسْرًا ۱۰ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۱۱

زیانی آماده کرده خدا برای ایشان عذابی سخت را پس پرهیزید از خدا ای صاحبان خردها

الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَّسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ

آنانکه گرویده اند بتحقیق فرو فرستاد خدا بسوی شما ذکری را رسولی را که میخواند بر شما آیات

اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ

خدا را روشن است تا بیرون برد آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته از تاریکیها

إِلَى النُّورِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن

بسوی روشنی و هر که میگرود بخدا و میکند کاری شایسته درآورد او را بهشتها که میرود از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۱۲ اللَّهُ الَّذِي

زیر آنها نهرها جاودانند در آن همیشه بتحقیق نیکو کرد خدا برای او روزی را خداست آنکه

خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا

آفرید هفت آسمانها و از زمین مانند آنها فرود می آید امر میان آنها تا بدانید

أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

که خدا بر همه چیز تواناست و بدرستیکه خدا بتحقیق احاطه کرده بهمه چیزی از دانش

سورة التحريم اثنتا عشرة آية وهي مدنية (۶۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ

ای پیغمبر چرا حرام میگردانی آنچه را حلال کرد خدا برایت میجوئی خوشنودی زنانت و خدا

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۲ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ

آمرزنده مهربانست بتحقیق قرار داد برای شما خدا امر موجب حلال بودن سوگندهاتان و خدا ...

اسکنوهن یعنی ساکن گردانید زنان مطلقه را از آنجا که ساکن شده اید از وسع شما و قدر وسع شما یعنی بقدر غنا و فقر خود ... مسکن دهید پس غنی توسیع مسکن بقدر ... و فقیر بقدر فقر خود

یا اولی بضم همزه بمعنی صاحب

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره طلاق را بخواند ... و در حدیث از حضرت امام جعفر صادق ... خدا او را در قیامت ... از خوف ... آتش جهنم عافیت دهد و او را داخل بهشت ...

الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ٣ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ

دانای درستکردار و چون پنهان گفت پیغمبر با بعضی از ازواجش سخنی پس چون خبرداد بآن

وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ

و اظهار کرد خدا برای پیغمبر آن را بشناسانید برخی از آن را و روگردانید از بعضی پس چون خبر داد آن زن را گفت

مَنْ أَنْبَأَكَ هَٰذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ٤ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ

که خبر داد تو را این گفت خبر داد مرا دانای آگاه اگر بازگردید بسوی خدا پس بتحقیق گردید

قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ

دلهای شما دو تا و اگر همپشت شوید بر او پس بدرستیکه خدا او دوست یاور او و جبرئیل و صالح مؤمنان

وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ٥ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا

و فرشتگان پس از آن همه معین اند شاید پروردگار او اگر طلاق دهد شما را که بدل دهد او را زنانی

خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ

بهتر از شما زنان با اسلام با ایمان زنان اطاعت کننده و توبه نماینده پرستندگان روزه‌داران زنان بیوه

وَأَبْكَارًا ٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ

و دوشیزه ای آنانکه گرویدید نگهدارید نفسهای خود را و کسان را از آتشی که هیزمش مردمانند

وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ

و سنگها بر آنست فرشتگان درشت سخت نافرمانی نمیکنند خدا را آنچه فرمایدشان و میکنند

مَا يُؤْمَرُونَ ٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ

آنچه مامور میشوند ای آنانکه کافر شدید عذرخواهی مکنید امروز جز این نیست جزا داده میشوید آنچه بودید

تَعْمَلُونَ ٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ

میکردید ای آنانکه گرویدید بازگشت کنید بسوی خدا توبهٔ خالص شاید پروردگار شما

أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ

که درگذارد از شما بدیهای شما را و درآورد شما را در بهشتها که روانست از زیرش جویها روزیکه

لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

خوار نسازد خدا پیغمبر و آنانکه گرویدند با او نورشان میشتابد در میان دستها و بدست راستشان

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٩ يَا أَيُّهَا

میگویند ای پروردگار ما تمام گردان برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی ای

النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ

پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و سخت گیر بر ایشان و جایگاه ایشان دوزخ است و

بِئْسَ الْمَصِيرُ ١٠ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا

بد است آن بازگشت زده خدا مثلی برای آنانکه کافر شدند زن نوح و زن لوط بودند

تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

در تحت دو بنده از بندگان ما شایسته پس خیانت کردند ایشان را پس دفع نکردند از ایشان از خدا چیزی

وَإِذْ بکسر همزه و سکون ذال

مَنْ أَنْبَأَكَ بفتح همزه اول و سکون نون و فتح با و همزه دوم

سبحانه و تعالی یا ایها الذین آمنوا الی قدیر این آیه را در ظرف پاک سفید نویسد بمشک و زعفران خالص و آن را بگلاب بشوید و قدری شکر بآن اضافه کند و چهل روز هر روز بوقت افطار از آن آب قدری بخورد حقایق اشیاء او را معلوم شود و ما بعد و مع معلوم شود و غیر او معانی شود از ... و از عیوب پاک شود ...

صَالِحَيْنِ بفتح حا و سکون یا و کسر نون

وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ١١ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَ
و گفته شد در آیید در آتش با درآینده گان و زد خدا مثلی را برای آنانکه گرویدند زن
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ
فرعون را چون گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزدت خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون
وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ١٢ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ
و کردارش و نجات ده از گروه ستمکاران و مریم را دختر عمران که نگهداری کرد
فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ
عورتش را پس دمیدیم در او از روح ما و تصدیق کرد سخنان پروردگارش و کتابهای او را و بود
مِنَ الْقَانِتِينَ
از اطاعت کنندگان

سورة الملك ثلثون آية وهي مكية (٦٧)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
افزون آمد آنکه بدست اوست پادشاهی و او است بر همه چیزی توانا آنکه آفرید مرگ را
وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ٣ الَّذِي خَلَقَ
و زندگی را تا بیازماید شما را که کدام یک از شما خوبتر ند در کردار و اوست غالب آمرزنده آنکه آفرید
سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
هفت آسمانرا طبقه طبقه نبینی در آفرینش خدای بخشنده هیچ تفاوتی پس باز گردان چشم را
هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ٤ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
آیا می بینی هیچ نقصانی پس باز گردان چشم را کرهٔ بعد اخری که باز میگردد بسویت چشم ناکام
وَهُوَ حَسِيرٌ ٥ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
و او ست مانده شده و هر آینه بتحقیق آرایش دادیم آسمان دنیا را بچراغها و گردانیدیم آنها را زدن
لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ٦ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ
مر شیاطین و مهیا کردیم برای ایشان شکنجه آتش سوزنده و از برای آنانکه کافر شدند به پروردگارشان شکنجه
جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ٧ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ٨
جهنم و بد است انجام بازگشت چون افکنده شوند در آن بشنوند مر آنرا خروشی و آن بجوش آید
تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ٩
نزدیک شد پاره شود از خشم هر گاه افکنده شد در آن جمعی پرسیدند ایشانرا خازنان آیا نیامد شما را بیم کننده
قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي
گویند آری بتحقیق آمد ما را بیم کننده پس تکذیب کردیم و گفتیم و فرو نفرستاده خدا هیچ چیزی نیستید شما مگر در
ضَلَالٍ كَبِيرٍ ١٠ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ١١
گمراهی بزرگ و گفتند اگر بودیم که میشنیدیم یا میفهمیدیم نبودیم در اهل آتش سوزنده

فاعترفوا

سورة الملك ثلثون آية

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره ملک را در شب در نماز بخواند در سایه امان الهی باشد تا صبح شود و در روز قیامت در امان الهی باشد و داخل بهشت گردد ١٢

ينقلب بکسر لام و سکون با

فاعترفوا بذنبهم
پس اعتراف کنند بگناهان خود در آن روز که اقرار ایشان سودی ندارد پس دور گرداند خدا از رحمت خود یاران آتش را یعنی هرگز مستوجب رحمت نشوند از بی ایمانی کفار ...
بر زبان ...
نمود ...
من غضب الجبار
١٢

فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير ١٢ ان الذين يخشون ربهم بالغيب

پس اقرار کردند بگناهان خود پس دوری باد از رحمت مر اهل آتش سوزنده را بدرستیکه آنانکه میترسند از پروردگار خود نادیده

لهم مغفرة واجر كبير ١٣ واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات

برای ایشانست آمرزش و مزد بزرگ و پنهان دارید گفتار خود را یا آشکار کنید آن را بدرستیکه او داناست بسرایر

الصدور ١٤ الا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير ١٥ هو الذي جعل

سینها آگاه باشید میداند آنکه آفرید و اوست باریک بین آگاه اوست که گردانید

لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور ١٦

برای شما زمین را رام پس سیر کنید در اطراف آن و بخورید از روزی او و بسوی اوست بازگشت

ءامنتم من في السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور ١٧ ام امنتم من في

آیا ایمن شده اید از آنکه در آسمانست اگر فرو برد شما را بزمین پس آنگاه آن موج زند یا ایمن شدید از آنکه در

السماء ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون كيف نذير ١٨ ولقد كذب

آسمانست اگر بفرستد بر شما باد تند با سنگریزه پس زودی بدانید چگونه است بیم دهندهٔ من و هر آینه تکذیب کردند

الذين من قبلهم فكيف كان نكير ١٩ اولم يروا الى الطير فوقهم صافات

آنانکه بودند از پیش ایشان پس چگونه بود انکار کردن من آیا ندیدند بسوی پرندها بالای ایشان کشاینده گان

ويقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شيء بصير ٢٠ امن هذا الذي

و فراهم میآرند نمیدارد ایشانرا مگر خداوند بخشنده بدرستیکه او بهر چیز بیناست یا کیست آنکه

هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن ان الكافرون الا في غرور ٢١ امن

او لشکر است برای شما که یاری کند شما را از جز خدای بخشنده نیستند کافران مگر در فریب یا کیست

هذا الذي يرزقكم ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور ٢٢ افمن

آنکه روزی میدهد شما را اگر نگاه دارد روزی خود را بلکه لجاج کردند در سرکشی و سر باز زدن آیا پس آنکه

يمشي مكبا على وجهه اهدى امن يمشي سويا على صراط مستقيم ٢٣

راه میرود سرنگون بر روی خویش هدایت یافته تر است یا آنکه راه میرود ایستاده بر راه راست

قل هو الذي انشاكم وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما

بگو اوست که پدید آورد شما را و گردانید برای شما گوش و چشمها را و دلها را اندکی

تشكرون ٢٤ قل هو الذي ذراكم في الارض واليه تحشرون ٢٥ ويقولون

شکر میکنید بگو اوست آنکه پراکنده گردانید شما را در زمین و بسوی او حشر کرده میشوید و میگویند

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ٢٦ قل انما العلم عند الله وانما انا نذير

کی خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان بگو جز این نیست دانش نزد خدا و نیستم من مگر بیم کننده

مبين ٢٧ فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم

آشکار پس چون ببینند آن را نزدیک زشت شود روی آنانکه کافر شدند و گفته شود اینست آنکه بودید

به تدعون ٢٨ قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين

آنرا میخواستید بگو خبر دهید اگر هلاک سازد مرا خدا و آنکه با منست یا رحمت کند ما را پس کیست که پناه دهد کافران را

قوله تعالی شانه العزیز فلما راوه زلفة سیئت ...

ان الکافرون بکسر همزه و نون مخففه ...

من عذاب اليم ٢٩ قل هو الرحمن امنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو
از شکنجه دردناک | بگو اوست خدای بخشنده گرویدیم باو و براو توکل کردیم پس زود باشد که بدانید کیست او
في ضلال مبين ٣ قل ارايتم ان اصبح ماؤكم غورا فمن ياتيكم بماء معين
در گمراهی آشکار بگو خبر دهید اگر صبح گردد آب شما فرو رفته پس کیست که آورد شما را آب روان

سورة القلم اثنتان وخمسون اية وهي مكية (٦٨) نزلت بعد العلق

الا از آیه ١٧ تا آخر آیه ٣٣ و از آیه ٤٨ تا آخر آیه ٥٠ مدنیه

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

ن والقلم وما يسطرون ٢ ما انت بنعمة ربك بمجنون ٣ وان لك
بقلم و آنچه می نویسند | نیستی تو بنعمت پروردگارت دیوانه | و بدرستیکه مر تراست
لاجرا غير ممنون ٤ وانك لعلى خلق عظيم ٥ فستبصر ويبصرون ٦ بايكم
پاداشی بدون منت و بدرستیکه تو هر آینه بر خلقی بزرگی پس زود باشد که ببینی و ببینند که کدام از شما
المفتون ٧ ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ٨
جنونست بدرستیکه پروردگارت او داناتر است بآنکه گمراه شد از راهش و او داناتر است براه یافتگان
فلا تطع المكذبين ٩ ودوا لو تدهن فيدهنون ١٠ ولا تطع كل حلاف
پس فرمان مبر تکذیب کنندگان را آرزو کردند که کاش چرب زبانی و نرمی کنی پس چرب زبانی و نرمی کنند و فرمان مبر هر سوگند خور
مهين ١١ هماز مشاء بنميم ١٢ مناع للخير معتد اثيم ١٣ عتل بعد ذلك
خوار را عیب کننده رونده بسخن چینی را بازدارنده مر خیر را تعدی کننده بدکردار جفاکار بعد از آن
زنيم ١٤ ان كان ذا مال وبنين ١٥ اذا تتلى عليه اياتنا قال اساطير الاولين ١٦
حرامزاده را از آنکه هست صاحب مال و پسران چون خوانده شود بر او آیات ما گوید افسانهای پیشینیانست
سنسمه على الخرطوم ١٧ انا بلوناهم كما بلونا اصحاب الجنة اذ اقسموا ليصرمنها
زود داغ کنیم او را بر بینی بدرستیکه ما مبتلا کردیم ایشانرا چنانکه مبتلا کردیم اهل بستان را هنگامیکه سوگند خوردند که البته قطع کنند آنرا
مصبحين ١٨ ولا يستثنون ١٩ فطاف عليها طائف من ربك وهم نائمون ٢٠
قطع ثمرآن نمایند بامداد کنندگان و نگفتند انشاء الله پس آمد بر آن آسیبی از پروردگارت و آنها بودند خوابیدگان
فاصبحت كالصريم ٢١ فتنادوا مصبحين ٢٢ ان اغدوا على حرثكم ان كنتم
پس گردید مانند قطع ثمر شده پس ندا کردند یکدیگر را صبح کنندگان که بامداد بروید بر کشتزارتان اگر هستید
صارمين ٢٣ فانطلقوا وهم يتخافتون ٢٤ ان لا يدخلنها اليوم عليكم
قطع ثمر کنندگان پس رفتند و ایشان مشورت میکردند که درنیاید در آن امروز بر شما
مسكين ٢٥ وغدوا على حرد قادرين ٢٦ فلما راوها قالوا انا لضالون ٢٧
درمانده و بامداد رفتند بر منع توانایان پس چون دیدند آنرا گفتند بدرستیکه ما هر آینه گمراهانیم
بل نحن محرومون ٢٨ قال اوسطهم الم اقل لكم لولا تسبحون ٢٩ قالوا سبحان
بلکه ما بی بهره شدگان گفت بهتر ایشان آیا نگفتم مر شما را که چرا تسبیح نمیکنید گفتند منزه است

ربنا

ماؤكم بفتح همزه بدون واو بلا اشباع

ن مد میخواهد

از حضرت امام جعفر صادق ع روایت که هر کس که سوره والقلم را در فریضه یا نافله بخواند خدا او را ایمن گرداند از آنکه فقیر شود و چون بمیرد او را از فشار قبر نگاه دارد

ان كان بفتح همزه

ن: مشترکست ... ۱۲

ربنا انا كنا ظالمين ۳۰ فاقبل بعضهم على بعض يتلاومون ۳۱ قالوا يا
پروردگار ما در ستیکه بودیم ستمکاران پس رو کردند برخیشان بر برخی ملامت کنان گفتند ای
ويلنا انا كنا طاغين ۳۲ عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا
وای ما بدرستیکه ما بودیم زیاده روان شاید پروردگار ما که عوض بدهد بهتر از آن بدرستیکه ما بسوی پروردگار
راغبون ۳۳ كذلك العذاب ولعذاب الآخرة اكبر لو كانوا يعلمون ۳۴
رغبت دارندگانیم همچنان است عذاب و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است اگر باشند که دانند
ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم ۳۵ افنجعل المسلمين كالمجرمين ۳۶ ما
بدرستیکه مر پرهیزگاران نزد پروردگار ایشان بهشتهای پر نعمت است آیا پس میگردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران چه
لكم كيف تحكمون ۳۷ ام لكم كتاب فيه تدرسون ۳۸ ان لكم فيه لما تخيرون
مر شما را چگونه حکم میکنید یا مر شما راست کتابی که در آن میخوانید بدرستیکه در آن آنچه اختیار میکنید
ام لكم ايمان علينا بالغة الى يوم القيمة ان لكم لما تحكمون ۴۰ سلهم
یا مر شما راست سوگندها بر ما رسیده تا روز رستخیز بدرستیکه مر شما راست آنچه حکم میکنید بپرس ایشانرا
ايهم بذلك زعيم ۴۱ ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم ان كانوا صادقين
که کدام ایشان بدان کفیل است یا مر ایشانراست شریکان پس باید که بیاورند شریکان خود را اگر باشند راستگویان
يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون ۴۳ خاشعة
روزیکه کشف کرده شود از ساق و خوانده شوند بسجود پس نتوانند فرو رفته
ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون الى السجود وهم سالمون ۴۴
چشمهای ایشان فرو میگیرد ایشانرا خواری و بتحقیق بودند خوانده میشدند بسجود و ایشان بودند تندرستان
فذرني ومن يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ۴۵
پس واگذار مرا و آنکه تکذیب میکند این سخن را نزدیک در نورد ایشانرا مرتبه بمرتبه از آنجا که ندانند
واملي لهم ان كيدي متين ۴۶ ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ۴۷
و مهلت دهم ایشانرا بدرستیکه مکر من محکم است یا میخواهی از ایشان مزدی پس ایشان از غرامت تاوان گرانبارانند
ام عندهم الغيب فهم يكتبون ۴۸ فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت
یا نزد ایشان است غیب پس ایشان می نویسند پس صبر کن مر حکم پروردگار خود را و مباش مانند رفیق ماهی
اذ نادى وهو مكظوم ۴۹ لولا ان تداركه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو
هنگامیکه ندا کرد و او بود پر شده از خشم اگر نه آن بود که دریافتی او را نعمتی از پروردگارش هر آینه انداخته شده بود بصحرا و او
مذموم ۵۰ فاجتبيه ربه فجعله من الصالحين ۵۱ وان يكاد الذين كفروا
بود مذمت کرده شده پس برگزید او را پروردگارش پس گردانید او را از شایستگان و بدرستیکه نزدیک بود آنانکه کافر شدند
ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون ۵۲ وما هو
هر آینه بلغزانند ترا بچشمهای ایشان چون شنیدند قرآن را و میگفتند او هر آینه دیوانه است و نیست آن
الا ذكر للعالمين سورة الحاقة اثنتان وخمسون آية وهي مكية
مگر پندی مر جهانیان را

وان يكاد الذين كفروا ... (حاشیه)

۴۲

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بخشنده مهربان

الحاقة ۲ ما الحاقة ۳ وما ادریك ما الحاقة ۴ كذبت ثمود وعاد
آن بیشک بوقوع آینده وچه چیز است بوقوع آینده وچه دانا کرد ترا که چیست بوقوع آینده تکذیب نمودند ثمود وعاد

بالقارعة ۵ فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية ۶ واما عاد فاهلكوا بريح
آن درهم کوبنده پس هلاک شدند بعقوبت زیاده از حد واما عاد پس هلاک شدند ببادی

صرصر عاتية ۷ سخرها عليهم سبع ليال وثمانية ايام حسوما فترى القوم
تند از حد که برگماشت آنرا بر ایشان هفت شب وهشت روز پی در پی پس دیدی آن گروه را

فيها صرعى كانهم اعجاز نخل خاوية ۸ فهل ترى لهم من باقية ۹ وجاء
در آن افتاده که گویا ایشان بودند تنه های درخت خرمای افتاده پس آیا می بینی مر ایشانرا از باز مانده و آمد

فرعون ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة ۱۰ فعصوا رسول ربهم فاخذهم
فرعون و آنکه بود پیش از آن و زیر و زبر شده ها بگناه پس نافرمانی کردند رسول پروردگارشان پس گرفتشان

اخذة رابية ۱۱ انا لما طغا الماء حملناكم في الجارية ۱۲ لنجعلها لكم
گرفتنی افزون در سختی بدرستیکه ما چون طغیان کرد آب برداشتیم شما را در کشتی تا بگردانیم آنرا برای شما

تذكرة وتعيها اذن واعية ۱۳ فاذا نفخ في الصور نفخة واحدة ۱۴ و
پندی و یاد گیرد آنرا گوش یاد گیرنده پس چون دمیده شود در صور دمیدنی یکمرتبه و

حملت الارض والجبال فدكتا دكة واحدة ۱۵ فيومئذ وقعت الواقعة ۱۶
برداشته شود زمین و کوهها پس هم زده شود بهم زدنی یکمرتبه پس آنروز واقع شود آن بوقوع آینده

وانشقت السماء فهي يومئذ واهية ۱۷ والملك على ارجائها ويحمل
و بشکافد آسمان پس آنست آنروز سست و فرشته باشد بر اطرافش و بردارد

عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ۱۸ يومئذ تعرضون لا تخفى منكم
عرش پروردگار ترا بر بالای ایشان آنروز هشت تا آنروز عرض کرده میشوید پنهان نمیماند از شما

خافية ۱۹ فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرؤا كتابيه ۲۰ اني
پنهانی پس اما آنکه داده شد نامه اش بدست راستش پس میگوید بگیرید بخوانید نامه مرا بدرستیکه

ظننت اني ملاق حسابيه ۲۱ فهو في عيشة راضية ۲۲ في جنة عالية ۲۳
من دانسته بودم که من دریابنده ام حسابم را پس او در عیشی پسندیده در بهشت عالی

قطوفها دانية ۲۴ كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية ۲۵
که میوه اش نزدیکست بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه فرستادید پیش در روزهای گذشته

واما من اوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ۲۶ ولم ادر ما
و اما آنکه داده شد نامه اش بدست چپش پس میگوید ایکاش داده نشده بودم نامه ام را و ندانسته بودم که چیست

حسابيه ۲۷ يا ليتها كانت القاضية ۲۸ ما اغنى عني ماليه ۲۹ هلك عني
حسابم ایکاش آن میبود آن قاطع کفایت نکرد از من مالم زایل شد از من

در مجمع از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که بسیار بخوانید سوره الحاقه را در فرایض و نوافل زیرا که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان بخدا و رسول است زیرا که این سوره در حق حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و معاویه علیه اللعنه نازل شده و هر که این سوره را بخواند ایمانش از او بیرون نشود تا آنکه ملاقات کند خدای عزوجل را ۱۲

هاؤم بفتح همزه بلا اشباع

کتابیه بسکون ها

حسابیه بسکون ها

اقرؤا بفتح همزه ثانیه بالاشباع

اوتی بفتح همزه وسکون واو

کتابیه و حسابیه و مالیه بسکون ها

سلطانیه

سُلْطَانِيَهْ ٣٠ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣١ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣٢ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا
تسلطم بگیرید اورا پس غل کنید اورا پس در جحیم اندازید اورا پس در زنجیری که درازی آن

سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ٣٣ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ٣٤ وَلَا يَحُضُّ
هفتاد ذراع است در کشید اورا بدرستیکه او بود که نمی گروید بخدای بزرگ و ترغیب نمی کرد

عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ٣٥ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ٣٦ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ
بر طعام دادن درمانده پس نیست مراورا امروز در اینجا خویشی و نه خوراکی مگر از

غِسْلِينٍ ٣٧ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ٣٨ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ٣٩ وَمَا لَا
زرداب دوزخیان که نمی خورد آنرا مگر گناهکاران پس سوگند میخورم بآنچه می بینید و آنچه

تُبْصِرُونَ ٤٠ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٤١ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ٤٢
نمی بینید بدرستیکه او هر آینه گفت رسول گرامیست و نیست او بگفت شاعری اندکی که می گروید

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٤٣ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٤ وَلَوْ تَقَوَّلَ
و نه بگفتار غیب گوی اندکی پند میگیرید فرو فرستاده ایست از پروردگار جهانیان و اگر بسته بود

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ٤٥ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ٤٦ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ٤٧
بر ما برخی از سخنان را هر آینه گرفته بودیم از او دست راست را پس بریده بودیم از او رگ گردن را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ٤٨ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ٤٩ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ
پس نبود از شما هیچ کس مانعان و آن هر آینه پندیست مر پرهیزکاران را و ما هر آینه میدانیم که از شما

مُكَذِّبِينَ ٥٠ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ٥١ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ٥٢ فَسَبِّحْ بِاسْمِ
تکذیب کنندگان و بدرستیکه آن حسرتیست بر کافران و بدرستیکه آن حق الیقین پس تسبیح کن بنام

رَبِّكَ الْعَظِيمِ
پروردگارت که بزرگست

سُورَةُ الْمَعَارِجِ أَرْبَعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (٧٠)

نزلت بعد الحاقة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ٢ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ٣ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ
طلبید طلب کننده بعذابی که بوقوع آینده است مر کافرانرا نیست مراورا دفع کننده از خدای صاحب معارج

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٥
بالا میروند فرشتگان و روح بسوی او در روزی که هست اندازه آن پنجاه هزار سال

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٦ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ٧ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ٨ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ
پس صبر کن صبری نیکو بدرستیکه ایشان می بینند آنرا دور و می بینیم آنرا نزدیک روزی که میشود آسمان

كَالْمُهْلِ ٩ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ١٠ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ١١ يُبَصَّرُونَهُمْ
مانند مس گداخته و میشود کوهها مانند پشم و نپرسد خویشی از خویشی بنمایانند ایشانرا

يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ١٢ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ١٣
آرزو کند گناهکار کاش فدا میداد از شکنجه روز چنین پسرانش را و زنش را و برادرش را

سلطانیه بسکون ها
فی سلسلة بکسر هر دو سین
حضرت رسول فرموده که هر کس سوره الحاقه بخواند خدا بدهد او را ثواب ...
الخاطئون بضم همزه و سکون واو ما بعد آن
... اگر کسی این سوره را بخواند ...
یبصرونهم بتشدید صاد
یومئذ بکسر میم

وفضيلته

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ١٤ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ١٥ كَلَّا إِنَّهَا

لَظَىٰ ١٦ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ١٧ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ١٨ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ١٩ إِنَّ

الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ٢٠ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ٢١ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ٢٢

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ٢٣ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ٢٤ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ

حَقٌّ مَعْلُومٌ ٢٥ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ٢٦ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ٢٧

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ٢٨ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ٢٩

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ٣٠ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ٣١ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ٣٢

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ٣٣ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ٣٤

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ٣٥ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ ٣٦ فَمَالِ الَّذِينَ

كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ٣٧ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ٣٨ أَيَطْمَعُ كُلُّ

امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ٣٩ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ٤٠ فَلَا أُقْسِمُ

بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ٤١ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٤٢

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ٤٣ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ٤٤ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

سورة نوح تسع وعشرون آية وهي مكية

نزلت بعد النحل

ينجيه: بفتح يا وسكون نون

يحافظون: يعني رعايت اوقات و اركان نماز ميكنند و بر طبق روايت كافي از امام محمد باقر عليه السلام مراد ازاين نماز نوافل است و بر وفق روايت مجمع البيان از حضرت كاظم عليه السلام نماز است كه مجموع نماز پنجگانه است شبانه روزی و نوافل نماز است و چنانكه مذكور در اين روايت محمول بر بيان سوره دائمون و يحافظون هر دو باشد سابقى در روايت اول نيز خواهد بود

قبلك: بكسر قاف وفتح با ولام

عزين: بكسر عين وزاء نقطه دار

بسم الله الرحمن الرحیم ۱

بنام خدای بخشندهٔ مهربان

اِنّا اَرسَلنا نوحًا اِلی قَومِهِ اَن اَنذِر قَومَکَ مِن قَبلِ اَن یَاتِیَهُم عَذابٌ اَلیمٌ ۲

بدرستیکه ما فرستادیم نوح را بسوی قومش که بترسان قومت را از پیش آنکه آید ایشان را عذابی دردناک

قالَ یا قَومِ اِنّی لَکُم نَذیرٌ مُبینٌ ۳ اَنِ اعبُدُوا اللهَ وَاتَّقوهُ وَاَطیعونِ ۴

گفت ای قوم بدرستیکه من مر شما را بیم دهنده آشکارم آنکه بپرستید خدا را و بپرهیزید او را و فرمان برید مرا

یَغفِر لَکُم مِن ذُنوبِکُم وَیُؤَخِّرکُم اِلی اَجَلٍ مُسَمًّی اِنَّ اَجَلَ اللهِ اِذا جاءَ لا یُؤَخَّرُ

می آمرزد شما را از گناهانتان و باز دارد شما را بسوی مدت نام برده شده بدرستیکه مدت خدا چون آمد تاخیر کرده نشود

لَو کُنتُم تَعلَمونَ ۵ قالَ رَبِّ اِنّی دَعَوتُ قَومی لَیلًا وَنَهارًا فَلَم یَزِدهُم

اگر باشید که بدانید گفت پروردگارا من خواندم قوم را شب و روز پس نیفزود ایشان را

دُعائی اِلّا فِرارًا ۶ وَاِنّی کُلَّما دَعَوتُهُم لِتَغفِرَ لَهُم جَعَلوا اَصابِعَهُم

خواندنم جز گریختن را و بدرستیکه من هرگاه خواندم ایشان را که بیامرزی ایشان را کردند انگشتهاشان را

فی آذانِهِم وَاستَغشَوا ثِیابَهُم وَاَصَرّوا وَاستَکبَروا استِکبارًا ۷ ثُمَّ اِنّی

در گوشهایشان و بسر در کشیدند جامهاشان و اصرار کردند در سرکشی سرکشی کردنی پس بدرستیکه

دَعَوتُهُم جِهارًا ۸ ثُمَّ اِنّی اَعلَنتُ لَهُم وَاَسرَرتُ لَهُم اِسرارًا ۹ فَقُلتُ استَغفِروا

خواندم ایشان را آشکارا پس بدرستیکه من آشکار گفتم مر ایشان را و پنهان گفتم مر ایشان را پنهان گفتنی پس گفتم آمرزش خواهید

رَبَّکُم اِنَّهُ کانَ غَفّارًا ۱۰ یُرسِلِ السَّماءَ عَلَیکُم مِدرارًا ۱۱ وَیُمدِدکُم بِاَموالٍ

پروردگار را بدرستیکه او آمرزنده باشد میفرستد ابر را بر شما بی در پی بارانده و مدد میکند شما را بمالها

وَبَنینَ وَیَجعَل لَکُم جَنّاتٍ وَیَجعَل لَکُم اَنهارًا ۱۲ ما لَکُم لا تَرجونَ لِلهِ وَقارًا ۱۳

و فرزندان و میگرداند برای شما بهشتها و قرار میدهد برای شما جویها چیست مر شما را که امید ندارید بخدا عظمت

وَقَد خَلَقَکُم اَطوارًا ۱۴ اَلَم تَرَوا کَیفَ خَلَقَ اللهُ سَبعَ سَماواتٍ طِباقًا ۱۵ وَ

و بتحقیق آفرید شما را طورها آیا ندیدید چگونه آفرید خدا هفت آسمان را برزبر یکدیگر و

جَعَلَ القَمَرَ فیهِنَّ نورًا وَجَعَلَ الشَّمسَ سِراجًا ۱۶ وَاللهُ اَنبَتَکُم مِنَ الاَرضِ نَباتًا ۱۷

گردانید ماه را در آنها روشنی و گردانید شمس را چراغ و خدا رویانید شما را از زمین رستنی

ثُمَّ یُعیدُکُم فیها وَیُخرِجُکُم اِخراجًا ۱۸ وَاللهُ جَعَلَ لَکُمُ الاَرضَ بِساطًا ۱۹ لِتَسلُکوا

باز میبرد شما را در آن و بیرون میآورد شما را بیرون آوردنی و خدا گردانید برای شما زمین را گسترده تا آمد و رفت نمائید

مِنها سُبُلًا فِجاجًا ۲۰ قالَ نوحٌ رَبِّ اِنَّهُم عَصَونی وَاتَّبَعوا مَن لَم یَزِدهُ مالُهُ وَ

از آن راههای گشاده را گفت نوح پروردگارا بدرستیکه آنها نافرمانی کردند مرا و پیروی کردند آنرا که نیفزود او را مالش و

وَلَدُهُ اِلّا خَسارًا ۲۱ وَمَکَروا مَکرًا کُبّارًا ۲۲ وَقالوا لا تَذَرُنَّ آلِهَتَکُم وَلا تَذَرُنَّ

فرزندش بجز زیان و کید کردند کید بزرگ و گفتند وامگذارید البته خدایان را و وامگذارید البته

وَدًّا وَلا سُواعًا ۲۳ وَلا یَغوثَ وَیَعوقَ وَنَسرًا ۲۴ وَقَد اَضَلّوا کَثیرًا وَلا تَزِدِ

وَدّ را و نه سواع را و نه یغوث و یعوق و نسر را و بتحقیق گمراه کردند بسیاری را و میفزای

الظّالِمینَ

واطیعونِ بکسر نون

یؤخرکم بنکون دا

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که ایمان بخدا و بخواندن قرآن دارد باید که قرائت سورهٔ نوح را ترک ننماید هر دستی که بر بنده ای که این سوره را دین از روی حق باستی بخواند خدا او را در بیت من نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دویست حوریه و چهار هزار زن با او تزویج فرماید

اِلّا فِرارًا باکسر نون

اَنبَتَکُم بتقدیم نون بر با

نَباتًا بتقدیم نون بر با

آلِهَتَکُم بدو الف و کسر لام

الظَّالِمِينَ اِلَّا ضَلَالًا ٢٥ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ اُغْرِقُوا فَاُدْخِلُوا نَارًا ٢٦ فَلَمْ يَجِدُوا
ستمکاران را بجز گمراهی از گناهانشان غرق کرده شدند پس آورده شدند در آتش پس نیافتند

لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَنْصَارًا ٢٧ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْاَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ
مر ایشان را از غیر خدا یاوران و گفت نوح پروردگارا وامگذار بر زمین از کافران

دَيَّارًا ٢٨ اِنَّكَ اِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا اِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ٢٩ رَبِّ
دیاری را بدرستیکه تو اگر واگذاری ایشانرا گمراه کنند بندگانت را و نزایند بجز بدکار ناسپاس پروردگارا

اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ
بیامرز مرا و والدینم را و آنرا که درآید در خانه ام مؤمن و مردان مؤمن و زنان مؤمنه را و میفزای

الظَّالِمِينَ اِلَّا تَبَارًا

سورة الجن ثمان وعشرون آية وهي مكية (٧٢)

ستمکاران را جز هلاکت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ اُوحِيَ اِلَيَّ اَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا اِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا ٢ يَهْدِي
بگو وحی شد بمن که شنیدند طایفه از جن پس گفتند بدرستیکه ما شنیدیم قرآنی عجب که راه نمود

اِلَى الرُّشْدِ فَاٰمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا اَحَدًا ٣ وَاَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ
بسوی راستی پس گرویدیم بآن و هرگز شرک نیاوریم بپروردگارمان احدیرا و آنکه برتر آمد عظمت پروردگارما نگرفته

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ٤ وَاَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللّٰهِ شَطَطًا ٥ وَاَنَّا ظَنَنَّا
زنی و نه فرزندی و آنکه بود که میگفت کم خردما بر خدا سخن دور از صواب و آنکه ما پنداشتیم

اَنْ لَنْ تَقُولَ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ٦ وَاَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْاِنْسِ يَعُوذُونَ
که هرگز نگویند انس و جن بر خدا دروغی را و آنکه بودند مردانی از انس که پناه میبردند

بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ٧ وَاَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللّٰهُ
بمردانی از جن پس افزودایشانرا فزونی و آنکه ایشان پنداشتند چنانکه پنداشتید که هرگز برنینگیزد خدا

اَحَدًا ٨ وَاَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ٩ وَاَنَّا
احدیرا و آنکه ما جستیم آسمانرا پس یافتیم آنرا پر شده از نگهبانان سخت و تیرهای شهاب و آنکه

كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْاٰنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ١٠
بودیم ما می نشستیم از آن نشستنها برای گوش کردن پس هر که استماع نماید اکنون مییابد برای دیده شهابی منتظر

وَاَنَّا لَا نَدْرِي اَشَرٌّ اُرِيدَ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ١١ وَاَنَّا
و آنکه ما نمیدانیم که آیا شری خواسته شد بآنکه در زمینست یا خواست بایشان پروردگارشان خیری و آنکه

مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذٰلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا ١٢ وَاَنَّا ظَنَنَّا اَنْ لَنْ
برخی از ما شایستگانند و برخی از ما غیر آنند هستیم طوایف جدا جدا و آنکه ما پنداشتیم که هرگز

نُعْجِزَ اللّٰهَ فِي الْاَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ١٣ وَاَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى اٰمَنَّا بِهِ فَمَنْ
عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و هرگز عاجز نخواهیم کرد او را بگریز و آنکه ما چون شنیدیم هدایت را گرویدیم بآن پس هر که

بیتی بفتح یاء آخیر

نصف الحزب

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که هر که سوره جن را بسیار بخواند در دنیا از چشم جنیان و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد و در بهشت از رفقای حضرت رسول صلعم باشد و منقول از حضرت ختمی مآب مرویست که هر که سوره الجن را بخواند بعدد هر جنی و شیاطینی که تصدیق و تکذیب او کرده اند بنده آزاد کرده باشد

يؤمن

يؤمن بربه فلا يخاف بخساً ولا رهقاً ١٤ وانا منا المسلمون ومنا القاسطون

بگرود بپروردگارش پس نترسد نه نقصانی و نه ذلتی — و آنکه برخی از ما مسلمانند و برخی از ما تعدی پیشگانند

فمن اسلم فاولئك تحروا رشداً ١٥ واما القاسطون فكانوا لجهنم حطباً

پس آنکه انقیاد ورزید پس آنها جوییدند راه نجات را — و اما تعدی کنندگان پس باشند برای جهنم هیمه

وان لو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقاً ١٧ لنفتنهم فيه

و آنکه اگر مستقیم شده بودند بر راهی — هر آینه می‌آشامیدیم ایشان را آب بسیار — تا بیازماییم ایشان را در آن

ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذاباً صعداً ١٨ وان المساجد لله فلا

و هر که روگردانید از ذکر ربش — در می‌آورد او را در شکنجه سخت — و آنکه مسجدها برای خداست پس

تدعوا مع الله احداً ١٩ وانه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون

مخوانید با خدا احدی را — و آنکه چون برخاست بنده خدا میخواند او را نزدیک بود که شوند

عليه لبداً ٢٠ قل انما ادعوا ربي ولا اشرك به احداً ٢١ قل اني لا املك

بر وی همه افتاده — بگو جز این نیست میخوانم پروردگارم را و شریک نمیسازم با او احدی را — بگو مالک نیستم

لكم ضراً ولا رشداً ٢٢ قل اني لن يجيرني من الله احد ٢٣ ولن اجد من دونه ملتحداً

برای شما ضرری را و نه هدایتی را — بگو من هرگز در پناه نگیرد مرا از خدا احدی را — و هرگز نیابم از جز او گریزگاهی

الا بلاغاً من الله ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فان له نار جهنم خالدين

مگر رسانیدن از خدا و پیغامهایش — و هر که نافرمانی کرد خدا و رسولش را پس مر او راست آتش جهنم جاویدان

فيها ابداً ٢٥ حتى اذا راوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصراً واقل

در آن جاویدند — تا چون ببینند آنچه را که وعده داده شده بودند پس زود باشد که بدانند کیست ناتوان‌تر از یاور و کمتر

عدداً ٢٦ قل ان ادري اقريب ما توعدون ام يجعل له ربي امداً عالم الغيب

در شمار — بگو نمیدانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده میشوید یا میگرداند برای آن پروردگارم مدتی — داننده نهان

فلا يظهر على غيبه احداً ٢٧ الا من ارتضى من رسول فانه يسلك من بين يديه

پس مطلع نسازد بر غیب خود احدی را — مگر کسیکه پسندید او را از رسولی پس در می‌آورد از پیش رویش

ومن خلفه رصداً ٢٨ ليعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم

و از پشتش نگهبانی را — تا بداند که رسانیدند پیغامهای پروردگارشان را و احاطه کرد بآنچه نزد ایشانست

واحصى كل شيء عدداً

و ضبط کرد همه چیز را از راه شمار

سورة المزمل عشرون آية وهي مكية (٧٣)

١١ آيات ١٠ — ٣٠ قمری تراث بعد الفتح

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يا ايها المزمل ٢ قم الليل الا قليلاً ٣ نصفه او انقص منه قليلاً ٤ او زد

ای گلیم برخود پیچیده — برخیز شب را مگر اندکی — نصف او یا کم کن از آن اندکی — یا بیفزا

عليه ورتل القرآن ترتيلاً ٥ انا سنلقي عليك قولاً ثقيلاً ٦ ان ناشئة

بر او و بشمرده بخوان قرآن را شمردنی — بدرستیکه ما زود باشد القا کنیم بر تو سخنی گران — بدرستیکه برخاستن

یعوذونک

در تفسیر علی بن ابراهیم از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که در این باب فرموده کان الرجل ینطلق الی الکاهن الذی یوحی الیه الشیطان فیقول قل لشیطانک ان فلاناً قد عاذ بک

ابو العزیز

از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر کس سوره المزمل را در نماز عشاء یا در آخر شب بخواند روز با آن سوره حشر گردد و خداوند او را بازندگی پاکیزه زنده دارد و بمیرد نیکو بمیراند

١٢

بحیر نقل شد که چون کسی از عرب در وادی سهمناکی وارد میشد میگفت اعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه

١٢

المزمل بتشدید زاء هید دو مزید

اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ٧ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ٨ وَاذْكُرِ
شب آن سخت تر است در دشواری و درست تر از راه گفتن بدرستیکه مر ترا در روز آمد شد دراز و یاد کن
اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ٩ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ
نام پروردگارت را و منقطع شو بسوی وی منقطع شدنی پروردگار مشرق و مغرب هاست نیست خدائی بجز او پس بگیر او را
وَكِيلًا ١٠ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ١١ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ
وکیل و صبر کن بر آنچه میگویند و جدا شو از ایشان جدا شدنی نیکو و واگذار مرا با تکذیب کنندگان
أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ١٢ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ١٣ وَطَعَامًا
صاحبان نعمت و مهلت ده ایشان را اندکی بدرستیکه نزد ماست بندهای گران و جهنم و خوراکی
ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ١٤ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ
صاحب گلوگیر و شکنجه دردناک روزیکه بلرزه در آید زمین و کوهها و گردد کوهها
كَثِيبًا مَهِيلًا ١٥ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ
مانند توده های ریگ پراگنده بدرستیکه ما فرستادیم بسوی شما رسولی گواه بر شما آنچنانکه فرستادیم بسوی
فِرْعَوْنَ رَسُولًا ١٦ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ١٧
فرعون رسولی پس نافرمانی کرد فرعون رسول را پس گرفتیم او را گرفتنی سخت
فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ١٨ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ
پس چگونه پرهیز خواهید کرد اگر کافر شدید روزیکه میگرداند کودکان را پیر آسمان شکافته شده است
بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ١٩ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ٢٠
بآن باشد وعده او کرده شده بدرستیکه این پندیست پس هر که خواست گرفت بسوی پروردگارش راهی
إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ
بدرستیکه پروردگارت میداند که تو برمیخیزی کمتر از دو ثلث شب و نصفش و ثلثش و طایفه
مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ
از آنانکه با تواند و خدا اندازه میکند شب و روز را دانست که ضبط نتوانند کرد آنرا پس بازگشت
عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ ۙ وَآخَرُونَ
بر شما پس بخوانید آنچه میسر شود از قرآن دانست که خواهند شد از شما بیماران و دیگران
يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ۙ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
سیر خواهند کرد در زمین میجویند از کرم خدا و دیگران کارزار میکنند در راه
اللَّهِ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۚ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا
خدا پس بخوانید آنچه میسر شود از آن و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید
اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ
خدا را وامی نیکو و آنچه مقدم دارید برای خودها از خیر میابید آنرا نزد
اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
خدا او بهتر است و بزرگتر است از راه پاداش و آمرزش خواهید از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

اولي بفتح همزه بدل واو
النعمة بفتح نون
وجحيما بتقدير جيم برجا

من ثلثي بتقدير ثا برجا

فاقرؤا بفتح همزه و سکون واو با اشباع

فاقرؤا بفتح همزه و سکون واو با اشباع

واقرضوا بفتح همزه قطع و کسر را

سورة المدثر خمس وخمسون آية وهي مكية (۷۴) نزلت بعد المزمل

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

يا ايها المدثر ۱ قم فانذر ۲ وربك فكبر ۳ وثيابك فطهر ۴ والرجز فاهجر ۵
ای گلیم بخود پیچیده برخیز پس بیم ده و پروردگارت را پس بزرگی یاد کن و جامهات را پس پاک کن و پلیدی را پس دور کن

ولا تمنن تستكثر ۶ ولربك فاصبر ۷ فاذا نقر في الناقور ۸ فذلك
و عطا مکن که بسیار شماری و برای پروردگارت پس صبر کن پس چون دمیده شود در ناقور پس این

يومئذ يوم عسير ۹ على الكافرين غير يسير ۱۰ ذرني ومن خلقت وحيدا ۱۱
آن روز روز دشوار است بر کافران غیر آسان نیست واگذار مرا و آنکه آفریدم تنها

وجعلت له مالا ممدودا ۱۲ وبنين شهودا ۱۳ ومهدت له تمهيدا ۱۴
و گردانیدم مر او را مالی فراوان و پسران حاضر و سامان دادم مر او را سامان دادنی

ثم يطمع ان ازيد ۱۵ كلا انه كان لاياتنا عنيدا ۱۶ سارهقه صعودا ۱۷
پس طمع دارد که زیاد کنم نچنانست بدرستیکه او باشد مر آیتهای ما را منکر بزودی بگیرانمش در گردنگاهی دشوار

انه فكر وقدر ۱۸ فقتل كيف قدر ۱۹ ثم قتل كيف قدر ۲۰ ثم نظر ۲۱ ثم
بدرستیکه او فکر کرده و قرار داد پس کشته شد چگونه قرار داد پس کشته شد چگونه قرار داد پس نظر کرد پس

عبس وبسر ۲۲ ثم ادبر واستكبر ۲۳ فقال ان هذا الا سحر يؤثر ۲۴ ان هذا
رو گردانید و روی ترش کرد پس پشت کرد و سرکشی کرد پس گفت نیست این بجز جادوئی که آموخته شود نیست این

الا قول البشر ۲۵ سأصليه سقر ۲۶ وما ادريك ما سقر ۲۷ لا تبقي و
بجز گفتار آدمی بزودی اندازیم او را بجهنم و چه دانا کرد تو را که چیست جهنم نه باقی میگذارد

لا تذر ۲۸ لواحة للبشر ۲۹ عليها تسعة عشر ۳۰ وما جعلنا اصحاب
و نه وامیگذارد سیاه کننده است مر پوست را بر آنست نوزده فرشته و نگردانیدیم یاران

النار الا ملئكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين
آتش بجز فرشتگان و نگردانیدیم عدد ایشان را مگر محنتی مر آنان را که کافر شدند تا یقین کنند آنانکه

اوتوا الكتاب ويزداد الذين امنوا ايمانا ۳۱ ولا يرتاب الذين اوتوا الكتاب
داده شدند کتاب را و افزاید آنان را که گرویدند ایمان و شک نیاورند آنانکه داده شدند کتاب را

والمؤمنون ۳۲ وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد
و گروندگان و تا گویند آنانکه در دلهاشان مرضست و کافران که چه خواست

الله بهذا مثلا ۳۳ كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم
خدا باین از رهگذر مثل همچنین گمراه میکند خدا آنرا که میخواهد و راه مینماید هر کرا میخواهد و نمیداند

جنود ربك الا هو وما هي الا ذكرى للبشر ۳۴ كلا والقمر ۳۵ والليل اذ ادبر
لشکرهای پروردگارت بجز او و نیست این بجز پند مر آدمیرا نچنانست قسم بقمر و شب چون پشت کند

والصبح

المدثر: بتشدید دال و ثاء مثلثه

از حضرت امام جعفر صادق سلام الله علیه مرویست که هر که سورهٔ المدثر را در واجب بخواند … رسول الله … در دنیا بد …

یؤثر: بضم یا و سکون همزه

اوتوا: بضم همزه و سکون واو با اشباع

اذ ادبر: بکسر همزه و سکون ذال بعد از الف و فتح همزه ادبر در قرائت معتبره

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ٣٨ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ ٣٩ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ٤٠ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ
وصبح چون روشن شود که آنست هر آینه از عظیمها بیم دهنده مر انسانرا برای آنکه خواهد از شما

أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ٤١ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ٤٢
که پیش رود یا پس ماند هر نفسی بانچه کسب میکند در گرو است بجز یاران دست راست

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ٤٣ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ٤٤ قَالُوا
در بهشتها میپرسند از گناهکاران که چه چیز درآورد شما را در جهنم گفتند

لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ٤٥ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ٤٦ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ٤٧
نبودیم از نمازگزارندگان و نبودیم که طعام دهیم درمانده را و بودیم که صحبت میداشتیم با صحبت داران

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ٤٨ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ٤٩ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ
و بودیم که تکذیب میکردیم بروز جزا تا آمد ما را مرگ پس سود نبخشد ایشانرا شفاعت

الشَّافِعِينَ ٥٠ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ ٥١ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ
درخواست کنندگان پس چیست مر ایشانرا که از پند روگردانند گویا ایشان خرهای رمیده

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ٥٢ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً ٥٣
که گریخته باشند از شیر بلکه میخواهد هر مردی از ایشان که داده شود نامهای گشاده شده

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ٥٤ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ٥٥
بحق نیست بلکه نمیترسند از آخرت بحق است بدرستیکه آن پندیست پس آنکه خواهد پند گیرد از او

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ
و پند نمیگیرند بجز که آنکه خواهد خدا اوست اهل تقوی و اهل آمرزش

سورة القيمة اربعون اية وهي مكية (٧٥)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ٢ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ٣ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ
قسم یاد میکنم بروز رستخیز و قسم یاد میکنم بنفس ملامت کننده آیا گمان میکند آدمی که

لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ٤ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ٥ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ
هرگز جمع نمیکنیم استخوانهای او را بلی توانائیم بر آنکه راست کنیم سر انگشتان او را بلکه میخواهد آدمی

لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ٦ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ٧ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ٨ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ٩
تا کار بد کند در پیش خویش میپرسد که کی خواهد بود روز رستخیز پس چون خیره گردد چشم و تیره گردد ماه

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ١٠ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ١١ كَلَّا لَا وَزَرَ ١٢
و جمع کرده شود آفتاب و ماه میگوید آدمی در آن روز کو جای گریز بحق نیست جای پناهی

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ١٣ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ١٤ بَلِ
بسوی پروردگار تست آن روز جای قرار خبر داده شود آدمی آنروز بآنچه پیش فرستاده و باز پس داشت بلکه

لاحدی الکبر بفتح لام و کسر همزه

اصحاب الیمین: در مجمع البیان بروایت از امام محمد باقر علیه السلام مذکور است که نحن و شیعتنا اصحاب الیمین او شیعیان ما اصحاب دست راستیم

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ لا اقسم را مداومت نماید و بآن عمل کند خداوند او را با حضرت رسول محشور گرداند در بهترین صورتها و او را ببهشت بشارت فرماید خندد تا او را از صراط بگذراند

الانسان على نفسه بصيرة ١٥ ولو القى معاذيره ١٦ لا تحرك به لسانك
آدمی برخود دانشی بینا است واگرچه القا کند عذرهای خویش را حرکت مده بآن زبانت را
لتعجل به ١٧ ان علينا جمعه وقرانه ١٨ فاذا قراناه فاتبع قرانه ١٩ ثم ان
که شتاب کنی بآن بدرستیکه بر ما است فراهم کردنش وخواندنش پس چون خواندیم او را پس پیروی کن خواندنش را پس بدرستیکه
علينا بيانه ٢٠ كلا بل تحبون العاجلة ٢١ وتذرون الاخرة ٢٢ وجوه
بر ما است بیانش نچنانست بلکه دوست میدارید زود را و وامیگذارید آخرت را روهایست
يومئذ ناضرة ٢٣ الى ربها ناظرة ٢٤ ووجوه يومئذ باسرة ٢٥ تظن ان
آنروز برافروخته بسوی پروردگارش نظر کننده و روهایست آنروز گرفته گمان میبرند که
يفعل بها فاقرة ٢٦ كلا اذا بلغت التراقى ٢٧ وقيل من راق ٢٨ وظن انه
رسانیده میشود بآنها داهیه نچنانست چون برسد بچنبرهای گردن وگفته شود کیست شفا دهنده و داند آنکه
الفراق ٢٩ والتفت الساق بالساق ٣٠ الى ربك يومئذ المساق ٣١ فلا صدق
جدائی است و پیچیده شود ساق بساق بسوی پروردگارت آنروز راندنست پس نه تصدیق کرد
ولا صلى ٣٢ ولكن كذب وتولى ٣٣ ثم ذهب الى اهله يتمطى ٣٤ اولى
و نه نماز گزارد ولیکن تکذیب کرد و پشت کرد پس رفت بسوی کسانش که بتبختر میرفت سزاوارتست
لك فاولى ٣٥ ثم اولى لك فاولى ٣٦ ايحسب الانسان ان يترك سدى
مر ترا پس سزاوارتر پس سزاوارتر ترا پس سزاوارتر آیا میپندارد انسان که واگذاشته شود مهمل
الم يك نطفة من منى يمنى ٣٧ ثم كان علقة فخلق فسوى ٣٨ فجعل
آیا نبود نطفه از منی که ریخته شود پس بود خون بسته پس آفرید پس راست کرد پس گردانید
منه الزوجين الذكر والانثى ٣٩ اليس ذلك بقادر على ان يحيى الموتى ٤٠
از او دو جفت مذکر و مؤنث آیا نیست آن توانا بر آنکه زنده کند مردگان را

سورة الدهر احدى وثلثون اية وهى مكية (٧٦) نزلت بعد الرحمن

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا ١ انا خلقنا
بتحقیق آمد بر انسان وقتی از روزگار که نبود چیزی ذکر کرده شده بدرستیکه ما آفریدیم
الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا ٢ انا هديناه
انسان را از نطفه اخلاط که آزمائیمش پس گردانیدیم او را شنونده بینا بدرستیکه ما راه نمودیم او را
السبيل اما شاكرا واما كفورا ٣ انا اعتدنا للكافرين سلاسل واغلالا
راه یا شکرگزار یا ناسپاس بدرستیکه ما مهیا کردیم برای کافران زنجیرها و غلها
وسعيرا ٤ ان الابرار يشربون من كاس كان مزاجها كافورا ٥ عينا يشرب
و آتش سوزان بدرستیکه نیکوکاران میآشامند از جامیکه باشد مزاجش کافور چشمه که میآشامند

مفسرین خاص و عام نقل کرده اند که این سوره در حق اهل بیت نبی نزول بر طبق روایتیکه وارد است آنکه امیرالمؤمنین برای شفاء حسنین سه روز روزه نذر کرد و همچنین حضرت فاطمه و فضه و بعد از شفا یافتن هر یک سه روزه گرفتند پس حضرت فاطمه برای شب اول یکصاع جو را از جو سه صاع که عمه بقرض گرفته شده بود آرد کرده پنج قرص نان پخت و هنگام افطار مسکینی بدر خانه آمده ایشان هر یک نان خود باو دادند و بجز آب چیزی نخوردند و در شب دوم به یتیمی دادند و در سیم باسیری پس در روز چهارم دیدند که حضرت رسول در ناتوانی فاطمه و حسنین گرسنه بود جبرئیل نازل شده تهنیت الهی رسانیده

والتفت
بفتح واو و سکون لام با سقوط همزه وصل و فتح تا و فاء مشدده و کسر تاء اخیره

هو
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که سوره دهر را در صبح هر پنجشنبه بخواند از حور عین هشتصد حوریه بعقد او در آرند و همسر او گرداند و با محمد صلی الله علیه و آله بوده باشد والسلام

بها

يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ٦ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ

در آن بندگان خدا روان میکنند او را روان کردنی وفا میکنند بنذر و میترسند روزی که باشد آسیبش

مُسْتَطِيرًا ٧ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ٨ إِنَّمَا

هر جا رسنده و میخورانند خوراکی بر دوستیش درمانده و یتیم و اسیر را جز این نیست

نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ٩ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا

اطعام میکنیم شما را مگر برای خدا نمیخواهیم از شما پاداشی و نه شکری بدرستیکه ما میترسیم از پروردگار ما

يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ١٠ فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ

روزی سخت بسیار سخت پس نگاه داشتشان خدا از شر آن روز و پیش آورد ایشان را تازه روئی و

سُرُورًا ١١ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ١٢ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ

و شادمانی و پاداش داد ایشان را بآنچه صبر کردند بهشت و حریر تکیه زدگان در آن بر تختها

لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ١٣ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ

نمی بینند در آن آفتابی و نه سرمائی و نزدیک بر ایشان سایهای آن و رام کرده شد

قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ١٤ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ١٥

خوشهای آن رام کردنی و بگردش در آورده بر ایشان بظرفهای از نقره و قدحها که باشد آبگینه‌ها

قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ١٦ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا

آبگینه‌ها از نقره اندازه گرفته آنها را اندازه گرفتنی و آشامانیده شوند در آن جامی را که باشد مزاجش

زَنْجَبِيلًا ١٧ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ١٨ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ

زنجبیل چشمه ایست در آن نامیده میشود سلسبیل و گردش میکنند بر ایشان پسران جاودانی

إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ١٩ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا

چون بینی ایشان را پنداری ایشان را مروارید ناسفته و چون بینی آنجا ببینی نعمت و ملکی

كَبِيرًا ٢٠ عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ

بزرگ بالای ایشان جامهای دیبای نازک سبز و دیبای سطبر است و پیرایه کرده شوند بدستبرنجهای از نقره

وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ٢١ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ

و بیاشاماند ایشان را پروردگارشان شرابی پاک بدرستیکه این هست برای شما جزا و باشد کوشش شما

مَشْكُورًا ٢٢ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ٢٣ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا

ستوده بدرستیکه ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی پس صبر کن مر حکم پروردگارت را و

تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ٢٤ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ٢٥ وَمِنَ اللَّيْلِ

فرمان مبر از ایشان گناهکاری یا ناسپاسی را و یاد کن نام پروردگارت را صبحگاه و شبانگاه و از شب

فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ٢٦ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ

پس سجده کن برایش و تسبیح کن شبی دراز بدرستیکه اینها دوست میدارند زود را و وا میگذارند

وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ٢٧ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا

پس پشت سرشان روزی گران را ما آفریدیم ایشان را و محکم گردانیدیم پیوند مفصلهاشان را و چون بخواهیم عوض دهیم

وَلَقَّاهُمْ بتشدید قاف با الف

بَاٰنِيَةٍ بکسر با حرف جر که کلمهٔ علحده است و فتح همزه با الف و کسر نون و فتح یا و جر تا

مَنْثُورًا با ثاء سه نقطه

ثَمَّ بفتح ثا

مفسرین خاص و عام نقل کرده‌اند که این سوره در حق اهل بیت نازل شد و مجمل شان نزول بر طبق روایت کشاف و غیره آنکه امیر مؤمنان برای شفای حسنین سه روز روزه نذر کرد

اَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ۲۸ اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيلًا ۲۹ وَ

مانندهایشان را عوض آوردنی — بدرستیکه این پندیست پس آنکه بخواهد بگیرد بسوی پروردگارش راهی

مَا تَشَاۗءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَاۗءَ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۳۰ يُّدْخِلُ

نمیخواهید — بجز آنکه بخواهد خدا — بدرستیکه خدا باشد داننده درستکار — درمیآورد

مَنْ يَّشَاۗءُ فِيْ رَحْمَتِهٖ وَالظّٰلِمِيْنَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا

آنرا که خواهد در رحمتش — و ستمکاران را — مهیا کرد برایشان — شکنجه پردرد

سورة المرسلات (۷۷) خمسون اية وهي مكية

(۵۰ آیه ۲۸ مدنیه نزلت بعد الهمزه)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْمُرْسَلٰتِ عُرْفًا ۱ فَالْعٰصِفٰتِ عَصْفًا ۲ وَّالنّٰشِرٰتِ نَشْرًا ۳ فَالْفٰرِقٰتِ

بفرستادهها از پی هم — پس تندرونده‌ها تند رفتنی — و پراکنده‌سازها پراکنده کردنی — پس جداکننده‌ها

فَرْقًا ۴ فَالْمُلْقِيٰتِ ذِكْرًا ۵ عُذْرًا اَوْ نُذْرًا ۶ اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَوَاقِعٌ ۷ فَاِذَا

جدا کردنی — پس القاکنندگان ذکر را — عذر یا بیم — که آنچه وعده داده میشوید هر آینه بودنیست پس هنگامیکه

النُّجُوْمُ طُمِسَتْ ۸ وَاِذَا السَّمَاۗءُ فُرِجَتْ ۹ وَاِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۱۰ وَاِذَا الرُّسُلُ

که ستارگان محو گردند — و آنگاه که آسمان شکافته شود — و آنگاه که کوهها پراکنده شود — و آنگاه که رسولان

اُقِّتَتْ ۱۱ لِاَيِّ يَوْمٍ اُجِّلَتْ ۱۲ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۱۳ وَمَاۗ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۱۴

تعیین وقت کرده شوند برای کدام روز روز بازپس داشته شده برای روز تمیز — و چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز تمیز

وَيْلٌ يَّوْمَىِٕذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ۱۵ اَلَمْ نُهْلِكِ الْاَوَّلِيْنَ ۱۶ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْاٰخِرِيْنَ ۱۷

وای آنروز مر تکذیب کنندگان را — آیا هلاک نکردیم پیشینیان را — پس از پی آنها بازپسینان را

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ۱۸ وَيْلٌ يَّوْمَىِٕذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ۱۹ اَلَمْ نَخْلُقْكُّمْ مِّنْ مَّاۗءٍ

همچنین میکنیم به گناهکاران — وای آنروز مر تکذیب کنندگان را — آیا نیافریدیم شما را از آب

مَّهِيْنٍ ۲۰ فَجَعَلْنٰهُ فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ۲۱ اِلٰى قَدَرٍ مَّعْلُوْمٍ ۲۲ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ

بیقدر — پس گردانیدیم آنرا در قرارگاه استوار — تا مقداری معین — پس توانا آمدیم پس خوب

الْقٰدِرُوْنَ ۲۳ وَيْلٌ يَّوْمَىِٕذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ۲۴ اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا ۲۵

توانا آمدیم — وای آنروز مر تکذیب کنندگان را — آیا نگردانیدیم زمین را کافی

اَحْيَاۗءً وَّاَمْوَاتًا ۲۶ وَّجَعَلْنَا فِيْهَا رَوَاسِيَ شٰمِخٰتٍ وَّاَسْقَيْنٰكُمْ مَّاۗءً فُرَاتًا ۲۷

زندگان و مردگان — و گردانیدیم در آن کوههای بلند استوار — و آشامانیدیم شما را آب خوشگوار

وَيْلٌ يَّوْمَىِٕذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ۲۸ اِنْطَلِقُوْۗا اِلٰى مَا كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ۲۹ اِنْطَلِقُوْۗا

وای آنروز مر تکذیب کنندگان را — بروید بسوی آنچه بودید که تکذیب میکردید — بروید

اِلٰى ظِلٍّ ذِيْ ثَلٰثِ شُعَبٍ ۳۰ لَّا ظَلِيْلٍ وَّلَا يُغْنِيْ مِنَ اللَّهَبِ ۳۱ اِنَّهَا تَرْمِيْ بِشَرَرٍ

بسوی سایه صاحب سه شعبه — نه خنک گرداند و نه کفایت کند از گرمی آتش — بدرستیکه آن میاندازد شرارها

تشاؤن
بضم همزه و سکون واو با اشباع

از حضرت امام جعفر صادق سلام الله علیه مرویست که هر که سورهٔ والمرسلات بخواند حق تعالی میان او و حضرت رسول الله آشنائی اندازد و در مجمع از رسول الله منقول است که هر که سورهٔ والمرسلات بخواند نوشته شود که او از مشرکین نیست و از ابن عباس روایتست که این سوره در الجن فرود آمد و با حضرت رسول بودیم آنحضرت فرمود هر کس این سوره بخواند از شر جن و انس در پناه خدا باشد و اورا از مؤمنان نویسند والله اعلم

نخلقکم
بسکون قاف

كَالْقَصْرِ ۳۲ كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ ۳۳ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۴ هَذَا يَوْمُ

مانند کوشک که گویا شتران زرد است وای آن روز مر تکذیب کنندگان را این روزی است

لَا يَنْطِقُونَ ۳۵ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۳۶ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۷

که سخن نتوانند کرد و دستوری داده نشود مرایشان را پس عذر خواهند وای آن روز مر تکذیب کنندگان را

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ۳۸ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ۳۹

اینست روز [illegible] فراهم آوردیم شما را و پیشینیان را پس اگر باشد شما را مکری پس مکر کنید مرا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۰ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ۴۱ وَفَوَاكِهَ

وای آن روز مر تکذیب کنندگان را بدرستیکه پرهیزگاران در سایه‌ها و چشمه‌ها اند و میوه‌ها

مِمَّا يَشْتَهُونَ ۴۲ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۴۳ إِنَّا كَذَلِكَ

از آنچه میخواهند بخورید و بیاشامید گوارا است بآنچه بودید اکه میکردید بدرستیکه ما همچنان

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۴۴ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۵ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ

جزا میدهیم نیکوکاران را وای آن روز مر تکذیب کنندگان را بخورید و بهره برید کمی بدرستیکه شما

مُجْرِمُونَ ۴۶ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۷ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا

گناهکاران وای آن روز مر تکذیب کنندگان را و چون گفته شود مرایشان را که رکوع کنید نه

يَرْكَعُونَ ۴۸ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۹ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۵۰

کنند رکوع وای آن روز مر تکذیب کنندگان را پس بکدام سخن بعد از قرآن میگروند

سُورَةُ النَّبَإِ أَحَدَى وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۷۸) نزلت بعد المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱

بنام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۱ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ۲ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۳ كَلَّا

از چه می پرسند از خبر بزرگ که ایشان در آن اختلاف کنندگانند نچنانست

سَيَعْلَمُونَ ۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۵ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ۶ وَالْجِبَالَ

زود باشد که بدانند پس حق زود باشد که بدانند آیا نگردانیدیم زمین را بستر و کوهها را

أَوْتَادًا ۷ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۸ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۹ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ

میخ و آفریدیم شما را جفت و گردانیدیم خواب شما را آسایش و گردانیدیم شب را

لِبَاسًا ۱۰ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۱۱ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۱۲ وَ

پوشش و گردانیدیم روز را وقت زیست و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان استوار و

جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ۱۳ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۱۴ لِنُخْرِجَ

گردانیدیم چراغی تابان و فرو فرستادیم از فشارنده ابرها آبی ریزان تا بیرون آریم

بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۱۵ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ۱۶ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۱۷ يَوْمَ

بآن دانه و رستنی و بستانهای بهم پیچیده درختان بدرستیکه روز تمیز باشد وعده‌گاه روزیکه

جمالة بکسر جیم

فکیدون بکسر نون

فی ظلال بکسر ظا

و فیها آیات مکیة ... ۳۵

از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر کس سوره نبا را در قرائت کند و هر روز مداومت نماید از آن سال بیرون نرود که تشرف بزیارت بیت الله الحرام مشرف شود ۱۲

ینفخ و

يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ١٩ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ٢٠ وَسُيِّرَتِ
دمیده شود در صور پس بیایند فوجها و گشوده شود آسمان پس گردد درها و روان کرده شود

الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ٢١ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ٢٢ لِلطَّاغِينَ مَآبًا ٢٣ لَابِثِينَ
کوهها پس باشد نمودار آبی بدرستیکه دوزخ است کمینگاهی مر کافران را جای بازگشت درنگ کنندگان

فِيهَا أَحْقَابًا ٢٤ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ٢٥ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ٢٦
در آن روزگار دراز نچشند در آن آب سردی و نه شرابی بجز آب جوشان و ریم

جَزَاءً وِفَاقًا ٢٧ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ٢٨ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ٢٩ وَكُلَّ
سزای موافق بدرستیکه ایشان بودند که امید نداشتند حساب را و تکذیب کردند بآیات ما تکذیب کردنی و هر

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ٣٠ فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ٣١ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣٢
چیزی را نوشتیم آنرا کتابی صحائف اعمال پس بچشید پس نیفزائیم شما را مگر شکنجه بدرستیکه مر پرهیزکاران راست فیروزی

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ٣٣ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ٣٤ وَكَأْسًا دِهَاقًا ٣٥ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا
باغها و درختان تاک و دختران نار پستان و جام شراب پی درپی نمیشنوند در آن

لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ٣٦ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ٣٧ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بیهوده و نه دروغی سزائی از پروردگارت عطائی تمام پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ٣٨ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ
و آنچه میان آنهاست خدای بخشنده که مالک نشوند از آن سخنی را روزیکه بپا ایستد روح و فرشتگان

صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ٣٩ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ
صف کشیده سخن نگویند بجز او را که دستوری دهد مر او را خدا و گفت نیک این روز

الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ٤٠ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ٤١ يَوْمَ
راستست پس آنکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارش بازگشت بدرستیکه ما بیم دهیم شما را شکنجه نزدیک روزیکه

يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنتُ تُرَابًا
بنگرد مرد آنچه پیش فرستاده دستهایش و میگوید کافر ای کاش بودم خاک

سورة النازعات وهي ست وأربعون آية وهي مكية (٧٩) نزلت بعد النبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ١ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ٢ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ٣ فَالسَّابِقَاتِ
بحق فرشتگان ستاننده جانها قسم بفرشتگان گشاینده بند جانهای کافران قسم بفرشتگان بقبض جانهای مؤمنان پس بفرشتگان

سَبْقًا ٤ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ٦ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ٧ قُلُوبٌ
پیشی گیرنده پس فرشتگان تدبیر کننده کار روزیکه بلرزد زمین لرزیدنی از پی آن آید آنرا صیحه دلها

يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ٨ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ٩ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ
در آن روز ترسانست چشمهایشان خوار میگویند آیا ما بازگردانیده شدگانیم در حالت اول

مآباً بفتح میم و بعد از ان همزه و بعد الف

النبأ العظیم بر طبق روایات اهل بیت علیهم السلام امیر مؤمنان است مثل روایت تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت رضا علیه السلام از امیر مؤمنان که فرموده ما یقه نبا عظیم منی و همچنین روایت اصول کافی که رسول خدا بامیر مؤمنان فرموده انت النبا العظیم

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه مرویست که هر کس سوره والنازعات بخواند نمیرد مگر سیراب و مبعوث نگردد مگر سیراب و داخل بهشت نشود مگر سیراب والسلام

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۱۱ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۱۲ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۱۳
آیا چون باشیم استخوانهای پوسیده گفتند آنگاه آن بازگشتی با زیان پس جز این نیست که آن نفخه یکانه

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۱۴ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ۱۵ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
پس ناگاه آنها باشند در زمین آیا آمد تو را حکایت موسی چون ندا کرد او را پروردگارش بوادی پاک

طُوًى ۱۶ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۱۷ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ۱۸ وَأَهْدِيَكَ
برو بسوی فرعون که او تجاوز نمود پس بگو آیا مر تراهست بسوی اینکه پاک شوی و راه نمایم تو را

إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ۱۹ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ۲۰ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ۲۱ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ۲۲
بسوی پروردگارت پس بترسی پس نمود او را معجزهٔ بزرگ پس تکذیب کرد و فرمان نبرد پس پشت کرد بشتابید

فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ۲۳ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ۲۴ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَ
پس جمع کرد پس ندا کرد پس گفت منم پروردگار شما که بزرگست پس گرفت او را خدا بعقوبت آن جهان و

الْأُولَىٰ ۲۵ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ۲۶ أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا
و اینجهان بدرستیکه در این هر آینه عبرتیست مر کسی که بترسد آیا شما سخت‌تر بخلقت یا آسمان بنا کرد آنرا

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا ۲۸ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۲۹ وَالْأَرْضَ بَعْدَ
برافراشت سقف آنرا پس راست کرد و تاریک نمود شب او را و بیرون آورد نور آفتاب را و زمین را پس

ذَٰلِكَ دَحَاهَا ۳۰ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۳۱ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ۳۲
از آن گسترانید آنرا بیرون آورد از آن آبش را و چراگاهش را و کوهها را ثابت گردانید آنرا

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۳۳ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ ۳۴ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ
بهره مر شما را و مر چهارپایان شما را پس چون آید داهیهٔ بزرگ روزیکه بیاد آورد

الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ۳۵ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ ۳۶ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ۳۷ وَآثَرَ
آدمی آنچه سعی کرد و بیرون آورده شود جهنم مر آنرا که ببیند پس اما آنکه تجاوز کرد و برگزید

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۳۸ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۳۹ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى
زندگی دنیا را پس بدرستیکه جهنم آنست جایگاه و اما آنکه ترسید مقام پروردگارش را و بازداشت

النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۴۰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۴۱ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
نفس را از آرزو پس بدرستیکه بهشت آنست جایگاه می‌پرسند تو را از رستخیز

أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۴۲ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ۴۳ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۴۴ إِنَّمَا أَنْتَ
که کی باشد اقامت آن در چه کاری تو از یاد آن را بسوی پروردگارت نهایت آنرا نیستی تو مگر

مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا ۴۵ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ۴۶
بیم دهنده آنکه می‌ترسد آنرا گویا آنها روزیکه ببینند آنرا درنگ نکنند مگر باندازهٔ عصری یا چاشت

سورة عبس اثنتان واربعون آية وهي مكية (۸۰) نزلت بعد النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

بقول اکثر مفسرین که در اول والنازعات است ملائکه تغییر شده چنانکه در مجمع البیان بروایت از امیر مؤمنان آمده ملائکه تیز شده ارواح کفار از تنشان سختی کشند چون کشنده کمان و ثانی ملائکه ارواح کفار از دروشان برکشند چون برکشنده دلو

والأولى بضم همزه و سکون واو با اشباع

ثالث ملائکه که قبض روح مؤمنان بملایمت و آسودگی کنند

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه مرویست که هر که سورهٔ عبس و توّلی و اذا الشمس بخواند در حفظ الهی باشد از خیانت در سایهٔ کرامت و رحمت الهی باشد تا زنده باشد والسلام

عَبَسَ وَتَوَلّىٰ ٢ أَن جاءَهُ الأَعمىٰ ٣ وَما يُدريكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّىٰ ٤ أَو يَذَّكَّرُ

روی ترش کرد وروی گردانید چون آمد او را نابینا　و چه دانا کرد ترا شاید او پاک شود از گناه یا پند گیرد

فَتَنفَعَهُ الذِّكرىٰ ٥ أَمّا مَنِ استَغنىٰ ٦ فَأَنتَ لَهُ تَصَدّىٰ ٧ وَما عَلَيكَ

پس سود دهد او را پند　اما آنکه توانگر است　پس تو او را باوری　و نیست بر تو این

أَلّا يَزَّكّىٰ ٨ وَأَمّا مَن جاءَكَ يَسعىٰ ٩ وَهُوَ يَخشىٰ ١٠ فَأَنتَ عَنهُ تَلَهّىٰ ١١ كَلّا

که او پاک نشود　و اما آنکه آمد ترا که میشتابید　و او میترسید　پس تو از او مشغول میشوی چنانست

إِنَّها تَذكِرَةٌ ١٢ فَمَن شاءَ ذَكَرَهُ ١٣ في صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ ١٤ مَرفوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ ١٥

بدرستیکه قرآن پند است　پس اگر خواهد حفظ کند آنرا　در قرآن گرامی داشته شده　برداشته شده پاکیزه

بِأَيدي سَفَرَةٍ كِرامٍ بَرَرَةٍ ١٦ قُتِلَ الإِنسانُ ما أَكفَرَهُ ١٧ مِن أَيِّ شَيءٍ خَلَقَهُ ١٨

بدستهای نویسندگان نیکوکار　کشته شود انسان کافر چه کافر است　از چه چیز آفرید او را

مِن نُطفَةٍ ١٩ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ٢٠ ثُمَّ السَّبيلَ يَسَّرَهُ ٢١ ثُمَّ أَماتَهُ فَأَقبَرَهُ ٢٢ ثُمَّ

از نطفه　آفرید او را پس اندازه کرد او را پس راه بیرون آمدن آسان کرد او را پس میراند او را پس در قبر کرد او را پس

إِذا شاءَ أَنشَرَهُ ٢٣ كَلّا لَمّا يَقضِ ما أَمَرَهُ ٢٤ فَليَنظُرِ الإِنسانُ إِلىٰ طَعامِهِ ٢٥

وقتی خواست زنده کرد او را　چنانست هنوز بگذارد آنچه امر کرد او را　پس باید بنگرد آدمی بسوی طعام خود

أَنّا صَبَبنَا الماءَ صَبًّا ٢٦ ثُمَّ شَقَقنَا الأَرضَ شَقًّا ٢٧ فَأَنبَتنا فيها حَبًّا ٢٨

آنکه ما ریختیم آب را ریختنی　پس شکافتیم زمین را شکافتنی　پس رویانیدیم در آن دانه

وَعِنَبًا وَقَضبًا ٢٩ وَزَيتونًا وَنَخلًا ٣٠ وَحَدائِقَ غُلبًا ٣١ وَفاكِهَةً وَأَبًّا ٣٢

و انگور و یونجه　و زیتون و خرما　و باغها ستبر درختان　و میوه‌ها و چراگاهها

مَتاعًا لَكُم وَلِأَنعامِكُم ٣٣ فَإِذا جاءَتِ الصّاخَّةُ ٣٤ يَومَ يَفِرُّ المَرءُ

بهره ایست مر شما را و چهارپایان شما را　پس چون آید آواز کشنده　روزیکه فرار کند مرد

مِن أَخيهِ ٣٥ وَأُمِّهِ وَأَبيهِ ٣٦ وَصاحِبَتِهِ وَبَنيهِ ٣٧ لِكُلِّ امرِئٍ مِنهُم

از برادرش　و مادر و پدرش　و از زن و فرزندش　مر هر مردی را از ایشان

يَومَئِذٍ شَأنٌ يُغنيهِ ٣٨ وُجوهٌ يَومَئِذٍ مُسفِرَةٌ ٣٩ ضاحِكَةٌ مُستَبشِرَةٌ ٤٠

در آنروز کاریست که مشغول کند او را　رویهایی باشد در آنروز روشن　خندان شادمان

وَوُجوهٌ يَومَئِذٍ عَلَيها غَبَرَةٌ ٤١ تَرهَقُها قَتَرَةٌ ٤٢ أُولٰئِكَ هُمُ الكَفَرَةُ الفَجَرَةُ ٤٣

و رویهایی باشد در آنروز غبار آلوده شده　فرا گیرد آنرا تاریکی　آنها ایشانند کافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرون آية وهي مكية (٨١) نزلت بعد المسد

بِسمِ اللَّهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا الشَّمسُ كُوِّرَت ٢ وَإِذَا النُّجومُ انكَدَرَت ٣ وَإِذَا الجِبالُ سُيِّرَت ٤

آنگاه که آفتاب درهم پیچیده شود　و هنگامیکه ستارها تیره شود　و چون کوهها روان کرده شود

وإذا

فی ثواب القراءة: ابی بن کعب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که سوره عبس بخواند حق تعالی او را در پناه خود گیرد بسوائی قیامت ١٢

امره: بفتح همزه بدون الف

فانبتنا: بتقدیر نون مربا

وعنبا: بکسر عین و فتح نون

خواص

از حضرت رسول روایتست که هر که سوره اذا الشمس کورت بخواند حق تعالی او را در پناه خود گیرد از رسوائی قیامت وقتی که نشر صحیفه نمایند ١٢

وَاِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۴ وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۵ وَاِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۶ وَ

و چون شتران آبستن فروگذاشته شود و هنگامیکه وحوش محشور شوند و چون دریاها پر کرده شود

اِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۷ وَاِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ۸ بِاَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۹ وَاِذَا

و چون نفسها که جفت کرده شود و چون دختر زنده در گور رسیده شود بچه گناه کشته شد و آنگاه

الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۱۰ وَاِذَا السَّمَآءُ كُشِطَتْ ۱۱ وَاِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۱۲ وَاِذَا الْجَنَّةُ

که نامه‌ها گشاده شود و هنگامیکه آسمان برکنده شود و آنگاه که جهنم برافروخته شود و آنگاه که بهشت

اُزْلِفَتْ ۱۳ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ اَحْضَرَتْ ۱۴ فَلَآ اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۱۵ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۱۶

نزدیک کرده شود بداند هر نفسی آنچه حاضر کرده شود پس قسم بستارگان رجوع کننده روندگان پنهان شونده

وَاللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ ۱۷ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ ۱۸ اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۱۹ ذِی

و قسم بشب هنگامیکه تاریک شود و صبح چون دم زند بدرستیکه آن هر آینه گفتار رسول گرامی است صاحب

قُوَّةٍ عِنْدَ ذِی الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۰ مُطَاعٍ ثَمَّ اَمِينٍ ۲۱ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۲

توانائیست نزد صاحب عرش با منزلت فرمانبرده شده استوار و نیست صاحب شما دیوانه

وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ الْمُبِينِ ۲۳ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۲۴ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

و بتحقیق دید پیغمبر او را بکناره افق روشن و نیست او بر نهانی بخیل و نیست او بگفتار

شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ۲۵ فَاَيْنَ تَذْهَبُونَ ۲۶ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۲۷

شیطان رانده شده پس کجا میروید نیست او بجز پندی برای جهانیان

لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّسْتَقِيمَ ۲۸ وَمَا تَشَآءُونَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۲۹

مر هر که را خواهد از شما اینکه مستقیم شود و نخواهید بجز آنکه بخواهد خدا پروردگار جهانیان را

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ تِسْعَ عَشَرَةَ اٰيَةً وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ (۸۲) نزلت بعد النازعات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اِذَا السَّمَآءُ انْفَطَرَتْ ۱ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۲ وَاِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۳ وَاِذَا الْقُبُورُ

آنگاه که آسمان شکافته شود و هنگامیکه ستارگان فرو ریزند و آنگاه دریاها روان کرده شود و آنگاه که قبرها

بُعْثِرَتْ ۴ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ ۵ يَآ اَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

زیر و زبر کرده شود بداند نفس آنچه پیش فرستاده و واپس گذاشته ای آدمی چه چیز فریفت ترا بر بت

الْكَرِيمِ ۶ الَّذِی خَلَقَكَ فَسَوّٰكَ فَعَدَلَكَ ۷ فِیٓ اَیِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ۸

بزرگوار آنکه آفرید ترا پس راست کرد ترا پس معتدل کرد ترا در هر صورتیکه خواست ترکیب داد ترا

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۹ وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۱۰ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۱۱ يَعْلَمُونَ

چنان نیست بلکه تکذیب کردید بروز جزا و بدرستیکه بر شما هر آینه نگهدارانند بزرگان نویسندگانند میدانند

مَا تَفْعَلُونَ ۱۲ اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِی نَعِيمٍ ۱۳ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِيمٍ ۱۴ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ

آنچه میکنند بدرستیکه نیکان هر آینه در بهشت پر نعمتند و بدرستیکه بدکاران هر آینه در دوزخند میآیند آنرا روز

مُثَمَّ بفتح ثا

تَشَآءُونَ بضم همزه و سکون واو با اشباع

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که این سوره را با سوره اذا السماء انشقت در فریضه یا نافله قرائت کند هیچ حجابی از رحمت خدا منع نکند و همیشه در رحمت الهی نظر کند و خدا نظر رحمت فرماید تا خلایق از حساب فارغ شوند والسلام

کِرامًا بکسر کاف

الدِّينِ ۱۶ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۱۷ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۱۸ ثُمَّ مَا
جزا و نباشند از آن غایبان و چه دانا کرد ترا که چیست روز جزا پس چه

أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۱۹ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ
چیز دانا کرد ترا که چیست روز جزا روزیکه مالک نباشد نفسی مر نفسی را چیزی و فرمان در آن روز مر خدا راست

(۸۳) سورة المطففين ست وثلثون آية وهي مكية

نزلت بعد العنكبوت و هی آخر سوره نزلت بمکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ۱ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۲ وَإِذَا كَالُوهُمْ
وای بر کم پیمایندگان آنانکه چون بپیمایند بر مردم تمام گیرند و چون بکیل کنند ایشانرا

أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۳ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۴ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۵ يَوْمَ
یا وزن دهند ایشانرا کم کنند آیا گمان نمیبرند آنها که بدرستیکه آنها برانگیخته شوندگانند مر روز بزرگ را روزیکه

يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۶ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۷ وَمَا أَدْرَاكَ
می ایستند مردم برای پروردگار جهانیان بحق نیست بدرستیکه نامه بدکاران هر آینه در سجین است و چه چیز دانا کرد

مَا سِجِّينٌ ۸ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ۹ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۱۰ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ
که چیست سجین نامه ایست نوشته شده وای در آن روز مر تکذیب کنندگانرا آنانکه تکذیب کردند بروز

الدِّينِ ۱۱ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۱۲ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
جزا و تکذیب نکرد بآن بجز هر تعدی کننده گناهکاری چون خوانده شود براو آیتهای ما گوید افسانهای

الْأَوَّلِينَ ۱۳ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۱۴ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
پیشینیانست بحق نیست بلکه زنگ شد بر دلهای ایشان آنچه بودند که کسب میکردند بحق نیست بدرستیکه ایشان از پروردگارشان

يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ۱۵ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ۱۶ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ
در آن روز هر آینه در حجابند پس بدرستیکه ایشان هر آینه در آیندگانند در جهنم پس گفته شود این است آنچه بودید که بآن تکذیب میکردید

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۱۸ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۱۹ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ۲۰
بحق نیست بدرستیکه نامه نیکان هر آینه در علیین است و چه چیز دانا کرد ترا که چیست علیین نامه ایست نوشته شده

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۲۱ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۲۲ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۲۳ تَعْرِفُ
که گواه میشوند آنرا مقربان بدرستیکه نیکان هر آینه در بهشتند بر تختها مینگرند میشناسند

فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۲۴ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ۲۵ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي
در رویهای ایشان تازگی بهشت را میاشامند از صاف شراب مهر شده مهرش مشک است و در

ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۲۶ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ۲۷ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۲۸
آن پس باید رغبت کنند رغبت کنندگان و مزاجش از تسنیم است چشمه ایست که مینوشند از آن مقربان

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ۲۹ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۳۰
بدرستیکه آنانکه گناه کردند بودند از آنانکه گرویدند در خنده و چون گذشتندی بر ایشان اشاره کنندی بچشم و ابرو

وَإِذَا

يُخْسِرُونَ
یعنی کیل و وزن را کم کرده اند چون عادت این قوم آن بوده که در وقت گرفتن بکیل تمام میگرفته اند و در وزن لهذا ما لا یکال بالکیل اقتصار شده

أَوْ وَزَنُوهُمْ
با دو واو است یکی واو یکی خالی وَزَنُوهُم واو ادغام در ایشان جایز

هو
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که در نماز سوره ویل للمطففین را بسیار بخواند حقتعالی در قیامت بیرون آورد از آتش جهنم و کرامت فرماید و او را بهشت به همه دانسته

از حضرت رسول مرویست که هر که در کیل و وزن خیانت کند خدا او را بقعر دوزخ در آورد و او را در میان دو کوه آتش جای دهند و باو گویند که کیل و وزن این هر دو کوه را بکن و او همیشه این عمل مشغول باشد

وَاِذَا انْقَلَبُوا اِلٰى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِيْنَ ٣٢ وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوا اِنَّ هٰؤُلَاۤءِ

و چون برگردند بسوی کسانشان برگردند شادکنان و هنگامیکه ببینند آنهارا گویند که اینها

لَضَاۤلُّوْنَ ٣٣ وَمَا اُرْسِلُوْا عَلَيْهِمْ حٰفِظِيْنَ ٣٤ فَالْيَوْمَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنَ

هر آینه گمراهانند و فرستاده نشدند بر ایشان نگهبانان پس امروز آنانکه گرویدند از

الْكُفَّارِ يَضْحَكُوْنَ ٣٥ عَلَى الْاَرَاۤئِكِ يَنْظُرُوْنَ ٣٦ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوْا يَفْعَلُوْ

کافران میخندند بر تختها مینگرند آیا جزا داده شوند کفار آنچه بودند میکردند

(۸۴) سورة الانشقاق خمس وعشرون اٰية وهي مكية

نزلت بعد الانفطار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَاۤءُ انْشَقَّتْ ٢ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ٣ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ٤ وَ

آنگاه که آسمان بشکافد و اطاعت نماید پروردگارش را و سزاوار شد و آنگاه که زمین کشیده شود و

اَلْقَتْ مَا فِيْهَا وَتَخَلَّتْ ٥ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ٦ يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ

بیرون افکند آنچه در آنست و خالی شود و اطاعت نماید پروردگارش را و سزاوار شد ای انسان بدرستیکه تو کوشنده

اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيْهِ ٧ فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهُ بِيَمِيْنِهِ ٨ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

بسوی پروردگار خود کوشیدنی پس ملاقات کننده اوی پس آنکه داده شود نامه او بدست راستش پس بزودی حساب کرده شود حسابی

يَسِيْرًا ٩ وَيَنْقَلِبُ اِلٰى اَهْلِهِ مَسْرُوْرًا ١٠ وَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهُ وَرَاۤءَ ظَهْرِهِ ١١ فَسَوْفَ

آسان و برمیگردد بسوی اهلش شادان واما آنکه داده شود نامه او پشت سرش پس بزودی

يَدْعُوْا ثُبُوْرًا ١٢ وَيَصْلٰى سَعِيْرًا ١٣ اِنَّهٗ كَانَ فِيْۤ اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ١٤ اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ

میخواند هلاک را و در آید آتش فروزان را بدرستیکه او باشد در کسانش شاد بدرستیکه او گمان میکرد که هرگز

يَّحُوْرَ ١٥ بَلٰۤى اِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهٖ بَصِيْرًا ١٦ فَلَاۤ اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ١٧ وَالَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ١٨

بازنگردد آری بدرستیکه پروردگارش باشد بآن بینا پس قسم میخورم بشفق و شب و آنچه را جمع کرد

وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ١٩ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ٢٠ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ٢١ وَاِذَا قُرِئَ

و ماه چون تمام شود هر آینه ارتکاب نمایند حالی مطابق حالی پس چیست ایشان را که نمیگروند و چون خوانده شود

عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ٢٢ بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ٢٣ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه آنانکه کافر شدند تکذیب میکنند و خدا داناتر است بآنچه

يُوْعُوْنَ ٢٤ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ٢٥ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

پنهان میدارند پس مژده ده ایشان را بعذابی دردناک مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ

مر ایشان را است مزدی غیر مقطوع

(۸۵) سورة البروج اثنان وعشرون اٰية وهي مكية

نزلت بعد الشمس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که هر کس سوره اذا السماء انشقت بخواند خدا نگاه دارد او را از آنکه نامه اعمال او را از پشت سر او بدهند [illegible] و السلام

هو العزیز
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره البروج را در نماز فریضه بخواند چون سوره پیغمبران است خدا او را با پیغمبران و صالحان محشور نماید و با ایشان او را باز دارد

۱۲

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ١ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ٢ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ٣ قُتِلَ أَصْحَابُ

و آسمان صاحب برجها   و روز وعده داده شده   و شاهد و مشهود   کشته شدند اصحاب

الْأُخْدُودِ ٤ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ٥ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ٦ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ

اخدود   آن آتش   صاحب مایه برافروختگی   آنگاه ایشان بر آن نشستگان   و ایشان بر آنچه میکردند

بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ٧ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ٨ الَّذِي

بگروندگان   حاضران   و زشت نداشتند ایشان را مگر اینکه گرویدند بخدای غالب ستوده   آنکه

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٩ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین   و خدا بر همه چیزی گواه است   بدرستیکه آنانکه مبتلا کردند

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ١٠

مردان گرونده را   و زنان گرونده را پس توبه نکردند   پس مر ایشان راست شکنجه جهنم   و مر ایشان راست شکنجه آتش سوزنده

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ

بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته   مر ایشان راست بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها   این

الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ١١ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ١٢ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ١٣ وَهُوَ الْغَفُورُ

کامیابی بزرگ   بدرستیکه گرفتن پروردگارت هر آینه سخت است   بدرستیکه او ست که پدید میآورد و عاده میدهد   و اوست آمرزنده

الْوَدُودُ ١٤ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ١٥ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ١٦ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ١٧

دوست دارنده   صاحب عرش بزرگوار   کننده آنچه خواهد   آیا آمد ترا حکایت لشکرها

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ١٨ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ١٩ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ٢٠ بَلْ

فرعون و ثمود   بلکه آنانکه کافر شدند در تکذیب کردن   و خدا از ورای ایشان محیط است   بلکه

هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ٢١ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ٢٢

او قرآنیست بزرگوار   در لوحی نگاه داشته

سورة الطارق وسبع عشرة آية وهي مكية (٨٦)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ٢ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ٣ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا

باسمان   و آینده بشب   و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آینده بشب   ستاره درخشنده است   نیست هیچ نفسی مگر که

عَلَيْهَا حَافِظٌ ٤ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ٥ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ٦ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ

بر اوست نگهبانی   پس باید بنگرد آدمی از چه آفریده شد   آفریده شد از آبی جهنده   بیرون میآید از میان

الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ٧ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ٨ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ٩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ

پشت   و استخوانهای سینه   بدرستیکه او بر بازآوردنش هر آینه تواناست   روزیکه آشکار شود نهانها   پس نیست مر او را هیچ قوتی

وَلَا نَاصِرٍ ١٠ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ١١ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ١٢ إِنَّهُ لَقَوْلٌ

و نه یاری کننده   و آسمان صاحب رجعت   و زمین صاحب شکافتن   بدرستیکه آن گفتاریست

فَصْلٌ ١٣ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ١٤ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ١٥ وَأَكِيدُ كَيْدًا ١٦ فَمَهِّلِ

جدا کننده   و نیست آن بیهوده   بدرستیکه ایشان مکر میکنند مکر کردنی   و چاره میکنم چاره کردنی   پس مهلت ده

مرجع البیان و کشاف و غیرهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله اینکه ملکی از ملوک غلامی را نزد ساحری بتعلیم سحر فرستاده بود و غلام را که در بین راه بر راهبی افتاده بود و دین نصرانی را برگزیده و ارشاد یافت ... رفته باستجابت دعا اشتهار یافت و بعد از آنکه حالش بر ملک مکشوف گشت ...

بحوالمعز از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره الطارق را در نماز فرایض بخواند او را در روز قیامت جاهی و منزلت بزرگ عظیم باشد و از رفقای انبیا باشد ...

بروایت ... کرده و هیچ چیزی بر وی کارگر نشد ... هلاکت ناگفته تیزی ... و گوید ... خواهد شد

الكافرين امهلهم رويدا ۱۷ سورة الأعلى تسع عشرة آية وهي مكية (۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم ۱

سبح اسم ربك الأعلى ۲ الذي خلق فسوى ۳ والذي قدر فهدى ۴
والذي أخرج المرعى ۵ فجعله غثاء أحوى ۶ سنقرئك فلا تنسى ۷ إلا ما
شاء الله إنه يعلم الجهر وما يخفى ۸ ونيسرك لليسرى ۹ فذكر إن نفعت الذكرى ۱۰
سيذكر من يخشى ۱۱ ويتجنبها الأشقى ۱۲ الذي يصلى النار الكبرى ۱۳ ثم لا
يموت فيها ولا يحيى ۱۴ قد أفلح من تزكى ۱۵ وذكر اسم ربه فصلى ۱۶ بل تؤثرون
الحيوة الدنيا ۱۷ والآخرة خير وأبقى ۱۸ إن هذا لفي الصحف الأولى ۱۹
صحف ابرهيم وموسى ۲۰ سورة الغاشية ست وعشرون آية وهي مكية (۸۸)

بسم الله الرحمن الرحيم ۱

هل أتاك حديث الغاشية ۲ وجوه يومئذ خاشعة ۳ عاملة ناصبة ۴ تصلى
نارا حامية ۵ تسقى من عين آنية ۶ ليس لهم طعام إلا من ضريع ۷ لا يسمن ولا
يغني من جوع ۸ وجوه يومئذ ناعمة ۹ لسعيها راضية ۱۰ في جنة عالية ۱۱ لا
تسمع فيها لاغية ۱۲ فيها عين جارية ۱۳ فيها سرر مرفوعة ۱۴ وأكواب
موضوعة ۱۵ ونمارق مصفوفة ۱۶ وزرابي مبثوثة ۱۷ أفلا ينظرون إلى
الإبل كيف خلقت ۱۸ وإلى السماء كيف رفعت ۱۹ وإلى الجبال كيف نصبت ۲۰

وإلى

نصف

غثاء
بغين با نقطه
ثاء مثلثه

إن نفعت
بفتح نون و فا و عين
و كسر تا

الأولى
بضم همزه و سكون
واو با اشباع

از حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام
مرويست كه هر كه
سوره هل اتيك حديث
الغاشيه را در فريضه يا
نافله بخواند خدا او را
در دنيا و آخرت
برحمت خود فرو پوشد
و برات ايمنى از آتش
با و كرامت فرمايد السلام

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ٢٠ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ٢١ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ٢٢ إِلَّا

و بزمین که چگونه پهن کرده شود پس پند ده نیستی تو مگر پند دهنده نیستی تو بر ایشان تسلط دارنده مگر

مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ٢٣ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ٢٤ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ٢٥ ثُمَّ

آنکه روی گردانید و کافر شد پس عذاب کند او را خدا عذاب بزرگتر بدرستیکه بسوی ماست بازگشتشان پس

إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ٢٦

بدرستیکه بر ماست حسابشان

سورة الفجر ثلثون آية وهي مكية (٨٩)

نزلت بعد الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْفَجْرِ ١ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ٢ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ٣ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ٤ هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ

بصبح و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب چون درگذرد آیا در این سوگند است

لِذِي حِجْرٍ ٥ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ٦ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ٧ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا

مرصاحب خرد را آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگارت بعاد ارم صاحب ستونها آنکه آفریده نشده مانندآن

فِي الْبِلَادِ ٨ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ٩ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ١٠ الَّذِينَ

در شهرها و ثمود آنانکه می بریدند سنگ را بوادی و فرعون صاحب میخها آنانکه

طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ١١ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ١٢ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ١٣ إِنَّ

تعدی کردند در شهرها پس بسیار کردند در آن فساد را پس ریخت پروردگارت بر ایشان تازیانه عذاب بدرستیکه

رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ١٤ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ١٥ فَيَقُولُ

پروردگارت بکمینگاه است پس اما انسان چون آزماید او را پروردگارش پس گرامی کرد او را پس میگوید

رَبِّي أَكْرَمَنِ ١٦ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ١٧ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ١٨

پروردگارم گرامی داشته مرا و اما چون آزماید او را پس تنگ گرداند بر او روزیش را پس میگوید پروردگارم خوار کرد

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ١٩ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ٢٠ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ

نچنین نیست بلکه گرامی نمیدارید یتیم را و رغبت نمینمائید بر خورانیدن درمانده و میخورید میراث را

أَكْلًا لَمًّا ٢١ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ٢٢ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ٢٣ وَ

خوردنی درهم و دوست میدارید مال را دوستی بسیار نچنین نیست آنگاه کوفته شود زمین کوفتنی کوفتنی و

جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ٢٤ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ

آمد امر پروردگارت و فرشته صف در صف و آورده شود آنروز جهنم آنروز پند گیرد

الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ٢٥ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ٢٦ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ

آدمی و کجا سود دهد او را پند میگوید ای کاش پیش فرستادم برای زندگانیم پس آنروز عذاب نکند

عَذَابَهُ أَحَدٌ ٢٧ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ٢٨ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ٢٩ ارْجِعِي

چون عذاب کردن او احدی را و بسته نشود مانند بند کردن او احدی ای نفس آرمیده بازگرد

إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ٣٠ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ٣١ وَادْخُلِي جَنَّتِي ٣٢

بسوی پروردگارت خوشنود و پسندیده پس داخل شو در بندگانم و درآ بهشتم را

ثواب القرائة: در ثواب الاعمال و مجمع البیان بروایت از حضرت صادق علیه السلام مذکور است که بخوانید سوره فجر

ارم: بکسر همزه و فتح راء و میم نام قبیله یا شهر قبیله یا شهر قوم عاد که اولاد سام بن نوح بن ارم بودند

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که هر که سوره والفجر را در فریضه و نافله بخواند که چون این سوره به حضرت امام حسین صلوات الله و سلامه علیه است در بهشت در جوار آنحضرت باشد

نفس مطمئنه حسین بن علی علیهما السلام است و اگر خواننده آن را باشد حسین میر است روز قیامت در بهشت

(۹۰) سورة البلد عشرون اية وهي مكية نزلت بعد ق

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

لا اقسم بهذا البلد ۱ وانت حل بهذا البلد ۲ ووالد وما ولد ۳ لقد

قسم میخورم باین شهر و تو مقیمی باین شهر و پدر و آنچه زاد هر آینه بتحقیق

خلقنا الانسان في كبد ۴ ايحسب ان لن يقدر عليه احد ۵ يقول اهلكت

آفریدیم آدمی را در رنج آیا میپندارد آنکه هرگز قادر نباشد بر او احدی میگوید ضایع کردم

مالا لبدا ۶ ايحسب ان لم يره احد ۷ الم نجعل له عينين ۸ ولسانا وشفتين ۹

مالی انبوه آیا گمان میکند آنکه ندیده است او را احدی آیا نگردانیدیم برای او دو چشم و زبان و دو لب

وهديناه النجدين ۱۰ فلا اقتحم العقبة ۱۱ وما ادريك ما العقبة ۱۲ فك رقبة ۱۳

و راه نمودیم او را دو بلند جای پس در نیامد بآن بلند گردنگاه و چه چیز دانا کرد تو را که چیست بلند گردنگاه آزاد کردن بنده

او اطعام في يوم ذي مسغبة ۱۴ يتيما ذا مقربة ۱۵ او مسكينا ذا متربة ۱۶ ثم

یا خورانیدن در روزیکه صاحب گرسنگی است یتیمی را که صاحب قرابت یا درمانده صاحب احتیاج پس

كان من الذين امنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة ۱۷ اولئك اصحاب

باشد از آنانکه ایمان آوردند و وصیت کردند یکدیگر را بالصبر و وصیت کردند یکدیگر را بمهربانی ایشانند یاران

الميمنة ۱۸ والذين كفروا باياتنا هم اصحاب المشئمة ۱۹ عليهم نار موصدة ۲۰

دست راستند و آنانکه کافر شدند بآیات ما ایشانند یاران دست چپ برایشان است آتش سرپوشیده

(۹۱) سورة الشمس ست عشر اية وهي مكية نزلت بعد القدر

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والشمس وضحيها ۱ والقمر اذا تليها ۲ والنهار اذا جليها ۳ والليل اذا

بآفتاب و فروغ وقت تفاخرش و ماه چون از پی درآیدش و روز چون جلا دهدش و شب چون

يغشيها ۴ والسماء وما بنيها ۵ والارض وما طحيها ۶ ونفس وما سويها ۷

فرو پوشیدش و آسمان و آنکه بنا کردش و زمین و آنکه گسترانیدش و نفس و آنکه راست کردش

فالهمها فجورها وتقويها ۸ قد افلح من زكيها ۹ وقد خاب من دسيها ۱۰ كذبت

و الهام کرد او را بدکرداریش و پرهیزکاریش بتحقیق رستگار شد آنکه پاک کردش و بی بهره شد کسی که تباه کردش تکذیب کرد

ثمود بطغويها ۱۱ اذ انبعث اشقيها ۱۲ فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيها ۱۳

ثمود بسبب طغیانش هنگامیکه برخاست بدبخت ترینش پس گفت مر ایشان را پیغمبر خدا ناقه خدا و شربش را

فكذبوه فعقروها ۱۴ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها ۱۵ ولا يخاف عقبها ۱۶

پس تکذیب کردند او را پس پی کردند ناقه را پس هلاک کرد بر ایشان پروردگار ایشان بگناهشان پس یکسان کرد و نترسید عاقبت را

سورة

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هرکه سورهٔ لا اقسم بهذا البلد در فریضه بخواند در دنیا از جمله صالحین معروف گردد و او از کسانی است که منزلت عظیم است از برای او در آخرت و از رفقای انبیا باشد

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکه سورهٔ والشمس و سورهٔ واللیل اذا یغشی و سورهٔ والضحی و الم نشرح را بسیار بخواند در روزی با وی شهادت دهد

موصدة بواو و همزه هر دو خوانده اند و همزه اولی است نظر را
هر چیز که در نزد او حاضر باشد در قیامت از برای او شهادت دهد بر بهشت سر و پوست و گوشت و خون و عروق و عصبها استخوان و جمیع اعضای او و حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم در باره بنده ای ملائکه ببرید او را به بهشت و هر جا را اختیار کند باو عطا کنید و الحسنه

ناقة الله یعنی تا

یخاف بفتح با

(۹۲) سورة الليل احدى وعشرون آية وهي مكية نزلت بعد الاعلى

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۱ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۲ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۳ إِنَّ

بشب چون فرو پوشاند و بروز چون روشن شود و بآنچه آفرید مذکر و مؤنث را بدرستیکه

سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۴ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۵ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۶ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۷

کوشش شما از هم ممتاز است پس اما آنکه عطا کرد و پرهیزکار شد و تصدیق کرد بخوبی پس توفیق میدهیم از برای آسانی

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۸ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۹ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۱۰ وَمَا

و اما آنکه بخل ورزید و استغنا نمود و تکذیب کرد طریقهٔ خوب را پس مهیا میسازیم برای او دشواری و نه

يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۱۱ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۱۲ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَ

کرد کفایت از او مالش چون هلاک شد بدرستیکه بر ماست هر آینه هدایت و بدرستیکه برای ماست آخرت و

الْأُولَىٰ ۱۳ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۱۴ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۱۵ الَّذِي

اولی پس بیم کردیم شما را با آتشی که زبانه میکشد در نیاید آنرا مگر بدبخت تری آنکه

كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۱۶ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۱۷ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۱۸ وَمَا لِأَحَدٍ

تکذیب کرد و پشت کرد زود باشد که دور گردانیده شود از آن پرهیزکارتر آنکه میدهد مالش را پاک میشود و نیست مر احدیرا

عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۱۹ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۲۰ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۲۱

نزد او نعمتی که جزا داده شود بجز جستن وجه پروردگارش که برتر است و هر آینه زود باشد که راضی گردد

(۹۳) سورة الضحى احدى عشرة آية وهي مكية نزلت بعد الفجر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالضُّحَىٰ ۱ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۲ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۳ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ

بچاشتگاه و شب چون آرام گیرد که وا نگذاشت ترا پروردگارت و خشم نکرد و هر آینه آخرت بهتر است

لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۴ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۵ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا

مر ترا از دنیا و هر آینه زود باشد که عطا کند پروردگارت پس راضی گردی آیا نیافت ترا یتیم

فَآوَىٰ ۶ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۷ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۸ فَأَمَّا

پس جای داد و یافت ترا گمراه پس هدایت کرد و یافت ترا چیز عیال مند پس توانگر کرد ترا پس اما

الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۹ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۱۰ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۱۱

یتیم را پس قهر مکن و اما سائل پس زجر مکن و اما بنعمت پروردگارت پس حکایت کن

(۹۴) سورة الانشراح ثماني آيات وهي مكية نزلت بعد الضحى

هو — ثواب تلاوت این سوره در ضمن سورهٔ سابقه سمت تحریر یافت

للآخرة بفتح لام و رما

الأولى بضم همزه و سكون واو با اشباع

هو — از حضرت رسول الله مرویست که هر کس سورهٔ الضحی را بخواند او را از جمله کسانی گرداند که بشرف شفاعت پیغمبر مشرف شود و آن حضرت خوشنود و خوشنود باشد و بعدد هر یتیمی و سائلی او را ده حسنه ۱۲

الأولى بضم همزه و سكون واو با اشباع

بسم الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ١

بنام خدای بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ٢ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ٣ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ ٤

آیا گشاده نکردیم برایت سینات را و نهادیم از تو بار گران تورا آنکه شکست در آورده بود پشتت را

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ٥ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ٦ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ٧ فَإِذَا فَرَغْتَ

و بلند کردیم برای تو ذکر ترا پس بدرستیکه با دشواری آسانیست بدرستیکه با دشواری آسانیست پس چون فارغ شدی

فَانصَبْ ٨ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب

پس رنج کش و بسوی پروردگارت پس راغب شو

(٩٥) سورة التين ثمان آيات وهي مكية

نزلت بعد البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ٢ وَطُورِ سِينِينَ ٣ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ٤ لَقَدْ خَلَقْنَا

و بتین و زیتون و طور سینین و این شهر ایمن بتحقیق آفریدیم ما

الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ٥ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ٦ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

انسان را در خوبتر راست کردنی پس گردانیدیمش فرو فروتران بجز آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ٧ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ٨ أَلَيْسَ

و کردند کارهای شایسته پس مر ایشانراست مزدی غیر مقطوع پس چه چیز تکذیب میکند بعد از این بدین آیا نیست

اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان

(٩٦) سورة العلق تسع عشرة آية وهي مكية

وهي اول ما نزل من القرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ٢ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ٣ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ٤

بخوان بنام پروردگارت آنکه آفرید آفرید آدمیرا از خون بسته بخوان و پروردگارت کریمترست

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ٥ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ٦ كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ ٧ أَن رَّآهُ

آنکه تعلیم نمود بقلم آموخت آدمیرا آنچه نمیدانست نه چنین است بدرستیکه انسان هر آینه طغیان میکند که دید

اسْتَغْنَىٰ ٨ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ٩ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ١٠ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ١١ أَرَأَيْتَ

خود را بی نیاز شد بدرستیکه بسوی پروردگارت بازگشت آیا دیدی آنرا که منع میکند بنده را چون نماز گزارد آیا دیدی

إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ١٢ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ١٣ أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ١٤ أَلَمْ يَعْلَم

که اگر بود بر هدایت یا امر کرد به پرهیزگاری آیا دیدی اگر تکذیب کرد و پشت کرد آیا ندانسته

بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ١٥ كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ١٦ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ١٧

بآنکه خدا می بیند نه چنین است که هرگاه باز نایستد خواهیم گرفت موی پیشانی پیشانی دروغگوی خطا کار

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ١٨ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ١٩ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب

پس بخواند اهل مجلس خود را بخوانیم زبانیه را نه چنین است فرمان مبر او را و سجده کن و نزدیک شو

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که هر که سوره الم نشرح بخواند او مانند کسی باشد که بر محمد صلی الله علیه و آله وارد شده و مرا از غم شاد کرده و شفاعت برش واجب باشد و السلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره والتین را بخواند در نمازهای فریضه و نافله بهر موضع که باشد ثواب او را عطا کنند با ود هند

از حضرت امام جعفر صادق روایت است که هر که سوره اقرأ باسم ربک بخواند در روز یا در شب پس در آن روز یا شب بمیرد شهید مرده باشد و شهید محشور گردد

سورة

(۹۷) سورة القدر خمس آيات وهي مكية ١ نزلت بعد عبس

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداے بخشایندۂ مهربان

انا انزلناه في ليلة القدر ١ وما ادريك ما ليلة القدر ٢ ليلة القدر

بدرستیکه ما فرو فرستادیم در شب قدر و چه دانا کرد ترا که چیست شب قدر شب قدر

خير من الف شهر ٣ تنزل الملئكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر ٤

بهتر است از هزار ماه نازل میشود ملائکه و روح در آن باذن پروردگارشان از هر امری

سلام هي حتى مطلع الفجر ٥ (۹۸) سورة البينة ثمان آيات وهي مكية

سلامی است آن تا مطلع صبح

وهي مدنية بعد الطلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشندۂ مهربان

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين منفكين حتى تأتيهم البينة ١

نبودند آنکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکین جدایان تا بیاید ایشانرا بینه

رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة ٢ فيها كتب قيمة ٣ وما تفرق الذين اوتوا

رسولی از خدا میخواند صحیفه‌های پاک را در آنها است نوشته‌های درست و متفرق نشدند آنکه داده شدند

الكتاب الا من بعد ما جاءتهم البينة ٤ وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين

کتاب را بجز از بعد آنچه آمد ایشانرا بینه و فرمود شدند مگر اینکه بپرستند خدا را خالص کنندگان

له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة ٥ ان

برایش دین را حق گرایان و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و این است دین راست بدرستیکه

الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها

آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش جهنم همیشه اند در آن

اولئك هم شر البرية ٦ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك هم

آنها ایشانند بدترین خلق بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته آنها ایشانند

خير البرية ٧ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار

بهترین خلق سزایشان نزد پروردگارشان بهشتهاست جای اقامت که میرود از زیر آنها نهرها

خالدين فيها ابدا ٨ رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه

جاویدانند در آن همیشه راضی شد خدا از ایشان و راضی شدند از آن این برای کسیست که بترسد پروردگارش را

(۹۹) سورة الزلزال ثمان آيات وهي مكية ١

وهي مدنية نزلت بعد النساء

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداے بخشندۂ مهربان

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که انا انزلناه را بلند بخواند چنان است که شمشیر کشیده باشد در راه خدا و شهید شده باشد و هر که دو بار بخواند چنان است که از گناهان محو شده باشد ۱۲

اوتوا بضم همزه و سکون واو با اشباع

ابی‌شانی علیه السلام

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سورۂ لم یکن بخواند بیزار گردد از شرک و داخل گردد در دین محمد صلی الله علیه و آله و اول حساب او بر خدا آسان است ۱۲

جزاؤهم بفتح همزه بعد از واو بلا اشباع

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ١ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ٢ وَقَالَ الْإِنْسَانُ

چون بر لرزانیده شود زمین لرزه اش و بیرون آورد زمین بارهای گرانش را و گفت آدمی

مَا لَهَا ٣ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ٥ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ

چیست مر او را آنروز میگوید خبرهایش را بآنکه پروردگارت وحی کرد بآن آنروز باز گردند

النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ٦ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ٧ وَمَنْ يَعْمَلْ

مردم پراکنده تا نموده شود کردارشان پس آنکه کرد مقدار ذره خوبی می بیند آنرا و آنکه کرد

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ٨

مقدار ذره بدی می بیند آنرا

(١٠٠) سورة العاديات احدى عشرة آية وهي مكية

نزلت بعد العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ١ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ٢ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ٣ فَأَثَرْنَ

بدوندها باواز نفس زدنی پس آتش برزنندها بآتش پس آنها که وسیله غارت شدند در صبح پس برانگیختند

بِهِ نَقْعًا ٤ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ٥ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ٦ وَإِنَّهُ عَلَىٰ

بآن غبار را پس میان درآمد بآن جمعی را بدرستیکه آدمی مر پروردگارش ناسپاس است و او بر

ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ٧ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ٨ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي

این هر آینه گواهست واو برای دوستی خیر هر آینه سخت است آیا پس نمیداند چون برانگیخته شود آنچه در

الْقُبُورِ ٩ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ١٠ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ١١

قبرهاست و بیرون کرده شود آنچه در سینه‌هاست بدرستیکه پروردگارشان در آنروز بآنها هر آینه آگاهست

(١٠١) سورة القارعة ثمان آيات وهي مكية

نزلت بعد قريش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الْقَارِعَةُ ١ مَا الْقَارِعَةُ ٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ٣ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ

آن درهم کوبنده چیست درهم کوبنده و چه چیز دانا کرد ترا که چیست درهم کوبنده روزیکه میباشند مردم

كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ٤ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ٥ فَأَمَّا مَنْ

مانند پروانه پراکنده و میباشد کوهها مانند پشم واز زده پس اما آنکه

ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ٦ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ٧ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

گران آمد سنجیدهایش پس اوست در عیشی پسندیده و اما آنکه سبک آمد سنجیدنش

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ٨ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ٩ نَارٌ حَامِيَةٌ ١٠

پس مأوایش دوزخ است و چه دانا کرد ترا که چیست آن آتشی است بسیار سوزنده

(١٠٢) سورة التكاثر ثمان آيات وهي مكية

نزلت بعد الكوثر

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند بخشنده مهربان

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ ۲ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۳ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴

غافل کرد شما را بسیاری تا زیارت کردید قبرها را حقا زود باشد که بدانید

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۵ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۶ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۷

پس حقا زود باشد که بدانید نچنین نیست اگر بدانید از روی دانستنی یقین هر آینه ببینید جحیم را

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۸ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۱۰

پس هر آینه خواهید دید آنرا بچشم یقین پس هر آینه پرسیده میشوید آنروز از نعمت

سُورَةُ الْعَصْرِ ثلث آيات وهي مكية (۱۰۳) نزلت بعد الشرح

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بخشنده مهربان

وَالْعَصْرِ ۲ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

بطرف آخر روز بدرستیکه آدمی هر آینه در زیانست بجز آنکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

کارهای شایسته و وصیت کردند براستی و وصیت کردند بصبر

سُورَةُ الْهُمَزَةِ تسع آيات وهي مكية (۱۰۴) نزلت بعد القيامة

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ ۲ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۳ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ

وای مر هر عیب کننده طعنه زننده آنکه جمع کرد مال را و شمرد او را میپندارد که مالش جاوید میکند او را

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۵ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۶ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۷

نچنین نیست هر آینه انداخته خواهد شد در آتش درهم شکننده و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آتش درهم شکننده آتش خداست که افروخته شده

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۸ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ۹ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

آنکه مطلع میشود بر دلها بدرستیکه آن بر ایشان سر پوشیده در ستونهای کشیده

سُورَةُ الْفِيلِ خمس آيات وهي مكية (۱۰۵) نزلت بعد الكافرون

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۲ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۳

آیا ندیدی چگونه کرد پروردگارت باصحاب فیل آیا نگردانید کید ایشان را در تباهی

وَاَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ ۳ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ۴ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاْكُولٍ ۵

و فرستاد بر ایشان مرغی پرنده فوج فوج که میزدند آنها را بسنگ ریزه پس گردانید آنها را مانند برگ خورده شده

(۱۰۶) سُورَةُ الْقُرَيْشِ اَرْبَعُ اٰيَاتٍ وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ نزلت بعد التین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

لِاِيْلٰفِ قُرَيْشٍ ۱ اِيْلٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَآءِ وَالصَّيْفِ ۲ فَلْيَعْبُدُوْا

برای الفت دادن قریش الفت دادن ایشان در کوچ زمستان و تابستان پس باید بپرستید

رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ۳ الَّذِيْٓ اَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوْعٍ ۴ وَّاٰمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ

پروردگار این خانه را آنکه سیر طعام کردشان از گرسنگی و ایمن کردشان از ترس

(۱۰۷) سُورَةُ الْمَاعُوْنِ سَبْعُ اٰيَاتٍ وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ

کی ثلث الایات الاول مدنیه البقیه نزلت بعد التکاثر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَرَاَيْتَ الَّذِيْ يُكَذِّبُ بِالدِّيْنِ ۱ فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَدُعُّ الْيَتِيْمَ ۲

آیا دیدی آنکه تکذیب کرد بدین پس آنست که بجفا برد یتیم را

وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ۳ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ ۴ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ

و ترغیب نمیکردند بر طعام درمانده پس وای مر نمازگزارندگان آنانکه ایشان از

صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ ۵ الَّذِيْنَ هُمْ يُرَآءُوْنَ ۶ وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ ۷

نمازشان غافلانند آنانکه ایشان ریاکاری میکنند و منع مینمایند زکات را

(۱۰۸) سُورَةُ الْكَوْثَرِ ثَلٰثُ اٰيَاتٍ وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ نزلت بعد العادیات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اِنَّآ اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۱ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۲ اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ۳

بدرستیکه ما دادیم بتو کوثر را پس نماز گزار برای پروردگارت و نحر کن بدرستیکه دشمن تو اوست ناقص

(۱۰۹) سُورَةُ الْكٰفِرُوْنَ سِتُّ اٰيَاتٍ وَّهِيَ مَكِّيَّةٌ نزلت بعد الماعون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ۱ لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ۲ وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ

بگو ای کافران نمیپرستم آنچه میپرستید و نه شمائید پرستنده آنچه من میپرستم

ثواب سوره القریش: از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که سوره لایلاف بسیار بخواند چون مبعوث شود براسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سر مائدهای نور بنشیند

لایلاف: بکسر لام و همزه قطع

ثواب سوره الماعون: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که سوره ارأیت را در نمازهای فریضه و نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا نماز و روزه او را قبول فرموده است و او را بأعمال دنیا حساب نکند

یراؤن: بضم یا و اشباع میشود

ثواب سوره الکوثر: از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که سوره کوثر را در فرائض و نوافل بخواند خدا از حوض کوثر آب دهد و در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله جا دهد

شانئک: بتقدیم نون بر همزه مفتوحه

ثواب سوره الکافرون: از حضرت امام جعفر صادق روایتست که هر که سوره قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادر او را و فرزندان او را بیامرزد و اگر شقی باشد نامش را از دیوان اشقیا محو نماید و در دیوان سعدا بنویسد و او را در دنیا سعادتمند دارد و شهید بمیراند و با شهدا مبعوث گرداند

وَلَآ أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ ۵ وَلَآ أَنتُمْ عَابِدُونَ مَآ أَعْبُدُ ۶ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ
و نه من پرستنده ام آنچه را می پرستید و نه شما باشید پرستنده آنچه من می پرستم برای شما است دین شما و برای من دین من

سُورَةُ النَّصْرِ ثَلٰثُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ وَقِيلَ مَدَنِيَّةٌ (۱۱۰) نزلت بعد التوبة

نزلت بمنى في حجة الوداع فتعد مدنية وهي آخر ما نزل من السور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱
بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ۲ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ
چون آید نصرت خدا و فتح و ببینی مردمانرا که در می آیند در دین خدا
أَفْوَاجًا ۳ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا
فوجها پس تسبیح کن بستایش پروردگارت و از او آمرزش خواه بدرستیکه او باشد توبه پذیر

سُورَةُ أَبِي لَهَبٍ خَمْسُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۱۱) نزلت بعد الفاتحة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱
بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَّتْ يَدَآ أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۲ مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۳ سَيَصْلَىٰ نَارًا
بریده باد دو دست ابولهب و هلاک باد کفایت نکرد از او مالش و آنچه کسب کرد زود است که در آید آتشی را
ذَاتَ لَهَبٍ ۴ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۵ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ
صاحب زبانه و زنش بردارنده هیمه است در گردنش ریسمانیست از لیف خرما

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ أَرْبَعُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ (۱۱۲) نزلت بعد الناس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱
بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ ۲ اللّٰهُ الصَّمَدُ ۳ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۴ وَلَمْ يَكُن لَّهُ
بگو اوست خدای یکتا خدا است بزرگی که قصد کرده میشود باو در حوائج نه زاد و نه زاده شد و نباشد مر او را
كُفُوًا أَحَدٌ
همتا احدی

سُورَةُ الْفَلَقِ خَمْسُ آيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ وَقِيلَ مَدَنِيَّةٌ (۱۱۳) نزلت بعد الفيل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱
بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۲ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ۳ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۴
بگو پناه میبرم بپروردگار سفیده دم از شر آنچه آفرید و از شر شب تار چون در آید
وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۵ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ
و از شر دمندگان در گره ها و از شر حسود چون حسد برد

شیخ طبرسی رحمه الله تعالی از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره نصر را بخواند در نماز فتح و ظفر یابد بر دشمن خود و روز قیامت با کتاب سبز بیاید و السلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چون سوره تبت را بخوانید لعن و نفرین کنید ابولهب را

تبت: بفتح تا و باء مشدده
وامرأته: بضم تا

در فضیلت این سوره احادیث بسیار و آیات بیشمار وارد است

سورة الناس ست ایات وهی مکیة (۱۱۴) نزلت بعد الفلق

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ۱ ملک الناس ۲ اله الناس ۳ من شر الوسواس

بگو پناه میبرم به پروردگار مردم پادشاه مردم اله مردم از آسیب وسوسه کننده

الخناس ۴ الذی یوسوس فی صدور الناس ۵ من الجنة والناس ۶

بازپس رونده که وسوسه میکنند در سینهای مردم از جن و انس

دعا بعد از تلاوت بسم الله الرحمن الرحیم کلام الله مجید

اللهم انی قد قرأت ما قضیته من کتابک الذی انزلته علی نبیک الصادق فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه ومتشابهه واجعلنی ممن ترقی بکل ایة قراها درجة فی اعلی علیین امین رب العالمین

این دعا را بعد از ختم قرآن تلاوت نمایند

اللهم اهدنا بهدایة القرآن وعافنا بعنایة القرآن وارحم موتنا بعظمة القرآن ونجنا من النیران بکرامة القرآن وارفع درجاتنا وحصل مراداتنا وصل علی ساداتنا واشف مرضانا واد دیوننا وطول اعمارنا فی طاعتک وعبادتک ووسع علینا ارزاقنا وارزقنا خیر الدنیا والاخرة برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اعف عنا علی تلاوة القرآن من خطاء او نسیان او زیادة او نقصان او تحریف کلمة او تغییر حرف او قلة وقوف فاغفر لنا برحمتک یا مولانا ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار واحشرنا مع الابرار واعذنا من کل سوء وخزی وعار ونجنا من کید الاشرار والفجار ولا تحلنا بعد ذلک دار البوار وارزقنا تلاوة القرآن اناء اللیل واطراف النهار واحشرنا مع النبی واله الاطهار

هوالله تعالی شأنه

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که در سه رکعت وتر معوذتین و سوره توحید بخواند با خطاب کننده ای بنده خدا بشارت باد ترا که خداوند وترا قبول کرد اقرا الرحیم واهاشی العابد المستغفر والاقل الاحقر ابن محمد حسین میرزا سید محمد سبحانک اللهم اعز زنا بها واستر عیوبنا بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبالسلف بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد صاحب الزمان ان تصلی علی محمد وآله وان تکشف کربنا وتغفر ذنوبنا وتنفس همومنا وتفرج غمومنا وان ترحم ضعفنا بالنجاة ولا تؤاخذنا بما فعلنا وافضل بنا انت اهل ذلک یا ذا المن اللهم انا نشکوا الیک غیبة امامنا وقلة عددنا وکثرة عدونا وتظاهر الاعداء علینا ففرج ذلک بعدل تظهره وامام حق تظهره آمین الحق رب العالمین آمین

بتاریخ روز پنجشنبه ۱۲ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۵۲

دیباچه طرز پیدا کردن مطلب از کشف المطالب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی نَزَّلَ الْآیَاتِ وَشَرَّفَهَا وَنَوَّرَ الْبَیِّنَاتِ وَقَدَّسَهَا کَرَّمَ الْاِنْسَانَ بِمَکَارِمِ الْقُرْانِ وَالصَّلوٰةُ عَلٰی رَسُولِهٖ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَمَنَارِ الرَّحْمٰنِ وَعَلٰی آلِهٖ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ آلِ الْاِکْرَامِ وَاَهْلِ الْاِحْسَانِ **و بعد** چون جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم ابن جنت مکان حاجی علی خان افوی اعتماد السلطنه زید اجلاله وزیر انطباعات کشف المطالبی بجهت کتاب کریم و قران مجید مرتب نموده بودند و چند کرت بزیور طبع رسیده بود در این کرت این جانی فانی اقل الحاج والمشایخ محمد حسین بن مرحوم مبرور حاجی ملا محمد خوانساری عفی عن جرائمهما چون مشغول طبع قران کشف الایات شدم این کشف المطالب را ملاحظه کردم نظر بحسن ظن بجناب مستخرج امتحانی از صحت و سقم استخراج ایشان نمودم و همین مستخرج ایشان را تنقیح نمودم باین معنی که در کشف المطالب مطبوعه سابقه اسامی سورها نسبت بمطلبی هم مکرر در چند خانه نوشته شده بود اول در این نسخه همه در یک خانه نوشته شده و هم بترتیب شماره سور بود و در انجام ترتیبا مرقوم شده چنانچه ملاحظه خواهد شد و اینک برای توضیح گوئیم هر کس بخواهد از این کشف المطالب منتفع شود و محظی گردد راه آن چنین است و مفتاح آن کدام است این است که مثلا میخواهیم بدانیم ایوب در چند جای قران است ملاحظه حرف اول کلمه را میکنیم و حرف اول ایوب همزه است نگاه رجوع بحرف همزه فهرست کشف المطالب میکنیم در آنجا نوشته ایوب ۹ از این فهرست ملتفت میشویم که حکایت ایوب در صفحه نهم کشف المطالب واقع شده است و چون بصفحه نهم کشف المطالب نظر میکنیم میبینیم نوشته شده است فصل سیزدهم ذکر ایوب هشت آیه سوره انعام ذیل آیه ۸۴ و سوره انبیاء آیه ۸۳ و ۸۴ و سوره ص آیه ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و باید دانست که هر صفحه از کشف المطالب سه ضلع است و هر ضلعی چهار خانه و خانه اول هر یک از این سه ضلع از جهت اسم خود سوره و اینکه سوره چندم است وضع شده و سه خانه باقی مانده هر یک از این سه ضلع از جهت عدد آیات وضع شده است و ایضا باید دانست که هر جا که در این سه خانه حرف ص نوشته شده است اشاره باین است که صدر آیه دلالت بر مطلب دارد و هر جا که حرف و نوشته شده است اشاره باین است که وسط آیه دلالت بر مطلب دارد و هر جا که حرف ذ نوشته شده است اشاره باین است که ذیل آیه دلالت بر مطلب دارد و اگر چنانچه سه آیه یا بیشتر پی در پی دلالت بر مطلب داشته باشد از برای آیه اول من رسم شده و از برای آیه آخر الی یعنی تمام آن سه آیه یا بیشتر متصلا دلالت بر مطلب دارد و مخفی نماند که صفحه مقابل بجهت آن رسم شده است که معلوم شود این کشف المطالب مشتمل بر چند باب و هر بابی مشتمل بر چند فصل است و دیگر آنکه هر بابی از آن در چه مطلب است و این مطلب در صفحه چندم کشف المطالب واقع است تا واضح و سهل باشد پیدا کردن مطلب تبصرة بانی طبع این کلام مجید حاج سید سعید طباطبائی و شرکائه زید التایید عادا زندا منه هر کاجو و نوشته باشند بعلاوه صفح این قران نهج البلاغه مترجم بهترین خط بطبع رسیده که بقیمت عادلانه برای خواص و عوام باشد

رسالهٔ مختصریست در طریق استخاره از فرمایشات مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد لله الذی لا یعلم ... و من ... و من ... و من ... والصلوة علی خیر من استجاب الله ... محمد واهل بیته الذین من والاهم کانت الجنة ماواه و من عاداهم فالنار مثواه

و بعد بر الواح ضمیر برادران ایمانی مینگارد که چون اخبار متکاثره و احادیث متظافره از حضرات معصومین در فضیلت استخاره و استشاره از جناب مقدس الهی بنظر رسیده و چون همه مردم را اطلاع بر آنها میسر نبود و بسیاری از فوائد آن محروم بودند لهذا در این رساله که مشتملست بر فاتحه و هشت مفتاح و خاتمه اخبار و آثار معتبره که در این باب وارد شده ایراد نموده و هو حسبی و نعم الوکیل فاتحه در بیان فضیلت استخاره بدانکه استخاره در لغت طلب خیر کردن و راضی بودن بصلاح خود است از کسی و استشاره نیز مراجعت بکسی کردن در امری که اراده آن نزد دی باشد تا آنکه او اشاره کند با امری که صلاح او در آنست بمقتضای رای او و اگر چه استشاره از برادران مومن نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بان خواهد شد اما مقصود اصلی در این مقام

طلب خیر از جناب مقدس الهی است و رجحان آن بحسب عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که صانع عالم بمصالح دنیا و عقبای بنی آدم از همه کس داناتر است و با لطف و کرم نامتناهی و بی نیازی از جمیع خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه در این صلاح بندگان در آنست بخل نمی نماید خصوصا وقتیکه بنده امور خود را با و واگذارد و از او اصلاح خود را طلب نماید پس باید بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردگار خود طلب (۴۴۲)

نماید و مصلحت خود را بلطف او کذارد و ایضا معلوم است که مقتضای بندگی و کمال عبودیت آنستکه مرادات و ارادات خود را تابع ارادات حقتعالی کرداند بمقتضای آیه و ما تشاؤن الا ان یشاء الله از مشیت خود خالی کردد و در هر میسور و معسور خواست خدا را بر خواهش خود مقدم دارد تا بمعنی و من یتوکل علی الله فهو حسبه حقتعالی کافی مهمات او باشد و اینمرتبه اعلا درجه مقربانست و بسندهای معتبر بسیار شیخ مفید و سید ابن طاوس و دیگران از حضرت امام جعفر صادق نقل کرده اند که حقتعالی میفرماید که از جمله شقاوت بنده من آنستکه کارها کند و طلب خیر خواز من ننماید و سید و برقی بسندهای معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و ببلائی مبتلا کردد خدا او را در آن بلا اجر ندهد و اخبار در فضیلت استخاره بسیار است همین دو خبر اکتفا شد و بدانکه نباید از طلب خیر از خدا

فهرست ابواب فصول و صفحات کشف المطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

نمره باب		نمره صفحه	عدد فصول هر بابی از کشف المطالب
ب ۱	در وجود و صفات و اسماء حضرت باریتعالی	۱	بیست فصل
ب ۲	در خصایص حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم	۴	نه فصل
ب ۳	در حقیقت قرآن و اینکه برای هر بابی کتاب سماوی باید باشد	۶	هفت فصل
ب ۴	در مواعظ	۶	بیست و دو فصل
ب ۵	ذکر اسرائیلیات و یهودیات	۸	دو فصل
ب ۶	ذکر نبوت انبیاء و اجله مذکوره در توریة	۸	نوزده فصل
ب ۷	ذکر عیسویات و یحیی و مریم و عیسی و اقانیم ثلثه	۱۰	شش فصل
ب ۸	ذکر علماء ماوراء الطبیعه یعنی مجردات معقولات	۱۰	یازده فصل
ب ۹	در دین و دیانت	۱۲	سی و دو فصل
ب ۱۰	در اعتقاد	۱۵	شانزده فصل
ب ۱۱	در فرایض و عبادات	۱۸	هفده فصل
ب ۱۲	در شریعت	۱۹	سه فصل
ب ۱۳	در شرایع راجعه بنظام زندگانی و اجتماع	۱۹	پنجاه و دو فصل
ب ۱۴	در علوم و صنایع	۲۳	دوازده فصل
ب ۱۵	در تجارت و معامله	۲۴	سه فصل
ب ۱۶	در اخلاق و تهذیب آن	۲۴	صد و بیست و یک فصل
ب ۱۷	در فوز و پیشرفت و ترقی	۳۱	شش فصل
ب ۱۸	در تاریخ	۳۲	چهار فصل

باید که هر امر که رخ نماید بآن راضی باشد و بداند که خیر او در آن بوده که واقع شده هر چند در نظر او بد نماید و موافق خواهش او نباشد و بدانکه استخاره چند نوع است اول آنکه در هر امر یکه اراده نماید بجناب مقدس الهی متوسل شود و خیر خود را در آن امر از حقتعالی طلب

فهرست کشف المطالب

نماید و بعد از ان انچه رو دهد بان راضی باشد از میسر شدن ان امر یا میسر نشدن و از مصالح و مفاسد بلکه بر شدن یا نشدن ان مترتب شود زیرا که چون امر خود را بعالم الخفیات تفویض کرده است باید که راضی باشد بهرچه که واقع میشود و بداند که حق تعالی خیر او را بهتر از او میداند دویم انکه بعد از انکه طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند و انچه بخاطر او میافتد بان عمل کند سیم انکه بعد از انکه طلب خیر از خدا بکند و مشورت کند با مؤمنی و انچه ان مؤمن میگوید عمل کند چهارم انکه استخاره بقران مجید یا بتسبیح یا بنادق یا برقاع بکند بتفصیلی که مذکور خواهد شد اگر واکثر احادیث استخاره دلالت بر قسم اول میکند و بعضی از علما مانند شیخ مفید و ابن ادریس و محقق رضوان الله علیهم در جواز استخاره بغیر از سه قسم اول تردد و تامل کرده اند بلکه ابن ادریس ترجیح عدم جواز داده اما اکثر علما تجویز کرده اند و مستحسن دانسته اند و دعاء کیفیت و انواع استخاره را ذکر کرده اند و شیخ شهید و سید بن طاوس رحمهما الله تعالی طعن بسیار در انکار ابن ادریس کرده نموده اند و خوانسته که چون احادیث در باب هر یک وارد شده انکار نمیتوان کرد اما عمده استخاره ان سه شق اول است که در این زمانها متروک است مفتاح اول در بیان نوع اول است یعنی استخاره مطلقه سید علی بن طاوس بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعفور که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمودند بیان کیفیت استخاره که تعلم و تمجید و حمد خدا میکنی و صلوات بر محمد و آل او میفرستی پس میگوئی اللهم انی اسئلک بانک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت علام الغیوب استخیر الله برحمته پس حضرت میفرمود که اگر امر مهم باشد که بیم ان داشته باشی صد مرتبه بگو و اگر امر سهلی باشد سه مرتبه بگو مؤلف گوید که ظاهر انستکه تکرار صد بار و سه بار در استخیر الله برحمته باشد و اگر از اول دعا مکرر بخواند شاید بهتر باشد و گر پیش از دعا بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله ولا حول ولا

مطالب	برجم	مطالب	برجم	مطالب	برجم	مطالب	برجم	مطالب	برجم
ادم	۹	اختیار ازلی	۱۵	اشاعه دین	۱۴	املاک	۲۲	بازگشت از عزت	۱۹
ادمیت	۲۵	اختیار نفس	۱۱	اصحاب کهف	۴	اموال	۲۲	بت پرستی	۱۳
ازادگی	۲۶	اخلاف	۲۴	اصرار در فجور	۲۹	انبیاء	۷	بدبختی جنگ	۲۸ ۲۸
ازار	۲۷	اخوت	۲۶	اصطفاء ازلی	۱۵	انبیاء عموما	۷	بدکرداری	۲۸
اسکات مومن بکافر	۱۵	ادب انسانیت		اضلال ابلیس	۲۳	انبیاء در نور	۷	برائت	۱۹
اشوب	۲۸	ادریس	۹۷	اطاعت	۲۶	انبیاء مذکور در قران	۷	برزخ	۱۷
اهن	۲۳	ادعیه اهل کتاب	۱۲	اطفال	۲۱	انبیاء و جلد	۸	برنی و جهر	زبان
ایات قرانی	۴	ادیان حقه	۱۲	اعتقاد	۱۵	انبیاء و مومنین	۸	بعث	۱۵
ابابیل	۳۲	ادیان مختلفه	۱۵	اعراب	۲۱	انتحار	۳۰	بعثت رسول	۴
ابالسته	۳	اذیت سحر	۴	اعراض ازلغو	۲۷ ۲۹	انتخاب	۱۹	بغض	۲۹
ابتدا نزول قران	۴	اراجیف	۲۳	اعراف	۱۷	انتشار دین	۱۴	بلاغت	۲۴
ابتلا	۱۷	ارباب عقاید	۱۴	اعظام مدرک	۱۰	انتقام	۳۰	بهتان	۲۸
ابداع کاینات	۳	ارتداد	۱۴	اعمار رسول	۵	انجیل	۱۰	بهشت	۱۷
ابرهیم	۸	ارث	۳۱	اغذیه	۱۸	انذار کفار	۱۲	بیع و شری	۲۴
ابرهه در باب		ارحام	۲۱	اغماض	۱۹ ۲۶	انسان	۱۹	بی عدالتی	۲۹
ابطال مذهب کفار	۱۲	اسب	۲۳	افساد	۲۲	انسانیت	۲۵	بی غرض	۲۶
ابناء خوندن یهود	۱۲	اسباط	۲۲	افشاء اخبار	۲۳	انصاف	۲۶	بی کاهلی	
ابن السبیل	۲۸	استخلاص اسیر	۲۳	افعال الهیه	۳۱	انفاق	۱۸	الباء الفارسی	
ابولهب	غضب	استقامت	۲۶	افعال عباد	۳۱	انفاق فی سبیل الله	۲۵	پاک نفسی	۲۷
اتفاق	۲۵	استقصاء	۲۸	اقارب	۲۱	انقیاد	۲۶	پاکی	۲۷
اتفاق بر انسان	۲۲	استهزاء	۲۹	اقامه ثلاثه	۱۰	انکار اهل کتاب	۱۲	پشیمانی	۱۴
اتفاق مخفی	۲۱	استهزاء یهود	۸	اقدام بعمل	۳۱	انکار معجزه	۱۴	پیروی شرع	۱۹
اجتناب از گناه	۱۷	اسحق و ابرهیم		اکل و شرب	۲۸	اهتمام بدعوت	۱۴	پیروی جمهور	۲۲
اجر	۱۷	اسراء	۲۱	الهیات الخضر	۱۰	اهل عباد	۲۱	پیری	۳۱
احبار یهود	۱۹	اسراء کفار	۲۳	الهام	۱۵	اهل وطن	۱۴	پیشرفت	۳۱
احسان	۲۵	اسرار مسلمان	۲۳	الیاس	۹	اهل کتاب	۱۲ ۱۴	التاء	
احکام الهیه	۳	اسرائیل	۹	الیسع	۹	اهمیت ایمان	۱۲	تاریخ	۳۲
احکام شرع	۱۹	اسرائیلیات	۸	اماد	۲۱	ایتام	۲۱	تبذیر	۲۸
احکام میراث	۲۱	اسراف	۲۸ ۳۰	امام ابرهیم		ایجاد کاینات	۴	تبعید	۲۴
اخبار	۲۲	اسرار کلام وقت	۲۸	امانت	۲۵	ایمان	۱۲	تثلیث نصاری	۱۰
اخبار	۳۱	اسلام	۱۲	امتحان	۳۱	ایتام	۲۴	تجارت	۲۴
اختصاص	۴	استمعین	۸	امثال خصی	۲۰	ایام عباد	۱۹	تجسس عمارت	۲۳
اختصاص رسول	۵	اسماء بارسینا	۱	امثال قرانی	۴	ایام متبرکه	۱۹	تجهیز عسکر بجهاد	۲۲ ۲۲
اختلاف طبایع	۲۲	اسم و لقب	۲۱	امر بموعظه	۴	ایوب	۹	تحریص بجهاد	۲۲
اختلاف	۲۸	اشاره بمسیح	۸	امر خدا برسول	۱۴	الباء العربی		تحریص	۲۱
اختیار	۲۵	اشتباه مرده	۲۰	امکنه عباد	۱۹	بابل		تفسیر	۲۸

قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن دعا را بخوانند شاید نیابند باشد و این بسندهای معتبر از حضرت صادق ع نقل کرده
است که هر که یکمرتبه خیر خود را از خدا بطلبد و راضی شود هر چه خدا برای او خیر کرد بدانکه الله تعالی بخیر حرز
میسر کرده و شیخ رحمه بسنده معتبر از حضرت روایت کرده است که حضرت ع دین امام حسن ع هر گاه اراده
مرتبه میکردند ماننده... نماز استخاره...

(۴۴۹)

ان دو رکعت سوره
حمد و سوره ... حسن
میخواندند ... ع
رب افعل ... ع
... مرهو
الله ... میخواندند
... دعا میخواندند
اللهم ان کان ...
الذی ارید خیرا لی
فی دینی و دنیای و
آخرتی و عاجل امری
و آجله فیسره لی علی احسن
الوجوه و اجملها و
اکملها و ان کان الامر
الذی ارید شرا لی
فی دینی و دنیای و آخرتی
و عاجل امری و آجله
فاصرفه عنی علی احسن
الوجوه ... رب
علی رغم نفسی ...
... ابنه ...
و برقی و سید بن طاوس
روایت را نقل کرده اند
در دعا حضرت ...
کرده اند ... روایت
... احیا کرده و
شیخ طوسی علیه الرحمه
در مجالس ... کرده است
از امام علی نقی علیه
السلام که حضرت صادق
علیه السلام ... کرد
بدرم صلوات الله علیه
در استخاره ... دعا را
میخواند اللهم ان خیرتک
تنیل الرغائب و تجزل
المواهب و تغنم المطالب
و تطیب المکاسب و تهدی
الی اجمل المذاهب ...
عن ورود النوائب ...
یا مالک الملوک ...
فیما عزم رأیی علیه ...
یا مولای ... اسئله
... تعسر ...
... بحق ...

تحقیق حقیقت قرآن	۶	تنظیمات جهاد	۲۳	حالات یهود	۸	خضوع	۲۶	ذو القرنین	۳۲
تخفیف	۱۸	توبه ازکیاء	۱۷	حج	۱۹	خلطوی مزده	۱۵	ذی الکفل	۷
تخلید عذاب	۱۷	توده عموما	۸	حجت و سند	۲۴	خلاف نفس	۱۰	الراء	
تذکر عمومی	۵	توفیق الهی	۱۱	حرص	۲۸	خلقت جان	۴	راستی	
تربیت	در نشئت	توکل بخدا	۳	حرص اکل	۲۸	خلقت کائنات	۴	رای جمهور	۲۲
تردید	۳۱	تهذیب اخلاق	۲۴	حرص بجور	۲۸	خلوص عقیده	۱۳	ربا	۳۰
ترقی	۳۱	تیمم	۱۸	حرکت بادیت	۲۵	خلوص	۲۶	ربوبیت	۲
ترک شهوات	۱۰	الثاء		حرمت غذا	۱۸	خوارق عادات جهات	۲۳	در عقیده پرستی	۱۳
ترک محارم	ماه حرام	ثبات	۲۷	حسد	۲۹	خواستن معجزه	۱۴	در عقیده یهود	۱۲
تسخیر	۳۰	ثروت	۳۱	حطمه	در جهنم	خوندن یهود و نصارا	۱۲	درستکاری	۲۵
تسلیم	۲۵ ۲۷	ثمود	۸	خط	۳۱	خواهش	۳۱	رسل	۶
تشجیع مؤمنین	۲۳	ثواب		حفظ صحت	۲۴	خودخواهی	۲۸	رسل عموما	۶
تشکر	۲۷	الجیم		حقیقت فهم	۲۴	خود دانی	۳۰	رسول جهاد	۲۳
تشنیع	۲۸	جاحدین کفار	۱۳	حقیقت قرآن	۶	خودستائی	۲۹	رشک	۲۸
تصدیق قرآن	۶	جالوت	داود	حکم ارتداد	۱۴	خودسری نفس	۱۱	رضا	۲۵
تطاول	۳۰	جامع	مساجد	حکم با نصاری	۲۶	خودکشی	۳۰	رضاع	۳۱
تعاون	۲۵	جان	۴	حکمت	۳۱	خوف از خدا	۳	رعایت ایتام	۲۱
تعدی	۲۵ ۳۰	جبرئیل	۳	حکمت الهیه	۳	خوک	در غذا	رفتار با دیت	۲۵
تعریف قرآن کریم	۳	جبروت	۱	حلیت غذا	۱۸	خیانت	۳۰	رفق	۲۵
تعصب دین	۱۴	جن	۲۹	حلم	۲۵	خیر	۱۱ ۲۴	رفق با مدعوین	۲۵
تعلیمات جهاد	۲۳	جزاء	۱۷	حواریین	۷	الدال		رمضان	در صوم
تعیین شهور	۲۴	جزاء ارتداد	۱۴	حواریین عموما	۷	در طفل تداوی	۲۱	رهبانان	۱۹
تعیین احکام الله	۶	جزاء بمثل	۲۳	حیاء	۲۶	داد و ستد	۲۴	رهن	۲۴
تفاخر	۳۰	جنید	۲۲	حیات	۳۰	دانش	۳۱	روح مجرد	۱۰
تفاوت درجات	۲۲	جسارت در حکم	۲۹	حیله	۳۰	داود	۹	روز هزار سال	۱۸
تفسیر برای	۶	جفای مشرکین	۸	حیوانات	۱۵	درستکاری	۲۶	رومیان	۳۲
تقاعد از عمل	۲۹	جلای وطن	۲۲	الخاء		دنیا	۲۴	ریا	۲۹
تقصیر	۲۷	جماعت جلالت	۳۱ ۱۹	خبیث	۸	دعا	۱۸	ریاضت ظاهره	۲۱
تقلب در کیل	۲۹	جمعه	۱۹	ختان	در شعائر	دفع عدو بمحبت	۲۶	الزاء	
تقوی	۱۲	جن	جان	خدعه در زور	۲۲	دولت حق	۱۸	زبور	داود
تقوی فضل	۲۸	جور	۲۹	خدم	۳۱	دیانت	۱۲	زکریا	یحیی
تقوی عبادت	۱۲	جهاد	۲۲	خدمه	۲۱	دین	۲۵	زکوة	۱۸
تفویض	۲۴	جهد	۳۱	خراج	۲۲	دین	۱۲	زنا نکردن	۲۰
تکبر	۲۹	جهالت	۲۴	خشم	۲۸	دین حق	۱۳	زنان	۲۰
تکذیب اهل کتاب	۴	جهل	۲۴	خشوع	۲۶	الذال		زندگانی	۳۰
تکذیب یهود	۸	جهنم	۱۵	خصال سوء	۴	ذریه ابهود	۱۹	زندیق	منفرد فرق
تنبیه عمومی	۵	الحاء		خصی	۲۰	ذم نجوی	۲۲	ازدواج ایامی	۲۱

و ادفع عنی کل ملمة و اجعل عاقبة امری غنیمة و محذوره سلامة و بعده دنیا و خذ بحصب ... عصو یا رب ... الظفر فیما استخرتک ... و فرنی
الانعام فیما دعوتک و من علی بالافضال فیما رجوتک و ثبت تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب و بسند معتبر ذکر ...

دلائل حمیری روایت کرده است از محمد بن سهل قمی که گفت من در مکه معظمه مجاور بودم پس رفتم بمدینه و بخدمت حضرت امام محمد تقی
مشرف شدم و اراده داشتم که از حضرت سؤال کنم از برای شرف و کرامت جامه را که بپوشم و میسر نشد که سؤال کنم تا وداع کردم
و بیرون آمدم و خواستم که از مدینه بیرون روم بخاطرم رسید که عریضه بحضرت بنویسم و جامه را سؤال کنم چون نزدیکی
داشتم عریضه را نوشتم و رفتم بمسجد حضرت رسول و دو رکعت نماز استخاره کردم و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر از خدا کردم پس در دلم افتاد که نامه را نفرستم نامه را ندادم و از مدینه بیرون رفتم چون روانه شدم دیدم که خادم آنحضرت در میان شتران میگردد و سؤال از من میکند چون بمن رسید دستمالی بمن داد که در آن پارچه بسیار خوش قماش نازک در میان آن پیچیده بود و گفت مولای تو این جامها را برای تو فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی حدیث گفت که در آن زودی محمد بن سهل برحمت خدا رسید من او را غسل دادم در همان جامها که حضرت داده بودند او را کفن کردم مؤلف گوید که در این حدیث چند معجزه از آنحضرت ظاهر شده اول آنکه حضرت دانست که در خاطر او بوده که جامه طلب کند برای او فرستاد دویم آنکه اشعار فرمودند که اجل او نزدیک شده احتیاج بجامه دوخته ندارد سیم آنکه جامها بعد از ثواب مرگ کفن برای او فرستادند در زمان کمی ندانستند که در کفن بانها محتاج خواهد شد و سنده از احمد بن عیسی راوی آن نقل کرده که از مشایخ محدثین شیعه مشهور و معروف بوده است.

فطا

فهرست کشف المطالب

زهد تقوی	۲۶	شعائر اسلام	۱۸	صید	[illegible]	عصمت	۲۷	فرمان بردن	۲۷
زینت	۲۳	شعراء	۱۴	الضّاد		عظمت	۳۱	فروتنی	۲۶
السّین		شعیب	۱	ضلالت	۱۱	عفت	۲۵ ۲۶	فساد	۲۸
سائل فقیر	زکوة	شفاعت	۱۸	ضمانت	۲۷	عفو	۱۸	فسق و فجور	۲۸
ساحری	۴	شفقت	۲۵	الطّاء		عقاید جاحدان	۳	فصاحت	۲۴
سبا	سلیمان	شقاوت	۲۸	طالوت	داود	عقاید	۱۴	فضل	۲۸
سحر	۴	شک	۳۱	طایفه یهود	۸	عقاید سخیفه	۱۵	فضل محاسن	۲۳
سخا	۲۶	شنبه	۱۹	طرف داری	۲۶	عقیده مسلمانان	۱۲	فطرت و حی الهام	۱۰
سخریّه	۲۹	شوری	۲۲	طریق حسن	۱۵	عقیده یهود	۱۲	فقراء	۲۷
سرقت	۳۰	شهادت دادن	۲۷	طعن	۲۸	علم	۲۳	فلاح	۲۵
سعادت	۲۵	شهب	۲۴	طلاق دادن مرد	۲۰	علم الهیات	۱	فواید خواندن	۱۵
سعایت	۲۸	شهداء	۱۴	طلاق زن	۲۰	علم ماوراء الطبیعه	۱۰	فوز	۳۱
سفهاء	۲۱	شهوت شهود	۲۸ ۲۳	طمع	۳۰	علم مجردات	۱۰	فیل	ابابیل
سفید روئی	۱۷	شیاطین	۳	طوفان	۷	علوم	۲۳	القاف	
سکر	۲۹	شیطان	۳	طهارت	وضو غسل	عمل	۳۱	قابیل	۸
سکر در نماز	۲۹	شیطنت	۲۹	طیب	۸	عمل صالح	۲۴	قارون	۹
سلامت نفس	۲۶	الصّاد		الظّاء		عنایت الهی	۱۱	قبایل	۲۲
سلب رزق	۱۱	صاحبان بنیهای مختلفه	۱۵	ظلم	۲۸	عون الهی	۲۲	قبله	در صوم
سلوک با اسراء	۲۱	صالح	۷	ظلم و جور	۲۲	عیال	۲۱	قتل اطفال	۲۱
سلیمان	۱۰	صبر	۲۷	العین		عیسی	۱۰	قتل نفس	۲۹
سموات	۲۴	صبر بر عزوبت	۳۰	عاد	۷	عیسویان	۱۰	قدر	۱۱
سوء ظن	۳۰	صحبت دوست بر حق	۱۲	عاقبت صبر	۱۴	الغین		قدرت	۲
سود	۳۰	صدق	۲۷	عبادات	۱۸	غسل	۱۸	قدس	۱۲
سوگند	۲۷	صدقه	در زکوة	عبادت	۱۲	غضب	۲۸	قرآن	۶
سیات الهیّه	۱۹	صفا	۲۵	عجب	۲۹	غفران	۲۸	قرارداد	۲۴
سیه روئی	۱۷	صفات بار تعالی	۱	عداوت شیطان	۴	غلبه مجاهدین	۲۳	قربانی	۱۹
الشّین		صفات جلالیه	۱	عدل	۲۶	غناء	۳۱	قریش	۵
شتر	قربانی	صفات جمالیه	۱	عدم وجود	۲	غنائم	۲۲ ۲۳	قسم	۲۷
شرارت	۲۹	صفات خاصه الهیه	۲	عدم طرف داری	۲۶	غیبت	۲۹	قسیسین	۱۹
شرافت نسا	۱۹	صفات مؤمنین	۱۲	عذاب	۱۶	الفاء		قصاص	۱۹ ۳۰
شرایع	۱۹	صفت مؤمن خاص	۱۳	عزت	۲۶	فتح	۲۲	قصد	۳۰
شرب خمر	۳۰	صلابت	۲۵	عزوبت	۲۰	فجور	۲۹	قضاء	۱۰
شر	۱۱	صلح	۲۸ ۲۶	عزیر	۹	فرایض	۱۸	قلب	۳۱
شرع	۱۹	صنایع	۲۵	عسکر	۲۲	فرزند خوانده	۲۱	قمار	۲۹
شرف نفس	۲۶	صلوة	۱۸	عشر	۲۲	فرشتگان	۶	قناعت	در حفظ
شرکت	۲۲	صلوة در جنگها	۲۳	عشق	۲۵	فرعون	۱	قیامت	۱۵
شریعت	۱۹	صوم	۱۹	عصاة	۱۴	فرق منقرضه	۱۵	قیام قائم	۱۸

مفتاح ابن اخضب و شیخ مفید ره در مسائل غریبه گفته است که از برای استخاره نماز مفردی است دو رکعت است با هر سوره که خواهد و بعد
از سلام حمد و ثنای خدا بگوید و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِعِلْمِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ اَسْتَخیرُکَ بِعِزَّتِکَ وَ اَسْئَلُکَ

بن یضلك فاتلك بفقدوا ولا اندر تعلم ولا علم ان الله غفور العیوب [illegible] امید هام نذی مرض خراق دینی ودنیای واحدی تیسر لی [illegible] شرح علیه [illegible] کار شرلی [illegible] کرد زیو [illegible] لا یجب تعجیل ما احوت ولا خرید [illegible] کرد امید نکوید للهجرلی [illegible] زعمر [illegible] منه رحمت [illegible] رحیمن

فهرست کشف المطالب

قیموس ثانی	۲۱	ماروت در سحر		متعه حرام		میکائیل	۳	وضع رسول بعثت	۴
الکاف العربی		ماهیت حرا	۲۳	معنی سهو	۳۰	میل	۳۱	وضو	۱۸
کار خیر	۲۴	ماجوج	۳۲	معنی تملك	۲۲	النون		وعدهٔ نوق	۱۲
کار حسن جهد	۲۳	مؤمن حقیقی	۱۳	معامله	۲۴	ناسی	۲۹	[illegible]	
کاینات	۴	مؤمنات	۱۳	معاملهٔ متعلقه	۱۰	ناسخ	۲	الهاء	
کبر	۲۸	مؤمنین	۲	معجزه	۱۴	نافه در اصحاب		هابیل	۸
کتب سماوی	۴	مباحثه	۱۵	معرضین	۱۴	نزد خویش	۳۰	هروت	۸
کتب مقدسه	۱۳	مبالغه در عبادت	۲۱	معشوق باری	۳۰	نجوی	۲۲	هاروت در سحر	
کذب	۲۹	مبدأ و معاد	۳۰	معقولات	۱۰	نجوم	۲۴	هامان در موسی	
کران	۸	متابعت هوا	۱۰	مغفرت	۱۷	نخوت	۲۸	هبوط آدم	۱۵
کعبه	۱۹	متانت	۲۴	مکاسب	۲۴	ندامت	۱۷	هجرت رسول	۵
کفار	۱۳	متدینین	۱۹	مکر	۳۰	نذر	۲۸	هدایت	۱۱
کفارت	۲۹	مجازات	۱۵	مکه	۱۹	نفخ ادیان	۱۳	هوا جن نفسانیه	۱۰
کل خبیث و طیب	۸	مجاهدین	۲۲	ملائکه	۳	نصاری	۱۰	هوا	۱۰
کیمیاوی	۲۸	مجردات	۱۰	ملاطفت	۲۶	نصرت	۲۲	هود	۷
کوثر قربانی		مجسمه	۲۴	ملکوت	۱۰	نصرت مجاهد	۲۳	هیئت	۲۴
کوچکی کردن	۲۷	محاجه	۱۵	ملك	۲۱	نظافت نظام الجسم	۲۷	هیکل	۲۴
کینه	۲۹	محاسن	۱۹	ملایمت	۲۵	نظام زندگانی	۱۹	الیاء	
الکاف الفارسی		محافظ ابر بعثت	۴	ممالیك	۲۱	نفس ناطقه	۱۰	یاری الهی	۳۲
گذشت	۲۷	محبت دوری درگاه	۲	منازعت	۳۰	نقض عهد	۳۰	یاری جانبین	۲۵
گذشت کردن از گفار	۱۴	مخاصمه	۲۵	منافقین	۱۳	نکاح	۲۰	یاری خدا مجاهدان	۲۳
گناه	۱۵	مخاطبات رسول	۵	منتهی النهایه	۲	نکاح خدمه	۲۱	یأجوج	۳۲
گناه اصلی آدم	۱۵	مداومت	۲۷	منحصر کشتن زد یهود	۱۲	نکاح نا زخرجه	۲۹	یحیی	۱۰
گناه کاران	۱۷	مدینه	۶	منسوخ	۶	نوح	۹	یعقوب	۹
کنکاش	۸	مدیون	۲۵	منهزمین	۲۳	نوم	۱۱	یوسف	۹
اللام		مرائین	۱۴	مواعظ	۶	نوید منهزمین	۲۳	یونس	۹
لاهوت	۱	مرافعه	۲۵ ۳۰	موافقت	۲۵	نیکوئی	۲۵	یهود	۸ ۱۲
لذت	۳۱	مرتدین	۱۴	موقع عفو حضور	۱۹	نیت	۳۱	یهودان	۹
لسان مقدس	۶	مرجع کل	۲	موت	۱۴	الواو			
لعب	۳۰	مریم	۱۰	موجودات	۴	واندرستان از نا	۳۰		
لغت مقدس	۶	مساجد	۱۹	مودت	۲۵	وجود	۴		
لغو	۲۷	مسافر	۲۸	موسی	۹	وجوب رسالت	۱		
لقمان	۸	مسایا اهل کفار	۱۴	موعظه	۶	وحدت خدا	۱		
لواطه کردن	۳۰	مسئولیت نفس	۱۱	مهاجرین	۶	وحی	۱۵		
لهو لوط	۹ ۳۰	مسلمانان	۱۲	مهر و کابین در نکاح		ودیعهٔ الهی	۱۲		
لیلة القدر	۶	مشارکت	۲۲	مهمان نوازی	۲۶	وسوسه	۲۷		
المیم		مشاعر	۲۰	میراث	۲۱	وصیت در ارث			

[illegible] شهادت گفته [illegible] بهرین [illegible] سجاده دست [illegible] درکعت نماز [illegible] دو جا نخوانند را امید دعوت در رکعت دوم بخوانند در سجدهٔ اخر نماز صد مرتبه بگویند استغفر الله پس بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم [illegible] علی محمد و آل محمد خولی فی الامر الذی اردت مؤلف گوید گراف ذنب در [illegible] این نوع استخاره [illegible] وچون بعضی با [illegible] مذکور شد اختلاف [illegible] در [illegible] اکتفا نمود و بهر بلاد انها که ذکر شد اگر عمل کند خوب است و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تمام تر خواهد بود و مفتاح دوم [illegible] زنبا نوع دوم استخاره که بعد از عمل استخاره رجوع شد چون کسی را بجهد در خاطرش [illegible] بهم رساند بان عمل کند چنانچه شیخ طوسی علیه الرحمة در [illegible] انصاف گفته است که کسیکه از امری کند [illegible] غسل کند [illegible] دو رکعت نماز [illegible] بعد از ان [illegible] صد مرتبه گوید استخیر الله تعالی فی جمیع اموری کلها خیرة فی عافیة پس انچه در دلش افتاده بان عمل کند و کلینی و شیخ و سید [illegible] رحمة الله علیهم [illegible] کالضحی [illegible]

کدام اسقاط از دو مضر دانست و در [illegible] صحرا [illegible] حضرت امام رضا فرمود بر مسجد در عبر نماز و احب بود لمن نماز یکی و صد مرتبه [illegible] دانست بان عمل کن [illegible] برهنه شد و بگرید [illegible] سبحانه

و اکر استخاره برخیره خیرهٔ فی عافیه بکوید بهتر است و شیخ رحمه الله ذری بسند معتبر از حضرت امام علی نقی ع روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردکار خود بکند کفتند چکونه
مشورت کند فرمود که بعد از نماز فریضه سجده رود و در صد مرتبه بکوید اللهم خرلی در توسل بما شود و صلوات بفرستد و ما را شفیع
کرداند در درد کاخلد ص ۱

سوره	ایات		
	باب اوّل		
	در دعوت و صفات و اسماء		
	حسنی باری تعالی یعنی علم		
	الهیات که علم بالله هم گویند		
	خبر و مشتمل بر فصل و		
	فصل چهارده ایه دران		
	فصل اوّل		
	ذکر و نحو باری تعالی و تسبیح		
انعام ۶	۷۲ ۵	۷۳ ۷۶	۷۳ ۷۷
	۷۸		
رعد ۱۳	۲	۳	۴
حج ۲۲	ص ۱۸		
عنکبوت ۲۹	۴۱	۴۳	
صف ۶۱	۱		
تغابن ۶۴	۱ ۴	۲	۳
ملک ۶۷	۳	۱۹	
اعلی ۸۷	۱ ۴	۲ ۵	۳
	فصل دوم		
	در وجوب باری تعالی صد هشتاد		
بقره ۲	۱۱۰ ۱۶۰	۱۱۱ ۲۵۶	۱۵۸
ال عمران	۱	۴	۱۶
نساء ۴	۵۱	۵۴	۱۱۶
مائده ۵	۱۹ ص ذ ۱۲	۲۰ ۷۸	۷۶ ص ۷۹
	۸۰	۸۱	
انعام ۶	۲۱ ۲۴	۲۲ ۵۶	۲۳ ۸۰
	۸۱ ۱۰۱	۹۴ ۱۰۲	۱۰۰ ۱۰۳
	۱۰۶	۱۴۹	
توبه ۹	۲۸		
یونس	۱۹ ۳۱	۲۹ ۳۲	۳۰ ۳۳
	۳۴ ۳۷	۳۵ ۶۷	۳۶ ۶۹
	۷۰	۷۱	
رعد	ذ ۱۷	۳۳	۳۴
نحل ۱۶	۳۷ ۶۴	ص ۳۸ ۷۴	۵۹ ۷۵
بنی اسرائیل	۲۳ ۴۴	ذ ۴۱ ۴۵	۴۲ ۴۶
	۱۱		

سوره	ایات		
مریم ۱۹	۳۶ ۹۳	۹۱	۹۲
انبیاء ۲۱	ذ ۱۸ ۲۱	۱۹ ۲۲	۲۰ ۲۳
	۲۴، ۲۵ ۲۸، ۲۹	۲۶ ۳۰	۲۷
حج ۲۲	۳۴	۳۵ و	۷۰
مؤمنون ۲۳	۹۳	۹۴	
سبا ۳۴	۲۶		
فرقان ۲۵	۱	۲	
نمل ۲۷	۶۰ ۶۳	۶۱ ۶۴	۶۲ ۶۵
قصص ۲۸	۶۲ ۶۵	۶۳ ۶۶	۶۴ ۶۷
	۶۸ ۷۱	۶۹ ۷۲	۷۰ ۷۳
	۷۴	۷۵	۸۸
روم ۳۰	۳۹		
صافات ۳۷	۴ ۵ ۱۵۱ ۱۵۲	۱۴۹ ۱۵۳	۱۵۰ ۱۵۴
	۱۵۵ ۱۵۸	۱۵۶ ۱۵۹	۱۵۷ ۱۶۰
	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳
زمر ۳۹	۶ ۲۸	۱۶ ۳۰	۱۷ ۳۱
	۳۲ ۳۸	۳۳ ۳۹	۳۷ ۴۴
	۴۵ ۶۴	۴۶ ۶۵	۴۷ ۱ ۶۶ ۲
مؤمن ۴۰	ذ ۱۲-۳ ۱۵	۱۳ ۲۱	۱۴ ۶۸
فصلت ۴۱	۵ ۳۷	۶ ۳۸	۸
زخرف ۴۳	ذ ۱۴ ۸۳	۸۱ ۸۴	۸۴ ۸۷
دخان ۴۴	۷	۸	
احقاف ۴۶	۴	۵	
ذاریات ۵۱	۵۱		
حشر ۵۹	۱ ۲۴	۲۲	۲۳
جن ۷۲	۳		
اخلاص ۱۱۲	۱ ۴	۲	۳
	فصل سیم		
	در صفات جمالیه جلالیه ذکر که		
	جل جلاله کنیت و صفت و سبیه		
فاتحه ۱	۱	۲۰	
بقره ۲	۱۴ ۱۵۵	۹۲ ذ ۱۶۰	ذ ۱۳۸ ۱۲۸
	۱۸۶ ذ ۱۹۸	ذ ۱۹۲ ۲۰۰	ذ ۱۹۵ ۲۰۱
	ذ ۲۰۳ ۲۱۵	ذ ۲۰۷ ۲۲۵	ذ ۲۰۸ ۲۲۶
	۲۳۶ ۲۷۷	ذ ۲۵۲ ۱۵۸	۲۶۵

سوره	ایات		
ال عمران	۳ ذ ۲۸	ذ ۷ ۲۹	ذ ۹ ۴۷
	۸۲ ۱۲۴	۸۳ ذ ۱۲۸	ذ ۱۰۴ ذ ۱۳۴
	۱۴۰ ۱۶۲	۱۴۹ ۱۶۸	ص ۱۵۱
نساء ۴	ذ ۲۷ ذ ۴۶	ذ ۳۰ ۴۷	ذ ۳۲ ۹۰
	ذ ۹۷ ذ ۱۰۱	ذ ۹۸ ذ ۱۰۶	۱۰۰ ۱۱۰
	ذ ۱۲۱ ۱۴۱	ذ ۱۲۸ ۱۴۲	۱۳۶ ۱۴۶
	۱۴۸ ۶۷	۱۵۱ ۱۶۲	۱۶۶
مائده ۵	و ۴۵	۹۵	
انعام ۶	و ۱۲ ۴۵	۱۶ ۱۱۰	۴۴ ۱۴۸
	و ۱۵۲	و ۱۵۳	
اعراف ۷	۳ ۱۸۰	۹۷ ۱۸۱	۱۷۹ ۱۸۲
انفال	۳۰		
توبه ۹	ص ۱۱۶	۱۱۸	ذ ۱۱۹
یونس ۱۰	۱۲ ۱۰۲	۲۲ ۱۰۳	ذ ۶۱
هود ۱۱	۸	۱۰۴	۱۲۲
رعد ۱۳	ذ ۷ ذ ۳۳	۲۹ ۷۰	۳۱
ابرهیم ۱۴	ص ذ ۷	۳۲ ذ ۵۱	۴۸
حجر ۱۵	۷۸	۷۹	
نحل ۱۶	و ۳۹ ص ۴۹	۴۷ ۶۳	۴۸ ۸۳
بنی اسرائیل ۱۷	۲۷		
مریم ۱۹	۸۶	۸۷	
حج ۲۲	ذ ۵۹	ذ ۶۴	
فرقان ۲۵	۶۱ ۶۴	۶۲	۶۳
نمل ۲۷	۵۱	۷۵	
عنکبوت ۲۹	۶۰		
لقمان ۳۱	۲۳		
سجده ۳۲	۵	۲۲	
احزاب ۳۳	۲۴		
سبا ۳۴	۲		
فاطر ۳۵	۲	۳۱	۴۴
صافات ۳۷	من ۱۷۱	الی ۱۸۲	
زمر ۳۹	۲۴	ذ ۳۸	
فصلت ۴۱	۲۳	۲۴	۴۶
شوری ۴۲	ذ ۲۲ ۲۹	۲۵ ۳۰	۲۷ ۳۱
	۳۲	ص ۴۲	۴۵

بنا بچه حفظمال
مدالش میاندازد
بار عمل کند و این
امه لب را کر بفارسی
بکوید بهتر خوبست و
اکر بکوید که اللهم
انی اتوسل الیک
بنبیک نبی الرحمه محمد
و آهل بیته الطاهرین
و اتوجه بهم الیک ان
تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تلهمنی ما
هو خیر لی فی دینی و
دنیای و حرف خیره
فی عافیه برحمتک یا
ارحم الراحمین ظاهر
خوب باشد و سید رضی
الله عنه بسندهای
صحیح و معتبر روایت
کرده است که مردی
بحضرت امام محمد جواد
علیه السلام عریضه
در باب فروختن ملکی
نوشت در جواب نوشتند
که دو رکعت نماز بجا
آورد و بعد از ان صد
مرتبه طلب خیر خود
از خدا بکن بعد از ان
استخاره باکنی بخر بکو
تا صد مرتبه تمام شود
پس اکر در دلت افتد
فروختن را بفروش
و دلالی در زود بشن
و الاخبار در این کرنه
است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود
فرمود که هر وقت که
امری را اراده کنی
هفت مرتبه طلب خیر
از خدای خود بکن پس
انچه در دل تو بیفتد
بکن که خیر تو در انست
و شیخ مفید در مقنعه
و علی بن بابویه در رساله
کفته اند که هر کاه امری
اراده کنی دو رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه استخیر الله برحمته بکو و اینند عا بخوان لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله الحلیم الکریم
رب بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آله و خرلی فیما اردت للدنیا و الاخره خیره منک فی عافیه پس هر چه بر ان عزم کنی بعمل آورد

و در عیون اخبار الرضا از انحضرت علیه السلام منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود در استخاره که بعد از نماز فریضه بسجده میرود
و صد مرتبه میکوید اللهم خر لی پس متوسل میشود برسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم و صلوات بر ایشان میفرستد و
ایشانرا شفیع خود میکرداند پس انچه بعد از ان خدا او را الهام میکند عمل بان کند زیرا که البته از جانب حقتعالی است مفتاح یتیم

ص ۲

استخاره بجناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان بدانکه مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امورست و تاکید بسیار در آیات و اخبار در ان وارد شده است چنانچه حق تعالی برای سایر بندکان و تالیف قلوب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله وسلم را که صاحب عقل کل بود و خاطر مقدسش مهبط اسرار وحی الهی و مشرق انوار الهامات نامتناهی بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد و غزوات که اراده مینمائی پس چون عزم کنی بر انچه ما بر زبان ایشان جاری میسازیم و بخاطر مقدس تو می اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را باو بکذار و اعتماد بر غیر او مکن بدرستیکه خدا دوست میدارد انهارا که در همه امور بخدا بند خود توکل میکنند بدانکه با امر انحضرت بمشورت برای تعلیم سایر بندکان و تطییب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیکر باز امر فرمود بتوکل و اعتماد بر جناب مقدس او و تفویض امور خود بعلم با ... و لطف

سور	آیات		
زخرف ۴۳	۳۹ ۷۹	۴۰ ۸۰	۴۱
دخان ۴۴	۱۵		
جاثیه ۴۵	۲۲		
فتح ۴۸	ذ ۲۳		
ذاریات ۵۱	۵۶		
طور ۵۲	ذ ۲۸		
نجم ۵۳	ص ۳۳		
حدید ۵۷	ص ۳	۱۱	۱۹
مجادله ۵۸	۳		
صف ۶۱	ذ ۵ ص ۱۳	۱۰	۱۱
ملك ۶۷	من ۲۰	الی ۳۰	۱۸
مدثر ۷۴	ذ ۵۵		
بروج ۸۵	۱۳	۱۴	
طارق ۸۶	۱۵	۱۶	۱۷
فجر ۸۹	من ۱		الی ۱۳
	فصل چهارم		
	در صفات خاصهٔ الهیه		
	تعالی شانه و بعض آیات		
بقره ۲	۷۲ ذ ۲۸۰	۱۰۱	۲۵۵
آل عمران ۳	۶		
نساء ۴	ذ ۳۸	ذ ۷۲	ذ ۱۳۰
رعد ۱۳	ذ ۴۱	۴۲	
ابرهیم ۱۴	ذ ۸		
بنی اسرائیل ۱۷	ص ۴۶		
انبیاء ۲۱	۱۱۰		
مؤمنون ۲۳	۶۹		
نور ۲۴	۴۱		
فرقان ۲۵	۶۰		
سبا ۳۴	۱	۲۵	۵۴
فاطر ۳۵	۳۶	۱۶	
روم ۳۰	۱۶	۱۷	
شوری ۴۲	۵۰	۵۱	
حدید ۵۷	ص ۱		
حشر ۵۹	ص ۱	۲۴	

سور	آیات		
ممتحنه ۶۰	ذ ۶		
جمعه ۶۲	۱		
ملك ۶۷	ذ ۳		
علق ۹۶	۴	۵	
	فصل پنجم		
	در ربوبیت و قدرت و مبدء المبادی		
	بودن پروردگار و مشیت صد و ایه		
فاتحه	۱		
بقره ۲	۲۰ ذ ۱۱۰	ص ۹۹ ۱۱۱	۱۰۹ ۱۵۹
	۲۵۵ ۲۸۴	ذ ۲۶۱ ۱۲۴	۲۶۲
آل عمران ۳	۴ ۱۸۹	۷۷ ۱۲۴	ذ ۹۲
نساء ۴	۱۲۵ ۱۳۲	۱۳۰ ۱۳۳	۱۳۱
مائده ۵	۵۳		
انعام ۶	۱ ۱۳	۳ ۱۴	۱۲ ۱۵
	من ۱۷	۱۸ الی ۶۵	۵۹ ۹۵
	۹۶ ۹۹	۹۷ ۱۰۳	۹۸
اعراف ۷	۵۲		
توبه ۹	۱۱۷		
یونس ۱۰	۳ ۶	۴ و ۱۹	۵ ۶۲
هود ۱۱	۸	ذ ۵۹	
رعد ۱۳	۹ ۱۳	۱۰ ۱۴	۱۱ ۱۵
	۱۶	ص ۱۷	۱۸
ابرهیم ۱۴	۲۲	۲۳	۳۷
نحل ۱۶	۱ ۴	۲ ۵	۳ ۶
	۷ ۱۱	۸ ۱۲	۱۰ ۱۳
	۱۴ ۱۷	۱۵ ۱۸	۱۶ ۱۹
	۲۰ ۲۳	۲۱ ۴۲	۴۲ ۵۰
	۵۱ ۵۴	۵۲ ۶۲	۵۳ ۶۳
	۷۶ ۸۲	۷۹ ۸۳	۸۱
حجر ۱۵	من ۱۶	الی ۲۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۲۶		
کهف ۱۸	۱۰۹		
مریم ۱۹	۶۶		
طه ۲۰	۵	۶	۷
حج ۲۲	ذ ۶۰ ۶۳ ۷۳	و ذ ۶۱ ۶۴ ۷۴	۶۲ ۶۵ ۷۵

سور	آیات		
نور ۲۴	۳۵ ۴۳	۴۱ ۴۴	۴۲
فرقان ۲۵	من ۴۷ ۵۶	الی ۵۲	۵۵
نمل ۲۷	من ۶۰	الی ۶۶	
عنکبوت ۲۹	۲۰	۲۱	۵۲
روم ۳۰	من ۱۸ ۴۵	۴۷	الی ۲۷ ۴۸
لقمان ۳۱	۹ ۲۴	۱۰ ۲۵	۱۵ ۲۶
	۲۷	۲۸	۳۴
سبا ۳۴	ص ۲۳		
فاطر ۳۵	۳	۱۶	۳۹
یس ۳۶	۱۱ ۴۲	۳۶	۴۱
زمر ۳۹	۷ ۶۳	ذ ۸	۲۲
مؤمن ۴۰	۲۰ ۶۵	۶۳ ۶۶	۶۴ ۶۷
	۷۰	۷۱	
فصلت ۴۱	۳۹	۴۷	۴۸
شوری ۴۲	۲ ۹	۳ ص ۱۰	۷ ۱۸
	۲۸		
زخرف ۴۳	۸ ۱۱	۹ ۱۲	۱۰ ۸۵
احقاف ۴۶	۳۲		
فتح ۴۸	۱۴		
ق ۵۰	۶ ۹	۷ ۱۰	۸ ۱۱
	۱۵ ۲۲	۲۰ ۲۳	۲۱
ذاریات ۵۱	۴۷ ۵۰	۴۸ ۵۶	۴۹ ۵۷
	۵۸	۵۹	۶۰
نجم ۵۳	من ۴۳	الی ۵۵	
رحمن ۵۵	من ۱	الی ۳۰	
حدید ۵۷	۱ ۴	۲ ۵	۳ ۶
	۱۶		
ملك ۶۷	۱ ۴	۲ ۱۳	۳ ۱۴
	۱۵	۱۶	۱۷
عبس ۸۰	من ۲۳		الی ۳۲
بروج ۸۵	من ۱۳		الی ۱۶
فیل ۱۰۵	تمام سوره		
	فصل ششم		
	در اینکه حق تعالی منتهی الیها		
	و مرجع کل است هجده ایه		

شامل او پس بار تکاب مشورت باید کرد که اعتماد برای خلق نکند و خیر خود را از علام الغیوب طلب کند تا انچه خیر اوست حقتعالی بر زبان
او جاری کرداند و ایضا در جای دیکر فرموده است والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون پس

ملح کرده است جماعتی را که اجابت میکنند پروردگار خود را در هر امری از امور دین که ایشان از ابیوی آن میخوانند و نماز را بر پا میدارند
در اوقات فضیلت با شرایط و آداب آن و کار ایشان مشورتست در میان ایشان یعنی مستبد برای خود نمی باشند و در هر کاری با یکدیگر
مشورت میکنند و از آنچه بایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای ما انفاق میکنند و از این آیه مبارکه نهایت مبالغه در
مشورت ظاهر میشود ص ۳

سور	آیات		
بقره ۲	۲۰۶		
آل عمران ۳	۷۷	۱۰۵	
یونس ۱۰	۵۷		
هود ۱۱	۱۲۳		
حج ۲۲	ذ ۴۷		
نور ۲۴	۶۴		
روم ۳۰	۱۰		
لقمان ۳۱	۲۱		
سجده ۳۲	۳	۴	
زمر ۳۹	ذ ۹	۱۰	
زخرف ۴۳	۱۳	۸۵	
نجم ۵۳	۴۳		
علق ۹۶	۸		
بروج ۸۵	۱۳		
	فصل هفتم		
	در احکام الهیه بنسبت همه		
بقره ۲	۷۷		
انعام ۶	من ۱۵۲		الی ۱۵۴
اعراف ۷	۳۱		
مؤمنون ۲۳	من ۹۸		
لقمان ۳۱	ذ ۱۳		
فصلت ۴۱	۳۴		
شوری ۴۲	من ۳۶		الی ۴۱
حجرات ۴۹	من ۹		الی ۱۲
مجادله ۵۸	۱۰		
مدثر ۷۴	۲	من ۴	الی ۷
حج ۲۲	من ۳۱		
	فصل هشتم		
	ذکر محبت بندگان با حضرت منان		
بقره ۲	۱۶۵	و ۱۷۲	
انبیاء ۲۱	۹۰		
نور ۲۴	ذ ۳۱		
	فصل نهم		
	در توکل بخدا هفتنا آیه		
طلاق ۶۵	من ۳		

سور	آیات		
شعراء ۲۶	من ۲۱۷		الی ۲۲۰
تغابن ۶۴	۱۳		
احزاب ۳۳	۳		
	فصل دهم		
	در خوف از خدا بیست و هفت		
بقره ۲	ص ۹۹	ذ ۱۵۴ ۲۰۸	ذ ۱۹۰
آل عمران ۳	۹۷	۲۰۰	
مائده ۵	۹۴		
انعام ۶	۷۱		
اعراف ۷	ذ ۳۳		
انفال ۸	۲	۲۹	
یونس ۱۰	۳۲		
نحل ۱۶	۳۲	۵۳	۵۴
حجر ۱۵	۴۵		
حج ۲۲	ذ ۳۵	ص ۳۰	
احزاب ۳۳	۱	۲	۷۰
زمر ۳۹	۶۲		
تغابن ۶۴	من ۱۶		
طلاق ۶۵	ذ ۵		
ملک ۶۷	۲۱		
مدثر ۷۴	ذ ۵۵		
حشر ۵۹	۱۸		
	فصل یازدهم		
	در ذکر ملائکه و تعریف		
	فرشتگان صید و ربع آیه		
بقره ۲	من ۲۸		الی ۳۲
	۹۲	۱۵۶	۱۷۲
	من ۲۰۶		
آل عمران ۳	۷۴	و ۱۱۹	الی ۱۳۰
نساء ۴	من ۹۹		
انعام ۶	۸	۹	۶۱
	ذ ۹۳		
اعراف ۷	۱۰	۱۱	
انفال ۸	۹	۱۲	۵۲
رعد ۱۳	من ۱۳	۲۳	۲۴

سور	آیات		
حجر ۱۵	من ۲۸		الی ۴۳
نحل ۱۶	۲	۳۰	۳۲ من ۳۳
بنی اسرائیل ۱۷	۴۲	من ۶۱	الی ۶۵
طه ۲۰	ذ ۱۱۵		
انبیاء ۲۱	من ۲۶		الی ۲۹
حج ۲۲	من ۷۴		
سجده ۳۲	۱۱		
احزاب ۳۳	۴۲		
سبا ۳۴	۴۰	۴۱	
فاطر ۳۵	من ۱		
صافات ۳۷	من ۱ الی ۶	من ۱۴۹	الی ۱۵۷
ص ۳۸	من ۷۱		الی ۸۵
مؤمن ۴۰	۷		
فصلت ۴۱	ذ ۳۰	۳۱	۳۲
شوری ۴۲	۳		
زخرف ۴۳	من ۱۹	الی ۲۱	۶۰ ۷۷
محمد ۴۷	۲۹		
ق ۵۰	من ۱۶		الی ۱۸
نجم ۵۳	من ۲۶		الی ۲۹
حاقه ۶۹	۱۷		
معارج ۷۰	من ۱		الی ۴
مدثر ۷۴	من ۲۸		الی ۳۳
طارق ۸۶	۴		
فجر ۸۹	۲۳	و ۲۲	
	فصل دوازدهم		
	ذکر حضرت جبرئیل علیه السلام		
بقره ۲	من ۹۱		الی ۹۳
	فصل سیزدهم		
	ذکر حضرت میکائیل علیه السلام		
بقره ۲	۹۲		
	فصل چهاردهم		
	ذکر شیاطین و ابالسه مضله خذلهم الله		
بقره ۲	۹۶		
نساء ۴	۱۱۸	ذ ۱۱۹	
اعراف ۷	من ۱۱		الی ۱۷

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت میابد بانچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسیکه طلب خیر خود از خدا میکند در کار خود حیران نمی شود و کسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که نفس خود را بخاطرها میاندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از رای دیگران و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن با عاقل ناصح خیرخواه موجب یمن و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق تعالی است پس هرگاه خیرخواه دانای عاقل رای برای تو اختیار کند زنهار مخالفت او مکن که باعث هلاک تو میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هیچ معاونی بهتر از مشورت کردن نیست و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسان و دوست دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان

از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش اگر ترا امر کنند بنیکی مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت کنی ایشانرا در بدی و در حدیث
دیگر فرمود من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او داند از آن داند با و نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

سوره حجر

مرویست که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود بوده باشد یا احمد
مشورت ایشان داخل باشد الله انچه خیر ایشانست برایشان ظاهر میشود و در محاسن و معانی الاخبار و فتح الابواب سید هاشمی
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر گاه یکی از شما کاری اراده کند با کسی مشورت کند با آنکه پیش از آن با خداوند خود مشورت کند

سور	آیات		
حجر ۱۵	من ۱۶		الی ۱۸
نحل ۱۶	من ۱۰۰		الی ۱۰۲
بنی اسرائیل ۱۷	۲۹	۵۵	
کهف ۱۸	۴۸	ص ۲۹	
مریم ۱۹	من ۶۹		الی ۷۳
فرقان ۲۵	ذ ۳۱		
فاطر ۳۵	۶		
یس ۳۶	۶۰	۶۲	
صافات ۳۷	من ۱		الی ۱۰
فصلت ۴۱	ص ۲۴		
زخرف ۴۳	من ۳۶		الی ۳۸
مجادله ۵۸	ذ ۱۱		
حشر ۵۹	۱۵	من ۱۶	الی ۱۸
ملک ۶۷	۵		
	فصل پانزدهم		
	ذکر شیطان بخصوص عداوت		
	وی با بنی آدم باز ده آیات		
بقره ۲	۱۶۳	۱۶۴	ص ۱۷
نساء ۴	ذ ۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
مائده ۵	۹۳		
اعراف ۷	۲۶		
ابرهیم ۱۴	ذ ۲۶	ص ۲	
زخرف ۴۳	۳۵		
	فصل شانزدهم		
	ذکر سحر و ساحری دو آیه		
بقره ۲	۹۶	۹۷	
	فصل هفدهم		
	ذکر اذیت از سحر دو آیه		
فلق ۱۱۳	۱	۴	
	فصل هجدهم		
	ذکر جن که بعضی از انها اهل		
	شرند برخی مایل بخیرند و بنا		
	خلقت انها چهل هشت آیه		
انعام ۶	۱۰۰	۱۲۸	
اعراف ۷	ص ۲		

سور	آیات		
هود ۱۱	ذ ۱۲۰		
حجر ۱۵	۲۷		
صافات ۳۷	من ۱۵۸	الی ۱۶۶	
فصلت ۴۱	ذ ۲۴		
احقاف ۴۶	۱۷	۲۸	۲۹
ذاریات ۵۱	۵۶		
رحمن ۵۵	۱۴ ۳۷	۳۳ ۳۹	۳۵ ۴۱
جن ۷۲	من ۱	الی ۱۷	
ناس ۱۱۴	من ۱	الی ۶	
	فصل نوزدهم		
	در ایجاد و ابداع کاینات بیست و نه آیه		
بقره ۲	۲۷		
آل عمران ۳	۱۸۷		
اعراف ۷	ذ ۲۸		
هود ۱۱	۹		
رعد ۱۳	۵		
انبیاء ۲۱	۳۱	۳۲	۳۳
حج ۲۲	ذ ۵		
عنکبوت ۲۹	۱۸	۱۹	۴۳
لقمان ۳۱	ذ ۹		
مؤمن ۴۰	۵۹		
فصلت ۴۱	و ۹	من ۹	الی ۱۱
احقاف ۴۶	۲		
ق ۵۰	۳۷		
قمر ۵۴	۴۹	۵۰	
حدید ۵۷	ص ۴		
طلاق ۶۵	۱۲		
مرسلات ۷۷	۲۷	۲۸	۲۹
نباء ۷۸	۶	۷	
	فصل بیستم		
	در اینکه موجودات از عدم		
	بوجود آمده اند یک آیه		
اعراف ۷	و ۲۸		
	باب دوم		
	ذکر خصایص حضرت رسول		

سور	آیات		
	از آن مشتمل بر نه فصل		
	و چهار صد آیه است		
	فصل اول		
	ذکر وضع بشخصه حضرت		
بقره ۲	۱۱۳	ذ ۲۵۳	
آل عمران ۳	۵۵ ۱۳۸	۷۳ ۱۵۳	ذ ۹۲
نساء ۴	۱۰۵		
مائده ۵	۷۱	۹۹	
انعام ۶	۴۸	ذ ۱۴ ۵۰	۱۹ ۹۰
اعراف ۷	۱۵۷	۱۵۸	
هود ۱۱	۲		
رعد ۱۳	۸		
نحل ۱۶	۶۶	۹۱	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۵۶		
کهف ۱۸	۱۱۰		
انبیاء ۲۱	۱۰۷		
حج ۲۲	۴۸		
فرقان ۲۵	۵۸		
نمل ۲۷	۹۳	۹۴	۹۵
احزاب ۳۳	۴۰	۴۴	۴۵ ۴۶
سبا ۳۴	ص ۲۷		
فاطر ۳۵	۲۲		
یس ۳۶	من ۱	الی ۵	۶۹ ۷۰
ص ۳۸	من ۶۵	الی ۷۰	
شوری ۴۲	۴		
احقاف ۴۶	۸		
فتح ۴۸	۸	۹	
انشراح ۹۴	من ۱	الی ۸	
	فصل دوم		
	ذکر مخاطبات از بعثت		
	حضرت محمد در آیه		
بقره ۲	۱۱۳		
آل عمران ۳	۵۴ ۱۸۰	۵۵ ۱۸۱	۱۷۹
نساء ۴	ذ ۸۰ ۱۶۴	۸۱	۱۸۱
مائده ۵	۲۲		

راوی گفت چگونه با خدا مشورت کند فرمود که اول از حق تعالی طلب خیر بکند بعد از آن با مؤمنان مشورت کند تا خدا انچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری گرداند و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر گاه اراده کنی پس با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسید که چگونه با پروردگار خود مشورت کند فرمود صد مرتبه بگوید استخیر الله پس با مردم مشورت کند تا خدا خیر او در زبان هر که خواهد جاری کند مقاله چهارم در استخاره بقران مجید است کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که تفال مکن بقران مجید مشایخ ما رحمة الله علیهم حدیث را تاویل میکردند که مراد نهی از تفال کشودن ازنست که احوال اینده را از آیات قرآن استنباط کنند چنانچه بعضی از جهال این را وسیله روزی خود کرده با این نحو مردم را فریب میدهند و خاطره صغیر میبرند که ممکن است که مراد نهی از تفال و تطیر باشد که اگر حلوا دهند و شنیدن بعضی امور میکنند و بعضی را بر خود مبارک میدانند بعضی را شوم میکنند مثل صدای کلاغ و جغد

و دیدن بعضی از حیوانات و غیران در افتتاح سفر و احوال دیگر و بعضی از شنیدن بعضی از اماکن که بنحوی فال بلد و فال بد میکنند شاید علت حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی عوام بقران کریم نگردد و اگر موافق نیفتد و استخاره بقران مجید بچند طریق معروف است و دیگر

بعضی از کتب مذکور است آنکه بعد از طلب خیر بجناب مقدس ربانی مصحف را بگشاید و ابتدا اول صفحه دست راست را ملاحظه نماید اگر آیه رحمتی یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر بشری یا عقوبتی باشد بد است و اگر ذو وجهین باشد یا متشابه باشد میانه است چنانچه شیخ طوسی در تهذیب و صاحب کتاب الغایات و سید بن طاوس رضی الله عنهم بسند معتبر روایت کرده که یسع بن عبد الله قمی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را و طلب خیر از خدا میکنم و دایم بر یک طرف قرار نمیگیرد حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی که بنماز بر میخیزی زیرا که دورترین حال شیطان از آدمی حالتی است که بنماز میایستد پس ببین که چه چیز در دلت میافتد و اخذ کن آن را و بگشا مصحف را پس نظر کن بسوی اول چیزی که میبینی در مصحف پس بآن عمل کن انشاء الله تعالی مؤلف گوید که ظاهر اینست که مراد از بگشا و مراد از اول چیزی که ببینی اول صفحه باشد زیرا که غالب اینست که اول نظر بران میافتد و مؤید این معنی است خبری که روایت کرده است ابن ادریس ره در کتاب سرائر از شخصی از صحابه که گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه بودم در وقت ولادت فرزند آنحضرت این و دیگر چون نماز صبح میگذاردند تعقیب نمی کردند تا آفتاب طلوع میکرد در روزی دیگر فرزند آنحضرت متولد شد بعد از نماز صبح آنحضرت مرا بشارت بولادت او دادند پس روی باصحاب خود کردند و گفتند چه نام کنم این فرزند را هر یک از حاضران نامی گفتند حضرت مصحف طلبید و در دامن خود گذاشت و گشودند در اول صفحه این آیه بود وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا پس مصحف را برهم گذاشت و بار دیگر گشودند این آیه در اول صفحه بود إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ

سوره	آیات		
انعام ٦	٨ / ١١	٩ / ٢٥	١٠ / ٣٥
	٤٦	٤٦	ذ ٩٠
اعراف ٧	١٨٣ / ١٨٧	١٨٤	ص ١٨٦
توبه ٩	١٣٠		
یونس ١٠	٢ / ٤٢	١٦ / ٤٣	١٧ / ٤٤ / ١٠٤
هود ١١	١٥ / ذ ٣٧	١٦	ص ١٧
رعد ١٣	٢٧ / ٤٣	٣٦	٤٠
نحل ١٦	٨٤	٨٥	
بنی اسرائیل ١٧	٤٩	٥٠	
انبیاء ٢١	٣ / ١٦	٤ / ١٧	
حج ٢٢	٤٨		
مؤمنون ٢٣	٧٤		
فرقان ٢٥	٨ / ١١	٩ / ذ ٥٩	١٠
عنکبوت ٢٩	١٧		
روم ٣٠	٥١	٥٢	
احزاب ٣٣	٤٧		
سبا ٣٤	٤٦		
فاطر ٣٥	٢١	٢٣	٢٤
ص ٣٨	ذ ٨٦		
شوری ٤٢	ذ ١ / ٤٧	٥ / ٥٢	٢٣ / ٥٣
زخرف ٤٣	٨٨	٨٩	
طور ٥٢	٢٩	٣٠	٣١
نجم ٥٣	من ١	الی ٩	
حدید ٥٧	٨	٩	
صف ٦١	٦		
قلم ٦٨	من ٣	الی ٥٠	
	فصل سیم		
	ذکر تذکیر و ترجیح بشیر و دوام		
رعد ١٣	١٩		
انبیاء ٢١	١٠٩	١٠٨	١١١
قصص ٢٨	٨٥		
سبا ٣٤	من ٢٤	الی ٢٩	
یس ٣٦	٦ / ٩	٧ / ١٠	٨ / ٧٥
زخرف ٤٣	٤٢	٤٤	
فتح ٤٨	١٣		

سوره	آیات		
طلاق ٦٥	١١		
	فصل چهارم		
	ذکر معجزات رسول که دال		
	است بر حقیقت صدق و حقیت او		
بقره ٢	٢٣		
آل عمران ٣	٢٩	ذ ١٢٦	١٤٥
نساء ٤	٤٥ / ٦٨	٦٢ / ٧١	٨٧ / ص ٨٢
	٨٣	١١٣	
مائده ٥	٥٤	٥٥	
اعراف ٧	ص ١٥٥	١٥٦	١٨٨
انفال ٨	٢٠	ص ٤٨	
توبه ٩	٥٨ / ذ ٦٢	٥٩ / ٦٣	٦١ / ٦٤
یونس ١٠	١٢٩ / ٩٤	٩٥	
حجر ١٥	٦ / ذ ٨٥	٧ / ٨٦	٨
بنی اسرائیل ١٧	٥٠ / ٥١	من ٧٥	الی ٧٩
کهف ١٨	٥	ص ٢٧	
انبیاء ٢١	٣٧ / ٤٦	من ٢ / ٤٧	الی ٤٤
حج ٢٢	٤٣		
نور ٢٤	من ٥٠	الی ٥١	ذ ٦٣
فرقان ٢٥	من ٣٣	الی ٤٢	٧٧
شعراء ٢٦	٢١٥	٢١٦	
قصص ٢٨	من ٤٤	الی ٤٧	
عنکبوت ٢٩	٤٧		
سجده ٣٢	٢		
احزاب ٣٣	٦ / ٥٧	٣٣ / ٦٩	٣٦ / ذ ٧١
صافات ٣٧	ذ ٣٤	من ٣٥	الی ٣٨
فصلت ٤١	٥		
شوری ٤٢	١٤ و		
احقاف ٤٦	ص ٣		
محمد ٤٧	٣٥		
فتح ٤٨	ص ١	ذ ١٧	
طور ٥٢	٣١	٤٨	
حدید ٥٧	٢٨		
مجادله ٥٨	ص / ذ ١٤	٩ / ٢١	ص ذ ١٠
حشر ٥٩	٧		

سوره	آیات		
ممتحنه ٦٠	ص ١٢		
جمعه ٦٢	٢		
تغابن ٦٤	١٢		
قلم ٦٨	من ١	الی ٧	٥١
جن ٧٢	من ١٨	الی ٢٥	
غاشیه ٨٨	٢١	٢٢	
ابولهب ١١١ من ١ ٥	**فصل پنجم**		
	ذکر بعضی اعمال و خصال		
	آنحضرت و دوام		
مائده ٥	١٤		
توبه ٩	ص ٤٠	ذ ٢٦	
انفال ٨	١	من ٤	الی ٨
	٣٠	ص ٣٣	
حجر ١٥	من ٨٧		الی ٩٩
بنی اسرائیل ١٧	١	من ٩٢	الی ٩٨
حج ٢٢	٥١	٥٢	١٥
نور ٢٤	٦٣		
فرقان ٢٥	٥٤		
نمل ٢٧	من ٨١		الی ٨٣
احزاب ٣٣	ص ٦	من ٢٨	الی ٣٣
	٣٨	٣٩	٥٠
	ص ٥١	٥٢	٥٣
	ص ٥٣	٥٥	ص ٥٩
	من ٦٠		الی ٦٢
مؤمن ٤٠	٧٧	٧٨	
حجرات ٤٩	من ١		الی ٥
حشر ٥٩	٦	٧	
تحریم ٦٦	من ١	الی ٥	
مزمل ٧٣	من ١	الی ٩	٢٠
	فصل ششم		
	ذکر مهر خاتم انبیاء یک		
محمد ٣٣	١٤		
	فصل هفتم		
	ذکر قریش چهار زاید		
قریش ١٠٦	من ١	الی ٤	

وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰىةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ پس حضرت در بار فرمود والله زیداست و او را زید نام کرد مؤلف گوید که چون حضرت سجاد علیه السلام دانست که یکی از
فرزندان او که مسمی بزید خواهد بود در جهاد مخالفان شهید خواهد شد در این دو آیه که در استخاره ظاهر شد اشاره

سور	آیات		
	فصل هشتم		
	در ذکر مدینه یک آیه		
احزاب ۳۳	۶۰		
	فصل نهم		
	در ذکر مهاجرین ۳ آیه		
توبه ۹	۱۰۱	۱۱۸	۱۱۹
	باب سیم		
	در تحقیق حقیقت قرآن و		
	اینکه برای هر چیز ما کتابی		
	هست هفت فصل		
	فصل اول		
	در تحقیق حقیقت قرآن		
	و نصیب او از کتب سماویه		
	سیصد و پنجاه و هشت آیه		
بقره ۲	من ۱ ۲۲	الی ۴ ۳۶	۲۱ ۳۷
	من ۸۳ ۹۹	الی ۸۵ ۱۰۰	ذ ۹۱ ۱۴۶
	ص ۱۸۱		
آل عمران ۳	۳ ۷۲	۵ ۱۳۲	۲۲ ۱۵۸
نساء ۴	۸۲		
مائده ۵	۷۲		
انعام ۶	۷ ۳۸	ذ ۲۵ ذ ۹۰	۲۷ ۹۱
	۹۲ [illegible]	[illegible]	۱۱۵ ۱۵۵
اعراف ۷	۲۰۳ ۲۰۴	من ۱	الی ۳
توبه ۹	۱۴۵ ۱۲۸	۱۲۶ ۲۲۵	۱۲۷
یونس ۱۰	۱ ۵۸	من ۳۸ ۵۹	الی ۴
هود ۱۱	۱	۱۶	
یوسف ۱۲	۱	۲	ذ ۱۱۱
رعد ۱۳	ذ ۱ ۳۱	ص ۳۷	ذ ۳۸ ۳۹
ابرهیم ۱۴	۱	۲	
حجر ۱۵	۱	۸۷	
نحل ۱۶	من ۱۰۳	الی ۱۰۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۹ ۴۳	۱۰ ۴۴	۴۷
	۴۹ ذ ۱۰۶	۹۰	۹۱
کهف ۱۸	من ۱ ۵۲	الی ۴ ۵۴	۲۶
مریم ۱۹	۶۵	۹۷	

سور	آیات		
طه ۲۰	من	الی	۱۱۲ ۱۱۳
انبیاء ۲۱	من ۴	الی	من الی ۱۵
حج ۲۲	و ۱۱۶		
نور ۲۴	۱	۳۴	
فرقان ۲۵	۵ من ۳۲	الی ۳۴	۷
شعراء ۲۶	۱ من ۲۱۰	من ۱۹۲ الی ۱۲	الی ۱۹۹
نمل ۲۷	۱ ۶	۲ من ۷۸	۳ الی ۸۱
قصص ۲۸	ذ ۴۸	من ۴۹	الی ۵۱
لقمان ۳۱	۵	۶	
فاطر ۳۵	ذ ۲۶	۲۷	ذ ۲۸ ذ ۲۹
صافات ۳۷	من ۱۶۷	الی ۱۷۰	
ص ۳۸	من ۱	الی ۱۲	۸۷ ۸۸
زمر ۳۹	۴۱	۴۲	۲۴ ۲۹
فصلت ۴۱	من ۱ من ۵۲	الی ۴ الی ۵۴	من ۴۱ الی ۴۲
زخرف ۴۳	۱ ۴۳	۲	۳
دخان ۴۴	۱ ص ۳	۲ ۵۸	۳ ۵۹
جاثیه ۴۵	۱	۱۹	
احقاف ۴۶	من ۱	الی ۱۱	من ۲۸ الی ۳۰
نجم ۵۳	من ۲	الی ۱۰	
طور ۵۲	۳۳	۳۴	
قمر ۵۴	۱۷ ۴۰	۲۲	۳۲
واقعه ۵۶	من ۷۵	الی ۸۰	
حشر ۵۹	۲۱		
قلم ۶۸	۴۴ ۵۲	۴۵	۵۱
جن ۷۲	۱	۲	
مزمل ۷۳	من ۱	الی ۴	۲۰
مدثر ۷۴	من ۱	الی ۲۸	ذ ۵۴ ۵۵
قیامه ۷۵	۱۶ ۱۸	۱۷ ۱۹	ص ۲۰
عبس ۸۰	ذ ۱۱	من ۱۲	الی ۱۵
تکویر ۸۱	من ۱۵	الی ۲۹	
انشقاق ۸۴	۲۱	بروج ۸۵	۲۱ ۲۲
طارق ۸۶	من ۱۱	الی ۱۴	۳
اعلی ۸۷	فصل دویم		
	ذکر ناسخ و منسوخ آیات قرآن و ۶ آیه		
بقره ۲	۱۰۰	نحل ۱۶	۱۰۳

سور	آیات		
	فصل سیم		
	در نهی تغییر احکام الله ۱ آیه		
احزاب ۳۳	۳۶		
	فصل چهارم		
	در نهی تغییر برای خود ۲ آیه		
آل عمران ۳	۷۲		
انعام ۶	۱۱۵	۱۱۶	
	فصل پنجم		
	در اینکه امثال قرآن را ۴		
	نتوانند آورد نقل اشیاء چهار		
بقره ۲	۲	۲۴	
ابرهیم ۱۴	ذ ۳۰		
فرقان ۲۵	۳۵		
زمر ۳۹	۲۸		
	فصل ششم		
	در اختصاص حکایات صحیح		
	کهف بقرآن هفده		
کهف ۱۸	من ۱	الی ۵	
	فصل هفتم		
	در اینکه قرآن نازل شد در شب		
	قدر و فضیلت آن پنج آیه است		
قدر ۹۷	من ۱	الی ۵	
	باب چهارم		
	در مواعظ بیست و دو فصل		
	فصل اول		
	ذکر امر بموعظه یک آیه		
نحل ۱۶	۱۲۵		
	فصل دویم		
	ذکر لغت لسان مقدس نبی		
	و رسول قرآن از مزدا ۳		
ابرهیم ۱۴	ص ۴		
فصلت ۴۱	من ۴۴		
	فصل سیم		
	ذکر موعظه در ضمن ذکر		
	رسل و حواریین انبیاء		

تنها در بود باین
سبب دانستند که
این همان فرزند است
چرا او را زید مسمی
گردانیدند در دلالت
سکند بر استخاره باین
نحو که مذکور شد اکثر
ائمه ثابت بجوار تفأل
بقرآن نیز وارد گردیده
در نیز استخاره از قرآن
مجید اینست که بصفحه
اولی عمل نکند و آن
چند قسم است اول
آنکه نقل دیده بخط
شیخ جلیل شیخ شمس
الدین محمد صاحب
الکرامات والمقامات
جد شیخ الاسلام و
المسلمین شیخ بهاء
الدین محمد قدس الله
روحهما که از خط شیخ
سعید شهید محمد بن
مکی رضی الله درجته
نقل کرده که او بسند
معتبر از مفضل عمر
روایت کرده است که
گفت با جمعی از اصحاب
در خدمت حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام
نشسته بودیم پس یکی
از ایشان بخدمت آن
حضرت عرض کرد که
هست که اراده کاری
و قصد امری کنیم
پس و نمیدانیم
برمیا ای یم خاصه
خود را بخاطر میاندیم
و قرآن مجید کتاب
از آن باول ... م
نظر بکنیم و باسند
برنیاید و بده ای
میکنیم حضرت فرمود
که میدانید بجز بگوید
کرد والله که بر زیاد
گفتم که فدای تو شوم
چگونه ... فرمود

که هر گاه یکی از شما را حاجتی باشد وقصد آن داشته باشی نماز جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند چون فارغ شود مصحف را بردارد و نیت
کند فرج آل محمد را که ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام در این نزدیکی خواهد شد و بگوید اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدَرِكَ اَنْ

تفرج عن وليك و نجيك في خلقك في عامنا هذا و تخرج لنا آية من ذلك نستدل بها على ذلك پس مصحف را بگشاید و هفت
ورق آورده بدون و بشمرد ورق هفتم ده سطر شمارد و نظر کند بسطر یازدهم که در انجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلب
که برای آن گشوده پس مصحف را برهم میگذارد و باز دیگر برای حاجت خود قصد میکند مصحف مجید را میگشاید و بهمان نحو که مذکور گرد

سور	آیات		
	جمع مطلق و بیست و نه بزو و موم بیست و سه		
	آیه ذکر [illegible] ۲۴		
بقره ۲	ذ ۸۱		
آل عمران ۳	۱۷۴		
نساء ۴	ذ ۱۷	۱۸	۱۶۳
مائده ۵	۳۶		
انعام ۶	من ۴۰		
هود ۱۱	۱۲۱		
رعد ۱۳	ذ ۸		
فرقان ۲۵	۵۳		
یس ۳۶	من ۱۲	الی ۲۸	
مؤمن ۴۰	من ۵۴ من ۸۱	الی ۵۵ الی ۸۵	ذ ۷۸
احقاف ۴۶	من ۳۱	الی ۳۳	
جاثیه ۴۵	من ۹	الی ۱۳	
	فصل چهارم		
	ذکر [illegible] و نور ده آیه		
نساء ۴	من ۱۴۹	الی ۱۵۱	
انعام ۶	۱۰	۱۱	۳۴
اعراف ۷	۳۳ ۹۶	من ۹۲ ۹۷	الی ۹۴ ۹۸
یوسف ۱۲	۱۱۰		
رعد ۱۳	۳۲		
ابرهیم ۱۴	۴		
حجر ۱۵	من	الی ۱۵	
نحل ۱۶	۲	ذ ۳۷ ۴۵	۱۱۴
کهف ۱۸	۵۴		
انبیاء ۲۱	۲۵	۴۲	
حج ۲۲	من ۴۳	الی ۴۷	
مؤمنون ۲۳	من ۳۲	الی ۴۵	۵۳
فرقان ۲۵	۲۲		
شعراء ۲۶	۲۰۸	۲۰۹	
فاطر ۳۵	من ۴ ۴۰	الی ۲۲ ۴۳	
یس ۳۶	من ۲۹	الی ۳۲	
ص ۳۸	۱۳		
مؤمن	۲۲	۲۳	
فصلت ۴۱	من ۱۲	الی ۱۷	

سور	آیات		
زخرف ۴۳	من ۲۲	الی ۲۴	
دخان ۴۴	ذ ۴	۵	۶
احقاف ۴۶	من ۲	الی ۲۷	
ذاریات ۵۱	من ۵۲	الی ۵۵	
حدید ۵۷	من ۲۵		
طلاق ۶۵	من ۸	الی ۱۰	
	فصل پنجم		
	ذکر انبیاء سی و هفت آیه		
بقره ۲	من ۲۵۳		
آل عمران ۳	۲۰ ۱۷۷	من ۷۲ ۱۷۸	الی ۷۶
نساء ۴	۱۶۲		
اعراف ۷	۵		
یونس ۱۰	۱۴	۱۵	۷۵
یوسف ۱۲	۱۱۱		
ابرهیم ۱۴	من ۹	الی ۲۰	
نحل ۱۶	۴۵	۴۶	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۵۷		
احزاب ۳۳	۷	۸	
ص ۳۸	۱۱	۱۲	
زخرف ۴۳	۵	۶	۷
ق ۵۰	۱۲	۲۵	۳۶
	فصل ششم		
	مواعظ در ضمن ذکر		
	انبیا با کتاب مذکور در		
	نور این فصل در ذیل		
	باب نبوت دیگر خواهد شد		
	فصل هفتم		
	مواعظ در ضمن ذکر انبیا		
	غیر مذکور در نور عمود است		
ابرهیم ۱۴	من ۹	الی ۱۸	
	فصل هشتم		
اعراف ۷	من ۸۳	الی ۹۱	
هود ۱۱	من ۵۵	الی ۹۷	من ۹۵
شعراء ۲۶	من ۱۲۶	الی ۱۹۱	
عنکبوت ۲۹	۳۵	۳۶	

سور	آیات		
	فصل نهم		
	ذکر ذی الکفل یک آیه		
قصص ۲۸	۴۸		
	فصل دهم		
	مواعظ در ذکر حضرت ادریس چهار آیه		
مریم ۱۹	۵۷	۵۸	
انبیاء ۲۱	۸۵	۸۶	
	فصل یازدهم		
	ذکر حضرت هود سی و هشت آیه		
اعراف ۷	من ۶۵	الی ۷۰	
هود ۱۱	من ۵۲	الی ۶۰	
شعراء ۲۶	من ۱۲۳	الی ۱۴۰	
	فصل دوازدهم		
	ذکر حضرت صالح پنجاه و هفت آیه		
اعراف ۷	من ۷۱	الی ۷۷	
هود ۱۱	من ۶۱	الی ۷۱	
شعراء ۲۶	من ۱۴۱	الی ۱۵۹	
نمل ۲۷	من ۴۵	الی ۵۳	
قمر ۵۴	من ۲۳	الی ۳۱	
شمس ۹۱	من ۱۱	الی ۱۵	
	فصل سیزدهم		
	مواعظ در ضمن ذکر		
	قوم عاد دوازده آیه		
فرقان ۲۵	۴۰	۴۱	
عنکبوت ۲۹	۳۷		
ذاریات ۵۱	۴۱	۴۲	
قمر ۵۴	من ۱۸	الی ۲۱	
فجر ۸۹	۱	۵	۶
	فصل چهاردهم		
	ذکر طوفان یک آیه		
انعام ۶	۶		
	فصل پانزدهم		
	ذکر فرعون		
	دو آیه است		
مزمل ۷۳	۱۵	۱۶	

ید عمل مینماید تا حاجت او ظاهر شود و ... در ... [illegible] نقل کرده ... دیده بود ... این حیال استخاره اول هر دو دار ... استخاره جلال الله ... است که قرآن را بگشاید در صفحه دست راست نظر کند و علی لفظ الله ... بشمرد و بعد از آن از طرف چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در صفحه اول استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد بار دیگر بیت کند و بگشاید تا جلاله ظاهر شود و این طریق ... از ... نقل میکنند تا در کتابها ننوشته بود در غیر آن هم از کتب معتبره نقل و دعا بنظر نرسیده و لیکن ... یکی از فضلای بحرین دیده بود ... تالیفات علمای امامیه رضوان الله علیهم که ... حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بود که آنحضرت فرمود که هر گاه ... احدی از شما ... شود مصحف را بدست گیرد و عزم کند بر عمل کردن بانچه ... شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره حمد

سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و آیة و عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما في البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا يعلمها
و لا حبة في ظلمات الارض و لا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين و سوره انا انزلناه و سوره قل يا ايها الكافرون و سوره قل اعوذ برب

الفلق و سورة قل اعوذ برب الناس هر سه را سه بار بخواند پس سر خود را بر سجده نهد و بگوید اللهم انی اتوجه الیک بالقرآن
العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه اسمک الاکبر و کلماتک التامات یا سامع کل صوت و یا جامع کل فوت و یا باری النفوس بعد
الموت یا من لا تغشاه الظلمات و لا تشتبه علیه الاصوات اسألک ان تخیر لی بما اشکل علی به فانک عالم بکل معلوم غیر معلم

سور	ایات		
	فصل شانزدهم		
	ذکر قوم ثمود یازده آیه		
ذاریات ۵۱	من ۴۳	الی ۴۵	
حاقه ۶۹	من ۴	الی ۷	
	فصل هفدهم		
	ذکر لقمان دو آیه		
لقمان ۳۱	۱۱	۱۲	
	فصل هجدهم		
	ذکر اسمعیل پنج آیه		
انعام ۶	۸۶	۸۷	
مریم ۱۹	۵۴	۵۵	
ص ۳۸	۴۸		
	فصل نوزدهم		
	ذکر جفای مشرکین با انبیا		
	و مؤمنین نوزده آیه		
بقره ۲	۱۰۸		
آل عمران ۳	۱۸۳	۱۹۴	
نساء ۴	۷۱	۹۹	۱۰۰
نحل ۱۶	۴۳	۴۴	
حج ۲۲	۳۹ و ۵۷	۴۰ ۵۸	۴۱
عنکبوت ۲۹	۵۵		
بروج ۸۵	من	الی	
علق ۹۶	من ۹	الی ۱۹	
	فصل بیستم		
	اشاره بتسبیح و تکذیب		
	و استهزاء یهود یک		
انعام ۶	۵		
	فصل بیست و یکم		
	ذکر کلام خبیث و طیب		
	چهار آیه		
ابرهیم ۱۴	۲۹	۳۰	۳۱
فصلت ۴۱	۳۰		
	فصل بیست و دوم		
	ذکر کران و گنگان که از		
	کفر و شنیدن حق		

سور	ایات		
	بی نصیب اند سه آیه		
انفال ۸	۲۲	۲۳	
نحل ۱۶	۷۸		
	باب پنجم		
	ذکر اسرائیلیان و یهود		
	مشتمل بر دو فصل		
	فصل اول		
	ذکر یهود بر وجه عموم یازده آیه		
بقره ۲	۴۴	۱۱۵	
مائده ۵	۱۵		
اعراف ۷	۱۶۰		
یونس ۱۰	۹۳		
جاثیه ۴۵	۱۵	۱۶	
جمعه ۶۲	من ۵	الی ۸	
	فصل دوم		
	ذکر حالات یهود نود و چهار		
بقره ۲	۳۸ من ۴۰	۳۹ الی ۴۲	۵۹ ۷۰
	۷۱ ۷۳ ۸۱	۷۸ ۸۴	۷۹ ۸۶
	۸۷ ۹۴	من ۸۸ ۹۵	الی ۹۰ ۹۶
	۱۰۷ ۱۷۰	۱۲۹ ۱۷۱	۱۴۹ ۵۸
آل عمران ۳	۲۲ ۹۴	۲۳ ذ ۱۰۵	۹۳ ۱۰۷
	۱۰۸ ۱۹۹	۱۸۴	۱۹۸
نساء ۴	من ۴۷ من ۵۵	الی ۵۰ الی ۵۸	ذ ۱۵۴
	۱۵۹		
مائده ۵	ذ ۱۶ من ۴۵	۱۸ ۴۵	۲۱ ۴۷
	۴۸ ۶۹	۵۵ ۷۲	۶۲ ۷۴
	۷۵	من ۸۱	الی ۸۵
اعراف ۷	من ۱۵۹	الی ۱۷۴	
نحل ۱۶	۱۱۹		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۲	الی	
مجادله ۵۸	من ۱۵	الی ۲۰	
	باب ششم		
	ذکر نوع انبیا و جمله		
	مذکورین و آن مشتمل		
	بر نوزده فصل		

سور	ایات		
	فصل اول		
	ذکر نوع و انبیاء بر		
	وجه عموم سه آیه		
انبیاء ۲۱	من ۴۹	الی ۵۱	
	فصل دوم		
	ذکر هرون سه آیه		
نساء ۴	۱۶۱		
فرقان ۲۵	۳۷	۳۸	
	فصل سوم		
	ذکر هابیل و قابیل شش آیه		
مائده ۵	من ۳۰	الی ۳۵	
	فصل چهارم		
	ذکر حضرت ابرهیم صد		
	و هشتاد و هفت آیه		
بقره ۲	من ۱۱۸	الی ۱۲۸	۲۶۰ ۲۶۲
آل عمران ۳	۳۰	من ۵۸	الی ۶۱
	۸۹ ذ	۹۰	
نساء ۴	۱۲۴		
انعام ۶	من ۷۴	الی ۸۹	۱۶۲
توبه ۹	۱۱۵		
هود ۱۱	من ۷۲	الی ۷۸	
ابرهیم ۱۴	من ۳۹	الی ۴۲	
حجر ۱۵	من ۵۱	الی ۶۰	
نحل ۱۶	من ۱۲۱	الی ۱۲۳	
مریم ۱۹	من ۴۲	الی ۵۱	
انبیاء ۲۱	من ۵۲	الی ۷۳	
حج ۲۲	۲۷		
شعراء ۲۶	من ۶۹	الی ۱۰۲	
عنکبوت ۲۹	۱۵	۱۶	۲۳ ۲۵
صافات ۳۷	من ۸۱	الی ۱۱۳	
ص ۳۸	۴۵	۴۶	۴۷
زخرف ۴۳	من ۲۵	الی ۲۷	
ذاریات ۵۱	من ۲۴	الی ۳۷	
نجم ۵۳	۳۷	۳۸	
ممتحنه ۶۰	۴		

بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی الکاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و الحسن العسکری و الخلف الحجة من آل محمد علیه و علیهم السلام پس مصحف را بگشاید و از اول صفحه را شمارد و بعدد آن اوراق شمارد پس بعد از آن از صفحه دست چپ بهمان عدد سطر شمارد پس در سطر آخر نظر کند که بمنزله وحی است در مطلوب گردد ان شاء الله شیخ ابن فهد رضی الله عنه نوع دیگر ذکر کرده که آنرا از یعقوب بن جعفر رضوان الله علیه روایت کرده و او از حضرت امام کاظم صلوات الله علیهما شنیده که کفن مصحف را بر میدارد و میگوید اللهم ان فی قضائک و قدرک ان تمن علی امة نبیک بظهور ولیک و ابن بنت نبیک فعجل ذلک و سهله و یسره و کمله و اخرج لی آیة استدل بها علی امر فآتمر او نهی فانتهی فی عافیة و اگر بتواند حاجت خود را بگوید پس هفت ورق بگرداند پس از ورق دوم ورق هفتم هفت سطر شمارد در سطر هفتم تفأل

کند برای مطلب خود مفتاح پنجم در بیان استخاره بتسبیح است علامه حلی قدس سره در منهاج الصلاح از پدر بزرگوار خود سدید الدین یوسف رحمه الله روایت کرده است که او از سید جلیل رضی الدین محمد آوی روایت کرده است و او از حضرت صاحب الزمان سلوا

الله علیه روایت کرده که چون در امری کسی خواهد که استخاره کند سوره فاتحه را ده مرتبه بخواند و سه مرتبه و یک مرتبه نیز اکتفا نموده اند
کردند پس ده مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند پس این دعا را سه مرتبه بخواند اللّهمّ انّی استخیرک لعلمک بعواقب الامور و استشیرک
لحسن ظنّی بک فی المأمول و المحذور اللّهمّ ان کان الامر الفلانی ممّا قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه و حفّت بالکرامة ایّامه
و لیالیه فخر لی خیرة

سور	آیات			
	فصل پنجم			
	ذکر حضرت آدم دو آیه			
بقره ۲	۳۲			
آل عمران ۳	۳۰			
	فصل ششم			
	ذکر قارون هشت آیه			
قصص ۲۸	من ۷۶	الی ۸۳		
	فصل هفتم			
	ذکر حضرت داود بیست و یک			
بقره ۲	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	
نساء ۴	ذ ۱۶۳			
مائده ۵	۸۲			
انعام ۶	ذ ۸۴			
بنی اسرائیل ۱۷		ذ ۵۵		
انبیاء ۲۱	من ۷۸	الی ۸۰	۱۰۵	
ص ۳۸	من ۱۶	الی ۲۵		
	فصل هشتم			
	ذکر الیاس یازده آیه			
انعام ۶	۸۵			
صافات ۳۷	من ۱۲۳	الی ۱۳۲		
	فصل نهم			
	ذکر الیسع دو آیه			
انعام ۶	۸۶	ص ۳۸	۴۸	
	فصل دهم			
	ذکر ادریس دو آیه			
مریم ۱۹	۵۷	۵۸		
	فصل یازدهم			
	ذکر عزیر یک آیه			
توبه ۹	ذ ۳۰			
	فصل دوازدهم			
	ذکر اسرائیل دو آیه			
مریم ۱۹	ذ ۵۹	۶۰		
	فصل سیزدهم			
	ذکر ایوب هشت آیه			
انعام ۶	ذ ۸۴			

سور	آیات			
انبیاء ۲۱	۸۳	۸۴		
ص ۳۸	من ۴۱	الی ۴۴		
	فصل چهاردهم			
	ذکر یونس پانزده آیه			
انعام ۶	۸۶	۸۷		
یونس ۱۰	ذ ۹۸			
انبیاء ۲۱	۸۷	۸۸		
صافات ۳۷	ذ ۱۳۹	من ۱۴۰	الی ۱۴۸	
	فصل پانزدهم			
	ذکر حضرت یوسف صدیق و سی آیه			
یوسف ۱۲	من ۳	الی ۱۰۱		
مؤمن ۴۰	۳۴			
	فصل شانزدهم			
	ذکر حضرت لوط هشتاد و دو آیه			
انعام ۶	۸۶			
اعراف ۷	من ۷۸	الی ۸۳		
هود ۱۱	من ۷۹	الی ۸۴		
حجر ۱۵	ذ ۵۷	من ۵۹	الی ۷۷	
انبیاء ۲۱	۷۴	۷۵		
حج ۲۲	۴۳			
شعراء ۲۶	من ۱۶۰	الی ۱۷۵		
نمل ۲۷	من ۵۵	الی ۵۹		
عنکبوت ۲۹	۲۵	من ۲۷	الی ۳۴	
صافات ۳۷	من ۱۳۳	الی ۱۳۸		
ق ۵۰	۱۳			
قمر ۵۴	من ۳۳	الی ۳۹		
	فصل هفدهم			
	ذکر حضرت موسی علیه السلام			
	چهارصد و چهل و سه آیه			
بقره ۲	۴۴	من ۵۲	الی ۶۳	
۶۰ ۶۳	۵۷ ص ۲۴۷	۵۸ م ۲۴۸	۸۱ ذ ۲۴۹	
نساء ۴	۱۵۲ ۱۶۲	۱۵۳	۱۵۴	
مائده ۵	من ۲۳	الی ۲۹		
انعام ۶	۹۱	۱۵۵		
اعراف ۷	۱۶۰	من ۹۸	الی ۱۵۵	

سور	آیات			
یونس ۱۰	من ۷۶	الی ۹۲		
هود ۱۱	من ۹۹	الی ۱۰۳		
ابرهیم ۱۴	۵	۶	۷	۸
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۰۳	الی ۱۰۶		
کهف ۱۸	من ۵۹	الی ۸۱		
مریم ۱۹	ذ ص ۵۲	۵۳	۵۶	
طه ۲۰	من ۸	الی ۴۹		
		من ۵۹	الی ۷۵	
	من ۷۹	الی ۱۰۱		
انبیاء ۲۱	۴۹			
حج ۲۲	ذ ۴۳			
مؤمنون ۲۳	ذ ۴۷	من ۴۹	الی ۵۱	
شعراء ۲۶	من ۹	الی ۶۸		
نمل ۲۷	من ۷	الی ۱۴		
قصص ۲۸	من ۳	الی ۴۶		
عنکبوت ۲۹	۳۸	۳۹		
سجده ۳۲	۲۳			
صافات ۳۷	من ۱۱۴	الی ۱۲۲		
مؤمن ۴۰	من ۲۳	الی ۴۹	۵۴	
فصلت ۴۱	۴۵			
زخرف ۴۳	من ۴۶	الی ۵۶		
دخان ۴۴	ذ ۱۶	من ۱۷	الی ۳۲	
نازعات ۷۹	من ۱۵	الی ۲۶		
	فصل هجدهم			
	ذکر حضرت نوح علیه السلام			
	صد و بیست و دو آیه			
آل عمران ۳	۳۰			
نساء ۴	۱۶۳			
انعام ۶	ص ۸۴			
اعراف ۷	من ۵۷	الی ۶۲		
یونس ۱۰	۷۲	۷۳	۷۴	
هود ۱۱	من ۲۷	الی ۵۱		
انبیاء ۲۱	۷۶	۷۷		
مؤمنون ۲۳	من ۲۳	الی ۳۲		
فرقان ۲۵	۳۹			

تردّ شموسه ذلولا و تقعض ایّامه سرورا اللّهمّ امّا امر فأتمر و امّا نهی فانتهی اللّهمّ انّی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة پس قصد می کند که اگر این امر برای من خوب است طاق میاید و اگر بد است جفت میاید یا بر عکس پس قطعه از تسبیح را میگیرد و میشمارد تا معلوم شود که طاق است یا جفت و سید قدس سره در فتح الابواب گفته است که یافتم بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی اوی خلد اسنادش و اضعاف کرداند و شرف کرداند خاتمه او را که روایت رسیده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند پس سوره حمد و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا بخواند این دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است که کفی از سنگ ریزه یا تسبیح بگیرد تا آخر گفته که مراد آن است که قصد کند که اگر جفت باشد بکن و اگر طاق باشد مکن پس باز سید گفته است که بعضی از اصحاب ما حدیثی مرسلی نقل کرده است در صفت قرعه بتسبیح که سوره حمد و یک مرتبه سوره
انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس این دعا که گذشت بخواند و رفیقی هم بخواند و خود کردن را او نکردن را یا بر عکس بخاطر بگذراند
پس دو رقعه بنویسد یکی با اسم خود و دیگری با اسم رفیقش در زیر ... بگذارد و دست کند و در او و زدانه هر یک بدر آمد که بخاطر گرفته

او را عمل کند مؤلف گوید که عبارت سید اجمالی دارد و فقیر از عبارت او چنین میفهمد والله یعلم و بدانکه ظاهر روایات این است که از
سنگ ریزه چند یا دانه تسبیح چند دست کند و مثنی بر دارد و بشمارد نه بر وجهی که متعارف است و بعضی از مشایخ ما رضوان الله
علیهم تسبیح سطور را در میان کف میگردانند و دانه‌ها که در میان کف واقع میشد میشمردند که ظاهر است با حصه دان نوع نیز ما

روایت فی الحمله المطا

سور	آیات		
شعراء ۲۶	من ۱۰۵	الی ۱۲۲	
عنکبوت ۲۹	۱۳	۱۴	
صافات ۳۷	من ۶۹	الی ۸۱	
مؤمن ۴۰	ذ ۵	۶	
قمر ۵۴	من ۹	الی ۱۶	
نوح ۷۱	من ۱	الی ۲۹	
	فصل نوزدهم		
	ذکر حضرت سلیمان نجام		
	وشش آیه		
بقره ۲	۹۵		
انعام ۶	و ۸۴		
انبیاء ۲۱	۸۱	۸۲	
نمل ۲۷	من ۱۵	الی ۴۵	
سبا ۳۴	من ۱۲	الی ۲۰	
ص ۳۸	من ۲۹	الی ۳۹	
	باب هفتم		
	ذکر عیسی با مریم و یحیی		
	و عیسی و آیات ثلاثه		
	مشتمل بر شش فصل		
	فصل اول		
	ذکر نصاری بر دو عموم		
	سنی و ملک آیه		
بقره ۲	۵۹	۱۰۷	۱۲۹
آل عمران ۳	۵۷ ۹۸	۱۰۷ ۱۹۹	۱۱۰ ۱۰۹
مائده ۵	و ۷ ۵۰	۱۷ ۵۱	۲۱ ۵۸
	۶۲ ۷۲	۶۴ من ۱۵	۷۰ الی ۸۰
توبه ۹	۳۰ ۳۳	۳۱	۳۲
روم ۳۰	من ۱	الی ۳	ص ۴
حدید ۵۷	۲۷		
	فصل دوم		
	ذکر حضرت یحیی بیت یلد		
آل عمران ۳	ذ ۳۳	من ۳۴	الی ۴۱
مریم ۱۹	من ۱	الی ۱۵	
انبیاء ۲۱	۸۹	۹۰	

سور	آیات		
	فصل سیم		
	ذکر حضرت مریم سوره دوانه		
آل عمران ۳	من ۳۰	الی ۳۲	
	من ۳۷	الی ۴۲	
نساء ۴	۱۵۵		
مریم ۱۹	۱۵	۱۷	ص ۱۸
	من ۱۹	الی ۳۵	
انبیاء ۲۱	۹۱		
تحریم ۶۶	۱۲		
	فصل چهارم		
	ذکر حضرت عیسی هفتاد		
	و چهار آیه		
بقره ۲	و ۸۱	و ۲۵۳	
آل عمران ۳	من ۴۰	الی ۵۳	
نساء ۴	من ۱۵۵	الی ۱۵۷	۱۶۹ ۱۷۰
مائده ۵	۱۹ ص ۷۹	۵۰ من ۱۰۸	۷۵ الی ۱۲۰
توبه ۹	۳۰	۳۱	۱۱۲
مریم ۱۹	من ۱۶	الی ۳۵	
مؤمنون ۲۳	۵۲		
زخرف ۴۳		من ۵۷	الی ۶۴
حدید ۵۷	۲۶	۲۷	
صف ۶۱	۶	ص ۱۴	
	فصل پنجم		
	اشاره بانجیل بلایه		
فاطر ۳۵	۲۳		
	فصل ششم		
	رد تثلیث سه آیه		
نساء ۴	۱۶۹		
مائده ۵	ص ذ ۷۲		۰
انعام ۶	۱۵۲		
	باب هشتم		
	ذکر علم ماوراء الطبیعه		
	یعنی مجردات معقولات		
	و علم ملکوت معانی		
	متعلقه با مشتمل بر ده فصل		

سور	آیات		
	فصل اول		
	در ذکر روح مجرد و نفس		
	ناطقه بیست هفت آیه		
آل عمران ۳	ص ۱۳۹	ط ۱۸۲	
انعام ۶	و ۹۹		
اعراف ۷	و ۲۰۹		
بنی اسرائیل ۱۷	۸۷		
انبیاء ۲۱	۳۶		
عنکبوت ۲۹	۵۷		
لقمان ۳۱	ذ ۳۴		
سجده ۳۲	و ۸		
حاقه ۶۹	۸	ص ۲	۲۱
انفطار ۸۲	من	الی ۵	
شمس ۹۱	من ۱	الی ۱۰	
	فصل دوم		
	ذکر اعطای مدارک		
	و مشاعر نفوس یک آیه		
نحل ۱۶	۸۰		
	فصل سیم		
	ذکر فطری بودن روح و		
	الهام حتی در حیوانات دو آیه		
نحل ۱۶	۷۰	من ۷۱	
	فصل چهارم		
	در ترک شهوات و خلاف		
	نفس سه آیه		
نساء ۴	ص ۱۳۴		
روم ۳۰	و ۲۸		
ص ۳۸	۲۵		
	فصل پنجم		
	در اینکه متابعت هوا و هوس		
	ضلالت است یک آیه		
قصص ۲۸	و ۵۰		
	فصل ششم		
	ذکر هواجس نفسانیه آیه		
انعام ۶	و ۱۵۳		

دارد اما بهر مشا
بسیار اکثر مشایخ
دیده و شنیده ام
همان روش متعارف
است که با مکث میانه
تسبیح را بگیرند و اگر
حمد و انا انزلناه و
ن دعا را بگی ... را ن
عدد دعا که در روز با
مذکور شد بخواند
نیت کند و تسبیح را
بگیرد و دو تا دو تا
بشمارد و کریک بماند
عمل نماید و کر دو بماند
ترک کند ظاهر این
میباشد و الله یعلم
فقیر از شیخ عظیم
الشان شیخ بهاء الدین
محمد علیهما الرحمه
و الرضوان نقل میکرد
که ما دست بدست از
مشایخ خود شنیده ام
که از حضرت صاحب
الامر صلوات الله
علیه روایت میکردند
در طریق استخاره بتسبیح
که سه مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد
و تسبیح را بگیرد و دو تا
دو تا بشمارد اگر دو تا
میماند خوبست و اگر
جفت میماند بدست
و الله یعلم و رحمه الله
این روش اکثر او
در امور یکه دران
استعجالی بود استخاره
میکردند و طریق د
در میان عوام شهرت
دارد که سه تا سه تا
بشمارند اگر یک بماند
خوبست و اگر دو بماند
وسط است و اگر
سه بماند بد است و
این طریق در حالت
بنظر فقیر نرسیده است

مفتاح ششم استخاره برقاع است سید ابن طاوس و اکثر متأخرین علماء رحمهم الله این نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب
احتجاج منقول است که حمیری عریضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام و پرسید که اگر در امری مردد شود میان کردن و

نکردن دو سری نکرد دیگی ... مگر ... جلس حرمه دار حضعان نکند
دیر ... ملا ... علما لشده در باب سجاره
... ذکر ... مؤلف کوید که این نوع سجاره بچند طریق وارد شده است اول

سور	آیات		
اعراف ۷	۹۹	۲۰۰	۲۰۱
ق ۵۰	۱۵		
فصل هفتم			
در اختیار دوستی			
نفس پنجاه آیه			
بقره ۲	۸۴		
نساء ۴	۱۱۰		
مائده ۵	۱۰۴		
انعام ۶	ذ ۹۴		
یونس ۱۰	۴۵	۱۰۸	۱۰۹
هود ۱۱	۲۳	۱۰۳	
رعد ۱۳	۱۲		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۵	الی ۱۸	۸۴
کهف ۱۸	ص ۷ د	۷ ۵۸	۲۸
مؤمنون ۲۳	ص ۴		
عنکبوت ۲۹	۲		
فاطر ۳۵	۱۹		
مؤمن ۴۰	ص ذ ۹		
فصلت ۴۱	۴۴		
شوری ۴۲	۱۹		
جاثیه ۴۵	۲۰	۲۱	
احقاف ۴۶	۱۸		
نجم ۵۳	۳۲	من ۳۳	الی ۳۲ م
طلاق ۶۵	۷		
ملك ۶۷	۱	۲	
مدثر ۷۴	ص ۴۱	ذ ۴۴	
دهر ۷۶	ذ ۲۹ ص ۵۵	۳۰	۳۱
تکویر ۸۱	ذ ۲۹	بلد ۹۰	۱۰
شمس ۹۱	من ۷	الی ۱۰	
لیل ۹۲	۱۲	۱۳	
فصل هشتم			
در مسئولیت نفس ...			
مائده ۵	۱۰۴		
انعام ۶	و ۱۰۴	و ۱۶۴	
بنی اسرائیل ۱۷	۱۵	۱۶	۱۷

سور	آیات		
عنکبوت ۲۹	۵		
سبأ ۳۴	۲۴	ذ ۴۱	
زمر ۳۹	و ۹		
نجم ۵۳	من ۵	الی ۵۳	
فصل نهم			
در رضا تدریج ...			
آل عمران ۳	ص ۱۳۹	و ۱۴۹	
انعام ۶	۲	ص ۳۵	
اعراف ۷	۳۲		
یونس ۱۰	۵۰		
هود ۱۱	۸		
حجر ۱۵	۲	۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۴		
مؤمنون ۲۳	۴۵		
نمل ۲۷	۷۶	۷۷	
سبأ ۳۴	ذ ۳		
فاطر ۳۵	۱۲		
قمر ۵۴	۵۱	۵۲	۵۳
حدید ۵۷	۲۲		
طلاق ۶۵	ذ ۳		
نوح ۷۱	و ۴		
جن ۷۲	۲۶	۲۷	۲۸
فصل دهم			
در اینکه هدایت و خیر			
بعنایت الهی است و ضلالت			
و شر از سلب توفیق			
نود و پنج آیه			
بقره ۲	من ۴	الی ۶	
	ذ ۹۹ ۲۵۶ ۲۷۴ و	ذ ۲۰۹ ذ ۲۵۵	ذ ۲۴۶ ۲۷۲
آل عمران ۳	ذ ۶۶	۶۷	۱۲۴
نساء ۴	ذ ۸۵	۱۱۳	
انعام ۶	۲۵ ۸۸ و	۳۹ ۱۱	ذ ۸۳ ۱۱۲
	۱۲۵	۱۵۰	۱۵۶
اعراف ۷	ذ ۲۸	۱۷۷	۱۸۵

سور	آیات		
توبه ۹	ذ ۲۱		
یونس ۱۰	۹۶	۹۷	۱۰۰ ۱۰۱
	ذ ۱۰۷		
هود ۱۱	۱۲	۱۲۰	
یوسف ۱۲	ذ ۱۰	ابرهیم ۱۴	۴
رعد ۱۳	۳۰	ص ۲۴	ذ ۳۳
نحل ۱۶	ذ ۹	۹۵	۱۱۰
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۹	الی ۲۱	۳۲
	۴۷ ۸۹	۴۸	۸۸
کهف ۱۸	۵۵	۵۶	
مریم ۱۹	۷۸		
انبیاء ۲۱	۹		
حج ۲۲	ذ ۱۶	۱۹	
نور ۲۴	ص ۲۱	ذ ۳۸	۴۵
قصص ۲۸	ص ۵۶		
عنکبوت ۲۹	ص ۴		
روم ۳۰	۳۵	۳۶	
سجده ۳۲	۱۳		
سبأ ۳۴	۳۸	فاطر ۳۵	ذ ۹
یس ۳۶	۴۳	۴۴	
زمر ۳۹	ذ ۲۴	۵۳	
شوری ۴۲	۱۰	ذ ۱۳	۲۶
تغابن ۶۴	ص ۱۱		
جاثیه ۴۵	ذ ۲۳		
محمد ۴۷	۱۹		
حجرات ۴۹	۷	۸	
حدید ۵۷	۲۱	۲۸	۲۹
حشر ۵۹	۱۹	۲۰	
جمعه ۶۲	ص ۴	مدثر ۷۴	۳۴
دهر ۷۶	من ۲۷	الی ۳۱	
فصل یازدهم			
ذکر نوم که نوعی از موت			
است یك آیه			
زمر ۳۹	۴۲		

جانب خود و مادر خود در میسوب نباشد و بدانکه غسل در این روایت وارد شده است و بعضی از علما در این استخاره ذکر کرده اند باعتبار اینکه
دیدا استخاره ... که در محل خود ذکر کرده ایم و ... شاید که ... غسل در نمازهای حاجت نیز شاید مؤید تواند شد

و اگر قصد زیارت ائمه علیهم السلام بزد دان غسل کند شاید خوب باشد و ایضاً تعیین سوره در این نماز وارد نشده در بعضی سوره حشر و سوره الرحمن را ذکر کرده اند باعتبار اینکه در نوع دیگر استخاره وارد شده است شاید بد باشد و اگر در هر رکعت سه مرتبه قل هو الله بخواند چنانچه بعد از این مذکور میشود بصواب بیست و ظاهر امر سوره که بخواند خوب است و آنچه در روایت واقع شده است اگر درهم در اید افعل و لا تفعل باید فتح با بزور و در بد اشکال در رد بر اگر در بعضی را ضرور احتیاج نمی شود به بیرون رود و ورد بجز مثل آنکه از بت لا تفعل در اید و بعد از ان سه افعل یا بعکس یا آنکه دو افعل بر اید و یک لا تفعل و یک افعل یا بر عکس و دور نیست که مراد ان باشد که احتیاج به بیرون آوردن شش هرگز نمیشود که احتیاط به پنجم برد بعضی از شقوق نشود در احتمال داده در همه صور پنجم را باید اورد تعتبه کونی بد اش بر ما معلوم نشد اما بعید است و اتفاق باید دانست که اگر مختلف بیرون آید یکی بیشتر باشد تعدد تفاوت در خوبی و بدی در میان صور ان ظاهر نمیشود و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون آمدن هر یک با اولی آنها تفاوت در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه اگر سه افعل در چهار دفعه بیرون آید بهتر است از آنکه در پنج دفعه بیرون آید و همچنین لا تفعل در بدی و اگر دو افعل سه باید سه تا پی و یک لا تفعل و یک افعل بهتر است از آنکه اول لا تفعل بیرون آید و بعد از ان سه افعل و در بدی قیاس سایر شقوق بنیکی و بدی معلوم میشود دیگر آنست که سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن مسعود روایت کرده است که اورا استخاره این دعا میخواند اَللّهُمَّ اِنَّکَ تَعلَمُ وَلا نَعلَمُ وَتَقدِرُ وَلا نَقدِرُ وَاَنتَ عَلّامُ الغُیُوبِ اَللّهُمَّ اِن عَلِمتَ بِما نَذکُرُهُ

سور	آیات		
	باب نهم		
	در دین و دیانت		
	مشتمل بر سه فصل		
	فصل اول		
	در حقیت دین حق و ابطال مذاهب		
	کفار و نسخ ادیان اهل کتاب		
	بعد از بعثت رسول آیه		
انعام ۶	من ۱۹		
شوری ۴۲	۵	۷	۲۰
بینه ۹۸	۲	۴	
	فصل دویم		
بقره ۲	۱۷۲	ذ ۱۸۵	
مائده ۵	۸۹		
اعراف ۷	۲۵		
توبه ۹	د ۱۷	من ۱۸ ۱۰۸	الی ۱۱۰
فرقان ۲۵	من ۷۲	الی ۷۵	
قصص ۲۸	۵۵	۸۳	
روم ۳۰	من ۲۹		
احزاب ۳۳	۳۵		
زمر ۳۹	۳۴	۳۵	
معارج ۷۰	ذ ۱۵	من ۱۰	الی ۳۵
بینه ۹۸	۴		
	فصل سیم		
	ذکر کتب مقدسه آیه		
بقره ۲	ص ۷۳	۱۰۷ ۱۵۴	۱۱۵
آل عمران ۳	۱۰۹	۱۱۰	
رعد ۱۳	ذ ۳۸		
عنکبوت ۲۹	۴۵		
	فصل چهارم		
	در منحصر دانستن یهود		
	دین را بانکه موسی آورد		
	و رد آن بعقیل آیه		
آل عمران ۳	ص ۹۵		
	فصل پنجم		
	در انکار کردن وجود الهی		

سور	آیات		
	و اثبات ان بوده و هست آیه		
بقره ۲	من ۱	الی ۱۹	ذ ۷۶
	۱۰۲	۱۳۰	۱۴۹
آل عمران ۳	۱۹۰		
نساء ۴	۶۰	۱۳۵	۱۷۲ د ۱۷۴
مائده ۵	ذ ۷		
انعام ۶	۱۵۹	۱۶۰	
یونس ۱۰	من ۴۳	الی ۴۴	۱۰۴ ۱۰۵
هود ۱۱	۲۵	۲۸	
رعد ۱۳	۲۸		
ابراهیم ۱۴	۲۱	۲۸	
نحل ۱۶	۹۹		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۰۳	الی ۱۰۸	
کهف ۱۸	من ۳۱	الی ۴۲	
مریم ۱۹	ذ ۱۶	۹۵	
طه ۲۰	۱۱۱		
انبیاء ۲۱	۹۴		
روم ۳۰	۱۴	من ۴۲	الی ۴۳
سجده ۳۲	۱۵	۱۶	۱۹
احزاب ۳۳	۷۲		
سبا ۳۴	ذ ۳۶		
فاطر ۳۵	۸		
زمر ۳۹	۱۳	۱۹	
غافر ۴۰	۸۴	۸۵	
فصلت ۴۱	۷		
محمد ۴۷	۱	۲	۳
حجرات ۴۹	من ۱۵	الی ۱۸	
جمعه ۶۲	من ۱	الی ۳	
تغابن ۶۴	۸		
بینه ۹۸	من ۱	الی ۶	
	فصل ششم		
	در اینکه یهود و نصاری خود را		
	ابناء الله میخوانند آیه		
مائده ۵	۲۱		

سور	آیات		
	فصل هفتم		
	در انکه اهل کتاب از توریت		
	و نسخ انها چه بود آیه		
آل عمران ۳	من ۲۰	الی ۵۵	
	فصل هشتم		
	در اسلام که حقیقت تمام		
	ادیانست و حقیقت آیه		
بقره ۲	۱۰۵ ۱۲۲	۱۰۵ ۱۲۹	۱۲۱ ۱۳۰
	۱۳۴	۱۳۵	۲۰۴ ۲۲۱
آل عمران ۳	من ۱۷ ۷۸	۵۰ ۷۹	۵۱ ۱۱۴
نساء ۴	۱۲۴		
مائده ۵	۵		
هود ۱۱	۱۱۸	۱۱۹	
انبیاء ۲۱	۹۲	۹۳	
حج ۲۲	۷۷		
مؤمنون ۲۳	۵۲		
روم ۳۰	۲۹		
زمر ۳۹	۲۳		
فصلت ۴۱	۲۳		
شوری ۴۲	۱۱		
صف ۶۱	۹		
بینه ۹۸	۴		
نصر ۱۱۰	۱	۲	۳
	فصل نهم		
	در خلوص عقیده مسلمانان چها آیه		
قصص ۲۸	۵۲	۵۳	
فصلت ۴۱	۳۳		
فتح ۴۸	۲۹		
	فصل دهم		
	در صفات مؤمنین		
	و مؤمنات حقیقی آیه		
بقره ۲	۲۵۸	۲۵۹	
آل عمران ۳	۱۷۳		
انعام ۶	۱۲۲		
توبه ۹	۷۲	۱۲۰	

بما کان اللهم انی عزمت علی کذا ... سهله و یفعت ... کان
غیر ذلک اصرفنی عنه کیف شئت ... فی سرو فی عافیة ...
مونس خیرة من ربه العزیز الحکیم لفلان بن فلان ... علی اسم ... منونس ... لفلان بن
فلان لا تفعل ... ص ۱۳

سور	آیات		
هود ۱۱	۲۰	۱۱۴	۱۱۵
نحل ۱۶	۹۳	۹۷	۹۸
فرقان ۲۵	من ۶۳	الی ۶۸	
قصص ۲۸	۶۱		
عنکبوت ۲۹	من ۱	الی ۳	
سجده ۳۲	۱۸		
احزاب ۳۳	۵۸		
زمر ۳۹	۱۴	۱۵	۱۶
حدید ۵۷	۱۳	۱۵	۱۸
اعلی ۸۷	۱۴	۱۵	
	فصل یازدهم		
	در صفت مؤمن خالص یک آیه		
بقره ۲	ذ ۲۸۵		
	فصل دوازدهم		
	ذکر منافقین دو آیه		
بقره ۲	۷	۱۲	
	فصل سیزدهم		
	ذکر کفار و انذار انها		
	صد و هفتاد و پنج آیه		
بقره ۲	۱۰۸ ۱۶۵	۱۵۶ ۱۶۶	۱۵۷ ۲۰۶
ال عمران ۳	۸ ۱۰۳	۹ من ۱۱۳	۱۰۲ الی ۱۱۵
	۱۴۳		
نساء ۴	من ۳۲ من ۴۵	۴۳ الی ۴۸	۵۹
مائده ۵	۱۳ ۵۱	۴۰ ذ ۵۵	۴۱ من ۶۴
	۶۷ ۱۰۳	۶۸	۷۷
انعام ۶	۱ من ۲۹	۴ الی ۳۱	۵ ۳۳
	۳۷ ۴۹	من ۳۹ ۵۷	الی ۴۷ ۵۸
	من ۱۰۹	الی ۱۱۱	
اعراف ۷	۳۸		
انفال ۸	من ۳۰ ۴۰	الی ۳۷ من ۵۲	۳۹ الی ۵۹
هود ۱۱	۱۱۱		
رعد ۱۳	۳۱		
حجر ۱۵	۲	۳	۸۸
نحل ۱۶	۳۵	۳۶	
کهف ۱۸	۵۰	۵۱	

سور	آیات		
مریم ۱۹	۳۸	۳۹	
طه ۲۰	۱۲۸ ۳۵	۱۲۹	۱۳۴
حج ۲۲	۷۱		
مؤمنون ۲۳	ذ ۵۵ من ۹۵	من ۶۴ الی ۹۸	الی ۷۹
نور ۲۴	۵۶		
فرقان ۲۵	۴۴	۵۷	
عنکبوت ۲۹	۴۰ من ۵۲	۴۱ الی ۵۵	۴۲
ص ۳۸	۱		
جاثیه ۴۵	من ۲	الی ۱۰	
محمد ۴۷	۴ ۳۱	۱۳ ۳۲	۳۰ ۳۴
فتح ۴۸	۱۳	۱۴	
طور ۵۲	من ۳۵	الی ۴۵	۴۷
نجم ۵۳	ذ ۲۹		
تحریم ۶۶	۹		
معارج ۷۰	من ۳۶	الی ۴۴	
مزمل ۷۳	۱۰ ۱۳	۱۱	۱۲
بروج ۸۵	من ۱۷	الی ۲۰	
کافرون ۱۰۹	من ۱	الی ۶	
	فصل چهاردهم		
	در جدا از کفار و عقاب		
	انها هفتاد آیه		
آل عمران ۳	۱۰	۱۷۰	
انعام ۶	ذ ۱۲		
انفال ۸	۵۷		
یونس ۱۰	۷	۸	
هود ۱۱	۲۱	۲۲	۲۴
نحل ۱۶	۱۰۶	۱۰۷	
کهف ۱۸	۵۳		
مریم ۱۹	من ۷۳	الی ۷۷ من ۸۰	الی ۸۳
نور ۲۴	۳۹	۴۰	
شعراء ۲۶	من ۲ ۱۰۳	الی ۸ من ۲۰۰	الی ۲۰۷
نمل ۲۷	۴	۵	
عنکبوت ۲۹	۱۱	۱۲	۲۲
لقمان ۳۱	۲۲		
سبا ۳۴	ذ ۳۷		

سور	آیات		
فاطر ۳۵	۷	۳۷	
یس ۳۶	۴۵	۴۶	
ص ۳۸		۲۶	۲۷
فصلت ۴۱	۴۱		
محمد ۴۷	من ۹	الی ۱۲	
حدید ۵۷	۸	۹	
تغابن ۶۴	۵	۶	۱۰
ملک ۶۷	۶	۷	
غاشیه ۸۸	من ۱۷	الی ۲۰	ذ ۲۳
	من ۲۳	الی ۲۶	
	فصل پانزدهم		
	در ثبوت دین عقیده		
	شصت و شش آیه		
بقره ۲	۲۱۴		
نساء ۴	من ۵۳	الی ۵۵	۱۱۷
مائده ۵	۸۵		
انعام ۶	۷۰	من ۱۳۷	الی ۱۴۰
اعراف ۷	۳۵ من ۱۹۱	۱۸۹ الی ۱۹۷	۱۹۰
توبه ۹	من ۱ ۱۵	الی ۵	۱۱۴
یونس ۱۰	۱۸		
یوسف ۱۲	من ۱۰۵	الی ۱۰۸	
ابرهیم ۱۴	من ۳۳	الی ۳۵	
نحل ۱۶	۵۸ من ۸۸	۷۷ الی ۹۰	۷۸
بنی اسرائیل ۱۷	۵۸	۵۹	
کهف ۱۸	۱۰۲		
مریم ۱۹	۸۴	۸۵	
حج ۲۲	۱۲	۱۳	۷۲
فرقان ۲۵	۳	۴	
عنکبوت ۲۹	۶۸	۲۴	
سبا ۳۴	۲۱		
فاطر ۳۵	ذ ۱۴	۱۵	۳۸
یس ۳۶	۷۴	۷۵	
نجم ۵۳	من ۱۹	الی ۲۵	

فیما یقضی الله زید
زو سجده بکند
و چون از نماز و دعا
فارغ شد ملتمس بک
انها ... مبادی
دهد بک کم خیر ...
میمند بان عمل بهتر
مؤلف گوید که بجای
عن کذا و کذا حاجت
خود را بعربی بگوید
و گر نتوان بگوید
علی الامر الذی عنیت
و بجای فلان بن فلان
اسم خود و پدر خود
بنویسند در همه نسخها
و این نسخه که ...
از طریق اهل سنت
است اما مؤید ...
و است و عمل ... است
اقوی از طریق شیعه
اولی است و اگر ... دعا
را بعربی ... نیست
ترجمه است که باد شد
رحمه الله عالم خالف
نقل کرده است از جابر
ابن عبد الله انصاری
که از اکابر صحابه است
گفت که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله
ما را تعلیم میکرد ...
در ... چنانچه تعلیم
مینمود ما را سورهای
قرآن و ... ذکر
مرده حتی ...
اراده کاری ... کند
رکعت ... عن
... بگوید اللهم انی
... بقدرتک
... و ... من فضلک ...
... فانک تقدر و لا اقدر
و تعلم و لا اعلم و انت
علام الغیوب اللهم ان
کنت تعلم ان هذا الامر

... فی دینی و معاشی و عاقبة امری فی عاجل امری و آجله فاقدره لی ثم بارک لی فیه و ان کنت تعلم ان هذا الامر شر لی فی
دینی فی عاجل امری و آجله و معاشی و عاقبة امری فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث کان ثم رضنی به پس بنده کند ...

که بعضی از مشایخ ما رضوان الله علیهم گفته است که چون این نماز را بکنند و ... نماز ... نوبت ... کاغذ قطع کنند و در سه
افعل بنویسند و در سه تا لا تفعل و یک بگر مخلوط کنند و در میان سجاده خود بگذارند پس سه تا از آن یک یک بدر آورند اگر هر سه
افعل باشد آن کار را بکند با طیب خاطر و اگر دو تا افعل باشد و یکی لا تفعل یا یکی ... آن کار را بکند اما ... ترا ... و شوق

سور	آیات		
	فصل شانزدهم		
	در باب ضمین زدن قسمت و عاء		
	حال آنها که تشبهند		
بقره ٢	٢٦٨		
مؤمنون ٢٣	١٠١	١٠٢	
مؤمن ٤٠	٥٠	٥١	
فصلت ٤١	٤٠		
صف ٦١	٧	٨	٩
	فصل هفدهم		
	در ذم مرتد و عصات ... آیه		
مائده ٥	ذ ٥٤		
	فصل هجدهم		
	در ذکر ارتداد و حکم و		
	جزای ایشان آیه		
بقره ٢	ذ ٢١٤		
آل عمران ٣	٧١ / ١٠٢	من ٨٠ / ١٧١	الی ٨٥
نساء ٤	٩١ / ١٣٥	٩٢	١١٥
مائده ٥	ذ ٥٤	من ٥٧	الی ٥٩
انفال	١٣	١٤	
نحل ١٦	١٠٨	١٠٩	١١٣
محمد ٤٧	من ٢١ / ٣٢	الی ٣٠	٣٣
ممتحنه ٦٠	١١		
	فصل نوزدهم		
	در احوال فقیر و مریض ...		
بقره ٢	٧ / ١٤	٨ / ٢٠٠	١٣ / ٢٠١ — ٢٠٢
نساء ٤	من ٤٣	الی ٤٤	من ٣٧ الی ٤٢
	١٤٣	١٤٥	٩٠
انفال ٨	٥١		
توبه ٩	من ٥٥	الی ٥٩	من ٧٣ الی ٧٩
نور ٢٤	من ٤٨	الی ٥٣	
عنکبوت ٢٩	٩	١٠	
احزاب ٣٣	٢٣	٤٧	٧٣
فتح ٤٨	٦		
حدید ٥٧	١٣		
حشر ٥٩	١١		

سور	آیات		
منافقون ٦٣	من ١	الی ٨	
تحریم ٦٦	٩		
	فصل بیستم		
	در ذم اهل ظن و تکذیب		
	آنها	سه	آیه
انعام ٦	١١٦		
یونس ١٠	٣٧		
نجم ٥٣	٢٩		
	فصل بیست و یکم		
	ذکر شهداء یک آیه		
نساء ٤	٧١		
	فصل بیست و دوم		
	در خواستن معجزه از خدا		
	و رسول بعد ...		
	بیست و هفت آیه		
بقره ٢	٢٤٤		
انعام ٦	من ٣٥ / ١٢٤	الی ٣٧	١٠٩
یونس ١٠	٢١		
یوسف ١٢	١٠٥		
رعد ١٣	٨ / ٣٨	٢٧	٣٠
بنی اسرائیل ١٧	١	٩١	٩٢
طه ٢٠	١٣٣		
انبیاء ٢١	١٥		
عنکبوت ٢٩	من ٤٩	الی ٥١	
سجده ٣٢	١٥		
احزاب ٣٣	٩		
مؤمن ٤٠	ص ٣٧		
شوری ٤٢	٣٣		
دخان ٤٤	١٧	٣٨	٣٩
	فصل بیست و سیم		
	در ذکر موت هفت آیه		
آل عمران ٣	١٣٧		
نساء ٤	ص ٨٠		
انبیاء ٢١	٣٥	٣٤	
جمعه ٦٢	٨		

سور	آیات		
ملک ٦٧	٢		
حاقه ٦٩	٨		
	فصل بیست و چهارم		
	در آیات عبرت و نشان دیدن هفت آیه		
شعراء ٢٦	٢١٣		
عنکبوت ٢٩	ص ٦٩		
ق ٥٠	٤٤	٤٥	
نصر ١١٠	١	٢	٣
	فصل بیست و پنجم		
	امر خدا بر رسول در همه		
	به دعوت یک آیه		
نحل ١٦	١٢٩		
	فصل بیست و ششم		
	ذکر تعصب در دین دو آیه		
آل عمران ٣	ص ٦٩		
توبه ٩	١١٥		
	فصل بیست و هفتم		
	در گذشتن بکرد از کفار که		
	نبودن در سلام ...		
بقره ٢	١٨٩		
آل عمران ٣	٧٩		
نساء ٤	٩١		
مائده ٥	٣٧	٣٨	٥٦
انفال ٨	من ٥٧	الی ٥٩	٤٠
توبه ٩	٥ / ٢٩	٢٣ / ٧٤	٢٤ / ١١٣
	١١٥	١٢٤	
قصص ٢٨	ذ ٨٦		
محمد ٤٧	٤	٩	
مجادله ٥٨	٢٢	٦	
ممتحنه ٦٠	١ / ١٣	٢	٣
تحریم ٦٦	ص ٩		
ملک ٦٧	٨	٩	
نوح ٧١	٢٧	٢٨	
	فصل بیست و هشتم		
	در مسابا اهل کتاب و آزبا		

و اگر همه لا تفعل برآید نکند و اگر دو تا لا تفعل باشد خلاف کردن اولی است و اگر جای کل را زد مترجم گوید که از این محوای فصل چنین ظاهر میشود که این نماز و دعا از برای مطلق طلب خیر است بدون آنکه عمل با آن باشد از آن عمل که سید از بعض مشایخ نقل کرده است و جز آن نیست و در روایت دیگر بدیاء ام پس بهتر آنست که بخوا اول بعمل آورند و اگر خواهند ایند عا را نیز بخوانند چهارم آنست که باز سید طاب ثراه در فتح الابواب گفته است که بسند معتبر است از بعضی علماء استخاره که در دو رقعه بنویسند بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر بنویسند بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لا تفعل و رقعها را در زیر سجاده بگذارد و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از سوره فاتحة الکتاب سه مرتبه قل هو الله احد بخوان پس سه بار بگو اللهم انی استخیرک بعلمک ... خیر در عاقبت ... پس سجده برو و صد مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس ... برداریم ...

بیرون آورد اگر افعل سه تا باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در ترک آنست ان شاء الله پنجم آنست که
باز سید رضی الله عنه از شیخ ابو الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است در او بسند خود از هرون بن حماد دعایی نقل کرده است

که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه امری را اراده کنی شش دفعه بگیر و بر سه دفعه بنویس خیرة من الله العزیز الحکیم و بر سه دفعه بگیر
العلی الکریم لفلان بن فلان نفعل کذا ان شاء الله و نام خود را و پدر خود را و آنکاری که میخواهی بکنی بنویس و در سه دفعه دیگر بنویس بسم
الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان لا تفعل کذا ان شاء الله و چهار رکعت نماز بکن و در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره

سه مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند یعنی بعد از حمد و دعتهارا در زیر سجاده خود بگذارد پس بیند عارا بخواند بقدرتک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب اللهم انک و لا شیء اعظم منک صل علی آدم صفوتک و محمد خیرتک و اهل بیته الطاهرین و من بینهم من نبی و صدیق و شهید و عبد صالح و ولی مخلص و ملائکتک اجمعین و ان کان ما عزمت علیه من الدخول فی سفری الی بلد کذا و کذا خیرة لی فی البدن و العافیة و رزق تیسر لی منه فسهله و لا تعسره و خر لی فیه و ان کان غیر ذلک فصرفه عنی و بدلنی منه ما هو خیر منه برحمتک یا ارحم الراحمین پس هفتاد مرتبه بگوید خیرة من الله العلی الکریم پس بسجده برود و روی خود بر خاک بگذارد و حاجت خود را از خدا بطلبد و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از آن دعتها را بیرون آورد و بنحویکه در روایت اول مذکور شد مؤلف گوید که این دعا در خصوص از سفر است و اگر اراده امر دیگر داشته باشد باید که بجای من الدخول

سور	آیات		
	عقاید پنجاه و یک آیه		
بقره ۲	۵۹، ص ۲۵۷	۷۶	۱۳۳
آل عمران ۳	۱۸، ذ ۶۶	۱۹، ۱۰۹	۵۷، ۱۱۰
	۱۹۸	۱۹۹	
نساء ۴	ذ ۱۶۰		
مائده ۵	۷۳، ۵۳	۴۸	من ۵۰ الی ۵۲
انعام ۶	۵۲، ۶۸	۵۳، ۱۰۸	۵۷
اعراف ۷	۸۵		
یونس ۱۰	۹۹	۱۰۰	
طه ۲۰	۱۳۰		
حج ۲۲	و ۴۱	من ۵۵	الی ۵۸
فرقان ۲۵	۶۳		
عنکبوت ۲۹	۴۵		
لقمان ۳۱	۱۴		
احزاب ۳۳	۴۷		
زمر ۳۹	۳		
شوری ۴۲	ذ ۱۴		
جاثیه ۴۵	۱۳		
احقاف ۴۶	۱۲	۱۳	
واقعه ۵۶	۱۳	۱۴	
مزمل ۷۳	۱۰		
کافرون ۱۰۹	من ۱	الی ۶	
	فصل بیست و نهم		
	در نماز و مبادرت در امر دین		
	بطریق خشوع هشت آیه		
انعام ۶	ذ ۱۶۲		
نحل ۱۶	۱۲۵		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
کهف ۱۸	ذ ۵۲		
عنکبوت ۲۹	۴۵		
زخرف ۴۳	۵۷	۵۸	۵۹
	فصل سی ام		
	در فرق متفرقه از		
	صاحبان ادیان		
	مختلفه سی و دو آیه		

سور	آیات		
بقره ۲	۲۵۴		
آل عمران ۳	۵، ۱۹	ص ۱۷، ۶۶	۱۸، ۷۲
	۱۰۱		
نساء ۴	۱۴۹	ص ۱۵	
انعام ۶	۱۱۳	ذ ۱۱۲	۱۶۰
حجر ۱۵	من ۹۰	الی ۹۳	
انبیاء ۲۱	۹۳		
شوری ۴۲	۱۱	ص ۱۳	
مؤمنون ۲۳	من ۵۵	الی ۶۳	
روم ۳۰	۳۰	۳۱	
بینه ۹۸	۳		
	فصل بیست و یکم		
	در عقاید سخیفه سه آیه		
بقره ۲	من ۱۷۲	ذ ۱۸۵	
مائده ۵	۱۰۳		
	فصل بیست و دوم		
	در حیوانات و فوائد آنها		
	از قبیل نحم و تسخیر و شیر و ... و غیر آنها بیست آیه		
نساء ۴	ص ۱۱۸		
انعام ۶	۳۸	۱۴۳	
نحل ۱۶	من ۵، ذ ۷۱	الی ۸، ۸۲	۸۱، ۸۲
حج ۲۲	ذ ۲۹		
مؤمنون ۲۳	۲۱	۲۲	
یس ۳۶	من ۷۱	الی ۷۳	
مؤمن ۴۰	۷۹	۸۰	
زخرف ۴۳	۱۱		
	باب دهم		
	مشتمل بر شانزده فصل در عقاید		
	فصل اول		
	در الحاد و اشکال تمرد بر خدا		
	اینجا ذکر ...		
	مکلفین بیست و شش آیه		
بقره ۲	ص ۱، ذ ۸۱	ص ۳، ۱۱۳	۲۰۹
نساء ۴	من ۱۴۲	الی ۱۴۳	

سور	آیات		
انعام ۶	من ۷، ۹۱	الی ۹، ۹۳	۹۱
یونس ۱۰	ص ۴۶		
یوسف ۱۲	۱۰۹		
رعد ۱۳	ذ ۸	ذ ۳۸	
بنی اسرائیل ۱۷	۹۷		
انبیاء ۲۱	۲		
لقمان ۳۱	۲۶		
مؤمن ۴۰	۷۲		
شوری ۴۲	۵۰	۵۱	
لیل ۹۲	من ۱۴	الی ۱۵	
	فصل دویم		
	در کار اصلی اول و اصل		
	مشتمل بر دو مطلب		
	مطلب اول		
	ذکر هبوط آدم در سه آیه		
بقره ۲	من ۳۳	الی ۳۵	
اعراف ۷	من ۱۸	الی ۲۴	
طه ۲۰	ذ ۱۱۴	من ۱۱۵	الی ۱۲۳
	مطلب دویم		
	ذکر خلود آدم از کاهست		
بقره ۲	۳۶	۳۷	
طه ۲۰	ذ ۱۱۹	من ۱۲۰	الی ۱۲۳
	فصل سیم		
	در اصطفا و اختیار عده		
	از ذریه زادن چهار آیه		
اعراف ۷	۱۷۷	۱۷۸	
نحل ۱۶	۳۸		
سجده ۳۲	۱۳		
	فصل چهارم		
	در دنیا و تعب مجازات		
	هشتصد و پنجاه و یک آیه		
بقره ۲	۴۵، ذ ۱۶۰	۱۰۷، ۱۶۱	۱۱۷، ۱۶۲
	۲۴۴، ۲۸۱	۲۵۵	ذ ۲۶۱
آل عمران ۳	۷، ۲۹	۸، ۱۰۲	۲۴، ۱۰۳
	۱۵۶، ۱۹۲	۱۵۷	۱۸۲

فی سفری الی بلد کذا و کذا آن حاجت را ذکر کند و اگر اراده سفر باشد بجای الی بلد کذا و کذا اسم آن شهری که اراده دارد ذکر
کند و بهر تقدیر عمل بروایت اول بهتر است و اگر خواهد آیه عار را نیز اضافه کند و بدانکه سید بن طاوس رضی الله عنه چون استخاره

بهترین استخارات میداند و مدارس بر عمل بر این استخاره بوده است چند مرتبه در این استخاره نقل کرده اول انکه بعضی از ارباب
مناصب دنیویه مرا طلبید و من در جانب عربی بغداد بوده و بیست روز در انجا مانده و هر روز استخاره کردم که او را ملاقات کنم
و همه استخارها با سنه لا تفعل متوالی امد یا در چهار رقعه سنه لا تفعل امد و ظاهر شد که خیر من در ندیدن او بوده است و چنین اتفاقی

نمیباشد مگر از جانب
خداوندی که عالم
بالخفیات است دوم
انکه در ایامی که در
دار السلام بغداد
اقامت داشتم و اراده
شهر حله شد و بعضی
از اقارب من تکلیف
نمود مرا که بدیدن
یکی از حکام حله بروم
و چنان اتفاق افتاد
که بنگاه در حله ماندم
و هر روز که اراده
ملاقات او میکردم
در اول روز و اخر
روز استخاره میکردم
برای دیدن او در همه
استخارات لا تفعل
میامد تا انکه پنجاه
استخاره در عرض ان
مدت کردم و در همه
سه لا تفعل بیرون امد
و معلوم شد که خیر من
در ان بود و عقل از
میکند این را که پنجاه
استخاره کسی برای یک
مطلب بکند بر سبیل
اتفاق بدون اراده
قادر علی الاطلاق هم
بد بنا بد سیم انکه تا
حال که قریب به این
پنجاه و سه سال از عمر
من گذشته است در
حقیقت این استخاره به
من ظاهر شده است
پیوسته در امور خود
استخاره کرده ام
در همه انها خیر خود
در ان یافتم مؤلف
گوید که فقیر نیز در
انواع استخارات تجربها
کرده ام و از جمعی از
برادران و صلحای
خویشان و اشنایان
... از این باب امور
غریبه شنیده خصوصا

سور	آیات		
نساء ۴	۸۵		
انعام ۶	۱۲۵ ذ / ۵۱	۳۸ ذ / ۸۰	۳۸ ذ / ۱۳۸
	من ۱۳۰	الی ۱۳۴	
اعراف ۷	۵ / ۹	۶ / ۵۵	۸ / ۷
یونس ۱۰	من ۴۹	الی ۵۵	
هود ۱۱	من ۱۰۳	الی ۱۰۷	
رعد ۱۳	۲	۵	۶
ابرهیم ۱۴	من ۲۴	الی ۲۷	من ۳۳ الی ۴۲
نحل ۱۶	۴۰ / ۸۹	۴۱ / ۸۷	۷۹ / ۱۱۲
بنی اسرائیل ۱۷	من ۵۲	۱۴ / الی ۵۴	۱۵ / ۷۳
	۷۴	من ۹۹	الی ۱۰۱
کهف ۱۸	۴۵ / ۹۹	۴۶ / ۱۰۰	۴۷ / ۱۰۱
مریم ۱۹	من ۳۷	الی ۴۱	۵۷
	۴۸	۶۹	من ۹۳ الی ۹۶
طه ۲۰	من ۱۰۲	الی ۱۱۰	
انبیاء ۲۱	۱ / ۳۰	۲ / ۳۱	۳۹ / ۴۸
	۱۰۴		
حج ۲۲	من ۱ / من ۴۶	الی ۷ / الی ۵۰	۱۷
مؤمنون ۲۳	۱۵ / ۳۸	۱۶ / ۳۹	۳۷ / ۴۰
	۴۱ / ۴۴	۴۲ / من ۸۰	۴۳ / الی ۹۲
	من ۱۰۳	الی ۱۱۷	
فرقان ۲۵	من ۱۸	الی ۳۱	
نمل ۲۷	من ۶۹	الی ۷۴	من ۸۴ الی ۹۲
قصص ۲۸	من ۶۲	الی ۷۴	
روم ۳۰	من ۱۱	الی ۱۵	۴۹
	من ۵۴	الی ۶۰	
لقمان ۳۱	۳۲	۳۴	۴۷
سجده ۳۲	من ۹	الی ۱۲	۱۴
	من ۲۵	الی ۳۰	
احزاب ۳۳	۴۳		
سبا ۳۴	من ۳ / ۲۸	الی ۵ / ۲۹	من ۷ الی ۹
فاطر ۳۵	۱۰	۴۵	
یس ۳۶	من ۶۰	الی ۶۸	من ۷۸ الی ۸۳
صافات ۳۷	من ۱۱	الی ۳۱	
زمر ۳۹	ذ ۶۷	من ۶۹	الی ۷۳

سور	آیات		
مؤمن ۴۰	۱۰	۱۱	من ۱۸
	الی ۱۹	۵۱	۵۲
فصلت ۴۱	من ۱۸	الی ۲۲	
شوری ۴۲	ذ ۱۵ / ۴۵	۱۷	۲۱
زخرف ۴۳	۱۰	من ۶۵	الی ۶۸
دخان ۴۴	من ۹	الی ۱۵	من ۳۳
	الی ۳۷	من ۴۰	الی ۴۲
جاثیه ۴۵	من ۲۳	الی ۳۵	
احقاف ۴۶	۳۲	۳۳	۳۵
ق ۵۰	من ۱۲	الی ۱۵ / من ۱۹	۳۰ / الی ۳۵
ذاریات ۵۱	من ۱	الی ۱۴	
طور ۵۲	من ۱	الی ۱۳	
نجم ۵۳	من ۵۸	الی ۶۲	
قمر ۵۴	من ۱	الی ۱۱	
	من ۴۱	الی ۴۸	
رحمن ۵۵	من ۳۱	الی ۴۰	
واقعه ۵۶	من ۱ / الی ۳۱	الی ۱۱ / من ۸۷	من ۵۷ / الی ۹۶
ممتحنه ۶۰	۳		
تغابن ۶۴	۷	۹	
قلم ۶۸	من ۳۵	الی ۴۲	ص ۴۴
حاقه ۶۹	من ۱۳	الی ۳۷	
معارج ۷۰	من ۱	الی ۱۸	
مزمل ۷۳	۱۴	من ۱۷	الی ۱۹
مدثر ۷۴	من ۱	الی ۳۶	من ۴۱ الی ۴۸
قیامه ۷۵	من ۱	الی ۱۵	من ۲۲ الی ۳۰
مرسلات ۷۷	من ۱	الی ۵۰	
نباء ۷۸	من ۱	الی ۵	من ۱۷
	الی ۳۰	من ۳۸	الی ۴۰
نازعات ۷۹	من ۱	الی ۱۴	ذ ۳۴
	من ۳۵	الی ۴۶	
عبس ۸۰	من ۳۳	الی ۴۲	
تکویر ۸۱	من ۱	الی ۱۴	
انفطار ۸۲	من ۱	الی ۱۹	
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۳۱	
انشقاق ۸۴	من ۱	الی ۲۵	

سور	آیات		
غاشیه ۸۸	من ۱	الی ۱۱	من ۱۷ الی ۲۶
فجر ۸۹	من ۲۲	الی ۳۰	
زلزال ۹۹	من ۱	الی ۸	
عادیات ۱۰۰	من ۱	الی ۱۱	
قارعه ۱۰۱	من ۱	الی ۸	
تکاثر ۱۰۲	من ۱	الی ۸	
	فصل پنجم		
	ذکر جهنم و صفتها نجانا الله منها		
بقره ۲	۲۱	۲۲	
آل عمران ۳	۱۰		
نساء ۴	۵۹		
اعراف ۷	۳۴	من ۳۸	الی ۴۱
انفال ۸	۳۷	۳۸	
توبه ۹	۳۴	۳۵	
ابرهیم ۱۴	۱۹	۲۰	
حجر ۱۵	۴۳	۴۴	
طه ۲۰	۱۲۷		
انبیاء ۲۱	من ۹۸	الی ۱۰۰	
حج ۲۲	من ۲۰	الی ۲۲	
فرقان ۲۵	من ۱۳	الی ۱۵	۳۴
سجده ۳۲	۲۰		
فاطر ۳۵	من ۳۳	الی ۳۵	
صافات ۳۷	من ۶۰	الی ۶۸	
ص ۳۸	ذ ۵۵	من ۵۶	الی ۶۴
زمر ۳۹	۱۸ / ۴۸	۳۵ / ۴۹	۳۶ / ۵۱
	۷۱	۷۲	
مؤمن ۴۰	۵۲	۵۳	من ۷۳ الی ۷۶
شوری ۴۲	ذ ۴۲	۴۳	۴۴
محمد ۴۷	ذ ۱۷		
طور ۵۲	من ۱۱	الی ۱۶	
رحمن ۵۵	۳۷ / ۴۳	۳۹ / ۴۴	۴۱
واقعه ۵۶	من ۴۱	الی ۵۶	
تحریم ۶۶	۶	۷	
ملک ۶۷	من ۸	الی ۱۱	
مدثر ۷۴	من ۲۶	الی ۳۰	

در این استخاره و استخاره بمصحف مجید والله الموفق مفتاح هفتم در بیان استخاره برقاع است بر خلاف طریق مشهور و ان چند قسم
است اول انست شیخ طبرسی رحمة الله علیه در مکارم الاخلاق از عبد الرحمن بن سینا بر روایت کرده است که در رسالی رفتم بمکه معظمه و با خود

متاعی برده بود ... بود ... ولیکن ... برسند که ... که شاعر ... بفرستد و یکوفه
برمکردان و بعضی گفتند که ... بفرستد ... نظم ... بعد از آنکه ... مراجعت کرده بودیم و احوال
خود را عرض کرده و پرسیدیم ... فرمود که ... میان ... و تفویض کن امر خود را و آنم هر شهر که
برون اید متاع ... (حص ۱۷)

سور	آیات		
دهر ۷۶	۴		
نباء ۷۸	من ۲۱	الی ۳۰	
همزه ۱۰۴	من ۱	الی ۹	
فصل ششم			
ذکر کسیکه کار دنیا ...			
ال عمران	۱۰۳		
فصل هفتم			
ذکر بهشت و ...			
بقره ۲	۲۳		
ال عمران	ذ ۱۳۳	۱۹۷	
نساء	۶۰	ص ۱۲۱	
مائده	۸۸		
اعراف	من ۴۰	الی ۴۳	
انفال	ذ ۴		
توبه	۷۲		
یونس	من ۹	الی ۱۱	
رعد ۱۳	من ۲۰	الی ۲۴	
ابرهیم	۲۸		
حجر ۱۵	ذ ۴۵	من ۴۹	الی ۵۰
نحل ۱۶	من ۳۲	الی ۳۴	
کهف ۱۸	۳۰		
مریم ۱۹	من ۶۰	الی ۶۳	
انبیاء ۲۱	من ۱۰۱	الی ۱۰۳	
حج ۲۲	۱۴	ذ ۲۳	۲۴
مؤمنون ۲۳	من ۸	الی ۱۱	
فرقان ۲۵	۱۵	۱۶	۲۴
عنکبوت ۲۹	۵۸		
روم ۳۰	۱۴		
لقمان ۳۱	۷	۸	
فاطر ۳۵	من ۳۰	الی ۳۳	
یس ۳۶	من ۵۵	۵۸	
صافات ۳۷	ذ ۳۹	من ۴۰	الی ۴۹
ص ۳۸	ذ ۴۹ ص ۵۰	من ۵۰	الی ۵۴
زمر ۳۹	۲۰ ۲۱	ذ ۷۳	۷۴
فصلت ۴۱	ذ ۳۰	۳۱	۳۲

سور	آیات		
زخرف ۴۳	من ۶۹	الی ۷۳	
دخان ۴۴	من ۵۱	الی ۵۷	
محمد ۴۷	من ۱۵	الی ۱۸	
ق ۵۰	من ۳۱	الی ۳۴	
طور ۵۲	من ۱۷	الی ۲۸	
قمر ۵۴	۵۴	۵۵	
رحمن ۵۵	من ۴۶	الی ۷۸	
واقعه ۵۶	من ۱	الی ۴۰	
دهر ۷۶	من ۵	الی ۲۲	
نباء ۷۸	من ۳۱	الی ۳۶	
مطففین ۸۳	من ۲۲	الی ۳۶	
بروج ۸۵	۱۱		
غاشیه ۸۸	۱	۲	من ۸ الی ۱۶
فصل هشتم			
مخلدین در آتش و ... جاوید			
بقره ۲	من ۲۴	الی ۲۵	[illegible]
ال عمران	ذ ۲۳۳		
انعام	۱۲۸		
هود ۱۱	من ۱۰۸	الی ۱۱۰	
لقمان ۳۱	۷	۸	
احزاب ۳۳	۶۴	۶۵	
فصلت ۴۱	۲۸	۲۹	
زخرف ۴۳	من ۷۴	الی ۷۸	
فصل نهم			
در بزرگی و اعراف ...			
ال عمران	۲۲	۲۳	
اعراف ۷	من ۴۴	الی ۴۷	
زمر ۳۹	۳۰		
فصل دهم			
در اجتناب از کبائر و ...			
موجب مغفرت ...			
بقره ۲	۲۰۵	ذ ۲۸۵	
نساء ۴	۲۵		
انعام ۶	۱۲۰		
مؤمنون ۲۳	۱۱۸		

سور	آیات		
مؤمن ۴۰	۱	۲	ذ ۵۷
فتح ۴۸	من ۱	الی ۵	
مجید	ص ۳۳		
حدید ۵۷	۲۸		
بروج ۸۵	۱۰		
فصل یازدهم			
در دوستی و ...			
انعام	۱۱۱	۱۱۲	۱۲۱
انفال ۸	۲۵	۲۸	
مؤمنون ۲۳	۹۹	۱۰۰	
فصلت ۴۱	۳۶		
فصل دوازدهم			
در اجر و ثواب ...			
انعام	۱۵۱	۱۵۴	
طه	من ۷۵	الی ۷۶	
حج ۲۲	۴۹	۵۰	
مؤمن ۴۰	۶۰		
بلد ۹۰	من ۱۸	الی ۲۰	
شمس ۹۱	من ۱	الی ۱۰	
فصل سیزدهم			
در بندهای توبه ... هفت			
بقره ۲	۱۵۵		
ال عمران ۳	من ۸۰ ۱۳۰	الی ۱۳۵	۱۳۹
نساء	۲۱ ۱۱۰	۲۲	۳۱
مائده ۵	۴۳	ذ ۴۴	
انعام ۶	۵۴		
اعراف ۷	ص ۱۵۳		
توبه ۹	۱۰۵	۱۱۳	
هود ۱۱		من ۳	الی ۷
نحل ۱۶	۱۲۰		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۷		
مریم ۱۹	۱۹	ذ ۱۰۱	
فرقان ۲۵	ذ ۷۰	۷۱	
زمر ۳۹	من ۵۵	الی ۶۰	
شوری ۴۲	۲۴		

را بانجا بفرست گفتم
فدای تو شوم چگونه
قرعه بزنم فرمود که
دو رکعت نماز بگذار
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انت الله لا
اله الا انت عالم
الغیب و الشهادة
... انا
...
ای الامرین خیر ...
... علیک
فیه و اعمل به ... پس
... الله پس
در رقعه دیگر همان
دعا ...
... الله پس
در رقعه ...
همان دعا ...
پس ... بخش
... و لا ...
... منهما ...
کم متاع ...
در آن ...
... جمع کن
یکی از برادران
مؤمن خود بده که در
جای پنهان کند تا ان
... دست خود در
داخل کن در انجا ...
... از رقعه ...
... بیرون
... بخدا ...
... کن ... دران ...
... عمل کن ...
... بود ...
و ... بن علی ...
... از عبد
الرحیم ... کرده
است ... کسی
...
اعتبار ...
از ذات الرقاع ...
...
که عموما احادیث

قرعه شامل این ... باشد زیرا که احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت و وارد شده است که ... کر
امر خود بخدا تفویض کند البته ... ابد ... امر یک رابها در آن مختلف شده باشد ... رضی الله عنه از

سوره تحریم

حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما روایت کرده است که کسی که خواهد ستاره بمساعده بکند یعنی بقرعه در بیمه رقعه اینند عارا بنویسند اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة ... انت تحکم بین عبادك فیما كانوا فیه یختلفون اسألك بحق محمد وال محمد ان تصلی علی محمد وال محمد وان تخرج لی خیر السهمین فی دینی ودنیای وعاقبة امری وعاجله واجله انك على كل شئ قدير ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله و صلى الله على محمد و اله الدین مطلب خود را در رقعه بنویسند اگر دو شق باشد اگر نه یکی را اگر زن و یکی را اگر زن بنویسند و در سیم بنویسند عمل بر دستکند و یکی را بیرون آورد و اگر یکی از آن دو رقعه بیرون آید بر آن عمل نماید و دیگری را بیرون آورد و بآن عمل کند مفتاح هشتم در استخاره بنادقی است و آن بچند طریق منقول است اول آنکه سید رضی الله عنه در فتح الابواب و ابن العکبری رحمه الله در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد بن محمد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون رود پس گفت بیرون نمی روم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و بر او سلام کنم و در کار خود از آنحضرت مشورت کنم و استدعای دعا از آنحضرت بکنم پس بخدمت آنجناب رفت و عرض کرد که من اراده دارم که برای تجارت بیرون روم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما برسم و با شما مشورت کنم و طلب دعا از حضرت نمایم پس آنحضرت برای او دعا کردند و فرمودند که برو باد براستگویی و عیب متاع خود را در تجارت پنهان مکن و کسی را که امید و اراده خود کرده باشی مغبون مکن که آن کار بدتری مانند سود کردن است و از برای مرده میپسند مگر چیزی را که از برای خود میپسندی

سور	آیات		
تحریم	۸		
بروج	۱۰		
فصل چهاردهم			
در عفو و غفران شیعه			
نساء	ذ ۴۷		
حج	۴۹		
محمد	۳۱		
فصل پانزدهم			
در شفاعت شیعه آید			
بقره	ذ ۲۵۵		
نساء	۸۷		
یونس	د ۳		
مریم	من ۸۸	الی ۹۰	
طه	۱۰۸		
انبیاء	۲۸	۲۹	
سبا	ص ۲۳		
مؤمن	۱۹		
زخرف	۸۵		
انفطار	۱۹		
فصل شانزدهم			
در اعتقاد بروز رجعت			
و قیام دولت حقه شیعه			
انبیاء	۱۰۵	۱۰۵	
سجده	۴		
باب یازدهم			
در فرایض عبادات			
مشتمل بر هفت فصل			
فصل اول			
در شعار اسلام			
بقره	۱۳۱	۱۳۲	
فصل دویم			
در صلوة و دعا			
فاتحه	من ۱	الی ۷	
بقره	۳۵ ۲۳۴	من ۴۰ ۱۰۹	الی ۴۳ ص ع ۱۳
	من ۲۳۸ الی ۱۷۴	الی ۱۵۰ ۱۸۲	۱۴۳ ۲۳۹

سور	آیات		
آل عمران	۵	ذ ۲۵	۲۵
	ذ ۱۸۸	من ۱۸۹	الی ۱۹۳
نساء	۴۵ ۱۰۴	۱۰۳	ص ۱۰۳
مائده	۸		
اعراف	۵۳	۲۰۴	
انفال	۳		
هود	۱۱۵		
ابرهیم	۳۵		
بنی اسرائیل	من ۸۰	الی ۸۳	۱۱۰
طه	۵	ذ ۱۳۰	۱۳۲
حج	ذ ۳۵	د ۳۶	۴۲
مؤمنون	۱	۳	۱۱۸
فرقان	من ۶۳	الی ۷۵	
شعراء	من ۸۳	الی ۸۹	
عنکبوت	د ۴۶		
روم	ص ۱۶	۱۷	
لقمان	۳	۴	
سجده	۱۵	۱۶	
احزاب	۴۱		
یس	من ۱	الی ۱۳	
ق	ذ ۳۸	۳۹	
ذاریات	من ۱۵	الی ۱۸	
طور	۴۸	۴۹	
ممتحنه	۴	۵	
جمعه	۹	۱۰	
معارج	۲۳	۳۴	
مدثر	۴۴		
دهر	۲۵	۲۶	
ماعون	من ۴	الی ۷	
فلق	من ۱	الی ۵	
ناس	من ۱	الی ۶	
فصل سیم			
در زکوة و انفاق و دیگر			
بقره	۴۰	ذ ۱۰۴	۱۷۲
	۲۱۱	۲۵۵	من ۲۵۵ الی ۲۷۴

سور	آیات		
ایضا بقره	۲۴۹	۲۷۰	من ۲۷۳ الی ۲۷۵
آل عمران	۸۴	ص ۱۳۴	
نساء	ص ۳۹		
اعراف	۱۵۵		
انفال	۳		
توبه	۶۰ ۸۱	۶۸ ۱۰۰	۸۰
رعد	۲۲	ص ۲۳	
ابرهیم	ص ۳۱		
بنی اسرائیل	۳۰		
حج	ذ ۳۵	ذ ۳۶	ص ۴۱
مؤمنون	۱	۴	۶۲
فرقان	۶۷		
روم	۳۸		
لقمان	من ۱	الی ۴	
سجده	۱۶		
سبا	ذ ۳۹		
فاطر	ص ۲۹		
یس	۴۷		
ذاریات	۱۹		
حدید	۷	۱۷	
مجادله	۱۳	۱۴	
منافقون	۱۰	۱۱	
تغابن	ذ ۱۶	۱۷	۱۸
حاقه	۳۰	۳۱	۳۴
معارج	۲۴	۲۵	
ضحی	۱۰	۱۱	
ماعون	۷		
فصل چهارم			
در غسل و وضوء و تیمم مشتمل بر چهار			
نساء	ص ۴۳		
مائده	۸	۹	۱۰
فصل پنجم			
در غذا و حلیت و حرمت آن			
بقره	ص ۱۶۳	ص ۱۶۷	۱۶۸
آل عمران	۸۷	ص ۹۳	

وحق بله وحق نکیر و منکر دانده ده ناك مباش از کی رزنتی بدر ستیکه ناجر ا سنکو با ملائکه کرامی نزد پروردکار در قیامت محشور میشود و اجساد ازسوکند یاد کردن درخرید و فروش زیرا که سوکند دروغ صاحبش را بآتش جهنم میبرد و هر تاجر بدکردار نا جر است مکر آنکه زیاده از حق خود نکیرد و حق مردم را تمام بدهد . و هر کاه عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اهتمام بشان ان

داشته باشی دعا بسیار بکن و استخاره بکن بدرستیکه خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله استخاره را با صحابه خود تعلیم میکرد چنانکه سوره قرآن را و ما استخاره را بعمل می آوردیم هر وقتیکه اراده میکنیم امری را و رقعه چند برای استخاره میکیریم و موافق آنچه بیرون می آید عمل میکنیم خواه موافق هوای ما باشد و خواه نباشد پس انمر ذکر کفتای موکی مر استخاره را بمن تعلیم نما که چکونه بعمل آورم فرمود که چون اراده استخاره نمائی وضوی کامل بساز یعنی یاد و ادعیه مستحبه در وضو بخوان و در رکعت اول ... در دویم ... بعد از سلام ... دست بهوی خود بلند ... در رکوع کاشف ... اللهم ... منهم العبد ... بالنعمة قبل ... فیها ... الخلق الیه ... ومورهم ... امرت العباد ... الاجابة ... علی محمد ... فی کل ... فرج ... کربتی ...

سور	آيات		
نساء	۱۵۸		
مائده ۵	من ۱	من ۴	من ۶ الی ۷
	۸۹ ۹۷	۹۰	۹۴
انعام	۱۱۸ ۱۴۱	۱۱۹ من ۱۴۳	۱۲۱ الی ۱۴۷
	۱۵۱		
یونس ۱۰	۶۰		
نحل ۱۶	۶۸ ۱۱۶	۶۹	۱۱۵
حج ۲۲	۲۹ ذ	۳۱ و	
	فصل ششم		
	در صوم چهار آیه		
بقره ۲	من ۱۷۹	الی ۱۸۳	
	فصل هفتم		
	در جمعه و شنبه که نهان		
	ایام متبرکه شمرده شده		
نحل ۱۶	۱۲۵		
جمعه ۶۲	۹	۱۰	
	فصل هشتم		
	در ذکر جهاد دو آیه		
اعراف ۷	من ۲۹		
حجرات ۴۹	ص ۱۸		
	فصل نهم		
	در ذکر مکه معظمه ... آیه		
بقره	۱۴۴ ۱۹۲	۱۴۵	۱۵۳
انفال	۳۴	۳۵	آل عمران ۹۶
حج ۲۲	من ۲۵	الی ۲۸	...
قصص ۲۸	من ۵۷	الی ...	...
	فصل دهم		
	در ذکر کعبه پنج آیه		
بقره ۲	۱۱۹		
آل عمران ۳	۹۰	۹۱	
مائده	۹۸		
حج ۲۲	۲۶		
	فصل یازدهم		
	در ذکر حج ... آیه		
بقره ۲	من ۱۵۳ الی ۱۹۹	۱۸۵	من ۱۹۲ الی ۱۹۶

سور	آيات		
مائده	من ۹۵	من ۲ الی ۹۷	من ۲
حج ۲۲	۲۵ ۳۰ ذ	۳۶	۲۸
	فصل دوازدهم		
	در ذکر بازکشت از		
	عرفات بمشعر یك آیه		
بقره ۲	۱۹۵		
	فصل سیزدهم		
	در ذکر قربانی حج هشت آیه		
مائده	من ۲	۹۸	
حج ۲۲	۳۳ ۳۸	۳۴	۳۷
کوثر	۱	۲	
	فصل چهاردهم		
	در ذکر امکنه و ایام عبادت		
	و قربانی ... چهار آیه		
حج ۲۲	۲۹ و	۲۹	ص ۶۹
	فصل پانزدهم		
	در ... چهار ...		
بقره ۲	۱۸۳		
آل عمران	۲۹		۸۵
مجادله ۵۸	۸		
	فصل شانزدهم		
	در ذکر احبار و ... چهار آیه		
مائده	۶۸	۸۵	
توبه	۳۴		
سجده ۳۲	۲۴		
	فصل هفدهم		
	در ذم احبار یهود و نصاری		
	رهبانان هفت آیه		
مائده	۸۵		
توبه	۳۱	۳۴	
نور	من ۳۶	الی ۳۸	
جاثیه ۴۵	۲۷		

سور	آيات		
	باب دوازدهم		
	در شریعت مشتمل بر سه فصل		
	فصل اول		
	در ... احکام شرع		
	بدعت اختیار و انتخاب ...		
احزاب ۳۳	۳۶		
	فصل دوم		
	در قصاص هفت آیه		
بقره ۲	من ۱۷۳	الی ۱۷۵	۱۰۹ و
مائده	من ۴۵	۴۹	
نحل	۱۲۷		
	فصل سیم		
	در موقع عفو و ...		
	بیست و چهار آیه		
بقره ۲	۱۶۸ ۲۲۵	۱۷۸ ۲۶۹	۱۸۱ ذ ۲۷۰
آل عمران	۲۷		
نساء	۴۰	۲۶	۲۷ ذ
مائده	۵ ذ	۹۳	۹۱
انعام	۵۴ ۱۴۶	۵۵	۱۱۹
نحل	من ۱۰	۱۱۶	۱۴۰
نور ۲۴	۴	۵	۳۳ ذ
مزمل ۷۳	۲۰		
	باب سیزدهم		
	در شرایع و ضبط		
	زندکانی و اجتماع مشتمل		
	بر پنجاه و دو فصل		
	فصل اول		
	در انسان و ...		
	صد و پنجاه و هفت آیه		
بقره	من ۳۰	الی ۳۱	
نساء	ص ۱	ذ ۳۲	
انعام	ص ۹۸		
اعراف	ص ۲۸	۱۸۹	
یونس	ص ۳۰		
حجر ۱۵	من ۲۶	الی ۳۵	

... وکشف لی عن الامر ... علی وخزلی فی جمیع اموری خیره فی عافیه فانی استخیرک اللهم بعلمک واستقدرک بقدرتک وسئلک من فضلک والجاء الیک فی کل اموری وابرء من الحول والقوة الا بک واتوکل علیک واستحسبی نعم الوکیل

سوره نحل

اللهم فافتح لی ابواب رزقک وسهلها لی ویسر لی جمیع اموری فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان الامر الذی عزمت علیه واردته هو خیر لی فی دینی ودنیای ومعاشی ومعادی وعاقبة اموری فقدره لی وعجله علی وسهله ویسره وبارک لی فیه وان کنت تعلم انه غیر نافع لی فی عاجل ولا آجل بل هو شر علی فاصرفه عنی کیف شئت وانی شئت وقدر لی الخیر حیث کان واین کان ورضنی یا رب بقضائک وبارک لی فی قدرک حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تأخیر ما عجلت انک علی کل شیء قدیر وهو علیک سهل یسیر پس صلوات بفرستد بر محمد وآل محمد و نام کسی رقعه ماخوذ داشته باشی همه بیک مقدار و بلند هست رد رد و رقعه بنویسد راست بنویس اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون اللهم انک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتقضی ولا اقضی وانت علام الغیوب وصل علی محمد وآل محمد واخرج لی اکتب الشهر الیک وخیرها لی فی دینی ودنیای وعاقبة امری انک علی کل شیء قدیر وهو علیک یسیر و در پشت یکی از دو رقعه افعل بنویس و در پشت دیگری لا تفعل و در رقعه سیم از راست بنویس لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم استعصمت بالله وتوکلت علیه وهو حسبی ونعم الوکیل توکلت فی جمیع اموری علی الحی الذی لا یموت واعتصمت بذی العزة والجبروت وتحصنت بذی الحول والطول والملکوت وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین وپشت این رقعه را سفید بگذارد و چیزی بر آن ننویسد و هر سه رقعه را محکم به پیچ بر یک هیئت و یک صورت و در میان سر بنده

سور	آیات		
نحل ١٦	من ٣ الی ٦٦	الی ٨ الی ٩٠	من ١ الی ٤
		٨٢ ٨٠	٨٣
بنی اسرائیل ١٧	١٢ و ٤٠	٧٢ الی	٨٥
کهف ١٨	ذ ٥٤		
طه ٢٠	ص ١٢١		
انبیاء ٢١	ص ٣٨		
حج ٢٢	ص ٩	ص ١١	
مؤمنون ٢٣	من ١٢	الی ١٤	من ١٧ الی ٢٢
نمل ٢٧	٤٣		
عنکبوت ٢٩	٦٥		
روم ٣٠	٣٥	٤٠	ص ٥٣
لقمان ٣١	ص ١٩	و ٢٨	
سجده ٣٢	من ٦	الی ٨	
احزاب ٣٣	٧٢		
فاطر ٣٥	ص ٢٩	من ١٢ الی ١٤	ص ١٥
یس ٣٦	٧٧		
ص ٣٨	٣٣	من ٧١	الی ٧٤
زمر ٣٩	ص ٨	ص ٥	
مؤمن ٤٠	و ٥٥	ص ٦٤	
شوری ٤٢	ذ ٤٧		
جاثیه ٤٥	١١	١٢	
حجرات ٤٩	١٣		
معارج ٧٠	من ١٩	الی ٢١	
دهر ٧٦	من	الی ٣	
نبأ ٧٨	من ٦	الی ١٦	
نازعات ٧٩	من ٢٧	الی ٣٣	
عبس ٨٠	من ١٥	الی ٣٢	
طارق ٨٦	من ٥	الی ١٠	
فجر ٨٩	من ١٤	الی ١٧	
بلد ٩٠	من ١	الی ١١	
تین ٩٥	من ١	الی ٨	
عادیات ١٠٠	٦	٧	
فصل دویم			
در خصوص امثال ازدواج			
نساء ٤	ص ١١		

سور	آیات		
نور ٢٤	ص ٣١		
فصل سیم			
در بیان زنان حیض و بیج			
بقره ٢	و ٧٧ ص ٢٣٤	ص ٢٢٣ ٢٣٥	ذ ٢٢٨ ٢٣٦
	ص ٢٣٣	٢٤١	٢٢٠
آل عمران	ذ و ١٩٣		
نساء ٤	و ١ ص ١٨	و ٢٩ ٣٠	و ٣٤ ١٠٠
	١٢٣ ١٢٨	ص ١٢٦	١٢٧
انعام	و ١٥٢		
توبه	ص ٧٣		
رعد ١٣	ص ٢٢		
نحل ١٦	ص ٩٠	الی ٩٦	٩٩
بنی اسرائیل ١٧	٢٣	٢٥	
مؤمنون ٢٣	٥		
نور ٢٤	ص ٣١ و ٥٩	ص ٣٢	ص ٣٣
عنکبوت ٢٩	ص ٧		
روم ٣٠	ص ٢٠		
لقمان ٣١	١٣		
احزاب ٣٣	٣ و ٥٩	٥١	٥٥
یس ٣٦	٥٥	٥٦	
مؤمن ٤٠	٤٣		
زخرف ٤٣	١٥ ٤٩	١٦ ٧٠	ذ ١٧
احقاف ٤٦	١٤	١٥	
محمد ٤٧	ص ٢		
فتح ٤٨	ص ٦		
حدید ٥٧	١٧		
مجادله ٥٨	من ١	الی ٣	
تغابن ٦٤	١٤		
تحریم ٦٦	من	الی ١٢	
معارج ٧٠	٣٠		
قیامه ٧٥	٣٩	تکویر ٨١	[illegible]
فصل چهارم			
در بیان نکاح بیش از چهار			
بقره ٢	و ٢٢٠	ص ١٨٣ ٢٢٣	ص ١٩٣ ٢٢٨
نساء ٤	٣	ص ٢٣	[illegible]

سور	آیات		
مائده ٥	ذ ٧٠		
اعراف ٧	١٨٩	١٩٠	
هود ١١	٣ ص ٣٣	ص ٣٣	٢٥
روم ٣٠	٢٠		
احزاب ٣٣	و ٣٧		
ممتحنه ٦٠	من ١٠	الی ١٢	
فصل پنجم			
در طلاق و در کردن متعه			
مبحث اول			
در طلاقی که در باعث			
شود بینونت پنج آیه			
بقره ٢	٢٢٥ من ٢٢٩	٢٢٦ الی ٢٣١	ص ٢٢٩ ٢٣٧
	٢٣٨	٢٤٢	٢٤٣
نساء ٤	ذ ٢٣	٢٤	٢٥
احزاب ٣٣	٤٨		
مجادله ٥٨	ص ٣	ص ٥	
طلاق ٦٥	ص ١ ٥	ص ٢ ٦	ص ٤ ٧
مبحث دویم			
در طلاقی که در باعث			
شود چهار آیه			
بقره ٢	٢٢٧		
نساء ٤	ص ٣٩	١٢٧	ص ١٢٩
فصل ششم			
در منع زنا شانزده آیه			
نساء ٤	١٩	٣٠	
بنی اسرائیل ١٧	٣٤		
نور ٢٤	من ٢	الی ١٠	
فرقان ٢٥	٦٨	٦٩	
احزاب ٣٣	٣٠		
طلاق ٦٥	١		
فصل هفتم			
در نهی از معشوق بازی			
مائده ٥	ذ ٧٠		
فصل هشتم			
در صبر عزب و دوا			

بگذار از مؤمنان از کل ترك هیئت و یك ... بگو که اعتماد بر او داشته باشی از برادران مؤمن و بگو که خدا را یاد کند و صلوات بر محمد و ال او بفرستد و انها را در میان استین خود بیندازد و دست راست خود را در میان استین خود داخل کند و ان را ... حرکت دهد و یکی از انها را ... بدون انکه انها را نظر کند یکی را بخصوص تعیین کند و لیکن دستش برهنه از ص (۲۱) انها که واقع شوند بیرون اورد چون بیرون اورد تو از او بگیر و خدا را یاد کن وانرا بگشا و نوشته را بخوان و عمل کن با نچه در پشت ان نوشته شده است اگر کسی که بر او اعتماد داشته باشی حاضر نباشد خود در میان استین ببند و انچه مذکور شد بعمل اور پس اگر انچه نعم بران نوشته شده است بیرون اید التماس انکار و اگر که خیر تو در ان است انشاء الله و اگر انچه لا تفعل نوشته شده است بیرون اید زنهار ان عمل را بجا می اوری البته مخالفت این استخاره را مکن که ازار میکشی و اگر رقعه بیرون اید که بر پشتش چیزی نوشته نشده است توقف کن تا وقت نماز فریضه حاضر شود و چون دو رکعت نماز چنین که مذکور شد بکن پس نماز واجب را بکن و ان دو رکعت بعد از نماز واجب بکن اگر نماز صبح و عصر است و اگر نماز صبح باشد باید که بعد از ان تخشیش و دعا بخوان تا ... شود ... عصر ... دعا در ... دیگر دو رکعت نماز را پیش از نماز عصر بکن بعد از نماز عصر این دعا را بخوان و بدیگران عمل را اعاده کن و اگر باز رقعه نانوشته بیرون اید باز بدون فرجه دیگر همان عمل را اعاده کن تا یکی از رقعه های نوشته بیرون اید مؤلف گوید که ظاهر روایت اینکه نوشتن رقعه ها و پیچیدن ... در میان ... گذاشتن همه بعد از نماز

ص ۱۳۰

سور	ایات		
نساء ۴	۳۰		
نور ۲۴	۳۲		
	فصل نهم		
	در باب اطفال و هی		
	قتل انها هفد ایه		
بقره ۲	ص ۲۳۲		
ال عمران ۳	۸		
انعام ۶	ص ۱۴۱	ص ۱۵۲	
انفال ۸	۲۸		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۳		
کهف ۱۸	۴۶		
سبا ۳۴	۳۶		
شوری ۴۲	۴۸	۴۹	
حدید ۵۷	و ۱۹		
ممتحنه ۶۰	ص ۱۲		
منافقون ۶۳	۹		
تغابن ۶۴	۱۵		
طلاق ۶۵	ذ ۶		
	فصل دهم		
	در رضاع و ندر طفل		
	بدایه یك ایه		
بقره ۲	ذ ۲۳۳		
	فصل یازدهم		
	در باب فرزند خوانده		
احزاب ۳۳	۴	۵	ذ ۳۷
	فصل دوازدهم		
	در اینکه فرزند خوانده بنسبت		
	ولقب پدر خوانده		
	شود یك ایه		
احزاب ۳۳	ص ۵		
	فصل سیزدهم		
	در ذکر ایتام و باعث		
	در حق انها ...		
بقره ۲	ص ۲۲۰	۲۰۸	۲۱۹
نساء ۴	من ۲	الی ۱۰	ذ ۶

سور	ایات		
انعام ۶	۱۵۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۴		
فجر ۸۹	ذ ۱۵	۱۷	۱۸
بلد ۹۰	من ۱۳	الی ۱۵	
ضحی ۹۳	من	الی ۹	
ماعون ۱۰۷	۱	۲	
	فصل چهاردهم		
	در تیموم ایتام چها انند		
نساء ۴	من ۳	الی ۶	
	فصل پانزدهم		
	در حجر سفها از تصرف		
	در اموال خود شان ایه		
نساء ۴	۴		
	فصل شانزدهم		
	در باب زنا زاده و ایه		
بقره ۲	و ۷۷		
احزاب ۳۳	و ۵		
	فصل هفدهم		
	در سلوك با اسراء		
	و ممالیك اماء عبید ایه		
بقره ۲	۲۲۰		
نساء ۴	ذ ص ۲۸	ص ۲۹	ص ۳۰
مائده ۵	ص ۹۱		
توبه ۹	و ۵		
نحل ۱۶	۷۳		
مؤمنون ۲۳	۱	ذ ۶	
نور ۲۴	ذ ۳۳		
احزاب ۳۳	۵۰		
محمد ۴۷	۴	ص ۵	
مجادله ۵۸	ص ۴	ص ۵	
معارج ۷۰	ص ۳۰	ذ ۳۵	
	فصل هجدهم		
	در نکاح ... و نکاح		
	زوج انها با ...		
نور ۲۴	ص ۳۲	و ۳۳	

سور	ایات		
زخرف ۴۳	و ۳۱		
	فصل نوزدهم		
	در ارث و میراث احکام		
	انها بیست و ایه		
بقره ۲	ص ۲۳۳ ص ۲۴۰	س ۱۷۶	الی ۱۷۸
نساء ۴	من ۸	الی ۱۴	ص ۳۳ ۳۷ ۱۲۵
مائده ۵	من ۱۰۵	الی ۱۰۷	
انفال ۸	ص ۷۲	من ۷۴	الی ۷۵
	فصل بیستم		
	در اهل عیال و اقارب		
	و سلوك با ایشان بیست و هشت ایه		
بقره ۲	۲۱۱		
نساء ۴	۴۰		
انعام ۶	۱۵۲		
انفال ۸	۴۲	ص ۷۳	۷۵
رعد ۱۳	ص ۲۳	ص ۲۸	
نحل ۱۶	۹۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۴	۲۵	۲۸
فرقان ۲۵	ص ۵۴		
عنکبوت ۲۹	۷		
لقمان ۳۱	۱۳		
احزاب ۳۳	۴	و ۶	
مؤمن ۴۰	۸		
شوری ۴۲	۲۳		
احقاف ۴۶	من ۱۴	الی ۱۷	
طور ۵۲	۲۱		
مجادله ۵۸	۲		
تغابن ۶۴	۱۴	۱۵	
کوثر ۱۰۸	۳		
	فصل بیست و یکم		
	در اعزاء و نیك و بد		
	انها چهل ایه		
بقره ۲	۱۳۷		
ال عمران ۳	من ۹۸	الی ۱۰۰	ص ۱۰۵
توبه ۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خواندن دعا باشد و بریدن دفعها پیش باشد احتمال دارد که تا بندگه کردن قبل از نماز باشد و در نیت کرد اولی
باشد دو تیر انست که کلینی و شیخ و سید رضی الله عنهم و دیگران بسند مرسل از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده اند که
شخصی از اصحاب از آنحضرت پرسید که امیر را میخواهم بنا اردم و کسی نمیابم که با او مشورت کنم چگونه حضرت فرمود که با پروردگار

خود مشورت کن

سور	آیات		
رعد ۱۳	۳۰		
نحل ۱۶	۸۴	۸۵	
مریم ۱۹	۹۷	۹۸	
حج ۲۲	۷۷	۷۸	
سبا ۳۴	من ۱۴	الی ۱۸	
زخرف ۴۳	ص ۳۱	من ۲۸	الی ۳۰
فتح ۴۸	۱۱ ۱۶	۱۲	۱۵
حجرات ۴۹	۱۴	۱۷	
	فصل بیست و دوم		
	در باب علل هشت آیه		
بقره ۲	من ۲۰۹	ذه ۲۵۲	
اعراف ۷	۳۲		
یونس ۱۰	۲۰	۴۸	ذه ۵۰
حجر ۱۵	۵		
مؤمنون ۲۳	۴۵		
	فصل بیست و سیم		
	در مبایلات و مباهله		
نساء ۴	ذه ۹۱	من ۹۳	
حجرات ۴۹	۱۳		
	فصل بیست و چهارم		
	در اختلاف طبایع در جات		
	تفاوت شان در آیه		
نساء ۴	۹۷ ذه ۱۲۹	ص ۹۸	ذه ۱۳۳
انعام ۶	۱۵۵		
نحل ۱۶	۷۷	۷۸	
بنی اسرائیل ۱۷	۴۳		
انبیاء ۲۱	۷۲	۷۳	
احزاب ۳۳	۶۰	۶۷	۶۸
سبا ۳۴	۳۰	۱۰۱	من ۲
	فصل بیست و پنجم		
	در شوری و پیروی از		
	جمهور در آیه		
شوری ۴۲	من ۳۳	۳۶	
	فصل بیست و ششم		
	در شرکت و مشارکت نه آیه		

سور	آیات		
نور ۲۴	ذه ۵۰		
ص ۳۸	من ۲۰	الی ۲۲	من ۲۳
	فصل بیست و هفتم		
	در تکریر ظاهره با چهار آیه		
بقره ۲	ذه ۲۴۸		
آل عمران ۳	ذه ۳۵		
نساء ۴	۶۲	۸۵	
	فصل بیست و هشتم		
	در ظلم و جور دو آیه		
نساء ۴	۱۴۷		
شوری ۴۲	ذه ۳۸		
	فصل بیست و نهم		
	در نجوی و انفاق نجوی		
	برضد حضرت رسول دو آیه		
مجادله ۵۸	من ذه ۹	۱۱	
	فصل سی ام		
	در انفاق بر نساء و شریه آیه		
مجادله ۵۸	۱۰	۱۱	
فاطر ۳۵	ذه ۱۱		
	فصل سی و یکم		
	در جلا وطن به تبعید چهار آیه		
بقره ۲	۷۸	۷۹	
ممتحنه	۸	۹	
	فصل سی و دوم		
	در بیماری و موت و امراض ۱۲ آیه		
بقره ۲	ذه ۲۷		
نساء ۴	من ۱۴۰	من ۱۳۵	۴۷
انفال ۸	ص ۱	۴۲	
توبه ۹	۱۱۲		
یونس ۱۰	۵۰		
هود ۱۱	من ۲۹		
	فصل سی و سیم		
	در عسر و حرج چهار آیه		
نساء ۴	ذه ۱۴۲		
انفال	ص ۴۳		

سور	آیات		
توبه ۹	۲۹		
مجادله ۵۸	ذه ۱۴		
	فصل سی و چهارم		
	در زینت و تجمل یک آیه		
اعراف ۷	۳۰		
	فصل سی و پنجم		
	بجهت تجهیز عسکر یک آیه		
انفال ۸	۶۲		
	فصل سی و ششم		
	در تخفیف و نصر هفت آیه		
توبه ۹	۲۹		
رعد ۱۳	من ۴۱		
انبیاء ۲۱	ذه ۴۵		
حج ۲۲	۴۰	۴۱	۴۲
مائده ۵	۳۹		
	فصل سی و هفتم		
	در تحریض بجهاد و فضل		
	مجاهدین صد و نه آیه		
بقره ۲	۵۵ من ۱۸۶	۵۶ الی ۱۹۱	۱۴۹ ۲۱۲
۳۳	۲۱۴ ۲۳۷	۲۱۵ ۲۳۸	۲۴۵ من ۲۵۰
		۲۴۳	الی ۲۵۲
نساء ۴	من ۷۴ ۸۶	الی ۷۹	من ۹۵
انفال ۸	من ۳۰ ۴۱	الی ۳۴ من ۳۹	۴۰ الی ۵۰
	من ۵۷	۵۸	۵۹
	۶۵ ۶۷	۶۲	۶۵
توبه ۹	من ۱۴ ۱۹	من ۲۰	الی ۲۱
	۲۹	۱۲۳	۱۲۴
نحل ۱۶	۱۱۱		
حج ۲۲	ذه ۴۰	۴۱	۵۷
عنکبوت ۲۹	۶۷		
احزاب ۳۳	۲۱	۲۲	۲۵
محمد ۴۷	من ۳ ۳۷	الی ۸	۳
فتح ۴۸	ذه ۴	من ۲	الی
حدید ۵۷	۱۰	ذه ۲۵	
حشر ۵۹	من ۲	الی ۵	من الی ۱۳

پرسید که چگونه مشورت کنم فرمود که ان حاجت را در دل خود قصد کن در نه دفعه بکن در دو رکعت نماز بیست و دو دیگری ثم و هر رکعت را از زمیان سد فه زکل بکار برند در رکعت نماز یکی ازان دو سد فرد دنیم را مرجود که از یکو نا الله الی انما و لنتق امری هذا و استحر مسنا و مشیره و یشیر علی بما فیه صلاح و حسن عاقبه پس دست را در زیر دامن داخل کن و یکی ازان در بنده را بیرون آور و بکشا اگر نعم باشد بکن و اگر لا باشد مکن یا خدا چنین باشد مشورت کرده شتم انست که سید رضی الله عنه فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافته کند و نه مینویسی بسم الله الرحمن الرحیم حرف من الله العزیز الحکیم لعبده فلان بن فلان و حاجت خود را مینویسی در یکی دیگر بر حرش مینویسی افعل یا مولای و در دیگر برادر حرش مینویسی توقف یا مولای و هر یک را در زیر ... ی ... بکل ... (margin text partly illegible)

بر رب الفلق و سوره والضحی را هفت مرتبه و طرف ابی در زیر خود میکند ارنی و بعد فهار در زمیان اسعت نمر زی پر هر یک که
رود برا رد بکری شکانه شود در روی ان اند بان عمل مکنوی شاء الله تعالی

در بیان امور نادره است و در این چند نقش است از آن بخط شیخ سعید شهید محمد بن مکی حشره الله مع الشهداء الاولین
دیدم که هر گاه در چاره متحیر باشد و ندانند که چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب محمد بن جریر الطبری که منتمی است بکتاب
دواب النجوم دیدم که روح بن الحرث از پدر خود از جدش روایت کرده است که فرزندان خود را وصیت کرده گفت هر گاه امر عظیمی

احدی از شما را رو ص ۲۳

دهد یا حادثه باعث
غم او گردد باید که
با وضو بخوابد در
فراش و لحاف طاهر
تنها و بپهلوی راست
بخوابد و در وقت
خوابیدن سوره و
الشمس و و اللیل
هر یک را هفت مرتبه
بخواند و بگوید اللهم
اجعل لی من امری
هذا فرجا و مخرجا و بخوابد
پس شخصی بخواب او
آید اول با سیم یا پنجم
و کان دارم که هفتم
را نیز گفت و باو بگوید
که فرج از این غم و
دلگیری و اندوه
چه است اذن کرد
ابن عبد گفت
مرا دردی عارض
شد و علاجش را
ندانستم پس این عمل
را بجا آوردم و چون
بخواب رفتم دیدم
دو کس نزدیک من
پیدا شد نزدیکی نزد
سر من نشست دیگری
نزد پای من بد یکی
گفت تمام بدنش را
دست بمال و حساب
مرض بکن چون دستش
بموضعی از سر من رسید
گفت در اینجا حجامت
بکن و مرا امر دیگر نمود
با چیزی بر او بمال
که بچسبد پس بمن گفت
او با من دو که ضم کن
با و انجیر و زیتون را
چون بیدار شدم
همان موضع را حجامت
کردم صحت یافتم و
جماعت بسیاری
را تعلیم نموده همه
صحت یافتند و شیخ

سور	آیات		
صف ۶۱	۴	من ۱۰	الی ۱۳
	فصل سی و هشتم		
	در ماههای حرام یازده		
بقره ۲	ص ۱۹۰	ص ۲۱۴	
مائده ۵	۲	و ۹۸	
توبه ۹	من ۱	الی ۵	و ۳۶ ۳۷
	فصل سی و نهم		
	در اصلاح ذات البین		
	دو آیه		
حجرات ۴۹	۹	۱۰	
	فصل چهلم		
	در تعلیم جهاد و آن		
	مشتمل است بر مطلب		
	و بیست و شش آیه		
	مطلب اول		
	در فضل مجاهدین بر غیر		
	مجاهدین شش آیه		
نساء ۴	۹۷	۱۰۱	
انفال ۸	۷۵	۷۶	
توبه ۹	۱۲۳		
فتح ۴۸	من ۱۶		
	مطلب دوم		
	در تعلیم جهاد و در سوم هفده آیه		
نساء ۴	۷۳	۹۶	۱۰۵
مائده ۵	۳۷	۳۸	
انفال ۸	من ۱۵	الی ۱۸	۶۰
	۶۳ ۶۸	۶۴ ۶۹	۶۵
نحل ۱۶	۹۴	و ۹۵	
	مطلب سیم		
	احکام صلوة در اوقات		
	جهاد سه آیه		
نساء ۴	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴
	فصل چهل و یکم		
	در کار ضعیفان از جهاد		
	پنجاه و هفت آیه		

سور	آیات		
نساء ۴	۷۴	۷۵	من ۹۰ الی ۹۳
توبه ۹	من ۳۸ من ۴۵	الی ۴۳ الی ۵۸	من ۴۹
	من ۸۲	الی ۹۷	۱۱۳
احزاب ۳۳	من ۹	الی ۲۱	
	فصل چهل و دوم		
	در جواب عذر کردن و		
	عذر ظاهر شدن یازده آیه		
انفال ۸	من ۵	الی ۱۳	
توبه ۹	من ۲۵	الی ۲۷	
	فصل چهل و سیم		
	در یاری کردن خدا مجاهدین		
	را و غلبه نصرت انها مجرده		
آل عمران ۳	من ۱۲۳	ذ ۱۰۶ الی ۱۳۳	۱۰۷
انفال ۸	۱۹	من ۴۳	الی ۴۷
احزاب ۳۳	۲۵	۲۷	
	فصل چهل و چهارم		
	در تشجیع نمودن مجاهدین		
	زبون دادن با نهاسی و شش آیه		
آل عمران ۳	من ۱۳۳ ۱۴۳	الی ۱۵۹ ۱۹۶	من ۱۶۰ الی ۱۹۹
	فصل چهل و پنجم		
	در ثواب منفعت امین یک آیه		
حدید ۵۷	ذ ۲۵		
	فصل چهل و ششم		
	در مرتبت امت شش آیه		
عادیات ۱۰۰	من ۱	الی ۶	
	فصل چهل و هفتم		
	در غنایم هشت آیه		
انفال ۸	۴۲	۴۳	
حشر ۵۹	من ۶	الی ۱۰	
ممتحنه ۶۰	۱۱		
	فصل چهل و هشتم		
	در صلح و جزای ثمند		
	یک آیه		
نحل ۱۶	۱۲۷		

سور	آیات		
	فصل چهل و نهم		
	ذکر اسرای کفار که در جهاد		
	گرفته شده چهار آیه		
انفال ۸	۶۷ ۶۸	۶۹	۷۱
	فصل پنجاهم		
	در فضل خلاص اسرای		
	مسلمین یک آیه		
بقره ۲	و ۱۷۲		
	فصل پنجاه و یکم		
	نهی بجستن در اعمال		
	مردم یک آیه		
حجرات ۴۹	و ۱۲		
	فصل پنجاه و دوم		
	در افشای بعضی اخبار		
	و اراجیف سه آیه		
نساء ۴	۸۵		
احزاب ۳۳	من ۶۰	الی ۶۲	
حجرات ۴۹	۶		
	باب چهاردهم		
	در علم و صنایع مشتمل		
	بر دوازده فصل		
	فصل اول		
	در علم بیست آیه		
آل عمران ۳	۱۷	۱۸	
نساء ۴	ذ ۱۵۰		
مائده ۵	۱۰۱		
انعام ۶	۵۰		
یونس ۱۰	من ۳		
ابرهیم ۱۴	من ۱		
بنی اسرائیل ۱۷	۸۷		
سبا ۳۴	من ۶		
فاطر ۳۵	۲۰		
زمر ۳۹	و ۱۲		
شوری ۴۲	من ۱۳		
جاثیه ۴۵	ذ ۱۶	۱۷	من ۱۸

طبرسی رحمه الله در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هر گاه امری عارض شود که موجب هم او گردد و خواهد که چاره خود را
در آن بداند باید که در وقت خواب سوره و الشمس و سوره و اللیل را هر یک هفت مرتبه بخواند تا آنکه در خواب مردی را ببیند و چاره

سوره علق

اورا تعلیم نماید و شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که هر کرا بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد در خواب ببیند و حاجت خود را در آخرت بداند سه شب با غسل باشد و با خدا مناجات کند و بما متوسل شود ما را اند درگاه خدا شفیع کند تا آنکه ما را در خواب ببیند و بحاجت خود برسد و شیخ محمد بن تلعکبری رحمه الله در مجمع الدعوات روایت ص ۲۳ کرده است که هر که خواهد حضرت رسالت پناه محمد را صلی الله علیه و آله در خواب ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول نوافل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام نماز بسجده میرود و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و دستها را بلند کند و بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا اله الاولین و الآخرین یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما یا رب یا رب پس دستها را بلند کند و بگوید یا رب یا رب یا رب یا عظیم الجلال یا بدیع الکمال یا کریم الفعال یا کثیر النوال یا دائم الافضال یا کبیر یا متعال یا اول بلا مثال یا قیوم بغیر زوال یا واحد بغیر انتقال یا شدید المحال یا رازق عبده علی کل حال ارنی وجه حبیبی و نبیک محمد صلی الله علیه و آله فی [illegible] ذا الجلال و الاکرام در پس آن بخوابد بهیچ ابدا از دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل محمد بود تا بخواب رود ان شاء الله حضرت را در خواب ببیند مؤلف گوید که در کتاب بحار الانوار دو روایت اول را مبسوط تر از آنچه مذکور شد گفته ام در این رساله بهمین قدر مذکور شد و من

۱۴/۱۵ع

سور	آیات		
علق ۹۶	من ۳	الی ۷	
	فصل دویم		
	در نجوم و هیئت و ماه		
بقره ۲	۲۲	ص ۱۸۵	
یونس ۱۰	من ۵		
حجر ۱۵	۱۶	۱۷	
بنی اسرائیل ۱۷	۱۲		
انبیاء ۲۱	۳۳		
مؤمنون ۲۳	من ۱۷		
یس ۳۶	من ۳۷	الی ۴۰	
صافات ۳۷	من ۶	الی ۸	
ملک ۶۷	۵		
نازعات ۷۹	۲۸		
طارق ۸۶	من ۱	الی ۳	۱۱
	فصل سیم		
	در تقوی و تعیین شهور		
	و ایام یک آیه		
توبه ۹	ص ۳۶		
	فصل چهارم		
	در سموات دو آیه		
ملک ۶۷	۳		
نبأ ۷۸	۱۲		
	فصل پنجم		
	در شهب دو آیه		
تکویر ۸۱	۱۵	۱۶	
	فصل ششم		
	در حفظ صحت یک آیه		
اعراف ۷	۳۱		
	فصل هفتم		
	در باب دریا پنج آیه		
یونس ۱۰	ص ۲۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۶۸		
لقمان ۳۱	۳۰		
زخرف ۴۳	۱۱	۱۲	

سور	آیات		
	فصل هشتم		
	در صنایع و مکاسب		
	چهار آیه		
مائده ۵	ص ۹۲		
سبا ۳۴	ص ۱۰	۱۱	۱۲
	فصل نهم		
	در زراعت و تجارت چهار آیه		
انعام ۶	ذ ۱۱۲		
رحمن ۵۵	من	الی ۳	
	فصل دهم		
	در باب شعراء ده آیه		
شعراء ۲۶	من ۲۲۱	الی ۲۲۸	
صافات ۳۷	۳۴	۳۵	
	فصل یازدهم		
	در هیکل و مجسمه یک آیه		
مائده ۵	ص ۹۲		
سبا ۳۴	و ۱۱	۱۲	
	فصل دوازدهم		
	در جهل و جهال چهار آیه		
انعام ۶	ذ ۵۴		
اعراف ۷	۱۹۸		
نحل ۱۶	۱۲۰		
فرقان ۲۵	۶۳		
	باب پانزدهم		
	در تجارت و معامله		
	مشتمل بر سه فصل		
	فصل اول		
	در بیع و شری و داد		
	و ستد هفت آیه		
بقره ۲	۱۹۴		
نساء ۴	ص ۳۳		
جمعه ۶۲	۱۰	۱۱	
مطففین ۸۳	۱	۲	۳
	فصل دویم		
	در قرض دادن و جستن		

سور	آیات		
	و ستد یک آیه		
جزء ۱۹۴	فصل سیم		
	در رهن یک آیه		
بقره ۲	ذ ۲۸۳		
	باب شانزدهم		
	در اخلاق بد و نیک مشتمل		
	بر صد و بیست و یک فصل		
	فصل اول		
	در خیر کار و خیر هفده آیه		
بقره ۲	۴۱	ذ ۱۴۳	۱۹۱
آل عمران ۳	۱۱۱		
اعراف ۷	۵۶		
یونس ۱۰	۲۷		
نحل ۱۶	ذ ۳۲		
طه ۲۰	۱۱۱		[illegible]
مؤمنون ۲۳	۹۸		[illegible]
فاطر ۳۵	۹		[illegible]
قصص ۲۸	۵۴		[illegible]
فصلت ۴۱	۳۴	۳۵	[illegible]
بینه ۹۸	من ۶	الی ۸	[illegible]
	فصل دویم		
بقره ۲	۴۱	۱۴۳	ذ ۱۵۲
آل عمران ۳	۱۸۵		
نساء ۴	۴۴ ص ۱۲۴	۱۲۳	ذ ۱۴۲
مائده ۵	۱۲	ذ ۵۳	
انعام ۶	۴۹	ذ ۱۵۹	
رعد ۱۳	۲۲ ۲۵	ص ۲۳	ذ ۲۸
نحل ۱۶	۹۹		
کهف ۱۸	ص ۲۹	۴۴	۱۰۳
مریم ۱۹	۷۹		
حج ۲۲	۴۲	۵۵	
قصص ۲۸	ص [illegible]		
سجده ۳۲	۱۷		
فاطر ۳۵	ذ ۲۰		
زمر ۳۹	۵۸	۸	۳۶

از اخبار سابقه مذکور شد که عمده در استخاره انست که ادمی در امور دنیا و اخرت اعتماد بر عقل ناقص خود نکند باید در جمیع
امور توکل بر جناب مقدس حق کند و معترف باشد که من بنده ضعیف عاجز جاهلم و خداوند کریم رحیم عالم و قادر مهربانی
دارم که اعرف است بمصالح من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را باو گذاشته و خیر خود را از او مطلبم پس توسل نماید
بلطف و رحمت [ص ۲۵]
خداوند کریم و بعد
غسل و یا نماز دعا
کرد در ابواب سابقه
گذشت پس شروع
کند در انکار ...
رود هر بان رضا
شود و خیر خود در
ان بداند هر چند
موافق خواهش او
نباشد و بعد از ان
استخاره با دل خود
است چه بخیر گذشت
و بعد از ان مشورت
با مؤمنان کند و بعد
از ان استخاره با
رقاع و تسبیح کند
یا تفال قران مجید
یا تسبیح و حصا
خوبست اگر چه ان
علماء ضرر سابقه
را منع کرده اند چنانچه
سابقا مذکور شد
اما ظاهر انست که
عین استخاره مطلقه
کرده یا اول ذکر
کرده در حالی صورت
دارد که بر تقدیر
باشد نه در این که
ظاهر خیر ثبت ان بر
ادمی معلوم باشد
و تردد در ان نباشد
و امور مستحبه که
خوبی ان شرعا معلوم
باشد مگر انکه تردد
در انواع ان داشته
باشد و در امور واجبه
مطلقا استخاره کردن
صورتی ندارد بلکه
مشروع نیست و هم
چنین در امور حرام
استخاره جایز نیست
اما استخاره مطلقه
در همه امور خوبست
مگر در امور حرام و مطلق
... مشروع
نیست چنانچه شیخ مفید رحمه الله در جواب مسائل عکبریه فرموده که هر گاه بنده مؤمن را امری در خاطر خطور کند در مصالح دنیا
او که در تنها نه ... مانند ... کردن یا ... کردن یا نکاح کردن و برده خریدن و امثال اینهاست سنت که بعد از استخاره

ب ۱۶

کشف المطالب ۴۷۶

سور	ایات		
شوری ۴۲	ر ۲۲		
فتح ۴۸	ذ ۲۹		
قمر ۵۴	۹		
عصر ۱۰۳	من ۱	الی ۳	
فصل سیم			
بقره ۲	۱۸۴	در سعادت و فلاح	
حج ۲۲	۷۶	در رستگاری شانزده	
جمعه ۶۲	ذ ۱۰		
لیل ۹۲	من ۱	الی ۴	
انشراح ۹۴	من ۱	الی ۸	
فصل چهارم			
در تسلیم رضا شش ایه			
بقره ۲	ص ۲۰۲		
نساء ۴	۶۹	۷۰	
حج ۲۲	ذ ۳۵		
صف ۶۱	من ۱	الی ۳	
فصل پنجم			
در موت و صفا یازده ایه			
آل عمران ۳	۲۷	۱۱۴	
نساء ۴	۲۷	۱۴۳	
مائده ۵	۵۵	من ۴	الی ۳
توبه ۹	۷۲		
احزاب ۳۳	ذ ۹		
ممتحنه ۶۰	۱	من ۷	الی ۹
فصل ششم			
در عشق یک ایه			
روم ۳۰	۲۰		
فصل هفتم			
در تعاون و یاری			
از جانبین سه ایه			
مائده ۵	ذ ۲		
انفال	۷۴		
توبه ۹	۷۲		
فصل هشتم			
در احسان یک ایه			

سور	ایات		
نحل ۱۶	ص ۹۲		
فصل نهم			
در نیکوئی و رفق و حلم			
دو ایه			
آل عمران ۳	۱۲۸		
بقره ۲	ر ۷۷		
فصل دهم			
انفاق فی سبیل الله			
سی و هشت ایه			
بقره ۲	ص ۷۷ ص ۲۶	ر ۱۷۲ ص ۲۶۵	۲۶۳
آل عمران ۳	ذ ۱۵		
نساء ۴	ذ ۴۰	ذ ۱۱۴	
مائده ۵	ذ ۳۵		
حجرات ۴۹	۱۱	۱۲	
احزاب ۳۳	۵۸		
معارج ۷۰	۲۴	۲۵	
مدثر ۷۴	۴۵		
فجر ۸۹	من ۱۶	الی ۲۱	
بلد ۹۰	من ۱۳	الی ۱۷	
لیل ۹۲	من ۱۷	الی ۲۱	
ماعون ۱۰۷	من ۱	الی ۳	
کوثر ۱۰۸	۲		
اخلاص ۱۱۲	۱	۲	
فصل یازدهم			
در عفت هفت ایه			
نساء ۴	ذ ۲۹		
مائده ۵	ذ ۷		
مؤمنون ۲۳	۱	۵	
نور ۲۴	۳۰		
معارج ۷۰	۲۹	۳۵	
فصل دوازدهم			
در انسانیت و ادمیت			
سیزده ایه			
بقره ۲	ص ۹۸		
نساء ۴	۸۸		

سور	ایات		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
نور ۲۴	۲۷ ص ۵	ص ۲۸ ۶	ص ۵۶ ص ۶۱
لقمان ۳۱	۱۷	۱۸	[illegible]
مجادله ۵۸	۱۲		
فصل سیزدهم			
در شفقت دو ایه			
بلد ۹۰	۱۲	۱۷	
فصل چهاردهم			
در صلح و موافقت دو ایه			
فصلت ۴۱	۹	۱۰	
فصل پانزدهم			
در اتفاق یک ایه			
نساء ۴	ذ ۱۱۴		
فصل شانزدهم			
در مخاصمه و منازعه یک ایه			
نساء ۴	۴۳		
فصل هفدهم			
در حلم و تقوی هشت ایه			
مؤمنون ۲۳	۱	۵	۶
نور ۲۴	ص ۳۳		
معارج ۷۰	۲۹ ۷	۳۰	۳۱
فصل هجدهم			
در وفا بامکر چهار ایه			
بقره ۲	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲
توبه ۹	ذ ۶۰		
فصل نوزدهم			
در فنا و کرت و احراز دوری			
ادب پنج ایه			
مؤمنون ۲۳	۱	۲	
نور ۲۴	ص ۵۹		
فرقان ۲۵	۷۲	ذ ۷۵	
فصل بیستم			
در امانت هشت ایه			
بقره ۲	ذ ۲۸۳		
نساء ۴	۵۱		

منوچهر اینها نشود و بعد از استخاره یکی از آنها اگر زخم ... رسد باب ... کند و آیه ... ترک شد ... رجوع وکیل داینها را نقل
او رد که انشاء الله خیر او در است و مثل او ... ایشان در ام که حفظ ... ایشان کرده سنت و ... نقل در حب
استخاره نمیباشد و استخاره در ... خصوصا ... در ام است که ... هم ... ورد ... جهاد منت

سور	آیات		
آل عمران ۳	من ۶۹	الی ۷۰	
مؤمنون ۲۳	۸		
معارج ۷۰	۳۲	۳۵	
	فصل بیست و یکم		
	در ملایمت و لطف پنج آیه		
نساء ۴	ذ ۳۲		
بنی اسرائیل ۱۷	۵۵		
شعراء ۲۶	۱۳۰	۱۳۱	
احزاب ۳۳	۴۷		
	فصل بیست و دوم		
	در استقامت یک آیه		
احزاب ۳۳	۷۰		
	فصل بیست و سیم		
	در وضع عدد و محبت		
	یک آیه		
فصلت ۴۱	۳۴		
	فصل بیست و چهارم		
	در انصاف و عدد دو آیه		
اعراف ۷	ص ۲۹		
ممتحنه ۶۰	۸		
	فصل بیست و پنجم		
	در مدارا و صله یک آیه		
آل عمران ۳	ص ۲۰۰		
	فصل بیست و ششم		
	در آزادگی دو آیه		
احزاب ۳۳	۷۰	۷۱	
	فصل بیست و هفتم		
	در اخوت شش آیه		
آل عمران ۳	ذ ۹۸		
بقره ۲	و ۷۷		
نساء ۴	و ۳۶		
مائده ۵	ذ ۳۵		
حجرات ۴۹	ذ ۱۰	۱۳	
	فصل بیست و هشتم		
	در سخاوت		

سور	آیات		
	در سخاوت و شرف نفس		
	و عزت پنج آیه		
بقره ۲	ذ ۱۶۱	۱۱۷	و ۲۳۸
نحل ۱۶	۱۲۷		
قصص ۲۸	۵۴		
	فصل بیست و نهم		
	در تهاون زی جهاد		
بقره ۲	۲۱۱	و ۱۲۹	
توبه ۹	ذ ۶	۶۰	
	فصل سی ام		
	در فروتنی و خضوع		
	و خشوع هفده آیه		
انعام ۶	۶۳	۶۴	
اعراف ۷	۵۳	۲۰۴	۲۰۵
هود ۱۱	۲۵		
انبیاء ۲۱	۸۹	۹۰	
حج ۲۲	ذ ۳۵	۳۸	۵۳
مؤمنون ۲۳	۱	۲	
نور ۲۴	۳۰		
قصص ۲۸	۸۳		
لقمان ۳۱	۱۷	۱۸	
	فصل سی و یکم		
	در بیغرضی و تملک طرف		
	داری دو آیه		
انعام ۶	و ۱۵۲		
حجرات ۴۹	ذ ۹		
	فصل سی و دوم		
	در عفو و اغماض هشت آیه		
آل عمران ۳	۱۵۳		
نساء ۴	۳۲	۱۰۰	
اعراف ۷	۱۹۸		
هود ۱۱	۱۴		
زمر ۳۹	۵۴		
نجم ۵۳	۳۳		
تغابن ۶۴	۱۴		

سور	آیات		
	فصل سی و سیم		
	در عدالت و حکم از روی		
	انصاف یازده آیه		
بقره ۲	ص ۲۸		
نساء ۴	۴۱	۴۲	
مائده ۵	۱۱	۴۵	۴۶
اعراف ۷	ص ۲۸		
انبیاء ۲۱	۱۰۲		
فاطر ۳۵	ص ۱۹		
زمر ۳۹	۱۳	۴۷	
نجم ۵۳	۴۰	۴۱	
احقاف ۴۶	۱۸		
طلاق ۶۵	و ۷		
	فصل سی و چهارم		
	در درستی کار و خلوص نیت شانزده آیه		
بقره ۲	۹۴		
انعام ۶	و ۱۵۳		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۷		
احزاب ۳۳	۲۳	۲۴	
رحمن ۵۵	ذ ۶	۷	۸
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۵	
عصر ۱۰۳	من ۱	الی ۳	
	فصل سی و پنجم		
	در عفت و حیاء سه آیه		
نور ۲۴	ص ۳		
فرقان ۲۵	۴۴		
لقمان ۳۱	۱۷		
	فصل سی و ششم		
	در اطاعت و انقیاد بخدا		
	و رسول دو آیه		
شعراء ۲۶	۱۵۱	۱۵۲	
	فصل سی و هفتم		
	در صلح و سلامت نفس		
	یازده آیه		
انعام ۶	من ۱۲۷	انفال ۸	۶۳

ناخ سنت و ... باشد در میان ... زیارت ... با در زمان دوصله ... مراد مؤمن که هر دو را شوان بعمل آورد و از این ... عون ... دعا ... کرده است ... زیرا ... که در ... مذکور شد ... وکالت در استخاره مذکور شود و سید ابن طاوس رحمه الله تجویز نموده و فرموده است که دعا ... در عمومات قضای حوائج مؤمنان و ... قضا ممکن است که استخاره این را خاص خود قرار دهد و قصد کنم که ... است ... که ... عمومات ... دور نیست که سایل استخاره باشد ... خودش ... استخاره خود ... استخاره شود زیرا که هر که نظر ... است ... بجناب اقدس الهی ... نمیباشد زیرا که هر گاه نقل ... در این باب قائم مقام نقل او میبود ... مناسبت با این احادیث ... در این باب وارد شده است در ... حدیث اشاره باین ... و ... النعامه ... مرجع که امام ائمه صلوات الله علیهم

نسبت بموالیان و شیعیان خود داشتند بکرم مبذول ... یکی استخاره بفرمایند و بیان کنند خیرها و ... دنیا که موالیان نسبت بایشان
میکردند در باب حدیث مذکور شود که یکی از ایشان ... عالی رحمت ایشان کرده باشند و بجهت نوشتن ... رساله را

سور	ایات		
یونس ۱۰	۹	۱۰	
رعد ۱۳	۲۴		
مریم	من ۶۳		
انبیاء ۲۱	من ۱۰۳		
فرقان ۲۵	۷۴		
احزاب ۳۳	من ۳۵		
زمر ۳۹	من ۱۰		
واقعه ۵۶	۲۵		
	فصل سی و هشتم		
	گذشت از تقصیر دیگران		
بقره ۲	۲۶۵		
آل عمران	۱۲۸		
نساء ۴	۱۴۸		
نحل ۱۶	۱۲۷		
نور ۲۴	۲۲		
شوری ۴۲	۳۴	۳۵	د ۳۸
تغابن ۶۴	۱۴		
	فصل سی و نهم		
	در حکم صبرست و هشت آیه		
بقره ۲	من ۴۲ ۱۵۱	۱۴۸ ۱۵۲	ذ ۱۵۰ من ۱۷۲
آل عمران ۳	من ۱۳۳	الی ۱۵۰	۲۰۰
نحل	۱۲۷	۱۲۸	
طه ۲۰	من ۱۳۰		
انبیاء ۲۱	۸۵		
حج ۲۲	من ۳۶		
قصص ۲۸	من ۵۴	۷۹	۸۰
عنکبوت ۲۹	۵۹		
لقمان ۳۱	۰		
مؤمن	من ۵۷		
ق ۵۰	من ۳۹		
مزمل ۷۳	۱۰		
دهر ۷۶	۲۴		
بلد ۹۰	۱۷		
عصر ۱۰۳	من	الی ۳	

سور	ایات		
	فصل چهلم		
	در باب فقرا و همه آیه		
بقره ۲	ذ ۱۵۰ د ۲۷۰	۱۵۱	۱۷۲ د
بنی اسرائیل ۱۷	۳۰		
عبس ۸۰	من	الی ۱۱	
	فصل چهل و یکم		
	در ثنا و مدح صبح آید		
بقره ۲	ذ ۲۵۰		
انفال	و ۴۸		
زمر ۳۹	ذ ۱۳		
فصلت ۴۱	۳۴	من ۳۹	
	فصل چهل و دوم		
	در لاف نفسی آدمیت		
	بیست و یک آیه		
بقره ۲	ذ ۱۷۲		
آل عمران ۳	من ۶	الی ۷	
انعام ۶	و ۱۵۳		
اعراف ۷	و ۸۳		
انفال ۸	۲۷		
هود ۱۱	۸۶	۸۷	
بنی اسرائیل ۱۷	ذ ۳۶	۳۷	
شعراء ۲۶	من ۱۸۱	الی ۱۸۳	
روم ۳۰	۳۷		
رحمن ۵۵	ذ ۶	۷	۸
مطففین ۸۳	من ۱	الی ۳	
	فصل چهل و سوم		
	در طهارت و پاکی پنج آیه		
حج ۲۲	من ۳۰		
فتح ۴۸	و د ۲۷		
مدثر ۷۴	۱	۲	۳
	فصل چهل و چهارم		
	در عصمت و اعراض از		
	لغو دو آیه		
مؤمنون ۲۳	۱	۳	

سور	ایات		
	فصل چهل و پنجم		
	در شکر یک آیه		
آل عمران	ذ ۱۳۹		
	فصل چهل و ششم		
	در تسلیم شش آیه		
بقره ۲	۱۵۰	۱۵۱	
آل عمران	۲۵		
انعام ۶	۱۶۳		
رعد ۱۳	من د ۲۲		
کهف ۱۸	۲۳		
	فصل چهل و هفتم		
	در سوگند هشت آیه		
بقره ۲	۲۲۴	۲۲۵	
مائده ۵	من ۹۱		
نحل ۱۶	من ۹۴	۹۶	
فتح ۴۸	۱۰		
تحریم ۶۶	۲		
قلم ۶۸	ذ ۱۰		
	فصل چهل و هشتم		
	در ضمانت دو آیه		
حجرات ۴۹	۹	۱	
	فصل چهل و نهم		
	در فرمان بردن و کوچکی		
	کردن چهار آیه		
آل عمران ۳	من ذ ۱۵		
بنی اسرائیل ۱۷	من ۱۰۷	من ۱۰۸	ذ ۱۰۹
	فصل پنجاهم		
	در شهادت و هفت آیه		
بقره ۲	۱۷۷	ذ ۲۸۲	د ۲۸۳
نساء ۴	۱۳۴		
مائده ۵	۱۱		
فرقان ۲۵	من ۷۲		
معارج ۷۰	۳۳		
	فصل پنجاه و یکم		
	در [illegible]		

اینست که برادران
ایمانی با اخبار و
آثار ائمه طاهرین
و به ثوابهای دین
صلوات الله علیهم
که درین باب وارد
شده مطلع شوند
و کیفیت استخاره را
بدانند که هر چه
بخواهند از حوائج
خود استخاره متوسل
شوند و در همه امور
اعتماد بر پروردگار
خود نمایند و بدانند
که خداوند حکیم در
قبض خود دارد رزق
بندگان که نه کار
نیستند و همه را در
جمیع امور بندگان
نمود خواننده و گناه
عاصیان مانع لطف
و احسان خود نفرمود
و ملتمس از عمل
کنندگان نیز آنست
که مجرم عاصی را
بدعای خیر یاد نمایند
و سهو و خطا لازم
غیر معصوم است
مؤاخذه نفرمایند
بالفرض یا اولو
اشتغال ذوالقعده
در جدت از ماه
مبارک رمضان
سنه هزار بیست و
چهار هجری تمام
شد و الحمد لله
اولا و آخرا و صلوات
الله علی سید المرسلین
محمد و عترته المعصومین
و لعنة الله علی اعدائهم
اجمعین

رسالهٔ مختصریست در اصول دین از روایات شیعه ... شهرستانی اعلی الله مقامه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة
علی رسوله لا من خاتم النبیین واله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین اما بعد چنین گوید بنده فانی محمد حسین حسینی
شهرستانی که شهادت میدهم از صمیم قلب بر اینکه عالم را صانعی است و خدا یکتا و عالم قادر و مختار و حکیم است و عادل و حی و قدیم
و ازلی و ابدی و واجب الوجود بالذات و کامل در جمیع صفات کمال که عین ذات اوست و منزه است از هر نقص و عیب و شهادت میدهم بر نبوت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف صلی الله علیه و آله و بر رسالت او در کافه خلق الی القیمة و بر عصمت او و جامعیت کمال او صافه کلیه مکاسبه و بر اینکه هرچه ابلاغ فرموده از احکام الهی و اخبار نموده از وقایع گذشته و آینده همه صدق و حق است و معجزات صادره بر دست او از قرآن و شق القمر و معراج اسمانی و غیرها همه حق است و بر اینکه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصی بلا فصل و خلیفه او بنص او و بر عصمت و امامت او و اینکه او خیر خلق الله بعد از او و بر اینکه امام بعد از او یازده نفر از اولاد اوست که اول ایشان امام دوم حضرت امام حسن مجتبی است و امام سیم حسین شهید کربلا و امام چهارم امام زین العابدین علی بن الحسین و امام پنجم امام محمد باقر علی بن الحسین و امام ششم امام جعفر بن محمد الصادق و امام هفتم امام موسی بن جعفر الکاظم و امام هشتم امام علی بن موسی الرضا و امام نهم
امام محمد بن علی التقی الجواد و امام دهم علی بن محمد النقی و امام یازدهم امام حسن عسکری و امام دوازدهم امام عصر و ما جلت قدرته
محمد بن الحسن العسکری علیهم السلم که زنده است و غایب است و ظاهر خواهد شد و زمین را بنیاد عالم را از ظلم پاک خواهد نمود ذهبه

سور	آیات		
کهف ۱۸	۲۹ و		
عصر ۱۰۳	۲	۳	
	فصل نجاه و دوم		
	در تقوی و فضل آن ۳ ایه		
فصلت ۴۱	۷		
	فصل نجاه و سیم		
	در پند دریک ایه		
حج ۲۲	۳۰ ذ		
	فصل نجاه و چهارم		
	در مسافرت و ابن		
	سبیل چهار ایه		
بقره ۲	من ذ ۱۷۳		
انفال ۸	من ۴۳		
توبه ۹	و ذ ۶۰		
بنی اسرائیل ۱۷	۲۸		
	فصل نجاه و پنجم		
	در کرداری یازده ایه		
بقره ۲	ذ ۶۱		
ال عمران ۳	۱۳۱		
نساء ۴	ذ ۱۲۳		
مائده ۵	ذ ۱۰۰		
انعام ۶	ذ ۱۳۶		
یونس ۱۰	۲۸		
طه ۲۰	من ۲۳	الی ۲۶	
روم ۳۰	من ۹		
سجده ۳۲	۲۱		
زمر ۳۹	۲۷		
	فصل نجاه و ششم		
	در بدبختی و شقاوت		
	یک ایه		
شوری ۴۲	من ۲۹		
	فصل نجاه و هفتم		
	در ظلم و تعدی		
	یک ایه		
شعراء ۲۶	ذ ۲۲۸		

سور	آیات		
	فصل نجاه و هشتم		
	در کرویت تحویل ایه		
لقمان ۳۱	۱۷		
	فصل نجاه و نهم		
	در حرص و بخل سی و دو ایه		
ال عمران ۳	۱۷۵	من ۱۷۶	
نساء ۴	من ۴۱	۱۲۷ و	
توبه ۹	۳۴	۳۵	
بنی اسرائیل ۱۷	۳۱	۱۰۲	
فرقان ۲۵	۶۷	محمد ۴۷	من ۳۸ الی ۴۰
نجم ۵۳	ذ ۳۳	من ۳۳	الی ۴۲
حدید ۵۷	۲۳	۲۴	
حشر ۵۹	ذ ۹		
تغابن ۶۴	ذ ۱۶		
معارج ۷۰	۱۸		
لیل ۹۲	ذ ۸	۱۰	۱۱
همزه ۱۰۴	من ۲	الی ۳	
	فصل شصتم		
	در بهتان و سعایت هجده ایه		
نساء ۴	۱۱۲		
نور ۲۴	۴ ۱۸	۵ ۱۱	۱۷ ۲۰
حجرات ۴۹	۲۳	۱۴	۲۵
قلم ۶۸	من ۱۰	الی ۱۳	
همزه ۱۰۴	۱		
	فصل شصت و یکم		
	در خشم و غضب سه ایه		
ال عمران ۳	۱۲۷	۱۲۸	
شوری ۴۲	۴۳	۳۵	
ابی لهب ۱۱۱	من ۱	الی ۵	
	فصل شصت و دوم		
	در شهوت یک ایه		
نساء ۴	۲۶		
	فصل شصت و سیم		
	در تکبر و استعلای		
	دو ایه		

سور	آیات		
مائده ۵	۱۰		
حجرات ۴۹	من ۱۲ ذ		
	فصل شصت و چهارم		
	در حرص اکل و شرب و فسق		
	و فجور یک ایه		
مائده ۵	۷		
	فصل شصت و پنجم		
	در تحقیر و تخفیف یک ایه		
نساء ۴	ذ ۱۷۱		
	فصل شصت و ششم		
	در آشوب و اختلال		
	و فساد دوازده ایه		
بقره ۲	۲۵	ذ ۵۷	
مائده ۵	۳۷	ذ ۶۹	
اعراف ۷	۵۴	ذ ۷۲	ذ ۸۳
هود ۱۱	ذ ۸۶	۸۷	
شعراء ۲۶	۱۵۱	۱۵۲	
محمد ۴۷	۲۴		
	فصل شصت و هفتم		
	در اسراف و تبذیر یک ایه		
بقره ۲	من ۱۸		
	فصل شصت و هشتم		
	در لعن و تشنیع سه ایه		
حجرات ۴۹	۱۱ و		
همزه ۱۰۴	۱	۲	
	فصل شصت و نهم		
	خودخواهی دو ایه		
مائده ۵	۱۰۴		
بنی اسرائیل ۱۷	۱۰۲		
	فصل هفتادم		
	در رشک و حسد دو ایه		
فلق ۱۱۳	۱	۵	
	فصل هفتاد و یکم		
	اسراف در اکل و شرب یک ایه		
اعراف ۷	ذ ۲۹		

ایشان مطهر و معصوم و واجب الاطاعه و خیر خلق الله هستند و رجعت ایشان برحق است با دوستان ایشان دوستیم و با دشمنان
ایشان دشمنیم هر که باشد و هر چه باشد و شهادت میدهم براینکه معاد جسمانی حقست و موت و قبر و سؤال و نشر و جنت و نار و صراط
و میزان و شفاعت و وسیله و تطایر کتب و خلود بهشت و دوزخ همه حقست و صدق است و بر تمام این عقاید براهین قطعیه عقلیه و نقلیه
اقامه نموده ام و از
خداوند منان امید
وارم که مرا از ثابت
قدمان در جاده مهتدین الله
الطاهرین و چون
حقیقت این ذره مانند
آفتاب روشن و ظاهر
است میخواهم از راه
شفقت و خیرخواهی
ناظران در این رساله
از ارشاد تمامی کسانی
که عصبیت و تقلید را
بکناری گذارند هدایت
یافته از راه نجات سلوك
نموده از عذاب خلود
خلاص شوند و غرض
از همه برهان نیست
بر این عقاید زیرا که
آن باب کتب مفصله
بسیار است بلکه مقصود
ارشاد بطریق احتیاط
در سلوك آن راهی است
که احتمال خطر در آن
کمتر است نسبت براهها
دیگر زیرا هر عاقلی
بالفطره میداند که
سلوك راهی که خطر آن
کمتر است اولی از راهی
است که خطر آن بیشتر
باشد و این طریقه
در مقابل طریقی که
فعلا در روی زمین
شایع است میخواهم
خود بیان
کافی و شافی از روی
امثال و بیانات عرفیه
که بذهن عوام و خواص
موافق باید بر محکوم
که چنین فرض کن که
این بنده ضعیف در
مغاره کوه از مادر
متولد شده از شیر
اهوان صحرا تربیت
یافته و چون بسن
رشد و تمیز رسیده
از انجا بیرون آمده
بر عمورها افتاد

سوره	آیات		
	فصل هفتاد و یکم		
	[illegible]		
	در ذکر [illegible] ایه		
مطففین ٨٣	١	٢	٣
	فصل هفتاد و دوم		
	اغراض از لغویات		
مدثر ٧٤	٤٥		
	فصل هفتاد و چهارم		
	در نفس کشیدن و اینه		
ماعون	١١		
کوثر ١٠٨	٣		
	فصل هفتاد و پنجم		
	در قتل نفس ده ایه		
بقره ٢	من ١٧٣	١٧٤	
نساء ٤	٩٣	٩٤	٩٥
مائده ٥	ذ ٣٥		
انعام ٦	ذ ١٥٢		
بنی اسرائیل ١٧	٣٥		
فرقان ٢٥	ص ٦٨		
احزاب ٣٣	٥٨		
	فصل هفتاد و ششم		
	در نهی از نکاح با زنا		
	فجره یك ایه		
نور ٢٤	من ٢٦		
	فصل هفتاد و هفتم		
	در کفران و ناسپاسی		
	بیست و چهار ایه		
انفال ٨	٥٧		
یونس ١٠	١٣	٢٣	٢٤
هود ١١	١٢	١٣	
نحل ١٦	ذ ٥٥	٥٦	٥٧
بنی اسرائیل ١٧	٦٩	٨٥	
عنکبوت ٢٩	٦٥		
روم ٣٠	٣٢	من ٣٣	ذ ٥٠
لقمان ٣١	٣١		

سوره	آیات		
زمر ٣٩	٥١	٥٢	٥٠
فصلت ٤١	ذ ٤٩	٥١	
	فصل هفتاد و هشتم		
	در طول و جو چند ایه		
اعراف ٧	ذ ٣١		
یونس ١٠	ذ ٢٣	٢٤	
رعد ١٣	٢٥		
	فصل هفتاد و نهم		
	در بعد التی یك ایه		
ذاریات ٥١	٥٩		
	فصل هشتادم		
	در نهی سکر خاصه در		
	نماز یك ایه		
نساء ٤	٤٣		
	فصل هشتاد و یکم		
	در ذم خودستائی یك ایه		
انفال ٨	٤٩		
	فصل هشتاد و دوم		
	در ذم حسد یك ایه		
بقره ٢	ذ ١٠٩		
	فصل هشتاد و سوم		
	در ذم قمار چهار ایه		
بقره ٢	من ٢١٩		
نساء ٤	من ٣٣		
مائده ٥	٩٢	٩٣	
	فصل هشتاد و چهارم		
	در ذم جسارت در حکم الله		
بنی اسرائیل ١٧	٣٨		
	فصل هشتاد و پنجم		
	در ذم جبن یعنی ترس که موجب		
	تقاعد از سپاه [illegible] ایه		
آل عمران ٣	١٥٠	١٥٢	
نساء ٤	٧٤	٧٥	
انفال ٨	١٥	١٦	
توبه ٩	٣٨ ذ ٥٧	٣٩ ٤٢	٥٥

سوره	آیات		
	فصل هشتاد و ششم		
	در ذکر اصرار در فجور		
	هفت ایه		
نساء ٤	١٩	٢٠	
انعام ٦	ذ ١٥٢		
عبس ٨٠	ذ ٤٠	٤١	٤٢
انفطار ٨٢	ذ ١٤		
	فصل هشتاد و هفتم		
	در ذکر رشوت و بخیلی پنج ایه		
نساء ٤	وذ ٣٧	بقره ٢	٢٥
انعام ٦	ذ ١٣٦	جاثیه ٤٥	ذ ١٨
حجرات ٤٩	١١		
	فصل هشتاد و هشتم		
	در ذم غیبت سه ایه		
نساء ٤	١١٧		
حجرات ٤٩	١٢		
همزه ١٠٤	ص ١		
	فصل هشتاد و نهم		
	در ذکر کذب سه ایه		
حج ٢٢	ذ ٣١		
صف ٦١	٢	٣	
	فصل نودم		
	در سخریه و استهزاء یك		
حجرات ٤٩	١١		
	فصل نود و یکم		
	در عجب و تکبر هجده ایه		
نساء ٤	ذ ٤٠	من ١٧١	الی ١٧٣
نحل ١٦	من ٢٥	الی ٣١	
بنی اسرائیل ١٧	٣٩	٤٠	
سجده ٣٢	١٥		
زمر ٣٩	ذ ٦٠	٧٢	
مؤمن ٤٠	ذ ٣٧	ذ ٧٥	
	فصل نود و دوم		
	در ذم ریا سه ایه		

بر طایفه از هشکلان خود که صورتی از سنك تراشیده بجهت او خضوع و خشوع مینمودند که گاهی بجهت آفتاب یا آتش سجده میرفتند
و در درج اینها کلمات [illegible] تنزیه میخواندند و خود را بهر نحوی انداخته بعضی خود را اخته کرده بچشم خود را بسته و مثل خود را

بانش سوزا به ما خود ذات بدحاره سیر معمول ... دیگر این کار است که مکند و حرا خود را بان
زخنها انداخته ایذ ... از طلاق و نبودات بمقام اطلاق رسیم
... این نکته ... بازگشت ... مستقر خواهیم شد از انسان و نبات و حیوان و بمقتضای اعمال خود جزا خواهیم ما

		سور	ایات
		بقرة ۲	۲۰۰
		نساء ۴	ص ۴۳
		انفال ۸	و ۴
فصل نود و سوم			
در خیانت هفت آیه			
		نساء	من ۱۰۰ الی ۱۰۹
		انفال	۶۰
	۹۵	نحل	۹۴
فصل نود و چهارم			
در دزدی و تفاخر			
		نساء ۴	ذ ۳۶
		لقمان ۳۱	ذ ۱۷
فصل نود و پنجم			
در ذم مرتعش ...			
		بقرة ۲	۱۵۴
	۶۲	نساء ۴	ص ۳۳
فصل نود و ششم			
در اسراف و سنتن پنج آیه			
		انعام	۱۴۲
	الی ۳۱	بنی اسرائیل	من ۲۶
		فرقان ۲۵	۶۷
فصل نود و هفتم			
در دهن و داشتن کار			
بزنا یک آیه			
		نور ۲۴	ذ ۳۳
فصل نود و هشتم			
در دروغ و سخن تیلی آیه			
		حجرات ۴۹	ذ ۱۱
فصل نود و نهم			
در مکر و حیله پنج آیه			
		نساء ۴	۱۰۰
		رعد ۱۳	و ۴۲
	الی ۴۹	نحل	من ۴۷
فصل صدم			
در اشاعه فحش و دو یک			

		سور	ایات
		نساء	۱۴۷
فصل صد و یکم			
در نماز ترک ...			
بر سول یک آیه			
		حجرات ۴۹	ذ ۱۱
فصل صد و دوم			
در دهی از لواط چهار آیه			
		نساء	۱۰
۸۰	۷۹	اعراف	فخر ۷۸
فصل صد و سوم			
در سوء ظن یک آیه			
		حجرات ۴۹	ذ ۱۲
فصل صد و چهارم			
در کفر کنی یک آیه			
		نساء	۲۳
فصل صد و پنجم			
در نیت ونقص عهد پنج آیه			
الی	من ۵۵	انفال ۸	من ۵۲
		یوسف ۱۲	۴۲
فصل صد و ششم			
در معاصی شهوانی ...			
		انعام	و ۱۵۲
		اعراف	۲۷
		نحل	و ۹۲
فصل صد و هفتم			
در زنا و سوء هفت آیه			
	الی ۲۳۹	بقرة ۲	من ۲۳۰
		آل عمران ۳	۱۲۵
		نساء	۱۵۹
		روم ۳۰	۳۸
فصل صد و هشتم			
در لهو و لعب شش آیه			
		انعام	۶۲
		عنکبوت ۲۹	۶۴
		فاطر ۳۵	۵

			سور	ایات
			محمد ۴۷	ذ ۳۱
	۳۰		حدید ۵۷	۱۹
فصل صد و نهم				
در انتقام و قصاص دو آیه				
			بقرة ۲	و ۱۶
			حج ۲۲	و ۵۹
فصل صد و دهم				
در دهی از ترس چهار آیه				
			بقرة	۲۱۸
	۹۳		مائده	۹۲
			محمد ۴۷	من ۱۶
فصل صد و یازدهم				
در دنیا و تک یک آیه				
			اعراف	و ۱۹
			شعراء ۲۶	ذ ۲۲۷
			مؤمن	ذ ۳۷
فصل صد و دوازدهم				
در نهی از سرقت یک آیه				
			مائده ۵	۴۲
فصل صد و سیزدهم				
در حیوة و زندگانی				
بحار و چهار آیه				
۱۵۰	الی	من ۲۶	بقرة ۲	۸۰
		۱۰		۲۰۹
			انعام	۳۲
	۷۱		توبه ۹	۷۰
			یونس	۲۵
	۱۹		هود	۱۸
			رعد ۱۳	۳۶
			ابرهیم ۱۴	۳
و ۲۵			نحل	من ۲۳
	۹		بنی اسرائیل ۱۷	۱۱
۴۳	۷		کهف ۱۸	۶
			صبا ۳۴	۳۱

پس اگر نیکوکار باشیم پادشاه میشویم و اگر بدکار باشیم گدا خواهیم شد ما مثل اینها پس اگر خود کنیم که این زخنها بما برنجد ... بسیار ... خطر ... هزار چندان عظیم ... پس از این باب ... کشتیم و بطالبه ... رسید که اینها ... طریقه دیگر داشتند ... از ایشان سؤال نمود که اعتقاد شما چیست جواب دادند که ما مردم مجوس هستیم و اعتقاد ما اینست که هر کس در این دنیا ترک شهوات کند بعد از مرگ مثل ... روح ... باشد والا پس اگر خوش ... و فهیم باشد و دنیا را طلب نماید بعد از مرگ پادشاه یا وزیر با امیر شود و اگر بد باشد ... طلب ... کند در ... نفس کند و چون بمیرد بیدن شیر و پلنگ و ... و امثال اینها ... که انهار ... ما ... واگر ظالم و قتال باشد ... بیدن ... و خر و اسب ... شیر در اید که او از تنها ... و کشتن ... روا باشد و گریز ... او و نیست بلکه مانند ... که این دیگر عقل است و اگر چون فهم و عمل ... این ... اعمال زشت ...

بشاه خواهد بود و هیچ شدایند و الامان دائمی نیست از زیر ... آن بر وطایفه سؤال نمودکه شما با ... خود چه ... جوان ... کنید ...
این طریقه ایست که از پدران ما بما رسیده است ... نیست که انسان چون ... و اعمال

و بمحض خوف دیگری که نه عصمت دارا است و نه معجزه بدست و جاری میشود و نه برهانی بر صحت ان دارد که دام عاقل گمان میکند که شخصی چون مظلومان دا بریزد و مال ایشان ببرد و اذیت بیشمار دیگر بر زنان نماید خداوند حکیم بکفران بعد از ترک اوامر ایدن بیزبا بلبنک در او زدکه باز مسلط بجوانات دیگر بند و خون ایشان میخورند و بناهست که در تمام عمر کسی دست بر انها نمیابد که ایشان را هلاک کند اگر

سور	ایات		
حج ۲۲	۵۵		
نمل ۲۷	۶۸		
قصص ۲۸	۵۰	عنکبوت ۲۹	۶۴
لقمان ۳۱	۳۳	روم ۳۰	من ۵ الی ۸
مؤمن ۴۰	۴۲		
فصلت ۴۱	۲۰		۲۶
شوری ۴۲	۱۹	۲۴	۶۵
زخرف ۴۳	من ۳۲	الی ۴۲	جاثیه ۴۵
احقاف ۴۶	۱۹		
نجم ۵۳	۳۰	۳۱	حدید ۵۷ ۱۹
نوح ۷۱	۱۶	۱۷	
اعلی ۸۷	ذ ۱۶	من ۱۷	الی ۱۹
انشقاق ۸۴	۱۹		
	فصل چهاردهم		
	در پیری یک ایه		
نحل ۱۶	من ۷۰		
	فصل پانزدهم		
	در ترک عبادت و جهل یک ایه		
بقره ۲	ذ ۹۶	۱۹۷	۱۹۸
ال عمران ۳	۱۰		
انفال ۸	۳۸	۳۶	
نحل ۱۶	۷۳		
کهف ۱۸	۴۲		
قصص ۲۸	من ۷۶	الی ۸۲	
سبا ۳۴	من ۳۳	الی ۴۶	
حدید ۵۷	۱۹		
تغابن ۶۴	۱۵		
مدثر ۷۴	۶		
فجر ۸۹	ذ ۲۱		
لیل ۹۲	۱۴	من ۱۰	الی ۲۱
تکاثر ۱۰۲	من	۱	
همزه ۱۰۴	من	۹	
	فصل شانزدهم		
	در حسد در [illegible] یک ایه		
بقره ۲	۲۷۲		

سور	ایات		
	فصل هفدهم		
	در قلب هفت ایه		
اعراف ۷	ص ۴۱		
یونس ۱۰	۵۸		
رعد ۱۳	ذ ۲۷	من ۲۹	
مؤمنون ۲۳	۸۰		
سجده ۳۲	۸		
احزاب ۳۳	۴		
	فصل هجدهم		
	در میل خواهش دو ایه		
نجم ۵۳	۲۴	۲۵	
	فصل نوزدهم		
	در قصد نیت یک ایه		
بقره ۲	۲۲۵		
	فصل بیستم		
	در حظ و لذت یک ایه		
ال عمران ۳	۱۴		
	فصل بیست و یکم		
	در عظمت و جلال یک ایه		
فاطر ۳۵	۱۱		
	باب هفدهم		
	در نشو و نما و ترقی		
	مشتمل بر شش فصل		
	فصل اول		
	در وحدت و کثرت و دانی		
	هجده ایه		
مائده ۵	۱۱۰		
انعام ۶	۱۳۵		
ابرهیم ۱۴	من ۲۹	الی ۳۲	
حجر ۱۵	۲۴		
بنی اسرائیل ۱۷	۳۹		
طه ۲۰	ذ ۱۳۱		
زمر ۳۹	۶		
ممتحنه ۶۰	۷		
علق ۹۶	من	الی	

سور	ایات		
	فصل دوازدهم		
	در اقدام بعمل دو ایه		
انعام ۶	ص ۱۳۵		
زمر ۳۹	۴۰		
	فصل سیزدهم		
	در عمل و جهد افعال		
	الهیه و عباد دوازده ایه		
نساء ۴	۳۶		
یونس ۱۰	ص ۹۸		
نمل ۲۷	۸۸		
قصص ۲۸	ذ ۷۲	۷۳	
سبا ۳۴	من ۱۰	الی ۱۲	
یس ۳۶	من ۳۳	الی ۳۵	
جمعه ۶۲	۱۰		
	فصل چهاردهم		
	در نهی شک و تردید		
	نه ایه		
بقره ۲	۱۴۲		
یونس ۱۰	۹۴	۹۵	
حج ۲۲	۱۱		
سبا ۳۴	من ۵۰	الی ۵۴	
	فصل پانزدهم		
	در امتحان و اختیار		
	بیست و هفت ایه		
بقره ۲	۱۷۱	ذ ۲۴۱	۲۵۴
ال عمران ۳	۵	۷۲	
انعام ۶	ذ ۱۱۴	ذ ۱۲۱	
اعراف ۷	۸۴		
هود ۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۴
نحل ۱۶	۱۱۷	۱۱۸	
مائده ۵		۱۰۱	
حج ۲۲	۳	۶	من ۸
مؤمن ۴۰	۴	۵۸	
شوری ۴۲		۱۵	
لقمان ۳۱	من	۲۱	

کشتن زنده بازروا نیست پس چرا انها را بر ایشان مسلط نموده که ایشان را اذیت کنند و اگر بند باور انچه کیفر خلو کرده پس چرا کشتن انها را روا ساخته و اینه شخصی گفته که در کتاب است از زردشت و عزور... شده که وضع افلاک و حالت انها نفوس انها را مانند فلاسفه اثبات نمود و بطلان ان در محل خود ثابت کردیده و الحاصل اینکه دیده هر گاه کسی تصدیق یکی از این دو طایفه را نماید و برهان و دلیل تصدیق نموده و اگر کسی تصدیق نکند و بان اعتقاد نماید ضرری بجان او ندارد پس از ایشان گذشتیم و بطایفه دیگر رسیدیم که از معتقدات سوال نمودیم گفتند که ما بر دین یهود هستیم که بر سالت حضرت موسی علیه السلام اعتقاد داریم و دین او را تا قیامت باقی میدانیم و هیچ پیغمبری که ناسخ دین او باشد اعتقاد نداریم گفتیم هر گاه کسی مخالفت شما نماید در رسول دیگر بعد از موسی نازل شود مانند نصاری و اسلام ایا کیفر او چه باشد گفتند اگر چه عمل و خوب نداره و بکار روی لازم باشد برا ممنوع بداند اگر ظالم و بد کار باشد مخلد و معذب میشود

ولی خلود نباشد از برای کسی در عذاب گفتیم دین انها و ایشان بر طریق بعضی جدان لروی را در میزان نجات همان چون علم است حذر دار ظلم و فساد دین اگر کسی را اخذ نماید بکر را جز بان تکلفات دین شما دارد پس از ایشان گذشتیم بطایفه دیگر رسیدیم که بوضع دیگر مردم

زن بدون حجاب بام محشور و مشغول بزدن عود و طنبور و شرب خمر بودند از ایشان سؤال نمودم که شما را چه اعتقاد و دین است گفتند ما بر دین نصاری هستیم و ما را اعتقاد چنانست که از همه طوائف عالم دانا و اعقل هستیم و حضرت عیسی را خدا یا پسر خدا میدانیم که الوهیت خدا با انسانیه عیسی بهم متحد شدند و یکی شدند و خدا چنین کرد تا اینکه بسبب ناسوتیت مسیح مبتلا بزحمت و محنت و شدائد

کردد و بردار شود و کشته گردد و مدفون شود و متنبه گردید تا اینکه مثل گناهکاران بنی آدم کردم و همه بشفاعت او نجات یابند و ببهشت روند بشرط اینکه اعتقاد بالوهیت عیسی داشته باشند گفتم بنا بر این مقدمه شما را هیچ حاجت بعبادت نیست و هر ظلم و تعدی و فحشی که بکنید جزای و عقوبتی نخواهید داشت گفتند چنین است گفتم دلیل شما بر این اعتقادات چیست گفتند اگر عیسی خدا نبود چگونه قدرت بر احیاء موتی داشت و چون خدا بود پس چرا این صدمات را متحمل شد پس نیست مگر بجهت نجات عاصیان یکی از مسلمانان جواب داد اولا احیاء موتی شاید باذن خدا بوده بجهت اظهار معجزه که مصدق نبوت او باشد مانند حیه شدن عصا بدست حضرت موسی که جاندار کردن جماد و بیجان اعجب است از زنده کردن اموات و ثانیا غیر از عیسی هم احیاء اموات از انبیاء دیگر صادر شد پس چرا آنها را خدا نمیدانید و ثالثا از زمان عیسی تا حال هزار و نهصد سال بیشتر میشود و قبل از آن از زمان حضرت آدم تا زمان او چهار [illegible] سال گذشته که همه و اولاد او بودند

سور	آیات		
نجم ۵۳	ذ ۲۹		
	فصل ششم		
	دعوی یاری الهی بلک		
انعام	ص ۱۳۵		
	باب هجدهم		
	در تاریخ مشتمل چهار فصل		
	فصل اول		
	ذکر ابابیل بخانه		
فیل ۱۰۵	من	الی ۵	
	فصل دویم		
	ذکر یاجوج و ماجوج		
انبیاء ۲۱	سه آیه		
کهف ۱۸	من ۹۵	الی ۹۷	
	فصل سیم		
	ذکر ذو القرنین		
	هفده آیه		
کهف ۱۸	من ۸۳	الی ۹۸	
	فصل چهارم		
	ذکر دو منات سابه		
روم	۱	۲	ص ۳

بسم الله خیر الاسماء

بدانکه قراء معروفه ده نفرند و هر یک دو راوی دارند که مجموع سی نفر میشوند و هر کدام رمزی دارند و مجموع اسامی قراء و راویان آنها و رموزیکه اشاره باسامی آنهاست در این صفحه ثبت است

نافع المدنی	ابن کثیر المکی
ا	د
قالون ورش	بزی قنبل
ب ح	ه ز
ابن عامر الشامی	ابو عمرو البصری
ک	ح
هشام ابن ذکوان	دوری سوسی
ل م	ط ی
عاصم الکوفی	حمزة الکوفی
ں	ف
بکر حفص	خلف خلاد
ص ع	ض
کسائی الکوفی	ابو جعفر المدنی
ر	ث
ابو الحارث دوری	ابن وردان ابن جماز
ش ث	خ ذ
یعقوب الحضرمی	خلف
ط	و
رویس روح	اسحق ادریس
ع س	

اسامی قراء شاذ که چهار نفر هستند با رموز آنها

شنبوذی ابن المحیصن	اعمش حسن البصری
ذی ص	س بس

و عاصی و گناهکار و در ایشان بسیار بود چرا خدا این زحمت را پیشتر در زمان آدم متحمل نشد که [illegible] نیکان [illegible] عاصی [illegible] نجات یابند و دیگر اینکه عذاب نبردند زیرای خدا اگر سهل بود لاهوت خود را با ناسوت آدم یا یکی از اولاد او بلا فاصله متحد نماید و این صدمات را متحمل شود و مایه نجات

هم شده کان کرده گفتند حکمت بر باخر را بعد از آن نم گفت انجیل اربعه شما مخدوش شده و در آن تغییر شده اسفار عهد عتیق ...
وهیچ در آن از او هنا را بیم بیست بلکه در اولش مکوید که خدا در همه شانه عمل را شان نزول نموده صحیح از آن نوشتند
و اگر چه دخلی باتحاد بالله دارد و چگونه ادعای عقل میکنند ... بنکه جوابی هر دو ... بدل ... عیسی ... تحمیل ...
ایشان کرده و کسی زبان دعوت نموده و برهانی ... نداده اند ... کلمات انجیل ... از ممکن ... میشوند
کسانیکه مرتکب فواحش ص ۲۲

۴۸۴

اسم سوره	مکی و مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	[illegible]	اسم سوره	مکی و مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	[illegible]
فاتحه	ک	۱	۲۵	۱۲۳	[illegible]	العنکبوت	ک	۶۹	۹۸۰	۴۱۵۷	[illegible]
البقره	م	۲۸۶ / ۲۸۷	۶۱۲۱	۲۵۵۰۰	[illegible]	الروم	ک	۶۰	۸۱۹	۳۵۳۴	[illegible]
آل عمران	م	۲۰۰	۳۴۸۰	۱۴۵۲۵	[illegible]	لقمان	ک	۳۴	۵۴۸	۲۱۱۰	[illegible]
النساء	[illegible]	۱۷۶ / ۱۷۵	۳۵۴۰	۱۶۰۳۰	[illegible]	السجده	ک	۳۰ / ۲۹	۳۸۵	۱۵۱۸	[illegible]
المائده	م	۱۲۰ / ۱۲۲	۲۸۰۴	۱۱۷۳۳	[illegible]	الاحزاب	م	۷۳	۱۲۸۸	۵۷۹۶	[illegible]
الانعام	مکی الا	۱۶۵ / ۱۶۶	۳۰۵۲	۱۲۴۲۲	[illegible]	سبا	ک	۵۴	۸۸۳	۳۵۱۲	[illegible]
الاعراف	ک	۲۰۵ / ۲۰۶	۳۸۲۵	[illegible]	[illegible]	فاطر	ک	۴۵	۷۷۷	۳۱۳۰	[illegible]
الانفال	م	۷۵ / ۷۶	۱۲۳۱	۵۲۹۴	[illegible]	یس	ک	۸۳ / ۸۲	۷۲۷	۳۰۰۰	[illegible]
التوبه	م	۱۲۹ / ۱۳۰	۲۴۹۷	۱۰۰۹۸	[illegible]	الصافات	ک	۱۸۲ / ۱۸۱	۸۶۰	۳۸۲۶	[illegible]
یونس	م	۱۰۹	۱۹۳۷	۵۵۵۷	[illegible]	ص	ک	۸۸ / ۸۶	۷۳۲	۳۰۶۹	[illegible]
هود	ک	۱۲۳ / ۱۲۱	۱۹۱۵	۷۵۶۷	[illegible]	الزمر	ک	۷۵ / ۷۲	۱۱۸۰	۴۷۰۸	[illegible]
یوسف	ک	۱۱۱	۱۷۷۶	۷۱۶۰	[illegible]	المؤمن	ک	۸۵ / ۸۴	۱۲۰۰	۴۹۶۰	[illegible]
الرعد	مدنی و مکی	۴۳ / ۴۵	۸۵۵	۳۵۰۶	[illegible]	فصلت	ک	۵۴ / ۵۳	۷۹۶	۳۷۵۰	[illegible]
ابراهیم	ک	۵۲ / ۵۱	۸۵۰	۳۴۳۴	[illegible]	الشوری	ک	۵۳ / ۵۰	۸۶۶	۳۵۸۸	[illegible]
الحجر	ک	۹۹	۶۵۴	۲۷۷۱	[illegible]	الزخرف	ک	۸۹	۸۳۳	۳۴۰۰	[illegible]
النحل	ک	۱۲۸	۱۸۴۱	۷۷۰۷	[illegible]	الدخان	ک	۵۹ / ۵۷	۳۴۶	۱۴۳۱	[illegible]
بنی اسرائیل	ک	۱۱۱ / ۱۱۰	۱۵۱۳	۶۴۶۰	[illegible]	الجاثیه	ک	۳۷ / ۳۶	۴۸۸	۲۱۹۱	[illegible]
الکهف	ک	۱۱۰ / ۱۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الاحقاف	ک	۳۵ / ۳۴	۶۴۴	۲۶۰۰	[illegible]
مریم	ک	۹۸	۷۶۲	۳۸۰۲	[illegible]	محمد	م	۳۸ / ۴۰	۵۳۹	۲۳۴۹	[illegible]
طه	ک	۱۳۲ / ۱۳۵	۱۰۴۱	۵۳۲۰	[illegible]	الفتح	م	۲۹	۵۶۰	۲۴۳۸	[illegible]
الانبیاء	ک	۱۱۲ / ۱۱۱	۱۱۶۸	۵۹۹۰	[illegible]	الحجرات	م	۱۸	۳۴۳	۱۴۷۶	[illegible]
الحج	مکی و مدنی	۷۸ / ۷۶	۱۲۹۱	۵۱۲۵	[illegible]	ق	ک	۴۵	۳۷۵	۱۴۷۷	[illegible]
المؤمنون	ک	۱۱۸ / ۱۱۹	۱۸۴۰	۴۸۰۴	[illegible]	الذاریات	ک	۶۰	۳۶۰	۱۲۸۶	[illegible]
النور	م	۶۴	۱۳۱۶	۵۳۸۰	[illegible]	الطور	ک	۴۹ / ۴۸	۳۱۲	۱۵۰۰	[illegible]
الفرقان	ک	۷۷	۷۹۳	۳۷۵۳	[illegible]	النجم	ک	۶۲ / ۶۱	۳۶۰	۱۴۰۵	[illegible]
الشعراء	ک	۲۲۷ / ۲۲۶	۱۱۹۷	۵۵۴۲	[illegible]	القمر	ک	۵۵	۳۴۲	۱۴۲۳	[illegible]
النمل	ک	۹۵ / ۹۴	۱۱۴۹	۴۷۹۹	[illegible]	الرحمن	ک	۷۸ / ۷۵	۳۵۱	۱۶۳۶	[illegible]
القصص	ک	۸۸	۱۴۴۱	۵۸۰۰	[illegible]	الواقعه	ک	۹۶ / ۹۷	۳۷۸	۱۷۰۳	[illegible]
						الحدید	م	۲۹	۵۴۴	۲۴۷۶	[illegible]

و منکرات مشوند ... خدا با من راه بخواهید داشت و من ایشان را انگیز خواهم کرد و شما میگوئید کسانیکه افراد الوهیت او نمایند هر چه از منکرات و فواحش کنند از اهل نجات است باز گفت یا با عقاید شما شرب خمر واجب است گفتند نه گفت پس اگر کسی جناب ایشان کند چه ضرر دارد گفتند چنین کسی خر است که چنین چیز خوبی که مفرح قلب است ترک نموده گفت این مسلم است که تمیز انسان از خر و سایر حیوانات بقوه عقل داده اکنون هر کس حفظ عقل خود را نماید و در صدد تکمیل آن باشد باید بیشتر نزد یکتا بشنیاکسی که اعتنا بحفظ عقل خود داشته باشد هموار خود را مست و لایعقل کند مانند حیوانات بی شعور بغیر است که کدام فرقه بحربت احقند بان گفت که شما بو رستم از کتاب خدا میدهید موسی را رسول خدا گفتند و لکن در انجیل شما میگوید که من بجهت باطل کردن احکام تورات نیامده ام بلکه بجهة تکمیل آن آمده ام و حال اینکه در شرع موسی توریت تمسک بشنبه و ترک عمل در آن از واجبات و ختنه واجب بوده است و طلاق دادن زنان جایز بوده و احکام بسیاری از کفارات و غیره در آن هست که شما هیچیک مقید نیستند

جون عهد آمدن عیسی عقول تکمیل یافت این بود ساقط شد گفتند پس تغییر احکام نسبت باختلاف اقتضای زمان و اهل آن ممکن است پس چه ضرر دارد که بعد از عیسی باز پیغمبری مثل موسی بیاید از جانب خلاق خدای بسبب اقتضای این زمان بیاورد و معجزاتی مانند موسی داشته باشد که مصدق دعوی او باشند خاتمه مسلمین ادعا میکنند خصوصا اگر در انجیل میگوید که چون من بروم فارقلیطا خواهد آمد و شما را تکمیل خواهد کرد چه عیب دارد که فارقلیطا همین پیغمبر باشد که مسلمین میگویند اگر مسلمین

مثل آن پیغمبر ظاهر شده باشد شما اگر امر حجت بر بطلان اعتقاد ایشان خواهند بود هم از جواب عاجز شدند و سرها بزیر افکنده و شرمنده
گردیدند باز گفتند در انجیل شما ذکری نیست از اینکه حضرت عیسی کسی را دعوت کرده باشد بدین خود غیر از بنی اسرائیل را بلکه در
جائی میگوید که من نیامده ام مگر بجهت شبانی گوسفندان گم شده از آل بنی اسرائیل پس شما که معتقد باین انجیل هستید مگر اجماع
فرق را دعوت بدین خود میکنید و بچه جهت سعی میکنید که هندو و مسلم بدین شما در آیند و حال اینکه از بنی اسرائیل نیستید پس بنا بر این مگر

منکرین بدین شما شوند اصلا خطری و ضرری از برای اینها متصور نیست پس از آن که شنیدم داخل در بلاد اسلام شده و در طایفه شما که رو بقبله ایستاده مشغول نماز بودند و سنیها را ایشان نگذاشته بودند بعد از فراغ از نماز نزد ایشان رفته و از معتقد ایشان سؤال نمودم گفتند ما بر دین اسلام و بمذهب سنت هستیم اعتقاد ما آنست که عالم را صانعی واحدی بی شریک است و محمد بن عبدالله خاتم انبیا است و بعد از او ابوبکر و عمر و عثمان و علی بترتیب خلیفه او شدند باجماع امت و در احکام مقلد خلفای اربعه هستیم یعنی ابوحنیفه و شافعی و مالک و احمد بن حنبل و تقلید دیگر را حرام میدانیم گفتم اعتقاد امامت بر خلفای ازمنه از اصول دین است که منکر آن کافر شود گفتند هرکس سنی نبوده کافر است هم مسلم است گفتم کفار مخلد در نار باشند نه خاودنی منکر عاقبت جهنم خواهند خواهند شد و هم خلق از عذاب خلاص میشوند گفتم در ترک سلوک طریق چندان خطری ندارد زیرا که عاقبت با عقاید شما ناجی خواهند بود خصوص اگر از اینها دنیا داشته باشند پس شخصی با ایشان گفت که شما اشعری هستید و اشاعره چیزی را بر خدا لازم نمیدانند هیچ چیز وا را قبیح نمیدانند پس برای مذهب شما فرقی بین

اسم سوره	مکی یا مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
المجادلة ۵۸	م	۲۲	۴۷۳	۱۹۹۲	[illegible]
الحشر ۵۹	م	۲۴	۴۴۵	۱۵۱۳	[illegible]
الممتحنة ۶۰	م	۱۳	۳۴۸	۱۵۱۰	[illegible]
الصف ۶۱	م	۱۴	۲۲۱	۹۲۶	[illegible]
الجمعة ۶۲	م	۱۱	۱۸۰	۷۴۸	[illegible]
المنافقون ۶۳	م	۱۱	۱۸۰	۷۷۶	[illegible]
التغابن ۶۴	ک	۱۸	۲۴۱	۱۰۷۰	[illegible]
الطلاق ۶۵	ک	۱۲ / ۱۱	۲۴۹	۱۰۶۰	[illegible]
التحریم ۶۶	م	۱۲	۲۴۷	۱۱۶۰	[illegible]
الملک ۶۷	ک	۳۰	۳۳۵	۱۳۱۳	[illegible]
ن ۶۸	ک	۵۲	۳۰۰	۱۲۵۶	[illegible]
الحاقة ۶۹	ک	۵۲ / ۵۱	۲۵۶	۱۴۸۰	[illegible]
المعارج ۷۰	ک	۴۴	۲۱۶	۸۶۱	[illegible]
نوح ۷۱	ک	۲۸ / ۲۹	۲۲۴	۹۵۹	[illegible]
الجن ۷۲	ک	۲۸ / ۲۸	۲۵۵	۷۵۹	[illegible]
المزمل ۷۳	ک	۲۰ / ۱۹	۲۸۵	۸۳۸	[illegible]
المدثر ۷۴	ک	۵۶ / ۵۵	۲۵۵	۱۰۱۰	[illegible]
القیامة ۷۵	ک	۴۰ / ۳۹	۱۶۵	۳۵۲	[illegible]
هل اتی ۷۶	ک و دیگری م	۳۱	۲۴۰	۱۳۵۰	[illegible]
المرسلات ۷۷	ک	۵۰	۱۸۱	۸۱۶	[illegible]
النبأ ۷۸	ک	۴۰ / ۴۱	۱۷۳	۷۷۰	[illegible]
النازعات ۷۹	ک	۴۶ / ۴۵	۱۷۹	۷۵۳	[illegible]
عبس ۸۰	ک	۴۲ / ۴۱	۱۳۳	۵۳۳	[illegible]
التکویر ۸۱	ک	۲۹	۱۰۴	۴۲۵	[illegible]
الانفطار ۸۲	ک	۱۹	۸۰	۳۲۷	[illegible]
المطففین ۸۳	ک	۳۶	۱۶۹	۷۰۳۰	[illegible]
الانشقاق ۸۴	ک	۲۳ / ۲۵	۱۰۷	۴۳۰	[illegible]
البروج ۸۵	ک	۲۲	۱۰۹	۴۵۸	[illegible]
الطارق ۸۶	ک	۱۷	۶۱	۲۴۶	[illegible]

اسم سوره	مکی یا مدنی	عدد آیات	عدد کلمات	عدد حروف	ترتیب نزول
الاعلی ۸۷	ک	۱۹	۷۲	۲۷۱	[illegible]
الغاشیة ۸۸	ک	۲۶	۹۲	۳۸۱	[illegible]
الفجر ۸۹	ک	۳۰ / ۲۹	۱۳۱	۵۶۶	[illegible]
البلد ۹۰	ک	۲۰	۸۳	۳۳۷	[illegible]
الشمس ۹۱	ک	۱۶	۵۴	۲۴۶	[illegible]
اللیل ۹۲	ک	۲۱	۷۱	۳۱۰	[illegible]
الضحی ۹۳	ک	۱۱	۴۰	۱۷۲	[illegible]
الانشراح ۹۴	ک	۸	۲۷	۱۰۳	[illegible]
التین ۹۵	ک	۸	۳۵	۱۵۰	[illegible]
اقرأ ۹۶	ک	۱۹	۱۲	۲۸۰	[illegible]
القدر ۹۷	ک	۵	۳۰	۱۱۲	[illegible]
البینة ۹۸	ک	۸ / ۹	۹۴	۳۹۶	[illegible]
الزلزلة ۹۹	ک و دیگری	۸ / ۹	۳۵	۱۴۹	[illegible]
العادیات ۱۰۰	ک	۱۱	۴۰	۱۶۳	[illegible]
القارعة ۱۰۱	دک	۱۱ / ۸	۳۶	۱۵۲	[illegible]
التکاثر ۱۰۲	ک	۸	۲۸	۱۲۰	[illegible]
العصر ۱۰۳	ک	۳	۱۴	۶۸	[illegible]
الهمزة ۱۰۴	ک	۹	۳۳	۱۳۳	[illegible]
الفیل ۱۰۵	ک	۵	۲۳	۹۷	[illegible]
قریش ۱۰۶	ک	۴	۱۷	۷۶	[illegible]
الماعون ۱۰۷	ک	۷	۲۵	۱۱۵	[illegible]
الکوثر ۱۰۸	ک	۳	۱۰	۴۲	[illegible]
الکافرون ۱۰۹	ک	۶	۱۶	۹۴	[illegible]
النصر ۱۱۰	ک و دیگری م	۳	۱۹	۷۹	[illegible]
تبت ۱۱۱	ک	۵	۲۳	۸۱	[illegible]
الاخلاص ۱۱۲	ک	۴	۱۵	۴۷	[illegible]
الفلق ۱۱۳	ک	۵	۲۳	۷۳	[illegible]
الناس ۱۱۴	ک	۶	۲۰	۸۰	[illegible]

شیعه و سنی نیست خدا را ندهر کس را میخواهد عذاب میکند و هر کس را میخواهد بهشت میبرد بدون آنکه سؤال از ما باید پس دیگر شما چه ضرر دارد
که شیعه شوید و از برای شیعه چه منفعت دارد که سنی شود پس این همه تعصب بجهت مذهب خود میکشید و کتب شیعه را میسوزانید چه معنی دارد
گفت شما جبری مذهب هستید افعال بندگان را چه خیر و چه شر از خدا میدانید پس شما را چه اعتراضی است بر شیعه که از خود فعلی ندارید هر چه
میکنند

میکنند باراده و مشیت حتمیه خداست باز گفت که این پیغمبر را شما مضطر نمیسید این قدر زحمت در راه دین کشیدند و قران اورد و شریعت قرار داد هیچ نمیبینم که احکام او را اجرا کنید بلکه بقانون سلاطین عمل میکنید ایا تو این کسری و قیصر چه عیبی داشت که پیغمبر این همه زحمت بجهت تغییر ان بکشد و اخر امر مجری بقانون سلاطین شود و حکام شرع شما هم از روی ان قانون حکم کنند و بر خود اسم اسلام بندند همه سر بزیر انداختند جوابی ندادند پس از ایشان گذشته بطایفه دیگر رسیدم سر زانو گذاشته تسبیح میدست و مشغول ذکر هستند و گاه گاه اه سرد از دل پر درد بر کشند گفتم شما چه اعتقادی دارید مرب

گفتند ما صوفیه هستیم از اهل باطن و اسرار ذهنیم و ائینه دل را جلاداده مشاهده جمال الهی مینمائیم گفتم از معرفت تحصیل کردن باید گفتند دانسته ایم که خدا وجود واحد در عین کثرات است و عالم امکان وهم و خیال است و هر گاه عارف کامل شود متحد میشود با خدا و هر زمانی محجوب از مشاهده جمال اوست همان است عذاب ابدی او گفتم برهان شما بر این مدعا چیست گفتند این مطلب وجدانیست برهانی ندارد گفتم پس معجزه بر صدق دعوی خود دارید گفتند نه گفتم پس اگر کسی تصدیق شما نکند و به همین ظاهر بچسبد و تصدیق انبیا کند ایا هالک است گفتند بلی گفتم علمای ظاهر ایا شما را کافر میدانند گفتند چنین چنین میدانند گفتم پس این راه شما خطر عظیم دارد و دعوای بی دلیل هیچ حجتی ندارد و شخص عاقل بان راه نخواهد رفت پس از ایشان گذشتم و بطایفه دیگر رسیدم دیدم شخصی بر منبر برامده مردم را موعظه میکند و میگوید ایها الناس بدانید که ائمه اثنی عشر خالق و رازق مید و شئون ربوبیت در ایشانست و علم ایشان بهمه اشیاء حضوری است اطلاقی و عیانی نیست و ذات خدا را در او نیست و تا خدا بوده است ملک خدا نیز بوده است پس عالم قدیم زمانی است و معاد در این جسد عنصری نخواهد بود بلکه در جسد هورقلیائی است و طیبوا امام عصر و جعفر ائمه در عالم مثال است و ملکها از جمله مجردانند خدا با شبیحات شبیح است باب علم مفتوح است و عمل بطن باطلست و ما حامل اسرار اهل بیتیم چون بزیر امد نزد او رفتم و گفتم شما را چه مذهب است گفت ما شیخیه هستیم بتبع اتباع مرحوم شیخ احمد احسائی شخص گفت که او خود در شرح الزیاره گفته که مطالب من اسرار است و همه کس از ان نمی فهمد پس معلوم میشود که مردم مکلف بانها نیستند پس چرا شما مردم را دعوت میکنند

اسما سالهای مکیه و نود سوره که در مکه معظمه نازل شده است

سال اول را سنه افتتاحیه خوانده اند و در ان بیست و شش سوره نازل شده است	فاتحه ناس فلق اخلاص تبت نصر کافرون کوثر ماعون قریش فیل الهمزه العصر تکاثر و دعه عادیات زلزال علق تین انشراح الضحی اللیل الشمس بلد فجر غاشیه
سال دویم را سنه استعلائیه خوانند و در ان سیزده سوره نازل شده است	الاعلی الطارق البروج الانشقاق التطفیف الانفطار التکویر عبس النازعات النبا المرسلات الدهر القیمه
سال سیم را سنه دثاریه خوانند و در ان هشت سوره نازل شده است	المدثر المزمل الجن نوح المعارج الحاقه القلم الملک
سال چهارم را سنه واقعیه خوانند و در ان هفت سوره نازل شده	الواقعه الرحمن القمر النجم الطور الذاریات ق
سال پنجم را سنه احقافیه خوانند و در ان چهار سوره نازل شده	الاحقاف الجاثیه الدخان الزخرف
سال ششم را سنه شوریه خوانند و در ان چهار سوره	الشوری فصلت المومن الزمر
سال هفتم را سنه ص دومیه خوانند و در ان پنج سوره	ص صافات یس ملئکه سبا
سال هشتم را سنه الم سجده خوانند و در ان چهار سوره	السجده لقمن الروم العنکبوت
سال نهم را سنه طاسینیه خوانند و در ان سه سوره نازل	القصص النمل الشعراء
سال دهم را سنه فرقانیه خوانند و در ان سه سوره	الفرقان المومنون الانبیا
سال یازدهم را سنه کهفیه خوانند و در ان چهار سوره	طه مریم الکهف اسری
سال دوازدهم را سنه نحلیه خوانند و در ان پنج سوره	نحل الحجر ابرهیم الرعد یوسف
سال سیزدهم را سنه هودیه خوانند چهار سوره	هود یونس الاعراف الانعام

اسماء سالهای مدنیه و بیست و چهار سوره که در مدینه منوره نازل شده است

سال اول را سنه هجرتیه خوانده اند و در ان چهار سوره نازل شده است	القدر التغابن المنافقون الجمعه
سال دویم را سنه بدریه خوانند و در ان سه سوره نازل	البینه الصف الحدید
سال سیم را سنه احدیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	محمد المجادله
سال چهارم را سنه نضیریه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	الحشر الممتحنه
سال پنجم را سنه خندقیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	الحجرات الحج
سال ششم را سنه حدیبیه خوانند و در ان دو سوره نازل شده است	النساء النور
سال هفتم را سنه خیبریه خوانند و در ان سه سوره نازل	الطلاق التحریم الاحزاب
سال هشتم را سنه فتحیه خوانده اند و در ان دو سوره نازل شده	الفتح الانفال
سال نهم را سنه تبوکیه خوانند و در ان دو سوره نازل	التوبه البقره
سال دهم را سنه وداعیه خوانند و در ان دو سوره نازل	ال عمران المائده

میکند وایضاً اگر مطالب شما از سرار است پس اظهار آن بجمیع مردم و نوشتن در کتاب از گناهان کبیره است زیرا که اگر پادشاهی سر خود را بکسی
بسپارد و او فاش کند مستحق عقوبت بزرگ خواهد شد و کرد دروغ است و اهل تا هم از نصاری و خلاف ایشان هیئت روز و راه است و خلاف آن
بیشمار در بین راه بدریا نشستیم و در آن بین خیال تجارت ما از برمدا و مت سفر دریا باز داشت تا اینکه بجزیره رسیدیم بسیار عظیم مشتمل بر اشجار و
شهرهای بسیار در آنجا نزدیک بیکی از آن شهرها نزول نمودیم و ما خدا سؤال کردم از نام آن شهر گفتند من هرگز این جزیره را ندیده ام و حال آنکه من بارها
در اینجا مسافری است پس
نزد ملک آن رفته از یکی پرسیدیم
نام این شهر چیست گفتند مبارکه
نام دارد گفتیم پادشاه اینجا
کیست و اسم او چیست گفت اسم
او طاهر است و سریر ملک او
در زواهر است و از اینجا تا آنجا
ده شب است در آب و هفت
شب است در خشکی و اهل
اینجا همه مسلمند گفتیم کی در
اینجا بعض زکوة میکند گفتند
داد را امراد نیست پس چرا دروغ
را امام خودی بیند بجز تقدیر
این راه خطرناک است باز پرسیدیم
که شما علمای مشترکه را چگونه
میدانید اینها لکند یا ناجی
گفتند اگر بشیخ و سید مرده
از سند کا ظهر رشتی سند کنند
ناجی خواهند بود گفتم ها در
سماجه میگویند گفتند جمعی از
ایشان ما را کافر میشمارند گفتیم
بر طریقه شما عمل خطر عظیم است
و طریقه ایشان خالی از خطر است
پس از ایشان گذشته جمعی دیگر
رسیدیم دیدیم که ریش را تراشیده
و سبیل را تا بنا ده علی ذوقه
و قلندره بر پا و مشغول لهو و لعب
و شرب خمر و طنبور و ضرب بودند
پرسیدیم اینها چه طایفه اند گفتند
در ظاهر مسلمان و لکن فرقی نما
بیخبری اند هیچ دخری شرکند
و شرع و اهل او را مسخره میکنند
و خود را عاقل میشمارند یکی از
ایشان را طلبیده بار گفتم این
شما را برای اعتقاد که دارید بر خدا
هست که عالم را صانع نیست
و هر چیزی خود بخود میگردد
گفتم پس چگونه خاطر تو جمع است
و مطمئن است که همه اخبار انبیا
و اولیا و صلحا دروغ است و چه
وقت تدارک عذاب خلود در
آتش را نداشته پس بدان که
گر صد هزار آسمان و زمین عجب
بزرگ فرض کنیم و همه پر از زن
باشد و هر صد هزار سال یکدانه از آن با اهل جهنم بدهند و صد هزار مرتبه از آسمانها و زمینها خالی شود باز پر کنند بمقدار مدت در جهنم دیدم کمتر از یک ذره نسبت
بعد و این رضا باتفاق تمام انبیا و اولیا و علما بتمامها که معتقد بصانع و شرایع نیستند در جهنم عذاب مخلد خواهند بود این چیزهایی که باعث اطمینان ز
ان باشد چه تواند گفت ما اعتقاد بشرع داریم گفتم اما شارع را حکیم و عالم میدانید گفت داری گفتم ای پیغمبر را مام دین خود را میزاشند و سبیل را تاب میدهد

فی طلب الرزق

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاَنْزِلْهُ وَاِنْ كَانَ فِي الْاَرْضِ فَاَظْهِرْهُ وَاِنْ كَانَ بَعِيداً فَقَرِّبْهُ وَاِنْ كَانَ قَرِيباً فَاَعْطِنِيهِ وَاِنْ كَانَ قَدْ اَعْطَيْتَنِيهِ فَبَارِكْ لِي فِيهِ وَجَنِّبْنِي عَلَيْهِ الْمَعَاصِيَ و اگر دعای
دیگر بعد از نماز خفتن دعای اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي تا آخر بخواند بنهجی که در کتب ادعیه مذکور و مسطور است

فی طلب الحاجة

چون معطلی کاری بدون قرائت در رکوع و سجود در رود و هفت بار بگو یا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فی الحال مطلب تو بر آید و بروایتی زانو ها و ذراعین را برهنه
کرده سجده کن و سینه را بر زمین بچسبان و نوعی دیگر وضو ساخته دو رکعت نماز
نموده صد بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم مطلب تو بر آید انشاء الله

فی الهم والحزن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ اَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ اَوْ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ اَوْ عَلَّمْتَهُ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ اَوِ اسْتَاْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ اَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجَلاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي

لفزع الصبیان

اِذَا فَزِعَ وَلَدُكَ را با آیه وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ تا آخر با و بخوانند
و نوشته بوی آرند نوعی دیگر اسماء اصحاب کهف را نوشته در زیر بالین طفل خود
گذارند نگین آید جهت دفع خوف و سقوط جنین و رفع شر جن و سباع و غرق
و حرق و زلزله و حفظ مرکب و اولاد و در سفر و حضر خواندن و با خود داشتن این اسما

فی الغضب

اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاَجِرْنِي مِنْ مُضِلاَّتِ الْفِتَنِ اَسْاَلُكَ رِضَاكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ اَسْاَلُكَ جَنَّتَكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاَسْاَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَى وَالصَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِياً مَرْضِيّاً غَيْرَ ضَالٍّ وَلاَ مُضِلٍّ و دست رحم دادن و نشستن نیز تسکین دهد

دعاء المریض

صاحب آزار بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَغَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَغَيْرِ شَاكِرٍ پس ریش خود را بدست راست گرفته در عقب نماز واجب
دو بار بگو اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ كُرْبَتِي وَعَجِّلْ عَافِيَتِي وَاكْشِفْ ضُرِّي و تمام درد
نماید نوعی دیگر رقعه خوابیده مشت گندم را بر روی سینه و شکم خود بریزد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا سَاَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ
عَلَى خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پس گندم را جمع کند و بفقرا بدهد و لا بد
نصرت یکصد و دعای آخر را بالا تسبیح دهد مجرب است

صلوة الرزق

چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد و در چاشت جمعه زیارت رسول خدا کن و در علم خاک
پا بیای تنها پس دو رکعت نماز کن و بر زانو ها بزمین و دست چپ زانوی راست
بگیرد و دست راست زانوی چپ را که دست راست بر بالای دست چپ باشد پس آب
بست روی بجد بگو اِلٰهِي تُبْتُ تَنْقَطِعُ الرَّجَاءُ اِلاَّ مِنْكَ وَخَابَتِ الْآمَالُ اِلاَّ فِيكَ يَا ثِقَةَ مَنْ
لاَ ثِقَةَ لَهُ لاَ ثِقَةَ لِي غَيْرُكَ اِجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ
لاَ اَحْتَسِبُ پس بسجده بگو يَا مُغِيثُ اِجْعَلْ لِي رِزْقاً مِنْ فَضْلِكَ پس بجد هشتم صبح شنبه روزی کند

صلوة للوالدین

دو رکعت است در رکعت اول فاتحه و ده بار رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ و در ثانی فاتحه و ده بار رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از سلام بگو رَبِّ ارْحَمْهُمَا و در
هر رکعت بعد رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً و در سجده نیز ده بار بعد فراغ بگو

صلوة الهم والغم

دو رکعت در هر رکعت سیزده بار قدر و بعد از فراغ در سجده بگو اَللّٰهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا
كَاشِفَ الْغَمِّ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَرَحِيمَ الْآخِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَتُحَقِّقْنِي بِهَا مِنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ و راست
رو بر زمین گذارد و بگو يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ مَجْهُودِي فَرِّجْ عَنِّي

صلوة الخوف

چون از ظالم ترسناک باشی غسل کرده دو رکعت نماز کن و زانو های خود را برهنه بر زمین
نهی و صد بار بگو يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَغِثْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ پس بگو اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَلْطُفَ بِي وَاَنْ تَغْلِبَ لِي وَاَنْ تَمْكُرَ لِي وَاَنْ تَخْدَعَ لِي وَتَكْفِيَنِي مَؤُونَةَ فُلاَنٍ بِلاَ مَؤُونَةٍ

صلوة الضر والفقر

وقت تنگی در زوال دو رکعت نماز و رکعتین در عالش کن و بعد از فراغ از سجده
بگو يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا كَرِيمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ اَسْاَلُكَ
يَا اَللّٰهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْاَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحَاتِكَ وَفَتْحاً يَسِيراً
وَرِزْقاً وَاسِعاً اَلُمُّ بِهِ شَعَثِي وَاَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَاَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي

صلوة الدین

در جدول امام محمد تقی علیه السلام ذکر شده نوعی دیگر چون تنگی از حسب بکند در هر روز دو
رکعت نماز کن در رکعت اول بعد از حمد سوره ملک و در ثانی هل اتی بخوان بعد از فراغ بگو
قَدْ نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَارَتِ النُّجُومُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لاَ تَاْخُذُكَ سِنَةٌ وَلاَ نَوْمٌ
لاَ يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلاَ سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ وَلاَ اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلاَ بَحْرٌ لُجِّيٌّ وَلاَ
ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ يَا مُفَرِّجَ الْاَبْرَارِ وَغِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ واقض حاجتی و بگو... و این دعا از دیگر کار آمد و اعانت و کار
هم از جهت سریع الاجابت

بعقد صوفیه بر مزخرفات و در شرب خمر و ضرب و طنبور مشغول میشدند گفت معاذ الله بلکه او را نهی میکردند گفتند . گر دزدی اهل خیر و خوبی بود چرا ایشان منع میکردند
و اگر دزدی بس چرا تنها میکند و خیال آنکه خود را عاقل میشمارد بدو جواب عاجز شده فرو ماندند پس از ایشان گذشته بطائفه دیگر رسیدم که گردهم نشسته
اعتقاد میخود ۲۸۸ که پهلوی شمار دادند گفتند باین مسند و اعتقاد شان است که میرزا علی محمد شیرازی
نایب امام زمان عجل الله بوده و عاقبت خدا در او ظهور کرده قرآن بزبان او فرستاده و رجعت و قیامت برپا شده

باب الالف

هو الله تعالی

مفتاح کشف الآیات و قواعد القرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد و الصلوة چون کشف الآیات که علماء از قبلها نوشته بودند مشتمل بود بر تمامه کلمات قرآن من البدو الی الختم از مشتقات وجوامد و ضمائر و اسماء اشاره و غیرها و تمام آنها از حیث کشف فائده نداشت و کاشف را بمطلوب نمیرساند لذا بمحض سهولت همین کشف الآیات مرقوم را تجرید نموده از کلماتی که از حیث کشف فائده نداشتند از قبیل ضمائر و اسماء اشاره و موصولات و اسماء افعال مستثنا و مشتقات را که در صورت تعدد تا چهار سوره که برای کشف فائده تامه داشتند ذکر شده و بعضی مواردهم تا پنج شش سوره ذکر شده و ترتیب این کشف الآیات بطرز کتب لغت ملاحظه شده که باید مادّه کلمه ملاحظه شود پس اگر مادّه کلمه مقصود بهمزه باشد آنرا در باب الف ملاحظه باید کرد و اگر حرف اول با باشد در باب الباء و هکذا بحرف دوم و سوم کلمه هم بترتیب حروف تهجی رعایت شده و حروفی که بتنهائی ذکر نمیشود ضبط شده لیکن متصل بکلمات دیگر تا اینکه معانی که متعلق باتصال این حروف است سهولت رسانند مثل فا و با در فبرحمه و واو در و لا توبنه و لام در للرسول و امثال آن و حروف جاره و کلمات اشاره و امثالها که کلمه که زیاده از صد موضع در قرآن مجید واقع شده از حیث کشف برای کاشف ابداً فائده ندارد لا اخری و مشتقاتیکه در چهار سوره در قرآن واقع است چون فائده تامه داشت از برای کشف ذکر شده است مثل لیجعل و یجعل و هرگاه کلمه در یک سوره زیاده از یکی باشد پس اگر در دو موضع باشد بحرف میم که علامت مکرر است یا بلفظ مکرراً نوشته میشود و اگر در سه موضع و یا زیاده باشد بعلامت جمع که سه مکرر است مرقوم شده و هکذا وقد وقع الفراغ من تحریر هذه النسخه الشریفه فی شهر ربیع الاوّل سنه احدی و ثلثین بعد الالف من الهجره النبویه

باب الالف	هفتم ۱۰۲	بآ و نا سی ام ۴۹ هفتم ۶۸ +	ابائکم دوم ۱۹۶ نهم ۲۳ چهل	۲۴ هفتاد نهم ۱۵ شصت پنجم ۱۷
أ همزه کلمه کوچکی است که متصل میشود بکلمات و بمعنا استفهام میشود مثل أهم و أنت و غیره	أبوه نوزدهم ۲۹	۱۷۲ یازدهم ۶۵ + ۸۹ چهاردهم	سیم ۲۳	هشتاد هشتم ۱
اب ع	ابوها بیستم ۸۱	۱۲ شانزدهم ۳۷	آباءهم بیستم ۷۰ سی سیم ۵	۳۰ آباءها دوم ۲۵ سیزدهم بیست
وابا هشتاد ۳۱	ابوها بیست ششم ۲۳	وآباؤنا بیست سیم ۸۵ بیست	سی هفتم ۶۷ پنجاه سیم ۲۲	آباؤنا هفتاد چهارم ۴۸
ابریق	ابوهم دوازدهم ۶۸ + ۹۴	هفتم ۶۹ + ۷۰	و آباؤهم بیست یکم ۴۵ بیست	آباؤکم ششم ۴۰ + ۴۷ نهم ۵۱
واباریق پنجاه ششم ۱۸	لابیه ششم ۷۴ نهم ۱۱۵	۴۸ وآباؤنا سی هفتم ۱۷ پنجاه ششم	پنجم ۱۹ چهل سیم ۲۸	آباؤهم ششم ۳۴ بیست ششم ۴۲
یا ابرهیم سیزده ۱۰	دوازدهم ۴ نوزدهم ۴۳	ابائکم چهارم ۱۲ + ۲۶ ششم ۹۱	۱۱۵ سی دوم ۲۲ یازدهم ۳ سیزدهم	سی دوم ۲ چهل ۳۷ + ۵۸
لابرهیم بیست دوم ۲۲ سی	بیست یکم ۵۳ سی ششم ۷۰	نهم ۲۴ سی چهارم ۴۲	۵۲ فابی هفتم ۹۱ + ۱۰۱ بیست پنجم	کاباءهم سی نهم ۲۲ پنجاه نهم ۲
هفتم ۸۱	سی هفتم ۸۳ چهل سیم	و آباءکم هفتم ۶۹ دوازدهم ۴۰	وابی بیستم ۵۸	و آباءهم شانزدهم ۲۸
وابرهیم سی نهم ۷ پنجاه سیم ۳۸	۲۵ ششم ۴	بیست یکم ۵۵ بیست ششم ۷۶ پنجاه سیم ۲۳	ابو بیستم ۷۶	ابتک بیستم ۱۲۶
وابرهیم بیست سیم ۱۹ پنجاه ششم ۲۶	وابنه بیستم ۳۵	ابا و هم دوم ۱۶۵ پنجم ۱۰۳	فابین سی سیم ۷۲	ابکم ششم ۴۰
ابق سی ۱۴۰	ابنا دوازدهم ۸	یازدهم ۱۱۱ سی ششم ۵	وتابی نهم ۳۲	ابتهم نهم ۷۱
الابل ششم ۱۴۵	ابیکم دوازدهم ۹ + ۵۹ +	اباءه دوازدهم ۳۸	تأبت دوم ۲۸۲ کرد	ابواب نهم ۹۳
لابل هشتادم ۱۷	۸۱ بیست دوم ۷۷	ابائهم دوم ۱۲۷	و تأبی نهم ۸	ابوه بیست هفتم ۸۹
ابابیل صد پنجم ۳	ابیهم دوازدهم ۶۳	۳۶ آباؤنا بیستم ۲۴ بیست نهم	الی شانزدهم ابیه ۶۲ + ۷۲	و ابیات یازدهم ۶۴
ابی دوازدهم ۱۳ صد پنجم ۱	ابا دوازدهم ۶۱	یا آبانا چهل چهارم ۳۵	بیست ششم ۸۹ پنجاه یکم ۵۲	ابنائهم بیست سیم ۷۲ + ۹۲
الی بیست ششم ۸۶	آبانا دوازدهم ۸ + ۱۱ + ۱۷ +	چهل نهم ۲۴	کانی شانزدهم ۲۸	۵۹ تابی دوم ۲۶۰ پنجم ۵۹ ششم
ابا سیم ۴۰	۶۳ + ۶۵ + ۸۱ + ۹۸	۱۱ آباؤکم بیست چهارم ۶۰ بیست ششم	انت پنجاه یکم ۴۲	هفتم ۱۵ دوازدهم ۴۸ + ۴۹
ابا دوازدهم ۷۸	ابیکم دوازدهم ۸۰	۲۵ سی هفتم ۱۲۶ چهل چهارم ۷	۲۸ آتیت دوم ۱۴۰	چهل یکم ۴۰ شصت یکم ۶
بیت دوازدهم ۴ (۱۰۱)	ابام دوازدهم ۱۶	بانهم ششم ۸۷ سیزدهم ۲۳	ابنا بیستم ۷۶	تابت دوم ۱۴۳ سیزدهم ۱۵۵ یازدهم
نوزدهم ۴۳ + ۴۴ + ۴۵	ابوه چهارم ۱۲ بیستم ۷۹	چهلم ۸	ابنا بیست یکم ۴۸ چهل یکم ۱۰	۲۷ دوازدهم ۹۳ شانزدهم ۷۸
۴۰۰ بیست ششم ۲۶ سی	ابوک دوازدهم ۶	لا بائهم چهلم ۴ سی سیم ۵	ابوا بیستم ۱۸۵ بیست پنجم ۴۲	بیستم ۷۶ بیست ششم ۷۰ سی یکم
	ابویه دوازدهم ۱۰۰ + ۱۰۱	یا بهن بیست چهارم ۳۱ سی سیم ۵۵	بیست هفتم ۱۸	۱۵ سیم ۲۰ + ۳۰
	ولابویه چهارم ۱۲	آبانا دوم ۱۶۵ پنجم ۱۰۳ هفتم	و تو بیست هفتم ۱۳۴	قلبات پنجاه دوم ۳۸
	ابوکم هفتم ۲۶	۲۷ + ۹۳ دهم ۷۹ بیست یکم	ابین چهارم ۳۰	۱۷ دبات بیستم ۱۳۲ چهل دوم ۳۳ سی پنجم
	آباء بیست چهارم ۳۱	۲۴ دهم بیست ششم ۷۴ سی یکم	فاکان بیستم ۸ سی ششم ۲ بیست یکم	تابی شانزدهم ۱۱۲ چهل چهارم ۹
		۲۰ چهل سیم ۲۱ + ۲۲		تابی هفتم ۹۴

وثنا ک

هر یک از ائمه بصورتی ظهور نمود مانند چنانچه حضرت فاطمه و قرة العین و حضرت سید الشهداء در دیگری دم حسین پس از ایشان سؤال بوده که تمام ائمه باب را صادق میدانند گفتند
آری گفتم او خبر داده است که شریعت او با بقیت تا روز قیامت دمی باید ثابت ... که در اخبار معتبر شیعه وجود داده است که ائمه طاهرین رجعت خواهند کرد و ایشان که شما
میگوئید حسب و نسب ایشان معلوم است که ائمه نیستند و ابتدا
گفت او در مجره و نوع ممکن بودند دعویست پس اگر ... لوهیت کند یا در این دعا سوت کند یا دعوی ... کند غیر از ائمه اثنی عشری دعوی معلوم

فصل الثانی عشر و ۵۶

ولئن جهار ۱۰۳				
یا نون نه ۵۶ هفده ۹۰				
مجده ۱۴ سی سیتم ۱۸				
یا نوح بحمد ۱۰۱ هفده ۹۰				
بیست چهار ۳۰۴ ، ۴۸				
فتیا نوح ۵ دو ۳۴				
شصت هشتم ۴۱				
یا بنی چهار ۲۳+۱۹ بیست				
دو ۲۸ شصت ۱۳				
ما نوح هفده ۷۸ بیست شش				
۱۶۵ بیست هفتم ۵۵				
فلنا نون هفتاد ۱۸				
ما نون بیست بکر ۳				
۲۸+۲۷				
ونا نون بیست هم ۲۴				
یا نوح دو ۱۸۵				
یا بنی دو ۱۰۰				
یا بنی دوازده ۸۳				
یا بنی بیست هفتم ۲۱				
یا بنی یازده ۹۹				
یا بنی نوزده ۴۴				
یا بنی یازده ۹۰+۴				
یا بنی بیستم ۷۲				
یا بنی شانزده ۱۱۳				
یا بنی دوازده ۳۷				
یا بنی بیستم ۱۳۲				
یا بنی نوزده ۸۳				
یا بنی سیتم ۱۲۹				
ولئن بیست بکر ۵				
۳۵ بیست ۷۲+۷۱				
شصت هفتم ۳۰				
یا بنی دو ۲۴۹				
سی هشتم ۵۵+۵۵				
یا بنی دو ۲۱۰				
۹ سی هشتم ۷۱				
بیستم ۱۲۱				

باب الالف

[illegible]

ایستاجرت

[illegible]

اجل

[illegible]

اخر

[illegible]

(۱۴۹۰

وایستاجرن ، ابنم ، استاجرت ، اجر ، اجل ، اجلہ ، احدہا ، اخذ ، یتخذون ، واخر ، اخر ، یستاخرون

دلکن جو [illegible] ماہر مخوف دیگر من [illegible] محمد [illegible] انبار [illegible] رسول خدا [illegible]
هکه [illegible] بیست [illegible] سید حان [illegible] مساوی [illegible] ان پس هرجان [illegible]
وجود [illegible] اسلمت [illegible] بار مسوق [illegible] اسن رجاب

فصل الالف و[illegible]

حود [illegible] مساوی [illegible]
دای [illegible] رسول [illegible] اسلم [illegible] مدق [illegible] سریعه [illegible]

(۱۴۹۱)

اخوتِ جهدر ۹	اخود بردر ۵ ۷	اخو هر بجی ۲۳	ودن معتد	ورس معد ۲	اسرین معد دشته ۹	وذرج بر ۵
بجمدم ششم ۶	واخوانٌ بجاهر ۱۳	اخوٌ جمدر ۱۵	ودن دشت ۲۸	ووقن سے بجمد	سرے ششم	**یافکون**
۲۳ بسبت بکر ۱۱	اخوتَ معدر ۲۹	لاحت جهدر ۲۷	اذن معتد ۱۲	اذ دوزبر ۲۲۰	الاسرے سبتم ۷	[illegible]
بیست ستم ۴۶۰	اخوت [illegible] ۸	[illegible] نوزد ۰	[illegible]	۲۶ ۵ ۲۶۴	سر [illegible] دوزبر ۰	[illegible]
جهر [illegible] ۲۷	[illegible] ۴۷	الاخبر جهد ۲۷	ذنکه [illegible]	۸۳ جهاد ۰	سرنه سبتم ۸۷	انف بجی بکر ۹
باخرون جهدر ۳۰	حق بجم ۳۳	احنت مستد ۱	ادا [illegible] ۲۷	ر لاد ۳ دوزبر ۲۶۶	ذاسرین نوزد ۵۹	[illegible]
داخرو سبتم ۶۲	۹۰ بیستم ۱۳	لاحت [illegible] ۱۰	[illegible] ۱۶	اده سے سبتم ۴۲	**اسفونا**	[illegible] ۲۹
سے سبتم ۷ [illegible]	ولاخو بعضم ۱۰	[illegible] ۴۷	جهرد ۷	**الازبر**	جهل سبتم	[illegible]
لاخوت [illegible]	ذخی بجم ۲۸	اخهد معتد ۳۶	[illegible]	[illegible] ۳۱	اسد جمد ۵	[illegible]
۴۶ ۱۷۲	بیست [illegible] ۳۴	واخو [illegible] ۲۷	[illegible] ۸۷	[illegible] ۱۰	[illegible] ۸۴	[illegible]
سے معتد ۳۶۰۸	اخوذ دو ازدهر ۶۹	اخو [illegible]	[illegible]	**ارض**	[illegible] ۸۸	۲۵ سے [illegible] ۴۴
وخو سبتم ۵	وحول [illegible] ۴۴	خواهر [illegible]	[illegible] ۸۴	[illegible] ۴۶	**واسمعیل**	[illegible] ۲۳
اخرد [illegible] ۱۸۱	وخو دو ازدهر ۸	سے [illegible] ۵	[illegible]	درض سے [illegible] ۱۳	[illegible] ۱۱۹	[illegible] ۴۰
[illegible]	[illegible]	**ادم**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	**اذن**	[illegible]	**الارائك**	**اسوة**	**اقل**
[illegible]	[illegible]	**اذوا**	[illegible]	**ازر**	**اشر**	**افک**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**نوزرهم ازا**	**مؤصدة**	**اکل**
[illegible]	[illegible]	**واذنت**	[illegible]	**ازفت**	**اصرا**	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	**اذو**	**استبرق**	**اصل**	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**واستبرق**	**اف**	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**وتاسرون**	**بالافق**	[illegible]

حق باشد بقول ایشان موت بنا بر اطلاق نیز هم بلکه در ابد عنقریب میر خواهیم کرد و اما بر شریعت ما و ای محال ایشانست که در آتش یک مخلد خواهند بود بر طریقه ما اسلم است و اگر
شریعت هود حق باشد پس بقول ایشان ما اگر روز چند در دوزخ گرفتار باشیم ناجی خواهیم بود و الا مدتی معذب میشویم و بعد خلاص خواهیم شد اما بشرع ما پس ایشان مخلد در آتش
خواهند بود پس ذی مجال ایشان و اگر شریعت نصاری حق باشد پس در کل حال ایشان اینچه از دعوت ما نیست و از برای ما عذابی مقرر نگردیده اما چه کند
مخلود در آن و اگر نصاری در حق ما چیزی ادعا کنند از عذاب یا خلود در آن چه در محل اعتناء نیست زیرا که مدرک معتنی ندارند و اما کتاب ما و پیغمبر ما متواتر رسید

باب الالف و غیره

سوره الفرقان — الف — الر

ز، کبیر چهد هفتم	سه سیم ۳۷	لف منشر ۶۶	بالجنب بشت ۳	و تقدن چهد دم ۲۷	ولا متن سیم ۱۹	چهل دو ۱۴
بکو بیرد هم ۳	وتمذنی چهد م ۲۵	نعمی منشر ۶۷	الیتیکم سه بشتر ۵	امتی نوزدهم ۲۹	آمد منشرم ۱۲۰۱	امرت منشم ۱۴
رکو سه منشم ۳۹	آسندیر چهل بکم ۲۹	لاین سیم ۱۲۰۱۲	الحیثهم سه همهم ۸۹	امد سه بکم ۳ چهارشنبه	دوازده جهم ۴ بجهم	۱۶۳ سیزده هم ۳۲
بکوی دو ازدهم ۴	بابذیرن سیم ۶۴	انوف دو ۲۴۴	والحنک هفتم ۱۲۴	تأمرد صد بکم ۶	۲۸ ۸ بیست ششم	بیست یکم سه هفتم ۱۴
دکوی هفده هم	شستم ۱ نوده م ۷	الابلای صد ششم ۱	بیسکو بیست بکم ۳۷	دمد بجهم ۷۹	۶ سه دو ۹ بجهم	وامرت دهم ۲۰۷۳
بکوی دو ۲	بیست و ۴۲ بیست	الابلا صد ششم ۲	۶۸ بجهم دو بکم ۲۲	امد بیستم ۴۱۲۳	اهدنا بیستم ۱۰	بیست هفتم ۱۳ سه هفتم
چهارم ۲ سه ششم	دو ۲۰ بیست و دوم ۳۲	وموکید هفده	باسند دو ۱۰۷	امیر بیست ششم ۱۲	الامد بیست ۵	۱۴ چهل ۶۸ چهل دو
۱۲۱ بیست سه م ۲۶	ومدین سیم ۱۹۶	اولیا سیم ۱۵	چهارم ۱۳۴ ۱۴۰	قلامیر چهار ۱۲	امدا سیم ۳۹ بجهم	امرا چهارم ۳ ۶۳
یکوی دو ۸۴	هفتم ۱۵ بیست هم	المر	نمر ۳ دوازده ۶۴	وامر منشد دم ۳۵	بعتاد دو ۲	نمر ۳۱ نود ششم ۴
شنوده کی بجهم ۱۱	۵۵۰۴۹۸۲۰ بیست	دو ۱ سیم ۱ بیست	چهل دو ۷	تمها بیست ششم ۵۹	امود دو ۳ چهارم	وامرنا منشم ۷۰
بکو شصت هم ۳۷	هد ۶ چهل بکم ۳۸	سه سه بکم دو	باتیه هفده ۶	ونی بجهم ۱۱۶	۱۱۴ هفتم ۲۸ دوازده	نومر یازده ۹۴
کبیر دو ۳۴	بجهد دو ۴۰	بالمون	تاتیه دوازده ۷۳	واقمه بجهم ۱۹ بیست	۴۰ سیزده ۲ ۲۵	سه هفتم ۱۰۲
بکره دو ازدهم ۱۳	بجهد هفتم ۷	چهارم ۱۰۵	۹۵۰۹۱۰۸۵	وتهکم چهد ۲۷	نود ششم ۱۲	نومرون شانزده
مکره سیم ۱۷۹	که تدبر سیم ۱۰	مکون چهل ۱۰۵۷	شانزده ۸ ۲۰	اتهکم سه سیم ۶	وامروا بیست دو ۶	شصت ششم ۶
کره چهل دو م ۵	ششم ۱۲۹۰۲ هفتم ۷	الانبم دو ۵	بیست ششم ۷ سه بشتر	بنجاه ششم ۲	امرنا هفتم ۱۷	نومرنا دو ۶۳
کی شاد هم ۷۱	سه سیم ۹ چهل بجهم	الانبم سه هفتم ۳۷	وثقو بیست بکم ۵	امهم بکم شانزده	امره منشد ۲۳	یازده ۶
دکی نوزدهم ۲۶	بجاه هفتم بجاه	الانبم دو ۹۲۰۹	والقو منشم ۲۳	بیست چهارم ۶ سه	امرنا هفتم ۲۷	بیسرون بیست سیم ۱۹
بکلا هفتم ۱۸	بیدین سیم ۶۱	بیست ششم ۲۰۱ بجهم	تثقیقو ششم ۵ امیر	۳ سه ۸ بجهم	امرکم دو ۲۲۲	وامرنا شصت بجهم ۶
نوکلا دو ۳ ۳	ندبر شصت هم	المر	۲۲ بیست چهارم ۱ چهل	اتهم بجهم بنجاه	امرکم دوازده ۶۸	امر چهارده ۴۸
تکو دو ۵ بجهم	بالفن	سیزده ۱	بجهم ۲۵ بنجاه	امد دو ۲۸ هفتم	شصت ششم ۶	یازده ۹۲۰۷۸
ششم ۸ ششم ۷	ششم ۱۵۳ شانزده	المص	بنجاه هفتم ۷	سیم ۱۹۱۰ بجهم ۷۵	امرکم بجهم ۱۱۷	۱۰۳ شانزده ۱
ششم نوز ۲ بیست	۴۶ بیست ۱۱ بیست	هفتم والله	بالوتکم	هفتم ۱۳۸ ۶۴۲۱۵۹	امرهم بیست چهارم ۵۲	۵۰۷۹ سه سیم ۳۲
دو هم ۲۹ ۲۷	۴۵ سه چهارم ۶۶	بیست سیم ۹ الله	سیم ۱۱۴ الا هفتم	۱۸۰ شانزده ۹۴	امرت هفتم ۱۱	۳۸ چهل ۲ بنجاه هفتم
وهو دو ۸۳	چهل بکم ۳۴	بیست هفتم ۶۲۰۱	۷۲ لا بیست ۱۹	امر منشم ۳۹ سیزده	بامر هفتم ۲ شانزده	۱۳ شصت بجهم ۵
[illegible]	که تی شانزده ۹۴	۶۶۰ ۳۴ ۶۳	وکی بیست دو ۳۲	۲۹ بیست ۱۷	۹۲ نوزدهم ۵	امر چهارم ۸۵
شصت بیست ۵	تبیی هفتم ۹	الله بیست ششم ۳۸	ونبک دو ۳ ششم	وتم یازده ۵۰	بیست چهارم ۲۱	قالامر هفتم ۵۲
تکوه چهد م	تکی بیست بجهم سه	چهل ۹ ۳ صد ۳ چهار	الیه نوزده بیست	امر منشم ۲ هفتم	امرتن بیست هفتم ۳۳	بیست هفتم ۳۳
نکره شد دهم ۲۰	تلاد چهارم ۲۰	ربه دو ۱۷	یازده ۵ شانزده	یازده ۵ شانزده	امرکم سیم ۳۰	هشتاد دو ۱۹
دکرهم چهد ۵۹	۱۲۴ دوازده ۵	هفتم بجهم ۱۱ ۳	الیه بیست ۱۳ ۵۳	چهل بکم ۲ چهارم	هفتم ۲۲۰۸	امر هفتم ۹ یازده
بجهم ۶۸	بیست چهد ۵۹	هفتم ۲۲ ۱ بیست بکم	وکبیر شانزده ۵۵	الانم سه بجهم ۳۰	ویامرون منشم ۱۱۰	۲۵ ۷ سیزده
کل چهار م ۱۵	سه منشم ۹ بکم	۳ ۴ ۲۲	اتهما هفتم ۱۸	امر هفتم ۱۲۱	چهارم ۳ بجهم ۳۳	۱۲ صد بجهم ۸۷
ذکر سیزده ۴	وتدابی چهل ۱۹ ۳۸	لاهن سه منشم ۴	۱۲ سه ۲۰	امنه بیست بکم ۹۲	یامرون سیم ۱۰ هفتم	۳۸ چهل هفتم ۹
که منشم ۴۲	تلای سه سیم ۲ بجهم	ونیف بیست ۵ ۲۵	شصت دو ۱۱	بیست سیم ۳ ۵	۱۰۷ بیست ششم ۳۳	بکرم ۴ شصت بجهم
نکری سیزده هم ۳	منشد ۲ وتلاتی	حکم شانزده ۲۳	ابکم بیست ۵	اتبی بجهم ۲	امرون دو ۴۱	یامر نوزده ۶۵
که دو ۲۶	شصت بجهم ۴۲	بجهم ۱۰ بیست سیم ۹	وبساد ۲ بجهم	امن هفتم بجهم ۵	بامر دو ۸۷۰۲۲	چهل منشم ۲۴
چهارده ۳ بجهد ۳	الرا	۹۸ بیست بکم ۱۰۸	اولیا نوزده ۳۱	امام سه منشم ۱۱	۱۶۴ چهار م ۶۱	الامر هفتم ۱۰۷
لاکری سه هفتم	۱ یازده دو	چهل بکم ۵	بیست بکم ۳ بیست	ابهن دوازده ۳۱	امرکم سیم ۷۴	امر هفتم ۱۴ یازده
نه منشم ۵۰	چهد ۱ یازده ۱	ولکم بیست ۳	بیومن دو ۲۲	لیامام یازده ۷۹	امرکم دو ۲۷۱	۹۹۰۶۳ بیست ششم
بدکبیر بیست ۲۰	الف	رکم دو ۱۵۸	۲۰ بیست هفتم ۲۲	امرکم بجهم ۱۱	امر هفتم ۱۵	۱۵۱
ذکر بجهم ۴	منشد ۶ ولف بجهم	بیست هفتم ۵	الیاس	امرد هفتم ۱۲	امرکم سیم ۷۳	الامر سیم ۱۲۸
مکرا صد بجهم ۵	ولف منشم ۶	الهف بیست ۹۲	سه هفتم ۱۲۳	امه بیست بکم ۲۳	امرد ۹۳ ۸	۲۲۲۳ سیزده ۳
الا	ولف منشم ۶	الهف دو ۱۲۷	وتبیر منشم ۸۵	بیست بجهم ۳۰۲	امرکم بیست بجهم ۶۱	یازده ۶۶ بیست منشم
ختم ۸ ...	ولیف بیست بجهم ۳۴	الهف بیست بجهم ۵	ایه سیم سه هفتم	سه دو ۲۴	امرهم بجهم دو ۳	۴۴ سه دو ۴
دو ...	لف منشد ۶۷	چهل بجهم ۳۰	المر	بیرنز هفتم ۷۳	امرد دوازده ۳۰	الامور دو ۲۰۶
ومالدت	لف نود هفتم ۳	مکم سه هفتم	سیم ۹ سیزده ۳۹	اتیم هفتم ۱۵۸	تامرون سه ۴۴	سیم ۱۸ منشم ۴
سیم ۸ کبیر دو	لکیف بیست دو ۶	سنی نوزده ۳۲	فر بیست سیم ۲۰	الانبیم هفتم ۱۵	تامرکم سه چهارم ۳	بیست دو ۲۵ سه
۲۶۳ منشم ۷ بجهم	لف سه هفتم ۱۴۲	۶ خیف چهل سیم ۸	چهل سیم ۳	ابیون دو ۲۳	ولامرهم چهار م	بجهم ۴ چهل دو
سه سیم ۱۹ تکریم	تف منشم ۹	جا هم یازده ۱۰۲	امر منشم ۹۲ هفتم	الامتن سیم	۱۱۸ م	۵۳
بیدی منشم ۷۹	تف دو بیست	رفیق ماد دو ۶۶	۱۳۹ سیم ۹۱	۹ ۵	دامر هفتم ۱۱۰	بنجاه بجهم هفتم
دو ازدهم ۴۲	۲ سه دو ۴	۲۷ بیست بجهم ۴	چهل دو ۵	شصت دو	بیست ۳۲ سه بکم	الامور سیم ۱۸۳
	هفتم دو ۴	سه هفتم ۷ هفتم			امرت یازده ۳	بیست دو ۴۰

سوره الم — المص — الر
سوره الانفال — بالوتکم — الیاس
سوره الحج — آمر — آمد — آمن

براینکه ایشان مخلّد در نار ند پس رای عاقل ایشان علیم در قرن سنلاه پس از ما هستی سند عولت از فضل عاقل اگر ست حق نکنم لا الا مدلی معذب چو هم بود و بعد خلاص
مثیثوم و خلودی هست صلاة اما بمذهب ما ایشان مخلّد در نار ند پس رای برهان ایشان و ما صدق لسن غون نشان ما کر ملست در معرفت فا فرهستیم و بمذهب ما ایشان
اگر محکوم بکفر باشند مخلّد در نار ند پس رای برهان ایشان و امام سیجیب بر ... دیا باب و قبل المرجئه هستم کر ست من نکنم و چو هم بود و بمذهب ما کر عنود و نیاز امکر مود
مخلّد در نار هستند در طریقه ما اسلم سنت واما ما تیه تبر نمولات خال ... و نکا حقه ... سند بس بر فاحزی وارد مب بدر مذهب ... الکفیه دم

فصل المیم و عین

سه بکره . × ۲۱	دوازدهم ۱۰۷	هفتم ۸۵ × ۱۴۳	آمنا دو هم ۱۲۰ شتم ۹۱	امنهم سیدهم ۲۹	د مومن ...	آمنت بجهد
چهل دو هم ۴۱	آمنتم دو هم ۱۹۲ × ...	د شبر ۸۸ هفتم ۹	جهار دو ۸ بیشته ۵۲	چهلم ۸۵	بیست ...	آمنکم جهر هم ۶
لاموم ...	ابعد ... هفتم ۷	محمد ... ۵ ... سه	بیست هم ۶۷	... ۸	مؤمنات نصر ۱۰	... بیست هم ۲
فرت محمد هم ۲۲ × ۸	آآمنتم شصت ... ۶۱	... ۹ شد هم ۸	جهل بکره ۰	... شتر ۹۹	...	... دو ... ۳ بجهر
بسته ۲۲ × ۳۳ ×	ان منتم هفد هم ۷۰	فیوم تو بیست دو ...	امیون بد هفتم ۱۱	... بکر دو هم ۳ ...	مؤمن ... ۹	... ۶۰
۹۲ × ... بیست هفتم	آمس هفتم ۹۷	لیؤمنی شتم ...	... هم ۳۶	... ۹۵ × ۶۷	بجر ۲ بیست ...	... ۳۰ ...
۳۳ چهلم ۷	و یا منوا جهارم ۹۳	هفتم ۹۹ دو هم ۵ × ۱۰	... دو زد هم ۱۰	... بکر جهارم ۲۰	سه ...	... دو هم ۷ ...
امر بجه هم ۲۷	امنکم دوازده هم ۴	و لیؤمنوا دو هم ۹۲	... ۲۶۸ × ۸۲	امنهم سبتم ۸۰ × ۱۳	... جمعه ...	... بیست هم ۵۸
بیی شتم ۸۳	تامنه ... ۶۸	یؤمن دو هم ۳۳ × ۲۲۸	... شتم ۳۲ ...	جهار شتم ۴	...	... ۵ ...
وامر دو هم ۶ ۲۷	... دوازده هم ۱۱	نومنو جهارم ۶۲	... جهل جهارم ۵۵	... هفتم ... ۹	... ۲۵ ... ۲۳ ×	... ۶ دو هم ...
امر نا ده هم ۲ بارده	امنکم دو هم ۶۴	بیست جهارم ۲ ...	... شتم ۲۷	... شصتم ۱۰	... جهارم ...	... ۵ ...
۴۲ × ۶۱ × ۶۹ ... ۸۶	یا مرکم جهارم ۳	۸ شصت بکره ...	لا امنن ... ۳۱	... جهلم ۲۹	...	... ۲۳
۹۷ بیست هم ۲۲	فامن بیست هم ۲۵	و نؤمن ... ۵۵	بیست شار دو هم ۳	... بکر دو هم ۳۱	... ۲۰ ... ۱۰	... ۸
بنجاه جهارم ۵۰	جهار شتم ۹	افتؤمنون دو هم ۹ ۷	امین هفتم ...	... شتم ۸۲	... ۲۸	... ۳ ...
امر کرد هم ۷۲	لامن ... ۹۹	... ۷۴ × ...	۵۳ بیست هم ۱۰۷	المؤمن ... ۲۳	...	... ۴۰
امر به شتم ۶۱	فامن نود هم ۶۱	هفده هم ۱۸ جهل ...	۱۲۵ × ۱۴۳ × ۱۰۰	مؤمن ... ۱۰	... دو هم ۲۰۰	... ۱۳ ...
وامرهم جهار دو هم ۴	بیست هم ۸۳ ... ۷	جهل جهارم ۱ ...	۱۲۸ بیست ... ۹	المؤمن دوازده هم ۱۲	... جهارم ... ۱۸	... ۲۸ ...
امر هم ۹۶ دو ...	... شتم ۶۷	۳۸ جهل ... شصتم ۴	... جهارم ۱۷	مؤمن جهارم ۴	... دو هم ...	... هفتم ...
۲۱ شار هم ۲	امنت شتم ۹۶ ... ۵	لیؤمنوا جهار شتم ۹	الامین ... ۱۹۳	... ۳۶	۸۸ × ۲۲	... ۳ بارده
بیست جهارم ... جهل	۹۰ × ۹۸ بیست ... ۶	بنجاه هفتم ۸	بیست هم ۲۶	مؤمنه جهارم ۹۴ ... ۹۵	کان جهار ... ۷ هفتم	... ۲ × ۴۰ ...
۱۵ شصت هم ۳۰۳	فامنت شصت بکر ۴	نؤمن دو هم ۱۵ جهارم	امین جهل جهارم ۱	۹۶ × ۹۶ بیست هم ۷۷	۹۰ ... ۱۳ × ۲۵	بکر ۳ جهل ... ۲۵
امرها شصت ... ۹	السلک دو هم ۹ ... شتم	۱۴۹ بجهر ۷۷	هشتاد ... ۲۱	دو هم ... ۲۹	۴۲ بارده هم ۹۸۸۷	... شتم ۱۹
امرها ... ۱۲ ...	۳۳ جهل دو هم ۱۴	آنؤمن دو هم ۲ بیست ...	الامین نود هم ۳	مؤمن محد هم ۹ ۷	سه بکر جهل ... ۷	انک دوازده هم ۹۰
۹ × ۸۷ ... ۱۱	فامنوا ... ۴۸	۴۹ بیست شتم ۱۱۱	امنا ... ۱۲ ... ۱	مؤمنون ... ۹ هفتم	لان ... ۱۴	سه هفتم ۵۰
جهل دو هم ۵۲	و امنوا ... ۹۴	یؤمن دو هم ۲۵ ...	الامانت ... ۲۲	۷۳ سه جهارم ۴۰	... ۲۲ ... ۶۲	وانک دو هم ۲۵۴
بامرنا بیست بکر ۷۳	هفته ۱۵ جهل هفتم ۲	۱۷۹ شتم ۱۲۹ ... ۹۵	الامانات جهارم ۱	جهل جهارم ۶۱	کان ... ۶	بارده هم ۸ بیست ...
سوم دو هم ۲۲	امنتم دو هم ۱۳ هفتم	هفده هم ۱۲ × ۹۵ سه	امانتهم دو هم ۳ ۸۳	۳۵ شصتم ۱۱	... دو هم ۴۴ × ۱۱۲	۷۵ بیست ... ۶
امرکم ... ۱۵	۷۴ × ۱۲۵ ... ۴۴	جهارم ۳۰	... بیست ... ۸	والمؤمنون دو هم ۲۵ ۸	... ۷ ... جهل	جهار دو هم ۲ ...
امرهم ... ۳۰	دو هم ۵۰ × ۸۴	یؤمنون جهارم ۱۵۷	هفتاد هم ۳۲	جهارم ۶۰ ... ۲۲	بکر ۹ هفتاد ... ۳۰	... دوازده هم ۲۹
سی ... ۳ بنجاه ...	بیست شتم ۴۸	یؤمنون شتم ۱۰۹	... ۲۷	... جهل ... ۱۲	... هفتم ۱۸۷	... ۹ بیست
... شصت ... ۵	... بیست ... ۲	نؤمن ... ۷	الایمان ...	هفتاد جهارم ۳۲	... ۷	... ۴۵ × ...
بامرهم دوازده هم ۱۵	... ۶۶ ... ۱۴	یؤمن هفتم ۳	جهل هفتم ۶	مؤمنین دو هم ۷	... ۲ ... ۶	... دو هم ۳۲ بارده
امرها جهل بکر ۱۱	... ۱۵	امن جهل شتم ۶	... بنجاه دو هم ۲	هفتم ۲۹ . دو هم ۷۶	... ۲ بیست ...	... هفتم ۱۲۲
امرها هفتم ۵۰	... سبتم ۱۹ هفتاد	... دو هم ۲ . ۵ × ۸	... هم ۴ ...	بارده هم ۵ دوازده	... بنجاه ... ۲	... بارده هم ۹ ۷
امر کرد هم ۷۲	دو هم ۲	... ۶ × ۱ جهارم	... جهد هم ۱۱	۱۰۳ بیست سبتم ۳۰	... ۶۶ × ۹ × ۵۰ × ...	... سبتم ۱۴ × ۱۹۰
کرهم دوازده هم ۱۰	فامنهم صد شتم ۴	... ۳۵ × ۵ ... ۱۱	الایمان دو هم ۱۰۲	للمؤمنین ... ۴	هفتاد دو هم ۳ ۴۲	بیست ... جهل بکر
محمد هم ۲ بیست ...	یؤمن ... ۶۱	... ۸۷ جهارم ۸	سبتم ۷۱ ... ۲	۱۲۹ بیست جهارم ۶ ۴	۶ × ۱۹	۴ جهل سبتم ۴۸
بیست ۳ بیست ...	یؤمن بارده هم ۳۸	بیی ... هفتم ۷	... ۱۰	سه سبتم ۶ ۴۲	... ۵ بیست دو ...	... بزده هم ۶۵
امر ابجد هم ۷۰	یؤمن ... ۲۷	فامنوا سبتم ۱۱۳	الایمان سبتم ۱۶ ...	هشتاد بجهر ۷	... ۱۲۰ بیست	امنکم شتم ۱۹ بیست
الامرون ... ۱۱۳	جهل ... ۳ شصت	جهارم ۱۸ × ۲۹	جهل ... ۱۷	والمؤمنین شتم ۴۴	هفتم ۳ ... ۲۳	هفتم ۵ بیست ...
لامارة ... ۴	جهارم ۹ × ۱ ...	هفتم ۵ ...	... ۶۷ ...	وللمؤمنین جهار هم ۳۰	جهل بکر ۳ ...	۲۸ جهل بکر ۸
بالامر ... بیست	بعد دو هم ۱۳	... دو هم ۳۸	... سه ...	جهل هفتم ۲۱ شصت ...	... شتم ۹ ... ۷	... ۲۶ سه ...
بیستم ۸۲ × ۱۷ × ۸	یؤمن ... ۲۸	... شتم ۳۰	...	هفتاد بکر ۲۹	بیستم ۹ جهل ... ۱۷	... هفتم ۱۱۱ بیست
الامن بارده هم ۳	یؤمن دو هم ۲۷	... ۲۸	الایمان جهل ... ۷	... سه ... ۳۵	... بیست جهارم ۳۵	شتم ۳۱ بیست هفتم
امرا بجد هم ۴۴	یؤمنون دو هم ... ۶	... دو هم ۲۳	... ۲۲	... ۹۴ ...	... بیستم ...	... جهارم ۳۹
... دو هم ۳ ۸۳	یؤمن ... ۱۰۰	لامن ... ۸۲	... جهارم ۲	سه ... ۳۶	... بنجاه ...	... ۸۲
... هفتم ۹۵	یؤمنون جهد ۷	... جهارم ۸	... ۹	مؤمنه سه سبتم ۴۹	... ۲۳ × ۵۷	... ۹ ...
... دو هم ۴۷	یؤمنوا دو هم ۷۰	... شتم ۸	... شتم ۱۵۹	مؤمنه دو هم ۲۲۰	... هفد دو هم ... ۱۸	... ۲۶
... هفتم ۹۶	۲۰۰	... جهد ...	دو هم ۹۸	مؤمنات جهر شتم ۲۹	۹ × ۱۰ × ۱۱ × ۱۲ × ۱۳	۵ جهل ... ۸۱
... ۹۷	شتم ۲۵ × ۱۰	... دو هم ۹	... بکر دو هم ۸۷	المؤمنات شصت ۱۲ ... ۱۰	... شتم ۱۱۱	... بجهر ۱۱ ... ۴۳

باب الهمزة بعد الراء

آمر

آمن

امن

آمین

باب الهمزة بعد النون

ان

سکان

فان

انما

انک

انما

وبعد هر ما ابیشان کارزو علت کردند بس ابو طریقه فاسلم جمیع طرتیب که در روی زمین است وجمیع بلما از ارباب علل و مذاهب را بر بهد که فاذا بملت ومذهب خود دعوت نماید
زیراکه عاقل را مسائل دین خود را بسگد ارد و براه خطر نه برود کعبه راست کهنه ومن همه این مراحل را دیده ام ودانسته ام وبا خودان علل صحبت داشته ام ایچه کفتی از حال ایشان
صدق است ودر بعضی شک است واحوط طرق سنت لکن محتاج استاد بصیر هستیم این معتقدات اجمالا بیان نا موجب یادی بصیرت شود گفت اما برهان
بر اثبات صانع آنست که ظاهر هو بدا است زیرا که وجود شخص خود دلیلی است ظاهر وبالقطع

باب الالف

والیقین تو خود بودی وحال موجود شده ومعلوم است که تو خود را نساخته

۵ابن شداد بکر ۲	نوزده ۴ ۷	ذ نوره یه سیم ۸۱	لا ذر بجه ۴	هیت بی دو ۲۶	ینابی معد ۴۳	ونیب صد ۶ ۲
فابتغاد وزد ۱۰۹	فاتی شش ۸۱	دوبکم هشتم ۲۶	لا ذون بهما بعد	خبکر دو زد ۳	دو ... جهل بکر	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	معد دو ششم	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جهو سیم ۳۹
باب الباء	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ما ابن النون اکمن غریب از الفعل وبعد
انتی الیمن
ما ابن النون الفعل وبعد
اوکل
الفعل وبعد المانی
اوکی
ما ابن الہمزه
بعد
من
ما ابن الیاء بعد
بلس
ما ابن الیاء بعد

وکسیکه مثل تو باشد تو را نساخته ... نظر کنی ... حرف ... در رحم ... مردن ... اعضا ... گوشت و استخوان ورگ و پی و دوده و دل و جگر و سرد ... و چشم و گوش و دهان و زبان و حلقوم و ... مناسب ... معنی است در عالم
واحوال تو کرا اگر مفقود شود ... مولد ... موافق دهان ... نماى
باریکی است که ... بدهان تو ... فصل التاء ... بوی خوش ... از برای ... موجب

495

چهارم ۱ سی یکم ۹	بذر کم هم ۳	لبیک عشر ۹	[illegible]	نصف ...	[illegible] ۵۵	[illegible] سی یکم ۹
بنت چهل یکم ۳	[illegible] ۱۰	[illegible] ۱۳۸	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۰	[illegible] یازدهم ۲۲
[illegible] دوازدهم ۸۶	[illegible] ۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۱۳	بیست ... ۳۰
[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷	[illegible] ۱۲
[illegible] ۱۶	[illegible] ۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۲	[illegible] ۲۲
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۸۸
بخت یکم ۴۴	[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۷	[illegible] ۹۶
[illegible] ۱۰۱	[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible] ۲۴	[illegible]	[illegible] ۴۰	[illegible] ۱۱۳
[illegible] ۲۶	[illegible]	[illegible] ۹	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۱	[illegible] ۳
[illegible] ۴۰	[illegible] ۲۸	[illegible] ۱۰۱	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۵۰	[illegible] ۱۰۶
[illegible]	[illegible] ۱۷۷	[illegible] ۱۱	[illegible] ۳۳	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۵۸
[illegible]	[illegible] ۵۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۹	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۳۲	[illegible] ۲۰۹
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۱	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۳۲	[illegible] ۳۷	[illegible] ۶۳	[illegible] ۷۵	[illegible]	[illegible] ۵۴
[illegible]	[illegible] ۲۰۷	[illegible] ۲۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۸	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۴	[illegible] ۳۹
[illegible] ۵	[illegible]	[illegible] ۲۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] ۱۹	[illegible]	[illegible] ۲۲۴	[illegible] ۸۰	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۶
[illegible] ۸	[illegible] ۱۸	[illegible] ۸	[illegible] ۹۳	[illegible]	[illegible] ۱۸۳	[illegible] ۹۶
[illegible] ۳	[illegible] ۱۷۲	[illegible] ۲۸	[illegible] ۲۹	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۱
[illegible] ۲۶	[illegible] ۴۹	[illegible]	[illegible] ۲۳	[illegible]	[illegible] ۵۵	[illegible]
[illegible] ۱۰۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] ۲۲۸	[illegible] ۸۰	[illegible]	[illegible] ۱۳۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۳۴	[illegible] ۹۷	[illegible] ۲۵	[illegible] ۳	[illegible]	[illegible]
[illegible] ۱۸۳	[illegible] ۵۲	[illegible]	[illegible] ۸۰	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷۲
[illegible]	[illegible] ۱۰۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۸۵	[illegible] ۳۶	[illegible]	[illegible] ۹۱	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۳۹	[illegible]	[illegible] ۱۶	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۳۹
[illegible]	[illegible] ۴۸	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۴۶	[illegible]	[illegible] ۱۷۹
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۸۶	[illegible] ۲۰	[illegible]	[illegible] ۲۵	[illegible] ۷۵
[illegible] ۴۰	[illegible] ۲۸	[illegible] ۶۹	[illegible] ۵۵	[illegible] ۳۱	[illegible] ۲۹	[illegible] ۱۷
[illegible] ۲۴	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷	[illegible] ۹۳	۳۹ + ۳۳	[illegible] ۷۹
[illegible] ۲۹	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۸	[illegible]	[illegible] ۱۷	[illegible] ۵۰
[illegible]	[illegible] ۲۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷۱	[illegible] ۳۸
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۳۳	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۰۳
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۶۲	[illegible] ۱۱۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷۰	[illegible]	[illegible] ۴۵	[illegible]

باب التاء مع الجيم ... بنت ... بجس ... بحل ... باب الباء مع الدال ... بدر ... بذر ... بذل ... باب الباء بعد الراء ... برق ... برو ... بزر ... باب الباء بعد السين ... بسط ... بسر ... باب الباء بعد الشين ... بشر ... باب الباء بعد الصاد ... بصر

باب الباء

ستون اول باء بعد الصاد

انصارا

بصلها

باء بعد الضاد

بضع

ستون دوم باء بعد الطا

بطر

بطل

بطن

ستون باء بعد العين

بعث

بعثر

ستون چهارم

بعد

بعض

ستون باء بعد الغين

بغى

ستون باء بعد القاف

بقر

ستون باء بعد الكاف

بكر

بكم

بلد

از ما به الاشتراک و ما به الامتیاز و مرکب محتاج صانع است که اجزاء او را بهم ربط دهد و نقل کلام در آن صانع میشود پس لابد باید امر منتهی شود بصانع واحد بسیط مدبر واجب الوجود بالذات و چون آن ثابت گردید میگوئیم شک نیست که افراد انسان مدنی الطبع قرار داده شده انتظام امور ایشان بتمدن و اجتماع است که بعضی بجهت بعضی کار کنند و هر که طالب نفع از برای خود و باین سبب ما بین ایشان امر نزاع و مخاصمه میکشد و هیچ یک از دیگری تمکین ندارند پس باید صانع مدبر خبیر قانون عدلی در میان ایشان بر قرار گذارد که باعث انتظام امور ایشان شود و آن عبارت است از شرع و مبلّغ آن از جانب خدا عبارت از رسول است و اگر خدا باین امر اخلال نماید

فصل کلام دهم

(۴۹۷)

۱۹ سی هشتم ۷۵
ابلغن دوم ۳۲ هفتم
۱۱ یازدهم ۳۱ هفتم
۴۳ هجدهم ۴۸ بیستم ۱۱۵
بیستم ۹۸ سی هشتم ۷۴
ابلغی یازدهم ۴۴
تبلغ سنه ۱۹ دوازدهم
۲۲ هجدهم ۸۴ ۹۰
۹۲ بیست چهارم ۸
بیستم ۱۳ سی هفتم ۱۰
چهل ششم ۱۴
و بلغ چهل ششم ۱۲
تبلیغ بیست ششم ۸۲
هفتاد دوم ۲۶
و بلغت سی ششم ۱۰
بلغت هجدهم ۷۵
بلغت نوزدهم ۹
بلغا هجدهم ۶۰
بلغوا چهلم ۶۰ سی چهارم
بلغن دوم ۲۳۴
شصت پنجم ۲
فبلغن دوم ۲۳۲
و بلغنا ششم ۱۲۸
بلغنی سیم ۳۵
بلغ دوم ۱۲، ۲۳۱
ششم ۱۵۳ هفدهم ۳۶
چهل ششم ۲۵
تبلغ سیزدهم ۱۵
بلغن هفتم ۲۴
بلغ هفتم ۳۹
ابلغ چهلم ۳۸
ابلغ هجدهم ۹۰
بلغا هجدهم ۸۰، ۶۱
یبلغوا بیست چهارم ۵۹
لتبلغوا بیست دوم ۵
چهلم ۶۹
و لتبلغوا چهلم ۸۰، ۶۷
بلغت هشتم ۷۱
یبلغون سی ام ۳۹
ابلغکم هفتم ۶۲، ۶۸
و ابلغکم چهل ششم ۲۳
بلغ هجدهم ۷۱
ابلغوا هفتاد دوم ۲۸
ابلغتکم هفتم ۹۳، ۷۹
یازدهم ۶۰
ابلغه نهم ۶
بالغ شصت پنجم ۳
بالغ هجدهم ۹۶
ببالغیه سیزدهم ۱۵
بالغوه هفتم ۱۳۱

بالغیه شانزدهم ۷
بالغیه چهلم ۵۸
بالغه بیست چهارم ۵
شصت ششم ۳۹
البالغه ششم ۱۵۰
بلغا چهارم ۶۳
بلاغ چهاردهم ۵۲
چهل ششم ۳۵
بلاغا هفتاد دوم ۲۳
لبلاغا بیست یکم ۱۰۶
مبلغهم پنجاه سیم ۳۱
بلی و بلا
بلونا شصت ششم ۱۷
بلوناهم شصت هشتم ۱۷
و بلوناهم هفتم ۱۶۷
تبلی بیستم ۱۱۸
لیبلو چهل هفتم ۵
نبلوا هفتم ۳۱
و نبلوا چهل هفتم ۳۳
لیبلونی بیست هفتم ۴۰
یبلوکم شانزدهم ۹۴
لیبلوکم پنجم ۴۸
ششم ۱۶۵ یازدهم ۷
شصت هفتم ۲
لنبلوکم چهل هفتم ۳۱
و نبلوکم بیست یکم ۳۵
لیبلوهم هجدهم ۷
و لنبلوکم دوم ۱۵۵
چهل هفتم ۳۳
نبلوهم هفتم ۱۶۳
نبلی هشتاد ششم ۹
لتبلون سیم ۱۸۶
و لیبلی هشتم ۱۷
ابتلی دوم ۱۲۴
و لیبتلی سیم ۱۵۴
ابتلاء هشتاد نهم ۱۶، ۱۵
لیبتلیکم سیم ۱۵۲
فتبلیه هفتاد ششم
ابتلی سی سیم ۱۱
بلاء دوم ۴۹ هفتم ۱۴۱
چهاردهم ۶ چهل چهارم ۳۳
لبلاء سی هفتم ۱۰۶
بلاء مبین
مبتلیکم دوم ۲۴۹
بنان هشتم ۱۲
بنانه هفتاد پنجم ۴
بنوا نهم ۱۱۱
و بنینا هفتاد هشتم ۱۲
ابناء هفتاد نهم ۲۷
نود یکم ۵

بنیا چهارم ۶
بنیاه بکم ۴۷
انبئونی بیست هشتم ۱۲۸
ابنوا هجدهم ۲۰ سی هفتم ۹۵
ابن بنون ۸۰۰۵ سی
سیزدهم ۳۸ پنجاه
هفتم ۲ شصت ششم ۱۱
و ابنی دوم ۱۱ چهارم
۴۰ ششم ۴ نهم ۶
بنی هفتم ۷
و ابنی دوم ۱۲۲ هفتم
۲۸ سی ام ۳۷
ابنی یازدهم ۴۷
لابنیه بکم ۱۲
ابنک دوازدهم ۸۱
ابنه یازدهم ۴۴
و ابنه بیست یکم ۹۱
ابنی هجدهم ۳۰
بنون بیست ششم ۸۸
البنون سی هفتم ۱۴۹
بنون دوم ۴۹
و البنون هجدهم ۴۶
بنین ششم ۱۰۰
شانزدهم ۷۲
و بنین هفتم ۱۱ بیست
۵۷ بیست ششم ۱۲۳
شصت ششم ۱۴ هفتم دهم
۱۱ هفتاد چهارم ۱۳
البنین سی هفتم ۱۵۳
بالبنین هفتم ۴۲
چهل سیم ۱۵
و البنین سیم ۱۲
بنوا دوم ۱۳۳ هفتم
دوم ۹۰ بنی سیزدهم ۸۲ هفتم
۱۰۴ سی دوم ۲۲ ۲۳
چهل سیم ۵۹
بنی دوم ۱۲ ادوار
بینه هفتم ۱۱
بنیه دوم ۱۲۶
لبنیه دوم ۱۲۷
و بنیه هشتاد ۳۶
ابناء هجدهم ۲۱
ابناء هشتم ۳۱
سی سیم ۵۵
ابناء چهلم ۲۶
و ابناؤکم حتیار ۲۴
و ابناءنا دوم ۲۴۷
ابنائکم پنجم ۲۱
ابناءهن بیست چهارم ۳۱
سی سیم ۵۵

ابناء سیزدهم ۵
ابنائکم دوم هفتم
۲۷ چهارم ۱۱ سی سیم
و ابناءکم سیم ۵۴
ابناءهم دوم ۲۱۶ ششم
۲۰ هفتم ۱۲۴ بیست ششم
۲ بنی شصت ۲۲
بنی یازدهم ۴۴ دوازدهم
هشتم ۱۲ ۱۵۰
۱۶ سی هفتم ۱۰۱
ابنت شصت ششم ۱۲
و بنات چهارم ۲۷
البنات سی هفتم ۱۴۹
بنجاه دوم ۳۹
و بنات سی سیم ۴۹
بنات چهل سیم ۱۵
و بنات ششم ۱۰۰
البنات شانزدهم ۵۹
سی هفتم ۱۵۳
ابنتی بیست ششم ۲۷
بناته یازدهم ۸۰
یازدهم ۷۹
و بناتکم چهارم ۲۷
بناتک یازدهم ۸۱
و بناتک سی سیم ۵۹
بناء دوم ۲۲ چهلم
بناء سی هشتم ۳۶
بنت شصت ششم ۴
بنیانا هجدهم ۲۰ سی هفتم ۹۵
بنیانهم شانزدهم ۱۱۱
بنیانه نهم ۱۱۰
بنیانهم شانزدهم ۲۸
منبثا پنجاه ششم ۲۱
بنیه سی نهم بیست ششم
فبهت دوم ۲۶
بهت بیست یکم ۱۵
بهتان شصت ۱۲
بهتانا چهارم ۲۰، ۱۱۲
۱۵۵ سی سیم ۵۸
بهجه بیست هفتم
بهیج بیست دوم ۵
تبتهل سی سیم ۴۸
بهیمه بیست دوم
بهمه بیست دوم ۲۸، ۳۴
تاء سیزدهم ۲۵
ثبر ۱۰ دوم ۸۴
بوءوا دوم ۶۱، سیم ۱۱۲
تبوء بیست یکم ۷۷
تبوء دوم ۳ ۲۷
و تبوء هفتم ۷۲
تبوءوا سیم ۱۱۷

لنبوئنهم شانزدهم ۴۳
بیست نهم ۵۸
تبوءا دهم ۸۷
تبوءوا بیست نهم ۹
لنبوئه دوازدهم ۵۶
یتبوء سی نهم ۷۴
مبوء دهم ۹۳
باب پنجاه هفتم ۱۳
باب دوازدهم ۶۷
سیزدهم ۲۳ یازدهم ۴۳
الباب دوازدهم ۲۵
بابا یازدهم ۴۳ بیست هشتم
الباب پنجم ۲۵ چهارم
۱۵۳ بیست ششم هفتم ۱۶
دوازدهم ۲۵
ابواب هفتم ۳۸
الابواب بیستم ۵
ابواب دوازدهم ۶۷
یازدهم ۴۴
ابواب ششم ۴۴ شانزدهم
۳۹ سی نهم ۷۳ چهلم
۷۶ پنجاه چهارم ۱۱
ابوابا چهل سیم هفتاد ششم
الابواب دوازدهم ۲۳
ابوابها دوم ۱۸۵
ابوابها سی نهم ۲۱
بور سی هجدهم ۱۱
تبور سی هجدهم ۲۶
بورا بیست ۱۲ چهل هشتم
البوار چهاردهم ۳۳
بال دوازدهم ۵۰ بیستم
بالهم چهل هفتم ۲
یبسون بیست ۶۵
بیت چهارم ۸۳
بیتون چهارم ۱۰۸، ۸۳
لنبیتنه بیست هفتم ۵۰
لتبیت بیستم ۴۰
بیت هفتم ۹۷
بیت سیم ۹۰ بیست
بنجاه بکم ۳۶
البیت دوم ۱۲۱، ۱۲۵
بیستم ۳۵ یازدهم ۷۶
بیستم دوم ۱۲۷، ۲۴
سی سیم ۳ صد سیم
بالبیت بیست دوم ۳۰
و البیت بیست دوم ۴
بیتا بیست شصت ششم ۱۱
البیت دوم ۲۰، ۱۱۰
بیجم ۲، ۹۸
بیتی دوم ۱۲۵ بیست دوم
۲۷ هفتاد یکم ۲۹

بینک شصت چهارم دوم
بیتی چهارم ۱۰۱
بیتها دوازدهم ۲۳
بیوت بیست چهارم ۸۶
بیوت بیست چهارم ۶۶
البیوت چهارم ۱۹ بیست
بیوت سی سیم ۵۳
بیوت هفتم ۱۲ دوم ۸۷
یازدهم ۸۲ شانزدهم ۸۰
بیست چهارم ۲۷ ۸۱، ۲۹
البیوت دوم ۱۸۵
بیوتهم بیست هفتم ۵۳
بیوتکم سیم ۴۹، ۱۴۲
شانزدهم ۸۲ بیست چهارم
۲۷، ۶۱
بیوتکن سی سیم ۳۴
بیوتهم چهل سیم ۲
و بیوتهم چهل سیم ۳۳
بیوتهن شصت پنجم ۱
بیوتنا سی سیم ۱۳
بیوتکم دوم ۸۷
بیوتهم پنجاه هشتم ۲
بیاتا هفتم ۹۵، ۴ دوم
تبیل هجدهم ۳۳
ابیضت سیم ۱۰
و ابیضت دوازدهم ۸۴
تبیض سیم ۱۰۲
بیض سی هفتم ۴۷
الابیض دوم ۱۸۳
بیض سی هفتم ۲۵
بیضه هفتم ۱۰۵
بیض سیم ۳۲
بیضاء بیست هفتم ۱۲ بیستم
۲۲ بیست سی هفتم ۴۵
بابعتم نهم ۱۱۲
ببیعون چهل هشتم ۱۰
یبایعنک چهل هشتم ۱۸
یبایعنک شصتم ۱۲
ابایعن شصتم ۱۲
بیع دوم ۲۸۲
بیع دوم ۲۵۵ چهاردهم
۲۶ بیست چهارم ۳۷
البیع دوم ۲۷۶
بیعهم نهم ۱۱۲ البیع
دوم ۲۷۶ شصت دوم
و بیع بیست دوم ۴۱
و بکتبوا دوم ۱۵
بیتنا دوم ۱۱۲ سیم
بیجه هفتم ۱۶
بینه دوم ۱۵
و بیتر دوم ۲۲
بیست چهارم ۱۷

بین سیم ۱۶
لیبینن چهارم ۳۱ چهاردهم
شانزدهم ۴۱
یبین دوم ۶۶، ۲۴۰
و لیبین شانزدهم ۹۲
لیبین شانزدهم ۶۶، ۴۴
و لابین چهل سیم ۶۳
یبین بیجم ۷۹
لیبین بیست دوم
یبینها دوم ۲۳۰
لیبینه سیم ۱۸۴
و لیبینه ششم ۱۰۵
یبین چهل سیم ۵۲
و یبین چهل دوم ۲۷
یبین سی چهارم ۱۳
تبینوا چهارم ۹۴ چهلم
یبینن دوم ۱۸۳ نهم ۴۳
چهل بکم ۵۳
و لیبینن شانزدهم ۵
و یبینک بیستم ۲۸
چهل سیم ۳۷
و یبینک بیجم چهل بکم
یبینه بیست چهارم ۴۳
سی هفتم ۱۵۸
و یبینه شانزدهم چهارم ۷۵
چهل بکم ۳۴
یبینها سیم ۴۴
و یبینها هفتم ۴۴
یبینهما چهل ۴۹ بیجم
یبینا شصتم ۵۳ سی هشتم
۷ چهل بکم ۴ بیجم
یبینهم نوزدهم ۳۸ چهل هشتم
یبینهن شصت سیم ۱۲
یبین بیجم ۱۴
یبینک بیستم ۱۳۳
یبینه شانزدهم ۱۵۸، ۷۱
التبینه نودم ۴۹
یتبینه یازدهم ۵
یبینه بیستم ۴۴
یبینات بیست ۹۱
و یبینات دوم ۱۸۱
البینات دوم ۱۸۱، ۴
۲۵۴ بیستم ۷۵
مبینه چهارم ۳۵ سی
شصت بیجم ۱
المبینین سی هفتم ۱۱۷
بیان سیم ۱۳۲
التبیین بیجم ۳
بیانه هفتاد بیجم
۱۹
بیبنات نوزدهم ۹۱

وقرار شریعت بدعت اخلال حکمت و نقض بوده باشد پس ... رسول ... و علامتی داشته باشد که باین معلوم شود صدق ... که مدعی ... دعوی ... ترتیب ایشان ... از جمله معجزات ... موسی علیه و عیسی ... معجزات ... معتقد نمیتواند ... و بخوان و کسیکه معجزه ... از تواتر ... حضرت ... انبیاء ... محمد رسول الله ... استند ... تحقیق است که ... نباشد

باب التاء والثاء

باب التاء	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ترکت [illegible]	التنور [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	قناب [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	باب الثاء ثبت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لتنعم [illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اتقن [illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ویلة [illegible]	[illegible]	[illegible]

این تاریخ در مکهٔ معظمه که شرف بقاع زمین است ... [illegible]
شده و در طول ... [illegible] ... وفات نموده ... [illegible]
و مدتی به تجارت مشغول شد پس در ... [illegible]
مغازه و ... [illegible]

فصل القاف

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

سیاست مدن و وضع حدود و مواریث و قضاوت و غیر ذلک بنیانی بلیغ و فصیح کہ ہمہ فصحای عالم از زمان نا بحال اذعان بان دارند و احدی نتوانستہ کہ یک سورۃ کوچک مثل
سورۂ آن بگوید و سبب نیست کہ چنین امری خرق عادت است و مدعای او ثابت ممکن زیرا کہ حضرت موسیٰ مدعی ختم رسالت نبودہ بلکہ تصریح فرمودہ کہ خداوند از میان خلفا
شما پیغمبری مانند من مبعوث خواہد نمود و ہم چنین حضرت عیسیٰ میگوید چون من بروم فارقلیطا خواہد آمد و شما را تکمیل خواہد کرد ممکن است کہ آن پیغمبر موعود
انجاب باشد و چون دعوی ممکن است و مقرون بمعجزہ گردید تصدیق آن لازم است و الا پس تصدیق موسیٰ و عیسیٰ و سایر انبیا را بچہ نحو باید کرد علاوہ بر سایر

باب الجیم

(۵۰۰)

[illegible]

سورۂ زخرف — وجعلنا — وتجعلوا — سورۂ حج — تجعلہ — وجعلنا — تجلی — الجلال — واجلب — سورۂ بقرہ — جالوت — فاجلدوا — المجالس — سورۂ مجادلہ — جاہد — اجنحۃ — جنف — جنفا — وجنی

امثا و معجزات متواتره انجناب و کرامات که از اوصیای او ظاهر شده در حیات و ممات که محل آن کتب مفصله است هر که خواهد بآنها رجوع نماید و ملکه جود
اخلاق شریفه کامله او و اولاد او معجزه است دیگر صاحب نام در مکه [illegible] اگر قصد بیان تفصیل آنها نماید نتواند بیان مفصل بر ما لازم باشد [illegible] قصد نبود و هیچ دستوری که [illegible]
بود که او برای احکام از ایشان حجت و معجزه یافته [illegible] و مار بسیار یک مرسند با اخبار است و معجزه آن سرور با وجود جهاد متواتره
فعلا موجود است و در تمام روی زمین منتشر است یعنی قرآن که دیگر قصد نمودیم هیچ دستوری لازم نباشد خلاف لطف لازم نباشد

باب الحاء

جاهَدَ ت بیت نمر ۷	حجوه سادس نمر ۸۱	زمر ور متم ۱۳۴	۲۰۷ / ۳ نمر ۵۶ ے	یجتو نمر دو نمر ۶۰	[illegible] مت شتم ۴۳	حجور کم جهار ۲۷
ے نمر ۱۴	جاءوا شناردهم ۸	دہم ۹۰	ستم ۹	یجتوها [illegible] ۳	حتما دوردہم ۷۲	مجوزا بیستونجم ۲۴ ۸۸
جاهِد نمر ۷۳ مقصد	اخشع بیست شتم ۶۵	حاووره دو نمر ۲۵۰	وحرس نمر ۱۲ ہم ۸	یجتو نمر ستم ۱۵	حتیا هفتم ۵۳	تحاحر مت ۶۲
شتم ۹	تحسب سب هفتم ۶۳	وغور شتم ۵	حنیف هفتم ۲۲	یتحتو ۱۰۵	حج ۱۵۳	حاجر هشتم ۴۷
وجاهِدوا نجم ۳۹	نحسب جهل شتم ۳۱	فجاسوا هفدهم ۵	حیث ستم ۷۹	فتحوا جهل نمر	حج ۲۲۰	حاجر ستم ۲۲
نمر ۸۷ • ۴ مدینه نمر	اخبت دونمر ۸۳	حجوع ستم ۱۰۶	ستم ۵۹ بیست نمر ۵۶	حجون جهار نمر ۳	حاج سر ۵۹	حاجر نمر ۶۴
وجاهدهم بینج ۵۲	نحسب جهار دہم ۴۶	خوج شانزدهم	جهل شتم ۲۱	ذلحب نجا نجم ۵۶	حاجب ستم ۵۶	حاجزون ۲۱
جهد نجم ۵۸ سنتم ۹	اجتبوا جهل شم ۳۰	صد شتم ۳	نسیها نجم ۱۱۰ نمر ۵۶	احب شتم ۹۵	[illegible] سنتم ۸۰	حدود دونمر ۲۲۹ ۱۸۳
شار دهم ۴ مدینه	اجیب دہم ۸۹	الجوع شاردهم ۱۱۳	حسبت بیت شتم ۲۹	وحب جهار ۹	حاجوب ستم ۱۸	۲۳۰ جهار ۷ نجم شتم
۵۲ سی نجم ۴۰	نجتهم نجم ۱۰۸	والجوع دو نمر ۱۵۰	وحبیت بیت هفتم ۲۲	حبب شتم ۹۹ بے شتم ۳۳	تحوب جهل نمر ۱۵	۵ شصت نجم
جهدهم نمر ۸۰	فاستجاب ستم ۱۹۳	جوفه بیستم ۴	حتیکم ستم ۴ هفتم	هفتاد شتم ۱۵ اشنا ۲۷	تحاجون ستم ۱۵۸ ۵۹	یحدود نمر ۱۱۳
وجاهد ہم ۲۴	شتم ۹ دوازدهم ۳۴	فجاءه نجا نمر ۲۶	۱۰۳ جهل نمر ۲۰۳	حب ستم ۲	تحاجوکم ستم ۶۶	حدود دونمر ۲۲۹
جهاد بینج ۵۴ شتم	استجابوا ستم ۱۶۶	وجاءت دو دہم ۱۹	وحتیکم ستم ۴۴	تحب دو نمر ۱۶۰	یحاجوکم دو نمر ۷	۲۳۰ نمر ۱ [illegible]
جهاده مت دو نمر ۷۷	سنر دہم ۱۸ نجم ۱۵	نجاهم ۲۱۸ ۲۰	حاق ۷۰ ۶۵	حب صد ۸	تحاجون شتم ۸۰	حدوده جهار ۱۸
وجاهدون جهار ۹۷	جهل دو نمر ۳۶	حتت دو نمر ۱۰۳	نجم ۲۵ شتم نجاه	حب سی شتم ۳	حاجوا سادرم ۱۳۳	حدوا ستم ۱۹
الی هدیت جهار ۹۷	فاستجیم جهل ۲۷	بجدم ۷۰ بہتم ۴۲	شتم ۹	حبار دو نمر ۱۰ دوازدہم	تحاجون جهل ۵۰	حدید نجاه نمر ۲۱
بہیل مقصد ۳۳	فاستجاب بکر ۷۶	حبیث نود دہم ۲۸	حاذوها ے نمر ۴۷	۳۰ هشتاد دونمر ۲	تحج دو نمر ۱۹۳	الحدید بیست دو نمر ۲۱
بجهر هفتاد ۱۱ ابعینم	۸۸ ۸۴ ۹۰	حاق استم ۱۸ ابد	جهل بکر ۱۹	حب دو نمر ۱۷۲ هشتم	یحج دو نمر ۱۹۲ ۹۳	الحدید بجدیم ۹۵
بجهر وا جهل ۲	نستجیب شتم ۳ جهارم	۱۱ بیست نجم ۵ بیست	حاق کو جهار ۹۲ نجم	حتب دو نمر ۲۶۳	نہیم ۳	حدیث هفتم ۵۳
اجهر وا شصت هفتم ۱۳	ونستجیب جهل دو نمر ۲۵	هفتم ۸ نجاه نمر ۱۱	۶۶ ے ستم ۱۱	شتم ۵۹ بیست نمر ۴۸	ناج بیست دو نمر ۲۸	تحدید ے جهار ۱۰
تجهر جهل نمر ۲	استجب جهل ۶۲	وحاءوا هفتم ۱۱۳	نحوتم دہم ۲۵ نمر ۴۸	ے بکر ۱۵	واحج دو نمر ۱۸۵	نجاه هفتم ۲۵
الجهر هفتم ۲۰۴	نستجیبون ستم ۱۵	دوازدهم ۲۱۶ ۱۸	حشو شتم ۹۳ نمر ۴۶	احب دوازدهم ۳۰۸	نحج دو نمر ۱۹۳ ۹۳	تحدث [illegible] ۹۶
وجهرا شانزدہم ۷۷	یستجیبوا یازدہم ۱۷	حثم دہم ۸ دوازدہم ۹۱	حیات یازدہم ۶۳	حب ہم ۲۳	حج ستم ۹۱	تحدث [illegible]
الجهر جهار ۱۴۷	سیزدہم ۱۸ بجدہم ۵۰	جثیا جهار ۳۰ دوازدہم	ستم ۴۹ بینجم ۳۵	وحب ذه نجم ۲۱	الحاج ہم ۱۹	تحدث و نمر دو نمر ۷۱
بیست ۱۱۰ شنابعنم ۷	بیست ستم ۵ ۴۵ ۲۲	۷۳ هفتم ۱۰ هشتم	حتیکم جهل نمر ۷۸	حجب ستم ۳۹	حجة بیت شتم ۲۷	تحدث دہم ۱۱
وجهر کم شتم ۳	فستجیبوا دو نمر ۱۸۴	وجثیا جهار ۴۵	حتیاهم هفتم ۵۰	یحبرون ے ۱۴	حجة دو نمر ۶۵ جهار ۱۲	تحدث ستم ۱۱ نجم
بجهر دو نمر ۵۲ جهارم	هفتم ۱۹۳	دوازدہم ۹ شانزدہم	وحتیهم ۲۴ هشتاد	تحبرون جهل نمر ۷۰	الحجة شتم ۱۵۰	احدث بجدم ۵۹
۱۵۲ شتم ۴۷	فستجیبون هفدهم ۵۲	حاثیة نود دہم ۴	وحانها نود دہم ۳	الاحبار بجدم ۴۴ ۲۸	حجتهم جهل دہم ۱۳	حدث هفتم نجاه [illegible]
جهارا هفتاد بکر ۷	استجیبوا ہشتم ۲۴	نجما ۳۱ جهل ۶۸	حبیث بیت هفتم ۲	الاحبار نمر ۳۴	حجتنا شتم ۸۳	۲۴ بجا دہم ۱۵ شنا
جهرهم دوازدہم ۵۹ ۲۰	جهل دو نمر ۶۰	وحانک یازدہم ۱۲	بیست شتم ۳۲	احبار نمر ۳۱	حجته جهل دہم ۱	نجم ۷ شتا دہم شتم
تجهارهم دوازدہم ۵۹ ۲۰	استجیب جهل دو نمر ۱۵	حانه دو نمر ۲۷ دو	حنوهن دنیا ۳۱	تحبه یازدہم ۱۱	حجته جهل نجم ۲۴	حدیث جهار ۱۳۹
تجهلون شتم ۱۱	جواب هفتم ۸۰ بیست	۵۰ بیست جهار ۲۰۲ بیست	جنداها صدہم ۵	تحتونها نجم ۱۰۵	حجاب هفتم ۴ جهار	شتم ۵۷ هفتم ۱۸
تجهلون هفتم ۱۳۴	هفتم ۵۷ بیست ۲۳ ۲۸	شتم ۲ شتم ۶۸	باب الحاء	حبط نجم ۷	حجاب ستم ۵۳ [illegible]	جهل نجم ۵ نجاه هفتم
یازدہم ۳ بیست نمر ۵	کالجواب جهار ۱۳	ے نمر ۳۳ شنا ۲	حتت جهل نمر ۷	تحبط شتم ۸۸	بحجاب جهل شتم ۳۱	تحدث نجاه دو نمر ۳۴
جهل شتم ۲۲	نجب یازدہم ۶۴	وحانه یازدہم ۸۰	نحتکم ستم ۲۹	وحبط یازدہم ۱۹	حجابا هفتم ۴۷ نوزدہم	تحدث ے ستم ۵۳
الجاهل دو نمر ۲۷۴	انجیبون ے هفتم ۷۳	حانها بیست هشتم ۸	احبب ے ستم ۳۱	حبط دو نمر ۲ سنم	حجبون شانزدہم ۱۵	حدیثا جهار ۱۲۵ ۱۳۵
جاهلون دوازدہم ۸۹	الجیاد ے شتم ۳۰	حی نها هفتم ۳	احبب بیت شتم ۵۶	نجم ۵۸ هفتم ۱۴۵	حجر شتم ۱۳۹	۸۹ دوازدہم ۱۱۱
انی هلون بینجم ۶۴	الحوذی یازدہم ۴۶	حانها نجم ۲۲ ۸۷	یحبب جهل نمر ۲	نمر ۱۷ ۷۰	حجر شانزدہم ۴	شصت شتم ۳
شتم ۳۵ هفتم ۱۹۸	حاورونک نجم ۲	نجم ۷۵ جهل ۳ جهل	ونحب دو نمر ۲۲۲	حبطت هفتم ۱۰۵	الحجر یانزدہم ۸۰	الاحادیث دوازدہم
یازدہم ۴ دوازدہم	الحجر بیستم ۹ شصت	سیزدہم ۳۷ شصت هفتم ۹	احتب شتم ۷۵	تحطن نمر ۶۵	حجر نجم ۲۴	۲۱ ۱۰۲
۳۲ سی شتم ۵۵	هفتم ۲۸	وحاتکم ے نجم ۳۴	یحبون نمر ۱۰۹ بیست	تحبطه جهل نمر ۲	وحجرا بیست نمر ۵۸	احادیث بیت ستم ۴
جهولا ے ستم ۷۲	الحجر هفتاد دو نمر ۲۴	نی نها بیست هفتم ۵۳	جهار ۸ نجاه نمر ۹	فاحبط ے ستم ۱۹ جهل	الحجر دو نمر ۵۷ هفتم ۱۰	ے نمر ۸
بجاها جهار ۲۱ شتم	والحجر جهل شتم ۳۰	وحانها ستم ۸۰ نمر	هفتاد شتم ۲۷	هفتم ۱۰ ۳۰	والحجارة دو نمر ۲۲ شصت	محدث بیست نمر ۲
۵۰ شانزدہم ۱۲ جهل نمر	فاجره ے ۶	جهل جهار ۱۶	یحبون ستم ۱۶۵	فحبط جهل هفتم ۳۴	شتم ۴	شتم ۲
الجاهلیة ستم ۱۴۸	نجاد بیست ستم ۹۰	حانک ے ستم ۶۰	یحبون ستم ۲۹ ۸۶	الحبک بجاه بکر ۷	الحجارة صد نجم ۴	حدائق بیت هفتم ۴
نجم ۵۵ سی نجم ۳۳	استجارک نهم ۶	حانه دو نمر ۲۱۷	۴۵ هفتم ۷۷ بیست	حبل صد یازدہم ۵	الحجارة دو نمر ۶۹	هفتاد شتم ۳۰
جهل شتم ۲۲	جار شتم ۵۰	حانه بیست ستم ۲۵	۲۲ هفتاد نجم ۳۰	حبل بجاه نمر ۱۵	کالحجارة دو نمر ۶۹	وحدیث شانزدہم ۳۱
تجهلة جهار نمر ۵۸ شنا	والجار جهار ۳۰ ۲	وحانه یازدہم ۷۷	ویحبون شانزدہم ۳۱	بجیل ستم ۹۸	حجارة شتم ۲۰ یازدہم	تحدث نمر ۶۵ سی
نہم ۲۳	جائر شانزدہم ۹	حانها نہم ۲۳	یحبو دو نمر ۲۱۳	تحبیل ستم ۱۰۸	۸۰ نوزدہم ۴۷	فلیحدث بیست نمر ۳۳
تجهنم هفتم ۷۸ نجم	تجاوزت سیزدہم ۴	حانها هفتم ۱۲۳	یحبهم ویحبونه نجم ۵	وحبل ستم ۸	هفتم ۵۳ نجاه بکر ۳۳	یحدثه نمر ۳۳
۲۹ بیستم دو دہم ۵	تجاوز هفتم ۶۱	حانکم دو دہم هفتم	تحبب کمر ستم ۵	حبانها ستم ۹	حجرات جهل نمر ۴	حدیث نمر ۵

[illegible] ... در هر جزو ... [illegible] ... که از ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... مانند ... [illegible]

باب الحاء

[illegible] ... [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	تحتهم ...	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۷۷ ... ۳۸	حرمنا ... ۶۰	... ۱۴۵	...	۷۷ ... ۶ ...	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شهر ۹	... ۱۱	[illegible]
[illegible]	حرد ...	[illegible]	[illegible]	... ۶۲	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	... ۳	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	... ۶۲	احسنوا ... ۱۶۶ ...	... ۲۳ ...
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	... ۴۰	۲۷ ... ۳۲	... ۱۵
[illegible]	تحرض ...	... ۲۵	[illegible]	چهار ... ۴۲	... ۱۲ ...	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

فصل حاء وغیرها

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	تحض مجدهم	[illegible]
نعلمون پنجاهم ۱۹	[illegible] ۱	[illegible]	حافظو دوئیم ۲۳۹	يحص شصتم ۳۴	[illegible] ۸۱ [illegible]
ویحلمون نهم ۵۰ پنجاه	عملشتر اشصت دویم	[illegible]	اِستحفظوا بنجم ۴۸	[illegible] ۳	[illegible] ۲۴
هشتم ۱۵	اَحکم یازدهم ۴۲	[illegible]	[illegible]	تحاضون [illegible] ۱۹	[illegible]
ویحلف [illegible] ۱۰۸	اَحکم [illegible] ۸	[illegible]	[illegible]	حصر [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۵۶	[illegible] ۱۰۹	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	حافظ هشتاد [illegible] ۴	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	حافظا دوازدهم ۶۴	حضرة چهلشم ۲۸	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۲۲۹	[illegible] ۶۷	حافظون [illegible] ۵	یحضرون [illegible] ۱۰۰	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۵۲	[illegible] ۸۸	[illegible] ۲۹	[illegible] ۱۲	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷۳	والحافظون نهم ۱۱۳	حاضرا [illegible] ۴۷	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	حافظین دوازدهم ۸۱	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۸۵	[illegible] ۳۳	[illegible] ۱۶۳	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	الحافظین [illegible] ۱۰	[illegible] ۲۸۲	[illegible] ۴۲
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۴۲
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۸۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible] ۲۵
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۵	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۵
[illegible]	[illegible] ۴۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۲
[illegible]	[illegible] ۱۵۶	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۵۵	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۰	[illegible] ۵۹	[illegible] ۲۸	[illegible] ۹۲
[illegible]	[illegible] ۳۷	[illegible] ۴۱	[illegible] ۲۳	[illegible] ۴۷	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۰	[illegible] ۴۲	[illegible] ۵	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۳۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۸۷	[illegible]
[illegible] ۳۵	[illegible] ۹۷	[illegible] ۸۵	[illegible]	[illegible] ۴۹	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۱۵۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۸۰
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۷	[illegible] ۷۹	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۳۵	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۲۸
[illegible]	[illegible] ۱۵۳	[illegible] ۶۳	[illegible] ۱۰۶	[illegible]	[illegible] ۷
[illegible] ۲۵	[illegible]	[illegible] ۲۳	[illegible]	[illegible] ۳۱	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible] ۳۳	[illegible] ۶	[illegible] ۷۵	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۲۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] ۱۸۵	[illegible]	[illegible] ۱۹	[illegible]	[illegible] ۹۱	[illegible]
[illegible] ۲۸	[illegible] ۳۴	[illegible]	[illegible] ۲۱	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۷	[illegible] ۷
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۸	[illegible] ۱۷
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۰۶	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۰۴	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹۵	[illegible] ۲۹
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۹
[illegible]	[illegible] ۴۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ۱۸

حشر

حصر

حصب

حضر

حظ

حفظ

حق

حکم

حلم

حمد

و هر حکمی از ... [illegible] ... رجوع ... مسائل ... اجمالی ... مشترکه ... که در بیان
... [illegible] ... محمد و علما ...
... [illegible] ... بجوید
... [illegible] ...

باب الحاء

اصول عقاید ... [illegible] ... گذشته ... [illegible]

حبر حبل حجب حجر حرث ... حقب حلف ... حاج حاذ حار حاط حاض حاف حان ... باب الخاء ... خبأ خبت خبث خبر خبز خبط خبل ... خدع خذل

حفیظ ٥٦	... ٣٤	... ٦٦	... ٥٣	حوب ... ٦٠	حبار ٨٠	... ٢٧ ...
خبیث ... ١٠٠	... ٨٥	... ٤٥	... ٦٧	حوبا ... ٦٠	... ٢٠٢	٢٤ ...
... ١٠٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]	حیث ... ٣٣	... ٥٣	... ٥٠
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حاج**	... ٥	[illegible]
[illegible]	**حیث**	[illegible]	[illegible]	**حاذ**	... ٥٢	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حار**	... ٩٠	[illegible]
[illegible]	**حاد**	[illegible]	**حوی**	[illegible]	... ١١٢	[illegible]
خبر	**حار**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	**حاز**	[illegible]	[illegible]	**حاش**	[illegible]	[illegible]
[illegible]	**حاص**	[illegible]	[illegible]	**حاط**	**حما**	[illegible]
خبز	**حاض**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حن**	[illegible]
خبط	**حاف**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حنث**	[illegible]
خبل	**حاق**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حنجر**	[illegible]
خبا	**حان**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حنذ**	[illegible]
ختر	**باب الخاء**	[illegible]	[illegible]	**حال**	**حنف**	[illegible]
ختم	**خبا**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حنك**	[illegible]
خدع	**خبت**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حاب**	[illegible]
خدن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**حات**	[illegible]
خذل	**خبث**	... ٩٠	... ٧٩	[illegible]	... ٤٥	[illegible]

کہ تعدد ان هرگز ... کنم ان کہ ... زبان ... حساب ... هرگز مرتکب نشوم ... که ... گناهان ... کردن ... سجد
باناجر کردن ... ناقصا شود ... و مثل ان است اخلال کردن ... باشرطی ... بمسئلهٔ یا اگر فاذن ناشد ... یاد کرمی ان
کفنم خدا یا شاهد باش که من عزم نموده هرگز ... نکنم ... نماز ... و ناحر ... عزم نموده که مثل ... دیگر ...
اخلال بان نکنم و چه ... که دو شبانه روز ... و همه ... نمان امتناع کند ... مع ...

فصل الخاء المعجمة

Column 1

- یحذرکم نسبه ۱۵۷
- حذو لا ... ۳
- یحذرون معصه ۲۳
- حرث ... ۳۲
- جهاده ۱۳
- یحرث شاوره ۲۰
- ذکر منفر ۳۹
- سه ستر ۲۳
- حزو بوزیه ۵۰
- ... ۱۵
- ذکر دوازدهم ...
- ویحذر بوردهم ۹۲
- یحذرون بعدهم ...
- ویحذرون بعدهم ۹
- یحذر واست بحر ۷۳
- حرنون بحاه ...
- حرانهاددهم ۸
- یحرج ... بست
- شتر ... ۷۹
- حرث ... ۴۴ ... ۵۰
- حرجو ... ۲۴۴ بحر
- ... شتر ... ۴۷
- جهل شتر ۱۸
- حرجن ... ۲۴
- حرجم شصر
- حرجا بهر ۳۰
- بحرج بفتر ... شاورد
- ۱۷ ... جهاره ۴۳ ...
- ۴۷ ... جهاده ... بحاه ...
- ۲۲ بحاجعفر ... بشاد ...
- یحرج ... ۵۵
- یحرج جهاره ۱۰۱
- یحرم ... بست ...
- ... جهل ... ۴۷
- یحرج جهاده ۵
- یحرج ... بست ...
- ۱۱ ... شتر ۳۲
- یحرجون ... جهاره ۷
- ... بهر ... ۴۳
- یحرجو بحر ... ۴۰
- ... بحر ... ۲۰
- بحاه بهر ۲
- یحرجن ... جهاره ۵۲
- یحرجن شصت بحر ۱
- یحرجون ... ۵۵
- یحرجو بهر ۸
- یحرجن بحاه بهر ۱
- احرج معصر ... دهم
- ... یحرج ... ...
- بست شتر ... ۷
- ... جهاره ۵۵
- ... معه ...

Column 2

- بیست جهاره ۲۰ جهل شتر ۲۹
- بحاه ... ۳
- بشاد معصر ۴
- ذخرج ... جهاده
- ۳۷ ... ۹۰
- واخرج ... ۲۹
- واخرجت بورهر ۲
- اخرجا ... ۲۵۹
- ... معصر ۸۴
- اخرجت شتر ۹۹
- معصر ۵۵ ... ۵۵
- بحر ۲۵ بحاه بکر ۳۵
- واخرجا ... شتر ۳۳
- اخرجتم دوازدهم ۱۰۱
- اخرجهن شتر ۵
- اخرجه بهر ۴۰
- فاخرجه ... ۳۴
- اخرجکم شانزدهم ۸
- اخرجت جهل ... ۱۴
- اخرجوکم ... ۱۸۷
- واخرجوکم شصر ۹
- فاخرجاهما ... ۵۷
- یحرج شتر ۹۵ دهم ۳۲
- ... ۲۹ ... ۴ ...
- ویخرج ... ۳۲ ... ۱۸
- یحرج جهل ... ۳
- لیحرج شصت بحر ۱۱
- یحرج ... ۵۸
- ویحرج جهل ... ۳
- یحرجن شصت ستر ۸
- یحرج بحر ۱۱۰
- ویحرج ستر ۲۹ ...
- لیحرج جهاده ...
- یحرجون شصر ۱
- یحرجون ... ۷۸
- ویحرجون دوزدهم ۷۹
- یحرجو معصر ۱۲۰
- یحرج ... شتر ۹۹ بهر ۵۵
- یحرج ... ۲۷
- ویحرج ... ۱۴
- لیحرج ... شتر ۱۵
- یحرجکم ... ۹۹
- ویحرجکم بشاد بکر ۱
- یحرج ... ۲۵۸
- ویحرجهم بحر ۱۸
- یحرجکم بشر ۱
- بست شتر ۳۴
- یحرجکم ... شتر ۴۲
- بحاه معصر ...
- یحرجهم ... ...
- ... ۵۵

Column 3

- یحرجکم بیست ۶۶
- یحرجو ... ۲۵۹
- یحرجون ... ۳۰
- لیحرجون معصر ۷۸
- یحرجوکم شصر ۸
- یحرجوه شتر ۱۳۹
- یحرجون ... بحر ...
- یحرجکم ... ۵۷
- ... ۵۵
- یحرجنی معصر ۸۲
- لیحرجکم جهاده ...
- ویحرجکم ... معصر ...
- اخرج جهاده ۵
- اخرجو شتر ۹۳ ...
- واخرجی معصر ۸۲
- اخرجا جهاره ۷۷
- ... ۹ ... بحر ۳۴
- اخرجوهم معصر ۸۰
- واخرجوهم ... ۱۸۷
- اخرجت ستر ۱۰۵
- اخرجو ... ۴۱
- بحاه بهر ۱۲۰۸
- واخرجو ستر ۹۴
- اخرجنا بحاه بهر ۱۱
- اخرجن ... ۲۴۷
- اخرج ... ۶۷
- اخرج جهل شتر ۱۵
- یحرجون جهل بحر ۳۴
- یحرجون ... ۳
- ۱۸ جهل ستر ۱
- ویستخرجا ... ۸۱
- ویستخرجون ... بحر ۱۳
- ویستخرجوا ... ۱۴
- حرجا ... ۹۳ بست
- ستر ۷۳
- خارج شتر ۱۲۲
- بخارجین ... ۱۶۲
- بحر ۴۱
- یحرج ... ۷۴
- الخروج بحاه ... ۱۱
- خروج جهل ۱۱
- الخروج بحاه ... ۴۱
- الخروج بهر ۸۴
- یحروج بهر ۴۶
- وخرج ... ۳۴
- باخراج بهر ...
- اخراج ... ۲۴۰
- حرجا ... بکر ۱۷
- ... ۷۹
- حرج ... شصر ...
- ... شصت بحر ۲

Column 4

- ویحرج شتر ۹۵
- یحرج ... ۲۲ بهر ...
- یحرجه معصر ۲۲
- یحرجون ... ۳۷
- یحرجون ... ۴۹
- یحرجن بازدهم ۳۸
- یحرجن ... ۶۷

خردل

- خردل ... ۴۸
- ... بکر ۵

خرص

- یحرصون شتر ۱۶
- دهم ۶۷ ... ۱۹
- یحرص ... شتر ۴۱
- یحرصون بحاه بکر ۱۰

خرطم

- یحرطوم ... ۱۶

خرق

- وخرقوا شتر ۱۰۰
- خرقها ... ۷۰
- اخرقتها ... ۷۰
- یحرق ... ۳۹

خزن

- بخازنین بازدهم ۲۲
- یحزنه جهل ۵۲
- حزنها ... ۷۳۰۷
- شصت ... ۸
- خزائن شتر ۵۰ بازدهم ...
- ۳۳ ... بحاه ...
- ۳۷ شصت ستر ۷
- خزائن دوازدهم ۵۵
- خزائن معصر ۱۰۲
- خزانه ... ۲۱
- ذخری ... ۱۳۴
- اخزینه ... ۱۸۹
- یحری شصت ... ۸
- ویحری بحاه ... ۵
- یحرنه ... ۹۶۰۴
- ... ۴۱
- یحرهم ... ۴۹
- ... ۱۴
- یحرین ... شتر ۸۷
- یحریا ستر ۱۹۳
- یحزون بازدهم ۸۰
- بازدهم ۶۶
- ... ۷۰
- ۱۰۸ بحر ۳۷ ... ۳۵۰
- ... ۹
- اخری بهر ۶۴
- خری ... ۹
- خرب ... ۰
- جهل ...

Column 5

- یحرف ش... ۴۰
- ... بهر ۲۰
- حری جهل ... ۵
- یحری بهر ...

خسأ

- ... ۱۱۰
- حاسئا شصت معصر ۴
- حاسئین ... ۶
- بعصر ۱۶۶
- خسیر جهاره ۱۸
- ... ۱۳ ...
- ... ۱۱
- وخسر جهل ۷۸ ... ۵۰
- خسیرو ... ۲۰۰
- جعفر ۸ ... ۵۱
- یحسر جهل ... ۲۶
- یحسرو ... ۳
- یحسرو بحاه بحر ۸
- خسیر ... ۲
- خسر ... شصت بحر ۹
- خاسرین ... دوازدهم
- ۱۴ ... ۳۶
- خاسرة ... ۱۲
- خسارا جعفر ۸
- ... ۳۷ ... بکر ...
- یحسرن ... ۱۱
- ... ۱۷
- خسرانا ... ۱۱۸
- لاخسرون ... دهم ...
- بست جعفر ۵
- الاخسرین ... ۷۰
- بالاخسرین ... ۱۰۳
- یحسیر ... ۶۶
- الخسرین بست شتر ۱۸۱

خسف

- لخسف ... ۸۲
- وخسف ... ۸
- حسعا ... ۳۹
- یحسف ... شتر ...
- یحسف ... ۲ ...
- ۷۰ ... ۱۶
- یحسف ... ۹

خشب

- خشب ... ۴
- وخشعت ... ۱۰۷
- یحشع ... معصر ۵
- خشوعا ... ۱۰۹
- ... ۱
- خاشعه ... ۲
- خاشعین ... ۱۹۰
- ... ۱۰ ...

Column 6

- ... شعی ... ۴۲
- ... ستر ۳۵
- خشعاتها ... ۷
- خاشعة معصر ۹
- شاد شتر ...
- خاشعة ... بکر ۳۹
- ... شتر ۳ ...
- وخاشعات ... ۳۵
- خشی جهل ۳۰۰ ...
- ۳۲ ... شتر ۸
- وخشی ... شتر ۱۰
- خشیت ... ۹۵
- یخشیا ... ۷۹
- یخشی ... ۳۴۴۲
- ... ۷۵ ... ۳۶
- ... ۹ بشاد
- بعصر ۱۰
- یخشی بهر ۱۸
- ولیخش جهاره ۱۰
- ویخش ... ۵۱
- یخشی بیستر ۸۰
- فخشیة ... ۱۹
- وتخشی ... بهر ۳۷
- یخشون جهل ۷۹
- ... ۵۰ ... ۳۹
- ... ۱۹ ... ۱۴
- شصت معصر ۱۲
- ویخشون ... ۲
- ... بکر ۲۴
- یخشو بحر ۴۸
- یخشون ... ۴۲
- یخشی ... ۵۷
- یخشاه ... ۴۵
- یخشه ... ستر ۳۷
- ... ۳۹
- یخشو ... ۱۳
- یخشو ... ۱۳
- یخشوهم ... ۱۴۵
- بحر ۳
- واخشو ... بکر ۳۲
- واخشوه ... ۱۴۵
- ... ۴۸۰
- واخشوهم ... ۱۶۷
- خشیه ... ۹ ...
- ... ۲۱
- ... ۷۹
- خشیه ... ۳۳
- ... ۷۴
- ... ۲۹

خصص

- یخص ... ۹ ...

Column 7

- خاشعة ستر ۲۵
- ... ۹

خصف

- یخصفان ... ستر

خصم

- خصموا ... ۲۰
- یختصمون ستر ۳۹
- ... ۵۰ ...
- ۵۰ ... ۶۹
- یختصمون ... شتر ۴۱
- یختصمون ... ۳۰
- یختصمو بحاه ۲۱
- یختصم ... ۲۰
- خصماء ... ۲۰
- ... ستر ۲۱
- خصیمون ... ۵۸
- ... ۳ ...
- ... ۷۷
- خصیما جهاره ۱۰۶
- الخصام ... ۲۰۰
- جهل ستر ۱۷
- تخاصم ... شتر ۶۴

خضد

- مخضود بحاه شتر ۲۲

خضر

- خضرا شتر ۹۹
- خضر ... شتر ۲
- خضر ... ۴۳
- ... بحر ۷۵
- خضر ... ۳۰
- الاخضر ... شتر ۸۰
- مخضرة ... ۶۲

خضع

- تخضعن ... ستر ۳۲
- خاضعین ... ۳

خط

- تخط ... ۴۱

خطأ

- خطأ ... ستر ۵
- ... ۲۲
- خطأ ... ۳۳
- خطأة جهاره ۹۰
- خطیئة جهاره ۱۱۲
- خطیئة ... ۸۰
- خطیئته ... ۷
- خطیئاتهم ...
- خطایاکم ...
- خطایانا ... ۱۵
- ... ۵۱
- ... ۵
- ... ۱۱

(margin)
باب الخاء مع الدال
خذل
خد
خرج
خرص
خزن
باب الخاء مع السین
خسأ
خسر
خسف
باب الخاء مع الصاد والضاد
خص
خصف
خصم
خضع
خطأ

باب الخا

خفي

خصب

خصص

خطأ

خفف

خلد

خلط

خلع

خلف

خلا

خمد

خمر

خمس

[illegible] ۵۷ [illegible]

فصل مد عزیزہ

خمص	[illegible]	[illegible] **خان**	[illegible] **خال** [illegible] **خام**	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خمط خمط ۱۵	تخافا ۲۲۹	[illegible]	**باب الدال**	**دثر**	[illegible]	**دخن**
خلف	[illegible]	[illegible]	**دات**	**دحر**	[illegible]	**درّ**
خنق	[illegible]	[illegible]	**دب**	**دحض**	[illegible]	**درأ**
خار	[illegible]	**خار**	[illegible]	**دحا**	[illegible]	**درج**
خاض	[illegible]	[illegible]	**دبر**	**دخر**	[illegible]	[illegible]
خاف	**خب**	[illegible]	[illegible]	**دخل**	[illegible]	**درس**

است فرمود بلے چنین است و اگر بتب داشتہ باشد کہ اگر خدا و مدا و ذاغے کند او خوف اورا نماید ثواب او نیز خواهند شد انتم بحجم ترک کردن روزہ ماه مبارک رمضان است چون روزه سیر الفتی حینم است پس کسے کہ روزه عمکیرد مانع از آنتی حینم ندارد و حفد زسکم پرست است کسے کہ مرحص است در تمام سال بخورد و باشا مد و همین یک ماه را روزه باشد و اگر بخواهد تمام روزه بخوید[1] مانع ندارد و تمام شب بخورد و بیاشامد مرخص است با وجود این مخالفت خدا و رسول[9] مینما بد صد روزه را بے خورد و خوردن مسلم بے شمارد ای بے عقد خدا و رسول کہ حاجت بروزه تو ندارند

باب الدال

۵۰۸

درک
دراسہم ہشتم ۱۵۷
تدرس نوزدہم ۵۷
و درس بست بکم ۸۵
درک
درکہ بعم ۹۰
یدرکہ ہشتم ۱۰۳
تدرکہ ہشتم ۴۰
یدرکہ چہارم ۱۰۱
یدرککم چہارم ۸۰
تدرکہ ہشتم ۱۰۳
تدارکہ شصت ہشتم ۴۹
تدارکہ بست ہفتم ۶۸
ادارکو ہفتم ۳۶
لتدرکہ چہارم ۱۴۴
درکا بستم ۸۰
المدرکون بست ہشتم ۶۱
درهم
دراہم دوازدہم ۲۰
ادری بست بکم ۱۰۹ ۱۱
جہل شش ہفتاد ہشتم ۲۶
تدری ششم ۴۴
تدری پس بکم ۴۴ م
جہل وپنجم ۵۲ شش
تدرون جہارم ۱۳
تدری چہل بجم ۳۱
ہفتاد دوہم ۱۰
ادراکہ دہم ۱۷
یدرینک سیم ۶۳
جہل وپنجم ۱ بستادم ۳
دش
یدشہ شانزدہم ۱۰
دسر
و دسر بجاہ جہارم ۱۳
دسی
دسہا نود بکم ۱۰
دغ
یدمغہ صد بجم ۲
یدعون بجاہ و دوہم ۱۳
دعا بجاہ و دوہم ۱۳
دعا سیم ۳۳ سہم ۱۱
جہل بکم ۳۳
تدعا جہل جہارم ۱۲
جہارم ۱۰
دعون ہشتاد بکم ۵
دعوا ہفتم ۱۸۹
دعوا ودعو
دوم ۲۳ ودوم ۹۳
ست جزء ۴ سیم
۶۵ سی ۳۲ بکم
دعاب دوہم ۱۸۲
دعا بست ہفتم ۵۳

دعا دہم ۱۳ سیم ۵
دعکم ہشتم ۲۴ سوم ۲۳
دعونکم چہل دہم ۲۷
تدعونہم ہفتاد بکم ۶۶
تدعوہم ہفتم ۵۰
بست ہشتم ۵۴
دعوتوہم ہفتم ۹۲
مدعو دوہم ۲۲۰ دہم ۲۶
بست دوہم ۱۲ ۱۳ سیم
ہشتم ۱۱ چہل ہشتم ۴
ہشتاد جہارم ۱۱
یدع بست ہشتم ۱۱۷ بجاہ
جہارم ۶
فلیدع نود ہشتم ۱۷
ولیدع جہل ۲۷
وندع ہفتم ۱۲
تدعو ہفتم ۱۱ بست
ہفتم ۱۵ ہفتادم ۱۷
ہفتاد دوہم ۱۸
وندعو جہل ہفتم ۳۷
ندع دہم ۱۰۵ بست ہشتم
۲۱۳ بست ہشتم ۸۸
ہفتم ۱۹
ادعو دوازدہم ۱۰۸
سیزدہم ۳ ہفتاد دوہم ۳۰
و ادعو نوزدہم ۴۹
اندعون ہفتم ۳۵
تدعو شانزدہم ۸۸ ہفتم
۷۲ ہفتم ۱۳ جہرم ۷
اندعو ہشتم ۷۰
یدع سیم ۵۴
سندع نود ہشتم ۱۸
یدعونک بست ہشتم ۲۵
یدعو ہفتاد دوہم ۱۹
یدعوہم ۱۴۷ جہلم
ہفتم ۵۲ بجاہ ہفتم ۸
ینعوہم بکم ۲۰
تدعنا دہم ۱۳
تدعونا یازدہم ۵
جہل بکم ۴
تدعوہم ہفتم ۱۹۳ ۹۷
ہفتم ۵ جہل دوہم ۱۲
تدعوہم بست ہشتم ۷۵
تدعنہ ہفتم ۵۶
دعونی جہلم ۳۴ ۳۵
یدعوے دوازدہم ۳۳
یدعونہ ہشتم
ویدعونا بست بکم ۹۰
تدعوے جزء ۵ ۶۰
وتدعو جہلم ۴۴
تدعوہ ہشتم ۶۳
یدعون جہل دہم ۱۰

مدعوه بجاه دوهم ۲۸
ادع دوهم ۶۳ ۶۴
۶۵ ہفتم ۱۳۱ شانزدہم
۱۲۶ چہل ہشتم ۴۸
فادع دوهم ۶۵ چہل ۱۴
وادعوا دوهم ۲۱ دہم ۳۱
یازدہم ۱ بست بجم ۱۵
ادعہن دوهم ۲۶۳
ادعونی جہلم ۶۲
فادعوه ہفتم ۱۷۹
جہلم ۶۷
وادعوه ہفتم ۲۸ ۵۶
ادعوہم ہشتم ۵
فادعوہم ہفتم ۱۹۳
ادعی جہلم ۱۲
ادعو دوهم ۲۸۲ بست جہل
۴۷ ۵۰
دعینہ سیم ۵۳
تدعی شصت بکم ۷
تدعی جہل بجم ۲۷
یدعون سیم ۲۲
شصت ہشتم ۴۳
ویدعون شصت ہشتم ۴۲
تدعون جہل ۰ جہل
ہفتم ۴۰
ستدعون جہل ہشتم ۱۶
یدعون ہشتم ۵۷
تدعون جہل بکم ۳۱
شصت ہفتم ۲۷
الداع دوهم ۱۸۲ بجاه
جہارم ۸۰۶
داعی جہل ہشتم ۳۰ ۳۱
وداعیا سیم ۴۵
الداعی ہفتم ۱۰۷
دعاء سیزدہم ۱۵ جہلم ۵۳
دعاء جہل بکم ۴۹
دعاء نوزدہم ۴۹
کدعاء بست جہارم ۶۳
دعاء جہل بکم ۵۱
دعاء سیم ۳ جہارم ۳۱
دعاء بست جہارم ۶۳
دعاء دوهم ۱۶۶
دعاء بست بکم ۳۶
بست ہفتم ۸۲ سی ۱ م ۵۱
دعاء جہارم ۴۲
دعات عیسی
ہفتاد بکم دعوات
دعوکم بست بجم ۷۷
دعوتنی نوزدہم ۴
دعوہ جہل ہشتم ۴
دعوت بجاہم ۱۲

دع وکم سیم بجم ۱۵
دعیا بہم سیم ۳۷
دعیا لکم سیم ۴
دعوه سیزدہم ۵
دعوه چہلم ۴۶
دعوه دوهم ۱۸۲
دعوه سی ام ۲۴
دعوکما دہم ۸۹
دعویک جہارم ۴۶
دعوتہم ہفتم ۴ دہم
۱۱ ۱۲ بست بکم ۱۵
دف
دفء شانزدہم ۵
دفع
دفعتم جہارم ۷
دفع بست ہشتم ۹۸
جہل بکم ۳۴
فادفعوا سیم ۱۶۰
فادفعوا جہارم ۵
یدافع بست دوهم ۳۹
دفع دوهم ۲۵۲ بست
دوهم ۴۱
دافع ہفتادم ۲
دافع بجاه دوهم ۸
دفق
دافق ہشتاد ہشتم ۶
دک
دکت ہشتاد ہفتم ۲۲
فدکتا شصت ہشتم ۱۴
دکا ہفتم ۱۳۹ ہشتاد
ہفتم ۲۲ م
دکة شصت ہفتم ۱۴
دکاء بجم ۹۸
دکر
دکر دوازدہم ۴۵
مدکر بجاه جہارم ۱۵
۱۲۲ ۳۲ ۴۰ ۵۱
دل
دلہم جہارم ۱۳
ادلک سیم ۱۱۸
ادلکم سیم ۱ م بست
ہفتم ۱۱ شصت بکم ۱۰
ندلکم سیم جہارم ۷
دلیلا بست بجم ۴۷
دلک
ادلوک ہفتم ۸۰
دلا
فدلاہما ہفتم ۲۱
فادلی دوازدہم ۱۹
وتدلوا دوهم ۱۸۴
تدلی بجاه سیم ۸

دنوه دوازدہم ۱۹
دمدم
فدمدم نود بکم ۱۴
دمر
دمر چہل ہفتم ۱۱
دمرنا بست ہشتم ۱۷۲
سیم ۱۳۶
دمرنا ہفتم ۱۳۳
فدمرناہا ہفدہم ۱۷
دمرناہم بست ہفتم ۵۲
دمرناہم بست بجم ۳۸
تدمیر چہل ہشتم ۲۴
تدمیرا ہفتم ۱۷
بست بجم ۳۸
دمع
الدمع بجم ۹۳ ۸۷
دمغ
فیدمغہ بست بکم ۱۸
دم
والدم بجم ۴
بدم دوازدہم ۱۸
فدم شانزدہم ۶۸
دما ہشتم ۱۴۶
والدم دوهم ۱۶۸ ہفتم
۱۳۰ شانزدہم ۱۱۶
الدماء دوهم ۲۸
دماءہا بست دوهم ۳۸
دماءکم دوهم ۷۸
دینار
بدینار سیم ۶۸
دنی
دنی بجاه ہفتم ۸
یدنین سیم ۵۹
دان بجاه بجم ۵۴
دانیة ہشتم ۹۹ شصت
ہفتم ۲۳
ودانیة ہفتاد ہشتم ۱۴
ادنی دوهم ۵۸ سوره بقری
جہارم ۳ بجم ۱۰۷
ادنی دوهم ۲۸۲
الادنی ہفتم ۱۶۸
سی دوهم ۲۱
دهر
الدهر جہل بجم ۲۳
الدهر ہفتاد بجم ۱
دهق
دهاقا ہفتاد ہشتم ۳۴
دهم
مدهامتان بجاه بجم ۶۵
دهن
الدهن شصت ہشتم ۹

فبدهنون شصت ہشتم ۹
بالدهن بست ہشتم ۲۰
کالدهان بجاه بجم ۳۷
مدهنون بجاه ہشتم ۸۰
ده
ادهی بجاه جہارم ۴۶
داود
داود دوهم ۲۵۲
سیم ۲۳ ۲۵
داود جہارم ۱۶۱ بجم
۸۲ ہشتم ۸۳ ہفدہم ۵۷
بست بکم ۷۹ بست ہفتم
۱۵ ۱۶ سی جہارم ۱۰
۱۲ سی ہشتم ۱۹ ۲۱
لداود سی ہشتم ۲۹
وداود بست بکم ۷۸
دار
یدور سیم ۱۹
تدیرونها دوهم ۲۸۲
نار ہشتم ۱۲۷ شانزدہم
۳۲ جہلم ۳ جہل بکم ۲۸
دار الدار دوازدہم ۱۰۹
شانزدہم ۳۲
الدار دوهم ۸۸ بست
ہشتم ۸۳
والدار ہشتم ۳۲
والدار ہفتم ۱۶۸
دار دہم ۲۶
الدار ہشتم ۱۳۹ سیزدہم
۲۲ ۲۴ ۲۵ ۴۲
بست ہشتم ۳۷ سی ہشتم
۴۶ جہل ۵۵
دار ہفتم ۱۴۲
جہاردہم ۳۳ سی بجم ۳۲
الدار بست ہشتم ۷۷ بست
ہشتم ۶۴ بجاه ہشتم ۹
والدار سیم ۲۹
الدار ہفتم ۵
ودار بست ہشتم ۸۱
داركم یازدہم ۶۸
دارہم ہفتم ۷۶ ۸۹
سیزدہم ۳۱ بست ہشتم ۳۹
دیارنا دوهم ۲۴۷
دیارکم دوهم ۷۰ جہارم
۶۹ شصتم ۱۰
دیارہم دوهم ۲۴۳ ۷۰
سیم ۱۹۴ ہشتم ۴۹
دہم ۷۰ ۹۷ بست بکم
۴۱ بجاه دوهم ۸۰
دیارہم سیم ۲۷
دیار ہفتاد بکم ۲۷
دیارہم ۹۹ ہفتم ۶

دائرة بجم ۵۷
الدوائر دہم ۹۹
دال
نداولہا سیم ۱۳۴
دولة بجاه دہم ۷
دام
دامت یازدہم ۱۰۹ ۱۱۰
دمت سیم ۶۸
دمت بجم ۱۱۷ نوزدہم ۳۳
دائما بجم ۲۷
دائم بجم ۹۷
دائمون سیزدہم ۳
دائمون ہفتادم ۲۳
تدون ہفتم ۲۰۴
دونہ ہفتم ۲ بجم
۴۸ ۱۰۲
دونک شانزدہم ۸۹
بست بجم ۱۹
دونہا بجم ۸۹
دونہا بجم ۹۲
بجاه بجم ۶۲
دوننا بست بکم ۴۴
دونکم سیم ۱۱۴
دونہم ہشتم ۶۲ نود
۱۷ بست ہشتم ۲۳
جہارم ۴۰
دان
یدینون نہم ۲۹
تداینتم دوهم ۲۸۲
دین جہارم ۱۲ ۱۳
۱۴ ۱۵
یدین دوهم ۲۸۲
دین نوزدہم ۴
دین سیم ۷۷ دوازدہم
۷۶ بست جہارم ۲ شصت
ودین نہم ۳۳ جہل ہشتم
۲۸ شصت بکم ۹
بالدین ہشتاد دوهم ۹
نود بجم ۷ صد ہفتم ۱
الدین دہم ۱۰۵ سی
۲۹ ۴۲
دین نہم ۲۹
دینا سیم ۷۹ جہارم
۱۲۴ بجم ۵ ہشتم ۱۶۲
دینی دہم ۱۰۴ سی
نہم ۱۶ صد نہم ۶
دینکم صد نہم ۶
دینہم ہشتم ۵۱
دینہ دوهم ۲۱۴ بجم ۵۹
دینکم دوهم ۲۱۴
دینہم ۱۶۹ بجم ۴ ۸۱

دال درک درم دسر دسی دمع دار دوم دان
دال بعد الالف
وابتمع
دال مع الدال
دعی دعم دمر دمع دون

ایشان بجهة اصلاح نواهی عمل را واجب گردانیدند چنانچه بجمیع مابدان منصوص و موجز لکم بس کراوراً صادق و خود را عاقل مند بند بنا بندا و ترک یکی دخود را در محل خطر اندازی گفتم راستاست و من انشأ ترک نخواهم کرد لکن بعزما اگر کسی از ترک نموده و حال بجز آهند تو بیز کند چاره آن حیست فرمود چاره آن ندامت از گذشته و عزم آن بر اینده و قضاء کردن گذشته ها بعد وسع و طاقتش و اگر کفاره لازم ۵۰۹ شد کفاره بیز بدهد اگر ممکن است و اگر ممکن نیست عزم کند بر آن که عند القدرة و الامکان بجا آورد

فضل الهیرو غیر

مشتمر ظلم کردن نسبت بر بندگان خدا را عات

نهم ۱۲
ببلیکم چهل و دو ۱۶
دحور هم ستم ۲۰
دبکم منم ۶۶ پنجم ۵
۶۰ چهل ۲۰
لمذبوبون سه هفتم ۵۱
مذبذبین پنجم ششم ۸۵

باب الذال

ذاب

الذئب دوازدهم ۱۳ و ۱۴ و ۱۷

ذام

مذؤما هفتم ۱۷

ذت

الذباب بیست و دوم ۷۳
ذبابا بیست و دوم ۷۳

ذبذب

مذبذبین چهارم ۱۴۲

ذبح

فذبحوها دوم ۷۱
تذبحوا دوم ۶۷
اذبحک سی هفتم ۱۰۱
لاذبحنه بیست و هفتم ۲۱
ذبح پنجم ۳
مذبح پنجم ششم ۳
یذبحون دوم ۴۹
و یذبحون چهاردهم ۶
یذبح سی هفتم ۱۰۷ [illegible]

ذخر

تدخرون سوم ۴۹

ذر

ذرة چهارم ۴۰ دهم
۶۱ سی چهارم ۳ و ۲۱
نودهم ۷ و ۸
ذریته دوم ۱۲۸ و سوم ۳۴ و ۳۸ و ۸۳
ذریته ششم ۳۳ نوزدهم ۵۹
ذریته هفتم ۳
ذریتهم سوم ۳۶ و ۳۳
چهاردهم ۱۷۲ هفتم
وذریته سیزدهم ۳۸
ذریتی دوم ۱۱۸ چهاردهم
۴۰ و ۲۰ و چهلم ۱۴
ذریتهم پنجاه دوم ۲۱
ذریته ششم ۸۴ بیست
نهم ۲
ذریتهما سی هفتم ۱۱۳
پنجاه هفتم ۲۶
ذریتنا دوم ۱۲۸
ذریته هفدهم ۶۲

سی هفتم ۷۵
وذرنه هفتم ۴۸
وذرنا ستم ۳۱
وذرتهم هفتم ۱۷
هفتم ۲ پنجاه دوم ۲۱
وذرنا بنا بیست و چهارم ۷۴
وذرنیه هم ستم ۸۷
سیزدهم ۲۳ چهلم ۸

ذرء

ذرأنا ششم ۱۳۶ شانزدهم ۱۳
ذرأنا هفتم ۱۷۸
ذرأکم بیست سوم ۷۸ ششم
هفتم ۲۴
یذرؤکم چهل و دوم ۱۱

ذرع

ذرعا یازدهم ۷۹
بیست نهم ۳۲
ذرعها ششم ۳۲
ذراعا شصت و نهم ۳۲
ذراعیه هجدهم ۱۷

ذرا

تذروه هجدهم ۴۳
ذروا پنجاه و یکم ۱
والذاریات پنجاه و یکم ۱

ذعن

مذعنین بیست و چهارم ۴۸

ذقن

للاذقان سی و هفتم ۷
الاذقان هفدهم ۱۰۸ و ۱۰۹

ذکر

اذکرن هفتم ۲۱ شانزدهم
هفدهم ۱۵
ذکرت هفدهم ۴۹
ذکروا ستم ۱۲۹
وذکروا بیست ششم ۲۲۷
ذکره هفتاد و چهارم ۵۴
هشتاد و دوم ۱۲
یتذکر نوزدهم ۹۹
بیست و نهم ۳۷
تذکر دوازدهم ۸۵
یذکرون شتم ۱۸۸ چهلم
۱۳۱ ششم ۱۳۹ سی هفتم
۱۳ هفتاد و چهارم ۵۵
لیذکروا بیست دوم ۴۹
ویذکروا بیست و دوم ۲۹
فستذکرون چهلم ۴۷
تذکروا چهارم ۱۳
یذکرهم بیست و پنجم ۶۱
ذکره هجدهم ۶۲
ذکروا دوم ۱۴۷
ستذکرونهن دوم ۲۳۵

وذکر سی و سوم ۳۳
اذکر نهم ۱۱
اذکر دوم ۳۸ و ۴۱ و ۴۶
۱۱ پنجم ۳ و ۲۰ و ۲۳
چهاردهم ۹ و سی و نهم ۹
۴۱ سی و پنجم ۳
اذکروا دوم ۱۹۴
۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۴۰ و ۲۰۳
هفتم ۶۹ و ۷۴ بیست
دوم ۳۷
واذکرن سی و سوم ۳۴
اذکرنی دوازدهم ۴۲
فاذکرونی دوم ۱۵۲
واذکروه دوم ۱۹۸
ذکرتم ششم ۱۸ و ۱۹
هشتم ۲ بیست دوم ۳۶
سی هشتم ۴۹
وذکر چهل هفتم ۲۲
یذکر بیست دوم ۴۱
یذکر دوم ۱۰۸
تذکر بیست چهارم ۳۶
یذکر ششم ۱۲۱
فذکر پنجاهم ۴۵ پنجاه
دوم ۲۹ هشتاد هفتم
۹ هشتاد ششم ۲۱
یذکر ششم ۹ پنجا
بکم ۵۵
وذکرهم چهاردهم ۵
ذکر پنجم ۵۵ سی
دوم ۲۲
ذکرتم پنجم ۱۵ و ۱۷
ششم ۴۴ هفتم ۱۰۵
بیست پنجم ۷۳ سی دوم
۱۵ سی هفتم ۳
ذکرتم سی ششم ۱۸
تذکرت سی پنجم ۳۴
یتذکر سیزدهم ۱۹
بیستم ۴۴ سی پنجم ۳۷
سی نهم ۱۳ چهلم ۱۳
هفتاد نهم ۳۵ هشتادم
نهم ۲۴
یذکرون دوم ۲۷ ستم
۵ سی و پنجم ۴
سیزدهم بیست و نهم ۱۰
یذکر بیست نهم ۶۳
فلیذکر سی هشتم ۲۸
وذکر پنجاهم ۵۲
تذکرون ششم ۸۰
لیذکر هفتم ۴۳
بیست پنجم ۵۲ بیست دوم
۳ چهلم ۶۰

یذکرون معنی ۲۰۰
ذکر نوزدهم ۱ بیست
بکم ۲
ذکر یفتر بیستم ۴۳
ذکر بیست یکم ۲۲
ذکر هفتم ۱ و ۲
دوازدهم ۱۰۴ بیست
یکم ۵۱ سی ششم ۶۹
سی هشتم ۲۹ و ۸۷
شصت ششم ۵۲ هشتاد
بکم ۲۷
الذکر چهاردهم ۳۲
الذکر یازدهم ۹ سی
ششم ۷ پنجاه چهلم ۲۵
یذکر سیزدهم ۲۸ و ۲۹
بیست یکم ۳۲
لذکر پنجاه هفتم ۱۵
ذکر بیست ششم ۴
بیست یکم ۳
الذکر شانزدهم ۴۵
بیست یکم ۴۷ و ۲۵ بیست
پنجم ۲۱ سی ششم ۱
بالذکر چهل یکم ۴۱
للذکر پنجاه چهلم ۱۷
۲۲ و ۳۲ و ۴۰
والذکر سی هشتم ۵۱
ذکر دوازدهم ۴۲
پنجاه هشتم ۲۰
ذکرا دوم ۱۹۵
۱۲ و ۶۹ بیستم ۹۹
۱۱۳ سی ششم ۱ و ۳ هفتم
۲۳ و ۱۶۸ بیست پنجم ۱۱
هفتاد و هفتم ۵
ذکرا بیست یکم ۴۹
ذکرکم بیست یکم ۱۰
ذکری بیستم ۱۰۱
بیستم ۴۴ و ۱۲۳ بیست
یکم ۱۱۳ سی ششم ۷
لذکری بیستم ۱۴
ذکرا نهم ۲۷ پنجاه
سی ۳۰
کذکرکم دوم ۱۹۶
ذکرهم بیست بیستم ۷۰
ذکرت نوزدهم ۴
ذکر سیزدهم ۳۱ پنجاه سیم ۲۱
ذکر سیزدهم ۱۰ و ۱۳ جلد ۴۳
شانزدهم ۹۹ چهلم ۴۳
چهلم ۱۳
للذکر چهلم ۳
فلذکر بیستم ۱۷۵
الذکر پنجاهم ۴۰

هفتاد پنجم ۳۹ نود
دوم ۳
آلذکرین ششم ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵
یذکرکم چهل دوم ۴۸
یذکرون سیزدهم ۱۳۰
ذکرتم پنجم ۲۹
یذکرون بیست ۶۵
لیذکرن یازدهم ۱۰
والذاکرین سی ستم ۳۵
والذاکرات سی ستم ۳۵
ذکری ششم ۶۸ و ۹۰
یادی دهم ۱۱۵ بیست نهم ۹
سی ششم ۴۳ هفتاد
چهارم ۳۴
لذکری سی نهم ۲۲
پنجاهم ۳۶
وذکری هفتم ۱۰ یازدهم ۱۲۱
بیست یکم ۸۴ بیستم ۵
سی ششم ۴۲ چهلم ۵۶
پنجاهم ۸
الذکری ششم ۶۸ چهل
چهلم ۱۲ پنجاه یکم ۵۵
شصتم ۳ هشتاد هفتم ۹
هشتادم ۴
ذکر بیا هفتادم ۳
ذکرهم چهلم ۲۰
تذکرة هفتادم ۱۹
هفتاد سیم ۵۴ هفتادم
ششم ۲۹ هشتادم ۱۱
تذکرة ششم ۴۸
لتذکرة هفتاد چهلم ۵۰
تذکرة بیستم ۲ پنجاه ششم
۷۳ شصت نهم ۱۲
وتذکیر دهم ۷۲
مذکورا هفتادم ششم ۱
مذکر هشتاد هشتم ۲۱

ذکی

ذکیتم پنجم ۴

ذل

تذل سیم ۲۴
و ذللنا ها سی ششم ۷۲
و ذللت هفتاد ششم ۱۴
و تذل سیم ۲۶
تذل چهل سوم ۲۵ و ۱۱
چهلم ۴۴
ذلة دهم ۲۷ و ۲۸
شصت ششم ۴۳
هفتادم ۴۴
تذلة هفتم ۱۵۱
الذلة دوم ۶۸ ستم
۱۰۸

ذنوب دوم ۶۶
ذلولا ششم ۱۵
ذلکم شانزدهم ۷۱
ذلک سیم ۱۱۹
ذلک پنجم ۵۹
ذلک بیست و سوم ۳۲
لاذلک ششم ۸
لاذین پنجاه ششم ۲۱
تذلیلا شانزدهم ۲
اذلک بیست دوم ۱۰
هفتم ۴۰
مذلک چهلم ۱۹ چهلم
پنجم ششم ۳
فذلک دهم ۵۹
وذلک ششم ۱۲
فذلک بیست یکم ۲ و ۳ پنجا
چهلم ۹ و هفتم ۳
کذلک سیم ۴ نوزدهم ۲۱
کذلک سیم ۹۰
فذلک چهلم ۱۴
و لذلک یازدهم ۱۲۰
ذلکما دوازدهم ۳۷
فذلکن دهم ۳۳
کذلکم چهلم ۱۵
فذلکم چهل یکم ۲۲
فذلکن دوازدهم ۳۲

ذمم

ذمة نهم ۸
مذموما ششم ۱۷ و ۴۹
مذموما مخذولا ۲۲ و ۱۹ و ۲۳

ذنب

ذنب بیست ششم ۱۳
ذنب هشتاد یکم ۹
الذنب چهلم ۲
بذنوب هفتادم ۱۸
بیست پنجم ۹
الذنوب سیم ۲۹ بیست
یذنبک دوازدهم ۲۹
ذنبک چهل ششم ۲ چهلم
۵۷ چهلم ۲۱
ذنبه پنجاه پنجم ۳۹
بذنبهم بیست نهم ۳۹
بذنبهم شصت هفتم ۱۱
نود یکم ۱۴
بذنوبنا چهلم ۱۱
ذنوبکم چهاردهم ۱۱ چهلم
۳ هفتادم یکم ۴
بذنوبکم پنجم ۲۱
ذنوبهم پنجم ۵۴
شصت هفتم ۷۵
ذنوبهم سیم ششم

هفتم ۸ ششم ۳ و ۵۶
نهم ۱۰۳ چهلم ۲۲
لذنوبهم سیم ۱۲۹
ذنوبا سیم ۱۳۴ و ۱۴۱
۱۹۱ دوازدهم ۹۸
ذنوبکم سیم ۲۹ سی نهم
۷۱ شصت یکم ۲
ذنوب پنجاه یکم ۵۹
ذنوب پنجاه یکم ۵۹

ذهب

دوازدهم ۱۴ یازدهم ۱۳ و ۲۲
بیست یکم ۸۷ سیم ۱۹
هفتادم ۳۳
لذهب دوم ۱۹ بیست سیم
ذهب هفتم ۱۱
تذهبوا دوازدهم ۱۵
ذهبا دوازدهم ۱۷
تذهب بیست پنجم ۴۳
ذهب سیزدهم ۱۸
یذهب سی پنجم
ویذهب هشتم ۴۸
و تذهبا بیستم ۶۶
یذهبوا بیست چهلم ۶۲
سیم ۲۰
تذهبون هشتاد یکم ۲۶
تذهبوا دوازدهم ۱۳
لیذهبوا چهلم ۲۳
تذهبن چهلم ۴۰
لنذهبن هفدهم ۸۶
اذهب هفدهم ۶۵
بیستم ۲۵ و ۴۳ بیست
نهم ۲۸ هشتادم ۱۷
فاذهب نهم ۲۴ بیستم ۹۷
اذهبا بیستم ۴۵ بیست
نهم ۳۸
اذهبا بیست ششم ۱۴
اذهبوا دوازدهم ۹۳ و ۸۷
اذهب بیستم ۳۱
اذهبتم چهلم ششم ۱۹
لیذهب بیستم ۳۳
لیذهب هشتم ۱۰
لیذهب نهم ۱۵
یذهبن یازدهم ۱۱۴
یذهبن بیست دوم ۱۵
الذهب سیم ۱۴
ذهبا سیم ۸۵
الذهب نهم ۳۴
ذهب سی هفتم ۱۷
ذهاب بیست سیم ۱۸

ذهل

تذهل بیست دوم ۲

ذاب
ذب
ذرع
ذخر
ذرء
ذرع
ذقن
ذکر
ذمم
ذنب
ذهب
ذهل

باب الذال المعجمة
باب الذال مع الدال
باب الذال مع العین
باب الذال مع الها

[illegible] ... خواهد نمود ... دیگر ... [illegible]

[illegible] ... مکنید که خدا ... [illegible]

۵۱۰ [illegible] ... در عدات ... [illegible]

باب الرّاء

[illegible] ... وکرهای بدست ... [illegible]

ربع	ربا	الرّاء	[illegible]	[illegible]	باب الرّاء راس	ذاد
ربق	ربص	ورث	[illegible]	فیری	راف	ذاق
رتل	ربط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رجز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

رجز

[illegible]

فصل الجيم مع غير ٥١١

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رجفة بيت ۷۸	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رجم	رجف	رجس
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ردء	رخا	[illegible]	رجا	رجل	رجع
[illegible]	ردف	رد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ردم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ردی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	رذل	[illegible]	[illegible]	رحبت	[illegible]	[illegible]
[illegible]	رزق	[illegible]	ارحام	رحق	[illegible]	[illegible]
رسخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رحل	[illegible]	[illegible]
رسل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

فرمود چاره اینست که نادم شوی از گذشته و حقوق ایشان را اگر اهلش معلوم است با ایشان رد کند تا امکان و اگر ممکن نیست عزم کند که هر وقت قادر شود رد کند
و اگر اهلش را نشناسد از جانب ایشان صدقه دهد بفقراء و اگر مال او حلال و حرام مخلوط شده و مقدار آن معلوم نیست و اهلش هم مشخص نیست خمس مالش
را بدهد با هم ... ۵۱۲ خمس و عزم کند که من بعد ظلم و تعدی نکند ابداً اینکه انشاءالله خداوند رحم صاحبان مظلم را راضی نماید که از او
بگذرند و خلاص شود **هفتم** شرب خمر و فقاع و مسکرات است حتی جرعه و بنگ **باب الراء** و خوردن آنها از گناهان بزرگست و هر کس مرتکب شود و بی توبه بمیرد

يُرْسِلْ بقره بیت
بقره ۴۴ سوام ۴۷
فَنُرْسِلُ بقره ۷۱
وَيُرْسِلُ بقره ۳۸
يُرْسِلُ یازدهم ۵۴
همانجا ۲
يُرْسِلُ شش ۴۸ بقره
۶۱ بقره ۵۴
نُرْسِلُ هفدهم ۶۱
لِنُرْسِلَ چهارم ۳۳
وَلٰكِنْ سِلْنَ بقره ۱۳۱
اُرْسِلُ دوازدهم ۶۰
اُرْسِلْ بیست ۱۶
فَاَرْسِلْ بقره ۲۳ دوم
۶۳ بقره ۳۹ شش
فَاَرْسِلْ بقره ۱۰۸
اُرْسِلَهُ دوازدهم ۲
۵ رُسُلِهِ بیست ۳۴
۰ رُسُلُوبِ دوازدهم ۴۵
اُرْسِلُ بقره ۲۳۰ جیت
بکر ۵ بیست و شش ۲۶
رُسُلُتُ بقره ۸۵ پیزد
۶۰ چهل و شش ۲۳
اَرْسَلُوا هشتاد ۳۳
اَرْسَلْتُمْ چهاردهم ۱۰
جهاد ۳۳ چهل بکر ۱۳
چهل بقره ۲۳
اَرْسَلْنَا بیزدهم ۷۳
۰ بزدهم ۵۸ بیع بکر ۳۳
يُرْسِلُ چهاد بقره ۳۵
اَرْسُولُ شصت بقره ۱
وَرَسُوْلُ چهل بقره ۸
يَرْسُوبُ شصت بکر ۰
اَرْسُولُ بقره ۱۷ بیزدهم
۳۸ چهل ۷۸
وَرَسُولِ بقره ۴۹
وَيَرْسُولُ بقره ۲۰۰
نجاه بقره ۷
وَيَرْسُولُ بقره ۱۶۶
چهارم ۵۰ بقره ۱
وَيَرْسُولُ بقره ۱۳۷ بیت
بقره ۸
رَسُولُ بقره ۱۴۱۰
۳ بقره ۱ چهل بقره ۳
شصت بقره ۷
رَسُولُ چهارم ۱۵۰ تا
۶۰ بقره ۴ ۲۰ ۳
چهل بقره ۷ شصت ۴۴
رَسُولُ اتِ بقره ۶۶
وَرَسُولِ بقره ۲۹ ۱۴۶
چهارم ۷۱ بقره ۲۷

رَسُولاً بقره ۴۹
رُسُلٌ شش ۳۳ بقره ۱۴
۵۱ یازدهم ۸۳
يُرْسِلُ شش ۱۰ سیزدهم
۳۲ بیست بکر ۴۲
اَرْسِلْ چهارم ۱۶۳
پنجم ۲۲ یازدهم ۱۳۱
شانزدهم ۳۷ چهل شش
۳۴ ۰ ۸
بِالرُّسُلِ دوازدهم ۸۱
لِلرُّسُلِ چهل بکر ۴۳
وَرُسُلاً چهارم ۱۶۴
اَرْسَلَ بقره ۱۰۸ چهاردهم
۴۶ بیست بقره ۳۹
بقره ۱۳ چهارم ۱۳
رَسُولُهُ بقره ۹۶
يَرْسُولُهُ شصت بقره ۱
رَسُولُهَا بیست بقره ۴۴
رَسُولُنَا بقره ۱۸ ۲۲
رَسُولُهُ دهم ۴۸
وَرَسُولِي بقره ۱۱
رَسُولُهُ چهارم ۱۳۵
بقره ۵۷ ۶۰ ۰۱ ۸۷
۹۸ چهل شش ۲۶
بقره ۷۰۰
يَرْسُولُهُ چهاد بقره ۲۸
وَرَسُولُهُ بقره ۵۳
وَرَسُولِهِ شصت بقره ۸
رَسُولُنَا بقره ۱۳
چهارم ۱۲
يَرْسُولَهُ چهل ۵
رَسُولُهُ بقره ۳۳ چهل بقره
۲۸ ۰ ۲۲ شصت بکر ۹
رَسُولُهُمْ بیست بقره ۷۱
رُسُلِي سی چهارم ۴۴
تَدْلِي حال شی پنجاه
۲۱ حال شی بقره ۱۰۲
رَسُلْتُ بقره ۳ شش
۵۰ بقره ۳۵ بقره ۷۲
۷۹ بیت بقره ۳۰ ۲۲۰
رَسُولُكُمْ بقره ۱۰۲ جیت
شش ۲۵
رَسُلْنَا چهل بقره ۸
رُسُلُكُمْ چهل ۵۳
رُسُلُهُمْ بقره ۹۹ بقره ۷۱
چهاردهم ۱۰۰۱۰ ۲۳
رُسُلِي بقره ۵
رُسُلُكَ بقره ۱۹۲
رُسُلُهُ دوم ۸۵ بقره ۱۲۳
وَرُسُلُهُ بقره ۴۳ ۵ ۰ ۲۸
بقره ۱۷۳ وَبُشْرُهُمْ ...

چهل بقره ۱۳۵
رُسُلُنَا بقره ۷۹
چهل بقره ۴۴
رُسُلُنَا پنجاه بقره ۲۷
رُسُلُهُمْ چهل بقره ۶۰
رُسُلُهُ یازدهم ۲ چهاردهم
۴۸ پنجاه بقره ۰
وَرُسُلِهِ پنجاه بقره ۲۵
رُسُلُنَا بقره ۲۲ ۱۰۳
بیت بقره ۴ چهل ۵۲
پنجاه بقره ۲۵
رِسَالَةُ بقره ۷۷
رِسَالاتِ بقره ۶۰۰۰
۹۱ بقره ۳۹ هشتاد
دوم ۲۸
رِسَالَتِهِ بقره ۷ شش ۱۲۴
رِسَالاتِ بقره ۱۴۱
وَرِسَالاتِهِ هشتاد دوم ۲۳
مُرْسِلُ بقره ۲
مُرْسِلُوا پنجاه چهل ۲۷
مُرْسِلِينَ بیست شش ۳۵
چهل چهارم ۴
مُرْسِلَةُ بیست بقره ۳۵
مُرْسَلُ بقره ۷۳
مُرْسَلاً سیزدهم ۴۳
مُرْسَلُونَ بیست شش ۱۳
الْمُرْسَلُونَ بیست شش ۱۵
الْمُرْسَلُونَ بیزدهم ۵۷ ۵۱
بیست بقره ۱۰ شش ۳
۵۲ پنجاه بکر ۳۱
وَالْمُرْسَلاتِ بقره ...

رَهُوصُ شصت بکر ۴
رصد
رَصَدٌ هفتاد بقره ۲۷۰۹
فَارْصَادًا بقره ۱۰۸
رَصَدِ بقره ۵
لَبِالْمِرْصَادِ هشتاد بقره ۳
مِرْصَادًا هشتاد بقره ۲
رضع
رَضَعَتْ بقره ۲
اَرْضَعْنَ شصت بقره ۶
اَرْضَعَتْكُمْ چهارم ۲۷
فَتُرْضِعُ شصت بقره ۶
يُرْضِعْنَ دوم ۲۳۳
اَرْضِعِيهِ بیست شش ۶
تَسْتَرْضِعُوا دوم ۲۳۳
الرَّضَاعَةَ چهارم ۲۷
الرَّضَاعَةِ دوم ۲۳۳
مُرْضِعَةٍ بیست بقره ۲
الْمَرَاضِعَ بیست شش ۱۱
رضی
بقره ۱۱۹ بقره ۱۰۱ چهل
بقره ۱۸ پنجاه شش ۲۲
نود بقره ۸
وَرَضِيَ بقره ۱۰۸
وَرَضِيتُ بقره ۵
رَضُوا بقره ۵۸ ۵۹۰
۸۸ ۰ ۹۴
وَرَضُوا بقره ۱۱۹ بقره ۱۰۱
دهم ۷ پنجاه شش ۲۲
نود بقره ۸
رَضِيتُمْ بقره ۸۴
اَرَضِيتُمْ بقره ۳۸
يَرْضَى چهارم ۱۰۸
بقره ۹۷ نود دوم ۲۱
وَيَرْضَى پنجاه بقره ۲۷
تَرْضَى دوم ۱۴ بقره ۳
تَرْضَى نود بقره ۵
لِيَرْضَى بقره ۸۶
وَتَرْضَيْنَ بقره ۵۱
تَرْضَوْنَ دوم ۲۸۲
يَرْضَوْا بقره ۹۷
لِيُرْضُوا بقره ۹۷
تَرْضَاهُ بیست بقره ۱۹
چهل شش ۴
يُرْضِيهَا دوم ۱۳۹
يُرْضُوهُ بیست ۵۸
يُرْضُونَكُمْ بقره ۲۴
وَيُرْضُوهُ شش ۱۳
يَرْضَى ... بقره ۹
يُرْضُونَهُ بقره ۸

يَرْضُوهُ بقره ۶۳
يُرْضُوكُمْ بقره ۶۳
تَرَاضَوْا دوم ۲۳۲
تَرَاضَيْتُمْ چهارم ۲۸
اِرْضَيْ بیست بکر ۲۹ جیت
چهارم ۵ ۰ هفتاد دوم ۲۲
نَعْتًا نوزدهم ۶
رَاضِيَةٌ هشتاد بقره ۹
رَاضِيَةٌ شصت ۲۱ بقره ۵
رَاضِيَةً هشتاد بقره ۲۸
وَرِضْوَانٌ بقره ۳ بقره ۷۳
پنجاه بقره ۲۰
وَرِضْوَانٌ بقره ۲۱ ۱۱۰
رِضْوَانَ سیزدهم ۱۵ ۱۶۰
وَرِضْوَانًا بقره ۲ چهل
بقره ۲۹ پنجاه بقره ۸
رِضْوَانَهُ بقره ۶
چهل بقره ۳۰
مَرْضَى هشتاد بقره ۲۰
الْمَرْضَى بقره ۹۲
رِضْوَانٌ پنجاه بقره ۲۷
مَرْضِيًّا نوزدهم ۵۶
مَرْضِيَّةً هشتاد بقره ۲۸
مَرْضَاتِ دوم ۲۰۳
۲۵۷ چهارم ۱۱۴
مَرْضَاتِ شصت شش ۱
مَرْضَاتِي شصت ۱
تَرْجِيَ دوم ۳۳ چهارم
رطب
رَطْبٍ شش ۵۹
رُطَبًا نوزدهم ۲۵
رعب
رُعْبًا بقره ۱۷
الرُّعْبَ بقره ۱۴۳ شش
۱۲ بقره ۲۶ پنجاه
بقره ۲
رعد
وَرَعْدٌ دوم ۱۸
الرَّعْدُ سیزدهم ۱۳
رعی
رَعَوْهَا پنجاه بقره ۲۷
وَارْعَوْا بقره ۵۶
رَاعِنَا دوم ۹۸
رَاعِنَا چهارم ۴۸
رَاعُونَ بیست بقره ۸
هشتاد ۳۲
وَنِعْمًا پنجاه بقره ۲۷
الرِّعَاءُ بیست شش ۲۳
مَرْعَى هشتاد بقره ۴
وَمَرْعَاهَا هفتاد بقره ۳۱
رغب

يُرْغَبُ دوم ۱۲۳
يَرْغَبُوا بقره ۱۲۱
وَيَرْغَبُونَ چهارم ۱۲۶
فَارْغَبْ نود چهارم ۸
رَغَبًا بیست بکر ۹۰
اَرَاغِبٌ نوزدهم ۴۷
رَاغِبُونَ بقره ۵۹
شصت بقره ۳۲
رغد
رَغَدًا دوم ۳۳ ۵۵
شانزدهم ۱۱۳
رغم
مُرَاغَمًا چهارم ۱۰۱
رفت
وَرُفَاتًا بقره ۵۲ ۱۰۰
رفث
رَفَثَ دوم ۱۹۳
الرَّفَثُ دوم ۱۸۳
رفد
الرِّفْدُ یازدهم ۱۰۱
الْمَرْفُودُ یازدهم ۱۰۱
رفرف
رَفْرَفٍ پنجاه بقره ۷۶
رفع
رَفَعَ سیزدهم ۲ هشتاد
بقره ۲۸
رَفَعَهُ چهارم ۱۵۶
رَفَعْنَا پنجاه بقره ۶
رَفَعْنَاهُ بقره ۱۷۵
وَرَفَعْنَاهُ نوزدهم ۵۸
يَرْفَعُ دوم ۱۲۱
يَرْفَعِ پنجاه شش ۱۲
تَرْفَعُوا چهل بقره ۲
يُرْفَعُ چهل شش ۸۳
دوازدهم ۷۶
تُرْفَعَ بقره ۱۱
رَفِيعُ هشتاد ۱۸
تَرْفَعُ بیست چهارم ۳۶
رَفَعْنَا پنجاه شش ۳
وَرَافِعُكَ بقره ۴۸
رَفِيعٌ چهل ۱۵
مَرْفُوعٌ پنجاه دوم ۵
مَرْفُوعَةٌ هشتاد بقره ۱۳
مَرْفُوعَةٍ پنجاه شش ۳۳
هشتاد ۱۴
رفق
رَفِيقًا چهارم ۷۱
مِرْفَقًا بقره ۱۵
مِرْفَقًا بقره ۸
مُرْتَفَقًا بقره ۲۹ ۳۰
رق

رَقٍّ پنجاه دوم ۳
رقب
تَرْقُبُ بقره ۹۵
يَرْقُبُونَ بقره ۱۰
يَرْقُبُوا بقره ۸
يَرْتَقِبُ بیست شش ۲۰ ۱۷
فَارْتَقِبْ چهارم ۱۰۹ ۵
وَارْتَقِبُوا یازدهم ۹۶
فَارْتَقِبْهُمْ پنجاه چهارم ۲۷
رَقِيبٌ یازدهم ۹ پنجاه ۱۷
رَقِيبًا چهارم ۱ بقره ۵۲
الرَّقِيبَ بقره ۱۱۷
رَقَبَةٍ چهارم ۹۲ تا بقره
۹۰ پنجاه بقره ۴ نود ۱۳
الرِّقَابِ دوم ۲ بقره ۳
چهل بقره ۴۰
مُرْتَقِبُونَ چهل چهارم ۵۹
رقد
رُقُودٌ بقره ۱۷
مَرْقَدِنَا بیست شش ۵۲
رقم
وَالرَّقِيمِ بقره ۸
مَرْقُومٌ هشتاد بقره ۹ ۲۰
رقی
تَرْقَى بقره ۹۵
فَلْيَرْتَقُوا بقره ۹
لِرُقِيِّكَ بقره ۹۵
رَاقٍ هفتاد بقره ۲۷
التَّرَاقِيَ هفتاد بقره ۲۶
رکب
رَكِبَا بقره ۷۰
رَكِبُوا بیت بقره ۶۵
تَرْكَبُونَ بیست شش ۴۲
تَرْكَبُونَ چهل بقره ۱۱
لِتَرْكَبُوا چهل ۷۹
لَتَرْكَبُنَّ هشتاد ۱۹
بِرَكْبِهَا ... ۹
اِرْكَبْ یازدهم ۴۳
ارْكَبُوا یازدهم ۴۱
رَكِبَكَ هشتاد دوم ۸
وَالرَّكْبُ هشت ۴۳
رُكْبَانًا دوم ۲۴۰
رِكَابٍ پنجاه بقره ۶
رَكُوبُهُمْ بیست شش ۷۲
مُتَرَاكِبًا شش ۹۹
رکد
رَوَاكِدَ چهل دوم ۳۳
رکز
رِكْزًا نوزدهم ۹۰
رکس
اَرْكَسَهُمْ چهارم ۹۰

باب الراء مع السین
رسل
باب الراء مع الصاد
رصد
رضع
باب الراء مع الطاء
رطب
رعب
رعی
باب الراء مع الغین
رغد
رغم
رفت
باب الراء مع الفاء
رقب
رقد
رقی

البته خداوند از جمیع جهت با و بخشاند واگرچه بعضی تفضل و رحمت خدا شفاعت بد و و بناه از عذاب نجات یابد و لیکن وصف جمیع در قران دیده باید که منبر مد
اشده وامعاء واحساء هندر پاره میکند کفته شکر مندر که هرگز بخشیده میکند دمک آن نحو هر دند وجیه عمل کسا بکه تصدیق از قران وابیات دارد
مرکب میشوند و شیر و شکر و عسل مصفی و چای و دندوب و سکنجبین و انواع حلویات محتر کفات میکند که ابن منعق
گندید ندهم ندبو در دمذاق بشان خوش باید و بیمکر ازعمل شیطان رجیم سجی نزم رکه قران و خدا و ند که این هم

فصل الكاف وغيره

ارکضی چهارم ۹۳	نرهبوب سیزدهم ۶۰	ور رحبا نوزدهم ۱۷	جشتم ۷	زبیه نهم ۳۵	وزجر چهلم ۳۴	ترکو چهلم ۳۰

رکض

ارکضی چهارم ۹۳ — **رکض** — یرکضون بیست و یکم ۱۲ — ترکضوا بیست و یکم ۳ — رکض سی هشتم ۴۱ — **رکع** — ورکعون ششم ۴۸ — واذا رکعوا ششم ۳۸ — ارکعوا بیست و دوم ۷۶ — بقعادهم ۴۸ — وارکعوا دوم ۴۰ — راکعا سی هشتم ۲۳ — راکعون ششم ۴۰ — الراکعون نهم ۱۱۳ — الراکعین دوم ۴۰ — سوم ۳۸ — والرکع دوم ۱۲۵ بیست دوم ۲۷ — رکعا چهلم ۲۹ — **رکم** — فیرکمه هشتم ۳۸ — ارکاما بیست چهارم ۴۳ — مرکوم پنجاه دوم ۴۴ — **رکن** — برکنه بیستم ۷۶ — ترکنوا یازدهم ۱۱۵ — رکن یازدهم ۸۲ — ترکن پنجاه بکر ۳۹ — **رمم** — رمیم سی ششم ۷۸ — **رمح** — ورماحکم پنجم ۹۵ — **رمد** — کرماد چهاردهم ۲۱ — **رمز** — رمزا سوم ۳۶ — **رمض** — رمضان دوم ۱۸۱ — **رمن** — والرمان پنجاه پنجم ۶۸ — والرمان ششم ۹۹، ۱۴۲ — **رمی** — رمیت هشتم ۱۷ — رمی هشتم ۱۷ — یرمه چهارم ۱۱۲ — یرمی سی نادم ۲۳ — یرمون بیست چهارم ۴، ۲۳ — ترمیهم صد پنجم ۴ — **رهب** — یرهبون هفتم ۱۵۳ — فارهبون دوم ۳۸ — شانزدهم ۵۳

نرهبوب سیزدهم ۶۰ — ولنسترهبوهم هفتم ۱۱۳ — ترهب بیست هشتم ۳۲ — ورهبا بیست یکم ۹۰ — رهبة پنجاه نهم ۱۳ — والرهبان نهم ۳۴ — ورهبانا پنجم ۸۵ — ورهبانهم نهم ۳۱ — ورهبانیة پنجاه هفتم ۲۷ — **رهط** — رهط بیست هفتم ۴۹ — رهطی یازدهم ۹۴ — رهطک یازدهم ۹۳ — **رهق** — رهق دهم ۲۷ — ترهقهم دهم ۷۹ — ترهقها بشانزدهم ۴۰ — ترهقهم شصت هشتم ۴۳ — هفتادم ۴۴ — ولا ترهقهم دهم ۲۸ — ترهقنی هیجدهم ۷۲ — سارهقه هفتاد چهارم ۱۷ — رهقا هفتاد دوم ۶، ۱۳ — **رهن** — رهینة پنجاه دوم ۲۱ — رهینة هفتاد چهارم ۳۸ — فرهان دوم ۲۸۳ — **رها** — رهوا چهل چهارم ۲۳ — **روح** — تریحون شانزدهم ۶ — فروح پنجاه ششم ۸۸ — روح دوازدهم ۸۷ — روح شانزدهم ۱۰۲ — والروح هفتادم ۴ — الروح هفدهم ۸۷ — بیست ششم ۱۹۳ بهسا — هشتم ۳۸ — والروح هفتادم ۴ — نوروهم ۴ — بروح دوم ۲۵۳، ۸۷ — نحل ۱۰۹ — بروح پنجاه هشتم ۲۲ — الروح هفدهم ۸۷ — بالروح شانزدهم ۲ — روحا چهل دوم ۵۲ — روحنا نوزدهم ۱۷ — روحی پانزدهم ۲۹ سی هشتم ۷۲ — روحه سی دوم ۹ — روحنا بیست یکم ۹۱ — شصت ششم ۱۲

زرحبا نوزدهم ۱۷ — ربح دهم ۲۲ چهل هشتم — الربح چهارم ۲۱ — بیست دوم ۳۲ — ربح سیزدهم ۱۱۳ — بربح دوم ۲۳ شصت — ربح هفدهم ۷۱ — ربح دوازدهم ۹۴ — ربح سی ۵۰، ۳ سی هشتم ۹ — چهل یکم ۱۹ پنجاه چهارم ۳۱ — ربح سی هشتم ۸ — سی هشتم ۳۵ چهل — دوم ۳۱ پنجاه یکم ۴۱ — الرباح دهم ۴۳ — الرباح دوم ۱۵۹ — چهل پنجم ۴ — الرباح هفتم ۵۵ — یازدهم ۲۲ بیست — ۵۰ بیست هفتم ۶۴ سی — ۴۵، ۴۷ سی — ریحکم هشتم ۴۸ — وروحها چهل ۱۱ — والریحان پنجاه پنجم ۸۸ — وریحان پنجاه ششم ۸۹ — **راد** — راودن دوازدهم ۲۳ — راودتی دوازدهم ۲۶ — وراودته دوازدهم ۲۳ — راودته دوازدهم ۳۲، ۵۱ — راوده پنجاه چهارم ۳۷ — سنراود دوازدهم ۶۱ — فاراد دو اهدنهم — ۱۰۵ هجدهم ۸ — ارادت یازدهم ۳۶ — فاردت هجدهم ۷۹ — اراد دوم ۲۳۳ — ارادوا دوم ۲۲۸ — بیست دوم ۲۲ — سی دوم ۲۰ — فاراد دو هفتم ۹۶ — واراد دو سکم ۷۰ — اردت بیست چهارم ۳۳ — اردنه دوم ۲۳۳ — ۸۰ — اردنا چهل پنجم ۱۰۸ — هفدهم ۱۷ — هجدهم ۸۰ — اردیتم ۳۰ — اردنا شانزدهم ۴۰ — ورید جهت ۲۰، ۳۰

جشتم ۷ — برید سوم ۱۳۹ — ۴۵ هشتم ۱۲۵ — بیست دوم ۲ — سیزدهم ۳ — یرید هفدهم ۲۷ — هشتم ۱۸ — ارید بیست هشتم ۸ — یرید پنجم ۳۲ — ۹۰ بیست هشتم ۴۲۷ — پنجاه بکر ۵۷ — ارید هشتاد دوم ۱۰ — یرید سی هشتم ۶۶ — یرید چهل ۳۹ — ویریدون چهل ۴۷ — ۱۴۹ — یریدون سیزدهم ۲، ۶۴ — یریدون دوم ۱۰۲ — ۶۸ چهل دوم ۱۲ — ۳۸ سی هفتم ۸۴ — یریدون چهل ۹۰، ۱۴۳ — یریدون سیزدهم ۲۸، ۲۹ — یرید پنجم ۱۱۳ — ۸۱ هفدهم ۱۹ — ویرید بیستم ۴ — یریدک سی ششم ۲۲ — یریدک دهم ۱۰۷ — ارادنی سی نهم ۵ — وزید شانزدهم ۱۷ — **راض** — روضة سی ام ۱۴ — روضات چهل دوم ۲۱ — **راع** — الروع یازدهم ۷۷ — **راغ** — فراغ سی هفتم ۹۱، ۸۹ — پنجاه یکم ۲۶ — **رام** — الروم سی ام ۱ — **راب** — لارتاب بیست نهم ۴۷ — وارتابت نهم ۴۵ — ارتابوا بیست چهارم ۴۹ — وارتبتم پنجم ۱۰۵ — شصت پنجم ۴ — ولیتبه پنجم ۱۲ — بریاب شصت هفتم ۳۰ — ترابوا چهل ۱۵ — ترتابوا دوم ۲۸۲ — ریب دهم ۲ — بیست دوم ۵

زبیه نهم ۳۵ — زبیه نهم ۱۱ — مرتب یازدهم ۶۵، ۱۱۲ — چهاردهم ۹، سی چهارم — ۵۴ چهل یکم ۴۵ — دوم ۳ پنجاه هفتم ۲۴ — مرتب چهلم ۳۶ — **راش** — وریشا هفتم ۲۵ — **راع** — ریع بیست ششم ۱۲۸ — رباع شانزدهم ۱۴

باب الزاء

زبد — زبد سیزدهم ۱۸ — الزبد سیزدهم ۱۸ — زبد سیزدهم ۱۸ — **زبر** — الزبور بیست یکم ۱۰۵ — زبورا چهارم ۱۶۱ — هفدهم ۵۷ — زبر بیست ششم ۱۹۶ — الزبر پنجاه چهارم ۴۳، ۵۲ — والزبر سیزدهم ۱۸۱ — شانزدهم ۴۰ — وبالزبر سی پنجم ۲۳ — زبر هجدهم ۹۵ — زبرا بیست سوم ۵۵ — **زبن** — الزبانیة نود ششم ۱۸ — **زج** — الزجاجة بیست چهارم ۳۵ — زجاجة بیست چهارم ۳۵ — **زجر** — وازدجر پنجاه چهارم ۹ — زجرة سی هفتم ۲ — زجرة هفتاد نهم ۱۳ — فالزاجرات سی هفتم ۲ — مزدجر پنجاه چهارم ۴ — **زجی** — یزجی هفدهم ۶۶ — سی چهارم ۴۳ — مزجاة دوازدهم ۸۸ — **زحزح** — زحزح سوم ۱۸۵ — بمزحزحه دوم ۹۶ — **زحف** — زحفا هشتم ۱۵ — **زخرف** — زخرف هفدهم ۹۳ — زخرف ششم ۱۱۲

وزجر چهلم ۳۴ — زخرفها دهم ۲۵ — **زرب** — وزرابی هشتاد هشتم ۱۶ — **زرع** — یزرعون دوازدهم ۴۷ — تزرعونه پنجاه ششم ۶۴ — زرع سیزدهم ۴ — زرع چهاردهم ۳۷ — کزرع چهل هشتم ۲۹ — زرعا هجدهم ۳۲ سی دوم ۲۷ — ۲۷ سی نهم ۲۲ — وزرع شانزدهم ۱۱ — والزرع ششم ۱۴۱ — وزروع بیست ششم ۱۴۸ — چهل چهارم ۲۵ — الزراع چهل هشتم ۲۹ — تزدعون پنجاه ششم ۶۴ — **زرق** — زرقا بیستم ۱۰۲ — **زری** — تزدری یازدهم ۳۱ — **زعم** — زعم شصت چهارم ۷ — زعمت هفدهم ۹۲ — زعمون چهارم ۶۰ — زعمتم ششم ۲۲، ۹۴ — بیست هشتم ۶۲، ۷۴ — بزعمهم ششم ۱۳۶، ۱۳۷ — زعیم دوازدهم ۷۲ — شصت هشتم ۴۰ — **زف** — یزفون سی هفتم ۹۴ — **زفر** — زفیر یازدهم ۱۰۸ — بیست یکم ۱۰۰ — وزفیرا بیست پنجم ۱۲ — **زقوم** — پنجاه ششم ۵۲ — الزقوم سی هفتم ۶۲ — چهل چهارم ۴۳ — **زکریا** — زکریا سوم ۳۷، ۳۸ — نوزدهم ۷ — ۳۳ — زکریا نوزدهم ۱ — وزکریا ششم ۸۵ — بیست یکم ۸۹ — **زکی** — زکی بیست چهارم ۲۱ — زکیا نوزدهم ۱۹ — زکی چهارم ۴۹ — نور ۲۱ — یزکی چهارم ۴۹

ترکو چهلم ۳۰ — وتزکیهم دوم ۱۲۹ — یزکیهم دوم ۱۵۱ — ویزکیهم دوم ۱۷۴ — ۱۵۱ شصت دوم ۲ — ویزکیهم سوم ۱۶۴ — یزکی نهم ۷۸ — ۱۹ — یزکی ششم ۱۸ — نود دوم ۱۸ — یزکی بیست چهارم ۱۹ — یزکی شانزدهم ۷، ۲۳ — زکوة سی ام ۳۸ — الزکوة بیستم ۴ — زکوة بیست ۲، ۷ — چهارم ۷۷ — ۵۶ ۲۳ — زکوة هجدهم ۸۰ — ورکوة نوزدهم ۱۳ — زکیا نوزدهم ۱۹ — زکیة هجدهم ۷۳ — ازکی دوم ۲۳۲ هجدهم — ۱۸ بیست چهارم ۲۸، ۳۰ — **زلزل** — زلزلوا دوم ۲۱۴ — وزلزلوا سی سوم ۱۱ — زلزلها نود نهم ۱ — **زلف** — زلفی سی هشتم ۳۷ — وزلفا یازدهم ۱۱۴ — ازلفت بیست ششم ۹۰ — بیجاهم ۳۰ — زلفة شصت هفتم ۲۷ — وازلفنا بیست ششم ۶۴ — زلفی سی چهارم ۳۷ — سی هشتم ۲۵ — زلفی سی نهم ۳، ۴۰ — **زلق** — لیزلقونک شصت هشتم ۵۱ — زلقا هجدهم ۴۰ — **زلم** — وبالازلام پنجم ۴ — الازلام پنجم ۹۰ — **زمر** — زمرا سی نهم ۷۱، ۷۳

نمها بجه انسان از بد و رحم در مصرف بفا کرده از این عمل شنیع بجز نور زید محض ضائع نور حوست پس جد حود در بی عقلی که مرتکب میتوی و عجب از آنکه نادر از
خو میشاری و از خود بی‌خبری هستم قتل نفس محرمه شد و آن از گناهان بسیار بزرگ کرجزای آن را در قرآن آتش جهنم قرار داده است نهم لواط کردن
وحد آن قتل است ۵۱۴ با سوختن در آتش و عیران دهم زنا کردن و آن از گناهان بزرگست و باعث هلاک است و سبب نزول طاعون میشود
با در بستر خوردن و در دریا است بجز نفع بول و گناهان در کسب و مکدم ن # باب الزای ما شد هفتاد زنا است و عجب آنکه در کربلا با سلام شیوع یافته

زمل
المزمل بیست و نه
زمهر
زمهریرا هفتاد و شش ۱۳
زنجبیلا هفتاد و شش
زنم
زنیم شصت و هشت ۱۳
زنی
الزانی بیست و چهار ۲
الزانیة بیست و چهار
زنا هفده ۳۲
الزانی بیست و چهار ۳
والزانیة بیست و چهار
زهد
الزاهدین دوازده ۲۰
زهر
زهرة بیست ۱۳۱
زهق
وزهق هفده ۸۱
وزهق هفده
زاهق بیست و یک ۱۸
زهوقا هفده ۸۱
زوج
زوجاک بیست ۳۷
زوجها چهار ۱
زوجها هفت ۱۸۹
وزوجک دو ۳۵
زوجک هفت ۱۹
وزوج سی و نه ۶
زوجها چهل ۶
زوجا چهار ۲۰
زوجها پنجاه و هشت ۱
زوجک سی و سه ۳۷
زوجها بیست و نه
زوجاه بیست و یک ۹۰
زوجها دو ۲۳۰
زوجک سی و سه ۳۷
زوجا چهل و دو ۴۲
زوجک چهل ۹
زوجها سی و سه ۳۹
زوجها بیست و سه ۵۸

زوج سی و هفت ۱۳
زوج سی و هفت ۳۷
ازواج شش ۱۴۳
سی و هشت ۸
الازواج سی و شش
چهل و سه ۱۱
وازواجه سی و سه ۶
ازواجکم چهار ۱۲
وازواجهم سی و هفت ۷۰
ازواجهم شصت ۱۱
وازواجهم سی و شش ۵۵
ازواجک شصت و شش ۱
لازواجک سی و سه ۵۹
ازواجهم شصت و شش ۳
ازواجا شش ۱۳۰
بیست و پنج ۷۴
ازواجکم شانزده ۷۲
بیست و شش ۱۶۶
شصت و چهار ۱۴
ازواجهم بیست و سه ۶
سی و پنج ۳
لازواجهم دوازده ۲۱
وازواجهم سی و شش ۳۳
چهل ۸
زوجک سی و سه ۴۹
زوجهم سی و سه ۵۳
زوجکم سی و سه ۴
زوجهم بیست و چهار
وزوجهم سی و شش ۲۳
زوجهن دوازده ۲۲
زاد
وزودوا دو ۱۹۳
الزاد دو ۱۹۳
زار
زرتم صد و دو ۲
تزاور بیست و سه ۱۶
وزور بیست و پنج ۵
پنجاه و هشت ۲
زور بیست و پنج ۷۲
زور بیست و هشت ۱۶
زال
زالتا سی و پنج ۱۵
زالتا بیست و نه ۳۹
لتزول چهارده ۴۶
تزولا سی و پنج ۳۹
زوال چهارده ۴۴
زان
زینها بیست و هشت ۳۵
وتزینون دوازده ۱

وزنوا بیست و شش ۲۰
وازنوا بیست و شش ۹۹
۱۴۲ شانزده ۱۱
زینتها بیست و چهار ۳۵
زاد
وزاده دو ۲۴۸
وزادکم هفت ۶۹
زادهم سی و سه ۲۲
بجده چهل و هشت ۱۹
فزادهم دو ۱۰
وزدنهم بیست و سه ۱۳
زادهم نه ۱۲۵
زادهم نه ۲
فزادتهم نه ۱۲۴ و ۱۲۵
زادوکم نه ۴۷
زادوهم یازده ۱۰۱
فزادوهم هفتاد و دو ۶
وزدناهم شانزده ۹
هفده ۹۹
وزدناهم بیست ۱۲
یزید هفده ۸۴
ویزید سی و پنج ۱
ویزید نوزده ۷۶
والمزید بیست و پنج ۷۲
یزیدهم هفتاد و هشت ۲۹ و ۲۴
یزید هفتاد و سه ۱۵
یزیدون سی و سه ۱۴۷
سنزید هفت ۱۶۱
ونزید دو ۵۵
یزید چهل و دو ۲۲
وزده هفتاد و سه ۲۰
ویزیدکم یازده ۵۵
یزیدهم هفده ۲۴ و ۴۳
ویزیدهم چهل ۱۷۲
هفده ۱۰۹ چهل و پنج
فیزیدهم سی و پنج ۳۸
سی و سه ۲۷
یزدکم هفتاد و هشت ۵
لازیدنکم چهارده ۷
تزیدوننی یازده ۶۳
یزیدکم هفتاد ۳۸
یزید هفتاد ۴
وزنه سی و سه ۱۱۳
تزیده سی و شش ۶۱
ازدادوا سی و یک ۸۲ چهار
۱۳۶ هفده ۲۴
لیزدادوا چهل و هشت
تزداد سیزده ۹
لیزدادوا سیزده ۱۷۲
چهل و هشت ۴
وتزداد دوازده ۶

زید سی و هفت ۳۷
زیادة نه ۳۷
وزیده ده ۲۷
مزید بیست و پنج ۳۴
بزید بیست و نه
زاغ
زاغ بیست و سه ۱۷
زاغت سی و سه ۱۰
شمر ۶۲
زاغوا شصت و یک ۵
تزیغ نه ۱۱۸
تزغ سی و سه ۱۱
ازاغ شصت و یک ۵
نزغ سی و سه
زیغ سه ۷
زال
زلتم دو ۲۰۹
یزال سه ۱۱۰
بیت دو ۵۲
تزال بیست ۱۱
یزالون دو ۲۱۳
یازده ۱۲۰
تزیلنا ده ۲۹
تزیلوا چهل و هشت ۲۵
زان
زین شش ۱۳۷
تزین شانزده ۶۵
وزین شش ۴۳
۲۴ بیست ۳۶
زینتها چهل ۲۴
زینا شش ۱۰۸
بیست و هفت ۴۳
وزیناها چهل و یک ۱۱
وزینتها چهل و هفت
وزینتها یازده ۱۵
بیست و شش
لازینن پانزده ۳۹
وزین چهل و یک ۱۲
وازینت ده ۲۵
زینة بیست و چهار ۴۳
وزینة پنجاه ۱۹
زینة سی و نه ۹۰
بزینة بیست و پنج ۵۹
سی و سه
والزینة سی ۵۱
زینة بیست ۲۷
زینه هفتاد و هشت ۹
زینة هفتاد و هشت ۸
وزینتها سی و شش ۶
زینتکم سی و نه ۷۹
زینتهن سی و یک ۳۱
زینتها یازده ۱۸

سی ۲۸
زنکم هفت ۲۱
باب السین
سأل
سأل هفتاد
سئلوا چهار ۱۵۲
سئلتم دو ۶۵
سئلت دو ۱۸۶
سألها پنج ۱۰۱
سألتهم شصت و شش
سألتهم بیست و شش
نه ۶۱ و ۶۳
۲۴ نه ۳۹ چهل
سی و هشت ۸۷
سئلتک بیست و پنج
سئلکم دو ۷۳
چهار ۴۴
ستئلون چهار ۳۷
سئلوهن سی و سه ۵۳
یسئل هفتاد
بیست و هشت
فسئل سی و هشت
یسألون دو ۲۷۴
سی و سه ۲۰
ولئن سألتهم ۱۰
تسئلوا دو ۱۰۰
۱۰۰ م
فلنسئلن هفت ۵
ولنسئلن هفت ۵
یسئلک چهار ۱۵۳
یسئله پنجاه و پنج ۲۹
یسئلک سی و سه ۶۳
یسئلنک چهل و هفت ۳۸
یسئلونها چهل و هفت ۳۹
لتسئلهم دوازده ۱۰۴
بیست و هفت پنجاه و هشت
۴۰ شصت ۴۴
تسئلنی یازده ۴۶
چهل ۶۹
تسئلک یازده ۴۹
ولتسئلن دوازده ۳۱
۲۳۲ و ۲۱۸ هفتاد ۸۷
بیست و هشت ۱۰۵
تسئلهم بیست و سه ۱۳۲
لتسئلهم یازده ۹۲
سئل دو ۲۰۷
سئل بیست و سه
۱۰۳ بیست ۱۱۵
بیست و پنج ۶۰

واسئل دوازده ۸۲ چهل
سی و سه
فاسألوا شانزده ۴۵
بیست و هفت
واسألوا چهار ۳۲
فاسئله دوازده ۵۰
سلهم شصت و هشت ۴۰
فاسألهم هفده ۱۰۳
فاسألوهم بیست و یک ۶۴
فاسألوهن سی و سه ۵۳
سل دو ۲۱۱
سلهم هشتاد ۸
سلوا سی ۱۴
تسئل بیست و دو
سی و هفت پنجاه و سه ۳۹
تسئل دو ۱۱۹
تسئلون بیست و سه
ویسئلونک چهل و هشت
سلونا دو ۱۴۳ و ۱۳۹
بیست و سه ۱۳ چهار
چهل و سه ۴۳
لتسئلن شانزده ۵۶
صدو ده ۸
ولتسئلن شانزده ۹۳
یسئل چهار ۲۳
یسئلون بیست ۱۰۳
بیست و هشت ۶۶ ۳۷
۴۸ پنجاه و دو ۲۵
هفتاد و چهار ۴۲ هفتاد
شصت
لیتسائلوا هجده ۱۸
تسائلون چهار ۲۹
سؤلک بیست ۳۶
بسؤال سی و هشت ۲۳
سائل هفتاد ۱
للسائل پنجاه و یک ۱۹
هفتاد ۲۵
السائل نود و سه ۱۰
للسائلین دوازده ۷
چهل و یک ۹
والسائلین دو ۱۷۷
مسئولا هفده ۳۶ و ۳۴
بیست و سه ۱۵
مسئولون سی و هفت ۲۴
سأم
یسئم چهل و یک ۴۹
یسأمون چهل و یک ۳۸
تسأموا دو ۲۸۲
سبب
فاتبع هجده ۸۵

فتبعوا هشتاد ۱۰۸
بسبب بیست و پنج ۱۵
سببا هجده ۸۳
۸۸ و ۹۱
الاسباب دو ۱۶۶
الاسباب سی و هشت
اسباب چهل ۳۹
الاسباب چهل ۳۸
سبت
سبتهم هفت ۱۶۳
السبت شانزده ۱۲۵
السبت دو ۶۵ چهار
۱۵۳ و ۱۵۴ هفت ۱۶۳
سبتهم هفت ۱۶۳
سباتا بیست و نه ۴۹
هفتاد و هشت ۹
سبح
فسبحان سی ۱۷
سی و شش ۴۰
سبح پنجاه و هفت ۱ پنجاه
نه ۱ شصت و یک ۱
وسبحوا سی و سه ۴۲
سبح هفده ۴۴ چهل
پنجاه و نه ۲۴ و ۱۱
نه ۲۴ شصت و چهار ۱
شصت و دو ۱
ویسبح سیزده ۱۳
یسبح هفده ۴۴
یسبحون بیست و یک ۲۰
نه ۷ چهل ۷
بیست و سه ۳
یسبحن بیست و یک ۷۹
سی ۱۷
یسبحون شصت و هشت ۲۸
تسبح دو ۲۸
وتسبح هفده ۵
وتسبح چهل ۹
یسبحک بیست ۳۳
سبح هشتاد و هفت ۱
تسبیح پانزده ۹۸ پنجاه
۱۳۰ پنجاه و شش ۷۲
۹۶ پنجاه و دو ۵۲
دو ۳
وسبح بیست ۱۳
بیست و پنج ۵۷
چهارده ۳۸ پنجاه و هشت
سبحوا نوزده ۱۱
فسبح پنجاه و نه
نوزده ۴۹
وسبحوه سی و سه ۴۲
وسبح سی ۴۱
سبحا هفتاد و نه ۳

باب الزای والهاء
زنیم
زنهد
زهر
زهق
زوج
باب الزای والباء الموحدة
زاد
زاغ
زال
زان
باب السین والهمزة
سأل
سأم
سبب

هفتاد

کار خانہا بجہت ان مفرق بودہ اند واسم از انہا لت گذاشتہ اند جہت شا بنند است کہ پادشاہ اسلام پناہ از ازدفع نماید دوو آوردیم عنت کردنست یعنی در شنبہ روزے عیب را کفش وار گناہان بر کنت و بمرا خوردن گوشت مفراست و چندہ شروع دارد در نماز لرو محافل اہل غفلت خوب کہ مومنین در معلم مع آن برانند سر قیم مدوع کفش است و کناہ ان عظیم است و مرضا دی کہ در غالبہ ہامر شد اصل و معنا آن دروغ است و اگر کسے بوا یند ۵۱۵ راسکوشہ وندت از اودریا بدہر گز بطرفہ روغ مثل نخواہد کرد چہاردہم استماع عاست وخوانندگی کردن دف ہر دو بزرگ وکبے کہ برکبر

فصل السّین

صمعاد ہم ۳ ولتنا بجاب ہفتاد ہم ۳ وتبہم بیت چہارم ۴۱ تبہم ہمہدہم ۴۶ تلحون سے ہفتم ۱۶۶ المتبعین سے ہفتم ۱۴۳ **سبط** ولا اسباط دوئم ۱۳۰ سبتہ ۷ چہارم ۱۶۱ اسباطا ہمہتم ۱۶۰ والاسباط دوئم ۱۳۴ **سبع** سبع دوازدہم ۳ ۴۸ ۳۵۰ السبع ہمدہم ۴۶ سبع دوازدہم ۴۶ وسبع دوازدہم ۴۶ السبع بیستم ۸۸ وسبع دوازدہم ۴۳ سبعا پانزدہم ۸۷ ہفتادہشتم ۱۲ سبعة پانزدہم ۴۴ سے سیکم ۲۶ سبعة ہمہدہم ۲۱ وسبعون دوئم ۱۹۲ سبعون شصتم ۳۲ سبعین ہفتم ۱۵۵ نہم ۸۰ السبع پنجم ۴ **سبغ** واسبغ سیکم ۱۹ سابغات سے چہلم ۱۰ **سبق** سبق نہم ۲۸ یازدہم ۴۰ سبق ۹۹ بیست پنجم ۲۸ سبقوا ہشتم ۵۹ سبقکم ہفتم ۸۰ بیست ۲۷ سبقونا چہاردہم ۱۰ پنجاہ نہم ۱۰ تسبق پانزدہم بیست ۴۵ یسبقونہ بیست یکم ۲۷ یسبقونا بیست نہم ۴ سابقوا پنجاہ ہفتم ۲۱ واستبقا دوازدہم ۲۵ تستبق دوازدہم ۱۷ فاستبقوا دوئم ۱۴۸ پنجم ۵۳ سبقا ہفتادنہم ۴ سابق سے ہشتم ۴۰ سابق سے پنجم ۳۲ سابقون سے بیستم ۶۱ لسابقون پنجاہ ششم ۱۰ والسابقون نہم ۱۱ پنجاہ	ہشتم ۱۰ سبیلنا بیست ہم ۸۰ وسابقات ہفتادنہم ۴ بمسبوقین پنجاہ ششم ۶۰ ہمدہم ۴۱ **سبل** سبیل ششم ۵۵ سبیل ستم ۶۹ السبیل نہم ۹۳ چہلم دوئم ۴۰ سبیل چہارم ۴۶ نہم ۹۲ چہلم ۱۱ چہلم دوئم ۳۹ ۲۴۳ ۴۵ لیسبل پانزدہم ۷۶ سبیل ہفتم ۳ ۱۳۰ نہم ۸۹ شانزدہم ۱۲۵ سے یکم ۱۴ چہلم ۳۰ ۴۱ السبیل سے سیزدہم ۶۲ سبل پنجم ۱۸ شانزدہم ۷ سبلا بیستم ۵۵ بیست یکم ۳۲ چہاردہم ۹ ہفتاد یکم ۱۹ وسبلا شانزدہم ۱۵ السبل ششم ۱۵۴ سبیلی ستم ۱۹۴ دوازدہم ۱۰۸ شصتم ۱ سبیلک نہم ۸۸ سبیلک چہلم ۷ سبیلہ ہمدہم ۲۶ ۶۲ سبیلنا بیست ہم سبیلہم نہم سبیلنا چہاردہم ۱۵ بیست نہم ۶۹ **سبا** سبا بیست ہفتم ۲۲ لسبا سے چہلم ۱۴ **ست** ستة ہفتم ۵۴ دوئم دہم ۹ بیست پنجم ۵۹ سے دوئم ۳ پنجاہم ۳۷ پنجاہ ہفتم ۴ ستین پنجاہ ہشتم ۵ **ستر** تستترون چہل یکم ۲۲ سترا ہجدہم ۹۰ مستورا ہفدہم ۴۷ **سجد** فسجد پانزدہم ۳۰ سے ہشتم ۷۳ سجد ہجدہم ۱۰۳	فسجدوا دوئم ۳۴ ہفتم ۱۱ ہفدہم ۶۱ ہجدہم ۵۰ بیستم ۱۱۵ یسجد سیزدہم ۱۵ نحل ۵۱ بیست دوئم ۱۸ لیسجد ہفتادوہم ۱۱۵ اسرا یسجد ہفدہم ۶۳ لا یسجد پانزدہم ۳۳ یسجدون پنجاہم ۵ یسجدون سیزدہم ۱۰۹ ہفتم ۲۰۵ بیست ہفتم ۲۴ ہشتاد چہارم ۲۱ یسجد بیست ہفتم ۲۵ تسجد چہلم ۳۷ فاسجد ہفتاد ششم ۲۶ فاسجد نودوششم ۱۹ واسجد سیزدہم ۳۸ اسجدوا دوئم ۳۴ ہفتم ۱۰ ہفتم ۶۱ ہجدہم ۵۰ بیستم ۱۱۵ بیست پنجم ۶۱ فاسجدوا پنجاہ ۶۲ واسجدوا سیزدہم ۷۷ چہل یکم ۳۷ ساجدا سے نہم ۱۳ الساجدون نہم ۱۱۳ ساجدین ہفتم ۱۱۷ دوازدہم ۴ پانزدہم ۲۹ بیست ششم ۴۶ سی نہم ۷۲ الساجدین ہفتم ۱۱ پانزدہم ۹۸ ۳۲۱ ۹۸ بیست ششم ۲۱۹ المسجد نہم ۱۰۹ مسجد ہفتم ۲۸ ۲۹ والمسجد دوئم ۲۱۴ بیستم ۲۵ مسجدا نہم ۱۰۸ ہجدہم ۲۰ المسجد نہم ۲۸ ہفتم ۷ چہل ہشتم ۲۷ ومساجد بیست دوئم ۴ المساجد دوئم ۱۸۳ مساجد دوئم ۱۰۸ نہم ۱۷ ۱۸ المساجد ہفتادوہم ۱۸ **سجر** یسجرون چہلم ۷۲ سجرت ہشتادویکم ۶ المسجور پنجاہ دوئم	پانزدہم ۷۴ صد پنجم ۶ **سجن** لیسجنن دوازدہم ۳۵ یسجن دوازدہم ۲۵ لیسجنن دوازدہم ۳۲ السجن دوازدہم ۳۳ السجن دوازدہم ۳۶ ۴۱ ۴۲ ۴۲ السجن دوازدہم ۳۹ سجین چہل ہشتم سجین ہشتادوہم ۷ المسجونین بیست ششم ۲۸ سجیل نودوہم ۴ **سحب** یسحبون چہلم ۷۱ پنجاہ چہارم ۴۸ سحاب بیست چہارم ۴۰ پنجاہ دوئم ۴۴ السحاب بیست ہم ۹۰ والسحاب دوئم ۱۵۹ سحابا ہفتم ۵۵ بیست چہارم ۴۳ ۴۷ سے پنجم ۱۱ السحاب سیزدہم ۱۲ **سحت** فیسحتکم بیستم ۶۴ للسحت پنجم ۴۶ السحت پنجم ۶۲ ۶۸ **سحر** تسحرون ہفتم ۱۰۳ تسحرون بیست یکم ۹۱ لیسحر ہفتم ۱۲۹ سحر ہفتم ۷۸ السحر پنجاہ دوئم ۱۵ سحر ہمدہم ۷۷ السحر ہمدہم ۸۱ سحر ہفتم ۱۳ پنجم ۵۰ السحر بیستم ۷۵ السحر دوئم ۹۲ ۹۱ ۷۳ بیست سوئم بیست ہفتم ۴۶ سحران بیستم ۴۸ بسحرہا بیستم ۵۹ بسحرہم بیستم ۳۴ سحرہا ہمدہم ۶۶ سحرکم بیستم ۶۹ سحر پنجاہ چہارم ۳۴ بالاسحار سیزدہم ۵ وبالاسحار پنجاہ یکم ۱۸ ساحرت ہفتم ۳ چہلم ۲۵ سے یکم ۹	لیسجن سیزدہم ۶ ہمدہم ۷ بیست ششم ۳۳ تسحرون ۲۲ چہلم بیستم ۴۸ ساحر ہفتم ۱۰۹ دہم ۸۰ بیستم ۷۲ لساحران بیستم ۶۶ الساحرون دہم ۷۷ السحرۃ ہفتم ۱۱۷ ۱۱۱ دہم ۸۰ بیستم ۷۳ بیست ششم ۳۷ ۴۰ ۴۱ ۴۵ تسحرون بیست ششم ۳۹ ساحر بیست ششم ۳۶ مسحورا ہفدہم ۱۳۰ ۵۰ بیست پنجم ۹ مسحورون پانزدہم ۱۵ المسحرین بیست ششم ۱۵۳ ۱۸۵ **سحق** فسحقا شصت ہفتم ۱۱ سحیق بیست دوئم ۳۲ وانحق دوئم ۱۳۴ چہارم ۴۱ سے ہشتم ۴۵ **سحل** بالساحل بیستم ۳۹ **سخر** سخر نہم ۸۰ سخروا ششم ۱۰ یازدہم ۳۰ بیست یکم ۴۱ فسخر چہاردہم ۱۱ تسخرون بیستم ۸۰ ویسخرون دوئم ۲۰۸ سے ہفتم ۱۳ لیسخرن یازدہم ۴۰ فسخرون شانزدہم ۴۰ لیسخر ونسخر یازدہم ۳۰ تسخر شانزدہم ۱۴ بیست دوئم ۶۴ بیست یکم ۱۹ چہاردہم سیزدہم ۱۲ چہلم پنجم ۱۲ سخرناہا ہفتم ۱۷ سخرنا سے ہفتم ۳۵ وسخرنا بیست یکم ۷۹ سخرنا بیست یکم ۳۸ شصت ہم ۷ سخرنا ہا بیست دوئم ۳۷ یستسخرون سے ہفتم ۱۴ لساخرین سے ہفتم ۵۷ سخریا بیست دوئم ۱۵ سی ہفتم ۳۲ سخریا بیست دوئم ۳۱ ۱۷ مسخر دوئم ۱۵۹ مسخرات شانزدہم ۱۲	مسخرات ہفتم ۵۲ شانزدہم ۱۲ **سخط** سخط پنجم ۸۳ سخطوا نہم ۵۸ سخط چہلم ہفتم ۳۰ بسخط ستم ۱۶۲ **سد** سدا ہجدہم ۹۳ ۹۴ سی ششم السدین ہجدہم ۹۲ سے ہفتم ۷ **سدر** سدرۃ سے چہارم ۱۵ پنجاہ ششم ۲۷ سدرۃ پنجاہ سوم ۱۴ سدرۃ پنجاہ سوم ۱۶ **سدس** السدس چہارم ۱۱ ۱۲ ۱۵ سادسہم ہجدہم ۲۱ پنجاہ ہشتم ۸ **سدی** سدی ہفتادوپنجم ۳۶ **سر** تسرون دوئم ۶۴ السر بیستم ۷ شصت ششم ۳ وانزلنا ہفتادویکم ۸ السروا پنجم ۵۷ وانزلنا ۵۵ بیست ششم بیست یکم ۳ چہارم ۳۳ وانزلنا دوازدہم ۱۰ وانزلنا دوازدہم ۱۰ بیست یکم ۷۲ پانزدہم شانزدہم ۲۴ سے ششم ۷۶ فی سرونی شانزدہم ۱۹ شصتم ۱ شصت ہفتم ۱۴ ودائرا ششم ہفتم ۱۴ سرا دوئم ۲۵ ۲۷۴ ۲۷۵ ہجدہم ۲۲ چہاردہم ۳۶ شانزدہم ۷۵ بیست ششم السر ہفتم بیست پنجم ۳۳ سر ششم ہفتم سر ہفتم ۲۹ چہلم وسروا ہفتادوششم ۱۱ سر شانزدہم ۱۳ سرانہ پانزدہم ۴۷ ہفتم ۴۳ پنجاہ دوئم ۲۰ وسرورا جہلم ۳۳ وسرورا ہفتم ۹۳ السرائر ستم ۱۲۸	الستر بیست دوئم ۳ ابیرا ہفتادوہم ۸ اسرائیل چہل ششم ۲۸ مسرور ہمدہم ۹ **سرب** سربا ہجدہم ۶۱ کسراب بیست چہارم ۳۹ سرابا ہمدہم ۲۰ وسارب سیزدہم ۱۰ **سربل** سرابیل شانزدہم ۸۱ وسرابیل شانزدہم ۸۱ سرابیلہم چہاردہم ۵۰ **سرج** سراجا بیست پنجم ۶۱ سراجا ۷۱ ہمدہم ۱۶ وسراجا ہفتادوہم ۴۵ **سرح** تسرحون شانزدہم ۶ سراحا جمیلا دوئم ۲۳۱ وسرحوہن ہفتم ۴۹ واسرحکن سے ہفتم ۲۸ سراحا سے ہفتم ۲۸ ۴۹ تسریح دوئم ۲۲۹ **سرد** السرد سے چہارم ۱۱ **سردق** سرادقہا ہمدہم ۲۹ **سرع** یسارعون ستم ۱۷۰ پنجم ۴۱ ۵۲ ۶۲ ۶۷ بیست یکم ۹۰ بیست ہفتم ۶۳ ویسارعون ستم ۱۱۴ نسارع بیست ہفتم ۵۶ وسارعوا ستم ۱۳۳ لسریع ہفتم ۱۶۷ سراعا پنجاہم ۴۴ ہفتادم ۴۳ اسرع ششم ۶۲ **سرف** اسرف بیستم ۱۲۷ اسرفوا سے ہفتم ۵۳ یسرف ہفدہم ۳۳ یسرفوا بیست پنجم ۶۷ تسرفوا ششم ۱۴۱ ہفتم ۳۱ اسرافا چہارم ۶ واسرافنا ستم ۱۴۷ مسرف چہلم ۲۸ ۳۴ مسرفون ہفتم ۸۱ ہشتم ۱۸ المسرفین دوئم ۸۳

شود از بعرات بهشت محروم مشود و همچنین است ... [illegible] ... و امثال آنها که همه حرامست و اجرت گرفتن و دادن بر بها حرامست

و عنب را که مسکر شود می بعض ... [illegible] ... که بهشت مرد را [illegible] بها عاقل شد تم خود ملهو مکن [illegible] دعوی عقل

[illegible] ۵ بار [illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... [illegible]

باب السین

سرق	سعی	سفن	سکب	سل	سلف	سلم	[illegible]
سرمد	[illegible]	سفه	سکت	سلسل	سلق	[illegible]	[illegible]
سری	[illegible]	سفر	سکر	سلسبیل	سلک	[illegible]	[illegible]
سطح	سفر	سقط	سکن	[illegible]	سلم	[illegible]	[illegible]
سطر	سفع	سقف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سعد	سفک	سقم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سعر	سفل	سقی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ورگشت وقدرخواست کرتوبی بسبب آن منع شده اند و ... بیرون پادشاه ... حضرت ... بلکه تصدیق او ...
بارورش جود دانواشید جان حالت مشغول بمار مشنوند در حضور خد و سمرود حال نکه اگر پادشاه عمر کند و پوشیدن لباس ... یا احد حرام
منکند که آن لباس بپوشند و در حضور آن پادشاه ... صفحه ۵۱۷ ...
وجعل ورگشت خلعه که انسان را روزی بمگیرد و جعل

فصل اللام غیره حوسبه که پادشاه ... سعد ... بعد ...

سلا
والسلاسل ... ۲۵
سی ... ۲۳
سیدها ... ۵
سیدها ... ۷۵
سیدها ... ۱۷
مسنون ... ۱۲۲
مسنون ... ۲۹
... ۱۲۱
سلطان ...
والسلاسل ... ۳۵
سلسلة ... ۳۲
تسلیما ... ۲۲
مسلمون ... ۲۲

سلا
والسلوی ... ۵۷
... ۸۲

سم
السموم ... ۳۸
السموم ... ۴۱
السموم ... ۲۷
... ۴۰

سمد
سامدون ...

سمر
سامرا ... ۶۷
السامری ... ۹۵
السامری ...

سمع
سمع ...
[illegible]

سمع
یسمعون ... ۲۰
... ۷۱
سمعوا ... ۲۵
ونسمعن ... ۱۸۳
سمع ... ۱۰
سمعنا ... ۷
فسمعوا ... ۷۲
واسمع ... ۴۸
واسمعوا ... ۸۷ ... ۹۸
... ۱۰۷ ... ۱۶
فاستمعوا ... ۲۴
استمعه ... ۲۳
لا تسمعوا ... ۲۳
تسمع ... ۲۱
اسمع ... ۲۹
[illegible]

سمک
سمکها ... ۲۸

سمن
سمین ... ۷
سمان ... ۲۶
سمان ... ۴۳

سما
سماء ... ۱۷
سماء ... ۳۱
[illegible]

سن
سن ...
والسن ... ۲۰
[illegible]

سنبل
سنبلة ... ۴۷
سنبلات ... ۲۶۳
[illegible]

سند
مسندة ... ۴
[illegible]

سهر
[illegible]

سهل
سهولها ... ۷۲

سهم
فساهم ... ۴۱
[illegible]

سب
... ۴
... ۲۳
... ۷۷
... ۲۶
... ۶۶
... ۹۹
... ۶
... ۵۰
... ۷۹
... ۳۲
[illegible]

ساب
[illegible]

ساحر
[illegible]

ساد
[illegible]

سور
[illegible]

ساط
سوط ... ۱۲

ساع
ساعة ... ۱۰۸
[illegible]

ساح
[illegible]

ساف
[illegible]

ساق
[illegible]

سول
[illegible]

سام
[illegible]

وثمنه نمك وكدسی وردن شارت مرنامدناحید ... عمرود ... وكرشتجواز حرام كوشتكه
زخندخه خرند كه ... وجه ... كوسفند ... كوشت خر ...
اصل مرتبت ۵۱۸ ... منهم ... رسول ...
كوسفند وشتر وكاو وماهی داده از دحصت دركوشت خر بخل كرده ... خت ... مصلحت و ... عقل و

باب سين

ساح
سار
اوسار حبیب منیه ۲۹
سوی
سنی
شجر
شجر جهاد مر ۶۸
شجر شاخ زدیر ۷۰
شجرة الزقوم
شجرها مر ۸۱
سال
سائل
سيناء
سیناء

باب الشین

شام
شان
شأن
شئان
شنبه
شنت
شح
شحم
شحن
المشحون
شخص
شتی
شر
شرب
شرح
شرد
شرذم
شرذمة
شرط
اشراطها
شرع
شرعة
شرق
مشرق
المشارق
شرك
اشرك
شركاء
شری
اشتری
شطط
شطط
شطأ
شطأه

سوی
شأن
شتی
شجر
شح
شحم
شحن
شخص
شر
شرب
شرح
شرد
شرع
شرق
شرك
شری
شطط
شطأ

هوتر داری باید [illegible] ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل [illegible]

شطر	شغف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شطن	شغل	[illegible]	[illegible]	شهب	[illegible]	شهر
شعب	شفع	شفا	شكل	شهد	[illegible]	شهق
شعر	شفا	شقی	شكا	[illegible]	[illegible]	شهی
[illegible]	شفق	شك	شمت	[illegible]	[illegible]	شوب
[illegible]	[illegible]	شكر	شمخ	[illegible]	[illegible]	شور
[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمز	[illegible]	[illegible]	شوظ
[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمس	[illegible]	[illegible]	شوك
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شوی

باب الشين بعده الطاء — شطر — شطن — شعب

باب الشين بعده الفاء — شفع — شفق — شفا

باب الشين بعده الكاف — شك — شكر — شكس

باب الشين بعده الهاء — شهب — شهد — شهر

باب الشين بعده الألف — شاب — شار — شاظ — شاك

مـ دو نام ... زیاد شاه لازم ... که از ... صع شد ... ند بت نکم کمان شهادت حق نمود نست و گناه ان بزرگ ... بند ... تیز
ذروی کر ... متن ... عفیفه ... در ... دهد ... دست لواطو ... بسیار شایعست در بلاد اسلام که فحش شعار ... بنارا
وان گناهان بزرگ ... و موجب خداست ... ستم ... دروغ خوردن ... وگناه ان بزرگ ... واسباب قطع عمر ... شدن
خداست ... ست ... ۲۲۱ ... خورد ... عوض کردن ... خوب و بد ... داخل

باب الصاد

المتصدی جهاد ...	صکتف ...	تصدوا ...	صلاح ...	بجاه ...	بسنعه ...	بحد ...
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صبح	[illegible]
صدق	[illegible]	صدر	صحف	[illegible]	[illegible]	شاب
صر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شاخ
صرح	[illegible]	[illegible]	صح	[illegible]	[illegible]	شاد
صرصر	[illegible]	صدف	صخر	صبغ	[illegible]	[illegible]
صرط	[illegible]	صدق	صد	صبا	صبر	شاخ
صرع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صحب	[illegible]	صن
صرف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صت

سوادب الالف ... باب السين بعد ... شاب شاخ شاد ... باب الصاد صبح صبغ صبا ... باب الصاد صحف صخ صخر ... باب الصاد صد صدت صدف ... باب الصاد ضر صرح

[illegible]

فصل [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صرم	صفا	صلق	صلد	صلا	صهر	صات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صعد	صفح	صلب	صلصل	صمم	صنو	صار
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صعر	صفد	صلح	صلا	صمد	صوب	صاع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صعق	صفصف			صمع	صوت	صاف
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صفر	صفن			صنع	صور	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

باب الصاد

صرر

صعد

صعر

صعق

باب الصاد

صفح

صفد

صفصف

باب الصاد

صلب

صلح

صلد

باب الصاد

صمم

صمت

صمد

باب الصاد

صنع

صاف

بودن میکند وعلاوه بر در منزل خود ظروف طلا ونقره دارند ظروف چینی وبلور وچه عیبی دارد که تو ترک کرده ومخالفت خدا ورسول میکنی
اگر اطاعت خدا کنی هم از بزرگی تو کم نخواهد شد چه قدر خوبست که پادشاه اسلام از این عمل منع شدید نماید سی و دو [illegible] کرد دست
سوم [illegible] کردن و دیگر [illegible] بزرگست [illegible] خصوصا در زمان [illegible] مخالفت [illegible] عهد و قسم شرعی
کردن دیگر [illegible] بزرگست و کفاره [illegible] مقاربت کردن [illegible] حیض [illegible] گناه [illegible] بزرگست

باب الضّاد

سوره تبت — الهمزة بعد الضاد — ضاد — ضار — ضاض — سوره صدد — الراء بعد الضاد — ضر — ضرع — سوره چهارم — العین بعد الضاد — ضعف — سوره نجم — ضغن — ضفدع — سوره شمس — النون بعد الضاد — ضن — ضنك — سوره همزه — الیاء بعد الضاد — ضیع — ضیق

ضوءها شارذیهم ٨٢
ضیاء
تضوموا دو ١٨
تلبضنه دو ١٨١
ضوءما [illegible] ٢٧
ضیاء [illegible] ١٩٣
[illegible]
ضاح
[illegible]
ضاد
[illegible]
ضار
[illegible]
ضاص
[illegible]
ضاف
[illegible]
باب الضاد
ضأن
[illegible]
ضبح
[illegible]
ضجع
[illegible]
ضحك
[illegible]

یضحکو [illegible]
یضحکون [illegible]
ونضحکون [illegible]
اضحك [illegible]
ضاحکا [illegible]
ضاحکة [illegible]
ضحا
تضحی [illegible]
ضحی [illegible]
والضحی [illegible]
ضحیها [illegible]
وضحیها [illegible]
ضد
ضدا [illegible]
ضر
یضر [illegible]
[illegible]

[illegible]
ضرع

[illegible]
ضعف
[illegible]

[illegible]
ضغث
[illegible]
ضغن
[illegible]
ضفدع
[illegible]
ضل
[illegible]

[illegible]
ضمر
[illegible]
ضن
[illegible]
ضنك
[illegible]
ضها
[illegible]
ضوء
[illegible]
ضیز
[illegible]

ضاع
[illegible]
ضاف
[illegible]
ضاق
[illegible]
باب الطاء
طبع
[illegible]
طبق
[illegible]
طحی
[illegible]
طری
[illegible]
طرح
[illegible]
طرد

دکفاره دارد سی و پنجم ... کردن زوج حقوق ... زوج ... و گاه این بر ... روز کسب ... سی و ... کردن ...

در عبادت یعنی عبادت کند نقصد ... مرده ... مرد صادق ... نقصد ... و گاه ... بزرگ کند ...

شرک ... سی و هفتم ... و مشئوم کردن ... و گاه این بزرگست و این شایع است در طلاب علوم ۵۲۳ ...

مردان لباس زنان را ... و این شایع است ... و گاه این بزرگست و این عمل شیطانست ...

فصل الطاء

ط ر د / طرف / طرق / طعم	طعام / طعن / طغا – طغی	طغو / طفف / طفی / طفق / طفل / طل / طلب / طالوت / طلح / طلع / طلق	طم / طمث / طمس / طمع / طمن / طهر	طهر / طار / طاف	طاف / طاق / طوع	طاب / طود / طور / طوع / طول / طوی / طاب / طار
طردتهم یازدهم ۳۲ · تطردهم ششم ۵۲ · بطارد یازدهم ۳۱ · بیست ششم ۱۱۴ · **طرف** · طرفی چهل دوم ۴۴ · الطرف سی هشتم ۴۷ · ۵۲ پنجاه پنجم ۵۶ · طرفك سی هفتم ۴۰ · طرفهم ... ۴۳ · طرفا ... ۱۲۲ · طرفی یازدهم ۱۱۴ · وطرف ... ۱۳۰ · اطرافها ... ۴۱ · ... ۴۴ · **طرق** · الطارق ... ۲ · والطارق ... ۱ · طریق ... ۲۹ · طریق ... ۱۶۷ · ... · **طعم** · ...	طعام دوازدهم ۳۷ · شصت نهم ۳۶ هشتاد ... · طعام ... ۱۸ · ... ۱۹ · ... ۳ · طعامه ... ۵۸ · الطعام ... ۸۷ · طعاما ... ۱۸ · وطعاما ... ۱۳ · ... ۷۹ ... · ... ۲۲۰ · ... ۸ · وطعامه ... ۹۷ · وطعامکم ... ۷ · طعامك ... ۲۵۹ · طعامه ... ۲۴ · طعام ... ۹۱ · فاطعموا ... ۵ · ... ۱۴ · **طعن** · وطعنوا ... ۱۲ · ... ۴۸ · **طغا – طغی** · ...	الطاغوت ... ۶۵ · ... ۳۸ ... ۱۹ · **طفف** · للمطففین ... · **طفی** · ... ۶۰ · ... ۳۲ · لیطفئوا ... ۸ · **طفق** · ... ۳۲ · وطفق ... ۱۱۹ · **طفل** · الطفل ... ۳۰ · ... · الاطفال ... ۵۸ · **طل** · فطل ... ۲۶۷ · **طلب** · ... ۵۲ · ... ۳۹ · ... ۷۲ · ... ۷۳ · **طالوت** · ... ۲۵۰ · ... ۲۴۸ · **طلح** · ... ۲۸ · **طلع** · ...	... · **طم** · ... · **طمث** · ... · **طمس** · ... · **طمع** · ... · **طمن** · ... · **طهر** · ...	... · **طار** · ... · **طاف** · ...	... · **طاف** · ... · **طاق**	... · **طاب** · ... · **طود** · ... · **طاب** · ... · **طار** · ...

الف ...

بر حضرت سید الشہداء ... و کاہ ... بزرگ ... حکم بغیر ما انزل اللہ

... و کاہ ... بزرگ ... جهلد ... بسیار بزرگ ... شعلہ ...

... بزرگ ... باحوال ...

باب الظاء

[illegible]

ظلم

[illegible]

حاف

[illegible]

باب الظاء

ضعن

[illegible]

ظفر

[illegible]

ظل

[illegible]

ظما

[illegible]

ظن

[illegible]

ظهر

[illegible]

باب العين

عبا

[illegible]

عبث

[illegible]

عبد

[illegible]

عبر

[illegible]

عبس

[illegible]

عتب

[illegible]

عتد

[illegible]

عتق

[illegible]

عتل

[illegible]

عتا

[illegible]

ضن ضعن ظفر ظل ظلم ظما ظن ظهر باب العين عبا عبث عبد عبر عبس عتب عتد عتق عتل عتا

(بقیۂ حجۃ البالغۃ) بعد از منقضی شدن دیر وں آمدن ششم ... از علی بن الحسین روایت نمودہ که فرمودہ که هر کس بر ولایت ما ثابت بماند در زمان
غیبت قائم ما خداوند بدهد باو اجر هزار شهید از شهدای بدر هفتم ... گوید گفتم بابی جعفر که شیعیان شما در عراق بسیار ند و بدرستیکه در
میان شما اهل بیت کسی را مثل تو نیست ... و منم صاحب شما نیستم گفتم پس کیست صاحب شما فرمود نگاه کن
کسی را که ولادت وی مخفی گردد بر مردم ... صاحب شما هشتم از حضرت صادق علیه السلام روایت نمودہ که فرمودند

فصل ... عین

عنو سقت معمر ۲۰	وتعجب سبتمر ۸۶	ذ تعدد ہشتمر ۶۲	ء دہمر ہشتمر ۷	معدودات دوئمر ۲۰۳	ہشتاد ہمر ۲۵	۴۰ بیت دوئمر ۴۴
عنو بیب بجر ۱۳	تعجبہ ہفمر ۴۹	یعدد دوئمر ۷۲ ہشتمر ۲	یعدوا دہمر ۲۳ شصت	بجمر ۵۳ دہمر ۷۵	عذابہا بیت بجمر ۶۶	معروف ہشتمر ۳۳
عنت نوردیمر ۷۰۰۹	تعجب نوردیمر ۷ ہشتمر	۱۲۷ بجمر معمر ۲۱	بجمر	معدوب ہشتمر	عذابہا بیت جہلمر ۲	**عرض**
عانسہ سقت نمبر ۶	تعجل سعد بجمر ۱۶	معدد ہشتمر ۳۹	ذ تعدوا جہارم ۱۸	**عذب**	معذبین ہمدہمر ۱۶	عرضنا ہمر ۷۲
عثر	تعجلت جہل شتمر ۲۰	عدا نوردیمر ۸۷ + ۹۴	اعدوا دوئمر ۱۷۰ ۹۰	وعذب بمر ۲۲	معذبہ ہشتمر ۲	وعرضنا ہمدہمر ۱۰۰
عثر بجمر ۱۰	تعجل بجمر ۵۷	معادین بیت بمر ۱۵	ء بجمر ۹۵	عذب جہت بمر ۲۵	معذبہ ہشتمر ۳۳	عرضہم دوئمر ۲۹
اعثر نا بجمر ۳۰	عجلنا معدمر ۱۹	عدہ دہمر ۵ ہمدہمر ۱۳	اعدوا دوئمر ۶۱	تعذب ہمر خاہ مر ۳	معذبوہ ہمدہمر ۶۱	عرض ے ہمر ۳۰
عشا	تعجل دہمر ۱۲	بیت بمر ۱۴	تعد نا بجمر ۱۰۶	وعذبنا شصت بجمر ۸	معذب ہشتمر ۳۸	وعرضوا ہمدہمر ۴۰
نعشو دہ بمر ۵۷ معتر ۷۲	عجل ے بنتمر ۱۵	عدا بحدہمر ۱ شصت	تعدون دوئمر ۵۸	عذبنا جہمر ۲ بیت ۳	مسعذبین بیت شنمر ۲۱۳	عرضتم [illegible] ۲۳۵
بلوز دیمر ۸۶ بیت شنمر ۱۸۳	اعجلتم سبتمر ۸۵	دوئمر ۲۵ + ۲۸	ہشتمر ۸۰ بجمر ۸۲	۴۰ ہشتاد بمر ۲۹	**عذر**	فاعرض ہمدہمر ۵۵
عبت نمبر ۳۵	تعجل دوئمر ۱۹۹	تعدہ دوئمر ۱۸ ۱۸۱	تعدوا دوئمر ۱۸۶	ونعذب دوئمر ۲۸۴	بعذرون ہمر ۹۵	جہل بکمر ۳
عجب	ستعجلہ جہل شتمر ۲۳	عدہ ے شتمر ۴۸	بجمر ۳ ۰ ۸۹	۱۲۴ بجمر ۲۱	یعذرون ہفتمر ۳۲	فاعرض شصت ہشتمر ۳
عجب ے شنمر ۱۲	یستعجل دیمر ۵۱ جہل شتمر ۱۷	عدہ بمر ۳۹ + ۳۷	تعدوا دوئمر ۲۳۱	لعذب ہشتمر ۷۳	تعذروا ہمر ۵۲ + ۹۵	اعرض بیت ہشتمر ۵۵
عجو بچام ۲	ستعجل جہل شتمر ۴۰ ۲	العدد دوئمر ۱۸ شصت بجمر	تعدھا دوئمر ۲۲۹	وعذب ے بجمر ۳۴	ہشتمر ۷	جہارم ۲ جہل نوہمر ۴۷
وعجوا ے شتر ۳	ستعجل ہشتمر ۲ ۲ ے ہفتمر ۱۷۶	تعدہ نعمت شصت بجمر ۴	فاعتدوا دوئمر ۱۹۰	جہل بمر ۶	عذر ہمدہمر ۷۵ ہشتاد	فاعرضوا جہارم ۱۵
اوعجبہ ھفمر ۱ ۶۷۰	استعجلون شتمر ۵۷ ۰ ۵۸	یعدہ نمہ بحدہمر ۲۰	عدوا شتمر ۱۰۸	اعذب ہمدہمر ۸۵	ہمدہمر ۶	اعرضتم ہمدہمر ۶۹
تعجب سبز دیمر ۵	دہمر ۵۲ بیت ہفتمر ۴۷	تعدہ نعمت شصت بمر ۱	وعدوا دہمر ۹۰	تعذب بمر ۶۷	المعذرون ہمر ۹۱	تعرض ہشتاددو ہمر ۱۷
انعجبین یاز دیمر ۷۵	۷۴ بچاہ بکمر ۱۴	عدھم ہشتاد بجمر ۳۱	عادون بیت ہشتمر ۱۶۶	تعذبہم ہمدہمر ۸۶ ہشتاد	معذرۃ ہمر ۱۶۴	تعرض بجمر ۴۶
تعجون بچاہ بنمر ۹۱	تستعجلون بچاہ بکمر ۵۹	عدہ ہفتمر ۴۶	العادون بیت ہشتمر ۷	ہشتمر ۳۴	معذرتہم ے ہمر ۵۷	تعرضن ہمدہمر ۳۰
اعجب بچاہ ہفمر ۱۹	تستعجلونک بیت بمر ۵۹	معدودۃ بازدہمر ۱	ہمادہ ۳۱	تعذبہ جہل ہشتمر ۱۷	جہلمر ۵۵	تعرضوا بچاہ جہارم ۲
تعجب بجمر ۰ بجمر ۵	وتستعجلونک بجدہمر ۷	معدودۃ بازدہمر ۱۱	وعدو بیتمر ۳۹	تعذبنا بچاہ ہشتمر ۹	معاذیرہ ہشتاد بجمر ۱۵	تعرضوا جہارم ۱۳۴
اعجنکم دوئمر ۲۲۰	بیت دوئمر ۴۶ بیتمر ۵۳	دوازدہمر ۲۰	العدوۃ شصت ہشتمر ۴	تعذب بمر تجمر ۱	**عتر**	تعرضوا بمر ۹۹
اعجنکم دوئمر ۳۲۲	تستعجلون بیت بکمر ۳۸	معدودۃ دوئمر ۷۴	عدوۃ جہارم ۹۴ ۱۳۱	تعذبکم بمر ۳۹ ہمدہ	معترۃ جہل ہشتمر ۲۵	اعرض بجمر ۴۶ بازدہ
تعجب جہل شتمر ۲۹	تستعجلوہ شانزدہمر ۱	معدودات دوئمر ۱۸	عدو شتمر ۶۲	۵۶ جہل ہشتمر ۱۰	والمعتر ہشتمر ۳۷	۷۸ دوازدہمر ۲۹
تعجبک دوئمر ۳۰۰	بعجل بازدیمر ۷۲ بچاہ بکمر ۳۲	۱۹۹ ہشتمر ۲۳	اعدا جہل بکمر ۱۸	تعذبہم بمر ۱۰۷	**عرب**	تعرض جہارم ۸۲ + ۶۶
تعجبک شصت بجمر ۴	بعجل معتمر ۱۴ بیتمر ۹	**عدس**	اعدا جہل بکمر ۲۸	تعذبہم جہل ۱۷۳	عربا بیت ہشتمر ۳۶	شتمر ۶۷ ے دوئمر ۲۰
تعجبک نمبر ۵۵ ۰ ۸۶	اعجل دوئمر ۹ ۵۱۰۴ ۸۹	وعدکم سہادہمر ۵۸	اعدا ہشتمر ۹۸ جہارم ۵۵	تعذبہ ہشتمر ۲۳ ہشتمر	عربی شانزدہمر ۱۰۵	بچاہ بیتمر ۳
عجب سبز دیمر ۵	۸۷ جہارم ۱۵۷ ہفتمر ۱۵	**عدل**	۵ ہشتمر ۲	۲۴ بمر ۸۶	دعربی جہل بکمر ۴۴	واعرض ہشتمر ۱۰ ہمدہ
عجبا دہمر ہجمر ۶۰	عجل بیت بکمر ۳۸	تعدلک ہشتاددوہمر ۷	الاعدا ہفمر ۱۴۹	تعذبکم ہشتمر ۲ بمر ۵۵	عربی بیت ہشتمر ۱۹۵	۱۹۸ بازدہمر ۶۴
۰۰ ستاد ددیمر ۱	العاجلہ ہفتمر ۱۹	نعدل شتمر ۶۹	عدوہ بیت ہشتمر ۱۴ م	تعذبہم بمر ۱۴ ۷۵	الاعراب ہمر ۹۸ جہل ۱۴	فاعرضوا جہارم ۲۰ ہمر ۹۶
عجب ے شتمر ۴	ہشاد بجمر ۲ ہشتاد ۲۰	لا عدل جہل بمر ۱۴	عدو ہشتمر ۸۲	لاعذب بجمر ۱۱۸ جہم ۴۹	**عرج**	تعرض جہل بمر ۱۹ ۳۳
عجب بازدیمر ۲۵ بچاہ مر ۲	العجول ہمدہمر ۱۲	تعدلون شتمر ۱۵۱ ۱	عدوھم شصتم بکمر ۱۴	لعذبنہ بجمر ۱۱۵ م	یعرج دوئمر ۴ جہار	بعرضون بازدہمر ۲
عجز	لا ستعجل ہ دہمر ۱۲	ہفمر ۱۸۰ ۱۱۵۹ جہ	عدوی ہشتمر ۱	لاعذبنہ ہشتمر ۴۹	۲ بچاہ ہفتمر ۴	جہمر ۳ جہل ۴۷
اعجزت بجمر ۳۴	**عجم**	بعضہ ۴۱	عدوکم ہفمر ۱۲۶	لاعذبنہ بیت بمر ۴۸	یعرجون بازدہمر ۱۴	معرضون شصت ہمر ۱۸
معجزون شتر ۵۱	الاعجمین بیت شتمر ۱۹۸	تعدلوا چہارم ۱۳۸ ۰۳	عدوکم ہشتمر ۲ شصت	تعذب ہمدہمر ۸۶	الاعرج بیت جہار ۶۰	کعرض بچاہ ہفتمر ۲۱
تعجز ھشاددو مر ۱۲	اعجمی شانزدہمر ۱۰۵	۱۳۴ بجمر ۱۱	باعدو جہل جہار ۴۲	یعذبہم ہمر ۱۰۲	جہل ہشتمر ۱۷	عرضہا ہمدہمر ۱۰
لتعجز ے بجمر ۴۳	الاعجمی جہل بکمر ۴۴	اعدلوا بجمر ۱۱	العدوۃ ہشتمر ۴۳ م	عذب بیت بجمر ۵۵ م	العارج ہشتادہمر ۳	عرضہا ہمر ۱۲۷ بچاہ
تعجزہ ھشاددو مر ۱۲	اعجمیا جہل بکمر ۴۳	فاعدلوا شتمر ۱۵۳	عداوۃ جہل بکمر ۳۴	بجمر ۱۳	وعارج جہل جہار ۳۲	ہفمر ۲۱
عجوز بدوہمر ۲۵ بنج بجمر ۲۹	**عد**	عدل بجمر ۹۶	العدوہ شصتمر ۳	وعذب ہشتمر ۲۴۲ ۶	**عرجن**	عرض ہفمر ۱۶۸
العجوزا سبت شنمر ۱۷۱	وعدتم نوزدہمر ۹۴	عدل دوئمر ۴۵ ۱۲۳ ۱۱	عدو ۃ بجمر ۸۵	دہمر ۴	کالعرجون بی شتمر ۳۹	عرض جہارم ۹۴ ہمدہ
ے ہفتمر ۳۵	تعلمت بیت ددہ مر ۴	عدل بجمر ۹۲ + ۱۰۵	العدوۃ بجمر ۱۷ ۹۰ ۹۱	تعذب بیت بمر ۲۸	**عرش**	۱۶۸ ہشتمر ۶۸ بیت
انعجز بچاہ چہار ۲۰	ے دہمر ۴	شتمر ۹ شصت بجمر ۲	فالعادیات صد ۱	کعذب بیت بمر ۹	عرش ہفتمر ۱۳۳	جہارم ۳۳
شصت نمبر ۷	تعدوا جہلدہمر ۳۷	بالعدل دوئمر ۲۸۲ ۲۳	والعدوان دہمر ۷۹	وعذب بہی شتمر ۶۰	تامردیمر ۷۰	عرضا ہمر ۴۲
معاجزین بجیندہ مر ۵	شانزدہمر ۱۸	چہارم ۱۵ شانزدہمر ۷۸	بجمر ۲ ۷۰ ۵ بچاہ ہشتمر ۱۹	وعذب تا ہشتادہمر ۳	عرش مبین ہفتمر ۲۳	عرض جہل بکمر ۵۱
ے چہار ۵ + ۳۷	نعد نوزدہمر ۸۷	۹۲ جہل بمر ۹	عدوان دوئمر ۱۸ ۹	وعذابہ دوئمر ۱۷۰	عرش خستمر ۱۷	عارض جہل شتمر ۲۳
معجز جہل شتر ۳۱	نعدھم ے ہشتمر ۶۲	دعدل لاشتمر ۱۱۵	ہشتمر ۳۸	تعذبہ دہمر ۵۱	العرش جہمر ۷	عارضا جہل ہشتمر ۲۳
معجزین یازدہمر ۲۲	وعددہ صد بجمر ۲	**عدا**	عدوان جہلمر ۳۴	تعذبہ ے بجمر ۳۳	عرشہ بیت ہشتمر ۴۲	عرضۃ دوئمر ۱۲۴
بیت چہار ۵۶	دعد جہارم ۹۵ بمر ۱۰	تعدھمدیمر ۲۷	ہشتمر ۲۴ شصت	لاعذبنا بیت شتمر ۶	عرشہا بازدہمر ۹	عرضنا جہارم ۱۲۷
معجزی نمبر ۳۰۲	ہشتمر ۳ ۰ ۳ ۰ ۵۷	بعدون معمر ۶۳	ہشتمر ہشتادہمر ۱۲	ے ہشتمر ۱۷۶	بعرشہا بیت ہفتمر ۳۸	عرضتم ہشتمر ۳۵
عجف	عدہ جہل بشتمر ۶	تعدوا جہارم ۱۵۳	العدوان ہمر ۱۰	تعذبہ جہار ۱۴۵	عرشہا بیت ہشتمر ۴۱	عرضوا دوئمر ۸۳ بجمر ۳۸
عجاف دوازدہمر ۴۳ ۴۶	لاعدد ہمر ۴۶			عذابہ ہمدہمر ۵۹	عرشہا ہشتاد ۲۶	
عجل						

انکه اقرار بهمه ائمه کند و انکار مهدی کند مانند کسی است که اقرار کند بهمه انبیاء و انکار کند محمد را گفتند یا رسول الله مهدی از اولاد تو کیست فرمود پنجمین از اولاد امام هفتم
که غایب گردد شخص او از شما و حلال نیست بر شما بردن اسم او (مهدی) از یونس بن عبد الرحمن روایت نموده که گفتم بحضرت موسی بن جعفر که تو یی قائم موعود فرمود منم
قائم بحق و لکن آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک کرده و آنرا پر کند از عدل و داد آن پنجم از اولاد من است و از برای او غیبتی است

باب العين

طولانی از جهت ترس بر نفس خودش و در غیبت او گروهی از دین بر گردند مگر ثابت باشند و نمانند (دهم) از حسین بن خالد روایت نموده

مُعَرَّةٌ بيست ودوم ٥٨	عِزًّا نوزدهم ٨١	الْعُسْرُ نود و چهارم ٥ و ٦	وَالْعَشِيِّ ششم ٥٢	عَصَبَ دهم ٩١	نَعِظُ مت ٢٣١ ٣٣	مبت ششم ٣١
مُعَرِّفَهُم چهل ششم ٣	الْعِزَّةُ دوم ٢٠٢ سی	عُسْرًا پنجم ٧٢	پنجم ٢٧	تَعْصِبُ پنجم ٩٤	وَتَعِظُ شصت پنجم ٥	عاقبت مبتغدم ٥٩
يُعَرِّفُ سبت دوم ٧	١١ شصت ششم ٨	الْعُسْرَ دوم ١٨١	وَعَشِيًّا نوزدهم ٢٠١	عُصْبَةٌ ششم ١٥ دهم ١٦	الْعِظَمُ نوزدهم ٣	عاقبتم شانزدهم ١٢٧
شانزدهم ٢٣	بِعِزَّةِ بيست ششم ٤٣	عُسْرٍ پنجاه چهارم ٨	سی ام ١٧ چهلم ٤٩	سی ششم ١٩	بِعَظْمٍ ششم ١٣٧	معاقبتم ششم ١١
مُعْرِضُونَ دوم ٤٠ ششم	يَعْزُبُ سی پنجم ١٨٠	عُسْرَةٍ دوم ٢٨٠	عَشِيَّةً هفتاد نهم ٤٦	عَصَوْا دوم ٥٩ سی ام ١٠٨	الْعِظَامَ دوم ٢٦١	فَعَاقِبُوا شانزدهم ١٢٦
پنجم ٤٠ شانزدهم ٨٥	عِزَّةٍ سی هشتم ١	الْعُسْرَةِ نهم ١١٨	**عصب**	پنجم ٨٢	عِظَامًا پنجم ٥٢ و ١٠٠	عُقُوبَتُ بيست ششم ٥٩
مُعْرِضًا سی ششم ٧١	لِعِزَّةٍ چهارم ١٣٨	عُسْرًا هفتاد چهارم ٩	عُصْبَةٌ دوازدهم ٨ و ١٤	فَعَصَوْا شصت نهم ٢	بيست ششم ١٤ هفتادم ١١	عُقُوبَتُهُم شانزدهم ١٢٦
مُعْرِضُونَ دوم ٢٧٤	دهم ٦٦ سی پنجم ١١	عُسْرًا سی پنجم ٢٨	بيست چهارم ١١	وَعَصَوْا چهارم ٤٥	وَعِظَامًا بيست سوم ٨٢ و ٣٥	فَأَعْقَبَهُم نهم ٧٨
وَمُعْرِضُهُم چهل هشتم ٣٢	مُعِزًّا سی ششم ٨٣	لِلْعُسْرَى نود دوم ١٠	بِالْعُصْبَةِ بيست ششم ٧٦	يازدهم ٥٢	سی هفتم ١١ و ٥١ پنجاه	عُقْبًا هجدهم ٤٢
مُعْرِضُونَ دوم ١٤ ششم	عِزٌّ پنجم چهلم ٤٢	**عسعس**	عَصَبٌ يازدهم ٧٩	وَعَصَيْتُم سوم ١٤٥	ششم ٣٧	عُقْبِيهِ چهل ششم ٢٧
مُعْرِضُونَ نهم دوازدهم ٦٢	يُعِزُّ يازدهم ٩٣	عَسْعَسَ هشتاد يکم ١٧	**عصر**	وَعَصَى دوم ٨٧ چهارم ١٢١	الْعِظَامُ بيست ششم ١٤	أَعْقَابِنَا ششم ٧٠
مُعْرِضُونَ نهم هفتم ٤٦	چهاردهم ٢٢ سی پنجم ١٨	**عسق** چهل دوم ١	أَعْصِرُ دوازدهم ٣٦	عِصَابُهُ چهاردهم ٣٩	سی ششم ٧٨	أَعْقَابِكُم سوم ١٣٨ و ١٤٢
مُعْرِضُونَ نهم هفتادم ٩٥	سی ام ٣٨	**عسل**	يَعْصِرُونَ دوازدهم ٤٩	عَصَيْتَ يازدهم ٦٣	عِظَامُهُ پنجاه دوم ٣	سبت ششم ٦٨
يُعَرِّفُ پنجاه پنجم ٤١	أَعِزُّ يازدهم ٩٤	عَسَلٍ چهل هفتم ١٧	وَالْعَصْرِ صد سوم ١	عَصَوْنِي پنجاه يکم ٢٠	الْعَظْمُ يازدهم ٨٧	عُقْبَى دوم ١٣٨ سيزدهم
يُعَرِّفُونَ سی پنجم ٥٩	وَعِزَّ هفتم ٣٢	**عسى**	اعْصَارٌ دوم ٢٦٨	عَصَوْكَ بيست ششم ٢١٦	أَعْظَمُ نهم ٢٠ پنجاه هفتم ١٠	١٣٨ ششم ٥٠
عَرَفَ شصت ششم ٣	الْأَعَزُّ شصت سوم ٨	يَعْسَى چهلم ١٣ نهم ٥٧	الْمُعْصِرَاتِ هفتادم ١٤	يَعْصِي چهارم ١٤ سی ام	وَأَعْظَمُ هفتاد سوم ٢٠	عُقْبَى چهل هفتم ٤٣
عَرَفُوهُمَا چهل ششم ٧	أَعِزَّةٍ پنجم ٥٩	نهم ١٨ پنجم ششم ٣٨	**عصف**	٣٦ هفتاد دوم ٢٣	**عف**	عُقْبَى يا عقابى
يَعْرِفُونَ دهم ٤٦	أَعِزَّةً بيست هفتم ٣٤	بيست ششم ٦٧	كَعَصْفٍ صد پنجم ٥	أَعْصِي پنجم ٦٨	فَلْيَسْتَعْفِفْ چهارم ٦	سيزدهم ٢٢ ششم
يَعْرِفُونَهُ چهل ششم ١٣	وَالْعُزَّى پنجاه سوم ١٩	وَعَسَى دوم ٢١٣	الْعَصْفِ پنجاه پنجم ١١	يَعْصُونَ ششم ششم	وَلْيَسْتَعْفِفْ بيست چهارم ٣٣	١٣ چهلم ٥
أَعْرِفُوا هفتم ٢٣	**عزب**	عَسَيْتُم دوم ٢٤٦	عَصْفًا هفتاد هفتم ٢	يَعْصِينَكَ شصتم ١٢	التَّعَفُّفِ بيست چهارم ٥٩	الْعُقْبَى نوزدهم ١٢
وَعَرَفُوا شصت ششم ١١	يَعْزُبُ دهم ٦١ سی چهارم ٣	چهل هفتم ٢٢	عَاصِفٌ دهم ٢٣	عَصَيْنَا نوزدهم ٣ و ١٤ و ٢٥	التَّعَفُّفِ دوم ٢٧٣	الْعُقْبَى نوزدهم ٢٣
مَعْرُوفًا چهلم ١١	**عزر**	**عشر**	عَاصِفٍ چهاردهم ٢١	وَالْعِصْيَانَ چهل نهم ٧	**عفر**	عُقْبَى سيزدهم ٢٢ و ٢٤
بِالْعُرْفِ هفتم ١٩٨	وَعَزَّرُوهُ هفتم ١٥٦	عَشَرَ ششم ١٦١	عَاصِفَةً بيست يکم ٨١	وَمَعْصِيَتِ مجادله ٩ و ١٠	عِفْرِيتٌ بيست هفتم ٣٩	وَعُقْبَى سيزدهم ٣٥
عُرْفًا هفتاد هفتم ١	وَعَزَّرْتُمُوهُم پنجم ١٥	بِعَشْرِ يازدهم ١٦	فَالْعَاصِفَاتِ هفتاد هفتم ٢	**عض**	**عفو**	عُقْبَاهَا نود يکم ١٥
الْأَعْرَافِ هفتم ٤٦ و ٤٨	وَتُعَزِّرُوهُ چهل هشتم ٩	عَشْرَ هفتادم ١	**عصم**	عَضُّوا سوم ١١٩	عَفْوٌ بيست ٤٣ و ١٤٩ پنجم	وَالْعَاقِبَةُ هفتم ١٢٨
عَرَفَاتٍ دوم ١٩٨	عُزَيْرٌ نهم ٣٠	بِعَشْرِ هفتم ١٤٢	يَعْصِمُنِي يازدهم ٤٣	يَعَضُّ بيست پنجم ٢٧	٢٢ و ٩٩ ١١ نهم ٤٢ چهل	بيست ٢٣ بيست هشتم ٨٣
مَعْرُوفَ دوم ٢٦٥	**عزل**	عَشْرُ بيست يکم بيست هشتم ٢٧	يَعْصِمُكَ پنجم ٧١	**عضد**	دوم ٣٨	عَاقِبَةُ سی ام ٩
چهل هفتم ٢٢	عَزَلْتَ سی سوم ٥١	وَعَشَرًا دوم ٢٣٤	يَعْصِمُكُم سی سوم ١٧	عَضُدَ بيست هشتم ٣٥	وَعَفَا دوم ١٨٧	الْعَاقِبَةُ يازدهم ٥١
مَعْرُوفٌ دوم ٢٤ و ٢٣٥	بِمُعْزِلٍ يازدهم ٤٢	عَشْرُ پنجم ١٥ نهم ٣٦	وَاعْتَصِمُوا سوم ١٠٣ و ١٤٥	عَضُدًا هجدهم ٥١	عَفَوْنَا دوم ٥٢	عَاقِبَتُهُمَا پنجاه نهم ١٧
١١٤ شصتم ١٣	عِزِّيكُم چهارم ٩٢	دوازدهم ٤ هفتاد	**عضل**	وَعَفَوْا چهارم ١٥٤	مُعَقِّبَ سيزدهم ٤١
مَعْرُوفٌ دوم ٢٢٩ و ٣١٠	عَزِيزٌ پنجم بيست هشتم ١٥	چهارم ٣٠	تَعْضُلُوهُنَّ دوم ٢٣٢	١٢٤	وَيَعْفُو پنجم هجدهم	مُعَقِّبَاتٌ سيزدهم ١١
شصت ششم ٦٠	وَعَزِيزٌ نوزدهم ٤٠	عَشَرَةُ دوم ١٩٢	**عضه**	يَعْتَصِمْ سوم ٩٦	٢٤ و ٢٩٠	**عقد**
مَعْرُوفٌ پنجم ٦٠	بِعَزِيزٍ چهاردهم ٩٣	عَشَرَةٌ پنجم ٩١	عِضِينَ پانزدهم ٩١	وَاعْتَصِمُوا سوم ٩٨	يَعْفُو دوم ٢٣٨ چهارم ٤٠	عَقَدَتْ چهارم ٣٧
مَعْرُوفًا دوم ٢٣٥	عَزِيزٌ دوم ٢٢٣	عَشَرَةَ دوم ٥١ پنجم	**عطف**	بيست دوم ٧٨	وَيَعْفُ چهل دوم ٣٢	عَقَّدْتُم پنجم ٩١
مَعْرُوفَةٌ بيست چهارم ٥٣	فَاعْرِضُوا چهل ششم ٢٠	١٥٠ هفتم	عِطْفِهِ بيست دوم ٩	مُعْتَصِمٌ دوازدهم ٣٢	يَعْفُونَ دوم ٢٣٨	بِالْعُقُودِ پنجم ١
مَعْرُوفٍ بيست ششم ٣٢٥	بِمُعْزِلُونَ بيست ششم ٢١٢	عِشْرُونَ هشتم ٦٦	**عطل**	عَاصِمَ دهم ٢٨ چهلم ٣٥	وَيَعْفُو بيست چهارم ٢٢	عُقْدَةَ دوم ٢٣٨
مَعْرُوفٌ بيست چهارم ٥٣	مَعْزِلٍ يازدهم ٤٤	وَعَشِيرَتُهُم چهارم ٢٣	عُطِّلَتْ هشتاد يکم ٤	عَاصِمٍ يازدهم ٤٥	يَعْفُوا دوم ٢٣٨ چهارم	عُقْدَةً بيستم ٢٨
عرم	**عزم**	الْعَشِيرُ بيست دوم ١٣	مُعَطَّلَةٍ بيست دوم ٤٥	بِعِصَمِ شصتم ١٠	١٤٨ شصت چهارم ١٤	الْعُقَدِ صد سيزدهم ٤
الْعَرِمِ سی چهارم ١٥	عَزْمَ چهل ششم ٣٣	وَعَشِيرَتُكُم نهم ٢٤	**عطى**	**عصا**	تَعْفُ نهم ٦٧	**عقر**
عرا	عَزَمْتَ سوم ١٥٩	عَشِيرَتَكَ بيست ششم ٢١٤	أَعْطَى بيستم ٥٠ نود دوم ٥	عَصَاكَ دوم ٥٧	فَاعْفُ سوم ١٥٩ پنجم ١٣	فَعَقَرُوا پنجاه چهارم ٢٩
بِالْعَرَاءِ سی هفتم ١٤٥	عَزَمُوا دوم ٢٢٧	عَشِيرَتَهُم پنجاه هشتم ٢٢	وَأَعْطَى پنجاه سوم ٣٥	هفتم ١٠٧ بيست ششم ٦٣	وَعَفَا دوم ٢٨٦	فَعَقَرُوهَا هفتم ٧٧
بِالْعَرَاءِ شصت هشتم ٤٩	تَعْزِمُوا دوم ٢٣٥	الْعِشَارُ هشتاد يکم ٤	أَعْطَيْنَاكَ صد هشتم ١	عَصَايَ بيستم ١٨	فَاعْفُوا دوم ١٠٩	عَقَرَهَا يازدهم ٦٥
٢١ سی هفتم	عَزْمًا بيستم ١١٥	مِعْشَارَ سی چهارم ٤٥	يُعْطِيكَ نود سوم ٥	عَصَاهُ بيست هفتم ١٠	عُفِيَ دوم ١٧٨	بيست ششم ١٥٧ نود يکم ١٤
عرى	چهل ششم ٣٥	بيست هشتم ٣٣	أُعْطُوا نهم ٥٨	سی ام ٣١	يَعْفُوَ دوم ٢١٩ پنجم ٤٩	عَاقِرٌ سوم ٤٠ نوزدهم ٥ و ٨
تَعْرَى بيستم ١١٨	بِعَزِيزٍ چهل هشتم ٣	عِشَارُ چهاردهم	يُعْطُوا نهم ٢٩	عَصَاهُ بيست ششم ٤٤ و ٣١	فَالْعَافِينَ سوم ١٣٤	بكر ١٤
عِزِينَ هفتادم ٣٧	**عزى**	عَزَاكِ چهلم ٣٤	يُعْطُوا نهم ٥٨	وَعَصَيْتُم سوم ١٥٢	لَعَفُوٌّ بيست دوم ٦٠	عَاقِرًا نوزدهم ٣٥
عز	**عسر**	**عشى**	فَتَعَاطَى پنجاه چهارم ٢٩	وَعَصَيْتُم بيست ششم ٤٣	پنجاه هشتم ٢	عَاقِرًا نوزدهم ٨ و ٥
وَعِزَّةِ سی هشتم ٢	تَعَاسَرْتُم شصت پنجم ٦	يَعْشُ چهل سوم ٣٥	عَطَاؤُنَا هفدهم ٢١	**عصى**	عَفُوًّا چهارم ٤٣ و ٩٩ و ١٤٩	**عقل**
عِزًّا نوزدهم ٨١	عُسْرٍ شصت پنجم ٧	الْعِشَاءِ بيست چهارم ٥٧	عَطَاءً يازدهم ١٠٨	يَعْصِي هفتادم ٢٣	١٤٨	عَقَلُوهُ دوم ٧٥
وَعِزُّ سی هشتم ٢٥		عِشَاءً دوازدهم ١٦	يازدهم ٣٦	وَيَعْصِ بيستم ١١٩	**عقب**	نَعْقِلُ شصت هفتم ١٠
		بِالْعَشِيِّ سی هشتم ٣١	عَطَاءً نبأ سی ام ٣٨	هفتادم ٢١	يُعَقِّبْ بيست هفتم ١٠	تَعْقِلُونَ مائده ٣٢
		١٧ و ٣٠ چهلم ٥٧				

که شخصی از حضرت امام رضا سؤال نمود که کسی که ترا از شما حکم بنت فرمود چه از او لادتی پس بهتر بر کیران دمین را خدا دهد باو بان نماید از فرخود و طلبی و
او است که مردم شک کند بر ولادت او و او است صاحب علی بعثی از خروج (بازدهم) عبد العظیم بن عبد الله الحسنی روایت نمود از حضرت علی بن محمد النقی ع
حدیثی ذکر کرد او آخر آن جناب فرمود که امام بعد از من پسر من حسن است پس چگونه خواهد بود حال مردم در خلف او ۲۷ ما گفت از چه
جهت فرمودند برای که شخص او را نمی بینند و اسم او را یاد بردن نا روا است تا از خانه که بیرون آید و زمین را پر از عدل گرداند چنانکه از جور پر گردیده باشد

فصل القاف وغیره

عقم عقیمہ بعد دیکھ ۲۹ عقیم بیت دوہم ۵۵ عقیما چهل و دوم ۴۹ العقیم پنجاه یکم ۴۱ **عکف** یعکفون هفتم ۱۳۴ العاکف بیست دوم ۲۵ عاکفا بیستم ۹۷ عاکفون دوم ۱۸۳ بیست یکم ۵۲ عاکفین بیستم ۹۱ بیست ششم ۷۱ والعاکفین دوم ۱۲۵ معکوفا چهل ‌وهشتم ۲۵ **علق** علق نود و ششم ۲ علقة بیست دوم ۵ چهلم ۳۹ علقة بیست سوم ۱۴ هفتاد پنجم ۳۸ العلقة بیست سوم ۱۴ کالمعلقة چهارم ۱۲۸ **علم** یعلم چهل ‌وششم ۱۸ + ۲۷ واعلم ششم ۶۷ علمن هفتم ۱۵۸ هشتاد یکم ۱۴ هشتاد و دوم ۵ علمت یازدهم ۸۱ هفتم ۱۰۴ بیست یکم ۶۶ علمت بیست هشتم ۳۸ علموا دوم ۹۶ فعلموا بیست هشتم ۷۵ علمتم دوم ۱۰۱ دوازدهم ۷۳ + ۸۹ بیست چهارم ۳۳ پنجاه ششم ۶۲ علمنا دوازدهم ۸۱ + ۵۱ یازدهم ۳۲ سی‌ ششم ۵ پنجاهم ۴ نعلمه چهارم ۸۵ علمته پنجم ۱۱۶ علمتموهن ششم ۱۰ وستعلم سیزدهم ۴۲ بیست ششم ۲۲۸ لیعلم بیست هفتم ۷۶ نعلم شانزدهم ۲۷ بیست دوم ۵ پنجاه هفتم ۲۹ سیعلم پنجم ۹۵ دوازدهم ۵۲ هفتاد دوم ۲۸ ولیعلم سوم ۳ ۱۴۰ + ۱۶۰ م شانزدهم ۴ بیست دوم ۵۳ پنجاه هفتم ۲۵	ونعلم سیزدهم ۱۳ چهل دوم ۳۳ یعلم سوم ۱۳۶ ششم ۷ ۱۶ + ۸۷ بیست ششم ۷۸ نود ششم ۱۴ + ۵ فیعلمن بیست نهم ۲ ولیعلمن بیست نهم ۲ + ۱۰ + ۱۱ نعلم چهارم ۱۱۳ پنجم ۱۱۶ چهاردهم ۴۱ نوزدهم ۶۶ سی دوم ۱۷ تعلم یازدهم ۸ ولن تعلم ستم ۱۲ ونعلم نهم ۴۳ نعلم دوم ۱۰۰ + ۱۰۱ ۴۴ بیست دوم ۶۹ واعلم دوم ۳ هفتم ۶۰ دوازدهم ۸۶ سیعلمون پنجاه چهارم ۲۶ هفتاد ششم ۴ + ۵ فسیعلمون نوزدهم ۲۷ هفتاد دوم ۲۵ فیعلمون دوم ۲۴ لیعلمون دوم ۱۳۹ ویعلمون بیست چهارم ۲۵ چهل دوم ۱۷ یعلمو نهم ۶۴ + ۷۹ + ۸۰ ۱۰۵ سی نهم ۵۲ لیعلموا هجدهم ۲۰ ولیعلموا چهل ‌دوم ۵۲ اتعلمون هفتم ۷۳ فستعلمون ششم ۱۳۵ ششم هفتم ۳۹ + ۴۷ تعلموا چهارم ۴۳ ششم ۹۱ دوازدهم ۸ سی ‌ششم ۵ چهل ششم ۲۷ لیعلموا پنجم ۹۸ نهم ۵ شصت یکم ۱۲ فلیعلموا هفدهم ۱۳ ولیعلمن سی‌ ام ۳ + ۷۴ ششم ۸۸ نعلم سیم ۱۰۱ ششم ۳۳ یازدهم ۹۷ شانزدهم ۱۰۵ سی ششم ۷۵ تعلم شصتم ۴۹ وتعلم پنجاهم ۱۵ نعلم چهل ‌هفتم ۳۳ یعلم دوم ۱۳۸ پنجم ۱۱ چهارم ۳۰ وتعلم پنجم ۱۱۳ یعلمه دوم ۲۷۳ یعلمه بیست ششم ۱۹۷	یعلمه دوم ۹۳ سیزدهم ۲۷ یعلمها ششم ۵۱ م نعلمهم ششم ۲۷ چهلم ۵۵ ۱۰ هجدهم ۳۱ تعلمه یازدهم ۵۱ تعلمهم نهم ۱۰۲ تعلمونهم هشتم ۶۲ تعلمونهم چهل ‌ششم ۲۵ معلمهم نهم ۱۰۲ فاعلم پنجم ۵۴ بیست ششم ۵۰ چهل پنجم ۲۱ واعلم دوم ۲۶۲ واعلموا پنجم ۹۸ پنجاه هشتم ۱۹ + ۱۶ فاعلموا دوم ۲۰۵ پنجم ۳۸ + ۹۳ ششم ۴۱ نهم ۳ یازدهم ۱۷ یعلم بیست چهارم ۳۱ اعلم پنجاه نود و ششم ۵۰ + ۵۳ ولا علم دوم ۲۹ علیم پنجم ۶ علیم دوازدهم ۳۷ وعلمت چهارم ۱۱۳ علمه دوم ۲۸ + ۸۲ پنجاه پنجم ۳ پنجاه ‌ششم ۵ وعلمه دوم ۲۵۲ علمکم دوم ۲۳۹ پنجم بیستم ۷۴ بیست پنجم ۴۸ وعلمتم دوازدهم ۱۰۳ علمتنا دوم ۳۰ علمتک پنجم ۱۱۰ علمتنا دوازدهم ۶۸ ششم ۶۹ وعلمناه پنجم ۶۳ بیست یکم ۸۰ تعلمان دوم ۹۶ تعلمون دوم ۹۶ اتعلمون چهل‌ هفتم ۱۶ وتعلمک دوازدهم ۹ تعلم شانزدهم ۱۰۵ وعلمه سیزدهم ۴۳ وتعلمکم دوم ۱۲۹ + ۱۵۱ وتعلمهم دوم ۱۲۳ + ۱۵۹ شصت دوم ۲ تعلمن پنجم ۶۵ تعلمون ششم ۶ ولعلمه دوازدهم ۲۱ علیم پنجم ۶۵ وتعلمنی ششم ۹۱ علمنا سیزدهم ۱۰ تعلمون دوم ۹۶	وتعلمون دوم ۹۶ یعلم سوم ۲ پنجم ۳۳ + ۶ چهل ‌نهم ۳۷ + ۴۲ ششم ۶۵ پنجم ۶۹ نعلمها بیستم ۶۱ یعلم ابراهیم ۱۷ یعلم ششم ۳ هجدهم نعلمها دوازدهم ۲ بیست یکم ۷۴ + ۷۹ بیست ششم ۱۳ چهلم ۷ علیم بیست ششم ۱۲ علمها هفتم ۱۸۷ + ۱۸۸ پنجم ۵۴ سی‌ ام ۶۳ علمهم بیست هفتم ۶۸ علمه دوم ۲۵۶ تعلمه چهارم ۱۶۴ و دوم سی ام ۱۲ چهل‌یکم ۴۷ کالاعلام جمیع ردیف ۳۱ پنجاه پنجم ۲۴ عالم سی ‌نهم ۴۷ العالمون بیست نهم ۴۳ عالمین بیست یکم ۱۰۵ بالعالمین دوازدهم ۴۳ لعلم بیست ‌ششم ۵۸ العلیم ششم ۲۶ ششم ۳ چهل ‌یکم ۱۱ علمآء بیست ششم ۱۹۷ العلماء سی پنجم ۲۵ علام پنجم ۱۰۸ + ۱۱۶ نهم ۷۹ سی چهارم ۴۷ وعلامات شانزدهم ۱۹ بالعلم ششم ۵۳ بیست ششم معلوم پانزدهم ۲ بیست ۴۰ + ۱۴۳ هفتاد ۲۴ معلوم پانزدهم ۲ بیست ششم ۱۵۵ + ۳ پنجاه ۵۰ هفتاد هفتم ۲۲ المعلوم پانزدهم ۳۸ سی‌ ششم ۸۳ معلومات دوم ۱۹۳ معلومات بیست دوم ۲۹ معلم چهل ‌چهارم ۱۳ **علن** اعلنت هفتاد یکم ۸ اعلنتم ششم ۱ یعلنون دوم ۷۷ یازدهم ۵ شانزدهم ۲۳ بیست هفتم ۷۴ بیست ششم ۶۹ سی ششم ۷۶ یعلنون شانزدهم ۱۹ بیست هفتم ۲۵ شصت	جو سادسم ۳ تعلن چهارم ۴۰ وعلانیة دوم ۲۷۴ + ۲۷۵ سیزدهم ۲۲ چهاردهم ۳۱ سی ‌پنجم ۲۶ **علا** علا بیست ششم ۳ فعلا بیست سوم ۹۳ علو هفدهم ۲ الاعلون سیم ۱۳۹ چهل هفتم ۳۵ پنجاهم ۱۸ وتعلن هفتم ۴ تعالی شانزدهم ۳ بیست هفتم ۶۴ هفتاد دوم ۳ فتعالین سی ‌سوم ۲۸ تعالوا سوم ۵۴ + ۵۷ ۶۱ + ۱۶۰ چهارم ۶۴ پنجم ششم ۱۵۲ شصت ‌پنجم ۹ استعلی بیستم ۶۴ تعالی دهم ۸۳ عالیها چهل ‌پنجم ۳۰ عالین بیست ‌ششم ۴۸ العالین سی ‌ششم ۷۵ عالیة شصت نهم ۲۲ هشتاد ششم ۱۰ عالیها یازدهم ۸۴ یازدهم ۷۴ عالیهم هفتاد ششم ۲۱ تعلی دهم ۷۲ العلی چهل ۲۳ ششم ششم ۴ تعلی یازدهم ۳۷ علیک نوزدهم ۲۵ تعلیه ام ۳ پنجم ۳۷ وتعلیه دوازدهم ۶۷ شصت هفتم ۲۹ تعلیها ششم ۱۰۲ چهل بکر ۶۴ چهل پنجم ۱۴ وتعلیها دوم ۲۸۶ بیست هشتم ۲۲ چهلم ۸۰ تعلیها پنجاه پنجم ۳۵ وتعلیها سیزدهم ۴۰ وتعلیکم بیست چهارم ۳۲ تعلیهم شانزدهم ۱۰۸ وتعلیهم چهل دوم ۱۵ تعلیهن چهارم ۳۰ العلیا چهارم ۲۳ + ۷۷ العلیا نهم ۴۰ علوا هفدهم ۴ + ۴۵ جیب سی ‌ام ۸۳	وعلوا بیست هفتم ۱۴ علوا چهل ‌دوم ۵۱ لعلوا چهل ‌ششم ۳ کبیرا دوم ۲۵ بیست دوازدهم ۶۱ پنجم ۱۹ بیست ۲۲ چهلم ۲ العلی چهلم ۱۲ علیا چهارم ۳۸ نوزدهم ۵۱ + ۵۸ علیون هشتاد سوم ۱۸ علیین هشتاد سوم ۱۹ **عم** عمک سیزدهم ۴۹ اعمامکم بیست چهارم ۶۰ وعماتکم چهارم ۲۷ عماتک سی سوم ۴۹ عماتکم بیست چهارم ۶۰ **عمد** تعمدت سی سوم ۵ عمد سیزدهم ۲ سی سوم ۹ عمد چهارم ۹۲ العماد هشتاد ‌نهم ۶ متعمدا چهارم ۹۵ پنجم ۹ **عمر** عمروها سی ام ۸ وعمروها سی ام ۸ تعمر نهم ۱۸ یعمروا نهم ۱۷ تعمر ششم ۶۸ تعمرکم سی پنجم ۳۷ تعمر دوم ۹۰ سی پنجم ۱۲ العمر دوم ۹۶ تعمر دوم ۱۵۳ واستعمرکم یازدهم ۶۴ عمره یازدهم ۷۲ العمر بیست یکم ۶۵ بیست ششم ۶۵ العمر شانزدهم ۷۲ بیست دوم ۵ عمرا دهم ۱۷ عمرته بیست چهارم ۱۷ عمره سی پنجم ۱۳ بالعمرة دوم ۱۹۶ والعمرة دوم ۱۹۶ وعمارة نهم ۱۹ عمران سوم ۳۰ + ۳۱ شصت ششم ۱۲ المعمور پنجاه دوم ۴	معشر ۶ پنجم ۱۲ **عمق** عمیق بیست دوم ۲۸ **عمل** عمل نهم ۲۸ ام سوم ۱۱۲ ششم ۷ پنجم ۳۰ تعملون سیزدهم ۱۵۲ شانزدهم ۴۲ + ۹۳ + ۱۲۰ پنجم ۳۷ تعملم شصت ‌ششم ۷ تعملم ششم ۳۵ تعمل چهاردهم ۴۳ ۸۴ چهارم ۱۱ تعمل چهارم ۱۱۰ + ۲۳ ۱۲۳ سیم ۱۱ بیست یکم ۹۴ نوزدهم ۸۷ فلیعمل هجدهم ۱۱ سی ‌پنجم ۵۹ وتعمل شصت چهارم ۹ ششم پنجم ۱۱ تعمل بیست یکم ۷۴ وتعمل ششم ۳۱ اعمل دهم ۴۲ بیست یکم ۱۰۳ اعمل بیست هفتم ۱۹ چهل ششم ۱۴ وتعملون بیست یکم ۸۲ تعمل هفتم ۵۱ شانزدهم ۳۰ سی پنجم ۳۴ تعمل هفتم ۵۱ تعمل سی دوم ۱۲ پنجم اعمل چهارم ۱۰ وعمل چهل یکم ۴ اعمل ششم ۱۳۵ + ۱۰۶ پنجم ۹۵ + ۱۲ سیم ۹۳ ۱۳ نهم ۴۰ چهل یکم ۴۰ فاعملوا بیست ‌سوم ۵۳ ششم چهارم ۱۰ تعمل نهم ۱۲۱ یازدهم ۴۸ والعمل ششم ۱۱ تعمل پنجم ۹۲ بیست ‌سوم ۱۴ تعمل ۶۴ بیست پنجم ۲۵ تعمل سیم ۱۹۳ دهم ۸۱ اعمل نهم ۱۰۳ یازدهم ۹ پنجم ۹ + ۲۲۹ + ۱۱۰ بیست ۸۲ بیست پنجم ۷ شصت هفتم ۲ اعمال بیست ‌سوم ۶۵ اعمالا هجدهم ۱۰۳ عمل نهم ۴۲ اعمالک چهارم ۵ عملہ پنجم ۷ عملا دهم ۴۲

تا آخر زواست (دوازدهم) احمد بن اسحق گوید که مشرف شده بخدمت حسن عسکری علیه السلام و میخواستم که سؤال کنم که حلقه حلقه آنحضرت کیست پس آنحضرت ابتدا نمود و فرمود ای ابواسحق خداوند تعالی از وقتی که آدم را خلق فرموده تا روز قیامت زمین را خالی نکرده و نخواهد کرد از حجتی که باو بلا از اهل زمین دفع میشود و باو باران میآید و باو برکت از زمین بیرون میآید عرض کردم پس کیست ۵۲۸ خلیفه و امام بعد از تو حضرت بسرعت برخواست و داخل حجره گردید و بعد از ساعتی بیرون آمد در حالی که طفلی سه ساله در برگرفته خود نشسته بود و مانند ماه تابان بود و فرمود ای ابا اسحق اگر ان بود که

باب العین

عمل جل سبحانه حیدر ۲ حبل بعمره ۵ و عمه شصت شنر ۱ لعلکم بیت شنر ۱۶۸ عملوه پنجاه دو بهر ۳۱ عملکم بهر ۹۹ + ۱۰۶ عمله شش ۱۰۸ اعمالنا دوبهر ۱۳۳ بیت شنر ۵۵ چهل دوبهر ۱۴ اعمالکم دوبهر ۱۳۳ بیت شنر ۵۵ چهل دوبهر ۱۴ چهل بهر ۲ اعمالکم چهل بهر ۱۴ اعمالهم بهر ۳۷ عمالکم سے بهر ۱۷ چهل بعمر ۲ + ۳۵ + ۳۷ عامل شنر ۱۳۵ باردهم ۹۵ سے بهر ۴۰ عامل بهر ۱۹۳ عاملون یازدهم ۱۲۲ بیت بهر ۵ چهل بکر ۴ تعاملون سے بعمر ۵۹ اعاملین بهر ۱۳ بیت بهر ۵۸ سے بهر ۷۴ و عاملین بهر ۶۰ عاملة شناد بهر ۳

عمه

یعمهون دوبهر ۱۴ شش ۱۱۰ بعمر ۱۸۵ بهر ۱۲ یازدهم ۷ بیت بهر ۷۲ بیت بعمر ۴

عمی

عمی شنر ۱۰۴ عمیت بیت بهر ۶۶ عموا بنجم ۷۵ فعموا بنجم ۷۵ نعمی بیت دوبهر ۴۵ فعمیت یازدهم ۳۰ عمی چهل بکر ۴۴ عمی چهل بکر ۱۶ عمون بیت بهر ۶۸ عمین بعمر ۶۴ اعمی سیزدهم ۹ بعمر ۷۲ بهر ۱۲۴ + ۱۲۵ و عمی چهل بعمر ۲۵ کالاعمی یازدهم ۲۶ عمی دوبهر ۱۷ + ۶۶ العمی بیت بعمر ۲۳ سے بهر ۵۲ عمیانا بعمر ۹ عمی دیم ۲۳ چهل بکر ۳۰

وعن ناسب بنجم ۷۳ و عن بهر ۹۳ بعمر ۱۶ بنجم ۶ بعماددهم ۳۷ عنی دوبهر ۱۸۲ یازدهم ۱۳ دوازدهم ۳۳ سے شنر ۲۲ شصت بهر ۲۹ عنهما چهار ۲۰ بعمر ۲۶ شصت شنر ۱۰

عنب

و عنب بعمر ۹۳ و عنبا شناد بهر ۲۸ اعناب شنر ۹۹ سیزدهم ۴ بیت بهر ۳۱ و اعناب دوبهر ۲۶۸ بیت بهر ۱۹ شانزدهم ۹۰ و اعنابا بعمار شنر ۳۲ و الاعناب شانزدهم ۱۱

عنت

عنتم شنر ۱۱۳ بهر ۱۲۹ لعنتم چهل بهر ۷ لاعنتکم دوبهر ۲۱۹ العنت چهار ۳۰ عند چهار ۹۶ + ۱۳۳ و عند بهر ۷ چهل ۳۷ عنده چهار ۸۰ + ۸۳ بهر ۳۲ بیت بهر ۲۷ چهل بهر ۱۸ وعندنا شش ۵۹ سیزدهم ۳۹ چهل بهر ۸۵ اعنده پنجاه بهر ۳۶ عنده بنجم ۵۷ بهر ۵۲ یازدهم ۳۰ بیت بهر ۳۷ عندها بهر ۳۲ مجدهم ۸۴ پنجاه بهر ۱۵ عنده بهر ۱۵۰ یازدهم ۲۱ سے چهار ۳۶ سی بعمر ۱۶۸ سے شنر ۲۴ + ۳۹ + ۴۷ و عندنا پنجاه بهر ۴ عندکم شنر ۱۴۹ دیم ۹۹ شانزدهم ۹۸ و عندهم بنجم ۴۲ سے بعمر ۴۷ سے شنر ۵۲ عندی یازدهم ۶۲ چهاردهم ۱۸ پنجاه بهر ۲۰ عنده بعمار بهر ۶

عنق

عنقه بعمر ۳۱ عنقه بعمر ۴ عنق سے چهار ۳۲ الاعناق شنر ۳ و الاعناق بهر ۳۲

احاطهم بیت شنر ۳ اعمامهم سیزدهم ۶ سے شنر ۷ چهل بهر ۷۳

عنکب

العنکبوت بیست بهر ۴۰

عنا

و عنت بهر ۱۱۰

عهد

عهد بهر ۱۷۹ بعمر ۱۳۱ چهل بهر ۴۸ عهدنا بهر ۱۱۴ و عهدنا دوبهر ۱۱۹ اعهد سے شش ۶۰ عاهدتم بهر ۷ چهل بهر ۱۱ عاهدت بهر ۵۸ عاهدوا دوبهر ۹۴ + ۱۷۲ سے بهر ۱۵ + ۲۳ عاهدتم بهر ۱ + ۴ + ۷ شانزدهم ۹۳ عهد سے بهر ۱۵ عهده بهر ۷ العهد بیت بهر ۹ بعهد بهر ۱۷ سیزدهم ۲۰ شانزدهم ۹۳ + ۹۷ دیم ۹۳ شش ۱۵۲ عهد بعمر ۱۰۰ بعهد بعمر ۳۶ عهد دوبهر ۲ سیزدهم ۲۵ عهده دوبهر ۲۷ + ۹۴ بیزدهم ۱ + ۹۰ لعهد بعمر ۳۶ عهدک دوبهر ۱۱۸ بعهدک دوبهر ۳۸ بعهده بهر ۷ بهر ۱۱۲ بعهده کر دوبهر ۳۸ بعهدهم بهر ۱۲ بعهدهم دوبهر ۱۷۲ و عهدهم سے بهر ۸ عشاده ۲۲ عهده دوبهر ۷۴ عهدهم بهر ۸ و بهر ۴

عهن

کالعهن بعمر ۹ صد بکر

عاج

عوج سے بهر ۲۹ عوج بهر ۱۰۷ عوجا بهر ۹۳ بعمر ۴۳ ۹۴ یازدهم ۲۲ چهاردهم ۳ بعمر ۱۰۶

عاد

عاد دوبهر ۷۶ بنجم ۹۹

سے شنر ۳۰ تعادوا شنر ۲۸ عدم بعمر ۸ عدنا بعمر ۸۷ بعمر ۸ بیت شنر ۹ تعودون پنجاه شنر ۹۰ بعودوا شنر ۳۹ تعودون بعمر ۲۸ تعودوا شنر ۱۹ بیست ۱۶ لتعودن بعمر ۸۶ چهاردهم ۱ تعود بعمر ۸۷ نعد شنر ۱۹ یعید سے چهار ۴۸ و یعید شناد بهر ۱۳ یعیده بهر ۵۰۴ بیت بعمر ۶۵ بیت بهر ۱۸ سی بهر ۱۰ + ۲۶ یعیدنا بعمر ۵۳ یعیدکم بعماد بکر ۱۷ یعیدکم بعمر ۷۱ یعیدکم مجدهم ۱۹ یعیده بیست بکر ۱۰۴ سنعیدها بهر ۲۲ نعیدکم بهر ۵۷ اعیدوا بیست دوبهر ۲۲ سے دوبهر ۲۰ عاد یازدهم ۲ بیست شنر ۱۲۳ چهل بکر ۱۴ پنجاه چهار ۱۸ شصت بهر ۶ تعاد بیست دوبهر ۴۳ سے شنر ۱۱ پنجاه بهر ۱۳ شصت بهر ۴ یعاد شناد بهر ۵ اعاد یازدهم ۶۳ و عاد بهر ۷ چهار بهر ۹ چهل ۳۲ عاد یازدهم ۶۳ بهر ۳۷ پنجاه بهر ۵۱ عاد جهار ۱۴ تعاد بیست بهر ۸۵

عاذ

عذت جهر ۲۸ چهل چهار ۱۹ عوذ دوبهر ۲ سیزدهم ۴۹ نوزدهم ۱۸ بیت بهر ۹۹ صد سیزدهم ۱ صد چاردهم ۱ و اعوذ بیت بهر ۱۰۰ یعوذون بعمار بهر ۶ اعیذها بهر ۳۱

۵ سعد بعمر ۹۹ سیزدهم ۱۰۰ احلهم ۵۸ چهل بکر ۳ معاذ دوبهر ۲۳ + ۷۹

عور

عورة سے بهر ۱۳ بعورة سے بهر ۱۳ عورات بیت چهار ۳۱ عورات بیت چهار ۵۷

عاق

المعوقین سے بهر ۱۸

عال

تعولوا چهار ۳

عام

عام یازدهم ۴۹ عام دوبهر ۲۶۱ بهر ۱۲۷ عاما بهر ۳۷ بیت ۱۱ عامین سے بکر ۱۳ عامهم بهر ۲۸

عان

تعاونوا بنجم ۳ و تعاونوا بنجم ۳ نستعین اول ۴ استعینوا دوبهر ۴۲ بعمر ۱۲۵ و استعینوا دوبهر ۴۲ عوان دوبهر ۶۳ المستعان دوازدهم ۱۸ بیت بکر ۱۱۲ اعینا پنجاه بهر ۱۴ نعین چهل شنر ۳۲

عاب

اعیبها بعمر ۷۸

عاد

عید بنجم ۱۱۴

عار

العیر دوازدهم ۷۰ + ۹۴ و العیر دوازدهم ۸۲

عنی

عنی سی بکر ۵۲ تعنی بنجم ۵۰ پنجاه بعمر ۲۷ و عنی چهار ۱۰۱ بنجم ۸۲ سی بهر ۷ عنی دوبهر ۸ شنر ۴۲ چهار ۱۵۶ بنجم ۱۰۹ + ۱۱۳ + ۱۱۶ و عنی شنر ۸۵ چهل دوبهر ۱۱

عاش

عیش خمس بهر ۲۱ صد بکر ۵ معاشا بعمار بهر ۱۱ معیشة بهر ۱۲۳

معایش بعمر ۹ یازدهم ۲ معیشها بیت شنر ۵۸ معیشتهم چهل بهر ۳۱

عال

عائلا نوزدهم ۸ عیلة بهر ۲۸

عان

و اعانه بیت بنجم ۵ فاعینونی بعمر ۹۴ عین شناد بهر ۱۲ عین مجدهم ۸۴ بیت شنر ۸ شناد شنر ۵ العین بهر ۱۱ بالعین بنجم ۴۹ عین سے چهار ۱۱ صد دوبهر ۷ عینا دوبهر ۵۷ بعمر ۶ نوزدهم ۲۶ بعماد شنر ۱۸۰۰ اجشاد بهر ۲۸ و العین بنجم ۴۹ عینان پنجاه بنجم ۵۰ + ۶۶ عینین نوزدهم ۸ و عیون یازدهم ۴۵ بیت شنر ۵۷ + ۱۳۴ چهل چهار ۲۴ + ۵۲ پنجاه بکر ۱۹ بعمار بعمر ۴۱ العیون سے شنر ۳۴ عیونا پنجاه چهار ۱۲ اعین بعمر ۱۷۹ + ۹۴ الاعین چهل بهر ۷۱ اعین بیت بکر ۶۲ اعین بیت بنجم ۷۴ سے دوبهر ۱۷ الاعین چهل ۲۰ اعین بعمر ۱۱۳ عینها بیست بهر ۱۲ عینی بهر ۴۰ عیناه دوازدهم ۸۴ عیناک بعمر ۲۷ عینیک یازدهم ۸۸ بهر ۱۳۱ عینک یازدهم ۳۳ اعینهم بعمر ۱۰۱ سے بهر ۱۹ و اعینهم بهر ۹۳ عینیی سے بهر ۵۱ و اعیننا یازدهم ۳۹ بیت بهر ۲۷ پنجاه دوبهر ۴۸ پنجاه چهار ۱۱ اعینکم بهر ۴۶ اعینهم شنر ۶۶

اعینهم بنجم ۸۶ پنجاه چهار ۳۷ عین سے بعمر ۴۷ پنجاه شنر ۲۲ عین چهل چهار ۵۴ پنجاه دوبهر ۲۰ معین سے بعمر ۴۴ پنجاه شنر ۱۸ شصت بعمر ۳۰ و معین بیت بهر ۵۲

باب الغین

غبر

الغابرین بعمر ۸۱ یازدهم ۶۰ بیت شنر ۱۷۱ بیت بعمر ۵۸ بیت بهر ۳۱ + ۳۲ سے بعمر ۱۳۵ غبرة شناد بهر ۴۰

غبن

التغابن شصت چهار ۹

غثاء

بیت بهر ۴۳ شناد بعمر ۵

غدر

یغادر بعمر ۴۷ نغادر بعمر ۴۵

غدق

غدقا بعماد دوبهر ۱۶

غدا

غدوت بهر ۱۱۷ فغدوا شصت بهر ۲۵ اغدوا شصت بهر ۲۲ لغد پنجاه بهر ۱۸ غدا دوازدهم ۱۲ پنجاه بکر ۲۳ سے بکر ۳۴ پنجاه چهار ۲۶ غدوا بعمر ۵۱ بالغدو بعمر ۲۰۴ سیزدهم ۱۶ بیت چهار ۳۶ غدو چهل ۴۹ غدوها سے چهار ۱۱ بالغداة شنر ۵۲ بعمر ۲۷

غر

غر بهر ۵۱ غرک شناد دوبهر ۶ و غرکم پنجاه بعمر ۱۳ و غره بهر ۲۳ و غرتکم چهل بنجم ۳۴ پنجاه بعمر ۱۳ و غرتهم شنر ۶۹ + ۱۳۰ بعمر ۴۵ ... چهل ۴

عمل عمه عمی عن عنب عنت عند عنق عنکب عنا عهد عهن عاج عاد عاذ عور عاق عال عام عان عاب عاد عار عنی عاش عال عان باب الغین غبر غبن غثاء غدر غدق غدا غر

نور انور ما منزلی است این را بوستان نمیدادم او ست همان وهم که سیمرجه دو سه که بر مکند رمنی ز براز عدن همچنانکه برشد از ظلم وجوری
احذیر اسحی مثل او در این امت مثل حصر ودی القربی است قسم محمد عبثی جوهد نمود که بجات باشد در آن مکر کسانی که حدا ابشان را اعتقاد و ایمان و
ثابت دارد و توفیق دهد او در درد غامودن او برای تحجیل — رح داخد کوند بر کهنه ای مولای من یا عدنی هست که سیر باد مطلق کرد
ناگاه اطفل بحی دزانند و بمنهای مصاحب و بالاعنت — و بزبان عربی فرمود آنا نعتذا نقه فی اردصة المسمم من اهله

فصل الراء و الغين

يعرّنك سبتم ١٩٦	لعرّف دہم ٩٠	عِشاوة دوبم ٦	تعفر عنكم ٣٠	الغارِبُ سعر ١٥٤	وغلوا شصت بم ٣٠	يعلاء وروبم ٥٣ ورديم
تعرّتكم سے بكر ٣٣	مغرقون يازدهم ٣٩ بيت	غِشاوة چهل بجر ٢٣	خمسكم ١٢ بعث بكر ٤	تعفور شتر ١٦٥ سعر	غلّ بجر ٩٤	٧ سے سعر ٩٩ پنج بكر ٢٨
سے بجر ٥	ستم ٢٨ جهل چهار ٢٣	لمغشي چهل سعر ٢٢	وتعفر ستم ٢٩ شتر ٢٩	١٥٢ + ١٦٦ يازدهم ٤٣	غلّ سعر ١ + بازدهم ٤٧	عدا نه هجدهم ٧٣ + دوردهم ١٩
تعرّتكم سے بكر ٣ سے بجر ٥	لمغرمين يازدهم ٤٥	**غشى**	٧١ سے ستم ٧ پنجا سعر	شازدهم ١٨ + ١١١ + ١٢٠	علا پنجاه بم ١٠	يعلامن هجدهم ٨١
عزّز شصت سعر ٣٠	**غرم**	عِشاوة سعادبم ١٣	٢٨ شصت چهار ٧	سے بجر ٣١	الأغلال سوم بم ٢ چهار ٧٣	علياب پنجاه دو بم ٢٤
تعرّفي ده سعر ٤١	والغارمين بم ٦٠	**غصب** بيشتم ٩	لِتغفر سعد دبكر ٤	غفور چهل بكر ٣٢	اعلالا سے سنتر ٧	تعلو اچهل ١٦٩ سبتم ٨١
العرود ستم ١٨٢ بنجاه	غراما سيب بجر ٦٦	غصب بجد بم ٧٨	تعفر بجر ١١٨ سعر	لعفار سعر ٨٤	واعلالا سعاد شتر ٤	تعلى حيد چهار ٤٥
سعر ٢٠	مغرم بجاه دو بم ٤٠	**غصّ**	٢٢ يازدهم ٤٩	الغفار سے شتر ٦٦ سے بم ٧	لا اعلال سے چهار ٣٢	لعلي جبدچهار ٤٢
غروراچهل ١١٩ شتر	شصت شتر ٤٦	نعصون جهد بم ٣	يغفرون چهل دو ٣٥	لغفار چهل ٤٥	والاغلال سعر ١٥٢	**غمر**
١١٢ هجدهم ٦٦ سے ستم	مغرما بم ٩٩	نعصو سيب چهار ٣٠	تعفرو چهل بجر ١٣	غفار بعماد بكر ٩	مغلولة بجر ٦٩	غمرة سب دو بم ٢٢
١٢ سے بجر ٣٨	لمغرمون پنجاه شتر ٦٦	يعصص سيب چهار ٣١	وتغفروا شصت چهار ١٤	تغفر لك دو بم ٢٨٥	مغلولة هجدهم ٣١	يعمه ستم ١٣٦
الغرور سے بكر ٢٣ سے	**غرى**	وأغضص سے بكر ١٨	تغفر دو بم ٥٥ سعر ١٦١	المغفرة ستم ١٥١	**غلب**	الغمر ستم ١٤٨ سبتم ٤١
بجر ٥ پنجاه هفتم ١٣	فاغرينا بجر ١٧	**غضب**	فاغفر ستم ١٤ + ١٩١ سعر	ومغفرة دو بم ٢٦٥	غلب دو بم ٢٥ + سبتم ٢٠٨	سب بكر ٨٨
غرب	لنغرينك سے ستم ٦٠	غضب پنجاه ستم ١٥	١٥٤ بيست بم ١١ بيت	ستم ٤ چهل سعر ١٧	غلبوا بجهدم ٣٠	غما ستم ١٤٧
غرب هجدهم ١٦	**غزل**	ستم ١٣	شتر ١٥ چهل ٧	پنجاه هفتم ٢٠	يغلب چهار ٧٦	غمة دهم ٧٢
تغرب هجدهم ٨٣	غزلها شازدهم ٩٤	دعضب چهار ٩٥	واغفر دو بم ٢٨٦ بيت	معفرة ستم ١٢٣ سيزدهم ٧	لا غالب پنجاه شتر ٢١	لعمام دو بم ٢٠٦
الغروب پنجاه ٣٨	**غزى**	بجر ٥٥ چهل شتر ٦	شتر ٨٦ شصت ٥	چهل بكر ٤٣ پنجاه سعر ٢١	سيغلبون سے امر ٣	بالغمام سيب بجر ٢٧
غروبها ستر ١٣٠	غزّي ستم ١٥٠	غضبوا چهل دو بم ٣٥	شصت شتر ٨	بمعفرة سے شتر ١٠	يغلبوا شتر ٦٥ + ٦٦ م ٤٧	الغمام دو بم ٥٤ سعر ١٨٠
لغراب بجر ٣٤	**عسق**	غضب سعر ١٥١ شازدهم	يغفر سعر ١٦٨	المغفرة پنجاه ستم ٣٣	تغلبون چهل بكر ٢٥	**غمر**
عرابا بجر ٣٤	غسق هجدهم ٨٠	١٠٨ ستم ٨٩ چهل دو بم ١٥	يغفر ستر ٣٩	بعماد چهار ٥٥	بنت سے امر ١	غمرة سب ستم ٦٥
الغربي سب شتر ٤٤	غاسق صد نوزدهم ٣	وغضب سعر ٦٩	فاستغفر سے شتر ٢٣	بالمغفرة دو بم ١٧٠	فغلبوا سعر ١١٦	پنجاه بكر ١١
غربية سب چهار ٣٥	وغساق سے شتر ٥٧	الغضب سعر ١٥٣	واستغفر چهار ٦٧	والمغفرة دو بم ٢٢١	يغلبون شتم ٣٦	غمرات شتر ٩٣
وغرابيب سے بجر ٢٥	وغساقا شا شتر ٢٥	غضب دو بم ٨٤	استغفرت شصت بم ٦	مغفرة دو بم ٢٧ سے ستم ٣٥	سيغلبون ستم ١٠	غمرتهم بيت ستم ٥٦
والمغرب دو بم ١٠٩ + ١٣٦	**غسل**	بغضب دو بم ٥٥ + ٨٤	فاستغفروا ستم ١٢٩	چهل شتر ٢٩	غلبنا شاد بم ٣٠	**غمز**
المغرب دو بم ٢٦	فاغسلوا بجر ٨	ستم ١٠٨ شتر ١٦	چهار ٦٧	ومغفرة چهار ٩٨	غلبة سے امر ٢	يتغامزون شازدهم ٣٠
والمغرب دو بم ١٧٢ بيت	تغتسلوا چهار ٤٦	غضب سيب چهار ٩	تستغفر بم ١٨ شصت ٦	استغفار بم ١١٥	غالب دوازدهم ٢١	**غمض**
شتر ٢٧ سعاد ستم ٩	مغتسل سے بم ٤١	غضبى بجتم ٨٣	استغفروا دوازدهم ٩٩	والمستغفرين ستم ١٥	غالب ستم ١٥٤ شتر ٥٠	تغمضوا دو دو بم ٢٧٠
مغرب بجدهم ٨٤	غسلين شصت بم ٣٦	غضبان سعر ١٤٩ + بستم ٨٨	فاستغفر نوزدهم ٤٨	**غفل**	غالبون بجر ٢٦	**غنم**
المغربين پنجاه بجر ١٧	**غشى**	المغضوب اول ٧	لاستغفرن شصت بم ٤	تغفلون چهار ١٠٣	الغالبون بجر ١ بيت بكر	غنمتم ستم ٤٢ + ٧٠
والمغارب سعاد بم ٤٠	غشيهم ستم ٨١ سے بكر ٣١	مغاضبا سيب بكر ٨٧	يستغفرون شتر ٣٣	أغفلنا هجدهم ٢٧	٤٥ بيت شتر ٤٣ بيت	غنم سب بكر ٧٨
ومغاربها سعر ١٣٣	تغشيهم ستم ٨	**غطش**	پنجاه بكر ١٨	غافلا چهار بم ٤٣	ستم ٣٥ سے سعر ١٧٣	والغنم شتر ١٤٧
غرف	يغشى ستم ١٤٨ چهل	وأغطش سعاد بم ٢٩	ويستغفرون چهل ٧	بغافل دو بم ٦٩ + ٧٩	الغالبين سعر ١١ بيت شتر	غنمي ستم ١٩
اغترف دو بم ٢٥٠	چهار ١٠٧ پنجاه ستم ١٦	**غطاء**	چهل دو بم ٣	ستم ١٣٤ + ١٣٩ + ١٤٤	٣٩ + ٤٠ سے سعر ١١٦	مغانم چهار ٩٦
غرفة دو بم ٢٥٠	م نوزدهم ١	غطاء هجدهم ١٠١	يستغفروا بم ١١٤	٩٤ يازدهم ١٢ بيت شتم ٩٥	مغلوبين پنجاه چهار ١٠	مغانم چهل شتر ١٥ + ٢٠
الغرفة سب بم ٧٥	وتغشى چهار دهم ٥١	عطاءك پنجا بم ٢١	ويستغفروا هجدهم ٥٣	غافلون شتر ١٣١ دهم ٧	**غلظ**	ومغانم چهل شتر ١٩
غرف سے بم ٢١ م	يغشاه سب چهار ٤٠	**غفر**	تستغفرون سب سعر ٤٧	دوازدهم ١٣ سے امر ٣	واغلظ بم ٧٤ شصت شتر	**غنى**
غرفا سب بم ٥٨	يغشاها نودبكر ٤	غفر سے شتم ٢٦	ويستغفره بجر ٧٨	ستم ٥ چهل شتر ٤	فاستغلظ چهل شتر ٢٩	تغن دهم ٢٥
الغرفات سے چهار ٣٦	يغشاهم سب بم ٥٥	فغفر سب شتم ١٥	استغفر بم ٨٠ دوازدهم ٩٨	لغافلون دهم ٩٢	غلظ چهار دهم ٢٠	تغنوا سعر ٩٠ يازدهم
غرق	يغشى سے ستم ١٩	وغفر چهل دو بم ٤١	فاستغفر چهل شتم ١١	الغافلين سعر ١٧٨	غليظ يازدهم ٦ سے بكر	٧١ + ٩٨
أغرقنا سب شتر ٦ + ١٢٠٠	غشي پنجاه ستم ٥٥	غفرانك سے شتم ٢٤	واستغفر ستم ١٥٣ چهار ٤٦	شازدهم ١١٠	٢٣ چهل بكر ٥٠	فأغنى نوزدهم ٨
سب بم ٣٩ سے شتر ٨	تغشيها پنجاه ستم ٥٥	يغفر ستم ١٢٤ + ١٢٩	١٠٦ بيت چهار ٦٢	غافلين سعر ١٣٢ + ١٤٤	غليظ ستم ١٥٣	أغنى يازدهم ١٠٣
وأغرقنا دو بم ٤٧ سعر	يغشاكم شتم ١١	چهار ٥١ + ١١٦ بجر ٢١	چهل ٥٧ چهل سعر ٢١	١٧١ بيت ستم ١٧	غليظا چهل ٢٥ + ١٥٣	أغنا هم بم ٧٥
٢٣ شش دهم ٧٤	فاغشيناهم سے شتر ٨	دوازدهم ٩٢ سے بم ٥٤	شصت بم ١٢	لغافلين شتر ١٥٧ دهم ٣	سے ستم ٧	يغني چهار دهم ١٤٩
فأغرقناه سعر ١٠٥	يغشى سعر ٥٢ سيزدهم ٣	چهل شتم ١٤	استغفروا يازدهم ٥٢ + ٥٣	الغافلين سعر ٢٠٤	غلاظ شصت شتم ٦	يغني دهم ١٠١ پنجاه بم ٢٠
أغرقناهم سب بم ٣٩	أغشيت دهم ٢٨	يغفر دو بم ٢٨٦	سعاد بكر ٩	دوازدهم ٣	غلظة بم ١٢٣	پنجاه چهار ٥
فأغرقناهم سعر ١٣٢	تغشاها سعر ١٨٩	ويغفر چهار ٥١ + ١١٦	واستغفر دو بم	الغافلات سب چهار ٢٣	**غلف**	تغني ستم ٢٨ + ١١٢ شتم ١٩٠
سب بكر ٧ سے چهار ٥٥	واستغشوا سعاد بكر ٦	بجر ٤٤	١٩٥ يازدهم ٩٢	غفلة نوزدهم ٤ بيت	غلف دو بم ٨٢ + چهار ١٥٥	پنجاه شتر ١٨
لتغرق هجدهم ٧٠	يستغشون يازدهم ٥	يغفر بم ١٨ سب چهار	سعاد بم ٣	بكر ١ + ٩٧ سب شتم ١٤	وغلقت دوازدهم ٢٣	تغن بم ٢٥ سے شتر ٢٣
نغرقكم هجدهم ٧١	غاشية دوازدهم ١٠٧	٢٢ بيت شتر ٥١ + ٨٣	واستغفري دوازدهم	پنجاه بم ٢١	غلام ستم ٣٥ دو دهم	أغني دوازدهم ٦٧
نغرقهم سے شتر ٤٣	الغاشية شاد ستم ١	چهل سعر ٣ شصت	واستغفره صد بم ٣ ٢٩	غلّ ستم ١٥٥	١٩ نوزدهم ٢٠٩	يغنيا شصت شتر ١٠
أغرقوا سعاد بكر ٢٥	غواش سعر ٣٩	سبتم	فاستغفره يازدهم ٦٤	يغلّ ستم ١٥٥	الغلاة هجدهم ٧٩	يغنوا چهل بجر ١١
غرقا سعاد بم ١		لبغفر چهل ١٣٦ + ١٦٦	واستغفره چهل بكرد	يغلل ستم ١٥٥		تغنيه شتم دو [illegible]
		چهار دهم ١١ سبتم ٧٥	غافر چهل ٣			
		چهل شتم ٢				

غرب غرف غرق غرم غرى غزل غزى عسق غسل غشى غصب غصّ غضب غطش غطاء غفر غفل غلب غلظ غلف غمر غمز غمض غنم غنى

تفسیر اثر نعبدهم تا ... احد گوید ... در بهانت خویش و ... سرور و ... دیگر ... بودم خدمت آنحضرت و عرض کرده یا رسول الله ... شوق گردد ... فرمایند ... و ... غش عرض کرده ... ۵۳۰ آنحضرت ... گفتند ... مگر جماعتی را ... عهد ... نهان ... ما و بماند مگر کسی که ... عهد و میثاق ... ولایت ... و در ... شده ... خود ... فرموده

باب الغین

غاث

غار

غاص

غاط

غال

غوی

غات

غاث

غار

غاض

غاط

باب الفاء

فاد

فئا

فتاء

فتح

فری

فتق

فتل

فتن

فتح

فتی

فجر

فجا

فحش

فخر

فدی

فرّ

فرت

فرث

فرج

فرح

فرد

فرض

[illegible]

ی حمد بن اسحق ابن امهب ... مرخد و ندوسرنب ... ترجمه و عنی ست زینب حد بر مکه ... بوعن کرده و شکر از تحاق ... بامابشی در
قیامت ... مؤلف کوید ... مشرق ... از طرفین ... جمع ... از دست خارج از وضع ...
بخضر خواهد بود ... گردد ... نگردید ... معنی ... جو هد ... عمر اختصار
واستبعاد ... دفع خواهیم نمود و مرام ممکن ... مستعد ... و ... **فصل الراء وغيره** ۵۲۱

فرضوا ... ۲۳۷	فرضه ... ۱۲۳	...	...	...	...	...	...
فرضتم ...	فرقان ... ۷۷	فرغ ...	...	...	فصح	...	نفد
...	الفرقان ...	فرغ ...	...	...	فصلت	...	...
فرع	فرقوا ...	فسخ	فشل	فصح	...	...	فقر
...	...	فسد	فصح	فصلت	...	...	فقع
فرق	فره	...	فصلت	...	...	...	فقه
...	فرى	...	...	...	...	...	فلك
...	...	فسق	...	...	قصو	...	فكر
...	فرش	فصم	فطر	...	...	...	فكه
...	فرح	فض	...	...	...	...	...

باب الفاء فرع فرق ... فسخ فسد ... فشل فصح ... فضح فضل ... باب الفاء فقد

اردون مانوح مسموع است بن بهم روایات مذکوره از طرق شیعه وسنی حاصل از معارض مزاحم چگونه در شان آن کافی باشد وهرگاه داعی بر وضع در روایات سبعه ترویج مذهب خود [illegible] هر سنت موجود [illegible] روایات ایشان در این مطلب بود منافی غیرت عقلا خواهد بود

لطیفه بایدد انست که محض اجماع شیعه وسنی بر وجود تحریف کافی است در اثبات مطلب زیرا که اجماع ایشان کاشف است از قول رؤسای ایشان مانند حضرت باقر وحضرت صادق وحضرت رضا علیهم وسایر ائمه هدی علیهم الصلوة والسلام که مروج مذهب شیعه بودند وقول ایشان حجت

باب الفاء

[illegible]	فاق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فلح	[illegible]	قلس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	قدح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فدر
فلق	[illegible]	فیض	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فلك	فوم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فرق	[illegible]	فتك	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فند	[illegible]	[illegible]	فتن	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فنی	[illegible]	[illegible]	قتل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فوج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فار	فاض	[illegible]	[illegible]	[illegible]	قتا	[illegible]
فوز	باب القاف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فحص	[illegible]
فاض	فیخ / قبر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فتل	[illegible]

قاموس مقدمه ... [illegible]

اجماع کشف مینماید از علم دنیا ایشان مینمانکه حرکت صف اول بجهة رکوع و سجود کشف مینماید از حرکت امام و در این ... [illegible]

وجهت عصبیت را یکنار گذارد ... [illegible] ... از اصحاب امام اعظم ابو حنیفه فتوی دهنده بسبب ... [illegible]

وحی ساعی بودند آنکه در عصر حضرت صادق ... **فصل القاف والدال وغیره** در میان شاگردان آنجناب ... [illegible]

بهفتاد بحمد ۴۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فصلنا شانزده ۹
لقد نرى بعد ۳	**قدى**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
لقد نری لم ۵۳	افتدی شش ۶۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قدیر چهار ۱۳	مقتد و بجهد [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	**قذف**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قصر**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قرح**	**قرب**	**قسی**
[illegible]	**قرد**	[illegible]	[illegible]	**قرء**	[illegible]	[illegible]	**قصف**
قدس	[illegible]	**قرش**	**قرض**	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قصم**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قشعر**	**قصی**
قدم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قرب**	[illegible]	**قص**	**قض**
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قضب**
[illegible]	[illegible]	**قرطس**	**قرع**	[illegible]	**قسر**	[illegible]	**قضی**
[illegible]	**قرأ**	[illegible]	**قرن**	[illegible]	**قسط**	**قسور**	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	**قسطس**	**قسم**	**قصد**

سوره اول ... باب الف القاف بعده
قاف تاء
قاف ثاء
باب التاء القاف بعده
ملک
قنت
باب الثاء القاف بعده
فرج
قرد
قرش
باب السین القاف بعده
قس
قسوت
باب الشین القاف بعده
قمر
باب الصاد القاف بعده
قصر
قصف
قصم
قصی

اتفاق بر حکمی نمایند البته کشف از قول صحابه خواهد نمود خصوص هرگاه در آن حکم تصور بعضی از برای خاکم نباشد و این از جمله بدیهیات است لمن کان له قلب او القی السمع و هو شهید وامّا مقدمهٔ ثانیه پس هر که حضور در آن کلام نیست و چگونه میشود که قول ایشان حجت نباشد و حال اینکه اتفاق [illegible] احد الثقلین که [illegible] موجب هدایت [illegible] و ایشانند کشتی نجات و ستارهای هدایت [illegible] و ایشان خود روایت نموده اند از ابن عباس که فرموده [illegible] رسول که باب [illegible] علی و [illegible] حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین اند مطهر و معصوم اند

باب القاف مع الكاف

قعد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	قلع	قنط	[illegible]	[illegible]
قمر	[illegible]	قلم	قنطر	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قفل	[illegible]	قلی	قنع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قفا	[illegible]	قدح	قنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	قمر	قهر	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قلب	[illegible]	قمص	قات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	قمع	قاس	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	قمل	قاع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	قنت	قال	[illegible]	[illegible]	[illegible]

قط — قطع — قطف — قطمیر — قصر — قصد — قصص — قصف — قضب — قضی

ومعصوم است که از کذب و خطا و نسیان محفوظ باشد بحفظ الهی پس هرچه گوید همان حق و واقع است و کذا ان تعلقی نخواهد بود والله هدی من یشاء الی صراط مستقیم

باب ستم در دفع شبهات ... که ... بعضی ... اعتقاد ... حوف از اعاده ... باء

اعتضرت نیز محقق و ثابت بود معد للتمیم بل غیبت اختیار نمودند ... در بیان ... حکام ... در ... مسموع

است معدا از معرفت ادله سابقه زیراکه عقلا از انکه دلیل ... وفعل بود جودان تا ثم کرد ... وجه مرجی نداد که زیراکه حکم ومصالح ... اعتباره ...

فصل الواو غیره

قوله سبعه ۱۴ — مثلا کجاهم ۱۴ بی بیشتر — ۲۵ هفتاد سیم ۶ — وقبیله چهل سیم ۸۸ — قابلی دوازدهم بیچ — ۸۱ سه هفتم ۴۹ — قایلون هفتم ۳ — والقائلین سی سیم ۱۹ — مقبلا بیست بیج ۲۶

قام

قام هفت دوم ۹ — قاموا دوم بیچ ۱۴ — بیچ ۱۳ — قسم بیچ ۸ — یقوم بیچ هفتم ۲ — نقوم نهم ۱۰۹ بیست — هفتم ۲۹ چهارم ۲۴ — نقمه نهم ۸۵ و ۱۰۹ — تتقفم چهارم ۱۰۳ — یقومون بیچ ۱۰ — یقومون دوم ۲۷ — یقوموا چهارم ۲۶ — سی جمعه ۴ — هفتاد سیم ۲ هفت — چهارم ۲ — وقوموا دوم ۳۹ — وقد دوم نهم — فاقمت چهارم ۱۰۳ — اقوم بیچ ۷ — افتنه بیچ ۱۵ — قائما بیچ ۷ — یقیم دوم ۳۰ — یقیمون بیچ ۳ — بیست هفتم ۳ — ویقیمون دوم ۲۲ — یقیموا چهارم ۳ — لیقیموا دوم ۱۰ — ویقیموا نود ششم ۳ — نقیموا بیچ ۷۲ — نقیم بیچ ۵ — اقیم دوم ۱۰۵ هفتم — ۸۰ سی بیچ — قائم سی ام ۲۹ و ۴۲ — وارد یازدهم ۱۱۶ — بیستم ۱۴ بیست — اقیموا ششم چهل — فاقیموا چهارم ۱۰۴ بیست — دوم ۱۷ بیستم — وتیمیز ... — یستقاموا نهم چهل — ۳۰ چهل ششم هفتاد

دوم ۱۶ — ستقیم شتم بیچ — مستقیم یازدهم ۴۰ — والمستقیم چهارم ۳ — فاستقیم دوم ۸۰ — مستقیم بیچ چهل بیچ — القوم ... هفتم — ۱۷۶ دوازدهم ۸۷ — چهل ششم ۲۵ — وقوم نهم ۷۱ — بقوم بیچ ۵۰ سیم ۱۰۳ — لیقوموا بیچ ۸ یازدهم — بیست سیم ۴۳ — وقوم بیست ۳۹ بیچ — بقوم بیچ سیم ۳۳ — قومت ... بیچ — چهل سیم ۲۷ — قومه ششم هفتم ۱۶ — یازدهم ۸۰ بیستم — وقومه هفتم ۳ — وقومه بیستم ۴۹ — قومت بیچ ۱۴ — قومت یازدهم بیست — وقومت چهل سیم ۴۲ — لقومکم دوم ۸۲ — قومت هفتم ۸۷ — قومیهم دوم سی ۴۶ — چهل ششم ۲۸ — بقومهم ششم ۴ — قومک بیچ ۱۴ چهار — بیست ۸۷ هفتاد بیچ — وقومت ششم ۲۳ — وقومه هفتم ۱۲۲ — قومه بیچ ۳۸ — وقومها بیستم ۲۴ — وقومه سی بیستم ۱ — قومه چهل ششم ۳۰ — قومیهم چهارم ۱۲ و ۹۳ — ۱۳۳ چهاردهم ۳۳ — وقوم بیست ... — سی ششم ۱۴ بچاهم ۱۳ — وقومهم بیست ... — القیمه نهم ۳۶ دوازدهم — ۴۰ سی ام ۲۹ — القیم سی ام ۴۲ — قیم بیچ ۳ — قائمه نود ... — نفقه ... — دوم سیم ۳۳ — سیزدهم ۲۳ — سیم ۸ ... ۱۳

مسعود دوم ۱۱ — وقائما سی نهم ۱۲ — قیمون هفتاد ۳۳ — والذین بیست دوم ۲۲ — دوم سیم ۱۰ یازدهم ۲۲ — ... بیچ ۲۰ — چهل بیچ دوم — قوام بیست بیچ ۶۱ — قیمه ششم ۶۲ — قیمه سی نهم ۶۸ — قیم بیچ بیچ ۴۵ — قیم ششم ۸۸ بیچ — ۱۰۴ بیچ ۹۸ — وقیب ما بیست بیچ ۶۵ — قوامون چهارم ۳۸ — قوامین چهارم ۱۳۴ بیچ ۱۱ — القوه دوم ۲۵ سیم — لقوه سیم ۱۱ — اقوم هفتم ۹ — واقوم دوم ۲ هفتاد — وقوم چهارم ۴۹ — وقوم بیست چهارم ۳۷ — واقوم بیست بیچ ۷۳ — اقیمکم ... ۸۲ — مقام سیم ۹۱ — مقام سی هفتم ۱۶ — مقام دوم ۱۹ — مقام چهل چهاردهم — ومقام بیست ششم ۹ — چهل چهارم ۲۵ — مقام بیچ بیچ ۴۶ — هفت دوم ۳ — مقاما هفتم نوزدهم ۷۴ — مقامی دوم ۲۲ چهاردهم ۱۷ — مقامک بیست هفتم ۳ — مقیم بیچ ۲۷ مقیم بیچ — نهم ۲ ... — مقیم یازدهم چهل دوم — مقیم چهاردهم ۴۲ — والمقیمین چهارم ۱۶۰ — ومقیمی بیست دوم ۳۶ — مقیم سی سیم ۳ — ومقاما بیست بیچ ۷ — المقامه سی بیچ ۳۲ — مقومه نود بیچ ۴ — المستقیم هفتم بیست — مستقیما ... ۱۱ — سیم ۱۲ ... — المستقیم ... هفتم — سی هفتم ۱۱۸ — القوه بیست ... ۷۰

بیچ بیچ ۵۰ — نوره بیچ ۲۷ — بقوه دوم ۶۰ — بقوه دوم ۸۷ هفتاد — ۱۷۰ عدد نوزدهم ۱۳ — نوکیم یازدهم ۵ — المومن بیچ ۵ — قوه ششم ۵۵ بیچ ۳۳ — بیچ هفتم بیچ — نقوت بیست ... — بیست سیم ۳۹ — القوه یازدهم بیست — ۶۲ چهل دوم ۱۸ — قوه سی سیم ۲۰ — یقوت بیچ ششم ۲۳

قاض

وتقض چهل بیچ ۲۳ — نقض چهل سیم ۳۵

باب الکاف

وکف بیست ششم ۸ — کف ششم ۲۲ نوزدهم

کاس

کاس هفت دشتم — کاس سی ششم — کاس بیچ ششم ۱ — کاسا بچاه دوم ۲۳ — هفتاد ششم ۱۷ ازکا — هفتاد ششم ۲۲ — فکانت بیست ... ۴۴ — فکانت ... ۹۲ — نکث ششم ۲۰

کبب

بکبه سیم ۲۳ — کب بیچ ششم — کبو بیچ ششم

کبد

کبد نودم ۴ — کبر ششم ۳ دوم ۷۲ — چهلم ۳ چهل ... — کبرت چهارم ۴ — کبر هفتم ۵۲ — بکبره چهارم — کبیرا بیستم ۳۸ — وکبیرا دوم ۸ — مکبر هفتاد چهارم ۳ — وکبره هفتم ۱۱۱ — اکبر دوازدهم ۳ — کبیر هفتم ۱۲ — کبیرون هفتم ۱۳۳ — استکبر سی ششم ۷۴ — استکبر دوم ۳

ششم ۳۹ هفتاد بیچ — کبیرت سی ششم ۲ — استکبرت سی نهم ۶۱ — استکبر چهارم ۷۲ — هفتم ۲۴ و ۳۸ هفتاد — استکبر دوم ۶ — استکبر ... — واستکبرتم چهل ششم — واستکبر چهارم ۷۱ — تستکبرکن ششم ۹۳ — هفتم ۴ چهل ششم ۹ — کبر چهل ۵۸ — کبره بیست چهارم ۱۱ — اکبر دوم ۲۶ سیم ۳۵ — یازدهم ۵۴ — الکبر چهارم ۱۰ نوزدهم — الکبر هفتم ۲۴ — کبر یازدهم ... — وکبر بچاه ۵۳۷ — الکبیر چهلم — لکبیره ... بیست ششم — کبیرهم دوازدهم بیست — بیچ ۶ — وکبیرها سی سیم ۶۲ — لکبیره دوم ۴۰ — کبیره نهم ۲۲ ... — لکبیره دوم ۳۸ — کبیر چهارم سیم ... — ۵۵ بیچ سیم ۳۳ — کبر هفت بیچ ۲۱ — واکبر هفتم ۲۲ — اکبر بیست ۱۰۳ — الاکبر ... سی دوم — اکبر ... ۱۵۲ ... — الاکبر هفتاد ششم ۲۲ — الاکبر ششم ۱۲۳ — الکبیر هفتاد چهارم ۳۸ — الکبیر دوم ۲۹ چهل ... — بکبره هفتم ۱۱۱ — المتکبر بچاه ۲۳ — متکبر چهل ۲۹ و ۳۷ — المتکبرین ... — نهم ۷۲ چهل ۷۰ — متکبرین سی ... — مستکبرا سی بیچ ۴۱ — مستکبرا سی ... — مستکبرین ... ۲۳ — شصت سیم ۵ — مستکبرون بیست ... — المستکبرین ... ۵

ککب

تکفکو ابیست ششم ۳۴

کتب

کتبت دوم ۲۳ — کتبت چهارم ۷۹ — اکتب چهارم ۶۹ بیچ ۶۵ — بیست بیچ ۶ — وکتب بیچ ۲ هفتم ۳۰ — کتب ... هفتم — اکتب چهارم ۳ ۸ — کتب دوم ۲۸۲ — فلیکتب دوم ۲۸۲ — ولیکتب دوم ۲۸۲ — سنکتب ... نوزدهم — ونکتب سی ششم ۱۱ — فاکتبها هفتم ۱۵۵ — تکتبوه دوم ۲۸۲ — تکتبوها دوم ۲۸۲ — وکتب هفتم ۵۰ — واکتب سیم ۳۴ بیچ — وکتبوه دوم ۲۰۹ — ستکتب چهل سیم ۱۹ — اکتتبها بیست بیچ ۶ — کتب ... ۲۲ — کتبنا دوم ۳۸۳ — کاتبون بیست ۹۴ — کاتب ششم ... — کاتبوهم بیست ... ۳۳ — کتب یازدهم ... — کتب چهل ... — وکتب بیچ ۸ — بکتب ششم ... — ... ششم — وکتب بیست ... — بالکتاب ششم ۱۵۷ — هفتم ۶۹ چهلم ۷ — والکتاب سی بیچ ۲۳ — والکتاب بیست نهم — بچاه هفتم ۲۶ — کتب نودم ۲ — کتب سی چهارم ۴۳ — الکتب بیست بیچ ۱۰۴ — کتابیه ششم ۱۹ — کتابنا چهل بیچ ۲۸ — کتابه بیست بیچ ۲ — کتابها چهل بیچ ۲۷ — کتابکم سی هفتم ۱۵۷ — کتابک هفتم ۱۵ — کتاب ... — ششم چهارم — کتابهم هفتم ۳۲ — وکتبه دوم ۲۸۵

جمادی ۱۳۹ شصت ششم ۱۲ — مسموا هفتم ۱۵

کتم

کتم دوم ۱۳۴ — بکتم چهارم ۲۹ — یکتمون دوم ۱۵۹ و ۱۷۴ — سیم ۷۱ چهارم ۴۹ بیچ — تکتمون دوم ۴۲ — وتکتمون چهارم ۳۱ — یکتمن دوم ۲۲۸ — تکتموا دوم ۳ و ۲۸۳ — ۹۰ ششم ... — وتکتموا ... ۴۴ — تکتموا دوم ۲۸۳ — وتکتموا دوم ۳۹ — تکتم بیچ ۱۰۵ — یکتمها دوم ۲۸۳ — تکتمونه سیم ۱۸۷

کتب

کبتنا هفتم ۱۴

کثر

کثر چهارم ۸ — کثرت ششم ۱۹ — فکثرکم هفتم ۸۶ — وکثرت یازدهم ۴۰ — فاکثرت هفتاد نهم ۱۱ — لاستکثرت هفتم ۱۸۸ — استکثرتم ششم ۱۲۸ — تستکثر هفتاد چهارم — کثره بیچ ۱۰ — کثرکم نهم ۲۵ — تکاثر صد ۱ — بیندکم ... سیم ... — کثیرا بیچ ۲۰ بیست — بیچ هفتم ۲۶۰ و ۲۲۰ — لکثیر ششم ۱۳۸ — کثیره چهارم ۹ بیست — ۱۹ و ۲۱ چهل سیم ۷۳ — کثیره نهم ۲۵ سی ششم — بیچ ششم ۳۱ — کثیره دوم ۲۴۹ و ۲۵ — چهل ششم ۱۹ و ۲۰ — واکثر بیست ششم ۲۸ — واکثر نهم ۷۰ — واکثرهم ... ۱۰۲ — نهم ۸ — اکثرهم سی ششم — ... ۲۰ — ... چهل ... — ... بیچ — التکاثر صد دوم

باب الکاف

[illegible]

کدخدا

انکدرت

فالکذب

فکذبوا

کسب

کشادها

کدر

[illegible]

کدی

[illegible]

کذب

[illegible]

کر

[illegible]

کرب

[illegible]

کرس

[illegible]

کرم

[illegible]

کره

[illegible]

کسب

[illegible]

کسد

[illegible]

کسف

[illegible]

کشط

[illegible]

کشف

[illegible]

کظم

[illegible]

کعب

[illegible]

کف

[illegible]

کفل

[illegible]

کفی

[illegible]

كلب

كلح

كلف

كلم

كم

كمل

كمه

كن

كنز

كنس

كهف

كهل

كهن

كاب

كاد

كاد

كوب

كوى

كان

كال

باب اللام

لا

لا

لبد

لبس

لبن

لج

لجا

معجزه نزدیک ماه موعود و سنت پس بکی کرد تحمس نفعضم نمابد از فهم معجزه و دور تجرد مده محو نو و سبب قتل عمرت کرد چنانچه نسبت با نبیاء سابقه مکرر واقع گردید و ثابت
شد سنت دارد او سکه سستی خوف بر نبرد مانند که هرگاه اجنبی دید مجرد عمر برعاشق کرد سند مگوش معدن و سبده مدح کمایند و در دل ایشان برانید در عقا
اعتقاد دو خوف ۵۳۸ عصمت نزد خدا عطف مرتبه تر بر تستعصم بالا فراست و اعتقاد با و خال حضور پس از جهت لطف کرد با ایشان در کرد بر ایشان جار
نمیگردد ماه ثروت دسته عصمه گردند چنانچه در حضرت ستواعه مرد است [illegible]

باب اللام

حضرت محمد صلعم با حضرت جرجکرد که افضل همه انبیاء و اصحاب بواند فرمود ملک

لحد [illegible]	**لسن** [illegible]	**لعل** [illegible]	**لغو** [illegible]	[illegible]	[illegible]	**لمس** [illegible]
لحف [illegible]	**لطف** [illegible]	**لعن** [illegible]	**لفت** [illegible]	[illegible]	[illegible]	**ألت** [illegible]
لحق [illegible]	**لظى** [illegible]	**لغب** [illegible]	**لفح** [illegible]	[illegible]	[illegible]	**لهب** [illegible]
لحم [illegible]	**لعب** [illegible]		**لفظ** [illegible]	[illegible]	**لمح** [illegible]	**لهث** [illegible]
لحن [illegible]			**لفف** [illegible]		**لمز** [illegible]	**لهم** [illegible]
لحى [illegible]			**لقب** [illegible]			**لهو** [illegible]
لد [illegible]			**لقح** [illegible]			**لات** [illegible]
لدن [illegible]			**لقط** [illegible]			**لاح** [illegible]
لدى [illegible]			**لقف** [illegible]			**لاذ** [illegible]
لذ [illegible]			**لقم** [illegible]			**لوط** [illegible]
لزب [illegible]			**لقى** [illegible]			**لوم** [illegible]
لزم						

لحد لحف لحق لحم لحن لدن لدى لظى لعل لعن لغب لغو لفت لفح لفظ لقف لقم لمس لهث لهم لهو

افضل نازل قوم هستند که ایمان میاورند بیابانی که [illegible] نفس است زیرا که حجة خدا از نشانه ایست وحجه [illegible] بگرد از آنحضرت بعد [illegible] نا مشد

حالکه از حضرت باقر و حضرت صادق و حضرت رضا مرویست که [illegible] الهی [illegible] وحجه [illegible] بکه از غایب جاری گردد [illegible]

در انتهاء سابعین بوده [illegible] از حضرت [illegible] ٥٣٩ [illegible]

فصل الواو

ست [illegible] نفر [illegible] حضرت [illegible]

لومو چهارم ٢٧
سلاذموت نصف ٣
یوم بعد ٥١
لا انتم بیخبر ٥
اللوامة [illegible] ٢
ملوم بچاه بکر
ملوما بعد ٢٠٣
ملومین [illegible]
ملیم [illegible]

لان

[illegible] ٤٦٣
[illegible] ٧٠
[illegible] ٢٢
[illegible] ٢٥
[illegible] ٢١

لوی

یلوون سیز ٧٢
یلوون سیز ١٤٧
تلووا جهار ٣٤
لیا جهار ٤٠
[illegible] خمس ٥

لیت

لیت [illegible] ٧٩
٢٥ چهل ٣٧
[illegible] ٣١
[illegible] ٢٦
لیتنی [illegible] ١٠٧
[illegible] ٢٢
[illegible] ٩٩
[illegible] ٣٣
[illegible] ٤٦
[illegible] ١٧١
[illegible] ١٠٩
[illegible] ٧٢
[illegible] ٢٧٠
[illegible] ٣٣

لیل

[illegible]

لسه [illegible] ١٠٣
[illegible]
[illegible] ١٦٣
بچاه [illegible] ٢٩

لان

[illegible] ١٠
[illegible] ٢٣
[illegible]
[illegible] ٥
[illegible]

باب المیم

[illegible] ٣
[illegible] بازدهم ٥٤
[illegible] ٣٨
[illegible] ٧٥
چهل [illegible] ١٩

عم

[illegible]

افما

[illegible] ٥٦

قلم

[illegible]

ماه

[illegible]

متع

[illegible]

[illegible] ١٩٢
[illegible]
٢٥ [illegible] ٤٣
[illegible]
[illegible] ٣
[illegible]
[illegible] ٧٠
[illegible] ٢٨
[illegible] ٧٠
[illegible] ١٩
[illegible] ٣٣
[illegible] ١١١
[illegible] ١٨
[illegible]

متن

[illegible]

مثل

[illegible]

مثلها [illegible] ٢٠
[illegible]
[illegible] ٤٨
[illegible] ٢٩
[illegible] ١٢٠
[illegible] ١٥١
[illegible] ١١
[illegible] ٣١
[illegible] ٧٢
[illegible] ٣٥
[illegible] ٢١

مجد

[illegible]

مجس

[illegible]

محص

[illegible]

محق

محق [illegible] ٢٧٧
[illegible] ٣٥

محل

[illegible]

محن

[illegible]

محا

[illegible] ١٣
[illegible] ٣٩
[illegible] ٢٣

مخر

[illegible]

مد

[illegible]

مدن

[illegible]

مر

[illegible]

[illegible] ٩٠
[illegible] ١٠٥
[illegible] ٣٧
[illegible]

مرء

[illegible]

ماروت

[illegible] ٩٦

مرج

[illegible]

مرج

[illegible]

مرد

[illegible]

[illegible] ٣٣

مرض

[illegible] ٨٠
[illegible]

مرو

[illegible] ١٥٣

مار

[illegible]

مریم

[illegible]

مرج

[illegible]

مزق

[illegible]

مزن

[illegible]

مشی

[illegible]

متعز

مرض
موت
مرء
مرج
مانع
متع
متن
مثل
مجد
مجس
محص
محق
محل
محن
محا
مد
ماروت
مرج

منتهٔ دوزن ۲۱ ہمہ
۲۲ مب بمر ۴۷

مسح

منی

مشج

مشی

مصر

مضغ

مضی

مطر

مطی

مع

معز

معن

معا

مقت

مك

مكث

مكر

میكال

مكن

مكة

مل

ملا

ملح

ملق

ملك

منع

منی

مهد

مهل

فصل الطاء و عشرة (۵۴۱)

ظهور و نخواهد کرد تا زمانیکه انتهای خلافت همای ز ضلالت بیرون بدنگاه ... موافق گوید که ظاهر نیست که منافی در میان این وجوه ... این علت بوده ناشد عجب اقتضای مقام امامی ... نموده سند مشبهه دوتیرا نیست که نفی بود وجود (۵۴۱) حضرت مرتبه ... در حال غیبت خود ... تا باشد و هر وقت خدا مصلحت در ... ادای ... ظاهر نیست و مانست که ذکر ... وجود ...

مهل ستاد ستم ۱۷	نونکر دو نبر ۵۲	لمن دو نبر ۲۳	هدی	نبتة دبر ۲۲	نستبتر سه بهر ۶	نتو
مهلهم هفده ستم ۱۱	قت ستجه ۵ جهل ستم	بشده بهر ۲۱	دعمبر دوازده بهر ۶۵	تنستبتم سه بکر ۲۲	و نستبتر دوبر ۲۲	نتق هفتم ۱۲
مهلهم سه ستم ۱۲	جهل نهر ۲ بحر ۱۱	و موالی نهر ۲۲	هدن	نبتنا نابزده بر ۴۹	استبر ۲۴ جهر ۲۱	نثر
مهلک بیست نهر ۵	موت دو نبر ۴۹					
مهن	ماث	هاج	باب النون	نبذ	نبت	نجد
ماث ستم ۱۲۹			ن شصت هشتم ۱			نجم
			نا		نبر	نجی
			نامی		نبط	
		مال	نبا		نبع	
		مار				
		ماء				
		ماد				

باب النون

نحل

نخر

نخل

نذر

نزع

نزف

نزل

نزع

نسأ

نسب

نسخ

نسر

نسف

نسك

نسل

نسی

قلد

ندم

نشأ

نشر

نشز

نشط

نصب

نصت

نصح

نصر

نصف

نصو

نضج

نضخ

نضد

نضر

نطح

نطف

نطق

نظر

نعج

نعس

نعق

نعل

نعم

نغض

نفث

نفح

نفخ

نفد

نفذ

نفر

نفس

نفش

نفع

نفق

نفل

نفی

نقب

نقذ

نقر

نقص

نقض

نقع

نقم

نکب

نکث

نکح

نکد

نکر

نکس

نکص

نکف

نکل

نمرق

نمل

نمم

نهج

نهر

نهی

نوأ

نوب

نوح

نور

نوس

نوش

نوص

نوق

نوم

نون

نوی

نیل

نخلہ

انداداً

المنذرین

فانسٰھم

فصل السین و غیره

عیف مثل ممعنی خود حضرت نوح ... بھضد و بجاہ سال ... بوده خود را دعوت نمود کہ از ایشان ایمان بار و باور د مگر قلیلی و هیچ کس عزم

کہ بگویند خود نوح را توقف ... و بعض ... و بیکسان بود و همچنین شنیدن ... در سندی ...

و حال ... در مدت جهت ... کہ ما مور ... سود ند یا مرتد کی ... کہ بگویند ... خود ... غضب ... در مدت چهل ...

هیچ بعض مقصود ... بلکہ و خود و عده ... بوده ... و عده ...

۵۴۴

سہ دو بیم ادھبا	ایساً بجه د شتم	و تصنو ا بعضه ۳	و نعمہ د و بر ۲	منظ محمد ۲	تشر	بحبت سے منتز ۳
دو رتبہ سب نو د بر ۳	المنشون بجاه شتر	نضج	ستیر ۶	منصر بجاه بجه ۴	و نظر بجه ه بم ۱	نفس
نسوا د وار د بر ۳	انشئت بجاه بجه ۲	و تصوص بعضہ	سصرون بار د بم	منصرین مسنته ۸۱	نظر معن ۹	انعمت ستیر ۱۴۸
انستو د وار د ۵	نشر	تصحو ہسم ۹۳		نصف		نغوی
نساء چهل نهم ۱۱	و نشر چهاد دو ۲۲					نغل
و نساء چهل شتم ۲۵	نشر بجه بر ۱۵			نصح		نغم
النساء سو شتم ۵	نشرا شناد بجم ۱۰					
نساء ستیر ۲۷	فالنشر جهل ستم ۱۰					
و نساء سو شتم ۵۹	المنشرا هشتاد ۲۲	نضر		نضخ		
نساء چهلم ۱۱	ینشرون بیست ۲۱			نضد		
ولہ نساء چهار ۸	تنشرون سے مر ۱۹			نضر		
والنساء چهار ۱۰۱	و منشر و سے سیتم ۳			نطح		
نساء سے سیتم ۲۰۰۳	نشصت دو بر ۱۰			نطف		
نساء چهار ۱۲	نشر ا مفتاد بعضم ۳			نطق		
و نساء چهار ۱۵۱	و انشئت نشرات ۳			نظر		
نساء کرد و بیم ۲۲۳	النشور سے بجم			نعج		
النساء دو بیم ۲۳۱	نشور بیست ۲۰۰۳					
[illegible]	منشورا بجاه دو بر ۳					
[illegible]	منشور ا هفدهم ۱۴					
نساء کم دو بیم ۱۸۳	منتشر مفتاد چهار ۵					
[illegible]	منشرین چهد چهار ۳۴					
[illegible]	منشر بجاه چهار ۷					
[illegible]	نشز					
[illegible]	نشط					
نشا	نصب					
[illegible]	نصت					

نصر ... و نصروا ... نصرتم ...

ونصرو ... فضاعف ... والنطیحة ... نظر ...

عقبت بخاب از بخاب متنفع گردیده نذود کرنے الحمد در باب چہارم خواهد آمد انشاء الله تعالی وجہ تسمیہ اگر ایمان با بجاب در زمان عقب اجر شیان تمرات عظیمہ مضاعف
میکرد چنانچہ بوئیان شان خود بعلاوه ثوابے که در انتظار فرج الحجت
در حال ظهور بجاب مثبت چنانچہ مرویست که حضرت صادق علیه
مکرد در وحد نصف از سنباری ذ بهدی بد رد حد
یس لشارت باد شمار اجماره اگر سبب مذ ظهور حضرت محمد صلعم و نقدی بمظلوم شان شود زیرا که طمع در بلاء موجب تیس

باب النون

[illegible]	نفد	نفق	نفل	نکب	نکس	نکس
نفث	نفذ	نفش	نفی	نکث	نکص	نکف
نفخ	نفر	نفع	نفیت	نکح	نکل	نم
	نفس		نقد	نکد	نمر	نمل
	نفخ		نقص	نکر	نمج	نهر

نسکین خاطر است (وحتیم) انکر کا شبعر بد شد که بحرث موجود است [illegible]
عرضه میدارند برا بحضرت و ابحر اکر قابل اصلاح است اصلاح [illegible] میفرما بد چنا بجه در بعضی ازده [illegible] کر میفرما بد ازجمه
[illegible] اصلاح [illegible]
بن عبشه و لطیف است بن عمه (وحه شتم) انکر تد بعض [illegible] فایدا بنسیه

وصل الباء و کد [illegible] عشر

انهار ابیت بقره ۶۲	النهی [illegible] ۱۲۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
معنا دابکر ۱۱	[illegible]	[illegible]	باب النا	هجع	[illegible]	[illegible]
شانزدهم ۱۵	ناب	[illegible]	[illegible]	هد	[illegible]	[illegible]
نهار بجاه جهار ۵۴	ناج	ناش	هبط	هدم	[illegible]	[illegible]
نهار و نهی	ناص	ناق	هنا	هدهد	[illegible]	[illegible]
[illegible]	نار	نامر	هجد	هدی	[illegible]	اهد
[illegible]	[illegible]	نون	هجر	[illegible]	[illegible]	هرب
[illegible]	[illegible]	نوی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هرت
[illegible]	[illegible]	ناب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هرع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هرون

باب النون و الهاء [illegible] فاصغوا نهاکم [illegible] نوی [illegible] هجر هجع هد هدی [illegible] هرون

نموده از اسحق بن یعقوب بن بیان گشته و آنچنانست که اسحق بن یعقوب کاتب با حضرت مهدی نوشته ... حضرت محمد ...
... مال اهل زمین ... مانند ...

باب الهاء

وجه	وجد	وبق	هوی	همد	هز	هز
وحش	وجس	وبل	هیأ	همر		هزأ
وحی	وجف	وتد	هاج	همز		هزل
	وجل	وتر	هال	همس		هزم
	وجه	وتن	هام	هامان		هش
		وثق	باب الواو	هیمن		هشم
		وثن	وبد	هنا		هضم
		وجب	وبل	هار		هطع
		وجد	وبر	هان		هل
				همر		هلع
						هلك

ناقی است و شمار فرق شیعہ را کمان چنانست کہ اغضب بعد، خروج حرب ار هر کب فوں نہما بد و نہ هدو مساحد حرب مسکرد بد و بحکم د در حکم منبر مانند بغی بیننہ اد کی قول بمیکند و کی د کہ بہ بیت سال د نبند و معاند دین خود را نداند نقل میاد رود و امثال اینها و این د و معنی تسخ شریف بغیرت وجواب بن شبہ اولا آنستکہ آیہ مذکور شد مقطوع نیست در میان شیعہ و اگر چیزی بران دلالت نماید از احادیث بن اہل قطعی کہ بیقاء شریعت دلالت میکند تعارض بخواهد نمود و ثانیا مراد از هدم مساجد و مشاهد مجمل مساجد باشد کہ منافقین بنا نمودہ

وصل او وغیرہ

تُوحَى جملہ تم ۵۱
سُوحِی ستم ۱۳
یوحی ردہم ۵۰
نا ردہم ۴۵ ۴۷ ۲۵
وحیہ ستم ۳۹
وحیها ردہم ۵
وحی ستم ۹۳
ستم ۴
۶۶
وحینا ۵۰
وحیہ ستم ۱۱۳
وحینا یاردہم ۳۹
ستم ۲۷

ود

وَدَّ دوم ۱۰۳ جہ ۱۰۲
وَدَّت ستم ۶۲
وَدُّوا ستم ۱۱۳ جہ ۹۱
ستم ۹
وَدُّوا ستم ۲
تَوَدُّ دوم ۹۰ + ۹۹ جہ
۴۵ یازدہم ۲ سطہ ۱۱
اَیَوَدُّ دوم ۲۶۸
تَوَدُّ ستم ۲۸
یَوَدُّ ستم ۳۰
وَتَوَدُّونَ ستم ۷
یوادّون ستم ۲۲
وُدًّا ستم ۲۴
وُدًّا نوزدہم ۹۶
وَدُودٌ یاردہم ۹۲
اَلوَدُودُ ستم ۱۴
مَوَدَّةً جہ ۷۵
بِالْمَوَدَّةِ ستم ۱
مَوَدَّةً بیت ستم ۲۴
مَوَدَّةٌ ستم ۸۵ ۲۰
ستم ۷
اَلمَوَدَّةَ جہ ۲۲

ودع

وَدَّعَ ستم ۴۷
وَدَعْكَ نوزدہم ۳
وَمُسْتَوْدَعٌ ستم ۹۸
مُسْتَوْدَعَها یاردہم ۸

ودق

اَلوَدْقَ ستم ۴۳ ۴۷

ودی

وَادٍ بیت ستم ۱۸
وَادِیْ بیت ستم ۲۲۵
بِوَادٍ جہاردہم ۴۰
اَوْدِیَةٌ بیت ستم ۳۰
بِالْوَادِ ستم ۱۲
ستم ۸

وذر

نَذَرُ ستم ۷۳
تَذَرُ ستم ۲ ۳۸
یَذَرُ ستم ۱۲۴
یَذَرُ ستم ۲۷
وَیَذَرُونَ دوم ۲۳۴
۲۴۱ ستم ۲۷
وَیَذَرُوْنَ ستم ۶۶
ستم ۱۲۵ ستم ۲۱
تَذَرُ ستم ۲۲
تَذَرْ ستم ۱۳
وَیَذَرُ نوزدہم ۷۳
وَتَذَرُ ستم ۶۸
وَیَذَرَكَ ستم ۱۲۴
تَذَرُهَا ستم ۱۰۶
وَیَذَرُهُم ستم ۱۸۵
یَذَرُنِي ستم ۸۹
یَذَرُهُم ستم ۲۸
تَذَرُوْهَا جہ ۱۲۸
وَتَذَرُهُم ستم ۱۱۰
وَذَرُوْا ستم ۶۹
وَذَرُوا دوم ۲۷۸
۱۲۰ ستم ۱۷ ستم
ذَرُنِي ستم ۱۱
فَذَرْهُمْ ستم ۴۴
فَذَرُهُمْ ستم ۱۱
ذَرْنَا ستم ۸۷
ذَرْهُمْ ستم ۹۱ یاردہم ۳
ذَرُونِي ستم ۲۷
فَذَرُوهُ دوازدہم ۴۲
فَذَرُوهَا ستم ۶۷
فَذَرُوا ستم ۱۵

ورث

وَوَرِثَ بیت ستم ۱۶
وَرِثُوا ستم ۱۶۸
وَرِثَهُ ستم ۱۲
وَرِثْتُ نوزدہم ۶
یَرِثُونَ ستم ۹۸ ۱۱
یَرِثُ جہ ۲۳
یَرِثُ نوزدہم ۴۱
یَرِثُنِي نوزدہم ۶
یَرِثُهَا جہ ۱۷۵ بیت
ستم ۱۰۵
وَیَرِثُهُ نوزدہم ۸۳
اَوْرَثْنَا ستم ۲۹
وَاَوْرَثْنَا ستم ۱۳۳

ستم ۷ ستم ۶
وَرِثْكَ ستم ۲۷
وَرِثَهُ ستم ۵۹
جملہ ستم ۲۷۰
وَرِثَ ستم ۲۲
ستم ۱۰
وَرِثَ ستم ۳
اَوْرَثْتُمُوهَا ستم ۴
ستم ۲۲
اُورِثْتُ ستم ۵
اَلْوَارِثُ دوم ۲۳۳
وَارِثِينَ ستم ۲۳
بیت ستم ۱۰
اَلْوَارِثِينَ بیت ستم ۸۹
ستم ۵۸
وَرَثَةِ بیت ستم ۸۵
اَلْتُرَاثَ ستم ۲۰
مِیرَاثُ ستم ۱۷ ستم ۱۰

ورد

وَرَدَ بیت ستم ۲۳
وَرَدُوهَا بیت ستم ۹۹
فَاَوْرَدَهُمْ یازدہم ۱۰۰
اَلْوِرْدُ یاردہم ۱۰۰
وِرْدًا نوزدہم ۸۶
وَارِدُونَ بیت ستم ۹۸
وَارِدُهَا نوزدہم ۷۲
وَارِدَهُمْ دوازدہم ۱۹
وَرْدَةً ستم ۳۷
لَوَرَدُ ستم ۱۵
اَلْمَوْرُودُ یازدہم ۱۰۰

ورق

وَرَقَةٍ ستم ۲۱ ستم ۱۹
بِوَرِقِكُمْ ستم ۱۸
وَرَقِ ستم ۵۹

وری

وُورِیَ ستم ۱۹
یُوَارِی ستم ۲۴ ستم ۲۵
فَاُوَارِیَ ستم ۳۴
یَتَوَارَی ستم ۷۰
تَوَارَتْ ستم ۳۱
یُوَارِی ستم ۱۸
وَرَآءَهُ نوزدہم ۵
وَرَآءَهُمْ چہاردہم ۱۹ ۲۰
وَرَآءَكُمْ جہ ۳۳
وَرَآءَهُمْ بیت ستم ۱۰۲
ستم ۲۰
وَرَآءَہٗ دوم ۸۵
وَرَآءِكُمْ یاردہم ۱۰۲
ستم ۳
فَوَرَآءَهُمْ ستم ۷۸
ستم ۲۷
فَالْمُورِيَاتِ ستم ۲

وزر

تَزِرُ ستم ۱۲ ستم

ستم ۹ ستم ۹
ستم ۳۹
ستم ۲۳ ستم
ستم ۲۲
ستم ۱۰۰
ستم ۲۷
ستم ۹۰
ستم ۵
ستم ۲۱
ستم ۲
ستم ۱
وَارِدَةٌ ستم ۱۴
ستم ۱۶ ستم ۹
ستم ۳۰
اَوْرَدَ ستم ۳۰ بیت ستم
۳۷

وزع

یُوزَعُونَ بیت ستم ۱۷
۸۵ ستم ۱۸
اَوْزِعْنِي بیت ستم ۹
ستم ۱۴

وزن

وَزَنُوهُمْ ستم ۳
وَزِنُوا ستم ۳۲ بیت
ستم ۱۸۲
وَزِنُوا ستم ۷
وَزْنًا ستم ۵
اَلْوَزْنُ ستم ۸
مَوْزُونٍ ستم ۱۹
اَلْمِيزَانِ ستم ۷
اَلْمِيزَانَ ستم ۲۵
مَوَازِينُ بیت ستم ۴۸
مَوَازِينُهُ ستم ۸ ۷
ستم ۱۰۲ ۱۰۵

وسط

تَوَسَّطْنَ ستم ۵
وَسَطًا دوم ۱۳۷
اَوْسَطِ ستم ۹۱
اَوْسَطُهُمْ ستم ۲۸
اَلْوُسْطَى دوم ۲۳۹

وسع

وَسِعَ دوم ۲۵۵ ستم
۸۰ ستم ۸۷ ستم ۹۸
وَسِعَتْ ستم ۱۵۵
وَسِعَتْ ستم ۷
وُسْعَهَا دوم ۲۳۳ ۲۸۶
ستم ۱۵۲ ستم ۴۰
بیت ستم ۶۴
وَاسِعٌ ستم ۲۳
وَاسِعَةً ستم ۱۴۹
وَاسِعَةٌ بیت ستم ۵۶
وَاسِعَةٌ ستم ۱۴۸

ستم ۹۹
ستم ۳۸
ستم ۰
ستم ۲
بحمر ۷
مُوسِعٍ دوم ۲۳۶
مُوسِعُونَ ستم ۴۷

وسق

وَسَقَ ستم ۱۷
اَتَّسَقَ ستم ۱۸

وسل

اَلْوَسِيلَةَ ستم ۳۹

وسم

لِلْمُتَوَسِّمِينَ ستم ۱۶
سَنَسِمُهُ ستم ۷۵

وسن

سِنَةٌ دوم ۲۵۶

وسوس

فَوَسْوَسَ ستم ۱۹ ۱۱۸
تُوَسْوِسُ ستم ۵
یُوَسْوِسُ ستم ۱۵
اَلْوَسْوَاسِ ستم ۴

وشی

شِيَةَ دوم ۶۲

وصب

وَاصِبٌ ستم ۹
وَاصِبًا ستم ۵۴

وصد

بِالْوَصِيدِ ستم ۱۷

وصف

تَصِفُ ستم ۱۱۷
وَتَصِفُ ستم ۶۴
تَصِفُونَ ستم ۱۸
۷۷ بیت ستم ۱۸ ۱۱۲
وَصْفَهُمْ ستم ۱۴۰

وصل

یَصِلُ ستم ۱۳۷
تَصِلُ ستم ۸۳
یَصِلُونَ جہ ۹۲ ستم
۲۱ بیت ستم ۳۵
یَصِلُوا ستم ۸۳
وَصَّلْنَا بیت ستم ۵۱
یُوصَلَ دوم ۲۹ ستم
۲۱ ۲۵
وَصِيلَةٍ ستم ۱۰۲

وصی

وَصَّى جملہ ستم ۱۱
تَوْصِی دوم ۱۲۶
وَصَّيْنَا ستم ۱۳۰
ستم ۱۳ جملہ ستم ۱۱
وَوَصَّيْنَا بیت ستم ۷
جملہ ستم ۱۴
وَصَّاكُمْ ستم ۱۵۲ ۱۵۱
۱۵۴ + ۱۵۳

وَاَيْضًا نوزدہم ۳۲
۲۳
وَصِيَّ ستم ۲
تُوصِيَ ستم ۲
وَصِيَّةً ستم ۵۳
يُوصِيكُمُ ستم ۷
ستم ۳
تُوصُونَ دوم ۷۲
وَصِيَّةٍ جہ ۱۲ + ۱۳
۱۵ + ۱۴
تُوصَى ستم ۱۰۵
وَصِيَّ دوم ۲۴ جملہ ۱۶
یُوصِینَ ستم ۵۰
مُوصٍ دوم ۱۷۸

ووضع

ستم ۶
وَضَعْتُ ستم ۳۱
وَوَضَعْنَا نوزدہم ۲
وَضَعْتُهَا ستم ۹
تَضَعُ ستم ۱۴
وَضَعَهَا ستم ۳۱
وَضَعْنَا ستم ۳۱
وَیَضَعُ ستم ۱۵۶
تَضَعُ ستم ۱۲ جملہ
۴۷
نَضَعُ بیت دوم ۲
تَضَعُ ستم ۵
یَضَعْنَ ستم ۵۹
یَضَعْنَ ستم ۴۴ ۶
یَضَعُونَ بیت ستم ۵۷
تَضَعُوا ستم ۱۰۳
وَنَضَعُ بیت ستم ۴۸
وُضِعَ ستم ۹۰
وَوُضِعَ ستم ۴۷
ستم ۶۹
وَلَاَوْضَعُوا ستم ۴۷
مَوَاضِعِهِ جہ ۴۸ ستم
۴۵ + ۱۶
مَوْضُوعَةٌ ستم ۱۳

وضن

مَوْضُونَةٍ ستم ۱۵

وطا

یَطَئُونَ ستم ۱۲۱
تَطَئُوهَا ستم ۲۷
تَطَئُوهُمْ ستم ۲۵
لِیُوَاطِئُوا ستم ۳۷
وَطْأً ستم ۶
مَوْطِئًا ستم ۱۲۱

وطر

وَطَرًا ستم ۳۷

وطن

مَوَاطِنَ ستم ۲۵

وعد

وَعَدْنَا ستم ۱۱۵ ستم ۷۱

وَعَدَ ستم ستم
۲۳ + ۱۳
وَعَدَكُمْ ستم ۹ ستم
ستم ۲۰
وَعْدُ ستم ۱۹۲
وَعَدَهُ ستم ۸
وَعَدَكُمْ ستم ۲۲
وَعَدَهُ ستم ۷۸
یَعِدُهُمْ ستم ۶۱
یَعِدُ ستم ۳۸
یَعِدُكُمْ دوم ۲۷۱ ستم
۷ ستم ۲۹
اَیَعِدُكُمْ بیت ستم ۳۷
نَعِدُكُمْ ستم ۸۹
نَعِدُهُمْ ستم ۱۱۹
ستم ۶۶
نَعِدُ ستم ۷۵
یازدہم ۳۴ ستم ۲۱
وَعَدَهُمْ ستم ۴۱
اَتَعِدَانِنِي ستم ۱۶
نَعِدُهُمْ ستم ۴۷
۴۰ بیت ستم ۹۷ ستم
وَعَدَهُمْ ستم ۶۶
وَعَدَ ستم ۳۵ بیت
ستم ۱۶
وَعَدْنَا بیت ستم ۸۵
بیت ستم ۷۰
وَعَدَنَا دوم ۴۸
وَوَاعَدْنَا ستم ۱۳۸
وَوَاعَدْنَاكُمْ ستم ۸۳
تُوَاعِدُوهُنَّ دوم ۲۳۵
تَوَاعَدْتُمْ ستم ۴۳
وَعْدَ ستم ۲ ستم
۷۰۵ ۱۰۸ ۱۰۹
۹۸
وَعْدُ یازدہم ۶۸
اَلْوَعْدُ نوزدہم ۵۵
اَلْوَعْدُ بیت ستم ۹
وَعْدَهُ نوزدہم ۶۳ ستم
ستم ۱۸
وَعْدِهِ ستم ۴۸
وَعْدَكَ یازدہم ۴۷
وَعْدَهُ ستم ۱۴۵ بیت
دوم ۲۶ ستم ۲۵ ستم ۷۴
اَلْوَعِيدِ ستم ۱۱۳ ستم ۱۹
بِالْوَعِيدِ ستم ۲۷
وَعِيدِ ستم ۱۷ ستم
۴۵ + ۱۳
مَوْعِدُ ستم ۵۷
مَوْعِدًا ستم ۲۴
ستم ۶۰ + ۹۷
مَوْعِدِكَ ستم ۸۹

[illegible]

[illegible]	[illegible]	وكد	[illegible]	وقد	وفى	موعده يا زيد ٢٠
ولى	[illegible]	وكز	[illegible]	وقذ	[illegible]	موعد منه [illegible]
[illegible]	[illegible]	وكل	[illegible]	وقر	[illegible]	موعده [illegible]
[illegible]	[illegible]	ولت	[illegible]	وقع	[illegible]	موعده [illegible]
[illegible]	[illegible]	ولج	[illegible]	وقف	[illegible]	موعد [illegible] ٩٠
[illegible]	[illegible]	ولد	وكا	وقى	[illegible]	موعدهم [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	موعد [illegible] ٥
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نوعدون [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ميعاد [illegible] ٢٩
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الميعاد [illegible] ٤٢
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الميعاد [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وعظ
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وعى
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وفد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وفر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وفض
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وفق

[illegible]

فصل الياء

۶۹

دلنا معزه	وهب	بینهم شتر ۱۵۳	شتر ۷۱۰۵۳	[illegible]	منصب نمر ۴۵	هوذنا سنمره ۶۰
بوشعیبا	وهج	بقیا نور ۱۹ هود ۶	۴۵ جلد ۲۹	یوسف	ایمان بجر ۱۰۷	یوم
جلد بکر	دهقا بعفار شتر ۱۳	وقیا معفار شتر ۸	بابکر دوزه ۱۹ نمر ۱۴	یوسف دوزدهم ۲۱	منصب شتر ۳۹	
لون جلد ۲۰۷	وهن	بینهم سادنمر ۸		۷۶۰۵۶	ایمان نمر ۱۳	
دینار دوزه ۲۸۳	وهن نود دهم ۳	۹ صد بعض ۳		یوسف حالت جزی دوازدهم	الایمان بحر ۹ شاذ دزه	یوم ستبر ۲۴۰۷
دینها ستر ۱۱۸	وهو ستر ۱۳۰	بینهن بحبه ۸۱		۹۳		جهاد دهم ۴۳
ولنا معزه دی	هبو ستر ۱۳۳ جهاره	بیناهی جهار ۱۳۶	وانبهم بیت جهار ۲۴	۵۵۱۰۱۷۰۱۰۴۹	تبینک ستر ۵۲۰۴۹	
جهار ۴۰	۵۰ جلد نمر ۳۷	الینهای دوزه ۲۱۸ جهار		۸۵۰۵۸		
ولنکم بحر ۶۰	وهن سه بکر ۳	۱۱۰۵۰۳۰۲		یعوق		
وبینهم ستر ۱۲۷	وهنا سه بکر ۱۳			یعقوب		
وبینه ستده ۳۵	اوهن بیت نمر ۳۰	الیتامی جهار ۲۶		ویعقوب دوزه ۱۲۶		
ولی معزه ۹۵	موهن هنمر ۱۸	یترب سه نمر ۱۳		یعقوب حالت جزی دوازدهم		
	وهی	یاجوج بیت بکر ۹۶				
اولیائکم جلد بکر ۳۱	وهنه سخت نمر ۱۶	یاجوج بجیه ۹۳				
اولیائهم دوزه ۲۵۰	ویکان - با - ویکانه	یحموم			ایمانهم شاذ دزه ۷۳	
۱۲۸	بیت شتر ۸۲	یحموم بجاه شتر ۴۲		یعقوب حالت جزی دوازدهم		
اولیائکم سه شتر ۶	دولیا دوزه ۷۳ جهار	ید	بتر سه شتر ۱	۱۳۷ یازدهم ۷۴		
اولیائهم شتر ۱۳۱	جلد بکر ۵	یده بحر ۹ جلد بحر ۱۰	یسر	یغوث		
اولیائه نمر ۱۶۹	اولی بیت بکر ۸		بتر بجاه جهار ۱۷	یغوث معفار بکر ۲۳		
الولایه بجر ۴۲	ولیک جلد شتر ۱۶	یدهم ۲۹		یقت		
				یقطن		
				یقظ		
مولی جلد جهار ۴۱	۷۵ بیت بحر ۳۰			یواقیت		
	باب الیاء					
				یلبس		
وهب			لیع		یونس	
	یلبس		یوسف	یسم	ینع	
				یمن	یهود	
	یتیم					

تتمهٔ حجة البالغه

(۵۵۰)

شبههٔ چهارم

شبههٔ پنجم

شبههٔ ششم

شبههٔ هفتم

بیکشنبه بنا آغاز مکن
اگر داری هوای شرب تربت
بادینه اگر بایی عز و مجد

دکر عزم سفر داری دوشنبه
چهارشنبه بخوان از دیح مبرز
مکن تزویج و داد و خونش صبح

تتمه حجة البالغه

سه شنبه قصد بکر با حجامت
بریخ شنبه مراد حدس بجو
که عزم بنیان و زنا کن

رتبش از مرشد مرهد هی
اهر با یکی هم چه از که ...
...

باب پنجم

هفتم

فائده

اول

قاعدهٔ [illegible]

تتمهٔ حجة البالغه

[illegible]

دویم بیت [illegible]

چهارم [illegible]

ششم [illegible]

هشتم [illegible]

سیم [illegible]

چهارم [illegible]

یازدهم [illegible]

چهارم [illegible]

ثانی [illegible]

اول [illegible]

[illegible]

تتمه حجة البالغه

دعای سجده واجبه

لا اله الا الله حقاً حقاً
لا اله الا الله ایماناً وتصدیقاً
لا اله الا الله عبودیةً ورقاً
سجدت لک یا رب تعبداً ورقاً لا مستکبراً
ولا مستنکفاً بل انا عبد ضعیف ذلیل مسکین
مستکین صدق الله العلی العظیم وصدق
رسوله النبی الکریم ونحن علی ذلک
من الشاهدین والشاکرین
والحمد لله
رب العالمین

خیابان ناصرخسرو

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران